

۶۴۱۳۱



عظیم شہزاد
دہلی، پاکستان

S. M. Mirza

Chah Aqi Afghanistan



پان شاه افغانستان

شهریار جوان و پادشاه معظم افغانستان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه خلد الله تعالی مملکت
اله الله عمره و دولته که ذات همایونش درین سنه قدم بمرحله بیست و دومین حیات
شریف خود میگذارند، ذات همایونی متولد در ۲۲ میزان سال ۱۲۹۳ شمسی
در کابل و پس از سن مقتضی تعلیم شامل مکاتب مقدماتی و متوسط و بالاخره تحصیلات خود را
ذات همایونی در مکاتب عالی کابل با ختم رسانیده موقعیکه والد ماجد فقید شان اعلیحضرت
محمد نادر شاه کبیر عازم سفارت افغانستان درباریس گردیدند، ذات همایونی نیز بمعیت آن شهریار
تبد بفرغ تحصیلات مهمه تشریف فرمای فرانسه گردیده زبان فرانسه و علوم عالیہ را در
مختلف مکاتب عالی و قامبلی های باداوش و معظم آن مملکت تحصیل و تربیة خصوصی
را نسبت بمسائل داخلی و اخلاق ملی و ادراک مطالب لازمه راجع بوطن و خصایص
ملی را از والد بزرگوار خود حاصل فرمودند.

پس از واقعه شورش بزرگ افغانستان (که نجات آن بدست حق پرست والد شهید ذات
همایونی صورت گرفت) اعلیحضرت محمد زح تعلیمات خود شانرا در آن مملکت بسر حد کمال رسانیده
مستعد خدمت وطن شده بودند. در ۲۰ میزان سال ۱۳۰۹ شمسی تشریف فرمای کابل
گردیده محض عشق بعالم عسکری افغانستان و تمقیب سنت سنیة پدر بزرگوار خود در شعبه
عسکری شامل تعلیمگاه عالی نظامی کابل شده و بمدت قلیلی درین فن شریف کامیابی حاصل
بردند و در سنه ۱۳۱۰ شمسی باصبیة معظمه والا حضرت سردار احمد شاه خان وزیر دربار

پسر عم معظم اعلیحضرت شهید ازدواج فرموده و در اخیر همین سنه چندی بوکالت وزارت جلیله حریبه و بعداً بوکالت وزارت معارف و وظف بوده قابلیت ذاتی و استعداد فطری ذات همایونی در حسن اداره و صحت ایفای خدمات این دو وزارت خانه بخوبی و درستی معلوم گردیده در سال ۱۳۱۲ یعنی پس از شهادت شهید یار شهید بتاریخ ۱۶ عقرب بانفاق و درخواست و کلا در بزرگان ملت و عموم افراد عسکری و کشوری اریکه پیرای سلطنت سنیه افغانستان شده سال حاضر سومین سال از جلوس میمنت مانوس این شهر یار جوان محسوب میدنود.

فرزندان اعلیحضرت همایونی:

- ۱- شهزاده بیگم بلقیس سال ولادت ۲۸ حمل سنه ۱۳۱۱ ش
- ۲- والا حضرت شهزاده محمد اکبر خان « ۱۹ اسد » ۱۳۱۲
- ۳- والا حضرت شهزاده احمد شاه خان « ۳۱ سنبله » ۱۳۱۳

سومین سال جلوس اعلیحضرت همایونی

سومین سال جلوس میمنت مانوس شهر یار جوان و جوانیخت افغانستان المذکور علی الله اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پادشاه محبوب خود را کارکنان سالنامه کابل بهوم هموطنان عزیز تبریک گفته بقای وجود اعلیحضرت همایونی را از خداوند متعال تمنای نمایند.

سالنامه کابل که از یادگارها و مطبوعات عصر منور شهر یار نقید اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید است خیلی نازش و افتخار دارد که بوسیله پرورش و مراحم شهر یار جوان، مراحل چهارمین حیات خود را ببوده و صفحات خود را بتدکار خدمات ذقیمت این پادشاه مهربان تزئین می نماید. اعلیحضرت همایونی از بد و جلوس تا کنون مطابق رضای خالق و خوشنودی مخلوق پیاپی شریع مطهر و مرامات قوانین مملکت مصدر خدمات و مجاهدات وطن پرورانه شده و با عشق و علاقه مخصوصی ملت صادق خود را پرستاری و غم خواری فرموده اند.

در عهد این شهر یار معظم، کابینه دولت موفق شده توانست که امور ناآرام عهد پر افتخار اعلیحضرت شهید را اکمال کرده و پلانهای جدیدی برای اصلاح امور و مفاد اقتصادی و مدنی مملکت وضع و تا حدود ممکنه عملی بفرمایند چنانچه انتظامات مسکن، یولیس، معارف، اعزام محصلین در خارج، جاری شدن نهرهای جدید، تعمیر بندها و آبادی ابلاک مزرعه‌های، ساختمان دوایر ملیکی و عسکری، تعمیر جاده مابل ها و کشیدن خطوط تلفون و تلگراف و اتصال و لایات ذریعه پیسیم، غرس اشجار و احداث جنگلات جدید، تاسیس شفاخانه ها در نقاط لازمه و توسعه دوایر صحی، تحول تجارت بشرکتها و صدور امتعه افغانستان به تجارتخانه های ممالک متبذنه، وصل خطوط تلگرافی بسرحدات دول متجابه، تعیین حدود نامعلوم سابقه مرحد و غیره و غیره امور نافع، مزید بزمان اعلیحضرت شهید بار آده سنیه ملوگانه و به نیروی خدمات و زحمات قابل قدر هیئت معظم دولت انجام و اتمام یافت. ما از خدای متعال طول عمر و بقای سلطنت این شهر یار جوان را خواهانیم و در طول این سال، وطن و ملت عزیز ما بیشتر از توجهات و ارادات ترقیخواهانه این حکومت غمخوار خود استفاده نماید.



نورچشم افغانستان والا حضرت شهزاده محمد اکبر خان، فرزند عزیز اعلیٰ حضرت معظم همایونی، بلباس ملی
*S.A.R. le Prince Mohammad Akbar Khan, fils aîné de S.M. Mohammad Zaher
Chah roi d'Afghanistan, en costume national*

قسمت اول

تشكيلات و اجراءات دوائر

مملكتي و بك سلسله مقالات

و معلومات مهمه مفيده

راجع بافغانستان



جناب عالیقدر جلالآب والاحضرت افخم سردار محمد هاشم خان صدر اعظم
S. A. R. Sardar Mohammad Hachem Khan Premier Ministre
کتاب این ذات لایق و این مرد نامدار، در اثر مساعی شباروزی و زحمات خستگی ناپذیر
لاینقطع خودخدمات مهمی را از برای وطن انجام داده و نام نیکی دنیا و عقبی را حاصل
فرموده است. ترقیات و پیشرفت های مدنی حاضره مملکت چه از جنبه سیاسی و چه
در زمینه اقتصادی و عرفانی همه رهین مساعی این مرد بزرگ است

تشکیلات ہملکتی

صدارت عظمیٰ

صدر اعظم	: ج، ع، ج والا حضرت سردار محمد ہاشم خان .
مشاور اول	: ع، ص، ذوالفقار خان .
دوم	: » » سید احمد خان .
رئیس ضبط احوالات	: » » محمد شاہ خان .
مدیر شعبہ اول	: ع، خلیل اللہ خان .
دوم	:
سوم	: ع، عبداللہ خان .
اوراق	: » » محمد اسمعیل خان .
عریض	: » » میر عبداللہ خان .
سرکاتب شعبہ شفر و قلم مخصوص	: » » خواجہ محمد نعیم خان .
مأمور محاسبہ	: » » خواجہ ذکر اللہ خان .
سرکاتب مجلس عالی وزراء	: » » عبدالسمیع خان .
	: » » انظر محمد خان .





عالیقدر جلالتمآب المراعلی نشان و الاحضرت افخم سردار شاه محمود خان غازی

سپه سالار و وزیر حربیه

S. A. R. «A. A.» sardar CHAH MAHMOUD KHAN *Ministre de la Guerre*

که امنیت کامله امروزه و وطن و ترقیات روز افزون امور عسکری تمام مملکت مرهون

سین تدبیر و مساعی خستگی ناپذیر این سرد رشید میباشد . کارکنان انجمن ادبی

درین موقعیکه این فرز ند لایق و وطن برای معالجه خود مقیم خارج میباشند

بکمال نیاز مندی صحت و عافیت عاجل و مراجعت بخریت ذات شان را از

حضور حضرت باری تعالی آرزو دارد .

وزارت حربیه

- وزیر حربیه : ع، ج ۱۰۱ نشان والا حضرت سپه سالار غازی سردار شاه محمود خان .
معاون : ع، ع، ش محمد افور خان نایب سالار .
یاور وزیر حربیه : ح، غلام سید خان غنند مشر ثانی .
مدیر تحریرات : ش، محمد فاسخان کند کشر .
مدیر مخصوص : « محمد یوسف خان » .
دائرة استخبارات :

- مدیر : ش محمد عمر خان غنند مشر ثانی .
آمر شعبه الف :
آمر « ب » : ش عبدالله خان کند کشر .
آمر « ج » :

ریاست ارکان حربیه عمومی:

- وکیل رئیس ارکان حربیه : ع، ش عبدالغفور خان فرقه مشر ثانی .
معاون رئیس : ح، مصطفی خان غنند مشر اول .

دائرة عمومی حرکات :

- مدیر : ح، میراج الدین خان غنند مشر ثانی .
آمر شعبه ۲ تشکیلات : ش، محمد امین خان کند کشر .
آمر « ۳ » تحشیدات :

دائرة عمومی تعلیم و تربیه :

- مدیر عمومی : ح، سید محمد اکبر خان غنند مشر ثانی .
آمر شعبه پیاده و سواری : ش، آقا محمد خان کند کشر .
آمر « هواپازی » :

نشیانات عملکاتی

آمر شعبه ترجمه : ش ، ذکر یا خان کند کشر .
مدیر خرید : ش میر عبدالسلام خان »

ریاست اردو :

رئیس اردو : ع ، ش س ، ع احمد علیخان فرقه مشر اول .
مدیر عمومی مامورین : ح ، عبدالخالق خان غند مشر ثانی .
مدیر اخذ عسکر : ح ، حبیب الله خان غند مشر اول .

مدیریت صحیبه :

مدیر : ح ، حسین علی خان غند مشر ثانی
سرطیب : عزت مند انظار الاسلام دا کتر قریشی
سر بیطار :

مدیر انشآت : ح ، میر اعظم شاه جان غند مشر اول

مدیریت عمومی نقلیه :

مدیر عمومی : ح ، محمد یعقوب خان غند مشر اول
مدیر نقلیه شعبه میخانیک : ش ، ذکر یا خان کند کشر
مدیر » » حیوانی : ش ، محمد حسنخان »

ریاست حریره :

رئیس : ع ، ش سید حسن خان فرقه مشر ثانی
آمر شعبه هیئت معاینه و تدقیق : ح ، محمد اکرم خان غند مشر ثانی
آمر » اسلحه : ش ، سر بلند خان کند کشر
آمر » جبا خانه : ح ، عبدالرحیم خان غند مشر اول
آمر » آلات و ادوات فنیه : ح ، محمد اسام خان غند مشر ثانی
اسلحه دار : ح ، عبدالرشید خان غند مشر ثانی

جباردار : ح ، محمد عثمان خان غنند مشر اول

ریاست لوازمات :

رئیس : ع ، ع ، ش شیر احمد خان نائب سالار
مدیر محاسبه : ش ، خواجه عبدالقیوم خان کندکشر
مدیر لوازم : ح ، حبیب الله خان کندکشر

ریاست قبائل :

رئیس : ح ، سید محمد حسین خان غنند مشر ثانی
معاون : ح ، شیر باز خان غنند مشر ثانی

ریاست محاکمات :

رئیس : ح ، سید علی خان غنند مشر اول
معاون : ش ، گل ملی خان کندکشر

رئیس انجمن اصلاح و ترقی : ع ، ش محمد عمر خان فرقه مشر اول

مدیر اوراق : ش ، عبد الشکور خان کندکشر
مدیر کلوب : ش ، ظهورالدین بنغان کندکشر

شفاخانه عسکری :

سر طبیب : هزتمند دا کتر عبد الفتی شاه خان
سر جراح : ح ، ح ، نور محمد خان
معاون : ح ، سید محمد صالح خان

قوماندانی طیاره :

قوماندان : ح ، محمد احسانخان غنند مشر اول
مدیر دسته : ح ، غلام دستگیر خان غنند مشر ثانی
مدیر لوازم : ش ، غلام بهاوالدینخان کندکشر

قوماندانی مکتب حریه :

ع ، ش ، س ، ع مر دآر طبشاه خان فرقه مشر اول	:	قوماندان
.....	:	معاون
ح ، محمد هاشم خان فند مشر اول	:	مدیر داخله
ش ، عبدالحمن خان کند کشر	:	مدیر لوازم
ح ، لطیف احمد خان فند مشر ثانی	:	معلم صنف پیاده
ح ، علی احمد خان فند مشر ثانی	:	» صنف توپچی
عزتمند می احمد بیک	:	سر معلم صنف استحکام
» ظفر حسن خان	:	» صنف توپچی
» محمد افضل خان	:	معلم سپورت
» عبدالرحمن خان	:	» لسان روسی
» عبدالله خان جاپانی	:	» جو جید سو

مدیریت مکتب رشدیہ :

ش ، احمد سیر خان کند کشر	:	مدیر
» افتخارالدین خان کند کشر	:	معلم
عزتمند ، محمد اعظم خان	:	» لسان انگلیسی
» چودھری عبدالعزیز خان	:	» فزیک و کیمیا

مکتب احضاریہ :

ع ، ش عبداللطیف خان فرقه مشر ثانی	:	نگران
ش ، عبدالرشید خان کند کشر	:	مدیر داخله
عزتمند ، مولوی سکندر خان	:	سر معلم
ش ، محمد یعقوبخان کند کشر	:	مدیر مکتب موزیک
ح ، محمد عمر خان فند مشر ثانی	:	» کورس عالی

ریاست فابریکات حربی:

- رئیس : ع ، ع ، ش سید عبدالله خان نائب سالار .
معاون :
مدیر تحریرات و اوراق : ش ، محمد کاظمخان کند کشر .
مدیر خریداری : ، محمد هاشمخان .

فابریکه آلات حربی :

- منتظم : ح ، نور محمد خان غنند مشر اول .
مدیر محاسبه : ش ، ابو ترابخان کند کشر .

فابریکه نساجی :

- منتظم : ح ، میر صاحبخان غنند مشر ثانی .
مدیر محاسبه : ش ، یعقوب علیخان کند کشر .

فابریکه بارود سفید :

- مدیر محاسبه : ش ، محمد جعفر خان کند کشر .

فابریکه بوت دوزی :

- منتظم : ش ، محمد اسلم خان کند کشر .
مدیر محاسبه :

قوماندان های عسکری مرکز :

- قوماندان فرقه شاهی : ع ، ش سردار اسدالله خان فرقه مشر اول .
» قول اردو : ع ، ع ، ش س ، ا محمد غوث خان نائب سالار .
» فرقه اول قول اردو : ع ، ش عبدالغنی خان فرقه مشر اول .
» وکیل قوماندان » ۲ : ، ، عبدالله خان فرقه مشر ثانی !
» قوماندان » ۳ : ، ، نور محمد خان فرقه مشر اول .

قوماندان فرقه توپچی : ع ، ش عبدالقیوم خان فرقه ، مشر اول .

قوماندان های عسکری اطراف :

وکیل قوماندان عسکری غزنی : ح ، عبدالقیوم خان غنند مشر اول .

قوماندان عسکری قندهار و فراه : ع ، ش میردار محمد داؤد خان فرقه مشر اول . (کابل موقی ع ، ش س ، ع
عایشاه خان فرقه ، مشر اول) .

قوماندان عسکری هرات : ع ، ش عبدالاحد خان فرقه مشر اول .

» » مزارشریف : ع ، ش اله داد خان فرقه مشر ثانی .
و بیله

وکیل قوماندان عسکری : ح ، محمد قاسم خان غنند مشر اول .
قطان و بدخشان

قوماندان عسکری مشرقی : ع ، ش محمد جعفر خان فرقه مشر ثانی .

قوماندان قول اردوی جنوبی : ع ، ش س ، ح محمد افضل خان فرقه مشر اول .

» فرقه اول » » » پیر محمد خان فرقه مشر ثانی .

» دوم » » » عبدالقیوم خان » » »

صاحب منصبان احتیاطی :

فندهاری	ع ، ش مهردل خان نایب سالار
بدخشی	» محمد نعیم خان
محمد زائی	» محمد عمر خان
ناصری	» غلام نبی خان
جاجی	» سر بلند خان
وزیزی	» زر خان
منگلی	» زلمی خان
محمد زائی	» عبدالغنی خان
طو صاخیل	ع ، ش اعظم گلخان فرقه مشر
هزاره دره صوفی	» غلام نبی بیک خان
احمد زائی	» محمد ابراهیم خان

ہراتی	عاش نور احمد خان فرقه مشر
فولزائی	» فضل احمد خان »
ترہ خیل	» داؤد شاہ خان »
لوگری	» محمد ہاشم خان »
احمد زائی	» سعادت خان »
منگلی	» محمد اصیل خان »
وردکی	» عبد اللہ خان »
احمد زائی	» سرکی خان »
مسعودی	» امیر خان »
»	» رمضان خان »
وزیری	» محمد اصیل خان »
احمد زائی	» عبد الغنی خان »
ترہ خیل	» محمد شاہ خان »
ہزارہ	» علی دوست خان »
تکابی	» غلام محمد خان »
اوربا خیل	» عبد الرؤف خان »
یوسف زائی	» محمد شعیب خان »



وزارت خارجہ

وزیر امور خارجہ : ع، ج فیض محمد خان
 معین اول : ع، ص سردار محمد نعیم خان
 معین دوم : ع، ص، محمد عثمان خان

الف مدیریت عمومی سیاسی :

۱ : مدیر عمومی سیاسی : ع، سپید عبد اللہ خان
 ۲ : مدیر شعبہ شرق : ص، محمد کریم خان
 ۳ : مدیر « غرب » : ص، عبد الحکیم خان
 ۴ : مدیر « مطبوعات » : ص، عبد الرؤف خان



ع، ج فیض محمد خان وزیر امور خارجہ
 S.E. FAIZ MOHD KHAN Ministre
 des Affaires Étrangères.

ب۔ مدیریت عمومی تشریفات :

۱ : مدیر عمومی : ع، عبد الحمید خان
 ۲ : معاون : ص، عبد القادر خان

ج۔ مدیریت عمومی معاہدات، کنفرانسیا، جامعہ ملل و حقوق :

۱ : مدیر عمومی : ع، محمد حیدر خان
 ۲ : معاون معاہدات : ص، محمد رحیم خان
 ۳ : معاون کنفرانسیا و جامعہ ملل : ص، نجیب اللہ خان
 ۴ : معاون حقوق : ص، عبد الاحد خان

د۔ مدیریت عمومی اداری :

۱ : مدیر عمومی اداری : ع، محمد یونس خان
 ۲ : مدیر شعبہ مامورین : ص، عبد القادر خان
 ۳ : مدیر « ویزہ و تابعیت و قونسلگری » : ص، پیر محمد صدیق خان



عالمقدر جلالتمآب المراحلی نشان والا حضرت افخم سردار شاه ولیخان غازی فاتح کابل

وزیر مختار و نماینده فوق العاده اعلی حضرت در پاریس، بروسل، برن.

S. A. R. Sardar Chah Vali Khan Envoyé Extraordinaire et Ministre Plénipotentiaire de Sa Majesté à Paris, Bruxelles, Berne, Gérant provisoire du Ministère de la Guerre

که این مرد رشید در دوران مأموریت های مختلفه خود چه در امور عسکری و چه در رشته های ملکی و سیاسی خصوصاً در زمان جهاد استقلال و نجات وطن مصدر خدمات ذقیمتی از برای مملکت شده و امروز در غیاب والا حضرت وزیر صاحب حریه غازی بکفالت ایشان زمام امور وزارت حربیه را بکف با کفایت خویش گرفته مصروف خدمات امور حربیه میباشند.

تشکلات مملکتی

- ع : مدیر شعبه محاسبه : ص ، عبدالرؤف خان .
 ه : مدیر عمومی اوراق : ع ، عبدالغفار خان .
 و : مدیر شعبه شفر : ص ، محمد ابراهیم خان .
 ز : مدیر قلم مخصوص : ص ، حفیظ الله خان .

سفرا و نمایندگان اعلیحضرت در خارج

- سفارت کبرای اعلیحضرت در انقره :
 سفیر کبیر : ع ، ج سلطان احمد خان
 سرکاتب : ص ، عبدالوہاب خان
 کاتب : ص ، محمد زمان خان

سفیر کبیر انقره سمت وزارت مختاری
 اعلیحضرت در معررا نیز دارند .

- سفارت کبرای اعلیحضرت در طهران :
 سفیر کبیر : ع ، ج سردار شیر احمد خان
 سرکاتب : ص ، محمد اکرم خان
 کاتب : ص ، فضل احمد خان

سفارت کبرای اعلیحضرت در مسکو :

- سفیر کبیر : ع ، ج عبدالعزیز خان
 سرکاتب :
 کاتب : ص ، سید محمد عثمان خان
 : د ، محمد یونس خان

وزارت مختاری اعلیحضرت در پاریس :

- وزیر مختار : ع ، ج ۱۰۱ ، نشان والا حضرت سردار شاه ولیخان غازی .
 مستشار : ع ، ص ، س ، ع ، اسلام بیگ خان .
 کاتب : ص ، نور محمد خان .
 : د ، محمد شعیب خان .

وزارت مختاری اعلیحضرت درلندن :

- وزیر مختار : ع ، ج ، علی محمد خان .
سرکاتب : ص ، جمه خان .
کاتب : د ، محمد سرور خان .
جامعه ملل : د ، عبد القیوم خان .

وزارت مختاری اعلیحضرت درروما :

- وزیر مختار : ع ، ج ، عبد الصمد خان .
سرکاتب : ص ، عبد الرسول خان .

وزارت مختاری اعلیحضرت دربرلین :

- وزیر مختار : ع ، ج ، الله نواز خان .
سرکاتب : ص ، محمد اسماعیل خان .

وزارت مختاری اعلیحضرت درتوکیو :

- وزیر مختار : ع ، ج ، حبیب الله خان .
سرکاتب : ص ، عبدالرؤف خان .

وزارت مختاری اعلیحضرت درجده :

- وزیر مختار : ع ، ج ، محمد صادق خان مجددی .
کاتب : ص ، عبد الرحمن خان .

نهاینده حربی افغانستان : ع ، ش ، محمد عمر خان فرقه مشرثانی .
درکنفرانس خلع صلاح

جسرال قونسلگری اعلیحضرت درهند :

- جنرال قونسل : ع ، ص ، صلاح الدینخان سلجوقی .
سرکاتب : ص ، صالح محمد خان .
کاتب : د ، عبدالغاق خان .
کاتب : د ، صالح محمد خان .

جنرال قونسلگری اعلیٰ حضرت در تاشکند :

جنرال قونسل : ع ، ص یار محمد خان
سرکاتب : ص ، محمد رسول خان

جنرال قونسلگری اعلیٰ حضرت در مشهد مقدس :

جنرال قونسل : ع ، ص باز محمد خان
سرکاتب : ص ، عبد القدوس خان
کاتب : ص ، محمد عزیز خان

قونسلگری اعلیٰ حضرت در بمبئی :

قونسل : ع ، عبد الرحمن خان
سرکاتب : ص ، عنایت اللہ خان
کاتب : د ، عبد الصمد خان
آتشہ اقتصادی : د ، میر حسن شوکت

قونسلگری اعلیٰ حضرت در کراچی :

قونسل : ع ، محمد شفیع خان
سرکاتب : ص ، محمد احمد خان
کاتب :

قونسلگری اعلیٰ حضرت در سیستان :

قونسل : ع ، عبد الغفور خان
سرکاتب : ص ، کلاب شاہ خان

قونسلگری اعلیٰ حضرت در مرو :

قونسل : ع ، عبد الودود خان
سرکاتب : ص ، مطا محمد خان

ماموریت ویژه افغانی در پشاور:

مامور ویزہ : م ، محمد یوسف خان
سرکاتب : د ، عبدالقیوم خان
کاتب : د ، محمد انور خان
» : د ، محمد نعیم خان

ماموریت ویژه افغانی در کویته:

مامور ویزہ : م ، میر غلام فاروق خان
کاتب : د ، عبدالرشید خان



وزارت داخله

- وزیر : ع، ج ۱۰۱، نشان محمد گل خان .
معین اول : ع، س، عبد الرشید خان .
مدیر عمر می پولیس : ع، عبدالحکیم خان .
مدیر عمر می احصائیه : ع، عبد الرحیم خان .
مدیر ما مورین : ص، عبد الودود خان .
مدیر محاسبہ : «، بدرالدین خان .
مأمور نخر برات : «، محمد حسن خان .
« اوراق » : «، غلام نقشبند خان .



ع، ج ۱۰۱، نشان محمد گل خان وزیر داخله
S. E. MOHD GUL KHAN Ministre
de l'Intérieur.



وزارت عدلیہ

وزیر : ع، ج فضل احمد خان مجددی

معاونین :

رئیس تمیز : ج، ف عبد الرب خان

انفیل رئیس جمعیت العلماء: * * ملا بزرگ خان

رئیس اصلاحیہ : ع، ص امین اللہ خان

مدیر تحریرات و اوراق : ص، عبد السلام خان

مدیر مامورین : * محمد میر خان

مدیر محاسبہ : * محمد ناصر خان



ع، ج فضل احمد خان مجددی وزیر عدلیہ
S.E. FAZL-AHMAD KHAN Ministre
de la Justice.



وزارت مالیه



- کفیل وزارت مالیه : ع ، ج میرزا محمد خان .
 ریاست محاسبات :
 معین اول و رئیس محاسبات : ع ، ص محمد حسین خان .
 مدیر عمومی معاشات و مصارف کل : ع ، محمد اسلم خان .
 » و ا ر د ا ت : ص ، غلام حسن خان .
 » و ت ح ص ی ل ی ب ق ا ی ا : » ، محمد حسن خان .
 » و خ ز ا ئ ن : » ، سید کمال خان .
 » و ت ح ر ی ر ا ت : » ، محمد رضا خان .

ع ، ج میرزا محمد خاں وزیر تجارت و کفیل مالیه
 S. E. MIRZA MOHD KHAN Ministre
 de Commerce, et Ministre intérimaire
 des Finances

ریاست اداری :
 معین دوم و رئیس اداری : ع ، ص غلام مجتبیٰ خان .

- مدیر عمومی بودجه : ع ، محمد انور خان .
 » و م ا م و ر ی ن : ص ، محمد افضل خان .
 » و ا و ر ا ق : ص ، محمد حسین خان .
 » و م ص ا ر ف و م ع ا ش س ر ک ز ی : ص ، عبدالرحیم خان .
 » و ت ص م ی ہ م ح ا س ب ہ م ا ض ی ہ : ص ، قطب الدین خان .
 مشاور مالی : عزت مند جو مانکبولی .
 ترجمان مشاور مالی : ص ، محمد عثمان خان .

ریاست عمومی مطابع :

- رئیس : ع ، ص عبدالحمید خان .
 معاون اول : ع ، سید محمد ایٹانخان .
 » و د و م : » ، سید محمد رسول خان .
 مدیر زنکوگرافی : ص ، بای محمد نوری .
 خطاط : » ، سید محمد داؤد خان .

سالنامه « کابل »

وسام : ص ، عبد القفور خان برشنا .
متخصص : عز محمد ، اتو موزر .
مدیر محاسبه : ص ، میر حسام الدینخان .

ریاست ضرائح :

رئیس : ع ، ص فلام قادر خان .
مدیر محاسبه : ص ، محمد مهرور خان .
متخصص : « ، عبد انبی خان .



وزارت معارف

وزیر	: ع، ج سردار احمد علیخان
معین	: ع، ص عبد الجبار خان
معاون ریاست تعلیم و تربیہ:	» » » ہاشم شایق افندی
عضو	: » » » عزتمند بای امین عالی
»	: » » » جمال الدین احمد خان
»	: » » » زبدان بدران افندی
»	: » » » ص، شیخ محمد رضا خان
»	: » » » عبد الجبار خان
»	: » » » محمد نبی خان
مدیر تفتیش و تدریس و مامورین:	: » » » عزیز الرحمن خان



ع، ج سردار احمد علی خان وزیر معارف
S. E. Sirdar AHMAD-ALI KHAN
Ministre de l'Instruction Publique.

مفتش علمی و اداری	: ص، عبد الغفار خان
» » »	: » » » محمد آصف خان
مدیر تنظیمات	: » » » عبد اللہ خان
» تجربات	: » » » محمد فاسیحان
» محاسبہ	: » » » محمد بونس خان
مامور اوراق	: » » » عبد اللہ خان
» تحویلیخانہ عمومی	: » » » محمد بونس خان
مدیر موزہ و حفریات	: » » » غلام محی الدینخان
مامور محافظہ آثار عتیقہ بامیان:	: » » » میر محمد اسلم خان
» انتظام کلوب معارف	: » » » احمد علی خان
» نگران اہلیہ دارالفتون:	: » » » عبد الرحیم خان
» دایرہ لا بورا ثوار	: » » » دا کتر حافظ اتور علیخان:
دا کتر شفاخانہ معارف	: » » » عزتمند احمد علی خان:
مامور کتابخانہ وزارت	: » » » محمد زمان خان

مامور کتابخانه ملی	:	ص ، عبدالغنی خان
رئیس انجمن ادبی پشتو	:	ع ، ص محمد عثمان خان :
عضو	:	ص ، محمد اعظم خان
»	:	» قیام الدین خان ،
»	:	» محمد گل خان :

شعبات مربوطه مرکز :

رئیس دارالعلوم عربی	:	ع ، ص قاری عبدالرسول خان .
و مکتب حفاظ		
سر معلم مکتب حفظ	:	ص ، حافظ عبدالرسول خان .
رئیس ناکولته طبی	:	عزتمند دا کتر حسن رشاد بیگ .
و کیل فاکولته ساینس	:	ص ، عبدالرحیم خان .
مدیر مکتب حیدیه	:	» ، سید محمد فاروق خان .
و کیل مکتب استقلال	:	عزتمند ، فریسه .
مدیر « نجات	:	عزتمند ، رارت شته ونک .
»	:	»
معاون	:	ص ، عبدالقیوم خان .
منتظم « طبی	:	» ، سید عبدالله خان .
مدیر تربیه حیوانات و کفیل	:	» ، میر محمد یوسف خان .
مدیر مکتب زراعت	:	
کفیل مدیر مکتب دارالمعلمین	:	» ، سید عبدالله خان .
»	:	» ، غلام حیدر خان .
متخصص دوا سازی	:	عزتمند ، عمر شوکت بیگ .



وزارت تجارت

- وزیر : ع ، ج میرا محمد خان .
- معین اول : ع ، ص ، محمد حسین خان .
- معین دوم : ، ، ، ، غلام غوث خان .
- مدیر عمومی کمراکات واحصائیه : ع ، عبد النیوم خان .
- » عمومی تجارت :
- کفیل مدیر ترجمان : ص ، عبد اللہ خان .
- مدیر مجلہ اقتصاد : ، ، محمد زمان خان ترہ کی .
- » عمومی زراعت و معادن :
- جنگلات :
- مدیر شعبہ زراعت : ص ، محمد زمان خان .
- » مامورین :
- » محاسبہ : ص ، محمد عنایت اللہ خان .
- » تحریرات : ، ، میر محمد ضیاء الدین خان .
- » اوراق : ، ، عبد الودود خان .
- سرکاتب شرکتہا : ، ، عبد الحسین خان .
- شعبات مربوطہ سرکاتب :
- رئیس فیصلہ منازعات تجارتیہ : ع ، ص ، غلام حیدر خان .
- مدیر بند قرغہ : ص ، محمد جان خان ،
- » سرخ آب لوگر : ، ، محمد جانخان .
- » حرورار : ، ، سید قاسمخان .
- » چیلغوی سمت جنوبی : ، ، عبدالقدوس خان .
- » زنہ خان غزنی : ، ، میر بہاوالدین خان .
- » سردہ غزنی : ، ، عبد القادر خان .
- مامور معدن زوغل فرح : ، ، محمد اسمعیل خان .
- گردغور بند : ، ، عبد العزیز خان .
- » فوبریکہ زمیم موترها : ، ، عبد العزیز خان .

وزارت فواید عامه



ع، ج عبد الرحيم خان وزير فوائد عامه
S. E. ABDUR-RAHIM KHAN
Ministre des Travaux Publics.

وزیر : ع، ج عبد الرحيم خان .
معین : ع، ص نصر الله خان .
مدیر تخریرات : ص، محمد عليخان .

مدیریت عمومی فابریکات :

مدیر عمومی : ع، سردار غلام محمد خان .
فابریکه گوگردسازی : ص، امیر محمد خان .

مامور « تجاری دارالفنون » : د، نور احمد خان .

متخصص حکاکی و سنگ : عزت‌مند ادوارد کهواژ -
لا جورد

مامور فابریکه نخ تانی جبل السراج : ص، محمد ابراهیم خان .

متخصص فابریکه نختابی : عزت‌مند مانیکه .
جبل السراج

مامور فابریکه تجاری سرکنز

و مربوطات آن : حکاکی
سگترانی و رنگمال

مدیریت عمومی معابر :

مدیر عمومی : ع، سعد الدینخان .

مهندس : عزت‌مند نسیمه .

» : محمد شفیع خان .

» : « جعفر علیخان .

» و ترجمان لسان الهانی : ص، احمد شاخان .

مدیر امانی سرک مشرقی : ص، محمد مرورخان .

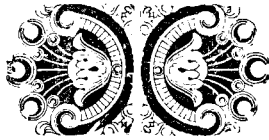
» تیکه سرک مشرقی : ص، عبد الرسول خان .

مدیریت عمومی تعمیرات :

مدیر عمومی : ع، عبد النبیات خان

تشکيلات مملکتی

ص ، محمد موسی خان .	:	ما مور محاسبہ
		مدیریت مہندسی :
ص ، نظر محمد خان .	:	مدیر
		مدیریت محاسبہ :
ص ، عبد الکریم خان .	:	مدیر محاسبہ
ص ، عبد الاحد خان .	:	ما مور محاسبہ
		مدیریت جشن :
ص ، غلام محی الدین خان .	:	مدیر
.	:	معاون
		مدیریت برق :
ص ، عبد الباقی خان .	:	مدیر
ص ، غلام محمد خان	:	انجنیر سب اسٹیشن
عزائم اگست اوپل	:	» برق
ص ، امیر الدین خان	:	» »
ص ، عبد الحسین خان	:	مدیر ما مورین
ص ، حبیب اللہ خان	:	» اوراق
ص ، محمد افضل خان	:	ترجمان لسان انگریسی



وزارت صحیہ



م ، ج غلام یحیی خان وزیر صحیہ
S. E. GHOLAM YAHYA KHAN
Ministre de l'Hygiène.

- وزیر : ع ، ج غلام یحیی خان
معین : ع ، ص محمد کریم خان
مدیر محاسبہ : ص ، محمد محسن خان
مجموعہ صحیہ : م ، عید الرشید خان
مشاور فنی : م ، جلال الدین خان
سرکاتب شعبہ مامورین : م ، محمد ابراہیم خان
شعبہ تحریرات : م ، فقیر محمد خان
اوراق : م ، صالح محمد خان

شعبات مربوطہ مرکز :

- مدیر شفاخانہ ملکی : ص ، عبد الغفار خان
سرطیب : م ، عزت مند دکتور ، فواد بیگ
مدیرہ شفاخانہ مستورات : ص ، زینب بیگم
کفیل مدیر دواخانہ عمومی : م ، میر عبد الہی خان
متخصص شعبہ کسر بزورادیو : م ، طاؤ اللہ خان
دکتور دلدان : م ، عبد اللہ خان
کفیل سرطیب رفقی سناتوریم : م ، عزت مند ربیع حکمت بیگ
معاون فنی واداری : م ، رفیق سنا نوریم
سرطیب شفاخانہ امراض قلبیہ و عصبیہ : م ، عزت مند ، نوزاد بیگ
معاون فنی واداری شفاخانہ امراض قلبیہ و عصبیہ : م ، محمد یوسف خان



وزارت پست و تلگراف و تیلیفون



ع . ج رحیم اللہ خان وزیر پست ، تلگراف و تیلیفون
S. E. RAHIMULLAH KHAN Ministre
des P. T. T.

- | | |
|---------------------------|---|
| وزیر | : ع . ج رحیم اللہ خان . |
| معین | : ع . ص عبد الرسول خان . |
| مدیر محاسبہ | : ص . غلام احمد خان . |
| مامور محاسبہ خارجیہ | : » محمد سعید خان . |
| سر کاتب شعبہ پست | : » نور محمد خان . |
| » تلگراف | : » امین اللہ خان . |
| » ارتباط خارجیہ | : » عبد القیوم خان . |
| » مامورین و تحریرات | : » محمد ایوب خان . |
| سر کاتب اوراق | : ص . یونس محمد خان . |
| مدیر حمل و نقل | : » غلام جیلانی خان . |
| شعبہ مشاورہ پست : | |
| مشاور | : عزت مند بالادو . |
| ترجمان | : ص . غلام فاروق خان . |
| شعبہ رادیو ٹیکنیک : | |
| متخصص خارجی | : عزت مند ، بوم |
| » داخلی | : ص . محمد حسین خان انجنیر رادیو الکترونک . |
| شعبہ فنی تیلیفون : | |
| متخصص خارجی | : عزت مند ، لارسون . |
| » داخلی | : ص . عبد الحمید خان . |
| نگران های تیلیفون اطراف : | |
| نگران تیلیفون سمت مغربی | : » محمد افضل خان . |
| » » » مشرقی | : » غلام حضرت خان . |
| » » » شمالی | : » حاجی محمد خان . |
| » » » جدو بی | : » عبد الاحد خان . |

تشکیلات ولایات و حکومتی های اعلی

و حکومتی های کابل

ولایت کابل

والی	:	و ، ج محمد عمر خان .
مستوفی	:	ع ، ص سید حبیب خان .
مدیر محاسبه مستوفیت	:	ص ، میر سلام الدین خان .
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا صالح محمد خان .
قوماندان کوتوالی	:	ح ، طره باز خان .
سرمامور قوماندانی کوتوالی	:	ش ، حبیب الله خان .
مدیر جزاء	:	ص ، خیر محمد خان .
تعلیم و تربیه	:	» ، محمد اکبر خان .
محاسبه	:	» ، غلام رضا خان .
محبس	:	» ، سید کمال خان .
رئیس خزانه عمومی	:	ع ، ص نظر محمد خان .
مدیر محاسبه خزانه عمومی	:	ص ، محمد اسمعیل خان .
رئیس کمربک	:	ع ، ص عبدالله خان .
مدیر محاسبه کمربک	:	ص ، فخر الدین خان .
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا احمد خان .
مدیر تحریرات	:	ص ، عبدالواحد خان .
مخابرات	:	» ، غلام صفر خان .
منتظم تلگراف سیمدار	:	» ، محمد امان خان .
»	:	» ، علی گل خان .
»	:	» ، دلاور خان .
مامور معاشر	:	

حکومت کلان شمالی :

ع ، ع خواجہ محمد خان .	:	حاکم کلان
ص ، محمد عثمان خان .	:	مدیر مالیہ
ف ، عبد الجلیل خان .	:	قاضی ابتدائیہ
ش ، شیر احمد خان .	:	قوماندان کونوالی
ص ، علی محمد خان .	:	مامور گمرک

حکومت کلان غزنی :

ع ، ص آدم خان .	:	حاکم کلان
ص ، فتح محمد خان .	:	مدیر مالیہ
ف ، ملا محمد ملیخان .	:	قاضی ابتدائیہ
غ ، عین الدین خان .	:	قوماندان کونوالی
ص ، محمد عمر خان .	:	مامور گمرک

حکومت کلان دایزنکی :

ع ، ص نیک محمد خان .	:	حاکم کلان
ص ، محمد سعید خان .	:	مدیر مالیہ
ف ، دین محمد خان .	:	قاضی ابتدائیہ
غ ، محمد نبی خان .	:	قوماندان کونوالی

حکومت کلان لوگر :

ع ، ع محمد حسن خان .	:	کفیل حاکم کلان
ص ، گل محمد خان .	:	مدیر مالیہ
ف ، ملا صالح محمد خان .	:	قاضی ابتدائیہ
.....	:	قوماندان کونوالی
ص ، نور الحق خان .	:	مامور گمرک

ولایت قندهار

ع ، ش ، سردار محمد داؤد خان . « کفیل موقتی ع ، ش ، س ، ع سردار عیاشه خان »	: نایب الحکومه
ع ، ص ، محمد امام خان .	: مستوفی
ص ، سید حسن خان .	: مدیر محاسبه مستوفیت
ف ، ملا اختر محمد خان .	: قاضی مرافعه
ح ، محمد اکبر خان .	: قوماندان کوتوالی
ص ، فخرالدین خان .	: مدیر کمراک
ف ، ملا صاحبخان .	: قاضی ابتدائیه
ص ، محمد امین خان .	: مدیر خارجه
د ، محمد اسمعیل خان .	: مدیر تحریرات
د ، پاینده محمد خان .	: مدیر مخبرات
د ، عبدالله خان .	: منتظم تلگراف
د ، محمد ووف خان .	: کفیل مدیر صحیه
د ، سیف الله خان .	: مدیر خزانہ
د ، صالح محمد خان .	: « معارف »
د ، حاجی جان محمد خان .	: رئیس فیصله منازعات تجاریه
د ، محمد اصغر خان .	: مدیر معابر
د ، محمد صدیق خان .	: مامور زراعت
د ، فضل احمد خان .	: مامور برق
د ، نظام الدین خان .	: « فابریکه نساجی »
عزمنند ، کبیر .	: « « متخصص »

حکومت کلان کرشک :

ع ، ع ، دوست محمد خان .	: حاکم کلان
ص ، نور احمد خان .	: مدیر مالیه
ف ، محمد نسیم خان .	: قاضی ابتدائیه
غ ، مهدی احمد خان .	: قوماندان کوتوالی

: ص ، محمد رضا خان .

مامور گمرک

حکومت کلان روزگان :

: ع ، ع شاه بزرگ خان ،

حاکم کلان

: ص ، نظام الدین خان ،

مدیر مالیہ

: ف ، عبد الحلیم خان ،

قاضی ابتدائیہ

: غ ، تاج محمد خان ،

قوماندان کوتوالی

: ص ، محمد عمر خان .

مامور گمرک

حکومت کلان قلات :

: ع ، ع محمد رفیق خان ،

حاکم کلان

: ص ، محمد یعقوب خان ،

مدیر مالیہ

: ف ، ملا سید جان خان ،

قاضی ابتدائیہ

: غ ، خان محمد خان ،

قوماندان کوتوالی

: ص ، محمد اسحاق خان .

مامور گمرک

ولایت ہرات

: و ، ج ، س ، ا ، غلام فاروق خان ،

نائب الحکومہ

: ع ، ص عبد الوہاب خان ،

مستوفی

: ص ، محمد عثمان خان ،

مدیر محاسبہ مستوفیت

: ف ، حافظ احمد علیخان ،

قاضی سرا فہ

: ح ، حاجی محمد عظیم خان ،

قوماندان کوتوالی

: ص ، غلام حیدر خان ،

مدیر گمرک

: ف ، ملا عبد الباقیخان ،

قاضی ابتدائیہ

: ص ، محمد صدیق خان ،

مدیر خارجه

: د ، حبیب الرحمن خان ،

تحریرات

: د ، عبد الغفاق خان

مدیر مخبرات

منتظم تلگراف	: ص ، عبد الاحد خان
مدیر زراعت	: « ، عبد المجید خان
کفیل مدیر صحیه	: « ، محمد علی خان .
مامور خزانہ	: « ، عبد الوهاب خان
« معارف	: « ، سعد الدینخان
رئیس فیصلہ منازعات تجاریہ	: « ، حاجی گل محمد خان
مامور معابر	: « ، محمد عمر خان

حکومت کلان غورات :

حاکم کلان	: ع ، ع کلاب شاه خان
مدیر مالیہ	: ص ، محمد ہاشم خان .
قاضی ابتدائیہ	:
قوماندانی کوتوالی	:
مامور گمرک	: ص ، محمد اکرم خان .

حکومت کلان بادغیسات :

حاکم کلان	: ع ، ع محمد شریف خان .
مدیر مالیہ	: ص ، نصر اللہ خان .
قاضی ابتدائیہ	: ف ، ملا نیک محمد خان .
قوماندان کوتوالی	: غ ، غلام حسن خان .
مامور گمرک	: ص ، محمد اسمیل خان .

ولایت مزار شریف

نائب الحکومہ	: و ، ج گل احمد خان .
مستوفی	: ع ، ص عزیز اللہ خان .
مدیر محاسبہ مستوفیت	: ص ، نور احمد خان .
قاضی مرافعہ	: ف ، ملا میر محمود خان .
قوماندان کوتوالی	: ح ، محمد جان خان .

تشکيلات مملکتی

مدیر گمرک	: ص ، عبد الحق خان .
قاضی ابتدائیہ	: ف ، ملا محمد رجب خان .
مدیر خارجہ	: ص ، سید محمد مومن خان .
مدیر تحریرات	: د ، عبد المنان خان .
مدیر اخبارات	: د ، عبد الفتاح خان .
منتظم تلگراف	: د ، غلام مرور خان .
کفیل مدیر صحیہ	: د ، محمد مومی خان .
مدیر زراعت	: د ، محمد زمان خان .
مامور خزانہ	: د ، سید سکندر شاہ خان .
مامور معارف	: د ، عبد السلام خان .
رئیس فیصلہ منازعات	: د ، عبد الاحد خان .
مامور معابر	: د ، غلام رسول خان .
مامور موزیم	: د ، محمد سلیم خان .
حکومت کلان شہر خان :	
حاکم کلان	: ع ، ع سید آقا خان .
مدیر مالیہ	: ص ، عبد الحکیم خان .
قاضی ابتدائیہ	: ف ، ملا محمد امین خان .
قوماندان کوتوالی	: غ ، محمد اکرم خان .
مامور گمرک	: ص ، عبد القیاس خان .

ولایت قطن و بد خشان

وکیل نائب الحکومہ	: و ، ج شیر محمد خان .
مستوفی	: ع ، ص محمد مرور خان .
مدیر محاسبہ مستوفیت	: ص ، میر محمد نبی خان .
قاضی مرافعہ	: ف ، ملا احمد خان .
قوماندان کوتوالی	: ح ، فقیر شاہ خان .

مدیر گمرک	: ص ، محمد انور خان .
قاضی ابتدائیہ	: ف ، ملا گل دست خان .
مامور خارجہ	: ص ، سید عبد الواسع خان .
مدیر تحریرات	: د ، شاہ عبد اللہ خان .
مدیر مخبرات	: د ، عبد القفور خان .
منتظم تلگراف	: د ، محمد عثمان خان .
کفیل مدیر صحیحہ	: د ، محمد رسول خان .
مدیر زراعت	: د ، غلام رسول خان .
مامور خزانہ	: د ، خواجہ عبد الرشید خان .
مامور معارف	: د ، عبد القدر خان .
رئیس فیصلہ منازعات نجاریہ	: د ، میان فضل احمد خان .

حکومت کلان بدخشان :

حاکم کلان	: ع ، ع محمد شمعان .
مدیر مالیہ	: ص ، فضل احمد خان .
قاضی ابتدائیہ	: ف ، ملا محمد غوث خان .
قوماندان کوتوالی	: غ ، عبد الصمد خان .
مامور گمرک	: ص ، غلام فاروق خان .
مامور مخبرات	: د ، شیر محمد خان .
مامور سرک بدخشان	: د ، سلطان محمد خان .
مهندس	: د ، عزیز محمد ، چوہدری محمد حسین خان .

حکومت اعلیٰ مشرقی

حاکم اعلیٰ	: ع ، ع ، ص محمد قاسم خان
سررشتہ دار	: ص ، شیر احمد خان .
مامور محاسبہ سررشتہ داری	: د ، شیر احمد خان

نشکلات مہکتی

قاضی مرافعہ	:	ف ، ملا عبد اللہ خان .
قوماندان کوٹوالی	:	ح ، سید محمد امیر خان .
مدیر کمربک	:	ص ، عبد الکریم خان .
قاضی ابتدائیہ	:	ف ، ملا محمد اسحاق خان .
مدیر خارجه	:	ص ، محمد قاسم خان .
کفیل مدیر صحیہ	:	» ، محمد اسماعیل خان .
مدیر زراعت	:	» ، سید حبیب علیشاہ خان .
مدیر معابر	:	» ، عبد الوکیل خان .
ما مور تحریرات	:	» ، فضل محمد خان .
» رخنہ	:	» ، محمد جان خان .
» معارف	:	» ، عبد العلیخان .
» مخابرات	:	» ، نیک محمد خان .
منتظم تلگراف تورخم	:	» ، محمد علیخان .

حکومت کلان اسہار :

حاکم کلان	:	ع ، ع سید جلال خان .
مدیر مالیہ	:	ص ، بابہ جان خان .
قاضی ابتدائیہ	:	ف ، ملا عبد الغفور خان .
قوماندان کوٹوالی	:	غ ، شیر محمد خان .
ما مور کمربک	:	ص ، عبد الغنی خان .

حکومت اعلیٰ جنوبی

حاکم اعلیٰ و قوماندان عسکری :	ع ، ش ، س ، ع محمد افضل خان فرقہ مشراول
سررشتہ دار :	ص ، عبد المجید خان
ما مور محاسبہ سررشتہ داری :	» ، عبد العزیز خان
قاضی مرافعہ :	ف ، ملا عبد الجلیل خان
قوماندان کوٹوالی :	ش ، مدد خان

قاضي ابتدائيه	:	ف ، ملا مير سيد كاظم خان .
مدیر گمرک	:	« ، عبد المجيد خان .
مدیر خارجه	:
کفيل مدير صحيه	:	« ، نصر الله خان .
مدیر معابر	:	« ، مدد خان .
مدیر زراعت	:	« ، عبد الکریم خان .
مدیر خزانه	:	« ، جمال الدين خان .
مامور تحريات	:	« ، غلام حيدر خان .
« معارف	:	« ، عليجان خان .
« مخبرات	:	« ، گل احمد خان .

حکومت اعلاى ميمنه

حاكم اعلى	:	ع ، ع ، ص محمد عزيز خان .
سررشته دار	:	ص ، نور محمد خان .
مامور محاسبه سررشته دارى	:	« ، شير محمد خان .
قاضي مرافعه	:	ف ، ملا محمد يوسف خان .
قوماندان کړتوالى	:	ش ، عبد الغفور خان .
مدیر گمرک اندخوى	:	ص ، دين محمد خان .
مامور گمرک ميمنه	:	« ، فخر الدين خان .
قاضي ابتدائيه	:	ف ، ملا عبد الرؤف خان .
مدیر خارجه	:	ص ، عبد الشکور خان .
کفيل مدير صحيه	:
مامور تحريات	:	« ، عبد الحميد خان .
مامور مخبرات	:	« ، محمد يعقوب خان .
کفيل مامور زراعت	:	« ، آقا رحيم خان .
مامور خزانه	:	« ، محمد اہلم خان .

مامور معارف	:	ص ، محمد طاهر خان
رئیس فیصلہ منازعات تجاریہ	:	د ، محمد عمر خان
مامور معابر	:	د ، سلطان عزیز خان

حکومت اعلیٰ فراہ و چخانسر

حاکم اعلیٰ	:	ع ، ع ، ص عبدالرزاق خان .
سررشتہ دار	:	س ، محمد نعیم خان .
مامور محاسبہ سررشتہ داری	:	د ، عزیز احمد خان .
قاضی مرافعہ	:	ف ، ملا عبداللطیف خان .
قوماندان کوتوالی	:	ش ، غلام حیدر خان .
مدیر خارجه	:	ص ، محمد صدیق خان .
کفیل مدیر صحیہ	:	د ، سلطان احمد خان .
مدیر زراعت	:	د ، عبدالباقی خان .
مامور کمراک	:	ص ، زرداد خان
قاضی ابتدائیہ	:	ف ، حاجی ملا احمد خان .
مامور تحریرات	:	ص ، نظام الدین خان .
مخبرات	:	د ، محمد علم خان .
خزانہ	:	د ، محمد امین خان .
معارف	:	د ، گلبدن خان .



تشکیلات دوائر ملی

ریاست عالی شورای ملی

هیئت رئیسه ریاست عالی شورای ملی

- رئیس شورای ملی : ع ، ج ، عبد الاحد خان
 معین اول : ع ، ص ، عبد القیوم خان
 معین دوم : « ، « ، برهان الدینخان
 منشی : ع ، عبد اللطیف خان
 معاون منشی : ص ، عبد الباقیخان
 سرکاتب مجلس : « ، عطا محمد خان
 « محاسبه : « ، فیض محمد خان
 « اوراق : « ، عبد الرود خان



ع ، ج ، عبد الاحد خان رئیس شورای ملی
 S. E. ABDOUL AHAD KHAN
 Président du Conseil National.

وکلاء :

- | | | |
|-------------------|--------------------------|-----------------|
| سر بوط ولایت کابل | ع ، ج ، عبد الاحد خان | وکیل شهر کابل |
| » | » | » |
| » | » ، غلام محی الدینخان | » کابل |
| » | » ، سید محمد خان | » شش کروهی |
| » | » ، عبد الظاهر خان | » بنگان |
| » | » ، سید عباس خان | » لوگر |
| » | » ، عبد القیوم خان | » وردک |
| » | » ، مولوی عبد القدوس خان | » میدان |
| » | » ، احمد جان خان | » سیغان و کهمرد |
| » | » ، سلطان علی خان | » بامیان |
| » | » ، عبد الستار خان | » چهار بکار |
| » | » ، احمد علیخان | » نجراب |

تشکیلات دوا بر مل

مربوط ولایت کابل	وکیل تنکاب
»	» ریزه کوهستان
»	» سرخ و پارسا
»	» جبل السراج
»	» کوهدامن
»	» غزنی
»	» غور بند
»	» مقر
»	» جاغوری
»	» دایزنکی
»	» بهسود
»	» بکا و لنگی
»	» سروبی
»	» کوچی دامانی کتواز
»	» کتواز
»	» دند
»	» کشک نخود
»	» قلات
»	» گر سیر
»	» کدنی
»	» دهر اهود
»	» تیرین
»	» دهله
»	» ترنگ و جلدک
»	» ارغستان
»	» کرنگ

سالنامہ د کابل

مربوط ولایت قندهار	ص ، عبد الرزاق خان	وکیل زمیند اور
»	» ، محمد شاه خان	» ارزگان
»	» ، عبد العزیز خان	» کنزاب
»	» ، میر افضل خان	» اجرستان
»	» ، دوست محمد خان	» کوچی پشت رود
مربوط ولایت هرات	» ، محمد شریف خان	» مرکز هرات
»	» ، فضل حق خان	» بلوکات
»	» ، میر محمد محسن خان	» غور
»	» ، محمد مرور خان	» سبز و ار
»	» ، محمد عزیز خان	» غوریان
»	» ، محمد یعقوب خان	» کنک و کلران
»	» ، سلطان محمد خان	» قلعه نو
»	» ، عبد الباقیخان	» بالامرغاب
»	» ، سید محمد عمر خان	» اوبه
»	» ، دوست محمد خان	» تولک و تکا بسنان
»	» ، رحمت الله خان	» شهرک
»	» ، عبد البزیز خان	» چقچران
مزار شریف	» ، عبد الکریم خان	» مرکز مزار شریف
»	» ، رجب علیخان	» نهرشاهی
»	» ، محمد ظریف خان	» سنکچهارک
»	» ، محمد ناصر خان	» تاشقرغان
»	» ، محمد عظیم خان	» سریل
»	» ،	» آقچه
»	» ، ص ، شیر زمان خان	» بلخ
»	» ، نور الله خان	» دولت آباد
»	» ، طورہ بیگ خان	» دره صوف

تشکیلات دوائر ملی

ولایت مزار شریف	: ص ، میر محمد اسلم خان	وکیل شبرغان
»	: » ، میرزا کلان خان	» ایبک
مربوط ولایت قطن و بدخشان	: » ، غلام حیدر خان	» مرکز خان آباد
»	: » ، عبد القیور خان	» قندوز
»	: » ، سید محمد خان	» نهرین
»	: » ، صاحب نور خان	» حضرت امام صاحب
»	: » ، ملا بابہ خان	» اندراب
»	: » ، نایب خوشوقت خان	» غوری
»	: » ، محمد اکرم خان	» تالقان
»	: » ، محمد ذاکر خان	» مرکز بدخشان
»	: » ، شیر خان بیگ خان	» واخان
»	: » ، داکی خان	» درواز
»	: » ، محمد حسین خان	» کشم
»	: » ، غلام نبی خان	» جرم
»	: » ، بابہ جانخان	» ینگلی قلعه
»	: » ، میر فضل احمد خان	» چال و اشکمش
مربوط حکومت اعلیٰ مشرقی	: » ، محمد انور خان	» مرکز جلال آباد
»	: » ، سید محمد صادق خان	» سرخ رود
»	: » ، عبد الله خان	» مہمندره
»	: » ، محمد ظفر خان	» شنوار
»	: » ، میا عبد الغفور خان	» کامہ
»	: » ، عبد القادر خان	» لغمان
»	: » ، مشک عالم خان	» نورستان
»	: » ، شیر علیخان	» خوگیانی
»	: » ، محمد امیر خان	» حصارک غلجائی
»	: » ، مجاہد بن خان	» مرکز حکومت کلان کمرها

سالنامه د کابل

مربوط حکومت اعلای مشرقی	: ص ، سید جان خان	وکیل کدتر خاص و کوز کدتر
»	: » ، محمد امین خان	» بر کدتر دره سین
»	: » ، محمد امین خان	» دره پیچ
»	: » ، میا جانخان	» رودات
»	: » ، محمد هاشمخان	» کوچی نمکنهاری
مربوط حکومت اعلای جنوبی	: » ، امیر محمد خان	» گردبز
»	: » ، سید حبیب شاه خان	» ارگون
»	: » ، صاحب جانخان	» خوست
»	: » ، میرزا محمد خان	» خوست
»	: » ، بدک خان	» منگل
»	: » ، صاحب گل خان	» جاجی
»	: » ، نیک محمد خان	» جدران
»	: » ، محمد عزیز خان	» چمکنی
»	: » ، محمد نعیم خان	» زرمتم
مربوط حکومت اعلای پینه	: » ، ابوالقاسم خان	» مرکز و علاقه جات بیرون : سونه و پشتون کوت
»	: » ، عبد الرحمن خان	» قیصار
»	: » ، عبد الرحمن خان	» درزاب و گرزبان
»	: » ، چار یارقل خان	» اندخوی
»	: » ، سید ابوالخیر خان	» تکاب شیرین
مربوط حکومت اعلای فرا	: » ، سلطان محمد خان	» مرکز فراه
»	: » ، یار محمد خان	» چخالسور
»	: » ، غلام مرور خان	» بکواه و خاشرود



مجلس عالی اعيان

ع ، ج مير عطا محمد خان	:	رئيس
ع ، ص حاجي محمد اکبر خان	:	معاون اول
ع ، ص عبد الرحيم خان	:	معاون دوم
.....	:	رئيس تمیز
ص ، مير دار گل محمد خان	:	اعضای مجلس
» ، حافظ عبد الغفار خان	:	» »
» ، حاجي خير محمد خان	:	» »
» ، حاجي مطا محمد خان	:	» »
» ، عبد الحكيم خان	:	» »
د ، معاذ الله خان	:	» »
د ، شرف الدين خان	:	» »



ع ، ج مير عطا محمد خان رئيس مجلس عالی اعيان
S. E. MIR ATA MOHD KHAN
Président du Sénat.

ص ، جان محمد خان	:	اعضای مجلس
» ، سيد ياقوت شاه خان	:	» »
د ، ملك رحمدل خان	:	» »
» ، ايشان امان الدين خان	:	» »
» ، شاه محمود خان	:	» »
» ، حاجي عبد الرحيم خان	:	» »
د ، غلام معروف خان	:	» »
د ، عبد الحميد خان	:	» »
» ، خان آفا خان	:	» »
» ، محمد رسول خان	:	» »
د ، عبد الصمد خان	:	» »
د ، عبد الغفور خان	:	» »
» ، عبد الحكيم خان	:	» »
» ، سيد فيض الله خان	:	» »
» ، حاجي محمود خان	:	» »

سالنامہ « کابل »

ص ، عبد اللطیف خان	:	اعضی مجلس
» ، امین اللہ خان	:	»
» ، محمد نمر خان	:	»
» ، میر محمد ولایتخان آزاد	:	»
» ، عبد الستار خان	:	»
» ، سید احمد شاہ خان	:	»
» ، علی احمد خان	:	»
» ، عبدالرحمن خان	:	»
» ، محمد حسن خان	:	»
» ، خدا داد خان	:	»
» ، نظر محمد خان	:	»
» ، ملک محمد اصغر خان	:	»
» ، جلال الدین خان	:	»
» ، محمد حسن خان	:	»
» ، سید شمس الدینخان	:	»
» ، سید محمد خان	:	»
» ، سید احمد خان	:	»
» ، عبدالحق خان	:	»
» ، دیوان حکم چند	:	»

ہیئت اداری :

» ، محمود خان	:	منشی مجلس اعیان
» ، محمد حسین خان	:	سرکاتب تحریرات
» ، محمد انور خان	:	» انجمن تحقیقیہ
» ، سید محبوبخان	:	» تدوین اصول
» ، غلام رسول خان	:	» دائرہ تمیز
» ، محمد یوسف خان	:	» محاسبہ
» ، محمد اکبر خان	:	» اوراق

رياست بلديه كابل

و، ج عبد الرزاق خان .	:	رئيس
ص، سيد جلال الدين خان .	:	معاون
د، عبدالله خان .	:	مدیر تحریرات
د، محمد رفیق خان .	:	محاسبه
د، محمد عثمان خان .	:	مامور خزانه
د، محمد رفیق خان .	:	تحصيلي
ص، مير عبد الفتاح خان .	:	مامور نمبر موز و گادي
د، فقير محمد خان .	:	نگران
عزتمند مېتر سايل اوف .	:	مهندس خارجي
ص، تاج الدين خان .	:	داخلي
د، محمد حسين خان، غلام غوث خان، حضرت شاه خان، علاؤ الدين خان	:	پيدايشي ها
د، رمضان خان، عبدالمجيد خان، عبدالغفور خان، عبدالرحيم خان	:	نقشه کش ها
ف، عجب ايل خان .	:	حفتي کار ممیزی
ص، محمد نعيم خان .	:	معمار باشي مهندسي
د، عبدالروف خان .	:	ممیزی
د، محمد هاشم خان .	:	نجار
د، محمد نعيم خان .	:	سرکاتب تفهيش و سنجش
.....	:	اوراق
ص، عبدالرشيد خان .	:	تنظيفات



روسای بلدیة مراکز ولایات و حکومتی های اعلی و کلان

ع ، محمد ناصر خان .	:	قند هار
د ، غلام یحیی خان .	:	هرات
د ، فراح الدینخان .	:	منار شریف
ع ، میر عبدالسلام خان .	:	خان آباد
ص ، سلطان احمد خان .	:	جلال آباد
د ، محمد رضا خان .	:	گردیز
د ، محمد حسین خان .	:	فراه
د ، میر علم خان .	:	چهار بیکار
د ، عبد الحمید خان .	:	غزنی
.	:	دایزنکی
.	:	لوگر
.	:	کرشک
.	:	ارزگان
.	:	قلات
.	:	غوررات
.	:	بادغیستان
.	:	شبرغان
ص ، بزرگ خواجه خان .	:	بدخشان (فیض آباد)
.	:	کندهار و اسمار



تشکیلات دوایر حضور

وزارت دربار

وزیر دربار : ع، ج والا حضرت سردار احمد شاه خان

معین : ع، ص غلام احمد خان .

مدیر تنظیمات و تشریفات : ص، ع عبدالرحیم خان .

معاون تنظیمات : د، محمد اکرم خان .

» : د، غلام نبی خان .

» : د، عبدالحمید خان .

مدیر محاسبہ : د، محمد ہانیخان .

» نقلیہ : د، میر اکبر خان .



ع، ج والا حضرت سردار احمد شاه خان وزیر دربار
S. A. AHMAD CHAH KHAN
Ministre de la Cour.

مدیر خزانہ : ص، میراج الدین خان .

ناظر کار خانہ طباطبائی : د، حاجی نظر محمد خان .

خانہ سامان باشی عمومی : د، صالح محمد خان .

فراش باشی : د، عبدالرشید خان .

عرض بیگی حضور رھما یونی : د، محمد اسمیل خان .

موتوران باشی : د، خواجہ محمد خان .

سرکاتب اوراق : د، محمد عظیم خان .

مصاحبین حضور رھما یونی :

ع، ص، حاجی محمد نواب خان .

»، د، صالح محمد خان .

»، د، محمد سرور خان .

»، د، سلطان احمد خان .

دارالتحریر شاهي

سرمنشی حضور ملوکانه : ع ، ج ، محمد نوروز خان .

سرکاتب قلم مخصوص : ص ، محمد عمر خان .

مدیر شعبه ازل : ع ، حافظ نور محمد خان .

» دوم : » ، عبدالاحد خان .

» سوم : » ، سراج الدینخان .

» چهارم : » ، غلام قادر خان .

سر ترجمان : » ، عبدالرشید خان .

مترجم زبان عربی و ترکی : ص ، سید مبشر خان طرازی .

» انگلیسی واردو : » ، یعقوب حسن خان .



ع ، ج محمد نوروز خان سرمنشی حضورهایونی
ور رئیس انجمن ادبی کابل

S. E. MOHD NAOUROZ KHAN
Secrétaire Privé de S. M. et Président
du Cercle Littéraire de Kaoul.

مترجم زبان فرانسوی : ص ، محمد حیدر خان .

رئیس دائره خصوصی : ع ، ص خواجه جانگل خان .
حضور ملوکانه .



سریاوریٹ حربی حضور ہمایونی

سریاوریٹ حربی حضور	: ع، ش، سید محمد شریف خان فرقہ مشر اول .
معاون سریاوریٹ	: » » محمد لطیف خان فرقہ مشر ثانی .
یوریٹ حربی حضور	: » » فیض محمد خان
» »	: ح، محمد صفر خان غنڈ مشر اول .
» »	: » » شیر محمد خان
» »	: » » عبدالغنی خان ثانی .
» »	: » » عبداللہ خان
» »	: ش، محمد حسین خان کندک مشر .
» »	: غ، محمد افضل خان توایمشر .
» »	: » » غلام محمد خان
سرکاتب نحریرات	: ص، یابندہ محمد خان .

قلعہ بیگیت ارگ

قلعہ بیگیت	: ع، ش، عبدالغنی خان فرقہ مشر اول .
سرکاتب محاسبہ	: ص، غلام علیخان .
تحویلدار	: » » خرم دل خان .
مامور محبس	: » » احمد علی خان .

اجراآت دوائر مملکتی

درین سال بمعاونت و مراحم حضرت الهی جل شانہ و حسن توجهات جہاندرجات اعلیحضرت ہمایونی و مسامی قابل قدر و الا حضرت اشرف صدر اعظم صاحب ، ہیئت وزرای محترم افغانستان و نائب الحکومہ ہا و حکام اعلیٰ و قوماندانہای قطعات عسکری مرکز و ولایات و روسای بلدی و تمام مامورین معیت شان موفق گردیدند کہ ہر کدام در خور و وظیفہ و اندازہ اختیارات خویش بیشتر از سنوات سابق در ترقیات امور عسکری و تامین امنیت و حسن ادارہ عدالت و اصلاح امور مالی و اقتصادی و عمرانی و مدنی و غیرہ و غیرہ کشور عزیز خود ، خدمت کردہ و وسائل آسایش اہالی و پیشرفت مملکت را فراہم بیاورند .

اینک خلاصہ اجراآت و کارروائیہای سال ۱۳۱۴ دواہر مملکتی در ذیل سطور آتی توضیح می یابد :

امور حریہ

بدیہی است در دنیای امروزہ ہر مملکتی کہ امنیت داخلی در نیام نقاط آن بحکمال موجود امور و تشکیلات عسکری آن بقدر کفایت باشد در شاہراہ ترقی و تمدن سیر کردہ در بین ملل جبہ مقام لازمہ خود را اشغال و در سائر امور بین المللی اشتراک و ہمکاری کردہ می تواند . امروز مابسی خوشبخت هستیم کہ در سایہ توجهات اعلیحضرت ہمایونی و مسامی شباروزی حکومت متبوعہ ، بالخصوص زحمت کشی های متہادی ع ، ج ، ا ، ا ، نشان والا حضرت وزیر صاحب حریہ غازی سردار شاہ محمود خان ، عسکر افغانستان کہ تا قبل از جلوس اعلیحضرت محمد نادر شاہ شہید رحمت اللہ علیہ مفہوم حقیقی نداشت ، نہ تنها تأسیس و تشکیل ، بلکہ در مدت کوتاہی مدارج تکامل و ترقی را قدم بقدم پیمودہ ، اکنون نظم و نسق قابل تقدیر را حائز گردیدہ است . چنانچہ عسکر امروزہ وطن عزیز ما ، از یکطرف از مہدہ حفظ انتظام و امنیت مملکت برآمدہ توانستہ و از طرف دیگر عسکر موصوف مقامی را کہ در ردیف عساکر دیگر ممالک برای او معین است اشغال کردہ یعنی از نقطہ نظر تعلیم و تربیہ و با بندی با و امر و قوائین عسکری و تکمیل لوازم و تجهیزات حربی از ہر جهت امروز مقام بلندی را احراز نمودہ است . خلاصہ اجراآت و کارروائی های وزارت حریہ در سال ۱۳۱۴ قرار ذیل است :

ریاست ارکان حریہ عمومیہ :

۱ : توزیم شہادت نامہ های طلاب مکتب حریہ و تقرر شان بہ قطعات .

۲ : توزیم شہادت نامہ های طلاب مکتب خورد ضابطان و تقرر واعزام شان بہ قطعات .

۳ : توزیم شہادت نامہ های طلاب مکتب موزیکہ و تقرر واعزام شان بہ قطعات .

۴ : تجدید دورہ های تالیفکامی های خورد ضابطان در قطعات .

۵ : تبدیل درالبسہ عسکری .

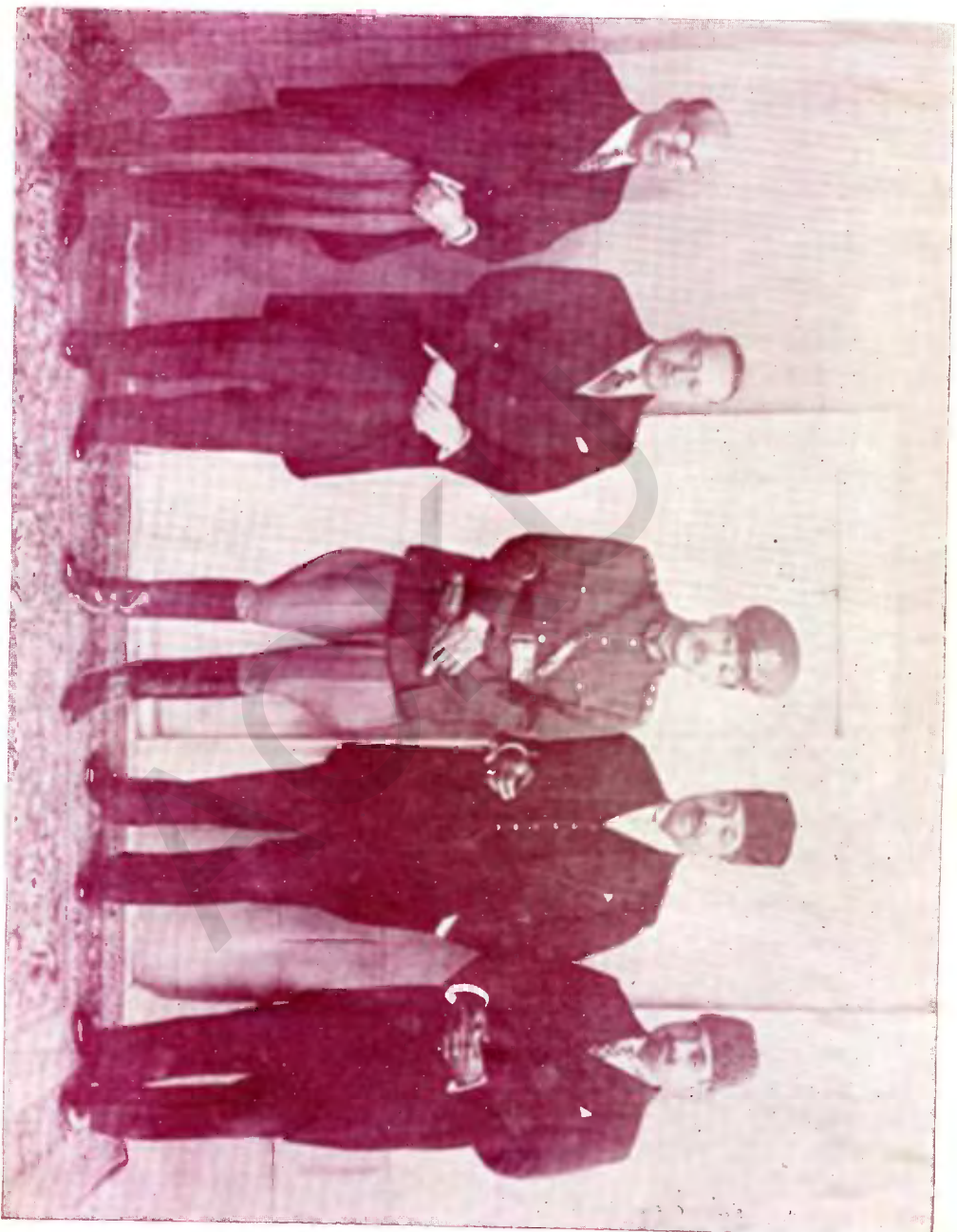
۶ : توسیع کتبخانہ عسکریہ و خریداری کتب و آثار ضروریہ از خارج .

۷ : توسعہ مطبعہ گستر و خریداری یک مقرر زیاد سامان و لوازم آن .



املیحضرت هایونی بروز افتتاح هفدهمین جشن استقلال عسا کر شاهانه راسان مریبند
S. M. Mohammed Zahir Chah passant en revue la Garnison de Kaboul
(Fêtes d'Indépendance)

وزیر خارجه ایران در افغانستان
Le Ministre des Affaires Étrangères de l'Iran en Afghanistan.



دروست اعلیحضرت پادشاه افغانستان ، بطرف راست اعلیحضرت مهابونی ، ع . ج جناب کاظمی وزیر امور خارجه ایران و ع . ج جناب سید سعید کبیر ایران در کابل - بطرف چپ ذات مهابونی ع . ج سردار احمد شاه خان وزیر دولت ، و ع . ج فیض محمد خان وزیر خارجه افغانستان
Au centre : S. M. le Roi d'Afghanistan; à droite de S.M., S.E. Kazémi Ministres des Affaires Etrangères de l'Iran et S.E. l'Ambassadeur de l'Iran à Kaboul; à gauche de S.M., S.A. le Ministre de la Cour Royale et S.E. le Ministres des Affaires Etrangères afghan

اجراآت دواير مملکتی

- ۸: تهیه و اكمال مطبوعه ماشين گستر برای عموم قطعات اطراف .
- ۹: تعیین يك هيئت برای توسعه خريصة كابل و جوار آن .
- ۱۰: ترتيب مارشهای عسکری و ترویج نونه به عموم موزيکه های افغانستان .
- ۱۱: قيد و قبول يك عده طلاب جديد برای مکتب احضار به .
- ۱۲: تعديل و اصلاحات لازمه در ترتيب اصول و ضم الجيشهای قطعات .
- ۱۳: غور و اصلاحات لازمه در تشکيلات مسا کر مرکز و ولايات .
- ۱۴: تشکيل کورس تخنيکی تفنگ سازهای قطعات .
- ۱۵: تزئيد يك صنف موزيکه سالون به تشکيل مکتب موزيکه .
- ۱۶: تهیه يکمهتدار سامان جديد موزيکه .
- ۱۷: غور و تدقيق پروگرامهای عموم مکاتب عسکر به .
- ۱۸: غور و تدقيق پروگرامهای عموم قطعات اردو .
- ۱۹: ترتيب تمريننامه های برزه های توپها .
- ۲۰: ترجمه و طبع جلد ۲ جزو ۳ حصه اول تعليمنامه توپچی .
- ۲۱: ترجمه و طبع جلد ۴ جزو ۱۱ توپچی .
- ۲۲: ترجمه و طبع جلد های متباق تعليمنامه سواری .
- ۲۳: طبع کتاب تيدو غرافى .
- ۲۴: ترتيب ضمايم اصولنامه مراسم جنازه و اصولنامه امتحانات متعلق به مکتب حريره .
- ۲۵: ترتيب و طبع قومانده ها و اصطلاحات توپچی .
- ۲۶: ترجمه جدول انداخت توپهای جبل و طبع آن .
- ۲۷: ترجمه جدول انداخت توپهای صحرا و طبع آن .
- ۲۸: ترجمه و طبع کتاب روحيات عسکری .
- ۲۹: ترجمه و طبع اصولنامه تعليم و تربيه توپهای بم انداز .
- ۳۰: ترجمه و طبع تمريننامه و تعليمنامه ماشين های گستر .
- ۳۱: استخدام يك معلم جديد خارجى برای مکتب احضار به .
- ۳۲: استخدام سه نفر مستخدمين خارجى برای قومانده نفي طياره .

رياست حريره :

- ۱: توريد يك تعداد تفنگ های جديد ۳۰۳ بور
- ۲: د د د جبه خانه تفنگ های ۳۰۳ بور
- ۳: تشيت درباب اكمال تفنگ های ماشين دار
- ۴: توريد بعضی اسلحه خفيفه و ثقيله ترميم طلب بقوسط فابريکه حريره و کارينگران مکزين ارگه .
- ۶: تحصيل و جم آوردی يکمهتدار اسلحه و جياخانه پراکنده شده زمان انقلاب
- ۷: بدست آوردن بعضی نمونه ها و آتلاک های اسلحه و جبه خانه و آلات عسکر به و تشيت پلان ساختمان جبه خانه های صبرى .
- ۸: معاينه اسلحه جديد الورود
- ۹: د تفنگ های دستى و ماشيندار ها و قيرم آلات و ادوات عسکر به که خواه بطور نمونه از خارج آمده و خواه در داخل تهیه شده .

- ۱۱ : تثبیت در خصوص خریداری یکمقدار باروت توپ
- ۱۲ : تهیه و تدارک بعضی انواع جبه خانه و مواد ناریه بتوسط فابریکه حریری
- ۱۳ : خریداری یکمقدار باروت سیاه برای امور عمرانات داخل مملکت
- ۱۴ : تطهیر و تنظیم جبه خانه ها
- ۱۵ : اكمال بعضی ادوات استعکامیه
- ۱۶ : تثبیت در خصوص اكمال بعضی آلات مخابر و مواصله
- ۱۷ : ترمیم بعضی جبه خانه ها و غیره .
- ۱۸ : تهیه و تدارک آلات و ادوات لازمه کسبه های فطعات
- ۱۹ : تثبیت در باب تاسیس فابریکه باروت سفید
- ۲۰ : اجراءات معاملات رسمیه اسلحه و جبه خانه ها
- ۲۱ : تکمیل و توظیف مامورین اسلحه خانه ها و جبه خانه ها
- ۲۲ : ساختن کارطوس های توپهای عادی آتش بتوسط کارگران جبه خانه
- ۲۳ : ترتیب و تنظیم راپورهای قوای عمومی ، اسلحه و جبه خانه و آلات و ادوات مسکریه و تقدیم آن مقامات لازمه

ریاست اردو :

تعمیرات و ترمیمات سال ۱۳۱۰ که ذریعه مدیریت تعمیرات ریاست اردو به عمل آمده و کار بعضی اكمال و از برخی باقیانده :

الف : کاربارک های ریشخو :

- ۱ : کار تعمیر جدید دو باب اسطبل حیوانات و یکباب کاهمان کاملاً تمام گردیده .
- ۲ : کار تعمیر جدید دو باب تحویل خانه تولی ها کاملاً تمام گردیده .
- ۳ : کار ترمیمات بارک ها کاملاً تمام شده .

ب : کارهای فرقه توپچی :

- ۱ : کار تعمیر جدید هفت باب اسطبل حیوانات کاملاً تمام شده .
- ۲ : کار تعمیر دو باب برنده توپ ها کاملاً تمام شده .
- ۳ : کار تعمیر جدید ۱۶ باب مستراح کاملاً تمام شده .
- ۴ : کار تعمیر قلمه اول و دوم ناکرمی بسنگ کاری رسیده و کار نجاری آن کاملاً تمام شده . باقیانده کارات مذکور هر آه ترمیمات آن در سال ۱۳۱۰ تحت اجرا گرفته میشود .

ج : کارهای منفرد :

- ۱ : کار موترخانه ها کاملاً تمام و بعضی کار جزوی آن که باقیانده در سال ۱۳۱۰ تحت اجرا گرفته میشود
- ۲ : کار مهپان خانه های کلوب مسکری کاملاً تکمیل گردیده .
- ۳ : کار پنجاه باب مستراح متعلق فرقه شاهي رفقه اول کاملاً تمام و اكمال شده .

مقررین و ترفیحات جدید وزارت حربیه :

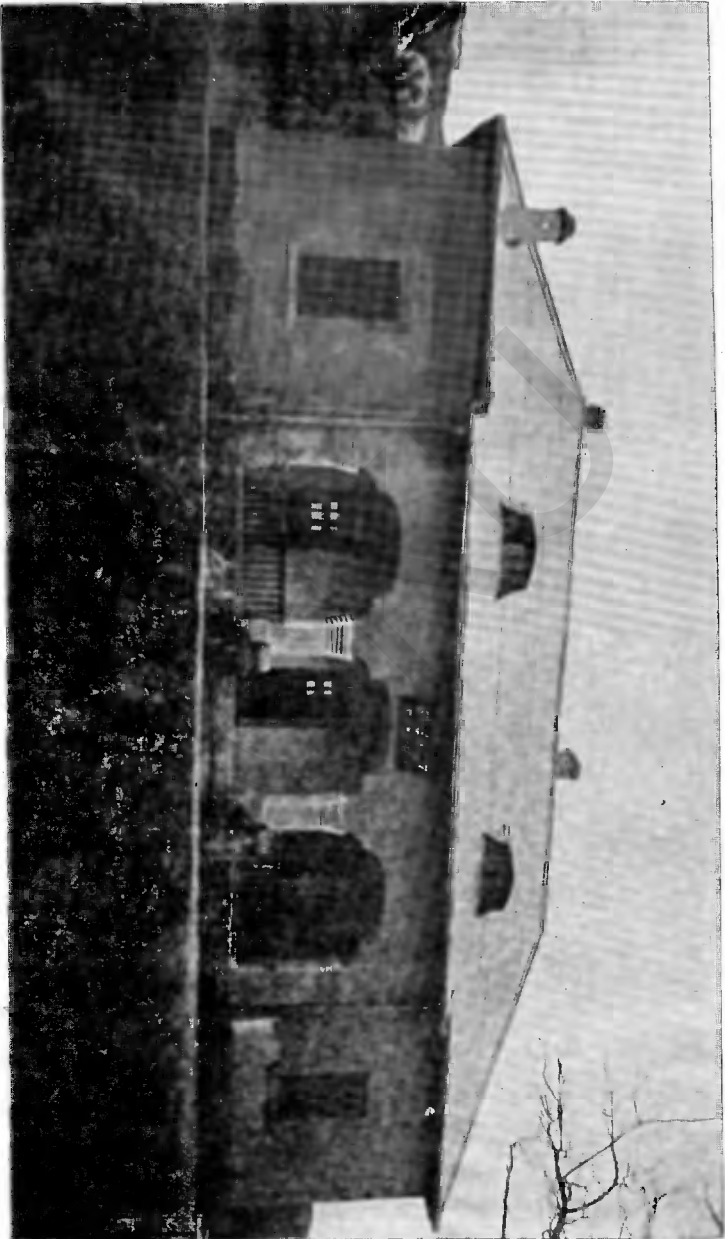
ع ، ع ، ش محمد انور خان نائب سالار سابق قوماندان مسکری و وکیل حاکم اعلاي فراه ، معاونی وزارت حربیه منصوب گردیده است .

از تعمیرات جدید وزارت حربیه



منار ساعت که در زاویه باغ وزارت حربیه تعمیر شده
Tour d'horloge nouvellement construit à Kaboul

انجمن‌های جدید وزارت حربیه



قوسا نه انجمن فرقة رينجور
Types des nouveaux bâtiments du Ministère de la Guerre à Kaboul

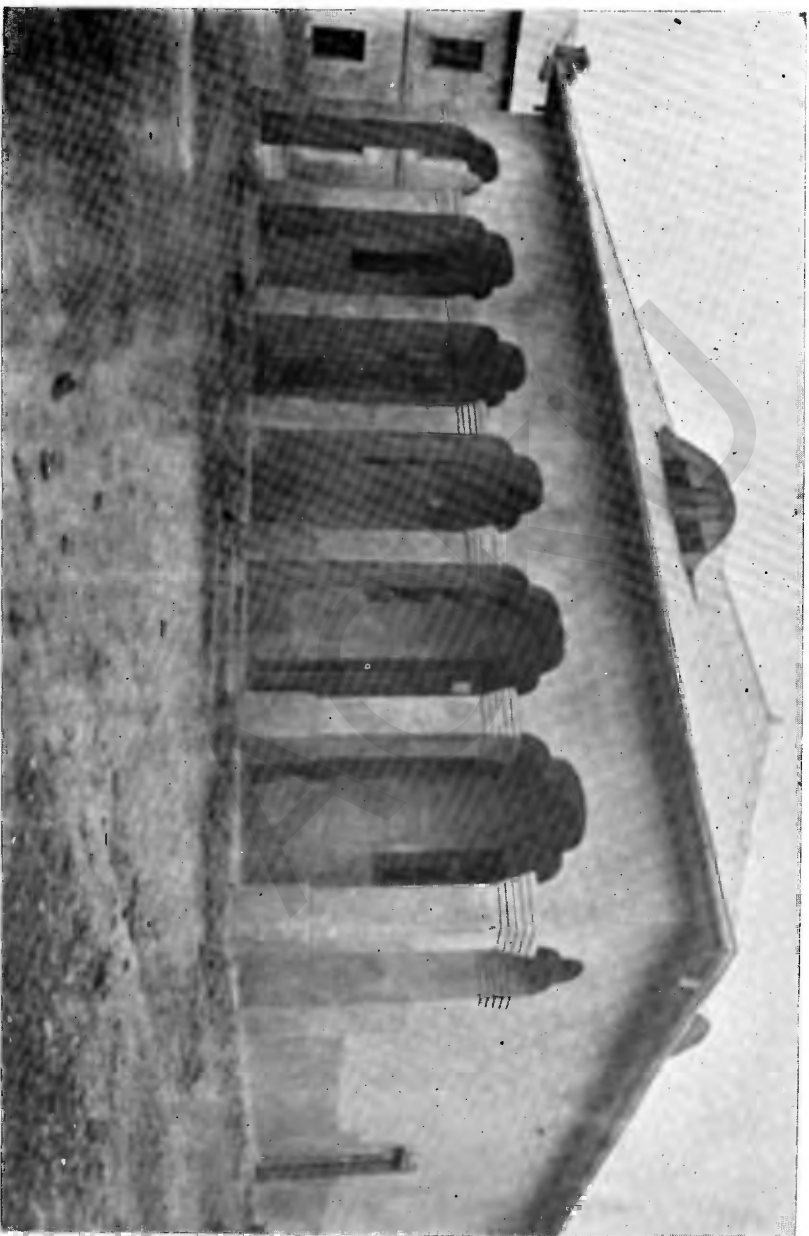
اورتعميرات جديد وزارت حربيه



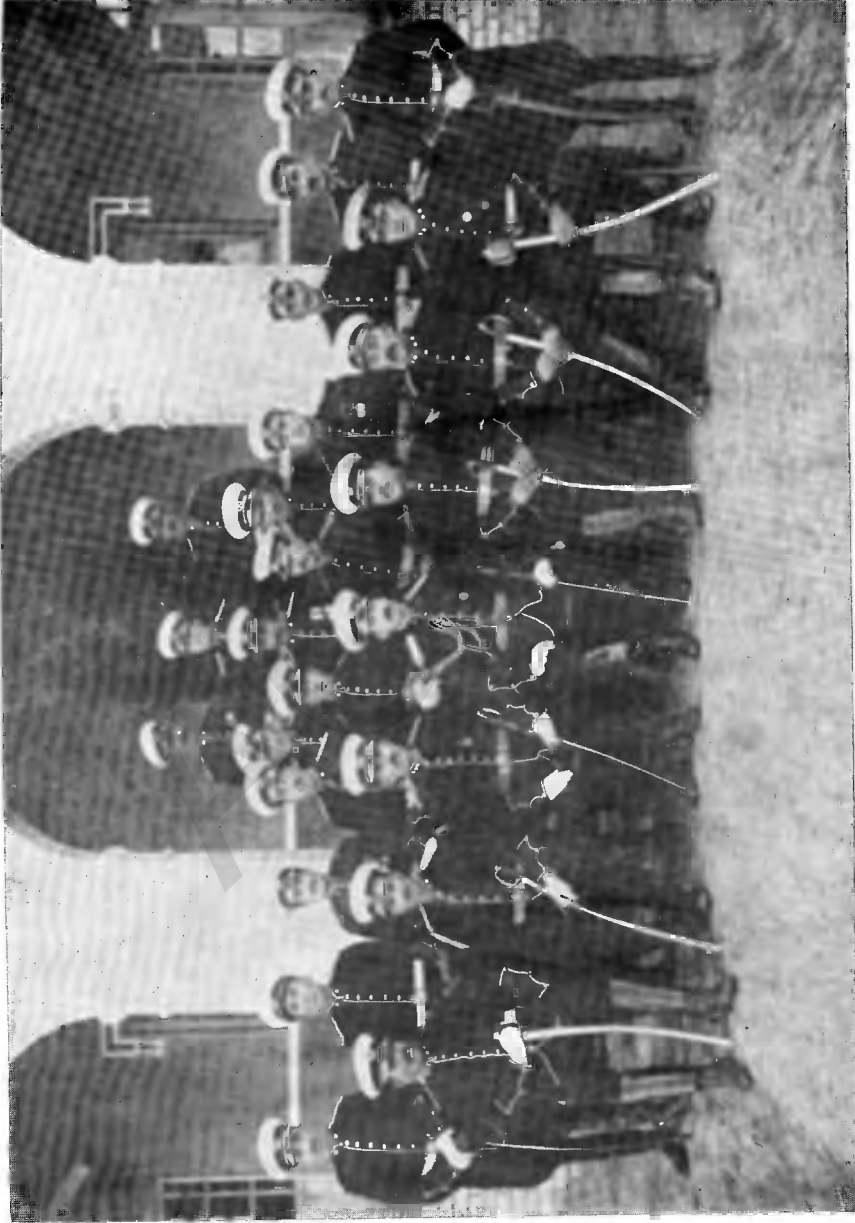
منظره عمومي بارك هاي ريشخور

Vue générale des nouvelles casernes de RICHKHOR (Kaboul)

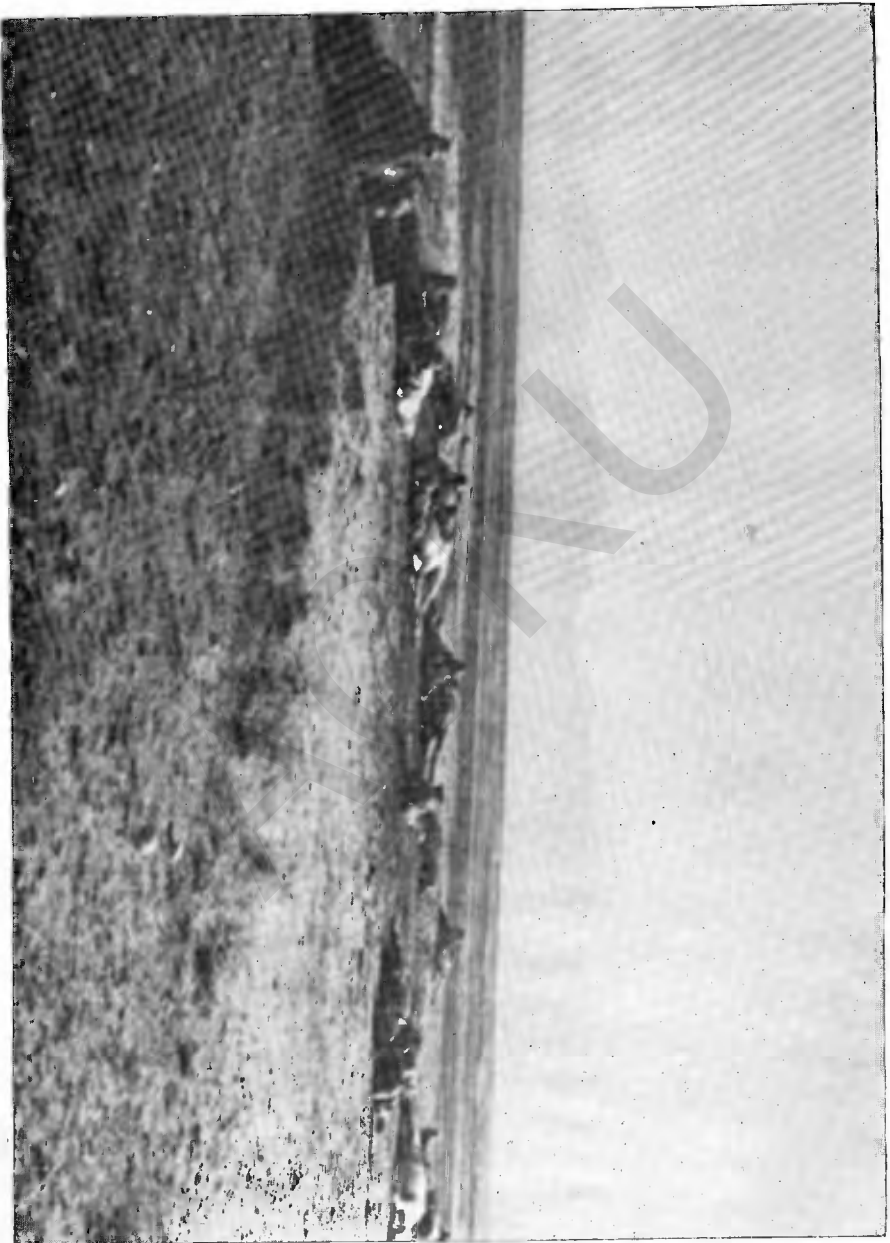
از تعمیرات جدید وزارت حربیه



مطابقاً با رک های مسکری ریشور
L'hôpital des nouvelles casernes de RICHKFOR (Kabou)



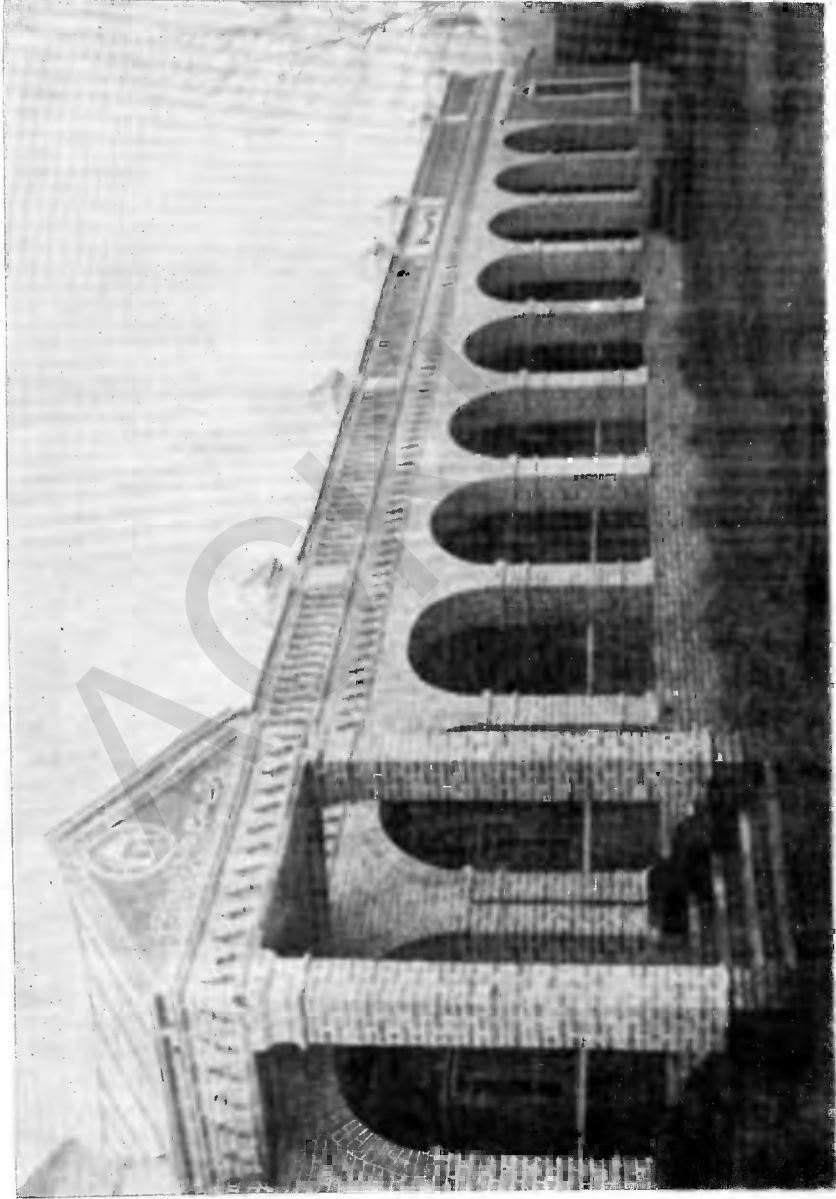
بلک دستہ از صاحب منصبان مسکری فرقة مزار و مینہ تادریجہ کند کش پلاس رسمی
Un groupe des Officiers de la Division de MAZAR-I-CHERIF en uniforme protocolaire



يك قطعه از سو اران عند دوم فرقه هزار شریف که در ارفعی عملیات عمار به منبند

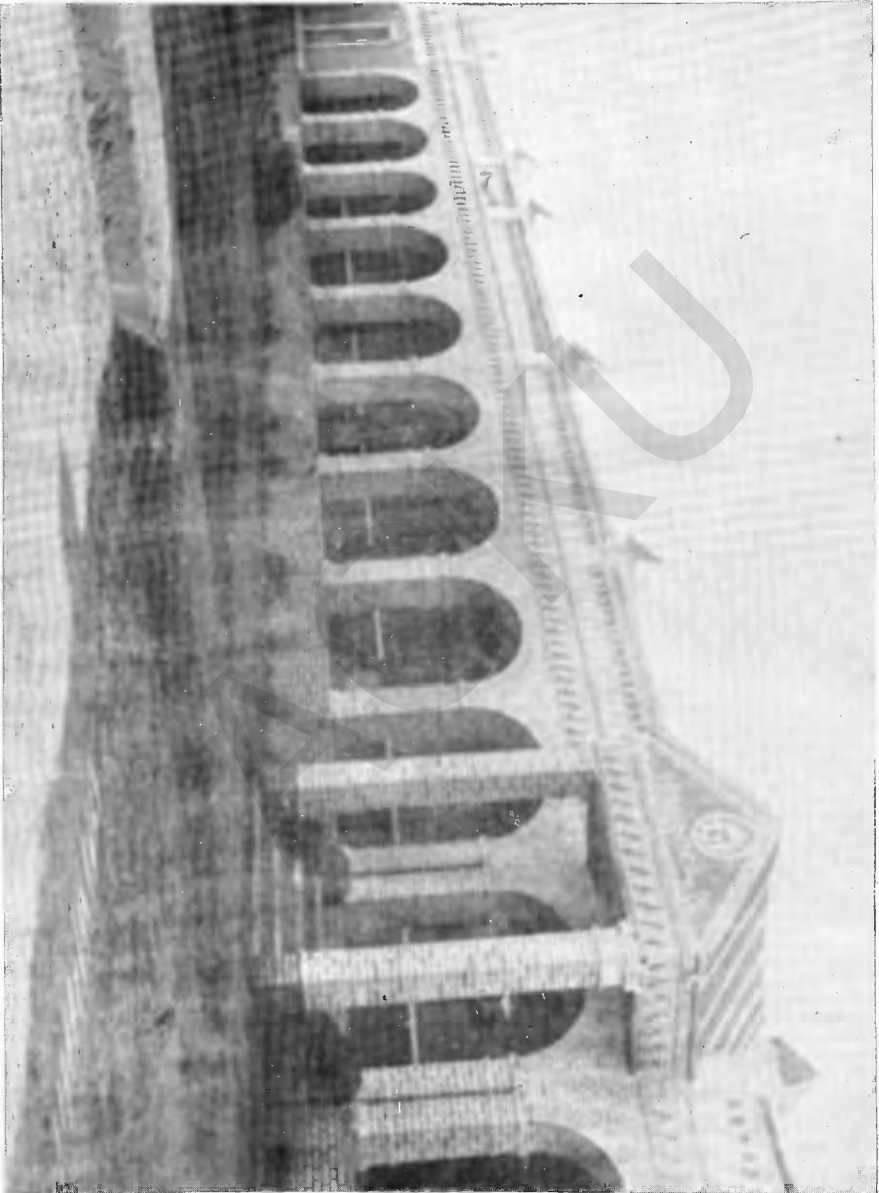
Un détachement de la cavalerie de la Division de MAZAR-I-CHERIF au cours d'un exercice militaire

از تعمیرات سال ۱۳۱۴ ولایت مازا شریف



پك حصه از عمارت جدید التامیس فرارگاه فرقه (ممت چپ)
Une partie des nouveaux bâtiments du Commandement de la Division de MAZAR-I-CHERIF

از امیرات ۱۳۴۱ سال ولایت مزار شریف



یک حصه از عمارت جدید التاسیس فر اگاہ فرقہ (سخت راست)
Une partie des nouveaux bâtiments du Commandement de la Division de MAZAR-I-SHERRIF

اجرا آت دوا بر مملکتی

- ع ، ش ، عبدالغفور خان فرقه مشر ثانی و قوماندان سابق فرقه هزار شریف بو کاکت ریاست ارکان حربیه عموماً مقرر شده .
- د ، د ، سید محمد شریف خان فرقه مشر اول و سریاو و حضور ملوکانه که بجهت آتشه نظامی وزارت مختاری افغانی در پاریس مقرر شده بود کمانی السابق بر یاوریت حربی حضور ملوکانه مقرر شده .
- ح ، الله داد خان غندمشتر رتبه فرقه مشری ثانی ، قوماندان فرقه عسکری هزار شریف و مبعنه مقرر شده .
- د ، میر اعظم شاه خات غندمش ثانی ، مدیر تعمیرات و انشآت وزارت حربیه ترفهاً برتبه غندمشری اول نایل گردیده .
- د ، عبدالرحیم خان غندمش کبیر سابق چیخان سور بد بریت جبا خانه ریاست حربی مقرر شده .
- د ، محمد شاه بخان غندمش عضو انجمن اصلاح و ترقی بد بریت داخله مکتب حربیه مقرر شده .
- ش ، محمد عمر خان کنتد کشر مدیر استخبارات وزارت حربیه ترفهاً برتبه غندمشری ثانی بد بریت مذکور نائل گردیده .
- ح ، محمد جعفر خان غندمش غندمش اول سوار سابق فرقه شاهیه رتبه موجوده اش به جمله اعضاء ریاست اصلاح و ترقی وزارت حربیه مقرر گردیده .
- د ، حسین علیخان غندمش معاون سابقه ریاست لوازم بد بریت صحیه و بیطاریه ریاست اردو بصورت تبدیل مقرر شده .
- د ، عبدالقیوم خان غندمش غندمش ۴ بیاده قوماندانی فرقه شاهیه بو کاکت قوماندانی فرقه غزنی ارتقا یافته .
- د ، محمد قاسمخان غندمش رئیس ارکان حربیه فرقه شاهیه بو کاکت قوماندانی فرقه قطغن و بدخشان مقرر شده .
- د ، عبدالرزاق خان غندمش ثانی غندمش اول فرقه توپچی برتبه غندمشری اول به فرقه مذکور ترفیع نموده .
- د ، قلام جیلانی خان غندمش ثانی غندمش ۳ فرقه ۲ قول اردوی جنوبی برتبه غندمشری اول به فرقه مذکور ترفیع نموده .
- د ، غلام رسول خان غندمش ثانی غندمش ۲ فرقه اول نمبر ۲ قول اردوی مرکزی برتبه غندمشری اول به فرقه مذکور ترفیع نموده .
- د ، سید عالم شاه خان غندمش ثانی برتبه غندمشری اول در فرقه عسکری هرات ترفیع نموده .
- ش ، گل محمد خان کنتد کشر برتبه غندمشری ثانی نایل و در فرقه عسکری غزنی مقرر شده .
- د ، شیر محمد خان کنتد کشر برتبه غندمشری ثانی نایل و به غندمش ۲ سوار فرقه فراه مقرر شده .
- ح ، عبدالرحیم خان غندمش احتیاطی وزارت حربیه به غندمش اول بیاده قطغن و بدخشان مقرر شده .
- د ، عبدالغفور خان غندمش احتیاطی وزارت حربیه عوض کم بود به قول اردوی جنوبی مقرر شده .
- د ، محمد ایاز خان غندمش فرقه مشرقی بصورت تبدیل بفرقه فند هار مقرر شده .
- د ، احمد شاه خان غندمش احتیاطی به غندمشری در فرقه مشرقی تقرر یافته .
- د ، میر محمد سید بخان غندمش غندمش ۴ بیاده فرقه شاهیه بر ریاست ارکان حربیه فرقه مذکور مقرر شده .
- د ، محمد انور خان غندمش احتیاطی به غندمش اول سوار فرقه شاهیه مقرر گشته .
- د ، سید عبدالصمد خان غندمش ازبک قول اردوی جنوبی منفصل و به غندمش ۳ بیاده فرقه شاهیه مقرر شده .
- د ، غلام حیدر خان غندمش غندمش توپچی فرقه مشرقی به غندمش توپچی فرقه فندها تبدیل گردیده .
- د ، عبدالواحد خان غندمش غندمش توپچی قول اردوی جنوبی به غندمش توپچی فرقه مشرقی تبدیل مقرر شده .
- د ، محمد ابراهیم خان غندمش غندمش ۳ بیاده فرقه شاهیه به غندمش توپچی فرقه اول قول اردوی جنوبی تبدیل منظور گردیده .
- د ، جان محمد خان غندمش احتیاطی به غندمش اول بیاده فرقه نمبر ۳ / ۴ قول اردوی مرکزی مقرر شده .
- د ، میر احمد خان غندمش به جمله مداومین کورس عالی بیاده شامل گردیده .

- ح ، محمد ابو بخان غند مشر احتیاطی به غند اول نمره ۷ فرقه مزار شریف مقرر گشته .
- د ، هلی اکبر خان غند مشر احتیاطی به غند نمره ۲۸ مبنه فرقه مزار شریف مقرر گشته .
- د ، محمد سرور خان غند مشر احتیاطی به غند نمره ۲۶ / ۲ پیاده فرقه مزار شریف مقرر گشته .
- ص ، محمد اشرف خان تر فیماً بر تبه غند مشری ثانی کبیر چغانسور مقرر شده .
- د ، محمد عمر خان تر فیماً بر تبه غند مشری ثانی کبیر درواز مقرر شده .
- ص ، غلام عمر خان تر فیماً بر تبه غند مشری ثانی کبیر حضرت امام صاحب مقرر شده .
- ص ، فدا محمد خان تر فیماً بر تبه غند مشری ثانی کبیر اشکاشم مقرر شده .
- ص ، عبد القادر خان تر فیماً بر تبه غند مشری ثانی کبیر اند خوی مزار شریف مقرر شده .
- ص ، محمد اسمعیل خان تر فیماً بر تبه غند مشری ثانی کبیر قره تپه مقرر شده .
- ص ، محمد اختر خان تر فیماً بر تبه غند مشری ثانی کبیر سیاه گرد مزار شریف مقرر شده .
- صاحب منصبانیکه در سال ۱۳۱۴ داخل بست احتیاطی وزارت حربیه شد اند :
- ع ، ش ، محمد شعیب خان فرقه مشر ثانی سابق قوماندان عسکری فرقه همراهات از فرقه مذکور مفصل
و به احتیاطی وزارت حربیه گرفته شده .
- ع ، ش ، خان زمان خان فرقه مشر ثانی سابق قوماندان عسکری فرقه غزنی از قوماندانی مذکور منفک
و به احتیاطی وزارت حربیه منظور گشته .
- ح ، محمد اکبر خان غند مشر اول سابق مدیر مکتب موزیک بر تبه موجوده اش به احتیاطی وزارت حربیه
شامل گردیده .
- د ، محمد یوسف خان غند مشر از بست قول اردوی جنوبی منفصل و بر تبه موجوده اش به احتیاطی وزارت
حربیه شامل گردیده .
- د ، عبد الرشید خان غند مشر غند ۲ سوار فرقه فراه از بست آنجا منفصل و به احتیاطی وزارت حربیه شامل گردیده .
- د ، عبد الیز خان غند مشر بر تبه موجوده اش به احتیاطی وزارت حربیه گرفته شده .
- د ، عبد الله خان غند مشر سابق مدیر داخله قوماندانی مکتب حربیه از مدیریت مذکور منفصل و بر تبه
موجوده اش با احتیاطی وزارت حربیه گرفته شده .
- د ، سید محمد صالح خان غند مشر مدیر سابق مکتب خورد ضابطان در بست احتیاطی وزارت حربیه گرفته شده .
- د ، محمد ابراهیم خان غند مشر معاون مدیر مکتب خورد ضابطان در بست احتیاطی وزارت حربیه گرفته شده .
- د ، محمد امین خان غند مشر عضو سابق اصلاح و ترقی در بست وزارت حربیه گرفته شده .
- د ، غلام حیدر خان غند مشر از بست قول اردوی جنوبی منفصل و در بست احتیاطی وزارت حربیه گرفته شده .
- د ، شیرین گل خان غند مشر فرقه قطغن و بد خشان در بست احتیاطی وزارت حربیه گرفته شده .
- د ، محمد رحیم خان غند مشر توپچی فرقه قند هار در بست احتیاطی وزارت حربیه شامل گشته .
- ش ، نصر الله خان کند کشر بر تبه غند مشری ثانی ترقیم و به احتیاطی وزارت حربیه گرفته شده .





ع، ج، ا، ا، نشان و الاحصرت وزير صاحب حريه غازي پرو ز عيد فطر تيريكات اهالي كورديز را قبول ميفرمايند
Les fêtes de Ramadan à GARDEZ (Prov. du Sud)



ازمراعات سال ۱۳۱۴ حكومت اعلي سمت جنوبي : پل كلان ۶ كانه ۱۰ متره كه در مرگي كورديز ساخته شده.
Pont nouvellement construit à GARDEZ (Prov. du Sud)

از عمرانات سال ۱۳۱۴ سمت جنوبی



بالا: تهاة تبه بادآسياب واقم كرديز - بائين : تهاة تبه ريگك واقم كرديز
Type des postes militaires nouvellement construits à GARDEZ (Prov. du Sud)

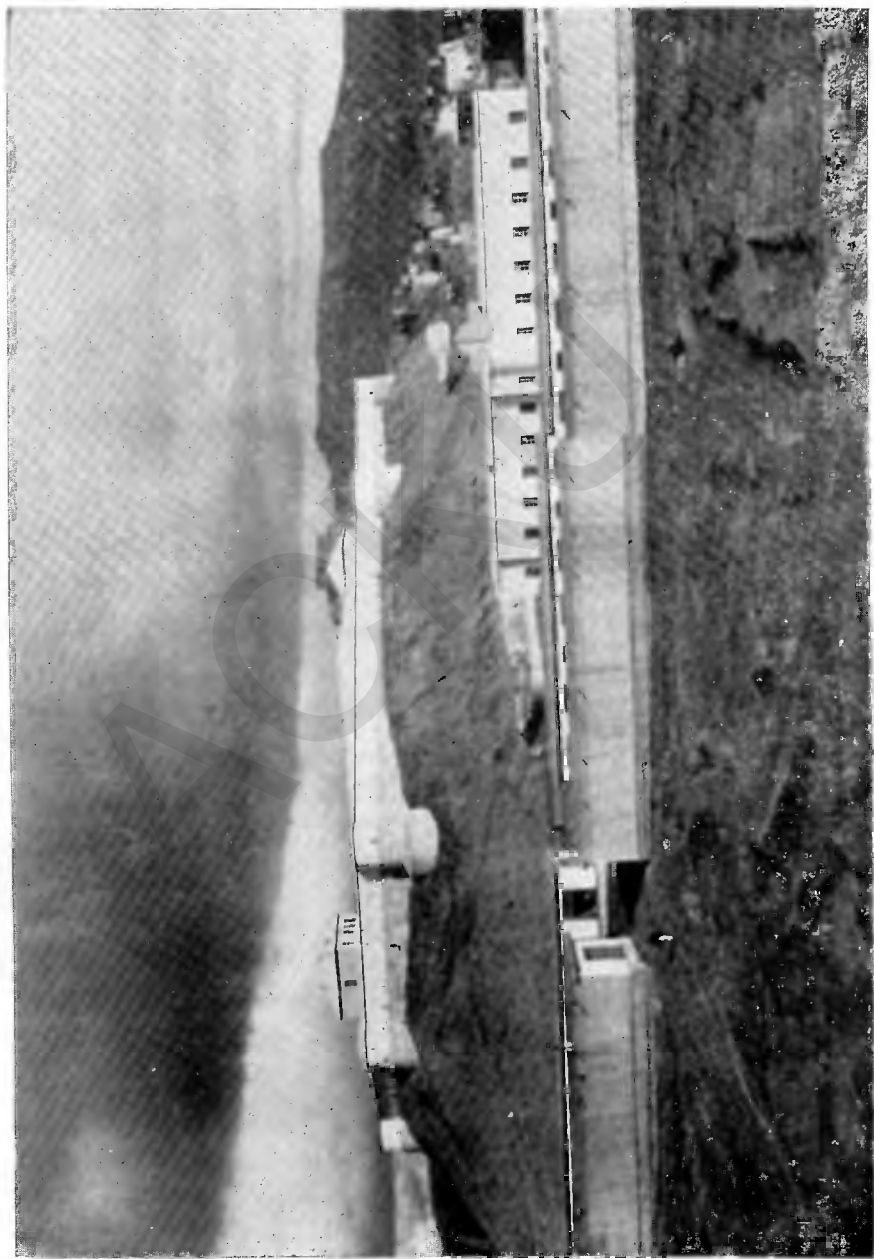


ع ١٠١، نشان والاخصوت و زير صاحب حريميه غازي موقع عبور از مقابل سما کر کودیز
S. A. B. le Ministre de la Guerre passant en revue la Garnison de GARDIZ (Prov. du Sud)



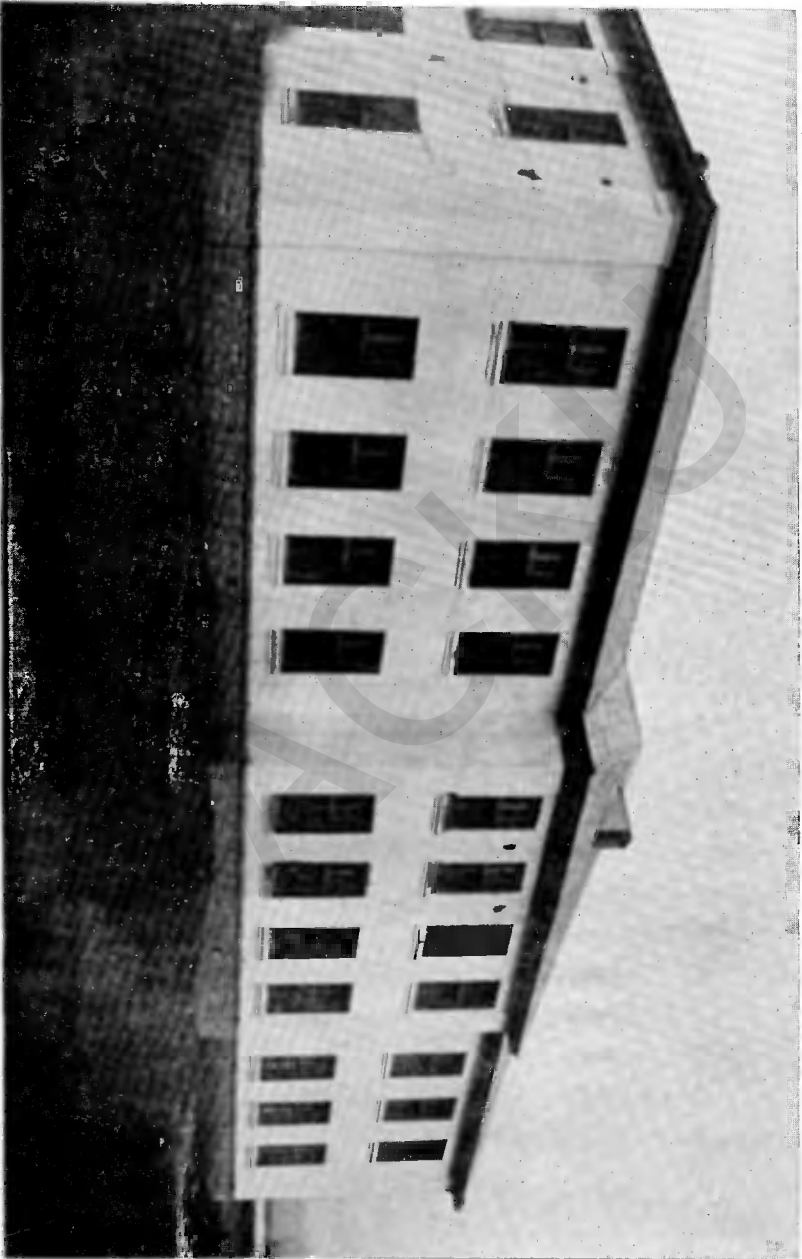
ميدان طياره كادي
L'aérodrome de GARDIZ (Prov. du Sud)

اۆتصمیرات جدید وزارت حرابه درست جنوبی



منظره بالاحصار کردیز
Le nouveau BALA-HISSAR (forteresse militaire) de GARDEZ (Prov. du Sud)

از تعمیرات جدید وزارت خربیه در سمت جنوبی



مستشفى نظامى كرويز
Hôpital militaire nouvellement construit à GARDEZ (Prov. du Sud)

امور خارجیه

چون سعادت و بدبختی ملل دنیای حاضر در اکثر نقاط مشترک میباشد و وسائل مدنیت امروزی بشر آفتاب این جهان کهن را بهم نزدیک نموده که من بعد قومی نمیتواند از تحولات اقوام دیگر اگر چه بفرسنگها ازم دور باشند متأثر نگردد، لهذا روزگار حاضر بشریت مانند یک عائله نیست که افراد آن با بساتر د دیگر ملل جهان به فساند و تعاون یکدیگر احتیاج تمام دارند. تطور اقتصادی و صنعتی عصر حاضر این احتیاج را بارها تقویه نموده و امن بعد هیچ قومی نخواهد توانست که از سایرین چشم پوشیده تمام وسائل حیات ملی و شخصی خویش را تنها وبدون کمک و استفاده از دیگران فرام آورد.

از طرف دیگر انسانیت سیر کامل می نماید و بشر روز بروز راه تزکیه و تهذیب نفس را می پیماید، جنگهای خانانوسوز و محاربات المناک که سابقاً مورد ستایش حماسه مرآیان واقف میگردد پدید و باعث افتخار جاه و جلال جهانکشایان بود امروز آن عظمت خویش را پدید رود گفته و کسانی که آفتلاً از مدنیت دنیای جدید متأثر باشند رزم آوردیهای بی سبب و حمله وری های نامشروع را مذموم می پندارند. افغانستان عزیز که همیشه در تاریخ بشریت موقیبتی بسزا داشته و در ادوار مختلفه جهان از سائر برادران خویش یایس نمانده و هر صفتی از تاریخ آسیای میانه از احوالات گذشته او داستانها دارد، امروز مجدداً می خواهد که درین صفتی جدید زندگانی که مبادرت از صلح خوراهی و صلح پرستی است، بهترین نمونه افراد بشریت قرن بیستم گردد. از انجاست که از آغاز سلطنت اعلیحضرت محمدنادر شاه شهید سعید و شروع حکومت اعلیحضرت جوان بغت المتوکل علی الله محمدظاهر شاه این سیاست را تعقیب نموده و گامهای مریعی بجان بزرگترین آمال نوع پرستی و سعادت بشریت برداشته است. چنانچه مشاهده نمودیم در ارتوجیهات این دوز ما مدام معظم حکومت متبوه ما افغانستان در کفرانس خلم سلاح، کفرانس اقتصادی و کفرانس بین المللی کار و بالاخره در جامعه ملل و شعبات آن شامل گردید و در هر جا نمایندگان مادر اثر شادان حکومت بهترین احساسات افغانستان را در موضوع صلح و آرامی، عدالت و مساوات اقوام جهان اظهار داشته نظریات خیر خواهانه سائرین را تأیید نمودند. از طرف دیگر در اجرا آت خویش با ممالک متحابه و همجواریه مودت و مصالحت را در تحت نظر گرفته مطابق مقررات میثاق جامعه ملل رفتار کرده است و یک آن اولتر در شمولیت عماهدات و موافقتی که صلح و نیک بینی را در بین ملل جهان تأمین می نماید تشبث و مبادرت جسته بنابر آن جریانات سال ۱۳۱۴ و پیشرفت های وزارت امور خارجیه خود را در امورات آری و بین المللی جهت استحضار قارئین کرام ذیلاً می نگاریم:

۱ - تاسیس وزارت مختاری جدید در حجاز که در اثر آن ع. ج محمد صادق خان مجددی سمت وزیر مختار درجده شریف مقرر گردیدند. امور وزارت مختاری مصر بمده ع. ج. سلطان احمدخان سفیر کبیر اعلیحضرت در انقره تفویض گردید که معزی الیه علاوه بر ما موریت سفارت کبرای انقره و ظیفه وزارت مختاری اعلیحضرت را در مصر نیز ایفا میدارند. همچنین از طرف حکومت مصر جناب عبدالملک حمزه بیگ وزیر مختار مصر در ایران، به حیث وزیر مختار در افغانستان تعیین شده اند که مومی الیه نمایندگی دولت مصر را در کابل و طهران ایفای کنند.

۲ - حکومت جمهوری امریکای خواهد که مناسبات و داد و باده او با افغانستان که یک مملکت قابل دوستی است بیشتر آساع نماید لهذا بعد از انتخاب وزیر مختار خود لازم دید که جنرال قونسل، قونسل و نایب قونسل نیز درین مملکت داشته باشد بنابرین جناب « ولیم، سن - ایس یاول، دو نیز » جنرال قونسل و جناب « ایدوارد - ایم - کراوت » قونسل امریکه مقیمین کلکتی را با جناب « جوزف جی گراننی تنکر » قونسل و « لاندای و انس » نایب قونسل امریکه مقیمین کراچی را به حیث جنرال قونسل، قونسل و نایب قونسل در کابل نیز تعیین نموده چنانچه از طرف حکومت متبوه ما در شناختن قونسلگریهای مذکور موافقت شده است.

۳ - قارئین گرام بخاطر خواهند داشت که سال گذشته در موقع تشریف آوری اعلیحضرت یاد شاه ایران در مشهد ع، ج، فیض محمد خان وزیر امور خارجه ما از طرف اعلیحضرت همایونی مامور شده بودند که بحضور اعلیحضرت شاه ایران مشرف شوند چنانچه وزیر خارجه ما در آنجا رفته و گذارشات سفرشان درجرا اند نشر شده است در اثر همان مسافرت وزیر خارجه افغانستان ع، ج، جناب باقر خان کاظمی وزیر امور خارجه دولت ایران بنرض شرفیابی حضور اعلیحضرت همایونی و باز دید وزیر خارجه ما بتاريخ ۱۶ عقرب ۱۳۱۴ بکابل تشریف آوردند که صورت پروگرام ایام توقف شان درجرا اند وطنی نشر شده است .

هیئت سفر به وزیر خارجه ایران عبارت بود از جناب جلال الدین خان کیهان رئیس اداره اول سیاسی جناب علی معتمدی رئیس شعبه سوم سیاسی - جناب مفتاح منشی خصوصی و جناب ش، ص، صفوی مدیر روزنامه کوشش .

۴ - ع، ج، سلطان احمد خان سفیر کبیر اعلیحضرت در اتره - ع، ج، سردار شیر احمد خان سفیر کبیر اعلیحضرت در طهران - ع، ج، عبدالحسین خان عزیز سفیر کبیر اعلیحضرت در ماسکو و ع، ج، علی محمد خان وزیر مختار اعلیحضرت در لندن بر حسب اجازه مرکز چندی وارد کابل گردیده و پس از تشریف به حضور ملوکانه و توقف چند هفته در کابل و ایس بسمت ماموریت های مرجمه خود رهسپار گردیدند .

۵ - ع، ج، فیض محمد خان وزیر امور خارجه از حضور اعلیحضرت همایونی مرخصی حاصل نموده برای شش ماه بارو با مسافرت نمودند که شرح مسافرت آنها در بعضی ممالک، درجرا اند و وطنی نشر شده است در غیاب وزیر امور خارجه ع، ص، سردار محمدنیم خان معین اول وزارت امور خارجه بصورت کفالت ایفای وظیفه می فرمایند .

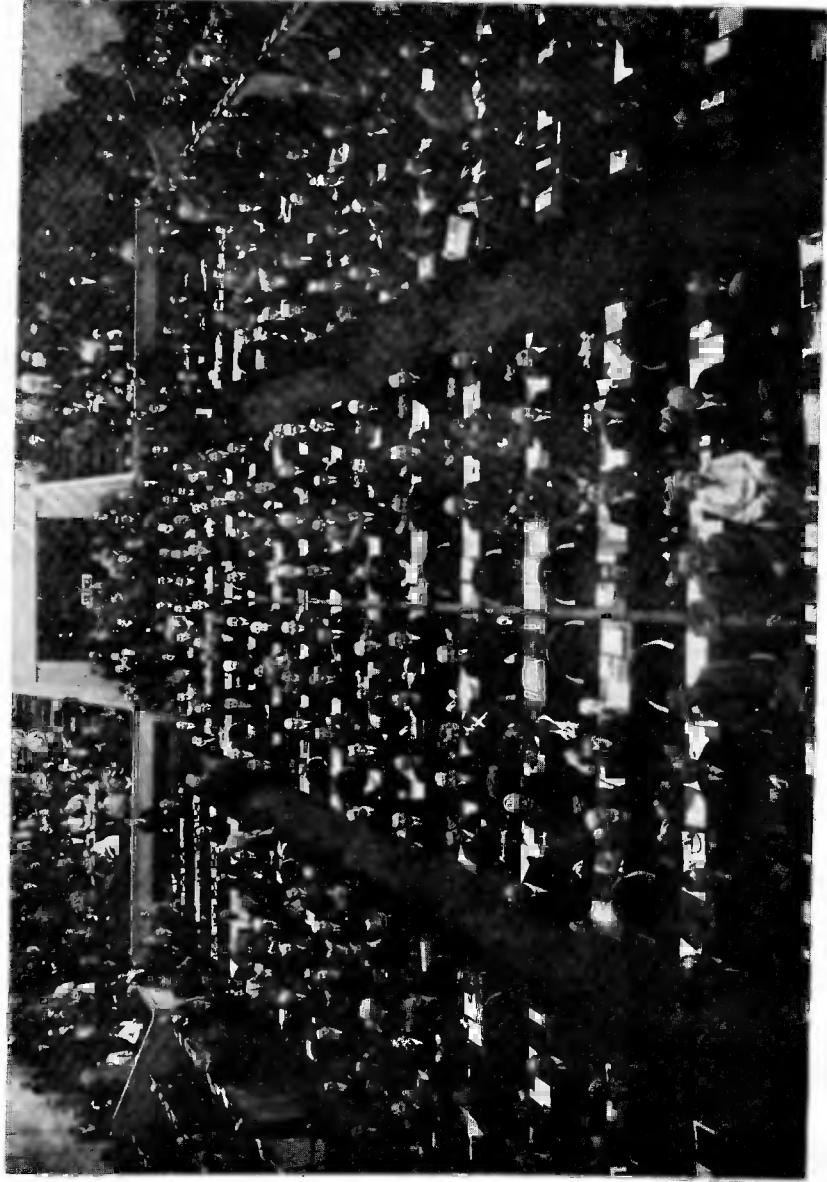
۶ - چون مسائل مجلس اقوام و کانفرانسها و ماهدات و حقوق عموماً بایکدیگر تماس دارد و برای حل فیصله جات مجلس اقوام و تصمیات کنفرانسها و تحلیل مواد معلقه ماهدات لازم است بمشاورین حقوق و کتب حقوقیه رجوع و اخذ مقصد شود و همچنان منیم حقوق بین الملل نیز تصمیات مجلس اقوام و ماهدات بین المللی است که شعبه حقوق باید از جریانات جامعه ملل و تصمیات کانفرانسها و گذارشات بین المللی مسبوق باشد تا بتواند در مورد رأی صحیحی اظهار بنماید . بنابراین لازم دیده شد که شعبه سه گانه فوق بایکدیگر در تاس بوده اشتراک مساهمی نماید لهذا مدیریت ماهدات که سابقاً یک جزو مدیریت عمومی نشریات بود از آنجا منقلک و یک مدیریت عمومی بنام مدیریت عمومی امور بین المللی تاسیس گردید .

۷ - ع، ج، والا حضرت سردار شاه و لیغان فاتح کابل و وزیر مختار اعلیحضرت در پاریس نیز برای شرفیابی حضور اعلیحضرت همایونی و ملاحظه ترفیقات و ملاقات خود افغانستان و ملاقات ج، ع، ج، والا حضرت صدر اعظم صاحب وع، ج، والا حضرت وزیر صاحب حریه از حضور اعلیحضرت یادشاهی اجازه حاصل نموده در ماه دلوبکابل تشریف آوردند که صورت پروگرام پذیرائی بر حرارت والا حضرت ممدوح درجرا اند و وطنی نشر شده است .

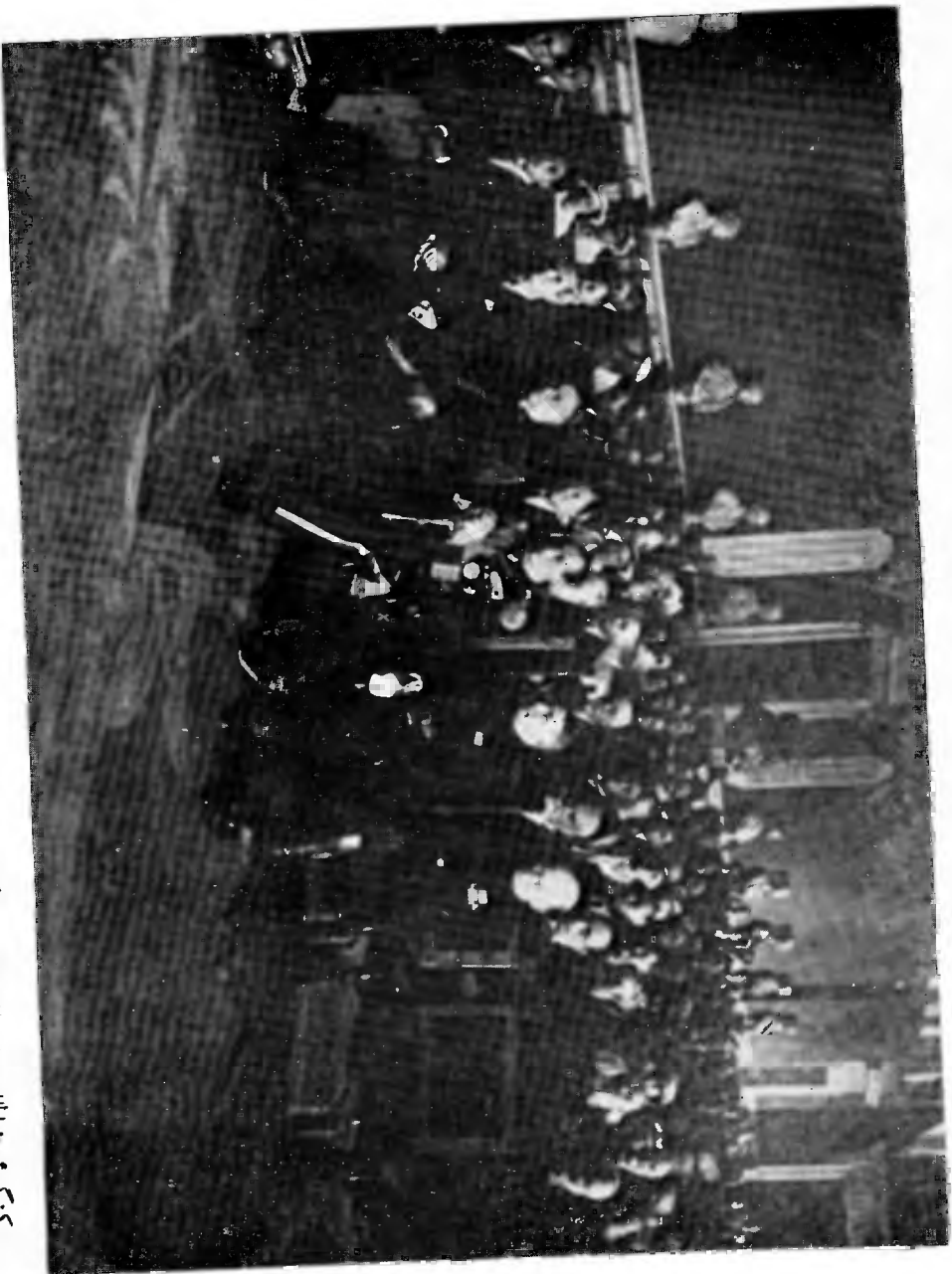
۸ - بتاريخ ۴ جون ۱۹۳۵ مطابق ۱۳ جوزا نزد همین کنفرانس دائره بین المللی کار در جنوا شروع و بتاريخ ۲۵ جون مطابق ۳ سرطان اختتام پذیرفت، چون حکومت افغانستان بدائره بین المللی کار عضویت دارد لهذا ع، ش محمد عمرخان در کنفرانس مذکور شامل و بصفت نمایندده افغانستان از جناب رئیس مجلس دائره بین المللی کار که با احساسات بر حرارتی شمولیت مملکت افغانستان در دائره بین المللی کار خیر مقدم گفته اند تشکر و انطق ذیل را برادر کرده است :

جناب رئیس - خانها - آقایون !

بصفت نمایندده افغانستان از جناب رئیس مجلس اداری دائره بین المللی کار که با احساسات بر حرارتی و زود مملکت مراد دائره بین المللی کار خیر مقدم گفته اند تشکر میکنم .



کفرانین سالانه دفتر بین المللی کار در جنوا که نماینده افغانی م در آن شمولیت ورزیده است (قطار وسطی طیف چهارم)
La séance annuelle du B-I-T à Genève (le délégué afghan est marqué d'un croix)



کنگره: یوفا للی مستشرقین در روما کابینه افغانستان دم در آن شورايت داره (صف اول از طرف چپ پنجم دوم)
(Le Congrès International des Orientalistes à Rome (le délégué afghan est marqué d'un croix))

اجراآت داور مملکتی

و همچنین از جناب مدیر که در اطلاعیه خویش از دخول مملکت من درین دائره با تراکت تمام سخن میگویند و اطلاعیه شان برای معلومات مالکی چون مملکت من مفید محسوب گردیده و سزاوار ستایش است اظهار ممنونیت مینمایم. شخصاً بنده خیلی مفتخر و بخنیاورم که درین جمعیت شهر که آوازه خدمات خیر خواهانه و اجراآت مفیده آن عقاید مملکت دوردست مرا نیز متأثر نموده است نخستین عابده افغانستان میباشم. افغانستان درین مؤسسه متحد ممکن با تصمیم همدستی و معاونت کامله امور آن، داخل گردیده و امور مذکور را تأیید نموده متیقن است که کارزارهای دائره بین المللی کار خدمات بزرگی در راه بهبودی وضعیت کار در افغانستان انجام خواهد داد. تصمیم گرفته ایم که برای بهبودی دست کارگران مملکت ما شاهره اصلاحات اجتماعی را که دران پیش رفتهای مهمه نموده ایم نور دیده و آرزو مندیم که تشکیل بین المللی کار با همان وظیفه شناسی و خیر خواهی که به جهان بارها ثابت نموده است، درین امر مددکار ما گردد. در مملکت مانجید امور مملکتی مر شده است و تمام اجراآت حکومتی را در بر گرفته در کابل و سایر ایالات سرعت اجراآت و پیش رفتهایی که به نظر میرسد با بسیاری از ممالک جهان همسری مینماید. مساعی که بنا بر آنها مملکت ما در زمان اندک گامهای سریع بجانب ترقی گذاشته مرسوم مفکوره « نادر شاه » فقید ماست و در دوره خلف او نیز اقدامات مذکوره آهنگ سریع تری به خود گرفته تاسیس خطوط تیلیفون در تمام گوشه های مملکت، زمین و افزونی جاده ها موزر رو که اکنون سه هزار کیلومتر بالغ میگردد تسهیلات ترقی تجارت و صنعت یقیناً احتیاجات ملت و خصوصاً انشای بندها و اصول آبیاری جدید که پنج نهر بزرگ را برای سهولت زراعت های بزرگ در بر میگردد و دوی آنها خانه یاتنه است، تاسیس مکاتب زیاد و مدارس صنعتی، بنای شهرهای جدید با اصول امروز و خصوصاً ساختمان و ترمیم شهر بلخ که باختر قدیم میباشد از جمله اقدامات است که بر زندگانی و سر نوشت کارگران افغانستان آرزو خوبی تولید مینماید. از جمله سرکهای جدید جاده که با اسم شکاری معروف است بایستی بنا بر اهمیت اقتصادی و تجارتنی آن ذکر یابد؛ جاده مذکور کوهستانهای شاخه هندوکش را عبور نموده ایلات شمالی را با مرکز وصل مینماید. مؤسسات جدیدی برای منافع عامه انشا گردیده که اکثر ایشان یعنی تقریباً یکصد و پنجاه مؤسسه آن عبارت از شفاخانه ها و تشکیلات صحبه عمومی باشد.

چون افغانستان یک مملکت زراعتی است بنا بران حکومت باین مسئله زیاده تر توجه نموده اصلاحات و بهبود های زیادی برای زراعت بظهور آورده مثلاً تاسیس جنگل ها در رفاہ کارگران زراعتی تسهیلات زیادی تولید نموده.

بانک جدید التاسیس ملی پیش بینی های مفیده را جم به صنعت و اقتصاد در نظر گرفته و دارای فوائد کبیره می باشد.

میدان حرفه ها و صنایع دستی نیز بزرگتر شده می رود و عده بزرگ کارگران در کارخانه جات که تازه از طرف حکومت بر پا گردیده بکار مشغولند.

خارج از موضوع نخواهد بود اگر درین زمینه از وقت کار در افغانستان سخن گویم. در مملکت من قانون قدیمی مدت کار های صنعتی و اموراتی را در هفته ۴۹ ساعت تعیین نموده است در زمستان کار بساعت ۹ آغاز شده و سه و نیم بعد از ظهر ختم می باشد و در تابستان از ۸ الی چهار و نیم عصر می باشد.

وضعیت کار خصوصاً از نقطه نظر صحتی رضائیت بخش است.

ربا (سود) که در شرق خصوصاً در مسائل زراعتی رول شوی بازی میکند در مملکت ما وجود ندارد. منهد عادات و شئون ملی آنرا ممنوع قرار داده است. قانونیکه اثر نیکی بر حیات کارگران نماید در شرف ترتیب و انفاذ است. در مسائل تقنینیه نیز اجراآت حکومت افغان قابل اهمیت میباشد در ظرف سال ۱۹۳۴ بیست و چهار قانون که دارای خصائص اجتماعی و اقتصادی و اداری میباشد معمول گشته یکی از قوانین مذکوره را جم مدت کار و

رخصتی در کارخانه جات حکومتی و شعب اداره عامه میباشد پس از آخرین شورشیکه در افغانستان واقع شد مساعی حکومت و ملت در اقامه امنیت که شرط اساسی تمام ترقیات و اصلاحات میباشد کامیاب بر آمد. در روزگار حاضر که همه جهان به فجایع بیکاری دچار است مملکت من خوشبختانه ازین گونه برایشانها آسوده بوده، میتواند بیش از مطالبه جویندگان بآنها کار بدهد. چنانچه مشاهده نمودید مساعی زیادی بقرار مفهوم مندرجات فرمان کار در افغانستان بوقوع پیوسته امیدواریم که با همدستی حقیقی دایره بین المللی کار بتوانیم زیاد بر زیاد اصول بشریت خواهانه فرمان مذکور را به مورد حقیقت و عمل بیاوریم.

۹ - چون قرار مقررات جامعه ملل در هر سال بتاريخ ۴ اکتوبر مطابق ۲۱ سنبله يك اجلاس عمومی تشکیل میشود بنابراین در سال حاضر نیز بتاريخ مذکور شانزدهمین اجلاس جامعه ملل انعقاد یافت. افغانستان که یکی از اعضای جدید جامعه ملل است درین اجلاس نمایندده او برای اولین مرتبه نطق ایراد نموده است که مفاد آن ذیلآ درج میشود.

جناب رئیس، خانم ها و آقایون!

سالگروه ورود افغانستان در جامعه ملل مقارن بوقتی است که توجه تمام جهان بر مسئله بزرگ و دلچسپی مطوف گشته و نتیجه آن برای مسئولیت ملل متمدنه دنیای جدید خیلی مهم و فراموش نشده است. حتی مسئله مذکور برای جامعه ملل نیز مشغولیت بزرگ تولید نموده است اگرچه مملکت من از جدیدترین اعضای جامعه ملل است بازم ما با عقیده متین داخل گردیده ایم که نصب العین جامعه ملل بطوریکه در میثاق مذکور گردیده نه تنها با « شعار صحیح » اکتفا مینماید بل آرامی و نیک خواهی را در عالم بشریت محافظه میکند و هدف حقیقی ملت افغانستان نیز غیر از این نیست.

مواطنان من اعتماد کاملی بجامعه ملل دارند، و بیپرده امیدوار نیستند که نقاط متنازع فیہ امروزه که افق بین المللی را تیره و تاریک ساخته بواسطه جامعه اقوام ز راه عدالت و احترام کامله و مساوات حقوق فیصله گردد. چون تولید و محافظه صلح جهان بواسطه امنیت مشترکه در مقابل امنیت مجموعی هدف اساسی مؤسسه بین المللی جینوا میباشد، ملتیکه به نمایندگی آن مقتضرم متیقن است که دعوی میان دو عضو جامعه ملل بایست بوسایل صلح خواهانه، و صورت اصلاحی فیصله گردد بشرطیکه با رضی و حکومت ملی ممالک مذکوره که جامعه ملل محافظه کامله آنرا خواهان است لطمه وارد نشود.

زبات آوران شهر قلا نفعیلات مسایل بزرگ سیاست عصر حاضر را داده اند بنده با تشریح مختصری را جزم به اجراءات مملکت خود در راه صلح خواهی و صلح پرستی اکتفا مینمایم. از فرصت استفاده جسته باعضای جامعه ملل اعلان میدارم که نه تنها ما در صلح و ترقی آن که نصب العین بلندی خوانده میشود متیقنیم بلکه علاوه بر آن در اجراءات مختلفه خویش همین نظریه را بوقوع آورده ایم. حکومت امروزه افغانستان که مساعی آن با احتیاجات و ضروریات ملی همخوان میباشد با آرزوی نیک خواهی و محبت بین المللی و تساند کامله در راه احیای ملی میکوشد نقطه درین زمینه موجود است که از اظهار آن بجمجم، خیلی بختیارم نقطه مذکور عبارت از اختلاف مرحدی بود که میان مملکت من و حکومت ایران سرزده بود و توفیق رشدی آراس وزیر امور خارجه دولت جمهوری توریکیه در نطق خویش هنگام ورود افغانستان بجامعه ملل و در دیگر اوقات ذکر آنرا نموده است مسئله مذکوره را بحکمت توریکیه حواله کردیم و یقین کامل داشتیم که اینگونه حکم اعتماد و محبت طرفین را حایز است، و خلی مسعودیم که بنا بردوستی و محبت حکومت توریکیه این اختلاف بین المللی بطوری فیصله گردید که به دوستی صدساله باستانی افغانستان و ایران زین نرسید، و رابطه مذهبی و لسانی که در بین ما و همسایه های ماورای حدود غربی ما بوده مانند اول یا یدار و قائم ماند، علاوه بر آن متیقنیم که مانند بنده از نزدیکی این دو همسایه که دائماً روابطه دوستانه دارند، همسایه های ایرانی ما نیز خیلی مسرور و شادمان میشوند، اینگونه تشبثات مذاکرات صلح خواهانه مطابق به سیاست مملکت ما میباشد، و افغانستان همیشه آرزومند روابط دوستانه با همسایه گان و همه

افغانستان در مجامع بین المللی

L'Afghanistan aux réunions internationales.



دلفرانس بین المللی معارف در جنوا که نایبده افغانی هم دران شمولت دارد (از طرف راست در قطار اول شخص دوم)
La Conférence Internationale de l'Instruction Publique à Genève (le délégué afghan est marqué d'un croix)

غایت صنائع ظریفه ایران در لنینگراد



دعوت درموسیه شرق شناسی لنینگراد که نماینده انجمنستان مردم ایران شهبیت وارد (از طرف راست ششمین چهارم)
L'Exposition Internationale de l'Art Iranien à Léningrad (au centre le Délégué Afghan)

اجرا آن دوائر مملکتی

جهان است، زیرا حکومت بنده میندازد که معاصرین ما به تأمین صیانت و امنیت مشترکه احتیاج شدید دارند. در تعقیب سیاست تأمین آرزوهای ملی حکومت نادر شاهی برای بهبودی حیات اقتصادی و اجتماعی مملکت که کاخ آن هنگام آخرین انقلاب افغانستان به زلزله آمد. بودکوتاهی نکرده ملاحظه اشک و مسائل مواصلات و طرق در داخل مملکت برای تأمین ترقی صلح خواهانه و بهبودی عمومی و تأمین زندگی و ثروت ضروری است. حکومت افغانستان به فعالیت و نیروی زیادی ساختن هزاران کیلومتر سربک را پیش گرفته است. خطوط تلگرافی و تلفونی را توله نموده در تمام حصص خاک خویش تلگراف بی سیم را قائم گردانیده. حاضرآباد کرکھی از ترقیات که جدیداً بوجود بیوسته است اکتفا مینمایم. امروز ما در مقابل مساعی حکومت واقف شده ایم، و حکومت در تقسیم اقدامات مفیده صلح خواهانه و انتظام بوده در مساعیش برای اعتدای منظم و صحیح کاملاً مورد اعتماد و معاونت ملت افغانستان میباشد. و از طرف دیگر حکومت افغانستان در تصمیم خویش قانع خواهد بود که بدون قید و شرطی معاونت خویش را در مساعی که منجر به حکمرانی نیک خواهی در عالم بشریت و صلح و رفاهیت باشد درین نخواهد کرد.

۱۰- در تاریخ نیمه ماه جولائی ۱۹۳۵ مطابق ماه سرطان، چهارمین کنفرانس بین المللی عرفانی در جینوا منعقد شد. حکومت افغانستان که میخواهد از تمام گذارشات بین المللی مستعضر باشد برای ع. ش محمد عمر خان دستور داد که بصورت یک نفر مشاهده از طرف افغانستان در کنفرانس مذکور شامل شده نمایندگی نماید. نسبت به شمولیت افغانستان در کنفرانس مذکور موسیولا شنال رئیس کمیته اجراییه بکلمات دوستانه تبریک گفته جناب محمد عمر خان مقابلتاً نطق ذیل را ایراد و احساسات رئیس موصوف ابراز تشکر نمود.

جناب رئیس، خانها، آقایون!

ادعای آزادی اندازم که در اینجا زبان آوری نمایم بلکه تنها میفرمایم که تأثیرات خویش را عرضه دم. بیش از همه بصفته نماینده بیننده افغانستان تکلیف من است که تشکرات صمیمانه خود را به موسیولا شنال رئیس کمیته اجراییه، در مقابل کلمات دوستانه که نسبت بحضور بنده بصفته نماینده بیننده حکومت افغانستان درین مجسم محترم اظهار داشته اند تقدیم دارم و همچنین از رئیس محترم کنفرانس متشکرم که بمن اجازه اظهار احساساتم را داده اند. حاضرآباد از بیان مساعی بزرگیکه در راه ترقیات عرفانی و تشکیلات معلوف در مملکت من بوجود بیوسته خودداری نموده آرزو مندم که در انعقاد آینده کنفرانس این موضوع مفصلاً تشریح یابد.

میخواهم باطلاع این جمیت عالی برسانم که در ظرف این چند روزیکه بنده در مباحث کنفرانس حضور بهم رسانیده ام متیقن میشوم که صلح خواهانه بین المللی عرفانی برای همه ممالکی چون مملکت من که در روزگار حاضر مساعی مشترک حکومت و ملت بجانب تعلیم و ترویج عمومی مواجه است طبعاً محبوب میگردد. فریضه خود بیشتر آنست که بحکومت خود تأثیراتیرا که در اینجا محسوس داشته ام اراکه نموده و امید دارم که افغانستان قدردانی را که هیئت بین المللی عرفانی مزاوران است بجا آورده در آینده تمثیل خویش را در آن به وسیله یک نماینده بیننده بل بوسیله بیشتر خواهد نمود.

۱۱- بتاريخ ۱۰ ستمبر ۱۹۳۵ مطابق ۱۷ سنبله سومین کنفرانس بین المللی صنایع مستظرفه ایران در لین گراد منعقد شده و از حکومت افغانستان نیز دعوت شده بود چنانچه از طرف حکومت افغانستان به قاریت کیرای اعلیحضرت در ماسکو دستور داده شد که س. عبدالحمید خان سرکاتب سفارت بصورت نماینده افغانستان در کنفرانس مذکور شامل شود در اثر ارشاد حکومت صدیقآباد موصوف در اینجا شامل شد و خطابه متذیله را ایراد نمود.

جناب رئیس، خانها، آقایون!

من بسیار خوش و خوش از اینکه بمناسبت سومین کنفرانس بین المللی صنایع مستظرفه ایران و نمایش صنایع ظرفه ایران

امروز میتوانم بهترین خواهشات خود را بحکومت اتحاد جماهیر اشتراکی شورانیه و بحکومت اعلیحضرت پادشاه ایران و به مؤسسه عتیقه شناسی و صنایع ظریفه ایران و خصوصاً بتأم دوستات شرق ابلاغ دارم. آنچه که راجع بارتباط صنایع ایران و افغانستان میباشد قبلاً میتوانم تصدیق نمایم که این ارتباط بسیار قویست چه که این دو ملت تاریخاً و نژاداً با هم مربوط و همواره در بین این دو ملت ارتباط و اقتران بسیار نزدیک موجود بوده است. من متأسفم از اینکه متخصصین صنایع و عتیقه شناسی ما نتوانستند در بن کنگره حضور بهم رسانند، ولی تاجائیکه برای من معلوم است عملیات حفریاتی از طرف هیئت های متعدد علمی و خارجی خصوصاً از طرف هیئت فوشه وهاکن در افغانستان بعمل آمده، و در نتیجه این حفریات در قسمت آثار صنایع یونان و بودائی نتایج بسیار رضایت بخشی بدست آمده است. عملیات حفریاتی در جلال آباد دوهده (شهر خوردریست در نزدیکی جلال آباد) بامیان و غزنی بعمل آمده است. اشیائیکه در نتیجه این حفریات بدست آمده قسمتی در موزیم (کبه) پاریس بمرض نمایش گذاشته شده و قسمت دیگر در موزیم کابل نگهداشته شده است. ما اهالی شرق ابراز میل مینائیم که عملیات حفریاتی برای کشف سائیم و آثار عتیقه ایران و تمام شرق بیش از پیش توسعه یافته و همواره استفاده که از نتایج آنها غالباً ممکن شود.

۱۲ - از تاریخ ۸ جون ۱۹۱۴ که اولین کنفرانس بین المللی تجارت در مجلس سنای بلجیم منعقد شده بود به بعد کنفرانسهای متعدد در لندن تشکیل می یابد چنانچه در ۲۳ جون ۱۹۲۴ که دهمین انعقاد کنفرانس مذکور بود حکومت افغانستان نیز شمولیت ورزیده و از آن تاریخ در کنفرانسهای سالانه آن تمثیل می گردد درین سال نیز تاریخ اول ال پنجم اکتوبر (میزان) کنفرانس پارلمانی بین المللی تجارت برای دفعه سوم در قصر وستمنستر لندن منعقد گردید و ص. جمه خان صرکاتب وزارت مختاری اعلیحضرت در لندن بر حسب هدایت حکومت در مجلس مذکور شامل شده و بصفت نمایندۀ افغانستان در آنجا نطق ذیل را ایراد نموده است.

جناب رئیس مجلس، خانهای محترمه و آقایان کرام!

اگرچه مملکت افغانستان مانند ممالک بزرگ دنیا کارخانه های زیاد ندارد، بازم خیلی کوشش مینماید تا در تجارت و صنعت بین المللی شمولیت ورزیده درین راه پیشرفت بنماید بنا بران بنده خود را مجبور می بینم که بیعت نمایندۀ افغانستان درین مجمع بزرگ نظریات خویش را ارائه نمایم، درین چند سال آخر صادرات مواد خام و واردات افغانستان بار بار زیاد تر شده است سبب و عامل اساسی ترقی تجارت در افغانستان امنیت کامله در داخل مملکت و مناسبات صلح جویانه او با همسایه هایش میباشد که در اثر توجهات و مساعی حکومت موجوده بیش از پیش قائم گردیده. شمارا بمسائل فنی زحمت نداده مسرورانه عرض مینمایم که مقصد ما از شمولیت در تجارت بین المللی تنزیل بیست فیصد نرخ مال التجاره افغانی برای ارزان فروشی نیست بلکه برای مفاد تجارتنی است که مال التجاره افغانی مستقیماً به مصرف کنندگان رسیده بتواند. مساعی فوق الذکر تقدیر شده است زیرا که از روی احصائیه ها میدانیم که تجار افغانستان زائد از مبلغ دو صد هزار یوند در ظرف چند ماه تنها در لندن تجارت کرده اند درین اواخر بوسیله تاسیس بانک ملی و مجامعات و معاونت حکومت به بانک مذکور تجارت بین المللی و استعمال مرمایه های افغانستان پیشرفتهای زیادی کرده آخرین نمایشگاه بین المللی تجارتنی که در کابل قائم گردیده بود بنا بر توجهات حکومت با تاجران خارجی در هدف خویش کامیاب برآمده. منایم طبیعتاً مملکت افغانستان فراوان میباشد و این نظریه مبالغه آمیز افغانی نیست بلکه افغانستان در نظر دارد که معادن بیش بهای خود را استخراج نموده بوسیله آن به بیانه وسیع تری در صادرات و واردات تجارت جهان سهمگردد. مسلم است تجارت و صنعت یگانه عنصر زندگی ملی است حکومت افغانستان میخواهد که بدین وسیله همه شعب حیات بین المللی خویش را بیش برسد. میدانیم که ذریعه تأمین امنیت و نیک بینی میان ملل جهان اصول دوستانه و انسایت خواهانه تجارت بین المللی میباشد زیرا وسائل مشترک اقوام دنیا را هم مربوط میسازد و از راه تجارت بین المللی مفاهم بین اقوام حاصل میشود. اگر ذریعه فوق الذکر بدست آمد تعاون بین المللی و بهبودی با هم حاصل میگردد و در راه حل مشکلات بزرگ جهان امروز پیدا نخواهد شد.

اجراآت دو ایر ملی

جناب رئیس، اگر احساسات هموطنان خود را اظهار کرده بتوانم گفته میتوانم که مطابق روحیات این کنفرانس است و به هموطنان خود ابلاغ کرده میتوانم که حقیقت تجارت بین المللی وسیله رفاه حیات بشر و تأمین صلح ملل میباشد. گویا مادرین کنفرانس بهبود یافته شامل نگردیده بلکه از شمولیت خویش خیلی مسرووریم.

۱۳ - کنفرانس بین المللی حقوق جزائی و محاسبات در ۱۸ ماه اگست ۱۹۳۵ مطابق ۲۵ اسد در برلین منعقد شده درین کنفرانس حکومت افغانستان نیز شمولیت ورزیده و ص. محمد اسمعیل خان سرکاتب وزارت مختاری اعلیحضرت در برلین بجهت نمایندگی افغانستان در کنفرانس مذکور حضور داشت.

۱۴ - کنفرانس بین المللی طبی بتاريخ ۱۹ ماه می مطابق ۲۸ نوردر شهر روما منعقد و ۲۶ می مطابق ۴ جوزا دوام نمود در اثر دموستیکه از طرف کنفرانس مذکور شده بود حکومت افغانستان نیز در کنفرانس مذکور شامل گردید و ص. احمد علیخان سرکاتب وزارت مختاری اعلیحضرت در روما و جناب دکتر صفر علی خان افغان فارغ التحصیل علم طب بجهت نمایندگی افغانستان درین کنفرانس شامل گردیده بودند.

۱۵ - بتاريخ ۲۳ ستمبر ۱۹۳۵ مطابق ۳۰ سنبله در شهر روما بحضور یکی از شهزادگان ایتالیا نزد همین کنفرانس بین المللی مستشرقین افتتاح شده الی تاریخ ۲۹ ستمبر مطابق ۶ میزان دوام نمود درین کنفرانس نیز افغانستان شامل و ص. احمد علیخان سرکاتب سفارت رومای افغانستان بجهت نمایندگی شمولیت ورزیده است.

۱۶ - معاهده بین المللی برده فروشی بتاريخ ۲۵ ستمبر ۱۹۲۶ در جنوا با مضار سیده بود چون حکومت افغانستان در رفتار و سایر اجتماعی خویش همیشه قوانین نوع برستی را تعقیب نموده و می کند بنا بران مطابق ماده ۱۱ معاهده مذکور الحاق خویش را بجامعه ملل اشعار داشت. مسئله الحاق افغانستان بمعاهده مذکور بتاريخ ۹ نومبر ۱۹۳۵ مطابق ۱۶ عقرب در دارالانشای جامعه ملل درج گردید.

۱۷ - معاهده بین المللی متحدین ساختن و تنظیم توزیع ادویه مخدره بتاريخ ۱۳ جولائی ۱۹۳۱ در جنوا با مضار سیده است و اکثر ممالک بآن شامل شده اند. حکومت افغانستان که بمصالح امور بین المللی م. نوا میباشد الحاق نامه خویش را بقرار ماده ۲۹ معاهده مذکور به جامعه ملل پیش نمود. صورت الحاق افغانستان بمعاهده مذکور بتاريخ ۲۱ جون ۱۹۳۵ مطابق ۲ سرطان در دارالانشای جامعه ملل درج شده است.

۱۸ - راجع به مسئله جنک ایتالیا و حبشه که در اوایل اکتوبر ۱۹۳۵ مطابق ماه میزان شروع شده فارین گرام از ملاحظه جرائد معلومات کافی دارند. جامعه ملل این اقدام ایتالیا را تعرض بی سبب حساب نموده مطابق ماده ۱۶ میثاق جامعه ملل که باید مملکت مقروض را عقوبت نمود بعد از تشکیل کمیته کورد بناسیون «تعاون» و کمیته هژده گانه به تمام ممالک عضو جامعه اطلاع نمود که با ایتالیا مقاطعه اقتصادی بنمایند و از ارسال تمام آلات و مواد خامی که برای پیش رفت حرب ممد باشد خود داری نمایند این مسئله از طرف تمام ممالک عضو جامعه ملل به کثرت آرا مورد قبول گردید. حکومت افغانستان که با مملکت ایتالیا مناسبات صمیمانه و داد دارد خواهش داشت که واقعه جنک ایتالیا و حبشه بمصالح و سلم انجام گیرد ولی چون واقعه مذکور وخامت پیدا کرد و جنک پیشرفت نمود لهذا بصورت یکی از اعضای جامعه ملل و احترام مقررات آن در مقامه اقتصادی شامل و اظهار موافقت نمود.

۱۹ - فارین محترم در جرائد وطنی مطالعه فرمودند که نتیجه اجراآت هیئت حکمیة دولت علیه جمهوریة ترکیه راجع بمسئله حدود نا محمد و دین افغانستان و ایران از طرف وزارت امور خارجه ترکیه بتاريخ ۲۷ نور با تشریفات مجلل سفرای افغان و ایران تسلیم شده بود. مقررات مذکور را بتاريخ ۲۲ سنبله مطابق ۱۵ ستمبر ۱۹۳۵ شورای ملی افغانستان پس از مطالعه گذارشات و مذاکرات هیئت های سه گانه تصویب نمود. برای اینکه فارین محترم از

چگونه خط جدید التاسیس مرحدی افغان و ایران مستحضرشو ندیک نقشه عمومی طول مرحد را نیز درین سالنامه مطبع و نشری نمایم .

۲۰ - اجراءات و اقدامات وزارت خارجه برای پیشرفت مقصد اقصاء خط تلگرافی بین افغانستان و ایران منتجع به نتیجه گردیده و بتاريخ ۸ دلو در نقطه « ج » خط فخرالدین التای سیم تلگرافی مملکتین با هم وصل شد و راجع به این مسئله تلگرامهای تیریکیه افتتاح مخابرات تلگرافی مابین پادشاهان عظیم الشان این دو خطه اسلامی مبادله گردید و پس از آن مخابرات بواسطه خط مزبور در جریان افتاد .

مقرریهای جدید وزارت خارجه :

- ع ، ج عبدالصمد خان سابق مدیر عمومی تشریفات وزارت خارجه به وزارت مختاری اعلیحضرت در روما .
- د ، محمد حیدر خان مدیر معاهدات ، مدیریت عمومی امور بین المللی (که جدیداً مدیریت عمومی تشکیل شده) .
- د ، عبدالغفور خان مامور وزیرة افغانی در پشاور به قونسلگری اعلیحضرت در سیستان .
- ص ، عبدالحکیم خان کفیل شعبه غرب به مدیریت غرب وزارت خارجه .
- د ، میر محمد صدیق خان کفیل شعبه ویژه و تابعیت به مدیریت ویژه و تابعیت وزارت خارجه .
- د ، عبدالرؤف خان سابق مدیر لوازم فرقه جنوبی به مدیریت محاسبه وزارت خارجه .
- د ، حفیظ الله خان سابق مدیر محاسبه به مدیریت قلم مخصوص وزارت خارجه .

امور داخله

امور داخله بکمال خوبی و حسن انتظام در جریان بوده ، امنیت کامل در تمام نقاط مملکت موجود و در تمام شعب مربوطه وزارت داخله فعالیت خوبی مشاهده شده است . خلاصه اجراءات سال ۱۳۱۴ وزارت موصوفه فرار ذیل است .

صورت تعدیل و تشکیلات جدید ملکیه :

الف مربوط ولایت کابل ،

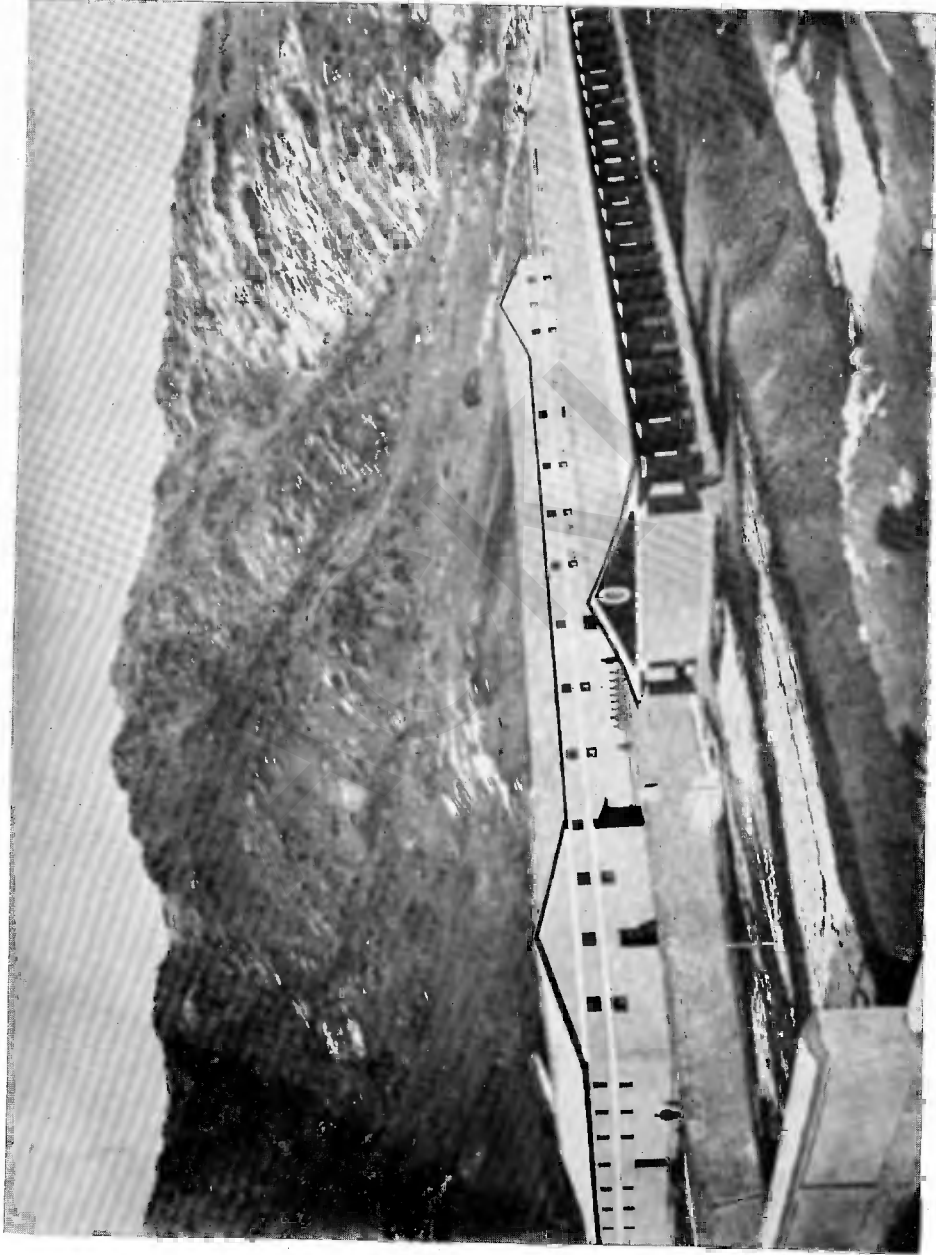
۱ ، علاقه داری خارج دره نجراب که سابقاً انقض شده بود ، نظر بمطالعات عمیقانه که بعمل آمده ، دوباره منظور گردیده .

۲ ، علاقه داری از رو مربوط حکومت کلنگار لوگر نظر به اهمیت آن ، حکومتی درجه ۳ تشکیل و مربوط مرکز حکومت کلان لوگر شده .

۳ ، قریه شاه نزار مربوط علاقه داری چرخ لوگر از علاقه داری مزبور بواسطه دوری منفک و از حیث نزدیکی مربوط مرکز حکومتی کلان لوگر شده .

۴ ، علاقه داری لعل و کرمان مربوط دایرنکی که در بودجه سنوات ماضیه شاهانه در وقت بهار برای اداره کوچی منظوری داشت در بودجه این سال طور دائمی منظور شده .

از تعمیرات و موسسات جدید و لایت کابل



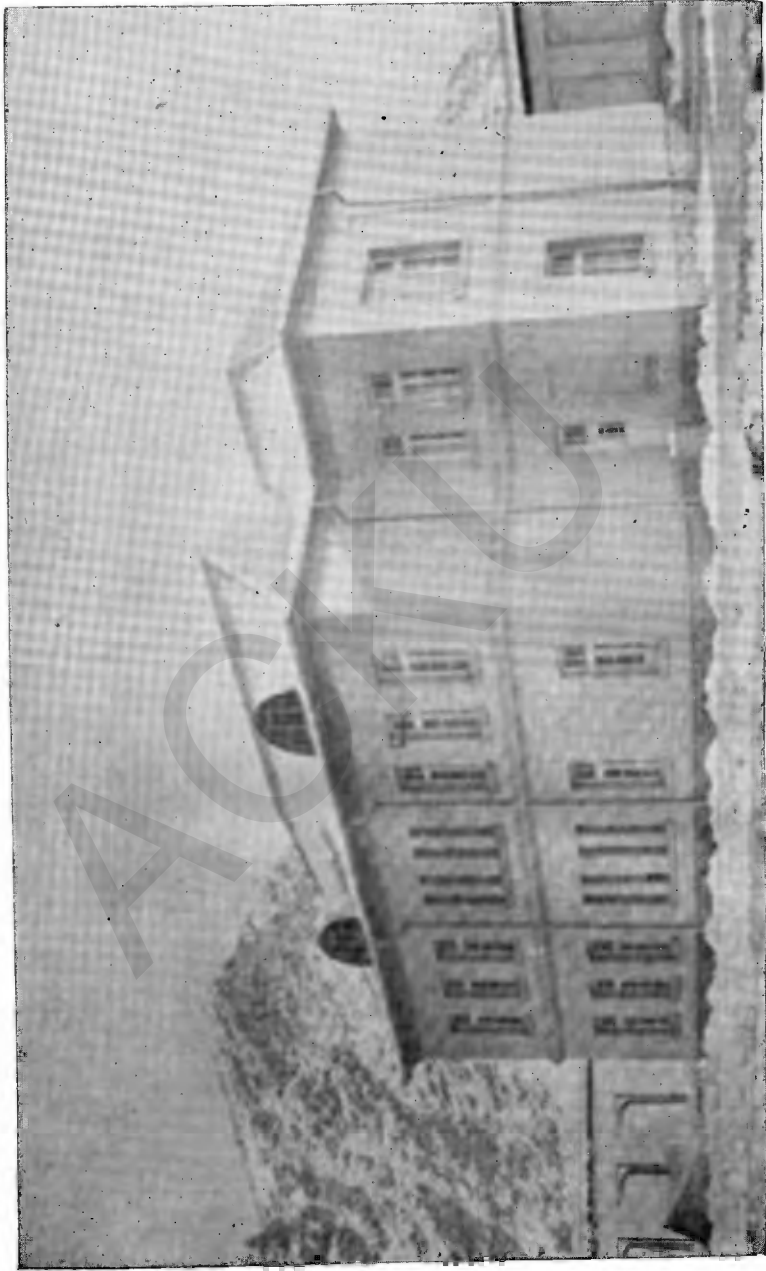
صحن حویلی و محل کار گامای صنایع نجیب دهر نیک
Une vue de la cour et les ateliers de la nouvelle prison de KABOÛL

از تعمیرات و موسسات جدید ولایت کابل



منظره عمومی محبس و موزیک که مجوسین در این بکال آرا می زیست کرده، ریخته های مختلفه و منبده را می آموزند
La facade de la nouvelle prison de Kaboul dans laquelle les prisonniers sont bien traité et
apprennent divers métiers

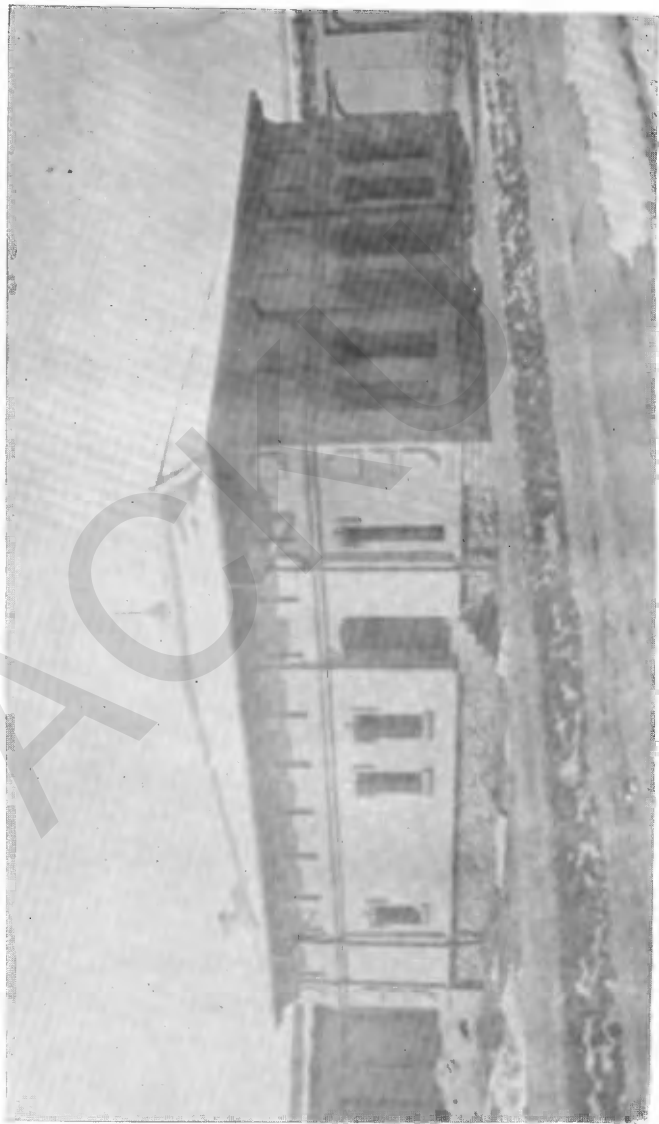
از تعمیرات جدید ولایت کابل



بیمارستان جدید دهر تنگه

L'hôpital de la nouvelle prison de Kaboul

از تعمیرات و موسسات جدید ولایت کابل



حمام مصوری در محلیس دهر ننگ
Bâtiments des bains de la nouvelle prison de Kaboul

اجرا آت دوائر مملکتی

ب : مربوط ولایت قندهار .

- ۱ : حکومت درجه ۲ به نهر میراج قندهار جدیداً تشکیل گردیده .
- ۲ : علاقه داری ساربان قلعه که سابق مربوط حکومت فورک بود از حکومت مذکور منفک و مربوط حکومتی جدیداً تشکیل نهر میراج شده .
- ۳ : علاقه داری قلعه بست که سابق مربوط حکومت کشک نخود بود از حکومت مذکور منفک و مربوط حکومتی جدیداً نهر میراج شده .
- ۴ : چون علاقه داری ساربان قلعه از حکومت فورک منفک شده حکومت فورک بدرجه ۲ تبدیل یافته .
- ۵ : چون علاقه داری قلعه بست از حکومت کشک نخود منفک شده حکومت کشک نخود بدرجه ۳ تبدیل یافته .

ج : مربوط ولایت هرات :

- ۱ : حکومت درجه اول قلعه نو که حصه بادغیسات است مرکز حکومتی کلان بادغیسات معین شده .
- ۲ : عوض حکومت درجه اول قلعه نو که فوقاً مرکز حکومتی کلان قرار داده شده مرغاب که سابقاً مرکز حکومت کلان بود بنام حکومت درجه اول مرغاب مربوط بادغیسات شناخته میشود .
- چون قلعه نو حکومت کلان و مرغاب حکومت اول شد علاقه داری منوس که به قلعه نو مربوط بود رأساً به حکومت کلان و علاقه داری چونند که به مرغاب مربوط بود بحکومت مرغاب ارتباط یافته .

د : مربوط ولایت مزار شریف :

- ۱ : قریه صیاد و فیروز نخچیر تعلقه علاقه داری تنگی صیاد مربوط حکومت ناشقرخان که مرکز حکومتی مذکور قریب بود از علاقه داری منفک و رأساً ذریعه مرکز حکومتی موصوف اداره می شود باقی قراء مربوطه علاقه داری بنام علاقه داری حضرت سلطان مربوط حکومت ایکه شده است .

ه : مربوط ولایت قطغن و بد خشان :

- ۱ : حکومت درجه ۲ قندوز نظر به اهمیت و وسعت آن به حکومت درجه اول تبدیل و یک علاقه داری بنام چهار دره مربوط حکومت مذکور جدیداً تشکیل شده .
- ۲ : حکومت درجه ۲ حضرت امام صاحب نظر به اهمیت و وسعت آن به حکومت درجه اول تبدیل یافته .
- ۳ : ورسج و فرخار که سابق علاقه داری و مربوط حکومت تالقان بود از حیث وسعت و کثرت خانه داری منطقه فرخار یک حکومت درجه ۳ مربوط ولایت تشکیل و حصه ورسج که از فرخار بعبید است به صفت یک علاقه داری مربوط حکومت فرخار منظور شده .
- ۴ : علاقه داری چاه آب مربوط رستاق از حیث و وسعت و زیادی نفوس یک حکومت درجه ۳ مربوط حکومت کلان بدخشان تشکیل و منظور شده .
- ۵ : علاقه داری شهر بزرگ که قبل از ظهور انقلاب مربوط حکومت رستاق بوده و در او آن انقلاب مربوط مرکز فیض آباد شده بود چون بر رستاق فاصله کمی دارد از هر حیث مربوطیت آن بر رستاق ضروری و به فیض آباد نامناسب است علاقه داری مذکور مربوط حکومت رستاق شده .

و : مربوط حکومت اعلای مشرفی :

- ۱ : قریه دره مزار و نورگل مربوط حکومت کوزکنر بواسطه دوری از حکومت مذکور منفک و مربوط حکومت خاص کوزکنر منظور شده .

ز: مربوط حکومت اعلاى جنوبى :

- ۱: قریه اسپیر قوم بی باخیل که مربوط علاقه داری شمال جدران بود از علاقه داری مذکور منفک و تمام اسپیر مربوط علاقه داری زیر وک ارگون شد .
- ۲: قریه زرندة کلری که مربوط علاقه داری شمال جدران بود از علاقه داری مذکور منفک و مربوط علاقه داری المره مربوط خوست شد .
- ۳: قریه دندکی که مربوط علاقه داری زیر وک ارگون بود از علاقه داری مذکور منفک و مربوط علاقه داری المره مربوط حکومت خوست شد .
- ۴: قریه دومندی که مربوط علاقه داری شمال جدران بود از علاقه داری مزبور منفک و مربوط علاقه داری المره مربوط حکومت خوست شد .

اصلاحات و انتظامات جدید تشکیلات پولیس :

اول تشکیلات و تاسیسات :

در تشکیلات قواء پولیس و کوتوالی مملکت تغییرات و تبدیلات بزرگی رخ نداده است مطابق سال گذشته مرهوی الاجر است تنها بقوماندانی پولیس مرکزی کوتوالی کابل بغرض نظم اداری بقرار ذیل اصلاحات شده .

الف : پولیس بیاده مرکز کابل جدید تشکیل گردیده . سابقاً تمام افراد پولیس بطریق یسکی گرفته می شد بدیهی است که پولیس یسکی پس از اکیال میعاد مقرر . با اینکه تعلیم و تربیه و وظائف مخصوص پولیس را یک اندازه اخذ مینمایند مرخص میکردند . برای اینکه طور خوش برضا و همری مستخدم و تحت تطییم و تربیه صحیح آمده بمرور ایام به تجربه و لیاقت شان افزوده و هم برای اینکه افراد پولیس از جوانان لایق و با اخلاق تشکیل گردد معاش ماهواره افراد یک اندازه افزودی تصویب و تولی های پولیس باسواد و سمیتی و پولیس معا بر تشکیل گردید است .

ب : در صنف پولیس سواره قوماندانی مرکزی کابل نسبت به تشکیل سال گذشته اصلاحات درستی از حیث تشکیل نفر و تهیه اسب و زین و اسلحه انتظام درسیر بعمل آمده است .

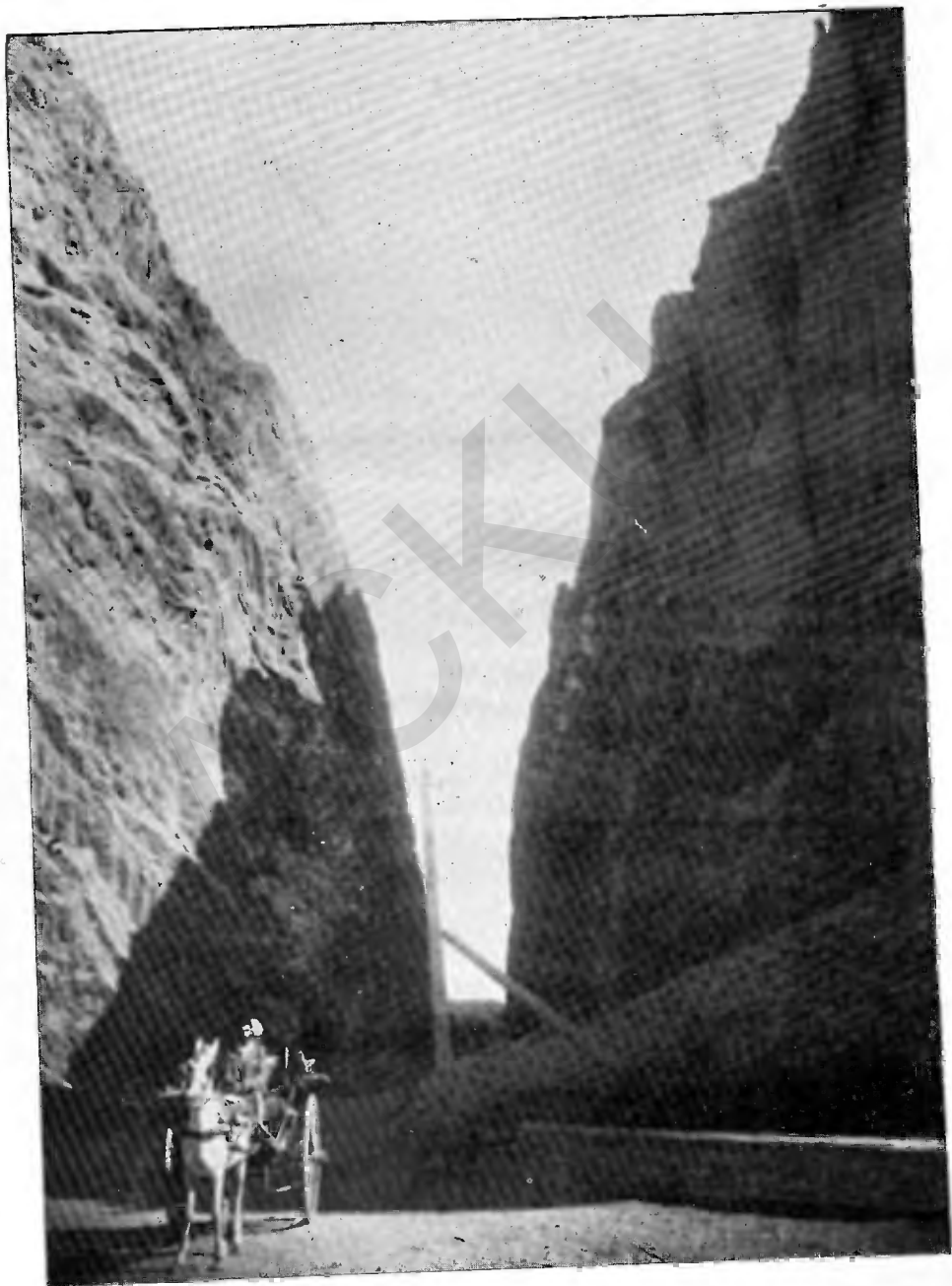
ج : در صنف بیاده کوتوالی نیز نسبتاً اصلاحات و انتظامات درستی بعمل آمده است چنانچه صورت تشکیلات قرو و اسلحه و البسه شان درست شده است .

د : در صنف تولی های مقرر باغها از حیث تشکیل نفر و البسه و بست تولی نیز اصلاحات نمریدی بعمل آمده است .

ه : در جمله شعبات قوماندانی یک شعبه اوراق نیز جدید تشکیل شده است که دارای شعبه حفظه و اجرائیه است تا اوراق رسمیه بدرستی حفظ شده و هم در صورت اجراءات معطلی واقع نگردد .

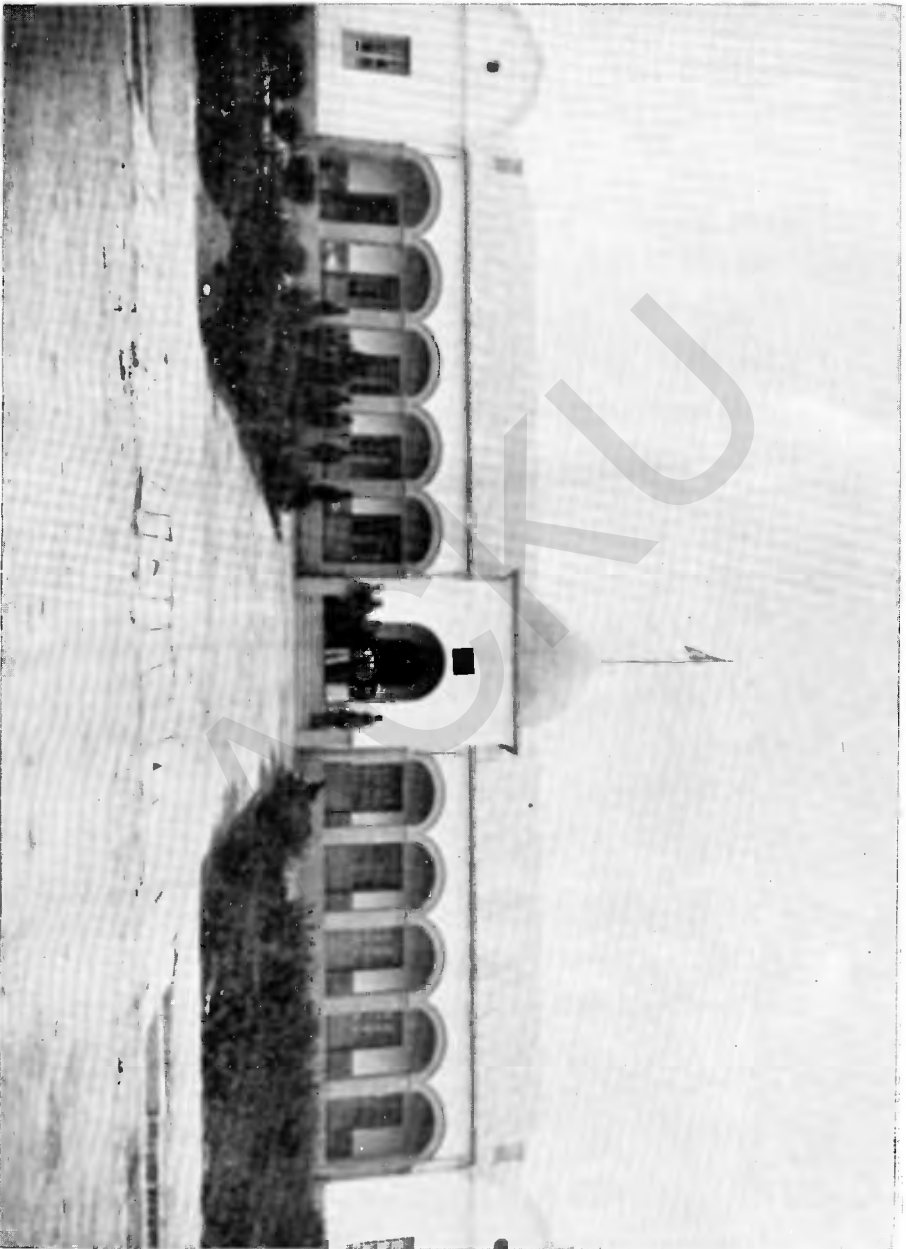
دوم اجراءات و امور اداری :

الف : نسبت به پیام امنیت عمومی مملکت و صورت تحکیم و تأمین آن در نتایج تدا بیر نافعیکه از قبیل دستورات متخذة اصلاحی ، مواظبت احصائیة اصل واقعات جرائم در مملکت و صورت تحقیق و فیصله و باز خواست آن و سق از فقرات تمام و با تمام و صورت اقدامات ما مورین مشول امنیت در مقابل واقعات جرائم و درجات امنیت هر علاقه و حکومت و ولایات اتخاذ شده است بفضل ایز دمتعال در مر نامر مملکت امنیت و سکون حکم فرما بود . به تحقیق و فیصله و باز خواست واقعات جرائم ، مراجع مربوطه اعتناء و در واقعات جرائم نسبت بسال های گذشته تخفیف کلی ملاحظه شده که بوازنه نصف واقعات سنوات ماضیه نمیرسد .



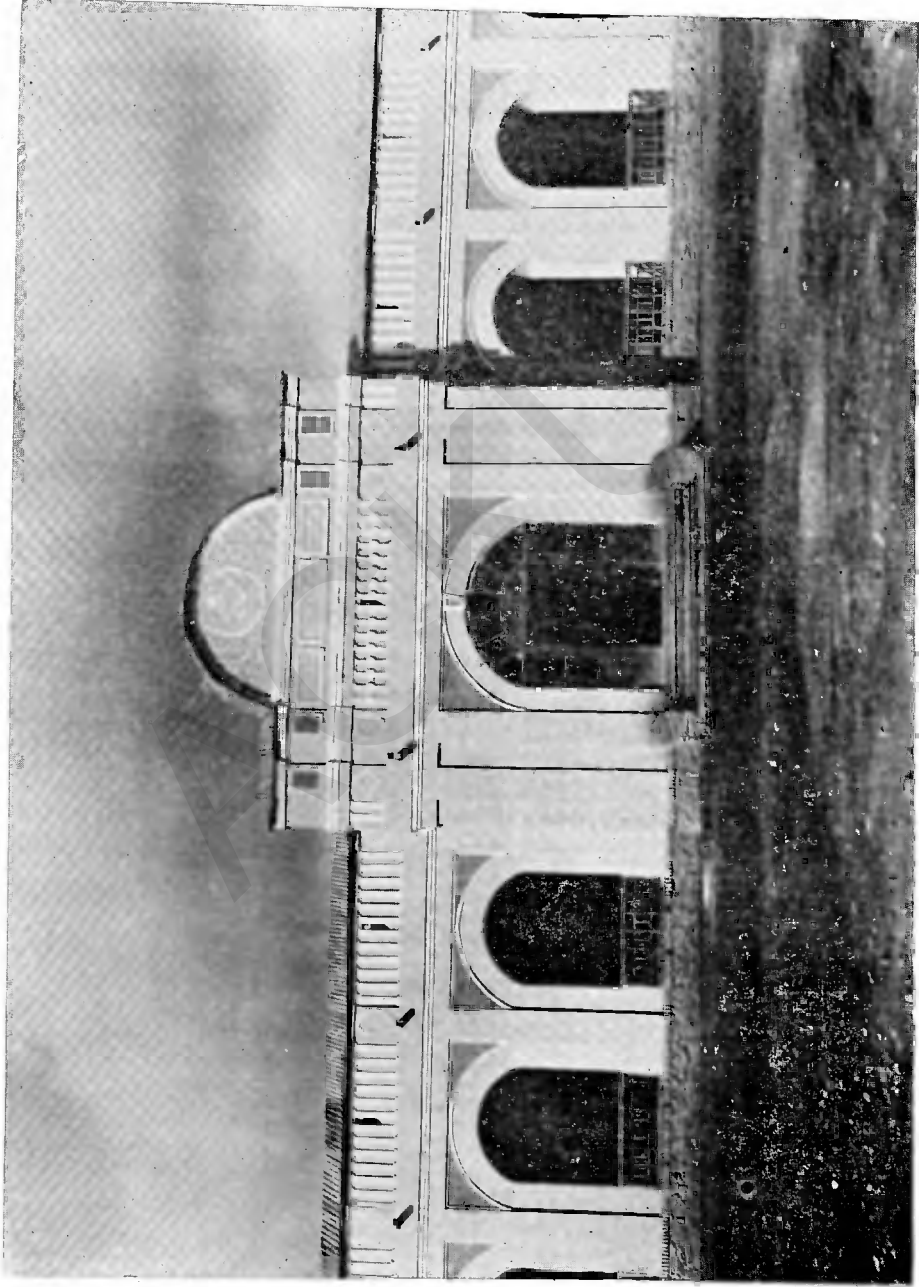
منظره تنگی تا شقرغان که جاده عمومی ازان میگذرد
La gorge de TACHKORGHAN (prov. de Mazar-I-Charif)

از تعمیرات جدید عمر ظاهر شاهی در سمرقند



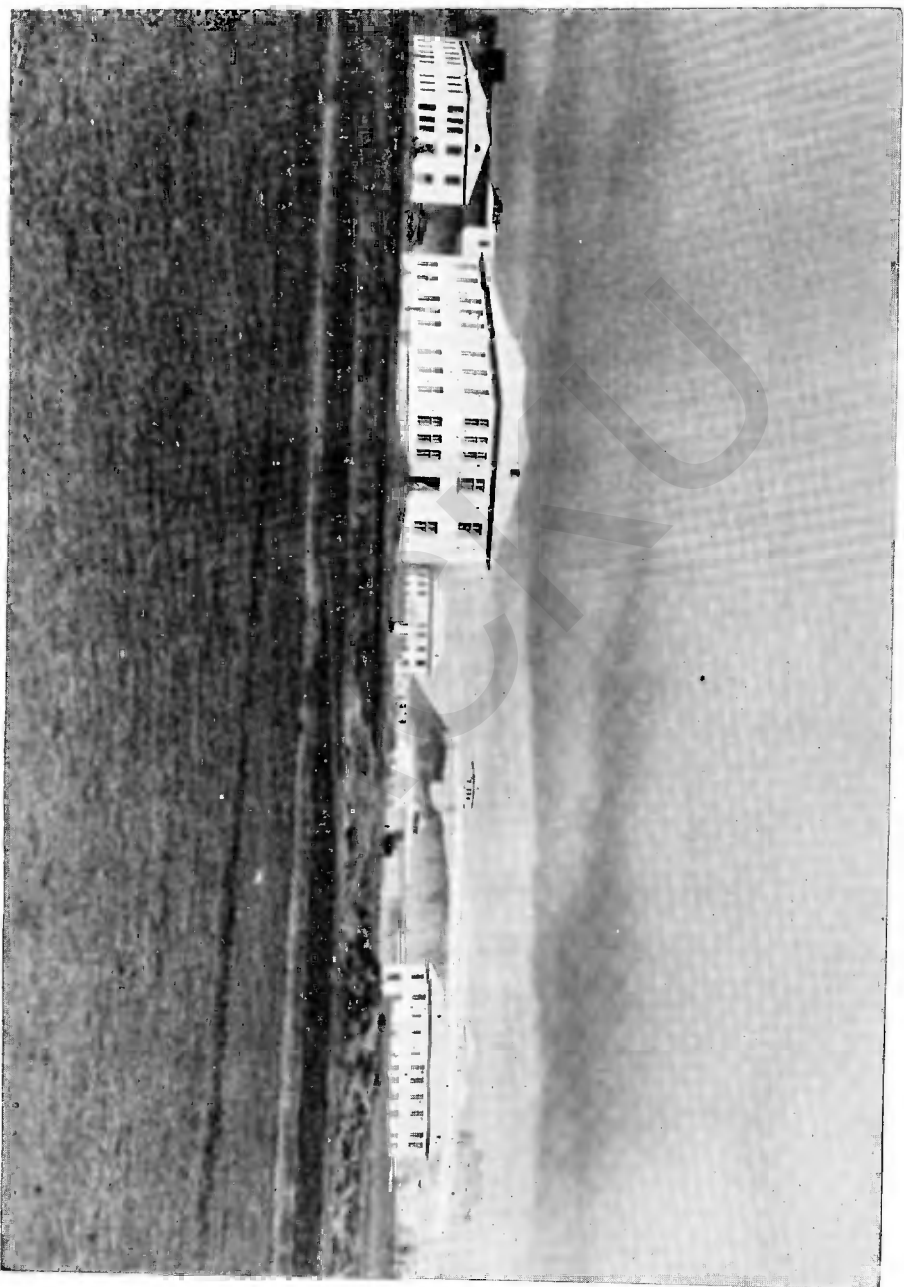
عمارت نائب الحکومه کی
La nouvelle résidence du gouverneur à MAZAR-I-SHERIF

از تعمیرات جدید عصر ظاهر شاهی در سمت جنوبی



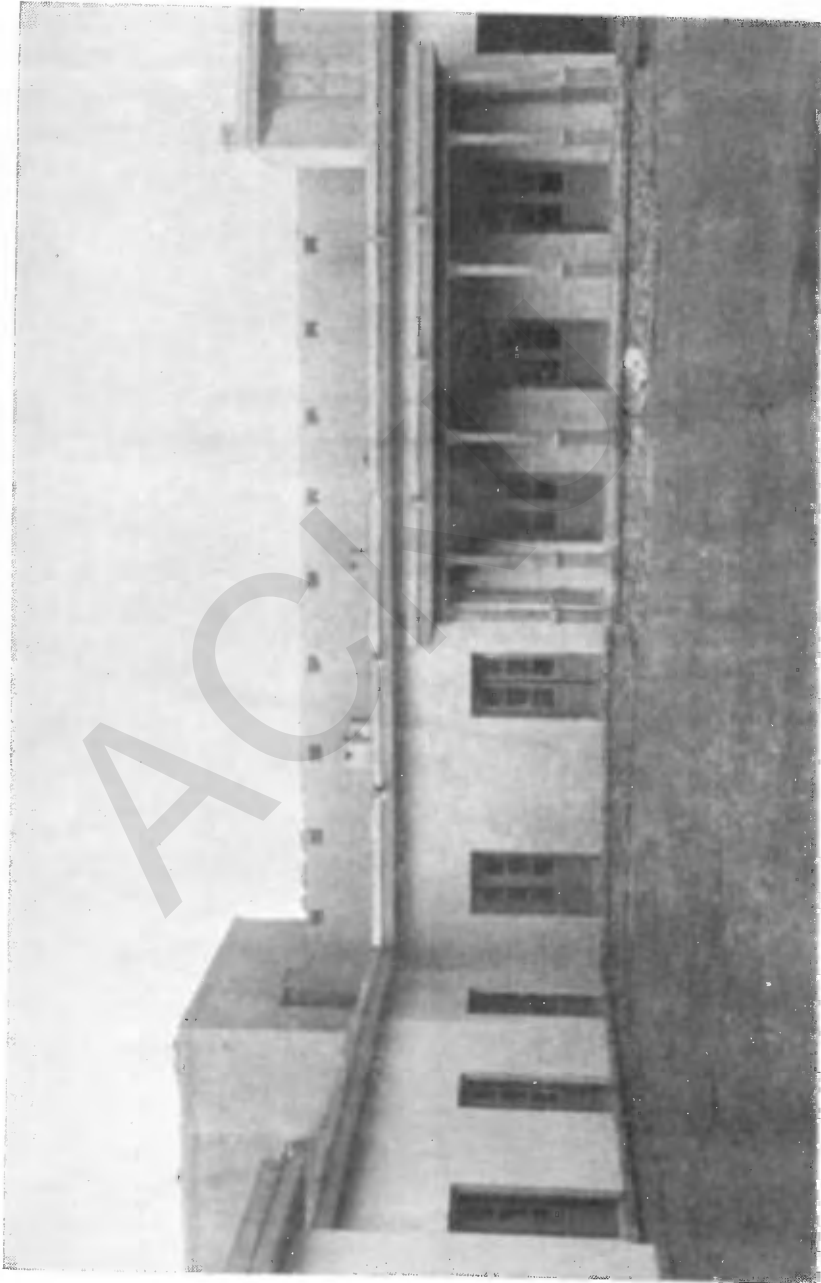
مسجد جامع کرمان
Mosquée nouvellement construite à GARDEZ (Prov. du Sub)

از تعمیرات سال ۱۳۱۴ سمت جنوبی



منظر عمومی عمارات جدید گردیز
Vue générale des nouveaux bâtiments de GARDEZ (Prov. du Sud)

از تعمیرات سال ۱۳۱۴ سمت جنوبی



عمارت حکومتی کر دیو

Nouveaux bâtiments des bureaux du gouvernement à GARDEZ (Prov. du Sud)

از تعمیرات سال ۱۳۱۴ هجرت جنو بی



مکتب کردیز
Nouvelle école de GARDEZ (Prov. du Su I)

اجراآت دوائر مملکتی

ب، راجع به تهیه لباس پوشاک بهاری و زمستانی محبوسین و تهیه خوراک و جیره محبوسین درین سال نیز اہتہامات شایانی بعمل آمده است .

ج، واجب به تہذیب اخلاق و اصلاح حال و تعلیم و تربیة محبوسین در محبس خانہ و همچنان توجہات منربہ بہ امور دینی و مذہبی شان و آموختن فنون و حرفت ہا و صنایع در نیمہ مملدین مخصوصیکہ برای شان مقرر است امداد درستی بعمل آمده است ہکذا امور صناعتی محبوسین خصوص محبوسین محبس عمومی مرکزی در اثر ترتیبات درستی کہ اتخاذ شدہ بود خیلی منفعت بخش تمام شدہ است .

د، نسبت بہ تعلیم و تربیة افراد و اصلاحات اخلاقی، وضع و ایاس و اسلحہ عمومیہ افراد کونوالی و پولیس دیگر ولایات و حکومت اعلیٰ نیز ترتیبات شایانی درین سال اتخاذ و دستاویز درستی صادر شدہ است، از انجملہ فعلا البسہ کونوالی ہرات و مزار شریف و مینہ و مرکز سمت جنوبی بر طبق نمونہ مرکز درست و از دیگر حصص نیز تحت تنظیم است . گفتہ میتوانیم کہ درین سال نسبتاً تشکیلات و تعلیمات و اصلاح وضع و اخلاق و حسن ادارہ و ضبط و ربط سایر امور افراد کونوالی و پولیس بی سابقہ است و م بروی اساسات مفیدہ روز بروز رو بہ طرفہ دارای یک رونق اطمنان بخش و حسن انتظام درستی شدہ میبود .

ہ، در تعمیر تہانہ جات و تشکیلات انفرادی و ضبط و ربط و حسن ادارہ تہانہ جات ملکی و تجویز البسہ و اسلحہ شان اقدامات درستی بعمل آمدہ، برای تعلیم و تربیہ و تهیه البسہ تہانہ جات مربوط مرکز ترتیبات درستی نیز اتخاذ شدہ است .

و، نسبت بحسن ادارہ نمای امور راجعہ بہ پاسپورت و ہمرات عایدات آن در منایای واردات دولت و وصول راپورت های احصائیہ صادرہ و واردہ اتباع داخلہ و خارجہ از طرف نقاط مرحدی درین سال نیز اقدامات درستی بعمل آمدہ است .

ز، نسبت بحسن ادارہ امور راجعہ بہ مسائل حقوق و ہمر عائدات آن در منایای واردات دولت و وصول راپورت های احصائیہ عائدات آن از طرف نقاط مرحدی بطولہ درین سال دستور درستی بصورت عمومی اتخاذ و نسبت بہ اصول اجرائیہ و حسن ادارہ موضوع، لوائح درستی ترتیب و بہ امثال اسر دولت، بریاست عالی اہبان بغرض تصویب راجعہ کردیدہ است .

ح، نسبت بہ تکمیل تحقیقات ابتدائیہ و اقامت جزائی و جنائی کہ ربط کلی بہ امنیت عمومیہ دار دولابیع مفیدی ترتیب و عمرقب مرصہی خواهد شد .

مقررہای جدید وزارت داخلہ :

ع، ع محمد حسنخان مدیر شعبہ دوم صدارت عظمیٰ بوکالت حکومت کلان لوگر .

د، محمد شریف خان سابق حاکم غوریان بحکومت کلان بادغیسات .

ص، محمد اسمعیل خان سابق مدیر خارجہ حکومت اعلیٰ سمت مشرق بمدریت نحریرات ولایت قندہار .

د، حبیب الرحمن خان سابق مدیر نحریرات ولایت قندہار بمدریت نحریرات ولایت ہرات .

امور عدلیه

امور عدلیه درین سال بحسن نیت و توجهات ملوکه به صورت صحیحی جریان داشته و در تمام فقرات وارده محاکم عدلیه از طرف قضات و سایر مامورین غور و دقت بعمل آمده و نیز وزارت عدلیه یک سلسله دساتیری را که مفید منجیده به عموم قضات ار سال و به اجرای آن اوامر اکیده نموده است. علاوه بر این محصولات دولتی از قسم فروش و ثابق و صکوکات و محصول فیصله جات و غیره درین سال کسب اضافه گئی کرده است.

هدایاتیکه در سال ۱۳۱۴ از طرف وزارت عدلیه صادر گردیده :

اول - از آنجا که وثایق شرعی و جریان آن بر علاوه دفع دهاری سد ابواب حبله و بهانه جوئی بوده فروش آن از جمله واردات عمده مملکت دیده میشود لهذا وزارت عدلیه باعاس فرمان عمره ۴۶ تاویخی ۱۴ حمل حضور ج، ع، ج، و الاحضرت صدر اعظم صاحب به تمام ولایات و حکومات اعلی و همه محاکم شرعیه متعدد المال صادر و توجه محاکم شرعیه را بوثاق و تکت های محصول و صکوکات امر نموده تاقضات محاکم از اجراء آن بکاغذ سفید خود داری و همه مسائل را داخل وثیقه شرعی کرده ماهانه از فروش و ثابق و نکاح نامه بوزارت عدلیه اطلاع بدهند.

دوم - در خصوص آنچه ان اموال مسروقه که بر حسب اطلاعیه صاحب مال از طرف پولیس باصول پولیسی دستیاب و پس از پیدا شدن صاحب مال خواهش استرداد آن را از قوماندانی های کوتوالی کرده و قوماندانی های کوتوالی به نسبت عدم فیصله و حکم محکمه از استرداد خود داری مینمودند وزارت عدلیه در اثر پیش نهادیه قوماندانی کوتوالی کابل تصویب نمود تا آنچه ان اموال البک به اصول پولیسی دستیاب و صاحب مال آن را شناخته سارق م بسرقة آن بلا اگراه اقرار کنند ضرورت نیست که باز اثبات آن از طرف صاحب مال در محکمه شود. تنها مال مسروقه بحضور محکمه شرعیه برده و دونفر شاهد از جمله مستنطقین عند القاضی حضور طرفین از اقرار سارق ادای شهادت نماید بعد مال مسروقه به صاحب مال مسترد شود. راجع به تعزیر سارق پس از استرداد اموال شرعاً تعمیل گردد، ولی در صورت انکار سارق، باید صاحب مال در محکمه اثبات شرعی کند.

سوم - مذکور بعد از حصول منظوری و الاحضرت صدر اعظم صاحب متعدد المال به تمام ولایات و حکومات اعلی ابلاغ گردید.

چهارم - در فقرات حقوق الله که پس از حکم محکمه، حکام عدم قناعت خود را ظاهر میکردند چنان معمول بود تا حکام قضیه را با وکیل اثبات جرم به محکمه مراجعه و تمیز رویت میدادند. چون آمدن وکیل اثبات جرم از یک منطقه ولایات و یا حکومات اعلی بمرکز منسوبه خودش و مکنذا فرستادن وکیل اثبات جرم از مرکز ولایات و حکومات اعلی بریاست تمیز وزارت عدلیه خالی از مشکلات نبود لهذا وزارت عدلیه در اثر پیشنهادیه دار الحکومگی هزار شریف و پس از منظوری مقام عالی صدارت عظمی چنین متعدد المال صادر کرد.

در صورتیکه حکام محکم محکمه ابتداءً متعلقه خود در فقرات حقوق الله قناعت نداشته باشند دلائل خود را با فیصله محکمه مشروحاً بمرکز خود اطلاع بدهند. بعد از وصول اطلاعیه مذکور نائب الحکومه ها و حکام اعلی از جمله مامورین کوتوالی و پولیس مرکز وکیل اثبات جرم انتخاب و موضوع رابه محکمه مراجعه رویت بدهند مکنذا در حال عدم قناعت نائب الحکومه ها و حکام اعلی به فیصله مراجعه، موضوع با دلائل مقننه بوزارت داخله خبر داده شود وزارت داخله زمینه را با یک نفر وکیل اثبات جرم که از مدبریت عمومی پولیس خود انتخاب می کند محول ریاست عالی نمیز نماید.

اجراآت دوائر مملکتی

چهارم - چون اکثر یہ اشخاص شکایات متعدد در خصوص وثایق صادره بعضی از محاکم ابتدائیه از قبیل ابرا و غیره می نمودند ، لهذا محکمه مرافقه مرکز کابل در خصوص وثایق شرعی صادره محاکم ابتدائیه و دوران و عدم دوران آن از وزارت استهدا و وزارت عدلیه پس از تعمق دران مورد متحد المال صادره و امر نمود که جمیع شکایات و اعتراضات مثل سکره و جبر و غیاب که از محکمه ابتدائیه نزد قاضی مرافقه برسد خواه اعتراضات بر فیصله ابتدائیه باشد و یا در وثایق مهوره آن باشد مثل ابرای خط و اصلاح و اجاره و غیره هر گاه اعتراضات مذکور قابل ستم شرعاً بوده باشد شنیده و حسب احکام شرع شریف دران فور و خوش ودقت و تحقیق کرده می توانند .

پنجم - قبل ازین بدون مسائل اهدام و حبس دوام که اصولاً پس از طی محاکم ثلاثه و منظوری حضور شاهانه به محل اجرا گذاشته می شد تمام فقرات بحال قناعت محکوم علیه قابل اجرا بوده اگر مجرم و محکوم علیه قناعت نمی داشت به مرافقه و تمیز رویت داده می شد از آنجا که دیگر مجازات شده نیز از مسائل عمده بوده لهذا از وزارت عدلیه به اثر پیش نهادیه دارالحکومگی مرات و منظوری مقام عالی صدارت عظمی به تمام ولایات و حکومتات اعلی متحد المال صادره امر نمود تا فیصله جات محاکم ابتدائیه در موضوع دیگر مجازات سخت حتیاً بر مرافقه و تمیز رویت و بعد صدور حکم صحیح نحت اجرا گرفته شود .

ششم - از آنجا که بعضی از قضات محاکم در آخر فیصله خود بر علاوه نحر بر نمودن ابرای عام و نام مدعی و یامدعی علیه حکم اسقاط مرافقه و تمیز اوشان را نوشته و ازین رهگذر شکایات اهالی را بلند می ساختند لهذا وزارت عدلیه پس از فور و تعمق جهت رفع شکایات و واری می پس از اهالی چنین تصویب نمود :

چون منظور از تشکیل محاکم ثلاثه ، ابتدائیه ، مرافقه و تمیز جهت واری می بحال اهالی بوده محاکم مرافقه برای فور فیصله جات محاکم ابتدائیه و محکمه تمیز برای فور فیصله جات محاکم مرافقه مقرر است لهذا اگر محکمه ابتدائیه اسقاط مرافقه و محکمه مرافقه اسقاط تمیز خواهان را در فیصله جات خود بنویسند خالی از مشکلات دیده نمی شود .

لهذا وزارت عدلیه می خواهد تا قضات ابتدائیه و مرافقه پس ازین مکلف به حل و فصل دعاوی طبق مقررات شرعی بوده مجاز بنوشتن هیچ کلمات که مبنی بر اسقاط مرافقه و یا تمیز محکومیند بده شود نباشد . مجوزة فوق الذکر پس از منظوری مقام عالی صدارت عظمی متحد المالاً هنوزان تمام ولایات و حکومتات اعلی صادره و به اجرای آن امر داده شده .

تعداد محاکم عدلیه در افغانستان بقرار ذیل :

۱ : محکمه تمیز در خود وزارت عدلیه :

۲ : ولایت کابل :

الف ، محکمه مرافقه ۱
ب ، محاکم ابتدائیه ۳۰
جمله ۳۱

۳ : ولایت قندهار :

الف : محکمہ مرافعہ ۱
ب : محاکم ابتدائیه ۲۱
جمله ۲۲

۴ : ولایت هرات :

الف : محکمہ مرافعہ ۱
ب : محاکم ابتدائیه ۱۲
جمله ۱۳

۵ : ولایت مزار شریف :

الف : محکمہ مرافعہ ۱
ب : محاکم ابتدائیه ۱۴
جمله ۱۵

۶ : ولایت قطن و بدخشان :

الف : محکمہ مرافعہ ۱
ب : محاکم ابتدائیه ۱۸
جمله ۱۹

۷ : حکومتی اعلاى مشرقى :

الف : محکمہ مرافعہ ۱
ب : محاکم ابتدائیه ۱۳
جمله ۱۴

۸ : حکومتى اعلاى جنوبى :

الف : محکمہ مرافعہ ۱
ب : محاکم ابتدائیه ۶
جمله ۷

۹ : حکومتى اعلاى فراه :

الف : محکمہ مرافعہ ۱
ب : محاکم ابتدائیه ۳
جمله ۴

۱۰ : حکومتى اعلاى ميمنه :

الف : محکمہ مرافعہ ۱
ب : محاکم ابتدائیه ۶
جمله ۷



اجراآت دو ایر مملکتی

تعداد فیصله جات صادره ریاست اصلاحیه، ریاست تمیز، محاکم سرافقه و محاکم ابتدائیه تمام افغانستان از قسم جزائی و حقوقی و وثایق شرعی که بصورت تخمینی منجیده شده قرار ذیل است:

اول: تعداد فیصله جات ریاست اصلاحیه - ۱۸۸ فقره
دوم: د د د عالی تمیز:

الف - حقوقی - ۴۲ فقره
ب - جزائی - ۵۵ د

سوم: محکمه سرافقه و محاکم ابتدائیه مرکز کابل و سر بوطات آن
الف: تعداد فیصله جات حقوقی ۱۱۰۲ فقره

ب: د د جزائی ۷۰۶ د

ج: د وثایق شرعیه ۴۳۸۵۵ قطعه

د: جم محصول ۲۷۳۴۳۴ افغانی

چهارم: محکمه سرافقه و محاکم ابتدائیه مرکز قندهار و سر بوطات آن

الف: تعداد فیصله جات جزائی - ۴۲۸ فقره

ب: د د حقوقی ۷۲۷ د

ج: د وثایق شرعیه ۷۵۱۰ قطعه

د: جم محصول ۴۱۰۵۷ افغانی

پنجم: محکمه سرافقه و محاکم ابتدائیه مرکز هرات و سر بوطات آن

الف: تعداد فیصله جات جزائی ۲۲۵ فقره

ب: د د حقوقی ۵۱۷ د

ج: د وثایق شرعیه ۸۶۸۱ قطعه

د: جم محصول ۷۲۵۳۲ افغانی

ششم: محکمه سرافقه و محاکم ابتدائیه مرکز مزار شریف و سر بوطات آن

الف: تعداد فیصله جات جزائی - ۴۷۷ فقره

ب: د د حقوقی ۵۴۶ د

ج: تعداد وثایق شرعیه ۱۴۳۹۰ قطعه

د: جم محصول ۹۱۸۸۰ افغانی

هفتم: محکمه سرافقه و محاکم ابتدائیه مرکز قطن و بدخشان و سر بوطات آن

الف: تعداد فیصله جات جزائی ۲۳۸ فقره

ب: د د حقوقی ۶۳۳ د

ج: د وثایق شرعیه ۱۲۰۲۷ قطعه

د: جم محصول ۷۱۴۶۶ افغانی

هشتم: محکمه سرافقه و محاکم ابتدائیه مرکز حکومت اعلاى مشرق و سر بوطات آن

الف: تعداد فیصله جات جزائی ۵۵۲ فقره

از تعمیرات جدید وزارت مالیه

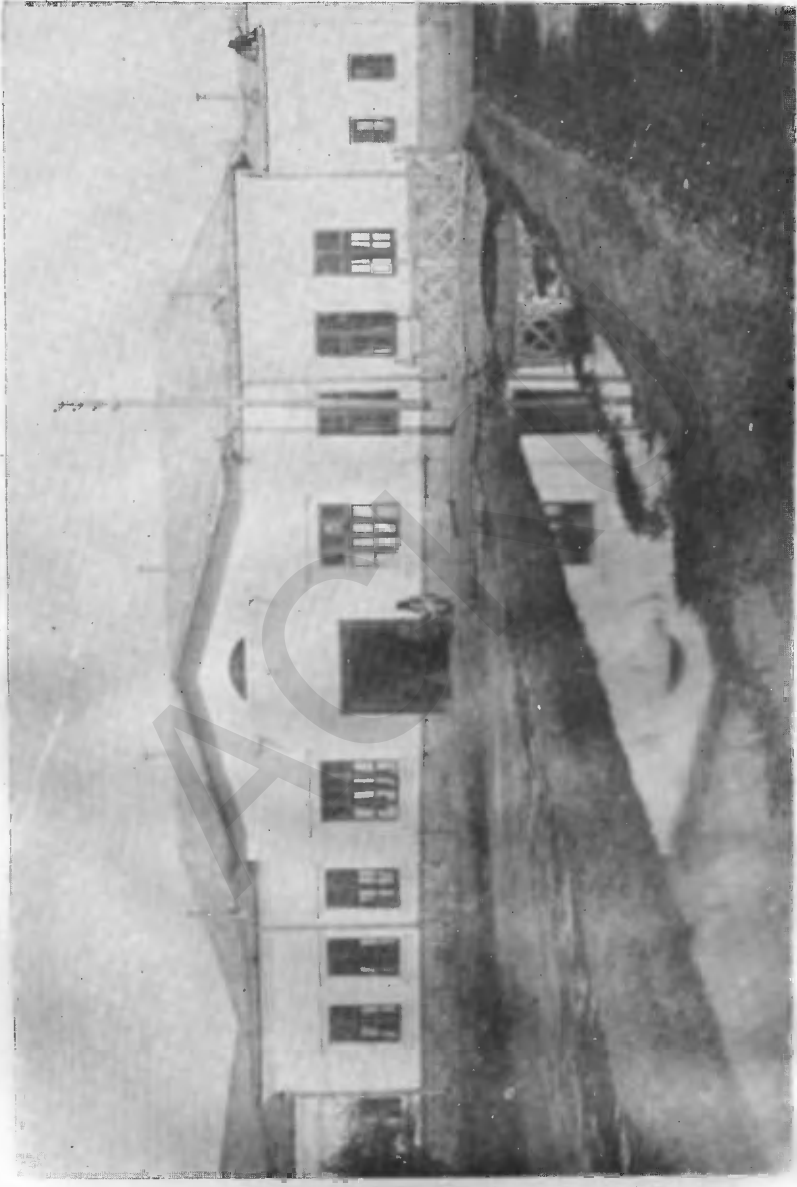


مهارت دواتر وزارت که در سال گذشته تکمیل یافته
Une partie des nouveaux bâtiments du Ministère des Finances à Kaboul



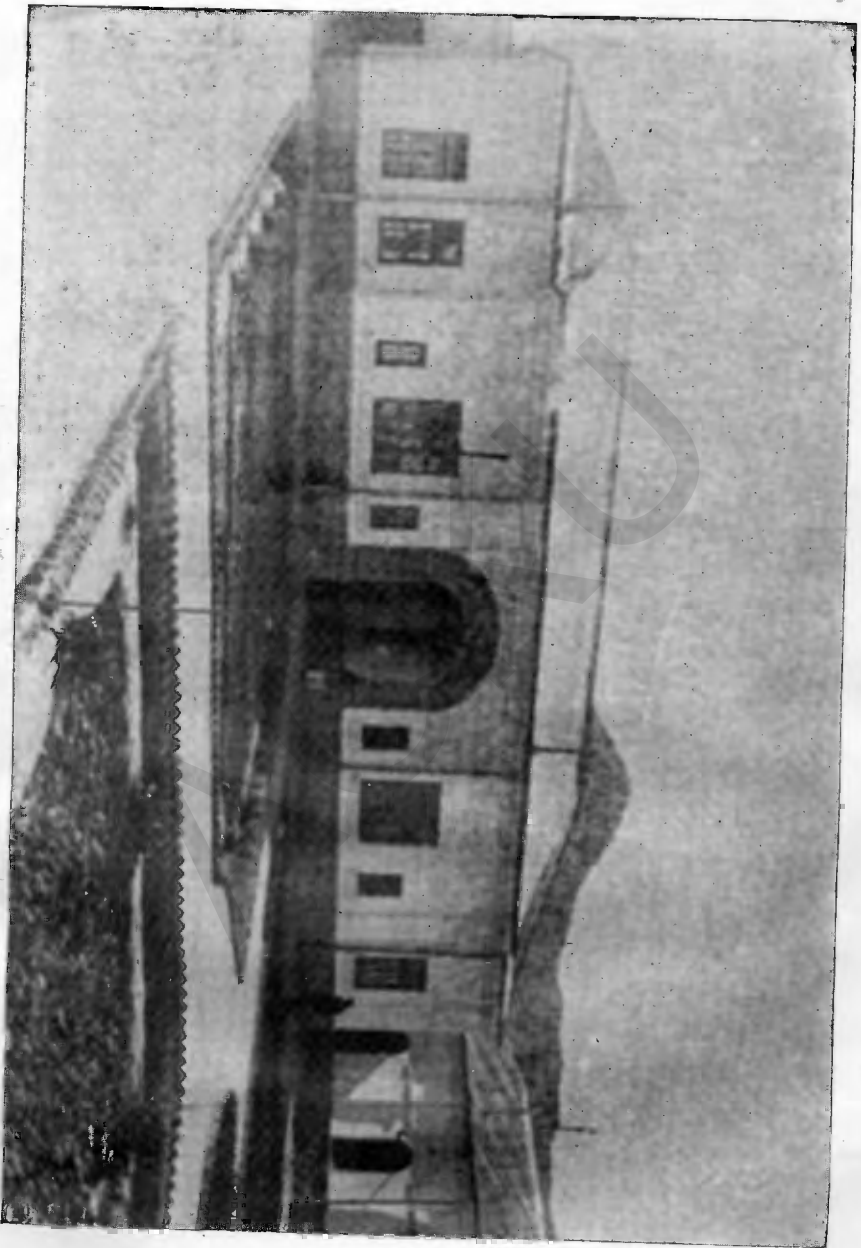
بي ازي عارات جديده
Nouveau villa à Kaboul

از تصمیرات جدید وزارت مالیه



دروازه خارجی دیک همه از عمارت ریاست مطبعه عمومی کا بل
L'entrée principale de l'Imprimerie Générale à KABOUL

از تعمیرات جدید وزارت مالیه



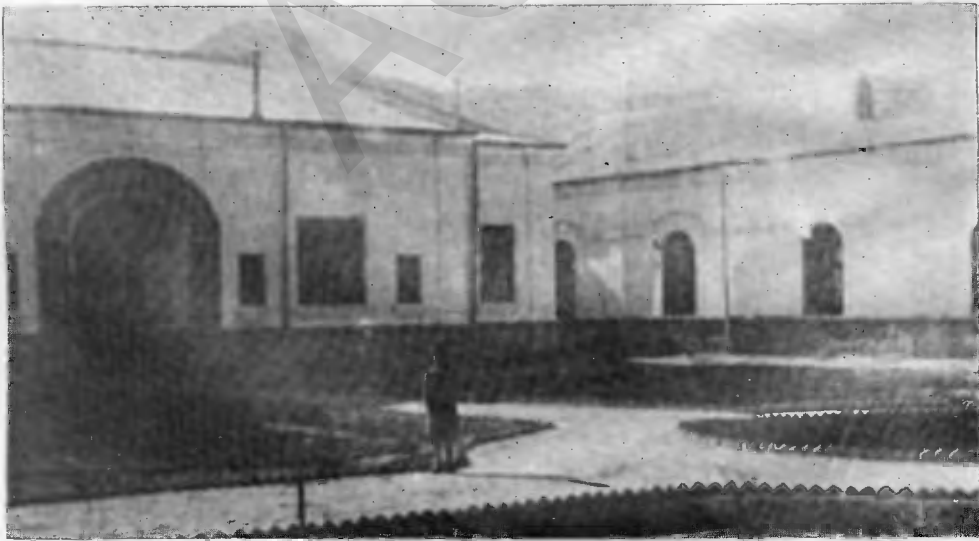
حرفی و بیك حصه از وزارت ریاست و دفتر مطبوعه عمومی کابل
La cour et une partie des bâtiments des bureaux de l'imprimerie Générale à Kaboul

از تعمیرات جدید وزارت مالیه



منظره خارجی مطبعه عمومی کابل

Vue extérieure des nouveaux bâtiments de l'Imprimerie Générale à KABOUL



عمارت ریاست و دروازه حویلی مطبعه عمومی کابل

Vue intérieure de l'Imprimerie Générale à KABOUL

اجرا آت دوائر مملکتی

۴ - عایدات مملکتی با آنکه در سال ۱۳۱۴ و ما قبل از آن حکومت محض فراهمی اسباب راحت و رفاهیت همایه اقلام مهم محاصیل صرفیات گمرکی را در حدود اصول مقرر کرده است نه از رهگذر ترنید محاصیل بلکه از ناحیه اقدامات وسیع که در عمران و آبادی اراضی و غیره و با لخصوس وسعت امور تجاری و ترنید عنصه ظهور رسیده فیصد (۲۵) بصورت عمومی در امور مالی از قبیل مال مواشی اصنافی و صکوکات و گمرکات و یک انداز مالیه اراضی جدید الزامه ترنید بعمل آمده است

و م چون حکومت همواره بتوسعه عمران و آبادی مملکت و تکثیر زراعت مایل و ساهمی است در ضرور و مساحت اراضی با یره که در سال ۱۳۱۳ اقدامات نافعه بعمل آمده از توسعه زراعت اراضی زیادتی در نواحی قطنن با راد و دستور حکومت ذریعه همیشه های امنیه حسب مقررات مرتبه با اهالی آنجا بفروش رسیده باعث تکثیر زراعت و تامین معیشت اهالی گردیده و وفورد ثروت شان عاید شده است
۵ - باقیات اشخاص نا توان و بی استمداد با راد حکومت در حدود اصول زیر معافی آورده شده هده دیگر که استطاعت پرداخت بیکد فیه نداشته باشند با و شان بواعید مناسب قسط گردیده است

۶ - محاصیل و مالیات مودعه بخزاین چون از طرف حکومت مصلح عنقهای دیانت و وطنخواهی و طور صحیح در راه انکشاف شتون مدنی و عمران و آبادی مملکت و حفظ مبرحد و ثنور و قیام امنیت و ترفیه حال رعایا و تامین معیشت اهالی صرف میرسد و این معنی را طلاقات ملت بخوبی مفهوم شده اند از آنرو هر یک از طبقات با احترام قوانین مملکتی بکمال رضائیت تماماً محصولات ذمه گنی خودهارا با قساطر معینه بخزاین دولت تحویل کرده ازین رهگذر نه ملت و نه مامورین دچار تکالیف شده اند .

۷ - محاسبات سنوات ماضیه که در وزارت مالیه قابل تصفیه و فزنی حساب ده در ولایات و حکومتی های اهلی و مضافات آن و محاسبات در سر کز بوده حکومت مصلح برای حل و فصل محاسبات مذکور تصمیم و اسر فرموده که مواد تصفیه و تزکیه محاسبات مزبوره لایحه ترتیب و با محاسبات مذکور بولایات و حکومتی های مربوط رجعت داده شود تا با اساس لایحه مذکور حل و فصل گردیده اهالی بتامین راحت و آسایش خود بپردازند .

اینست که با اساس نظریه حکومت لایحه مذکور ترتیب و با محاسبات مزبور بمر اجم مربوط رجعت داده و تحت تصفیه گرفته شده است .

۸ - در ترتیب دفاتر و تنظیم امور مالی مملکت گرچه نسبت بازمه سلف اصلاحاتی بعمل آمده و تغییراتی در آن واقع شده از آنجا که نیات مقدمه و مساهمی جبهه حکومت متبوعه بیشتر از پیشتر در اصلاح و ترقی و رفهم نقایمی جزئیه و کلیه از امور امت رفهم فصور در صحت امور حسابه را نیز مورد اعتنا قرار داده با اساسی مطالعات علمیة مشاور مالی وزارت عمالیه و مقتضیات محیط و عرف و عادات مملکت طرز خاصی در اداره و اجرای امور مالی بدیده آمده که نتایج حاصله از عملی شدن دفاتر حکومتی کلان لوکر بطور نمونه طرف اطمینان مناهم مربوطه واقع شده است برای امتحان و تطبیق اصول مذکور در نظر است که دفاتر مربوط بولایت کابل در سال ۱۳۱۵ عملی کرده شود .

۹ - کورسبکه برای تعلیم امور مالی و تشکیلات دوا یر و علم اداره و معاسبه و اقتصاد و تعلیم اجرا آت با اساس لوا یر مرتبه بتحصیل رشته های مختلفه علم مالیه تحت اداره مشاور مذکور تاسیس و یکدمه از کاتبان و سر کاتبان دوا یر وزارتخانهها بتحصیل امور مذکور مؤظف شده بود ند فراغت حاصل کرده اند اینک قرار داد مشاور مذکور برای یک سال دیگر تمدید و یکدمه دیگر بتعلیم مطالب مذکور مؤظف و م کور می برای تعلیم امور بانکی تحت اداره مشاور مذکور در شرف تاسیس است .

۱۰ - ریاست مطابع در اثر آنهاک و مساعی وزارت مالیه بتهیه ذخایر فنی و کیمیاوی و توريد ماشین های حروف ریزی و اشتر و تویی و بکار انداختن آنها بکمال جدیت در انجام امور طباعتی و غیره امور مربوط بلانهای داخل مجاهد بود. آجری امور طباعتی از قبیل طبع مجلات و جراید متنوعه و انواع نکت و وثایق و رفع حواصیر و ایر بد رستی گردید. به توجه حکومت مطبوعه مطبوعات رنگ و رونق بخوبی گرفته که خیلی امید افزاست چون نسبت بوسعت امور مطابع از توريد ماشین های جدید و مواقع نصب آن، توسعه در تاسیس عمارت هم لازم بود عمارت وسیعی که در نظر و بکفایت پول برای مصارف آن اعتبار داده و تعمیر مذکور شروع شده بود. بیایه اكمال رسیده که اکنون تمام شعبات مطبع عمومی جا های مناسب از خود دارد.

۱۱ - ریاست ضرابخانه بکمال جدیت مصروف بوده در ضرب مسکوکات متنوعه و تهیه ادوات کیمیاوی و سلمان ضروری بساعی وزارت مالیه بکمال مجاهدت ورزیده است.

۱۲ - درینسال نه تنها وزارتایه بل تمام مستوفیان و مررشته داران اعلی باهیت های اداری شان در انجمن و وظایف بحسن وجه مصروف بوده در تصفیه محاسبات ماضیه و حالیه و نظم و نسق شهریه و ترتیب راپورتهای حسابیه و تحصیل واردات کوشیده اند.

مقرری های جدید وزارت مالیه :

- ص قطب الدینخان مستوفی سابق قطن و بدخشان بدیریت تصفیه محاسبه ماضیه و وزارت مالیه .
- د عبدالجید خان مدیر مالیه شمالی بسررشته داری اعلای سمت جنوبی .
- د نور احمد خان مدیر مالیه اعمار بدیریت مالیه کرشک
- د محمد هاشم خان مدیر معاش و مصارف مرکزی وزارت مالیه بدیریت مالیه غور هرات .
- د محمد عثمانخان مدیر مالیه بدخشان بدیریت مالیه سمت شمالی .
- د فضل احمد خان سرکاتب بدیریت واردات وزارت مالیه بدیریت مالیه بدخشان .
- د محمد شفیع خان سرکاتب بدیریت مصارف و معاش کل وزارت مالیه بدیریت مالیه اندخوی که جدیداً بدیریت تعدیل شد
- د فتح محمد خان سرکاتب بدیریت تحصیلی وزارت مالیه بدیریت مالیه غزنی
- د میرمحمد نبی خان سرکاتب بدیریت معاش و مصارف کل وزارت مالیه بدیریت محاسبه مستوفیت قطن و بدخشان

امور معارف

امور معارف به توجهات مخصوصه اعلیحضرت همایونی و هیئت حکومت متبوعه درین سال پیشرفت و توسعه خوبی یافته و مکاتب متعددی تاسیس و عده زیادی طلبه جدیداً داخل مدارس شده و نیز یک تعداد فارغ التحصیلان افغانی برای تحصیل تخصص های مختلف به خارج اعزام گردیده و کتب درسی متعدد برای صنوف مختلفه ترتیب و تالیف شده است . خلاصه اجراءات سال ۱۳۱۴ وزارت معارف بقراردیل است :

۱ : تاسیس مدارس : که علاوه به مکاتبی که در سال ۱۳۱۳ موجود بوده درین سال بتیام افغانستان ۴۳ باب مکتب جدید که جزو آن ذیل اند کرده اند میشود ، تاسیس گردیده است :

الف : ولایت کابل :

۱ : در مرکز کابل ،

مکتب دوا سازی .

د نمره ۲ واقف بابای خودی علیه الرحمه

د د د د د

د د د د باغ عمومی

عزیمت جوانان افغانی بجایان



اطمئنت شهر یار مهارف، پرور درووسط، عیبت ذات ملو کا نهطلاب فارغ التحصیل فاکولتہ ساینس کابل است که جهت همو بیت بار الفنون
در جایان امرامکر دیدنه (مسیک از فارغ التحصیلان یک یک قطعه تصویر شاهانه و یک یک قاب ساعت یادکاری بادشاه مهارف
پرور خود را دست دارنده)

S. M. le Roi avec les étudiants de la Faculté des Sciences qui vont compléter leurs études aux
Universités du Japon



جلسه وداع طلاب فاکولته ساینس که برای تکمیل تحصیلات خویش به دارالفنون های جامع اجرام کرودند
Les étudiants de la Faculté des Sciences au moment où ils quittent KABOUL pour aller compléter leurs études aux Universités du Japon (on connaît sur le cliché le ministre de l'instruction publique et le ministre de commerce et les membres de la Légation du Japon à Kaboul)

اجراآت دوائر ملكتى

- مكتب نمبر ۶ واقم چدا ول
» » ۷ » مريل
» » ۸ » ده افغانان
» » ۹ » خيaban
» » ۱۰ » گذرگذرى

جله ۹ مكتب

- ۲: در حكومات مربوطه ولايت كابل
۱: حكومت كلان سمت شمالى

در جبل السراج يك مكتب

» غور بند

» پنجشير

۲ - حكومت كلان غزنى

» دورقه باغ

۳ - حكومت كلان لوگر

در كلنگار يك مكتب

» بره كى را جان

» چرخ

» ميدان

» كتب خيل

۴ - حكومت درجه اول پنيان

جله ۱۰ مكتب

ب: ولايت هرات

در اسفزار يك مكتب

» در قلعه نو

» غوريان

جله ۳ مكتب

ج: ولايت مزار شريف

در مريبل يك مكتب

» بلخ

» شبرغان

» دره صوف

جله ۴ مكتب

د: ولايت قطنن و بدخشان

در فندوز يك مكتب

» جرم بدخشان

» حضرت امام صاحب

» نالقان

» خوست

در فرنگه يك مكتب
 جله ٦ مكتب
 ٥. حکومت اعلاى سمت مشرق
 در رودات يك مكتب
 د كوزكنر
 د ده مرك ميدانك شنوار
 د مندروور
 د سلطان پور سفلى
 د طولو خوگياني
 د بالا باغ

جله ٦ مكتب
 و: حکومت اعلاى سمت جنوبى
 د درچمكى
 د ارگون
 ز: حکومت اعلاى مينه
 در قيصار يك مكتب
 ح: حکومت ادلاى فراه و چغنانسور
 در چغنانسور يك مكتب

٢: عده عموم طلبى مكناب رسمى افغانستان درين سال تخميناً يكمريم نسبت به سال گذشته اضافه شده است

٣: از آنجا كه حكومت متبوعه ما توجه خصوصى خويش را بر تمام اولاد وطن وبالغافه بفارغ التحصيلان مدارس عالی معطوف ميدارد امسال حسب ضرورت چند نفر فارغ التحصيلان مكاتب جبهه تحصيلات شبكات علمى و فنى بجاى آن فرستاده شده است.

٤: چند نفر ديگر از فارغ التحصيلان مدارس برای اخذ تعليمات اموريستى و تلسكرافى بوزارت پست و تلسكراف زير نظر متعصبين تحت تعليم گرفته شده است.

٥: باقى فارغ التحصيلان نظربه احتياجيكه محسوس است بشمول قاكولته طبعى در نظر گرفته شده همچنان طلبائيكه از دار المعلمين فراغت حاصل كرده اند مانند سال هاى گذشته با مور تليمى مكاتب مقرر ميشوند.

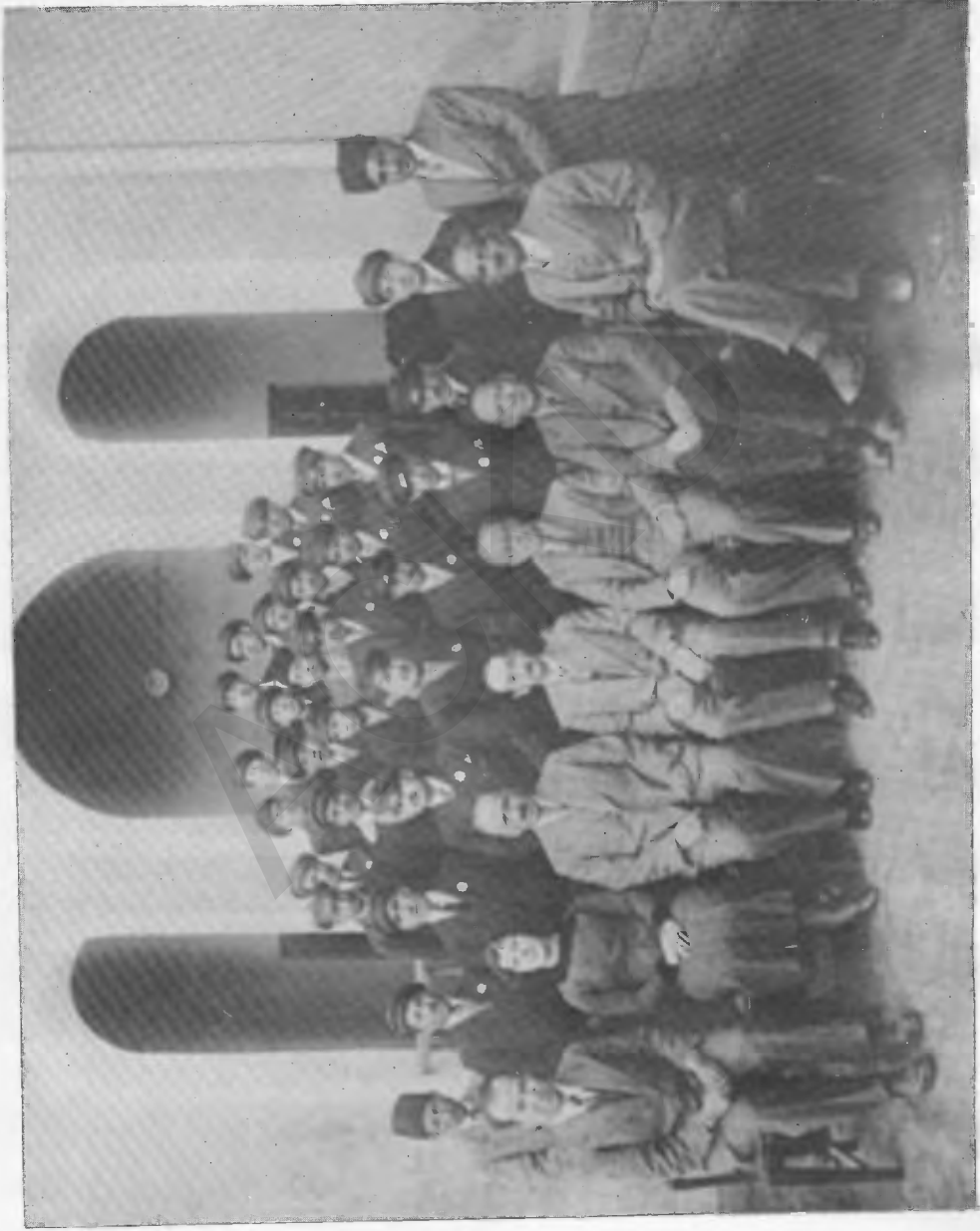
٦: يك دسته از كتيبيكه در عصر درخشان ظاهر شاهى از طرف وزارت معارف و سائر صاحبان قلم تاليف و ترجمه شده.

الف: كتيبكه از طرف وزارت معارف ترتيب شده:

١- كتاب اول من ١ - اين كتاب برای جماعت اول ابتدائى اولاً يار سال تاليف كرده در مكاتب مركز تطبيق يافته و امسال بعد از رفع بعض نواقص كه در تحرير و انتضاب درسها و صورت تطبيق آن بود اصلاح شده و نسخه سابق هم درين موقع خلاص شده بود حالا دوباره حله طبع يوشيده است.

خصوصيت اين كتاب در اين است كه نخستين مرتبه در شرق كتابى باصوول كلمه نوشته شده و اين فضيلت را افغانستان ابراز نموده با تجربه هاى درست در حيات تطبيق كرده تا مبع بزرگى گرفته است.

٢- كتاب دوم قرائت فارسي، اين كتاب دنباله كتاب اول است. مندرجات اين كتاب نيز مثل كتاب اول ميباشد با اين فرق كه مباحث مندرجه كتاب اول نسبت بكتاب دوم مختصر و ساده و كتاب دوم نسبت



معلمین و طلاب فاکولتہ طبری کابل
Les professeurs et les étudiants de la Faculté de Médecine à Kaboul



من تندرهای محرزهدی در عملیات خانه با کتر یوزوی (کابل)
Un coin du laboratoire de la Faculté de Médecine à Kaboul



طیبه ست اول فاکولتی طبی کابل در حین عملیات ذره بینی زانات
Les étudiants de la première classe de la Faculté de Médecine au cours d'un examen
microscopique des plantes (Kaboul)



مؤتمند بيوك ابي مسلم كيميا با طلبة صيف اول با كوكه طبي در نجربه جا نيه كيميا
Les étudiants de la première classe de la Faculté de Médecine dans le laboratoire de chimie (Kaboul)

اجرات دواگرملکتی

بکتاب اول علاوه برین که مفصل و مرکب است با تنوع مندرجات بر وسعت معلومات می افزاید . چنانچه ریشه علم فزیک و کیمیا ، معرفت الارض حتی هیئت نیز درین کتاب دیده میشود . افکار و احساساتی که بواسطه جنلات ادبی و فقرات بدیعی که استعمال شده سر مایه ادبی میگردد . ازین رو و متضمن مباحث نظم و نثر میباشد . عنقریب حلیه طبع پوشیده بمرض استفاده می آید .

۳ - کتاب سوم قرائت فارسی - این کتاب نسبت بکتاب اول و دوم از حیث مندرجات و اسلوب پسندیده تر و پر ثروت تر است چه مباحث اخلاق ، ادبیات ، اقتصاد ، زراعت و نباتات و جغرافیا و تاریخ ، معادن و بالجمله علوم طبیعی و اجتماعی را با اسلوب ساده در بر گرفته است . اینهم مثل کتاب دوم بزودی حلیه طبع خواهد پوشید .

۴ - کتاب چهارم قرائت فارسی - این کتاب نسبت بکتابهای فوق زیاده تر دارای مباحث ادبی و بدیعی است ولی سلسله مندرجات کتاب در تنوع و انتخاب مباحث قویتر است ، چه درین دور که سن اطفال اکثریاً در حدود ۱۱ - ۱۲ - بوده ذوق قرائت آن در جوش است اطفال را میتوان در همین دور بلباس قرائت به بیشتر مباحث آشنا نمود .

ازین رو هرگونه ثروت مفید فکری و حسی درین کتاب بلباس قرائت جای یافته . برای مباحث وطنی و ملی موضوع زیادی انتخاب شده . خواننده در ضمن این مباحث ملکه سخن و تحریر نیز پیدا میکند . هرگاه این کتاب در همین ایام از طبع برآید ، موفق خوبی احراز خواهد نمود .

۵ - کتاب دینیات اول - این کتاب و چیز در ضمن او اوراق مختصر خود چهار مبحث بزرگی را از حیات دینی در سینه خود گرفته است ، مبحث عقاید ، مبحث احکام ، مبحث معاملات و مبحث اخلاق اسلامی . باین شرط که دوره اول حیات طفل در ادراک و حفظ آن مساعدت کند و از تعلم آن هیچیک فرزند مسلمان نیز سرف نظر کرده نتواند . عنقریب بحلیه طبع آراسته گردیده مقبول خاص و عام خواهد شد .

۶ - کتاب دوم دینیات - این کتاب با عقبار مندرجات نسبت بکتاب اول مفصل و رنگین است . اگر چه از دائره مباحث چهار گانه فوق بیرون نرفته ولی خواننده هر مبحث را واضعتر و جاذبتر می بیند . در شرح همه این مبحثها خبر ، قوای و حواس پنجگانه زبر ملاحظه گرفته شده تا با انکشاف عقل خاصه عقل سلیم خدمت بنماید . این کتاب هم زبر طبع است .

۷ - کتاب سوم دینیات - این کتاب در حجم سه مثل کتاب اول و دوم مثل کتاب دوم است . ازین رو فصل و بابی که در ضمن مباحث عقیده ، عبادت ، معاملات و اخلاق در نظر گرفته شده به تناسب صفحات است . چه برای یک طفل (۹ - ۱۰) ساله در محیط اسلامی از همین دور تلقین فکر دین و فکر اخلاق باید بکنند و تخم احساسات اسلامی را در مغز و قلب آن از همین دور بنشانند . این کتاب در همین نزدیکی از طبع فارغ خواهد شد .

۸ - کتاب چهارم دینیات - این کتاب با جمله مسائل اعتقادی ، تمدنی ، اجتماعی و اخلاقی را هم انطوریکه فصول کتاب دینیات مذکور محتوی بود ، با تفصیل مناسب در بر گرفته . چون مقصد تعلم ابتدائی در اول مرحله تعلیم خواندن و نوشتن ضروریات حیاتی و اخلاقی بوده بالاخره سرمایه فکری ، حسی و دینی شخصین است ازین رو درین کتاب معامله و اخلاق را بر اساس عقیده و احکام گذارده طاعت و سن اطفال را در نظر گرفته تالیف یافته است . هر گادریت زودی از طبع برآید در خارج مکتب نیز هر شخص از جمله ضروریات و مقتضات دانسته مطالعه خواهد کرد .

۹ - حساب اول - این کتاب طوریکه اصول تقاضا میکند بر احساس روحیات و احتیاج اطفال ساخته شده است . مباحث عمده آن تعداد و ترقیم را با عملیات چهار گانه صحیح و کسور در بر گرفته و تطبیقات آنرا روی حرکت و فعل طفل هفت - هشت ساله گذارده بعضی مقیاسات و مسکوکات وطن را در لباس تمرین و مشق آورده

فکر مسائل اجتماعی را مثل فکر تجارت، زراعت، صناعت با جمله واسطه تبادل و تملك را در ضمن حل مسائل مطابق محیط و میل اطفال تلقین میکند. خلاصه موضوع مجرد ریاضی را مشخص عددی ساخته طفل را تربیت میکند. با وجود حجم کوچک خود چندین صد مسئله را کشف نماید. است.

۱۰ - حساب دوم - این کتاب روی همان حساب اول کار میکند. ولی در تعداد و ترقیم در اطراف یک هزار و در صد عدد دور میخورد. اگر مقیاسات حجم است در همین حدود و اگر مقیاسات وزن است در همین اندازه و اگر مسکوکات است در همین پیمانه و بالاخره اگر در تبادل و تملك اشیاء است روی همین عدد ها اجرا میشود، در ترتیب همیشه منطق اطفال را تعقیب کرده در فکر و حس ابتدائیان را تحیا و زنده کرده است. اعمال اربعمه صحیح و کسور محور همه مسائل حسابی بوده ضمناً این مضمون خشک را بواسطه مسائل اخلاقی، و اجتماعی و طبیعی و غیره رنگین و جذاب گردانیده است، بعبارت دیگر مطابق روح و میلان اطفال علم حساب را از نظریت به شخصیت آورده معلومات حسابی ساخته است. عنقریب از طبع می برآید.

۱۱ - حساب سوم - مندرجات این کتاب نسبت به کتابهای اول و دوم کمتر فرق دارد. در اعمال ترقیم و تعداد دو ازمه هزار را حدود تعیین نمیکند. با اینهمه جمع و طرح و ضرب و تقسیم نه بر روی اعداد بلکه روی اشیاء اجرا شود، ازینرو شاگرد و خواننده در این اصول ظاهراً بحیط حساب داخل میشود ولی در حقیقت بحیط اشیاء داخل شده است. درین کتاب نام اعداد مرکب و اعمال مرکب برده نمیشود، اما شی مرکب و عمل مرکب با سیر طبیعت روی حساب جریان دارد. بنا بران فکر ربع، نصف و ثلث را در ضمن عمل تقسیم ضرب جمع و طرح اجرا کرده است.

بعبارت دیگر ثلث را در تنگه و نصف را در قران و ربع را در ده ۲ یولی و یا روی گز، متر و چارک و یا و ارائه کرده است.

این کتاب نیز درین نزدیکی از طبع خواهد برآمد.

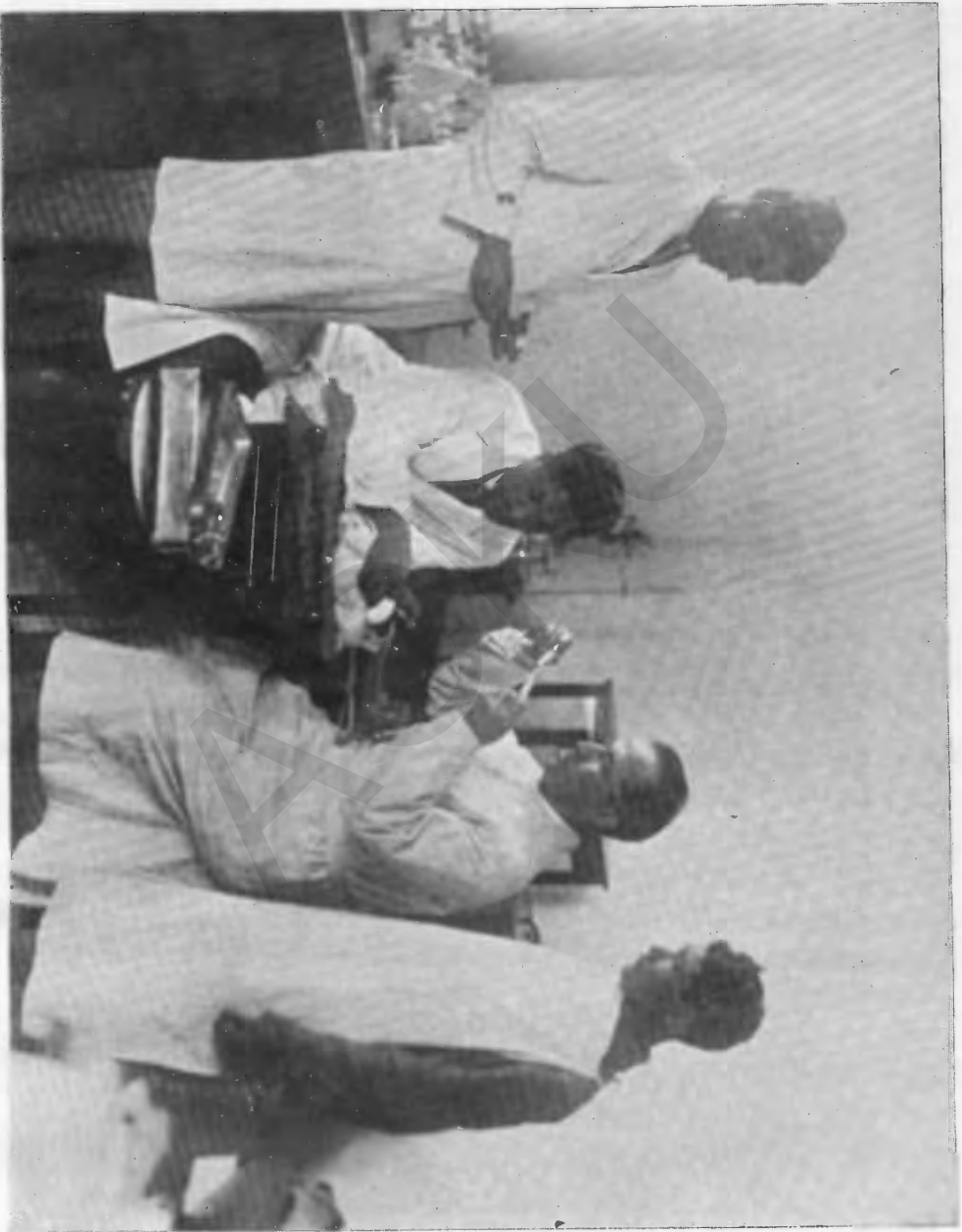
۱۲ - حساب چهارم - طوریکه در یک کنگره علمی امریکا گفته شده بود. « کتاب حساب باید حساب حیات باشد. نه حساب خیال و وهم ». این کتاب حساب عمل و حیات است نه کتاب اعداد و سلسله فکر مجرد. ازینرو هر سه کتاب فوق خاصه حساب چهارم بهترین کتی است که تا کنون درینو طن تالیف گردیده است. دارنده این کتاب اگر بخواهد بواسطه این کتاب تمام مسائل پیچیده حسابی را میتواند یاد گرفت و تقریباً محتاج دیگر اعمال و اصطلاحات حسابی نخواهد گردید. اگر چه درین کتاب تعداد و ترقیم بهزارها میرسد و ای ترقیم و عمل بیچوقت مشقهای خشک و تمل نهیای مجرد نیست. بلکه همیشه اشیای شماری شماری. مسائل عملی ترقیم میکند. خلاصه علم مجرد، فن مشخص شده است. این کتاب نیز تحت طبع گرفته شده است.

۱۳ - اخلاق سوم - این کتاب دارای آن مباحث اخلاقی است که نفس هر فرد نسبت بنوع، ملت و حکومت باجری آن مؤظف است. لهذا درین سلسله نیز رعایت روحیات یک فرد کوچک جامعه در نظر گرفته شده است. پس اخلاق عملی است نه نظری. ولی اخلاق ابتدائی و مقدمه اخلاق عالی را تعقیب کرده طفل را در عیال نشاندن مرش کار کرده و از آنجا به مکتب برده. تعلیم خواننده و از آن به بعد در میان جامعه آورده و وظائفی بدوشش تحمیل نموده است. بعبارت دیگر درین کتاب همیشه نسبت به نفس و نسبت بنوع و وظائف عملی و حیاتی را تلقین و تمیل داشته تریه یک فرد کوچک جامعه را مطابق حس و فکر آن در نظر گرفته ترتیب یافته است. در تحت طبع است.

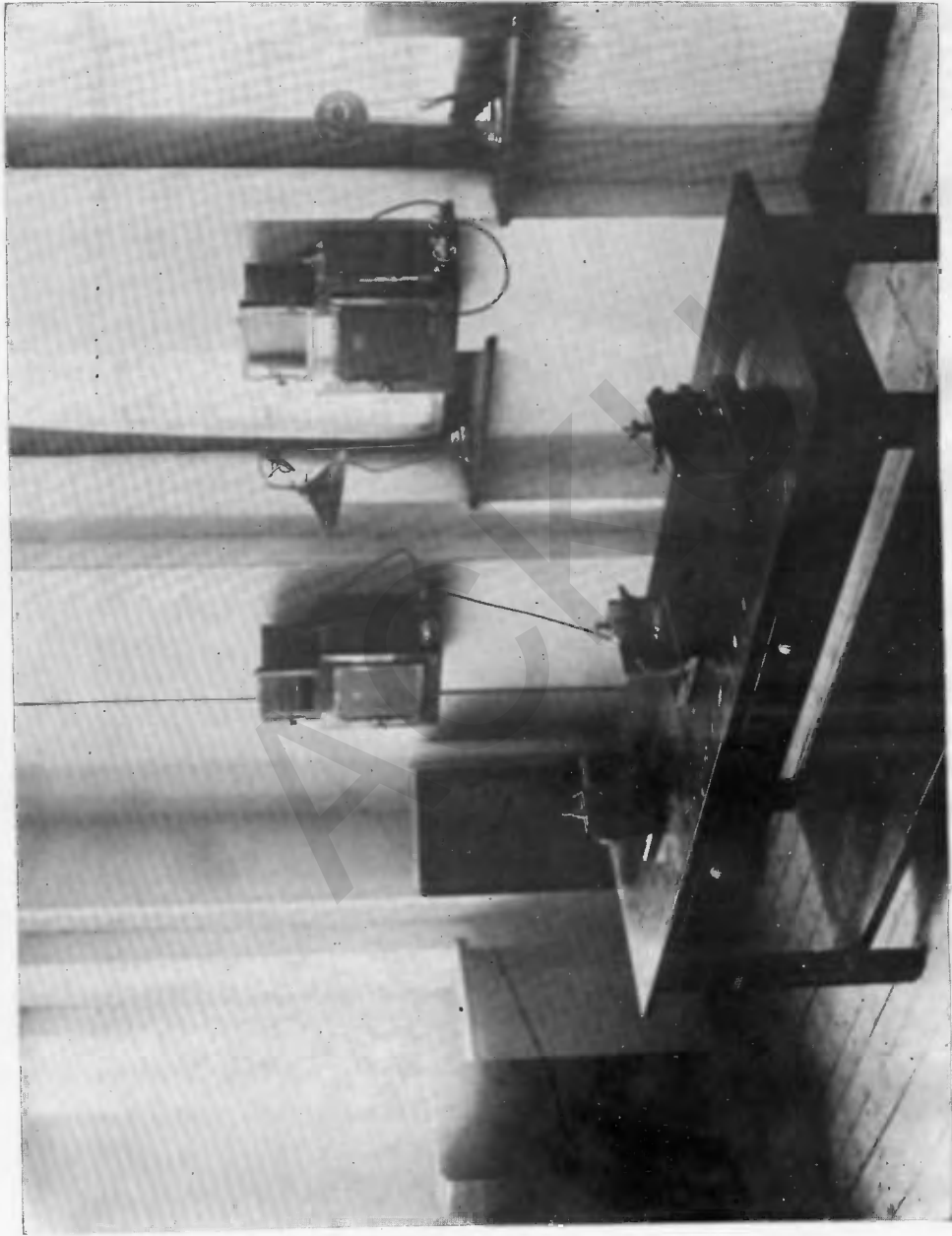
۱۴ - اخلاق چهارم - این کتاب علاوه بر مسئله عائله، مکتب، جمعیت و حکومت که کتاب فوق در برداشت مراجع قانونی و عدلی و اجرائی را با موسسات ملی (بلدیه ها، شرکتها، موسسات خیریه) و موسسات انضباطی و اقتصادی احاطه کرده است. تشکیل دولت و حکومت و وظیفه و طند ار نسبت بدولت و حکومت، اطاعت، فداکاری و علاقه مندی بآنها و استفاده از حکومت و ملت نسبت باحتیاجات اجتماعی و ملی. خلاصه همه را یکسان



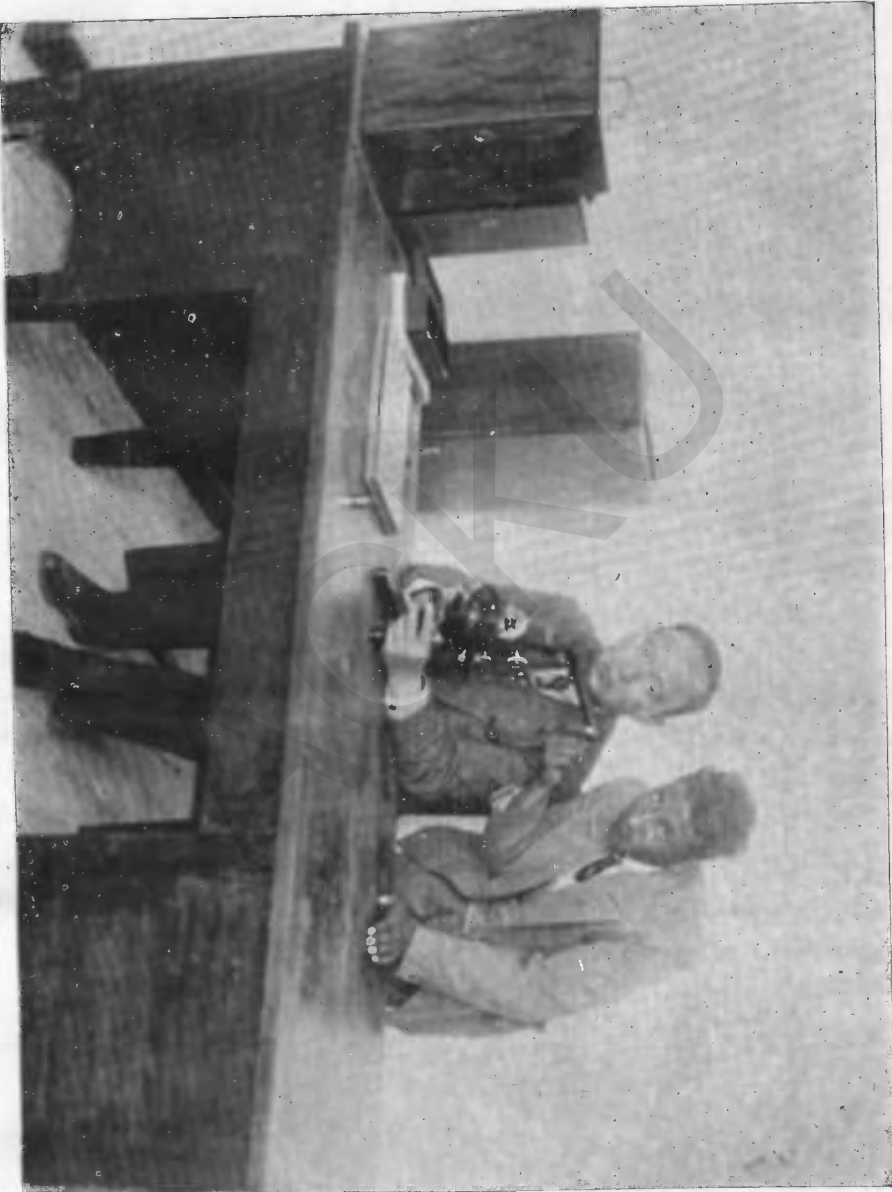
طلاب صنف اول فاكولتې طبي كابل در حېښه اخځه تعليم حيوانات
Les étudiants de la première classe de la Faculté de Médecine pendant un cours de zoologie



بکھمہ عملیاتی باکتریو لوزی نا کو لہ ملی کابل
Un coin de la salle des exercices bactériologiques de la Faculté de Médecine à Kaboul



بمختصه عمليات خانه نشر بيع مرضى فاكولة طبي كابل
Un coin du laboratoire anatomiques de la Faculté de Médecine (Kaboul)



لايوار نوار نشر بعصره و اذاج فا كوئططى
Un coin du laboratoire de la Faculté de Médecine à Kaboni



فارغ التحصيلان سال ١٣١٤ مکتب عالی استقلال (دروسط معاون مکتب)
Les diplômés du collège ESTECLAL pour l'année 1935
(au centre le vice-directeur du collège)



فارغ التحصيلان سال ١٣١٤ مکتب عالی حبیبه (دروسط مدیر مکتب)
Les diplômés du collège HABIBIAH pour l'année 1935
(au centre le directeur du collège)



فارغ التحصيلان سال ۱۳۱۴ مکتب مالی نجات (دروسط معاون مکتب)
 Les diplômés du collège NIDJATT pour l'année 1935 (au centre le vice-directeur du collège)

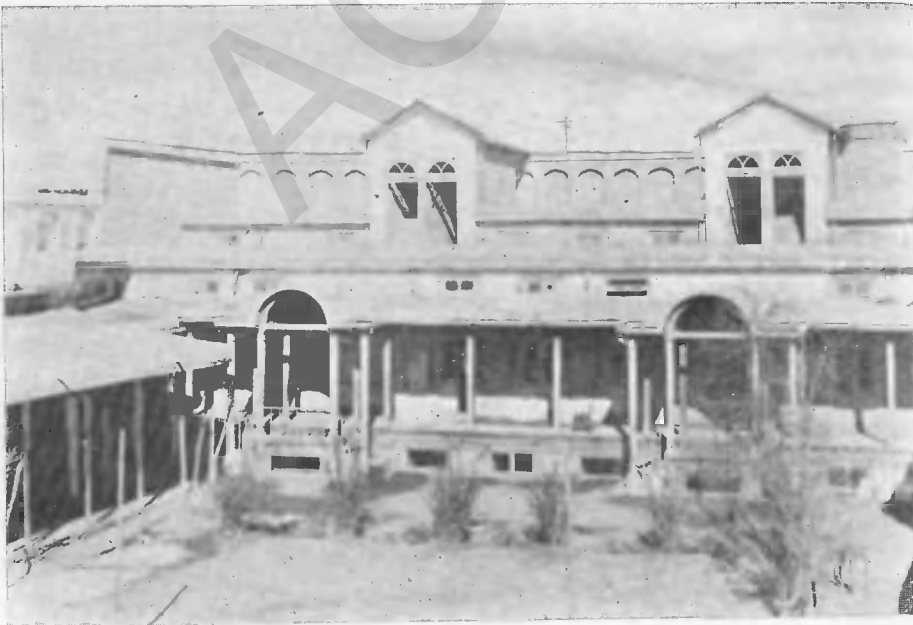


فارغ التحصيلان مکتب زراعت (دروسط کفیل مکتب)
 Les diplômés de l'école de l'Agriculture pour l'année 1935
 (au centre le directeur intérimaire de l'école)

از عمرانات و موسسات وزارت معارف



عمارت مکتب طبي در کابل
Une partie des bâtiments de l'école de médecine à KABOUL.



عمارت یکی از مکاتب ابتدایی جدید التاسیس کابل
Une des nouvelles écoles primaires de KABOUL.



فارغ التحصيلان سال ۱۳۱۴ مکتب دارالمعلمین (دروېټ کفیل مکتب)
Les diplômés de l'Ecole Normale pour l'année 1935 (au centre le directeur
intérimaire de l'école)



عمارت مکتب دارالمعلمین در کابل
Une partie des bâtiments de l'Ecole Normale de KABOUL.

اجرا آت دوائر مملکتی

یکان در فقرات و جلات حیاتی و عملی شرح و بسط داده طوری تحریر یافته که این کتاب تنها مال طلبای مکتبی نبوده بلکه هر فرزند وطن را قرائت و مطالعه آن از جمله ضروریات است. بنابراین همین که از طبع بر آمد مورد قبول عموم خواهد شد.

۱۵ - معلومات عمومی سوم - این کتاب از نقطه اینکه جز و پروگرام ابتدائی بوده عوض کتابهای دروس اشیاء، علم الاشیاء و معلومات طبیعی ساخته شده گمان می رود که مسائل معدودی را در بر گرفته خواهد بود ولی از حیث اینکه علوم مثبتة امروزه با جریانات و نتایج حرکت و حیات یکی است همه علوم و فنون ضروری را برای یک طفل مکتبی متکفل کرده.

جغرافیا، معرف الارض، حادثات فیزیکی، کیمیا، جوی، نبات، حیوان و انسان حفظ الصحة و حیات و محیط را در موقع خود جسته جسته بهاریکه لائق ملاحظات و قوای مشخص و مرکزی و حیاتی است تالیف و تدوین گردیده. مباحثی طبع شده است. چندی بعد فارغین گرام نیز چنین خواهد یافت.

۱۶ - معلومات عمومی چهارم - این کتاب برادر دیگر کتاب آنف الذکر است. در اکتساب معلومات مفید و ضروری که هر نفس و وجود از آن گزیر ندارد، رشته طبیعیات محور و فزیک و کیمیا و معرفت الارض و معادن و جغرافیا و حفظ الصحة مرکز آن شمرده میشود. باین شرط که بر محسوسات و بر اسباب و نتایج عملی و حیاتی مطابق بوده بر ادراک اطفال افغانی مستند باشد. فی الحقیقه از اسم این اثر دانسته میشود که شناسائی از همه چیز است و اطلاع بر همه شی. حقیقت اینست که در اصول تعلیم و تربیه امروزه تدریس باید جامع و کلی باشد. یعنی مضامین دروس باعتبار ساعت دروس منفرد و باعتبار ترکیب و تحلیل یکدیگر وابسته باید بود. اینست که این کتاب با علومی که در سطور قبل ذکر یافت مخلوط و پیوسته است. از نیرو در تمام دروس طبیعی جغرافی، ارضی، جوی، نباتی، حیوانی و انسانی مربوط بوده مطالعه و تعلیم آنها را آسان می سازد. هنریب از طبع خواهد بر آمد.

۱۷ - کتاب جغرافیای سوم - طوریکه در همه کتب این دوره همین تربیه عقلی، حسی و اخلاقی اساس است در جغرافیا نیز شناخت و وطن از هر حیث مثل جلگه، دشت، صحرا وادی و نهر و آب و جنگل و خشک و وطن فائده و پیداوار نباتی، کانی و صناعی آن در حیات شخصی و اجتماعی و مناسبت آن بممالک همجوار از روی اقتصاد و تمدن ملحوظ گردیده اما از خانه، مکتب و سمت و از شهر، ممالک و کشور و دولت را طی کرده همیشه از معلوم به مجهول از مرکز محیط و از آسان بمشکل انتقال کرده است.

لذا این کتاب اصطلاح ارضی فی بلکه تعریف زمین و عوارض افغانستان است. طوریکه در همه کتب ابتدائی بنظر گرفته شده است. این کتاب نیز برای تعلیم دهند و تعلیم گیرنده رهبر مطالعه و تلقین است. هنریب از طبع خواهد بر آمد.

۱۸ - جغرافیای چهارم - این کتاب شرح مختصر جغرافیای سوم است باین فرق که ممالک دیگر با کشور افغانی جهت مقایسه خوانده میشود. از نیرو محور و محرک همیشه اطلاعات جغرافیای وطن است بمقایسه غیر وطن. بهمانطور که در وسعت مشاهده میافزاید، در تاسیس علاقه روحی بوطن بهترین سرمایه فکری، حسی و اخلاق است. در حقیقت مقصد از جغرافیای نیز همین تربیه فکری و حسی است بواسطه یک پارچه و با تمام زمین و عوارض و پیداوار آن و رهبر انتخاب مشاغل زندگی در حیات آینده. این کتاب زیر طبع است.

۱۹ - تاریخ سوم - موقع این کتاب در سلسله تعلیم اگر چه بعد از جغرافیاست ولی در تربیه وطنی و ملی توأم جغرافیا شمرده میشود. چنانچه گویند جغرافیا تاریخ عصر است و تاریخ جغرافیای قدیم، درین باب اولاً فکر راجع بگذشته و مدنیت عام و بعد از آن فکر راجع باجداد و اقوام خاص میشود که معاصرین بطریق ارث با خود میآرند. علاوه برین ترقیات و یا انحطاط گذشته از کدام علت و سبب نشأت کرد، و چاره آن چیست؟ نشان میدهد. درین موضوع نیز مثل موضوع جغرافیا از مرکز محیط و از معلوم به مجهول و از آسان بمشکل رفته فکر عمومی را (طوریکه

بعضی از روحیون گویند (مشخص ساخته و فکر خصوصی را مجرد گردانیده یعنی اولاً فکر عام نسبت بگذشته و ثانیاً فکر خاص نسبت بصر تلفین میکند .
لیکن فرق بزرگیکه این کتاب با کتب تاریخ سابقه دایرد همین است که روح تعلیم دهنده و تعلیم گیرنده را بحرارت غرور و افتخار ملی مشعل میسازد .

۲۰ - تاریخ چهارم - این کتاب در بعضی قسمت ، دوم مباحث تاریخ سوم است و در بعضی قسمت ، تقدیم و تاخیر مباحث آن رویهم رفته مثل هر دو کتاب جغرافیا ، تاریخ سوم و چهارم مقم یکدیگر می باشد . علاوه برین باستثنای کتب قرائت از کتب دیگر این فرق دارد که بعضی قسمت های این کتاب را مثل کتاب قرائت خواننده شرح لغات و مشکلات کرده می شود و در ضمن قرائت فکری را که میخواهند بخوانند بدهند داده میشود ولی مقصد بیشتر این دو تاریخ قرائت نبوده ایضاح و بیان تاریخی می باشد تا بواسطه این کتابها از یکطرف احساسات وطنی و ملی تقویت پیدا کند و از طرف دیگر قوه تصویر و تحکیه و ملکه ذوق و وجدان تربیت بیاید . این کتاب مستعد طبع شده است .

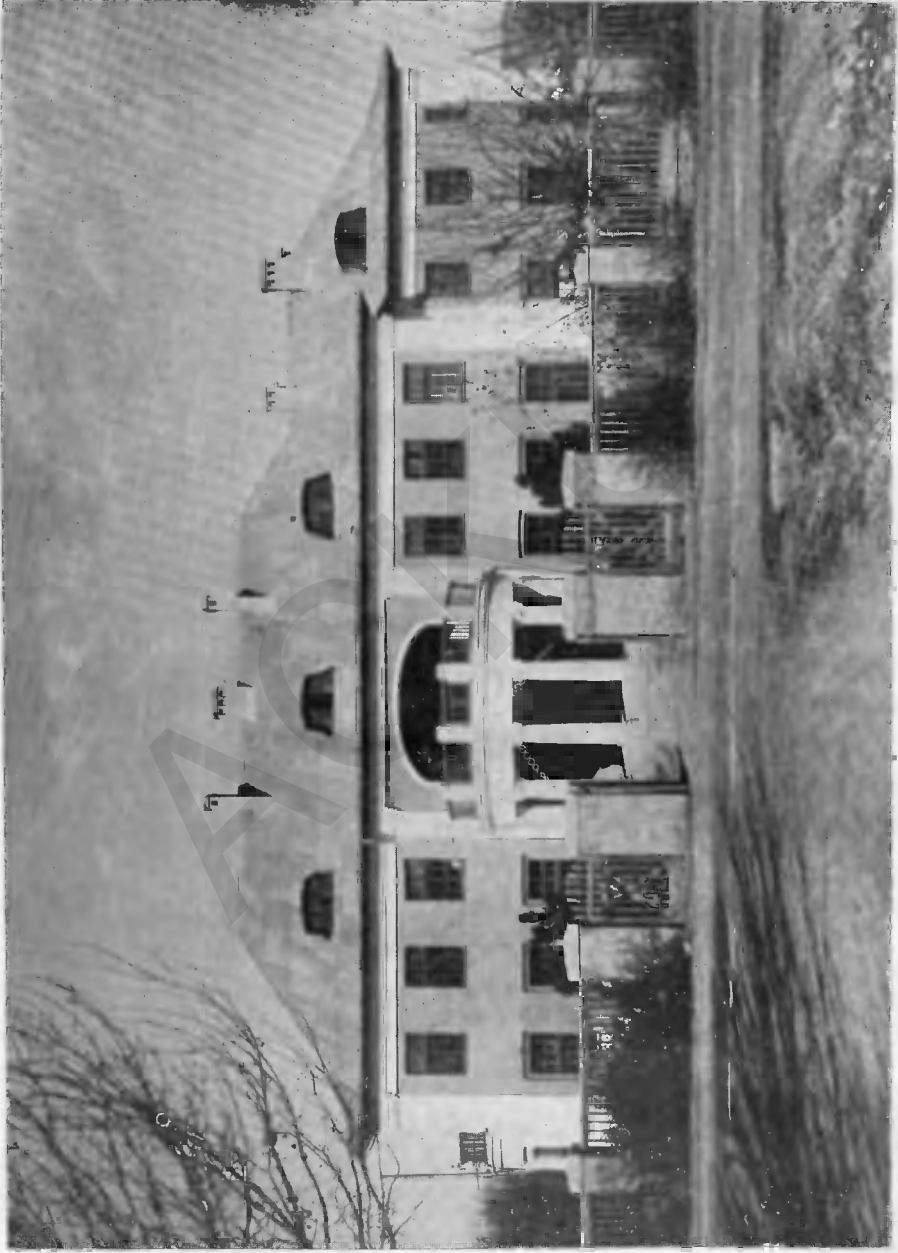
۲۱ - هند سه چهارم - این کتاب از روی اصطلاح قدیم و جدید صفحه دیگر حسابست . همان طور که حساب از شناخت انگشتان شروع کرده فکر هند سه در بشریت از بلست آغاز گردیده است . پس معلوم میشود که مباحث این کتاب در کف دست بشر بوده است ازینرو همه اشکال هند سه را از وجود بشر میتوان دریافت کرد .

در تعقیب و تطبیق این مباحث ، طریق علمی نباید پیش گرفت بلکه طریق فنی را ملحوظ باید داشت - یعنی اشکال خطوط موهوم و ضعیف نباید تعلیم کرد و شیء مشکل و سطح مجسم تعلیم باید نمود .
اینک هند سه صنف چهارم از همین نقطه نظر ساخته شده اگر خط و نقطه و اگر مثلث و مربع و غیره همه در ضمن جسم مشخص و همه روی شکل مشهود بمرض مطالعه گذارده شده است . درین زودی این کتاب مطبوع خواهد شد .
۲۲ - کتاب اول پشتو - این کتاب از روی اصول و تحریر مطابق ساختن و وسعت یک زبان است که زبان فارسی و طنی در جنب ثروت صرفی ، نحوی و لغوی آن ناقص شمرده می شود . با این مراتب که در وسعت و شعبات لسان دارد در اصول و اسلوب ساده و دلچسپ است . مثل کتاب اول من از محیط محسوس طفل شروع کرده کم کم بهر گزاشیامیر سد و شکل جمله بندی بنا بر اقتضای زبان متنوع و رنگین و جامع و واسم است . این زبان زنده در صرف و نحو و مثل زبان فارسی محدود و آسان نیست چون تحریر این کتاب ابتدائی از روی قواعد نحوی و صرفی مورد مطالعه قرار داده نمی شود لکن ساده و دلچسپ است این کتاب طوری ساخته شده که ذکا و حس و فکر طفل را درمواجهه اشیا مشهود و معلوم می نشاند . همین که از طبع بر آمد فوراً با زبان ادبی و حسی فارسی بسابقه داخل می شود .

۲۳ - کتاب پشتوی دوم - این کتاب از روی سلسله ، دوام کتاب اول است ولی درین کتاب اولاً با اقتضای زبان پشتو نیا درجه تعلیم و ثالثاً مندرجات مرمایه بزرگ است برای نوآموز زبان پشتو و برای وسعت اطلاعات و افاده ، چونکه متضمن بیشتر مباحث اجتماعی ، اقتصادی و حیاتی است . گاه از نبات و حیوان و گاه از معادن و انسان همچنین گاه از فلکیات و از ضیاء و گاه از شجاعت و شرافت و غیره . بحث میکند . همینکه از طبع بر آمد مطبوع شاگرد و استاد خواهد شد .

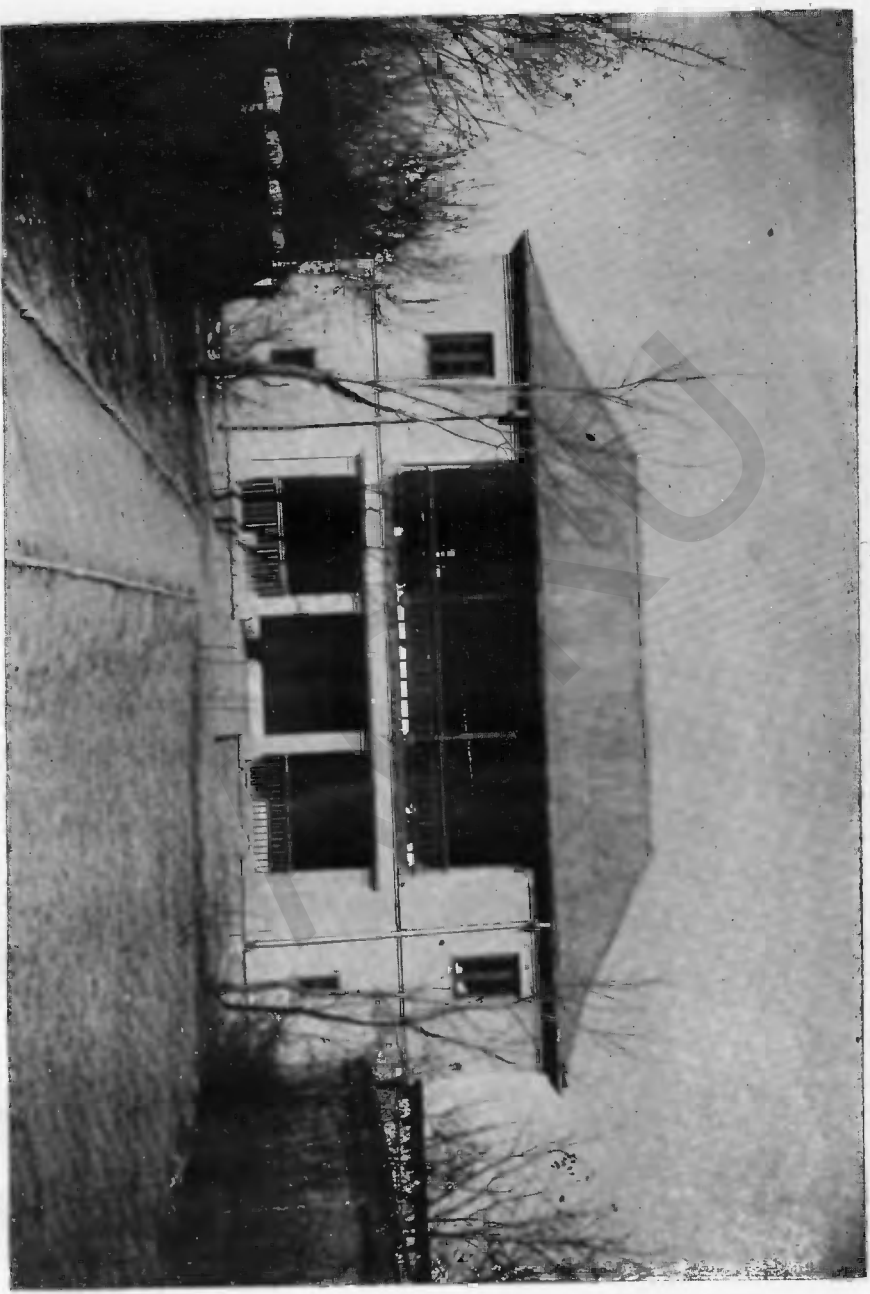
ب : کتب مکتبی و غیر مکتبی که مؤلفین و مترجمین بخواهش خود تالیف و ترجمه کرده اند :

- ۱ - برقی در جامعه : تألیف جناب غلام محمد خان دیلوم انجنیر
- ۲ - اشرف الاخلاق : تألیف جناب منشی علی رضا خان میمنه کی
- ۳ - خودآموز پشتو : تألیف جناب صالح محمد خان
- ۴ - معلم پشتو : از طرف هیئت انجمن ادبی پشتو تالیف گردیده .



ممارت ناکونک ملل درکا بل
L'immeuble de la Faculté de Médecine à Kaboul

انجمن‌ات جدید وزارت معارف



معارف تان جوړی کونډه ملی کابل
Annexe de l'immeuble de la Faculté de Médecine (Kaboul)

از تعمیرات جدید وزارت معارف



تجر به خانه تشریح و تشریح مرضی و انساج و جراثیم فاکولته طی کابل
Laboratoire de la Faculté de Médecine à Kaboul

الزعميرات جديد وزارت معارف



جوانا، طابو تا كركه طبي كابل
Dortoir des étudiants de la Faculté de Médecine à Kaboul

اجراآت دو اثر مملکتی

- ۵ - فرائد المصریه جزو اول ، تالیف جناب زیدان بدران افندی
- ۶ - « « « « ثانی ، « « « «
- ۷ - درالمختار « « « «
- ۸ - قواعد یشتو ، تالیف جناب محمد اعظم خان عضو انجمن یشتو
- ۹ - دیشتو لمری کتاب ، « « « «
- ۱۰ - یشتو ، تالیف جناب اسماعیل خان .
- ۱۱ - یشتو لمری اوستی ، تالیف جناب سید محمد فاروق خان مدیر مکتب حبیبیه .
- ۱۲ - « « « « (۲) ، « « « «
- ۱۳ - از هر گوشه ، تدوین جناب حسنی خان کاتب ریاست تعلیم و تربیه وزارت معارف .
- ۱۴ - یامیر ترجمه جناب محمد رضاخان ترجمان
- ۱۵ - کتاب حساب رشده اول و دوم ، ترجمه جناب محمد اکبر خان معلم مکتب استقلال
- ۱۶ - تخریرات بودائیون ، ترجمه جناب عبدالغفور خان مترجم انجمن ادبی کابل
- ۱۷ - جزو پنجم هندسه مکتبی ، ترجمه جناب عبدالمجید خان معلم دارالمعلمین
- ۱۸ - جنرا نیای تجارتی ، ترجمه جناب حبیب الله خان سرکاتب نمایندگی شرکت سهامی درلندن
- ۱۹ - تربیه اطفال ، ترجمه جناب محمد شریف خواجه
- ۲۰ - حفريات هده ، ترجمه جناب میر محمد صدیق خان

مقرررهای جدی وزارت معارف :

- سید محمد فاروق خان سابق مدیر دارالمعلمین مدیر مکتب حبیبیه .
- محمد نبی خان مدیر مکتب حبیبیه به عضویت ریاست تعلیم و تربیه .
- سید عبدالله خان فارغ التحصیل مکتب حبیبیه بوکالت مدیریت دارالمعلمین و منتظمی مکتب طلی .
- عبدالقدیر خان معلم مکتب نجات ، ماموریت معارف قطن و بدخشان
- عبدالعلیخان معلم مکتب حبیبیه ماموریت معارف مشرقی .

امور تجارت و زراعت

امور تجارت و فلاح درین سال ترقیات مهمی را نائل شده می توان گفت وزارت تجارت در سایه نظریات حکومت متبوعه ما بسا قدم های فرخی را در راه اصلاح و پیشرفت حیات اقتصادی مملکت برداشته است که هر یک آن درآینده اقتصادیات وطن اثر کلی خواهد داشت .
خلاصه اجراآت سال ۱۳۱۴ وزارت تجارت قرار ذیل است :

امور گمرکات :

- ۱ . افزودی های بدات گمرکی ، توسعه تجارت مملکت از افزونی های بدات گمرکی آن بخوبی معلوم میشود و محاصیل گمرکی وطن عزیز ما از توجه وزارت تجارت و مساعی مأمورین ولایات در سال ۱۳۱۴ به نسبت سال گذشته باندازه (۲۵) فیصد کسب افزونی نموده است تفصیل آن قرار آتی است .
- الف گمرکات ولایت کابل نسبت بسال گذشته (۲۰) فیصد اضافه
- ب : گمرکات ولایت قندهار « « (۱۳) فیصد اضافه
- ج : « « ولایت هرات « « (۲۲) «
- د : « « قطغن « « (۲۳۲) «

۵. گمرکات ولایت هزار شریف مساوی با عمل سال ۱۳۱۳ است
 و گمرک اندخوی نسبت بسال گذشته (۱۸۳٪) فیصد اضافه
 ز گمرکات مشرق نسبت بسال گذشته (۱۵) فیصد اضافه
 ح. د. جنوبی د. د. (۲۵۱٪) د. د.
 ط. د. مینه د. د. (۱۰۰) د. د.
 ی. د. فراه و چخانسور د. د. (۲۵۰) د. د.
 ۲. ترتیب احصائی واردات و صادرات مملکتی.

امور تجارت و صنایع :

دائرة حفظ صنایع مدیریت عمومی تجارتی که از چندی یا بنظر نسبت بوزارسی در ترقی و توسعه مصنوعات داخله وطن صرف مساعی نموده نظر بطی مراتب نظری و ابتدائی انواع مواد خام صنایع و فلاحتی و ذراعتی پیداوار مملکت را در موزیم صنایع و ذراعتی فراهم آورده، پس از طی سلسله نظری و تحریری و مراتب ابتدائی برای اجرای بعضی امور مطلوبه در سال ۱۳۱۴ اذیتاً شروع به عملیات نموده است،

۱. بکار انداختن رنگهای معدنی وطنی جهت رنگمالی تعمیرات بذریمه تیکه و اصول تقوی .
 ۲. اجرای عمل زر شوئی ریک طلا ذریمه ماشین زر شوئی در ولایت قطن و بدخشان و تشویق برای کاسبین زر شوئی که با اصول معمول با استحصال ریک طلا اقدامات مینمایند و خریداری طلای مستحصله ایشان بتوسط ما مورین مربوطه .

۳. وضع اصولنامه برای تولید رنگهای جوهری صحیح و بجنه و جلوگیری از تولید رنگهای خام و بی ثبات .

امور فلاحت :

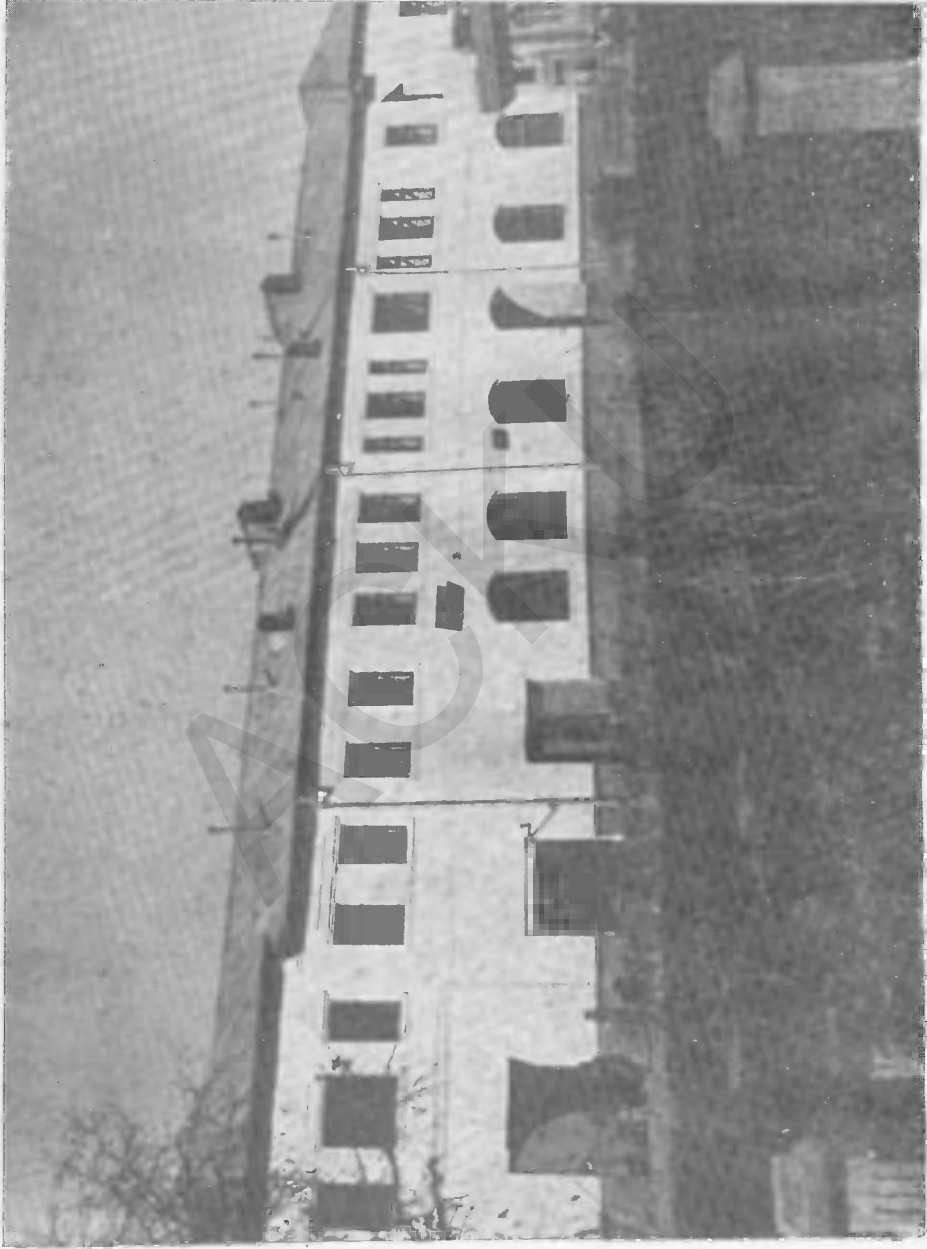
الف : ولایت کابل :

۱ - بند مرخاب اوگر، یکی از بندهای مهمی است که در زمان اعلیحضرت شهید فخر الله له شروع و در ماه قوس ۱۳۱۴ بند با تمام رسیده چیزیکه باقی مانده کارهای جزئی مینماید که عبارت از کتاره دیوار بند و برچاوه و فرش پیشروی و الخانهها میباشد که انشاء الله در سال ۱۳۱۵ بطرف سه چهار ماه با تمام خواهد رسید و این کارهای جزئی تعلق به ذخیره شدن آب و کار در آن بند ندارد .

مسافه بند مذکور از کابل برای مرک اوگر الی محمد آغه ۱۲ کروه (تقریباً ۳۴ کیلومتر) و از محمد آغه از راه پل قند هار الی خود بند ۵ کروه (تقریباً ۱۴ کیلومتر) می شود که جمله مسافه از خود بند الی کابل ۱۷ کروه (تقریباً ۴۸ کیلومتر) خواهد شد .

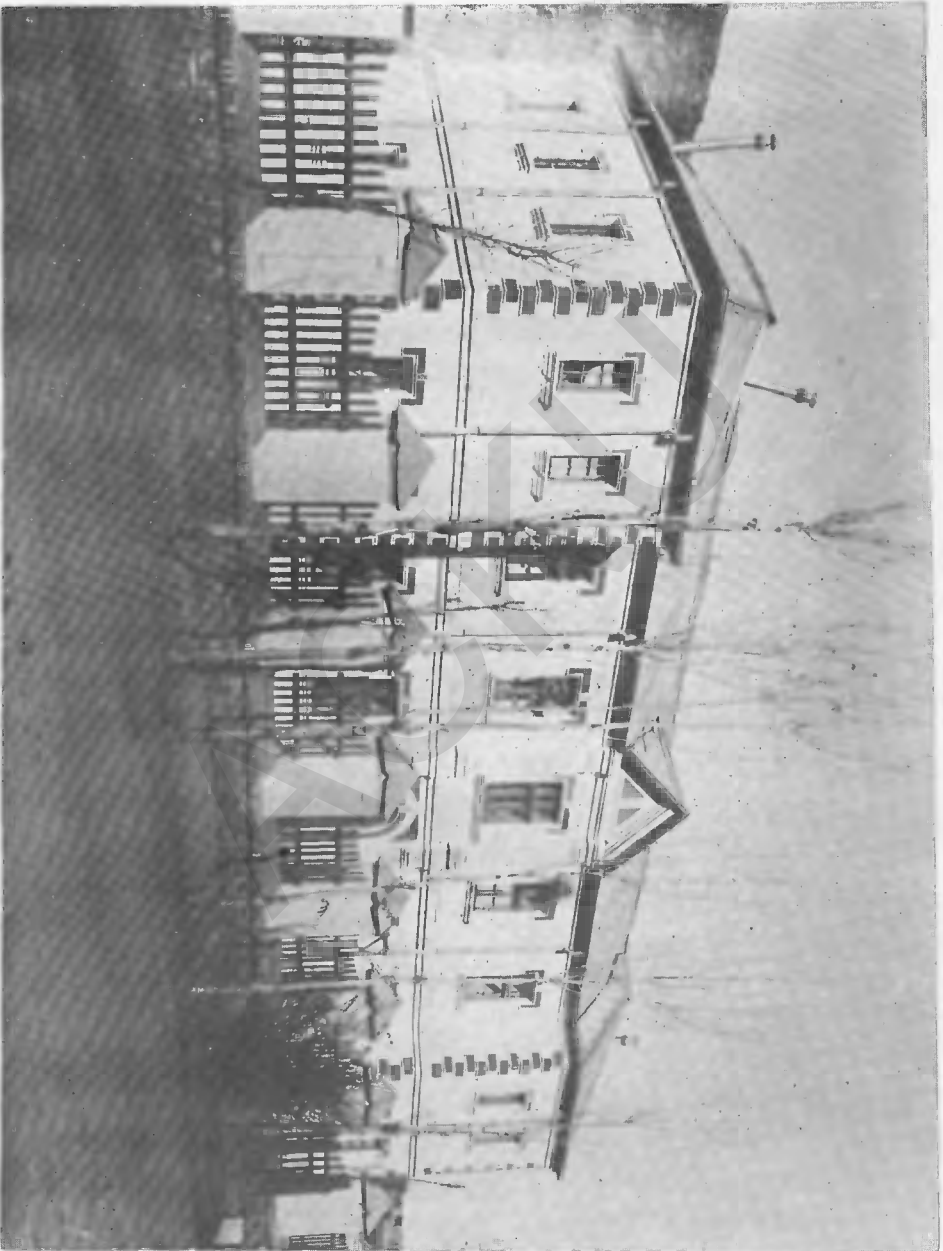
اهمیت این بند برای مزروع ساختن زمین تحت بند که از دشت زرغون شهر تادشت گنار امتداد می یابد خیلی زیاد است و رقبه اراضی که تحت بند آمده می تواند تخمیناً به (۲۰۰۰۰۰) جریب زمین بالغ می شود، باستانی اراضی کاریزی . بند مرخاب دارای سه الخانه مینماید که دوی آت بوسط بند در فاصله ۲۵ متر از هم دیگر دورتر واقع شده اند بجرای و الخانه سوم آن بطرف حصه جنوبی جوی مزکین واقع است

از تعمیرات جدید وزارت نجارت



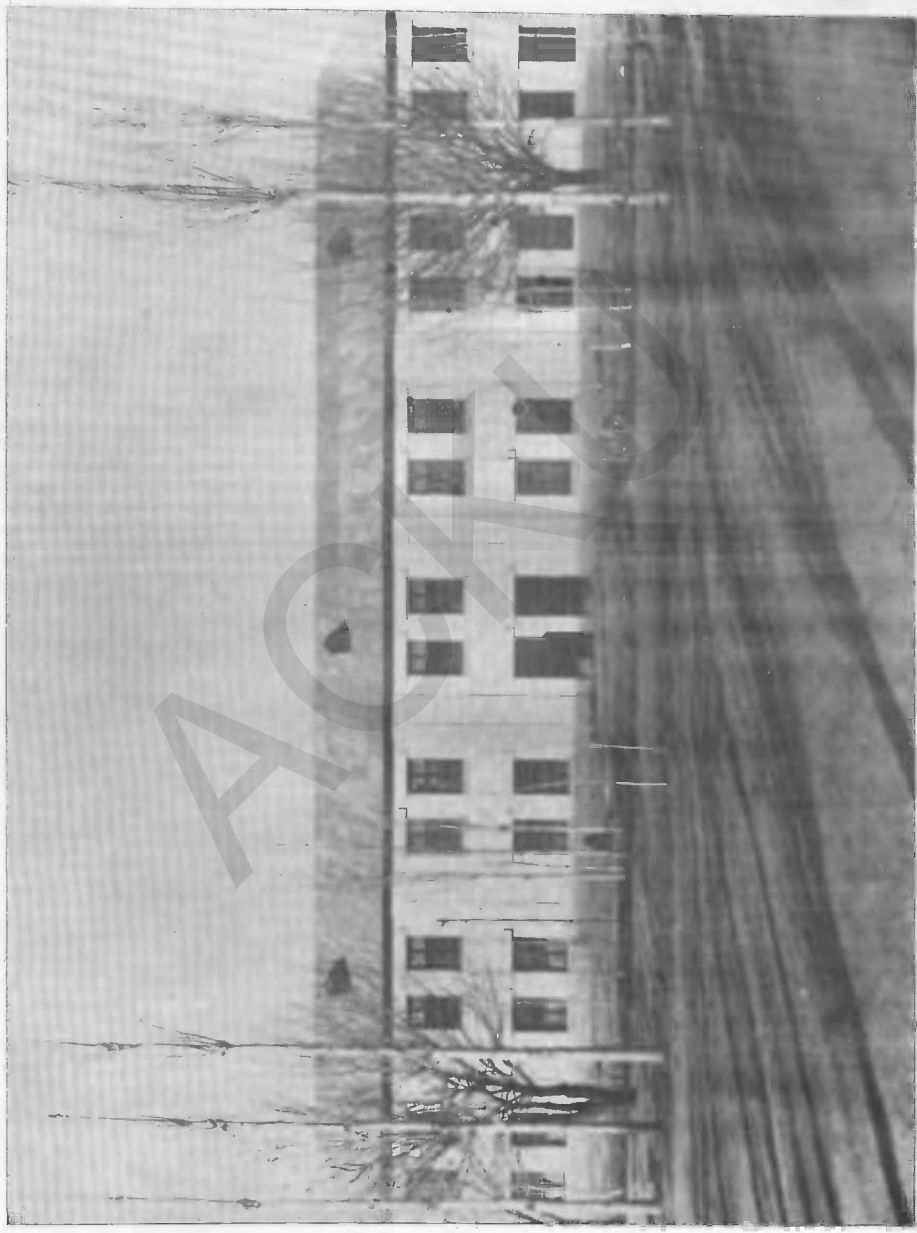
بنك صحب الزقعمت الحاقية لمر انر وزارت عانه ما
Nouveaux annexes des bureaux ministériels à KABOUL.

از تعمیرات جدید وزارت تجارت



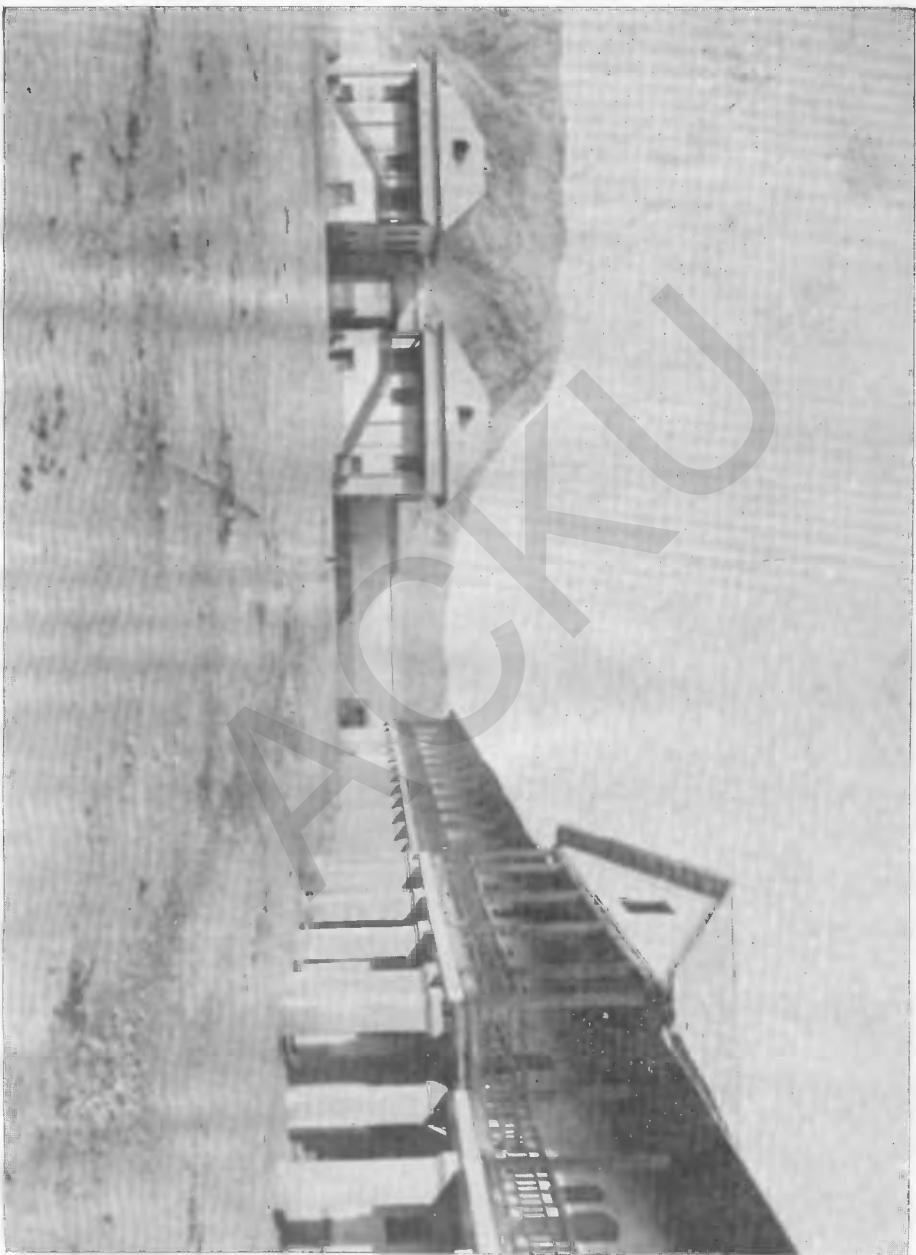
عزارت وهايش مستخدمين خارجي (مقابل مكاتب تجارت كابل)
Nouveaux appartements pour les employes étrangers à KABOUL

از تعميرات و موسسات جديد وزارت تجارت



بيلة خانه ملاؤالدين
Nouvel institut d'élevage de ver à soie à KABOUL

از امپرات و موسسات جدید وزارت تجارت



يك حصه از عمارات تربیه حیوانات واقع ده پوری (كابل)
Une partie du nouvel institut d'élevage et de zootechnie à KABOUL

از تعمیرات جدید وزارت تجارت



یکی از عمارات صوری در کابل
Un des nouveaux bâtiments gouvernementaux à Kaboul

از کارروائی های سال ۱۳۱۴ وزارت تجارت



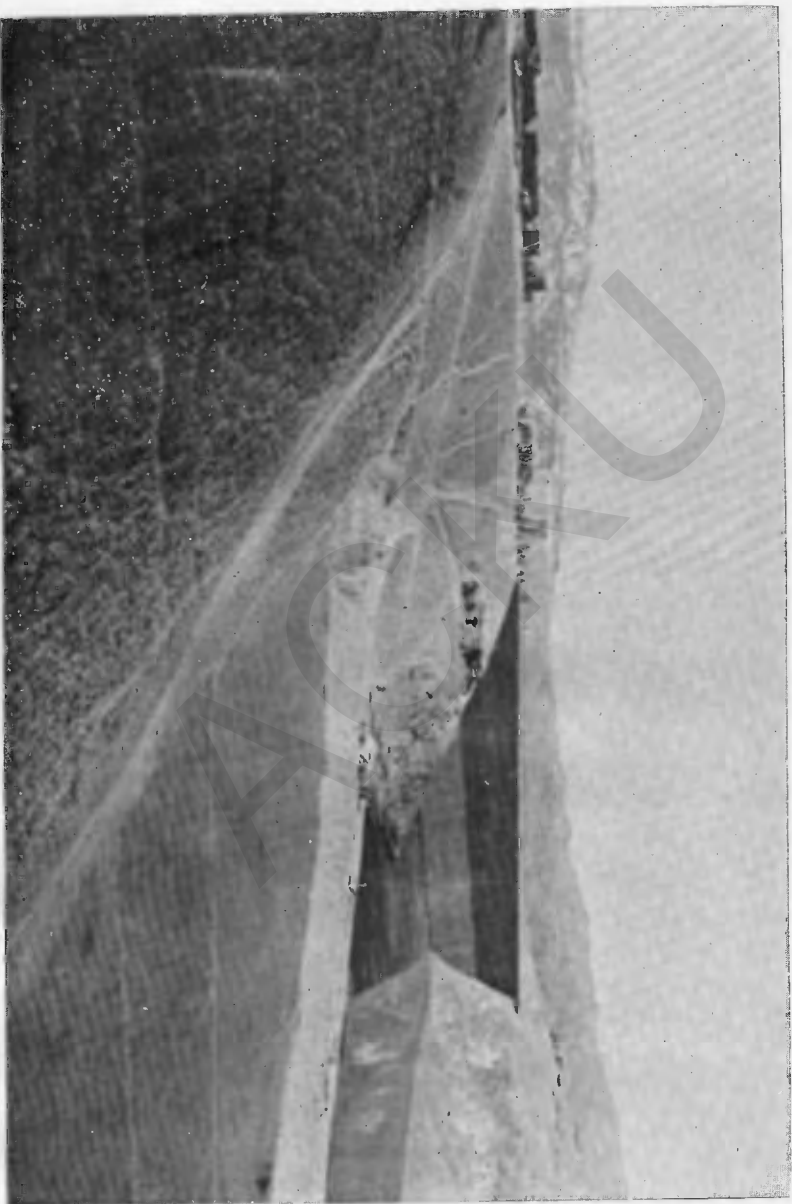
از مناظر بند سبخ آب لوگر که در سال ۱۳۱۴ تکمیل شده است. دورنمای کانه بندک از بالای دیوار بند مکی بر داشته شده است.
Le bassin du nouveau barrage de SOURKH-AB (Prov. de Kaboul)

ادکار دروایی های سال ۱۳۱۴ وزارت تجارت



از مناظر بند مریخ آب کو که در سال ۱۳۱۴ تکمیل شده و دور نای خارجی دوار بند
Vue externe du nouveau barrage de SOURKH-AB (Prov. de Kaboul)

اذکارروانی‌های سال ۱۳۱۴ وزارت تجارت



از مناظر بند مسخ آب لوکر که در سال ۱۳۱۴ تکمیل شده ، دور نمای دیوار بند که از طرف داخلی یعنی کمانه بند
مکش برداشته شده است .

(Une vue du nouveau barrage de SOURKHA-AB (Prov. de Kaboul)

اجراآت دوائر مملکتی

اراضی تحت جوی مزگین و اراضی تحت زرغونشهر را آبیاری میکنند طول مابین دیوار به حصه بالا ۱۴۸ متر و حصه زیرین ۷۵ متر است بلندی بند ۷۰ ر ۲۰ متر و عرض حصه فوقانی ۱۵ ر ۴ متر و عرض تحت بند - ۱۶ متر میباشد .

چون بیشتر اهالی زرغونشهر از آب جوی زرغون شهر که فی الحال در کاسه بند جم خواهد شد و اراضی خود را آبیاری می کردند و دهنه صوف مذکور هم داخل کاسه بند واقع شده بود حسب نظر به مهندس مسدود گردید که فعلاً برای آبیاری زرغونشهر يك صوف جدید بطول ۱۵۰ تا ۱۲۰ متر از جوی مزگین کشیده شده که دوباره آب راهبان صوف سابقه خواهد رسانید .

۲ - باغ بابر شاه که بیشتر تعمیر زینه ها و حوض های آن شروع شده بود حالا بصورت عصری منظم و مقبره بابر شاه مرحوم هم جدید آباد شده و سیاحتین خارجی تقدیر مساعی حکومت ما را نموده اند ، يك عدد بمه برقی نیز برای باغ مذکور خواسته شده که عمق ریب خواهد رسید ، مرتبه های فوقانی دو طرفه آن نیز گلکاری و مر سبز خواهد شد .

۳ - باغهای حکومتی استالف که خیابان بست و کرد بست شده اشجار آن بیوند و مراقبت آنها بطور فنی بعمل آمده بود نیز نتیجه مثبت داده برای دفع مرض آنشک که هر سال به انکور های حصص شمالی ضرر زیاد میرساند تجاوز فنی گرفته شده است ، ۶۰۰۰ قلمه جدید تک در باغ تحت استالف شانه شده که برای سال آینده مواضع لازمه غرس و يك تعداد زیاد تاکهای جوان و قوی که تربیه شان بطور فنی بعمل می آید بدست خواهد آمد ، علاوه سامان و ادوات لازمه قطع و بیوند درختان میوه دارو اصلاح چم ها از قبیل قیچی های باغبانی و چاقو های قطع و غیره از خارج خواسته شده تا اصول قطع و قلمه و غیره کارات باغبانی بطور جدید عملی گردد و نیز برای ترویج زراعت پسته در استالف و غیره محلات شمالی يك مقدار پسته نا جوش خورده از خارج خواسته شده که بمرکز رسیده است .

۵ - حکومت متبوعه ما چون همیشه در ترقی معاملات زراعتی سعی بلیغ مبذول میدارند اهمیت دخول نسل کوسفند سرینوس را در مملکت عزیز ما محسوس نموده در شروع سال ۱۳۱۴ بکده قوج سرینوس از درات شوروی خریداری نموده است که بکته داد آن بزار شریف و بکده آن بولایت قطنن برای تولید واز دیاد نسل فرستاده شده است ، باقیانده آن بدایره تربیه حیوانات خواجه ملا و علی آباد سپرده شده تا در آنجا تحت عملیات تولد و تناسل گرفته شود ، کوسفند مذکور پشم انبوه و ابریشم ماندنی دارد که بهترین پارچه جات پشمی از آن ساخته می شود .

۶ - بند صراج غرنی ، اگر چه اساس آن در عصر امیر حبیب الله خان شهید گذاشته شده بود لیکن به نسبت بر هم خوردن سلطنت مذکور بعض حصص بند تا تمام مانده بود ، که در عصر سعادت حصر اعلیحضرت شهید خالد آشیان يك نفر مهندس برای ملاحظه کارات مذکور فرستاده شد تا آنچه کار باقیانده بند و غیره خرابی ها و شکسته گئی هائی را که برای بند مذکور درین چند سال آخر عاید شده باشد ملاحظه و بر آورد مخارج آبنده آن را مرتب و بمقامات مربوط تقدیم نماید همان بود که بموجب منظوری حکومت درین سال ها خرابی های بند که عبارت است از شکست و ریختن سنگ های سردیوار بند و غلطیده گئی ها سمیت کاری کنبه های و انخانه و بر شدن دهنه های وال از سنگ و جفله و مفقود شدن بعضی برزه جات دروازه های بند و خرابی انکشاف کاری دیوار بند که از شدت برودت هوا ریخته و ویران شده و کم بود دو متر از سنگ کاری اصل ارتفاع دیوار بند تکمیل یافته باین تفصیل :

ابتداءً شروع به تعمیر همان دو متر مکعب ارتفاع دیوار در دو صد متر طول گردیده سپس کارهای استر کاری و شکست و ریختن گیری کنبه ها و نصب نمودن يك دروازه آهنی در سمت مشرقی بند و ساختن يك کنبه جدید که از سمت و سنگ ترتیب شده بود عماماً بانجام رسید .

در سال ۱۳۱۰ به نسبت زیادتی دمه آب و خوردی پرچاوه (مجرای احتیاطی) بند آب زیاد از پرچاوه عبور کرده نتوانسته آب از سردیوار بند لبریزی شد که باعث خرابی و نقصان زیاد میگردد، از انزو کوه حد پرچاوه مذکور چهار متر دیگر هم بریده و فراخ شده که جمله ۲۰ متر وسعت پرچاوه گردید که اگر هر قدر آب در بند جمع گردد نقصان هاید نشده و آب هر پرچاوه بسهولت عبور کرده می تواند. بالاخره در نتیجه ساختن دومتر ارتفاع جدید، موازی ۶۰۰۰ جریب زمین علاوه بر آب خوره سابقه را بند مذکور آبیاری کرده میتواند. رقبه وسعت بند عبارت است از ۴۵۰ متر طول دیوار بنده ۳۰ متر عمق آب، ۱۰۰ الی ۶۰۰ متر بر عرض کاسه بند، الی یکنیم کروه (۵ کیلومتر) ساحه را در بر گرفته میتواند.

۷ - در بند فرغه بسلسله سال گذشته مطابق نقشه اساسی آن فعالیت تمام کار شده است.

- ۸ - دانه زنه خان غزنئی » » » » »
- ۹ - دانه سرده غزنئی » » » » »
- ۱۰ - دانه چانغوی سمت جنوبی » » » » »
- ۱۱ - دانه خروار لوکر » » » » »

- ۱۲ - کارات باقیاننده بند میراج مشرقی درین سال تمام و برای تزئید آب خوره مزبور تزیینات جدید گرفته شده
- ۱۳ - در جنگل کشته پلوان با نژده جریب زمین چینی برای غرس قلمه پید باصول زراعتی تخصیص داده شده که در ابتدای سنه ۱۳۱۵ در نظر است که با اندازه مکفی نهال غرس شود.
- ۱۴ - دیوارهای باغ بینی حصار ترمیم و تعمیر و چهار جریب زمین جدید نیز به داخل باغ مذکور شده و در نظر است که در باغ مذکور سبزی جات و قوریه اقسام اشجار در سال ۱۳۱۵ بصورت فنی غرس و بندر شود.
- ۱۵ - دوهزار درخت بادام علاوه بر درخت ها و بته های سابقه در تیه بلخ غرس شده.

ب: ولایت قطغن و بدخشان:

۱ - در اثر اعطای دساتیر ولایت، آخر آحصائیه نهال شانی بادام در مناطق مربوطه قرار فهرست ذیل بعمل آمده است

الف	در حضرت امام صاحب	۳۹۰۶۰۰	نهال
ب	دانه قندوز	۲۶۰۴۰۰	دانه
ج	دانه خان آباد	۴۶۰۲۰۰	دانه
د	دانه بلان	۳۵۰۰۰۰	دانه
ه	دانه غوری	۵۸۰۰۰۰	دانه
و	دانه تالغان	۲۸۰۸۰۰	دانه
ز	دانه درواز بدخشان	۱۶۰۶۴۰	دانه
ح	دیگر نقطه قطغن و بدخشان	۱۲۰۰۰۰۰	دانه
	مجموع	۳۷۰۰۴۴۰	دانه بادام

۲ - علاوه بر نهالهاییکه در سال گذشته در باغ جنگل شانده شده بود، امسال به تعداد ۲۱۸۰۰۰۰ نهال دیگر در باغ مذکور غرس شده است.

۳ - تاسیس باغهای ذخیره اشجار مثمر، مطابق دساتیریکه از ولایت به مدیریت زراعت و دوا بر مربوطه داده شده در سال ۱۳۱۴ پنج باغ ذخیره نهالهای هر نوع مثمر در مناطق خان آباد، قندوز، غوری، حضرت امام صاحب، بلان که وسعت هر یک ارباعهای موصوفه تا اندازه یکصد جریب زمین اندازه شده، تاسیس و در هر کدام آن به تعداد کافی نهال بادام و غیره اشجار مثمر غرس می شود.

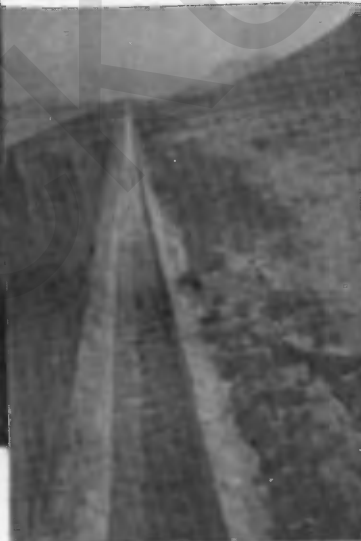
از عمرانات سال ۱۳۱۴ و لایت قندهار: نهرسراج که
در سال ۱۳۱۴ کار آن اتمام یافته



دهن تونل
از طرف آمد آب



تونل سنگی نهر که ۲۰۰ متر طول و
۲۰۰ متر ارتفاع و ۴ متر عرض دارد



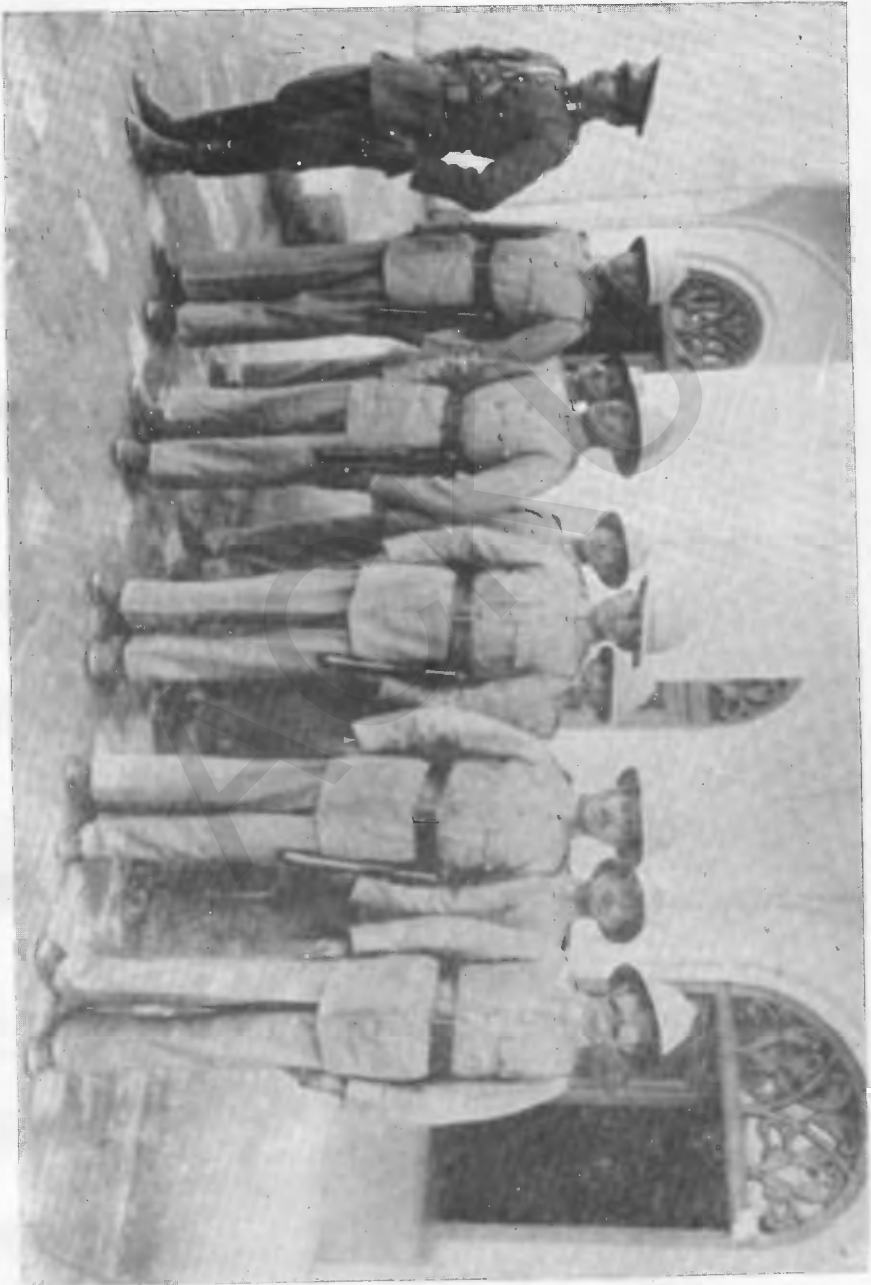
نهر صرفه که ۱۸ کیلو متر
طول دارد

دهن تونل
نهر از طرف
بر آمد آب



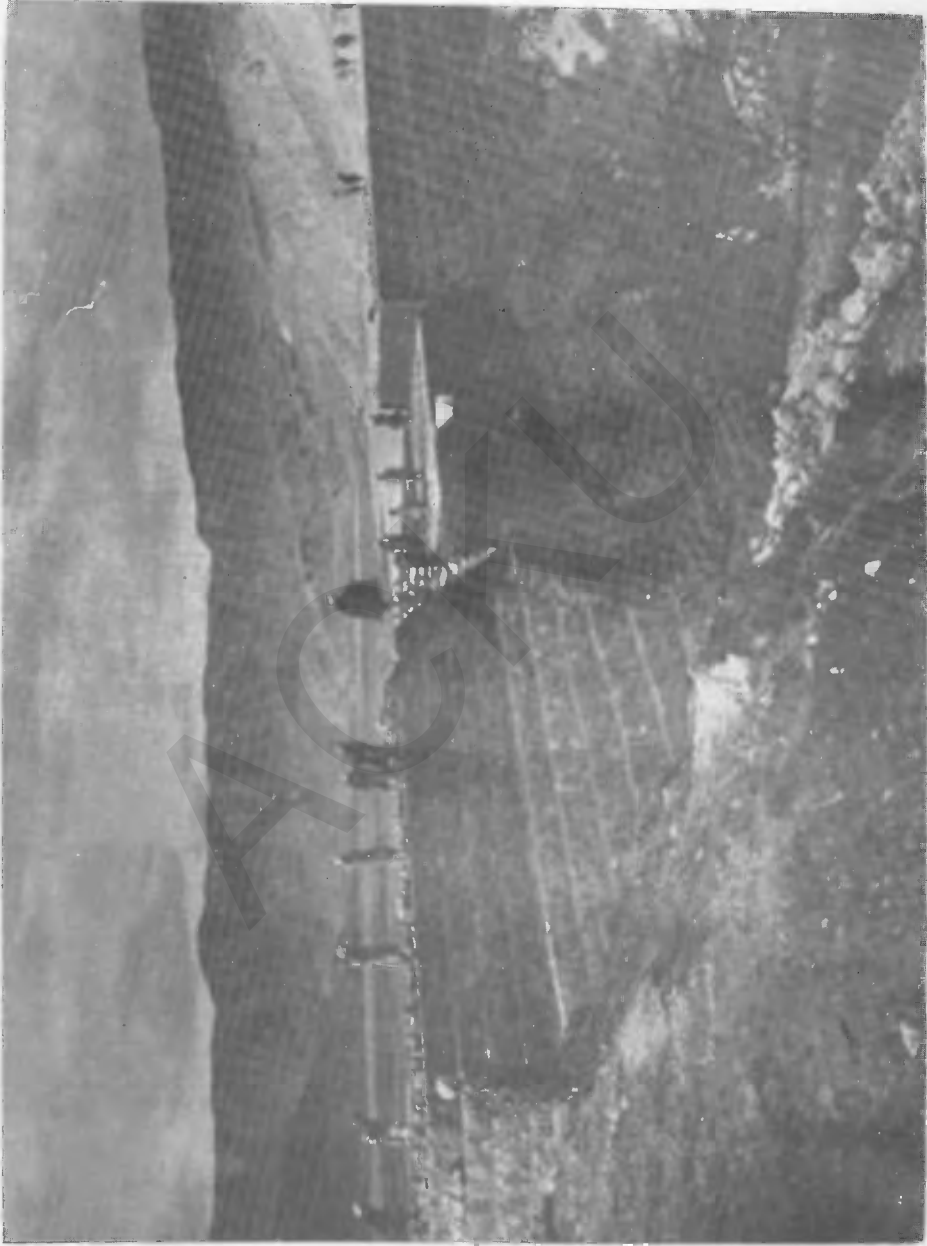
Quelques vues du nouveau canal de NAHR-I-SERADJ
à KANDAHAR.

گروهی از پلیس و سواران در کانداهار
۱۳۰۳



مأمورین پلیس و یک دسته از افراد پلیس کانداهار
Un groupe des agents de police de KANDAHAR

از عمراوات مهم سال ۱۳۱۴ حکومت اعلیٰ مینه



منظره بیرونی بند مینه که در حال ۱۳۱۴ شمسی ع. م. م. محمد عزیز خان حاکم اعلیٰ مینا و تعمیر شده است
Vue extérieure du nouveau barrage de MAINANA (Prov. de Maimana)

از عمارات مهم سال ۱۳۱۴ حکومت اعلیٰ بمبئی



میلو و اعلیٰ بند مایمانا
Nouveau barrage en construction à MAIMANA

اجراآت دوائر مملکتی

۴ - زبید حاصلات ینہ ، در اثر عملیات مقام دارالحکومہ کئی قطنن زراعت بذتہ پیشرفت خوبی حاصل و نمر زیادی از آن بدست آمدہ . چنانچہ بقرار احصائیہ مرتبہ حاصلات بذتہ امسالہ ولایت قطنن و بدخشان بالغ بہ (۲۹۰) تن میباشد .

۵ - امور احصائیہ املاک - برای سنجیدن احصائیہ املاک حکومت و معلومات کردن اندازه واردات آن اخیراً چهار ریاست احصائیہ املاک از طرف ولایت قطنن در مناطق حضرت امام صاحب ، قندوز ، بغلان ، غوری مقرر و منصوب گردیدہ نتیجہ کہ در اثر اقدامات ریاست های موصوفہ بدست آورده شدہ از احصائیہ مساحت شان مبین میشود کہ ذیلآ بہ تفریق ہر محال از آن نام برده می شود :

۳۴۸۰۷۸۶	الف ، حضرت امام صاحب
۱۲۳۰۰۷۵	ب ، قندوز
۵۱۰۳۳۳	ج ، بغلان
۸۴۰۱۲۳	د ، غوری

مجموع ۶۰۷۰۸۱۷ جرب املاک خارج دفتر کہ خالص متعلق حکومت شمرده می شود .
در عملی کردن این امور زراعتی نافہ ، توجہ ع ، ج ، وزیر صاحب تجارت و مساعی و ، ج شیر محمد خان و کبیل نائب الحکومہ قطنن قابل تقدیر است .

ج : حکومت اعلیٰ فرام و چخانسور :

۱ - انسداد کورہ نادعلی ، کہ عبارت از استحکام طرف جنوبی شیلہ چرخ باشد کہ یک شاخہ از رود ہر مند منفک گردیدہ از ہر جانب آب ریزہ کردہ بقل های نہر را مہندم ساخته باملاک و زراعت اهالی بسا خسارہ واقع می شد و اهالی دچار تکلیف بودہ اند ، چنانچہ سابق از این حیث خسارہ زیادی برای چندین قریبہا عاید گردیدہ بود . در امسال کورہ های مذکور بطور لازمہ تحکیم کردہ شد کہ یک سدی بارقناع ۶ متر و عرض دو کورہ (تقریباً ۶ کیلومتر) در جنب شیلہ مذکور تاسیس یافتہ امیدوارنق است . کہ در آیندہ ہنگام طنبیان آب بزراعت اهالی خسارہ واقف نخواہد شد .

۲ - آب روہای عمومی علاقہ نادعلی و شیلہ چرخ مسدود بودہ و ہمہ سالہ کہ شیلہ چرخ طنبیان میکرد و آب روانداشت بہ بسا قریبہ ہا و املاک زراعتی و غیر زراعتی اهالی علاقہ نادعلی و علاقہ جات سر بو طمن کنز حکومتی نقصان عاید می شد و زراعت بسر رسیدہ را آب می برد . حتی زمین ہا را چمن زار میساخت و برای باز قابل زراعت ساختن آنها اهالی مبالغہ ہنگفتی بمصرف میرسانیدند . در امسال یک آب رو عمومی کہ ب عرض ۱۴ متر و طول دہ کورہ (تقریباً ۳۰ کیلومتر) میرسد زیر کار گرفتہ شدہ امیدوارنق است بزودی خانہ یابد . و آب شیلہ چرخ و غیرہ در زمان طنبیان در ہین حالیکہ باملاک اهالی ضرری نرساند بحدود یوزک خارج شدہ فواید متعدد ذیل از ان گرفته شود :

(الف) تاہنجا ہزار جریب زمین اهالی کہ ہمہ سادہ زیر آب می شد از اثر طنبیان آب نجات خواہد یافت و اهالی بکمال آسودہ حالی وبدون خسارہ بزراعت کاری خودہا بخاطر جمعی اشتغال خواہند نمود .

(ب) زمین یوزک آباد و چراگاہ خوبی بر ای مواشی مال داران خواہد شد .

۴ - باغ حکومتی کنک کہ مرتب نبودہ بنا بران باغ مذکور مرتب وقوربہ های لازمہ نہال در ان غرس گردیدہ کہ پس از رسیدن برشد برای تاسیس و تعمیم باغات در چخانسور بین اهالی تقسیم خواہد شد .

۵۔ حکومت اعلیٰ يك مقدار نہال و تخم درختان منمر و سبزجات را از قندہار و کابل وغیرہ نقساط خواستہ و چہزی از آنرا در باغ ذخیرہ فرس و بندار و باقی را بین مردمان تقسیم نمودہ تا نہال شانی و باغ داشتن و سبزی کاری پیش از پیش در علائق جات فراہ و چخانسور تعمیم باید .

امور دفعہ ملخ :

از تشکیلات و اجراءات مدافعہ ملخ در سائنامہ گذشتہ شرح دادہ شدہ بود ، در سال ۱۳۱۴ بانرہمان تشکیلات مفیدہ کہ بعمل آمدہ بود ملخ از صفحات ولایت قطن و بدخشان و حکومتی اعلای میمنہ بکلی محو و بیک اندازہ کمی در ولایت مزار شریف و بعضی حصص ولایت کابل مثل بامیان ملخ موجود خواہد بود کہ از تشکیلات مدافعہ آن ذیلًا ذکر می شود .

الف : حکومتی بامیان :

مامور يك نفر
معاون ۲ نفر
(۳ نفر)

ب . ولایت مزار شریف :

مدیریت دفعہ ملخ الی اخیر برج اسد ۱۳۱۴ مطابق گذشتہ و بعد از آن بہ سرکتابت تبدیل یافتہ . مامورین متعلقہ کہ در حصص مختلفہ ولایت مشغول مدافعہ ملخ بودند فرار ذیل :

الف حکومتی نهر شاهی :

تختیک يك نفر .
برگادیر ۵ نفر .

ب : حکومت ناشقر غان :

مامور محال يك نفر .
تختیک ۳ نفر .
برگادیر ۹ نفر .

ج : حکومت ایبک :

مامور محال يك نفر .
تختیک ۱۰ نفر .
برگادیر ۳۰ نفر .

د : حکومت درہ صوف :

تختیک ۲ نفر .

تشکیلات فوق الی اخیر برج اسد ۱۳۱۴ مرہی الاجراء بودہ و بعد از ان بواسطہ نبودن ملخ قرار ذیل تقلیل یافتہ :

اجراآت دوائر مملکتی

- ۱ مور برای اداره تمام حصص يك نفر
 - ۲ تاشقرغان تخنيك يك نفر بر گادير ۲ نفر
 - ۳ ايك وحضرت سلطان تخنيك ۲ نفر بر گادير ۸ نفر
 - ۴ خرم و سار باغ تخنيك يك نفر بر گادير ۳ نفر
 - ۵ روئی تخنيك يك نفر بر گادير ۳ نفر
 - ۶ دو آب د ۲ د ۴ د
 - ۷ دره صوف د ۱ د ۲ د
 - ۸ چهار كنت بر گادير ۲ نفر
- صورت تشكيلات مدافعة ملخ فوقاً توضيح و صورت اجراآت عمليات آن ها ذيلاً تحريری شود:

الف : ولايت مزار شريف :

- ۱ عمليات فنی بصورت كيمياوی .
- الف : حكومت ايك ۵۷۷۵ هكتار (جله ۷۱۳۳ هكتار)
- ب : تاشقرغان ۱۳۵۸ د
- ۲ عمليات ملی بصورت زه كشی ، خاكپوشی ، چركنی .
- الف : علاقه داری چهار كنت و حكومت نهر شاهي ۱۱۶۶ و نيم هكتار
- ب : حكومت ايك ۵۸۶۳۸ د
- ج : تاشقرغان ۱۰۸۹۳ و نيم د
- د : دره صوف ۴۵۸۱ د
- هر هكتار مساوی (۳ جریب) جله عمليات ملی و فنی بحساب جریب - ۳۲۹۶۴۸ جریب .

ب : ولايت كابل (بصورت ملی) :

- ۱ عمليات چركنی بحساب متر ۴۷۰۱۸ متر
- ۲ مقدار ملخ مقتوله ۸۱ خروار
- ۳ عمليات جریبی ۴۲۰ جریب
- تعمیراتيكه در سال ۱۳۱۴ از طرف وزارت تجارت تكمیل یا آغاز گردیده :
- ۱ تكمیل كارهای باقیانده دواخانه هموی
- ۲ تعمیر الحاقی وزارت خانه ها .
- ۳ تكمیل كارهای باقیانده سفارت البان
- ۴ د د د د جاپان
- ۵ د د د د عمارت پشتون كوت پشاور
- د توسیع فابريكه ترمیم مونر كه كار آن شروع شده .

مقرری های جدید وزارت تجارت :

- ع . محمد حكیم خان وكيل التجار چمن بوكیل التجاری پشاور
- د غلام صدیق خان د پاور اجنار د چمن

سائمه « کابل »

- ص ، حاجی جا محمد خان بریاست فیصله مناظرات تجارتی قندهار
 د ، گل محمد خان د د د هرات
 د ، محمد عمر خان د د د مینه
 د ، فقیرالدینخان بمدریت کمرک قندهار
 د ، دین محمد خان د د اندخوی
 د ، زرداد خان باموریت د فراه
 د ، مسجدی خان د زراعت قندهار
 د ، عبدالمجید خان د هرات
 د ، عبدالباقی خان د فراه

امور فوائد عامه

فوائد عامه درین سال پیشرفت های خوبی نموده ، و همچنان که نظریه حکومت متبوعه ما است ، درین شعبه توجه زیادی مبذول گردیده است . مرکز های زیاد و مهمی در نقاط مختلفه و مهمه مملکت کشیده شده ، و برای توریذ و بکار انداختن کارخانه جات جدید اقدامات اساسی بعمل آمده و امور تعمیریه و سائر کار های عام المنفعه بیش از هر سال ترقی کرده است .

سرکها و پل ها نیکه جدید تعمیر شده :

الف : ولایت کابل :

- ۱ - تمدید مرکز نجراب از توخی بطرف بالای کوتل سولانک الی تهنه اول ۴ کیلومتر
 د د د تکاب از حد کوره الی شاطوری ۲۰
 ۲ - در خصه سنگ انداب متصل کوتل شبر که به عوض راه کج و بیج و صعب العبور سابق کوتل
 ۳ - (این مرکز بواسطه وزارت تجارت کشیده شده)
 ۴ - مرکز حصه علاقه داری خوشی ، که ابتداء از خط مرکز عمومی که طرف سمت جنوبی رفته سوا شده بطرف
 علاقه داری مذکور و دو بندی احمد زانی رفته الی کوتل شین کی و تهنه دو بندی اختتام یافته ۲۳ کیلومتر
 ۵ - مرکز کوتل دیوال کی ، که ابتداء از حد ده کلنکار از مرکز عمومی راه سمت جنوبی سوا شده از طریق
 میروال بابوس و کوتل دیوال کی بعد تهنه توپ وردک بر مرکز عمومی راه قندهار از طریق خوات علیخان و سبوك
 ۶ - مرکز دره خوات وردک ابتدای آن ازدشت توپ و مرکز عمومی راه قندهار از طریق خوات علیخان و سبوك
 و گردن مسجد ، ختم آن بکاریز جنتوی وردک و بند سلطان غزنی خامکاری شده ولی با اندازه ۳ کیلومتر کار
 مرنک پرانی آن مانده تحت اجراء است . ۴۳ کیلومتر
 ۷ - مرکز ید که ، ابتدای آن از حدود یدیه که دره شینز از مرکز عمومی راه قندهار سوا شده از طریق
 عبدالمحی الدین رفته بر مرکز کاریز جنتو و بند سلطان غزنی تمدید یافته عرض ۱۰ متر طول ۲۴ کیلومتر
 ۸ - پل تنگی وردک در موضع کلی خیل بصورت حصری تعمیر و تکمیل یافته .

ب : ولایت قندهار :

- سرکها نیکه جدید تمدید شده ،
 مرکز قلعه جدید ،
 ۱ - از قلعه جدید الی حد ویش مرکز تمدید شده عرض ۸ متر طول ۶۲۱ و ۸ کیلومتر .



مجمع انشان والا حضرت وزیر صاحب سر یہی ملازی مکتب کرد بر را معاینه می فرمایند . یکی از شاگردان خورده سال مکتب حضور والا حضرت لایحه خیر مقدم را اقرائت میکنند .

S. A. R. le Ministre de la Guerre, visitant l'Ecole de GARDEZ, écoute les paroles de bienvenue que prononce un jeune Ecolier (Prov. du Sud)

اجراآت دوا گمر مملکتی

- ۴۴ : تعمیر یکپایه بل بخته ۸ متره يك کمانه بین راه تیره و کردیز
- ۴۵ : » » » دو » » » »
- ۴۶ : يك معبر ۲۷ متره » » » »
- ۴۷ : » » » ۶۰ متره » » » »
- ۴۸ : یکپایه بل بخته ۲ متره ۳ کمانه در حد قلعه خواجه حسن .
- ۴۹ : » » » ۱۰ » ۶ » در خود مرکز گردیز .
- ۵۰ : عدد آبرو يك متره و ۲ متره ۳ متره از خود گردیزالی تپه باد آسباب
- ۵۱ : یکپایه بل بخته ۴ متره ۲ کمانه
- ۵۲ : يك آبرو ۲ متره در حد و د مهان .

ز: حکومت اعلای میمنه :

تمدید مرکهای جدید :

- ۱ : از حد چهار دید قورچی الی مرکز کو تل سرزا و لنک
- ۲ : از حد ریک قرم قل بطرف جلو گر به نسبتیکه مرکز سابقه خراب بود در پهلو ی آن مرکز جدید تمدید شده .
- ۳ : از داخل شهر میمنه الی بالا حصار
- ترمیم کاری مرکز ها :
- ۱ : در حکومتی پشتون کوت
- ۲ : در حصه با قیچقار علیه الرجه
- ۳ : در حصه حکومتی تکاب شیرین طرف اندخوی
- ۴ : در حصه کوت دوم آن
- ۵ : ترمیم کاری بعضی جاها ویر کاری ذریعه جفله در علاقه نرز و تکاب شیرین ۱۵۰ کیلو متر
- ۶ : در حصه علاقه دولت آباد
- ۷ : ترمیم کاری مرکز های دور شهر
- ترمیم کاری پلها :
- ۱ : پل جانقره بصورت چوب پوش
- ۲ : ترمیم کاری پل بخته در حصه قرم قل
- ۳ : دو پل به پل بصورت چوب پوش در پشتون کوت

ح : حکومت اعلای فراه و چخانسور :

- ۱ : از حکومتی چخانسور تا تها نه ده ماکی (مرحد افغانستان و ایران) بمحاذی ده دوست محمدخان مرکز موتر و کشیده شده .
- ۲ : برای شهر جدید چخانسور بقرب کنگه مرکز های عصری کشیده شده
- ۳ : مرمت کاری مرکز دلارام تا بکوا و اواز بکوا و تا مرکز حکومتی اعلای فراه و از مرکز حکومتی اعلی فراه تا چخانسور تمدید و ترمیم گردیده .
- ۴ : مرکز از حد مرکز حکومتی تا پل جدید فراه رود سنک انداخته و بخته کاری ۴ »
- ۵ : پل فراه رود که در سال گذشته تعمیر آن شروع شده بود ، در مادلو خانه یافت است .

عمرانات جدید بیکه درین سال شروع یا تکمیل شده :

الف : ولایت کابل :

- ۱ : کار باقیانده تعمیر مکتب بالا حصار نزدیک تمامی است .
- ۲ : تعمیر مکتب احضار به واقم بالا حصار جدید تاسیس شده کار تهذاب کفی و سنگ کاری آن شده .
- ۳ : تعمیر مکتب رشیدی واقم بالا حصار جدید تاسیس و کار تهذاب کفی و سنگ کاری آن شده .
- ۴ : سینما بقرب وزارت فوائد عامه >>> آن کاملاً تمام شده .
- ۵ : آشپزخانه وزارت >>> نزدیک تمامی است .
- ۶ : مرتبه های بالا حصار چک کاری و قریب تمام و قدری مانده .
- ۷ : کار مریک که از بالا حصار بطرف سیاه سنگ می رود و بسیرک جلال آباد ملحق میشود جاری است .
- ۸ : کار فابریکه نختابی جبل السراج که عنقریب کار آن تمام میشود .
- ۹ : کار شانندن تل های سمنتی بعمه حوض های مخزن آب از حدود بالا حصار الی قلعه هزاره های چند اول جاری است .
- ۱۰ : عمارت حکومتی سمت شمالی که چندی پیش شروع شده تعمیر آن درین سال تکمیل گردیده .

ب : ولایت مزار شریف :

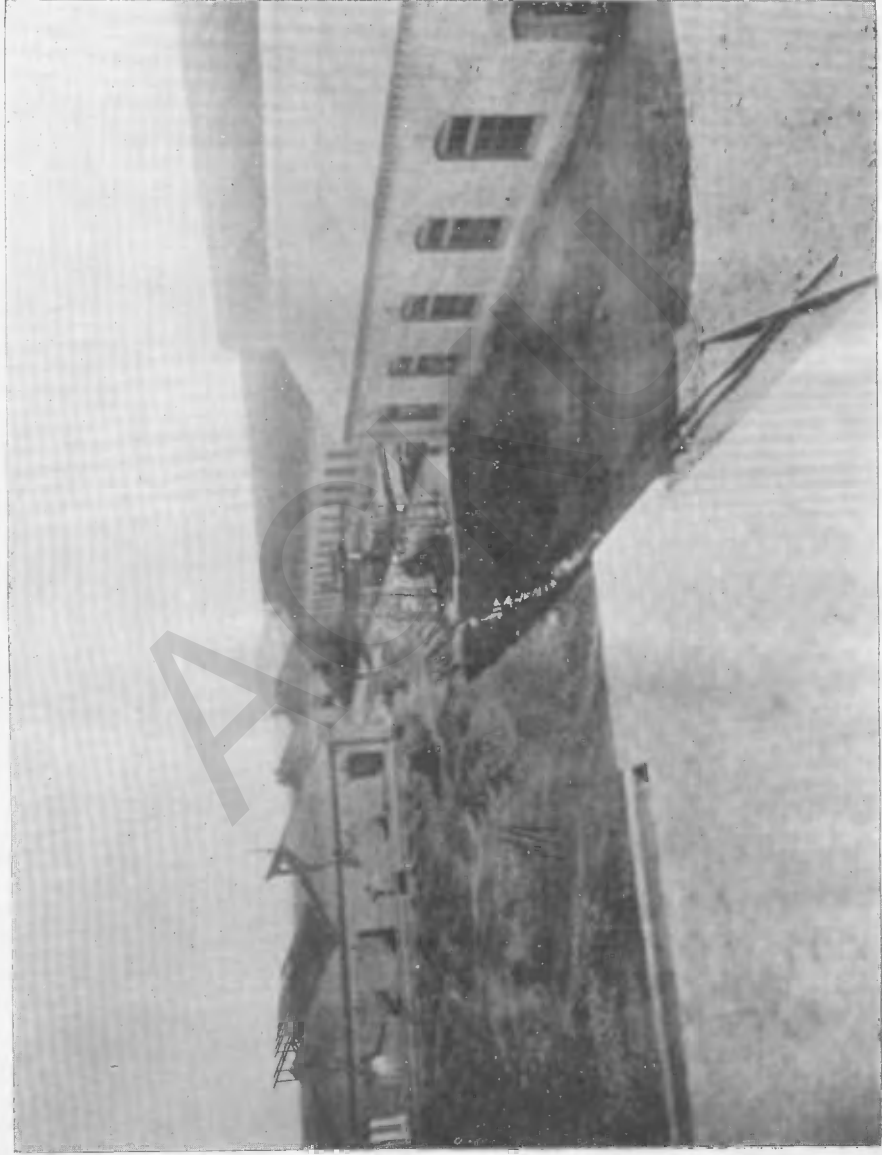
- ۱ : عمارات دو منزله حکومت که در سنه گذشته تا اندازه کرمی تهذاب آن کار شده بود در سال جاری تمام عمارات مذکور بصورت پخته کاری هر دو پوشش از کار بر آمده ، و آهن پوش سفید کاری و استر کاری آن باقیست .
- ۲ : عمارت هتل که در سنه گذشته کار و پوشش شده بود در امسال آهن پوش و استر کاری آن نیز تمام شده .
- ۳ : عمارات الحاقیه هتل از قبیل مطبخ و غیره که در سمت شمالی هتل فوق زیر نظر بوده درین سال تعمیر شد و کاملاً کار آن تمام شده .
- ۴ : عمارت پسته خانه و تیانون که در سال گذشته بصورت پخته کاری بنا یافته و پوشش گردیده استر کاری و آهن پوش آن کاملاً تمام شده .

ج : ولایت قطغن و بدخشان :

الف : احداث شهر جدید امام صاحب :

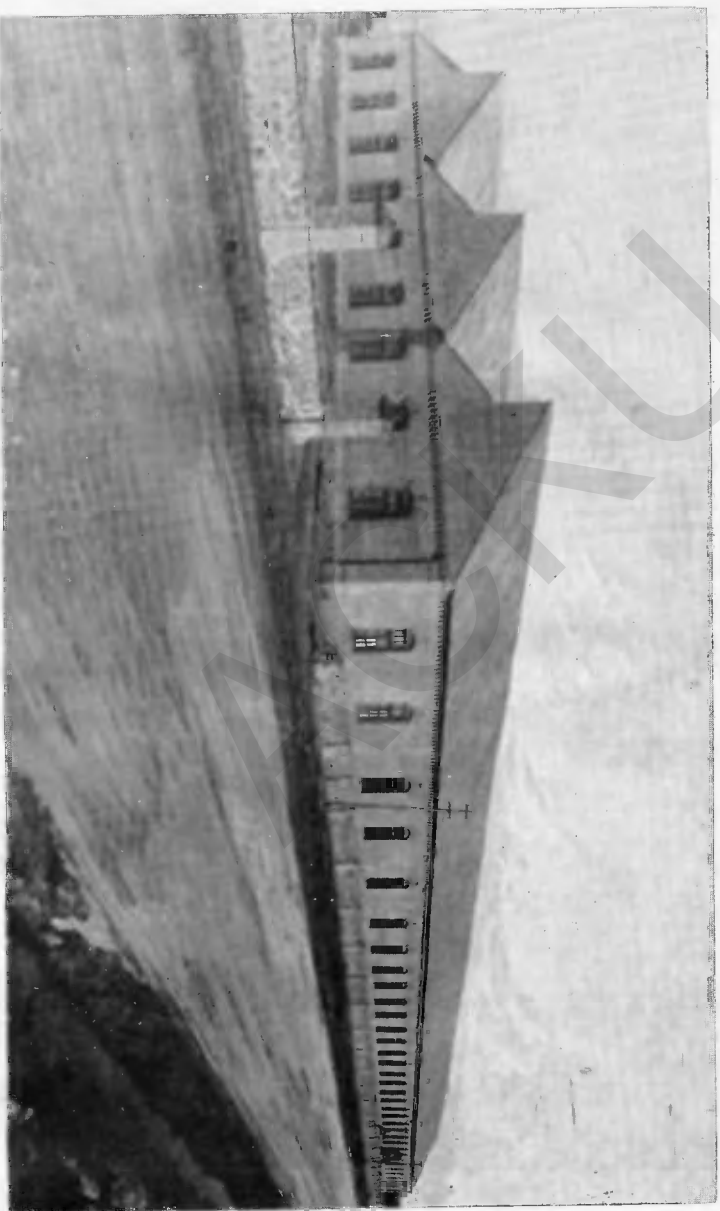
چون شهر قدیم امام صاحب در یک نقطه جبه و شوره زار و موضعی پست کابین بوده موقعیت آن برای ادامه آبادی و حفظ الصحه ساکنین آنجا مستعد دیده نمی شد ، لذا ولایت از نقطه نظر اصلاحات مناطق و ترقی عمرانات ولایت و رعایه حفظ الصحه اهالی محال موصوف به تاسیس شهر جدیدی در آن منطقه پرداخت . این شهر جدید در حصه جنوب شرق شهر قدیم امام صاحب بر یک میدان شاداب و فراخ و نسبتاً مرتفع و با قضا (که علاوه بر مزیت صحی و غیره آن یک نقطه مرکزی حاکمه نقاط امام صاحب هم شمرده می شود) احداث گردیده ، شهر نو احداث مطابق نقشه عمرانات عصری تحت نظر مهندسین ماهر به تاریخ (۲۰ ثور ۱۳۱۴) تاسیس و عمراناتیکه در ذیل توضیح گردیده به تاریخ (۱۰ سنبله ۱۳۱۴) که از آغاز کار تا انجام آن فقط چهار ماه می شود تکمیل گردیده ، عمراناتیکه در شهر موصوفه بحد اکتمال رسیده عبارت است از ۶۰۰ دکان و ۲۴ سرای تجارتنی و کاروان سرا و ۷۰ حویلی نشین .

از عمرانات و موسسات جدید و لایت قندهار



منظر عمومی کارخانه پشمینه بانی
Vue générale de la nouvelle Usine de Lainage à KANDAHAR

از عمارات و موسسات جدید ولایت قندهار

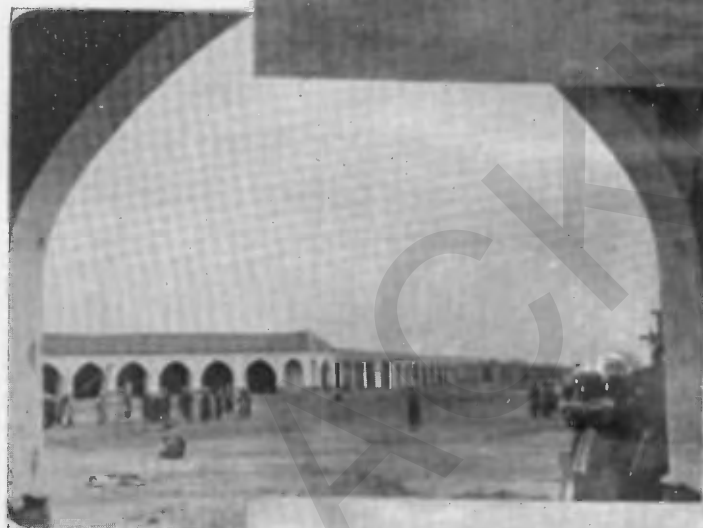


کارخانه پیشه‌بازانی : از طریق نایدین و اطلاق بافت
Une vue de la nouvelle Usine de Lainage à KANDAHAR

از عمرانات سال ۱۳۱۴ ولایت فطغن و بدخشان : شهر جدید قندوز

یکجسه از عمرانات قسمت

شمال مغرب شهر



یک حصه از جاده مرکزی

و دکانهای جدید شهر

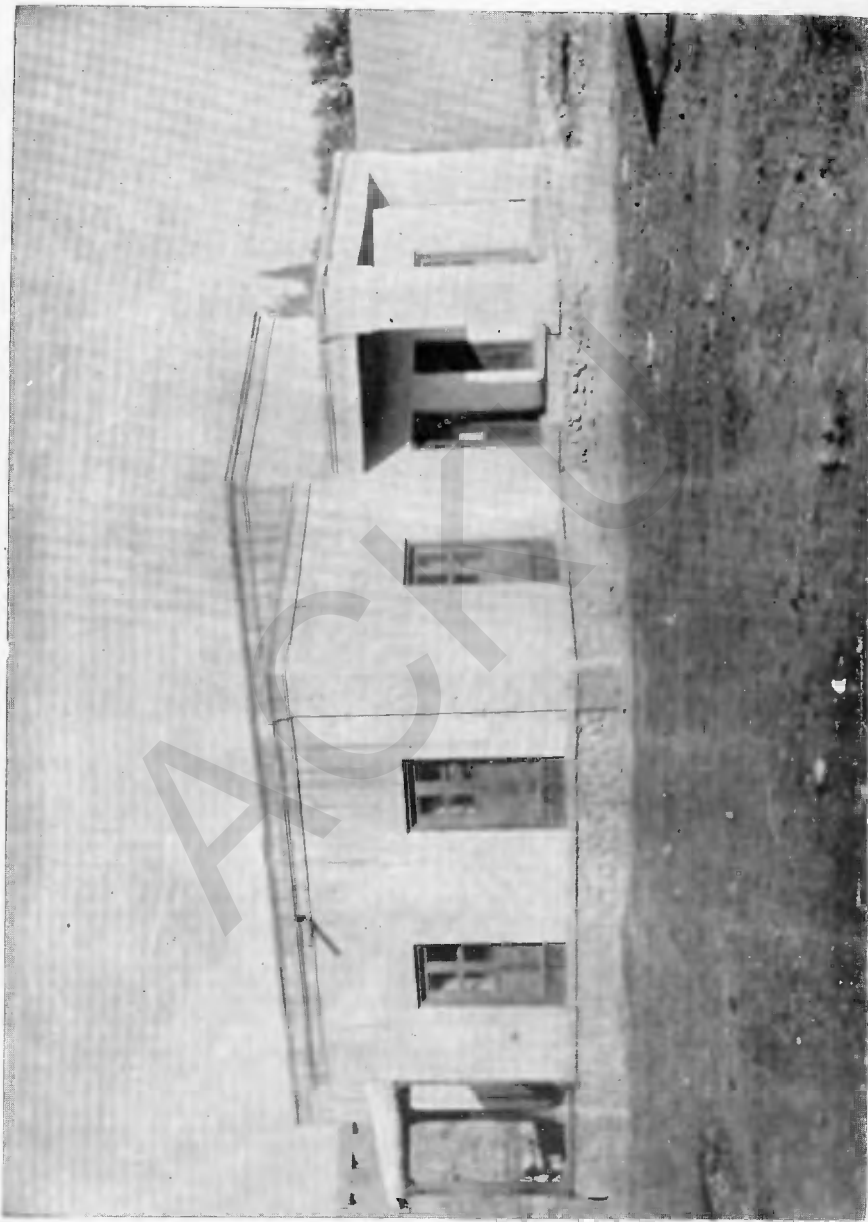
یکجسه از جاده مرکزی

و دکانهای متعلقه آن



Quelques vues des bazars de la nouvelle ville de KOUNDOZ
(Prov. de KATAGHAN-BADAKHCHAN)

از تعمیرات سال ۱۳۱۴ حکومت اعلیٰ نعت مشرفی



عمارت كرك داغلی شهر جلال آباد

Type des bureaux de douane régionales nouvellement construits dans la Province de l'Est

از تعمیرات سال ۱۳۱۴ حکومت اعلیٰ سبت مشرفی



دستگاه خانه ملکی جلال آباد
Hôpital nouvellement construit à DJELALABAD (Prov. de l'Est)

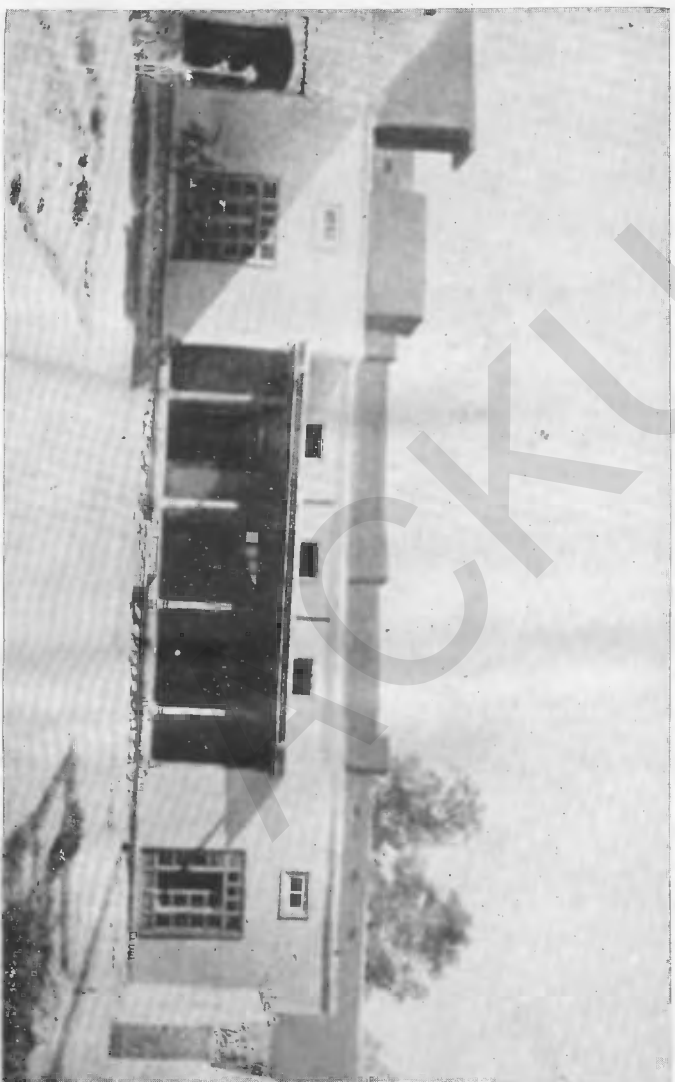
از تعمیرات سال ۱۳۱۴ حکومت اعلیٰ سمیت مشرقی



پل سرخاب سرخر و جلال آباد

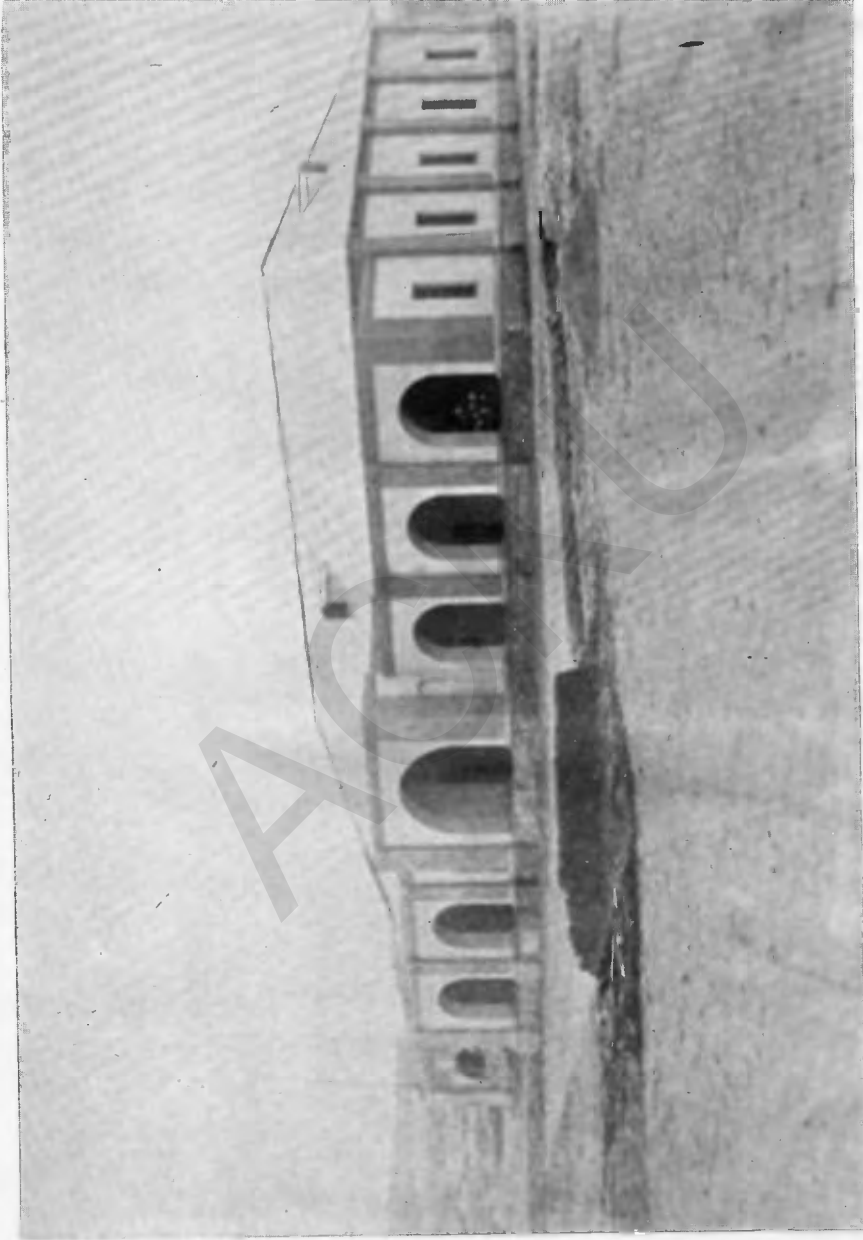
Un travail d'art dans la Province de l'Est

از تعمیرات سال ۱۳۱۴ حکومت اعلیٰ سبت مشرفی



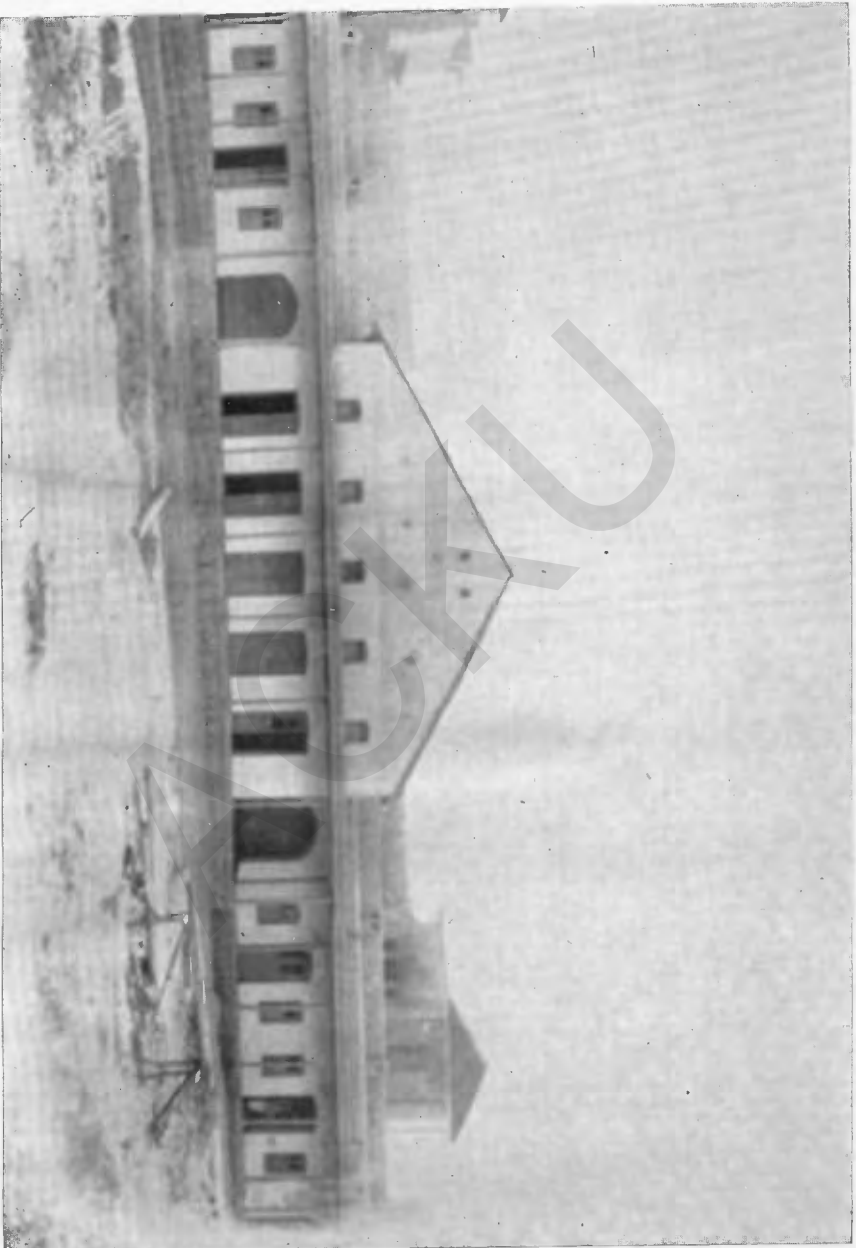
عزت حکومتی مشرفی
Type des bâtiments nouvellement construits pour les gouvernements régionaux dans
la Province de l'Est.

ار تعمیرات سال ۱۳۱۴ حکومت اعلاى سمیت مشرقى



مسجد هدیه شریف
Mosquée nouvellement construite à HADDAH (Prov. de l'Est)

از تعمیرات سال ۱۳۱۴ حکومت اعلیٰ سبقت مشرفی



عمارت ریاست بلدیه جلا آباد
Nouvelle immeuble de la Municipalité de DJELALABAD (Prov. de l'Est)

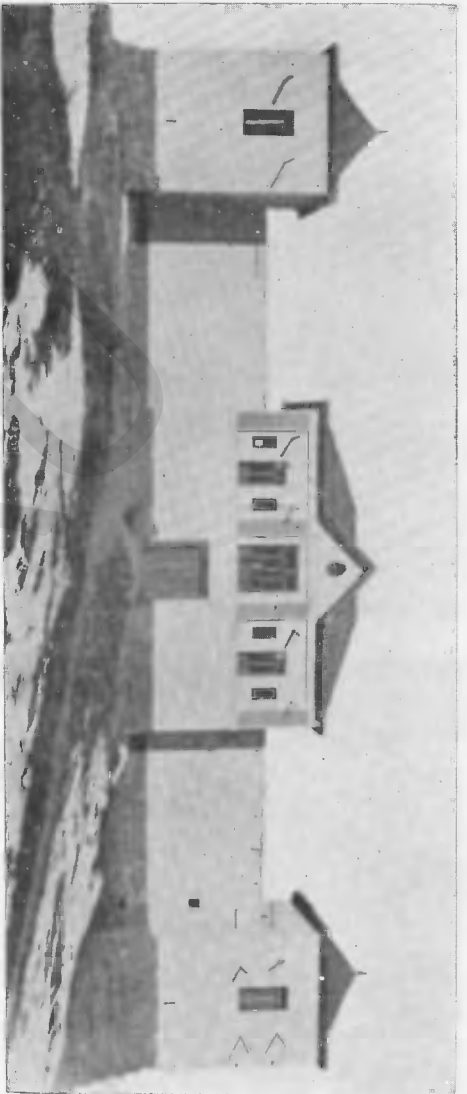
از عمرانات سال ۱۳۱۴ حکومت اعلیٰ سمت جنوبی



مزار شاه ابوالحسن خرقانی علیه الرحمہ در گردیز مامور سلطان محمود غزنوی
Le tombeau d'un saint musulman nouvellement construit à GARDEZ (Prov. dur Sud)

در پائین - یکی از پلہای جدیدیکہ در سال ۱۳۱۴ در گردیز ساخته شد .
En bas: Pont nouvellement construit à GARDEZ

از عمرانات سال ۱۳۱۴ سمت جنوبی



مبارت حكومت اهل در نوبت

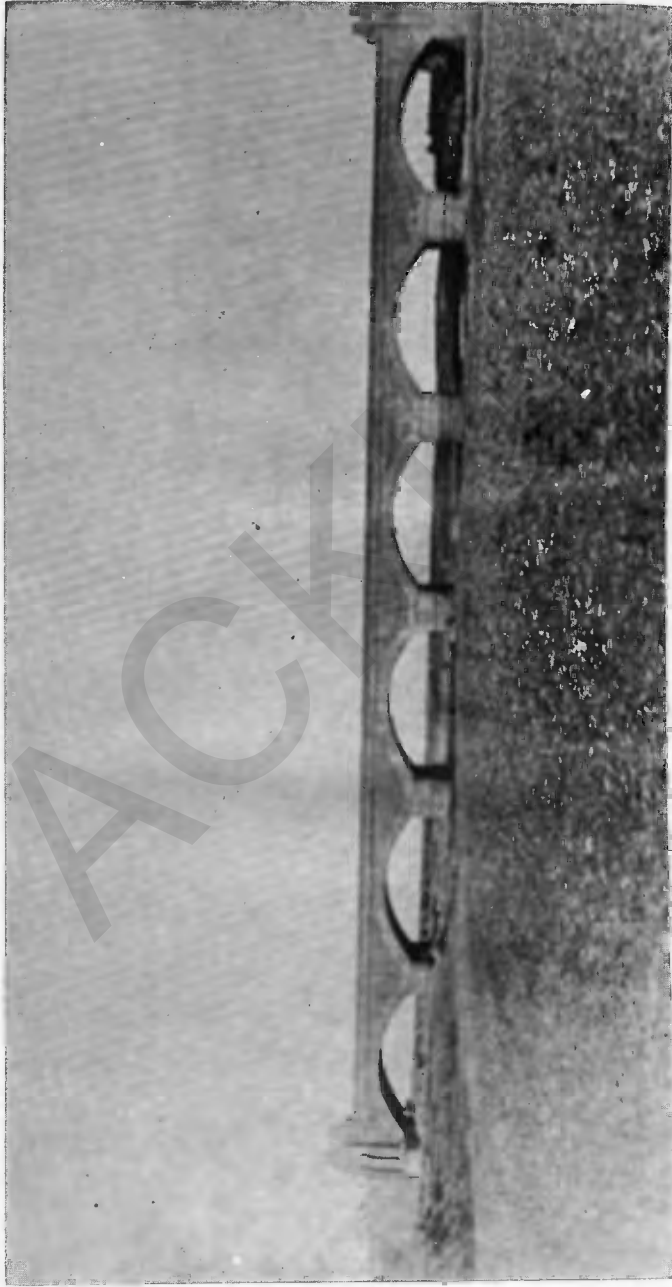
Résidence du gouverneur nouvellement construite à KHOST (Prov. du Sud)



بازار جدید که در مسکن گردید ساخته شده.

Une vue des nouveaux bazars de GARDEZ (Prov. du Sud)

از تصویب سال ۱۳۱۴ حکومت اعلیٰ فراه



پل فراه رود در بین راه قندهار و مزارات
Le nouveau pont de FARAH-ROD sur la route KANDAHAR-HERAT.

اجراآت دوائر مملکتی

برای پیشرفت عمرانات این شهر جدید دایرة بلدیہ نیز تاسیس شده است .

ب - احدات شهر قندوز :

م چنانیکه شهر قدیمه حضرت امام صاحب از حیث موقعیت خود مضر دوام آبادی و نخل حفظ الصحه اهالی بود همان طور شهر سابق قندوز که در زیر بلا حصار عتیق آن منطقه واقم است چه از حیث چقوری زمین و فساد هوا و چه به علت شوره زاری و رطوبت زمین قابل هیچ گونه اصلاحات طبعیه دیده نمی شد؛ لذا برای صیانت و محافظه صحت اهالی آن شهر و به تذکار عمرانات تاریخی آن مقام، ولایت قطغن و بدخشان به احدات شهر جدیدی در جنوب شهر قدیمه قندوز که بهترین نقطه برای مرکزیت قندوز و اعلی ترین موضعی از حیث آب و هوا و وسعت حدود اطرافش برای ادا مه و توسعه آبادی های دیگر (و م بلا حفظه آنکه شهر جدید در خط وسطی بین ولایت مزار شریف و قطغن واقم شده و یک نقطه مرکزی تجارتی م شمرده می شود) پرداخته و از تاریخ برج جوزا سنه ۱۳۱۴ به کار تمعیر آن آغاز و در طی مجاهدات و توجهات (شش ماهه) اهالی آنجا، شهر موصوف در حدود یک نقشه منظم و صحیح مهندسی مطابق نقشه عمرانات عصری زیر نظر دقت مهندسین اکمال و اختتام پذیرفت . این شهر فعلاً (۸۰۰) دکان و (۲۴) کاروان سراى و سراى تجارتی و (۸۰) حویلی نشیمن را دارا و در فوبه خود یکی از بهترین و اعلی ترین شهرهای نفیسی است که در عصر درخشان (ظاهرشاهی) اعمار یافته است .

ج - اکمال عمرانات جاده مرکزی خان آباد :

جاده مذکور در حصه شمال چلدر (مقر دارالحکومتی) واقم و از باغ عمومی خان آباد تا چهارسوق بازار شهر تمتد و در محاذی طرفین جاده مذکور تاسیس بازاری در نظر گرفته شده بود ، اخیراً بازار موصوف بصورت پخته کاری با طرز تشنگ و جالب نظر درین اوقات تکمیل گردیده است :

عمرانات متعلقه جاده موصوفه عبارت است از (۱۵۰) دکان و (۲) سراى تجارتی و (۵۲) اطاق .
در عمران این دو شهر مسامی و ، ج شیر محمدخان و کیل نایب الحکومه قطغن و بدخشان قابل تقدیر است .

ج : حکومت اعلاى سمت مشرفی :

تعمیراتیکه درین سال تعمیر و تکمیل گردیده :

۱ : تپانه جات چورگلی دو منزله	۳ تپانه
۲ : » باریکاب »	۱ »
۳ : » مارکوه »	۱ »

تعمیراتیکه تحت تعمیر است و کار آن جریان دارد :

۱ : تپانه باساول منزل تحناتی تمام و منزل فوقانی ناتمام وزیر کار است .

۲ : تپانه حصه سفلی فتح آباد و تپانه بالاتر رود ۲ تپانه زیر کار است .

۳ : کارات قصر سراج العیارت و پایه های گل و خرنده های لوله پرها و غیره .

۴ : دیوار و دروازه باغ مقبره اعلی حضرت امیر حبیب الله خان شهید .

د : حکومت اعلاى فر اء و چخانسور :

مرکز چخانسور موقعیت درستی نداشته و لازم بود شهری در آنجا آباد کرده شود، فعلاً برای شهریک زمین

مسطح در نزدیکی کنکه انتخاب گردیده . مرکزهای شهر تمدید شده و معیج دسیری شدن زمستان کارآبادی

شهر شروع خواهد شد .

امور کارخانه جات :

۱ : کارخانه تجاری دارالفنون درین سال (۱۱۶۳) دروازه و (۴۰۶) کلکین قاب و روکش

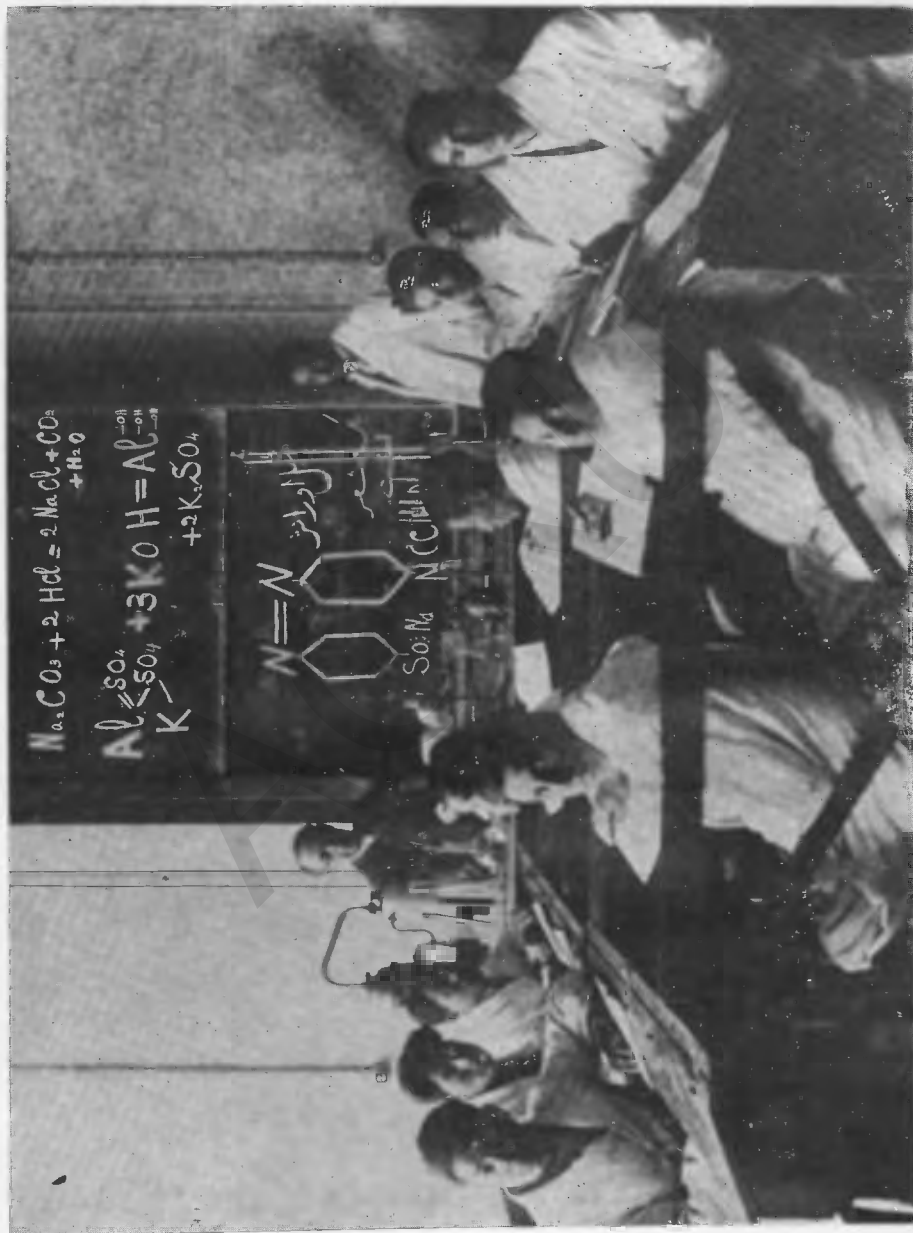
و یک فمسیچ، تبارکرده است .

۲. کارخانه نجاری مرکزی مقدار زیادی چوکی و میز و غیره اثاثیه بشکل بسیار فشنکه و نفیس برای دو انردولتی و غیره اشخاص ساخته است.
۳. کارخانه گوگرد سازی برای تهیه چوب گوگرد به اندازه ۱۰۰ جریب زمین را مقابل عمارت فابریکه تخصیص داده و تاکنون ۷۵ جریب آن را نهال چنار ریه شانده است.
۴. بعضی برزه های ماشین های کارخانه گوگرد سازی که خراب شده بود، جدید از اروپا وارد و ماشین های مزبور تکمیل گردیده است.
۵. چون بکار انداختن کارخانه جات قند سازی مد نظر است بنابراین از یک طرف برای زراعت البلبو و نیشکر اقدامات بعمل آمده و از طرف دیگر دو نفر متخصصین زراعت برای ملاحظه کارخانه جات قند سازی حدید با یران اعزام شده، پس از اطلاعات لازمه اخیراً مراجعت نموده اند.

امور صحیه

- امور صحیه در سال ۱۳۱۴ نسبت بسال های گذشته به ترقیات و پیشرفت های خوبی نائل گردیده و بیک سلسله اصلاحاتی که نم آن در حفظ الصحه عامه حتمی است از طرف وزارت صحیه بعمل آمده است. چون تشکیلات صحیه مملکت روز بروز در اثر توجه حکومت مقبوه کسب و سمت می عود، لهذا درین سال ریاست مستقل صحیه بوزارت تبدیل و تشکیلات آن بقدر لزوم توسیم داده شد. و ع. ج. غلام یحیی خان رئیس مستقل به رتبه رفیع، وزارت صحیه عزت تقرر حاصل نمودند. ذیلاً خلاصه اجراءات و اقدامات مهمه وزارت موصوفه از نظر قارئین گرام گذشتانده می شود:
۱. طوریکه حکومت مقبوه اراده دارد که بایست برای تداوی هر مرض متخصص در مرکز موجود باشد، ازین رو قبلاً در اوقات مختلفه یک عده متخصصین را استخدام و مابقی آن که عبارت از متخصصین امراض قلبیه و هصبیه، گوش و کتو و بینی و باکتریولوژی و دندان باشد درین اواخر در استخدام حکومت در آمده و فعلاً در مرکز موجود میباشند و هر مرض بسهولت تمام به دکتوران متخصص مزبور رسیده می تواند.
 ۲. در این اواخر موسسه باکتریولوژی تاسیس و سیرم های امراض مسری از قبیل وبا، داء الکلب و محرقة خصوص آب چچک و غیره در موسسه مزبوره که تحت نظارت جناب زهدی بیگک اجرای فعالیت می کند تهیه شده می تواند. (ناگفته نمی گذارد که درباره پیش انداختن این موسسه وزارت صحیه و موارف بصورت مشترک صرف مساعی مینمایند.)
 ۳. از طرف حکومت مقبوه منظور گردیده که در حکومتی های کلان نیز شفاخانه عصری تاسیس گردد چنانچه در حکومتی کلان لوکر و غزنئی در این اواخر شفاخانه های مزبوره افتتاح و باجدیت تمام اجرای فعالیت مینمایند و برای سال آتی اگر خدا بخواهد در حکومت مختلفه دیگر نیز شفاخانه های عصری تاسیس خواهد شد.
 ۴. در حالیکه شفاخانه ملکی از موزم فعلی خود بشفاخانه علی آباد نقل کند تمرکز واحداث معاینه خانه بزرگی در مرکز شهر تحت نظر گرفته شده.
 ۵. برای اینکه همیشه در مرکز اطراف ادویه تازه بصورت منظم دردسترس عامه گذارد شده و دواخانه های خصوصی همیشه دارای ادویه باشند. دواخانه عمومی تماماً بصورت عصری در مرکز تاسیس و تعمیر شده است، و همیشه ادویه تازه در آنجا ذخیره میشود و در دواخانه عمومی علاوه از اینکه ادویه مساحتاج تمام شفاخانه ها ذخیره میشود یکحصه آن برای ادویه فروشی تخصیص یافته که به انتهای صفائی ادویه در آنجا بفروش میرسد. از طرف دیگر شعب مختلفه را نیز حائز است. و اکنون یک شاخ آن بنام شعبه ادویه فروشی در جاده اندرابی داخل فعالیت بوده، و هر نوع ادویه تازه را بصورت عصری بفروش میرساند.

از موسسات سال ۱۳۱۲ وزارت صحت



طلاب صنف کیمیا کری که در یکی از اطاق های دواخانه مشغول دریس می باشند
Les étudiants de l'École de Pharmacie pendant un cours de chimie (Kaboul)

از موسسات عالی ۱۳۱۴ وزارت معنیه



شعبه فروش دارو و تجهیزات دارویی : سوویتیکه ادویه فروش میزبانه
Un coin de la nouvelle pharmacie à Kaboul

ازموسسات سال ۱۴۱۴ وزارت صحیه



شاگردان دواسازی در اطلاق تجزیه و اقم دواخانه عمومی
Les étudiants de l'Ecole de Pharmacie pendant un cours de chimie

از مוסسات سال ۱۳۱۴ وزارت صحتیه



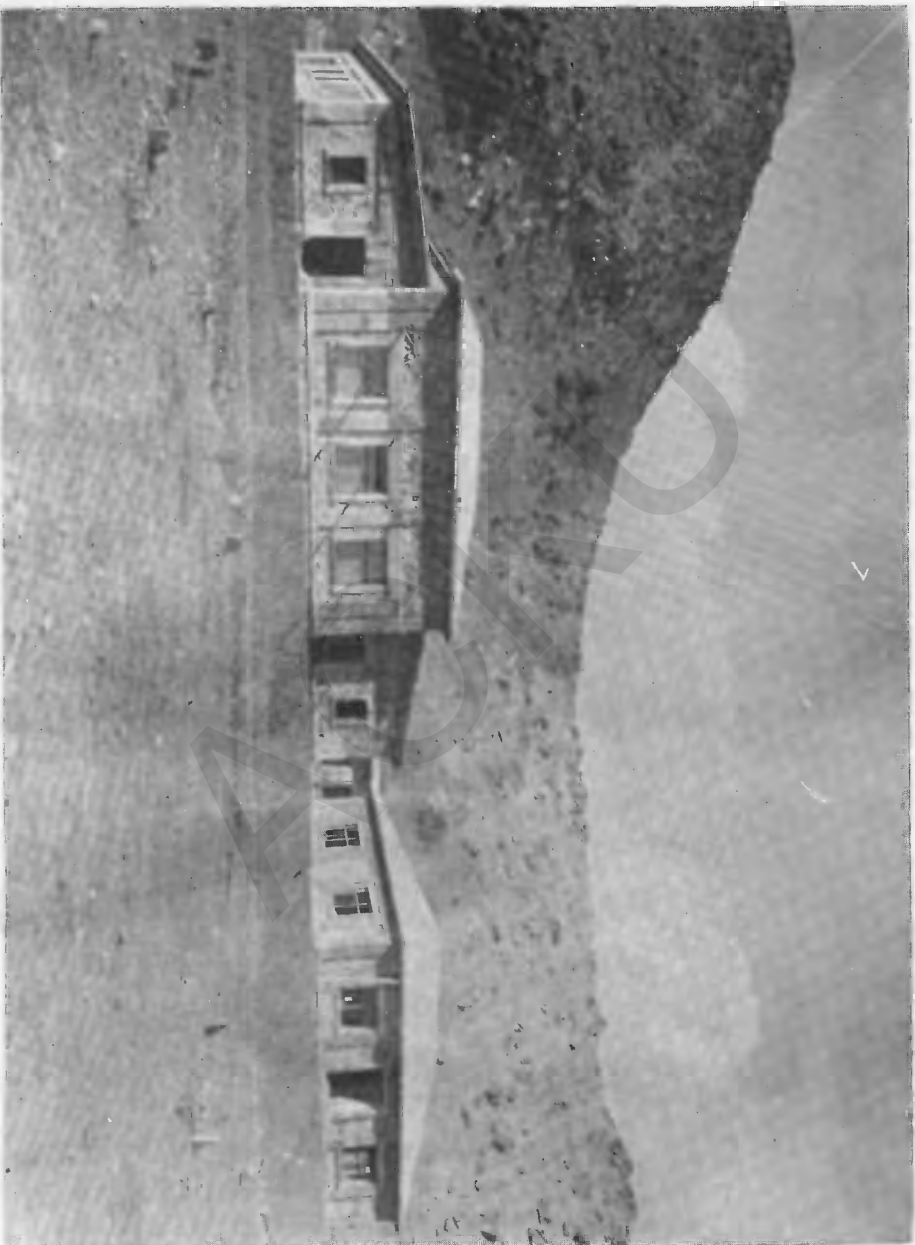
منظره داخل مؤسسه دندان سازی و انتر جاده شاهي
Le cabinet d'un dentiste moderne à Kaboul

از عمرات سال ۱۳۱۴ وزارت صحت



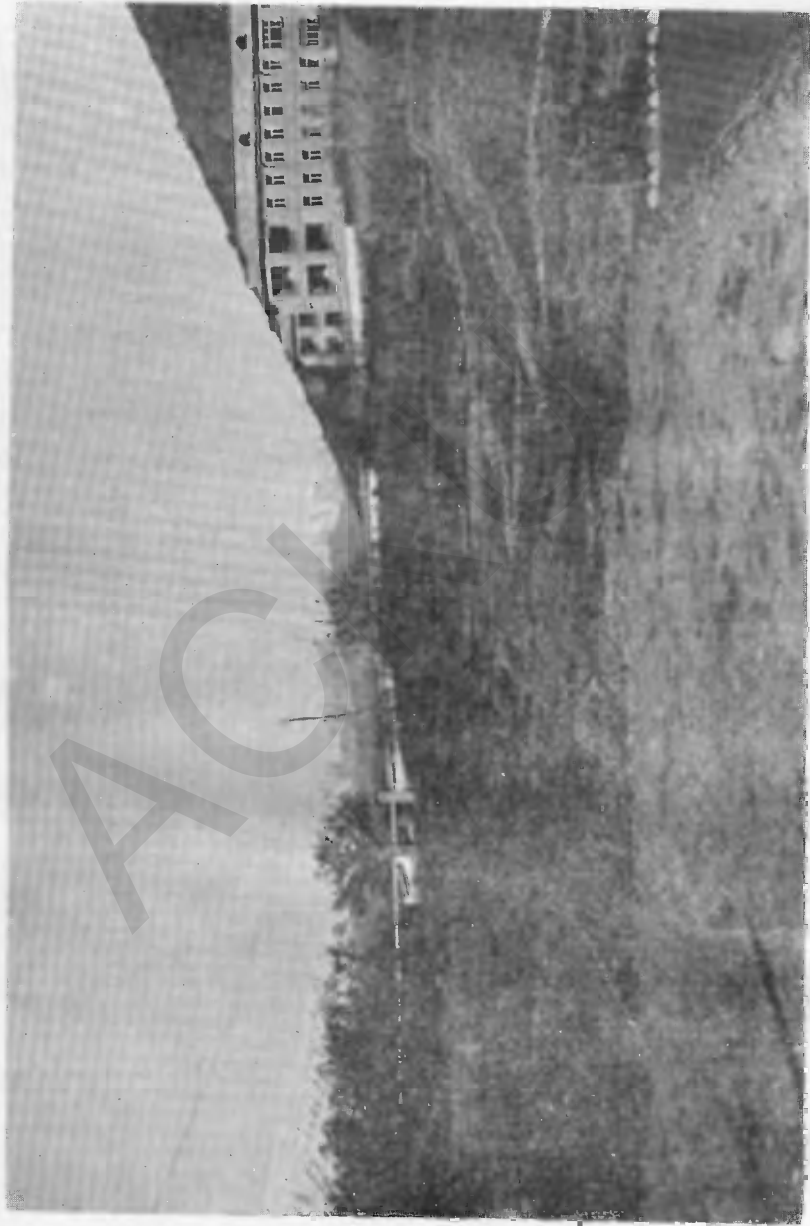
مطابق با یکی از کارکنان آباد که کار آن نزدیک به نیمی است
Hôpital civil nouvellement construit à Kaboul

از عمر اانات سال ۱۳۱۴ وزارت صحتیه



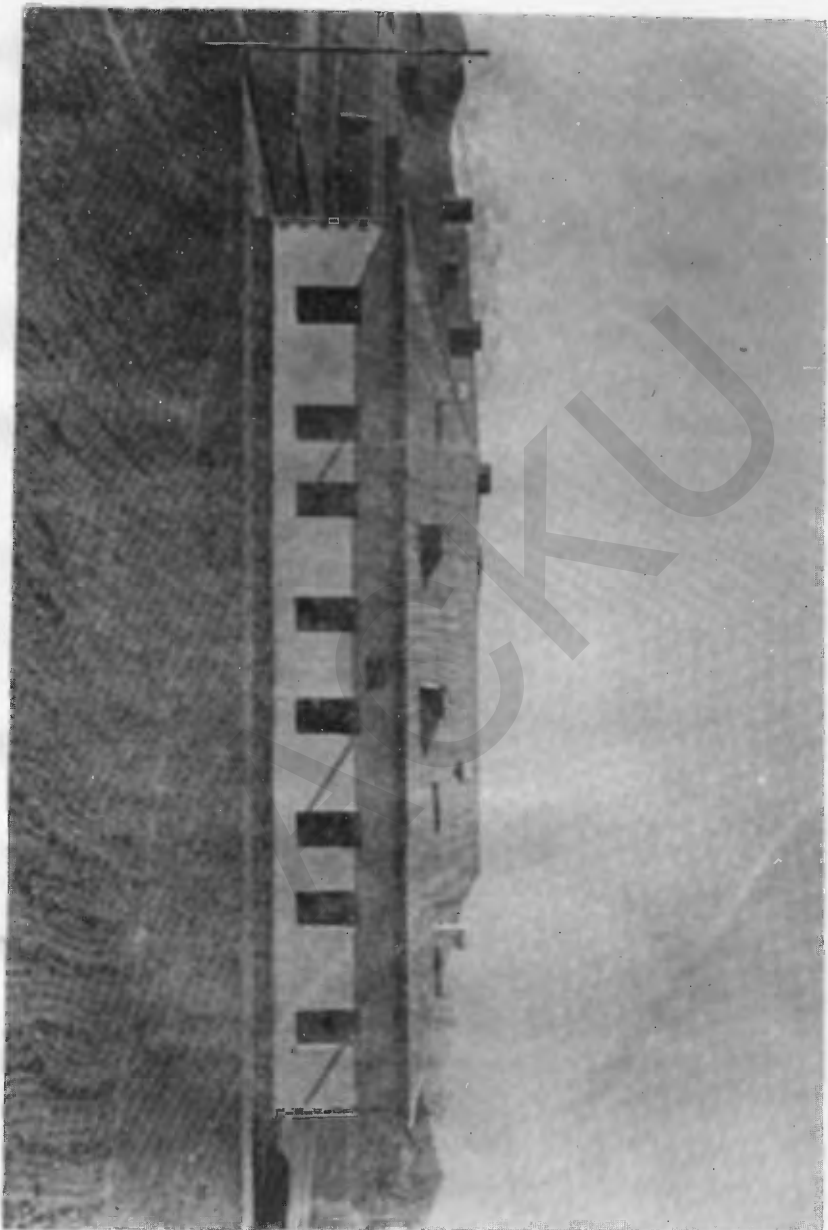
مناخه اسراض طبلو عصبيه و اقمه علی آباد (کابل) که کار تعمیر آن مخترب خانبه خورا هد یافت
Hôpital pour les maladies nerveuses et cérébrales en construction à Kaboul

از عمرانات سال ۱۳۱۴ وزارت صحیه



درد نای بالغ نباتات و شفاخانه علی آباد
Nouveau jardin des plantes à Kaboul (Au loin, on aperçoit l'Hôpital Civil)

از تعمیرات و مؤسسات سال ۱۳۱۴ وزارت صحفه



مناخه خانه شبر آ و
Salle de consultation médicale nouvellement construite à Kaboul

اجراآت دوائر مملکتی

- ۶ : مرکزیت ادخالات ادویة مخدرة حسب ارادة حکومت در دست وزارت صبحیه موفقیّت زیادی حاصل و بر حسب مقررات اساسی تحت تدویر آمده است .
- ۷ : در سال ۱۳۱۴ تفتیشات عمده از طرف وزارت در امور عمومی صبحیه و طی بعمل آمده ، و کار دواخانه های خصوصی و معاینه خانه ها با اساس مقررات و قبود اصولنامه دواخانه ها و تعلیم نامه نظافت جریان یافته است .
- ۸ : در مرکز کابل و چندین ولایات ، و حکومتی های کلان تاسیس دواخانه های شرکتی و خصوصی بعمل آمده و توجه باینطرف روز افزون است .
- ۹ : در موضع علی آباد شفاخانه بصورت عصری برای امراض عقلیه و صبحیه تعمیر و در شروع سال ۱۳۱۵ افتتاح خواهد شد .
- ۱۰ : در مقابل شفاخانه علی آباد و رفقی سناتوریم تعمیر و تسطیح باغ نباتات شروع ، و در ابتدای سال ۱۳۱۵ غرس نهال صورت خواهد گرفت (ناکفته نماند که باغ نباتات اصلاً مربوط وزارت جلیله معارف است ولی امور تقسیم و عمرانات آن بوسیله وزارت صبحیه اجرا شده است) .
- ۱۳ : در بیمه صبحی مامورین با تشریک مساعدی بانک ملی و مخصوصاً شخص ع ، س رئیس شرکت مزبور اقدامات شده و اساس آن نصریب و بر طبق هدایات و ارشادات مقامات صلاحیت دار اصول و مقررات تحت تدوین گرفته شده که در سال ۱۳۱۵ انشاء الله شائم و عملی خواهد شد .
- ۱۴ : راجع بشهادت نامه های طبی اشخاص صبحیه در مرکز و ولایات اجرای طبابت می کردند تفتیشات لازمه بعمل آمده و شدیداً تحت نگرانی قرار داده شده است .
- ۱۵ : بر علاوه کورس معین عملی و نظری صنوف قابله گمی که بصورت اضولی جریان دارد در ۱۳۱۴ یک کورس عملی برای دایه های وطنی هم تاسیس و نتایج خوبی از آن گرفته شده . چنانچه دایه های مزبوره کامیابانه امتحان داده و شهادتنامه های خود را از وزارت صبحیه اخذ نمودند .
- ۱۶ : چون در دکان های عطاری علاوه از ادویة یونانی بعضی ادویة جدید نیز بفروش میرسد ازین رو بعد از اینکه درینباره تفتیش لازمه بعمل آمده مقررات مخصوصی برای عطاری ها وضع شده تا منبعد ادویة غیر یونانی را از سبب عدم بلدیّت به خواص و مقار و ترکیب آن در دکان های خویش بفروش نرسانند مگر در صورت داشتن اجازه نامه مخصوص وزارت صبحیه .
- ۱۷ : قبلاً شفاخانه های ولایات و حکومتی ها دارای یک ماموریت بوده و ماموریت مزبوره توسط همان داکتر معینه آن جا اداره میشد ولی در این اواخر به امر و ارادة حکومت متبوعه ما ، ماموریت های مزبور بدمیریت های صبحیه تبدیل و محصلینیکه از مدرسه طی فارغ التحصیل شده و اخذ شهادت نامه نموده بصفه کفیل مدیر و معاون داکتر بولایات و حکومتی های اعلی اعزام شدند - چنانچه اکنون حسب خاطر خواه بامورات محوله خودها رسیده گمی کرده و در شعبه داکتری و جراحی مقام خوبی دارند .
- ۱۸ : اداره محاسبه وزارت در گذشته ماموریت بوده و در سال ۱۳۱۴ بدمیریت تبدیل شده .
- ۱۹ : اداره مشاوره فنی را در گذشته یک نفر کاتب اداره میکرد در سال ۱۳۱۴ نظر بزیادت و اهمیت کار یک مدیریت تشکیل شده .
- ۲۰ : دواخانه عمومی ، و تحویلخانه مرکزی در گذشته دارای تشکیل محدودی بوده ، و در سنه جاری نیز و ما یک مدیریت تشکیل و منظور گردید .

احصائیه ده ماهه (از اول حمل الی اخیر جدی ۱۳۱۲) مریضانیکه در شفاخانه های مرکز و ولایات معالجه و تدای شده اند.

ملاحظات	تفصیلات	شفاخانه های مرکزی		شفاخانه های ولایات	
مریضان مختلفه که داخل بسترتدای و عملیات شده اند	۸۳۹	۱۴۲۱	۶۶۷۶	۱۴۶۷۶	۱۴۲۱
عملیات و جراحات جفیه که یومیه در شفاخانه ها (در خارج بسترتدای) اجرا و نیتزار داری شده است.	۱۰۸۳	۱۳	۴۱۸۶	۴۱۸۶	۱۷۰
مریضانیکه یومیه به شفاخانه های معالجه کرده و در خارج بسترتدای گرفته شده اند.	۴۲	۱۳	۴۱۸۶	۴۱۸۶	۱۷۰
اطمینانیکه حال چپچک زده شده اند.	۴۲	۱۳	۴۱۸۶	۴۱۸۶	۱۷۰
مریضانیکه در بسترتدای معالجه شده اند.	۴۲	۱۳	۴۱۸۶	۴۱۸۶	۱۷۰
ملاحظات	۴۲	۱۳	۴۱۸۶	۴۱۸۶	۱۷۰
شفاخانه ملکی	۸۳۹	۱۴۲۱	۶۶۷۶	۱۴۶۷۶	۱۴۲۱
د مستورات	۳۵۳	۱۳	۴۱۸۶	۴۱۸۶	۱۷۰
د رفقی سناتوریم	۱۷۰	۱۳	۴۱۸۶	۴۱۸۶	۱۷۰
د مجانبین	۵۴	۱۳	۴۱۸۶	۴۱۸۶	۱۷۰
معاینه خانه شهر آرا	۴۱۲۸	۱۳	۴۱۸۶	۴۱۸۶	۱۷۰
د قلمه هناره	۶۲۹۶	۱۳	۴۱۸۶	۴۱۸۶	۱۷۰
های چنداول	۳۰۴۶	۱۳	۴۱۸۶	۴۱۸۶	۱۷۰
د یفی حصار	۳۷۴	۱۳	۴۱۸۶	۴۱۸۶	۱۷۰
مؤسسه اکسریز	۳۷۴	۱۳	۴۱۸۶	۴۱۸۶	۱۷۰
جمع	۱۰۹	۱۳	۴۱۸۶	۴۱۸۶	۱۷۰
احصائیه شفاخانه های ولایات از اول حمل الی اخیر قوس داخل شده است.	۱۰۹	۱۳	۴۱۸۶	۴۱۸۶	۱۷۰
قندهار	۱۷۰	۱۳	۴۱۸۶	۴۱۸۶	۱۷۰
هرات	۱۴۵	۹	۳۱۸۲	۳۱۸۲	۱۴۵
مزار شریف	۱۰۶	۶	۴۱۴۷	۴۱۴۷	۱۰۶
فصحن بدخشان	۷۰	۶	۵۲۷	۵۲۷	۷۰
مشرفی	۳۶	۳	۱۴۵۲	۱۴۵۲	۳۶
جنوبی	۱۰۶		۲۳۴۵	۲۳۴۵	۱۰۶
مینه	۴		۱۳۶۰۱	۱۳۶۰۱	۴
فراه	۶۶	۱	۱۱۴۶	۱۱۴۶	۶۶
شمالی	۶۶	۲	۴۶۸۲	۴۶۸۲	۶۶
غزنی	۱۰	۱	۵۵۳	۵۵۳	۱۰
لوگر	۱		۲۹۰	۲۹۰	۱
جمع	۸۳۰	۲۱	۲۴۸۹۰	۲۴۸۹۰	۸۳۰
جمع کل	۲۲۵۱	۹۴	۳۹۵۶۶	۳۹۵۶۶	۲۲۵۱

اجراآت دوائر مملکتی

مقرریهای جدید وزارت صحیہ :

۱. ص ، محمد محسن خان بمدریت محاسبہ وزارت صحیہ (جدید مدیریت تشکیل شده) .
۲. د ، جلال الدینخان د مشاورہ فنی د
۳. د ، میر عبدالغنی خان داکتر یکفالت مدیر دواخانہ عمومی .
۴. د ، محمد یوسف خان د صحیہ ولایت قندهار .
۵. د ، محمد علی خان د د د د ہرات .
۶. د ، محمد موسی خان د د د مزار شریف .
۷. د ، محمد رسول خان د د د قطن و بدخشان .
۸. د ، محمد اسماعیل خان د د د حکومت اعلیٰ مشرقی .
۹. د ، نصر اللہ خان د د د جنوبی .
۱۰. د ، محمد عمر خان د د د مینہ .
۱۱. د ، سلطان محمد خان د د د فراہ .
۱۲. د ، عبداللطیف خان د د د کلان شمالی .
۱۳. د ، عبدالنبی خان د د د غزنی .
۱۴. د ، سید حفیظ اللہ خان د د د لوگر .

امور پست و تلگراف و تیلفون

امور خباہرات کہ اہمیت آن را ہرکس می داند ، درین سال ترقی و توسعه خوبی یافته است ، چنانچہ ہمین ملاحظہ حکومت متبوعہ ما توسعه آئندہ آن را در نظر گرفته در شروع سال تشکیلہ ریاست مستقل پست ، تلگراف و تیلفون و وزارت تبدیل و امور حمل و نقل و ہوتل ہا را نیز بہ آن ضم کرد ، و جلالہاب رحیم اللہ خان رئیس مستقل وا بہ رتبہ رفیعہ وزارت موصوف مقرر فرمود . خلاصہ اقدامات و اجراآت وزارت پست و تلگراف و تیلفون در سال ۱۳۱۴ بقراردیل است :

الف ، شعبہ مشاورہ فنی :

۱. برای آنکہ امور پستی ، تلگرافی و تیلفونی مملکت با اصول صحیح و مطابق مقررات معاہدہ بین المللی پستی و تلگرافی باشد ، وزارت پست و تلگراف یک اصولنامہ مکمل را ترتیب و بہ مجلس عالی شورای ملی جهت تصویب تقدیم کردہ است .

۲. برای آنکہ ما مورین امور خباہرات مطابق اصول موضوعہ بدرستی کارروائی کردہ بتوانند ، یک عدہ طلبہ معارف و ما مورین وزارت بزریر تعلیم گرفته شدہ اند ، علاوہ بر این یک کتاب رہنمای خباہراتی تحت تدوین گرفته شدہ کہ برای ما مورین شعب خباہراتی خیلی کمک خواهد کرد .

۳. برای آنکہ امور اصلاحی و انشکیلا و اجراآت امور خباہراتی بشکل عصری صورت گرفته باشد ، وزارت پست یکسفر مشاورستی و یکسفر متخصص تیلفون را از ارویا استخدام نمودہ است .

۴. برای اینکہ امور اجرائیہ پستی بصورت فنی مانتظام شدہ باشد ابتداءً برای پستہ خانہ های بزرگ سامان و لوازم ضروریہ جدید تہیہ شدہ مثل مواہیر چکشی ، صنایق مواہیر ، ترازوهای مکتوبی ، صنایق بانک ، اوزان ، آلہ های نصب تنکت ، مواہیر سرغج ، چاقوهای باز کردن خریطہ های پستی وغیرہ کہ فعلاً در پستہ خانہ های بزرگ زیر استعمال آمدہ . سال آئندہ بمجر دیکہ سامان جدید بمقدار کافی تہیہ گردد ، برای باقی پستہ خانہ ها نیز دادہ میشود .

۵ : برای اینکه امکان بیشتر برای ارسال و مرسل اشیاء و اموال تا يك اندازه چه بداخل ، چه بخارج مملکت تهیه شده باشد و به این ذریعه در تجارت اموال صادر را نتي يك نخر يك جدید به عمل آید ، وزارت پست فیصله نموده که تبادلۀ بسته های کوچک (پارسل کوچک) را تا وزن يك كيلوگرام جريان بدهد ، چنانچه مقدمات آن تهیه شده است .

۶ : تهیه مقدماتی جریان تبادلۀ بسته های پستی (پارسل های بزرگ) نیز روی کار است ، برای آن يك تعلیم اساسی اشخاص و تهیه پیشگی مخصوص برای ادای محمولات و صورت محاسبات آن با ادارات مرجع و ادای قروض دوائر عبور مر بوطه لازم می گردد ، که وزارت در تهیه آن مصروف است .

۷ : در سال ۱۳۱۴ برای توسیع و اصلاح روابط اخباراتی همراه ممالک خارجه نیز کارهای مهمی شده چنانچه برای سرعت تبادلۀ بسته و تلگراف همراه مملکت همسایه ما ایران که با ما مناسبات و ارتباط بسیار قریب دارد طرح موقفه های پستی و تلگرافی بین طرفین تبادلۀ مسائل مقدماتی آن نیز تا يك حدی فیصله گردیده که موافقه های آن در شرف انعقاد است و بواسطۀ این موافقه ها هفته ۳ مراتبه تبادلۀ مستقیم پسته مکتوبی بین افغانستان و ایران از طریق هرات در نظر گرفته شده است . همچنین به تبادلۀ تلگرافات بواسطۀ اتصال مستقیم سیم تلگراف افغانی و ایرانی سرعت خوبی تولید میشود .

یادداشت : بمناسب لزوم ارتباط تلگرافی طرفین با اساس مکاتیب متبادله بین وزارت پست طرفین با آنکه موافقه تلگرافی هنوز امضا نشده است ، ارتباط تلگرافی بین افغانستان و ایران را دائر کرده اند .

۸ : حمل و نقل پسته مکتوبی بین پشاور و کابل که در همین راه پسته مکتوبی بین المللی م حمل و نقل میشود ، حاضرآ ۶۰۰ روز وقت میکبرد ، از برای پسته خانه های مرحدی هند ، برطانوی و افغانی یعنی لندي کوتل و طورخم واسطه مبادله بوده و بنا بر آن توقف زیادی واقع میشود از آن رو وزارت پست چندی قبل بمدر عمومی پست و تلگراف هند برطانوی پیشنهاد کرده است که آئینده پسته مکتوبی مر بسته بین هر دو اداره و همچنان سمت ممالک بمیده بدون توقف به لندي کوتل و طورخم تبادلۀ گردد . بصورت مواجبه طرفین ، دوام حمل و نقل بین کابل و پشاور به سرعت اصلی یعنی صرف به دو روز خواهد رسید .

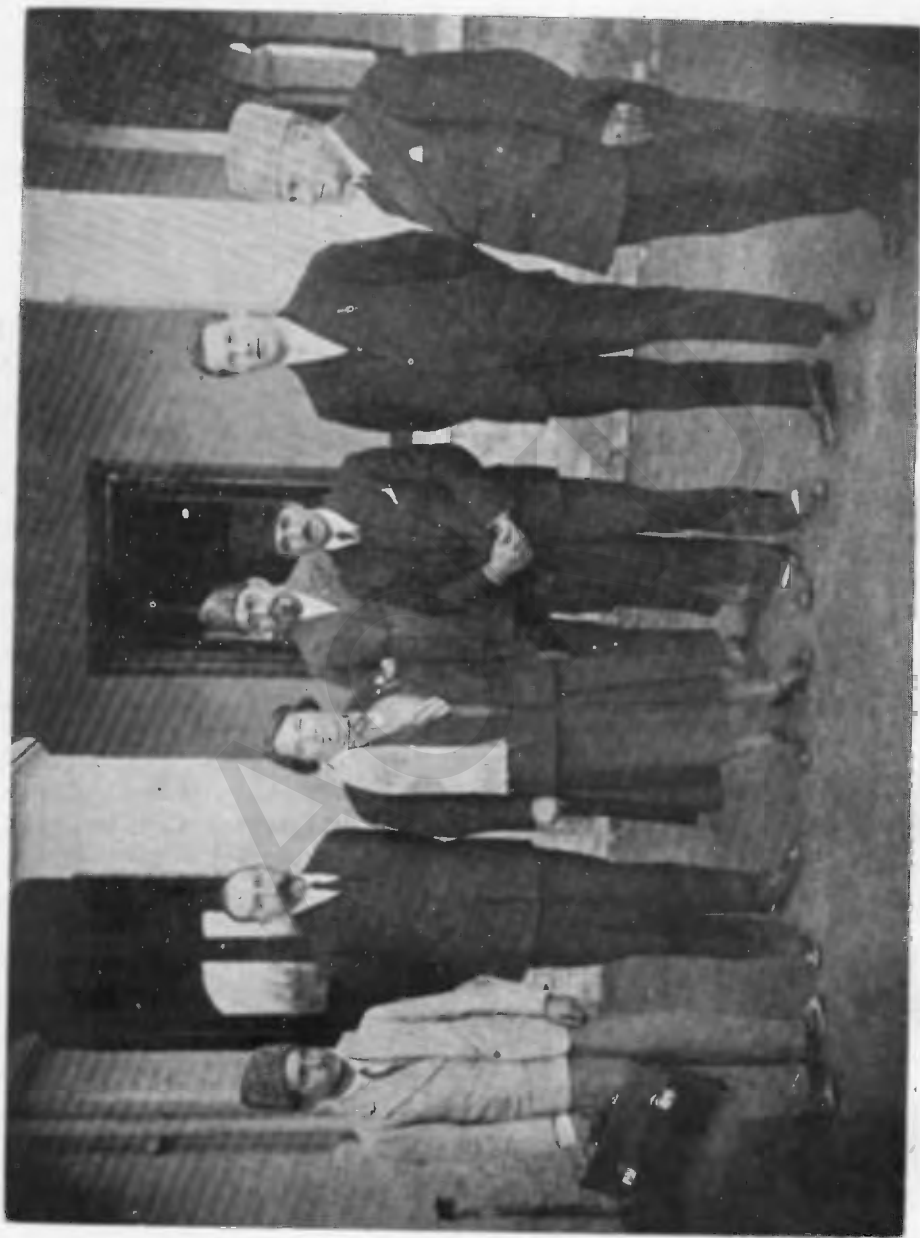
۹ : وزارت پست و تلگراف داخل اقدامات است تا مراسلات هوایی را توسط خطوط هوایی اروپایی مثل شرکت فضائی هالندی ، و شرکت « امیریل ایروی لیمتد » انگلیسی صادر و وارد کند .

۱۰ : عمارت جدیدی که برای مدیریت اخبارات کابل در سال گذشته تعمیر و در بهار سال ۱۳۱۴ افتتاح شد به اصول فنی و عصری و دارای تمام لوازم ضروری ، و جای طبعده برای هر شعبه است .

۱۱ : برای جشن استقلال وزارت پست يك تکت مخصوص بنجاه بولی که رنگ آبی و تصویر مینار استقلال را دارا بود بجریان آورده که نه تنها در مراسلات نصب گردد بلکه اشخاص جم کثنده نیز از آن برای کلکسیون های خود استفاده نماید .

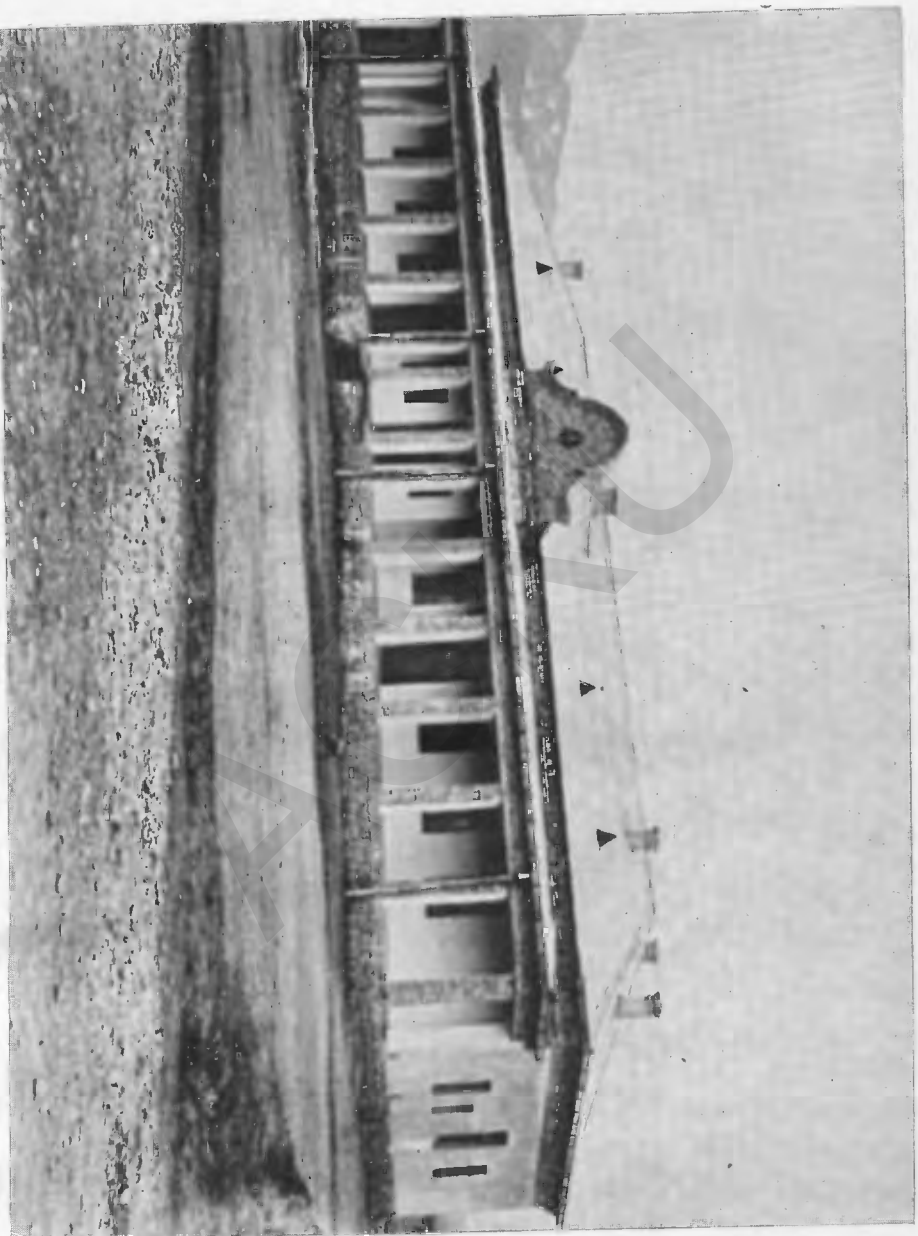
ب : شعبه پست :

- ۱ : خریداری بایسکل برای اینکه مراسلات اهالی به سریعترین اوقات بمراجم آن تحویل داده شود .
- ۲ : تخصیص موثر پستی برای پسته های قندهار ، هرات و فراه ، و روانه کردن موثر های لازمه آن به هرات و قندهار .
- ۳ : سابق ازین اجراءات حمل و نقل پستی تحت اثر یک نفر ، امور ادار می شد ، در سال حاضر تحت اداره شعبه پست اجراءات و برای حواله جات آن از قبیل تیل و غیره یک نفر کاتب موظفه آن بشعبه پست مر بوط گردیده است .
- ۴ : صدور مجدد احوال راجع به اخذ محمولات بیرنگ . مراسلاتی که مرسل محمول آنرا نیرداخته مرسل الیه گرفته میشود .
- ۵ : تقرر یک نفر باشی برای موثر های پستی .
- ۶ : تهیه مقدمات ساختمان يك موثر خانه برای موثر های پستی سمت اسمار در محل مر بور .



یادگار عهد قرارداد پستی و تلگرافی مابین افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی (شهر کابل ۱۴ حمل ۱۳۱۱)
Souvenir de la conclusion du traité postal et télégraphique entre l'Afghanistan et l'Union Soviétique
(Kaboul 3 avril 1932)

از تعمیرات سال ۱۳۱۴ وزارت پست و تلگراف



هتل ایک مزار شریف
Hôtel en construction à AIBAC (Prov. de Mazar-I-Charif)

اجراآت دوائر مملکتی

ج : شعبه تلگراف و تلفون :

الف : امور تلگراف :

- ۱ : جریان مخابره تلگراف سیم دار بین اسلام قلعه و هرات بتاريخ ۱۵ برج نور .
- ۲ : جریان مخابره تلگراف سیم دار بین کابل و خان آباد بتاريخ ۱۸ سرطان .
- ۳ : جریان مخابره تلگرافی سیم دار ما بین افغانستان و ایران بتاريخ (۸ دلو ۱۳۱۴) ساعت ۸ شب .
- ۴ : نظر بقرار داد بکه ذریعه وزارت مخابراتی افغانستان مقیم لندن در تاریخ ۲ جولائی ۱۹۳۵ با شرکت م رکونی بعمل آمده یکدستگاه بزرگ و چهار دستگاه کوچک تلگراف بی سیم خریداری شده که همه از جدیدترین سیستم بوده ، دستگاه بزرگ منور با تمام دنیا ، و دستگاه های کوچک در نقاط مختلف مملکت مخابرات خبره کرده می تواند .
- ۵ : تا سیس و تعمیر دو عمارت برای دستگاه بزرگ تلگرافی که جدیداً خریداری شده - عملیات دستگاه گیرنده ، در دارالفنون و عمارت دستگاه دهنده در بکه نوت تعمیر می شود .
- ۶ : نظر بقهالت و مسامی جلیه مامورین وزارت پست و تلگراف و پیشرفت و توسعه نمایان امور آن ، برود کاست (رادبو) و امور اداری آنرا نیز حکومت مقبوعه بوزارت پست ملحق نمود وزارت پست نظر به تقاضای وقت پیشهاد خریداری یکپایه رادیوی بزرگ دارای قوه ۲۰ کیلووات را به مقامات صلاحیت دار نموده و پس از تصویب با شرکت های خارجه داخل مفاصحه گردید . اخیراً قیمت یکپایه دستگاه برود کاست با قوه ۲۰ کیلووات برای مرکز ممت سامان آخذ آن که در ولایات نصب می شوند مبلغ (۳۰) هزار یوند تعیین شده و مبلغ مذکور به منظوری مقامات صلاحیت دار پیوسته که فعلاً وزارت پست بخیریداری دستگاه برود کاست مذکور مصرف بوده و تشکیلات و امور اداری و تقسیمات آن بعد از ورود دستگاه صورت خواهد گرفت .

ب : امور تلفون :

الف : ولایت کابل :

- در سال جاری يك قسمت زیاد سیم های هراتی معدوم گردیده و به عوض آن سیم های زیر زمینی پهن و جایگیر تلفون های سابقه شده است .
چنانچه حاضرآ مخابرات تلفونی اکثر دوائر دولتی و منازل شخصی و مغازه های تجارتي در شهر کابل به ذریعه سیم زیر زمینی اجرا میشود .

ب : ولایت قندهار :

- ۱ : تمدید يك خط تلفون جدید از علاقه داری ساربان قلعه تا سنگین بفاصله (۲۴ کیلومتر) .
- ۲ : تمدید يك خط تلفون جدید از سنگین الی بچمان به مسافه (۲۹ کیلومتر) .
- ۳ : تمدید يك خط تلفون جدید از حکومتی کلان فلات به علاقه داری ارغنداب و حکومت دایه چویان بمسافه (۱۰۳) کیلومتر .
- ۴ : تمدید يك خط تلفون از حکومت ارزگان به حکومت اجرستان بفاصله (۱۱۷) کیلومتر .
- ۵ : تمدید خط تلفون از حکومت نیرین بحکومت ده راهود و علاقه داری نیش غدرک بمسافه (۱۳۲) کیلومتر .

ج : ولایت مزار شریف :

- ۱ : تمدید يك خط تلفون جدید از بلخ الی بوینه قره بطول (۵۰) کیلومتر .
 - ۲ : تمدید يك خط تلفون جدید از بوینه قره الی آفکیرک مرکز حکومت کشنده بطول (۳۳) کیلومتر .
 - ۳ : تمدید يك خط تلفون از آفکیرک الی سنگچارک بمسافه (۴۲) کیلومتر .
 - ۴ : تمدید يك خط تلفون جدید از بول یارق الی دره صوف بفاصله (۳۶) کیلومتر .
- مجموع سیم های جدید تلفون که در ۱۳۱۴ در ولایت مو صوفه امتداد یافته (۱۶۱) کیلومتر .

د. ولایت قطغن و بدخشان

الف: تمدید سیم اساسی تلیفون و تلگراف سیمدار از خان آباد بجانب بدخشان، این سیم ابتداء به مسافه (۱۲۳) کیلومتر از خان آباد بجانب فیض آباد دور رفته و به (گنبد کشم) بدخشان واصل و از طرف بدخشان ۳ کار تمدید شروع و بالاخره در ماه دلو سیم من بزرگ بدخشان و فیض آباد وصل و مخابرات تلیفون بین خان آباد و فیض آباد جاری گردید.

ب: تجدید و تمدید سیم خفیف تلیفون مابین نقاط ذیل:

۱:	از خان آباد	به	آقچشمه	۴۵	کیلومتر
۲:	از آقچشمه	»	نهرین	۱۸	»
۳:	»	»	اشکمش	۳۳	»
۴:	از خان آباد	»	پنکی قلعه بدخشان	۱۴۴	»
۵:	از پنکی قلعه	»	چاه آب	۲۷	»
۶:	از چاه آب	»	رستاق	۲۶	»

مجموع ۳۰۳ کیلومتر

ه. حکومت اهلائی مشرق:

۱: تمدید خط تلیفون جدید از مرکز دکه الی لعل پوره و از دکه الی طوره سرتهانه عسکری و ازد که الی که دکه و از مرکز دکه الی کمنکی خیبر که طول جمله خطوط من بزرگ (۳۳) کیلومتر میشود.

۲: تمدید سیم تلیفون جدید زهلاقه داری علی شنگه الی قلعه گل احمد مرکز هلاقه داری علی شنگه، و از هلاقه داری هلنگار الی قلعه دوست محمد مرکز هلاقه داری هلنگار و همچنین از هلاقه داری رودات الی قلعه کوت، نشیمن حکومت رودات که طول جمله خطوط من بزرگ (۵۰) کیلومتر میشود.

و. حکومت اهلائی فراه و چخانسور:

۱: تمدید خط تلیفون جدید از مرکز فراه الی هلاقه داری جاون بسافه (۸۸) کیلومتر.

۲: تمدید خط تلیفون جدید مابین فراه و چخانسور که پایه های آن آهنی و سیم آن قوی و اساسی خواهد بود در سال ۱۳۱۴ کار آن شروع و بسافه تقریباً (۱۷۶) کیلومتر بسمت چخانسور امتداد یافته.

۳: تمدید سیم تلیفون جدید از مرکز حکومت اهلی به چارغند عسکری بمسافه (۳۳) کیلومتر.

د. شعبه ارتباط خارجی:

۱: فروش يك مبلغ کثیر تکت های متروکه و سروجه افغانی بالای شرکت ملی اسهالی تاجخارج توسط نمایندگی

خود فروش برسانند.

۲: فروش و نشر تکت های افغانی در خارج.

۳: تحقیقات و اقدامات برای سرعت مواصلت بسته های افغانی بخارج.

۴: تحقیقات در موضوع باز شدن بعضی مراسلات و مفقودی آنها

۵: تحقیقات در موضوع تاخیر تلگرافات صادره از افغانستان.

۶: اطلاع دهی اشیاء ممنوعه بستی به اداره بین المللی بستی برن باساس قواعد گمرکی افغانستان.

۷: شمولیت حکومت افغانستان بقرارداد بین المللی تلگرافی منعقدہ مادرید.

۸: شمولیت حکومت افغانستان بقرارداد بین المللی بستی و یار سلها منعقدہ قاهره.

۹: اجراء تراجمه بمسئله حذف محصولات عبوری از اسالات مراباز از طرف افغانستان و همچنان از جانب

تمام ممالک عضو اتحادیه بین المللی بستی

اجراآت دوائر مملکتی

۱۰. خرید يك عده سامان فالتو توسط وزارت مختاری افغانی در لندن برای دستگاه های تلگراف کابل و مهران
۱۱. ترتیب و تهیه احصائیه بستی سال ۱۹۳۴ و ۱۹۳۵.
۱۲. تهیه يك تعداد جداول بستی مانند سایر ممالک دنیا.
۱۳. خرید آله آخذة رادیو برای اخذ خبرهای تلگرافی.
۱۴. خرید يك تعداد کتب قوانین تلگراف برای طلاب تلگرافی که جدید از صنوف اعداد به فارغ التحصیل

شده اند.

۱۵. ترتیب فهرست محصولات تلگرامهایکه از راه هند بدیگر ممالک بخاره میشود.
شعبه حمل و نقل،

۱. در شعبه سر بوطه مدیریت حمل و نقل يك عده اشخاص مهمل بنام دلال جا گرفته بودند که تمام مالکان موترها و موتران ها و مسافرین حتی تجاری را که مال التجاره را حمل و نقل می دادند تحت اثرات مختلفه خودها گرفته و هر موتران و مسافر و مال داری که رضائیت آنها را حاصل کرده نمی توانست به مشکلات عدیده دچار و متحمل خساره زیاد میشد، و کسب رضائیت آنها هم برای اشخاص، صرف يك اندازه مبلغ را مستوجب بود. مدیریت حمل و نقل آن بساط را الفو و در عوض آن مدیریت حمل و نقل يك ماموریت دلالی منتظمی را تشکیل داد که ماموریت مذکور در تحت قواعد معینی کار دلالی را اجرا و يك اندازه مبلغ قلیلی دریافت میدارد که به این وتیره از یکطرف اهالی مستریح و از طرف دیگر يك اندازه مبلغ معتنا به بجزینه حکومت میریزد همچنین در سنه ۱۳۱۴ بتاسیس يك ماموریت در غزنی و يك ماموریت در چهار بیکار موفق و نظیر اجراآت مدیریت حمل و نقل مرکز در آنجاها نیز اجراآت میشود.

۲. موترهای کراچی بهر حصه داخل شهر بموترخانه های مختلفه بود و باش داشت، ازین رهگذر نیز برای موتر داران و مسافرین تکالیف متصور بود، مدیریت حمل و نقل وزارت بستی از یول اضافی واردات مدیریت خویش يك ایستگاه بدر و از راه لاهوری و یکی بحد و دروازه ده افغانان، و یکی متصل دروازه دهن تک تحت تعمیر گرفته است.

۳. موترهای که از اتباع خارجه بودند وزارت بستی و تلگراف خطوط آبی را برای تردد آنها محدود و معین نمود.

از پشاورالی کابل، و از چمن الی قندهار، و از اسلام قلعه الی مهران

۴. نظر بانکه موتران های تعلیم یافته مملکت بیکار نماند و مرجوع اشخاص بیشتر بکار موترانی میخانگی موتر شده باشد مدیریت حمل و نقل تردد موتران های غیر تبعه افغانی را در غیر خطوط متذکره فقره (۳) فوق منم قرار داده است.

امور هتلها:

هوتلها که بکلی از ضروریات مهم مملکت و مخصوصاً برای سیاحتین و توسعه سیاحت و تسهولت مسافرتها خیلی مفید میباشد درین اواخر به توجه حکومت متبوعه ما بسیار وسعت یافته و حاضر آدر تمام نقاط مملکت که در سر راه های مهم و سیاحت واقم است، هتل های جداگانه با نیام لوازم آن ساخته شده که بعضاً به پایة تکمیل رسیده و بجز دیگر تحت تعمیر می باشد.

امور هتلها که در حقیقت عبارت از شعبه سیاحت میباشد در سال ۱۳۱۴ بوزارت بستی و تلگراف و تیلیفون، مربوط گردیده و وزارت موصوفه با جدیت زیادی در رفع نواقص هتلها و تکمیل آنها صرف مساعی نموده است.
هوتل کابل،

این هتل در اثر مطالعات وزارت بستی و تلگراف مورد اصلاحات مهمی از قسم اصلاح طعام و نظافت و انتظام و غیره واقع شده چنانچه در حالیکه بودجه آن بحد ۲۶۱۲۷ افغانی تقلیل یافته، عایداتش نسبت به سال

قبل ۴۲۱۲۴ افغانی و ۲۷ پول اضافه شده است .
و نیز عمارات الحاقیه هتل بشرکت اسهای و غیره د کانداران بکرایه داده شده که ازین درک ماهانه بقدر ۲۲۱۹ افغانی و ۵۸ پول باید هوتل می شود .

هوتل های موجوده اطراف که اصلاح و ساختمان بعضی در سال ۱۳۱۳ و از برخی دیگر در سال ۱۳۱۴ بعمل آمده و اکنون به تکمیل رسیده و یا در شرف اكمال است بقرار ذیل میباشد :

- الف : در راه کابل و پشاور : هتل نمله ، هتل جلال آباد
ب : در راه کابل و قندهار : هتل غزنی ، هتل مقر ، هتل قلات ، و هتل قندهار .
ج : در راه کابل و مزار شریف : هتل د آب میخ زرین ، هتل ایبک ، هتل مزار شریف
د : د و با میان : هتل با میان .
ه : د و خوست : هتل گردیز .
و : د قندهار و مزار شریف : هتل کرشک ، هتل دلارام ، هتل فرام و هتل مزار ،
ز : در راه مزار شریف : هتل مینه .

مقرر بهای جدید وزارت پست ، تلگراف و تیلیفون :

- ص : غلام احمد خان مامور محاسبه به مدیریت محاسبه وزارت پست (که جدید مدیریت تشکیل شده) .
• • عبدالغالب خان مدیر مخابرات مزار شریف به مدیریت مخابرات مزار شریف
• • عبدالفتاح خان مدیر مخابرات قطنن به مدیریت مخابرات مزار شریف
• • عبدالغفور خان مدیر مخابرات مشرفی به مدیریت مخابرات قطنن و بدخشان .
• • نیک محمد خان به مدیریت مخابرات مشرفی

اعطای نشان

- ۱ : عزیمند داکتر صالح محمد هاشمی — نشان خدمت .
۲ : د د بای ربیع حکمت — « درجه دوم معارف .
۳ : ع ج جناب کاظمی وزیر خارجه دولت ایران — نشان سردار اعلی .
۴ : جناب جلال الدینخان کیهان مدیر شعبه اول سیاسی وزارت خارجه ایران — نشان استوار درجه اول .
۵ : جناب معتمدی مدیر شعبه ۳ سیاسی وزارت خارجه ایران — « د د د
۶ : جناب مفتاح منشی خصوصی وزیر خارجه ایران — « د د د
۷ : جناب ش ، صفوی مدیر روزنامه کوشش و نماینده مجلس شورای ملی دولت ایران — « د د د

انجمن کشفان

انجمن کشفان افغانی در سال ۱۳۱۴ نائل به پیشرفت های خوبی شده و دائره عملیات شاملین آن که از عموم مکاتب میباشد ، خیلی وسعت یافته است . چنانچه در جشن استقلال سال هفتم يك نمایش بسیار بزرگ کشفان بعمل آمده تشکیلات و انتظارات آن مورد پسند تمام ناظرین واقع گردید .
درین سه تعداد تقری و انتظام داخلی آن خیلی ترقی کرده است .

اجرات دواير ملي

مجلس محترم شوراي ملي

در طول اين سال اعضای محترم مجلس عالی شوراي ملي بانهايت صداقت و ديانت و وظائف محوله خویش را بحسن صورت ایفا نموده اند. علاوه بر ذقبق بودجه مملکتی اصولنامه های که درین سال در مجلس محترم شوراي ملي به تصویب رسیده قرار ذیل است :

- ۱ اصولنامه تابعیت :
- ۲ » معافیت اموال و بکاز هیئت دیپلوماسی .
- ۳ » نوریذ رنگ های جوهری در افغانستان .
- ۴ » نوت های مروجہ مرا افغانستان .
- ۵ » دواخانه ها در افغانستان .
- ۶ لایحه صورت قرار هیئت حکمیت دولت جمهوریہ ترکیه راجع بحدود موسی آباد و قسمت غیر محدود سرحدی بین افغانستان و ایران .
- ۷ ضمیمه اصولنامه حاضری و رخصتی مأمورین راجع بحاضری منصبداران داخله قطعات
- ۸ » » بلدیہ در موضوع بلدیہ های مرکزی ولایات و حکومتات اعلی که بنام ریاست و از سایر حکومتیکه تشکیل بلدیہ را دارا هستند باسم ماموریت نامیده شود .

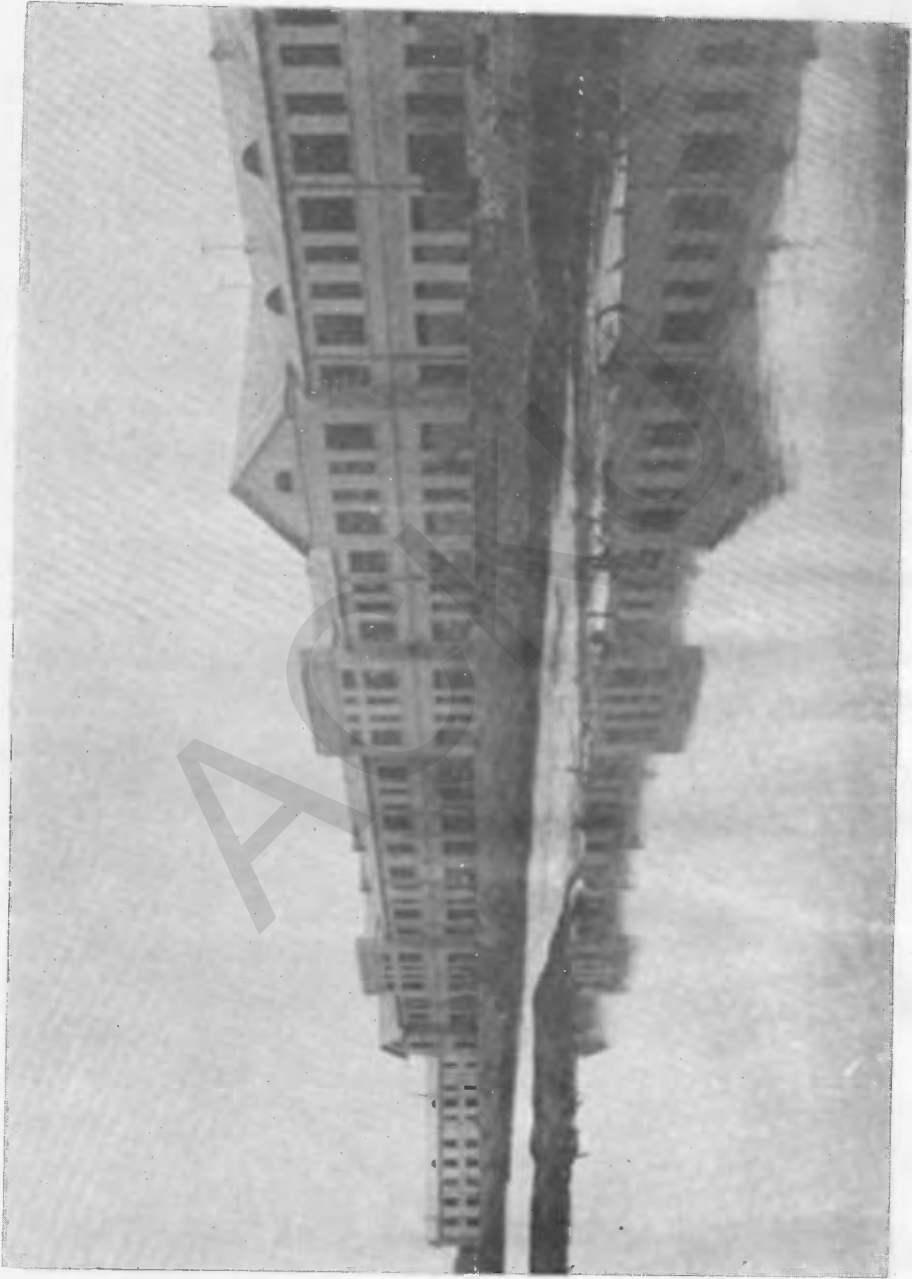
مجلس عالی اعیان

این مجلس که یکی از موسسات مهم و بزرگ مملکت است درین سال نیز بمانند سالهای گذشته وظائف محوله خود را بکمال صداقت و دیانت اجراء کرده و بفقراتی که با بچار جوع کرده شده ، نهایت دقت را بجا آورده که فیصله جات مزبور در جراند وطنی نشر گشته است . مجلس عالی اعیان با مجلس محترم شوراي ملي تشریک مساعی نموده و اصولنامه های فوق که درین سال در مجلس شوراي ملي تصویب شده در مجلس اعیان نیز اصولاً بتصویب رسیده است .



سرام افراشتن بیرق ملی در ریاست بلدیة کابل (۱۰ سنبله ۱۳۱۴)
L' élévation du drapeau national sur l'immeuble de la
Municipalité de Kaboul

از عمرافات مهمه سال ۱۳۱۴ ریاست بلدیة کابل



منظره عمومی جاده و بازار جدید باغیان کوجه
Bazars modernes nouvellement construits à Kaboul

از عمرات سال ۱۳۱۲ ریاست بلدیة کابل



کام جدید بلع مطردان
Bâtiments des bains publics nouvellement construits à Kaboul

از مقرر بهای مهمه وزارت حریبه



ع، ش الله دادخات فرقه مشر
قوماندان فرقه سزارو مینه



ع، ش عبدالغفور خان فرقه مشر وکیل
ریاست ارکان حریبه عمومی



ع، ش محمدانو ر خان نائب سالار
معاون وزارت حریبه



ح، عبد القیوم خان غنند مشر وکیل
قوماندانی فرقه غزنی



ح، محمد قاسم خان غنند مشر وکیل
قوماندانی فرقه فطین و بدخشان



ع، ش محمد جعفر خان فرقه مشر قوماندان
فرقه مشرقی

از مقرریهای جدید وزارت حریه



ح، سید عبد الصمد خان غند مشر
غند ۳ پیاده فرقه شاهی



ح، میر محمد سعید خان غند مشر رئیس
ارکان حریه فرقه شاهی



ح، عبد الر حیم خان غند مشر
مدیر جبه خانه ریاست حریه



ح، سید جهانگیر خان غند مشر
غند پیاده فرقه فطعن و بدخشانی



ح، محمد اشرف خان غند مشر
کبیر چخانسور



ح، سید ها لشاه خان غند مشر غند اول
پیاده فرقه هرات

از مقررین بهای جدید وزارت حربیه



ح . عبد الرحیم خان غنہ مشر فرقه
قطغن و بدخشان



ح . محمد طاهر خان غنہ مشر غنہ
تویچی نرقه قطغن و بدخشان



ح . محمد منور خان غنہ مشر غنہ ۲
پیاده فرقه سزار و میمنه



ح . حاجی عبدالقادر خان غنہ مشر ثانی
کمیسر آند خوی میمنه



ح . محمد اختر خان غنہ مشر ثانی کمیسر
سیاه گرد سر بوط ولایت سزار شریف



ح . محمد اسمعیل خان غنہ مشر ثانی کمیسر
قره تپه سر بوط ولایت هرات

از مقرریهای جدید وزارت حربیه



ش. عبدالمعظم خان کندکشر
منتظم وزارت حربیه



ش. ذکریا خان کندکشر وکیل مدیریت
ترجمه ریاضت ارکانه حربیه عمومی



ش. عبدالکریم خان کندکشر «مامور»
نشریات وزارت حربیه



ش. محمدگل خان کندکشر معاون
سر معلم پیاده



ش. غلام حیدر خان داکتر معاون شفاخانه
عسکری مرکز



ش. یاز محمدخان معاون مرمعالم طویچی

از مقرر بهای جدید وزارت حربیه



ش. و قاج محمد خان کندی کشر کندی اول
غند ۳ بیاده فرقه شاهیه



ش. محمد یعقوب خان مدیر مکتب
موزیک



ش. الله میر خان کندی کشر کندی ۳
غند اول بیاده فرقه شاهیه



ش. جلا د خان کندی کشر کندی
غند اول فرقه غزنیه



ش. نور علیخان مدیر لوازم
فرقه شمالی



ش. رویت محمد خان کندی کشر
مدیر لوازم فرقه ۳ قول اردوی
مرکزی



ش. فتح محمد خان کندی کشر کندی ۲
غند ۳ بیاده فرقه هرات



ش. عبدالرحمن خان کندی کشر کندی ۳
غند ۲ بیاده فرقه هرات



ش. محمد یوسف خان کندی کشر کندی ۳
غند ۳ بیاده فرقه هرات

از مقر ریهای جدید وزارت حربیه



ش، محمد امین خان کندی کشر
فرقه قطن و بدخشان



ش، سعید عظیم خان رئیس ارکان
حریه فرقه قطن و بدخشان



ش، سلطان محمد خان کندی کشر
کندی ۲ فرقه مزار و مینه



ش، محمد بهوب خان کندی کشر فرقه
قطن و بدخشان



ش، غلام محمد خان کندی کشر فرقه
قطن و بدخشان



ش، محمد ابراهیم خان کندی کشر
فرقه قطن و بدخشان



ش، عبد القدوس خان کندی کشر فرقه
قطن و بدخشان



ش، محمد خان کندی کشر فرقه
قطن و بدخشان

از مقرریهای جدید وزارت خارجه



ع. ج. عبد الصمد خان وزیر مختار
اعلیحضرت در روما



ع. محمد حیدر خان مدیر عمومی
امور بین المللی



ع. عبد الحمید خان مدیر عمومی
نشریات



ع. عبدالنور خان قونسل اعلیحضرت
در سیستان



ع. عبدالرحمن خان قونسل اعلیحضرت
در بمبئی

از مقرر بهای جدید وزارت خارجه



ص ، عبدالقا در خان معاون تشریفات



ص ، عبد الرزف خان مدير محاسبه



ص ، نجيب الله خان معاون شعبه
کنفرانسها و جامعه ملل



ص ، عبد الاحد خان معاون
شعبه حقوق



ص ، محمد رحيم خان معاون شعبه
معاهدات



ص ، محمد امين خان مدير خارجه
قندهار

از مقرریهای وزارت داخله و عدلیه



ش. محمد اکبر خان مدیر تعلیم و تربیه قوماندانی کوتوالی کابل



ع.ع محمد حسن خان کفیل حاکم کلان لوگر



ع. محمد اسمعیل خان مدیر نجرات ولایت قندهار



ع. محمد ناصر خان مدیر محاسبه وزارت عدلیه



ع. محمد عبسی خان مامور استخبارات ولایت قندهار

از مقرری های جدید وزارت مالیه



ص ، عبد الرحيم خان مدير معاش
و مصرف مركزى و وزارت مالیه



ص ، قطب الدين خان مدير تصفيه ماضيه
و وزارت مالیه



ص ، محمد نعيم خان مدير مرسته دار
اعلاى فرا .



ص ، محمد اسلم خان مستوفى ولايت
قندهار



ص ، عبد المجيد خان مدير مرسته دار
اعلاى جنوبى



ص ، سعيد حسين خان مدير محاسبه مستوفيت مزار



ص ، نور احمد خان مدير محاسبه
مستوفيت هرات

از مقررین جدید وزارت معارف



حضرت سید عبداللہ خان منتظم مکتب
طبی و وکیل مدیریت دارالمعلمین



جناب صفر علی خان فارغ التحصیل علم طب
کہ بتازگی از فرانسه شہادت نامہ حاصل
و وارد کابل شدہ اند



حضرت عبدالغفور خان برشنا مدیر
مکتب صنایع نقیہ



حضرت عبدالقدیر خان مامور معارف
ولایت قلعن و بدخشان

از مقرریهای وزارت تجارت



ص، عبدالمجید خان مدیر زراعت
ولایت هرات



ص، حاجی جان محمد خان رئیس
فیصله منازعات تجارتهی قندهار



ص، فخرالدینخان مدیر کمرک
قندهار



ص، سید قاسم خان مدیر اداری
بند خروار لوگر



ص، محمد جانخان مدیر بند
سرخاب لوگر



ص، عبدالباقیان مدیر زراعت
فراه و چخانسور



ص، احمد شاه خان مدیر ریل های
دوشی و کپله کی



ص، زر داد خان مامور کمرک
فراه



ص، محمد جانخان مدیر بند قرغه

از مقرریهای جدید وزارت فوائد عامه



س، عبدالباق خان مدیر تعمیرات فراه



س، محمد اصغر خان مدیر معارف قندهار

از مقرریهای جدید وزارت صحیه



س، میر عبدالنقی خان کفیل مدیر
دواخانه عمومی



س، جلال الدين خان مدیر مشاوره
فنی وزارت صحیه



س، محمدحسین خان مدیر محاسبه
وزارت صحیه



س، محمد موسی خان کفیل مدیر صحیه
ولایت نزار شریف



س، محمد یوسف خان کفیل مدیر
صحیه ولایت قندهار

از مقرریهای جدید وزارت صحیه



س . محمد رسول خان کفیل مدیر
صحیه ولایت قطنن



س . محمد عمر خان کفیل مدیر
صحیه میننه



س . نصر الله خان یوسفی کفیل
مدیر صحیه سمت جنوبی



س . عبد العزیز خان کفیل مدیر
صحیه شمالی



س . عبد النبی خان کفیل مدیر
صحیه غزنی



س . سلطان محمد خان کفیل مدیر
صحیه فراه



س . حبیب الله خان کفیل مدیر صحیه لوگر



ع ، ص عبدالر سول خان مامين وزارت
پست و تلگراف که در سال ۱۳۱۴
باين عهده مقرر شده اند



ع ، ص محمد كريم خان مامين وزارت
صحه که در سال ۱۳۱۴ باين
عهده مقرر شده اند



ص ، محمد فتيق خان مدير محاسبه و بايست
بلد به کابل که در سال ۱۳۱۴
باين عهده مقرر شده است



ص ، سيد احمد خان عضو مجلس اعيان
که سال ۱۳۱۴ باين عهده
مقرر شده است



ص ، مير اسلم خان مامور بلد به چهار بکار

از مقرریهای وزارت پست ، تلگراف و تلیفون



ص ، غلام احمد خان مدیر محاسبه
وزارت پست ، تلگراف و تلیفون



ص ، محمد حسین خان انجینیر رادیو
الکترونیک عضو شعبه فنی بیسیم



ص ، غلام جیلانی خان مدیر حمل و نقل



ص ، پاینده محمد خان مدیر مخابرات
ولایت قندهار



ص ، عبد الفتاح خان مدیر مخابرات
ولایت سنار



ص ، عبد الغالیق خان مدیر
مخابرات ولایت هرات



ص ، عبد الغفور خان مدیر مخابرات
ولایت قطن و بدخشان

مستخدمین خارجی که در سال ۱۳۱۴ وارد کابل شده اند



عزتمند، فرانسکو پوریو ایتالیائی
مهندس انهار و بندها



عزتمند، اسکا که انجیر، متخصص
کارخانه ترمیم موترها



عزتمند، مورا ایتو ایتالیائی مهندس
انهار و بندها



عزتمند، تایچی اکیونوی جاپانی
انجیر انهار و بندها



عزتمند، متسو اوزاکی جاپانی
متخصص زراعت

مستخدمین خارجی که جدیداً وارد کابل شده اند



عزیزمند، بای توفیق سوناچ متخصص تشریح
مرغی و انساج



عزیزمند، بای حکمت ارفون متخصص
امراض گوش، گلو و بینی



عزیزمند، بای زهدی برقه متخصص
باکتر بولوژی



عزیزمند، بالدو مشارر بست



عزیزمند، بای عبدی الدین دوکتور
دندان



عزیزمند، بوم متخصص تلگراف بیسیم



عزیزمند، لارسون متخصص تلفون

بلدیه چهاربیکار :

۱ : تعمیر مسجد شریف صادق علیه الرحمه که تاوه خانه مذکور روبانهدام اورا بود در سال ۱۳۱۴ جدید تعمیر کرده شده . ۲ - آب چشمه های خواجه سیاران که نظیف بود بغرض رفم احتیاجات وحفظ الصحه اهالی بذریعہ نل چهاربیکار آورده شده که فعلاً اهالی از آن استفاده مینمایند . (این اقدام حکومت متبوعه و بلدیه چهاربیکار خیلی مهم وقابل قدر است) . ۳ : حفریک کاریز جدید تحت بکه بید واقع تکیه خواجه سیاران . ۴ : تعمیر یکباب مستراح عمومی . ۵ : دکانهائیکه از پول و اردات بلدیه تعمیر شده :

الف : سمت جنوبی سرك شاهى مقابل مرای حاجی غلام بهاوالدين خان مطابق نقشه اصولی تعمیر شده .

ب : دکانهای سمت شمالی سرك تکیه متصل مرای حاجی عبدالرسول خان مطابق نقشه اصولی تعمیر شده ۲ باب

ج : سمت مشرقی سرك شاهى متصل دکانهی حاجی سید ناز شادخان مطابق نقشه اصولی آباد شده . ۳ باب

د : که از طرف اهالی بدو طرفه سرك شاهى مطابق نقشه تحت نگرانی بلدید تعمیر شده (۱۸۹) باب

بلدیه غزنی :

الف : آبادیهائی که مطابق نقشه و نگرانی بلدیه از طرف اهالی ساخته شده :

۱ : بازار بین شهر که موسوم برسته ییزار دوزها بود يك حصه آن که اندک شکست پیدا کرده بود از طرف ماموریت بلدیه ویران و دکانهای جدید بسیار خوب تعمیر بلکه اکثر فنامی های بازار مذکور اصلاح گردید ۱۲ باب . ۲ : بازار بنیه گره های بین شهر که در سنه ۱۳۱۳ حریق گردیده بود مطابق نظریه ماموریت بلدیه درین سال با اصول درست و عصری آباد شده ۶ باب - ۳ : بیرون دروازه طرف سرك کتواز بکر سته دکانهای جدید در موضعیکه سابق باغ و خرابه بود ساخته شده است که جزئی کار آن باقی مانده ۸ باب . ۴ : در زمین خندق بنزدیکی برج مکتب با اصول صحیح دکانهای جدید ساخته شده که جزئی کار آن باقی مانده ۱۱ باب . ۵ : برسته بازار سزارقیض آثار حکیم صاحب سنائی علیه الرحمه پیش روی يك قطعه زمین ضروری که متصل سرك بود دکانهای جدید با اصول عصری ساخته شده ۱۸ باب ۶ : در يك نقطه زمین ضروری واقع سرك مقابل گلاب خان دکانهای جدید با اصول عصری ساخته شده ۲۶ باب ۷ : بیرون دروازه کنک و بین شهر دکانهای جدید با اصول عصری ساخته شده ۲۶ باب

ب : آبادیهای که از طرف خود بلدیه بعمل آمده :

سرای بلدیه ترمیم و بواسطه ساختمان هفت بالاخانه از طرف ماموریت تکمیل شده است .

بلدیه مزار شریف

۱ : دکانهای طرز جدید بصورت اسامی عصری که در سنه گذشته زیر نظر و جاهای آنرا بدو طرفه جاده کابل و بلخ که از حد باغ عمومی مستقیماً می رود ، اهالی برای خود ها مینموده بود ، تا اندازه (۱۱۰) باب که پیش روی آنها پنجه کاری است آباد و مکمل شده و به تعداد (۵۰) باب زیر کار و غالباً امسال تمام میگردد .

۲ : جهت تفریح گناه اهالی باغ عمومی که در مرکز و وسط شهر در سنه گذشته به نقشه قشنگ و طرز جدید زیر نظر بود ، کارات آن تمام و اکثر حصص آن در امسال گل کاری شده و نهال های زیاد هم غرس گردیده .

۳ : در گوشه شمال غربی شهر برای استفاده اهالی و فراغ و وجود آوردن نهال های خوب و با تربیه اشجار متمره و غیره مشر ریاست بلدیه با اندازه ۷ و نیم جریب زمین را باغ ذخیره تعیین نموده ، تخم و خسته اشجار و قله و ریشه آن بطور قوربه در آن غرس شده است .

۴ : جاده هائیکه در بین حصص قطعات شهر طور اصولی در سنه گذشته ساخته شده بود درین سال تماماً سنگک جفله فرش گردیده .

شرکت های تجارتي

در سالنامه سال گذشته اشاره مختصری بسوی تاسیس شرکت های جدید که در اثر تشویقات حکومت متبوعه و مساعی وزارت تجارت و شرکت سهامی همه روزه تشکیل می شود، نموده بودیم. اینک بکمال مسرت باطلاع هموطنان عزیز خوش میرسانیم که در نتیجه همان تشویقات و مساعی صحیحه در طول سال ۱۳۱۴ به تعداد زیاد شرکت های جدید برای مقاصد مختلفه اقتصادی که بیشتر از آن جهت ترفی دادن صادرات پیداوار افغانستان میباشد، تاسیس گردیده و سرمایه ملی بیش از پیش تمرکز یافته یعنی تجارت و حیات اقتصادی وطن عزیز ما شکل انفرادی خود را ترک و شکل اجتماعی پیدا کرده است.

ذیلاً اقدامات مهمه بکسانه شرکت سهامی و بانک ملی شرکت بتول، شرکت پشتون و شرکت تنوبرات و بعد از آن یکفهرست از سهامی شرکت های سابقه و جدید را با اسم رؤسا و محل و سال تاسیس و نوعیت کار و سرمایه آنها تقدیم مینماییم:

بانک ملی و شرکت سهامی

جای خوشی است که هموطنان و مخصوص طبقه تجار اهمیت بانک ملی افغانستان را برای پیشرفت مقاصد فردی و عمومی مملکتی نموده و بایک احساسات و اعتباراتی که انتظار آن باین زود بها غیرت، بایک روح توانمندی نظری و عملی خود ها، دست به دست بانک ملی داده با قوه اجتماعی فوق التصوری، تحت نظریه و سیاست اقتصادی حکومت، ساعت بساعت آنرا پیش میبرند. طبقه سرمایه داران ما نظریه خوب و نیک حکومت را که درباره آنها نصب العین دارند فهمیده اند و هم این را بخوبی درک نموده اند که یگانه مقصد حکومت اینست که سرمایه ملی ترقی نموده و در ترقی عمرانات و پیشبرد مقاصد مملکت با حکومت معاون و هم کار باشد، و نیز تجار مملکت این نکته را متحسب شده اند که حفظ ثروت و موقعیت شخصی شان وابسته به تمرکز سرمایه عمومی ملی و پیشرفت سهام اقتصادی مملکت با اصول عصری میباشد، چه او ضاع اقتصادی از آن مرحله گذشته که هر شخص به تنهایی خود بتواند مراحل احتیاج و سعادتمندی خود را ببیند. همچنانکه حکومت امروز خط مشی خود را با اصولی مقرر داشته است که تماماً اتحاد عمومی ملت و پیشرفت اقتصادی مملکت را نگرانی مینماید. افراد ملی هم دانسته و بینی باین مفاد برده اند که مالدار و ملاک بدون تجار و تجار بدون همراهی آنها و دیگر طبقات ملت کاری از پیش نبرده اینها هر یک به نوبه خود لازم و مازوم یکدیگر اند و اهمیت این است که اگر حکومت قوی در مملکت وجود نداشته باشد که امنیت را در داخله فراهم و حقوق تجار را در خارج حفظ نماید، نه ملاک، نه مالدار، نه تجار، نه طبقه که ذرایع حمل و نقل در دست آنهاست و نه غیره هیچوقت موفق به جریان امور اداره داد و ستد فوق و حفظ ثروت شخصی خود نمیکردند؛ او ضاع تجارت و سیاست دنیا بمانی فهاند که ملت افغانستان را حتی و واجبی است که اصول اجتماع سرمایه و دوران آنرا بصورت شرکت و پلان اتحادی نصب العین بگیرند. بلی تجار ما دیدند با اساس نظریه و دستورات حکومت بانک ملی ما پلان امداد سرمایه ملی و همراهی بشکرت ها را وضع و آنرا به جدیت تعقیب میدارد، همین جهت برای پیشرفت مقاصد عمومی که در عین زمان فائده خود شان هم در آن متصور بود بطرف بانک ملی هجوم آورده هر پلان و نقشه که از طرف بانک ملی بآنها پیش شده با کمال اطمینان آنرا قبول و بجدیت و صمیمیت آنرا تعقیب نمودند. در سنه ۱۳۱۴ ملاحظه شده که تجار سمت هرات و کل سمت شمال و کابل معاملات صادراتی خود را ذریعه بانک اجرا نموده و اسعار خارجه خود را که از فروش مال صادراتی حاصل نموده در تصرف بانک گذاشته بودند حسابات جاری تجار پنجصد فیصد ترقی نموده.

پلان اجتماع سرمایه:

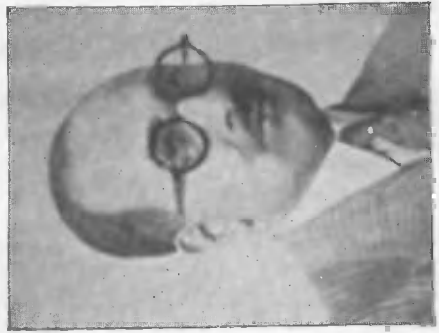
بانک ملی برای اجتماع سرمایه ملی و کارگرفتن از آنها برای سنه ۱۳۱۵ پلانی را که در دست اجرا گرفته ازین قرار است:-



ع . دوست محمد خان معاون اول



ع . من عبد المجيد خان رئيس شركة اسهامى
و بانك ملي افغانستان



ع . سيد كريم خان معاون دوم



ع ، س شهزاده احمد علی خان درانی مدیر
انجمن ادبی کابل

شرکت های تجاری

۱ : شش شرکت برای تجارت پوست قره کلی جدیداً در کابل تاسیس یافته ؛
(۱) شرکت صابر (۲) شرکت دیانت (۳) شرکت برادران (۴) شرکت توکل (۵) شرکت فدعت (۶) ، شرکت کوشش .
مجموع سرمایه این شش شرکت ۱۴ میلیون افغانی است .
۲ : شرکتی برای تجارت صادرات پشم و پنبه و قره کلی بنام شرکت اتحادیه سمت شمال تشکیل داده شده با سرمایه ۱۵ میلیون افغانی .

۳ : شرکتی در هرات برای صادرات پشم و پنبه در شرف تشکیل است با سرمایه ۱۰ میلیون افغانی .
۴ : سرمایه بانک ملی که در سنه ۱۳۱۲ (۷) میلیون و ۲۰۰،۰۰۰ افغانی بود ، در سنه ۱۳۱۳ به (۹) میلیون و ۸۰۰،۰۰۰ رسیده بود و در سنه ۱۳۱۴ (۱۳) میلیون و در سنه ۱۳۱۵ اینک به ۲۱ میلیون شروع بکار میکند .
۵ : بر علاوه شرکت های فوق در نظر است که در سنه ۱۳۱۵ یک شرکتی برای صادرات کگل تریاک افغانستان مطابق مقررات معاهده بین المللی ادویه مخدره تشکیل یابد . و همچنان بتدریج بلان تمرکز سرمایه ملی تعقیب و عملی خواهد کردید .

نقشه کار گرفتن از سرمایه فوق :

۱ : یکجمله از شرکت ها برای ترقی دادن تجارت قره کلی با غرب و امریکا و روسیه تخصیص داده شده که درین شعبه کار خواهند نمود .
۲ : شرکت شمالی و شرکت هرات برای صادرات پشم و پنبه مرکز عملیات فرار خواهد گرفت .

مصروفیت بانک :

بانک بر علاوه وضع بلان اجتماع سرمایه ملی که در فوق ذکر شده مصروفیت های ذیل را در سنه ۱۳۱۴ برای بهبود اوضاع اقتصادی مملکت داشته :

۱ - افغانستان سالانه در اطراف ۱۲ لک جلد قره کبلی درین اوقات صادرات دارد . (و این صادرات بصورت متوسط سالانه ۱۵ فیصد دراز دیاد است) و همه میدانند که در دو سنه قبل امتیاز انحصار پوست قره کلی مخصوص ، بشرکت وثیقه افغانی قرارداد شده بود . در ابتدای اعطای این امتیاز تجار افغانی بصورت عمومی نه در بازار خارج دست فروش رداشته و نه اجتماع سرمایه شان باندازه کافی بود و همین جهت در سنه ۱۳۱۲ اکثر معامله داران خارجی پوست قره کلی که برخلاف این انحصار بودند خود داری از معاملات قره کلی نموده و همیشه پرو یا غاند می نمودند که تجار افغانی قوه و دارائی اداره این کار را ندارند ، حتمی است که بایست این امتیاز بر هم بخورد و سال ۱۳۱۳ برای تجار افغانی که کار پوست قره کلی را می نمودند سل سنگین و مشکلی بود مگر با همه مشکلات بالاخره زمین فروش تهیه با اینکه تصور نقصان در سال ۱۳۱۳ میرفت مگر به فائده شرکت ها خاتمه پذیرفت ، در سال ۱۳۱۴ خوشبختانه بلان عمومی تعاون بانک و تجارت شروع و به موفقیت ذیل انجام یافته است :-
الف : تا ماه حوت ۱۳۱۴ (۹۴) فیصد کل پوست تجارت افغانی بفروش رسیده امید است ۶۶ صد دیگر هم در ماه حدت بفروش رسیده باشد .

ب : فائده خالص بعد از خرچی که تجار افغانی امسال از درک پوست قره کلی حاصل نموده بصورت تخمین (۲۲) میلیون افغانی می باشد .

ج : بانک ملی برای توسعه بازار فروش قره کلی بخیریداران خارجی امسال اعتباری (کریدیت) که داده از دو الی ۴ ماه تخمین ۶ و نیم میلیون کلدار که ۲۵ میلیون افغانی میباشد بوده و ۹۳ فیصد کل پوست قره کلی در لندن و کابل ذریعه بانک بفروش رسیده است .

۲ : مسئله مهم دیگری که در آخر ۱۳۱۴ بانک بان مصرف بوده مسئله مستقل ساختن قیمت افغانی است در مقابل اسعار خارجه .

زیرا ترقی و تنزل هر روزه افغانی حساب را از نزد تجار کم نموده و اطمینان تجار در هوقم خرید و فروش حاصل نبود و بهمین جهت تجار از یکطرف در توسعه تجارت جرئت کوشیدن را نداشت و از طرف دیگر ملت ازین تزلزلهای قیمت اجناس وارداتی و صادراتی که همه روزه بواسطه ترقی و تنزل افغانی رخ میداد همیشه متضرر بوده و این سلسله برای اجتناع سرمایه ملی مضر واقع گردیده بود چرا که اجتناع سرمایه فقط بیایه اعتدال صورت میگیرد و اعتدال بربك زمینه متزلزل غیر ممکن است .

هر کس از بیم اینکه افغانی روز بروز قیمت خود را از دست داده عوض اینکه پول خود را برای کار و معامله حاضر مینمود فقط مشغول این بود که زیادتی عائدات خود را بطلا یا باسعار خارجه تبدیل کند و حقیقه تجار هر قدر فائده می بردند باز از ارتنزل مسکوک افغانی از دست میدادند بدین جهت بانك در صدد استقلال قیمت سکه افغانی بود و اینهم بدون قیمت مستقل اسعار خارجه صورت نمیگرفت و مستقل نمودن سکه افغانی بدون ذخیره اسعار ممکن نمیشد اگر چه از بد و تاسیس بانك ملی تثبیت قیمت افغانی اساس مقصد و مرام بانك بود ولی استقرار سکه بدون ذخیره کافی اسعار خارجه یا طلا غیر ممکن بود و همینکه اسسال بانك ملاحظه نمود که وضعیت صادرات مملکت اطمینان بخش و ذخایر اسعار خارجه بانك ترقی نمود و تجار هم برای امداد بدین نظریه همراه میباشند پیشنهادی بحضور هیئت دولت تقدیم و انحصار عمومی خرید و فروش اسعار خارجه را برای مدت یکسال مطالبه و این یلان از حضور هیئت دولت منظور و از ۱۰ عقرب ۱۳۱۴ بانكطرف سکه افغانی از تزلزل نجات یافته ، در مقابل اسعار ذیل به میزان مشخصه مقاومت دارد :

فرا بك فرانسه

پوند

کلدار

استقرار نرخ افغانی غیر از مفاد فوق استفاده مهم دیگری را نیز بحیث اقتصاد مملکت قرار ذیل بخشیده . چون اساس سکه افغانی تا این وقت هنوز بروی نقره گذاشته شده و نرخ نقره درین سالهای اخیر استقراری ندارد و بهمین جهت است که تنزل و ترقی نقره اثر بزرگی بر سکه افغانی انداخته بود که اگر بجدول ذیل دقت گردد این مسئله بخوبی ظاهراً میگردد .

قیمت نقره در تاریخ های ذیل :

سال	بلند ترین	پایین ترین
۱۳۱۱	صد توله ۵۰ کله دار (۲۵ عقرب)	فی صد توله ۸ / ۴۹ کله دار (۲۹ دلو)
۱۳۱۲	فی او انس ۱/۸ شلینگ (۲۰ برج اسد)	فی او انس ۱/۱۶ (پنس ۲ جدی)
۱۳۱۳	قرار تلگرام نمبر ۱۹۲۲ جون ۳/۴ / ۱۹ شلینگ	قرار تلگرام نمبر ۱۴۶۱۶ جولائی
۱۳۱۴	نمبر ۳۰۰-۲۷ اپریل ۳/۱	قرار تلگرام نمبر ۱/۶ شلینگ قرار تلگرام نمبر ۲۰ تاریخی ۲۳ دسمبر
	۱۰ عقرب ۱۳۱۴ يك او انس نقره به بوند استرلینگ ۱/۴ پنس ۲ شلینگ	
	۲۷ جدی	۱

و اگر بهلاوه جدول فوق باین نکته توجه شود که در ۱۰ عقرب قیمت هر او انس نقره ۲ شلینگ ۱/۴ پنس بود و در تاریخ ۲۷ جدی فی او انس يك به شلینگ ۷۰ پنس رسید . تنزل خیلی زیاد و بهمین سبب يك کلدار در پشاور در ۱۰ عقرب ۲۵ ۳ افغانی نقره بود و در ۲۷ جدی يك کلدار در پشاور ۹۲ ۳ افغانی نقره رسید . بوده است ، لهذا این حساب بیشتر موید نشر بحاث فوق میگردد .

نتیجه مستقل شدن نرخ مبادله افغانی :

۱- اگر نرخ افغانی درین وقت مستقل نمی بود الحال حیثیت سکه افغانی واسطه تنزل نقره سلب و تجارت وارداتی ما بسیار صدمه میدید .

۲- درین وقتیکه ماسکه کاغذی خود را در جریان گذاشتیم اگر نرخ کله از مستقل نمی بود عروزه ترقی و تنزل مینمود توده عموم این تنزل را از سبب پول کاغذی میدانستند نه نقره و رواج پول کاغذ به مشکلات برمیخورد لهذا تثبیت قیمت افغانی را از ام اجراء آن بانک ملی باید دانست .

نقشه توسعه صادرات :

۱- پنبه :

در سنه گذشته بانک ملی تنها توسعه زراعت پنبه را در چخا نور مد نظر گرفته بود ولی برای سنه ۱۳۱۵ یلان و سیم توسعه زراعت پنبه را در تمام سمت شمال افغانستان بخاطر داشت ازین رو ۴۸ هزار سیر تخم پنبه از امریکا و مصر و روسیه خریداری گردیده که نا ۱۵۰ حوت ۱۳۱۴ وارد و از ابتدای سال شروع به زراعت می شود . این تخم های پنبه ذریعه شرکت شمالی به تقسیم نمودن بین دهاقین و در وقت تقسیم تخم پنبه نقشه قرضه بی مفاد دهاقین نیز وضع گردیده تا احتیاجات پولی دهاقین نیز رفع گردیده و به زراعت پنبه کوشش بدارند . درین زمان بانک ملی باد و اثر تجاری روسیه داخل مذاکره میباشد که برای سه سال کل حاصل زراعت پنبه سمت شمال رایش فروش بدارد ، و حداقل این قرارداد ۱۲ هزار تن پنبه میباشد و حداکثر هر قدر که پنبه حاصل شود .

شرکت پطرویل

این شرکت که انحصار تیل پطرویل و سایر روغنیات موثر را دارد ، درین سال نیز بمانند سالهای گذشته در تهیه مواد من بور به تمام حصص افغانستان که داخل انحصار آن میباشد ، بذل مساعی نموده چنانچه درین حالیکه وقتاً فوقتاً نرخ پطرویل و سایر روغنیات سوخت ، تنزل داده شده ، تمام مواد من بوره بمقدار کافی در کلیه نقاط موجود و در دست رس عموم مردمان واقع بوده است .

شرکت پشتون

درین سال شرکت پشتون با تزئین سرمایه مشغول کار شده و پیشرفتهای زیادی در صادرات میوه حاصل نموده و شرکت و پطرویل و روغنیات موثر را که داخل انحصار شرکت است بقیمت مناسبی در بازار قندهار عرضه کرده است . نرخ عموم میوه جات خشک که داخل امتیاز شرکت میباشد در بازار های خارجه نسبت بسال گذشته ۲۰ الی ۳۰ فیصد ترقی کرده ، کشمش سبز که از روی مقدار عمده ترین میوه خشک قندهار است نظر بماء عقرب و قوس سال گذشته در همین ماه های سال ۱۳۱۴ فی صد صد ترقی نموده - امسال زیاده ازینجا هزار من انگلیزی که مساوی پنج لک سیر کابل میشود میوه خشک ذریعه شرکت پشتون در بازار های خارجه بفروش رسیده است . چون کشمش سبز که پیدا و از مهم کابل است و نسبت به کشمش قندهار در خارج به نرخ نازلی بفروش میرسد شرکت پشتون هیشکی را جهت خریداری کشمش سبز در سمت شمالی کابل اعزام نموده و مقداری کشمش از سمت منور خریداری و ذریعه موثر به قندهار و از آنجا بپند حمل کرده است تا به این واسطه از سبب قلت کشمش در بازار بشاور نرخ فروش منور ترقی بکند .

علاوه بر این شرکت پشتون یک کارخانه کنسروه (حفظ میوه) را خریداری و به قندهار برده است تا میوه جات قندهار را از قبیل زرد آلو ، شفتالو و غیره در قطعی های محفوظ پر کرده در بازار های خارجه بفروش برساند .

شرکت تنویرات

شرکت تنویرات درین سال با اصلاحات خوبی در امور تنویریه کابل و خرید عایدات موفق شده و امور اداری آن بیش از پیش کسب انتظام نموده است .

امور فنی :

- اول : - نصب میتر های جدید و سیم کشی منازل اهالی در طی سال ۱۳۱۴ بطریق آتی :
- الف - نصب میتر های جدید ۲۸۵ عدد .
- ب - نصب چراغ بقید میتر ۱۴۹۸ »
- ج - نصب چراغ های عددی ۳۰۲ »
- د - نصب چراغهای جشنی ۷۵۱ »

دوم : - ختم تمامی اصلاحات منازل اهالی که پس از ملاحظات هیئت تفتیش وزارت فوائد عامه اصلاحات لازمه را ایجاد می نمود .

سوم : - مراقبت وضع تنویر اهالی بصورت عمومی و خصوصی و بدست آوردن اشخاص اضافه ستان که وقتاً فوقتاً با تحقیقات مکمل آن ریاست معرفی شده و تحت جریمه آمده اند .

چهارم : - تزئید در عائدات نسبت بسال گذشته قرار ذیل :

سال ۱۳۱۳		سال ۱۳۱۴		افزانی	
پول	افزانی	پول	افزانی	پول	افزانی
اصل محصول بدون جریمه	۸۲	۲۴۸۷۹۷	اصل محصول بدون جریمه	۴۴	۲۶۸۲۱۶
موضوعی از بابت محصول			موضوعی از بابت محصول		
مساجد و جشن نجات	۵۰	۹۹۷۸	مساجد و جشن نجات		۱۳۳۹۵
عایدات تقدی بعد از			عایدات تقدی بعد از		
وضع محصولات معاف شده	۲۲	۲۳۸۸۱۹	وضع محصولات معاف شده	۴۴	۲۵۴۸۲۱
تزئید در عائدات اصل محصول بدون جریمه به نسبت سال		۱۳۱۳		۶۲	۱۹۴۱۸
د بعد از وضع محصولات معاف شده به نسبت سال		۱۳۱۳		۱۲	۱۶۰۰۲

سیم دوانی عمومی اداره فنی :

- اول : نصب باینها و تمدید سیم های عمومی یک مرکز برج مراد خانی .
- دوم : شهر جدید الحاقیه کابل
- سوم : تمدید سیم اصولی جاده اندرابی
- چهارم : اصلاحات موقتی سیم های عمومی در تمام حصص شهر دو صد نفره .

بسته کاری اداره فنی :

- اول : ساختن کوره جهت میتر های اهالی به تعداد ۱۲۰۰ دانگ
- دوم : نصب کورها بالای میتر های اهالی و مرفیج نمودن آن توسط معاون اداره فنی .
- سوم : ساختن خزکها جهت تمدید سیم جاده اندرابی .
- علاوتاً برنده غربی عمارت فعلی ریاست در سال ۱۳۱۴ اعمار پذیرفت .

فهرست شرکت های تجاری موجوده افغانستان

ملاحظات	صادرات	واردات	سرمایه باقانی	سال تاسیس	کار کار	رئیس	اسم شرکت	شماره	ولایت
	پیداوار افغانستان	شکر، سامان، مویز و اشیاء مختلفه	۲۱,۰۰۰,۰۰۰	۱۳۱۲	کابل	عبدالمجید خان	شرکت اسهامی	۱	کابل
		بطرول و روغنیات مویز	۰	۰	»	غلام حیدر خان	» بطرول	۲	»
	پوست قره قلی		۶,۰۰۰,۰۰۰	۰	»	حاجی محمد رفیق خان	» صابر	۳	»
	»		۱,۰۰۰,۰۰۰	۰	»	شکر داس	» دیانت	۴	»
	»		۱,۰۰۰,۰۰۰		»	عبدالحق خان	» برادران	۵	»
	»		۱,۰۰۰,۰۰۰		»	ایشان عن یرالله خان	» توکل	۶	»
	»		۱,۰۲۵,۰۰۰		»	عبدالغیر شاهزاده	» قناعت	۷	»
	»		۱,۰۰۰,۰۰۰		»	عبدالرشید خان	» ک. شش	۸	»
مواد خام	مواد خام	چرم و اشیاء بوت دوزی	۶۰,۰۰۰	۱۳۱۲	»	عبدالله خان	» وفا	۹	»
		پشم و ابریشم و نخ	۶۰,۰۰۰	۱۳۱۱	»	غلام حیدر خان	» امید	۱۰	»
		»	۲۳,۸۰۸	۱۳۱	»	»	» نجات	۱۱	»
		ادویه جات	۴۰,۰۰۰	۱۳۱۱	»	جمعه خان	» افغان	۱۲	»
		»	۳۰,۰۰۰	۱۳۱۲	»	سید احمد خان	» اتفاق	۱۳	»
		چرم و اشیاء بوت دوزی	۳۵,۰۰۰	۱۳۱۰	»	محمد سرور خان	» رفاه	۱۴	»
		»	۲۵,۰۰۰	۱۳۱۳	»	نور محمد خان	» برادران	۱۵	»
					»	غلام احمد خان	» چرمگری	۱۶	»
مواد خام		اموال جاپانی و نخ و پشم و ابریشم		۱۳۱۳	»	عبدالکریم خان	» کریمی	۱۷	»
		سامان برق	۴۰,۰۰۰	۱۳۰۵	»	عبدالمجید خان	» عبدالرحیم	۱۸	»
	میوه خشک	بوره و تیل بطرول	۱,۰۶۷,۳۰۰		قندهار	محمد موسی خان	» یشتون	۱۹	ولایت قندهار
	پشم و پوست و بسته		۱۵۰,۰۰۰	۱۳۱۱	هرات		» هاشمی	۲۰	ولایت هرات

ملاحظات	صادرات	واردات	سرمایه	سال تأسیس	محل کار	رئیس	اسم شرکت	شماره	تایید
	پشم و پوست ورسته		۱۰۰۰۰۰۰		هرات		د هراتی	۲۱	ولایت هرات
	ترياك پوست وغيره		۱۵۰۰۰۰۰	۱۳۱۲	»		د نوکل	۲۲	»
	پشم و پوست قره قلی		۲۵۰۰۰۰۰	۱۳۱۴	»		د حقیقت	۲۳	»
	»		۱۰۰۰۰۰۰	۱۳۱۲	»		د عنان	۲۴	»
	پشم، پوست قره قلی و غیره اجناس		۱۰۵۰۰۰۰۰	۱۳۱۳	»		د اتفاق	۲۵	»
	»		۵۰۰۰۰۰۰	۱۳۰۹	»		د سعادت	۲۶	»
	پشم، پوست پسته و غیره		۱۰۰۰۰۰۰	۱۳۱۱	»		د برادران	۲۷	»
	»		۱۵۰۰۰۰۰	۱۳۱۱	»		د هدایت	۲۸	»
	پشم و پوست پیدا، اردن		۲۵۰۰۰۰۰۰	۱۳۱۱	»		د اطمینان	۲۹	»
	»		۲۰۰۰۰۰۰	۱۳۰۹	»		د شریفی	۳۰	»
	پوست قره قلی	تیل خاک و ماسان رابری	۱۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۳۱۴	مزار شریف		د اتحادیه شمالی	۳۱	ولایت مزار شریف
	پوست قره قز		۱۰۰۰۰۰۰۰		»	حاجی زندی	شرکت ایبک	۳۲	»
			۱۰۱۰۰۰۰۰۰		افچه مزار	عبد الرشید خان	د سلامت	۳۳	»
					»	حاجی محمدقل خان	د اردات	۳۴	»
	پوست قره قلی		۵۲۰۰۰۰۰		اندخوی	دورانقل خان	د محبت	۳۵	حکومت اعلی میمنه
	»	رخت باب	۳۰۰۰۰۰۰	۱۳۱۲	میمنه	محمد جانخان	د افغان	۳۶	»
	»		۱۰۵۹۵۰۰۰۰		اندخوی	چهار یار قلی بای	د سعادت	۳۷	»
	»		۱۰۱۵۰۰۰۰۰		»	قلی بای	د صداقت	۳۸	»
	»		۱۰۱۲۵۰۰۰۰	۱۳۱۲	»	بابه قل	د اخلاص	۳۹	»
	»	تیل خاک و رخت	۱۰۰۰۴۵۰۰۰	۱۳۱۲	میمنه	عبد الرسول بای	د میمنت	۴۰	»
	پشم	اشیاء مختلفه	۱۱۹۰۶۶۴		فراه	غلام نبی خان	د ایجاد	۴۱	حکومت اعلی فراه و پنجان سور
			۵۰۰۰۰۰۰		»	عبدالرشید خان	د ثانی	۴۲	»

امراض وبائی، ساری و متعددی

قابل توجه اهالی افغانستان

بقلم جناب داکتر قریشی مرطیب

وزارت حریه

جناب داکتر قریشی مرطیب وزارت جلیله حریه که از هر صه طویلی بخدمات صحی در افغانستان مشغولیت دارد، نظر به معلومات و تجاریکه نسبت به طرز معیشت و اوضاع صحی وطن عزیز ما دارند، یک سلسله اطلاعات و سفارشات مفیدی را راجع به ذراکم حفظ الصحه عمومی مخصوصاً وسائل جلوگیری از امراض وبائی و ساری بقسم مقاله ترتیب و بانجمن ادبی اهدا کرده اند که ما برای استفاده خوانندگان سالنامه کابل ذیلاً درج مینمائیم «د انجمن»

حالات ناگهانی امراض ساری هزارها انسان را تلف نموده و درحین شیوع خود هرکس را همراسان و پیریشان می سازد، این امراض تنها به اطفال یا اشخاص مسن داخل مجادله می شود و یک صنف را از ایامی اندازد، بلکه بصورت عمومی اطفال و اشخاص را تلف میکنند، از آنجا که حفظ وجود فرض و برای رفهمیچه امراض تدابیر لازمه را، از روی فن روی کار آوردن ضروری است بایستی بحفظ ما تقدم کوشیده نگذارند تا این امراض خطرناک و تباہ کن حیات یک جمیت را به تباہی انداخته و در نتیجه اسباب تباہی گردد. مما لك متمدن بواسطه حفظ ما تقدم و پیش بینی که راجع باین قسم امراض نموده اند، کمتر مورد اتلاف واقع شده و بسبب دفاع تا اندازه از خطر نجات یافته اند، بلکه می توان گفت که در اثر مبارزه صحیح، کنون در ممالک مزبور از بعضی امراض مضره بجز نام اثری باقی نمانده. چنانچه مرض وبا و چیچک و طاهون و امثال آنها به ندرت در اروپا نام برده میشود.

پس لازم آمد تا معلومات مختصر را جمیع به پیدایش امراض و اینکه انسان چه طور بآن مبتلا میشود و یا چگونه مرض از یکی به دیگری میرایت می کند یا راه مطالب را با اطلاع عامه برسانیم.

میرایت مرض وبائی بذریعه میکروبها میباشد، این میکروبها بتوسط مکر و سکوب (ذره بین) دیده میشوند. هر مرض نسبت به صفات میکروب مخصوص آن در شکل و شمائل از دیگری فرق کلی داشته میباشد.

۱. میکروب یک مرض ساری در وجود خود مرض همان مرض میباشد.
۲. این میکروب از وجود مرض به توسط بول و براز و لعاب دهن و بلغم و عرق و غیره خارج میشود.
۳. میکروب های خارج شده بذریعه آب، هوا، غذا، لباس و مگس و غیره به وجود انسان تندرست رسیده و او را مرض می سازد.

تقرضات میکروب امراض و مقابله خون:

در خون دو قسم ذرات موجود میباشد، یکی سرخ و دیگری سفید، چونکه تعداد ذرات سرخ زیاد است، از این سبب رنگ خون سرخ مینماید، ذرات سرخ رنگ در وجود اشخاص بمنزله بومی یا اهلی هستند که به چنگک ها تعلق ندارند بلکه وظیفه شان پرورش و آبادی بدن است، ذرات سفید بمنزله سکرکی و نظامی هستند، هر وقتیکه دشمن یعنی میکروب مضر داخل وجود شود این سهاکر دلاور فوراً آنجا رسیده با میکروب های

مضره داخل مبارزه می شوند، اگر بر جراثیم مضره فایق شدند صحت مأمون میماند و اگر میکروب مضر غالب شد، بدوران خون داخل شده و شروع به عملیات مینماید و صحت را مختل می گرداند.

نسبت بحاربه میکروب با خون، و غلبه بیت میکروب در دنیا کشفیاتی بعمل آمده و سالی بوجود آورده اند که ذیلاً بیان میشود: برای مدافعه امراض ساری انجکشن (تزریق) ها تجویز شده و یکجمله ترکیبات آن از جراثیم مرده است و قتیکه جراثیم مزبور بوجود رسانده میشوند چون آنها مرده اند، ذرات سفید بخوردن آن معتاد شده و بالاخره نظر به این اعتیاد می توانند قتیکه جراثیم زنده يك مرض بوجود داخل شوند از قوه که دارد، یا از اثر مقابله همان انجکشن میکروب که مرده را خورده این جراثیم جدید متعرض را نیز کشته و ذرات سفید آن را بخورد و باینوا سطح صحت خراب نمی گردد.

غلبه میکروب (یعنی دوره مرض) را اصول فنی به ۳ درجه تقسیم کرده است:

- ۱ - مدتی که میکروبها بوجود داخل شده حمله می آرد، « دوره حمله » مرض میگویند
- ۲ - مدتی که میکروبها بذرات سفید خون در محاربه شده، و میکروب های متعرض فاتح گشته و مولد مرض می گردند « دور تفریح » مرض یا « معاد اخفائی » می نامند.
- ۳ - مدتی که زهر مرض (یعنی میکروب زنده) در وجود مریض بوده و به شخص سالم امکان رسیدن دارد « دوره مرایت » مرض میگویند.

پیش بینی در حین شیوع با اطلاع يك مرض ساری:

حتی که يك مرض در شخصی شیوع یافت، برای اینکه بدیگر اشخاص مرایت نکند، و حیات جامعه را در خطر نیندازد، بایستی اصول قرنطین روی کار کرده شود.

قرنطین علیحده ماندن مریض را میگویند، از اشخاص سالم و نیز عاملین قرنطین به مبتلایان امراض ساری هدايات لازمه را میدهد.

قرنطین هر مرض میمادی دارد - مدت قرنطین امراض قرار بیکه در جدول ذیل نشان داده شده تخمین

میشود.

شماره	اسم مرض	دور تفریح	دور مرایت مرض	مدت قرنطین
۱	چچک	۱۲ الی ۱۴ روز	۶ هفته	۱۶ روز
۲	خناق زهری (دبتری)	۲ > ۲	۶ >	۱۲ >
۳	مر خکان	۸ > ۱۴	۴ >	۱۶ >
۴	پپچش	۲ > ۷	تا زمانیکه میکرو بهادر بر از مریض باشند	
۵	وبا (کالرا)	۲ > ۶	> > >	۸ روز
۶	اسهال	۱ > ۷	۲ هفته	
۷	تب های محرّفه	۱۱ > ۲۱	۶ >	۱ ماه
۸	تب محرّفه هریانی (تیفوس)	۱۱ > ۱۲	۴ >	۱۶ روز
۹	تب لرزه (ملیریا)	۸ > ۱۲	تا زمانیکه میکروب هادر خون مریض باشند	
۱۰	مرفه کلان	۴ > ۱۴	۸ هفته	۲۱ روز
۱۱	مرخ باد	۲ > ۴	۱ >	۱ هفته
۱۲	نزله وبائی (انفلوآنزا)	۱ > ۵	۴ >	۱ >
۱۳	کله چرک	۱۴ > ۲۱	۲ >	۲۴ روز
۱۴	سل	نا معلوم	تمام وقت	۰۰۰۰

اینک برای آنکه مطلب خوب فهمیده شود، يك مثال نیز می آوریم :

مثلاً شخصی از جلال آباد بکابل آمده و بعد از ۲ یا ۴ روز چیچک می کشد، چون « دورهٔ تفریح مرض » چیچک ۱۲ الی ۱۴ روز است - لهذا معلوم میشود که به این شخص مکر و ب چیچک در جلال آباد سرایت نموده است، در اینصورت اگر بودن مرض چیچک در جلال آباد به یقین پیوست اشخاص مشبه را در بین راه قبل از اینکه بکابل داخل شوند باید نظر به اصول قرنطین ۱۶ روز معطل کرده و تحت مراقبت گرفت هرگاه درین مدت چیچک نه کشید اشخاص مشبه را خال چیک زده و البته وسایمان شان را ضد عفونی کرده اجازهٔ داخل شدن بکابل باید داد تا که از عدم حفظ ما تقدم مرض بکابل سرایت نکرده مردمان را مبتلا نسازد.

مکروب ها بند را تم مختلفهٔ ذیل از سرریز به اشخاص سالم و تندرست انتقال می یابد :

اول : بذریعۂ تماس و امراضی که « بذریعۂ تماس سرایت می نماید » امراض متعدی « میگویند، مثلاً تب های محرکه و غیره .

دوم - بذریعۂ هوا و امراضی که بواسطهٔ هوا انتقال میکنند « امراض عفونی » میگویند مثلاً - زنهٔ وبائی « اقلوا نیز » و غیره .

سوم : بذریعۂ نشتر و زخم و امراضی که توسط نشتر و زخم سرایت می نماید « امراض دخولی » میگویند مثلاً خال چیچک زدن و غیره .

طریق سرایت امراض از روی جدول ذیل فهمیده میشود :

- | | | |
|---|---|--|
| ۱ | امراضیکه بذریعۂ هوادر وجود تاثیر میکنند ، | چیچک - سرخکان - کله چرک - مرفهٔ کلان - زنهٔ وبائی - خناق زهری - سرخ باد - ریش - اسهال - سل شش و غیره . |
| ۲ | امراضیکه از بول و برا بذریعۂ مکس ها یا لباس یا دست های نا شسته و غیره به آب و غذا شامل شده و بعض خور دن و نوشیدن بوجود سرایت میکند . | تب هائی محرکه - بیچش - اسهال - سل روده و غیره . |
| ۳ | امراضیکه بذریعۂ زخم شدن با نیش دندان و نیشتر بوجود داخل میشود . | جدام - سگ دیوانه - آتشک - سوزاک - تی تی نس (کزاز - قیصرک) یوو ریرل فیور و غیره . |
| ۴ | امراضیکه بذریعۂ پشه - مکس های زهری - شیش و کیک و غیره بوجود سرایت میکنند . | تب لرزه - ری یسکه فیور - طاعون - تب محرکهٔ هنریائی و غیره . |

هدایات برای جلوگیری در موقع شیوع امراض ساری و وبائی :

۱ - بیش از همه در موقع شیوع امراض مسریه صفائی و یاکی داخل و خارج خانهٔ نشین و غیره لازم است حتی تمام شهر خصوصاً نقطهٔ که ظهور مرض از آنجا دیده شده باشد . باید در هیچ جائی انبار های کفایت و ناپاکی نباشند تا از عفونت آن هوا خراب و مواد امراض نگردد - از طرف مراکز صحی و صلاحیت دار باید در بناب توجه بعمل آورده خصوصاً کوچه های کوچک تنگ و تاریک و آن حصه های شهر که آبادی و نفوس زیاده داشته باشد تحت توجه مخصوص گرفته شود .

۲ - بوقت شیوع مرض خزان آب ، و چاه ها همه باصول فنی در تحت احتیاط بوده - خزان آب همراه کلورین گاز و چاه ها توسط یوناسیم یرمنگناس و یا چونه آب نرسیده صفا و پاک کرده شوند . نزدیکی خزان آب باید به هیچ کس اجازه داده نشود تا آب سهوا یا ازلا علمی فاسد نشود .

۳ - در وقت شیوع يك مرض وبائی ، انبوه و اجتماع مردمان يك جائی از قبیل میله و جشن و غیره مضر بوده ، چه اشخاصیکه مبتلا به مرض گردیده باشند مکروب های وجود آنها به دیگران سرایت میکند علی الخصوص اشخاصیکه بظرف شخص مریض بنوشند یا بخورند زودتر مبتلا به مرض میشوند و بالاخره با بنواسطه مرض یکی بدیگر رسیده و بسا اشخاص گرفتار مرض خانمان سوز میگردد و جامعه و محیط را مرض استیلا میکند .

۴ - در موقع شیوع مرض بول و بر از نباید درمراجا کرده شود بلکه باید مواضع آن مخصوص باشد زیرا مکس ها و غیره از آنجاها امراض را باخود حمل نموده و قتیکه بالای میوه و یا ظروف و غیره نشستنند و استعمال کرده شد مرض با انسان سرایت میکند . و یا اینکه بصورت ذرات بهوا شده بذریعه باد در حین تنفس به شش و جگر جا گرفته صحت را خراب و مختل میگردد .

۵ - آفتاب طبعاً بهترین عاملی است برای کشتن مکروب . پس باید هر زمان و خصوصاً در ایام شیوع مرض ؛ خانه های نشیمن که بان آفتاب برسد حتی کلکین ها و دروازه های آن باز باشد - تا آفتاب با آنجا تافته و میکروب ها را بکشد - خانه که آفتاب نداشته و یا مطابق اصول فنی آفتاب بان نرسد در حقیقت خانه میکروب و مرض بوده حتی محل سرایت امراض میباشد . مثل مشهور است جائیکه آفتاب نمی رسد دا کتر نمی رسد .

۶ - مریضان مرض متعددی از دیگران طبعده بوده و با هم یکجا نباید اقامت کنند و این جدا کردن مریضی را « انتزاع » میگویند - و آن بدو طریق میشود :

(الف) مریض مبتلا بمرض متعددی را یک اطاق طبعده آفتاب رخ و هوادار نگاه داشته زیر معالجه میگیرند .

(ب) از طرف دواثر صعبه و صلاحیت دار در بیرون شهر خانه های طبعده و یا شفا خانه های مخصوص مقرر کرده میشود - و مریضان مرض وبائی را فوراً آنجا نقل داده زیر مراقبت هلی میگیرند

۷ - در زمان شیوع يك مرض ترتیبات دفاعیه بمقابل عفونت و مکروب کشی قرار آتی کرده شود :

(الف) در جو بیچه ها و آب رو هائی گنر و شهر (فنائل) - (کار پالک ایسد مرکری) و غیره انداخته شود .

(ب) در خانه سنکک کوگرد - کافور - کلورین گاز - استعمال کرده شود .

(ج) بالای انبار هائی نایاکی و در مکان ها چونه آب نرسیده انداخته شود .

(د) بر خندق های آب ایستاده نیل خاک و غیره پاشیده شود .

۸ - آب خوردن از جاهای مخصوص و محفوظ که یاکی و خوبی معروف باشد استعمال شود ، آب چاه و جوی را نیشامند - بل جوش دادن بهترین وسیله برای کشتن میکروب است .

۹ - اگر يك مرض از حد زیاده شیوع یافت و مبتلایان آن بکثرت رسید ، بهترین است که اهالی برای چندی تبدیل خانه کرده دور از آبادی در میدان که بلند و آفتاب روو دارای آب و هوای خوب باشد خانه های حارثی ساخته و یا در خیمه ها زندگانی بکنند .

۱۰ - در وقت معلوم شدن يك مرض متعددی انجکشن های مخصوص برای حفظ ما تقدم بصورت عمومی حتی و ضروری است .

- ۱۱ - بوقت شیوع کدام مرض وبائی تحت مراقبت و معالجه گرفتن غربا و بیچارگان و بی استقامت آن ضروری دیده میشود چرا که مرض وبا و غیره امراض هموماً از هم با شروع میشود از آن سبب لازم است که مقتدرین هنگام شیوع مرض برای فائده خلق الله که فائده شخصی خودشان نیز در آن مقصود است، نگرانی خوراک و آب و صفائی خانه‌های همسایه خود را داشته باشند.
- ۱۲ - به همه اوقات حتی المقدور غذای سریم الهضم و لباس صفا استعمال و در باره صحت بدن خود توجه زیاد مبذول باید داشت.
- ۱۳ - در وقت رفتن بخانه‌های غیره برای فاتحه خوانی و عبادت، معده خالی نبوده، ضروراً بیک اندازه لازم غذای سریم الهاضمه تناول کرده بروند و حتی المقدور بخانه سر بیض چیزی خورده نشود. اما چای یا قهوه (که جوش داده میباشد) اگر نوشیده شود ضرر ندارد.
- ۱۴ - کسانی که صحت خود را خفیفاً دچار مرض به بینند فوراً به معالجه پرداخته و بد اکثر رجوع نمایند.
- ۱۵ - نزد مریض، زیاده از اندازه ضرورت خدمتکار نباشد - حرف زدن و گفتار و شور و غوغا سبب ناآرامی مریض است.
- ۱۶ - بوقت شیوع و باء سببجات را خام خوردن میوه ناسته و ثقیل ضرر دارد - از شیر و قیاق و ماست و شیرینی‌های بازار پرهیز شود - شیر نا جوش داده خورده نشود.
- ۱۷ - کسانی که برای عبادت میروند - اگر به اطباق مریض نه نشینند و بد بگر اطباق به نشینند بهتر است چرا که:
- (الف) مریض نا آرام میشود.
- (ب) از انبوهی نفی جلدت مریض بریشان و هراسان میگردد.
- (ج) هوای صاف که برای مریض ضروری است از سبب نفی زیاد قاصد میشود.
- (د) احتمال مرایت مرض به بگران است
- ۱۸ - در یک خانه اگر مرض زیاد باشد - باید همه مریضان از یک دیگر جدا باشند زیرا ممکن است مرض یک شخص کم باشد و شفقت کند و یا از مریض دیگر که مرضش شدید است شد بدتر شود - دوم یک مریض که بجات نزع باشد دیگر مریضان متاثر میشوند و باین واسطه امراضشان شدید خواهد شد.
- ۱۹ - خواراک و پوشاک مریض حتی المقدور باید به اصول نفی موافق باشد و ستره کمی و صفائی مد نظر گرفته شود - کثافت و ناپاکی بیش مریض جم نکند. دستمال و البسه مریض را بهر جا نینداخته، او به احتیاط یک جای جم کنند و همراه آب گرم بشویند. اما بهتر این است که در آب انداخته همه را جوش بدهند.
- ۲۰ - آب شستن کالا به جاها نیکه محل آمد و رفت مردم باشد و یا زدیك چاه و تالابیکه از آن برای آشامیدن و یا استعمال کاری گیرند قطعاً نیندازند و کالاهم به نزدیک آن نشوبند.
- ۲۱ - سطح اطباق مریض اگر بچته کاری باشد خوب شسته شود - و اگر بچته نباشد اگر بقدر سه انچ از خاک سطح تمام اطباق را بدر و به عوض آن دیگر خاک بیندازند مفید است.
- ۲۲ - بول و براز مریض و بلم و غیره اودفن، یا سوختانده شود و یا در محلول - سر کری اوشن، کاربالک لوشن، فنانل، چونه آب نارسیده بیندازند.
- ۲۳ - بستره و البسه مریض اگر قیمت معتبری نداشته باشد سوختانده شود و یا بدریمه باشین ضد عفونی کرده شود.
- ۲۴ - در ایام شیوع مرض لازم است اشخاص مسئول گذر، اطلاع مرض را به مقامات مربوطه فوراً برسانند تا تدابیر لازم برای جلوگیری مرض اتخاذ شود.

ورزش تربیة بدنی

انجمن اولمپیک افغانستان

و پیشرفتهای یکساله آن

بمقام جناب محمد یعقوب خان
منشی انجمن ملی اولمپیک

امروز از اهمیت ورزش هیچکس بیخبر نیست و هر کس میدانند که ورزش وسیله سلامت یک ملت و سلامتی فکر مستلزم سلامت و تندرستی جسم افراد میباشد. بنا بران جای بسی مسرت و خوشبختی است که حکومت خبیر و غمخوار ما به این قسمت نیز توجه خاصی مبذول داشته و در راه عمومیت یافتن ورزش های عصری در مملکت اقدامات مهمی کرده است. ازان جمله یکی تاسیس انجمن اولمپیک میباشد که تمام تشکیلات ورزشی مملکت را نگرانی کرده و در راه پیشرفت آن تسهیلات لازمه را فراهم میسازد.

ذیلاً مقاله را که منشی انجمن اولمپیک راجع بتاسیس انجمن مو صوف و اقدامات و فعالیت یکساله آن نوشته برای استفاده خواننده گان عزیز درج و چون اصطلاحات مخصوص ورزش همین قسمیکه در مقاله مذکور درج میشود در اذهان عامه تعمیم یافته، لهذا از تغییر دادن آن صرف نظر شد. «انجمن»

از بدو تاسیس انجمن ملی اولمپیک افغانستان که در رأس آن ع. ج. ۱۰۱۰، نشان والاحضرت سر دار شاه محمود خان وزیر صاحب حریمه غازی میباشد انجمن مزبور در پیشرفت ورزش اقدامات خیلی صحیح و سریم کرده و نتایج خیلی قابل تقدیر ازان بدست آورده.

شرح مختصر از تاسیس انجمن اولمپیک و پیشرفت های سال گذشته ورزش را فارتین گرام در سالنامه ۱۳۱۳ کابل ملاحظه فرموده اند.

در سنه ۱۳۱۴ تورنمنت فٹ بال (شاه محمود فٹ بال تورنمنت) بار ثانی بزرگ انجمن ملی اولمپیک افغانستان جریات یافت.

بازیهای تورنمنت بقرار جدید ترین قوانین بین المللی اجرا شده. درین تورنمنت ۷ تیم بقرار آتی

شمولیت ورزیدند:

۱- محمودیه

۲- زلمیان

دردشکاران افغانی در مسکو



پدیرانی میت و ورزشکاران و سفارت کبرای افغانی دو انجمن شوروی ارتباط تمدنی باخارج در مسکو
A Moscou : Réception des sportifs afghans et des membres de l'Ambassade d'Afghanistan à la
Société des Relations Culturelles avec l'Étranger.

ورزش کاران افغانی در تاشکند



میتدوو ز شکاران افغانی با رئیس انجمن ورزش ارزبکستان و مامورین و ورزشکاران شوروی در تاشکند .
La réception des sportifs afghans à Tachkent (U.S.S.R)

۱

۲

۱۳ - شاهي .

۱۴ - ټيم اول حريه .

۱۵ - ۲ >

۱۶ - معارف .

۱۷ - ترويج .

از آنجا که تورنمنت فوق الذکر بصورت ليک بازی لدز (۲۱) مسابقه در چمن حضوری به عمل آمد و بدینصورت هر روزه برای صد ها نفر از علاقه مندان سپورت اسباب تفریح فراخ آورده شد . در نتیجه موفقیت درجه اول برای ټيم (مخودیه) حاصل گردید و این دفعه دوم است که ټيم مخودیه به این کامیابی نائل می گردد کپطان ټيم مذکور جناب سردار محمد فاروق خان می باشد .

مقام درجه دوم را ټيم شاهي حائز گردید :

بعد از اختتام تورنمنت فټ بال (تورنمنت والی بال) بصورت « ناک اوت سیستم » در بین قطعات عسکری مرکزی کابل در میدان سپورت وزارت حریه به عمل آمد . در این تورنمنت جیم قطعات مرکز شمولیت ورزیدند در نتیجه ټيم وزارت حریه مقام اول ، ټيم فرقه شاهي مقام دوم را حائز گردید .

کپتان ټيم وزارت حریه جناب عبداللطیف خان سرکاتب شعبه اول اداره مامورین وزارت حریه بودند . در یکی از این مسابقه ها بعضی مهبان های خارجی که درجه نماشا کنندگان مسابقه حضور داشتند ، مهارت ورزشکاران و حسن انتظام امور ورزشی ما را تحسین کردند .

سپورت در ایام جشن استقلال سال هفدهم :

امسال علاوه بر رسم گذشت قطعات عسکری یک رسم گذشت دیگری از ورزشکاران مرکز کابل نیز به عمل آمد . در این رسم گذشت بالغ بر چهار هزار ورزشکار شمولیت ورزیدند . رسم گذشت مذکور به روز دوم جشن به ساعت چهار عصر در چمن حضوری بحضور مبارک اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه پادشاه جوان جوان بخت و سرپرست اول سپورت افغانستان والا حضرت سردار محمد هاشم خان صدر اعظم صاحب و سرپرست دوم سپورت افغانستان ، و کابینه محترم وزراء هیئت محترم کوردیلو ماتیک و رجال معروف و معظم مملکت عزیز به عمل آمد . تفصیل مشترکین از روی صنوف سپورت بفرار آتی است .

۱۱ - هاکی ۴۱۸ نفر

۱۲ - فټ بال ۹۷۶ >

۱۳ - والی بال ۱۲۶۹ >

۱۴ - سپورت های انفرادی ۸۸۲ >

۱۵ - ټینیس ۵۲ >

۱۶ - آتن ملی ۷۲۰ >

جمعاً ۴۳۱۷ نفر

بواسطه کمی وقت نفری پهلوان ، تیرانداز ، سوارکار ، چوب باز ، میربدگان ، و ما هرین ورزش های وطنی شمولیت ورزیده نتوانستند والا تعداد مشمولین بالغ بر (۶۰۰۰) نفر می گردید .

نفری فوق از قطعات مختلف عسکری ، معارف ، وزارت خانه ها ، و عموم طبقات اهالی کابل بودند . نظیر این ، رسم گذشت در افغانستان چه بلکه در شرق هم کمتر دیده شده . تنظیم و ترتیب نفری چه از حیث لباس و چه از حیث رسم گذشت مورد تحسین و تقدیر اعلیحضرت همایونی و دیگر ذوات محترم گردید .

تیم لباس این نفری در مدت خیلی قبل به جدیت و فعالیت جناب ع ، ش س ، ع احمد ملیخان رئیس اردوی وزارت حریه در خیاط خانه وزارت موصوف کرده شد .

جناب رئیس صاحب مذکور در تنظیم رسم گذشت مسامی بلیغ فرمودند و این مسامی شان از طرف اولیای امور مورد تحسین و تقدیر قرار داده شد .

انجمن اولییک هم بنوبه خود از زحمات جناب رئیس صاحب و ازین حسن اداره و جدیت و فعالیت شان تشکر میکنند . علاوه برین جناب رئیس صاحب در پیشرفت سیورت صورت عمومی حصه زیاد میگردد در نتیجه زحمات ایشان بود که تیم وزارت حریه در تور نمنت والی بال مقام اول را حائز گردید . ما ، وقتیت جناب رئیس صاحب اردو را در جمع امورات پیشرفت مملکت عزیز خود از درگاه ایزد متعال نیاز میکنیم .

وضعیت و ترتیب رسم گذشت ورزشکاران :

۱ : ع ، ج ، ۱۰ ، ۱۱ ، نشان والا حضرت سردار شاه محمود خان سپه سالار روزیر حریه غازی و رئیس انجمن اولییک افغانستان .

۲ : در عقب والا حضرت محمد ح ، بیق اولییک افغانستان به دست ش ، محمد یعقوب خان کند کشر منشی شعبه اداری انجمن ملی اولییک افغانستان .

۳ : معاونین رئیس انجمن و اعضای انجمن اولییک به وضعیت داکی قطار

۴ : اعضای تیم هاکی که بخارج رفته بودند

۵ : نفری تینس

۶ : نفری هاکی

۷ : دفت بال

۸ : « سیورت های انفرادی

۹ : « والی بال

۱۰ : « آتن ملی

رسم گذشت از ساعت ۴ الی ۶ و نیم دوام کرد .

سیورت های انفرادی بقرار ذیل بود :

۱ : دویدن (۱۰۰ متر)

۲ : انداخت هیبر (یک قسم وزن)

۳ : خیز قدم دار

۴ : انداخت لنگر مدور هموار (دسک)

۵ : دویدن و خیز زدن از موانم

۶ : انداخت گلوله آهنی

۷ : خیز دراز .

اسامی نفری که در بازیهای مختلف مقام اول را حائز گردیده اند قرار آتی است .

دویدن ۱۰۰ متر غ ، خان محمد خان فولبشر فرقه شاهی

انداخت هیبر د ، احمد خان « موظف کلوب حریه

خیز قدم دار « ، خان محمد خان « فرقه شاهی

انداخت دسک عبد البقی خان از افراد قول اردوی مرکز

ورزشکاران افغانی در اتحاد شوروی



میت ورزشکاران افغانی در دعوتی که از طرف رئیس انجمن ورزش اوزبکستان بلخارشان داده شده بود
A Tachkent : Réception des Sportifs afghans à la Société du Sport d'Uzbékistan

ورزشکاران افغانی در اتحاد شوروی



پند بر ائی هیئت ورزشکاران افغانی در موزیکه از طرف رئیس انجمن ورزش اوزبکستان با تهنیت شان دادده شده
A Tachkent : Réception des Sportifs afghans par le Chef du Sport d'Uzbbékistan

دویدن و خیز از موانع غ ، خان محمد خان تولبشر فرقه شاهی
انداخت گلوله آهني عبد الله خان نورستاني حاضر باش والا حضرت وزير صاحب حريه غازي
خيز دراز غ ، خان محمد خان تولبشر فرقه شاهی

غ ، خان محمد خان که یکی از فارغ التحصیلان سال ۱۳۱۲ مکتب فنون حریه می باشند در هر یکی از چهار
مسابقه فوق که شمولیت ورزیده بودند مقام اول را جاز شد و در آن جمله در خیز دراز ۱۱ اینج - ۲۲ فوت
خیز زده معیار آسیای غربی را شکستاندند فی الحقیقت جناب خان محمد خان به معنی اصلی یک ورزشکار میباشند .

طبیعی است که در ایام جوانی انسان به هر قسم هو سها مایل می باشد ، اما اگر ورزش عمومیت داشته و
جوانان بآن اشتغال ورزند ، بطور قطع از دیگر قسم هوسهای مضره و ناشایست محفوظ خواهند شد و در نتیجه
صحت جسمانی شان از یک طرف و اخلاق و سجایای نیکوی شان از طرف دیگر ضایع خواهد شد .

مسابقه های فوت بال و هاکی با تیمهایی که از خارج برای شمولیت در جشن استقلال مدعو شده بودند ،
در جشن استقلال ۱۳۱۴ تیم های آنی الذکر از خارج مدعو شده بودند ،

۱ - تیم فوت بال (افغان کلب پشاور)

۲ - >>> (اسلامیه کالج د)

۳ - تیم فوت بال دی . پی . کالج دیره اسمعیل خان

۴ - >>> هاکی اوورز کلب پشاور .

علاوه بر فوق یک مسابقه بین تیم هاکی سفارت برطانیه مقیم کابل و تیم وزارت حریه در جشن به عمل آمد .

اعضای تیم خارج با منتظمین و غیره ۷۸ نفر بودند که از ورود شان به سرحد افغانی الی عودت شان ، مهان حکومت
متبوعه ما بودند . برای این مهانان عزیز د ، مهانخانه کلوب حریه که موسوم به « قریه اولمپیک » است جای
تخصیص داده شده بود و از طرف حکومت ش ، محمد یعقوب خان کند کش و سید محمد ایوب خان و اورنگ زب خان
مهاندار مقرر بودند .

نتایج مسابقه های فوت بال با تیمهای خارجی قرار آتی است :

تیم کابل با مقابل تیم افغان کلب پشاور ۱ - ۰ (تیم کابل غالب گردید)

>>> محمودیه >>> (اسلامیه کالج پشاور ۱ - ۱) (مساوی)

>>> معارف >>> دی ، پی ، کالج ۲ - ۱ (تیم معارف غالب گردید)

یوشیده نمایند که در سنه ۱۳۱۳ همین تیم افغان کلب پشاور به تیم منتخب شده کابل به ۴ - ۱ گول غالب
گردیده بود لکن با وجود اینکه امسال از کابل سه تیم فوت بال بصورت جدا گانه بازی کردند تیم کابل به تیم
افغان کلب پشاور به ۱ - ۰ غالب گردید و پیشرفت فوت بال از روی این بخوبی قیاس شده میتواند .

نتایج مسابقه های هاکی :

تیم کلوب حریه بالمقابل تیم منتخب شده خارجی ۲ - ۴ (تیم خارجه غالب گردید)

>>> >>> >>> اوورز کلب پشاور ۳ - ۵ (>>> اوورز >>>)

>>> >>> >>> سفارت برطانیه ۳ - ۰ (>>> کلوب حریه >>>)

مسافرت هیئت ورزش افغانی به روسیه :

بر طبق دعوتیکه از طرف انجمن اولمپیک شوروی به ورزش کاران افغانی داده شده بود ، عده
از ورزش کاران افغانی تحت ریاست جناب عبدالواحد خان (یکی از ورزش کاران معروف قدیم افغانی)

در برج عقرب ۱۳۱۴ به طرف روسیه حرکت کردند. هیئت مزبور مشتمل بر تیم والی بال و تیم سیورت های افرادی بود.

اگر چه سیورت از هر صده دو سال است که بصورت فنی در مملکت عزیز ما ترویج یافته لاکن با آن م در مسابقه والی بال تیم افغانی بالمقابل تیم شوروی مقاومت قابل تقدیر را نشان داده و جرائد شوروی بازی تیم افغانی را خیلی قابل تقدیر و تمجید کرده اند در نتیجه مسابقه والی بال تیم شوروی در بازی اول بر تیم افغانی به ۲۲ - ۱۸ و در بازی دوم به ۲۲ - ۲۰ غالب گردید. در سیورتهای افرادی جناب عبد الله خان در انداخت گلوله مقام اول و جناب خان محمد خان در مسابقه خیزدراز و خیز قدم دار علی الترتیب مقام ۲ و ۳ را حاصل نموده.

و در بین نفر اول دوم فاصله چند سانتی بوده. این نتیجه هم خیلی قابل تحسین است. مسافرت هیئت افغانی در خاک شوروی بیشتر از یک ماه دوام کرد و چه در بین راه و چه در تاشکند و ماسکو هیئت افغانی از طرف حکومت و ملت سیورتنی شوروی خیلی گرمی پذیرائی شد. مسافرت تیم افغانی برای پیشرفت سیورت مملکت عزیز ما یک تجربه خیلی مفید ثابت خواهد شد.

شمولیت هیئت سیورتن افغانی در بازیهای اولمپیک بین المللی برلین :

رای شمولیت و بازی کردن در اولمپیک یازدهم دعوت از طرف کمیته اجرایی نازیهای مذکور به عنوان انجمن اولمپیک افغانستان فرستاده شده بود و از طرف انجمن ما پذیرفته شده.

مصارف هیئت مذکور را حکومت مقبوعه ما که همه وقت برای پیشرفت هر شعبه مملکت عزیز ما کوشش دارند منظور فرموده است.

به فرار پرگرام انشاء الله تیم افغانی در اوائل حمل ۱۳۱۵ هجری ارویا از مرکز کابل حرکت خواهند نمود و چندی در پشاور به فرض مشق توقف کرده بتاريخ ۹ می ۱۹۳۶ میلادی ذریعه جهاز از بلژی به طرف ارویا حرکت خواهند کرد. قبل از شمولیت در اولمپیک یازدهم، تیم افغانی در دیگر ممالک ارویا که انجمن های هاکی آن به تیم افغانی دعوت داده اند بازی خواهد کرد. در ایام توقف در هر مملکت، تیم افغانی مهمان انجمن های هاکی همان مملکت خواهد بود.

دعوت نامه هاکیکه از انجمن های مختلف اروپا رسیده قرار آتی است :

- ۱ - انجمن هاکی میانیه
- ۲ - سوئیزرلند
- ۳ - فرانسه
- ۴ - هالیند
- ۵ - بلجیم
- ۶ - اطریش
- ۷ - المانهای مقیم پراگ

انجمن اولمپیک افغانستان تشکرات صمیمانه خود را به حکومت مقبوعه خویش که از هیچگونه مساعدت مادی و معنوی در راه پیشرفت امور سیورت خود داری نه نموده، تقدیر می نماید.



موتل-خیز، بی که د ارای نام لوازم رها پیش عصری است
Hôtel moderne à GHAZNI (Prov. de Kaboul)



رهنمای افغانستان

نکارش جناب غلام جیلانیان اعظمی
معاون انجمن ادبی

افغانستان مملکتی است واقع در وسط ایشیا بفراسخی (۷۰۰) هزار کیلومتر مربع خاک و دوازده ملیون نفوس، حدود است از جهة غربی بحاک ایران، شمالاً بخارا و صحرای خوارزم، جنوباً بلوچستان، شرقاً پنجاب هند و ترکستان چینی. اوضاع طبیعی مملکت عبارت است از کوهستانات برفگیر، جنگلات، جلگه های سبز و خرم و بعضی صحاری با آبشارها، آبهای معدنی، رود بارهای زیاد و دارای آبهای شیرین و خوشکوار.

آب وهوای مملکت نسبتاً از لحاظ دوری دریا قدری خشک و بواسطه ارتفاع بعضی اماکن آن در گرمی و سردی تفاوت دارد ولی روی هم رفته درجه فارن هیت در زمستان از (۱۲) درجه و در تیز از (۱۰۰) درجه متجاوز نمی شود.

در مملکت غالباً همه انواع میوجات، حیوانات، سبزیجات و باقی محصولاتیکه در مناطق گرمسیر و سردسیر دنیا پیدا می شود بدست می آید، قسمت عمده حیات اهالی را زراعت و تجارت، و صنعت تامین مینماید.

زبان اهالی افغانستان پشتو و فارسی است، زبان های ترکی، ازبکی، نورستانی پشهئی، ارمیری و غیره هم بصورت اقلیت در بعض حصص مملکت محاوره می شود.

مذهب رسمی افغانستان مذهب مذهب حنفی و دین آن دیانت حقه اسلام است، ادیان دیگر مثل هندو، یهود نیز خیلی به تعداد قلیل موجود است، طرز حکومت افغانستان پادشاهی و مشروطه و دارای دو حوصه است یکی مجلس شورای ملی و دیگر مجلس اعیان، انتخابات اعضاء شورای ملی بآرای مستقیم ملت برای سه سال و اعضاء مجلس اعیان از اشراف و برجستگان قوم بطور دائمی از حضور پادشاه افغانستان انتخاب و مقرر می شوند، روی هم رفته اهالی افغانستان شجاع و وطن دوست، مہمان نواز، ذہین و زحمت کش و راست منش میباشند.

طرق مسافرت در افغانستان از جهت شرقی راه معروف دره خیبر، از جهت جنوبی و چمن قندهار از طرف غربی اسلام قلعه هرات، از جانب شمال و شمال غربی چهل دختران و ماروچاق، اندخوی پته کبیر، حضرت امام است، علاوه از راه های فوق الذکر راه های دیگری هم وجود دارد که مسافرین و اموال تجارتنی از آنها سرور و عبور مینمایند. خطوط تلفون، تلگراف در تمام نقاط مملکت متوازی بسربك امتداد یافته، پسته خانه ها، شفاخانه ها همه مراکز همه موجود و مورد استفاده عمومی واقع است.

پول رایج افغانستان عبارت از طلائی افغانی و رویه افغانی و نوت اعتباری است که قیمت طلائی شاهان قدیم مختلف و قیمت طلائی نادرشاهی و ظاهرشاهی قیمت (۴۵) افغانی است افغانی که پول رسمی افغان است قهرنی و دارای (۱۰) گرام وزن نقره است در وقت حاضر یک یوندا استرنیکه عبارت از (۴۴) افغانی می شود، بعد از افغانی نیم افغانی و سپس (۲۵) پولی (۲۰) پولی (۱۰) پولی (۵) پولی (۲) پولی و یک پولی

موجود است، نوت های افغانی حاضر آ بقیه های (۵) افغانی میباشد، پول ممالک خارجه در افغانستان رائج است ولی برای تسهیل داد و ستد، مسافر هندالورود پول های خارجه خود را می باید در کابل توسط شرکت اسهامی ملی افغان و در ولایات ذریعه شعبات مربوطه شرکت موصوف بمسکوک افغانی تبدیل نموده. رفع احتیاجات خود بپردازد.

زبانهای خارجی که در افغانستان معمول و بتفاوت کم و بیش در هر حصه مملکت متکلمین آن بشظر میرسد عربی ترکی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، روسی وارد و میباشد.

مسافرت اگر از طریق هند صورت بگیرد در کراچی، بمبائی، دهلی فونسلگری ها و جنرال فونسلگری افغانی موجود و راجع بمسافرت افغانستان از آنها هرگونه استعلامی ممکن است.

سهل ترین نقطه که از خاک هند بافغانستان از جهت شرقی مسافرت می شود پشاور است مسافرین غالباً بندریعه موتر حرکت مینمایند، موترهای تیز رفتار ولاری هر وقتی از پشاور بطرف افغانستان حرکت میکنند.

در پشاور یک دائره ویژه افغانی موجود است، مسافرین که از نمایندگیهای افغانستان مقیم خارج ویزه حاصل نکرده باشند از آنجا ویزه مسافرت افغانستان را حاصل میکنند کذا: دائره و کالت التجاری افغانستان و دائره شرکت اسهامی افغانی برای مبادله پول و حمل و نقل فرمایشات تجارتنی و شخصی حاضر است.

مسافرین وقتا که وارد مرحد افغانی می شوند بموضم تورخم یا سیورت های خود شانرا بدائره مرحد و اموال شانرا بمرحد آنجا اراکه میدهند از اموال که تجارتنی نبوده و شخصی باشد مطابق اصول گمرکی محمول اخذ نمی شود.

از تورخم الی جلال آباد مرحد هموار است که مسافه آن (۸۶) کیلومتر و بوسیله موتر تیز رفتار در ظرف (۲) ساعت قطع میشود از پشاور الی جلال آباد هرگونه اشیای خورا که در عرض راه پیدا میشود.

جلال آباد بار تفاع (۹۰۰) متر از سطح بحر واقم و بمرض البلد شمالی ۳۴ درجه و ۱۵ دقیقه و طول البلد مشرقی (۷۰) درجه و ۴۵ دقیقه است، شهر قدیم آن بین دیوارها محصور و تجار و کسبه و اشیای کار آمد در داخل شهر مذکور است، در خارج شهر عمارات خیلی زیبا و عصری، باغات و بستانها و جاهای تفریح موجود است که برای تماشا خیلی موزون و مساعد میباشد.

در جلال آباد یک هتل راحتی با هرگونه لوازم موجود است که مسافرین در آنجا با کمال راحت بسر برده و هرگونه فرمایش شان را جمعه خورا که محل بود و باش اجرا شده میتواند. درین هتل تیلنونی که بتوان در همه جا بخاربه نمود موجود است.

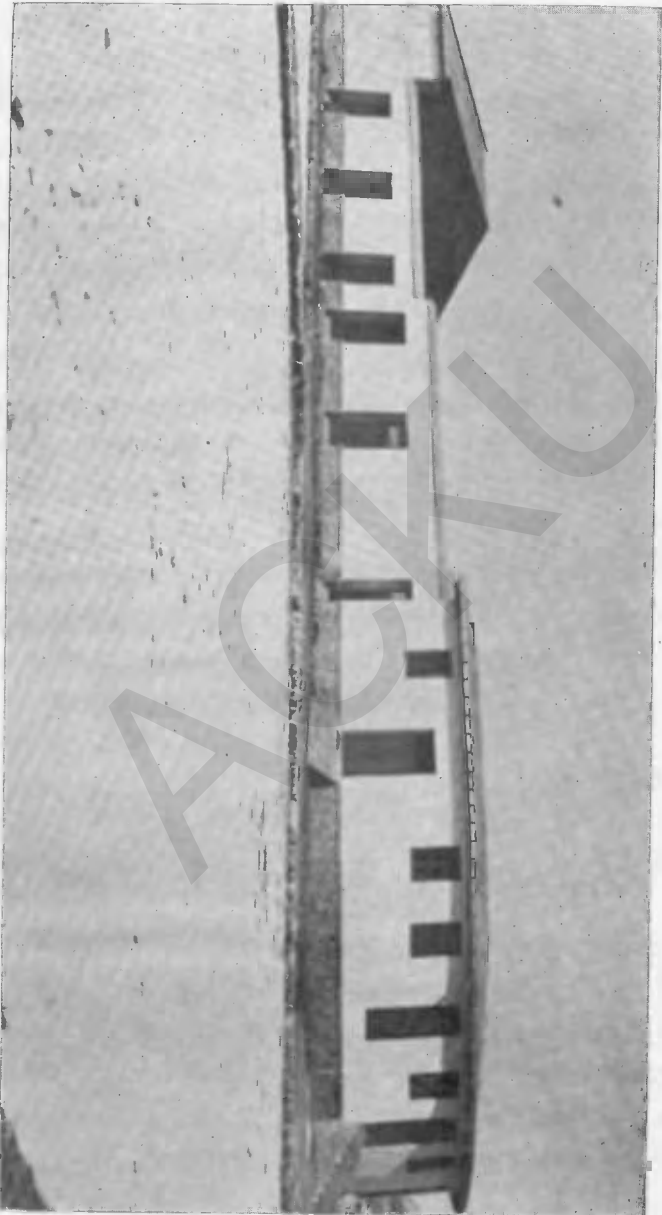
برای تفریح شهر جلال آباد و اطراف قریبه آن از قبیل لغمان، سرخورد، کامه، بهسود و غیره از اوایل ماه صفر تا اواخر محرم بهترین و خوشترین موقعی داشته اشجار مر سبز، گلها، ریاحین، میوه های ممالک گرمسیر از قبیل نارنج، لیمو، مته، سنتره، نیشکر و سبزیجات هر رقم در آنجا بدست می آید، برنج جلال آباد قابل تعریف است. چیزیکه برای تماشا بیشتر موزون است آثار تاریخی هده در بیست کیلومتری جلال آباد است که تمدن قدیم بودائی را در آنجا نماینده گئی میکند، سپس آثار تاریخی لغمان و نوشته جات سنگه هائی است که قبل از عهد اسلام یونانی در آنجا منقور شده.

برای تماشا مناظر فشنکه قدرتی با دیدن آثار و ابدات تاریخی کرچه در غالب نقاط سمت مشرق افغانستان مرحد موتر رو رفته ولی در جاهائیکه مرحد موتر پرو نیست مسافرت بوسیله اسب که در آنجا بکثرت پیدا می شود نیز ممکن است، اگر سباجین بخوانند راه بلدیکه آنها را بنقاط مطلوبه رهبری کنند نیز میسر می شود، از نمایندگی های دول خارجه در جلال آباد تنها فونسلگری دولت (بریطانیا موجود میباشد).

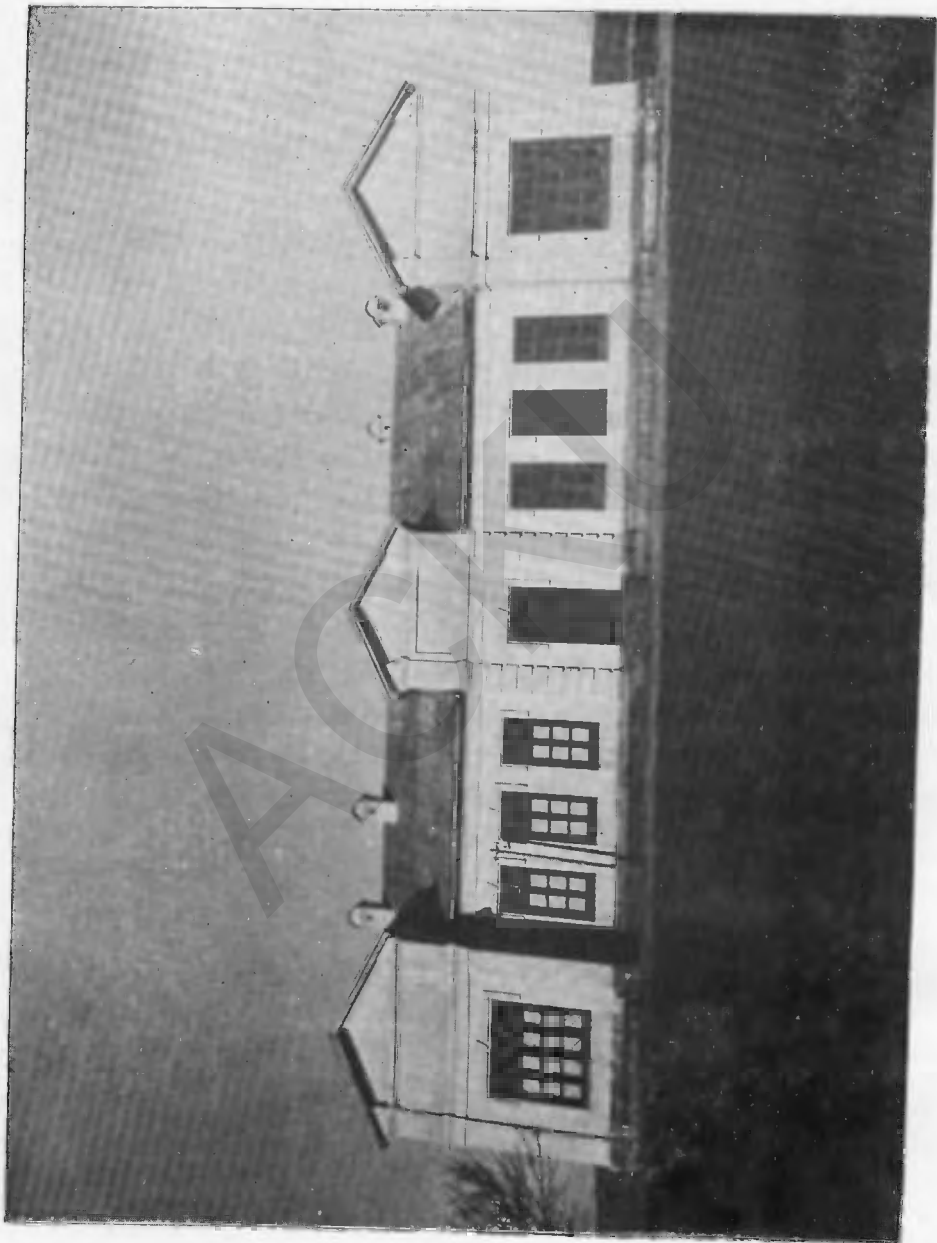


عمارت موزة كابل
Le Musée de Kaboul

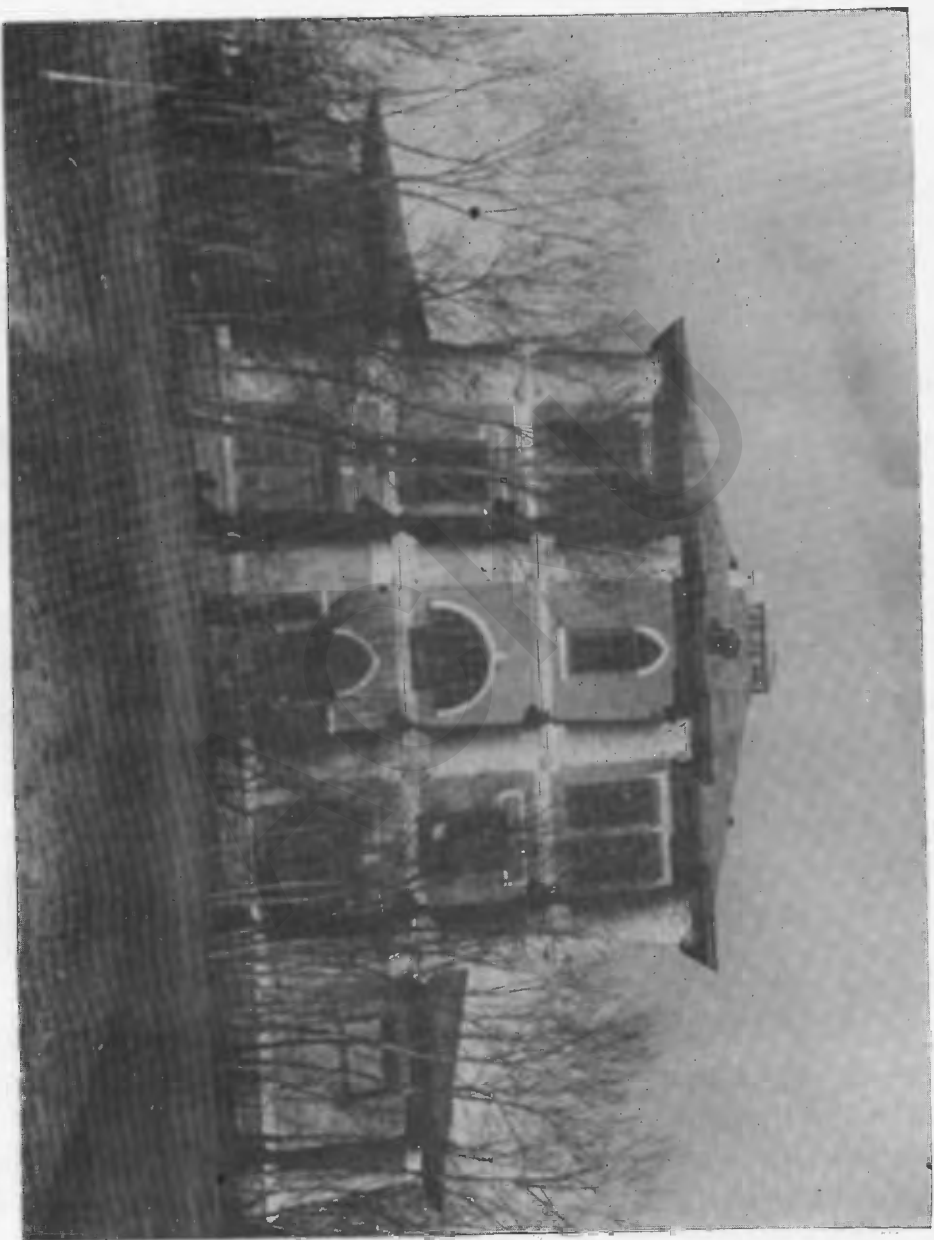
الزامیارات سال ۱۳۱۴ وزارت فوائد عامه



مهرت سینمای تابستانی که در واقع عمومی جشن نامیده شده (کابل)
Nouveaux bâtiments de cinéma festival à KABOUL



موتل کلات که دارای تمام لوازم رمانتیک عصری است
Hôtel moderne à KALAT (Sur la route Kaboul-Kandahar)



هوتل موكور داراي تمام لوازم رهايش مصري است
Hôtel moderne à MOKOR (Sur la route Kabouli-Kandahar)

مسافرین که از جلال آباد قصد سفر کابل را مینمایند نخستین منزل و هوتلی که در آن بقصد تفریح یا اقامت شب گذشتانند بخوانند باغ نمله است. باغ نمله در ۳۶ کیلومتری جلال آباد بطرف کابل واقع است. درین باغ هوتلی با تمام لوازم راحتی بنایافته و خیلی مهیا خود را بخوشی و راحتی بدرالی نموده از میوجات و زهت طبیعی و اشجار موزه ن خود مسرور میسازد.

پس از حرکت از هوتل نمله بطرف کابل علاقه خوگینانی است که در دامنه غربی سلسله جبال سفید کوه واقع و مناظر زیبای طبیعی درین علاقه پیشتر مخصوصاً قریه جات ماماخیل، و زری آت در موسم تموز قابل تماشا و آب های رود بار و چشمه سار این علاقه خیلی خوشگوار و صمیمی است.

از باغ نمله مرکز بطرف کابل غالباً به تپه ها و دره ها و کنتل ها امتداد یافته، مؤثر مسافرین بعد از قطع منازل گندمک، مرغ پل، جکدک، کلالی (در کلالی بعضی چای خانه ها محل رهاش برای کاراکشان و غمها موجود است) باریک آب و خاک جبار وارد منزل بت خاک می شوند بتخاک در میدان مسطحی واقع و از آنجا الی کابل مرکز به همزاری امتداد یافته، بین خاک جبار و بت خاک خورد کابل که یک شهر نخر و خلی قدیمی افغانستان است واقع و مسافرین اگر چند ساعت وقت خود شان را منصرف سازند میتوانند که اکثر آثار قدیم بودائی مثل مینار و استوپه ها را در قریه چکری به بینند.

بعد از عبور بتخاک مسافر وارد بگرامی میشود، بگرامی قریه است در (۹) کیلومتری بین کابل و بتخاک درین قریه چیزیکه قابل تماشا است باغ بگرامی است که یکی از باغ های دولتی بوده و در کنار شهر اوگر ساخته شده. بعد از عبور قریه بگرامی کابل است، همینکه مسافرین وارد چمن مشرق کابل می شوند چیزیکه نخست جلب توجه شانرا می نماید دیوارهای زرک و حصار کوه های کابل است که در تاریخ بکهار و دو صد و چند سال قبل بوسیله پادشاه بومی کابل رتبیل شاه احداث شده، پس از آن چمن بزرگی را مشاهده میکنند که در اوقات بهار محل تفریح اهالی و جای سیورت طلبه مکتب های کابل است آنگاه می بینند که در سمت مشرق این چمن تالاب آبی برای قایق رانی و تفریح ایام تموز نه ساخته شده بالاخره بطرف شرق این تالاب تپه خاکی مستطیل که سطح آن وسیع و هموار است در آنجا مقبره پادشاه بزرگ و شهید افغانستان اعلیحضرت (محمد نادر شاه غازی) و اجداد مرحوم شان است. همچنان در چهار راهی این چمن یک منار است که یادگار خدمت ذیقبت پادشاه شهید افغانستان اعلیحضرت محمد نادر شاه قنبد نسبت به نجات وطن از مرگه قنق داخلی ساخته شده کذا جاده بطرف جنوبی رفته که به طرف قریه جات مرغ سبز و خرم بینی حصار و قریه جات شبوک و غیره امتداد یافته، جاده غربی بطرف خود شهر قدیمی کابل امتداد است جاده شمالی بطرف وزارت حریه و عمارت نو کابل و از که سلطنتی و هوتل کابل که غالباً اقامت گاه مسافرین است تمدید یافته.

مسافرین که از هوتل و باغ نمله مسافه (۱۴۰) کیلومتر راه را از چمن شرق کابل بپیمودند برای راحت ازین سه طریق جاده نجات و وطن یعنی حصه شمالی را انتخاب کرده موتر شانرا در یک جاده صاف و فراخ که اطراف آنرا در بهار و تموز گلها و اشجار و انهار احاطه کرده مستقیماً بطرف شمال می رانند تا از پل که مشهور به پل قلعه محمود خان است عبور کرده مصادف بمارت وزارت حریه و به جاده که بطرف غربی امتداد یافته رهسپار می شوند، در کنار همین جاده گمرک کابل است که اگر ضرورتی اتفاق بیفتد مسافر بگمرک تشریف خواهد برد. در وسط این جاده مینار است که یادگار شهریار شهید اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی نسبت به تحصیل استقلال افغانستان در سال ۱۲۹۹ ساخته شده.

از همین جاده راه مستقیمی الی دروازه شرقی ارکه سلطنتی است که قریب همین درب جاده بقصد هوتل رفتن بطرف جنوب امتداد می یابد، در آخرین جاده پهنوار کیند بزرگی از آثار معماری قرن (۱۹) افغانستان عرض

اند ام کرده در تحت این کچید دوباره جادوی بطرف مغرب امتداد می یابد آخراً بقاصله (۵۰۰) متر هتل کابل بطرف چپ جا ده نمایان شده مسافری وارد هتل می شوند .

هتل کابل وضایم و الحاقات آن تماماً با اصول حیات مصری ساخته شده ؛ درین هتل وسایل راحتی مسافرین آماده و مخصوصاً هر قسم اغذیه و اطعمه مشرق و مغربی قرار فرمایش مهیا شده میتوانند .

مسافرین بقدری که آرزوی اقامت افغانستان را داشته باشند فردای توقف هتل بدائمه و بزه وزارت خارجه که بقاصله (۶) صد متر بطرف مغرب هتل واقع است رفته و اجازه نامه اقامت حاصل کرده میتوانند .

کابل با ارتفاع (۱۸۰۰) متر از سطح بحر عرض البلد شمالی ۳۴ درجه ۳۰ نیم دقیقه و طول البلد شرقی (۶۹) درجه و (۶) دقیقه وقوع دارد ؛ اطراف قریب آن مناظر فرحت انگیز قدرتی را بناظرین خود از آنه مینماید مثلاً و قنا که مسافر مو تر خود را در جاده جنوب مغربی کابل میراند بعد از طی (۷) کیلومتر به نقطه مشهور بدار الفنون میرسد . این موضع دارای اشجار مختلف ، نباتات و ازهار هر رنگ ؛ عمارات مصری ؛ انهار صفا آب و هوای خلی خوشگوار و لطیف میباشد ؛ کافی چایخوری همه روزه از ساعت ۳ الی ۶ بعد از ظهر در اینجا حاضر است .

از دار الفنون بمسافت (۶) کیلومتر طرف جنوب باغ کلیغ واقع است که دارای آب و هوای فرح بخش بوده و دریای کابل از بین آن میگذرد ؛ علاوه ازین در حوزة چهاردهی که بطرف غرب جنوب شهر واقع است تفریحگاهها و باغات مرسبزی که دارای هر گونه اشجار و ریاحین است موجود و به ترتیبات خیلی موزون ساخته شده ؛ مشهورترین این باغها باغ چهل ستون ، باغ رفق سناتوریم ؛ با بر شاه و غیره است .

بغیان از صیغ های معروف کابل است که قصر نموزی شهر یارانفغانستان و مشاهیر کابل در آن قرار یافته و آب آن که خلی سالم و خوشگوار است بوسیله لوله های فلزی بطور مصری کابل را مشروب میسازد ؛ اینه و عمارات بغان تماماً بصورت مصری ساخته شده ، در وسط دره بغان که از سه طرف بکوه های بلند محاط است يك باغ بز ر که برای تفریح و گردش عمومی به ترتیبات خیلی فشننگ ساخته شده است ؛ بر علاوه در بغان يك هتل مکمل مصری موسوم به هتل بهار موجود میباشد که این هتل در موقع نموز و فرصت های که اعلیحضرت پادشاه افغانستان و دوائر مملکتی برای گذرانیدن ایام تابستان در آنجا تشریف فرما میشوند مفتوح بوده و از واردین با کمال خوشی پذیرائی مینماید .

برای مسافرین و مسائرین پولیس کابل از قبیل راهنمایی یادیکر حوائج متعلق بامنت شخصی مثل بویس ممالک هتدنه خدمت مینماید .

و ایست بلدی کابل در باغ عمومی ساحل نهر کابل واقع است .

شمرکت اسهائی ملی افغان که برای حفظ پول امانات ، مبادله پول خارجه و غیره مثل (بانک) های ممالک خارجه موظف است و اتم در کنار جاده شاهی متصل هتل کابل و بقاب ممالک خارجه از قبیل هند ، اروپا ، ولایات دخله شعباتی دارد .

دائره حمل و نقل که بوسیله موتر مسافرین و محمولات تجارته را در داخله و خارجه از یکجا بدیکر جا میرساند در کنار شمالی نهر کابل و در هر موقعی که مسافرین خواسته باشند موترهای کرائی با نرخ مناسب برای شان میسر میشود ؛ علاوه بر موترهای کرائی کالسکه های کرائی (کلادی) نیز میسر میشود .

دوائر عرفانی و تاریخی :

دارالتالیف در وزارت معارف است ، انجمن ادبی و تاریخی در جاده ارکه مقابل هتل کابل و دارالعلوم هریه قریب وزارت معارف میباشد ؛ باقی مکاتب از قبیل مکتب استقلال ، نجات ، قازی حبیبیه دارالعلمین .

صنایع نفیسه، مکتب عالی و رشديه و احضاریه حریبه، مکتب موزیک، کورس های تعلیمی عسکری، مکتب ابتدائیه و غیره در داخل و نواح شهر واقع اند.

مکتب زراعت در حوزه چهاردهی وفا کولته طی در دارالفنون افغانی میباشد، این فاکولته وفا کولته ساینس که در خود وزارت معارف است از شعبات دارالفنون و از موسسات عصر درخشان یگانه مری علم و معرفت در افغانستان (اعلیحضرت محمد نادرشاه) فقیه و اعلیحضرت همایونی (محمدظاهر شاه) پادشاه جوان و جوان بخت افغانستان میباشد دارای همه گونه لوازم و ضروریات تعلیمی بوده امور تعلیمی و اداری آن تحت نظر دکترین و پروفیسرهای مقتدریکه برای این مطلب استخدام شده اند اداره می شود.

سفارت دول متحابه که در کابل مقیم میباشد عبارت از سفارت کبری ای ترکیه، ایران، شوروی، و وزارت مختاریهای بریتانیا، فرانسه، آلمان، ایتالیا و جاپان میباشد.

آثار تاریخی افغانستان و اشیای قابل دیدن و تماشا کردنی در موزه کابل که در دارالفنون واقع است میباشد. سیاحت نقاط مختلفه در افغانستان ممکن است، مسافر بهر جا بکجه خواسته باشد میتواند برود ولی برای تسهیلات مسافرت خود درین مملکت کوهستانی که راه های آن مختلف است بفرص تسهیلات باید از مرکز کابل قبلاً معلوماتی حاصل کند.

در خارج شهر کابل بمسافه های ۱۰، ۲۰، ۳۰ کیلومتر مناطقی است که هر کدام لایق دیدن و جای تماشا میباشد مثلاً در شمال کابل مسافه ۲۰ کیلومتر را و فنا که مسافر بوسیله موتور قطم میکند جلگه مری سبز و خرمی واقع میشود که تمام این جلگه عبارت است از زمین های مری سبز، باغات میوه، آبنهار جاری، دارای آب های خوشگوار، دره های طبیعی که در هر کدام آن دست قدرت بهترین شاهکارهای خود را بجا برده و از زهت و صفای آن روح بیننده شادمان میشود. این نقطه موسوم است بسمت شمالی عمارت مجمل عصری درین سمت بنقطه که مشهور بجبل السراج و دستگناه بزرگ برق آبی کابل اینجا تاسیس شده است ساخته شده ولی بهترین زهت گاه و جای تفریح که مشرف است بتمام علاقه، معروف است باستالف و جائی است که میتوان آن را از بهترین تفریح گاهای افغانستان بشمار آورد، میوه های مختلف کابل ازین سمت بعمل می آید. دره شکر دره، فرزه، غور بند، سالنگ، گلپهار، دره جات نیچراب از خوبترین و بهترین زهت گاهای طبیعی این سمت بشمار می آید، شهرهای تاریخی و قدیمه افغانستان که قبل از اسلام تمدنی بزرگ داشته اند یعنی کاپیسا و بگرام درین منطقه واقع اند.

در جنوب کابل بمسافه (۳۶) کیلومتر یک جلگه وسیع است مشهور ببلوگر، این مری زمین باصطلاح کابل انبارخانه کابل است لوگر دارای زمین های زراعتی و مری نوع غله و حبوبات کنار آمد تمام اهالی از آنجا میسر شده و در تمام ولایات کابل حائز درجه اول غله خیزی و زراعت است. در سمت غربی کابل مری امتداد یافته و در کناران محلی وقوع دارد که مشهور به قلعه قاضی است از قلعه قاضی که بمسافه (۱۰) کیلومتر از کابل بعد دارد به فاصله (۱۲) کیلومتر گذشته کوه مشهور مری چشمه می آید. تکانه و جلریز و مری چشمه که منبع رودخانه کابل است بهترین مناظر طبیعی و مری زمین سبز و خرم و آب های آن شفاف است، پس از طی منزل مری چشمه، مسافر بسطوح مری تغه هزاره جات یاغریستان قدیم که مهد تمدن ۶ نیم صدسال قبل افغانستان است صعود می نماید.

مسافرت از کابل بولایات فندهار، فراه، هرات

در افغانستان خط آهن تا حال تمدید و تاسیس نشده، محمولات تجارتنی و مسافرت ها عموماً بواسطه لاری ها و موترها و دیگر وسائط نقلیه اجرامی یابند و اکثر حصص مملکت بذریعه سرك ها و جاده های موتر و بهم مری بوط است.

مهمترین این سرك ها که از سركز بولایات مندر تا سركد ممالک همچو ار می رسد اولاً سرك موتر روی است که از کابل بطرف جنوب مغرب امتداد داشته، ولایت قندهار وصل و از نقاط ذیل عبور می نماید .
 قلعه قاضی ، چوکی ارغند ، میدان ، دشت توپ ، شیخ آباد ، تکیه ، شش گاو غزنی ، نانی ، موشکی ، کوه آهن ، اوبه ، مقر ، شاجوی ، شیبار ، تازی سرا سب ، فلات جلدک ، تیر انداز ، شهر صفا ، مهمند ، قندهار هر گاه مسافر خواسته باشد به قندهار مسافرت کند پس سر ویس موتر برای مسافرت قندهار هر وقت در کابل موجود است ، مسافر وقتاً که بوسیله موتر بسیار قندهار می شود در حصه غربی شهر کابل جاده عمریض و منظره قشنگ حوزه چهاردهی « دارالفنون » را تماشا کرده ابتدا در ده منگه يك کیلومتری کابل موتر برای نشان دادن جواز عبور مختصر توفیق کرده بعد بحرکت می افتد ، بعد از بین نقطه تقاطع که در عرض راه قطع می شود عبارات است از قلعه قاضی ، سپس چوکی ارغند ، ست که درین نقطه گمراگ بوده و مختصر موتر معطل شده معلوماً تی را جمع مالان تجارتی گرفته می شود .

از چوکی ارغند موتر گذشته جاده استقامت خود را از طرف مغرب بجنوب مغرب تغییر میدهد ، از آنجا موتر داخل علاقه میدان شده منازل کوتل تخت قلعه ، درانی و دشت توپ را قطع میکند .

میدان يك حکومتی درجه دوم از سربوطات حکومت کلان لوگر و علاقه مذکور سر سبز و شاداب و نقطه خوش آب و هوایی می باشد ، بعد از آن موتر در علاقه وردک داخل می شود ، وردک از حکومتی های درجه دوم سربوط حکومت کلان لوگر بوده و وضعیت طبیعی آن موزون و عرض آن در بعضی نقاط کمتر و برخی مواضع فراخ است . نخست منزل متعلق علاقه وردک شیخ آباد است که بواسطه آبادی مسافری غالباً درین منزل صرف غذا مینمایند ، پس ازین منزل منازل تکیه ، شش گاو است ازین منزل به بعد مسافرین داخل علاقه غزنی می شوند .

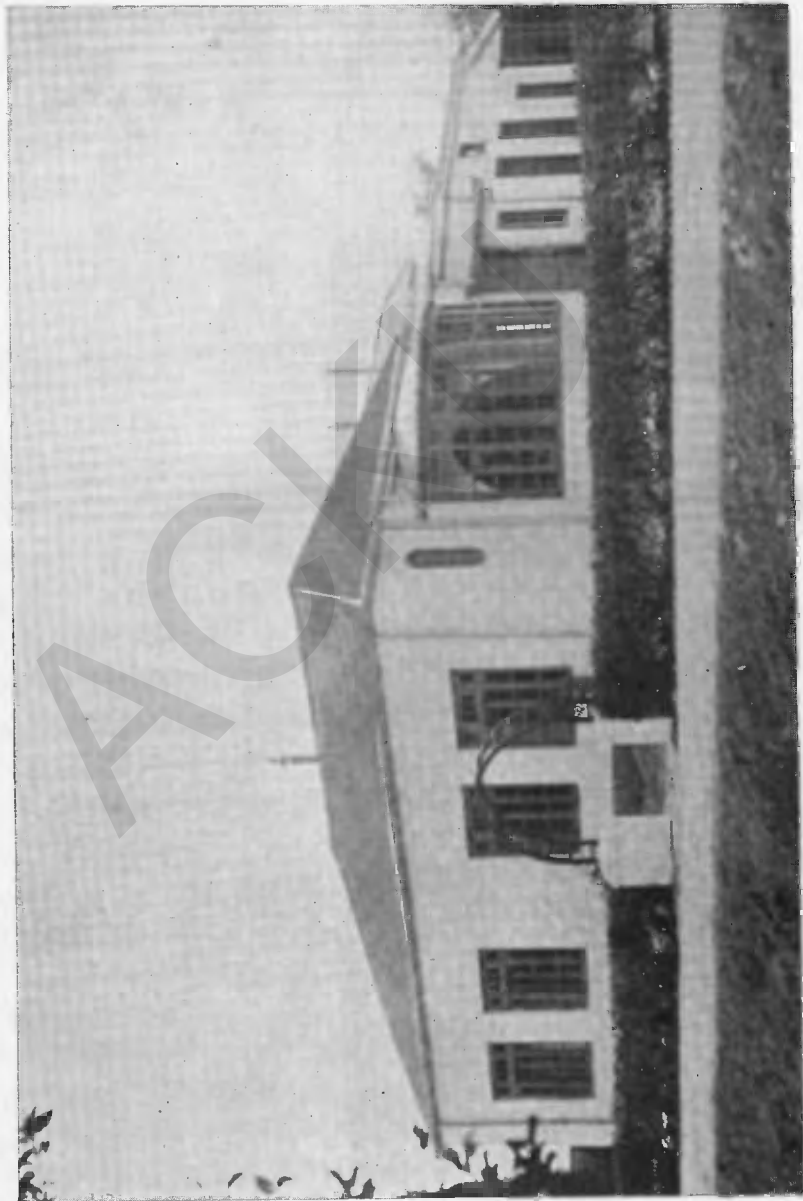
وقتا که موتر مسافرین از منزل شش گاو رد می شود بعد از عبور از چند تپه های خاکی منظره شهر برافتخار تاریخی غزنی مشهود میگردد ، این شهر قدیمی افغانستان که مدنیت عالی و زیبای آن در اثر حوادث متعدد مخصوصاً فتنه منول با خاک يك سان شده عجالتاً اهالی بوسی در يك حصه دیگر شهری بطرز شهر های موجوده افغانستان برای خود احداث کرده اسرار حیات مینمایند و شهر تاریخی بحال ویرانی در حصه جنوب مشرق شهر جدید قرار دارد که از خرابه زار آن آثار تمدن قدیمه معلوم می شود .

همچنان بر فراز تپه يك قلعه جنگی مشهور به بالا حصار غزنی موجود است که درین حصار حکومت و دولت دو اثر دولتی قرار دارند . اگر چه تعمیر این حصار از عهد تمدن غزنوی نیست ولی بازم يك بنای قدیمی بوده است . آب و هوای غزنی معتدل و سالم است ، صرف در زمستان سردی و برف مثل زمستان کابل دارد . از آثار و آبادات معروفه مزارات متبر که غزنی مسجد جامع آنجا که از ابنیه عصر سلطنت محمود غزنوی و سنگت معروف سومنات بمصرف سنگ فرش زینت این مسجد بکار برده شده ، دیگر منارهای معروف غزنی از ابنیه سلطان بزرگ محمود زابلی و سلطان مسعود و سلطان بهرام شاه است که نقاشی و کتیبه های آن هنوز باقی مانده . هکذا مزارات حضرت ابوالمجد سنائی (رح) ، دلی لالا صاحب غزنوی ، روضه سلطان محمود ، سبکتگین پدر محمود ، مزار سلطان عبدالرزاق ، الغ بیگ از خاندان سلاطین کورگانیه ، بند معروف سلطان و غیره موجود است .

غزنی بارتفاع (۲۳۷۷) متر از سطح بحر و بعرض البلد شمالی (۳۴ درجه و ۴۰ دقیقه) و طول البلد مشرقی (۶۸ درجه و ۵۴ دقیقه) وقوع دارد .

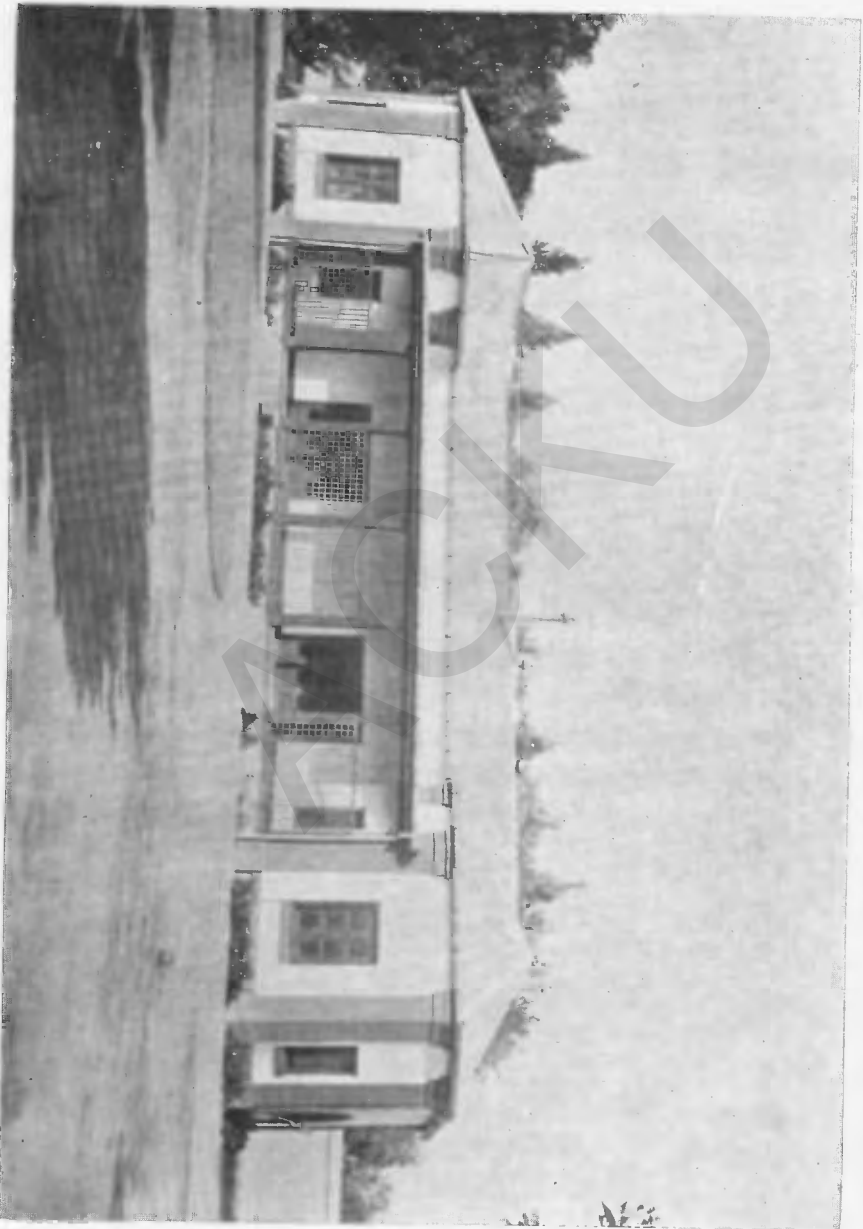
در حصه دروازه (کنک) شهر غزنی هتل موجود است و این هتل تماماً با اصول عصری ساخته شده و با تمام

از عمرانات سال ۱۳۱۴ حکومت اعلاى صحت مشرفى



موتل جلد در جلال آباد
Hôtel nouvellement construit à DJELALABAD (Prov. de l'Est)

از عمرات آنات سال ۱۳۱۴ حکومت اعلیٰ است مشرفی



یک حصه از عمارت موبیل جلال آباد
Hôtel nouvellement construit à DJELALABAD (Prov. de l'Est)

رهنمای افغانستان

لوازم برای يك مقدار كافی مسافرين آماده است. موتر كراچی، پسته خانه، تېلفون دوا خانه، داكتر در شهر برای رفع حوائج مسافرين حاضر است.

پس ازینكه موتر مسافرين از شهر خارج شود مستقیماً بطرف جنوب و بسیار شده به منزل نانی که اولین منزل غزنی بطرف قندهار است، برسد، ازین نقطه وضعیت اراضی تبدیل یافته مسافر وارد دشت می شود که جاده موتر روین دشت امتداد یافته در این دشت موسوم است بدشت شلگر. پس ازین منزل موشکی است و بعد از آن کوه آهن که ممکن است بواسطه وجود سنگهای اسفنجی و یا بودن معدن آهن در آنجا منزل مذکور هم به همین اسم موسوم شده، بعد از آن دشت مقر منزل او به و پس ازین نقطه دشت مقر ختم شده موتر وارد مقر می شود.

مقر يك حکومت درجه دوم و از مربوطات حكومت كلان غزنی است، درین نقطه چیزی که جلب توجه مسافرين را مینماید هوتلی است که در نخستین ایستگاه موتر صورت عصری و لوازم کافی ساخته و آماده شده و مسافرين اگر خیال اقامت شب را داشته باشند در آنجا راحت گذشتانده میتوانند.

تلفون، پسته در مقر موجود و بازار متوسطی دارد که از آنجا می شود ضروریات خود را خریداری نمود مسافرت بین غزنی و مقر بوسیله موتر در ظرف ۲ الی ۳ ساعت قطع می شود، راه غزنی الی مقر بکلی هموار و موتر با آرامی حرکت می کند.

پس ازینكه موتر از مقر رد می شود دوباره رفتار خود را در جاده که بین دست بطرف قلات غلجائی امتداد یافته دامه داده منزل (رباط اغرجان) را که از آخرین مربوطات ولایت کابل است قطع کرده داخل علاقه شاه جوی، شیار تازی، مر اسب علاقه جات قلات مربوط ولایت قندهار می شود درین نقطه وضعیت طبیعی اراضی تغییر یافته ابتدا بته ها و بعد بکوه بچه های خوردی تبدیل یافته آبهای جاری در هر طرفی دیده می شود، آخر آبادیهای قلات نمایان شده موتر مسافرين بعد از قطع کردن مقدار جادهای منحنی وارد قلات میگردد، آبادی های قلات و باغات آن در تپه های مختلف و نشیب های زمین واقع شده قلعه معروف قلات غلجائی که عجلان محل اداره حکومت کلان و دواغر دولتی است در تپه با ارتفاع (۳۰۰) متر از سطح زمین آنجا واقع و بطرز قلعه جنگی ساخته شده است.

قلات دارای پسته خانه، تلفون و حوائج مسافرين درین نقطه تهیه میشود، هوتل قلات و سبیل همه گونه لوازم راحت مسافرين بوده و در وسعت خود از هوتل مقر خوب تر میباشد مسافرين که شب در مقر توقف نکرده باشند غالباً نهار خود را در اینجا صرف میکنند.

پس از علاقه قلات موتر مسافرين جانب منازل جلندك، تیر انداز، شهر صفا (مانجه) و مهمندکه آخرین منزل قندهار است و بسیار میشود از قلات الی منزل جلندك مركز در زمین های پست و بلند امتداد یافته و اطراف آن با جنگلات و اشجار بادام و مغز و عات سبز و خرم است، پس از آن مركز بدشت همواری واصل شده و بطرف قندهار امتداد می یابد، درین منازل آب و خوراک پیدا میشود مخصوصاً شهر صفا که از شهر های تاریخی و دو قرن قبل معمور بوده اکنون اگر چه در اثر حوادث خراب افتاده و ابی در اطراف آن قرای آباد موجود است. اطراف منزل مانجه هم شاداب و آباد است، تلفون در منزل شهر صفا و مانجه و رباط مهمند موجود میباشد.

پس از قطع منزل مهمند و رسیدن مسافرين در سواد شهر قندهار نخستین باغ و عمارت که مخصوص مسافره یکتیم کیلومتر شهر واقع است معروف بمنزل باغ میباشد، منزل باغ دارای عمارت قشنگ و باغ خوب و حوض های مصفای بوده مخصوصاً برای مسافرين که از کابل الی قندهار زحمت مسافرت را متحمل میشوند يك نقطه خیلی عالی و راحتی است، در منزل باغ تلفون و دیگر وسایل محتاج الیه مسافرين موجود شده میتواند. پس از نظاره یا توقف منزل باغ موتر مسافرين رهسپار شهر شده از دروازه کابل وارد شهر قندهار میشود.

قندهار به ۳۱ درجه و ۳۷ دقیقه عرض البلد شمالی و ۶۵ درجه و ۴۳ دقیقه طول البلد مشرق کائت بوده و بار تفاع (۱۰۴۰) متر از سطح بحر وقوع دارد. این ولایت یکی از اعظم بلاد افغانستان و پای تخت قرن ۱۸ دولت افغانستان بوده که شهر فعلی آن در قرن هجده از طرف احمد شاه شهریار معروف افغانستان بنا یافته بعد از ولایت کابل دو مین ولایت افغانستان بشمار میرود.

تعمیر این شهر با اصول مهندسی شده جاده ها و بازارهای آن فراخ و طرز ابنیه و صفائی شهر از لحاظ حفظ الصحه کاملاً مراعات شده ما بحتاج و پیداوار ضروریه از قبیل اتمه داخله و خارجه در آن بکثرت پیدا میشود.

عمارت خرجه مبارک حضرت رسول کریم ص که اعلیحضرت احمد شاه بزرگ آنرا از بخارا بقندهار آورده بود در قرب مقبره خود اعلیحضرت مفقور برپا است، منظره این عمارت مقدس و مقبره احمد شاه غازی از نفیس ترین و زیبا ترین ابنیه قابل تماشای آنجا است. بازار عمده شهر در مرکز به چهارسوق بزرگه سرپوشیده بام تقاطع میکند بازارها سرواز و مرتب واقع اند.

شهر قندهار از لحاظ بنا و تعمیر اصولی و خوبی منظره و موقعیت تجارتنی را کثیر شهرهای وطن برتری و مزیت دارد. اهالی قندهار خیلی خوش سلیقه و بزندگانی راحتی و خوشی اهمیت زیاد داده در واسم مختلفه مخصوصاً در موقع بشرف رسیدن فوا که میله های زیادی در باغات خارج شهر مینمایند. باغات فوا که قندهار مخصوصاً در حصه ارغنداب که بفاصله (۱۶) کیلومتری شهر واقع است قابل تریف میباشد؛ موضع چهل زینه که در دو کیلومتری سمت جنوب غربی شهر و بر فراز کوه بچه در خود کوه مجاری شده از جمله آثار دیدنی و قابل تماشای قندهار است. همچنین باغ سرده بطرف شمال آن نزهت جای خوبی است در شهر قندهار و مضافات آن صنایع مختلف مروج است ولی زردوزی و خامک دوزی آن در نمای مملکت امتیاز دارد. قندهار و وطن اجدادی شاهان سلسله درانی افغانستان است که نخستین از بن دودمان نجیب اعلیحضرت احمد شاه غازی بسال (۱۱۶۰) در قندهار بسر سلطنت جلوس نمود.

سزار مدافع شهر افغانستان میرویس خان هوتکی در کهکراں، و منار یادگار جنگ میمند از جمله آبادات معروف قندهار بشمار میرود.

از قندهار یک راه موتر و بطرف قلعه جدید ممتد است و فتناً که موتر مسافرین باین جاده رهسپار شد سرک هواری را در حصه جنوب شرقی شهر قندهار قطع کرده بفاصله (۵۶) کیلومتر بمنزلی میرسد که مشهور است به نخته پل، نخته بل نقطه آباد پطراول و ضروریات خورا که درین نقطه پیدا می شود.

سرک افغانی درین نقطه موجود است که نسبت باموال تجارتی باز دید و رسیدگی مینماید. از نخته پل موتر مسقبتاً براه افتاده وارد کدنی می شود، کدنی نیز نقطه آباد و در مرحد آن تپانه عسکری و مرحد داری افغانستان است که این تپانه مشهور به قلعه جدید و پاسپورت مسافرین درین نقطه ملاحظه می شود.

پطراول و خورا که وجای راحت مسافرین جهت توقف درین نقطه موجود است. از نخته پل الی قلعه جدید فاصله (۵۴) کیلومتر است ولی عموماً مسافرین از شهر قندهار الی قلعه جدید مسافه مذکور را در ظرف (۵) ساعت قطع مینمایند. در قندهار قونسلیگری دولت بریطانیا هم مقیم میباشد.

از قندهار بمسافه (۷۷۰) کیلومتر در زین های هموار سرک موتر و بطرف هرات امتداد یافته در مرض این راه شهرهای پشت رود، بست قدیم، فرا، اسفزار واقع و مخصوصاً شهر بست که فعلاً خرابه زار و آثار ابنیه قدیمه آن باقیست درین طریق بحدود پشدرود (شهر بست) قابل تماشاست. از دریای هیرمند که در بین کرشک و فراه وقوع دارد عجلاله مسافرت بوسیله کشتی صورت میگردد ولی مطالعات و سنجش های مقدماتی که روی این دریای آهنی مطابق باصولات فنی ساخته شود از طرف مقامات مربوطه آنجا یافته امید است به همین نزدیکی ها کار آن آغاز گردد.

و بعد از اینکه مسافر پشت رود را عبور نمود بلافاصله فراه که در تشکیل آن ملک حکومت اهل شناخته می شود داخل میگردد، مرکز این حکومتی اهل بکنار دریای فراه واقع است، این دریا از مرحدات و جبال غور و چنچران منبج گرفته از وسط دلاقی فراه عبور و قریه جات آنجا را بدو حصه شمالی و جنوبی منقسم مینماید، آبادیهای شهر فراه بدو طرف دریا وقوع دارد، در نواحی شهر آثار عقبه بسیار و این خاک در آغوش خودش علمای مبرزی پرورده است. چنانسو رو لاش جوین که از سر بوطات این علاقه است دارای قلعه های مضبوط و مستحکم اند، شهر فراه دارای آبادیهای جدید بوده همه نوع احتیاجات مسافرن در آن تامین می شود. رودخانه های که در بین قندهار و هرات جاری است عبارت از رود دارغنداب، خاشرود، هیرمند فراه رود جیجه، ادرسکن، هریرود میباشد. بعد از قطع منازل راه فراه موثر مسافر داخل خاک ولایت هرات شده پس از طی (۱۰) ساعت حرکت وارد شهر هرات میشود، هرات ۱ بار ارتفاع (۸۱۵) متر از سطح بحر واقع بوده برض البلد شمالی ۳۴ درجه ۲۲ دقیقه و طول البلد مشرقی ۶۲ درجه ۹ دقیقه وقوع دارد، این شهر با اعتبار بزرگی و تجارت و عمرانات تاریخی از شهرهای مهم افغانستان شناخته می شود، درین ولایت جنرال قونسلگری دولت ایران و قونسلگری حکومت شوروی مقیم میباشد. مسانه بین قندهار و هرات (۶۴۵) کیلومتر میباشد.

مر سبزی و شادابی هرات الی فوریان و مرکز حد ایران شهری می شود، چه از خواجه چشت الی فوریان هر بی هرات که فاصله (۱۳۰) کیلومتر و مرض این جلگه باخلاف که گاهی به (۲۸) کیلومتر و گاهی (۲۰) و بجائی ده میرسد عموماً رودخانه هریرود که هر دو کنار خود را مشروب ساخته و انهار بزرگی از آن چز می شود این جلگه مستطیل را شاداب ساخته و مزروعات هرات را مر سبزی میگرداند و بالاخره از دهنه ذوالفقار شمال مغرب هرات را عبور کرده در حسن آباد دلاقی خارج می رود. ولایت هرات مخصوصاً جلگه و بادقیسات هرات از عمده ترین ولایات و نقاط زراعتی افغانستان محسوب می شود، بادقیسات هرات که بقاصله (۴۰) کیلومتر بطرف شمال شهر هرات و اتم و از قلعه نویینی حصه شرقی بطرف غرب که منتها الیه آن دهنه ذوالفقار است بطور مستطیل امتداد دارد از مهم ترین و حاصل خیزترین ولایت هرات و هرگونه غله و حیوانات آن بطور لایمی بسر میرسد، این مرکزین عبارت است از جلگه ها و تپه های مر سبزی که روی خاک را با سبزه گلپای هر رقم مستور داشته خصوصاً در ماه های حمل و ثور خبلی منظره زیبا را قابل تماشا دارد. مواشی عمده هرات بواسطه و فور سبزه و علف درین نقطه خوب تر پرورش می یابد.

از بهترین فوا که هرات انکور و شقنلو و شلیل است خصوصاً انکور هرات، خبلی شیرین و انسام آن الی پنجاه رقم شمار شده است. شیر، ماست، قیاق، گوشت، سبزیجات هرات خبلی ممتاز و ارزان است و سایل حمل و نقل بذرینه موثر، اسب، کالسه که از هرات باطراف و نواحی آن همچنان از هرات بمالك خارجه مثل روسیه، ایران بسمولت و در هر موقع دستگیری میکنند.

شهر هرات از بناهای خبلی تاریخی افغانستان و دیوارهای محاط شهر از عریض ترین دیوارهای شهرهای قدیم مملکت بشمار میرود بانی اول این شهر واضح نیست ولی بنا می موجوده منسوب با سکندر کبیر است.

در سمت شمالی شهر مذکور قلاً شهر جدید و کوچکی از طرف حکومت ساخته شده که خبلی فشنک است. از باغ های فشنک و قابل تفریح آن تخت صفر که از مبانی قدیم سلطان حسین میرزا است و باغ شاهمی و باغ کارته باغ رباط فوریان، باغ مولوی جامی، باغ فلیجه و غیره است.

شکار هرات خبلی ممتاز است، چه در هر نقطه آن کبک، نهبره، آهوی کوهی، و دشتی، بز کوهی خرگوش

اقسام طيور بكثرت پيدا ميشود. از تالابهاي قدرتي هرات كه دران مرغابي شكارى شود معروف ترين آن تالاب رباط غوريان و كول جنگه، آب جليل است.

آثار عتيقه و ابنيه قديم در هرات و مضافات آن نسبت به حصه افغانستان بيشتراست، مخصوصاً آنار عهد اسلام كه از برجسته ترين آن مسجد جامع هرات بناهاي سلطان غياث الدين غوري، مناره هاي مسجد مصلاي هرات از بناهاي شاه رخ ميرزا و گوهر شاد، حوض چهار سوي هرات، كنيه چوپان، كنيه كوهر شاد وغيره ميباشد. كذا از مزارات اهل الله مثل روضه حضرت خواجه صاحب انصاري معروف بكارزگاه شريف، مزار حضرت مولوي جاي مزارات مير عبدالله آقاي شهيد، شهزاده قاسم شهزاده عبدالله ابوالوليد وغيره كه اين قسم مزارات متبرك بالوجه سنگه هاي خوش خط در هر نقطه هرات مخصوصاً كارزگاه شريف و زيارت گاه كه بجمعه جنوبي جلگه هرات است بكثرت ديده مي شود.

از شهر هرات الي اسلام قلمه مرحد داري افغاني مسافه ۱۳۰ كيلو متر و بوسيله موتر قطع مي شود. نقطه مقابل مرحد داري افغانستان معروف بكام ريز است و در آنجا كرك و مرحد داري موجود و تذكروه مسافرين باز ديدي شود، كذا، از شهر هرات الي (كشكي) استيشن راه آهن روسيه بمسافه يكصد كيلو متر است كه بوسيله موتر قطع مسافه مي شود، مقابل كشكي روسيه دائره مرحد داري و كرك افغاني موجود است كه محل مذكور معروف بقره تپه ميباشد.

مسافرت از كابل بمزار شريف و ميمنه

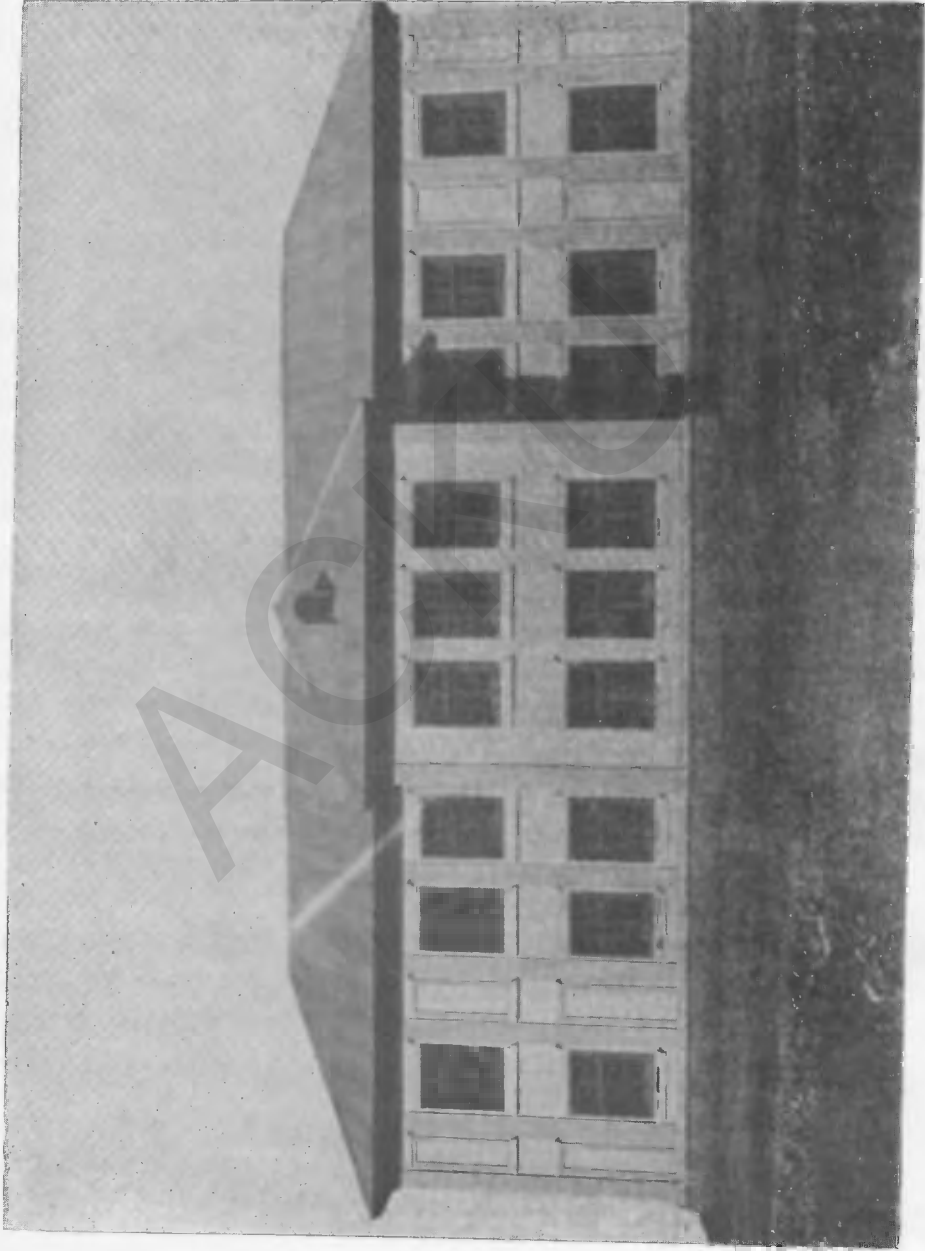
بعد از تذكركار مرحد موتر و كه از كابل الي قندهار و از آنجا تا مرحد هرات امتداد يافته مي بايد از مرحد مهم ديگري كه از كابل جانب شمال ممتد بوده، بولايات قطغن و مزار شريف و ميمنه وصل و از آنجا تا هرات امتداد مي يابد ذكر مي كرده شود. هر چند از مركز سلطنت بولايات شمالي راه هاي متعدد قافله رو كه بذريعه اسپ پيموده مي شود وجود دارد مگر معروف ترين اين راه ها كه ذريعه موتر قطع مي شود مرحد دره شكارى است كه در عهد زمامداري شهر يار فقيد افغانستان اعلي حضرت محمد نادر شاه غازي شهيد بصرف مبالغه كشيده و زحمات زيادي كشيده شده، مواضع كه مرحد مذكور از ان عبور و بمزار شريف مواصلت ميبايد بر حسب آني است.

كابل، كوه دامن، چهار بكار، برج كليجان، سپاه كرد، چهار دره غور بند، فرنجل غور بند، دهنه زرخ قاضي بيضا، شمبل، بلوله، دو آب ميخ زرين، برك، تاله، كبله كي، بل خمري، دهنه غوري، رباطك، ابيك، حضرت سلطان، تاشقرغان، نائب آباد، كور مار، مزار شريف.

گذشته از اين راه قافله رو ديگري كه بنام راه باميان موسوم و قبل از ساختن مرحد دره شكارى مسافرت و حمل و نقل مال التجاره بين كابل و ولايت مزار شريف از همين راه صورت ميگرفت نيز موجود است، اين راه از مرحد فوق الذكر از حد منزل بلوله جدا شده بعد از طی منازل توبجي، باميان، آغر باط، سوخته چنار، سينان و كهمرد، بدر، دو آب، روغر، خرم، سراغ به ابيك واصل مي شود و بعد ها از منازل حضرت سلطان، تاشقرغان، نائب آباد كور مار گذشته بمزار شريف مواصلت ميكنند.

تمام اين طريقه مذكور شد آباد و هر گونه احتياجات در نقاط عرض راه پيدا مي شود و مخصوصاً مناظر طبيعي و آبهاي خوشگوار و ينه هاي سرسبز آن قابل تعريف و تماشا است فواكه و اثمار متعدد و خوب دارد، در كهمرد

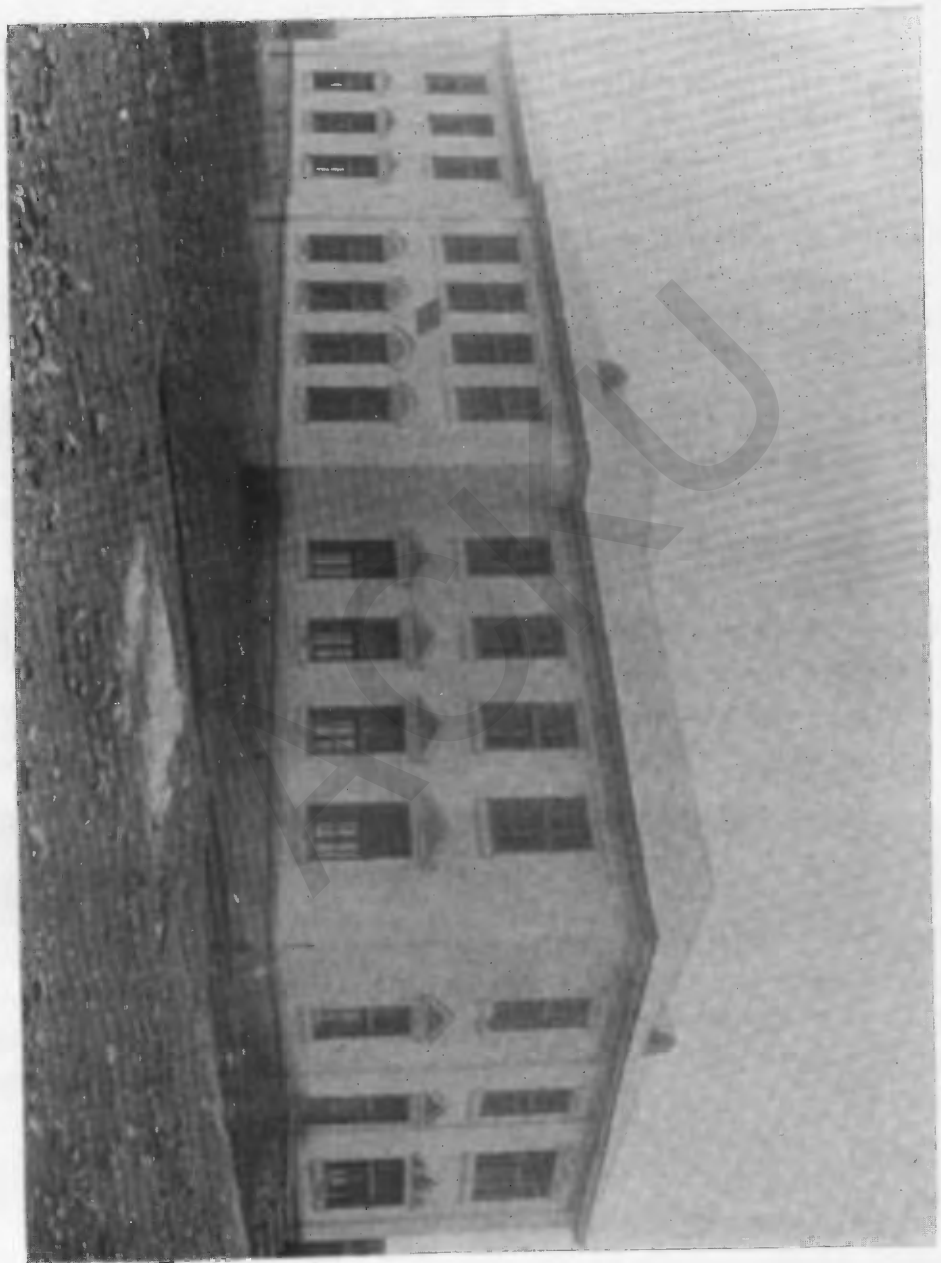
از تعمیرات سال ۱۳۱۴ سمت جنوبی



موتل گردیز

Hôtel nouvellement construit à GARDEZ (Prov. du Sud)

از تعمیرات سال ۱۳۱۴ هجرت جنوبی



بنا خانه ملی کر دیز
Hôpital civil nouvellement construit à GARDEZ (Prov. du Sud)

رهنمای افغانستان

رودخانه آب خوشکوارى که از چشمه های آنجا منبم گرفته موجود است که ماهی های مشهور فالدار داشته و این قسم ماهی در طعم و نژاکت در تمام افغانستان ممتاز است .

بر علاوه آنچه تذکار یافت در عرض این طریق شهر تاریخی بامیان است که مهابد بودائی و بت های معروف در آن قرار دارد و غالب مسافرین خارجی بتماشای آن میروند درین جایک هتل مکمل حاوی تمام لوازم محتاج بهای مسافرین داخلی و خارجی موجود میباشد .

کذا : در عرض این راه شهر ایک سمنگان معروف واقم است ، این شهر يك شهر تاریخی بوده استویه ها و دخمه و دیگر یادگار های زردشتی و بودائی بر فراز تپه های سمت غربی آن دیده می شود درینجا شهر جدیدی در عهد اعلیحضرت (محمد ظاهر شاه) خلدالله ملکه احداث شده دارای هتل ، تلفون ، پسته خانه میباشد و همه گونه احتیاجات مسافرین درینجا بخوبی تامین شده میتواند .

مزار شریف که منسوب بترت خلیفه چهارم رض است و باین مناسبت در حوالی قرن نهم اسلام بنای آبادی و شهر در آنجا قرار گرفته با ارتفاع تخمیناً (۶۰۰) متر از سطح بحر و بعرض البلد شمالی ۳۶ درجه و ۴۵ دقیقه و طول البلد مشرقی ۶۷ درجه و ۱۵ دقیقه وقوع دارد از شهر های درجه سوم افغانستان از حیث پیدوار و تجارت و تنول و آبادی خیلی متری میباشد ، شهر مزار شریف بمقابل ترکستان روسیه اول شهر تجارتنی افغانستان و اطراف و محلات این شهر که مراد از ولایت مزار باشد از حاصلخیز ترین ولایات افغانستان بشمار میرود . مزاروات آن غالباً للمی و دارای باغات میوه مخصوصاً خر بوزه و تربوز این ولایت در افغانستان ممتاز است . قسمت عمده گوشتد و اسب افغانستان بعد از قطن درین ولایت بعمل می آید در موسم اوائل ماه حمل دشت ها و صحاری مزارمرسبز شده و گل مرخ زیاد و فوق العاده در آن ها میروید و این موسم معروف بمیله گل مرخ مزار شریف و از نقاط مختلفه مملکت درین فرصت اشخاص در آنجا برای تماشا میروند . در شهر مزار شریف هتل عالی هر گونه حواج مسافرین موجود است ، در این شهر پسته ، تلگراف ، تلفون موجود و وسایط نقلیه از قبیل ، موتر ، کادی ، اسب و غیره میسر میشود .

بین ولایت مزار شریف و بخارا دریای آموحایل است که در تمام این مرحد الی مرحد مینه بدون کشتی و موتر بوت عبور از آب ممکن نیست ولی برای ایاب و ذهاب از بنظر رف رودخانه بان طرف و از سواحل بخارا بخاک افغانستان (کبهه ها) یک قسم کشتی معمول افغانستان و موتر بوت و کشتی های کوچک بخاری موجود است که عرض رودخانه را در ظرف ۵۰ دقیقه الی یک ساعت می پیماید .

از مزار شریف الی ساحل رودخانه آمو مسافه (۴۰) کیلومتر و مسافرت بوسیله موتر بدرستی اجرا میشود در عرض راه مذکور نخستین برای سیاهگرد و سپس در ساحل رود مزابور بندر بته کبیر واقم است دایره مرحد داری و گمرک افغانی جهت باز دید یاسپورت مسافرین و معاینه اموال تجارتنی در بندر بته کبیر تقرر دارد و در مزار شریف قونسلگری حکومت شوروی مقیم میباشد . مسافه از کابل الی مزار شریف (۵۵۰) کیلومتر است از مزار شریف بطرف مینه و هرات مسافرت بطریق آبی صورت میگیرد .

اول بلخ : بلخ شهر تاریخی و متمدن معروفه قدیمی افغانستان است که آثار و آبدات تاریخی آن چه از دوره اسلام و چه از عهد قبل از اسلام تا هنوز زیاد گوار تمدن و عظمت این شهر بزرگ موجود و سیاحتین خارجه از اطراف و جوانب دنیا بتماشای آن می شتابند ، این شهر الی سال ۱۳۱۲ شمسی بحال خرابی افتاده بود در اواخر این سال باراده سینه تاجدار افغانستان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه خلد الله ملکه شهر جدیدی در کنار شهر قدیم بنا و اساس گذاشته شد که فعلاً کار تعمیر آن جاریست .

بعد از بلخ چهار بولک ، نصرت آباد (نلک است) که درین نقطه ایستگاه موتر بوده مسافرین چای و نهار اگر لازم داشته باشند مصرف کرده بطرول کار آمد خود را نیز میگیرند ، بعد از این منازل آنچه است که در آنچه اگر مسافر خیال توقف داشته باشد هتل هم موجود میباشد ، سپس چخچی ، شبرغان است که از شبرغان بکراه بطرف مریل که نسبتاً شهر معمور است جدا شده و از آنجا نیز مسافر باندخوی و مینه رفته میتواند ، ولی راهی که معمولاً بوسیله موتر میروند ، از شبرغان خود ، دوکوه ، شاه مردان ، اندخوی فرمقول است . اندخوی از شهرهای تجارتی ولایات شمالی مملکت و پوست های خیلی خوب قره کلی درین نقطه بعمل می آید ، استعداد زراعتی آن خیلی قابل تفریح است ، صنایع مهم این نقطه قالدین باقی است که قالدین های اندخوی بعد از دولت آباد خیلی ممتاز و مبادلات تجارتی درین نقطه با خارجه خیلی زیاد میباشد . بندر مرحدی اندخوی مقابل روسیه معروف به (آقینه) و بقا صله (۶) کیلومتری اندخوی واقع است ، در فرمقول نیز ایستگاه موتر میباشد . سپس منازل دولت آباد ، شیرین تکاب اسلم و بعد شهر مینه است ، شیرین تکاب مرکز حکومت است و در همین علاقه قریه ایست مشهور بجان قره که در موسم بهار ماه های حمل و نور از حبث سبزی و خرمی آب های صفا از بهترین مناظر ولایات مذکور بشمار میرود .

مینه که برض البلد شمالی ۳۵ درجه و ۵۷ دقیقه و طول البلد مشرق ۶۴ درجه و ۴۹ دقیقه وقوع دارد مراد از جوزجان تاریخی است ، این شهر تجارتی و در اطراف آن اهالی بزراعت و مالداری آباد اند ، حیث زراعتی مینه و اندخوی در تمام مملکت ممتاز است ، ضرر و هعات این محالات نیز مثل ولایت مرار غالباً الی است خربوزه و تربوز مینه قابل تفریح میباشد .

مرحد داری مینه مقابل خاک ترکستان رومی که طریق تجارتی و مسافرت است در بندر کرکی میباشد که بوسیله موتر در ظرف (۳) ساعت قطع شده در مرحد مذکور پاسپورت و اموال تجارتی معاینه می شود ، در مینه قونسلگری دولت شوروی مقیم است ، مسافه از مینه الی هزار شریف (۲۳۵) کیلومتر میباشد . از مینه الی هرات .

طریقیکه از مینه بطرف هرات قطع می شود عبارت از منازل المار ، قیصار چیچکنو متعلقه حکومتی اعلا مینه و قورماج ، بوکن ، مرغاب ، بل مرغاب متعلقه هرات است که مسافه ۳۸۶ کیلومتر ادا را است از مینه الی بل مرغاب مرکز موتر و مستقیماً امتداد یافته ولی درین نقطه کوتل زرمست از شاخه های هند و کوش بین مرغاب و هرات حائل است که قبلاً مسافرین بواسطه اسب از آن عبور می نمودند . یسته خانه تاریخی که بنای آن از خشت بخته است بر فراز این کوه از زمانه های چهار قرن قبل موجود است ولی حالا که مرکز موتر و در تمام نقاط مملکت کشیده شده لهذا غالباً مسافرین از راه کوتل زرمست قطع مسافه نکرد بلکه از بل مرغاب بجماده موتر و قلعه نو از آنجا براه (الهاق) کورخ که یک علاقه سبز و خرم و دارای هرگونه خوراکی و مناظر تشنگ قدرتی است قطع طریق کرده وارد منزل باوان پیری (۱۶) کیلومتری هرات و از آنجا بشهر هرات میروند .

مسافرت از کابل الی ولایت قطن و بدخشان

هر چند طرق مسافرت این ولا از سمت شمالی کابل صورت گرفته و با عبور سلسله هند و کش بولایت مذکور و بسیاری شود ولی چون راه موتر و بولایت مذکور از دره شکاری امتداد یافته لهذا ما همین طریق را بجهت مسافرت موضوع قرار داد . دو سیس راه دیگری را که سابقاً وسیله رفت و آمد و حمل مال التجاره بوده و ضروریات اهالی و تأمین می نمود تذکار می نمایم ،

وقتکه موتر مسافرین علاقه جات سمت شمالی کابل و دره شکاری را پیموده وارد دهنه غوری می شود، بعد از وصول بدهنه غوری مرکز مزار شریف را ترك کرده بسمت راست بسرکبه بولایت قطنن امتداد یافته براه می افتند و منازل این طریق در دشت همواری بوده که آن را طی نموده خان آباد می رود کذا از خان آباد بطرف تاشقرغان نیز راه دیگری ممتد شده، منازلی که در عرض این راه تصادف میکنند اسامی شان قرار ذیل است:

قندوز، چهاردره، آبدان میر علم.

طریق آبدان میر علم در بین دشت صاف و همواری امتداد یافته بسهوات قطع میشود مسافه بین خان آباد و تاشقرغان (۲۵۰) کیلومتر است. ولی اگر بسرک مستقیم که از سرک بین، بخان آباد کشیده شده قطع مسافه شود مسافه مذکور کمتر از راه آبدان میر علم است.

بعد ازین راه راه کوتل خاواک که راه معروف قدیم است می باشد، بولایت خان آباد بیش تر ازین راه آمد و شد می شود، وای بواسطه بر فکیری و نبودن مرکز موتر و مسافرین موتر دار ازین راه عبور نمی نمایند، رفتن باین راه بطریق کوه دامن، چهاریکار، کلبهار، و پنجشیر صورت گرفته پس ازات منازل سمندان، ده صلاح، برم، نهرین آق چشمه، شوراب و خان آباد است که این منازل از مر بوطات و لایات قطنن و بدخشان گفته می شود، از منزل نهرین راه غیر موتر رو جدا شده بطرف علاقه بغلان و از آنجا به پل خمیری، دهنه غوری، رباطک، ایلیک امتداد می یابد. کذا از منزل ده صلاح نیز راهی بطرف مزار شریف ممتد شده است.

ولایت خان آباد یک ولایت آباد و شاداب است، چه از سلسله هند و کش و باهیر نهر ها و رود بارهای متعددی در حصص شرق و جنوبی آن جاری و جنگلات متعددی داشته مواشی درین ولایت خیلی بخوبی پرورش می یابد، در حصه های غربی و شمال و غرب ولایت بعضی دشت های وسیعی هم وجود دارد.

زراعت ولایت للمی هم آبی است ولی چیزیکه قابل تعریف است میوه های این ولایت و کثرت اشجار و باغات آن میباشد، اسب قطنن در تمام مملکت بخوبی و محکمی و تیز رفتاری مشهور است گوسفند قطنن بکثرت خود ممتاز و اکثر آمصارف گوشت کابل ازین ولایت تهیه می شود.

از خان آباد مرکز های موتر و بنقاط آتیه امتداد یافته است، از خان آباد الی تالقان، از تالقان الی بندر حضرت امام، کذا بطرف مشرق تالقان مرکز موتر روکشیده شده الی (کشم) و از کشم شمالاً بطرف رستاق و بندرینگی قلعه که این بندر هم مقابل روسیه واقع و بندر تجارتنی و مسافرت است.

از کشم بطرف شمال مشرق مرکز مذکور امتداد یافته بشهر فیض آباد که مرکز حکومت کلان بدخشان مر بوط ولایت قطنن است وصل می شود، از فیض آباد شرقاً بطرف جرم و زیباک علاقه های مذکور امتداد یافته است.

ولایت قطنن و بدخشان عبارت از طغارستان قدیم و در عهد قبل از اسلام و در زمانه اسلام الی عهد ملوک بامیان غوری خیلی این ولایت مترقی و آباد بود.

در شهر خان آباد مرکز ولایت و شهر فیض آباد مرکز حکومتی کلان بدخشان جاهای رهائش برای مسافرین موجود و هر گونه احتیاجات خوراکی و لوازم ضروریه پیدا می شود، تلفون و پوسته از شهر های مذکور در ولایت مزار و کابل جریان دارد.

غالب محلات این ولایت بوسیله موتر سیاحت می شود و قسمتی از نقاط که دارای مناظر طبیعی است باید بوسیله اسب سیاحت شود.

از بنا در سرحدی این ولایت اول بطرف شمال خان آباد بندر حضرت امام مقابل (سرای کرهاک ترکستان) رومی فاصله (۴۰) کیلومتر واقع است که از راه تالقان عبور می شود، دوم از دشت آچی بقا صله (۲۰) کیلومتر بهمین بندر قطع مسافت می شود ولی راه تالقان از حیث آبی مزیت دارد، در دشت آچی آهوی سفید بکثرت پیدا می شود.

دوائر حکومت وگمرک و دوائر سرحدی افغانستان چپنه باز دید یا سیورت و امته تجارتی درین بندر تقریباً دارد جای رهاش و پیداوار مسافری درین نقطه بدرستی تهیه می شود، جنگل بزرگ حضرت امام که ۶۴ کیلومتر طول و ۷ کیلومتر عرض دارد دارای شکارهای مهم از قبیل آهو، گوزن، مرغ دشتی، خرگوش و غیره میباشد.

ابنیه و عمارت و قلعه های مخروبه حکام عهد اسلام در عرض راه قندوز و در این نقطه بکثرت دیده میشود. قندوز، که بین حضرت امام و خان آباد واقع است دارای جنگل مشهور است که دران انواع وحوش و طيور پیدا میشود مخصوصاً در ساحل رودخانه آمو متصل جنگل مذکور سک آبی و ماهیان بزرگ چپنه شکار زیاد پیدا می شود.

تالقان: از مضافات خان آباد و دارای شهر حاکم نشین بوده نقطه حاصل خیز است، در دهات آن باغات متعدده بوده میوه جات و شکار کبک درین نقطه زیاد میشود.

بدخشان: از نقاط معروف این ولایت و دارای آب و هوای خیل لطیف و سالم بوده انواع فواکه خوب و شکار اسام طيور و حیوانات درینجا میسر میشود و لعل و لاجورد آن معروف آفاق است.

امته تجارتی چترال، یار کند، کاشغر، کشمیر در بدخشان مبادله میشود، سرحد افغانستان و چترال در حدود علاقه نهرس قرب دریای چترال از هم جدا میشود، بنا در معروفه بدخشان مقابل چترال و ترکستان چین بندر زیباک و مقابل فرغانه ترکستان رومی بندر بروغیل است.

مسافرت از کابل بسمت جنوبی

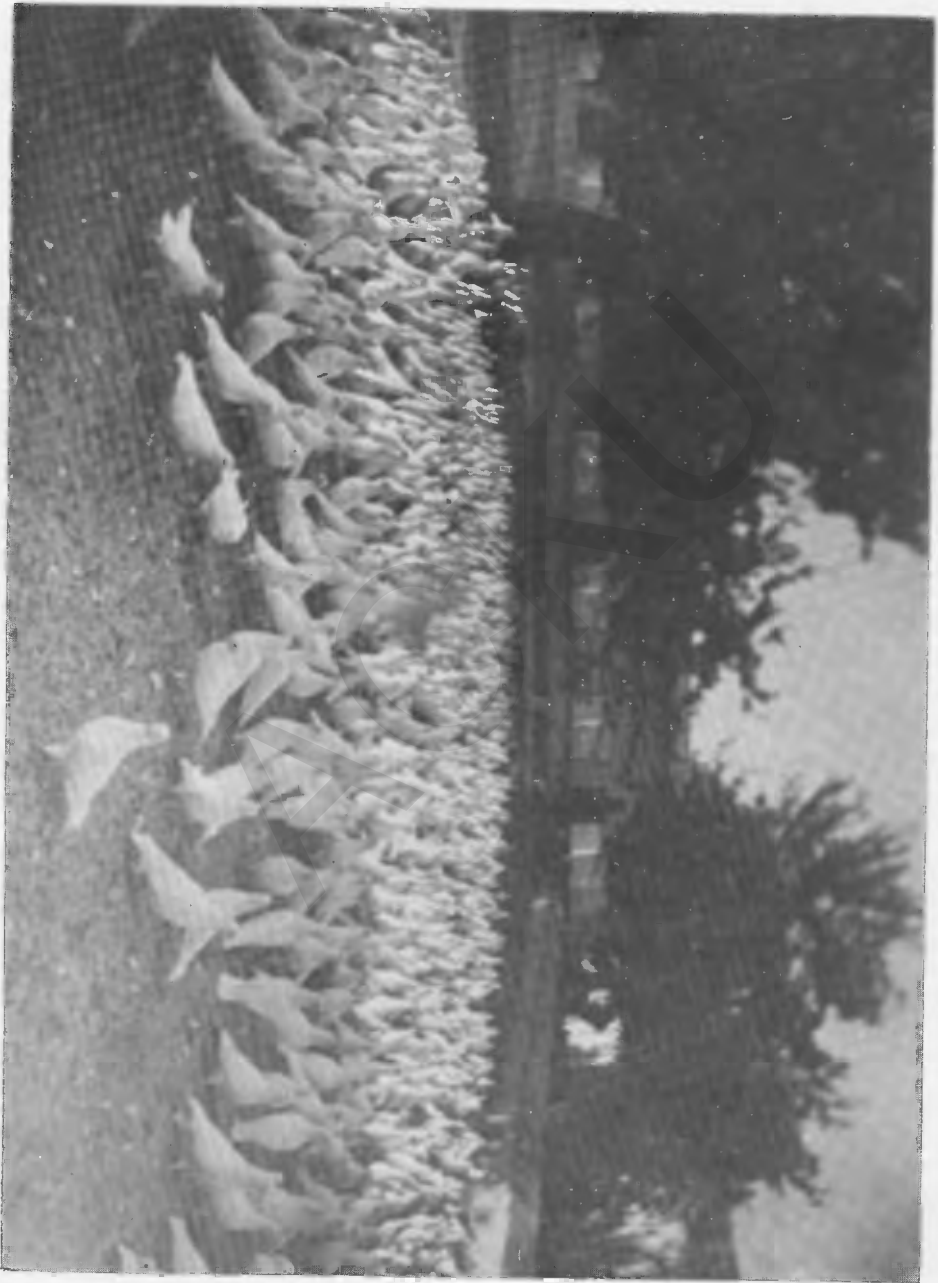
سمت جنوبی علاقه ایست که در تقسیمات ملکیه افغانستان بحکومت اعلی تشکیل یافته و باین اسم موسوم گردیده است این منطقه عبارت از پاکتیای تاریخی و در عهد قبل از اسلام معمور و تمدن بوده شهر تاریخی گردیز محل اداره و مرکز آن بود. قلعه تاریخی گردیز که حصار آن تا حالا بر با و یکی از بناهای عظیم و حیرت انگیز است شاهمد قدمت تمدن و ترقیات باستانی این سرزمین بشمار میرود.

این علاقه واقع است در جنوب کابل و عبارت است از کوهستانات و صحاری و جبال شامخ و دارای آب و هوای معتدل و محصولات نباتی مختلف - بیشه عمومی باشندگان این نقطه مزروعات و باغ داری و مالداریت، همه از مردان ده نشین و غالباً از قبائل کوچی این سمت به تجارت داخله و خارجه نیز می پردازند - مناظر قشنگ طبیعی، کوهسار پر اشجار، جنگلات متعدد، چشمه های آب معدنی طيور و وحوش هر قسم چپنه شکار درین سمت زیاد است.

معروف ترین بندرات سرحدی این سمت مقابل خاک هند بنا در (خوست) و (ارگون) است که گمرکات و سرحد داریهای آنه نی چپنه باز دید یا سیورت و اموال تجارتی درین بنا در قرار داده مرکب موتر و از کابل الی غالب نقاط این سمت کشیده شده باین ترتیب:



از مناظر طبیعی و لایت مزار شریف : تاشکوران و دور نای تنگی تاشکوران
La gorge de TACHKORGHAN vue de loin (prov. de Mazar-i-cherif



بك منظره از كوتوران روضه مبارك در مزار شريف
Une vue des pigeons de RAOUZA (tombeau du 4e Calife) à MAZAR-I-CHERIF

رهنمای افغانستان

از کابل براه لوگر الی گردیز که بوسیله موتر در ظرف (۴) ساعت قطع میشود. از گردیز بطرف ارکون که بیودن آن بذریعه موتر (۴) ساعت وقت میگیرد. از گردیز بطرف مرده و جدران که بالاخره بخوست موصلت میکند، از گردیز بطرف غزنی که علاقه کتوا را قطع کرده بغزنی واصل و براه قندهار مربوط می شود.

احتیاجات مسافری بیشتر در گردیز و خوست تهیه می شود، آثار و آبادات تاریخی درین سمت زیاد و از مهم ترین آن قلعه گردیز است.

بر علاوه این راه ها که از مرکز سلطنت بولایات تمدید شده يك مركز موتر رو دیگر بطرف دایزنکی نیز موجود است، این طریق از مرکز بامیان جدا شده بکاولنگ را عبور کرده به پنجاب دایزنکی داخل و از آنجا بسرجنگل موصلت میکند از سرجنگل مستقیماً يك سرک موتر رو بطرف هرات کشیده است.

مسافر اینکه از راه قافله رود اینزنگی اگر بخواهند به هرات سفر نمایند اولاً علاقه بهسو دراکه يك جلیقه حاصل خیز بوده و از طرف يك حکومت درجه اول تحت قیادت حکومت کلان دایزنکی اداره می شود بیوده داخل علاقه دایزنکی می شود، وضعیت طبیعی این علاقه بیشتر کوهستانی و زمین های فراخ کمتر در دوی در تمام این مناطق آبادی و نفوس موجود بوده احتیاجات مسافری تهیه می شود.

پس از ورود بخوردک نخته که مرکز حکومت کلان دایزنکی است الی هرات منازل آتی می آید، دولت یار، این منزل متعلق هرات است که منبع آب رودخانه هری رود و بقا صله (۳۰) کیلومتر بطرف شمال آن (فیروزکوه) پای نخته معروف شاهان غوری که حالا نخر و به شده واقع است.

بعد از قطع منزل دولت یار چنچران و شهرک است، شهرک یکی از شهرهای معروف تاریخی هرات است، این شهر از نقطه نظر تاریخ و آثار یکی از مانده چه در عهد اسلام یعنی قبل از فتنة مغل و چه در عهد قبل از اسلام یعنی دوره یونانی و بودائی تمدن بر رگی داشته و آثار این تمدن های تاریخی تا حال در آنجا موجود است.

بعد از شهرک منزل خوجه چشت، رباط سرخ است، مسافر از خوجه چشت بسزمین معبر و آباد داخل میشود، او به از خوش هوا ترین و خوبترین محلات هرات است معدن بزرگ سنگ مرمر و چشمه آب گرم که برای امراض جلد به فسل آن مفید واقع می شود درین نقطه موجود و برای شکار کبک و تهبو این جا خیلی مساعد است.

در خانه باید اضافه کرد که علاوه بر راه های متذکره ها و بیاده روه های دیگری هم در بین حکومت و محلات افغانستان تمدین یافته که اگر مسافری قصد سیاحت آن محلات را داشته باشند بوسیله راه های مذکور بدون مشکل به محل مطلوب رسیده میتوانند.

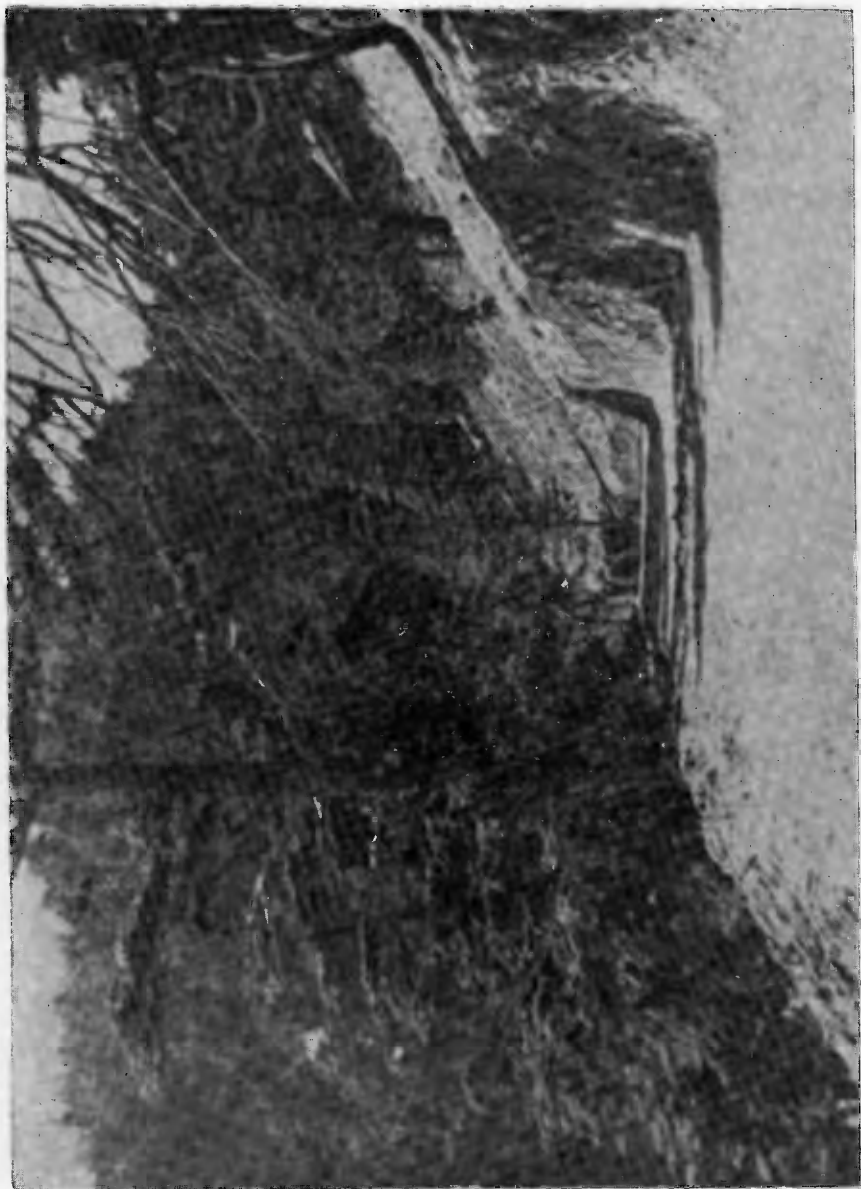
فاصله ها :

۷۰ کیلومتر		از کابل الی چهاربیکار
» ۳۳۰		از چهاربیکار الی دهنه دره شکاری
» ۸۵		از دهنه دره شکاری الی ایک
» ۱۲۰		از ایک الی منار شریف
» ۶۱۰		جمله مسافه بین کابل و منار شریف

فاصله ها :

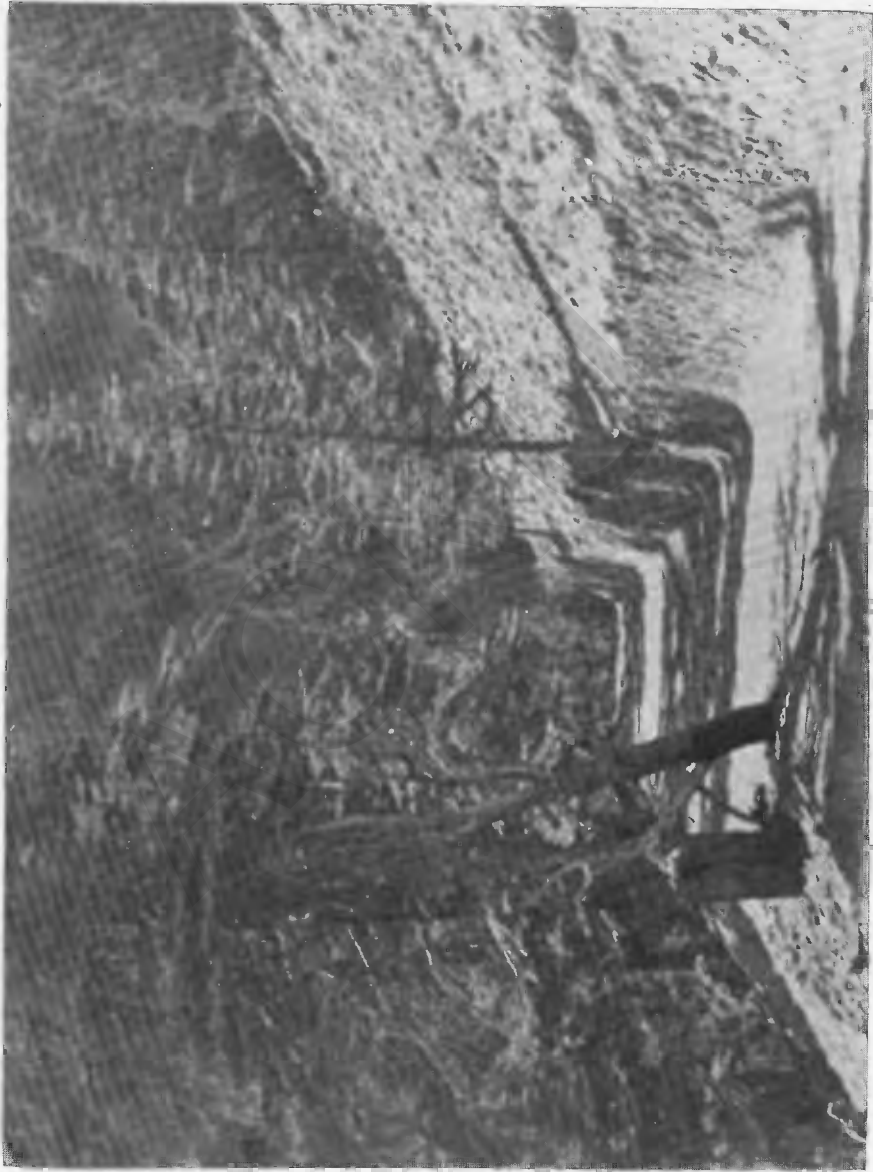
کیلو متر	
۲۲	از مزار الی بلخ
۱۵۰	از مزار الی شبرغان
۲۲۲	از مزار الی اندخوی
۱۴۴	از اندخوی الی میمنه
۳۶۶	جمله مسافه بین مزارو میمنه
۱۷۰	از میمنه الی مرغاب
۱۱۹	از مرغاب الی قلعه نو
۱۷۱	از قلعه نو الی هرات
۴۶۰	جمله مسافه بین میمنه و هرات
۱۴۵	از کابل الی غزنی
۳۱۰	از غزنی الی قلات
۱۴۵	از قلات الی قندهار
۶۰۰	جمله مسافه بین کابل و قندهار
۱۵۰	از قندهار الی کرشک
۲۳۰	از کرشک الی فراه
۱۸۰	از فراه الی سزوار
۲۱۰	از سزوار الی هرات
۷۷۰	جمله مسافه بین قندهار و هرات
۴۰۰	از کابل الی بلخ خمری براه دره شکاری
۱۸	از بلخ خمری الی دهنه غوری
۱۱۷	از دهنه غوری الی خان آباد
۲۷	از خان آباد الی قندوز
۱۱۰	از قندوز الی تاشقرغان
۶۰	از تاشقرغان الی مزار
۲۰۰	از کابل الی جلال آباد
۲۳۵	از کابل الی دکه
۱۱۰	از کابل الی گردیز
۶۰	از گردیز الی خوست

انظر مناظر قندهار سمت جنوبي



ميرك جهيد خوست به حد كو تل خاوري
(Une vue de la nouvelle route GARDEZ - KHOIST (Prov. du Sud))

از مناظر قشنگ سمت جنوبی



مراك - جديده شوست در حد كوتل صوره خاوري
Une vue de la nouvelle route GARDEZ - KHOUST (Prov. du Sud)



مکاشف جناب یعقوب حسن خان
ضو افتخاری انجمن

نگاهی بتاریخ قدیم افغانستان

در سالنامه سنه ۱۳۱۲ و سنه ۱۳۱۳ مجله کابل راجع به «تعداد افغانان» و «زبانهای افغانستان» بحث و انده شده اکنون بفرض تسلسل واقعات در باب مدنیت، اخلاق و دین آریه های قدیم مخصوصاً از آن وقتهایی که از م یاشان وجدان شده و در مهمل اولی خود زیست میگردند اجمالاً ذکر می نمایم.

راجع به آریه های قدیم که از کوه الطائی الی باختر و کوه هند و کش سکونت داشتند داخل آریه های قدیم اسناد تاریخی بدست نیست، اما مورخین عصری وسیله دریافت و اتخاذ نمودند که بدان ذریعه می توانیم حدسیات که نزدیک به صحت باشد بزنیم میدانیم که آریه های قدیم وقتی که نفوس آنها در خطه مذکوره الصدر روبرو بزیاید و بر علاوه باران، آب و عاف در اینجا روبرو به قلت گذاشت از مهمل خود جدا شده به دیگر قطعات افغانستان، هندوستان، ایران و قطعات آریائی برآکنده شدند، طبعاً زبان اجداد خود را با خود بردند، این زبان آریائی و شعب آن در سالنامه سنه ۱۳۱۳ مفصلاً ذکر شده، پس اگر این جمله دسته ها به غور و دقت تحت مطالعه گرفته شود میتوانیم راجع به معافرت مردم آریائی که چهار یا پنج هزار سال پیش میزیستند بعضی استنباطات بنماییم.

جمله زبانهای آریائی يك مشابهت و مماثلت دارد، و وقتی که، لاحظ می نمایم که اصل و ریشه کلمه در اکثر یا تمام زبانها مشترك است و معنی واحد دارد برای استخراج ما دلیل موزونی است که چیزیکه مفهوم و نام آن ازین ریشه می برآید با جدا داشته آریائی معلوم بود، مثلاً طالمات اسنه معلوم کرده اند که الفاظ برای گادی و مراده در جمله زبانهای آریائی مماثل بوده و ریشه واحد دارد، بنا بران میتوانیم استنباط یقینی نمایم که آریه های قدیم گادیها داشتند، البته این گادیهای غیر موزون از تنه های درخت ساخته شده و دوسر آن ذریعه تیر درست کرده شده باشد - این گادیهای قدیم را ترکاوها میکشیدند، آریه های قدیم اسب سواری

را یاد نداشتند و نه از اسپ کار دیگری میگریفتند - منلهای دوره (۱) سنگی اسپ سوار و آریه های دوره سنگی صاحب گاو بودند .

از روی زبانهای آریائی معلوم میشود که آریه هائیکه هنوز از بلخ آریه های دوره سنگی و نواح آن از هم جدا نشده بودند ، ارباب متفرقه را می پرسیدند و برای آنها کلمه بومی آریائی یعنی دایووها Daevos یعنی « ذوات درخشان » با استعمال میآوردند . از جمله آنها یک رب النوع بود که آنرا بشکل انسانی تصور و او را بنام دیوس پتر Dyeus pater یعنی « پدر آسمانی » یاد میکردند - خیال میکنیم که این رب النوع موهومی آنها تا یک اندازه رب النوع قبیله وی و شاید ملی بوده - بعد هادر بین آریه های مشرق « وارونه » Varuna در عوض رب النوع اول اندک رواج یافت - در زمانه ویدی این « وارونه » در مقابل رب النوع جدید موسوم به « اندرای جنگجوی » Indra شکست خورده و پس رده شده میرود ، باز « اندرا » بنوبت خود بعد از زمانه ویدی رواج و احتوای « وشنو » Vishnu و « رودرا » Rudra مغلوب و مقهور میشود « اسویناؤ » Asvinau و « دیوسکوری » Dioscouri در مناجات ویدی و هوسر (۲) و غیره زبانهای آریائی ذکر شد و این ها دور رب النوع توأم اند که آریه های قدیم آنها را سماوی موسوم کرده اند - از مقرر کردن « پدر آسمانی » فهمیده میشود که در بین آریه های آن زمان یک نوع اتحاد سیاسی بوجود آمده بود .

آریه های قدیم یک دودمان را از صلب پدر میشناختند ، معمرترین سلف خاندان خود را « پدر خا نواده » میگفتند . اما نمیتوان به یقین گفت که علاوه بر کلان شونده خا نواده ؛ کدام رئیس ملی هم شناخته میشد یا نه - یقین شدت این مفکوره های مرتب در بین آریه های قدیم دلیل بر آنست که از ازمینه قدیم سنگی بر آمده چیزی مدنی شده بودند .

یقین میرود که در همین ادو آریه ها بعض حیوانات را اهلی ساخته بودند ، چنانچه رای سگ ، گاو ، کوسند بز ، اسپ و خوک نامها (۳) داشتند ، بر علاوه چون برای ز و ماده نامهای مخصوص گذاشته بودند لهذا معلوم میشود که آنها به تربیه حیوانات وقوف پیدا کرده بودند ، برای مسکه و دو شیدن کلمه را استعمال میکردند ؛ اما هیچ است که برای « شیر » لفظی بنا معلوم نشده - چنان مفهوم میگردد که حیوانات اهلی در ثروت و اقتصاد آریه های آن زمان رول مهمی بازی میکرد ، چنانچه برای افغانیان و هندوهای ویدی ، افغانان و ایرانیان آریستائی یونانی ها و رومی ها و کلت ها (یا سلت ها) و غیره حیوانات منبم عمومی ثروت و تمول بوده ، این اهمیت از کلمه « گاو شتی » (مجادله برای گاوها) و از مناجات زردشت یعنی « روح گاو » که مرادف نیکو کاری آریه بود واضح میشود ، اسپ (۴) را آریه ها از منفل ها گرفتند و آنرا « نیز رفتار » نامیدند .

(۱) دوره سنگی مراد از زمانه ایست که بشر از سنگ آلات و اوزار میساخت و آنها را استعمال میکردند . بدو سنگ اتراشیده ، نو کداز را استعمال میکرد تا بیا سنگ را صیقل و تیز مینمودند ، بشر در دوره جدید سنگی بیکان از سنگ میساخت ، ظروف ساختن را یاد گرفته بود - بعضی حیوانات را اهلی ساخته بود ، اگر چه زراعت را یاد گرفته بود اما بالعموم به شکار گذران میکرد - بقدگی و لباس را هم آموخته بود ، این زمانه را « دوره زراعت » نیز میتوان گفت - و این زمانه آغاز دوره فلزی میباشد .

(۲) Homer شاعر یونانی در حدود قرن نهم قبل المیلاد میزیست - (۳) متاسفانه نام های قدیم اروپائی این اشیا را کتابهای که تحت مطالعه ماست نداده اند

(۴) در ترکی قدیم اسپ را Ghora میگویند ، در زبان هندی هم (گهو را) میگویند ، گر با دلیل است که آریه ها این حیوان را از زرد پوست ها گرفتند - (هنر سال تا تاریخها مصنفه ای ، بیچ پارکر) .



نمونه خط کوفی طقراى جناب سيد محمد ايشان خان خطاط معروف وکيل رياست عمومي مطابم
Spécimen d'écriture d'un calligraphe contemporain de Kaboul



نمونه خط ثلث طفرای جناب سید محمد ایشان خان خطاط معروف وکیل ریاست عمومی مطالب
Spécimen d'écriture d'un calligraphe contemporain de Kaboul

کمان غالب است که نه فقط بازراعت آشنا بودند بلکه ده نشینی را نیز یاد گرفته بودند - ولی نه پوره ده نشین شده بودند و نه کاملاً زندگانی بدوی داشتند - گویا آنها کوچی بودند که از یک مقام به موزم دیگری نقل مکان نموده چندی در اینجا توقف میکردند، باز هم آریه های قدیم از زراعت کرده به مال بروری و کله چرانجی شغف و شغل داشته بآن اهمیت زیادی میدادند، بد و آذریه یک پیله چوبی غیر موزون کشت میکردند بهرها وقتیکه به استعمال حیوانات پرداختند، بامداد ترکها و هافله میکردند، قلبه عبارت بود از چوب خمیده درخت - برای نمک و ماهی نامی نداشتند - چنانچه می بینیم که در آویستا و ویدماهیگیری ذکر نشده و یونانی های زمان « هومر » از ماهی تنفر زیاد میکردند، آریه های یک نوع شرب را که از شهد میساختند می آشامیدند و آنرا بهر Medhu میخواندند .

آنها به فلریکه غالباً مس بود واقف بودند چه دو کلمه ایکه برای مس استعمال میکردند بآر سیده یکی « آ یوس » AyoS و دیگری « راود هوس » Roudhos اما قرآر معلومات علمای السنه از تلفظ اینها معلوم میشود که این کلمه ها مستعار است و اصلاً آریائی نیست، از روی الفاطیکه از ریشه ها « گیل » یا « گیر » Gher-Ghel یعنی « زرد » و « ریگه » reg یعنی « درخشان » اشتقاق یافته معلوم میشود که این کلمات برای فلز قیمتهار استعمال میشد - و این امریست طبیعی چه در نواح کوه های الطائی و دریا های ولایات شمالی افغانستان و قراقرم و غیره طلا باندازه وافر پیدا می شد چنانچه حال هم از دریا های مملکت ما ذریه ریگه شوشی طلا را بدست می آوردند - اغلباً خود آریه های قدیم آلات فلزی را ساخته نمیتوانستند بلکه از خارج وارد میکردند پنا بران ظاهر می شود که آریه ها در وقت جدا شدن، مراحل « دوره سنگی » را طی نموده داخل منازل ابتدائی « دوره فلزی » می شدند - اسلحه و اوزار آن زمان عبارت بود از قلم حکاکی (برای ساختن آلات سنگی بکار می بردند)، یاکی، گرز، کمان، فلاخن، نیزه، پیش قبض و تبر و غیره - مفهوم می شود که شمشیر آریائی هنوز دم نداشت بلکه نوکدار بود و این نوک یا سنن از سنگ یا مس می بود .

اگرچه اینقدر واضح می شود که ظروف کلی را می ساختند ولی درباب شکل آنها نمیتوان حدسی زد - از جمله صنایع آنها تجاری مهمترین بوده و آنها گادی ارا به دار را می ساختند و به آن بدو آنرکاو و پسان اسب بسته میکردند - از ریشه های الفاظ « وی » (Vi) یعنی پشم و « ویب » (Vebh) یعنی ذوک استخراج می شود که از یاقندگی هم آشنا شده بودند همچنان از الفاطیکه برای دروازه، چوکات و ستون و تمام عمارت استعمال می شد واضح است که بده نشینی نیز میلان و رغبت پیدا کرده بودند - اگرچه برای « فریه » یا « شهر » اصطلاحات آریائی بدست نیست اما شکی نیست که آریه ها یک نوع مامن داشتند که فسیل ها آن را احاطه میکرد - بهلاوه، آریه های قدیم اگرچه کاملاً بدوی بودند و نه ده نشین ولی در تنظیم سیاسی و عقاید دینی پیشرفت نمایانی نموده بودند - مگر به تحریر آشنا نشده بودند .

تاریخ اجمالی شرق قدیم (۱)
 بشرض فهمیدن واقعات از منته تاریخی و خصوصاً حرکت و پراکنده شدن آریه ها مناسب میدانیم که شرق قدیم را اجمالاً خاطر نشان کنیم - منطقه معتدله زمین برای زراعت، اقامت بشر و مخصوصاً حیات موزون زمین ثابت شده است چنانچه تاسیس سلطنت ها و تنظیم و تجمیع بشر از همین خطه آغاز نموده و در چین، باختر، عراق، مصر و یونان و غیره اهالی به زراعت، ده نشینی، تجارت و تاسیس سلطنت ها موفق شدند -

(۱) بشرض تفصیل تاریخ آسیا (سالنامه سنه ۱۳۱۲) خصوصاً چین، هندوستان، آسیای وسطی، ایران و عراق عرب را مطالعه فرمائید -

از حفریاتیکه در دوران حرب عمومی و بعد از ان در مملکت عراق عرب اجراء شده بود تمدن قدیم بنا منکشف شده است ، چنانچه واقف شده ایم که قومی بنام سومیریها (Sumerians) تخمیناً در حدود (۶۵۰۰ ق م) در عراق عرب قریه جات را بنا کردند ، این مردم کشت خود را به داسهای گلی درو میکردند ، در فن آبرسانی تدربجاً مهارت قابل ملاحظه را نائل شده بودند ، مواشی ، خر ، بز و گوسفند داشتند اما از اسپ نا آشنا بودند - تمدن خود را آهسته آهسته بلند بردند و یک نوع تحریر استعمال میکردند ، اصحاب کاوش و ذوق به خواندن تحریر مذکور موفق گردیده اند - سوماریها تا مدت چهار هزار سال بدون مزاجت خارجی دوام کردند تا آنکه در سنه ۲۷۵۰ ق م یک قائد بزرگ ساسی هائی چا در نشین موسوم به سارگون اول از مغرب هجوم آورده و بر آنها غلبه جست ، نه فقط سوماریها را بر انداخت بلکه سلطنت و حکمرانی او از بحیره روم در مغرب الی خلیج فارس در مشرق وسعت یافت ، این مردم حمله آورسی نژاد را اکدبها (Akkadians) و سلطنت آنها را سوماری اکدیائی میگویند - که در شمال سومیریها پایتخت خود را بنا نهادند - سلطنت مذکور زائید از دوسده سال دوام داشت .

بعد ها مردم سلاشور و جنگجو موسوم به عیلامها از طرف مشرق و عموریه های ساسی نژاد از طرف مغرب هجوم آورده سلطنت سوماری اکدیائی را در بین زیر فشار آوردند ، عموریه ها هم قوم حضرت ابراهیم علیه السلام بودند و بعد از جنگ یکصد ساله زیر قیادت مقنن معروف یعنی حمورابی Hammurabi در سنه ۲۱۰۰ ق م کل علاقه عراق عرب را متصرف گردیدند ، سلطنت خانواده حمورابی در سنه ۱۹۰۰ ق م منقطع یافت .

صد سال بعد مردم چا در نشین موسوم به کاسی ها (Kassites) بهمراه اسپ ها و کادیها از طرف مشرق هجوم آورده در بابل پادشاه خود را نشانده و دودمان حمورابی را بر انداختند - اغلباً این مردم یک شعبه آریائی بودند که از باخ (۱) جدا شده بودند - چنان معلوم میشود که نام سوسه (شوش) از لفظ باختری «اسوا» (در سنسکرت «اسوا») اشتقاق یافته است زیرا این مردم اسپ سوار و عمراه های جنگی داشتند .

درین ادوار مردم دیگر ساسی نژاد یعنی آتوریها شهرها را تاسیس و فن حرب خود را ترقی داده یافتند ، مهم ترین شهر های آنها آتور و نینوا بود ، سارگون اول آنها را مغلوب نموده بود ، این مردم بر علیه اخلاف سارگون که در بابل حکمران بودند بهمراه دولت مصر شریک سازش شدند - اسپ سواری را از آریه ها یاد گرفته و عمراه های جنگی را با استعمال آورده اولاً هتیت ها را که یکی از اقوام آریائی و در شمال حلب سکونت داشتند ، شکست دادند بعد ها در سنه ۱۱۰۰ ق م بابل را نیز متصرف گردیدند - نینوا شهر سنگی ساسی ها و بابل شهر شقی آنها قرار یافت - تا چندین قرن در بین بابل و نینوا اقتدار و سلطه حکومتی رد و بدل میشد متأسفانه آتوریها بسیار ظالم بوده برای غضب و نهب عموم مردم را تعدیب و اذیت فوق العاده میسازیدند چنانچه شکنجه های مهیب را ایجاد کرده بودند - شاهان آتوری با دولت مصر همیشه مصروف بیکار میبودند ، یکی از شاهانه آتور موسوم به سارگون دوم در سنه ۲۱ - ۷۲۲ ق م بهودیهای فلسطین را به میدیا فرار نموده بود -

درین آوان قبیله دیگر ساسی موسوم به آری ها در سیریا (یعنی شام) اقتدار و تغلب جست دهمشق را پایه تخت خود مقرر کرده بودند - بالاخره بفرض تفوق و توسیع سلطنت خود با آتوریها آمیختند - در دوران محاربات آتوریها و آری ها ، چادر نشینان جدید ساسی نژاد موسوم به کلدانی ها (یا خالدیه) بامداد و اتفاق مادهای (Medes) آریائی در سنه ۶۰۶ ق م نینوا را فتح کردند ، کلدانی ها شهر بابل را پایه تخت قرار داده عراق عرب جنوبی

(۱) کورودن چانگد مولف « آریه ها »

را منصرف شدند و مادها در شمال مغرب ایران حایله - سلطنت قوی را تشکیل دادند - کلدنه زیر حکمرانی بخت نصر دوم بزرگترین شاهان کلدانی (Nebuchadnezzar) و اخلاش تا ۳۸۸ ق م دوام کرد ، بعد هخامنشی های فارس که آریه تژاد بودند تحت قیادت کوروش خروج نموده اولاً میدیها را مغلوب کردند و بعد ها بابل را منصرف شدند ، سلطنت و سیم هخامنشی در سنه ۳۳۰ ق م از دست سکندر خاتمه یافت -

چون مردم زرد پوست هم در تاریخ افغانستان حصه معنی به را دارند لهذا ذکر اجمالی آنها نیز ضروری است -

دراثنا نیکه تمدنهای فوق باستانال تهذیب قدیم مصرطی منازل ارتقا مینمود ، تمدن متمایز و جدا گانه در وادی مرسیز طارم امروزی (درین ایام خشک و غیر آباد است) ترقی نموده بطرف دریای هوانگمو و وادی ینگسی کیا نیگه مرزیر شده بود - تمدن چین که از (۲۰۰۰) ق م به صحنه تاریخ نمودار میشود حقیقتاً در نتیجه محاربات و کشمکش ها و ارتباط و اختلاط چین شمالی و چین جنوبی بود - در حدود ۲۷۰۰ یا ۲۴۰۰ ق م پنچ پادشاه در سلطنت چین سلطنت میکردند - چند قرن بعد یک سلسله خاندان حکمران قائم شده محاربات متعدد با اقوام مرحدی و چادر نشینان انجام داده اما باز هم یعنی صحیح طوائف الملوک بود - از (۱۷۰۰) الی (۱۱۲۵) ق م خاندان شانگه (۱۱۲۵) الی (۲۵۰) ق م خاندان « چو » در عصر تیولیت دو خاندان مهم حکمران بودند - خاندان چورا شاهان (تسین) برانداختند و در عهد - شی - هوانگه - شی (یعنی اولین شهنشاه سالم) از سلاله مذکور تثبیت و تیولیت خاتمه یافته چین زبر لوار و اداره یک حکومت در آمد - پادشاه مذکور از ۲۴۶ الی ۲۱۰ ق م حکمرانی کرد و همین پادشاه بفرض انسداد و امتناع حملات هونها (۱) « دیوار بزرگ چین » را بنا نهاد و هیونگتوها را هزیمت داده بود حتی آنها به شمال دشت کوبی فرار کردند اما باز هم با چین دهوی مساوات داشتند -

در عهد خاندان من Han سلطنت چین بطرف مغرب وسعت یافته و در حدود ۱۰۰ ق م اقتدار چین بر تثبیت و ترکستان مغربی حاوی شده و چینی ها همراه افغانستان (۲) ایران و دریای غربی تجارت را آغاز نمودند - هونها یا هیونگتوها از ۱۴۰۰ الی ۲۰۰ ق م و نهایتاً فوئتا به چین تاخت و تاز آورده چور و چپاول میکردند - در دوران افتلا و غلبه خاندان من و تعمیر مکمل (دیوار بزرگ) دولت چین وحدت و استحکام پیدا کرده و دست تمدنی و تطاول هونها از چین کوتاه گردیده ، اما هونها با چین ادهای مساوات داشته و همیشه شاه دخت های چینی به حرم های شاهان هیونگتو داخل میشدند - اهالی چین از تژانگ و تکثر نفوس مجبور شده برای سکونت و توسیع زراعت در دلا تله های مانچوریا ، منگولیا و نواح تبت وغیره توطن گزیدند و حکومت منظم و مقتدر چین به امداد و مهارت این مهاجرین سعی تامه می نمود - در نتیجه هیونگتوها از مشرق و جنوب مشرق مایوس شده بطرف مغرب فتوحات فرود کردند ، بدین وسیله باردگر یکی از مهاجرت های بزرگ زرد بوستان بطرف مغرب بوقوع پیوست چنانچه فشار چینی هیونگتو را و هیونگتو دیگر قبایل چا در نشین هم تژاد یعنی یوئیچی ها را از دکانسو ، بطرف مغرب برانداختند - یوئیچی های زرد پوست و لآخره به با شتر سبه سلطنت قوی و وسیعی را تاسیس نمودند - (ذکر مفصل آنها در آینده می آید) قوت هیونگتو در حدود ۱۲۰ میلادی کاملاً بر باد شد ، تباهی و بربادی آنها از طرف دولت چین و ترکها بوقوع پیوست ، فشار بزرگ دوم چین تقریباً در حدود ۵۷ میلادی شروع شده و در حرکت چادر نشینان بطرف مغرب ممرت مزیدی را وارد آورد - در ۱۰۲ میلادی قوماندان عسکری چین موسوم به « بان چاو » از اردو گاه خود کشف امارا بطرف بحیره خزر و خابج فارس فرستاده بود تا در باب قوت یارتها و روسی ها معلومات صحیح بدست آرند -

در هند و سنان مردمانی بودند که آنها را دراویدها (Dravidians) میگویند - در علاقه سند بمقابل « موهنجو دیرو » شهری برآمده که تمدن آنرا در عصر سومیری هابل بیشتر میتوان حساب کرد - آریه های

(۱) هزار سال تا نازها (۲) تاریخ قدیم هندوستان ، صنفه و سنت صنفه و دیگر کتابها

بلند قامت، تنومند و خوش چهره افغانستان به هندوستان داخل شبهه آهسته آهسته بومیان هند شمالی را مغلوب کرده تمدن آریائی افغانی را در هندوستان قائم کردید -

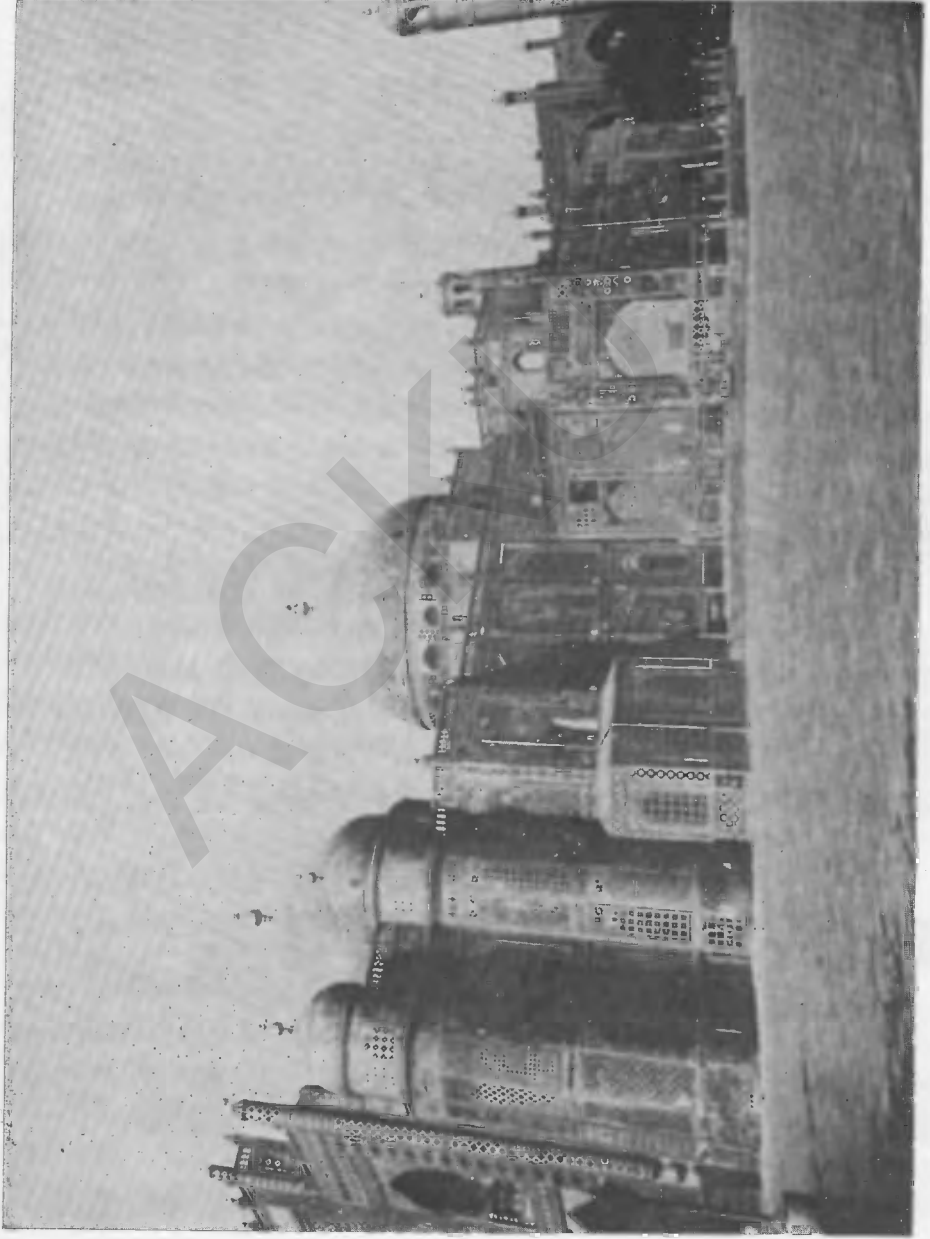
آریه های افغانستان در زمان رگه وید در حدود ۲۰۰۰ - ۱۴۰۰ قبل المیلاد در سالنامه های سنه ۱۳۱۲ و سنه ۱۳۱۳ زیر عنوان « نژاد افغانان » و « زبانها در افغانستان » تشریح کرده شده که آریه های ایرانی و هندی از مرکز افغانستان هجرت کرده به اوطان مذکور رفته اند و اینکه زبان رگه وید یعنی سنسکرت با زبان آویستا مماثلت و بکرنگی نامه دارد و صرف به ادخال بعض حروف مبادله در عبارات یکدیگر میتوان الفاظ بل جلات مکمل را در زبان بکرنگی فهمید - ازین مماثلت نامه این لهجه های زبان سرکزی باختری مفهوم میگردد که رگه وید و آویستا در یک مملکت مرکزی تدوین شده و اینکه زمانه جدائی این دو لهجه بسیار دراز نخواهد بود - بنا بر این میتوان به یقین اظهار نمود که رگه وید (در افغانستان جنوبی) و آویستا (در افغانستان شمالی) یعنی مرکز و مهد آریه های هندی و ایرانی به وجود آمده است - و این مسئله را با اساس استوار است که راجع به اهالی افغانستان صبر رگه وید اجمالاً بحث برانیم تا در باب اخلاق و عادات و دین افغانان آن زمان فکری بدین قارئین محترم بیاید -

مجموعه رگه وید عبارت است از (۱۰۱۷) سرود دینی که درده کتاب مختلف الحجم تقسیم شده - چون این کتاب محض غزلیات و سرود های دینی را دارد لهذا در باب معاشرت آریه های افغانستان آن زمان نمیتوانیم معلومات کلی بیان کنیم - ولی از تند کر بعض اسماء مثل « کوبا » Kubha یعنی کابل ، « سوواستو » Suvastu یعنی سوات با مساکن زیبای آن ، « کرومو » Krumu یعنی کرم و « گومتی » Gumati یعنی « گومل » و ضاحاً معلوم میشود که آریه های افغانستان ازین راه ها وارد هندوستان گردیدند و آنها بومیان این دیار را که در هند و تمدن از آریه های تنومند کرده چندان بست تر بودند مغلوب کردند ، بومیان اولی بعد از مجاریات در بین آریه های حله آور مدغم و منحل گردیدند ، از غنایات معلوم میشود که این آریه ها هنوز به بحر زرسیده بودند و همچنان مفهوم میگردد که سحر جذاب و زیبایی کابل و نواح آن به آریه ها تحریک داده باشد که سرودها را با احترام و وصف « اوشاس » Ushas (رب النوع مؤنث « سحر ») سرانند و رب النوع « وارونه » Varuna جای « دیوس پتر » یعنی پدر آسمانی را اغفال کرد ، آریه های رگه ویدی با پیرو فیل آشنا شده بودند ، در احترام و تکریم مها نهایی خرد گاوها را میکشند ، با بومیان و در بین خود ها جنگها میکردند - ثروت عمومی و مهم آریه ها گاو و گوسفند بود و زمین سرزروه را نیز صاحب بودند مثلاً اصطلاح « کاشیترا » K ashetra یعنی « کرد » - کرد سرزروه را « اروارا » Urvara میگفتند ، احتمالاً کلمه « کهلپا » Khilya معیاری برای پیمایش زمین بود - زاند گمانی قبیله وی داشتند و معمر ترین آدم رئیس خاندان و یا قبیله شمرده میشد - زن و سرمد عصمت و عفت را نگاه داشتند (۱) عصمت اهالی اینکه بطرف جنوب هند و کشالی هندوستان سکونت داشتند بدرجه معروف بودند که حتی در قرن دوم قبل المیلاد هم یونانیان آن زمان فوق العاده تمجید عصمت و شجاعت آنها را کرده بود - زن را بنگاه احترام می دیدند و اشخاص متبول زانند از یک زن را به عفت آورده میتوانستند .

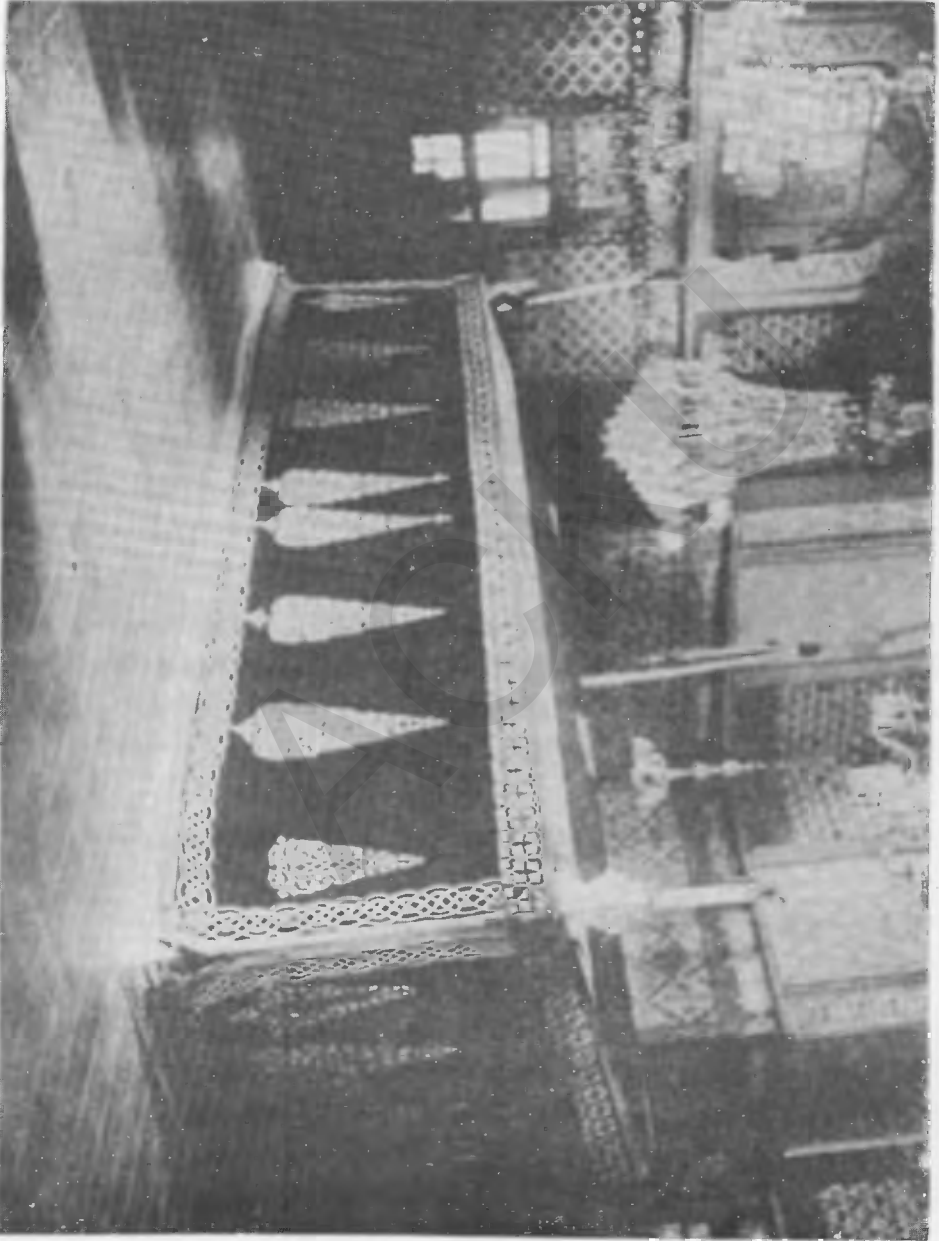
تدریجاً در بین آریه های افغانستان و علاقه نواحی دریای اندس یاد شاه ها یا حکمرانها پیدا شدند ، شاه مذکور بواسطه پوشاک درخشان و ارگه خود از رعبت متاثر میشد - قبائل مفتوحه با و باج می برداختند و رعایا با و تحائف تقدیم میکرد ، البته بعد از سرور زمان یاد شاه به قوت و اقتدار خود باج را ستانیده میتوانست - سحر

(۱) مورخ یونانی میگیا ستینز که اولاً زبردست ستراب قندهار مامور بوده بعد ها از طرف سیلیوکس

نکا تور بدربار چندرگپتا هوریا سفیر مقرر شده بود .



از ابيہ تاريخي مزار شريف ، منظره عمومي روضه مبارك
Vue générale des bâtiments de RAOUZA (tombeau du 4^e Calife) à MAZAR-I-CHERIF



از ائمه تاریخی مزار شریف: اصل مرقد مبارک حضرت شاه اولیا
Le tombeau du 4è Calife à MAZAR-I-CHERIF

نگاهی تاریخی قدیم افغانستان

زمان ویدی زیر قیادت پادشاه میبود و همه مردهای قبیله در جنگ و قتال شریک میشدند و روحانیوت بلی ریبه دعاهاى خود به جنگجویان خود معاونت میساختند - پادشاه و شرفای قوم بالای کادیهای ساخت ساده سوار شده جنگ میکردند - این مرد جنگی بطرف دست چپ کادی ران ایستاده میشد البته جیات او عموماً به مهارت کانی ران انحصار داشت ، عموم مردم بیانه جنگ میکردند ، اسلحه مهم آنها کمان بود که آنرا بطرف گوش کش میکردند ، بر علاوه نیزه ، بزچه ، شمشیر ، تیر و فلاخن را نیز استعمال مینمودند -

سازنده ها ماد گاو را توصیف زیاد میکردند - تر گاو ها به قلبه رانی و کادی بسته میشد ، ماد گاو را روزی سه بار می دوشیدند - حیوانات اهلی عبارت بود از گاو ، اسب ، خر ، کوسفند و بز و سگ - سگ برای شکار و نگهداری حیوانات اهلی استعمال میشد - پشک درین زمان اهلی نشده بود - علاوه بر حیوانات ، زراعت هم ثروت مهمی شمرده میشد اما آریه های افغانستان هنوز به شکار شوق و شغف مفرطی داشتند چنانچه برای شکار تیر و کمان ، تله و دام را با احتمال می آوردند و در رگه وید در باب گرفتن ببر بواسطه تله ، آموها بواسطه کندن چتوری ها و شکار خوک بواسطه سگها اشاره های واضح موجود است - برنده ها را در دام گرفتار میکردند -

نجاری پیشه محترم و مهم شمرده میشد چه نجارها کادیهای جنگی و مسابقه و آلات برای اغراض زراعت میساختند آریه ها این پیشه را ابقدر اهمیت میدادند که شاعرها لیاقت و شعر گوئی خود را بامهارت نجار مقابله و تطبیق میدادند - اهمیت دومین از آهنگر بود که فلز را در کوره میکشاخت و پال سرغ را برای التهاب آتش استعمال میکرد ، اما نمیتوانیم بصحت بگوئیم که این فلز عبارت از مس بود یا آهن و یا مغز - چرمگری هم در بعضی مصرعه ها ذکر شده - زنها کالا میدوختند و از گیاه و (منز) بوریا وغیره میساختند و م رخت می بافتند - اما مردم آن زمان این پیشه بوریا بافی را پست نمی شمرند - در باب ماهیگیری ذکر نشده معلوم می شود که آریه های افغانستان از ملاحی و کشتی رانی و قوفی نداشتند .

لباس این مردم بالعموم از پشم کوسفند بود و پوستین در دوران خنک استعمال میکردند - پوشاک را به طلا مزین میساختند ، زیور ها مثل گوشواره ، چوری ، کره ، چه کلی ، و بازوبند را سرد وزن استعمال میکردند و عموماً از طلا ساخته میشد ، موپها را بدرستی شانه و چرب میکردند - سرد ها بالعموم ریش میکشاندند .

چون این مردم بالعموم مالدار بودند لهذا شیر غذای مهم روز سه آنها بود - روغن بسیار زیاد استعمال میکردند - گله را آرد کرده با آن شیر یا مسکه آمیخته قرص آن تیار میکردند ، آنها گوشت میخورند ، البته آریه هاییکه به هندوستان رفتند بعد از رهائش قرنها به سبزی خوری عادت گرفتند لیکن اجتناب از گوشت حقیقه بعد از انتشار بودائیت و تبلیغ راجه اشوک که دین بودائی را قبول کرده بود بعمل آمده است - گوشت را در ظروف بخته گی طبخ و یا به سیخ ها کباب میکردند - آریه های افغانستان اخصاً یک نوع شراب را نیز استعمال میکردند و آنرا سوما Soma میگفتند ، وقتیکه به هندوستان رسیده و آن بوته را نیافتند شراب را از گله تیار میکردند -

تفریحات آنها عبارت بود از گادی دوانی ، البته این بازی در بین مردم صاحب اسب و شجاع طبیعی است اتن میکردند اما این اتن بیرون در میدان اجراء میشد ، زنها هم رقص میکردند - گاه گاهی قمار هم میزدند - چون مجبور بودند غنایات دینی را بسراینده لهذا موسیقی ترفی شایانی کرده بود - چنگ و نی لیک (۱) (جلوله) می نواختند -

اگر چه زندگانی آریه های ویدی نهایت ساده بود اما در دین نسبتاً ترقی نمایانی نموده بودند - بیشتر گفته شد که « وارونا » رب النوع در عوض « دیایوس » Dyaus رواج یافت چنانچه در رگه وید مورد بهترین تمجید گردیده است - برای « وارونا » اصطلاح (آسورا) را نیز استعمال کردند و این کلمه با لفظ آهورا مزده Ahura Muzda که بزرگترین رب النوع زرد شتیان بود مطابقت مینماید - « دس »

(۱) تاریخ مختصر دنیا مصنفه ایچ ، جی ، وبلز - کیمبرج هستری آف انڈیا - گوردن چانلد

سنسکرت به « ه » در آویستا تبدیل میشود - اما بالاخره این « وارونا » رب النوع موهومی بالمقابل اندرا (رب النوع پاران ورعد) یست تر شناخته شد در حالیکه آهو را مزده نزد آویستائی ها بلند ترین مقام را از دست نداد - آفتاب را هم يك رب النوع قرار داده بودند و قریباً پنج رب النوع به آفتاب مربوط بوده است - مثلاً سوریا Surya، سوتری Savatri، میترا Mitra، یوشن Pushan و وشنو Vishnu - فرای سرعت و تریه حیوانات و نباتات را به آفتاب منسوب میکردند - رب النوع آتش را « اگنی » Agni مینامیدند - همچنان برای بعض عناصر رب انواع را فرض کرده بودند .

سردگان را عموماً میسوختند و خاکستر آنها را به تپه های گورستان دفن میکردند - این بود وضعیت و تصور نژاد جوان و نوی که از کوهستانات افغانستان به میدانهای گرم هند وستان میرا زیر شده بودند .

بعض اصولهای آویستا باید دانست که نام آسورا Asura در سنسکرت و آهورا Ahura در آویستا یعنی « خداوند » استعمال میشود - اسم دومین « دیوا » Daiva بطور « دیوا » Deva در سنسکرت و به اسم « دایوا » Daeva در آویستا اصطلاحاتی بودند که راجع به « ذرات سماوی » با استعمال می آمد - اما بعد از مرور زمان این اصطلاحات از باب موهومی در هند وستان و ایران معنی متضاد را دارا شدند یعنی « دیواها » در هند وستان بطور رب النوع های افضل و « آسوراها » یعنی دیواهایی ذوات بد شناخته شد - برخلاف آن « آهوراها » در آویستا بطور ذوات اعلی و « دیواها » یعنی دیوها پنداشته شد .

زردشت را صاحب کتاب آویستا میشناسند، ورخین مسکن او را غالباً (بلخ) و بعضی سبزوار و یا سفید میشمارند اما عموم ورخین اتفاق دارند که نامبرده از بلخ بوده - زردشت اولاً دوپسر وزیر و ملسکه پادشاه بلخ موسوم به گشتاسپ را به دین خود آورد، گشتاسپ پادشاه بلخ ازین واقعه واقف شده دانشمندان مملکت خود را بحضور خود طلبید تا با زردشت مشاجره و مناظره نمایند اما زردشت بدلائل و براهین ساطم بالای آنها غالب آمده و در نتیجه شاه بلخ بکمال اخلاص و صمیمیت صربی و مؤید دین زردشت گردید - آویستا در چهار حصه تقسیم است و آنها بدینترار میباشند :

(۱) یسنه Yasna در هفتاد و دو فصل تقسیم و عبارت است از سرودهای دینی که در آن گاته ها نیز شامل میباشد -

(۲) ویس پرید Vispered مجموعه ثناها میباشد که با « یسنه » استعمال میشود -

(۳) وندیداد Vendidad کتاب قانونی دین زردشتی است که برای اجرای توبه، تقوی و تلافی گناه قوانین مخصوص مینماید -

(۴) یشت ها Yashts یا سرودهای روحانی که در احترام فرشتگان که روزهای ماه های مختلف را مراقبت مینمایند سرانیده میشود -

ازین جمله گاته ها قدیمترین جز می باشد و بگویند که این حصه شامل از تبلیغات و تعلیمات خود زردشت و اتباع او میباشد ،

بیشتر کتیم که دین زردشتی « وارونا » را به نام « آهورا » یعنی خدا و یا عموماً « آهورا مزده » موسوم میکنند - زردشتیان این را اله عالم، و خدای تامل و خالق کل کائنات نامیدند، همچنان که « آهورا مزده » صفات روح نیک - راستی - قوه - پرهیزکاری - صحت کامل و بی زوالی منسوب نمودند - اگرچه برای هر صفت رب النوع مخصوص مقرر کرده شده بود اما بالعموم این صفات را به « آهورا مزده » منسوب میکردند - گویا بدین



برج بالاحصار و بلك حصه از شهر قديم بلخ
Vue générale de l'ancienne Balkh (Bactriane)



یکی از دواق های مدارس اسلامی بلخ که در حال اندر اس هنوز م یا برجاست
Ruines d'une des écoles islamiques de Balkh (Bactriane)

و سبب زردشت بلخی مفکوره که مبرا از شرك محض بود داده و ارباب منفرته را قریباً منسوخ و معدوم کرده بود. اما زردشتیان ما بعد تدریجاً مغایر افکار زردشت واقع و نیز « امر من » را بطور « روح بد » ایزاد و ایجاد نمودند. در کتاب زردشتیت سه اصول مهم ذکر شده است.

- (۱) پیشه های شریف و معتبر فقط زراعت و تربیه حیوانات می باشد.
- (۲) تمام کائنات حقیقاً مجادله ایست در بین « نیکی » و « بدی ».
- (۳) عناصر اربعه یعنی هوا، آب، آتش و زمین پاک و نظیف میباشد باید نجس و آلوده نگردد.

از جهتیکه قرار اصول فوق زردشتیان آتش و زمین و غیره را مقدس میسرندند، مردگان خود را در « برج خاموش » میگذاشتند تا وحش و طيور آنها را بخورند و زمین از آلايش آنها ناپاک نگردد، آتش برستان امروزی این رسم را تا حال اجرا میکنند.

متأسفانه در باب تمدن قدیم بلخ نمیتوان واضحاً معلوماتی داد چه اسناد بلخ کهواره تمدن است: تاریخی تا حال بطور مکمل بدست نیست. اما چون علاقه باختر درازمنه قدیم فوق العاده شاداب و معمور بوده و تمام حواشی شر را پوره کرده میتوانست (۱) چنانچه اثرات شادابی آن تا حال موجود است، بنابراین میتوانیم از واقعات ما بعد حرکت آریه ها از بلخ استنباطات مفیدی را اخذ کنیم.

میدانیم که قطعات منطقه معتدله برای پیشرفت هر نوع بنی آدم موزون و مناسب میباشد، چنانچه چین، هندوستان، عراق عرب و مصر و غیره در زمان قدیم تمدنهای شایانی را مالک شده بودند اما ما از تمدنهای این ممالک در وقتی واقف شدیم که حفاریات اصولی در ممالک اجرا گردیده و اصحاب کاوش بکمال سزگرمی و فعالیت درین راه کار کرده اسناد مهمه تاریخی را پیدا نموده رفتند. اگر حفاریات اجرا نمیشد ما گاهی از تمدن این ممالک واقف نمیشدیم و نمیدانستیم که اهالی آسیا در تاسیس سلطنت ها، تحریر علوم ریاضی و نجوم، تدوین قوانین دولت و اصلاح نوع بشر استاد و معلم می باشند. پس وقتیکه عراق عرب و مصر بکفر و موهنجو پرو (در سنده) طرف دیگر با تمدن آشنا شده بودند آریه های باختر که ابوالآبای آریه ها بودند چطور از تمدن ضروری منطقه معتدله بی بهره مانده باشند.

(۱) رئیس انجمن تحقیقات ماقبل تاریخ فرانسه « ژورژ بوا » در ضمن مقاله که بعنوان اصول تحقیقات در تعیین قوم و منشأ آریا نوشته ضمتاً را جم بکهواره اولیه حیات آریاها و مدنیت ابتدائی شان چنین اشارت می نماید: (وله نورمانت) میگوید قطعه اروپا قبل از ورود اقوام آریا عبارت از صحاری و سیم غیر مسکونی بوده است. بعد از اینکه این فرضیه عالم مذکور در اروپا شایع شد علمای تاریخ و عتیقه شناس در صدد بر آمدند تا اولین مدنیت (هند و اروپائی) را بشرطیکه از ناحیه قرابت نژادی و لسان تصدیق شود و نتیجه نظریه فوق باشد بیابند. این وظیفه را بک نفر از علمای متبحری مانند « راثول پاکتو » به عهده گرفت و برای تسهیل تحقیقات خود درین زمینه اصولی بنام « پاتولوژی لنگستیک » طرح نمود. این اصول عبارت از اصولی بود که مطابق آن اثبات میدهند که بعضی از کلمات السنه (هندی اروپائی) برخی از خصوصیت های مدنیت اولیه را نشان میدهد و امروزه میتوان باین اصول پس از در نظر گرفتن بعضی قیود اهمیت داد.

نتیجه که این عالم از تحقیقات خویش حاصل کرده فکری را که میگفتند اولین کهواره مدنیت آریه، قطعه پاکتر یا نه است، تأیید نمود. لهذا تحقیقات این عالم فرانسوی خیلی قریب بیقین است که بلخ دارای تمدن باستانی و آنرا میتوان از قدیمترین شهرهای مدنی شرق شمارید.

حفریات مصر و عراق عرب و علاقه حنده بمانکشف نموده که اهالی این دیار را باب متفرقه را می رسدند اما از رگ و بدو آوستان مفکوره ها بصورت موزون تر با معلوم شده بر علاوه مباحثیم که سنکه لاچورد در عراق عرب و موهنجورد بر بدست آمده است و این سنکه زیبا و قیته دار در زمان قدیم تنها در افغانستان پیدا میدند - ازین انکشاف واضح گردید که اهالی افغانستان با سومیرها و باشنگان علاقه سنده و هندوستان روابط تجارتمی داشته در تهذیب و تمدن یقیناً از سومر و هندوستانها قدیم است تر نبودند -

مربد بر آن رگ و بدو آوستان (تاحال) اولین کتابهای دینی است که در بین آریه های قدیم قوانین و مبرودهای روحانی نشر و تبلیغ نموده - البته قومیکه در بین آن قوانین و دینت رواج پذیرد - یقیناً در معاشرت ، سیاست و تنظیم و غیره پیشرفت قابل ملاحظه می نماید - با خدی آوستان ، دارای برهمنهای بلند بود - نتیجه همین تمدن و تنظیم درست بود که آریه ها در ایران سلطنتی را تاسیس کرده توانستند که از تمام سلطنت های سابقه و سیم تر ، منظم تر و عادل تر بوده و باز از اثر همین تمدن افغانستان است که تکسیلا بزرگترین دارالعلوم هندوستان بوده و پانینی (قرن پنجم و چهارم قبل المیلاد) صرف و نحو سنسکرت را تدوین نموده که از همه صرف و نحو های قدیمی و امروزی دنیا جامع تر میباشد .

میدانیم که آریه های قدیم از بلخ حرکت کرده بطرف ایران رفته در حدود سنه ۱۹۰۰ ق م در سرحد شمال مشرق عراق عرب نمودار شدند ، بعد ها در سنه ۱۵۰۰ ق م تا به غرب آسیای کوچک رسیده در اینجا نواحی قوی حکمران را تاسیس نمودند و شاخ مشرقی آریه ها به هند وستان فرود آمدند - و قومی که در سطوح سر تقم افغانستان (۱) سکونت داشتند بعد از یک هزار سال بطور ایرانیان و سلطنت هخامنشی در صفحه تاریخ نمودار شدند قبایل آریایی افغانستان در شمال گره هند وکش اولاً اسپ را تریه نموده آنرا به عمده های جنگی با احتمال آوردند حتی بعد از آن این مراده های جنگی در هندوستان و ایران یک جزو مهم مگر می گردیدند - میترا نیم بگوتیم که ماندها و فارسی ها اسپ سوار بودند و اهالی افغانستان مراده های جنگی را بفر به اسپ ها بکار میبردند - البته اسپهای مید پها از باعث تریه خوبی در تمام آسیا شهرت پیدا کردند و ساسی های عراق عرب اسپ سواری را از آریه ها آموختند - مصادف همین اوقات بازی «چوگان بازی» را نیز اهالی افغانستان در صفحات شمالی هند وکش رایج نمودند که رو به مرگه بازی مذکور در تمام ایران و افغانستان کسب محرمیت نموده و تا امروز در سائر نقاط دنیای متدین طرف دلچسپی و اهمیت واقع شده است . (۲)

اگرچه در ایران سلطنت های قوی هخامنشی فارس ، یارهای بلخی (که بعد ها در خراسان شمالی توطون گزیده بودند) و ساسانیان تاسیس شده بود لیکن و قتیکه اینها یکی بعد دیگری ستو ط کرده رفتند ، شهرهای مشهور آنها چون شادابی طیبی ندا شدند از اهمیت و جدایت افتادند - شاهان هخامنشی نظر به شادابی و احترام بلخ شخصی از خاندان شاهی را درین دیار ستراب یعنی نائب الحکومه مقرر میکردند - و قتیکه سکندر یونانی به این دیار رسید ، بلخ را موزون ترین مقام یافته ساخوی بزرگ را در آن قائم کرد - بعد از سکندر سلطنت باختری یونانی است که در وقت یوگراتیدس متول و قوی ترین دولت آسیا بحساب میرفت - سلطنت روما خواهان دوستی شاهان یونانی باختر بوده - بران نظر و میاهات میکرد - و قتیکه عمر بها به این خطه جناب و سرسبز بلخ رسیدند ، معموری و شادابی آنرا ملاحظه کرده و اگرچه قبلاً پایه تخت ایران را فتح و شهرهای شام و مصر را اشغال کرده بودند مگر شهر بلخ را «ام البلاد» نام نهادند ، البته این تسمیه آنها بی اساس و بی محل نبوده است -

(۱) گوردند چائلد مصنف کتاب « آریه ها » (۲) نیشنل جیاگرافیک میگزین منطبه نیویارک اسبک .

ازین واقعات واضح شد که تمدن باغی یا باغی آریستو دهرای بیرقهای بلند، بدرجه بلندی رسیده بود لیکن حملات مسلسل و هجومهای مهیب ژرد یوستان آنار قیما دار تمدن آنرا بجا آمدند - چنانچه مورخین و واقعات بمانشان میدهند که بلخ اقلاً هجده ثوبت کلیه قبا و بر باد گردیده بود و خرابه های آنها یکی بالای دیگری زیر خاک شده رفته است - انشاء الله امید بل یقین داریم که حفاریات اصولی تمدن درخشان باختر را با منکشف خواهد نمود و تسمیه «ام البلاد» از روی اسناد قوی تاریخی به اثبات خواهد رسید.

شش قبیله مهم مادها تحت حکمران واحد به و علاقه نواحی همدان را تشکیل و تنظیم دادند - میدها سلطنت میدیها عبارت بود از آذربایجان امروزی که در مشرق آن دشت اط و در غرب و جنوب آن سلطنت آنوری بود - میگویند موسس سلطنت میدیها یا مادها شخصی موسوم به دیوکیس Deiokes بود - دیوکیس همدان را با تخت خود فرار داد - یونانیان شهر مذکور را «اکتابانه» Ectabana نامیدند البته حاجت تشریح نیست که زبان میدیها با زبان فارسی ها، آریائیها (یعنی هراتی ها) و باختریها و سفدیها مماثلت قریبی داشت (به سالنامه سنه ۱۳۱۲ رجوع شود) - شاهان آنوری از ۱۱۰۰ ق، م تا عهد تیکلات بیلیسر اول Tigleth-pileses کوه های زاگروس (حد فاصل امروزی بین عراق عرب و ایران) را عبور کرده به میدیها حملات آورده هزارها بندبها، گاو، گوسفند و اسب را بقتل می بردند و شهزادگان و عموم مادها به آنوریه باج میدادند - تیکلات بیلیسر چهارم در ۷۴۴ ق، م به علاقه میدیها حمله آورده ۶۰۰۰۰ اسیر و عده زیاد گاو، گوسفند، قاطر و شترها را همراه خود برد و جز و اعظم میدیها محکوم آنوریه گردید - سارگوت دوم در سنه ۷۲۲-۲۱ ق، م در همین علاقه یهودیه را فرار کرده بود - در عهد ایسر هودت Esarhadoon در حدود ۶۷۴ ق، م کل میدیها محکوم آنوریه شد - گو یامید یا تا پنجمه سال مورد تاخت و تاز بوده تحت محکومیت آنوریه زیست میکرد -

بالاخره شخصی موسوم به هوواک شاتر Huvakshatra که نام کلاسیک آن کائی آکساریز Cyaxares میباشد در او اینکه میدیها بسیار مضطرب و پریشان شده بود بر تخت مادها متمکن گشت - نامبرده فوج تیولی را منسوخ کرده عسکر منظم را بر شیوه آنوریه آراسته کرده به آسوریه حاربات کرده میدیهای کوهی را ن حرب بیاموخت - عاقبت عسکر آنوریه را که تحت قوماندانهای «آنور بانی پال» بود هزیمت داده پایه تخت آنها یعنی نینوا را در محاصره گرفت - اما در همین اثنا سکائیها (۱) (یاسیتها) به مملکت میدیها حمله آورده غصب و نهب را بشا کردند کائی آکساریز محاصره نینوا را ترک داده با سکائیها نبرد آزما گردید اما شکست خورد - مگر این پادشاه هوشمند میدیها پادشاه مصر کرده گان سبت را دعوت داده و به آنها شراب نوشانیده در حالت سکر و عالم بیهوشی آنها را مقتول و سبت هابدان سبب بی سر کرده مانده از دست «کائی آکساریز» شکست خوردند - در دوران این واقعات میدیها، نابوپولاسر (Nalxpolassar) که آسور بانی پال پادشاه نینوا و اراحا کم بابل مقرر کرده بود بر علیه جانشین آسور بانی پال یعنی کرده از کائی آکساریز خواهان امداد شد - بالاخره در سنه ۶۰۶ ق، م نینوا مفتوح گردید و پادشاه نینوا آتشی را تیار کرده و شخص و خاندان خود را سوختاند - بعد از آن کلدانیها در بابل و میدیها در شمال سلطنت قائم کردند از کلدانیها بخت نصردوم مشهورترین پادشاه می باشد که فلسطین را تبه کرده و عده زیاد یهودیه را بطور غلام ها به بابل آورده بود - کائی آکساریز چندی بعد علاقه فارس را فتح کرد - این پادشاهی از رجال مهم و بزرگ تاریخی میباشد که قوم خود را از محکومیت آنوریه و فشار و خله مد هشا اسکائیها بر آورده سلطنت بزرگ و قوی را قائم کرده بود - کائی آکساریز در ۵۸۴ ق، م بمرد.

(۱) در همین مقاله در ذیل سکائیها مطالعه شود.

فوراً بعد از مرگ کائی آکساریز سلطنت میدیا رخ به زوال نهاد و کوروش کبیر هخامنشی‌های فارس از حلقه فارس خروج کرده و اسقیا که پسر کائی آکساریز را شکست داده و در ۵۵۰ ق. م پایه تخت میدیا یعنی اکتبانه را اشغال نمود و سلطنت میدیا محو گردید.

درین آوان تا بونیداس Nabonidas در بابل پادشا بود، چون این پادشاه صلح پسند و امن جوی بوده لهذا کوروش کبیر از طرف جنوب کاملاً مطمئن شده بود. پادشاه لیدیا (۱) از تباهی میدیا و الحاق آن به فارس اطلاع یافته طبعاً در باب حفاظت مملکت خود مشوش گردید. پادشاه لیدیا فوج نهایت قوی و منظم داشت بر علاوه امدادی از مصر و بابل طلبیده و هم یونانیها را در عسکر خود داخل کرد. اما کوروش پیش از آنکه عسکر پادشاه لیدیا و حلفائش متحد شوند فوراً به لیدیا حمله برده در سنه ۵۴۶ ق. م بعد از جنگه « ساردیس Sardes » یعنی پایه تخت لیدیا را اشغال و پادشاه آنرا اسیر نمود، حکمران لیدیا که کریسس Croesus نام داشت بطوریکه صاحب بزرگ و معتبر به دربار کوروش زیست میکرد. کوروش از آن به بعد بطرف مستمرات یونانی که در آسیای صغیر بود متوجه شده جمیع شهرهای آنها را یکی بعد دیگری تاجیر مفتوح کرد. سپس از ۵۴۵ الی ۵۳۹ در مشرق معروف کارزار بوده، شاید (قرار افسانه) بلخ را نیز فتح کرد. در ۵۳۸ ق. م بابل از دست کوروش مفتوح گردید و کوروش یهود را که در بابل زندگانی اسیرانه و غلامانه داشتند اجازه داد که به فلسطین رفته مساکن و معابد خود را مر از نو آباد کنند.

قرار روایت هیرودوتس، کوروش کبیر در ۵۲۹ ق. م در محاربه با ملکه حکمران مساقیتی (۲) Massagetae کشته شد و مورخ دیگری مینویسد که در دوران محاربه با پارتها مقتول گردید.

کوروش کبیر ابتداءً معرف حکمران دلا ف خورده فارس بود، اما بعد با از لیاقت حربی و ذکاوت و شجاعت و صروت خود سلطنت بزرگی را تشکیل داد و از همه شاهان قدیم کرده عادل و منصف تر بود.

کبوجیه Cambyses بزرگترین پسر کوروش در ۴۲۹ ق. م بر تخت نشست و بواسطه عسکریکه کوروش برای فتح مصر تهیه کرده بود به مصر هجوم برده آنرا فتح کرد. در قیاب او در خود ایران بغاوتی برپا شده و کبوجیه در حین مراجعت در ارض راه خود را آتغار نمود سنه ۴۲۱ ق. م.

بغاوت مذکور را شخص مجومی گئومه Gaumata برپا کرده بود. باید دانست که يك شاخ دیگر شهزادگان م از خاندان هخامنشی در فارس موجود و عضو مهم آن داریوش پسر هستا سپ بود. پس این داریوش اول با امداد شش رئیس شش قبیله در ارگ گئومه درآمده آنرا بکشت و روسای مذکور بلافاصله داریوش را پادشاه تسلیم کردند. البته جلوس او بدون مجادله و مقاتله بوقوع نه پیوست و در سلطنت ایران هشت بغاوت برپا شد. داریوش از همه اول بغاوت بابل را بعد از محاصره دو سال فرو نشانده و بعد با حمله مرکشان را مطیع و متقاعد خود نمود. بعد از قیام امنیت در مملکت و سبیم خود به تنظیم و ترتیب پرداخت. سکه هارا ضرب و در تمام سلطنت مرکهارا تمدید نمود. بعد بطرف یورپ لشکر کشیده بالای اسکاتی های فارتگر هجوم برده اما این سونق الجیشی سودی نه بخشید، تنها حلقه تهریس (در شمال یونان) به سلطنت هخامنشی ملحق و مقدونیه اظهار اطاعت نمود. در سنه ۴۱۲ ق. م عسکر فارس به هند و ستان حمله برده دلا ف سند و یک حصه پنجاب را به تصرف

(۱) (دلا ف سمر نای امروزی) (۲) در ایران باستان قوم مساقیتی را ماسازت ها نامیده. قرار مربرمی کا کس مصنف تاریخ ایران نام ملکه تومیریس Tomatis مییابد. مصنف مرحوم ایران باستان مسکن این قوم را کنارهای دریای سیحون قرار داده اند. نویسنده با این موافقت دارد.

آورده، سنکائیلاکس Skylax امیر البحر دار یوش اول از هلاکه با کتیاها گذشته به دریای اندس داخل شده از راه آن به بحر هند رسید.

شهنشاهان ایران بعد از دار یوش اول :

خشیارشا - ۴۸۵ ق م جلوس نموده در سنه ۴۶۶ ق م مقتول گردید - در عهد او به یونان عسکر کشی شد اما چون ایرانیان از بحیره یونان پور و واقف نبودند لهذا در بحر هزیمت یافتند.
ارتاخو هبارشا - (۴۶۵ - ۴۲۵ ق م) در عهد او همتاسب برادر کلان پادشاه و حاکم بلخ بغاوت نمود اما حاکم مذکور بعد از دو محاربه بقتل رسید - مصر از ۴۶۰ الی ۴۵۴ باغی بود بالاخره بعد از محاربات زیاد مفتوح گردید لیکن مستعمرات یونانی در ساحل آسیای صغیر آزاد شد.
بعد از مرگ او در بین مدعیان سلطنت خانه جنگی ها واقع شده بالاخره دار یوش دوم (نام اصلی او « اوکوس » Ochus بود) در سنه ۴۲۴ ق م به تخت نشست و تا ۴۰۴ سلطنت کرد.
بعد از دار یوش در بین دو پسر او یعنی کوروش و « ارتاخو هبارشا » دوم برای حصول تاج و تخت محاربه شد و کوروش که شخصم لائق و ذکی و دلیری بود با پسر خود مقبول گردید - در عهد « ارتاخو هبارشا » مصر باز آزاد گردید اما چون یونانی ها حسب عادت خود در بین خود ها بی اتفاق شدند افراد ایران در یونان باز قائم گردید - شاه مذکور در ۳۵۸ ق م وفات کرد.

پسر سوین شهنشاه ایران اولاً برادران خود را کشته به تخت نائل گردید و بعد همه مدعیان تاج و تخت را بقتل رسانید - در عهد او مصر دوباره مفتوح گردید و تمام حصه های افغانستان بدو تعلق یافت که بیشتر عملاً آزاد بودند مستقل و پنجاب و سنده کلیه از سلطنت ایران مجزا شد - ارتاخو هبارشا سوم در سنه ۳۳۸ ق م از دست صاحب خود « باگواس » Bagoas نام بقتل رسید باگواس شخصی بود بسیار قابل و هوشیار اما برای حفاظت جان خود چندین پسران شاه مقتول را کشته رفت بالاخره دار یوش کود و مانوس یعنی دار یوش سوم را که از خاندان هخامنشی بود در سنه ۳۳۶ ق م بر تخت نشاند -

ذکر اجمالی هخامنشی ها از جهت کرده شد که آینده در صحنه تاریخ افغانستان سکندر یونانی نمودار میشود تا معلوم شود که یونانی ها تحت نیادت سکندر چطور و چرا بر سلطنت ایران غلبه کرده توانستند -

سکندر (۱) باید دانست که یونانی ها مثل فنیقی ها سامی نژاد دریا نورد بودند و چون زمین یونان کوهی و عبارت از جزائر بوده لهذا نفوس متراکنه آنها در سواحل آسیای صغیر، اتلی،

(۱) واضح است که در هر گوشه و کنار دنیا افسانه گوئی رایج است و بنی نوع انسان مبالغه آمیزی و کارنامه های شجاعت و جهالتگیری و مروت و یا سخاوت و غیره را بکمال دلچسپی و ذوق میشوند - افسانه گویان و ناول نویسان گاهی اشخاص تاریخی را محور حکایات خود ساخته و گاهی افراد غیر تاریخی را به صحنه افسانه خویش آورده سامهین و یا قارتین را محفظ و مسرور مینمایند - افسانه سکندر پسر فلیپ شاه مقدونیه هم در ضمن همین نوع قصص و افسانه های است که در مدیته ما و ایران و هند و ستان رایج است -

چون در دوران ترویج دوباره فارسی دانش ادبیات دران (تقریباً ۹۰۰-۱۰۰۰ سال پیش شروع شده بود) بنا بران واقعات صحیح تاریخی و خصائل سکندر از اذهان مردم رفته بود چرا که پیش از اسلام وقایع تاریخی بطور کتاب حفظ نمیشد، لهذا صرف حیثیت فانتحانه سکندر و نباهی سلطنت هخامنشی در ذهن مردم مانده و افسانه نویسان در دوران شخصیت سکندر یونانی فتوحات فوق العاده را تراشیده و خوارق و اوصاف ذوالفرین را که ذکر خیر آنها در قرآن شریف

مصر و هسیانه و غیره مستعمرات خود را قائم کردند بر علاوه چون مردم یونان همیشه در بین خودها مقاتله میکردند و نیز دریا نورد بودند لهذا طبعاً در فن حرب بحیار ما هم و جنگجو بودند چنانچه فراعنه مصر و شاهان ایلیا آنها را در عسکر خود ملازم میکردند - و نیز هخامنشی ها بر سر اقدار آمدند و سلطنت آنها و سیم گشت ، بعد از دارپوش اول عسکریان یونانی به تعداد زیاد به ملازمت هخامنشی ها داخل شده مورد انعامات و اطاف شده بودند و در اثر آن یونانی ها به تعداد زیاد در پایتخت ایران یعنی یرسی پولیس و دیگر مواضع شرقی مثل میدیا باکتریا و سغدیا نه بز توطن گزیدند - زوال حقیقی سلطنت هخامنشی بعد از دارپوش دوم شروع شد و نفوذ یونانیان در عسکر ایران زیاد شده رفت ، سابقاً شهنشاها هخامنشی بقوت عسکر خود سرکشان یونانی را مغلوب میکردند اما بعد با قوت زرفیایان یونانیان بی اتفاق و رخنه انداخته می رفتند ، البته این رویه حکمرانان برضف آنها دلالت میکند -

درین آوان فلپ شاه مقدونیه عسکر خود را منظم ساخته و از بی اتفاق و جنگ و جدال داخلی یونانیان وضعف سلطنت هخامنشی استفاده گرفته قریباً کل یونان را تحت قیادت خود آورد - اولیاس Olympias مادر سکندر زوجه فلپ مذکور بود ، فلپ مذکور بعد از مرور زمان از مادر سکندر نفرت پیدا کرده بازن دیگر مزاجت نمود هم عروس نو که اتالوس Attalus نام داشت در وقت عروسی جدید سکندر را در بین عموم مهمانان توهین نمود چنانچه راجع به حلالی بودن او شکوک خود را اظهار کرد حتی سکندر ازین ماجرا بهم آشفته بیار ، شراب خورد ، بر روی گای عروس زد - فلپ این رویه پسر خود را دیده در حالت نشه شراب شمشیر خود را بالای سکندر پکشد - سکندر و مادر او « اولیاس » فرق العاده ناراض گردیده از دعوت مجلس نکاح خارج شدند و فلپ بنصب شده چهار نفر رفیق سکندر را تبعید کرد - نتیجه این شد که سکندر و مادر او سازشی نموده فلپ را بتوسط یک آدم بقتل رسانیدند و سکندر در سن بیست سالگی بر تخت مقدونیه متمکن گردید -

سکندر فوراً بعد از جلوس خود بطرف محکم سلطنت خود متوجه گشت ، اولاً تا به دریای دانیوب فتوحات نمود - چون یونانیان اهالی و حکومت مقدونیه را وحشی شمرده همیشه کوشش داشتند که یوغ اطاعت را بر اندازند لهذا اهالی تیبز Thebes (۱) با تفاق آن ها و دیگر یونانیان بغاوت نمودند اما سکندر بکمال سرعت در رسیده شهر تیبز را کاملاً منهدم کرد و ۶۰۰۰ یونانی را بقتل رسانید و ۳۰۰۰۰ مرد را اسیر کرده به غلای فروخت -

سکندر در بهار ۳۳۴ ق م با (۳۰۰۰۰) پیاده و (۵۰۰۰) سوار بطرف آسیا رخ نمود تا با هخامنشی نبرد آزما شود - اولین جنگ ایرانیا و یونانیات بلب دریای گرانیکوس که در بحیره مار مور می ریزد - بوقوع پیوست ولی چون ایرانیا تمام قوج خود را مؤثرانه با استعمال آورده

(۱) شمال آتن امروزی وقوع داشت

بقیه حاشیه صفحه ۱۴۹

در سوره کهف آمده به این سکندر یونانی منسوب کرده اند - چون سکندر در زمانه قدیم (۳۵۰ - ۳۲۳ ق م) گذشته لهذا فتوحات او بطور افسانه در شرق یاد شده است -

بنابران میخواستیم به قارئین گرام خاطر نشان نمایم که این سکندر یونانی که فتوحات عادی و کارهای او قرار استاد تاریخی در متن بیان شده قطعاً با شخصیت (فلنا یا ذالقرنین الخ) ربطی و مناسبتی ندارد - همچنان اصلاً ثابت نیست که نام جناب ذوالقرنین « سکندر » بود - جناب ذوالقرنین به اختلاف روایات بیغمبر و با کثر روایات ولی الله بودند حالانکه سکندر یونانی وقتاً که به « فرام » رسید دعوی خدائی (عیاذ بالله) نمود بود - پس نباید سکندر مقدونی پسر فلپ را با « ذوالقرنین » طرف اختلاط و ربط آورده اشتباه نمود -

توانستند لهذا هنرمت یافتند، متعاقباً بسبب اینکه در آسیای صغیر یونانیان آباد بودند، لهذا علاقه های آسیای کوچک یکی بعد دیگری از طرف اسکندر مفتوح گردید چه یونانیان این دیار با اسکندر همدست شده بودند - قتل فوج اسکندر که برای مقابله هخامنشی ها بر آمده بود دلیل بر آنست که اسکندر راجع به امداد یونانیان آسیای صغیر اعتماد و یقین داشت - جنگ دوم به مقام افسوس Ipsus در شام بوقوع پیوست قائم فوج ایرانی خود داریوش سوم بود، در جنگ از طرف ایرانیان غلطی های ذیل واقع شد - سر اودات و روابط اسکندر را از سر کز او قطع نکردند، از حملات چپاولی اجتناب کردند و آن را عار شمردند، موصوف موزون را برای جنگ انتخاب نکردند که سواران و عراده های جنگی خود را به فوه مکمل و موثر استعمال کرده میتوانستند و نیز داریوش سوم در آخر سر حله جنگ چین و بی اهمتی را نشان داد - بنابراین درین محاربه عسکرایرانی شکست فاحشی خورد - بر علاوه یقین است که یونانیان ملازم هخامنشی ها که همیشه بنده زر در ملازمت هخامنشی ها بودند با هخامنشی ها غداری کردند و رنه اسکندر و عسکر قلیل او در همین مقام راه عدم را می پیمود.

بعد از اتمام این فتح، اسکندر در سنه ۳۳۲ و سنه ۳۳۱ ق. م مصر را فتح کرد - سپس بطرف عراق هرب روان شده و دریای فرات را عبور کرده بطرف «اربیلا» هجوم برد چه داریوش درین جا عسکر خود را قائم کرده بود - اگر شهنشاه ایران درین موقع جنگ های چپاولی را اجراء میکرد و سواران تیر انداز ایرانی به جناح های اسکندر حمله کرده متوالیاً یونانیان را اذیت میرسانیدند، اسکندر یقیناً شکست میخورد، بهر کیف درین موقع عسکر ایران با وجود امداد زیاد از دست یونانیان شکست خوردند و داریوش سوم رو بفرار نهاد - بعد ها بابل و شوشه بدون جنگ مفتوح گردید، اسکندر در یرمی یولیس پایه تخت شهنشاهان هخامنشی رسیده مقدار زیاد غنیمت را حاصل کرد و سپس پایه تخت هخامنشی را طمه آتش ساخته کاملاً بر زمین هموار و آثار تمدن آسیائی را محو نمود.

بعد از آن اسکندر در تعاقب داریوش سوم حرکت مری می نمود - میگویند که بسوس Bessus حاکم باختر از خوفیکه گرفتار دست اسکندر نشود به عسکریان خود حکم داد که داریوش را بکشند - لیکن ممکن است که شهنشاه مزبور برای قتل خود حکم داده باشد تا بدست اجنبی اسیر نشود - اسکندر به دامغان رسیده دید که داریوش شهنشاه ایران در یک عراده زخمی افتاده نزدیک جان داده است - اسکندر شاه مذکور را دفن کرده بعد از آن به فتح خراسان و یارته و هرات پرداخت - در شهر هرات ساخا و شهر جدید که فعلاً آتارش موجود است تعمیر کرد.

چون بارساينت Barsaentes که در انجیانه (سیستان) ستراب یعنی نائب الحکومه بود برای مقابله اسکندر تجهیزات مینمود لهذا اسکندر از مشرق صرف نظر نموده از هنرات بطرف جنوب متوجه شد تا خط مرادوات او منقطع نگردد - چنانچه در زمستان سنه ۳۳۰ ق. م در فراه (که پایه تخت و محل حکومت سترابی سیستان بود) رسیده نائب الحکومه مذکور را هنرمت داده همانجا قیام نمود - کوروش کبیر اهالی فراه را باسم دحسین و فیض رسات یاد کرده بود چه آنها به کوروش امداد قابل قدر رسانیده بودند - احمد شاه بابا ابدالی هم با اولاد قادر شاه ترکان همین گونه سراعات نموده خلق و حسن نیت مردم افتات را نشان داده بود - اسکندر هم اهالی فراه را بنظر احترام نگر بسته در حدود علاقه آنها افزود و اسکندر در همین مقام دعوی خدائی نمود.

اسکندر بعد از انقضای زمستان به اول بهار به علاقه آرا کوشیا (قندهار و نواح آن) رسیده غالباً نزدیک کرشک هلمند را عبور نمود و قریباً در موضع حالیه قندهار شهری را حسب معمول بنا کرده اهالی نواحی را نیز بسکندر خود جائی داد و نام آنرا «اسکندریه درین آرا کوشیائی» نهاد - دیوارهای شهر مذکور در تابستان سنه ۳۲۹ ق. م بقدر کفاف بلند شده و اسکندر در قاعده خود یک عده عسکر را در انجا مقیم کرده و از راه معموله قلات مقرر

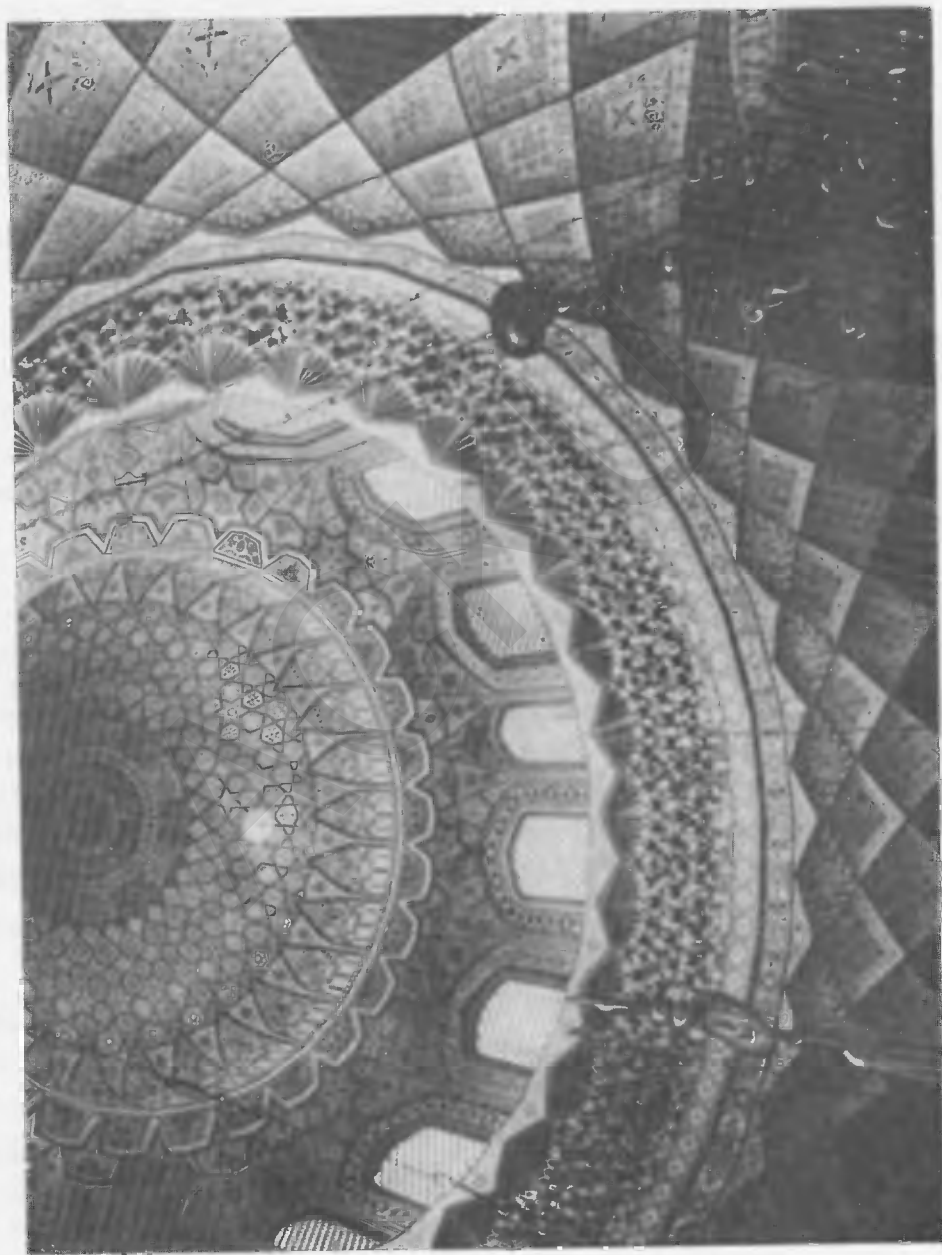
و غزنی به نواح کابل رسیده زمستان را در همین جا گذشتاند. بالاخره به کابل رسیده و شنید که در علاقه باختر شخصی از حکام بومی یعنی بسوس نام هنوز دعوی تخت و تاج را مینماید و مصروف تجهیزات میباشد. بنابراین سکندر وقتیکه برف کوه هندو کش ذوب گردید از راه کوه امن اولاً به چار بکار رسید و غالباً در موضع آوویان امروزی شهری را بنا کرد و حسب عادت خود نام آنرا « اسکندریه زیر قفاز هندی » نهاد. بر علاوه دوشهر دیگر را که از او بیان یکر و زه راه فاصله داشت آباد کرده شد و یکی را کار تانه Cartana (غالباً نگرام امروزی) و دیگری را کار دو می (شاید در پنجشیر باشد) نام گذاشت. سکندر درین علاقه یک ستراب بومی را مقرر کرد.

مورخین اروپائی در باب راه عبور سکندر از بالائی کوه هندو کش اختلاف نظر دارند چه ناهای آن زمان درست تطبیق نمیشود و اغلباً آنها از کیفیت جغرافیائی هندو کش واقفیت تامه ندارند. باید دانست که از چار بکار بطرف ایک از جمله هفت راه بالموم سه راه بزرگه قافله است که راه سالنگه کوتاه ترین آنهاست لیکن برف آن در اوائل بهار مطلق ذوب نمیشود، همچنان راه پنجشیر و کوتل خاواک از باعث دریا و تنگی و ارتفاع زیاد برای عبور فوج نهایت مشکل میباشد. بر علاوه برف آن هم در اوائل بهار ذوب نمیشود راهی عامیکه در زمستان و تابستان قابل عبور و سهل ترین است اگر چه طویل میباشد از بامیان میگذرد. بدینقرار چار بکار، دره کوشان، قور بند، سرخ و یار سا، کوتل شبر (۱)، بامیان، سوخته چار، سیغان، دندان شکن، کامرد و غیره الی ایک.

مورخین یونانی مینویسند که سکندر در اثنای رفتن بطرف بلخ در مرصه یا زرده روز و در وقت مراجعت بطرف اوویان در مرصه یا زرده روز کوه های هندو کش را عبور کرد. فوج سکندر از خنک و قلت آذوقه نهایت پریشان و متاثری گردید در آن زمان کوه های مزبور پسته جنگلی و هیننگ بسیار زیاد داشت. الان میدانیم که کوتل های خاواک و سالنگه از هیننگ و پسته هاری است بل درین ارتفاعها درخت روئیده نمیتواند. در سیغان درین عصر هم هیننگ پیدا میشود و جنگلهای پسته از کوتل « کاروان » شروع میشود. سکندر یونانی فریباً ۲۳۰۰ سال پیش وارد این دیار شده بود، البته در امتداد این قدر زمان طویل درخت پسته بطور همزم استمال شده و بوته هیننگ هم رو به قلت گذاشته، و در نتیجه درخت پسته ازین دره مفقود شده است. بر علاوه چون این راه بامیان آسان بوده و قافله ها همیشه ازین راه عبور و مرور کرده اند لهذا شاهان کوشانی برای ساختن بت های بامیان همین راه عام و معروف را منتخب کرده بودند.

بنابرین دلائل میتوان گفت که سکندر از راه بامیان به بلخ رفته از همین راه مراجعت نموده بود. سکندر در ارض راه دچار هیچ مقابله نشد، همچنان بلخ و آاور نوس Aornos (موقعیت این شهر معلوم نیست) بدون جنگ فتح شد. هنگامیکه بلخ مفتوح گردید، سواران باختری رفاقت بسوس را گذاشتند و نامبرده دلاقه بینی را خراب کرده به ما و رای آمودریا گریخت. سکندر فوج خود را بدریه مشکها (جاله) از آمودریا عبور داده. بالاخره شخصی سپیتامین Spitamenes که سرسکر رساله سفدی بود بسوس را بدست سکندر داد و سکندر او را در اکتبانه (همدان) بدار آویخت. سکندر تابه خوچند فتوحات و پیشرفت نموده و در خوچند « اسکندریه نهائی » را بنا کرد. درین اثنا سپیتامین مذکور یک دسته فوج سکندر را که بطرف سمرقند روان بود بامداد اسکائی ها کاملاً مستاصل نمود. سکندر بشخص خود رفته بطور انتقام کل دلاقه حاصغیر را تباہ و خراب کرده. سپیتامین بار دیگر حمله آورد، اما کراتیروس (یک فرماندان سکندر) او را شکست داد. بالاخره سیت ها سر سپیتامین را بریده به سکندر روان کردند و سکندر آنان بعد به تنظیم باختر

(۱) شبر با کلمه انگلیسی Shiver یعنی « لرزیدن از خنک » مشابهن دارد، البته این کوتل از باعث ارتفاع و برودت آن مسافین را میلرزاند.



از ابنیه تاریخی مزار شریف : سقف خاتمه داخلی روضه مبارکه که مرقد شریف در آن واقع است
'Les décorations du dôme central de RAOUZA (tombeau du 4e Calife) à MAZAR-I-CHERIF



از ابنیه تاریخی مزار شریف : دروازه مدخل خانقاه زرین مرقد مبارک
Une des entrées de RAOUZA (tombeau du 4^e Calife) à MAZAR-I-CHERIF

وسندیان موفقی شده توانست - يك قلعه کوهی در سغد بسیار به مشکل فتح شد و در زمرة اسیران قلعه در کساهه Roxana دختر باجمال او کسبارت Oxyartes رئیس بلخ هم بود - سکندر بعد از این زن مناکحت نمود تا گفت نماید که سکندر زهای متعدد داشت -

سکندر زمستان (۳۲۸ - ۳۲۷ ق م) را در « نونکا » Nautaka بسر رسانید مقام مذکور اغلباً در بین سمرقند و آمودریا در نخلستان نی بوده - در بهار سنه ۳۲۷ ق م قبائل کوهی بدخشان را فتح کرد - فرار و نسلت سمجھ مؤلف « تاریخ قدیم هندوستان » و کیمبرج هستری آف انديا سکندر از کوتل خاواک و دره پنجشیر گذشته پس به « اسکندر به زیر قفقاز هندی » یعنی اوپیان رسید - چوت ستراب سابقه بدوستی حکومت نکرده بود او را موقوف کرده یک نفر بومی دیگر موسوم به تیر یاسپ Tyriepes را به ستراب پی مقرر نمود - و بر تعمیر شهر مذکور بر طبق نقشه یونانی نیکانور مقدونوی را گماشت -

سکندر از موضع ایپان بطرف نیکائی (۱) Nicaea حرکت نمود و از نیکائی بطرف راجا تکسیلا و دیگر روی وادی سفلی کابل قری را فرستاد تا آنها مطیع شده بحضور او حاضر شوند - چنانچه راجا تکسیلا از اصرار و سفارش پسر و لبعهد خود (موسوم به آمبھی Ambhi) و کلان شوندگان وادی کابل اظهار اطاعت نمودند - سکندر در نیکائی رسیده اطلاع یافت که قبائل ساکن کنز، اسمار، باجور و صوت و دیگر سرحدات آزاد در قلعه های کوهی خود زندگانی آزادانه داشته زیر اطاعت کسی نمیباشند و هر کسبکه خواهد آنها را مغلوب نموده تحت حکومت بیارد - برای او وبال جان میشوند بلکه این مردم همیشه از شاهان نواحی خود موابج و وظایف مینه میگیرند - پس سکندر فوج خود را بدو حصه تقسیم نمود - يك حصه عسکر را تحت قیادت هیفاستین Hyphaestion که دوست صمیمی سکندر بود و پردیکاس Perdicaas که بزرگترین رؤسای مقبویه بود مقرر کرد تا آنها به دریای اندس رسیده انتظار سکندر را بکشند و در دوران معطلی بی را تیار کنند - در باب راه عبور این فوج اختلاف نظر است ، اما دره خیبر موزون تر بنظر میرسد چه راه لب دریای کابل بعد از لایوره غیر آباد و صعب المرور است گویا هیفاستین و پردیکاس مذکور بمعت راجا تکسیلا غالباً از راه خیبر و پشاور به دریای اندس رسیدند - این عسکر به دریای اندس رسیده به جم آوری مواد برای بل مصر و ف شاداه دید که پادشاه چار شده (نام یونانی آن پوشکلواتی Pushklavati موسوم به آستیس Astes (۲) بر علیه اجانب به مرفروشی آماد است پادشاه مذکور قوه کافی نداشت که در میدان با اجانب مقاتله نماید بنابراین در يك قلعه مستعکم خود محصور گردید تا يك ماه بکمال دلاوری و شهادت مقاومت و جنگ کرده بقتل رسید - و علاوه او به يك دشمن او موسوم به سانگیا Sangaya سیاریده شد -

درین اثنا خود سکندر را اولاً با قوم اشوا کاه یا آسپا سیانها (Ashvakas Aspasiens) که صارت از مردم کنتری و انجانی بودند داخل محاربه گردیده و چون سکندر درین جنگ بدریه تیر زخمی شده بود

(۱) و نسلت سمجھ نیکائی را بطرف غرب جلال آباد و تھانس هولج آنرا کابل قیاس کرده ۱۰۱ از تحریر مؤرخ یونانی ارریان Arrian معلوم می شود که این شهر بر دریی کابل نبوده بلکه سکندر از ان موضع بطرف دریای کابل حرکت نمود - بنابراین نویسنده قیاس میکند که این مقام مراد از تکاب خواهد بود - چرا؟ راه نزدیکتر از چاریکار بطرف جلال آباد را هیست که از بگرام، تکاب و کوتل باد پیش گذشته به انجان میرسد - بر علاوه سکندر به انجان رسیده بالای مردم کنز و اسمار هجوم برده بود - و این راه از چاریکار الی دریای کنز آباد و مر سبز میباشد ، سکندر لازماً راه کوتاه و آباد را اختیار کرده باشد -

(۲) نام سنسکرتی آن غالباً « هستی » خواهد بود ولی گمان غالب اینست که این لفظ مخفف آشتکاراچه یعنی پادشاه می باشد - بای تحت این پادشاه پوشکلواتی بنی چار شده بود که به شمال دریای کابل واقع است

لهذا فوج یونانی بحکم سکندر کل بندیها را ته تیغ نموده و شهر آنها به زمین هموار کرده شد - سکندر بعد از اجرای این واقعه فوجیه قوماندان معتمد خود یعنی کراتیروس Kratiros را مقرر کرد که تمام قبائل وادی کنتر را مغلوب نماید و خود سکندر غالباً از آستار (۱) به پشپت و جنبدول به قریه ایکه مورخین یونانی آنرا اری گاؤن Arigaon میگویند رسید - کراتیروس کار خود را انجام کرده غالباً از راه مرکانی چمر کند و نواکشی با سکندر ملحق گردید - علاقه های متصله یکدیگر یعنی پشپت، جنبدول و نواکشی و دیر بسیار سرسبز و معمور میباشد چنانچه گمان غالب همین است که محاربه بزرگ دومین با قوم آسیاسیانان در یکی از این علاقه ها بوقوع پیوسته باشد مورخین یونانی میگویند که سکندر درین جنگ (۴۰۰۰۰) نفر را اسیر و (۲۳۰۰۰۰) مواشی را بشنیت گرفت چون این مواشی بدرجه اعلی تریه یافته بود لهذا بهترین مواشی را چیده بطرف مقدونیه روان کرد - ازین معلوم میشود که افغانان سرحدی در تریه حیوانات از همه مردم آسیائی فائق تر بودند - بعد از آن سکندر بطرف قوم زبردست اساکینوئی Assakenoi متوجه شد غالباً این قوم عبارت از اهالی سوات خواهد بود - شهر مساکا Massaga اغلباً در « سوات » بزرگترین شهر این دیار و بپایه تخت پادشاه سواتی ها بوده - میگویند که لشکر این قوم مشتمل بر (۲۰۰۰۰) سوار و زائد از (۳۰۰۰۰) پیاده بود - سکندر دریای پنجکوره (۲) را عبور کرده به این قلعه که غالباً نزدیک ملاکنده اسروزی بوده باشد هجوم آورد - در مشرق این قلعه دریای کوهی وجود داشت که از بین دیوارهای بلند کوهی در جریان و در جنوب و مغرب آن کوه بچه های بلند و عمودی واقف شده بود - محاصره شروع شد و حکمران این علاقه بضرط یک سنگ که بواسطه ماشین های محاصره به شهر انداخته میشد کشته شد محصورین بی سرمانده بزودی مغلوب گردیدند و زن و پسر شاه مقتول بدست سکندر افتاد - در جمله محصورین ۷۰۰۰ سپاهی از علاقه پنجاب بودند که بفرض امداد در عسکر سواتی ها داخل شده بودند - سکندر آنها را برین عهد معاف کرد که آنها در عسکر او خدمت کنند - این سپاهیان مجبوراً عهد مذکور را بسته بودند چه چاره نداشتند و از خوئریزی سکندر واقف بودند - بالاخره آنها ما بین خود مشورت کردند که بوقت شب فرار نمایند تا بر علیه هموطنان خود مقاله نکنند - سکندر بکدام وسیله از اراده آنها مطلع گردید - دفعته بالائی آنها حمله کرده و درحین خواب همه زیاد نفری کشته شدند - بقیه السیف زن و اطفال خود را در بین گرفته و حلقه ساخته قتال شروع کردند - اما کثرت فوج سکندر آنها را مغلوب کرد و این دلاوران وطن پرست آخرین سرد کشته شدند - آنها برای خود نام نیک را کسب کردند و بدامن سکندر لکه خونریزی تا ابد ماند - بعد ازین واقعه شهرهای « اورا » یا « نورا » و « بازیرا » مفتوح گردید .

شاید ترین محاربه بر علیه سکندر غالباً از طرف افغانان بنیر Buner اجراء شده بود ، این مقام مستحکم غالباً نزدیک ریاست « امب » اسروزی بوده برکنار دریای سوات و قوع یافت میگویند که فائده این جنگ برادر رئیس مقنول مساکا بود - یونانیان این مقام مستحکم را آاور نوس Aornos گفته اند گویا غیر از آاورنوی سفدی این آاورنوی دوم است مورخین یونانی در فتح این مقام بسیار فخر و مباهات میکنند - سکندر این افغانان محب وطن را بعد از محاربه شدید شکست داده و با نژده قبیل را بشنیت گرفت - قبائل این دیار بویغ محکومیت را قبول نکرده به علاقه « ابی سارا » (علاقه چناب و جهلم) عقب نشستند - سکندر بعد ازین

(۱) راه حرکت سکندر را تعیین کردن نهایت مشکل است زیرا که نامهای مواضع ۲۳۰۰ سال پیش دیگر بود و تطبیق تلفظ یونانی مشکل - چون نویسنده این علاقه ها را کاملاً ندیده است لهذا راه های مستعمله و آباد را خط حرکت سکندر مقرر کرده ام - از کنردوراه عام (غیر از راه های دیگر) بطرف سرحدات آزاد میروند یکی از مرکانی به چمر کند (ابتدای علاقه باجور) میرسد و دیگری که سکندر غالباً بعد از مغلوب نمودن قبائل اختیار نمود عبارت از آستار و پشپت میباشد - (۲) یونانی ها این دریا را گورا اوس Gauraios خوانده اند -

فتح پس گشت و از راه جمله و نو شهره با فوج یونانی که تحت قیادت دو قائم مذکور نزدیک « اوهند » Ohind بل تیار کرده بودند ملحق گردید. درین علاقه های مفتوحه کوهی یک ستراپی جدا گانه تشکیل کرده و نیکانور بطور ستراپ مقرر شد.

درین اثنا پادشاه معمر تکسیلا مرده بود و پسرش که آمبھی نام داشت راجه تکسیلا شده بود. سکندر دریای اندس را عبور کرده مهابت راجه « آمبھی » شد. درین دوران راجه پنجاب که نام یونانی او پوروس Poros میباشد به کنار مشرق دریای جهلم با (۳۰۰۰۰) پیاده و (۴۰۰۰) سوار و ۳۰۰ عراده جنگی آمده یکطرفه آراء شده بود. سکندر در ماه مئی ۳۲۶ ق م به کنار دریای جهلم رسیده (نام یونانی دریای مذکور Hydaspes هاگید سبیز) و در ماه جولائی جنگ شروع شد. سکندر در موقع باران بکمال خفا از دشمن دریای جهلم را قریباً ۲۰ میل بالاتر عبور کرد. پسر راجه پوروس از عبور سکندر وقوف یافته برای ممانعت سکندر شتافت. چون عسکر او صرف ۲۰۰۰ سپاهی پیاده بود لهذا پسر پوروس در جنگ کشته شد و لشکر هندی شکست خورد. درین اثنا پوروس بامداد پسر خود رسید. کمانهای هندی آن زمان برای برقه آدم بود و تیر اندازان پنجابی یک صر کمان را به زمین مانده زه را میکشیدند. این تیر چنان بقوه میرفت که زره را شکافته از بدن آدم میکشید. چون از باعث باران زمین نرم شده بود هندیها نمیتوانستند تیرهارا بقوت و صحت مایه اندازند بر علاوه رساله هندی با مقابل سوارات یونانی قوتی نداشت لهذا لشکر پوروس شکست خورد و راجه پوروس زخمی شده آسیر گردید. سکندر (خلاف عادت خود) از شهامت و یاقناری او متأثر شده علاقه او را پس به او بخشید و او را درین دیار وکیل خود ساخت. راجه پوروس قوی هیکل بوده قریباً ۷ فوت بلند بود.

بعد از آن سکندر تا سنج پیشرفت کرد و در ارض راه قومبکه با او مقاتله و مقابله کرد مورد قتل عام گردیده رفت چنانچه بعد از عبور دریای راوی در یک مقام هفده هزار مدافعین را بکشت و (۷۰۰۰۰) نفر را اسیر کرد فوج سکندر به کنار دریای بیاس رسیده (نام یونانی این Hyphasis هائی فاسیس میباشد) از پیشرفت مزید آنکار قطعی نمود و سکندر بادل نا خواسته عودت نمود پس به دریای جهلم رسید. یک حصه فوج او بلب دریا و دیگر حصه بدریه کشتی ها سفر کرده بالاخره به هلاقه سنده رسیدند. در دوران فتوحات در پنجاب اهالی علاقه قندهار و سوات شورش کرده بودند.

سکندر در علاقه سنده رسیده کراتیروس را به همراه سریشها مقرر کرد که از راه قندهار و سیستان به شوشه برود. نیارکوس را از راه بحر روان کرد و خود او از بلوچستان قریباً نزدیک ساحل مانده سفر میکرد اما عده زیاد فوج از باعث قشنگی و گرمی ضائع شد بالاخره فوج های نیارکوس و سکندر در شوشه یکجا شدند، بعد سکندر به بابل رفت.

سکندر وقتیکه از دریای جهلم بطرف هلاقه سنده حرکت میکرد در ارض راه مدافعین را قتل عام کرده رفت. نزدیک ملتان مردم مقاتله شدیدی کرده بودند و سکندر زخم و خیمی را برداشته بود مقدونیه ها به اتفاق مجروح شدن سکندر زن و اطفال و پیر و جوان را تماماً کشتند. همچنان در وادی سفلی دریای اندس (۸۰۰۰۰) بومیان به قتل رسیدند. بر علاوه سکندر در سنده رسیده تیر یاسپ، ستراپ سابقه (پارویانی سادی) را موقوف کرده در عرض او خسر خورد یعنی اوکیار ژبز Oxyartes پندر که ماه را که رئیس بلخ بود نائب الحکومه علاقه « پارویانی سادی » مقرر نمود.

سکندر به بابل رسیده میخواست که عرب و نواح بحیره خزر را فتح کند. اما در حین تجهیزات جنگی مبتلای تب شدید شده در سن ۳۲ سالگی در بابل به سنه ۳۲۲ ق م درگذشت.

قتل و قتل درین یونانیان بعد از مرگ سکندر چنانکه بیشتر گفته آمد که یونانیان در خود بودند - بنا بر عادت دیرینه خود بعد از مرگ سکندر در بین قوماندانهای سکندر جنگ های خونریز برپا شد و کسانه دختر رئیس مذکور باخ که زن سکندر بود بعد از مرگ وی بیچه زائید و پردیکاس مقدونی سرپرست این پسر سکندر مقرر گردیده خواست که به کل سلطنت سکندری حاوی شود - و برای حصول این مقصد اولاً به مصر حمله برد اما از دست سکران خود بقتل رسید - بعد ازین واقعه محاربات و خانه جنگی های یونانیان صورت شدت را اختیار کرد بالاخره (۱) انتی کونوس که یکی از قوماندانهای حربی سکندر و در بابل پایه تخت داشت Antigonus در مشرق کامیاب شده و چنان بنظری آمد که نامبرده کل رقیب های خود را یکی بعد دیگری مغلوب کرده خواهد رفت در همین زمان شخصی کاسندر Cassander نام در یونان و مقدونیه اقتدار پیدا کرده بولیبیاس پنی مادر سکندر را در مقام (پیدنا) Pydna در محاصره گرفت - بعد از اشغال مقام مذکور یونانیان مادر سکندر را سنگسار نموده بکشند - بتولی (بطالیوس) Ptolmey به استواری و استحکام مصر را به تصرف آورده و خاندان بتولی را تاسیس نمود - لائی سیاکوس Lysimachus در حلقه شهریس و آسیای صغیر به قوت خود می افزاید - چون قوت انتیکونوس در مشرق بسیار زیاد شده بود لهذا کاسندر (پادشاه یونان و مقدونیه) بتولی (حکمران مصر) بامداد سیلیوکس که پسان به بابل اقتدار پیدا کرده و لائی سیاکوس بر علیه انتی کونوس اتحاد و خروج کردند - و انتیکونوس بامداد پسر لایق و شجاع خود موسوم به دیمتریوس با اتحاد یون فوق الذکر مصروف جنگ شده بالاخره در محاربه ایسوس در ۳۰۱ ق م کشته شد - بعد ازین محاربه سیلیوکس در قوت و تنظیم ممالک شرقی افزوده همان مقام را نائل گردید که پیشتر انتی کونوس حاصل کرده بود - در نتیجه آن بتولی و لیبیا کوس بر علیه او اتحاد کردند - درین اثنا دیمتریوس پسر انتیکونوس به یونان رسیده بعد از مرگ کاسندر پادشاه یونان شده بود - سیلیوکس و دیمتریوس با هم رقابت پیدا کردند اما سیلیوکس به دیمتریوس استعفا نمود که دختر خود را با او ازدواج نماید - درین اثنا بتولی به آخر عمر رسیده برای پسر خود تخت مصر را واگذار شد و لیبیا کوس در محاربه با سیلیوکس کشته شد - سیلیوکس از حریفان خود فارغ و مطمئن شده به عزم فتح مقدونیه (وطن خود) روان گشت لیکن بعد از عبور بحیره ما مورا بقتل رسید و انتیا کوس Antiachus اول بلق سوتیر Soter یعنی ناجی که پسر سیلیوکس بود در مشرق پادشاه شد - انتیا کوس اول را از جهت سوتیر میگویند که بعد از قتل پدر خود سلطنت سیلیوکسی را از اضحلال و از غارت مردم کال نجات داده بود - انتیا کوس سوتیر بعد از قتل پدر خود در سنه ۲۸۱ ق م جلوس نمود در ۲۶۲ ق م بمرد.

انتیا کس دوم از ۲۶۲ - ۲۴۱ ق م سلطنت کرد بالاخره زن او نامبرده را زهر داده هلاک ساخت در عهد همین پادشاه باختر با تفاق سفدیانه و مرجیانه زیر فسادت دیودوتس اول در ۲۵۶ ق م و یارته ها در ۲۵۰ ق م اعلان استقلال نموده از سلطنت وسیع سیلیوکسی مجزا گردیدند - شاهان سیلیوکسی بابل را گذاشته انطاکیه (در شام) را پایه تخت قرار داده بودند - بعد از مرگ انتیا کوس دوم یکطرف در بین شهزادگان سیلیوکسی خانه جنگی ها واقع و از طرف دیگر پادشاه یونانی مصر حمله آورد - در نتیجه مملکت در بین دو پسر او تقسیم شد -

انتیا کس سوم (۲۲۳ - ۱۸۷ ق م) به سن هجده سالگی جا نشین تخت سیلیوکسی شده بود - انتیا کس سوم در سنه ۲۰۹ ق م به حلقه یارته حمله برد اما اشکانی سوم را فتح کرده نتوانسته لذا با او معاهده دوستانه نمود - بعد از فیصله با حکمران اشکانی یکطرف باختر متوجه شد - درین زمان یوتیدیموس که دو دمان دیودوتس را برانداخته بود پادشاه باختر بود - فوج باختر از انتیا کس سوم شکست خورده در شهر محصور شد بالاخره بعد از

محاصره طویل در بین یونیدیموس و انتیا کس سوم معاهده منعقد شد و انتیا کس وعده کرد که دختر خود را به پسر او یعنی دیتر یوس به نکاح خواهد داد - سپس انتیا کس هندوکش را عبور کرده به کابل رسیده و از دره خیبر به پنجاب فرود آمد. و از جا نشین راجه اشوک تعانف و فیله ها و مبلغی را گرفته از راه دریای هلمند و سیستان پس گشت - درین اثنا سلطنت روما بطرف مشرق رو به وسعت گذاشته بود و هینی بال قوماندان بزرگ و معروف قرطیج شکست خورده در سنه ۱۹۶ ق. م بحضور انتیا کس پناه آورده بود - انتیا کس اولاً به مشوره هینی بال عمل ننکرده از مسکر روما شکست فاحشی یافته علاقه یورویی و یک حصه آسیای صغیر را باخت - نامبرده بعد از آن تهیه نمود که علاقه هیلام را تاراج نماید چه بارو معاهده دار شده نتوانست - اما به هیلام رسیده در دوران محاربه کشته شد - این دودمان سیلوکسی در حدود سنه ۱۲۹ ق. م. به کشته شدن انتیا کس ملقب به سیدیت در جنگ اکتبانه با فرهاد دوم پادشاه پارت باختام رسید.

در فوق گفته آمد که سکندر در ولایات هرات، قندهار، اویان شاهان یونانی افغانستان (نزدیک چاریکار) و بلخ و غیره ساخوهای مستحکم را بنا کرده بود - در دوران مقاتله های شدید و خونریز قوماندانهای سکندر تقسیم تخمینی افغانستان قرار ذیل بود - آکسیارت Oxyartes پدر « رخسانه » که رئیس بلخ بود حکمران کل بارو یا نپسادی یعنی وادی کابل، پنجشیر، نگاب، نجراب، کوهدامن، ریزه، کوهستان و لغمان و غیره - چون حاکم این دیار، وطنی وعده فوج یونانی در همه مراکز مهم زیاد بود لهذا اهالی افغانستان بر علیه حکمران بومی خود خروج و شورش نکردند اما یونانیان با اتفاق بومبان افغانستان یوغ محکومیت سیلیوکسی را بر انداختند - سیرتیوس Sibyrrios ستراب اراکو شیاو گدرو شیا (قندهار و بلوچستان)، ستاسندروس Stasandros حاکم آریا و درانجیان (هرات و سیستان) بود - ستاسانور Stasanor به حکومت باختر و سوغد یانه تقرر یافت.

بعد از شنیدن خبر مرگ سکندر، اهالی هند وستان تحت قیادت چندرگیتای موریا شورش کرده از مشرق دریای اندس کل یونانیان را در سنه ۳۲۲ ق. م. تبعید و یا قتل کردند - چندرگیتای موریا در اثنای مقاتله های جرنیلان سکندر از اندس الی خلیج بنگال یک سلطنت وسیع و بزرگ و منظم را تشکیل داد - (۱) سیلیوکس در بابل قائم گردید - و قتیکه اتیکونوس بحکمرانهای مصر و یونان مصروف مقاتله و بیکار بود سیلیوکس فرصت را

(۱) چندرگیتا موریا به خاندان شاهی ننداهاتملق داشت - یا به تخت این پادشاهان (یا تلی پترا) یعنی پتنه ا سروزی بود - چون مهایدمانند را که آنوقت سلطنت مکه ها از چندرگیتا آزاده شده بود لهذا چندرگیتا مجبور به فرار گردید - چندرگیتا در اثنای تبعید خود با سکندر ملاقات کرده بود - بالاخره این چندرگیتا با مداد یک برهن موسوم به « وشنوگیتا » (این برهن عموماً به چانکیا و یا لقب « کوتلیا » معروف میباشد) اولاً مسکر خود را از مرحدات آزاد و پنجاب جمع کرده راجه سابق مذکور را شکست داده بکشت و در سن ۲۵ سالگی (۳۲۱-۳۲۲ ق. م.) بر تخت مکه متمکن گردید - میگویند که فوج ننداهات بود از (۸۰۰۰۰) سوار (۲۰۰۰۰۰) پیاده (۶۰۰۰) فیل جنگی - اما چندرگیتا در آن افزود چنانچه فوج چندرگیتا عبارت بود از (۳۰۰۰۰) سوار (۶۰۰۰۰۰) پیاده (۹۰۰۰) فیل جنگی و مراده زیاد جنگی - نامبرده به این مسکر معاش قیاضانه مبداد - چندرگیتا اولین شهنشاه هندوستان است که ماسوای دکن کل هندوستان را تحت حکومت واحد آورده بود، از ۳۲۳ الی ۲۹۸ ق. م. سلطنت کرد، یا تلی پترا در قرن پنجم قبل الیلاد تاسیس شده بود در وقت چندرگیتا ۹ میل طول و یکنیم میل عرض داشت - یونانیان چندرگیتا را (Sandracottas) سندراکوتس میگویند - چندرگیتا یکی از بزرگترین شاهان هند وستان گذشته که صرف در عرصه ۲۴ سال اولاً ارفراری گری به سلطنت رسید بعد کل فوج ار و یا تلی را از هند کشید و باز فوجی را تنظیم داد که سیلیوکس فاتح را مفتوح کرد و قسمت بزرگ هند را در تصرف آورد -

هنیئت شمرده بغرض استرداد علاقه های مفتوحه سکندری و فتح هند و سستان به هندوستان حمله آورد - میدان بحاره معلوم نیست اما وقتیکه جنگ بوقوع پیوست اروپائی ها از دست عسکر منظم آسیائی هنریت فاحشی خوردند چنانچه سیلیوکس که به لقب « فاتح » ملقب است سترابی های یاروپا نیسادی و آریا و اراکوشیا و گدرو شبارا به چندرگیتا و اگدا را نمود و بر علاوه دختر خود را به چندرگیتا به عقد داد و در عوض صرف (۵۰۰) تیل جنگی را بطور تحفه از چندرگیتا گرفت. بدین وسیله کوه های هندو کش در بین سلطنت های چندرگیتا و سیلیوکس نکاتور حد فاصل معین گردید.

سیلیوکس برای نگاهداشتن تملقات و روابط دوستانه و سیاسی، سفیر خود موسوم به میگاستنیر Magathenes که اولاً تحت ستراب اراکوشیا مامور بود به دربار چندرگیتا فرستاد - میگاستنیر رسم و رواج و تنظیم و اداره مملکت هندی آن زمان را بسیار به وضاحت نوشته است، خصوصاً عصمت و عفت و راستبازی و دلاوری مردم کوهسار افغانستان و اهالی هند و سستان را بسیار تمجید نموده -

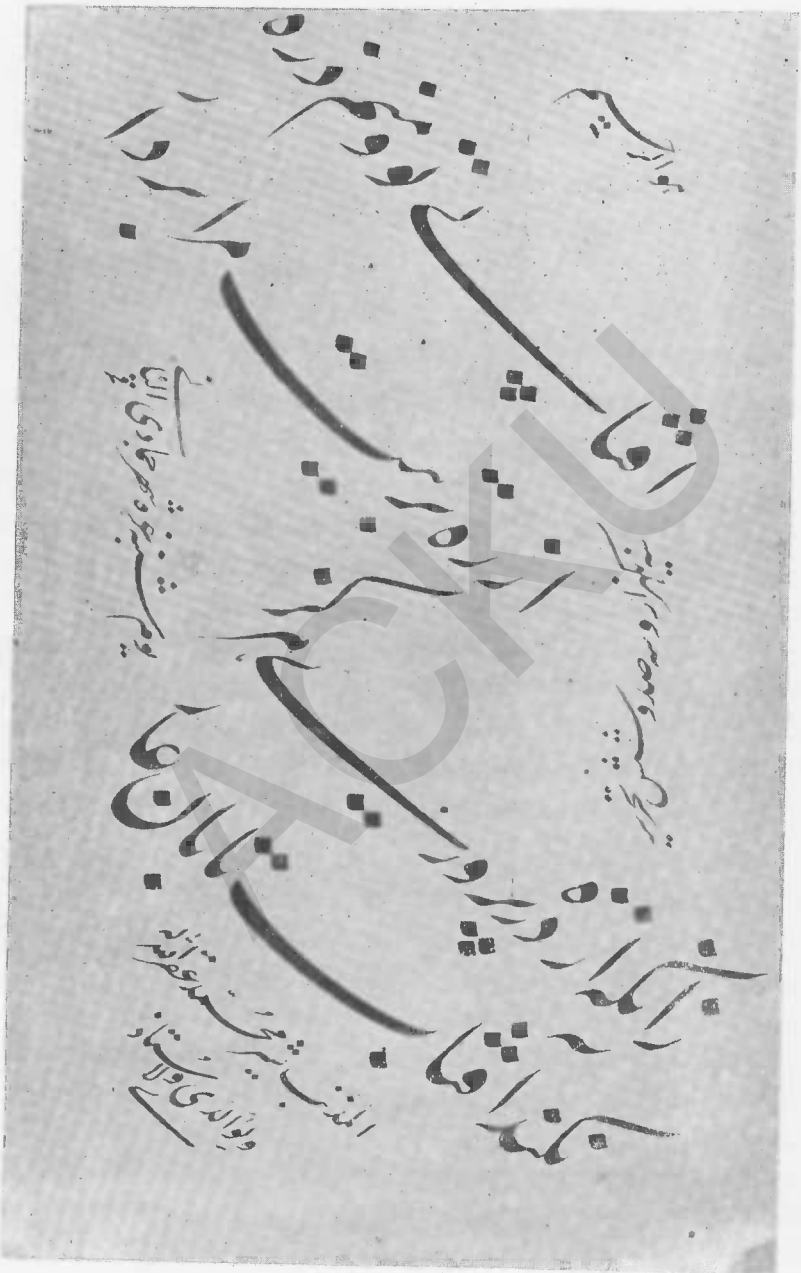
میگویند که چندرگیتا خود را برای جلوس پسر خود خلم نمود « بندوسارا » Bindusara پسر دو چندرگیتا در ۲۹۸ ق م، بر تخت جلوس نمود و از طرف سیلیوکسی ها دیماکوس Deimachus در عوض میگاستنیر بطور سفیر مقرر شد - همچنان پادشاه یونانی مصر موسوم به « پتولمی فیلا دلفیس » سفیر خود را بدربار پادشاه هندوستان فرستاده بود - بندوسارا تا ۲ سال سلطنت کرد، بعد پسر او راجه اشوک بزرگترین راجه های موریای هندوستان در (۲۷۳-۲۷۲) ق م، بر تخت هند و سستان نشست - این شهنشاه بزرگ هندوستان دین بودائی را اختیار کرده در تمام سلطنت و سیمه خود ستونها و مینار هارا تعمیر کرده درزبانهای محلی قوانین بودائی را به مردم تلقین و تبلیغ نمود و از مساعی همین راجه دین پرست، بودائیت در افغانستان راه یافت که در نتیجه زردشتیت از افغانستان کاملاً خارج شد - راجه مذکور نزد شاهان یونانی باختر هم مبلغین بودائی فرستاده بود حتی مبلغین بودائی به آسیای وسطی، تبت و چین و لنکا نیز رفتند - اهالی گندهارا و یونانیان وادی کابل بودائیت را پذیرفته و در نشر آن سعی بلیغ نمودند - راجه اشوک بعد از سلطنت ۴۰ سال در ۲۳۲ ق م بمرد - بعد از سلطنت موریای رخ به زوال نهاد و خاندان مذکور در ۱۸۵ ق م سقوط کرد - « پوشیا مترا » سیه سالار، آخرین پادشاه را کشته دودمان سنگارا در پشته بنا نهاد - در سالهای آخری پوشیا مترا، پادشاه یونانی افغانستان موسوم به میناندر که خویش شاه باختر موسوم به یوکرانائیدیس و پادشاه کابل و پنجاب بود به مملکت پوشیا مترا حمله کرده بود -

باید دانست که سکندر چون نول و شادابی و معوری علاقه های باختر و بخارا را مشاهده کرده بود و از باعث دلاوری بومیان این دیار، بعد از مشقت زیاد به فتح موفق شده بود بنابراین عده زیاد عسکر یونانی را در مواضع متعدد مقرر نموده بود - وقتیکه سکندر بمرد و قوماندانهای عسکری سکندر با هم آویختند، یونانیان بلغ و بخارا با اتفاق بومیان مستقل و آزاد شدند - سیلیوکس نکاتور هم این علاقه هارا بعد از زحمت و تکلیف زیاد مکرراً فتح کرده در حدود سلطنت خویش شامل کرده بود و در عهد او و پسرش اهالی این دیار شورشی نکردند -

در اوائل عهد انتیاکس اول (پسر سیلیوکس) شخصی موسوم به دیودوتس ستراب باختر و علاقه همجواری یعنی سفدیانه (بخارا) و سرچیانه (مر و) مقرر شده بود - بر علاوه در خود باختر سکه ها بنام پادشاه سیلیوکسی ضرب میشد - دیودوتس هم ضرابخانه جدیدی را بنا کرده بنام پادشاه انتیاکس سکه ها را ضرب میکرد - درین سکه يك طرف رب النوع موسوم به آپولو Apollo در حالت جلسه منقوش شده - باختر تحت قیادت دیودوتس در امنیت و ثروت طبیعی ترقی زیادی نمود و دیودوتس بدرجه اداره و تنظیم درست اهالی را بخود راغب ساخته توانست که بالای امداد آنها اعتماد بنماید اما تا چندین سال برای قطع تعلق با انتیاکس اول کوششی نکرد -



نمونه خط یکی از خطاطان مشهور و معروف وطن حاجی میر احمد خان کرانستو
Spécimen d'écriture d'un calligraphe afghan mort il y a un quart de siècle



نوع خط یکی از خطاطان مشهور روس وطن شیرمکن خان
Spécimen d'écriture d'un calligraphe afghan. mort il y a un quart de siècle

بلکه وقتیکه انتیاکس مذکور با شاه مصر جنگ میگرد (۲۷۴ - ۲۷۳ ق م) به پادشاه خود ۲۰ فیل فرستاد . دیودوتس اول در عهد انتیاکس دوم در سنه ۲۵۶ ق م اعلان استقلال نموده علاقه سوغدیانه ، سرجیانه و آریا را در حدود سلطنت خود شامل نمود . برای حصول استقلال چند مواقع برای او مهیا گردید . انتیاکس دوم و جانشینان او در مغرب اینقدر مصروف قتل و قتال بودند که بطرف مشرق هیچ توجه کرده نمیتوانستند . دیودوتس اول حس کرد که چون شاهان سیلیوکسی شام در مغرب مشغول میباشد لهذا اگر علاقه دور دست باختر آزاد و مستقل شده بر قوت وطنی و ملی باختر انحصار نکند ، قوه مترقیه موریای هندی باختر را بلم خواهد کرد . بر علاوه از بائیکه حکومت قوی و منظم چین ، چادر نشینان زرد پوست مثل هیونگو یا هونها و غیره را بطرف مغرب میراند و دهشت این حرکت و مهاجرت زرد پوستان بطرف مغرب بود که بالاخره سلطنت شاهان یونانی افغانستان را بر انداخت و پارتها را مورد تاخت و تاراج نمود و به یورپ فتوحات زیاد از طرف زرد پوستان آسیائی بوقوع پیوست . پس حرکت زرد پوستان مذکور اخصاً به دیودوتس تحریک داد که یک حکومت ملی و وطنی را تشکیل داده مقابله این خطرات را نموده بتواند و از امداد بمیده شاه سیلیوکسی شام کاملاً بی نیاز شود .

دیودوتس اول را حکمران یکپزار شهر نیز میگویند . در اوائل استقلال باختر ، قوت مترقیه پارتها محض یک دولت رقیب و حریف گفته میشد اما بعد از آن وضع خصومت و دشمنی را اختیار کرد . چنانچه اشکان اول بعد از قبض هنر کانی (خراسان امروزی) از قوت و اقتدار دیودوتس اندیشیده فوج بزرگی را تهیه و احضار نمود ، لیکن اشکان دوم با دیودوتس اتحاد و وقایع نموده خود را از مشرق فارغ و مطمئن ساخته بطرف مغرب بفرض منع حمله انتیاکس سوم متوجه گشت .

معلوم میشود که دیودوتس دوم (پسر دیودوتس اول) در حدود ۲۳۵ ق م پادشاه باختر بود . این پادشاه باختر چادر نشینان تورانی را بکمال شهامت و پافشاری مدافعه کرده بود بنا بر آن او را « سوتیر » یعنی ناجی نامیده بودند و وقتیکه انتیاکس سوم بعد از مقاتله های شدید در سنه ۲۱۲ ق م با اشکانیان یعنی دولت پارت مصالحت نموده در سنه ۲۰۸ ق م به باختر حمله آورده بود ، شخص یونانی موسوم به یوتیدیموس Euthydemus حکمران باختر بود در باب یوتیدیموس هیچ معلومات بدست نیست که نامبرده چطور اقتدار و قوتی را پیدا کرده توانست تاج و تخت باختری را قبض نماید . بهرحال مفهوم میشود که دیودوتس دوم بعد از سلطنت ده یا نوازده سال از طرف یوتیدیموس بقتل رسیده باشد و آنهم در همین شباب چه سکه های دیودوتس نقش شاه جوان را دارد . قتل او از دست یوتیدیموس از واقعه ذیل واضح است . وقتیکه انتیاکس سوم باختر را محصور کرده بود ، یوتیدیموس اظهار نمود که « من باقی نیستم البته دیگران بنی کرده بودند . چنانچه من اولاد و احفاد باغبان را کشتم و حکومت موجوده را بدست آورده ام » .

انتیاکس سوم به علاقه باختر داخل شده مجبور بود که اولاً دریای آریوس (یعنی هری رود) را عبور نماید اما یوتیدیموس به کنار مقابل دریا آماده قتال بود . باخترها از خنده حربی انتیاکس بازی خوردند چه انتیاکس مذکور سواران جری و جیده خود را گرفته در وقت شب داخل دریا شده تا طلوع فجر اکثر حصه فوج خود را عبور داد ، باخترها بکمال شدت و جانفشانی به رساله انتیاکس حمله کردند لیکن فوج انتیاکس بکمال پافشاری مدافعه کرده رفت حتی فوج باقیانده کاملاً دریا را عبور کرد . یوتیدیموس و مسکریانش از پافشاری فوج انتیاکس متعیر و هراسان گردیده به ترتیب فوجی عقب نشسته در پایه تخت زار یا سپه (باختر یا بلخ امروزی) محصور گردیدند . این محاصره مشهور و معروف نادر سال یعنی تا ۲۰۶ ق م دوام نمود و هیچ طرف غالب آمده توانست . درین اثنا چادر نشینان اسکائی از فشار یوتیچی ها به سرحد شمالی سلطنت باختر رسیده بودند . پس یوتیدیموس بواسطه تبلیاس Teleas که فرستاده و سفیر نختار او بود به انتیاکس سوم خاطر نشان نمود که « اگر خانه جنگی ماوشما دوام کرد این وحشیان بادیه نشین به مملکت مادر آمده تهنیب و تمدن یونانی را محو و مستاصل خواهند نمود » انتیاکس سوم که از محاصره

طویل و پافشاری باختربها به تنگه آمده بود این سلسله جنبانی را غنیمت شمرد به مصالحت اظهار آمادگی نمود چنانچه دیمتریوس پسر یوئیدیموس با اختیارات نامه به خیمه گاه آنتیا کس فرستاده شد - آنتیا کس از گفتار و رفتار و وقار این جوان حسین خیلی زیاد متاثر شده یکی از دختران خود را باو وعده مناکحت نمود و رضایت داد که « اگر یوئیدیموس لقب شاهی را استعمال کند من اعتراضی ندارم » - در نتیجه یک عهد نامه تحریری امضا وانحادر رسمی منعقد شد و یوئیدیموس از راه دوستی آذوقه زیادی را برای فوج آنتیا کس سوم که باراده فتح هندوستان عازم بود تهیه نمود - و بر علاوه کل فیلها را به آنتیا کس سپرد -

آنتیا کس سوم ، کوه هندوکش را عبور کرده به وادی کابل وارد علاقه پاد شاهی گردید که مورخ (۱) یونانی او را با اسم سوفاکا سینوس یاد میکنند Sofha gasenus - و واضح است که این حکمران کابل بعد از مرگ راجه اشوک و ضعف و زوال سلطنت موریان در وادی کابل مستقل شده بود - سوفاکا سینوس قوه مقابله و مقاومت را بخود ندیده اظهار اطاعت نمود و مثل یوئیدیموس به عسکر آنتیا کس آذوقه و یک عده فیلها را داد - بر علاوه آنتیا کس از شاه مذکور مبلغ گزافی را طلبید اما انتظار تادیه آنرا ننمود و یک آدم را از طرف خود برای اخذ پول مقرر کرده بسرعت نامه از راه پنجاب ، اراکوشیا (قندهار) و در انجیانه (سیستان) و کرمان بطرف عراق عرب رفت - در باب حکمران قندهار نمیتوان به یقین اظهار نمود که در وقت عبور لشکر آنتیا کس کی بود ، حدس غالب همین است که سوفاکا سینوس حکمران کابل ر قندهار و تمام سیستان م حکمفرمایی میکرد - از روی سکه ها معلوم میشود که چندی بعد یوئیدیموس پاد شاه باختر بر قندهار و سیستان غلبه جسته آنها را در سلطنت خود ملحق نموده بود چه سکه های تقریبی یوئیدیموس در بلخ و تخارا بسیار زیاد و در کابل و قندهار و سیستان نسبتاً کمتر اما مسکوکات مغربی او در سیستان و قندهار و تمام وادی کابل به تعداد مساویانه (یعنی تعداد سکه ها در علاقه های مذکور با تعداد سکه هاییکه در بلخ و تخارا پیدا میشوند مساوی میباشد) بدست آمده -

یوئیدیموس تخت باختر را از دیو دوتس غصب نموده نقشه مسکوک سابقه را تغییر داد - بر سکه های دیو دوتس شکل زیوس Zeus (یکی از ارباب متفرقه یونانیان) منقوش بوده و یوئیدیموس شکل هیریکلابز Heracles (رب النوع یونانیان) را منقوش نمود - چون عده ضرابخانه های یوئیدیموس بسیار زیاد است لهذا ثابت میشود که علاقه های محکومه دودمان دیو دوتس وسیع تر بوده و نیز مفهوم میشود که زود بعد از زوال سلطنت موریان در هندوستان ، سوفاکا سینوس علاقه کابل و چاریکار و نجراب و تکاب و غزنی و قندهار و سیستان و فیره را به تصرف خود آورد - و قتیکه آنتیا کس سوم بطرف شام مراجعت کرد یوئیدیموس از باختر خروج کرده علاقه یارو پانسادی (هبارت از نورستان ، کوه دامن کابل ، نجراب ، تکاب الی جلال آباد امروزی) و اراکوشیارا از سوفاکا سینوس مذکور منقرض نمود و اغلباً کل حصه جنوبی افغانستان امروزی را که سیلیوکس نکاتور به چندرگیتای موریان واگذاشته بود تحت تصرف خود آورد - چون آنتیا کس سوم باروما آویخته و گرفتار قتل و قتال بود بطرف مشرق متوجه شده نمیتوانست بر علاوه در هندوستان کدام قوه منظم و مرتب نبود لهذا یوئیدیموس ازین وضعیت و فرصت استفاده کامل نموده پسر خود یعنی دیمتریوس را به فتح هندوستان گماشت - از سکه ها و تخریبات مورخین یونانی منکشف میشود که دیمتریوس در حیات یا بعد از مرگ پدر خود اکثر حصه پنجاب و کل مصب دریای اندس یعنی علاقه سندھ را فتح کرده بود ، بر علاوه بطرف شمال و شمال مشرق م فتوحات نموده ترکستان چینی امروزی را تسخیر نموده بود - باختر بدوران عهد یوئیدیموس به اوج خود رسیده بود و سکه های یوئیدیموس از باعث معیار خالص نقره و طلا رواج و وسیع داشت - از کثرت سکه های او و نیز ضرب صورت جوان و شکل آدم معمر بر سکه ها اندازه میکنیم که عهد سلطنت او دراز بود - از قرار این شواهد مرکه یوئیدیموس را بالعموم به ۱۹۰ ق م قیاس میکنند -

(۱) نام این مورخ یونانی یولی پئوس Polybuis میباشد .

دیمتریوس بعد از مرگ پدرم فتوحات را ادامه داده بالاخره پایه تخت خود را از باختر در پنجاب غالباً در شهر سیالکوت نقل نموده و باختر محض يك ستراپی شناخته شد -

یوکرانائیدیس Eucratides : در نتیجه این تشکیل که پایه تخت وطنی محض به حکومتی تبدیل شده بود ، باختریان این ذلت را گوارا نکرده تحت یوکرانائیدیس که قائد جرار و قابل بود عام بغاوت را برافراشته و یوکرانائیدیس را با دشاہ تسلیم کردند - جستن مورخ یونانی میگوید که ادلان پادشاهی او در ۱۷۱ ق م (که در دولت یارنهامهرداد اول بعد از برادر خود یعنی فرهاد اول جلوس کرده بود) اتفاق افتاد - یوکرانائیدیس در اوائل عهد خود از تمام اطراف مورد حملات گردیده بود - دیمتریوس که بلخ را ترک داده سیالکوت را پایه تخت قرار داده بود با (۶۰۰۰۰) مسکرفرض حصول اقتدار سلطنتی خود بالای یوکرانائیدیس حمله آورده و یوکرانائیدیس با (۳۰۰) اتباع خود در نعلمه حضور گردید - اما محصورین در دوران محصوریت چهار یا پنج ماهه خود شجاعت فوق العاده را نشان داده و بکرات و مرعات چپاول ها انداخته روحیات مسکرفرض را خراب و متزلزل نمودند حتی دیمتریوس محاصره را بگذاشت و یوکرانائیدیس مسکرفرضی را فراخ آورده شکل افغانستان امروزی را از سلطنت دیمتریوس منقرض نموده و در سنه ۱۶۲ ق م پنجاب مغربی را نیز به تصرف خود آورد -

دیمتریوس در غیاب خود و دوران فتوحات به هند وستان بزرگترین پسر خود یعنی یوئیدیس دوم را در باختر وکیل یا نائب الحکومه مقرر کرده بود چنانچه یوئیدیس دوم به معاونت برادر خورد یعنی دیمتریوس دوم برای محافظت و غرو نشانیدن شورش باختر کوشش کرده بود لیکن ناکام مانده بقتل رسید - یوئیدیس دوم پادشاه افغانستان است که اولین مرتبه (۱) در دنیا مسکوک نکل را رواج داد همچنان در همین عصر آگاثوکلز Agathocles و پنتالیون Pantaleon که عنقریب مغربی می شوند سکه های نکل را در افغانستان چلانند - بعد از این زمان این فلز مسکوک مفقود شده در هیچ مملکت دنیا با استعمال نیامد حتی در عصر حاضر درین نزدیکی ها مکرراً رواج یافته است -

بر علاوه سه حکمران دیگر بر علیه یوکرانائیدیس خروج نمودند - اغلباً این سه حکمران (از خاندان یوئیدیس) از طرف دیمتریوس در علاقه های خود نائب الحکومه ها بودند - و نتیجه یوکرانائیدیس بر علیه دیمتریوس خروج کرد آنها بطرفداری دیمتریوس داخل محاربه شدند و بعد از مرگ دیمتریوس ادلان پادشاهی کرده باشند - نامهای این سه حکمران قرار ذیل است : آگاثوکلز ، پنتالیون و آنتیماکوس Antimachus سکه های مسین آگاثوکلز در قندهار و سیستان اما زیاد تر در کابل و بگرام پیدا شده - سکه های پنتالیون عموماً در علاقه های غزنی و کابل و ممدودی چند در دلاقه پشاور و پنجاب مغربی بدست آمده و مسکوکات آنتیماکوس بالعموم در سرچیان (یعنی سرو) و بهمان تعداد در کابل و دو عدد در پنجاب دریافت شده - از مواضع بدست آمدن سکه ها استنباط می نمایم که آگاثوکلز ملقب به عادل و پنتالیون دربار و پانیسادی و آگوشیه و در انجیانه سلطنت میکردند و آنتیماکوس غالباً در سرو و هرات و یا شاید در جلال آباد و پشاور حکمرانی داشت .

از طرف شمال یعنی مغربیانی ها یعنی قبائل شمالی غالباً از غیاب دیمتریوس استفاده نموده اعلان استقلال نمودند و تمام دلاقه در شمال دریای آگس یعنی آمو دریا از سلطنت یوکرانائیدیس مجزا شد - مزید بر آن دولت مترقیه یارنهامه بر علیه یوکرانائیدیس تعرض و تجاوز کرده يك حصه سلطنت باختری را (غالباً سرچیان ، آریا اراکوشیا و دواجیانه) منقرض نمودند -

چون یوکرانائیدیس بهندوستان حمله برده و پنجاب مغربی را در سلطنت خود ملحق نموده است لهذا معلوم میشود که این فتوحات بعد از فراغ این نغمه ها بود بدین وسيله شهزاده گان خاندان یوئیدیس مجبور شدند که بر پنجاب

(۱) کبیرج هستری آف اندیا

مشرقی قناعت کنند - اما یوکر اتانیدیس ثمر فتوحات خود را چشمیده نتوانست چه وقتیکه از فتوحات هند بطرف باختر روان بود، پس او (۱) که هیل اوکلین نام داشت او را در ارض راه بقتل رسانیده و عماده های جنگی را از بالای خون و جسد بدرمقتول خود گذشتاند - تاریخ این حادثه فاجعه را به تیغ نمیتوان تعین نمود اما بالعموم ۱۵۰ ق م میگردند .

یوکر اتانیدیس پادشاهی بود شجاع و بسیار متمول - چنانچه سکه طلائی او (۲) (۱۶۸ و ۱۰۵) گرام وزن داشت و از مسکوکات معموله طلائی آن زمان بیست چند سنگین تر بود و هیچ پادشاه قدیم اینقدر اظهار تمول و ثروت را نکرده است - درین باب فکر نویسنده اینست که یوئیدیموس و پس او دیمتریوس از ترکستان روسی الی سنده و پنجاب فتوحات کرده علاقه وسیعی را مالک شده بودند ، طبعاً ثروت زیاد را جمع کرده باشند - یوکر اتانیدیس سلطنت را از خاندان یوئیدیموس غصب کرده و ثروت زیاد جمع کرده آنها را مالک شده بود لهذا خواسته باشد که سکه طلائی خود را سنگین تر ساخته چاه وحشت خود را قائم و نفوق خود را بالای خاندان یوئیدیموس ثابت نماید حالانکه سنگینانک (ترکستان چینی) سفدیانه (سمرقند) سرجیانه (سرخاب سرو) آریا (مهرات) آرا کوشیا (قندهار) و در انجیانه (سیستان) و پنجاب مشرقی از حدود سلطنت باختری گامته شده بود و یوئیدیموس و دیمتریوس برین علاقه ها حکمرانی میکردند .

بالا گفتیم که « هیل اوکلین » پس یوکر اتانیدیس بود و بعد از قتل کردن پدر خود به تخت باختر متمسک گردید - نامبرده آخرین پادشاه یونان است که مسکوک او در شمال هند و کشی یافت میشود - بنا بران واضح است که در عهد او شاکا ها یعنی سبت ها یا اسکائی ها باختر را در سنه ۱۳۵ ق م اشغال و شاهان یونانی باختر را بجنوب هند و کش سلطنت را قائم کردند -

چون واقعات این دو خاندان حریف مد کور یعنی یوئیدیموس و یوکر اتانیدیس با هم بسیار مخلوط است لهذا برای توضیح مطلب بعضی بیانات را لازم می بینیم -

در ۲۵۶ ق م باختر مستقل میشود و به ۲۰۰ ق م یوئیدیموس بعد از انحلال سلطنت موریا در هندوستان فتوحات شروع میکند - سلطنت یوئیدیموس عبارت بود از ترکستان مشرقی، سمرقند بخارا، سرو و مهرات، تمام سیستان، قندهار بلوچستان، علاقه سند، گجرات کاتیپا و ار، تمام پنجاب غالباً الی دریای جزا - کابل، جلال آباد و لغمان و نورستان البته در سر کز حکومت او بوده - دیمتریوس تا به شهر پشته م حمله برده بود ولی از باعث شورش یوکر اتانیدیس علاقه گنگارا را ترک داده با شورشیان جنگ کرد - از آن بعد یوکر اتانیدیس علاقه های بار و پانسادی، آرا کوشیا، گندهارا (از جلال آباد، کنر، سوات و پشاور الی راولپندی و تکسیلا) را از خاندان یوئیدیموس ستانید - بعد از شورش و خروج یوکر اتانیدیس (سنه ۱۶۲ ق م) دو سلاله حکمران یونانی در افغانستان و پنجاب حریف و دشمن یکدیگر واقع میشوند و خانه جنگی های این دو دودمان حکمران بود که بالاخره سلطنت و اقتدار یونانیان در افغانستان خاتمه یافت -

بالا گفتیم که اسکائی ها پادشاه باختر یعنی هیل اوکلین را بجنوب هند و کش راندند - پس هیل اوکلین و اسلاف یوکر اتانیدیس در جنوب و شرق افغانستان و پشاور و نواحی آن پنجاب مغربی حکمرانی داشتند و اخلاف یوئیدیموس یعنی آپولودوس (Apollodotus) و میناندر (Menander)

(۱) وی - ای سمته Vincent A, Smith مینویسد که این شخص بدرکش اغلباً آپولودوس خواهد بود و یوکر اتانیدیس این پسر خود را در سلطنت خود شریک و سهیم کرده بود - پسر دومین را که هیل اوکلین Heliocles نام داشت و ملقب به « عادل » بود از برادر خود انتقام پدر را گرفت - اما سلطنت هیل اوکلین در خود باختر بسیار کم دوام کرد . (۲) کیمبرج هستری آف اندیا

و غیره در پنجاب مشرقی سلطنت میکردند و معلوم میشود که آیولودوس و میناندر (۱) و یوکر اتائیدیس معاصر بودند - بعد از قتل شدن یوکر اتائیدیس در بین دو دمان های مذکور همیشه عمارات جاری بوده - علاقه ها رد و بدل میشد چه سکه های میناندر از اوادی کا بل اُلی پنجاب و حصص فربسی صورت بجات متحد هندوستان پیدا میشوند گویا میناندر اگر چه در سیالکوٹ پنجاب پناه تخت داشت اما از دعوی مولد خود گاهی دست بردار نشد - نام ملکه میناندر بر آگاکا نو کلیه بوده و این ملکه مادر ستر اتوال ملقب به سوتیرینی نامی بود - هلی اوکلیز و سترانویز با هم عمارات کر دهند -

در دوران این عمارات شاهان یونانی که برای پیدا کردن وحدت در سلطنت و تفوق با هم آویخته بودند ، مردم اسکائی در باختر غلبه کرده بطرف مغرب یعنی ایران انحراف یافتند اما مقاومت شدید بارتھارا مشاهده کرده بطرف سیستان انحراف یافته قندهار و علاقه سندر را متصرف شدند بعد ها سند را مرکز قرار داده بکنار دریای اندس بطرف بالا حرکت کرده علاقه های پشاور و پشکلواتی (Pushklavati) یعنی چار شده را قبض نمودند - در نتیجه خاندان یونانی یوکر اتائیدیس و سلالة یوئیدیموس از باعث حائل شدن اسکائی ها از م کاملاً جدا شدند - خاندان یوکر اتائیدیس در اوادی علیای کا بل یعنی پاروپا رپا نیسادی و خانواده های آیولودوس و میناندر بر در مشرق جهلم حکمرانی داشتند -

شاهان خاندان یوئیدیموس قرار ذیل اند :

دیتر یوس ، نیتالیون ، آگاکا نو کلیز و اتیبا کوس که ذکر آنها در فوق شده است - فیلوکسینوس Philoxenus و نیکاس Nicias و هیوتریس Hippotratus اغلباً جانشینان « اتیبا کوس » شمرده شده اند -

آیولودوس اول از جمله شهزادگان یونانی او این شخص است که صرف به جنوب کوه هندوکن سلطنت میکرد یعنی از باعث غلبه اسکائی نفوذ و اقتداری در باختر نداشت - از روی سکه ها مفهوم میگردد که آیولودوس اول از میناندر میر کرده مسن تر بوده و معاصر میناندر بود - یوکر اتائیدیس سکه های آیولودوس را مکرراً در سلطنت کا بیضا ضرب کرده بود - سکه های این پادشاه در غزنوی ، قندهار و سیستان پیدا شده اما سکه های میناندر درین قطعات یافت نمیشود - پس ظاهر میشود که قطعات مذکور در عهد آیولودوس از دست خاندان یوئیدیموس رفته بود - اولاً یوکر اتائیدیس این علاقه ها را متصرف گردید ثانیاً مهر داد اول شاه بارت آنها را از یوکر اتائیدیس غصب نمود - بر علاوه استنباط میشود که میناندر و آیولودوس معاصر بوده اول الذکر در پنجاب مشرق تا به دریای جهلم و آخر الذکر در آریانه (هرات و قندهار) ، سیستان ، غزنوی و کا بل و شمال مغرب هندوستان سلطنت میکرد - اغلباً میناندر بعد از قتل یوکر اتائیدیس و سرکه آیولودوس ، علاقه کا بل و مولد خود یعنی او بیان را در حدود سلطنت خود شامل نمود ، اما د هلی اوکلز ، کا بل و غیره را اشغال نموده و با ستر او اول پسر میناندر جنگها میکرد .

چون آیولودوس اول را یوکر اتائیدیس ازین علاقه ها خارج نموده بود لهذا جانشینان او آیولودوس دوم ، دیونیسوس Dionysius زوئیلوس Zoilus و هیوتریس در جنوب مشرق را ولیندی سلطنت را بیا کردند -

(۱) از ادبیات هندی مفهوم میشود که مولد میناندر « او بیان » بوده ، این پادشاه نهایت ذکی و فہمی بوده بعد از مباحثات علمی دین بودائی را اختیار کرد و بر علاوه دلیر و فعال بوده در هندوستان قنوجات زیاد نموده قریباً تمام هندوستان شمالی را متصرف شده بود - و سنت ممتبه مؤلف تاریخ قدیم هندوستان میناندر را از خاندان یوکر اتائیدیس قیاس کرده است -

آگاتوکلیه Agathocleia زن میباندروما در ستراتو اول ملقب به ناجی بود - ملکه مذکور بعد از مرگ میباندرو اولاً بطور وکیل و بعد از بلوغ ستراتو اول بصحابت پسر خود هنگراتی میگردید که سکه های آنها صورتهای مادر و پسر را دارا است - سپس ستراتو اول تنها حکمران بود - بعد از آن به میت نواسه خود موسوم به ستراتو دوم ملقب به فیلیویتر سلطنت میکرد - از سکه ها معلوم میشود که سن ستراتو اول از هفتاد سال بالاتر و نظیرده تا عرصه دراز زمام سلطنت در دست داشت -

در عهد ستراتو دوم اسکائی ها و پهلواها اقتدار و مروج پیدا کرده و اولین شاه اسکائی های یعنی ماؤس Maues یونانیان را از هندوستان شمالی کشید و جانشین او آزیس اول در ۵۸ ق م سلطنت یونانی را در هندوستان خاتمه داد و معلوم میشود که آزیس اول معامراً با او دونس دوم و هیوتریس م بود چه این پادشاه اسکائی مسکوکات این دو پادشاه را مکرراً ضرب کرده بود -

شاهان سلاله یوکرانائیدیس بدین قرارند:

یوکرانائیدیس در حدود ۱۶۲ ق م علاقه های آریانه و هندوستان شمال مغربی را از دیمتر بوس بستانید و مهر داد اول این قطعات را در بین ۲۶۲ و ۱۰۵۰ ق م از یوکرانائیدیس غصب نمود - اسکائی ها، هلی اوکلیر پسر یوکرانائیدیس را بجنوب کوه هند و کش براند، جانشینان هلی اوکلیر در جنوب هند و کش عبارت اند از انتیالسیداس Antialcidas، امینتاس Amyntas و هرماوس Hermaeus جانشینان هلی اوکلیر در تکسیلا عبارت اند از انتیالسیداس و لیسایس Lysiaas و آرکی بیوس Archbeius انتیالسیداس غالباً پسر یوکرانائیدیس بوده که تکسیلا را پایه تخت قرار داده بود - جانشینان هلی اوکلیر که دریشکلا و تی یعنی چار سده سلطنت میکردند - دیومیدیس Diomedes یا نیر Epaner، فیلوکسینوس Philoxenus، آرتیمیدوروس Artemidoros و یوکولاس Peucolaos پادشاه اولی ساکاها موسوم به ماؤس در حدود ۷۵ ق م چار سده را فتح کرده سلطنت یونانیان را از چار سده محو نمود -

آرکی بیوس پادشاه تکسیلا بود و ماؤس شاه ساکاها بعد از مرگ او تکسیلا را فتح کرد - هر ماؤس آخرین شاه یونانی افغانستان است که در هندوستان م حکمفرمائی داشت، پایه تخت و علاقه او در وادی هلیای کابل از تمام اطراف مورد حملات شده، چنانچه ساکاها از طرف مشرق، پهلواهای قندهار از جنوب مغرب و یوئچی ها از طرف شمال به سلطنت هرماوس حمله آوردند - سلطنت هرماوس غالباً عبارت بود از کوهستان، کوه دامن، تکاب، نجراب، یغمان، جلال آباد، کنر، پشاور، کوهات، بنون، داور، سمت جنوبی، گردیز، سهاک، غزنی و غیره - بقول نویسنده کیمبرج هستری آف اندیا پهلواها (۱) اولاً کابل را متصرف شدند بعد از آن یوئچی ها بر پهلواها غلبه جسته کابل را اشغال کردند - در دوران حفاریات ماه فوس سنه ۱۳۱۴ چنددانه مسکوک مسی زنگ زده در موضع ساکائی نزدیک سهاک از هرماوس بدست آمده - کالیوی بی ملکه هرماوس بوده صورت او بر سکه های نقره ای هرماؤس با صورت شوهر او منقوش میا شد - در همه اوقات نام سبت ها به چادرنشینانی استعمال میشد که در قطعات شمالی ایشیا اسکائی ها و یوروپ گشت و گذار و سکونت داشتند - یونانی ها آنها را اسکائی تیان ها، (Seythians) و ایرانیان آنها را ساکاها (Saka) و هندیها آنها را ساکاها خواندند و چینی ها آنها را (Sse) یا (Sai) می یاسیک نامیدند -

کتیبه داریوش سه قبیله مهم ساکاها را نشان میدهد: (۱) ساکتیراخو ادا (Saka Tigrakhuda) یعنی ساکاها، لبوس به خودهای نوکدار که در دلاقه دریای سیر (Jaxartes) یا سیحون سکونت و با

(۱) در همین مقاله در ذیل عنوان پهلواهای مغربی شد

باخترها تعلق قریبی داشتند (۲) سکا هو ما ورکا (Saka Hamuavarka) که در دلتاه داربخیا نه یعنی سیستان و فواح دریای هلمند بود و باش داشتند ، چنانچه ابن مملکت را بدو آشا کستانه بعد ها سیستان و بالاخره سیستان نامیدند - (۳) سکا ترا دریا (Saeka Taradarya) یعنی سکا های ما و رای دریا که در شمال بحیره اسودتوطن گزیده بودند -

البته این سه آبادی اسکائی ها یا سیت سابق مهاجرین چادر نشین بودند که در او - سطر ن هشتم قبل المیلاد غالباً از منکو یا خروج کرده بردیار و قطعات آریه های آسیای وسطی غلبه کرده بودند چون آریه های افغانستان و ایران به پانشاری مقاومت آنها را نوده بودند لهذا آنها در جنوب راه نیافته در قطعات شمالی آسیایورپ پراکنده شدند و قسمتی در آسیای وسطی و شمال ایران توطن گزیدند - از این مطلب وضاحتاً مفهوم میشود که در حدود قرنهای دوم ، نهم و هشتم و هفتم و غیره در افغانستان آریه ها بسیار قوی بوده و سلطنت منظم داشتند ، در یکی ازین جنگ های آریه های افغانستان با اسکائی ها زردشت بلخی کشته شده بود - دارای دوم شهنشاه ایران بحیره ماهور را عبور کرده بالای اسکائی های شمالی بحیره اسود حمله برده بود -

چنانکه در فوق گفته آمد که سلطنت چین تحت اداره واحد درآمد چنان قوتی پیدا کرد که چادر نشینان یعنی مغل ها و ترکها به چین راه نیافته لزوماً بطرف مغرب رجوع کردند - و در اثر و نتیجه آن یک قبیله این چادر نشینان قبیله دیگری را بسمت مغرب روانه رفت ، چنانچه هو نگو ها قبیله بزرگ دیگر یعنی یوئیچی ها را هزیمت دادند و یوئیچی ها (ذکر آنها در آینده می آید) آهسته آهسته بطرف مغرب حرکت خود را ادامه داده به سر دریا رسیدند و اسکائو های این دیار را از ان اوطان شان تبید نمودند - اسکائی ها به جنوب آموردریا (دریای آکس) در حدود (۱۵۰ - ۱۵۰ ق م) رسیده سلطنت یونانی باختر را بر انداختند و هبلی او کلیز پسر یوکرانایدیس بجنوب کوه هند و کش ، وادی کابل و دره های هند و کش را قائم و محکم نمود -

قبیله ووسون بامداد هیرنگنو ها باز بالای یوئیچی ها حمله آورده یوئیچی ها را به جنوب دریای آمو براند - در نتیجه قبیله یوئیچی در باختر غلبه جستند و اسکائی ها با ردم برینان و پراکنده شدند - چنانچه انسانیکلوید یای چینی توضیح مینماید « که هیرنگنو ها در ازمینه قدیم یوئیچی ها را شکست دادند و آخر الدگر به سمت مغرب رفته در بین ناهیه (Tabia) یعنی سر دم باختر توطن گزیدند و پادشاه « می » یعنی اسکائی ها هزیمت یافته به جنوب کوه هند و کش فرار نموده در « کی پین » (Ki-pin) قائم گردید - بعد از ان قبائل اسکائی پراکنده شدند و در دیار مختلف سلطنت های متفرقه را تاسیس نمودند - »

چینی ها از اصطلاح کی - بین مفهوم های مختلف دارند - چون در « یار ویا فسادی » شاهان یونانی قوی و مقتدر بودند و همراه پادشاه ساگاها نری کا فی بود لهذا گیان غالب است که پادشاه اسکائی ها در پنجشیر و نورستان سلطنت اسکائی را تاسیس نموده باشد که فین نیز مراد از همان دلتاه خواهد بود

از باعث سد قوی شاهان کابل اسکائی ها طبعاً بطرف هرات رفتند و چون طرف مغرب قوت پارتهای حائل شده و آنها مزاحمت شدید کردند (لیکن دو پادشاه یارتهای یعنی فرهاد دوم و ارتبانوس اول در دوران محاربات با اسکائی ها کشته شدند) لهذا اسکائی ها به سیستان و قندهار داخل شده و در بین اسکائی های قدیم طرح اقامت افکنندند - بالاخره مهرداد دوم (۱۲۳ - ۸۸ ق م) اسکائی ها را مغلوب کرده به قندهار و سیستان استیلا نمود - چون قوت اسکائی ها خراب و مضاعف نشده بود لهذا حکومتی های اسکائی ها

حاکموتی های پهلواها پهلو به پهلو در بن امصار قائم شد. بعد از آن پارتها و اسکائی ها ابله-رام مخلوط کردند که نیتوان آنها را به سهولت از م جد نمود

بعد از سرکه مهرداد دوم حیستان و قندهار عملاً و کاملاً آزاد و مستقل شده سکاها به سنده فتوحات کردند و پارتها در سیستان و قندهار سلطنتی را تاسیس نمودند. این حکمرانان آزاد پارت های قندهار را بشرخی تمیز از پارت های جنوب بحیره خزر پهلواها میخوانیم -

دیشتر گفته شد که ماؤس Maues علاوه سنده را فتح کرده سلطنت اسکائی را در هند تاسیس نموده و از سرکه سنده متصل کنار دریای داندوس، حرکت کرده سلطنت بشکلاوتی یعنی چارسده را اشغال کرده بود. - جانشین او آزیس اول در ۵۸ ق م، بر تخت نشست و چندی بعد تکمیلارای فتح نمود. بعد از و آزیلیس Azilies پادشاه شد و بعد از آزیس دوم Azes به پادشاهی رسید و سلطنت او در سنه ۱۹ میلادی از طرف یوئیچی ها خاتمه یافت -

در دوران مدتی که ماؤس و آزیس اول و آزیلیس در هند و ستان به توسیج و استحکام سلطنت پهلواها میرداختند، و ونونیس Vonones بلقب « شاه بزرگ شاهان » در سیستان و قندهار سلطنت میکرد. ازین لقب و ضاحناً استنباط میشود که ونونیس بعد از عهد مهرداد دوم آزاد و مستقل شده لقب مذکور را اختیار کرده بود. شاه مذکور بر سکه های خود که از قندهار صادر میکرد یکطرف نقل سکه های دیمتریوس را کرده دیگر طرف افسانه (۱) خروشتی را منقوش نموده بود. در باب جلوس و ونونیس اختلاف نظر است لیکن شروع پادشاهی او را عموماً در ۳۰ ق م قیاس میکنند، بازم انتظار دیگر شواهد است تا تاریخ اعلان پادشاهی او به صحت تعیین شده بتواند. نام شخص و ونونیس و ضاحناً پهلوائی است اما اسمای برادران او اسکائی میباشند، مثلاً برادران او به نامهای سیالاهوریس Spalahores و سیالیریس معروف Spalirises و پسران برادرهای او به اسمهای سیالاکادیمیس Spalagadames و آزیس شهرت داشتند.

و ونونیس بصحابت برادر خود یعنی سیالاهوریس و برادرزاده سیالاکادیمیس سلطنت میکرد. برادر و برادرزاده مذکور در قندهار نائب الحکومه بودند. قبلاً علاوه قندهار را ساحت اداره آزیلیس ملقب به « شاه بزرگ پادشاهان » بود.

سیالیریس که جانشین و ونونیس بود نقش یکطرف مسکوک من مایوس را نقل کرده بود بنا بران واضح میشود که پهلواها سلطنت کابل را فتح کرده حاکمیت یونانیان را خاتمه دادند.

از جمله شاهان پهلواها فقط جلوس گوندو فارنیس Gondopharnes را بصحت تعیین کرده میتوانیم چنانچه نامبرده در ۱۹ میلادی بر تخت سلطنت پهلواها متمکن گردید. این پادشاه بزرگ حکمران وادی کابل م بود که پیش از تخت نشینی او متوح شده بود. بر علاوه بر کل علاقه های زرنگین شا کاها و پهلواها یعنی در ایران مشرق و هند و ستان شمال مغربی حکمران میگرد. چون اسپا و رمن Aspavarman پسر اندرا و رمن Indravarman که سیه سالار (۲) گوندو فارنیس و آزیس دوم بود لهندا مستتب میشود که گوئند و فارنیس جانشین

(۱) تشریح خروشتی در سالنامه ۱۲۱۲ در ذیل عنوان ترداد افغانیان آمده (۲) سیه سالار در زبان یونانی ستراتیگوس Strategos میگفتند، سکاها و پهلواها همین اصطلاح یونانی را برای سر کرده حربی خود استعمال میکردند. همچنان ستراب یعنی نائب الحکومه اصطلاح فارسی بود و حکمدر و یونانیان و هندوها برای نائب الحکومه های خود همین اصطلاح را بکار می بردند.



نمونه خط یکی از خطاطان مشهور افغانستان میر علی مردی
Spécimen d'écriture d'un calligraphe afghan MIR-ALI HERA'OUI



نورۃ خط یکی از خطاطان مشهور و مسجود وطن محمد یاقوب خان
Specimen d'écriture d'un calligraphe afghan mort il y a un quart de siècle

فوری آزیس دوم بود و اسپاورمن فردی از روسای حربی اسکائی ها بود که، پهلوها آنها را از باعث فوت صکری اسکائی ها به ملازمت خود گرفته بودند بلکه در حکومت خود مساویانه شریک و سهیم ساخته بودند. همچنان ساساس Sasas برادرزاده اسپاورمن، سیه سالار آزیس دوم، کوند و فارنیس و پاکوریس Pacores بود. کوند و فارنیس در عهد آزیس دوم به نائب الحکومتی قندهار فائز شده بود و در دوران همین نائب الحکومتی در یک موقع تحت حکمرانی اورتا کونیز Orthagnes «باگردا» یا «گودانه» شریک بود. اغلباً «گردا» برادر کوند و فارنیس بوده باشد. کوند و فارنیس شهرت را دارا بود که در افسانه دینی یعنی عیسوی یورپ ذکر آن برده شده که کدام مبلغ دین عیسوی موسوم به تهاوس Thomas به دربار او رسیده بود.

مسکوکات کوند و فارنیس چند نوع است. در بعضی تنها شکل او و در بعضی همراه او صورت ابدان کاسی Abdgases و در بعضی صورتهای سیه سالاران او یعنی اسپاورمن و ساساس همراه او منقوش میباشند. بر علاوه از بعضی علامه های مسکوک او مفهوم میگردد که کوند و فارنیس پادشاه قندهار یک جز علاقه پارتها را نیز منقرض کرده بود و اینکه کل سلطنت ساکاها و پهلوها به او تعلق گرفته بود. ابدان کاسی برادرزاده کوند و فارنیس در سیستان و قندهار بطور نائب الحکومه و والی مقرر بود.

از روی ۲۱ سکه قرنی که در تکسیلا یافت شده معلوم میشود که یوئیچی های باختر آهسته آهسته پهلوها را مغلوب کرده رفتند و اینکه پاکوریس بعد از کوند و فارنیس جلوس نمود. همین سکه ها نشان میدهند که کوند و فارنیس در سنه ۴۵ میلادی زنده بوده. هنوز سلطنت میکرد و اینکه ویما کد فائی سس کشانه، کابل و پشاور را فتح کرده در ۷۸ میلادی بالای تکسیلام حکمرانی مینمود.

بیشتر گفته آمد که هیونگنو ها از ۱۴۰۰ الی ۲۰۰ ق م با سلطنت چین وقتاً فوقتاً یوئیچی ها : محاربات داشتند. وطن این هیونگنو ها یا هرنا در علاقه های بود که امروز به نامهای شانسی Shan-Si و چلی Chih-li معروف است. هیونگنو را اسلاف ترکها، اوینور و قیرغیز و غیره نیز میگویند. و تیکه سلطنت چین وحدت و در نتیجه آن قوت پیدا کرد. شهنشاه چین اغلباً «چین-شیه» هوانگ «Chin-Shih-Huang» و یا موسوم به «مانگ-تین» (متوفی سنه ۲۱۰ ق م) هیونگنو را شکست داده و هیونگنو به شمال دشت گوبی پناه جستند.

درین زمان رئیس یا پادشاه چادر نشینان هیونگنو، دیومان Deuman نام داشت و شخص خود را به جینوئی Genyui یعنی «بزرگ» ملقب ساخته بود، نامبرده بعد از مرگ شهنشاه چین علاقه از دست رفته را بازیافت نمود اما به چین تعرض نتوانست. چون چینی ها قوت هیونگنو را مستاصل کرده نتوانستند لهذا در بین شهنشاهان چین و شاهان هیونگنو روابط دوستانه قائم شده قاعده یا رسم مقرر شد که شهنشاهان چین شاه دخترهای خود را به شاهان هیونگنو به ازدواج میدادند.

یوئیچی ها و هیونگنو ها از یک قوم و نژاد بوده بام رقابت داشتند. مسکن یوئیچی ها کانسو در شمال مغرب چین نزدیک منبع دریای هوانگهو بود. یکدفعه دیومان پسر خود را با عیای زن جوان خود نزد قوم یوئیچی بطور درغمال روانه کرده بالای یوئیچی ها بدین خیال جله برد که یوئیچی ها او را خواهند کشت. اما این شهنشاه جوان موسوم به باگدور Baghdur به مریع ترین اسب سرور شده از جنگ یوئیچی ها برآمده بحضور پدر خود زنده و سلامت رسید. دیومان فوق العاده مسرور و شادمان گردید.

نا گفته نماند که قوم هیونگنو از يك موضع به موضع دیگری به تلاش چرا گاه میکشند ، مملکت آنها گویا پشت اسب بود - شتر ، خر ، اسب و قاطر و غیره را مالک بودند ، هیچ شهر نداشته از زندگانی شهری نطفا آشنا نبودند - آنها در سن طفولیت بالای کوه‌مند سوار شده موشها و پرنده ها را به تیر و کمان شکار میکردند ، بزرگتر شده روپاه و خر گوش را صید مینمودند - بدین وسیله مردهای این بادیه نشینان به سن بلوغ رسیده شمسو او و عسکر کامل و جری تیار میشدند - خوراک آنها گوشت و شیر و پوشاک آنها عبارت بود از پوست حیوانات وحشی و اهل .

باغدور مذکور پسر دیومان ، قوم یوئیچی را شکست‌های متعدد داده از کانسورطن آبئی آنها بطرف مغرب برانند و یوئیچی‌ها در ملاقه‌های « کوکو - نور » و « لوب - نور » آباد شدند - علاقه‌های مذکور قریباً در شمال تبت واقع است - کایوک پسر باغدور یوئیچی‌ها را کاملاً از قطعات کوکو نور و لوب نور خارج ساخت و پادشاه یوئیچی‌ها را کشته کاسه ممر را بطور جام نوشیدن استعمال می نمود کایوک در سنه ۱۶۰ ق م درگذشت .

تاریخ شکست یوئیچی‌ها را عموماً ۱۶۵ ق م قرار میدهند - یوئیچی‌ها در شمال مغرب دریای طارم حرکت خود را ادامه داده به علاقه « کوبدو » (۱) و « ایل » رسیدند - عده تیر اندازان جنگی این قبیله بزرگه چا در نشین از یکصد هزار الی در صد هزار میرسید و جمله تعداد آنها را مشتمل به زنها و اطفال و غیره از (۵۰۰) هزار الی یک میلیون تخمین میکنند - در علاقه ایل قوم ووسون Wu-sun اگر چه صرف ده هزار تیر انداز داشتند مگر بجز حفظ وطن و استقلال خود از راه مقاتله پیش آمدند اما شکست خورده مغلوب و پادشاه قوم ووسون موسوم به « نان - تپو - می » Nan-tu-mi در محاربه کشته شد - پسر خورده سال شاه مقتول موسوم به « کیون - موو » Koen-muo را هیونگنو‌ها در حفاظت و تربیه خود گرفتند .

یوئیچی‌ها از مقام ایل بدوشبه تقسیم شدند ، عده کمی بطرف جنوب رفته بر مرحدات تبت توطن گردیدند اینها را یوئیچی‌های صنیر میگویند - و جز و اعظم یوئیچی‌ها از علاقه ایل گذشته از شمال غدیر ایسیک کول Isyk, kul به تاشکند و علاقه سیر دریا رسیدند .

« سکاها » یا « می » (قرار تلفظ چینی) که در شمال سیر دریا سکونت داشته و در چند قبیله منشعب بودند نیز برای حفاظت مساکن خود به جنگ اقدام کردند ، اما از دست یوئیچی‌ها هزیمت فاحش خورده کلیتاً مجبور به ترك دادن وطن خود شدند - چنانچه دریای آکس را عبور کرده به باختر رسیده سلطنت باختری یونانی را بر اداختند ،

یوئیچی‌ها تا عرصه پانزده یا بیست سال درین علاقه به امنیت و آرامی و بدون مزاحمت توقف نمودند - درین اثنا « کوین - موو » پسر رئیس مقتول و وسون تحت تربیه هیونگنو جوان شده به امداد قوی هیونگنو بالای یوئیچی‌ها بطور انتقام حمله آورده و یوئیچی‌ها تلب این حمله را نیاورده مجبور شدند که از علاقه منصوبه اسکانی‌ها خارج شوند - چنانچه آنها در وادی آمودریا رسیده مردمان امن پسند و ده نشین این دیار را مغلوب و محکوم نمودند (۱۳۸ ق م) - چینی‌ها اهالی سفدیانه و باختر را « تاهیه » یا « داهی » نامیدند آنها را مردم غیر جنگجو ، امن پسند و مقیم شهرها و دیهات گفته اند و اینکه کلان شوندهای خود آنها بالای آنها حکومت میکنند - ممکن است که يك قسمت یوئیچی‌ها در همین وقت آمودریا را م عبور کرده و اقتدار

سیامی آنها بالای باکتريا احتوا نموده باشد اما چون در شمال آمو دریا چراگاه‌های وسیع و کافی بود لهذا تا چندین سال مرکز یوئییچی‌ها شمال آمو دریا بوده -

در بن اشنا دولت چین و هیونگنوباز با هم آویختند و در سنه ۱۳۰ ق م «چانگ - کیان» Chang-Kien صیاح معروف چینی خدمات خود را به حکومت چین پیش کرد که نزد یوئییچی‌ها رفته آنها را به امداد چین آماده نماید - هیونگنو نامبرده را در ارض راه امیر کردند و او تا ده سال در اسارت آنها ماند - وقتیکه قوم ووسون یوغ اطاعت هیونگنو را بر انداختند «چانگ - کیان» ازین موقع استفاده گرفته فرار نموده به فوئند رسید - بعدها از راه سمرقند به مرکز یوئییچی در شمال آمو دریا در حدود سنه ۱۲۰ ق م وارد شد - چانگ - کیان سه یا پنجسال در بین یوئییچی‌ها مقیم بود و اطلاع یافت که در غرب یوئییچی‌ها سلطنت قوی اشکانی‌ها یا یارنها است و نیز دید که پوه شاه «مقتول یوئییچی‌ها سلطنت را اداره میکند و طغاری‌های پایه‌یر با جگدار آنها میباشند - سفیر مذکور توانست که یوئییچی‌ها را بر علیه هیونگنو آماده تعاون با چین بسازد زیرا که یوئییچی‌های چا در نشین از «موری» مر سبزی، شادابی و خوش هوایی دلاقه یینی سیر دریا و آمو دریا کاملاً مطمئن و فائز بوده به واگذار نمودن این دیار آماده نشده - نامبرده یکسال در بین طغاری‌ها م گذرانید بعد به وطن خود برگشت و در حدود ۱۲۲ - ۱۲۰ به چین پس رسید اما در راه مکرراً بدست هیونگنو امیر افتاده بود - پادشاه چین نامبرده را بطرف ووسون م فرستاده بود تا آنها در اوطان قدیمه خود یعنی کانسو معاودت نموده آباد شوند و خلاف هیونگنو با چین معاونت نمایند - سلطنت چین در حدود سنه ۱۲۰ ق م در نتیجه فتوحات بالای هیونگنو از افغانستان، هندوستان و بدیهت (بودایت) آشنا گردید و در حدود همین سال قوت هیونگنو کاملاً بر باد گشت - چانگ - کیان که حکومت چین از اصلاحات صحیح او در توسیع و منافع مملکت استفاده زیاد نموده بود در ۱۱۴ ق م در گذشت -

یوئییچی‌ها در دوران پنجاه یا شصت سال عادات و اوضاع چادر نشینی خود را گذاشته بصورت یک ملت ده نشین فاتح تبدیل شدند، قطعات باختری تا بامیان و دره را که بعدها بنام کوشان مشهور شد و سوغد یانه را کاملاً تصرف نموده در پنج حکومتی تقسیم و با بومیان افغانستان خلط گشتند - این توسیع آبادی‌های آنها غالباً در حدود ۱۰۰ الی ۵۰ ق م بر فروع ییوست و مبتوان گفت که ارتقای سیاسی و معاشرتی و مزاید نفوس آنها از باعث اختلاط با بومیان تا به ۱۰ ق م مکمل شده بود -

بالاخره رئیس قبیله کوشان (نام یکی از قبائل یوئییچی بود) که بالعموم او را با اسم کد فائی سس اول یا کجولا کد فائی سس Kajula Kadphisēs موسوم میکنند توانست که اقتدار خود را با لائی دیگر قبائل بقبولاند و پادشاه کل قوم یوئییچی‌ها گردد - تاریخ جیوس او را بطور یاد شاه مبتوان ۴۰ میلادی قرار داد - از نفوس روز افزون یوئییچی‌ها کد فائی سس اول مجبور شد که دست آطاول خرد را به علاقه‌های جنوبی کوه هند و کش دراز نماید چنانچه نامبرده «سکر قوی راتر تیب داده در حدود ۴۵ میلادی دلاقه کبیین (۱) را به تصرف آورد - مبتوانیم قرار دهیم که کبیین عبارت از دلاقه کابل و کندهارا بود - شاه مذکور بعد از تحاریات شدیده که چندین سال دوام نموده بود افغانان کوه نشین را مغلوب کرده توانست، بنا بران فتح دلاقه کابل را [غلبا در سنه ۵۰ میلادی با کمال رسانیده باشد - بعد از تحکیم سلطنت خود باختر به دلاقه پارتیه ها حمله برد - بعد از ان قندهار و نواح آن را از نزد پهاواها منقرض نمود - کجولا کد فائی سس فاتح به سن هشتاد سالگی در ۷۷ یا ۷۸ میلادی بمرد - نامبرده تا ۳۷ یا ۳۸ سال سلطنت کرد - سلطنت وسیع او عبارت بود از مرحدات یاروتها، سیستان، قندهار، کابل الی دریای جهم در پنجاب - سوغد یانه یعنی کل دلاقه بخارا و در سلطنت او شامل بود -

(۱) کبیرج استری آف اندیا و تاریخ قدیم هند وستان مصنفه ونست سمته .

کد فائی سس دوم یاوما کد فائی سس پسر کد جولا رنخت باخت نشسته فتوحات پسر خود را ادامه داده تمام پنجاب را فتح و اغلباً با بنارس پیشرفت نموده بود. رهاوه تابه مصب دریای اندس سوق الجیشی نموده حکمرانان پارتهاوا سکا ئی هارا مغلوب و مطیع نمود. درین جالازی است که باز به چین برگردیم.

بعد از سفارت « چانگه . کیان » سلطنت چین تا فریباً ۱۲۵ سال با یو نیچی ها و پارتها و غیره مرادوات و روابط داشت حتی در سنه ۸ میلادی تعلقات سیاسی از هم گسیخت. بالاخره وقتیکه خاندان « هان » Han در سنه ۲۳ میلادی خانه یافت نفوذ سیاسی چین در ممالک غربی کاملاً منقطع گردید. اما پنجاه سال بعد سلطنت چین مکرراً بطرف مغرب سلسله فتوحات را شروع کرده و قوماندان معروف و قابل چینی موسوم به « یان - چاؤ » Pan-Chao حدود سلطنت چین را تحدی رسانید که بعد از آن حکومت چین بآن اقتدار گاهی ناگه نگشت. پادشاه ختن در ۷۳ میلادی مطیع چین شد و زان بعد رؤسای دیگر این دیار و امصار مغلوب شده رفتند. حتی پادشاه کاشغر هم مر اطاعت خود را به حکومت چین خم کرد. در سنه ۹۴ میلادی قوچه و قره شهر از طرف « یان - چاؤ » مفتوح و راه آئنده برای پیشرفت چین باز گردید.

این پیشرفت تدریجی اما استوار چینی ها طبعاً پادشاه کوشان یعنی و یما کد فائی سس را متردد و متوحش ساخت اما چون نامبرده هر چهار اطراف خود فتوحات زیاد نموده بود لهذا شخصی خود را مساری شهنشاه چین میدانست، بنابراین در سنه ۹۰ میلادی مساوات را ادا نموده سفیری را بطرف چین روان کرد که شهنشاه چین باید یک شاه دخت چینی را به از دواج وی بدهد. یان - چاؤ سفیر کد فائی سس دوم را اسیر کرده و پیغام او را تحقیر شهنشاهی خود شمرد و بعدها سفیر مذکور را پس به باخت روان کرد. کد فائی سس دوم این رویه و سلوک « یان چاؤ » را متحمل نشده عسکر قوی (۷۰۰۰۰) سوار را زیر قیادت نائب الحکومه خود موسوم به « سی » (Si) بطرف « یان - چاؤ » سوق داد. فوج مذکور از کونل تاشقرغان (که فریباً ۱۴ هزار فت از سطح بحر بلند تر است) گذشت، اما وقتیکه در میدان قاشغر یا یارقند رسید از صعوبت ها و سختی های منازل کوهی اینقدر خسته و مانده شده بود که بالمقابل « یان - چاؤ » تاب آورده نتوانست و هزینت مکمل یافت. در نتیجه کد فائی سس دوم مجبور شد که به چین باج بپردازد چنانچه تحریرات چینی نشان میدهد که چندین بار باج از طرف پادشاه باخت به حکومت چین رسیده بود.

کد فائی سس دوم در سنه ۹۹ میلادی سفارتی را به تراجان Trajan شهنشاه روما فرستاده بود تا فتوحات خود را به روما ابلاغ نماید و این پادشاه افغانستان مسکوک طلائی را هموزن طلای روما ضرب نموده بود مدت سلطنت فامحانه و کامیابانه کد فائی سس دوم اقلباً تا ۳۲ سال یعنی از ۷۸ الی ۱۱۰ میلادی دوام کرد.

کانشکای کبیر شهنشاه افغانستان بعد از کد فائی سس دوم جلوس نمود. کانشکا اگر پسر و یما کد فائی سس نباشد اما با او علاقه قریبی داشت. از جمله شاهان کوشان فقط کانشکای کبیر است که ذکر او را در مشرق زمین بگمال احترام و الفت تام محفوظ نگاه کرده اند. در علاقه « متپرا » بدوران حفریات مجسمه او بدست آمده است. در آفسانه های تبت، چین و منگولیا نام او شهرت تامه دارد. در احترام و خدمت دین بودائی، او را مساوی راجه اشوک شهنشاه هندوستان میدانند.

از تحریرات چینی و سکه های او مفهوم میگردد که کانشکا در سنه ۱۲۰ میلادی جلوس نمود. روایات، یادگارها و کتیبه ها ثابت میکنند که سلطنت این شهنشاه افغانستان از کوه های هندو یاچل (حد فاصل در بین هندوستان شمال و جنوبی) الی ماورای سطح بامیر تمتد بود و نیز معلوم می شود که در اوائل عهد خود علاقه مرسبز و شاداب کشمیر را فتح کرده بود. این مملکت خوش هوا و معمور حساب او را اینقدر جلب کرد که چندین یادگار های عالی را در آن

تعمیر و شهری را تاسیس نمود و يك قریه خورد تا حال بنام اوموسوم می باشد - کانشکای کبیر شهنشاہ افغانستان به پاتلی پترا (پایه تخت قدیم شاهان نندا و موریای هندستان) م حمله رده بود و معلوم می شود که از عهد کانشکا الی سلطنت «واسودیوا» حکمرانی کوشانی ها بالای (بهار) حاوی بود -

کانشکا شهر بوروش پوره Purushpura یعنی پشاور امروزی را پایه تخت خود مقرر نمود - بعد از فتح پتنه بدست يك زاهد بودائی موسوم به «اسواکوشا» داخل دین بودائی شد - يك برج یادگار را در پشاور تعمیر کرد که میتوان آنرا یکی از عجایب عالم شمار کرد - چه عمارت مذکور از چوب منقش ساخته شده و سیزده منزل داشت و اولاً تا به بلندی ۴۰۰ فٹ میرسید - این عمارت چوبی تا به اوائل قرن ششم میلادی سه دفته دچار حریق شده بود و شاهان آینده که باین بودائی شغف و عقیده راسخ داشتند به ترمیم آن پرداخته بودند - مزید بر آن نزدیک این برج بزرگه يك خانقاه زیبای بودائی را م تعمیر نمود و این خانقاه تا قرن نهم میلادی ممرجه خاص و علم و مرکز درس و تدریس دین بودائی بود -

یقینی است که همین کانشکای کبیر به تعمیر بت های بزرگه بامیان ممریستی فیاضانه نموده بود تا مسافرین از پشاور و باختر در حین عبور و مرور خود در بامیان مبعدی و آرامگاهی بیابند -

فتوحات کانشکای کبیر نه فقط بطرف هندوستان اجراء شده بود بلکه بطرف پارتها م به فتح و ظفر نازل شده بود چه روایت میکنند که «پادشاه صیبانی» پارتها به مملکت کانشکا حمله آورده بود اما کانشکا در چنگ غالب و فاتح برآمده يك حصه مملکت پارتها را در سلطنت خود شامل نمود - ام این پادشاه پارتها اغلباً خسرو بود -

بزرگترین فتوحات کانشکا در حدود ۱۳۰ یا ۱۵۲ میلادی در شمال مشرق افغانستان بوقوع پیوست چه درین سوق الجیشی کا شفره یار قند و ختن مفتوح شده در سلطنت و سیمه کانشکا الحاق یافت - بیشتر گفته آمد که فوج کدوائی سس در ۹۰ میلادی از «پان - چاؤ» از باعث خستگی و کلفت سفر دراز شکست خورده و شاه باختر به حکومت چین باج می پرداخت - کانشکا بعد از فتح هندوستان و کشمیر تهبیزات نمود که لکه باجگذاری را از دامن افغانستان رفع نماید - چنانچه لشکر قوی و منظم را آراسته و کونل های تدمباش را عبور کرد - میتوانیم بگوئیم که هیچ حکمران به عبور این کوه های صعب المرور جرأت کرده نخواهد توانست - اما کانشکا عمکر خود را ازین کوه ها عبور داده نه فقط مقامات مذکور را فتح و خود را از باج دادن خلاص کرد بلکه از حکام این علاقه ها نیکه باجگذار دولت چین بودند بر شمال گرفته توانست و حکومت قوی چین در مقابل از ترض عاجز آمد - کانشکا باین برغمال ها سلوک احترامانه و شاهانه را ملحوظ میداشت - چنانچه برای آنها در تابستان در کوه دامن جائی مقرر بود و آنها در دوران باران و تیرماه در کندها را اغلباً در پایه تخت سکونت می پذیرفتند و در زمستان در کددام جای در پنجاب مشرق طرح اقامت می افکنند -

تاریخ دینی بودائی عهد و سلطنت کانشکا را شهرت زیادی بخشیده است ، چه در عهد و مبرستی او يك مجلس دینی علای بودائی منعقد شده بود - میگویند که کانشکا هر شب در اوقات فرصت کتاب دینی بودائی را مطالعه میکرد ، چون اصول و قواعد دینی بودائی بعد از سرور زمان زائند از شش صد سال خراب و محرف شده بود به مشوره يك عالم بودائی مناسب دید که در قوانین بودائی وضاحت و یکرنگی پیدا شده اختلافات رفع گردد - چنانچه بعد از مشورت زیاد کشمیر را از باعث اقلیم خوشگوار آن برای انعقاد این انجمن دینی منتخب کردند - شخصی «واسومترا» (Vasumitra) صدر انجمن و «اسواکوشا» (Asvaghosha) مبین صدرو ۵۰۰ نفر عالم و فاضل اعضاء مقرر شدند - تمام شررها و قواعد بودائی بعد از مباحثه و مناظره ، اصلاح و بر تخته های مسی نقل کرده شد و در يك سقویا که قبلاً با سر کانشکا برای همین

مد ها ساخته شده بود گذشته شد - کانشکا بعد از تمام شدن کار مذکور پس به پایه تخت خود هودت نمود - باید دانست که صنعت کریکو بود یک در کندهارا در دوران قرن دوم میلادی به اوج و کمال رسیده بود و در همین عصر کانشکا مریز آرای سلطنت افغانستان بود - بنا بران واضح است که کانشکای کبیر مریزست و صربی بزرگ این صنعت بوده و این صنعت مجسمه تراشی در علاقه کند هارایینی جلال آباد و یوسف زئی و سوات و غیره ترقی زیادی نمود و در نتیجه همین مریزستی کانشکا است که بنه های عظیم ابلجته بامیان در کوه تراشیده شدند -

فصه مرکه کانشکا خلیج حبیب است ؛ میگویند که کانشکا برای فتح ممالک شمالی اراده و تجهیزات داشت و چون امالی از محاربات مسلسل و طولانی او به تنگ آمده بودند لهذا برای کشاکش او سازش و اتفاق کردند - و قبضه کانشکا مریز شد ، سازشی ها بروی احواف انداخته و یک نفر بالای احواف نشست تا کانشکا خفه شده جان داد - سلطنت کانشکای کبیر تا ۴۰ سال دوام داشت و این شاه بزرگ و دین پرست افغانستان در سنه ۱۶۰ میلادی در گذشت .

قیاس میکنند که واسشکا Vasishka و هووشکا Huvishka پسران کانشکا بودند - واسشکا غالباً پیش از پدر خود مرد لهذا هووشکا بعد از مرگ کانشکا سلطنت وسیه کوشانی را وارث گردید - این پادشاه م مؤسسه ها و انجمن های دینی بودائی را به جوادی و قباضی مریزستی مینمود - گمان غالب است که حدود سلطنت کوشانی در عهد هووشکا گستره شده بود ، تخمین میکنند که هووشکا در سنه ۱۸۲ میلادی مرد .

واسودیوا جانمین شده تا سنه ۲۲۰ میلادی یعنی قریباً ۳۸ سال سلطنت کرد - از نام این پادشاه واضح است که واسودیوا حسب معمول فاتحین گذشته زیر تاثیر هندویت آمده بود - بیشتر یونانیان هم در بین هندیها کاملاً مدغم و متعل شده بودند - واسودیوا آخرین پادشاه یوئیچی ها است که بر ممالک وسیه افغانستان ، ترکستان و هندوستان حکمرانی داشت - بعد از مرگ او سلطنت یوئیچی ها رخ به زوال نهاد و در هندوستان راجه های متعدد ادلان استقلال نمودند .

از روی سکه ها معلوم میشود که کوشانی ها در پنجاب و کابل تا هرصه دراز حکومت میکردند - البته این امریست یقینی که کوشان شاهان کابل تا سلطنت قرن پنجم سلطنت نوی و استواری داشتند حتی هونهای سفید آنها را برانداختند - در ابتدای قرن چهارم یکی از شاهان کابل دختر خود را به مریز دوم (شاه ساسانی ایران) به نکاح داده بود - ثانیاً شاپور دوم در سنه ۳۶۰ میلادی مکر رومانی را در امیدیه Amidia محصور نموده بود و شاه ایران در نتیجه امداد پادشاه مریز کوشانی موسوم به « گرومباتیس Grumbates » که قیل ها و قشون (۱) دلاور افغانی را روان کرده بود در جنگ مذکور فاتح برآمد - اسکائی های سیستان نیز زیر قیادت شاه کوشانی مذکور درین محاربه با ساسانیان امداد کرده بودند .



بعضی از نسخه های نایاب

قلمی کابل

نگارش جناب مرور خان گویا

عضو انجمن

در موضوع کتاب و کتابخانه های افغانستان چیزی نوشتن امری است محال زیرا از دیر زمانی به این موضوع کسی علاقه نشات نداده و چنانچه میز او را ولایت مقام این رشته است بدان اعتنائی نشده (به استثنای امیر حبیب الله خان شهبید و مرحوم نایب السلطنه که درین رشته ذوق مخصوصی داشتند) سبب آن نیز واضح است که خانه جنگی های داخلی و شورش های خانگی، مانع از آن گردیده است که درین خصوص کسی توجه و التفاتی بنیاید و اگر بر حسب اتفاق کسانی هم بفرام نمودن کتب و ترتیب کتابخانه اهتایی بخرج داده است آن نیز برای خود آن اشخاص بوده و دست اسفاده عوام از دامان آن کوتاه بوده رو بهم رفته در زمان اغتشاش چند ماهه داخلی تمام آن کتابخانه ها و نسخه های گران بهای قلمی دستخوش تاراج یغما گران گردیده و شاید اکنون در کتابخانه های غیر جا داشته برغنا و ثروت مادی و معنوی آنان افزوده باشد، بهر حال درین هرصه قلیلی که تمام امور افغانستان مر و صورتی بخود گرفته و در هر رشته توجه و التفات شایانی از طرف حکومت محبوب ما مبذول می شود، این شعبه نیز مورد توجه واقع شده از طرف وزارت معارف تا اندازه که مقدور و ممکن بود در بدست آوردن کتابهای مفقوده و نسخ گران بهای قلمی و غیره امور متعلق به کتابخانه مسامی جلیله بکار رفته است چنانچه کتابخانه موزه و کتابخانه معارف و کتابخانه ملی تا اندازه دارای یک عده کتب خوب و معتبری گردیده امید است که بعد از بن نیز به توجه حکومت و اولیای وزارت جلیله معارف درین رشته زیاده بر زیاده اهتایی بکار رفته تا کتابخانه های مام بتوانند یکصورت مصری و ابروندی بخود اختیار نمایند اکنون بعضی از کتب قلمی این کتابخانه ها را که بعضی نسخ منحصر بفرد و برخی از لحاظ قدمت قابل اعتبار است (با آنکه طبع شده باشد) و بعضی از لحاظ تذهیب و نقوش و میناتور شایان توجه است، در اینجا بطور مختصر معرفی مینائیم و شاید بعد ازین بتوانیم فهرست کابلی از این کتب را بطریق فن کتاب شناسی امروز Bibliography ترتیب و فرام نموده در دسترس خوانندگان عزیز قرار دهیم. « گویا »

تفاسیر و حدیث:

از مولفات نلامه جلال الدین عبدالرحمن بن ابوبکر سیوطی صاحب نیشه الاتقان فی علوم القرآن: الوعاء و طبقات الحفاظ و طبقات المفسرین و غیره متوفی در ۹۱۱ هـ. مولفه یس از ملاحظه تفسیر محمد ابن سلیمان کافچی و جلال الدین بلقینی و کتاب ابرهان بدرالدین محمد زرکشی این تفسیر را

ترتیب داده است ، تاریخ کتابت معلوم نمیشود ولی در صفحه آخرین کتاب جایگه مواهیرکت، بخانه ها و قارئین میباشدیک مهر مدور بزرگ دیده می شود که در آن این عبارت مرقوم است (شاه عالم پادشاه غازی جهت قابل خان خانه زاد داده اند)

شاه عالم که از شاهان آخرین مغلیه هند است از ۱۱۴۳ یا ۱۲۲۱ هجری سلطنت کرده است و این نسخه حتی قبل از عهد وی نوشته شده متن کتاب بخط هر بی خوانا و دارای ۸۶۵ صفحه است که هر صفحه آن ۲۱ سطر دارد طول ۹ و نیم سانتی و عرض ۵ و نیم سانتی . این تفسیر در مصر طبع شده

دارای ۱۳۴۸ صفحه و هر صفحه دارای ۱۷ سطر بخط ثلث آیات کریمه تفسیر ابن عباس رض : برنگ قرمز بطور جلی نگاشته شده صفحه آخرین نشان میدهد که در عهد سلطنت اعلیحضرت امیر شیر علیخان مرحوم باهتنام سردار محمد عمرخان به محروسه هرات بخط محمد عظیم ابن گلزار خان که از خطاطان مشهور زمان خود بوده است در ماه ذیحجه سنه ۱۲۹۵ کتابت آن باتمام رسیده طول و قاپه ۲۴ سانتی و عرض ۱۲ سانتی و ۵ میلتر .

کتابی است در علم حدیث که احادیث معتبره نبوی را شرح و تفسیر میکند این کتاب ذوالمقوین : دارای ۳۵۸ صفحه و هر صفحه آن ۱۹ سطر . متن کتاب بخط هر بی بطور جلی نوشته شده جام آن محمد لقب باغی است سنه کتابت ندارد . پشتی کتاب چرم سرخ ، طول ۱۹ سانتی و عرض ۴۱ سانتی است .

مؤلف این کتاب محمد رضا ابن عبدالحسین نصیری طومبی است . در سنه ۱۰۷۲ بقلم محمد مومنی الشهر زاوی نوشته شده . متن کتاب بخط نیم عربی بمرکب سرخ و سیاه نگارش یافته ، عدد اوراق آن ۲۹۷ و هر ورق ۴۲ سطر دارد وقایه آن مقوا . طول ۱۸ سانتی و ۵ میلیمتر و عرض ۱۴ سانتی است .

این کتاب از مولفات شیخ الاسلام ابی الفضل عبدالرحیم عراقی است در سنه ۸۱۰۸۲ علم الحدیث : در جامم از هر بقلم اسمعیل الانصاری نگارش یافته این کتاب ۱۳۸ ورق و هر ورق ۲۴ سطر دارد متن کتاب بخط هر بی بمرکب سیاه و هنا وین برنگ قرمز نوشته شده ، طول ۱۶ سانتی و ۵ میلیمتر و عرض ۱۲ سانتی است .

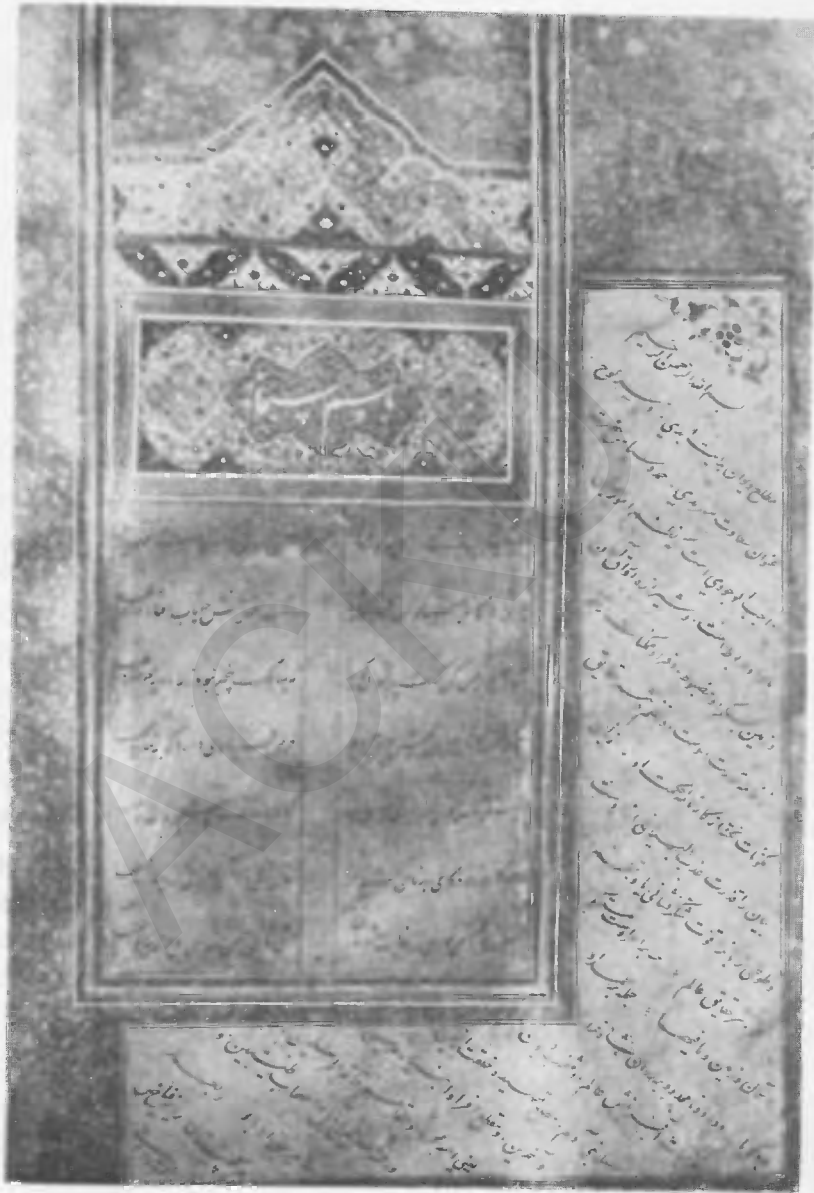
فقه و اخلاق :

این کتاب یکی از قدیمترین کتب و متعلق بزمانهای قبل از قرن ۵ هجری است . کتاب فقه در معاملات : چه در صفحه اخیر آن این عبارت خوانده میشود :

« ولات فرزند قره العین ابوبکر اسمعده الله روز چهارشنبه ۲۵ ماه ربیع الاول سنه اربعم و ثمانین و خمس مائه (۵۸۴) وقت آفتاب فراخ شدن یعنی که نزدیک چاشت گاه شود ، محتویات این کتاب تماماً در اطراف آداب و شعائر اسلامی است ؛ اوراق و پشتی کتاب مذکور از فرط سال خورده گی رو به فرسوده گی گذاشته ؛ خط متن آن فارسی و به شیوه نسخ به مرکب سیاه نگارش یافته ، صفحات آن ساده و بدون جدول است ، عدد صفحات ۳۸۰ و هر صفحه دارای ۱۶ سطر است پشتی کتاب نایه شده قدیمی رنگ نسواری ، طول ۲۲ سانتی و عرض ۱۲ سانتی است ؛ این کتاب از حفاریات بامیان بدست آمده چنانچه در صفحه آخرین آن این عبارت نوشته و معلوم می شود که شخص مذکور یکی از مالکان این کتاب بوده است ، شهر مبارک رمضان سنه خمس و سته مائه (۶۰۰) مالک ابی بکر بن علی بن عبدالحمید بامیانی . (



صفحة اول بوستان مصور که در موزه کابل محفوظ و شرح آن در مقاله کتب خطی معروف است
Poésie persane-en manuscrit-BOSTAN-I-SAADI (Musée de Kaboul)



صفحه اول دیوان حافظ که درموزه کابل محفوظ و شرح آن در مقاله کتب خطی مندرج است
Poésie persane en manuscrit DIWAN-I-HAFEZ (Musée de Kaboul)

بسی بطور یقین این کتاب قبل از قرن ۵ هجری تألیف شده و این نسخه قدیمترین و قیمتدارترین نسخه است که در دست است. (متعلق یکی از کتابخانهای شخصی کابل)

بمقام حاجی ابراهیم نام در سنه ۱۰۴۸ هـ. تحریر گردیده و در اخیر این کتاب او رنگه زیبای ماهب اللدنیه: مالکگیر شهنشاہ منغل در سنه ۱۰۹۹ هـ خطی به زبان عربی بدستخط خود مرقوم نموده که کاتب آن استاد من بوده است. خط او رنگه زیبای فرار ذیل است:

الله هو تعالی

هذا الكتاب المستطاب الجامع لاداب رسول الارباب عليه وعلی آله واصحابه صلوات بلا حساب المكتوب بخط استادی زین الحفاظ المشار الیه بحسن التزیل وتحسين الالفاظ الحاج ابراهیم اسکة جنات النعیم.

من هواری الزمان لدی وودایه النفسه فی مدی وانا العبد العاصی فی حق من هو اخذ بالنوامی الراجی شفاعة بنیة الحجازی محمد اورنگه زیب بن الغازی شاه جهان یاد شاه اللهم اغفر لی ولوالدی ولکاتبه ولنظرفیه ولا لفاظه حرر سنه ۱۰۹۹.

این نسخه نفیسه که خیلی قیمتدار است در موزه کابل محفوظ و موجود میباشد.

تألیف محمدابن احمد سعید فرغانی مشتمل بر سه قاعده قاعد اول در بیان اعتقاد سلیم: قاعده دوم مناهج العباد الی المعاد: در بیان ارکان مسلمانان و ذکر فرایض و فضائل و قوایل و مذاهب ائمه دین، قاعده سوم در بیان آنچه طالب راه حق را دانستن آن لازم است هر قاعده مشتمل بر ابواب و هر بابی مشتمل بر فصول.

سنه اتمام کتاب در سنه ۱۰۰۳ هجری است چنانچه در اخیر آن نوشته شده است: کتبه کینه کاتب شیخ تاشکندی در کبر سن یعنی ۷۲ ساله کی در مدت ۲۸ روز از برای خاطر شریف عربی فقرا و المساکین (خواننده نشد) زید عمره و دولته نوشته شد که تاریخ ۱۰۰۳ بود از هجرت نبوی ص.

عدد صفحات ۴۲۰ هر صفحه ۱۶ سطر، کاغذ قوقندی، پشتی چرم سرخ بخارائی، خط نسخ خوانا، طول ۱۸ سانتی ۴ میلیتر، عرض ۷ سانتی و ۲ میلیتر.

دواوین و کتب ادبی:

مصور و مجدول به آب طلا بعد از هر صفحه دارای یک تصویر مینیا تور که به نهایت دیوان خواجه حافظ: استادی و مهارت ترسیم شده، حواشی دیوان به اری های ملون زرنگار و متن کتاب تماماً به نقوش و ریزه کاری ها نقاشی آن زمان به آب طلا خالص تزیین گردیده است، خط دیوان نستعلیق و بطور نیم قلمه با یک توانائی و چیره دستی نامی که حاکی از نیروی خطاط آن است نگاشته شده است. در حقیقت این دیوان که ذخیره از طلا و گنجینه از نقوش و صنعت است از بهترین دوره صنایع جمیله آسیا که در هر اوقات ما دوره شکوه و ترقی خود را سیر می نمود بیان کار مانده، چنانچه این کتاب را محمدحسن مصور و خطاط نامی آن عصر در سنه ۹۰۷ هـ بنام سلطان حسین میرزا (۸۴۲ - ۹۱۱) پادشاه صنعت دوست هر اوقات نوشته. و بحضور آن شهریار تقدیم کرده است، و این دیوان یکی از بهترین گنج های خزانه شاهی آن سلطان محسوب می شده اکنون این کتاب که از هنایم و تحایف روزگار است در موزه کابل محفوظ است، پشتی آن نیز نقش و روغنی و از زرباب تزیین و نقاشی گردیده.

هر دو کتاب در يك وقایه و يك جلد است . دیوان عرفی ۲۷۱
 دیوان عرفی و فرهاد و شیرین وحشی : ورق شامل قصاید و غزلیات است مجدول به آب طلا و عنوانها بخط
 نستعلیق برنک قرمز نوشته شده و متن کتاب نیز بخط ریز نستعلیق است و هر صفحه دارای (۱۰) بیت بین سطورین
 طول هر صفحه ۱۲ سانتی ۴ میلیتر و عرض آن ۵ سانتی . در حقیقت این دیوان نزدیکترین دیوان نیست زمان عرفی
 چه شخصی که عبارت ذیل را در آخر آن نوشته است معلوم میشود که در زمان حیات عرفی یا چند سال بعد
 از مرگ عرفی که آنهم به ۲۰ سال غیر صد نگاشته شده است عبارة سر قومه کتاب چنین است : (بتاریخ روز
 دوشنبه ۲۸ شهر محرم الحرام ۱۰۲۸ دیوان ملا عرفی را با شیرین و فرهاد ملا وحشی مخدوم اسرا و ملاذ شعرا
 و صاحب ققرا مرتضی قلی بیگ از جهت بنده عامی ابن محمد علی محمد هادی اشیاع نمود امید که همیشه متوجه بوده باشند)
 فرهاد و شیرین وحشی ۳۶ ورق و هینا به شیوه و سیاق دیوان عرفی نگاشته شده . ازین قرار این دو نسخه نزدیک
 ترین نسخه هائی بزمان عرفی و وحشی میباشد چه وفات عرفی ۹۹۹ و وفات وحشی ۹۹۱ است :

دیوان وصفی : دارای غزلیات ، ترجیعات و قصاید و رباعیات ، خط آن نستعلیق و نهایت زیبا و خوش
 نوشته شده در ابتدای دیوان قصیده در مدح جلال الدین اکبر مرقوم است ، دیوان مذکور
 مرا یا بخط شاعر آن نوشته شده و بحضور اکبر تقدیم گردیده است ، تعداد او را ۱۴۲ و هر صفحه دارای
 دویسم غزل که ۱۳ سطر شود ، تاریخ اعلام آن ازین رفته است زیر همان حصه یاره شده و روی آنرا کاغذ جدید
 گرفته اند طول ۱۸ سانتی و ۶ میلیتر ، عرض ۱۱ سانتی و ۵ میلیتر

دیوان کلیم : متوفی در (۱۰۶۱ یا ۱۰۶۲) دارای ۳۰۰ ورق و هر صفحه دارای ۱۶ ، ۱۷ سطر ، کاغذ
 کشمیری پشتی چرم سرخ ، طول ۲۱ سانتی و ۳ میلیتر و عرض ۱۲ سانتی دیوان مذکور بخط نستعلیق
 نهایت خوش و زیبا نوشته شده ، تذهیب و طلا کاری صفحات آن نیز قابل ملاحظه و دقت است ، تاریخ اعلام آن از عبارت
 که در خانه دیوان نوشته شده معلوم می شود عبارت مذکور چنین است :

بدستخط حقیر فقیر بر تقصیر جانمحد ولد مطا محمد خان ترین ساکن محله . بردرانی فی شهر رمضان المبارک بجهت
 عالیجاه رفیم جایگاه دوست صمیمی موالفت بنیان میرزا غلام محمد خان قلمی شد سنه ۱۲۷۴ .

دیوان صائب : دارای ۳۴۲ ورق که ۶۸۴ صفحه شود در هر صفحه ۶ غزل بطور چهار سطره که تماماً
 ۴۱۰۴ غزل شود بخط نینه شکست نوشته شده . به این حساب دیوان مذکور جامع ترین
 و کامل ترین دیوانی است که از صائب در دست است . کاغذ خانبالتم نازک و ملون ، پشتی مقوای بخارائی طول ۲۴
 سانتی و ۴ میلیتر ، عرض ۸ سانتی . متأسفانه تاریخ اعلام و سنه کتابت آن مرقوم نیست .

خط نستعلیق و مجدول بآب طلا در قریه فجدوان در سنه ۱۲۷۸ نوشته شده و امیر بخارا
 دیوان بیدل : هدیه این نسخه نفیس را بحضور پادشاه افغانستان امیر حبیب الله خان شهید تقدیم کرده است ،
 دیوان مذکور در موزه کابل محفوظ و از دواین معتبر و نفیس حضرت بیدل است .

دارای تمام آثار و منظومات بیدل بلکه جامع ترین کلیاتیست که تا حال از میرزا بیدل
 کلیات بیدل : در افغانستان دیده شده ، این نسخه نفیس مرا یا بخط شکست نوشته شده ، دارای چند
 مرقوحه های مذهب و مطلا و میناتور است و هر صفحه آن مجدول بآب طلا و سزین برنگهای لاجورد و شنجرف
 است ، از عبارته که در آخر این نسخه نوشته شده معلوم می شود که این نسخه از روی نسخه کاملی که در کتابخانه
 اورنگه زب طلگیر موجود بوده استنساخ شده و به کتابخانه یکی از حکمرانان فرغانه متعلق بوده . اکنون این نسخه نفیس
 و جبل در یکی از کتابخانه های شخصی کابل محفوظ است .

دیوانی است جامع و کامل مذهب و مطلقاً تذهیب و جدول کاری آن اثر صنع طرزی
 ایضاً دیوان بیدل : افغان است. این نسخه نفیس در زمان امیر شیر علیخان مرحوم بخط یکی از خطاطان نامور
 آن عهد نوشته شده و شعرای آن عصر مانند طرزی و میر الفت مرحوم و غیره در تصحیح و تذهیب و سایر مزایا
 و زیبایی های آن زحمتی کشیده اند چنانچه تقریظ این کتاب را میر الفت مرحوم نوشته ، و در آخر دیوان مرقوم است
 بنابراین این نسخه از نفیس ترین آثار است که از زمان اعلیحضرت معارف پرور امیر شیر علیخان مرحوم بیادگار مانده
 و بر علاوه ، صنعت و ذوق فضلی آن عهد را با درین رشته بخوبی معرفی مینماید .

هفده کتاب در يك و قایه : اول هفت اورنگ جامی اثر شاعر و عارف شهیر قرن نهم هجری (متولد در
 ۸۱۷ و متوفی در ۸۹۸) که عبارت است از سلسله الذهب، سلمان و اسال، تحفه
 الاحرار و سبحة الابرار ، يوسف و زلیخا ، لیلی و مجنون ، خرد نامه اسکندری . دوم خمسة نظامی اثر شاعر شهیر کنجوری
 (متولد در ۵۳ ، و متوفی در ۵۹۹) که عبارت است از مخزن الاسرار ، خسرو شیرین ، لیلی و مجنون ، هفت پیکر ، سکندرنامه .
 سوم خمسة امیر خسرو دهلوی (متوفی در سنه ۷۲۵) که عبارت است از مصلح الانوار ، خسرو شیرین ، لیلی و مجنون ، هشت
 بهشت ، آئینه اسکندری . تمام این کتابها مصور و مطلقاً دارای مرلوحه های متعدد که تمام آن مذهب و مینا کاری شده
 و مطابق قصص و موضوع کتاب تصویر های نهایت زیبا و نفیس میناتور در آن مرقوم است ، و این مجموعه از ابتدا
 تا انتها بیک شیوه و اسلوب نهایت قشنگ و زیبا بخط نستعلیق نوشته شده ، تاریخ اتمام کتابت آن در سنه ۸۹۹ است
 و در دوره نفیس ترین و گران بها ترین مجموعه ایست که ازین آثار معروفه جهان که مورد توجه خطاطان و مصوران
 نامی مشرق واقف شده در دست است ، این مجموعه قیمت در موزه کابل موجود و خوشبختانه از دستبرد
 حوادث شومی که برین قبیل گنج های گران قیمت وارد می شود محفوظ و برکنار مانده است .

تحفته الاحرار جامی : کتابت آن ۸۹۹ . به این حساب یکسال بعد از وفات حضرت جامی نوشته شده و اگر
 قول بعضی ازار باب تذکره را قبول نمایم که سنه وفات جامی را ۸۹۹ می دانند به اینصورت در زمان حیات
 مولانا جامی این کتاب قلمی شده است ، بهر حال نسخه زیبا و نفیسی است .

سبحة الابرار جامی : مطلقاً مذهب دارای مرلوحه های منقوش بآب طلا و لاجورد از عبارتی که
 در آخر کتاب نوشته شده معلوم میشود که علی نامی در ۹۱۱ ه این کتاب را
 برای کتابخانه سلطان عبدالعزیز خان عثمانی تحریر نموده و عبارت مرقومه که به آب زر نوشته شده چنین است :
 جهت کتابخانه عاصره نواب قلک جناب سپهر کاب السلطان ابن سلطان و الخاقان ابن خاقان عبدالعزیز خان
 خلد الله ملکه و سلطانه صورت اتمام و صفت اختتام پذیرت حقیر علی کاتب .

سنه که تاریخ کتابت است بزمان و عصر سلطان عبدالعزیز خان تطبیق نمیکند چه سلطان مذکور در سنه
 ۱۲۹۶ هجری وفات یافته ، شاید کتاب مذکور در عهد سلطان بایزید دوم نوشته شده باشد زیرا سنه کتابت
 مطابق به زمان بایزید است و یا بتاریخ کتابت اشتباهی رخ داده عدد هند می آن غلط شده باشد . بهر حال
 بیشتر ازین چیزی معلوم نشد .

بخط خود جامی بدون جدول و تذهیب و سایر نقوش و محاسنیکه در
 سلسله الذهب سبحة الابرار جامی : آن دوره در ایشکونه کتب بکازی بردند مرتباً با یک شیوه و اسلوب
 نوشته شده و خط آن مایل بطرز شکست است ولی نهایت خوانا و قرص نوشته شده . غیر از تصدیقی که نائب السلطنه
 مرحوم در آخر کتاب کرده است دیگر دلیل در دست نیست که این کتاب بخط مولانا جامی باشد و از خود کتاب نیز

معلوم نمی شود زیرا در پایان آن سنه کتابت و اسم کاتب و محرر معروف نیست بنابراین خط امیر حبیب الله خان را با تصدیق نائب السلطنه مرحوم که بجواب آن نوشته در اینجا نقل میکنیم :

ار چند عزیز الوجود نائب السلطنه !

بخط حضرت مولوی جامی چند رساله نزدش است. نوشته این کتاب را به آن رساله مقابله کرده عرضة حضور دارند. « جواب » امیر حضرت میراج المته والدین را غلام اقبلی برین م غلام نوشته بودم، حال م مقابله شد مطابق خط خود حضرت مولانا است باقی غلام شما نصر الله ۲۵ شعبات ۱۳۳۶ . اینک این نسخه نفیس و قیمت دار در موزه کابل موجود و محفوظ است .

از کتب مفیده و معتبر ادبیات فارسی است ، در موقعیکه پسرش یوسف ضیاء الدین در بهارستان جامی : نزد پدر بزرگوار خود مولانا جامی بقرائت کاستان مشغول بوده حضرت مولانا بتالیف این کتاب پرداخته و مانند گلسقان مرکب از حکایات لطیف و نکات ظریف و اشعار ملیح است و ذکر شماره از شعرا و فضلا نیز در آن وارد است این کتاب نفیس بسال ۸۹۲ هجری بانجام رسیده ولی نسخه نفیسی که ازین کتاب در موزه کابل موجود است در سنه ۹۸۳ هجری بقلم علی رضا نامی تحریر گردیده یعنی ۹۱ سال بعد از تصنیف کتاب . کتاب مذکور مذهب و مجدول بآب طلا و دارای مرفه های مزین و منقوش خط آن نستعلیق ولی نهایت زیبا و خوش خط نگاشته شده است .

کتاب گوی و چوگان و منقبت احمد جام : (متوفی در ۵۳۶) هر دو کتاب در یک وقایه ، کتاب اول مطلاع و مجدول و دارای حواشی که تماماً بریهای زرافشان است ، مرلوحه آن مذهب و منیا توره متن کاغذخا تبالغ ، خط آن نستعلیق که بیک اسلوب نهایت خوش و زیبا نوشته شده ، این کتاب را محمد قاسم ابن شادشاه که از شاگردان سلطنت محمد خندان است در سنه ۹۵۱ ه در دارالسلطنه هرات نوشته است . کتاب دوم نیز دارای مرلوحه بسیار اعلی و مذهب و حواشی کلهای زرنگار در سنه ۹۸۷ ه نگاشته شده است .

خط میر محمد الحسینی دارای وقایه روغنی منقوش و مطلاع که در سنه ۱۰۱۲ بانجام بوستان شیخ سعدی : رسیده در آخر کتاب چنین معروف است (تم الکتب بون الملك الوهاب فی تاریخ شهر ربیع الاول ۱۰۱۲ ه العید الفقیر المذنب محمد الحسینی غفر ذنوبه و ستره بوبه) از روی همین بوستان امیر حبیب الله خان شهید زنگوگرافی نموده چنانچه بنام بوستان های عکسی در همه جایافت می شود . اکنون این نسخه نفیس و گران قیمت در موزه کابل محفوظ است .

مذهب و مجدول دارای ابریهای زرافشان و وقایه روغنی منقش و زرنگار ، تمام ایضاً بوستان : اوراق آن مجدول بآب طلای خالص است و بایک شیوه که از آن زیبا تر و پندیده تر تصور نمی شود بخط نستعلیق نیکه جلی نگاشته شده ، کاتب آن علی الحسینی غیر از میر علی معروف است . شرح حال این خطاط نامی و چیره دست هرات در تاریخ رشیدی و واقعات باری معروف است چنانچه در واقعات باری در حق وی نوشته شده « بقوت دست او معلوم نیست کسی گذشته باشد » در آخر این نسخه نفیس که در موزه کابل موجود است تاریخ اتمام آن قرار ذیل است : تمت علی يد العبد المذنب علی الحسینی الکاتب فی اواخر شهر شوال سنه احدى عشرین تسعمائه (۹۲۱) .

منظومه معروف حکیم خاقانی متوفی در ۵۸۲ که پس از عزیمت بیت الله شریف در عرض حقیقه العراقین : راه این مثنوی را مرود ، این نسخه محفوظه کتابخانه ملی دارای فهرست ابواب

بعضی نسخه های آیات قلمی کامل

و فصول و مکتوبی بشر از حکیم خاقانی بنام خواجه جمال الدین موصلی و فصلی در آغاز کتاب تحفة المراقین بقلم حکیم موصوف است در آخر کتاب چنین نوشته شده است :

تمت هذا النسخة المسمی به تحفة المراقین تصنیف سلطان الشعرا بدیل الدین افضل الحقایقی المعروف بامام خاقانی شیروانی نورالله مرقده بوقت چاشت یوم الاحدی رابع عشر شهر صفر ختم الله بالخير والظفر سنة خمسة و الف (۱۰۰۵) فی عهد خلافت جلال الدین محمد اکبر شاه غازی خلد الله ملکه کاتب بنده خاندان نبوی خادم بارگاه مرتضوی عبدالکریم حسینی در سنه ۱۰۰۵ بانعام رسانید . این نسخه نفیس مجرول بآب طلا و دارای ۱۸۰ صفحه و هر صفحه ۲۱ سطر خط آن نسخ و کاغذ کشمیری ، طول ۲۱ سانتی و عرض ۱۲ سانتی است .

اثر حکیم زلالی خوانساری متوفی در ۱۰۲۴ هجری ملک الشعرا ای شاه عباس کبیر هفت سیاره : که عبارت است از هفت مثنوی و هر یک موسوم به حسن گلو سوز در بحر مخزن اسرار نظامی ، شعله دیدار در بحر مثنوی مولوی ، میخانه طرب در بحر حدیقه حضرت حکیم سنائی ، ذره و خورشید در بحر سبخته الارباب جای اذر و سمندر در بحر ابلی و مجنون ، سلیمان نامه در بحر سکندر نامه ، مجرد و ایاز در بحر خسرو و شیرین ، بر ملاوه هر یک از مثنوی خود را موسوم یکی از کواکب سبزه نموده است و در ابتدای هر مثنوی مقدمه مختصری که حاکی از سبب نظم آن است بشر فصیح و شیوایی نوشته است این نسخه نفیس در زمان حیات ناظم آن یعنی ۴ سال قبل از وفاتش نوشته شده ولی معلوم نمی شود که آیا بخط خود زلالی است یا کسی دیگری نوشته . تعداد صفحات ۴۳۶ و هر صفحه دارای ۱۶ سطر به خط ریز نستعلیق عتاق وین بر رنگ قرمز بخط جلی ، کاغذ خانباغ طول ۹ سانتی و عرض ۴ و نیم سانتی .

اثر طبع مردار غلام محمد خان طرزی که یکی از فضلای نامی و ادبای معروف دیوان طرزی افغان : دوره اخیر افغانستان بوده است ، این دیوان با الهی تا به حضرت خواجه عبدالله انصاری مرابا بخط طرزی است ، طلاکاری و ابری سازی و جدول کشی و ترصیم گل و برگ طلائی که درین دیوان بکار رفته فوق العاده مورد اعجاب و شگفت بیننده است زیرا طرزی مرحوم که درین رشته (صنایع جمیله) اقتدار نامی داشت . درین اثر خود منتهای صنعت و قدرت دست خود را نشان داده است ، در حقیقت این دیوان مظهر طبع مرشار و نمائنده ذوق نفیس طرزی در صنایع جمیل و بدیع محسوب است این مجموعه نفیس و طلائی در موزه کابل محفوظ و از یادگارهای قیمت داری شمرده میشود .

(متوفی در ۷۲) شامل مطلع الانوار ، خسرو و شیرین ، لیلی و مجنون ، هشت هشت ، خمسه امیر خسرو ، آئینه اسکندری ، دارای حواشی و ابریهای ملون و زرنکار که دران منتهای ریزه کاری و طلا اندازی بکار رفته است خط نستعلیق نهایت خوشخط و زیاده ، پشتی منقش و روغنی و زر افشان ، این مجموعه زر اندود در سنه ۹۸۲ هجری بخط محمد ابن علاؤ الدین در قریه تشتقان ولایت خواف با انجام رسیده .

تصوف و عرفان :

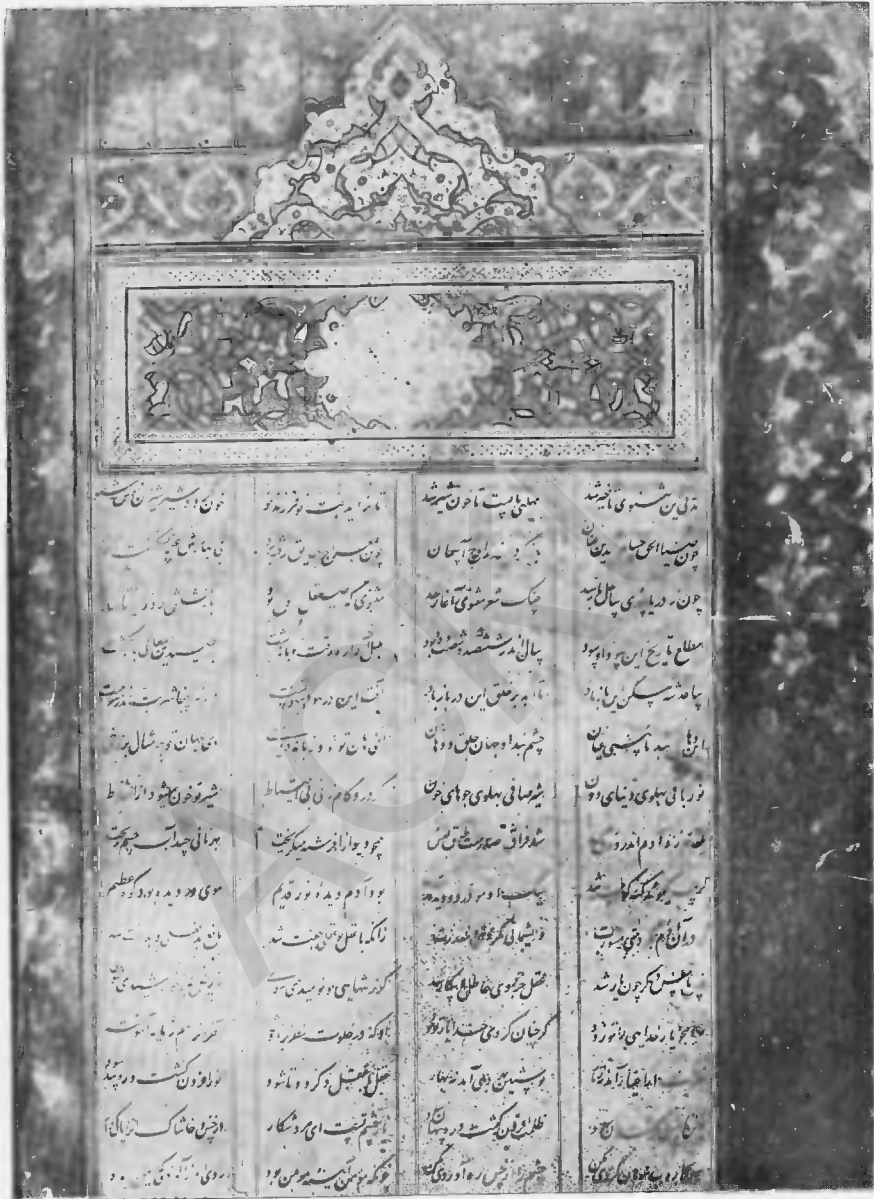
اثر مولانا جلال الدین محمد بن محمد بن الحسین البلخی متوفی در ۶۷۲ شامل شش دفتر مثنوی مولوی : هفت دیباچه و شش فهرست و یک مقدمه . این نسخه جام ترین و کامل ترین نسخه ایست که تا حال از مثنوی حضرت مولوی دیده شده زیرا در همه جانسخی که منذ اول است از روی همین نسخه موجوده نقل بر داشته شده و این نسخه که اکنون مایخو اجمیم در اطراف اوچیزی نوشته معرفی نمائیم همان نسخه ایست که بقلم خود عبداللطیف عبدالله ابن هبامی بعد از تصحیح و توضیح و تنقیح زیاد نوشته شده است چنانچه خط مصحح مذکور و عبد الرحیم خانغانان صربی و حامی موصوف در حاشیه و پایان کتاب دیده می شود . مصحح این کتاب شریف در مقدمه که مرآت المثنوی نامیده چنین می نویسد : این نسخه ناسخه مثنویات سقیمه و مثبت و مروج نسخ صحیحه

مستقیمه که بظاهر مصداق حال و مرآت منور مقال صدق مآل خدمت مولوی معنوی است... کتابی است مستطاب و کلامیست فصل الخطاب که اول مرتبه در سنه اربع و عشرين و الف (۱۰۲۴) هجری در آهن پوش افغانستان تیراه کابل با مثنوی که استادان کامل این طریقت آن را بدفعات در مدت ۳۵ سال با ۶۰ مثنوی مقابله کرده بعد از جرح و تعدیل بسیار درست ساخته بودند و در کتبت و کیفیت کیفیت تمام داشت مقابله شده و دفعه نایه در سنه خمس و عشرين و الف (۱۰۲۵) در یولم گذر و غیره از مضافات یشاور با چهار پنج مثنوی دیگر محاذات یافته و کرة ناله در سنه ثلثین و الف (۱۰۳۰) در حین توجه بدکن با عزیزی که رفیق سفر بود مناظره شد و سره را به در سنه احدى و ثلثین و الف (۱۰۳۱) در دار الحضور و بیت السورور برهانور در خدمت بعضی از افاضل و اهالی... بطریق تحقیق معانی با چهار پنج مثنوی دیگر که هر کدام در صحت نظیر و ثانی نداشت مذاکره شد که مجموع زیاده برهشتاد مثنوی میشود و (د بیاجه لطیف انصرام یافت ۱۰۴۰) در ماده تاریخ آتام دیباجه است و باز مصحح درباره زیادتو آیات این نسخه از نسخ سائره چنین اظهار میکند: « نیز بعض را گمان آن باشد که ابیاتی که درین مثنوی نسبت بمثنویهای دیگر افزوده و بحسب کتبت زیاده بردوزار بیت بر اکثر نسخ مزیت حاصل نموده الحاق است و بعضی از ان شعر سلطان ولد - ولد خلف حضرت مولوی میتواند بود حاشا که چنین باشد » در آخر کتاب که صفحه آخرین باشد چنین مینویسد. روز پنجشنبه چهارم صفر ختم بالخیر والظفر سنه ۱۰۴۷ هجری موافق بیست و سوم مهر ماه ۲۲ جلوس چهار نگیری در بهشت آباد سکندره در حینی که از دکن آمده متوجه اردوی مجلی بود مقابله این کتاب مستطاب با آخر رسید بحول الله تعالی و قوته و این می و یکم عبور است که این نیاز مند در گاه ایزدی را چه بطریق مقابله وجه. رسبیل تدریس وجه بعنوان دعوت بر مثنوی مولوی واقع می شود حرره العبد الضعیف عبداللطیف ابن عبدالله العلبامی « در حاشیه او این کتاب قبل از خط عبدالرحیم خانخانان این چند سطر بقلم عبداللطیف ابن عبدالله العلبامی نوشته شده :

الله اکبر : دستخط نواب محفوف برجت ایزدی خان خانان میرزا عبدالرحیم اسکندره الله بجهت جنانه که از دار السلطنه لاهور باقل عبادالله عبداللطیف ابن عبدالله العلبامی رفزد کلک عطوفت سلك گردانیده بود .

سواد خط خان خانان : که بعد از نوشته فوق در همان حاشیه مرقوم است : « این پرتو شمس الحقایق کلام قدیم و فایحه لطیف الراحه احادیث حضرت رسول کریم یعنی مثنوی معنوی مولوی حفه الله بشرایف التکریم را که مرشد مستر شدن و بطلب رسان طالبان است باین روش تصحیح و توضیح و تشریح و تنبیح دادن که از مطالعه دیباجه این دفتر بلکه تمام کتاب و معانی و حواشی این فصل الخطاب مفهوم ارباب الباب می شود و بجهت دل از دنیا مرض و بحق متوجه توفیق مطالعه مثنوی سمرآ و فکر ارا چنانچه تا این تاریخ ۱۰۳۴ ماه رمضان المبارک به ۲۲ مرتبه رسید و تمام مراتب مطالعه و مباحثه و تصحیح و توضیح با معانی زیاد وغور در بیان و تشریح آن میسر شده شاهد قبول این مأمول است چون این ضعیف در همین ماه رمضان سنه مسطوره در حینی که متوجه در گاه جهان پناه بود و از بنگاله بر آمده با گره رسیده متوجه کشمیر میگشت از صحبت کثیرالجهت شیخ موسی الیه که دوست دینی و دنیائی این فریب اند مسرور و محظوظ شد و مطالعه مجلی این خطاب ایزدی مستسمه گردید با استد های این یار عزیز الوجود این چند کلمه قلمی نمود. حرره عبدالرحیم ابن محمد بیرم عفی عنهما .

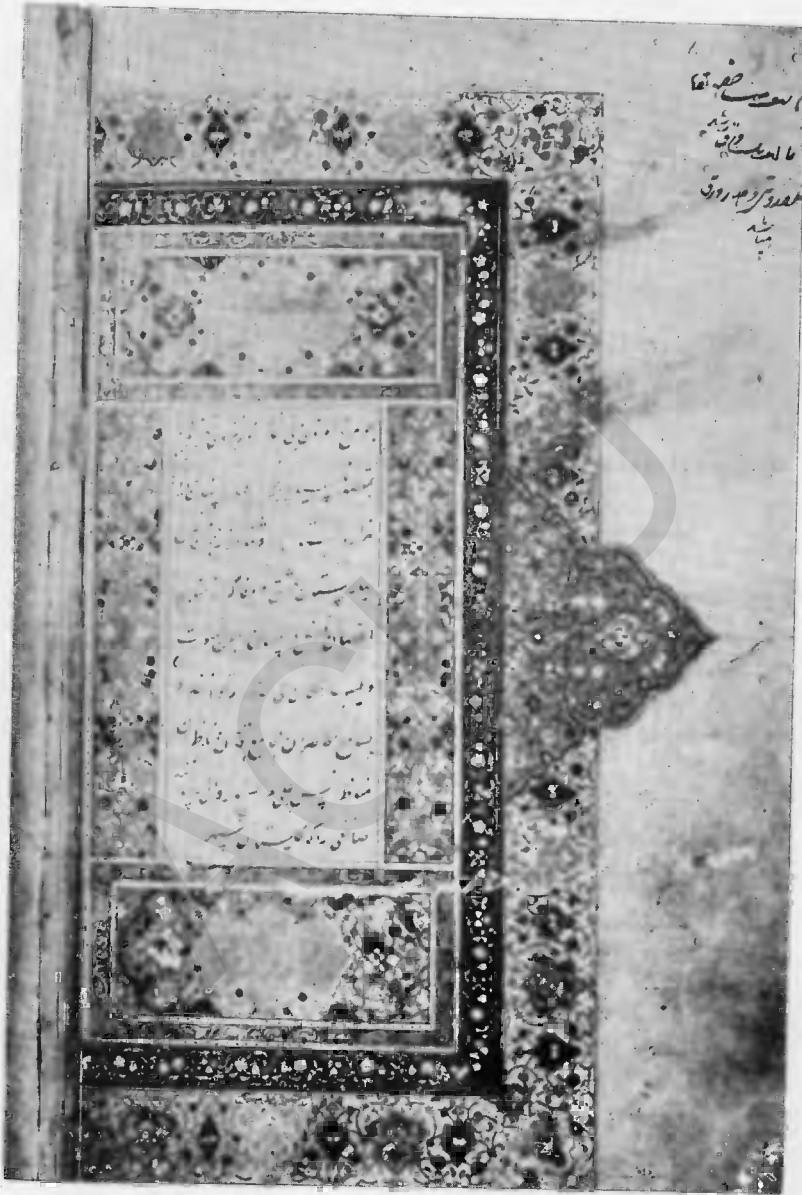
نظر بر آتب فوق مثنوی مذکور از قیمت دارترین نسخه های عالم است حتی گمان میکنم بر نسخه که پروفیسور نکلسن مستشرق شهیر و استاد معروف دانشگاه کمبرج انگلستان در دست دارد و مدتی است که بطبع آن مشغول است نیز رجحان دارد. اکنون این نسخه نفیس و معتبر که صفحات آن محشی بمعانی آیات و مأخذ آیات مقتبس از قرآن مجید و سایر شروح و تفاسیر متعلقه بت آن ماخوذ از کتاب اطالیف اللغات و لطائف المثنوی است بر علاوه دارای یک خطبه هر بی در دفتر اول است که سائر مثنوی هاند ارد مجد و ل با ب طلا و مرلوحه های مذهب و منقش و خط نستعلیق خوانا و روشن که بر کب سیاه نوشته شده در موزه کابل موجود و محفوظ است و ببقیده بنده یکی از گنج های باد آورد و غنائیم روزگار محسوب است .



يك صفحه از صفحات مرقوم و مذهب مثنوی که در موزه کا بل محفوظ و شرح آن در

مقاله کتب خطی مرقوم است

Poésie persane-en manuscrit-MASNAWI-du savant oriental MAO'LAWI ROUM
(Musée de Kaboul)



صفحه اول بهارستان جایی که در موزه کابل موجود و شرح آن در مقاله کتب خطی مندرج است
Poésie persane - en manuscrit - BAHARESTAN - du savant oriental
DJAMI (Musée de Kaboul)

نسخه عربی که ۲۰۸ سال بعد از وفات حضرت مولانا نوشته شده یعنی در سنه ۸۸۰ هجری
ایضاً مثنوی : بقلم اسکندر ابن مسعود تحریر گردیده است این نسخه نفیس نیز که از یادگار های معتبر
قرن هشتم هجری است متعلق بموزه کابل است .

در یک جلد و یک و فایه لویح که مرکب است از مقالات عمیق عرفانی
لویح جامی و رساله های دیگر : و مشهورست با رباعیات لطیف عارفانه اثر مولانا جامی و سایر رساله ها
قرار ذیل است : شرح رباعیات حضرت ملاشاه در سلوک رساله سلوک موسوم به مثنوی . رساله نور وحدت خواجه
عبدالله معروف بخواجه خورده . رساله در بیان مراتب وجود . رساله در بیان شعر حکیم سنائی ثالیف فتح علی .
رساله حضرت شاه یحیی ، رساله فتح علی در بیان سراقه . مینان رساله دیگر در فتح علی در سلوک ، رقعات
حضرت ملاشاه رساله در بیان معراج نبوی . رساله در بیان محبت امامین و اولاد رسول (ص) این مجموعه از ابتدائات
یک سلوک و نقطه بخت نیمه شکست در سنه ۱۲۵۳ ه نوشته شده است و مرفعه های هر رساله بسر لوحه های مذهب
و مزین بمقوثر است تعداد صفحات ۶۷۰ و هر صفحه دارای ۱۵ سطر طول ۱۵ سانتی و عرض ۹ سانتی و میلتر است .

در شرح گلشن راز ، شیخ شبستری متوفی در ۷۱۹ یا ۷۲۵ شارح محمد ابن یحیی بن
مفاتیح الاعجاز : علی کیلانی لاهیجی نور بخشی منخلص باسیری این نسخه که مجدول با ب طلا و متن صفحات
نیز طلا کوب است و یک سر لوحه نفیس منقش و مذهب هم دارد در سنه ۹۹۰ نوشته شده است اسم کتاب آن
معلوم نیست ولی معلومی شود که این نسخه نزدیک تر بن نسخه ایست بزمان شارح آن ، کاغد خانبالغ و قایه
چرم سرخ طول ۱۱ سانتی و ۸ میلتر و عرض ۸ و نیم سانتی .

اینک معاومات را جمع به هوبت و حیثیت این کتاب را اولاً از تاریخ ادبیات
کشف المحجوب : دکتور شرفی اقتباس نموده و بعد بمعرفی این نسخه می پردازیم . کتاب
کشف المحجوب در اواسط قرن پنجم تألیف شده و اولین کتاب معروفی است بفارسی فصیح و بلیغ در شرح آلات
و عقاید و مقالات مشایخ صوفیه . مولف آن ابوالحسن غزنوی است که بمناسبت انتساب بدرجعه از جوار غزنه او را
جلابی هجویری نیز گفته اند گذشته از آنکه این کتاب مهم نمونه شیوه نگارش قرن ششم است اقبال و حکم اخلاقی و عرفانی
مهم و مفیدی ازان نقل شده و نیز اشعار و جل قصار عربی در آن آمده است . نسخه موجوده در سنه ۸۲۹
نوشته شده در حقیقت نزدیکترین نسخه بزمان مؤلف آن است خط کتاب بطور نیمه عربی بسیار روشن و خوانا
نوشته شده کتاب مذکور بدو ت مرلوحه و جدول بوده صحایف ساده دارد عدد صفحات ۷۰۴ و هر صفحه
دارای ۱۵ سطر است پشتی چرم سرخ طول ۱۱ سانتی و ۸ میلتر و عرض ۶ سانتی و ۷ میلتر است .

تالیف محمد ابن برهان الدین مشهور به ابن القاضی که ناما حاوی مقالات و کلمات
سلسله العارفین : بزرگان صوفیه است کتاب مذکور بخت نستعلیق ، مجدول با ب طلا است بدون مر صفحه
و حواشی ، قایه چرم سرخ کاغد خانبالغ عدد صفحات ۵۰۰ و هر صفحه دارای ۱۷ سطر طول ۱۰ سانتی و عرض
۷ سانتی و ۵ میلتر .

اثر خواجه عبدالله انصار متولد در ۳۹۶ و متوفی در ۴۸۱ صاحب منازل السائرین و
کنج نامه : زادالمار فین و غیره این نسخه دارای جدولهای طلائی و مرلوحه مذهب و مینا کار است در
سنه ۱۲۳۵ بقلم محمد قاسم هروی بخت نستعلیق نوشته شده از لحاظ حسن خط و تذهیب قابل ملاحظه
و دقت است عدد صفحات ۶۵ و هر صفحه ۱۵ سطر دارد طول ۱۰ سانتی و ۵ میلتر و عرض ۶ سانتی
و ۳ میلتر است .

در سیر و احوال و مقامات و کرامات مشایخ طریقت و مرفا و اولیاء
 نفحات الانس من حضرات القدس : و شناسائی صوفی رمتصوف . کتاب طبقات الصوفیه تألیف محمد بن حسن
 سلمی نیشابوری مشتمل بر ذکر پنج طبقه از ارباب و لایات و اهل طریقت بوده و شیخ الاسلام ابو اسمعیل
 عبدالله بن محمد انصاری هروی آن را در مجالس صحبت و موعظت املای کرده و یکی از سریدان
 جمعی نموده اما بزبان هروی قدیم بوده و تصحیفات و تحریفات بسیار داشته و فهم مقصود بسهولت میسر
 نمی شده عبدالرحمن جامی کتاب مذکور را به عبارت متمعارف عصر در آورده و از کتب دیگر مطالبی بران
 افزوده و بجوایش امیر علیشیر وزیر بتر تیب آن را با درت کرده و بعد الففور لاری از شاگردان مولانا در ۹۱۲
 حاشیه ای بر نفحات الانس نوشته است (۱) نسخه موجوده مادارای ۸۲۸ صفحه و هر صفحه شامل ۱۶ سطر
 است متن کتاب بخط نستعلیق ریز و مجدول بآب طلا است تاریخ تمام کتابت آن در سنه ۹۸۸ یعنی ۹۰ سال
 بعد از وفات حضرت مولانا است بر علاوه از قراریکه در حاشیه آخرین صفحات آن بخط سرخ نوشته شده
 است معلومی می شود که این نسخه با چند نسخ دیگر مقابله و تصحیح شده است .

چنانچه مینویسد ، مقابله کرده شده این نسخه با نسخ مسعده و مصححه متعدده علیها چون نسخه ملا ناصر و نسخه حاجی
 و میرزا احمد ، شاه محمدالدین و دوست محمد بن اولهالی آخرها بقدر الوسع والاجتهاد . و فرغ من کتابة
 بعون الله و حسن توفيقه من شهر رجب ۹۸۹ هجری .

در جائیکه تکلمه مولانا عبدالنفور لاری ختمه میشود این عبارت نوشته شده است ، انا العبد المذنب الراجی
 محمد صالح ابن يوسف آغاچی غفرالله ذنوبها و کان ذالک فی عشرين من شهر محرم الحرام سنه ۱۰۲۲ و قایه
 کتاب چرم سرخ طول ۱۸ نیم سانتی و عرض ۱۲ سانتی و دارای ۳ مر لوحه مذهب و مینا کار .

در بیان سلوک و رسیدن . مقامات عالیة عرفانی و کشف
 مرصاد العباد من المبدء الی المعاد : حجاب بشریت تألیف شیخ نجم الدین ابو بکر بن عبدالله
 بن محمد بن شاهاور اسدی رازی معروف بدایه ، متوفی در ۶۵۴ مشتمل بر پنج باب و چهل فصل . این کتاب
 در شهر سبواس در سنه ۶۲۰ در عهد سلطنت ابوالفتح کبکا دین کبکسر و ابن قلم خان سلجوقی تألیف و از طرف
 مؤلف بحضور آن پادشاه اهدا گردیده و در عوض صلۀ شایانی یافته است نسخه که ازین کتاب در یکی از کتابخانه های شخصی
 کابل موجود است در سنه ۶۹۰ یعنی ۳۶ سال بعد از وفات مؤلف نوشته شده و بر تمام نسخ که ازین کتاب موجود
 است فضیلت و رجحان دارد زیرا نزدیک ترین نسخه بزمان مؤلف آن است عدده صفحات ۳۶۴ و هر صفحه دارای
 ۱۶ سطر است متن کتاب بخط نسخ یادگار آن زمانی که هنوز ذالها نقطه خود را ترک نکرده اند و ج
 فرقی ندارد کاغذ ملون ، ولی موریا نه خورده ابتدای ابواب و مرفصلها بر ننگ قرمز نوشته شده مر لوحه
 اول کتاب که در اثر مرور و زکار نقش و زکار خود را باخته بازم طلاکوب و زر نیکار بنظر می آید . و قایه
 کتاب چرم سرخ طول آن ۱۸ سانتی و ۵ میلیمتر و عرض ده نیم سانتی خلاصه این کتاب که از دستبر دروزگار
 محفوظ مانده یکی از قیمت دارترین و یربها ترین نسخه است که ازین کتاب در نزد ما موجود است .

تألیف میر حسین هروی صاحب صراط المستقیم و طرب المجالس و زادالمسافرین
 نزهت الارواح : و کنز الرموز متوفی در سنه ۷۲۳ مطالب و محتویات این کتاب تماماً در شناخت
 حقایق و وصول بعالم علم و یقین است نسخه موجوده که ازین کتاب در دست است در سنه ۸۰۰ هجری یعنی ۱۲۳ سال
 بعد از وفات مؤلف نوشته شده این کتاب بخط خوانای عمر بی نما بر ننگ سرخ نگاشته شده و صفحات آن نیز
 (۱) شرح فوق از فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای ملی تألیف فاضل کرامی یوسف اعتصامی
 اقباس گردید .

مجدول برنگه مرخ است ۵۰۰ صفحات ۱۷۸ و هر صفحه ۱۰ سطر و قایه چرم مرخ طول ۱۸ سانتی و عرض ۱۰ سانتی و ۵ میلیتر است .

مثنوی معروف شیخ اوحید الدین اوحیدی متوفی در ۷۳۸ صاحب منطق اشعار و غیره
جام جم اوحیدی : جام جم تقریباً مشتمل بر پنج هزار بیت است در سنه ۷۳۲ انجام یافته چنانکه در پایان کتاب گوید :

چون ز تاریخ برگر فتم فال هفصد رفته بود و سی و دو سال

نسخه موجود در هشتم شهر شوال سنه ۹۳۸ بقلم محمود بن نظام انجام یافته است جلد چرم مرخ ، کاغذ خابانگ ، خط نستعلیق ، عنوان بخط طلا مر صفحه میزاکاری و مذهب ۳۲۰ و هر صفحه دارای ۱۰ سطر ، طول ۱۸ سانتی و ۴ میلیتر و عرض ۱۲ سانتی .

اثر احمد روی که از شاگردان و ارادتمندان خاص حضرت مولنای بلخی علیه الرحمه دقایق الحقایق : است (۶۷۲) این کتاب را بر روش استاد بزرگوار خود تنظیم نموده و برای تاکید و اثبات مطالب نظایر و داستانها ذکر کرده و در بعضی از داستانها از خود مثنوی مولوی اشتهاد می نماید و این کتاب مشتمل بر ۸۰ فصل است در آغاز کتاب شرح حال مفصلی از حضرت مولانا نوشته و جزئیات زنده گانی حضرتش را شرح داده و در خانه کتاب چنین میگوید .

احمد روی خمس کن از بیان	نیست این امرار را حد و کران
هم چنین فرمود مولنای ما	آفتاب عالم صدق و صفا
این سخن پایان ندارد ای جواد	ختم کن والله اعلم بر شاد
چون رسید اینجا سخن لب را به بست	چون رسید اینجا قلم در هم شکست

این کتاب را عالم الدین بن شیخ احمد کاتب اخیستگی در تاریخ اوایل شهر ذی حجه سنه سیم و ستین و تسعانه ۹۶۷ تحریر کرده است . کاغذ خابانگ ، پشتی چرم مرخ صفحه ۴۰۰ هر صفحه ۱۷ سطر ، طول ۱۸ سانتی عرض ۱۲ سانتی .

دارای حواشی و ابری های ملون و زرافشان نهایت نفیس و زیبا که در سه دفتر مثنوی مولوی : هر حاشیه آن اشکال و صور گوناگون و شکار گاهای مختلف با نهایت ظرافت و ریزه کاری ترسیم شده . بر علاوه ۳ سر لوحه مذهب و مینا کار دارد که در هر یک آن منتهای صنعت مینا کاری و تذهیب بسیار رفته از مقدمه که در ابتدای کتاب در دو صفحه مجدول بآب طلا و زمین زرافشان نوشته شده معلوم می شود که این مجموعه جهان قیمت در سنه ۱۰۰۵ بخط محی الدین کاتب بنام ابوالقازی عبدالمومن بهادر خان (اسم و القاب او را بخط زرین نوشته است) نگاشته شده و بحضور موی الهه تقدیم گردیده است . اکنون این مجموعه نفیس که از یادگار های معتبر و قیمت دار قرن دهم هجری است در موزه کابل محفوظ و موجود میباشد .

در اخلاق و مواظ و عرفان مثنوی معروف حضرت حکیم سنائی غزنوی حدیقه الحقیقه و شریعت الطریقه : متوفی (۵۴۵) که از روی حدیقه که ۸۰ سال بعد از وفات حضرت سنائی نوشته شده است نسخا کرده و در سرور زمان یا ۶۰ حدیقه دیگر مقابله شده مصحح و شارح این حدیقه که عبد اللطیف ابن عبد الله عباسی است این حدیقه را امام حدایق نام نهاد . این کتاب شریف و منیف که دارای مقدمه بقلم حکیم موصوف و رساله طریق التحقیق و کارنامه بلخ و رساله در تشریح فارسی بنام چمن سو سن است در سنه ۱۰۳۸ هجری در سال دوم سلطنت شاه جهان پادشاه شهنشاه مغلیه هند در

شهر کابل منکام بهار بانجام رسید. این حدیقه دارای ۲۴۸ ورق و هر صفحه دارای ۱۶ و گاهی ۱۴ سطر است صفحات مجدول بآب زروایات در زمینه زراعت و متن کتاب بخط نیمه درشت نستعلیق بمرکب نوشته شده. عنوان به جوهر قرمز و تملیحات و اشارات و حلالفات در حواشی بخط ریز نستعلیق بمرکب نگاشته شده. طول هر صفحه ۱۴ سانتی و عرض ۷ سانتی تمام محتویات این وقایع از آغاز دیباچه محرم تا انجام رساله بلخ نامه حکیم بیک خط و اسلوب تحریر یافته کاغذ کتاب فوقندی و پشتی آن چرم زرد بخارانی است. در آغاز هر کتاب و رساله سر صفحه آن مذهب و مینا کاری شده. شرح مفصل این حدیقه در شماره هشتم سال پنجم مجله کابل صفحه ۷۷۶، ۷۸۹ بقلم نگارنده مرقوم است.

تاریخ و تذکره :

تالیف سکندر بیک منشی مشتمل بر ۳ مجلد و حاوی وقایع و شرح سلطنت شاه عباس اول عالم آرای عباسی؛ تا اول سلطنت شاه صفی است و از سنه ۹۹۶ شروع و تا ۱۰۳۸ بیابان میرسد این نسخه موجود در شهر ایورد بتاریخ ششم شهر شوال شروع بکتابت آن گردیده و بتاریخ بیست ششم شهر ذالحجه الحرام سنه ۱۱۰۷ صورت انعام پذیرفته باین حساب نزد یک زمین نسخه بزمان مؤلف آن است. کتاب کتاب محمد ابن محمد مهدی اصفهانی میباشد این کتاب دارای سر لوحه مذهب و مینا کار ۳۵۶ ورق، خط نیک سطر ۱۸ کاغذ کشمیری پشتی چرم سیاه طول ۲۷ سانتی و ۴ میلیتر عرض ۱۶ سانتی و ۴ نیم میلیتر.

این کتاب ترجمه آثار البلاد دال الدین زکریای محمود قزوینی متوفی ۶۸۲ است که سیر البلاد : در سنه ۱۱۲۸ محمد مراد آن را ترجمه نموده است متن کتاب بخط نسخ بمرکب سیاه نوشته شده و در بعضی حصص رنگ فرسوده بکار رفته وقایع کتاب چرم سیاه طول ۱۸ سانتی عرض ۱۰ سانتی و ۵ میلیتر عمده اوراق ۳۴۸ و هر ورق دارای ۴۴ سطر.

مزارات بلخ : در سنه ۱۲۷۴ نوشته شده اسم مؤلف و کتابت آن معلوم نیست این کتاب حاوی تاریخ و شرح مزارات بزرگان بلخ است از قدیمترین ازمینه تاریخی تا زمان تالیف کتاب. خط شکست، اوراق کتاب ۶۲ و هر ورق دارای ۱۵ سطر وقایع مقوای بخارانی، کاغذ خانبالغ، طول ۲۰ سانتی و عرض ۱۲ سانتی.

مظومه نجم الدین متخلص به ذاکری، در شرح حالات امیرین مرحومین امیر دوست محمد افضل نامه : خان و امیر محمد افضل خان، این کتاب در بیست و سوم شهر جمادی الثانی روز جمعه بتاریخ ۱۲۷۲ هجری قمری در آستان مزار فیض آثار حضرت خواجه ابوالقاسم نهانی نور الله مرقدہ بیابان رسیده است عمده اوراق ۷۲ هر صفحه ۱۳ سطر مجدول بر نیک زعفرانی و دارای بین السطورین، کاغذ خانبالغ، وقایع مقوای بخارانی بر نیک ماشی طول ۲۱ سانتی و ۳ میلیتر عرض ۱۲ سانتی. به قید نگارنده این نسخه منحصر بفر دست و یک فصل خوب از تاریخ دوره اخیر افغانستان را روشن میسازد.

در سیرت حضرت رسول اکرم ص و شناسائی احوال صحابه و تابعین رض و ورواات روضته الاحباب : و حدیث و بیان اسم و لقب و کنیت و نسب و تاریخ ولادت و رحلت تالیف عطاء الله بن فضل الله ملقب به جمال حسینی تاریخ و سنه کتابت ندارد عمده صفحات ۶۷۴ و هر صفحه ۳۵ سطر دارد متن کتاب بخط نستعلیق ولی نهایت زیبا و نفیس نوشته شده و عنوانها و آیات کریمه و احادیث منبغه را بخط طلا و شنجرف نوشته و باقی کتاب را بمرکب سیاه نگاشته در ابتدای کتاب یک سر لوحه نهایت زیبا بآب طلا.

بعضی نسخه های نایاب قلمی کابل

بورنگ لاجورد میناکاری شده، یشتی کتاب چرم سرخ طول ده سانتی و ۸ میلیتر و مرض ۶ سانتی و ۹ میلیتر.
هفت اقلیم: تالیف امین احمد رازی مشتمل بر ذکر هفت اقلیم که شرح حال شعر او را نیز در ذیل
هر اقلیم می نویسد مصرع (تصنیف امین احمد رازی گو ۱۰۰۲) تاریخ تالیف
کتاب است. چنانچه صاحب مفتاح التواریخ می نویسد:

این نسخه که هست همچو فردوس نکو
کراز تو کسی سوال تاریخ کند
تسامو نشوی درونه بشکافی مو
(تصنیف امین احمد رازی گو ۱۰۰۲)

متن کتاب بخط نستعلیق ریز و عناوین بر رنگ قرمز و جلی سنه کتابت که بقلم سید فیروز نوشته شده ۱۰۵۰
یعنی ۵۰ سال بعد از زمان تالیف این نسخه قلمی گردیده. عده اوراق ۳۰۸ و هر ورق ۵۰ سطر و قایه کتاب
چرم سرخ طول ۱۸ سانتی و ۵ میلیتر و عرض ۱۰ سانتی و ۴ میلیتر اخیر اقسمتی از این کتاب توسط انجمن
آسیائی بنگال در کلکته بطبع رسیده گمان میکنم که این نسخه از لحاظ قدمت بر همه نسخ فضیلت و رجحان دارد.

تاریخ سلطان ابوسعید بهادر خان: (۸۵۵-۸۷۲) که یکی از یادشاهان قرن (۸) ایران
و افغانستان است این کتاب در سنه ۹۸۱ بقلم عبدالمجید نام
نهایت خوشخط و زیبا تحریر گردیده و بقیه نگارنده نسخه منحصر بفرد است که در موزه کابل موجود است.

این کتاب تاریخ روم شرقی است چه مؤلف مذکور بعد از آن که مقدمه در فوائد تاریخ نوشته
قیصر نامه: ملاحظه میکنید از مدتی از روی مطالعه تاریخ سلاطین بخاطر داشت و ازین روییوسته علم تحقیق
و تلاش افراشت تا در سال ۱۲۸۰ هجری تاریخ..... تالیف حکیم ابراهیم افندی ملازم سلطانی طبیب عسکر
خاقانی مأمین لشکرگاه بلده بیروت را یافته احوال سلاطین اسلام اسلامبول را دریافته بدل گفتیم که این کتاب
بزبان تازی سر قوم است ازین رویارمی زبانان هندو ایران از ادراک مضامینش محروم گشته چون این
مقدمه در دلم جا گرفت آهنگ ترجمه کردم، طوریکه از مضمون اخیر کتاب فهمیده میشود محمد رحیم خان
الکوزانی مرآت در سنه ۱۳۰۸ هجری قمری با مرسمه الدینخان نائب الحکومه مرآت این کتاب را
قبل کرده است و قایه کتاب چرم سیاه تابه دار طول ۱۸ سانتی عرض ۱۱ سانتی متن کتاب بخط نستعلیق
جلی نوشته شده و صفحات آن مجداول بآب طلا است مرآحه کتاب نیز مطلا و مزین و مینا کار است عده صفحات
(۱۴۸) و هر صفحه دارای ۱۱ سطر است..

تاریخ احمد تهوی: این کتاب مشتمل بر تاریخ اسلام است که بخط نستعلیق و مرکب سیاه نوشته
شده و بروخر کتاب افتاده لهذا اسم کاتب و مسود آن معلوم نمی شود که کیست؟
وقایه کتاب چرم سرخ تابه دار طول ۲۴ سانتی عرض ۱۴ سانتی عده صفحات آن چون افتاده گمی داشت
در قید شمار نیامد ولی هر صفحه آن دارای ۲۳ سطر است.

طب:

کتابی است در علم طب که بحمد اکبر عرف شاه تالیف کرده و بزبان فارسی
فصول الاعراض: ترجمه شده کتاب مذکور در شرح امراض و تشخیص ادویه و نظایات منزل و
خواص اشبا و غیره امور متعلق به طب و حفظ الصحة بحث میراند سنه کتابت بتاریخ روز دوشنبه ۱۲ ربیع الاول
سنه ۱۱۰۰ هجری است خط شکست اوراق ۲۹۵ هر ورق ۳۴ سطر یشتی قهرامی بخارانی طول ۱۰ سانتی و
۵ میلیتر و عرض ۶ سانتی و ۲ میلیتر.

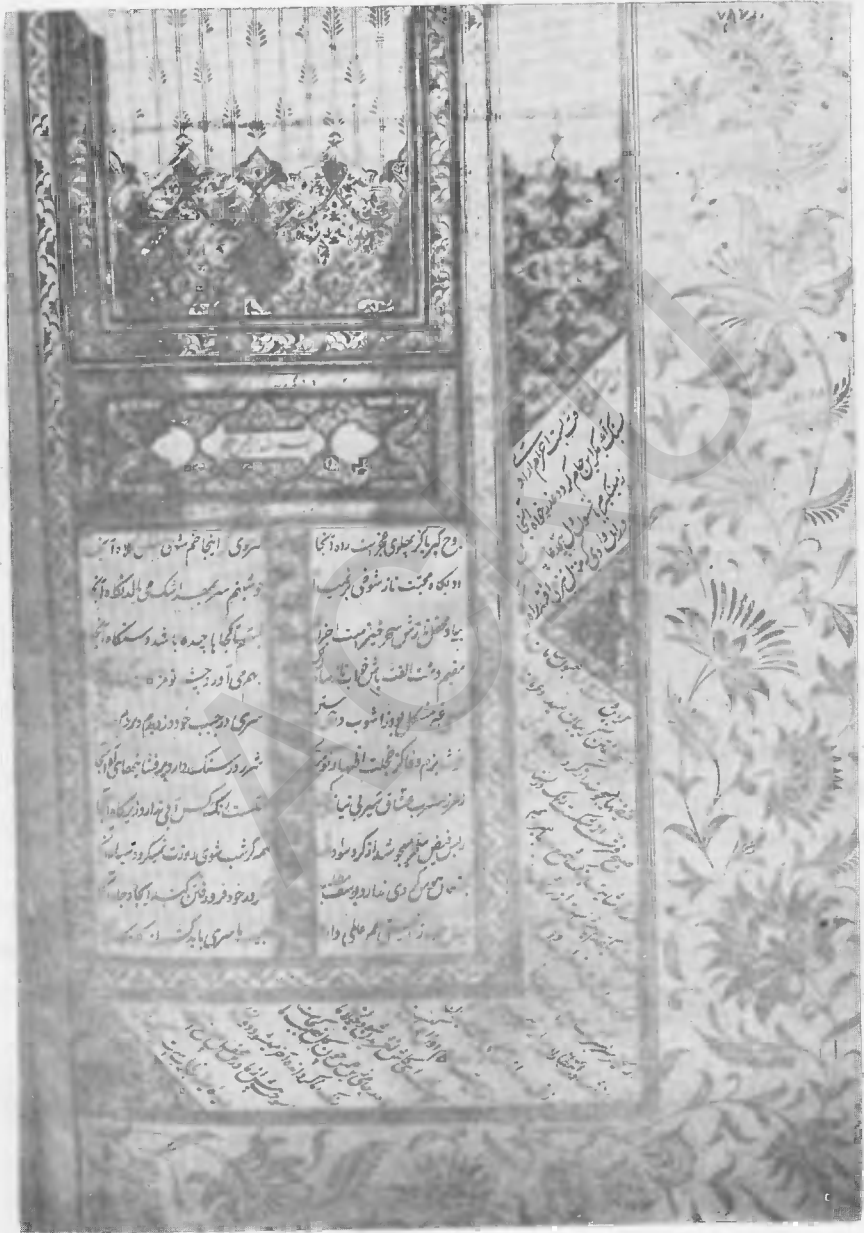
جدول و دارای سرلوحه مذهب و مینا کارمشتل بر ۶ باب و ۱۵ فصل در علم طب کتاب حفظ الصحه: و ادویه شناسی و گیاه شناسی و بیان فصول و امرجه در سنه ۹۴۲ بقلم مرشد نام بهر برگردیده خط نستعلیق کاغذ ملون کشیری عدد اوراق ۴۰۰ هر ورق ۱۶ سطر طول ۲۱ سانتی ۲ میلیتر عرض ۱۶ سانتی و ۴ میلیتر پشتی چرم سیاه واکو.

لغت و نجوم:

تالیف شیخ محمد لا دیهاری که مشتمل است از لغات عربی و ترکی و فارسی چنانچه مؤلف موبدا لفضلا: آن در مقدمه کتاب می نویسد این کتاب مشتمل است از لغات عرب علی قدر ما محتاج من الصراح و تاج و از لغات فارسی و سمرقند و ماوراالنهر و ترک و جزء آن آنچه در لسان شعرا و ادات الفضلاء و دستور الافاضل و زفان گویا و مواد الفراید و شرح مخزن الاسرار و طب حقایق الاشیاء مذکور است و آنچه در شرفنامه و قنیه الطالبین و فرهنگ علمی علی یک و فخر قواس و دیگر فرهنگ نامه ها و سخن های متعارف و متداول مسطور است از مصطلحات شاعران و حکیمان و منجهان و رملان و طیبیان اهل لسان مسوع و منقول است و آنچه از این نوع فکر استنباط نموده و استخراج کرده شاید که این را شامل نامند از این روی که فاضل آن را یینائی در عالم فضل ازین کتاب حاصل میشود یا باید که این را عین الافاضل خوانند هر چند که این کتاب موبد فاضلان است در حل مشکلات و فتوح مغلفات مقوی و عمد شعرا است در سخن دانی و فهم معانی و اولی این است که این را موبد لفضلا نام دارند باعث بر تالیف این کتاب اینست که شرفنامه اگرچه فرهنگ متأخر و جامع است بان هم تنبم لغت حاجت می افتاد خصوصاً بقنیه الطالبین که تالیف قدوة الفاضلین امام السالکین استاد هلام ابن باب قاضیه خطاب است و آن در لغت موازی شرفنامه خواهد بود یا زیادت اما آنچه در شرفنامه آمده از آن چیزی در قنیه نیاورده و در پی آن خیلی مشقت برده بنابراین مولف بتائید موبدا لعیاد این نسخه را بنیاد نهاد و هیچ لغتی یعنی از آن مرد و کتاب طرح نداد و این مجموعه جامع جیم آن نسخ است و ناسخ منتسخ و اساسی این نسخه ها در جزو لغات مسطور است برای خواندن و سبق گفتن شهنامه فردوسی طوموسی و خمسة نظامی و سته سنائی و عراقین خاقانی و انوری و ظهیری و عبهری و حافظ و سلمان و سعدی و جزء آن این نسخه بترتیب حروف تهجی مرتب آمد تا جوینده زود یابد. این فرهنگ که از فرهنگ های نایاب و معتبر فارسی است. بتاريخ ۲۰ ماه جمادی الاول ۱۰۳۸ در مقام یقنه تحریر یافته ولی سنه تالیف آن قبل ازین است زیرا شیرخان سوری افغان مؤلف زبده الفواید در موقع نگارش فرهنگ خود این کتاب را در دست داشته زمانی که مؤلف زبده الفواید شروع بنگارش فرهنگ خود نموده سنه ۹۵۵ هجری بوده و در ظرف ۴ سال یعنی در سنه ۹۵۹ بانجام رسانده است باین حساب سنه تالیف فرهنگ مذکور قبل از این زمان است بهر حال این نسخه از لحاظ قدمت و نزدیکی زمان تالیف از فرهنگ های خوب و معتبر است که در دست است خط شکست، صفحه ۵۱۶ هر صفحه ۲۹ سطر پشتی چرم قرمز طول ۱۰ سانتی و ۵ میلیتر و عرض ۶ سانتی و ۳ میلیتر.

تالیف شیرخان سوری که یکی از فضلاء افغان است فرهنگ مذکور دارای ۹۶۷ صفحه زبده الفواید: و تقریباً ۲۹۳۶ لغت از فارسی و عربی و بطور اندک از لغت ترکی و هندی را حاوی است اساسی فرهنگ های که در موقع تالیف این کتاب در دست داشته قرار ذیل است:

فرهنگ نصیر طوسی، فرهنگ فخر قواس لسان الشعراء، قنیه الطالبین، زفان گویا، فرهنگ اسدی طوموسی



صفحه اول دیوان بیدل قلمی که در موزه کابل محفوظ و شرح آن در مقاله کتب خطی مرقوم است
 Poésie persane - en manuscrit DIWAN-I-BEDEL (Musée de Kaboul)



صفحه تقویم الدین که در موزه کا بل محفوظ و شرح آن در مقاله کتب خطی مندرج است
Prose persan - en manuscrit - TAKWIM-UD-DIN (Musée de Kaboul)

فرهنگ شمس دبیر، موبد الافاضل فقیه عماد و دستور الافاضل، آداب الفضلا، شرفنامه عرف ابراهیم شاهی، مقدمه الاصطلاح شیخ محمد شادبا بادی، اصطلاح الشعرا، مؤند الفضلای شیخ محمد لادیهاری، و رساله صغیر نصیر طوسی، نایح اسامی و مصادر، صراح، کنز اللغة، دیوان الادب، سراج کمال حسینی. این فرهنگ را پس از ۲۰ سال تحصیل در حدود سنه ۹۵۰ در آگره بنای آغاز گذاشته و در ظرف چهار سال در سنه ۹۵۹ بانجام رسانیده است. شرح مفصل این فرهنگ در شماره سوم سال سوم مجله کابل بقم نگارنده انتشار یافته است رجوع شود به مجله سوم سال سوم صفحه ۲۳۱ - ۲۳۹.

صور کواکب که بنامهای الكواکب الثابة والكواکب الصوره علم هیئت و صور کواکب: صور البروج و کتاب الكواکب موسوم است از مؤلفات ابوالحسن عبد الرحمن بن عمر صوفی ستاره شناس معروف متولد در ۲۹۱ و متوفی ۳۷۶ هجر است کتاب مذکور بنام ضد الدوله ابو شجاع رکن الدوله انجام یافته (۱) و چندین ترجمه فارسی از این کتاب در زمان های مختلف شده است این نسخه مجدول و مصور منقوش به تصاویر کواکب است، رنگهای ثابت تصاویر و امتزاج آن با محلول طلا و تر صیغ کل و برکه ها یکی از صنائیم عجیب و ظریفست که درین نسخه بکار رفته، خط عربی و متن صحیف مجدول بآب طلا حواشی مزین و منقوش دارای سر لوحه مصنوع و مینا کار و چهل د و تصویر از صور کواکب. ولی سنه کتابت آن معلوم نیست با این همه از نسخ جلیل و گرانبهائست که از این کتاب در دست است در آخرین کتاب مر مکتوم در ابراز نجوم که مولفات ابوبکر رازیست مندرج و متاسفانه سنه کتابت مذکور نیز از بین رفته است.

کتاب متفرقه:

این کتاب را هلمای کابل حسب اراده اعلیحضرت امیر عبد الرحمن خان کتاب تقویم الدین: در سنه ۱۳۰۶ در باب جهاد تألیف و تدوین کرده اند این کتاب که در موزه کابل محفوظ است نسخه نخستین آن است که بعد از اتمام تألیف بحضور امیر موصوف تقدیم گردیده کتاب مذکور دارای سر صفحه مذهب و مینا کار صفحات طلا کار، و متن زرا اندود حواشی مزین و منبت بگلها و اسلیمی های زر نگار خط نستعلیق پشتی روشنی و منقش و زرافشان.

کتاب الصيد: تألیف عبد لرؤف مشتمل بر دو وزده فصل در بیان حکمت و حرمت صید چنانچه در مقدمه میگوید، این رساله مشتمل است بر دو وزده فصل در شرح مسایل صید کردن و مانند این ها و بیان حلال و حرام از صیدها و جانوران و کیفیت کشتن بکار و تیر و باقی احکام شان. و بر خاتمه که محتوی است به ترتیب حروف تهجی و نام های اصناف حیوانات به لغت عرب و زبان فارسیان و حکم ایشان بشریعت و خاصیت های ایشان. کتاب مذکور در سنه ۱۰۶۹ نوشته شده خط نستعلیق و بعض جاها اسامی جانوران بر تک قرمز نوشته شده و قایه کتاب چرم مرخ طول ۱۴ سانتی و عرض ۱۰ سانتی عده صفحات ۱۵۴ و هر صفحه دارای ۱۶ سطر.

تا جائیکه اطلاعات و اقدامات شخصی اجازه میداد بشرح و معرفی کتب فوق پرداختیم ولی مایقین داریم که نزد اهل ذوق و فضل و اهالی مملکت پیش ازین کتب نفیس و نسخه های منحصر بفرد موجود است که نه ما بفرض معرفی مصدع آنها گردیده ایم و نه آنها بمقصد معرفی کتب خود باجمین مراجع فرمودند ولی درآیه از دارندگان

این گنجهای بر بها توقع داریم که مقام و حیثیت کتب نفیس خود را در حال کنونی نموده بارائه و معرفی آن توجه فرمایند زیرا ثروت حقیقی و بی زوال دنیای علم و ادب همین کتب است در خانه و وظیفه خود میدانم که از فاضل گرامی جناب فدیرخان ترهکی که در تقییم و تصفیح کتب کتابخانه ملی و شمارش اوراق و تعیین سطور و استنساخ عبارات مطلوبه کک خوب و امداد شایانی کرده اند تشکر نموده خودم را برای همیشه رهین الطاف و سیاست گذار سر احم شان بدانم .

اسامی کتبی که در موقع نگارش این فهرست مختصر برای شناختن مؤلفین و کتب تعیین سالهای تولد و وفات و ترقیم نام های صحیح و حقیقی مؤلفین و کتب و کاتبان و تشخیص و تطبیق دوره های تاریخی بدان رجوع گردیده حسب ذیل اند :

طبع ایران	سخن و سخنوران	طبع مصر	ابن خلیکان
« هند	غیاث اللغات	« «	الدر المثور
« مصر	فهرست ابن ندیم	« «	آداب اللغه جرجی زبدان
« ایران	فهرست کتابخانه مشهد	« هند	آشکده آزر
« «	فهرست کتب کتابخانه فاضلیه	« «	بهار هجم
« طهران	فهرست کتب خطی کتابخانه عمومی معارف ایران	« مصر	پیدایش خط و خطاطان
« طهران	فهرست کتب خطی مجلس شورای ملی ایران	(نسخه خطی)	تذکره هفت اقلیم
« هند	فرهنگ جهانی نگیری	طبع هند	تذکره الشعراء سمرقندی
« هند	فرهنگ اندراج	« «	تذکره عرفات احدی
« اسلامبول	قاموس الاعلام	« «	تذکره سام میرزای صفوی
از اورنیتل کالج میکزین	لطایف فخری	« ایران	تاریخ ادبیات دکتور شفق
« طهران	معالم العلماء ابن شهر آشوب	نسخه خطی	تاریخ رشیدی
« ایران	مجم الفصحا	طبع ایران	تاریخ جهانگشای جوینی
نسخه خطی	مجالس المشاق	« لندن	چهار مقاله عمر و شی
طبع هند	مفتاح التواریح	« هند	خزانه طاهره
« مصر	معجم الابدان	« مصر	راحت الصدور
از اورنیتل کالج میکزین	واقعات بابری	نسخه خطی	ریاض الشعراء و اله داغستانی
طبع هند	هفت قلزم	طبع هند	روضات الجنات
« ایران	تتمه الدهر	« ایران	ریاض العارفین



تاریخچه ادبیات افغانستان

مقدمه

نگارش جناب محمد کریم خان نزهی
عضو انجمن

از چندی باینطرف تکلیف و خواهش همکاران محترم مرا جرئت آن بخشید تا به نگارش این سطور ناچیز که عبارت از تاریخچه مختصر ادبیات وطن باشد اقدام نمایم. چنانکه ارباب تدبیر و استقصا خود بهتر میدانند که قلم فرسایی در چنین موضوعی امری سهل و کار آسان نبوده و نیست که از عهده همچو من عاجز و بی بضاعتی بوره باشد، قطع نظر از اینکه قلت مأخذ و کتب مرجوعه، فقدان وسائل استفاده، بالخاصه عدم اقتدار و ناتوانی در حل و فصل مباحث نیز هر یک بجای خود کار را به نگارنده سخت و دشوار ساخته درین راه موانع بزرگه و تکالیف سهمگین باو تحمیل می نماید.

اما بهر طریق که بود با وجود اینهمه موانع جا ننگد از بیاری ایزد منان تا یک حد موفق به تحریر آن گشته، اینک بهجوی ضرب المثل معروف (ارمغان مور، پای ملخ) بذریعہ اوراق سالنامه کابل به پیشگاه اساتید و فضیای محترم این سرزمین و سائر قارئین تقدیم مینمایم، و با وجودیکه هیچ طریق پاک از عیب و نقص نبوده و بصورت قطع خالی از خطا و لغزش نیست، باز هم بامید آنکه ارتجالاً از خطای آن اغماض و چشم پوشی نموده، و درآینده به تصحیح و تکمیل آن خواهند کوشید. خاطر افسرده خود را اطمینان میدهم. و یقین کامل دارم که گفته اند العذر عند کرام الناس مقبول معاذیر عاجزانه مورد قبول واقع گشته، و سیله فرو گذاری و عفو ایشان گردد.

و متأسفانه به علت کمی فرصت طبع و ایجاب شیوئیکه در سالنامه مراجعات شده و می شود، از حواشی و آرائه صفحات مأخذ مجبوراً صرف نظر کرده شد، و تنها در مقدمه به تذکار اسامی کتب و مقالاتی که درین مختصر از آنها اقتباس و استفاده شده و از مأخذ نگارنده بشمار میروند، اکتفا رفت که عبارت از کتب ذیل است،

کشف الظنون حاجی خلیفه، دائرة المعارف و جدی، ریاض العارفین، دائرة المعارف بستانی، تاریخ ادبیات عباس اقبال (ازدا نشکده) بیست مقاله قزوینی، قاموس الاعلام شمس الدین سامی، الاعلام خیر الدین زرکلی، نقایس الفنون، آثار المعجم، آداب اللغة العربیه، فلسفة اللغوبه، تاریخ تمدن اسلام

(للاجرجی زیدان) معجم الادباء یا قوت ، تاریخ ابو الفدا ، کامل ابن اثیر ، شهر باران گننام کسروی ، عالم آرای عباسی ، آشکده آذر ، تذکره دولتشاه ، هفت اقلیم ، باب الالباب هوفی ، خزانه عاصره : میر غلام علی آزاد بلگرامی ، مجمع النصح ، تذکره الاولیا ، چهار مقاله عروضی ، المعجم فی معاییر اشعار المعجم شمس فیس ، تاریخ الحکما ابن قفطی ، تاریخ فلسفه حنا اسعد فهمی ، عیون الانبافی طبقات الاطباء لابن ابی اصیبه ، تاریخ مختصر الدول ، کتاب الفهرست لابن الندیم ، آغانی ابوالفرج ، جواهر البلاغه احمد هاشمی ، عیون الاخبار لابن قتیبه ، بقیة الوعاة سیوطی ، وفیات الاعیان ، وفیات الوفیات ، یتیمه الدهر نعلابی ، دمیة القصر باخرزی ، تاریخ فرشته ، حبیب السیر ، تاریخ کزیده حمد الله مستوفی ، تاریخ بیهقی ، مروج الذهب مسعودی ، تاریخ عمومی عباس اقبال ، تاریخ ادب العربی حسن زیات ، مفاتیح العلوم خوارزمی ، تاریخ ادبیات ایران جلال الدین همایی ، تاریخ ادبیات ایران دکتر ضازاده شفق ، تاریخچه ادبیات نفیس ، اقرب الموارد ، قاموس اللغة ، غیث اللغات ، صراح ، صراح ، تذکره حسینی ، سخن و سخنورانی جلد اول سرآة الخیال شیرخان لودی ، تاریخ ایران باستان مرحوم مشیرالدوله ، جهان کشای جوینی ، بهار هجم ، سخندان فارس تألیف محمد حسین آزاد تخلص هندی وغیره وغیره . « ترجمی »

(آغاز مطلب)

بیش از آنکه شروع مقصد نمانیم ، بی مورد نخواهد بود که راجع بماهیت زبان و تحولات آن ، پیدایش نطق و نظریات علمای السنه درباره آن ، در تعریف ادب و ادبیات و تاریخ آن ، بالاخره درباره موضوع وغایه از آن چیزی گفته باشیم . چه مطلوب ما از نگارش این سطور که نوشتن تاریخ ادبیات است مارا به بحث وتفصیل در اطراف مواضع مذکوره باعث میشود . تا به ترتیب هر آنچه را که در ذهن و فکر قاصر ما میرسد و یا اینکه خود موضوع الزام مینماید بوجهی مطلوب و لو که اجالی باشد گفته آید .

تعریف زبان :

زبان عبارت از آه آه است که نوع بشر برای افاده افکار و خیالات خود بدان متوسل شده ، مقاصد و مطالب ذهنی خود را بذریعہ آن بیان و اظهار مینماید . و این آله خود عام است ، چه در انسانهای مدنی و راقبه و چه در انسانهای باده نشین و وحشی . و از اینجا است که امتیاز انسان بر حیوان ثابت گشته ، این دو نوع از مخلوقات حیه از هم افتراق و جدائی می یابند . و همین موهبت بزرگه طبیعی است . که در معاشرت و اختلاط ، و مراد و وسائر ضروریات حیاتی بشر از عوامل مهمه بشمار رفته ، مشاشر ، قبائل ، اقوام ، طوائف و ملل مشتته بشری را با هم وصل و در یک نقطه انسانیت اتحاد می بخشد .

و هر چند یک سنه گذشته و امروز عالم بنا بر تکون و پیدایش ملل متعدده با هم اختلافی داشته و دارند ، لیکن اگر دقت و تعمقی در ین باب نموده شود ، آشکار میگردد که اکثری از ین شب مختلفه اصل واحدی داشته ، که چون بالاتر از ین رویم جیم آنها ناشی از یک مبدأ و مولودشی واحدی است که عبارت از تأثر و انفعالات ذهنی است . چه در پیدایش نطق بر علاوه نظریات مختلفه علما چیزیکه از سائین عقلی تر و مقرون بصواب است ، همان است که نطق چیزی است اختراعی که در اثر فریاد و آوازه های طبیعی ، اصوات و ضجه های ک ناشی از درد و آلم ، مسرت و اشتهاخ خاطر و سائر انفعالات و جذبات انسانی است بوجود آمده ، رفته رفته بالذریع

با آنها اصوات طبیعی افعال امتزاج و اختلاط یافته، بصورت اسروزی رسیده است. زیرا که مطابق قوانین علم اصوات، کلمات و اصوات نیز در هر زمانی (بر طبق قانون طبیعی تکامل) بمثل سایر موجودات قابل تحول و دستخوش تحریف بوده و میباشند. ولی تنها ایفقدری توان گفت که این تحول بمثل قوانین معینه ریاضی، فزیک و سایر علوم طبیعی، امری کاملاً مثبت و طبیعی نبوده، بلکه، وکول بحوادث تاریخی و مولود شیوه ادواتگرز تکلم زبان و لهجه مخصوص است. و در اثر همین سایقه طبیعی و زمانی است که السنه مختلفه ملل اسروزی دنیا و ادبیات منزه آن تکون و پیدایش یافته، هر یک مقام و مرتبت جداگانه را در صفحات تاریخ تمدن بشری احراز کرده اند.

تعریف ادب و ادبیات:

ادب و لغوین کلمه ادب را در لغت بمعنی ظرف و حسن گماول (الادب بحر کفة الظرف و حسن التناول) ضبط نموده، ظرف را بعضی عبارات از کلمات مطلق، و برخی از ظرافت در لسان و همچنان قسمتی از براءت و ذکاوت قلب و گروهی از حذاقت تمیز کرده اند (الظرف الکیاسته قبل انما هو فی اللسان و قبل هو حسن الوجوه و الیهیة لویکون فی الوجوه و اللسان و قبل البراعة و ذکاوت القلب و قبل العذوق) ولی در اصطلاح عبارت است از هر ریاضت محموده و سبیل ترقی ظهور انسان در فضیلت از فضائل می شود (الادب کل ریاضة محمودة یتخرج بها الانسان بفضیلة من الفضائل) و همچنان بعضی ادب را عبارت از معرفت اشیا و تکیه بتوسط آن احتراز از جمیع انواع خطا ممکن شوه دانسته اند. هکذا اجامتی ادب را ملکه تمیز کرده اند که مالک خود را از اعمال ناشایسته و افعال ناسزا حفظ و نگهبانی نماید (الادب ملکه تصمم من قامت به عما یشبهه) و مراد آنها از علم ادب و ادبیات آن علم صنایعی بوده است که بوسیله آن اسالیب کلام بلیغ در هر حالیکه باشد شناخته شود. (علم صنایعی تعرف به اسالیب الکلام البلیغ فی کل حال من احواله) و همچنین راجع به علوم ادب نیز در بین علما اختلاف است، بعضی مجموع آن را هشت دانسته اند «بنی علم لغة» صرف، نحو، عروض، قوافی، صنعة شعر، اخبار عرب و علم انساب عرب، و شریزه علم اشتقاق، فرض الشعر، انشاء، و خط را نیز بدان افزوده مجموع آن را دوازده علم شمرده اند و بقول ماسوف علیه جرجی زیدان کسیکه جمیع از آنها را بیکی و یاد و علم از علوم مذکور معرفت و شناسائی یافت، می توانش ادیب گفت.

و ما اورا جم بفرق بین ادیب و عالم گوید: که عالم کسی است تنهایک علم و یایک مقصد را به تمامه تعقیب نموده در آن دارای مهارت باشد ولی ادیب آن است که از هر چیز بهتر و خورترش را اقتطاف و انتخاب نموده، تنهایان اشیا، منتخبه خود اکتفای و رزد.

ناگفته نماند: که بر علاوه از نظریات مذکوره درباره ادب، بازم ادب را می توان بد و قسمت تقسیم نمود، یکی ادب نفس، و دیگری ادب درس (یا ادب اکتسابی) اولی عبارت از علوم موجب کمالات نفسانی و قوای فطری و تزکیه نفس بوده، دومی متضمن علوم است که در اکتساب آن، حفظ، درس و نظر دخالت نمی داشته باشد. و معمول بعلمت مذکور است که علم ادب را منحصراً معرفت احوال نظم و انشاز جهت صحت و سقم و مراتب درستی و نادرستی آن دانسته و یا به علم صنایعی که بذریعه آن چگونگی اسالیب مختلفه کلام بلیغ شناخته شود تمیز کرده اند. این بود خلاصه نظریات علمای شرق درباره ادب و ادبیات. اما بلیغی فرنگ شرط دیگری نیز بدان افزوده اند. که آن انتقاد است، و به عقیده و افکار آنها ادیب کسی است که با وجود اجتماع شرایط موصوف در وی، مشارالیه دارای یک روح انتقادی نیز بوده. جمیع مسائلی را که مطرح و موضوع بحث اوست. بنظر انتقاد و خورده گیرهای که شائسته است دیده با محاکمه و تحلیل اظهار و بیان نماید.

ارکان علم ادب :

ارکان علم ادب را نیز با اندک اختلافی چهار چیز، شمرده‌اند؛ (۱) قوای فطری عقلی که عبارت است از خیال، ذکاوت، حافظه، حس و ذوق (۲) اصول و قوانین موضوعه نظم و نشر و حسن تالیف. (۳) مطالعه تصانیف بلغا و مداقه و تتبع در جزئیات آنها. (۴) آرتیاض و تدریب در سبکهای مختلفه، تامل و تقلید به فصحا و بلغا در حل و عقد مضامین چه نظم و چه نثر.

تعریف تاریخ ادبیات :

ادب را در تعریف تاریخ ادبیات و تصنیف موضوع و مباحث آن نیز اختلاف است. چنانچه بعضی موضوع آن را تنها تاریخ علم ادب و قسمتی تاریخ علم ادب و سایر علوم و گروهی محتوی ترجمه احوال علما، شعر او فضلا دانسته‌اند. و بوجود یکدیگر هر یک از این موضوع در جای خود صحت و حقیقتی را داراست باز نمی‌توان ادعا نمود که بطور کامل موضوع تاریخ ادبیات را تعیین کرده باشند. چه به عقیده ادبای امروزی تاریخ ادبیات شارح و مفسر تاریخ عمومی بوده، تاریخ جیم اشیا نیکه مولود عقول، افکار و قرائح ملتی بشمار میرود. موضوع و مفهوم آن را تشکیل مینماید. به تعبیر دیگر تاریخ ادبیات ملتی عبارت است از تاریخ عقول افکار انبای آن با در نظر گرفتن تاثیر تاریخ موصوف، در نفوس و اذهان در اخلاق و سجایای ایشان و همین مناسبت است که تعیین معیار ترقی علمی ملتی با وجود امتیاز آن از سایر ملل و بیان تاریخ هر علم و فن با جیم احوال و احاطه شقوق آن از قبیل ترتیب ایجاد و اختراع، کیفیت ارتقا و انقراض و وصف آثار مکتوبه در آن از وظایف تاریخ ادبیات است.

تأثیر محیط در ادبیات :

تکامل از نوامیس طبیعی موجودات است. بطوریکه موجودات در سایه پر آشوب زندگانی محکوم به نشو و ارتقا و بالاخره مشرف بانقراض بوده به پیمودن مراحل مختلفه از حیات موظف و مجبور است. چنانکه هر یک از ملل دنیا به نوبه خود مراحل بر بریت نیم و حشت و غیره را پیموده تا به مدیت کنونی رسیده‌اند و یا آنکه بعضی از آنها در نوبه خود دارای مدنیتهای مشمشیه بوده بالاخره منقرض و از بین رفته‌اند. ادبیات آنها نیز بر طبق این قانون طبیعی هر یک ادوار و از منته را تقریباً شبیه همدیگر گذشتانده تا آنکه بر رشد و کمال کنونی (در بعضی از ملل) و پایه انحطاط و انقراض واصل گشته است.

بدیهی است که تکون و پیدایش آن با ارتقا و تکامل یا انحطاط و انقراض آن مربوط به تکون و تبرز همان ملت منسوبه اش در مدیت بوده است. و همانطوریکه مدنیتهای مختلفه ملل زاده و مولود روحی، ساختمان فکری و تژادی و بالاخره موقعیت طبیعی و محیط آن‌ها است. ادبیات آنها نیز در تحت تاثیرات اقلیم، آب، هوا، موقعیت طبیعی، خصائص تژادی و ساختمان فکری آنها تکون و انجام یافته، و به تعبیر دیگر ادبیات یک ملتی حاکی از ادوار مختلفه زندگانی، موقعیت طبیعی و محیط آن ملت بوده، یگانه نماینده از روحیات، احساسات، و جزئیات اخلاقی آن ملت محسوب می‌شود.

اشیا و جمیع موجودات مختلفه هر محیط دارای کوائف و اسرار گوناگونی است، که از طبیعت همان محیط نشأ نموده است.

هر مملکت و سرزمین طبعاً اشیا مخصوصی از خود برون می‌آورد. و در نتیجه زبان اهالی آن مملکت و سرزمین به استعاره اشیا مذکوره اعتیاد یافته بدان جاری میشود، و از آن زمینه برای استعاره اشیا

خود نهبه مینماید . به تعبیر دیگر اشیا و سائر موجودات محیط در هنگام انشاء شعر و نگارش بنظر شاعر یا نویسنده بصورتی جلوه مینماید که او را به استعاره خود مجبوری سازد تا مواد و سرمایه برای خود حاصل نموده در لطف بیان خود بیفزاید .

پوشیده نماند ، که بعضی اشیا مخصوص محیطی بوده ، در سائر محیطها اثری از آن نیست . در اینصورت روشن است که افکار باشندگان آن مرز مین نیز متناسب محیط زندگی خود بوده برخلاف سائر محیط هاب و روش و نشوونایافته است .

اما در اشیا مشترک افکار و احساسات اهالی نیز با هم اشتراك داشته ، شمر بصورت مشترکی از آن ملهم میشوند ، افکار و تاثرات خود را مثل همدیگر آفاده و اظهار مینمایند ، و از همین باعث است که ادبیات ملل از اکثر جهته با یکدیگر شباهت داشته و بجز از نظم و نثر نوع ثالثی ندارد ولی تنها از حیث استعاره و بعضی از خصائص محیطی چنانکه در بالاتذکاری از آن رفت با هم مغایرت و مابینت میسراند . زیرا بر علاوه کلیه موثرات طبیعی از قبیل آب ، هوا ، زمان و مکان . بعضی از هوارض و بیش آمدها که نیز جز و محیط محسوب است ، از قبیل نشر افکار اعم از اینکه سیامی باشد یا دینی و علمی و م چنین حوادث و وقایع مهمه تاریخی بمانند غالبیت ها و جفا نکشائی ها ، مظلومیت و شکست ها ، اسارت و مهاجرت ها ، اختلاط و آمیزش و غیره . غیره نیز هر یک بجای خود موثر بزرگی در ادبیات ملل بشمار رفته . همیشه در آثار ادبیه و روح اشعار و موسیقی ملل تجلی نموده است که در اثر جزئی دقتی میتوان بوضوح چگونگی احوال آن ملت را تشخیص داد .

و علاوه بر این احتیاج بنزدرتکون و بیدایش در ترقی و پیشرفت علوم و آداب دخالتی تمامی داشته و شهکارهای مهمی از خود نشان داده است و چنانکه در حیات انفرادی بشر دستی داشته ، وسیله ایجاد و اختراعات ، حفاظت و نگاهداری اشیا مختلفه میشود . در زندگی اجتماعی نیز خالی از تاثیر نبوده . ذریعه ترقی و پیش برد بسی از علوم و آداب در ملل مختلفه شده و میشود . بمتلیکه وسیله تقدم رومیان در خطابه گردید است . و هکذا از مات نیز بی تاثیر نمانده ، در هر عصری بنابر مقتضیات آن عصر ادبیات رنگ دیگری بخود گرفته ، دچار تحولات شکفت انگیزی گشته است ، و بر علاوه اینهمه علل علت دیگری نیز در ادبیات ملل تاثرات مهمی انداخته که مراد از خصائص تشرافی و ساختمان فکری ملل است . چه در بعضی از نژادها احساسات قوه داشته ، بالعکس تفکر ضعیف بوده است . و در برخی بخلاف تفکر غالب قوه احساس کم بوده و م چنان از خصائص بعضی از امم است تمایل بفلسفه و تحقیق ، وسعت تصور و خیال ، امان نظر و دقت در امور و از جمعی برعکس بی مبالائی و عدم تعقل و تحقیق در امور ، خوش باوری و نیک بینی در هر چیز . و مسلم است که هر یک از این خصائص بجای خود در ادبیات و تکون شعب مختلفه آن بی تاثیر نمانده ، مباحث و زمینه های جداگانه در آن افتتاح و گشوده است و معلول به اسباب فوق است که تنوع و تقسیمات در نظم و نثر (از حیث موضوع و معنی) در ادبیات ملل پدید و آشکار گشته است .

تعریف شعر و پیدایش آن :

شعر مولود انفعلات و تاثرات بشر و نماینده هوا طیف و احساسات رقیقه اوست . شعر لغت جمال و زبان عشق است ، شعر الهامی است که از حقایق سر موزه و تاثرات اضطراب آلود غیر مرئی شاعر بما حکایت کرده و وسیله انقباض یا انبساط طایف بشری میشود . شعر تصور بر جمال طبیعت است که در آئینه قلوب شعرا تجلی نموده انعکاسات آن بواسطه الفاظ شعور انگیزی ما را متهیج میسازد .

از آنجا بیکه احساسات و هوا طیف روحی ، انفعلات و تاثرات قلبی یکجا توأم با بشریت خلق گشته . همیشه در زندگی بشری است و در صورت تیکه بشریت از آغاز خلقت تا کنون محکوم هوا طیف قلبی و احساسات معنوی خود بوده ، و حیات امری غیر قابل انفکاک از آن است . پس بشریت از زمانیکه از کسب عدم

در عالم وجود با گذاشتن شعر نیز با وی یکجا اظهار وجود کرد. همیشه در ادوار مختلفه زندگانی او نمایندگی از عواطف و ادراکات، احساسات و تأثرات درونی او می نمود. چه انسان همیشه برای افاده تأثرات و مکنونات قلبی خود مجبور استمداد از زبان بوده، دابماً بوسیله الفاظ آن را بیان می نمود. و این خود شعراست.

انواع شعر:

شعر را از حیث ساختمان لفظی می توان بدو حصه تقسیم نمود.

نظم و نثر: هر یک از این نظم و شردرذات خود اقسام مختلفه دارند. که اساسی آن بقراردیل است. اقسام و اجناس نظم فارسی «قصیده»، «غزل»، «رباعی»، «قطعه»، «دوبیتی»، «مسطح»، «مثنوی»، «ترجیع بند»، «ترکیب بند»، «همچنان از نثر، «مجادله»، «خطابه» و «کتابت» که هر یک از آنها نیز بدو قسم (یعنی «مرسل» و «موجم») تقسیم میشود.

اما اقسام شعر از حیث معنی و موضوع که موافق و نزدیک به عقیده ارسطو است عبارت از اقسام ذیل است. تغزل و تشبیه، مدح و هجو، حماسه وراثا، موعظه و حکمت، مطایبه و هزل، حکایت و وصف، عتاب و شکوی و تعلیم و غیره. در ادبیات شرق یا قصص، «غنا» «تمثیل» (فاجعه و مضحکه) در ادبیات غرب. و چون تعریف جدا گانه از اقسام مذکور از وظایف علم بدیم بوده و علاوه این مختصر بیشتر ازین گنجایش اطاله کلام را نداشت. لذا از آن صرف نظر شد. ولی فرنگیان در تریز تقسیمات جدا گانه داشته آن را چهار نوع (تاریخ، قصص، فصاحت و وسائل) تقسیم مینمایند.

خوب است کنون به مطلب برگردیم و در عین حال بی مناسب نخواهد بود السنه آریائی و مبدأ آن: که یکم نظر اجمالی درویش و اصل زبان های آریائی انداخته بگذریم تا حقایق و چگونگی پیدایش زبان مانیز به اندازه روشن شود، و بعد البته به تقسیم دوره های تاریخی ادبیات و چگونگی احوال، کوائف، کمیزات، خصایص و بقایای آثار آن پرداخته خواهد شد.

هلمای السنه جمیع السنه، بته و متداول اسروزی دنیا را (باستثنای بعضی السنه افریقائی و غیره) از حیث صرف، نحو و اشتقاق به پنج قسمت تقسیم نموده اند (۱) السنه هند و آریائی، (۲) السنه ساسی، (۳) حامی، (۴) السنه یورال و آلطائی (۵) چینی.

به عقیده ایشان السنه هند و آریائی که به مطلب ما مربوط می باشد، بجهت ما بد و شعبه شرقی و غربی تقسیم یافته است و از مجموع السنه شبه شرقی آن دو زبان (هندی، آریائی) است که بواسطه مماثلت و شباهت فوق العاده خود با هم نزدیک بوده زبان واحدی بحساب می رود. چه سنسکریت (رک وید) و کانهای زردشت بلخی پیشوای مغان، آنقدر با هم نزدیک و شبیه یکدیگرند. که سواى آنکه آنها را لهجه های تغییر یافته یک اصل مشترکی بدانیم، چیزی دیگری گفته نمی توانیم. لهذا استناد به «ملل موصوفه» نموده با د نظر گرفتن مبدأ و بنگاه آن، اگر این دو شعبه را بنام شعبه باختری یا بخدی «مطابق» «حقن اویستا» یا باختری به اصطلاح امروز یاد آور شویم بی مناسبت و دور از حقیقت نخواهد بود. چه اریه یا آریه (Aryia) یا اویستار یا باختریها بخود منسوب نموده و آریه یا آریا (Aryia) در سنسکریت را هند و ما بخود استعمال نموده اند.

و بر علاوه امالی اصلی هندو ایران نیز از همین منطقه شمالی افغانستان (که عبارت از باختر یا بلخ کنونی باشد) از هم جدا شده، یکی بجانب هند و دیگری بجانب ایران اسروزی مهاجرت اختیار نموده اند، چنانکه از (رک وید) کتب مذهبی برهماد (اویستا) بخوبی و بطور وضوح این مطلب استنباط میشود. و تنها اینقدر می توان گفت که شعبه آریائی آن در اثر تماس و همجواری با ملل ساسی با زبانهای ایشان اختلاط و امتزاج یافته، در زیر



اشیای سفالی که از پاتاوا به دست آمده و مربوط به صنایع یونانی موشخ می باشد (موزه کابل)
Fragments d'une ruche de terre cuite découverte à PATAWA (Kaboul) «Musée de Kaboul»

نوعه مسكوكات قديم افغانستان كه در موزه كابل موجود است

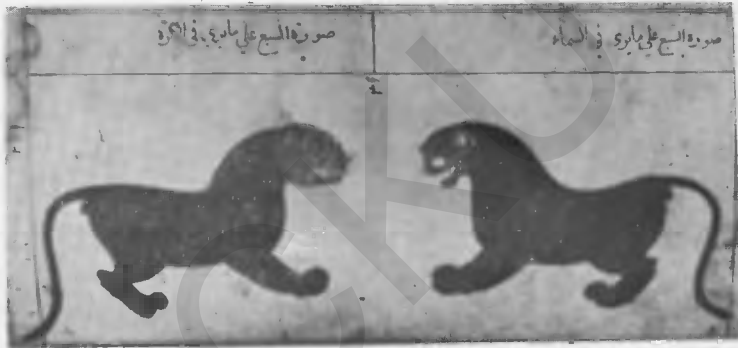
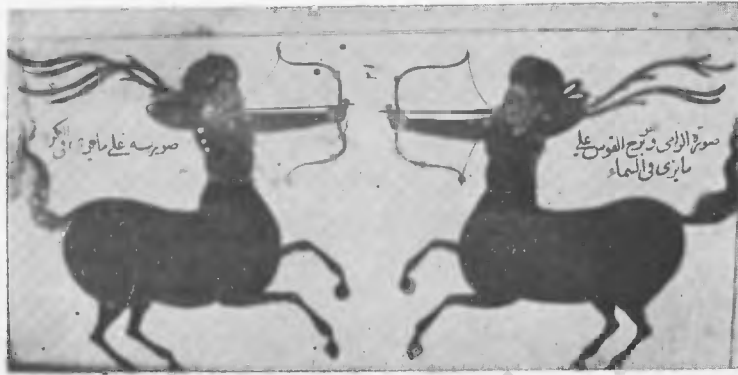


از چپ بر راست : ۱ - نوح بن منصور ۳ بهاء الدین غوری ۳ غیاث الدین غوری ۴ سلطان محمود غزنوی ۵ یوکرانیدیس
 ۶ بابا لورد و نس ۷ افسس ۸ مندند ۹ متراداد نس ۱۰ د متر یوس ۱۱ هیو کلیس ۱۲ انقی ما کوس
 (در بین تصویر ترتیب تاریخی مسكوكات مصمعات نشده)
 Types des anciennes monnaies d'Afghanistan (Musée de Kaboul)

نمونه مسكوكات قديم افغانستان كه در موزه كابل موجود است



(پست مسكوكا نيست كه در صفحه مقابل طبع شده)
Types des anciennes monnaies d'Afghanistan (Musée de Kaboul)
(Revers des monnaies reproduites ci-contre)



چند تصویر از کتاب «صور الكواكب» که در موزه کابل محفوظ و شرح آن در مقاله
کتاب خطی من قوم است

Types des dessins d'un manuscrit oriental SOU'OUAR-OL
KAWAKEB « Figures des Etoiles » (Musée de Kaboul)

تأثیر آنها را هم و به نسبت زبان هند و اروپایی تغییر ماهیت داده تا آنکه با تدریج در اثر مرور دهه و افضای زمان یا رسمی قدیم که یکی از شعب فرهنگی آن است جا نشین وی شد.

کنون بد نخواهد بود که رشته کلام را قطع نموده، برگردیم در اطراف مقصود خود که عبارت از تاریخ ادبیات است.

تاریخ ادبیات افغانستان :

تاریخ ادبیات افغانستان را می توان بدو قسمت تقسیم نمود، قسمت قبل از اسلام و قسمت بعد از اسلام، قسمت اول را را نیز بدو دوره (دوره قبل از اسکندر و بعد از آن) میتوان بخش نمود.

بطوریکه اطلاع داریم این دوره از قدیمترین از منته تاریخی شروع گشته مقارن استیلای اسکندر (۳۲۹ ق.م) خانه می یابد و با وجودیکه آثار این دوره بسکلی محو و معدوم گشته، چیزیکه قابل اهمیتش می توان گفت باقی نمانده است که دلالت بر جزئیات آداب و علوم آن زمان نماید، چه استیلای اجانب تاسیس حکومت یونانیهای باختر بالاخره طول مدت همه را به باد فنا داد، چیزی نگذاشته است که از روی آن خصائص و جزئیات چگونگی آداب آن عصر را استنباط نمود.

ولی با وجود آنهم اینقدر نمیتوان گفت که قدیمترین زبانی که یادی از آن زمان و شوکت گذشته آن عصر می دهد، و آثاری از آن در دست است، زبان اوستا و یا به عقیده انکتیل دو برون (در قرن ۱۸) زبان زنده است که عبارت است از زبان باکتریائی قدیم. این زبان همان زبانی است که قبل از مهاجرت آریائیهای قدیم (یا باشندگان ایران امروز) از باختر؛ در شمال جنوب سلسله کوه هند و کش در بین اهالی این سرزمین (باختریان) متداول و معمول بوده؛ و کتاب مذهبی اوستا بدان زبان نوشته شده، این زبان تقریباً در حدود هزار سال و یا چیزی بیش و کم از آن در تمام نقاط شمالی افغانستان متداول و معمول بوده، و قدیمترین قسمت اوستا که گمانها باشد و از خود زردشت پیشوای مذهبی اهالی قدیم باختریان است. با سایر قسمت های اوستا از آثاری باقیمانده آن عصر است.

این کتاب تا قرن اول قبل از مسیح برشته بحر برنامده، تنها آنرا بحفظ میداشتند، چه بعد از گشته شدن اویستا: داریوش سوم و استیلای اسکندر در برسیو لیس و آتش زدن آنرا. اویستانیان با قصر مند کور یکجا طعمه آتش شد، و این اهتمام تا عهد شاپور دوم (۳۰۹ - ۳۸۹) دوام داشت و چنانکه نویسند، موبد بز رکه (آذر پدما رسید) برای نوشتن این کتاب از خط پهلوی خط مقطع منفصلی با ۴۳ علامت اختراع نمود که بجمع اصوات آن حرف داشته باشد و حرکات و اعراب در آن جز و خط بشمار میرود، و آن را بدین خط نوشتند، و زنده نامیدند، و از همین باعث است که آنخط نیز بنام خط زنده یاد میشود، چه کلمه زنده بمعنی ساده ساختن و تفسیر الفاظ مشکله است، و بعقیده برخی این تقسیم بواسطه داخل شدن بعضی کلمات آرای و مرور زمان نامفهوم و مخصوص دسته از موبدان گردیده بود، همان بود که مجدداً آنرا در زمان ساسانیان اصلاح و تفسیر و شرح جدیدی در پهلوی بر آن نوشتند و آنرا یازده موسوم ساختند. پس بهر حال خطی که اوستای کنونی بدان نوشته شده اصلش مقبوس از خط پهلوی است ولی الفبای آنرا اوستائی گویند. این خط بمثل سایر خطوط از راست بچپ نوشته میشده ولی بعضی اجزا و اشکال آنرا پنجاه دو حرف نویسند و گویند که آنرا در اوائل قرن ششم مسیحی بواسطه وضع حروف تازه و اعراب تکمیل نموده اند.

او یستا عبارت از مجموعه مضامین منمده است که قلم نظر از شروع آن در قدمت بعضی از اجزای آن بد بگرش نیز اختلاف است؛ چنانکه قسمت گساتارا با شهر روایات متعلق بزردشت دانسته و تالیف قسمت خورده او یستارا در زمان شاپور دوم نسبت می دهند، چه بطوریکه معلوم است زبان او یستای اصلی بازبان زندگی که در زمان ساسانیان نوشته شده خیلی ها فرق بهم میرساند و زبان آن بقراریکه مینگارند ساده و دارای حریت ادبی است. و جملات فصیح و شیرینی در ستایش خدا و وصف طبیعت در آن دیده می شود و همچنین از مزایای لفظی نیز خالی و بی بهره نیست و قسمتی از آن منظوم و مقفی بوده، گاتها مراسم مرود، مناجات و اشعار اخلاقی است که از لطیف ترین احساسات دینی آن عصر حکایت مینماید، و قدیمترین نسخه هایکه از او سنا کتون وجود دارد در سال ۷۲۶ هجری نوشته شده، و یکی از قسمتهای آن که یشت است مروده های است که باوزانت و تقطیع هجائی مروده شده است.

ونا گفته نامند: که او ستای اصلی بر انب بیشتر از آن بوده که اکنون در دست است چنانکه روایات تاریخی شاهد این مطلب است و او ستای موجوده عبارت است از پنج کتاب: یسنا، و یسپرد، یشت، و نندیداد و خرده او ستا. ولی برخی و یسپرد را ضمیمه یسنا دانسته اند و موضوعات اجراء آن بقرار ذیل است:

(۱) یا سنا مشتمل بر آداب مذهبی، تکالیف دینی و ادعیه که در مقابل آتش خوانده میشود. و روایتی گاتها (یعنی سرودهای مذهبی) نیز جزو آن است. (۲) و یسپرد، که محتوی آداب عبادت بوده تنه یا سنا است. (۳) و نندیداد که مشتمل است بر قوانین اخلاقی، تزکیه نفس و اخباری راجع بخلقت کائنات و بر رفتار برخلاف دیوان و اهریمن. (۴) یشت، مراسم و سرودها نیست راجع بجزدات علوی خلقت و جاودانهای مقدس و غیره و غیره (۵) خرده او ستا؛ که عبارت است از بعضی ادعیه که در ایام و شهور خوانده می شود.

دوره دوم زمان یونانیها و بعد از آن تا اسلام:

در زمان تسلط اسکندر و اخلاف او زبان یونانی و خط یونانی در افغانستان معمول و متداول گشته زبان رسمی قرار گرفت کتیبه ها و مسکوکات و غیره و غیره از آثار مکتوبه بنیامه بزبان یونانی نوشته میشد، حتی در زمان اشکانیان نیز زبان و خط یونانی زبان رسمی بود، و تمدن یونانی حکمفرمائی داشت. و جیم سلاطین این سلسله به ترویج و اشاعه تمدن، زبان، علوم و آداب یونانی مصروف بوده، خود را محب یونانیها میخواندند و بر مسکوکات خود خطوط و ارباب انواع یونانی را نقش می کردند.

چنانکه از مسکوکات آن عهد بخوبی واضح است و حتی برای خود القاب یونانی انتخاب کرده، تا داب با آداب یونانی را مایه افتخار خود میدانستند، تا آنکه در زمان فرهاد چهارم به بعد خط و زبان پهلوی که عبارت از تجزید زبان فارسی باستانی است بدیده ار گردید، چنانچه مسکوکات نیز بدان خط و زبان در بلخ و نواحی نزدیک آن بکثرت دستیاب میشود، این زبان همان زبان فارسی قدیم است منتهی تجزید شده، و در نتیجه سهل تر و بفارسی عصر ما نزدیکتر گردیده است. و این زبان تا انقراض سلطنت ساسانیها و استیلای عرب متداول و معمول بوده، لکن با آنکه فرق و جزئی تحریف، چه پهلوی زبان ساسانی در اصل خود همان پهلوی زمان اشکانی است منتهی درین دوره بواسطه اختلاط و آمیزش بعضی از لغات آریایی (هبری) و سانسکریت سانسکریت دیگری گرفته است.

اما خط درین دوره شکل دیگری بخود گرفت. و خط میخی دوره قدیم با خط یونانی از بین رفته آهسته آهسته خط آریایی جاگزین آن شد. چه رسم الخط پهلوی از خط آریایی اقتباس شده است این خط اصول منظمی نداشته و بهر صدائی هلامت مخصوصی ندارد. و در بهمرفته بد و صورت تحریر میکرده اند،

یکی هوزوارش و د بگری یازند .

در صورت اول الفاظ را بخط سامی مینوشتند و ترجمه آنرا در ذهن گرفته به تلفظ پهلوی آدای کرده اند ، یعنی در تحریر ، لغات سامی را مخلوط با کلمات پهلوی نوشته در قرائت آنرا به الفاظ پهلوی آدای نمودند ، اما در یازند ها نظور بیکه میوشته اند ، میخوانند یعنی کلمات و تلفظ هر دو پهلوی بوده . و چنانکه معلوم میشود ، این زبان تا زمانهای بعد از استیلای عرب نیز در بعضی از نقاط متداول بوده و ازین زرفته بود .

شمر درین زمان نیز بمانند اشعار او ستا هجائی بوده ، ولی احیاناً مطابق عروض عرب قابل تطبیع با قاعیل است .

اما اثر ایندوره شباهت زیادی بفارسی دوره بعد از اسلام میرساند . بجه زبان مذکور حد وسط و تفصیل بین فارسی قدیم و فارسی امروزی بوده و به عقیده اغلب اموزرخین و علمای السنه مؤولود فارسی قدیم و اولد فارسی کنونی است چنانکه گویند اگر در نوشته های پهلوی کلمات را عوض نموده بجای آن لغات فارسی امروزی گذاشته شود ، در ترکیب کلمات فرقی از فارسی کنونی نمی کنند .

از ارکان مهم و بقایای ادبیات پهلوی بطور بیکه در بالا اشاره رفقت ، کتب دینی زردشتی است که بایت لغت نوشته شده و قسمتی از آن متن اوستا و قسمتی در شرح او ستا یا در سایر مسائل مذهبی است ، و هکذا افسانه سازی و داستان سرائی است ، چنانکه مبدأ افسانه های قرن (۴ - ۵) هجری را تشکیل مینماید . از قبیل افسانه های وامق و عذرا ، سلامان و ابسال ، ویس و رامین ، سکندر نامه ، خسرو شیرین و غیره و موضوع داستانهای شهنامه استاد دقیقی بلخی مقتول در ۳۴۱ هجری نیز از زبان پهلوی ترجمه و اقتباس شده که بعد ها فردوسی (۱۰۵۱) بیت از آن را در شهنامه خود نقل و اقتباس نمود .

مورخین ، لغت این دوره را پهلوی و یا فارسی وسطی خوانده اند و تسمیه آن بفارسی وسطی جای اعتراض نیست . چه طور بیکه در بالا ذکر کردیم حقیقه لغت ایندوره از فارسی قدیم اشتقاق یافته و در همین حال و اولد فارسی امروز است . اماعت صحیح ووجه تسمیه آن به پهلوی معلوم نیست . در بنیاب نظریات مختلف و متناقضی بنظر میرسد . و از انجمله برخی لفظ پهلوی را محرف کلمه یارتنی دانسته ، یارتها (اشکانها) منسوب مینمایند ، و برخی کلمه پهلوی را به معنی شهر ادعا نموده ، و پهلوی را (بایلی نسبت) یعنی شهری میخوانند . و گریزند بواسطه که اهل شهرستانها بدان تکلم می نموده اند ، این زبان به پهلوی موسوم گشته . و گروهی گفته اند که کلمه پهلوی بمعنی نجیب و شریف است . و از باهتیکه پهلوانان ، اعیان و ارکان دولت که عبارت از نجیبای ملت اند بدان متکلم بوده اند . آت را پهلوی خوانده اند ، و صاحب مراجع اللغات ، پهلوی را منسوب به پهلو (یعنی ارکان و اعیان) نوشته ، گوید مجازاً این کلمه را بر محل اجتماع نجبا و اشراف (که اردو باشد) اطلاق کرده اند . و درینصورت فارسی پهلوی با اصلاح امروزی زبان درباریان بوده . ولی بقولی مرحوم فرست شیرازی ، بعضی زبان پهلوی را زبان اهل بلخ و بخارا گفته اند .

ناگفته نماند ، بعضی از مورخین و لغت شناسان اسلامی ، فارسی را به هفت قسمت تقسیم نموده اند . دری ، سفدی ، هروی ، سگری ، زاوی ، پهلوی و فارسی صرف . و برخی هوز دو نوع اخیر خوزی و سریانی نوشته اند ، و گروهی بنام باستانی نوع دیگری نیز بدان افزوده اند که مجموع آن ده شود . و درباره هر یک عقاید و آراء مخصوصی دارند . که تفصیل آن این مختصر را نشاید .

و از آنجا بیکه معروف ترین آنها دری بوده ، و به عقیده ما و برخی از لغویون اساس فارسی امروزی



ب نومره (۶) طرف المذخوب منقش برنجی که در حاشیه اش خط لاتین قدیم
قبل از اسلام تحریر است پیداشده است

ظرف منقش برنجی که در حاشیه آن خط لاتین قدیم مرقوم است و از غزنو پیدا شده (موزة کابل)
Plateau de bronze orné de dessins et de caractères de l'ancien latin, trouvé à
GHAZNI (Musée de Kaboul)



ظرف برنجی کا دارای خطوط کوفی است و گمان می رود بقرن چهارم هجری تعلق داشته باشد
Plateau de bronze orné de caractères kouféides (4è siècle de l'Hégire)
(Musée de Kaboul)

متداول این مرز زمین است. لهذا هر آنچه که درین باب بمطالعہ پیوسته است تذکار مینمایم.

راجع بوجه تسمیه و ماهیت این زبان نیز عقاید و آراء مختلفه از مورخین و شعرا بنظر میرسد. از آنجمله به عقیده بعضی کلمه دری منسوب بدروه (کوه) بوده و از باطنیکه باشندگان کوهستان ها و اهالی دره هابدان متکلم بوده اند. موسوم بدری شده و چون این زبان بواسطه انحصار خود در بین اهالی کوه پایه ها امتزاج و اختلاط با لغات دیگر نیافته، بصورت اصلی حفظ ماهیت کرده است از آن جهت فصیح ترین آنها است. ولی بقول ابن ندیم (نقل از ابن مقفع) دری زبان مخصوص دربار سلطنتی بوده است که اهالی دربار بدان تکلم می کرده اند. و گروهی زبان بلخ، بخارا و سرور را زبان دری دانسته اند و جمعی زبان اهل بدخشان را. و جاهتی گفته اند که زبان دری، مطلق زبان فارسی است. و فارسی امروزی همان است. و بقیده نگارنده همین دو روایت و نظریه اخیر مقرون جواب است. و سایر اقسام زبان فارسی که در بالا تذکاري از آن رفت عبارت است. از لهجه های مختلفه زبان دری، چه مراد از سکزی لهجه اهالی سیستان، از هر وی لهجه اهالی هرات، از سندی لهجه اهالی سند بوده و هلم جراً.

چه با وجودیکه در ماهیت فارسی امروزی اختلاف نیست لکن نظر بلهجات مختلفه هر مملکت و حتی هر شهری فارسی آن بنام همان مملکت و یا همان شهر خوانده میشود. چون فارسی افغانستان، فارسی ایران، فارسی بخارا و حتی فارسی هند و یا اختلاف لهجه بلاد متعدده هر مملکت را در نظر گرفته گویند. فارسی کابل، فارسی سمرقند، فارسی هرات و غیره در افغانستان، و فارسی طهران، فارسی مشهد و غیره در ایران. و مچنان معلول همین علت اختلاف لهجه و سبک بوده است. که میگویند سبک ترکستان یا خراسان (یعنی فارسی ترکستان یا خراسان) و سبک عراق و فارس و هند و غیره و غیره.

قسمت دوم

این قسمت را سه دوره تقسیم مینمایم، دوره اول از غلبه عرب تا استیلای مغول، دوره دوم عصر مغول و تیموریان، دوره سوم عصر حاضر.

دوره اول:

دو پهنه در آوان سلطنت یارها و ساسانیها تا اوائل اسلام بواسطه ظهور و تقریباً تا اندازه تعمیم منسوب بودایی در افغانستان اوضاع ادبی آن که مذم آن زردشتیزم باشد، چندان خوب نبود. و بواسطه رقابتها نیکه مابین پیروان کیش زردشت باخی و بوداییها حکمفرما بود. ادبیات این مرز زمین روسوی انحطاط میرفت. حتی بقرار روایات مورخین در اوخر آنشکده نو بهار که مرجع آمال زردشتیها بود. برهبان خانه بودایی تحول یافته زیارتگاه زوار و سیاحین بودایی گردید. و مسافرین و زوار از اطراف و اکناف مملکت بودایی زیارت آن می آمدند. بهر حال در ماررای هندو کش یا افغانستان شمالی بازم این هر دو کیش با هم همیشه در نزاع و مجادله بوده. زردشتیت هنوز تحلیل و کلاً مغلوب بود بزم نگشته بود. اما قسمت های شرق و جنوب افغانستان را بود بزم بواسطه قرب و تماس شان با هند کاملاً بلعیده. و حتی از زمان بقیه یونانی های باختر در صنجات شرقی و جنوبی افغانستان دین رسمی قرار گرفته بود. چه از آثار مکشوفه و بقایای تمدن آن عصر چون مسکوکات یونانی های باختر مجسمه های بودایی بامیان (و بعد ها بواسطه حفریاتی که فرانسویان در بعض نقاط افغانستان نمودند) اکتشاف بعض از صومعه های بودایی با بعضی از مجسمه های بودایی و ظروف و غیره آن عصر که از تپه سرخان (در جوار شهر کابل) و هده و بلخ و غیره جاها دستیاب گردیده، بخوبی این قضیه روشن و همگی بر نفوذ و غلبه دین و تمدن بودایی درین

سرزمین دلاکت می نماید. و این سلطه و نفوذ بودایی شامل است، تقریباً از قرن اول اسلام الی ۴ قبل از اسلام را در صفحات شمالی افغانستان والی ۶ و ۷ قرن و چندی را در قسمتهای شرقی، جنوبی، مرکزی و سایر نقاط افغانستان.

ابتدای این غلبه را سال (۳۱) هجری می توان شمرد. چه نظر بروایت مورخین حمله عرب استیلای عرب: در افغانستان شمالی بواسطه احنف بن قیس در سال مذکور آغاز یافت که در ایام خلافت خلیفه سوم عثمان رض بود، و بعد ازین حمله افغانستان بالتدریج میدان تاخت و تاز واقع شد. و هر چند بکه اهالی درین زمینه مقاومت و مخالفت های شدیدی در مقابل از خود بروز دادند. باز هم در اثر شقاق و تقاطع های داخلی و اختلافات مذهبی و غیره همگی به در رفته، چیزی پیش برده نتوانستند. و در نتیجه آمده است ایالت های مختلفه افغانستان یکی بعد دیگری با مراب تن داده در عرصه بکفرن اداره امور کشوری و لشکری آن بدست خلفا و دست نشانده گان آنها افتاد. و سلطنت افغانستان مسلمین امراب را مسلم شکست و خصوصاً از نظر علمی و ادبی و دینی در تحت نفوذ و استیلای آنها قرار گرفت. چه درین مدت بکفرن قسمت مهم اهالی این سرزمین دین اسلام را برضی و بعضی بزور همشیر و سیاست مجاهدین پذیرفتند.

و هر چند بکه این غلبه سیاسی امراب بواسطه ترویج و اشاعه دین مقدس اسلام، یک قلبه معنوی منجر گشته، تا اندازه توانست به تسلط و نفوذ مسلمین درین خاک کنگه نماید، ولی باز هم این ملت مغلوب در نفس الامر مقاومت های باطنی از خود بروز داده بحکم اقلیت مسلمین را در کثرت خود مغلوب و تحلیل نمود.

تمدن و افکار خود را در امراب نافه ساخته نهضت جدیدی آغاز نمودند، که عبارت از نهضت شعوبیه باشد، و اگر تمق شود این خود بزرگترین سیاستی بود که برای رهائی از قید اجانب پیش گرفتند. و بهمین جهت بود که تقریباً مدت سه صد سال جهال و کشمکش های متوالی در بین اهالی این سرزمین و مسلمین امراب جریان داشت. و نهضت های مذهبی جدیدی چه در داخل دایره اسلامیت و چه در خارج آن ظاهر گشت. مانند ظهور طائفه جهیه، کرامیه و کعبیه و غیره از معزله در نقاط مختلفه افغانستان که مفصل عقائد آنها در الملل و النحل شهرستانی مذکور است. و همچنان خروج آستاد سبیس در هرات و بادغیسای و سیستان. و درین جمله از شعرای شعوبی بشارین بردنخارستانی را نباید فراموش کرد. که از علم داران بزرگ و در حقیقت پیشوای شعوبیه بشاری رود.

تا آنکه در اثر این همه نهضت های مذهبی و غیره نهضت سیاسی بزرگی نیز در قزت سوم بر روی کار آمده، اساس امیراطوریت عرب را متزلزل ساخت و آن عبارته است از تاسیس سلسله طاهریان و صفاریان که در خراسان و سیستان. هرات و بلخ سلطنت نمودند.

درین مدت دو صد سال نفوذ دینی عرب در افغانستان، زبان عرب نیز نفوذ بزرگی احراز نمود. و بطوری رواج یافت که اکثریه از علمای این مملکت تألیفات خود را بزبان عربی. نمودند و بدان زبان سخن می گفتند. و مراسلات و مکاتبات خود را به عربی می نوشتند، و در حقیقت یکی از علل مهمه عدم انکشاف ادبیات فارسی درین سه قرن بر علاوه اسباب مذکوره همین نفوذ زبان عربی بود که آن ناشی از عقیده بود که مسلمین در آن دوره تنها بر آن مجید و علوم دینی اکتفا نموده اهتمام بساگر علوم را ننموده و بیهوده میدانستند، و درینصورت ناچار زبان فارسی نیز متروک و طرف توجه قرار نگرفته بود. و باوجود آنهم نباید فراموش کرد. که با اینکه سلطه و نفوذ زبان عرب، باز هم فارسی متروک و از رواج افتاده، تا یک اندازه تأثیرات در زبان عربی نمود. از قبیل دخول کلمات فارسی در زبان عرب مانند کس، ستون، کوه، کمانچه و غیره و هر به این

کلمات را معرب نموده، در محاوره خود بکار می بردند، حتی علماء و شعراى ایشان نیز در اشعار و مولفات خود کلمات موصوف را ابراد نموده اند.

آغا استقلال افغانستان و تشکیل ادبیات فارسی در قرن سوم :

در سال ۲۰۰ هجری طاهر ذوالیمینین حکمران خراسان شد، و مدتی پنجاه سال واندی سلطنت او را مسلم آمد. و همچنان در سال ۲۵۳ هجری سردی بنام یعقوب بن لیث صفار در خراسان اساس صفاریان را گذاشت، و پس از اندک مدتی در ۲۷۹ هجری سامانیان از آنها پیروی نموده؛ سلطنت جداگانه قایل نمودند، چنانکه شرح مفصل آن در کتب تواریخ مسطور است این دو سلسله اخیر بر علیه زبان عربی تعصب شدیدی داشتند و برخلاف زبان عربی زبان فارسی را ترویج نمودند. و در بار آنها زبان فارسی زبان رسمی بود. و سخن مرایان، زبان فارسی فصیح غرضی در مدح آنها می سرودند و آنها را از حمایت از زبان فارسی و ادبیات آن جرات و صلاحات گران بهائی با آنها بدلی می بخشیدند، و ازین روی توان گفت که آنها تمدن تاریخی خود را دوباره زنده نموده، بزبان نیاکان و اجداد خود رونق تازه بخشیدند، در حالیکه چندی متروک و از رواج افتاده بود، و بدین باعث ادبیات فارسی را رهن مساعی این دو خاندان و قرن سوم را ابتدای ظهور آن باید دانست.

پیداایش فارسی کنونی :

راجع بچگونگی تحول زبان پهلوی بفارسی امروزه تا بقی در دست نیست که بتوان کوائف تحول آن را بطور مثبت نگاشت ولی تنها اینقدر حدس زده می شود. که فارسی پهلوی با وجودیکه تا قرن چهارم هجری وجود داشته ولی این وجود آن منحصر محیط کوچکی و مخصوص طبقه روحانیون زردشتی بوده است و در طبقه عامه از اوائل استیلای اسلام با بنظر ف شیوع نداشته و همان است که پس از آن در اثر استیلای عرب و اختلاط امتزاج آنها با ساکنین این دیار و بالاخره از باعث تمیم و اشاعه سلطه و نفوذ دینی، سیاسی و لسانی مسلمانان اعراب درین مدت سه قرن تغییراتی در زبان مذکور تولید یافته، رفته رفته بوسیله اختلاط و امتزاج کلمات عربی که بتازگی با دیانت و سیاست آن داخل این سرزمین شده در مراحل رشد و نمو بود، به زبان فارسی کنونی تبدیل شکل نمود چنانکه وجود کلمات عربی در قدیمترین آثار ادبی این عصر نه از لحاظ ضرورت و احتیاج شاهد این مطلب است و از خصوصیات این زبان به نسبت زبان پهلوی نوشته شدن آن است، بالفیای عربی، که آن نیز از بزرگترین ارمغان های زمان سیادت و نفوذ سیاسی و دینی و لسانی مسلمانان عرب بشمار میرود.

نخستین شاعر و شعر در فارسی کنونی :

راجع به نخستین شاعر و قدیمترین شعر فارسی کنونی در بین مورخین و تذکره نویسان اختلاف است، و در همین حال روایات آنها با اندازه مشوش و خالی از تحقیق است، که نمی توان بدان وقعی را قائل شد. لهذا چنین عقاید و افکار بیکه متراسر سقیم و حقیقی ندارد، بدیهی است که بیان و تفصیل را نشاید؛ و همان است که از تذکار آنها صرف نظر شد.

و با وجود آنهم بنا بر وایت استاد میرزا محمدخان قزوینی بحواله طبری و ابن قتیبه و ابوالفرج اصفهانی و جاحظ و فقره شعر بنظر میرسد که می توان قدیمترین شعر فارسی امروزى آنها را دانست. ولی این نیز بواسطه که نوعی از تصنیف و یا باصطلاح وطنی ما (از اشعار کردکی) بشمار میرود، بدیجهت آنرا نیز در اعداد اشعار ادبی حساب نکرده، و موضوع را مسکوت عنه میگذاریم.

ولی یا یانتر آمده . بعضی ازنند کرده نو یسان ، ازدو شاعر اسم برده اند که نظر بروایت آنها این دو نفر نخستین شاعر فارسی بعد از اسلام بوده و قصائد آنها قدیمترین شعر فارسی میباشد . و این دو نفر عبارت اند از حکیم ابو حفص سغدی ثمرقندی ، و ابوالعباس مروزی ، که اولی بنا بر تصریح شمس الدین محمد بن قیس رازی در حدود (۳۰۰) هجری میزیسته ، و دومی در ۱۹۳ هجری در شهر مر و قصیده در مدح مامون گفته و گو یا این شخص نیز بظن غالب در آخر قرن دو و نیمه اول قرن سوم زندگانی بسر می برده .

و ما در ین باب به تحقیقات عمیقانه استاد مو صوف میرزا محمد خان قزوینی که حقیقه داد تحقیق را داده است استناد نموده و سعی بر وایت آنها نمیکند داریم . چه مشار الیه مو صوف ، ترکیب کلمات ، سبک و اسلوب قصیده را که ابوالعباس مروزی نسبت دادند تحت دقت و مطالعه گرفته . حکم به مجبولیت آن میناید و عقاید قسمت مهم از مستشرقین فرنگی را نیز در ین مورد رد و تزییف نموده از نشأه چنین اشتباهی از آنها اظهار تعجب میناید .

و همچنان در نخستین شاعر بودن ابو حفص سغدی ثمرقندی نیز زمان حیات وی را در نظر گرفته ، از روی آن حکم با بطال ادعای آنها میناید . پس در ین صورت ثابت میشود که نخستین شاعر فارسی کنونی از اهالی افغانستان بوده ، و هم نخستین شعریکه در فارسی کنونی گفته شده است همدارین مملکت بوده است ؛ و اوست حنظله یاد غیبی از معروف ترین شعرای دوره طاهریات ؛ مشار الیه در زمان حکمرانی عبدالله بن طاهر زندگانی بسر می برده و نظر بروایت عروضی ثمرقندی احمد بن عبدالله خجستانی از اسرای صفاریان وی را دیدار نموده ؛ و قرائت قطعه معروف وی فطمه ؛

مهرتری کر بکام شیر در است شو خطر کن ز کام شیر بجوی
یا بزرگی و عز و نعمت و جاه یا چو مردانت سرکه رویا روی

در حال احمد نایب نموده ؛ بحسارت وی افزوده تا آنکه از خربندگی بامارت رسید ؛ و بیش از این قطعه و یک قطعه دیگری که در تذکره ها از و نقل کرده اند اشعار دیگری از و بنظر نرسیده . در حالی که دیوانی داشته است . و فانش بروایتی در سنه ۲۱۹ و بروایتی ۲۲۰ و مسلماً قبل از ۲۶۰ هجری وفات یافته است .

و بر علاوه هم در آزمون به اسم شقیق بلخی عارف معروف که در ۱۷۴ هجری مقتول گشته نیز اشعاری نسبت میدهند . و شاید او را در جای خود او این شاعر فارسی در حوضه بلخ و توابع آن شمرده و اوست نخستین کسیکه در تصوف پیچیده و در علم حال تیر زو لیاقتی بهم رسانیده

پس از آنکه یعقوب بن لیث صفار در ۲۴۷ هجری از مردم سیستان صفاریان و شعرای آنها : بیعت گرفت و در سنه ۲۵۹ محمد بن طاهر را مغلوب و اسیر نموده بالذکر بلخ هرات ، بلخ ، طخارستان و غیره را متصرف شده طاهریان را منقرض و سلطنت صفاریان را نهاداب گذاشت . همان است که توجه خاصی با حبابی زبان . اداب و رسوم ملی میبدول داشت . و مشار الیه بواسطه که در دور دسترین نقطه از خلافت عرب اولد یافته بود بدان جهت عربی نمیدانست و چنانکه معروف است مدایحی را که بزبان عربی در مسجد جمه به پیش او خوانده شد ندانست ، و همان بود که دبیر معروف او محمد بن و صیف سکزی آن مدایح را بشعر فارسی ترجمه و به پیش گاه وی تقدیم نمود ، و گویند این قضیه در سال ۲۵۳ هجری یا اتفاق پیوسته بود ، پس از ین رو نخستین کسیکه در سیستان شعر فارسی گفته محمد بن و صیف سکزی است .
مشار الیه بنا بروایت صاحب تاریخ سیستان دبیر یعقوب بود و در مدح وی پیارمی شعر گفته و تا سال ۲۹۶ هجری در قید حیات بوده است .

و این دو نفر را بواسطه که اساس شعر فارسی را ریختند، موسس ادبیات فارسی کنونی باید خوانند. این بود احوال ابتدائی نظم در قرن سوم هجری و زمان سلطنت طاهریان و صفاریان، اما متأسفانه از شعر فارسی این عصر بجز از مقطعات و جمله های متشتت و پراکنده که در بعضی از کتب تواریخ مانند کامل ابن اثیر و طبری بظن میرسد، چیزی معتد بهای نمانده است، تا آن را تذکار و مطرح قضاوت قرار داد.

عصر سامانی و زرق ادبیات فارسی :

جدان خاندان که از اشرف بلخ بوده سامان نام داشت بدینجهت این خاندان را سامانی خوانند. ابتدا از افراد این خاندان احمد بن اسد بن سامان از طرف ما، و بن خلیفه عباسی بحکومت یک قسمت ما و را ۱۰۱۰ النهر تقرر یافت. بعدها پسر وی نصر در ۲۶۱ هجری از طرف متمد خلیفه عباسی بحکومت تمام ما و را ۱۰۱۰ النهر را مسلم گشته برادر خود اسمعیل را بنیابت خود در بخارا روانه داشت، تا آنکه پس از وفات نصر در سنه ۲۷۹ ه اسمعیل حکمران با استقلال تمامی ما و را ۱۰ النهر و خطه بلخ شده مشارالیه پس از غلبه بر مرو بن لیث صفار که از دشمنان خلفا بود و فرستادن او در بغداد یاداش آن فرمان حکومت ما و را ۱۰ النهر، خراسان، سیستان طهارستان و غیره و غیره را دریافته، حدود مملکت خود را از سیر دریا تا اواسط عراق هجم بسط داد، و سلسله بنام سلسله سامانی تشکیل نمود. نام استقلال برافراشت، و مدت سلطنت این خاندان (۱۲۸) سال بوده آخرین پادشاه این خاندان عبد الملک بی نوح است.

دوره حکومت سامانی رامیتوان دوره ترقی و پیشرفت زبان و ادبیات فارسی شمرد. و بواسطه که ایشان پیش از دو خاندان سابق خود در احیی زبان فارسی و ترویج ادب و رسوم ملی خدمت نموده اند، لهذا در تاریخ ادبیات این مملکت مقام شاخی را احراز کرده اند.

نظم فارسی که در زمان حکومت طاهریان و صفاریان نوپیدایش یافته بود درین دوره قدم به عرصه نظم : رشد و نمو گذاشت، و سخن سرایان زیاددی بنامند شهید و ابو شکور بلخی، رودکی و دقیقی و غیره ظهور نموده تهاد ادبیات فارسی را متین تر ساختند؛ و این ممکن نبود مگر در اثر همت بلند و تشویق و حمایت سلاطین این سلسله از شعر اگویندگان سخن، چه و شار الهم همیشه شعر ارا در دربار خود راه داده بواسطه جوایز و صلوات گران بهای خود نوازش می نمودند، و به مرورن اشعار فارسی و بیشتر ادبیات آن تشویق و ترغیب و از همه معروف تر در بین آنها نصر بن احمد سامانی بوده است که حامی و پناه گاه جمیع شعر او دانشمندان آن عصر بود، و از طرف دیگر گویندگان و شعرای معاصر آنها نیز زبان به ثنا خوانی و ستایش امرای مزبور و کشود، داد سخن را دادند. و ادبیات مشعش قرن پنجم هجری با عصر غزنوی را تمهید نموده، کنجینه های بزرگی بر آنتب بهتر از لالی شهوار بما یاکار گذاشتند که ارباب ادب و معارف پژوهان بقدر و قیمت حقیقی آن بهتر میدانند.

هوفی در لباب الالباب از بیست هفت تن از شعرای این دوره اسم می برد. و ما شعرای این دوره : از تذکار اساسی و مختصر احوال همه آنها درین مختصر خود داوری نموده تنها به معرفی آنانیکه افتخارات شان با عائد است، می بردیم.

یکی از معروفترین شعرای این دوره ابو الحسن شهید بن حسین بلخی است که از شعرای ذواللسانین است وی بفارسی و عربی شعر می گفته، و در ادبیات این دو زبان مهارتی بسزا داشته، چنانکه رودکی او را شاعر مطلق دانسته. و فرخی سیستانی اشعار او را بدلا و بزی و نثری می ستاید، و گذشته از شاعری خطاط معروف

عصر خود بود، در علوم فلسفی اشتهار کامل داشت گویند، با محمد بن ذکریای رازی طبیب و حکیم معروف مباحثات داشته. وفاتش یقیناً قبل از سال ۳۲۹ هجری (که سال وفات استاد رودکی معروف است) بوقوع پیوسته، چه رودکی در او مرثیه دارد.

و دیگری ابوالؤید بلخی است. که موبدی تخلص می نموده. وی از کسانی است که پیش از همه نوشتن شاهنامه پرداخته است، و در کتب بهای قدیم چون قابوسنامه نام آن دیده می شود و هم او یوسف زلیخا را نظم کرده، و بر علاوه در دبیری نیز ید طولانی داشته و در نشر دو کتاب تالیف نموده است. که یکی از آن شاهنامه وی است و متأسفانه نسخه آن از میان رفته و دیگر کتابی ست در عجائب البلدان و این کتاب اخیر را بنام نوح بن منصور (۳۶۶-۳۸۷) ترتیب داده از اشعار او بد بختانه بجز از چند بیت برآگنده چیز دیگر باقی نیست.

و دیگری از شعرای بزرگ عصر سامانی ها ابو شکور بلخی که عوفی در لباب کتابی موسوم با فریت نامه را بوی نسبت می دهد، که در سال ۳۳۶ هجری تالیف آن انجام یافته است و گویند ابو شکور از نخستین کسانی بود که مثنوی ساخته اند و چهار مثنوی نظم کرده بود ولی غیر از چند بیت از اشعار او زیاده تر بنظر نرسیده.

و دیگری ابو عبدالله محمد بن صالح ولوالجی بوده است (ولوالج اسم تاریخی رستاق امروزی است) که تذکره نویسان از او تمجید نموده اند و متأسفانه راجع بشرح احوالش چیزی بنظر نرسیده.

دیگری ابو عبدالله محمد بن حسین معروفی بلخی است. وی معاصر امیر رشید عبدالملک بن نوح بن نصر (۳۰۰-۳۴۳) بوده است و در مدح مشارالیه قطعه گفته است، و ازین معلوم میشود که در اواسط قرن چهارم زندگانی بسر برده، و از اشعار وی جز اندکی باقی نیست.

و دیگری از بزرگترین و معروف ترین شعرای این عصر استاد ابو منصور دقیقی بلخی است. اسم وی محمد بن احمد یا محمد بن محمد بن احمد است و کتبه اش ابو منصور که دقیقی تخلص می نموده است. مشارالیه از شعرای بلند مرتبه و ارجمند فارسی است، چنانکه قدرت طبع و قوت اسلوب وی از مطالعه اشعار او پیدا است. و استادان بزرگی بمانند عنصری و فرخی با استقبال بعضی از قطعات او برآمده ولی هیچک بدان خوبی از عهده بر نیامده اند، مشارالیه با امیر ابو صالح منصور بن نوح و امیر ابو القاسم نوح بن منصور معاصر بوده و این هر دو را مدایحی گفته است. و گویا به امر سلطان اخیر بنظم شاهنامه پرداخته و بیست هزار بیت از آن برشته نظم کشیده بود، که ناگهان بیک اجل در رسیده، در جوانی به حدود سال (۳۴۱) هجری بدست یکی از غلامان بقتل رسید. و همان است که فردوسی یک هزار ۱۰۰۴ بیت از شاهنامه او را در شاهنامه خود نقل و اقتباس نموده است و بر علاوه این چند تن از شعرا که اسم برده شد، عده دیگری هم وجود دارند. که از شعرای میرز این عصر بشمار می روند، و قسمتی از آنها در داخل افغانستان بوده، و بعضی هم از نقاط دور دست آمده، در دربار سامانیها امر ارحیات و از جوانی و صلوات گران بهای آن ها استفاده ها برده اند، و به عوض در استوار نمودن نظم فارسی خدمات بزرگی انجام داده اند، یا تند استاد ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی ثم قندی، ابوالفضل بخاری، ابوالحسن علی بن محمد غزنوی لوگری، ابوالعباس فضل بن عباس ربنجی، ابوشعب هروری، ابوالمؤید رونقی بخارایی، استغنائی نیشابوری، معنوی بخارایی، طغاری تخارستانی و غیرم از ایشان که هر یک در جای خود مقامی را در تاریخ ادبیات فارسی اشتغال نموده اند.

و بر علاوه سامانیها مقارن بهمین عصر امرای چغانی که دست نشانندگان سامانیان اند نیز از امرای معارف بزرگ ادب و دست بشاری روند، و بواسطه که حکمرانی چغانیان از طرف نصر بن احمد سامانی با بوبکر محمد بن مظفر بن محتاج چغانی تفویض و سیرده شد، ویس از و پسران مشارالیه تا او آخر قرن چهارم و زمان محمود بالا استقلال در آن دیار حکمرانی داشتند، و چون ابن خاندان ازد دست پرور دکان آل سامان بشمار رفته، متادب با آداب سامانی و رسوم در بار آنها بودند، همان بود که بر بیان خود تأسی و تقلید جسته، بشمار دوستی و شاعر یزوری اهتمام نمودند، و در این راه از هیچ یک نوع ایثاری فرو گذار نکردند، در بار ایشان همیشه مرجع شعرا و فضلی آن عصر بوده هرکس بقدر استعداد و لیاقت خود از آن بهره یاب میشد.

و از شعرای این سامان یکی ابو محمد بدیم بن محمد بن محمود بلخی است که با ظاهر بن فضل چغانی متوفی (۳۷۷- هجری معاصر بود، بدیم بر وایتی بدایمی تخلص داشته، و بغیر از اینکه اندکی از شعرا و باقیست مثنوی بنام بنده نامه نوشید و آن نیز با و نسبت داده اند.

و دیگری منجیک ترمذی است، مشارالیه از فحول شعرای قرن چهارم هجری بشمار رفته، معاصر ابوالمظفر طاهر بن فضل بن محمد بن مظفر چغانی است که خود او نیز از شاعری بهره داشته، وفات منجیک در سنه (۳۷۷- ۳۸۰) هجری است. و بر علاوه شاعری در موسیقی نیز دستی داشته است.

نشر فارسی درین عصر:

با وجودیکه نشر فارسی درین عصر پیشرفتی حاصل نموده، باز هم بیایه نظم آن دوره نمیرسد، و علت آن شیوع بازار مداحی است. چه اتحاد منافع بین گویندگان و مشوقین مستلزم آن شد که هر دو طرف به پیشبرد و ترقی شعر توجه بکنند، چه از یکطرف امرای آن عصر برای بلند بردن نام و نشان خود از باعث رقابت و هم چشمی با خلفا و رقبا ی خویش، و از طرف دیگر گویندگان و شعرا بنا بر احتیاج و گذرانند معاش به سرودن قصائد و شعر اهتمام فوق العاده نموده و به نشر کثیر اهمیت میدادند، و در نتیجه همان بود که شعر پارسی بیایه بلندی رسیده، برخلاف آن در شرچندان یک نهضت و جنبشی بعمل نیامد، ولی باز هم توده از دانشمندان بتالیف و ترجمه کتب متعدده همت گماشته، از آن رو تالیفات چندی در آن عصر دیده میشود.

از آنجمله یکی ترجمه فارسی تاریخ کبیر ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید طبری (متوفی در ۳۱۰) هجری است که توسط ابو علی محمد بن محمد بن عبدالله البلمعی متوفی ۳۸۶ هجری وزیر منصور بن نوح بن نصر بن احمد بن اسماعیل ششمین پادشاه سامانی که از (۳۵۰- ۳۶۶) سلطنت نمود انجام یافت. بلمعی تاریخ طبری را بفرمان پادشاه مذکور در (۳۵۲) (پنججاه سال بعد از تالیف کتاب) بحذف اسانید و احادیث مکرره بفارسی ترجمه نمود، و ازین ترجمه نسخ متعدده موجود است، و بطبع نیز رسیده.

و دیگری ترجمه تفسیر کبیر طبری موصوف است که آن نیز بحکم منصور مذکور بفارسی ترجمه شده و تاریخ این ترجمه معلوم نیست و همچنین مترجم آن، و چنانکه استاد میرزا محمد خان قزوینی می نویسد دو نسخه ناقصی از آن موجود است یعنی مشتمل به جلد اول از هفت جلد، یکی از آن نسخه نیست بسیار نفیس و ممتاز و قدیمی مشتمل بر تفسیر قرآن از سوره فاتحه تا سوره النساء در کتابخانه پاریس که قبل از سنه ۶۳۴ استنساخ شده و دیگری از آن در کتابخانه موزه بریطانیا در لندن که مشتمل است بر سوره فاتحه تا سوره اله آمده و این نسخه مورخ است بسنه ۸۸۳ ه.

و دیگر کتابی است در مفردات طب موسوم به (کتاب الابنیه عن حقایق الادویه) تالیف ابو منصور موفق بن علی هروی که آن نیز در عهد منصور بن نوح سامانی تالیف شده، و ازین کتاب نظر بقول قزوینی فقط يك نسخه منجمه بفرید که بخط علی بن احمد طوسی اسدی شاعر معروف است، و در ماه شوال سنه ۴۴۷ استنساخ شده و در کتابخانه «ویانا» موجود است.

و دیگر شاهنامه بوده است به اشرف فارسی تالیف ابوالوید بلخی و همچنان عجائب البلدان او که تالیف هر دو در نیمه اخیر قرن چهارم است.

و علاوه بر این در اثر تشویق سامانیها کتب دیگری نیز در آن عصر پیاری تالیف شده، که مؤلفین آنها اکثریه از سائرممالک فارسی زبان بوده. روزگار سامانیها بسری برده اند.

چون ناج المصادر (در لغت) تالیف رودکی و ترجمه سند باد نامه که (بفرمان نوح بن منصور) خواجه عمید ابو الفوارس فناووزی آنرا از پهلوی بفارسی ترجمه نمود. و حدود العالم من المشرق الی المغرب که مؤلف آن معلوم نیست و غیره و غیره.

يك نظر اجمالی به ادبیات آن عصر :

زبان این دوره زبانی است بسیار سهل و روان و در آن لغات منلق و مهجور، ترکیبات خشن و نامانوس کم دیده میشود و بواسطه نویدانی شعر و ادبیات در آن دوره، شعرا و ادبا مجال تفنن و تصنیع نیافته، از استعمال کلمات مترادف و تحذیفات لفظی و غیره و غیره تکلفات شعری (که در قرن بعد اشاعه و رواج عام یافت) فرو گذاشت نموده اند. ترکیب کلام و جمله بندیهای شعری آن عصر، با زبان متداول امروزی فرقی نمیکند، و بهیچ رنگ ما در مطالعه اشعار آنها دوچار مشکلات نمی شویم. و همچنان تشبیهات آن عصر عموماً ساده و طبیعی است و تمایلات شان بحقیقت مقرون، در مدح سادگی شعرا آنها بوده، غلو و اغراق های نامطبوع در آن کمتر بکار برده اند، و همچنان در عجز از استعمال کلمات رکیک و لغات مستهجن حتی الوسم خرد ادری نموده اند. و در پیهمرفته از جیم اشعار آنها صدق عاطفه و قوت احساس متکلم بطور وضوح نمودار گشته، هر يك پارچه از ادبیات آن عصر حاکی از نشاط روحی و احساسات مرشارگرینده آن است.

و در آن افکار بدبینی که مولود عصر استبداد و اسارت است، بسیار کم بشما هده میرسد، بلکه کلمه بدبینی و ناکامی قطعا در آن عصر و محیط مفهوم و مصداق نداشته، و شاعر در همه جا از کامروائی، وصال معشوقه بی فکری و بی پروائی در امور زندگی، ثروت و تحول و بالاخره از رسیدن بآمال و آرزوهای قلبی خود با عدم اندک تردید و تزلزل در عقیده بحث مینماید، که گویی چنان از عصر و محیط خود راضی و خوشنود است که نه گذشته را قابل تندکار و نه آینده را شایان انتظار می شمارد. و این خود بهترین دلیل است در تاثیر محیط در ادبیات.

اهالی افغانستان و ادبیات عرب :

درین عرصه صد سال استیلای مسلمین عرب در افغانستان، چنانکه در بالا تذکار نمودیم، زبان عرب نیز به موفقیت بزرگی نائل آمد، و بطوری رواج یافت که اکثریه از فضلا و دانشمندان این سرزمین

بتالیف نمودن در زبان عربی برداخته، مراسلات خود را بزبان عربی می نوشتند، و حتی بدان زبان سخن می گفتند، و به نیت زیارت و سیاحت در ممالک عربی مسافرت های نمودند.

و علل مهمه آن یکی نزول قرآن شریف در عربی و وجود فرایض دینی اسلام است، علی الخصوص حج و نماز، که هر یک دارای مناسک و آداب مخصوصی است که مسلمین دیانتاً بایقای آن مکلف و مجبور اند. و در نتیجه همان بود که حج بیت الحرام مستلزم مسافرت آنها در ممالک عربی و اختلاط شان با ملت عرب شده و در نماز دانستن و بحفظ داشتن آیات قرآنی و سایر ادعیه از ضروریات است چه بدون دانستن مناسک و آداب آنها حج و نماز صورت پذیر نیست.

و دیگر از علل آن تر و بیج و تعمیم شریعت و مراعات اسلامی است درین دیار، و این نیز از مسائلی است که محتاج عایه عامه مردم بوده تا اندازه دانستن قوانین و مسائل شرعی را ایجاد می نمود. و این ممکن نبود مگر بوسیله تحصیل زبان عربی و استفاده از کتب فقه اسلامی و دیگری از علل آن بر دلاوه سیادت و حکمرانی مسلمین عرب درین ممالک و وجود امیرانی بود که مسلمین آنها را در محاربات ازین مملکت اسیر و سکنیه نموده بصورت غلام در نزد خود هانگهداشته، و یاد در مقام خلافت و سایر اقطار عربی می فرستادند، و آنها را بملت مشرک و مجوس بودن جائز البیسم دانسته موالی نام می گذاشتند، و بکارهای پست و خدمات خود گماشته و به سببیکه شریعت اسلامی درباره غلام و کنیز جو از داده، هما نظور با آنها معامله و رفتار می نمودند و این نیز در جای خود در تحصیل و آموختن زبان عربی و آداب عرب برای آنها کمک و مساعدتی نموده است.

و دیگر از علل آن در او آخر خاندانهای طهریه، صفاریه و آل سامان است که آنها نیز با خلفای عباسی معاصر بوده، و با ایشان سروکاری داشته اند، و گذشته از آن درین سه قرن زبان عربی نیز بواسطه ترجمه شدن کتب متعدد در علوم مختلفه، حکمت و فلسفه و غیره، دارای سرمایه کافی گشته، چاب توجه شایقین علم و ادب گردید.

پس در اثر علل مذکور از صدر اسلام باینطرف آهسته آهسته این ملت با عرب ها اختلاط و امتزاج یافته بفرافرفتن زبان و ادبیات عرب و آداب و مراسم دینی ایشان قسمتی از انبیا و قدمتی غیر ارادی آغاز نموده، و درین زمینه چنان استعدادها و شخصیت های مبرز از همین ملت مغلوب و امیرای آن ظهور نمود که دین اسلام، و تمدن عربی با تمام شعب خود تا بدر همین خدمات آنها است، و این نبود مگر ناشی از حس انتقام و اثبات لیاقت، و استعداد ذاتی افراد این ملت در مقابل آنانیکه بنظر بی پروائی با آنها می نگریدند، و معاملات مناسی با آنها نمیکردند.

و بدینجهت بود که افراد این ملت بهر چیزیکه می گماشتند لو که آن چیز خاصه عربها باشد، چون لسان، و ادبیات آنها نفوق و استعداد خود را در آن ثابت ساخته، گوی لیاقت از آنها ربوده اند. حتی مسائل دینی و شریعت اسلام را آنها ترتیب و تدوین نموده اند.

و از چنین اشخاص یکی امام ابوحنیفه نهان بن ثابت است و الدش از امیرای کابل بود و خود او در کوفه تواند یافته و بدان سبب بکوفی معروف است، این بزرگوار از فحول علمای فقه و مجتهدین در صدر اسلام بشمار رفته، و تالیفات مهمی در زبان عربی دارد، هموست که مذهب حنفی را تاسیس نموده، مبنی اجتهادش از روی قیاس و عقل بود، الحاق در میان مذاهب فقه از مذهب حضرتش کرده و وسیع تر و نزدیکتر با آداب مدنیته مذهبی نیست و از تالیفات اوست کتاب فقه الاکبر که مبنای فقه حنفی بشمار میرود، و تولد و وفاتش در سال (۸۰-۱۵۰) هجری با اتفاق میوست.

و دیگر از آن شخصیت ها، شاهره معروف عباسی ابو معاذ بشار بن برد تخارستانی است که از شعرای مولد بن بشا میرود، وی مردی نایب بود، از پیشوایان شعوبه است، چنانکه از وضعیت آن زمان بستوه آمده، منصور خلیفه عباسی راهجو نمود، در اثر آن مورد شکنجه و عتاب قرار گرفت تولد و وفاتش در ۹۵ - ۱۶۷ هجری.

و دیگر از سیاهای اداری و سیاسی آن عصر و زمان سیاستمدار عالی مقام افغانستان ابوالفضل یحیی بن خالد بن برمک بلخی است، باسران خود فضل و جعفر، وی را سید اهل برمک خوانند، اوست مودب، معلم و صریحی هارون الرشید خلیفه عباسی، هم اوست که در جودت و حسن سیاست مشهور بین خواص و عوام بوده هارون او را «یابی» خطاب می نمود. تولدش بسال (۱۲۰) هجری بوده در ۱۹۰ هجری در محبس بغداد وفات نمود و دیگر از لغویون زبردست و مشهور آن عصر ابوالحسن سعید بن مسعود معروف باخفش بلخی است، که از موالی بنی مجاشع بود و بدان سبب مجاشعی معروف است، مشارالیه از مبرزترین رجال نحوی بصره و از آئمه لغت و سادات اساتید عربیت بشاری رود.

و بر علاوه در کلام اهل علم متکلمین و در جدل از حاذق ترین افراد عصر خود بود، و اوست که «بحر النجب» را به تعداد یازده بحر عروض عرب (موضوعه خلیل فراهیدی) بیفزود، وفاتش بر روایتی در سنه ۲۱۰ و بر روایتی در ۲۱۱، ۲۱۵، ۲۲۱ بوده است.

و دیگر از فاضلات حدیث ابورجاف قتیبه بن سعید بن جل بن طریف بن عبدالله بغلانی است، که از موالی حجاج بن یوسف ثقفی بود، و اوست که در حدیث مهارتی بسزا داشته و امام بخاری ۳۰۸ و مسلم ۶۶۸ حدیث در صحیح خود از او روایت کرده اند. تولد و وفاتش در (۱۴۱ یا ۱۵۰ - ۶۴۰) هجری و همچنان دیگر ابوعثمان عمرو بن عبیده بن باب که از معارف متکلمین و زیاد و از شیوخ طائفه معتزله است جد وی باب از امرای کابل و از موالی بنی هقیل بود، تولدش بسال چهارم هجری و در تورع و زهد از نخبه سر بر اوردگان عصر خود بوده، در استغناء و مناهات نفس نظیری نداشت. اوست که با ابو خدیفه واصل بن عطای معتزلی معروف بغزال بکجا با تفاق همدیگر بتاسیس مذهب اعتزال و تشکیل طائفه معتزله پرداختند، وفاتش را بسنوات ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۸ نوشته اند، و نظر بر روایت دائره المعارف اسلامی یگانه کسی است که خلیفه زمان ابوجعفر منصور او را رثا گفته.

و دیگر از دانشمندان و منجمین زبردست، درین دوره ابومعشر بن محمد بن عمر بلخی است. مشارالیه در ابتدا از اصحاب حدیث بود، و سن ۴۷ سالگی به تحصیل علم نجوم پرداخته و در آن اشتیاری بسزایافت و گویند بر علاوه علم نجوم و حدیث در تاریخ هجم و اخبار سائر ملل از عالم ترین مردمان عصر خود بود، و پس از زندگانی درازی در «واسط» بسال ۲۷۲ هجری که نزدیک صد سال از عمرش رفته بود، ازین جهان در گذشت، و تالیفات او متجاوز از چهل کتاب بوده و هر یک بجای خود بسی مهم است.

و دیگر ابولقاسم عبدالله بن احمد بن محمود الکعبی است وی از متکلمین بشمار رفته، موسس و رئیس طائفه معتزله است که بنام کعبیه معروف اند، اصل او بر روایت سماعانی و ابن خلدکان از بلخ است و وفاتش در سال ۳۱۷، ۳۲۸ هجری.

و دیگر ابوالفضل محمد بن جعفر المنذری مروی است که در اکثر از علوم ادبیه مهارتی بسزا داشته و در عصر خود از اجله مصنفین در علوم مذکوره است، و بر علاوه شعر نیز می گفته و در بازی شطرنج ید طر لائی داشته و وفاتش در ۳۲۹ هجری.

و به غیر اینها یکده از علما و فضیلا دیگری نیز در آن زمان و عصر زندگانی میکردند و تالیفات متعدده در علوم مختلفه دارند که ما محض خود داری از اطناب تنها به تذکار اسامی آنها اکتفا نمی نمایم. چون ابواسامه جناده مروی ابوسهیل لغوی مروی که از نحو یون و لغت دانان معروف بوده اند - و ابوذر مروی (عبدالله بن احمد)

تقات حدیث صاحب المستدرک علی الصحیحین - و ابوزید احمد بن سهل بلخی که از کبار مفسرین علمای اسلام است در علوم شرعیه و فلسفه و ادب و فنون شتی و کاملاً مصنفات خود را بسببک و طریقه فلسفه نوشته است ، صاحب کتاب معروف «فضائل البلخ» و غیره و غیره موافقات متعدده در علوم مختلف - و ابوالمظفر محمد بن آدم مروی از آئمه و استائید نجوم و معانی و سایر علوم ادبیه - و ازهری مروی از علمای لغت - و محمد بن یوسف مروی که از مشاهیر محدثین و آجله روای حدیث - و ابو عبید مروی از قاضیان هرات و صاحب کتاب الفریبیین در غریب فرن و حدیث - و ابوالحسن علی بن محمد مروی عالم لغت و نحو و از مشاهیر خطاطان است .

قرن پنجم و ششم: غزنویها:

در نیمه اخیر قرن چهارم هجری ، البتکین یکی از سپهسالاران سامانیها نظر باختلافیکه بین او و منصور اول ، ششمین پادشاه آل سامان روداد ، راه مخالفت را پیش گرفته ، متوجه افغانستان جنوبی گردید . و قلعه غزنین بصرف آورده در آنجا اردوگاه تاسیس حکومت جدیدی برآمد . و پس از وفات مشار الیه دامادش سبکتگین جانشین او شده ، از جانب نوح بن منصور سامانی فرمان امارت خراسان ریافت ، و پس از اندک مدتی بقوه عزم و استعداد ذاتی خود تمام افغانستان را مسخر ساخته به بلاد کابل ، قندهار ، بست و نواح آنها مسلط آمد . و لشکری نهایت جنگی از شجیمان این سرزمین فراهم آورده چندین مرتبه به پنجاب و قسمت شمال غربی هند حمله آورشد و قناتم و افری ازین مسافرت و جنگهای خود بدست آورده ، مبالغه و ذخائر زیادی اندوخت و هم اوست جد اهالی کشور کشایان غزنه که بآل سبکتگین معروفند .

مشار الیه از حیث مملکت داری و جهانبانی ، عدل و مروت یکی از بزرگترین رجال تاریخی این مملکت بشمار میرود و از رهگذر یکه پرورش یافته دربار سامانیان بود ، آداب دربار و مراسم مملکتداری آنها را در نظر گرفته ، در پی تاسی و تقلید از آنها برآمد و بهائی که خود را وارث مستقیم سامانیان میدانست ، در ذیل سائر امور جهانبانی و مردمی در باره ادبیات نیز توجه خاصی مبذول میداشت ، و پس از وفات مشار الیه در سال ۳۸۷ (سه صد و هشتاد و هفت) محمود پسرش جانشین او شده که از بزرگترین شهریاران آن دودمان بشمار میرود . مشار الیه بواسطه کفایت و استعداد سیاسی و نظامی که داشت در اندک مدتی بقایای سلسله صفاری و سامانیان را منقرض ساخته به تشکیل یک سلطنت بزرگ و مقتدری نائل آمد که تقریباً سه برابر فلور سامانیان بود . و دوازده سفر به هند و ستان نمود ، دین اسلام را در آن دیار رواج داد . و بسا از معابد و بتکده ها را منهدم و خراب ساخته مبدل بچو امم و مساجد نمود . از آنجا غنایم و خزائن سنگین بفرنی بیاورد . و بین الدوله لقب یافت و اوست نخستین کسیکه در اثر اینهمه مجاهدات و فتوحات خود در اسلام خطاب سلطانی یافت .

و محمود بر علاوه اینهمه لیاقت و استعداد خود در امور کشوری و مملکتداری ، بزبان فارسی و ادبیات آن نیز توجه خاصی داشت . و درین راه بیش از سایر شهریاران و کشور کشایان خدمت نموده و خصال دانش پروری پدر را ازدست نداده ، شعرا و ادبا را حرمت گذاشتی ، و از آنچه لازم شان ایشان است دریغ فرمودی ، همواره با آنها و در پرورش آنها مصروف بودی و کوشش داشت که از دوردست ترین نقاط گیتی فضلا و دانشمندان را بحضرت خود جلب و فراهم آورد . و در فراهم آوردن وسائل استراحت و خوشنودی آنها از هیچ چیزی فروگذار و خودداری ننکند . و همان بود که سخن سراپان بزرگی بمنند منصریها ، مسجدیها ، فرخیها و فردوسیها در دربار وی گرد آمده بودند . و وی را مدایحی گفته اند . و در بار وی اجتماع گاه فضلا ، علما ادبا و دانشمندان جهان بود . و تنها نتیجه همین ادب پروری و شاعر نوازی وی و اخلاف وی بود که ادبیات در قرن پنجم به نسبت قرن چهارم ترقی نمایانی نمود و بخشش های شاهانه او بود ، که در ترقی ادبیات فارسی نهایت سودمند و اقم گشته ، بهترین وسیله برای جلب فضلا و شعرا بحضرت غزنین گردیده و بهمین جهت آرزوی یگانه هر ادیب ، شاعر



پایه چراغ از قرن چهارم اسلامی متعلق به تمدن غزنوی (موزه کابل)
Pilier de lampe appartenant à la Civilisation Ghaznévide
(4^e siècle de l'Hégire) « Musée de Kaboul »



ظرف برنجی منقوش متعلق به قرن ۴ و ۵ هجری و صفائیم غزنوی (موزه کابل)
 Vases de bronze orné de caractères arabes (4 et 5è siècle de l'Hégire
 « Musée de Kaboul »

و دانشمندی آن بود، که بدر بار این شهر یار راه یابد و از صلوات و بخشش های شاهانه او استفاده برد و صلواتی که محمود بشر امی بخشید باندازه زیاد بوده که در اندک مدتی ایشانرا توانگر میساخت. چنانکه نویسنده عنصری را بصله رباعی که بالبداهه بحضور او انشا دکر دسه مرتبه دهان او را براز جواهر کرد و صلوات محمود بود که مینویسند عنصری چهار صد تن غلام زرین کمر داشته، و چهار صد شتر آلات زرین و سیمین او را می برده اند و بسببیکه خاقانی در قصیده خود می گوید: دیکدان از فقره زد و آلات خوان از زر ساخته بود و هم چنین غضائری رازی را هزار دینار زر سرخ صلی داد. و پس از وفات او پسرش شهاب الدوله مسعود نیز درین راه از هیچ گونه تشویق و ترغیبی در راه ادبیات خود داری نداشت. و اکثریه از شعرا و دانشمندانیکه در دربار پدرش بسر می بردند، در دربار وی نیز بطور سابق باقی بودند. و همان آداب و مراسم مملکت داری و ادب پروری برقرار بود. و چنانکه بیهقی نویسد، ابن سلطان در یکشب زینتی یازینی علوی را هزار هزار درم بایک پیل بخشید. و فرمود تا آن صله گران را در پیل نهادند و بخانه علوی بردند. و نیز هم او در حوادث سنه ۴۲۲ و جشن گرفتن سلطان مسعود در روز عید فطر را جم به بخشش سلطان گوید و شعرا پیش آمدند و شعر خواندند و بر اثر ایشان مطربان زدن و گفتن گرفتند. و روان شد... و امیر شاعرانی را که بیکانه تر بودند بیست هزار درم فرمود و علوی زینتی را باینجا هزار درم برپیل بخانه وی بردند و عنصری را هزار دینار دادند. و مطربان و مسخره گان را سی هزار درم. و آن شعرا که خواندند همه در دوادین ثبت است. و اگر اینجا به ششمی دراز شدی، و ازین میتوان بخوبی قیاس نمود اللغات مسعود را دربارت شعرا و ادبا. و بر علاوه پدر و پسر هر دو زبان فارسی را خوب میدانستند و از ادبیات آن حظی داشته اند. و علی الخصوص سلطان مسعود. چنانکه بیهقی در باره او فرماید که هیچیک از پادشاهان این خاندان را ندیدم که خواندن و نوشتن فارسی را چون مسعود بدانند. و بر علاوه رجال نامی و بزرگان چندی نیز در دربار آنها وجود داشتند که در نوازش ادبا و شعرا از خود مین خود مشق گرفته ناسی با آنها می جستند. چون شمس الکفایت ابوالقاسم احمد بن حسن میندی وزیر معروف مین الدوله و ابوبکر قهستانی و غیره و غیره از بزرگان خلاصه تا اواخر قرن ششم هجری قمری که آخرین شهریار این خاندان خسرو ملک (۵۰۵ - ۵۸۳) حکمرانی داشت. پرورش شعرا و دانشمندان از آداب و آئین مملکتداری آنها بشمار میرفت. و از ابتدای سلطنت نخستین فرد این خانواده تا آن هنگام دربار آنها بطور یقین از فضلا، شعرا و ادبا خالی نبوده است و اگر نگوییم که قسمت مهم شعرا و ادبا و دانشمندان فارسی زبان قرن پنجم و ششم هجری از پرورش یا فته گان سلاطین غزنوی بوده اند، باز هم اغراق نکرده خواهم بود.

رو بهرفته خدمات ادبی و عرفانی شهریاران غزنوی محدودی است، که این مختصر گنجایش آنرا ندارد. بلکه تفصیل آن در خور تألیف جدا گانه نیست. بخصوص خدمات عرفانی مین الدوله محمود و وصف دربار وی که اوج ادبیات فارسی دران بود. چه ایشان همان سیاست عرفانی ملی را که سامانیان در قرن چهارم پیش گرفته بودند، قدم بقدم پیروی نموده، بحد کمال رسانیدند. و بر علاوه دفاتر و دیوانهای سلطنتی نیز درین عهد از عربی بفارسی تبدیل یافت. و آن نبود مگر بهمت ابوالعباس فضل بن احمد اسفرائینی وزیر کار دران و وطن پرست اینخاندان. و هم چنانچه بواسطه فتوحات منظم غزنویه در هندوستان، زبان فارسی در هند نیز وارد گشته، محیط رواج و استعمال آن وسعت یافت. آداب و رسوم با زبان و ادبیات این مملکت دران دیار را بیچ گردید. صنایع و فنون نیز درین دوره بوج کمال رسیده در سر اسمر قلمر و آنها بسط و اشاعه یافته بود و هگذا بز کترین اثر ادبی و نایبندة عظمت ملی و تاریخی عجم هم دران زمان انجام یافت که عبارت از شهنامه فردوسی باشد. و نظر بملل فوق بی جهت نیست که بز کترین شعرا و سخن میرایان فارسی، بما تنده عنصری، فرخی، عسجدی زینبی، منوچهری و غیره و غیره از شعرای دربار غزنه محمود و سایر شهریاران این سلسله را مدح کرده اند و دران

ههد باندا زه دامنه ادب و ادبیات و سمع یافته ، و شعرای زیادی در دربار و قلمرو آنها زیست و زندگانی بسر می بردند ، که در هیچ يك سلطنت و کشوری نظیر آن بشا هده نرسیده . چنانکه تنها تعداد شعرای دربار محمودی را متجاوز از چهار صد تن شمرده اند که ما در اینجا بتذکار نخبه از آنها می پردازیم .

شعرای این دوره : بزرگترین شاعر قصیده سرا و به تعمیر امروز ملک الشعرای دربار محمود استاد ابوالقاسم حسن بن احمد عنصری باخی است . عنصری بزرگترین استاد قصیده پرداز قرن پنجم هجری بلکه زبان پارسی است که تا کنون در جزایک لفظ و استحکام و سلاط سبک و بیان کسی از شعرای قصیده سرا بیایه وی رسیده نتوانسته اند چنانکه منوچهری دامغانی وی را در یکی از قصائده خود استاد استادان زمانه دانسته عنصرش را بیفش ، قلبش را بی مکر و جانش را بی فتق ادعای نماید .

تولد مشارالیه گوید در حدود سیصد پنجاه با تفاق پیوسته اصلش از بلخ است . و بطور یکه می نگارند پدرش پیشه بازرگانی داشته و خود نیز در اوائل حال بشغل پدر اشتغال داشت . تا اینکه در سفری دچار رهنمان گشته ، سر ما به خویش را از دست داد . سپس به تحصیل دانش همت گماشته ، به اکتساب علوم و ادبیات پرداخت . و درین راه شهرتی کسب نمود . تا آنکه در آغاز سلطنت محمود بدر بار او بتوسط برادرش امیر نصر بن ناصر الدین معرفی شده که مشارالیه - پهلایلار خراسان بود و همان بود که شاعر موصوف در اندک مدتی بواسطه لیاقت خود و حمایت امیر موصوف مرتبه بلندی در حضرت سلطان حاصل نمود و اشتیاری بهم یافت . بطور یکه خود در حضر و تماش در سفر بود .

عنصری در دربار سلطان قربت تمام داشت و در مجلس منصب ندیمی باشاعری ضم بوده ، بنا بر آن تمام شعرای دربار احترام او را واجب می شمر دند . و چنانکه مینویسند با اندازه طرف توجه و احسان پادشاه قرار گرفته بود که در یکی از فتوح سلطان در هند بده بیت ده برده و ده بدره زر یافت . و مانند رودکی جاه و مال بسیار بهمرسانید ، که مایه حسد و رشک دیگران گردید . و اگر بده انصاف نگریسته شود ، الحق مزاوار و مستحق چنین عطایا و اکرام بود . چه عطایای محمود از میان رفت و مدایج عنصری باقیست .

عنصری با وجود یکه از شعرای زبردست قصیده سرا بشمار میرود در عزلیات و مثنوی سازی نیز مهارتی بسزا داشته ، رتبه ار جندی دارد و هم چنان در اخلاق و معلومات نیز . و خصوص شعرای محمودی در پیش او نه از روی اکرام بوده ، بلکه مبتنی به امضا ز و برتری ادبی و اخلاق او ست که طبعا محمود را نظر بد و بیش بوده دیگران را با احترام اومی گماشت . فتوحات محمود را بطور یکه رسم او ست برشته نظم در کشیده ، قصائد خود را بقدمه در وصف طبیعت و یا تنزل و تشبیب مدح او میرساند و هم چنان نه سال اخیر زندگانی خود را در دربار مسعود بسر برده در آفرین و ستایش او خاتمه داد . و در احبای نام و نشان آنها زبان خود را وقف نموده چنان قصائد بلند بالائی در مدح و توصیف ایشان مروده است که تا ابد از صفحه روزگار محو شدنی نیست .

عنصری در او اخر سلطنت مسعود بسال ۴۳۱ هجری قمری وفات یافته ، و چنانکه می نویسند می هنر از بیت از قصیده و غزل و مثنوی از خود یادگار گذاشت . و از مشهور ترین مثنویهای او مثنوی مرخ بت و خنک بت همین الحوا و مثنون و اوق و عذرای او بوده ، که امروز بر علاوه بعضی از قصائد و غزلیات او ازین مثنویات نیز بعضی ابیات برا گنده در بعضی از فرهنگها بنظر میرسد .

فرخی ! دیگر از شعرای بزرگ این دوره ابوالحسن هل بن جولوع فرخی سیستانی است . مشارالیه دارای ذوق لطیف و قریحه توانائی بوده ، چنانکه زبان سهل و سلیس او بهترین دلیل است برین ادعا و بر علاوه از شاعری در موسیقی نیز مهارتی بسزا داشت و چنانکه شعر خوش میگفت چنگ نیز میزد . فرخی نخست در

سیستان خدمت دهقانی می‌کرد. و چون ازصله وانعام گزاف شرفهمی و شاعر نوازی ابوالمظفر احمد بن محمد چغانی آگاه شد، مزیت دربار او نمود. و بواسطه خواهه حمید احمد که پیشکار او بود با قصیده معروف داغگاه خود بخدمت امیر رسید. و از وی صله و بخشش فراوانی یافت. و بعد بدر بارغزنی رو نهاده وارد آند یار گردید. شهریار غزنوی نیز وجود او را مقتدم و گرامی داشته، در دربار خود پار داد. و در سلك شمرای دربار خود جای و مقام - فرخی چه در حضر و چه در سفر جزو مجلسیان و ملنزمین رکاب بود. همواره با اسرا و ارکان دربار و افراد خاندان سلطنتی روابط و پیوستگی یافته ایشان را مدایح گفته است. و با ایشان یکجا بتجالس طرب می نشست و با عیش و عشرت بسر می برده.

مشارالیه قسمت عمده قصائد خود را در دربار غزنه سروده، سلطنت محمود و سیرات او جلال الدوله ابو احمد محمد و شهاب الدوله مسعود را با برادر سلطان عضدالدوله امیر یوسف و سائر وزرا و اراکین دربار مدایح گفته. و اغلب قصائد خود را بآنند هنصری باوصف بدایم طبیعت آغاز میکنند و همچنان در تنزل نیز قدرت نشانده. و از اعمال قوانین بلاغت اجمال نوزیده، و بطوری دران تشبیهات ساده و طبیعی بکار برده که میتوان بخوبی از آن رسائی فکر و توانائی قریحه سرشار او را حدس زد. و ازین رهگذر سبک مخصوصی دارد. که او را از سایر معاصرینش امتیاز بخشوده است.

فرخی از روزیکه وارد غزنین شد، تا روز وفات محمود را ستایش و مدح کرد. و پس از وفات او را سرثبه گفت. و هم چنان مسعود را - تا آنکه در سال ۴۲۹ در عهد سلطنت مسعود این جهان را یدرود گفت. دیوان او بیشتر لزنه هزار بیت بوده، مرکب از قصائد، غزلیات، قطعات، و ترجمه بندها و رباعیات است و بر علاوه شاعری در عروض و نغده الشعر نیز یکی از اساتذمه و قدمای مؤلفین این فن بشمار رفته و کتابی بنام ترجمان البلاغه تالیف نموده، که یکی از مأخذ حدایق السحر (رشیدالدین و طواط بلخی) است.

و دیگر از شمرای معروف دربار غزنین ابونظر عبدالعزیز بن منصور سجدی سرودی است، که دولتشاه سمرقندی او را امروی نوشته، مشارالیه از معاریف شمرای عصر محمودی بوده، از تلامذه هنصری و همه جانامش با او و فرخی مقرون است - سجدی را حضرت یحیی الدوله محمود منظور بوده. و او را مدایح گفته و در وصف او قصائد غزالی دارد که از مشهورترین آنها قصیده فتح سومنات در تهنیت محمود گفته بود، و در مقابل صد هزار درم صلت یافت. و هم چنان همیشه در سائر قصائد خود نیز از عطا یای سلطان بهره یاب بود. سجدی غیر از مدیحه، اشعار دیگری نیز داشته. و چنانکه از بقایای آثار او پیداست، در انواع سخن نبر و مند بوده، و در وصف ماهر و هنرمند. و بقراریکی می نویسد دیوانی مشتمل بر سه هزار بیت داشته است، که بدیختانه قسمت مهم آن در اثر حوادث روزگار از بین رفته و امروز جز از اندکی از اشعار و قصائد وی (که آنهم در تذکره ها و بعضی از رسائل فضلا باقیست) چیز بیشتری بنظر نمی رسد. وفات او را در سال ۴۳۲ (چهار صد و سی و دو) نوشته اند.

و دیگر از شمرای معروف این عصر، سیدالشعرایی خراسانی است. وی از معاریف شعرا و بزرگان عصر خود بوده، امیر ابویاقوب عضدالدوله برادر یحیی الدوله محمود را مدایح گفته و از مختصان او بشمار میرفت. شعر او در زمان های قدیم بسیار رواج داشته و در کانون سینه ها محفوظ بوده، ولی درین زمانه جز یک قصیده و ابیات چندی چیزی از او نمانده است.

و دیگر از شعرای معروف و مقتدر این عصر استاد ابوالحسن علی بهرامی سرخسی است، که نظر بروایت امین احمد رازی در تذکره هفت اقلیم، از معاصرین محمود بوده و از مشاهیر شمرای عصر خود بشمار می رفت. بهرامی گذشته از فن شعر در دوفن عروض و قافیه سرآمد زمانه بوده. دران علم تصانیف دارد. چون غایة العروضین، کنز القافیه و رساله موسوم به خجسته، که شمس الدین محمد بن قیس رازی در کتاب (المعجم فی معایر اشعار المعجم) مکرر ازین کتب اوتقل نموده است. و متأسفانه امروز از ان کتب اثری نیست و هم چنان

از اشعار او نیز جز اندکی نمانده. ولی باز هم از همین اندک استادی و تندرستی او درین فن پیداست. وفات او را مرحوم هدایت در سال ۵۰۰ هجری مینویسد ولی بعقیده استاد میرزا محمد خان قزوینی این سهوی است عظیم و عصری به تحقیق معلوم نیست.

و دیگر از شعرای این عهد زینتی علوی است، که بعضی او را زینتی ضبط نموده اند. او از معاریف شعرای دربار محمود و پسر مسعود بوده. و چنانکه در بالا ذکر از آن رفت، سلطان مسعود توجه و نظر خاصی بدو داشته، و باستانهای عصری بر همه او را تقم می شمرد. از اشعار او چیزی قابل ذکر بدست نیست.

دیگر از شعرای آن عصر ابو النجم احمد بن عوض بن احمد منوچهری دامغانی است، که از بزرگترین شعرای فارسی بشمار میرود. در آغاز کار از شعرای دربار فلک المعالی منوچهر بن قابوس بوده، و بدان جهت منوچهری تخلص نموده است، و مقارن بهمان زمان که مسعود غزنوی از جانب پدر (سلطان محمود) در ری و اصفهان حکمرانی داشت او را از کرگان بری بخدمت خواند و در سفر سال ۴۲۶ خود در طبرستان با خود بفرزانه آورد و پس از آن منوچهری از زمان سرک خود یعنی سال (۴۴۲) در آنجا بود. مشارالیه در مدح مسعود و سایر ارکان دولت اوقصاید غرائبی دارد. و بواسطه که در اشعار شعرای جاهلی عرب تنبیه و استقصای کاملی داشته، بیشتر از مضامین آنها را در اشعار خود اقتباس نموده و بطوری سرغوب و دلنشین بیان نموده است که قطعاً از تناسب خارج نگشته و لطافت سخن از بین نرفته است. و کوفتی ثقلت کلمات در برابر وزن و تناسب و قوه قریحه توانای شاعر بکلی غیر محسوس است. منوچهری در قصیده مرثیاتی از عصری تأملی و پیروی نموده، او را استاد خود می خواند.

و اغلب از قصاید خود را بسبک وی با وصف طبیعت و تنزل شروع نموده و از عهده توصیف کلمات و جزئیات موضوع بخوبی بر آمده است. و قسمت مهم از اشعار او بواسطه انس و الفتی که با طبیعت و باغ و بوستان داشته در اوصاف طبیعت است. علی الخصوص مسطبات او که درین نوع از شعر کمال قدرت را نشان داده است. و بر علاوه از شعر از علوم هم بی اطلاع نبوده و بطوریکه از قصاید او پیداست، بلوم دین، طب نحو و لغت نیز دستی داشته است.

و دیگر از شعرای این عصر امیر بزرگچهر ابو منصور قسیم بن ابراهیم قاسمی است، که او نیز معاصر سلطان محمود و پسرش سلطان مسعود بوده است. و نظر بر وایت امام ابو منصور ثعالی در تنه، لبتیه مشارالیه از شعرای مغلق و مبدع بشمار رفته، درد و لسان فارسی و عربی شعر میگفته.

و دیگر از شعرای دربار محمود ابوسعید احمد بن محمد منشوری سمرقندی است که بقول رشید الدین وطواط در صنعت تلون از صنایع لفظیه بدیم (یعنی در ساختن شعری که ممکن باشد در دو بحر یازده خوانده شود) مختصری ساخته بود که خورشیدی شاعر آنرا شرح نموده. ولی امروز جز از ابیات چند از آن کتاب و هم از سایر اشعار وی چیزی بنظر نمی رسد.

و دیگر از شعرای سلطان مسعود، مسعودی است که بعضی وی را مسعود نیز نوشته اند. و گویا اسم خود شاعر مسعود بوده، و تخلصش مسعودی نسبت به سلطان مسعود غزنوی است، و چنانکه بیهقی مینویسد سلطان مسعود بچشم مهرگان بر او خشم گرفت. و او را بهندوستان فرستاد که گفتند او قصیده گفته است، و سلطان را نصیحت ها کرده در آن قصیده. از سال تولد و وفات او اطلاعی در دست نیست ولی اینکه میتوان گفت که قضیه مذکور در سال ۴۳۰ هجری اتفاق افتاده بود.

و دیگر از شعرای این دوره ابو حنیفه اسکافی است، که از شعرای مخصوص سلطان ابراهیم بن مسعود غزنوی (سنه ۴۵۱ - ۴۹۲ ه) بوده و مورخ مشهور دربار غزنه ابوالفضل بیهقی با وی دیدن کرده و مشارالیه را تکلیف پرسودن قصیده نموده. وی را سخت می ستاید. و در فضائل او چنین گوید که «واجب دارم و فریضه بینم که کسانیکه ازین شهر (غزنه) باشند و در ایشان فضل باشد ذکر ایشان بیارودن خاصه سردی چون ابو حنیفه که کمتر فضل وی شعراست. و بی اجری، شاهراه درس ادب و علم دارد و مردمان را رایگان علم آموزد و پس ازین بر فضل وی اعتماد خواهم کرد. تا آنچه مرا بیاید...»

و همچنان پس از نقل قصیده او باز در مدح او نویسد « و اگر این فاضل از روزگار ستمکار داد یا بد و پادشاهی طبع او را به نیکوکاری مدد دهد ، چنانکه یافتند استادان عصر چون عنصری ، مسجدی ، زینتی و فرخی رحمه الله عليهم ، در سخن موثی بد و نیم شکافد و دست بسیار کس در خاک ماند ، و هم او در جای دیگر (تقریباً بعد از صفحه) باز در ضمن شرح جلوس سلطان ابراهیم بن مسعود ذکر می آید و اشاره بقصیده سابق او نموده گوید . « و من در مطالعت این کتاب تاریخ از فقه ابو حنیفه اسکافی در خواستم تا قصیده گفت بجهت گذشته شدن سلطان محمود و آمدن امیر محمد بر تخت و مملکت گرفتن امیر مسعود . و بغایت نیکو گفت . وفالی زده بودم که چون بی صلت و مشاهره این قصیده گفت ، تواند اگر پادشاهی بوی اقبال کند ، بو حنیفه سخن بجایگاه رساند . الفصال حق آنچه بدل گذشته بود بر آن قلم رفته بود . چون تخت بخداوند سلطنت اعظم ابراهیم رسید ، و بخط فقیه بو حنیفه چند مکتوب دیده بود . و غمط و لفظ او را پسندیده و قال خلاص گرفته (یعنی از حبس طغرل کافر نمت) چون به تخت ملک رسید از بو حنیفه پرسیده و شعر خواست ، وی قصیده گفت و صلت یافت و پراثر آن قصیده دیگر درخواست و شاعران دیگر پس از آنکه هفت سال بی تربیت و باز جست و صلت مانده بودند صلت یافتند و بو حنیفه منظور گشت . و قصیده های غزلی که او

و از آنچه گذشت معلوم میشود که شهرت بو حنیفه اسکافی بعد از سنه (۴۵۰) یعنی در نصف اخیر قرن پنجم هجری بوده و در سخن مرثی کمال ردستی را مالک بوده و چنانکه بیهقی خود او را می ستاید . از سر بر آوردگان این فن بشماراست . و بر علاوه شاعری در قفه نیز مهارتی داشته و از فقهای آن زمان محسوب بوده ، و مجانی درس ادب و علم می گفته . سال وفاتش معلوم نیست .

و دیگر از شعرای آن دوره ابو الفتح عبد الکریم بن احمد حاتم می است که از امرای دربار غزنویان بود . نخست به شغل کتابت سلطان محمود اشتغال داشت . سپس صاحب برید شهر هرات گردیده ، و از معارف کتاب و خشنویسان عصر خود بوده ، و فارسی و عربی شعر میگفته . و سخت نیکوی مروده است ولی بد بختانه جز اندکی از آن باقی نیست .

و دیگر از شعرای معروف آن زمان ابو الفرح رونی است که از مشاهیر شعرای عصر غزنوی بشمار میرود و فصاحت و غالباً در مدح سلطان ابو المظفر ظهیرالدوله رضی الدین ابراهیم بن مسعود بن محمود غزنوی (۴۵۰ - ۴۹۲) و پسروی سلطان مسعود بن ابراهیم (۴۹۲ - ۵۰۸) است . و از این معلوم میشود که وی بعد از سالهای ۴۹۲ که سال جلوس سلطان مسعود است . قطعاً در حیات بوده است . و اینکه تقی الدین کاشی وفات او را در سال ۴۸۹ مینویسد بکلی بی اصل و خطا نیست فاحش .

دیگر از شعرای این دوره را شادی است . که در هیچ يك از کتب تواریخ و تذکره ها اسمی از آن دیده نمی شود . و اشعار او ظاهراً بکلی از میان رفته است . و تنها از بعضی قصائد مسعود سعد سلمان معلوم میشود که را شادی از شعرای دربار سلطان ابو المظفر ظهیرالدوله ابراهیم بن مسعود بن محمود است . و مسعود سعد را با وی کدورت و منافقتی که همیشه ما بین فضلی معاشر معهود است ، روی داده بود . چنانکه از مطالعه قصائد او مبرهن است . و نباید این را شادی را بر شیدی سمرقندی (یا بقصیده مرحوم هدایت طبرستانی با ارشادی سمرقندی) اشتباه نمود که او نیز در همان عصر بوده و میان او و مسعود سعد سلمان نیز قصائدی مبداه شده است . از سال وفاتش اطلاعی بدست نیست و تنها اینقدر میتوان گفت که تا او خرفرن پنجم محققاً حیات بوده است . و دیگر از شعرای مبرز و مقتدر این عصر مسعود سعد سلمان است ، که تحول شعرای معاصر وی بر بزرگاری و استادی ارمعترف بوده و به نزد او اظهار خضوع و فروتنی می نموده اند .

چنانکه عثمان مختاری غزنوی را در مدح او قصیده غزلی است . نخستین ، کیبکه دیوان او را جم آوری و تدوین نمود شاعر صوفی مشهور سنائی غزنوی است که بعضی از اشعار شعرای دیگر را نیز سهواً در ضمن آن آورده بود . و گفته الملك طاهر بن علی مشکان ، سنائی را از سهوش آگاه ساخت و سنائی قطعه در اعتدال بر مسعود سعد

نوشته فرستاد ، این دیوان مشتمل است بر مدح پنج نفر از شهبازیان غزنه که عبارت اند از سلطان ابوالمظفر ظهیرالدوله رضی الدین ابراهیم بن مسعود (که از ۴۵۰ تا ۴۹۲) و سلطان علاءالدوله مسعود بن ابراهیم مذکور (که از ۴۹۲ - ۵۰۸) و عضدالدوله شیرزاد بن مسعود بن ابراهیم موصوف (که از ۵۰۸ تا ۵۰۹) و ابوالملوک ارسلان بن مسعود بن ابراهیم موصوف (که از ۵۰۹ تا ۵۱۱) و سلطان غازی بن الدوله بهرامشاه بن مسعود بن ابراهیم مذکور که از سنه (۵۱۱ تا ۵۵۲) سلطنت نموده اند . و بسیاری از قصائد مسعود سعد در مدح سیف الدوله ابوالقاسم محمود بن ابراهیم است . چه مشارالیه در هنگام حکومت شهزاده موصوف در هند با وی بستگی پیدا نموده و از ملازمان خاص وی گردید و همه جا در غزوات و فتوحات باشهزاده موصوف حاضر بود و در رکاب او شمشیر می زد . تا آنکه در حدود سنه ۴۸۰ سلطان ابراهیم در حق پسر خود بدگمان شده نامبرده به تهمت اینبکه قصد آن دارد که بر قی نزد ملکشاه سلجوقی رود تا کهان بگرفت ، و به بست و برندان فرستاد . و ندمای او را نیز بگرفتند و هر یک را بقلعه محبوس نمودند . از جمله آن یکی مسعود سعد سلیمان بود که ده سال تمام در سلطنت سلطان ابراهیم در حبس بسربرد از انجمله هفت سال در قلعه سو و دهک و سه سال در قلعه نای - چنانکه خود گوید « هفت سالم بگرفت سو و دهک - پس از آنم سه سال قلعه نای » پس از ده سال حبس بشفاهت ابوالقاسم خاص از ارکان دولت سلطان ابراهیم از حبس رها شد . و بهندوستان رفت و بر سر املاک پدر بنشست . و دوم باره در ۴۹۲ که امیر عضدالدوله شیرزاد از طرف پدر حکومت هند را یافت و قوام الملک ابو نصر هبة الله یارمی بسمت پیشکادی او و سه سالاری قشون هند گماشته شد ، بواسطه دوستی قدیم که مابین او و مسعود سعد سلیمان بود ، ابو نصر از را بحکومت جالندر مامور نمود ، تا آنکه اندکی پس از آن ابو نصر مقضوب و گرفتار آمد . و مسعود سعد سلیمان نیز که از جمله عمال او بود ، مزول و بحبس افتاد . و این دفعه قریب هشت یا نه سال در حصار مرغنج بسربرد . تا بالاخره بشفاهت ثقه الملک طاهر بن علی بن مشکان در حدود سنه ۵۰۰ از حبس رها گردید ، در حالیکه پیر و شکسته ، ضعیف و ناتوان شده بود . و بقیه عمر خود را در آنرا و عزت بسر برد تا در سن هشتاد سالگی بسال ۵۱۵ هجری اینجهان را وداع گفت .

مسعود سعد سلمان از بزرگترین شعرای غزنویه بوده ، در فصاحت و لطف بیان کمتر کسی بیایه اور سیده است و اشعار او در اوج بلندی و روانی است . علی الخصوص حبسیات او باندازه مؤثر و سوزناک است ، که عروضی سمرقندی درین باب میگوید « که من از اشعار او همی خوانم موی براندام من بریای خبزد و جای آن بود که آب از چشم میروند ، ولی با اینهمه یکی از بوسه و از بند بخت ترین افراد زمان خود بحساب بود ، و روز ستمکار در باره او از هیچ یک نوع بیاد کونهای نوزید . و این اشعار او که سر تا سر ناله و سوز و گداز بوده قرائت آن آب از چشم عروضی سمرقندی روان میساخت در قلوب سنگین هیچ یک از اولیای امور آن زمان تاثیر نه نچشید .

و دیگر از شعرای این عهد ، عثمان بن محمد غزنوی معروف به مختاری است ، که با ابوالملوک ارسلان بن مسعود بن ابراهیم بن مسعود بن محمود که از (۵۰۹ تا ۵۱۱) و برادرش سلطان غازی بن الدوله بهرامشاه غزنوی که از سنه (۵۱۱ تا ۵۵۲) سلطنت داشت معاصر بود و هر دو را مدائح گفته . و در سنه ۵۴۴ یا ۵۴۵ هجری وفات نموده .

و همچنان دیگر از شعرای این دوره ابوالعلاء محمود بن عمر جوهری صانع هر وی است ، که با فرخزاد بن مسعود بن محمود غزنوی معاصر بوده و بواسطه اینکه در اوئل حال به پیشه زرگری و جواهر فروشی اشتغال داشت ، جوهری تخلص نموده و بزرگ معروف گشته است . و گوید حدود ۴۴۴ و ۴۵۱ هجری که سالهای سلطنت فرخزاد موصوف است بقید حیات بوده است .

و دیگر از شعرای این دوره جمال الدین محمد بن ناصر علوی غزنوی است . که عروضی او را در چهار مقاله محمد ناصر نوشته است . مشارالیه با برادرش سید حسن غزنوی از مشاهیر شعرای دربار سلطان بن الدوله بهرامشاه غزنوی بوده است .

و دیگر از شعرای آزمان جمال الدین بن شمس غزنوی معروف بکا فرک غزنوی یا کافرک غزنین است. که از شعرای دربار سلطان ابراهیم بود. و در هنر و مهارت و مهارت بسیار داشته و گویا بدان سبب بکا فرک معروف گشته است.

و دیگر از شعرای معروف و عرفای بزرگ افغانستان ابو لجد مجد و دین آدم سنائی عارف و شاعر مشهور غزنوی است. سنائی از اوائل جوانی و هفتاد و هشتاد و نه سالگی بدر بار داشته، بعضی از شهر یاران آن سلاطه را بمانند بهرامشاه در اشعار خود مدح نموده و با کثرت از امر او و نهالا و شعرای عصر خویش چون مسعود سعد سلمان را بطه و روش داشته. و اشعار سعد را نخست او جمع آوری و تدوین نموده است ولی پس از آن بسبب پرداخته در اقلب بلاد خراسان سیاحت ها نمود و فریضه حج بیت الحرام بجا آورد و بخلقه در ویشان در آمد. با بزرگان معاشرت و اختلاط نمود. و قبوضات معنوی و روحی یافت و همان بود که اخیراً از دربار سلاطین و مدح آنها چشم پوشیده از او و گوشه گزینی اختیار نموده بسرودن اشعاری نفروزیها در تصوف مشغول گردید. و دیوان او را نامی هنر آریته نوشته اند. که محتوی فصائد، غزلیات و رباعیات محکم و متین و اسلوب پخته و روان بوده. از آن استادی و بلاغت او درین فن بر ظاهر است و سبک او در ذوق شعر اینکه بعد از آمدن تاثیر خاصی نمود. و هم از دست نخستین شاعر بکه تصوف را با شعر یکجا آمیخته سبک جدید را که اساس سبک هند بشمار میرود بنیان نهاد. چه پیش از او کسی را در عرفان بدینگونه استحکام، سلاست و صفای کلام سخن و اشعاری نبوده و نیست. و از موالید طبع او است: حدیقه الحقیقه، طریق التحقیق، سیر العباد الی المهاد، یا کنوز الرموز، کارنامه بلخ، عشقنامه، عقلمانه، غریبانه یا هفت نامه و بهر روز و بهرام که از این همه آنها حدیقه از رهگذر مطالب عرفانی، روانی سبک، بلاغت و جزات معنی و استحکام ترکیب ممتاز است و هم در آن شهر یار وقت بهرامشاه غزنوی را مدح کرده. وفات سنائی با صبح روز یازدهم در سال ۴۵۰ هجری در غزنه اتفاق پیوسته و در آنجا دفن گردید. و مدفنش امروز یکی از زیارتگاههای غزنین بحساب میرود.

و بر علاوه این شعرا شعرای دیگری نیز در عصر شهر یاران غزنینی وجود داشتند که برخی از آنها از دور رابطه با سلاطین اینخاندان داشته از باشکگاهای خود قصائدی در مدح آنها می سرودند و بحضرت غزنین فرستاده مورد الطاف و بخششهای شاهانه کشور ستانان این سلاطه قرار می گرفتند. و برخی دیگر از نقاط دور دست برای استفاده وارد غزنین شده سلاطین آنندیا را مدح و پس از چندی باز بوطن اصلی خود رجعت نموده اند. و بالواسطه آنکه با سلاطین این مملکت ربطی داشته، آنها را مدایح گفته اند و از جوایز و صلوات بزرگان آنها استفاده برده، ازین رهگذار در احیای نام و نشان این خاندان و هم در ادبیات فارسی خدمت نموده و در حقیقت از پرورش یافته گان این آب و خاک بشمار میروند، اگر تندر کاری از ایشان ناثیم بی مناسبت نخواهد بود. یکی از شعرای برجسته قسمت اول ابوالحسن کسایی مروزی است که بعضی کتب و نقیصه را ابوالسحاق مجد آدین نوشته اند. وی از مشاهیر شعرای اواخر قرن چهارم هجری بود، و ولادتش بسال ۳۴۱ هجری در زمان سلطنت نوح بن نصر چهارمین پادشاه سامانی واقع شده، و تا پنجاه سال دیگر یعنی تا سنه ۳۹۱ هجری که اوائل سلطنت عین الدوله سلطان محمود است در قید حیات بوده، چنانکه در قصیده لامیه خود این مطلب را تصریح نموده است. و بعد از تاریخ مذکور معلوم نیست چه مقدار دیگر در حیات بوده است. او از شعرائست که اوایل دولت سامانیه و اوائل غزنویه را دریافته. و بنا بر آن نظای عم و ضعی او را در عداد شعرای آل سلمان شمرده و عوفی در جزء شعرای غزنویه. و هر دو صحیح است. کسانی در زمان خود از مشاهیر حکما و شعرای فارسی زبان بشمار رفته، در هر قسم شعر بد طولانی داشته، و قصائدی بسبک رودکی میسروده و بروایت مرحوم هدایت فصائدی در مدح سلطان محمود گفته است. دیوان وی را سه هزار بیت نوشته اند که امروز قسمت مهم آن از میان رفته اند که از آن باقی است.

و دیگر استاد ابو منصور بن محمد معروف بهاره روزی است . که از مقدم شعرا و بلغای اواخر عصر سامانی و اوائل سلطنت غزنویه بشمار میرود . وی از اساتذۀ شعرای قدیم بود ، و شاعری حکیم . و در مدح سلطان محمود غزنوی قصیده داشته . چنانکه مرحوم هدایت طبرستانی دویست از آن قصیده را نقل نموده است . و فانش را صاحب مجمع المنصحا در سال ۳۶۰ (سه صد و شصت هجری) مینویسد . و این خطا نیست فاحش . چه از قصیده مدحیه او در بارۀ سلطان محمود بطور وضوح ثابت میشود که مشارالیه تا سنه ۳۸۷ (سه صد و هشتاد و هفت) که سال جلوس محمود است حتی بقید حیا بوده است . و دیگر کیا غضائری ابو زید محمد بن علی غضائری رازی است . که از مشاهیر شعرا و معاصر عنصری بود . مشارالیه ابتدا در دربار آل بویه میزیست و چون زوال دولت ایشان و اقتدار سلطان محمود و شاعران رازی وی را مشاهده کرد . متوجه دربار غزنوی گشته ، قصایدی در مدح سلطان محمود میگفت و از وی بدربار غزنه می فرستاد و سلطان نیز برای جلب او هر قصیده را هزار دینار صلح میداد ، تا آنکه او غزنیست نمود و در سلك شعرای محمودی منسلک گشت . و همان بود که ماجرائی بین او و عنصری روداد . و فانش در سال ۴۲۶ هجری باقی بیوسته .

و دیگر از چنین شعرا حکیم ابوالقاسم فردوسی طومی است . او نخستین کسی است که بعد از دقیقی بفکر نظم شاهنامه افتاد و بنا بر گفته خود دقیقی را در خواب دیده ، بخواش وی در حدود هزار بیت از شاهنامه او را در شاهنامه درج نمود . و پس از تألیف نسقی از شاهنامه در زمان بهاءالدوله دیلمی تاهواز رفت و در آنجا مطلوب بدست نیامده تا کام بوطن مراجعت نمود . و بعد از عودت بوطن مالوف ، شهرت سلطان محمود و آوازه ادب پرور بهای او را شنوده روی بدربار غزنوی آورد ، و بواسطه خواجه احمد بن حسن میبندی ، به پیشگاه سلطان مرضه و تقدیم گردیده با تمام شهنامه اقدام نمود و آنرا در حدود (۴۰۰) هجری بنام محمود انجام داد . ولی این بار نیز طائر آرزو و اقبال صید او نگشته ، ازین دیار یک هزاران از امثال او را کامیاب و مسعود ساخته بود تا کام و بحالت آبر و پریشانی فرار نموده چندی در هرات مقواری میبود . تا آنکه از آنجا بطوس و از طوس بطبرستان رفت و در آنجا بهجو محمود پرداخت و در دیباجه شهنامه بیتی چند بر سپهد شهریار (از آل باوند) خواند . و گفت من این کتاب را از نام محمود بنام تو خواهم کردن . شهریار او را بتواخت و نیکو نیا فرمود و بعد هزار درم آن هجو را از فردوسی گرفت و با آب شست .

و چنانکه مینویسند چندی برین نگذشت که محمود در یکی از مسافر نهای خود هنگام بازگشت از هند در اثر شنیدن بیتی از فردوسی که او را احمد بن حسن میبندی برایش خواند از رفتار سابق خود پشیمان گشته ، او را رفتی دست داد . و شصت هزار دینار بطوس فرستاد ، و بطوریکه معروف است روزیکه آن صلت از یک دروازه طوس درآوردند ، از دروازه دیگر جنازه فردوسی بیرون آوردند . و علت این بی التفاتی محمود که ظاهر آ او را از آستان خود مایوس و ناکام راند ، بجز از سعایت بد خواهان و مخالفین خواجه احمد بن حسن میبندی معروف که حامی او در دربار سلطان بود ، چیزی دیگری نبوده است . چه در دربار سلاطین و امرا همواره بین درباریان رقابت و هم چشمی وجود داشته ، در پی استغفاف و استحقار همدگر و منسوبین شان بوده اند . و را جم باستمداد و علو مقام او همین بس است که نظامی کنجوی خود را شاکرد و بلکه غلام او دانسته میگوید ،

آفرین بر روان فردوسی * آن سخن آفرین فرخنده *
 او نه استاد بود ، و شاکرد * او خداوند بود مابنده .
 و بر علاوه مقام شامخ شاعری او ، این نیز نا گفته نماند که فردوسی در جای مفاخر ملی و تاریخی هیچ بزرگترین خدمتی از خود بروز داده که در بین شعرای فارسی زبان نظیر او شاعری و در میان کتب فارسی معظم شاهنامه او کتابی درین زمینه بنظر نمی رسد .

و دیگر از چنین شعرا ابو بکر بن محمد بن علی روحانی سمرقندی است که از شاکردان رشیدی سمرقندی بود . در بخارا نشو و نما نموده و در غزنه آمده و از شعرای دربار بهرامشاه بود . و پس از آن به نزد خوارزمشاهیان برفت و قطب الدین محمد و علاء الدین آنسرا مدح گفته .

و همچنین جمال الدین ابوبکر بن ساعد خسروی بخارایی که در غزنه نین مداح خسرو ملک آخرین شهر یار غزنه بود و بقول مرحوم هدایت بدان سبب خسروی تخلص می نمود و از شاعران هر دو و بجز آنده کی باقی نمانده .
 و همدران زمان چند تن شعرای بزرگ دیگر نیز بوده اند ، که در دربار کشورکشایان غزنه بسر برده زبان خود را وقف آفرین و ستایش آنها نموده اند . چون قصارای و بطوریکه صاحب لغات اسدی می نویسد وی از مداحان سلطان ابو احمد محمد بن محمود غزنوی بوده است . و در مدح او قصائد گفته است . و ابوعبدالله روزبه بن عبدالله نکبتي که از شعرای بزرگ عصر خویش بحساب می رفته و تا زمان سلطان ابراهیم غزنوی هم حیات داشته است . و خواجه عمید ابوالملا عطاء بن یعقوب معروف بنا کوك که از بزرگ زادگان و متولین بود . و مدتها در دربار غزنویان بشغل کتابت و دبیری می پرداخت . دبیری زیر دست و هم شاعری توانا بود . و سلطان ابراهیم او را از دبیری معزول و به هندوستان به محبس فرستاد . و تقریباً مدت هشت سال در آن دیار محبس بسر برد تا آنکه از جهان گذشت در حدود ۴۷۱ هـ . و شهاب الدین شاه علی بورجا غزنوی که از شعرای دربار بهرامشاه بود و تا زمان آخرین شهریاران غزنوی نیز حیات داشته در سال ۵۹۷ هـ رحلت نموده است .
 و همچنین یکمده بزرگ از شعرای متوسط همدران زمان حیات بسر برده اند . و در دربار غزنه بسلك شعر اتمسلك بود ، از انعام و نوازش های شاهانه شهریاران این سلاله بهره مند گشته اند . که بعضی از آنها از داخل افغانستان بوده و برخی از خارج افغانستان آمده بودند .
 چون نظام الدین ابوالفتح بسقي که چندی وزارت ناصرالدین سبکتگین را داشت و در سنه (۴۳۰) وفات نموده ، و امیر ابوالمظفر ابراهیم ، بهر و زطیری ، امینی بلخی ، بدری غزنوی ، چغوری هروی ، عبدالله بن محمد بلخی فرخاری ، محمد بن عثمان کاتب کوكی ، عطاردی خراسانی ، محسن فراهی ، مظفر پنجدهی معنوی بخارایی ، ابونصر محمد بن اسحق قایقی ، محمد بن عثمان عینی کاتب یعنی غزنوی ، جمال الدین محمد بن علی سراجی خراسانی ، قنذالدین امیر یوسف بن محمد در بندی ، قدام الملک نظام الدین ابونصر هبة الله فارسی ، قایقی و راق ، جمال الدین ابوالمحاسن یوسف بن نصر کاتب ، سید شمس الدین محمد مبارک شاه سگزی ، ابوبدیل مجدالدین ، احمد بن محمد سجاوندی (که هم عالم بود) سدیدالدین علی بن عمر معزی غزنوی . ابوسعید کرگانی ، شهاب الدین صاحب استغانی ، سعیدالدین مسعود غزنوی ، علی بن محمد فتحي ترمذی ، خورشیدی حمیدالدین مسعود بن سعد شالی کوب ، خفاف ، حمیدی لاهوری ، ظهیر الدین نصیر سگزی ، بهاء الدین علی بن ابوبکر ، احمد جاجی ، شمس الدین رضی نیشاپوری ، خطیر الدین محمد بن عبدالملک کرگانی ، حمید الدین قهندزی ، حمید الدین علی بن محمود محمودی ، بهاء الدین محمداوشی فرغانی ، ابوالعباس امامی ، ابو جعفر عمر بن اسحق و اسی لاهوری ، و غیر هم که از هر يك از آنها بیتی چند در بعضی کتب تذکره و تاریخ بنظر می رسد و گذشته ازین از سلطان محمود بزرگترین شهریاران این سلسله و وزیر معروف او احمد بن حسن میبندی نیز اشعار فارسی بعضی از تذکره نویسان نقل نموده اند .

و بر علاوه چند تن شاعر بزرگ دیگر افغانستانی نیز در قرن پنجم و ششم زنده گانی داشتند . که در دربارهای سلاطین و امراء ممالک دیگر منسوب بوده ، آنها را ستایش نموده اند . و در مدح آنها قصائد گفته و بملتی که خدمات بزرگی در عالم ادبیات فارسی نموده اند ، هر يك در خورد کرد جدا گانه نیست که ما در اینجا متذکر میشویم ، قدیمترین آنها از حیث زمان ابوبکر زین الدین بن اسماعیل و راق اوزقی هر وی است . که پدرش اسماعیل معاصر فردوسی بود . و فردوسی در هنگام فرار از غزنه چون بهرات رسید ، بخانه او نزول کرده و مدت ششماه در منزل او متواری بود . مشارالیه از معاریف شعرای فارسی زبان بوده ، طبع مقتدر و توانا دارد و تشبیهات بدیع اختراع نموده است که در نظر بعضی یسندیده و در پیشگاه برخی (چون رشید الدین وطواط) ناپسند و نامطلوب است . و در مدح دو نفر از شاهزاده گان سلجوقی قصائدی دارد . که یکی شمس الدوله

طغانشاه بن الپ ارسلان بن جفری بیگ بن میکائیل بن سلجوق حاکم خراسان و دیگر امیرانشاه بن قاورد بن جفری بیگ بن میکائیل بن سلجوق است .

که اخیرالذکر از شهزادگان سلاجقه کرمان و سلطنت نرسیده . و بر علاوه دیوان شعری که داشته است کتاب سندباد نامه را (که خواجه حمید ابوالفوارس قناوزی از پهلوی به فارسی ترجمه نموده بود) برشته نظم کشیده . همچنین الفیه و شلفیه را که آن نیز از کتب قدیمه بحساب رفته قبل از ارزق معروف بوده . تقی‌الدین کاشی وفات ارزق را در سنه ۵۲۷ هجری می نویسد و استاد میرزا محمد خان قزوینی بدلائلی چند عقیده مذکور را رد و تزییف نموده وفات او را قبل از ۴۶۰ هجری ادعا نموده اند .

و دیگر شهاب‌الدین ادیب صابر بن ادیب اسماعیل ترمذی است که گاهی در بلخ و گاهی در خوارزم بوده است . اشعار لطیف و طبع روانی داشته ، و چنانکه خود میگوید ، درین فن مسلم اهل خراسان بود . در شعر سبک فرخی را پسندیده و تفرانش بروش اوست . و مچنان از سائر فنون ادبی نیز بی بهره نبوده و در ادبیات عرب دستی داشته و در اشعار خود بعضی از ابیات عرب را ترجمه و توضیح نموده ، و از برخی از شعرای تازی اسم میبرد . و از سلاطین معاصر او معزالدین سنجر بن ملکشاه سلجوقی (۵۱۱ - ۵۰۲) و آتسز محمد خوارزم شاه (۵۲۱ - ۵۰۱) است و با وطواط مناسبات و مکاتبات شعری داشته . و در او ائیل حال بدر بار سنجر و از ندمای او بود . از طرف او به پیش آتسز فرستاده شد . و در آنجا بخبر نگاری ماموریت داشت . تا آنکه پس از کشف این قضیه در سال ۴۶ هجری با آتسز او را دست و پا بسته بچیچون افکنند . و دیوانش شامل شش هزار بیت است ، و در مدح سنجر و آنسز قصائد برجسته دارد .

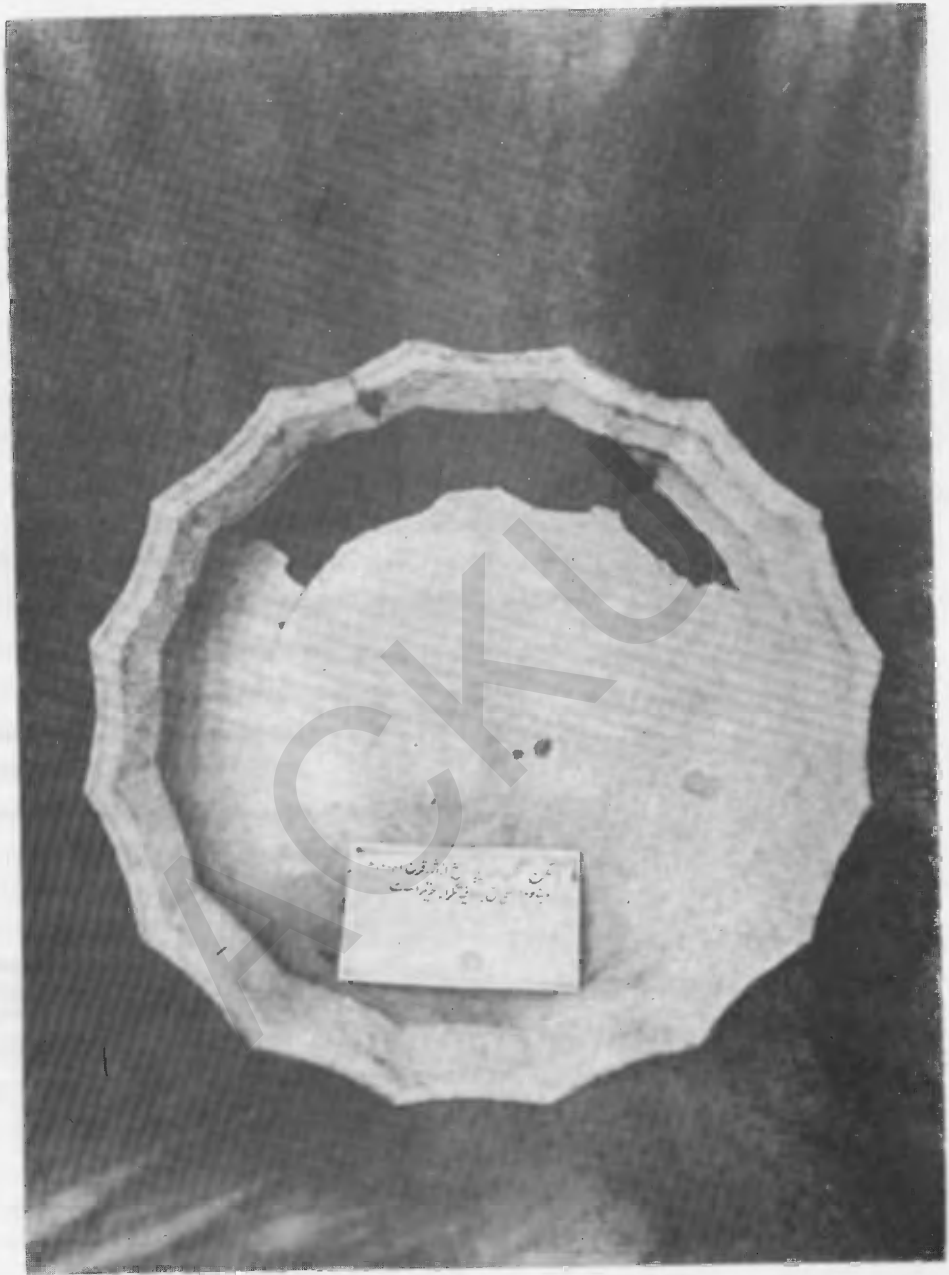
و دیگر از معاریف شعرای نیمه اول قرن ششم بدیم الزمان عبدالواسع بن عبدالجمام بن عمران بن ربیع جبلی غرjestانی است که از خاندان محتشمی بوده و از شعرای زبر دست است . طبعی مقتدر و قریحه توانائی داشته ، و در اعمال صنایع بدیمی از سر بر آوردگان این فن بوده ، و از آنرو ابیات وی مرا یا مقابله ، لف و نشر ، ابهام و توضیح و به پیرایه‌های مجازی آراسته و مزیّن است . و همچنان در ترکیب الفاظ و تنظیم کلمات مهارت و اقتداری بسزا داشته ، در هر دو زبان فارسی و تازی شعر میسرود ، و نثر می نوشت . از سلاطین معاصر او سنجر بن ملک شاه سلجوقی را درباره وی لطف خاصی بوده و از او دستگیری و تزییه نموده است . و بر او بیت دولت شاه در او ائیل حال از غرjestان بهرات و از آنجا بنز نه آمده و بخدمت بهرام شاه غزنوی بیوست و مدت چهار سال او را مدایج گفت . و همچنین از سلاجقه کرمان با ارسلان شاه بن کرمان شاه (۴۹۴ - ۵۳۶) نیز رابطه داشته در ستایش او نیز قصائد مروده است . وفات او بسال ۵۰۰ هجری است و قسمت مهم اشعار او عبارت از قصائدهای است که درباره سنجر و بهرامشاه و سائرین گفته است .

و دیگر از بزرگان و شعرای معروف این عصر امیرامام رشیدالدین سعدالملک محمد بن محمد بن عبدالجلیل همری کاتب بلخی معروف بخواجه رشیدالدین و طواط است که در بلخ تولد یافته و پس از اكمال تحصیلات خود در نظامیه بلخ از نزد اساتذّه این فن چون ابو سعد هر وی و غیره ، بخدمت ابوالمظفر علاءالدوله اتسز بن قطب‌الدین محمد خوارزم شاه بیوست و مدت سی سال در خدمت او بسر برده و رئیس دیوان انشای وی بود .

مشارا له از افاضل شعرای عصر خود بود و بهر دو زبان فارسی و عربی اشعار مصنوع و قصائد بلند بالایی میسرود ، و به منتهای درجه اشهار یافته بود . چنانکه دانشمندان عصر وی را احترام می نمودند . و بواسطه نیکه جنبه ضعیف و اندامی کوچک داشت معاصر ینش او را وطواط نامیده اند . رشید بر علاوه شاعری از نویسندگان زبردست عصر خود بود . در علوم ادبیه بالخاصه در نحو و صرف و بلاغت از فر برآوردگان زمان خود بشمار میرفت و با اساتذّه این فن چون زنجشیری و غیره و غیره مناسبات و مکاتبات داشته و بایشان ادعای همسری می نمود . و الحاق که چنان است و منشأ او درین دو زبان علی الخصوص در زبان عربی بهترین دلیل است بر علو مقام و لیاقت از چند او درین علوم - رشید تازمان تکش نیز حیات داشت و در تهنیت جلوس او رباعی گفته و پس از آن بواسطه کبر سن



طبق مسی که روی آن خطوط کوفی نقش شده متعلق بقرن پنجم هجری و زمان غزنوی
Plateau de cuivre orné de caractères kouféides (5^e siècle de l'Hégire)
(Musée de Kaboul)



طبق برنجی که روی آن خطوط کوفی نقش شده متعلق بقرن پنجم هجری و زمان غزنوی
Plateau de bronze orné de caractères kouféides (5^e siècle de l'Hégire)
(Musée de Kaboul)

وصف قوا از دبیری معاف گردیده ازوا و عزلت اختیار نمود. تا آنکه در سال ۵۷۳ از پنجان درگذشت. و چنانکه در بالا متذکر شدیم، رشید بر علاوه آنسز خوارزم شاه که با او ییوستگی داشته، کتاب مخصوص و وزیر رسائل او بوده و در مدایح او قصائد غزالی گفته است، با سیهید غازی نصره الدولة والذین رسم بن علی بن شهریار آل باوند نیز مناسبات بهم رسانده و در حق او قصائد بسیاری در عربی و فارسی انشا کرده و از او هر ساله پانصد دینار بر علاوه خلعت و غیره انعامات جنسی بطور مواجب می گرفته است.

دیوان فارسی وی تقریباً شامل هشت هزار بیت و عبارت از قصائد و اشعاری است مصنوع، مرصع و مسجع که با کمال استادی مروده شده. و از مولفات او در فارسی مجموعه منشآت وی و حدایق السحرفی دقایق الشعر است که آنرا به تقلید از فرخی سیستانی تالیف نموده ولی مؤلفات او را در عربی متجاوز از (۱۵) کتاب و رسائل مختلفه نوشته اند. و دیوانی در عربی نیز داشته است.

و دیگر صدر الحکما ظهیر الدین ابو الفضل طاهر بن محمد، معروف بظهیر فاریابی است. اصل وی از فاریاب (خیر آباد امروزه) از مضافات جوزجان است. و همدرا آنجا تولد یافته. و پس از ا کمال تحصیل علوم متداوله عصر خویش به مسافرت و سیروسیاحت پرداخته، وارد نیشابور گردید، و حاکم آنجا طغان شاه بن نوید معروف به (آی اب) را مدح گفته و از آنجا با ذریبایان رفت و با نایبکان آن دیار ییوست و شعرای دربار آنها شد و بلوازم اکرام اختصاص یافت و تا آخر عمر با ایشان بسر میبرد. ا تا بیک ایلدگز مظفر الدین محمد بن ایلدگز معروف بجهان پهلوان و قزل ارسلان و ا تا بیک ابوبکر بن جهان پهلوان را مدایح گفته و در وصف آنها قصائد بلند بالائی دارد. که هر یک در جای خود نمونه از شاه کارهای ادبیات فارسی است. ظهیر ارمعاریف شعرای قرن ششم هجری، و یکی از اساتید سخن مرایان سبک عراق است. و درین سبک اشعار و سبک فضاودی برجسته تر از آثار همقطاران اوست. ظهیر به نازک خیالی و ایراد معانی دقیقه با اندازه مقتدر و چیره دست است که نظیر وی در اسلاف و معاصرینش دیده نمیشود. و دیوان او مشتمل بر ۷ هزار بیت و عبارت از قصائد و اشعار آبداری است که از حیث زراعت و طمطراق لفظ، دقت معانی و تشبیهات بدیم، جمیع آثار معاصرین را تحت الشعاع گرفته. نازک خیالی و مبالغات شاعرانه در آن مجد کمال مشاهده میشود. و بدین جهت بی مناسبت نخواهد بود اگر او را مؤسس و بانی سبک کنونی هند نیز بشمارند و چنانکه فاضل حلامه میر غلام علی آزاد بلگرامی مینویسد، ظهیر بر علاوه شامری و احاطه در علوم ادبیه، در فلسفه و حکمت نیز مهارتی بسزا داشته، و از مربر آوردگان آن بشمار میرفته. و بدین جهت او را صدرا الحکما میخوانند، وفات او بروایتی در سال ۵۹۸ ه و بروایتی در ۵۹۲ در تبریز با تفاق ییوسته و مقبره الشعرای آنجا مدفون است.

و دیگر فخر الدین خالد بن ربیع مروی است. که از مشاهیر دانشمندان قرن ششم بود. در دربار محمد بن ملکشا و سلطان سنجر سلجوقی بسر می برده و از شعرای معروف دربار سلاجقه بشمار میرود. و همچنان روحی و لوالجی که او نیز از شعرای دربار سلاجقه بوده در هجودستی داشته. و هکذا حکیم عبد المجید معروف به صهری غزنوی که از شعرا و دانشمندان عصر سلاجقه بشمار است. الپ ارسلان و ملکشا سلجوقی را مدایح گفته و با قصهای آن عهد چون ادیب صابر و سوزنی مصاحبت داشته. و بر علاوه ابن چند نفر و امثال ایشان شعرای دیگری نیر در عصر پنجم و ششم هجری از افغانستان خروج نموده. و بدربار حکمداران و اسرای همجواری افغانستان منسوبیت یافته اند. چون ابو الفرج سگری که استاد عنصری بوده معاصر با سنجر سلجوقی است و آل سبکتگین را هجو نموده و جمال الدین محمد ازهری مروی، بدیهی سجاوندی که معاصر با سنجر سلجوقی بود. اسماعیل بن ابراهیم غزنوی معروف بزریس، بدیم الدین سگری، تاج الدین اسماعیل باخرزی، چاوش غوری، ابو الفضل عثمان بن احمد مروی و معین الدین مراجمی بلخی از شعرای سلاجقه و مراجمی بلخی مداح خوارزم شاه، صفی الدین بستی، صندلی غزنوی، ضیاء الدین بلخی، شمس الدین محمد کاتب بلخی، کمال الدین کوتاه پای ترمذی.

فریدالدین محمود بن بشار هروی ، فریدالدین علی منجم سکری ، فخرالدین خطاط هروی ، علاءالدین مسعود بن محمد بن علی اندخودی و یسروی شمس‌الدین محمد ، ضیاء‌الدین محمد بن ابی نصر بن ابی شهید غزنوی ، ضیاء‌الدین محمود کابلی ، ضیاء‌الدین سکری ، شهاب‌الدین محمد بن علی ، صائم غزنوی ، شمس‌الدین بستی ، شمس‌الدین دلاه بلخی ، بدرالدین بن نورالدین هروی ، ابو بکر بن محمد واعظی بلخی ، شمس‌الدین یاقلانی بلخی ، شمس‌الدین محمد بن علی بن محمد دقایقی سرورودی وغیره وغیره از شعرای خوارزم شاهیان و ابلک‌خانیه که مفصل ذکر از آنها این مختصر را نشاید .

ملوک غور و دربار ایشان :

در اواسط قرن ششم هجری در غور نیز یک سلطنت دیگری تاسیس یافته بود که به نزد مورخین ملوک الجبال و ملوک شنبانیه معروفند . و ایشان نظر به نگارش مورخین دوطائفه بوده اند ، یکی در خود غور سلطنت و حکمرانی داشته پای تخت آنها فیروز کوه بود . و دیگری در شمال غور که مرکز سلطنت آنها در بامیان بوده . و بدان جهت ایشان را ملوک بامیان و غوری بامیان و یا ملوک طخارستان نیز خوانند . سلاطین غوریه نیز در پرورش شعرا و فضلا همت گماشتند ، دربار آنها به اندک زمانی سرجم کزمر و ادبا و شعرا گردید و بسا افراد از این طبقه را پرورده است . و از میان سلاطین این سلسله از همه معروفتر سلطان علاءالدین بن عزالدین حسین ملقب بجهانسوز است که از ۵۱۵ تا ۵۶۶ هـ سلطنت نمود . مشارالیه از مشاهیر سلاطین غوری فیروز کوه است و دولت غوریه را با اوج رفعت رسانیده ، با بهرامشاه غزنوی جنگ عوده ، او را شکست فاحش داد و شهر غزنین را قتل عام نموده ، هفت شب در آن آتش زد ، و باین جهت ملقب بجهانسوز گردید . و با وجود آنهمه اعتسافاتی که از وی نقل نموده اند ، باز هم در ادبیات فارسی توجه داشته و در پرورش شعرا و دانشمندان اهتمام میورزید . گذشته از آن خود نیز شعر می‌گفته و هم چنان سلاطین و شهزادگان دیگر اینخاندان (چه در غور و چه در بامیان) نیز با ادبیات و شعر سروکاری داشته ، مثل وی بوده اند . همیشه با فضلا و شعرای عصر محشور بوده از استمال و نوازش آنها هیچ رنگ خود داری نکرده اند ، در همان است که در دربار آنها یکمده سخن سرایان زیادی پرورش یافته ، در مدایح ایشان قصائدی سروده اند که هر یک در خورتند کار است .

شعرای دربار غور : یکی از بزرگترین شعرای نعمت دیده سلاطین غور ، ابو الحسن نظام‌الدین یا نجم‌الدین احمد بن عمر بن علی سمرقندی معروف بنظای عروسی است که از معاریف شعرا و نویسندگان قرن ششم هجری است . از اشعار وی امروز جز چند قطعه چیزی بدست نیست ، تا بتوان مقام و لیاقت او را درین فن ثابت سازد . ولی در اثر مقام شایسته داشته و چهارمقاله او بهترین نمونه انشاء پارسی است که در روانی و سلاست بیان بجز از چند کتاب محدودی کمتر نظیر او دیده میشود . عروسی گذشته از شیوه شاعری و دبیری ، در فن طب و نجوم نیز مهارتی بسزا داشته . چنانکه از مطالعه مقاله سوم و چهارم چهارمقاله او آشکار است . عروسی از خصوصان ملازمان دربار ملوک غور بوده ، و کتاب معروف خود بحجم الزواجر (یا چهارمقاله) را بنام یکی از شاهزادگان این سلسله تالیف نمود که عبارت از ابو الحسن حسام‌الدین علی بن فخرالدین مسعود بن عزالدین حسین است . و در وقت تالیف این کتاب مدت چهل و پنج سال بود که از خدمتگذاری او درین خاندان میگذشت و خود را از جمله شعرای چهارگانه می‌شمرد که نام ملوک غور بواسطه ایشان مخلص گردیده است ، و همچنان عروسی از شعرای معاصر خود بامیر معزی دیده‌ار کرده و بخدمت او رسیده و شعر خود بر او عرضه داشته . از سال تولد و وفات او اطلاعی بدست نیست ولی بعقیده فاضل میرزا محمد خان قزوینی تولدش قبل از سنه ۵۰۰ و اقلأ تا حدود سنه ۵۰۰ هـ در قید حیات بوده است . دیگر ابو نصر بدرالدین محمود بن ابی بکر بن حسین بن جعفر فراهی است معروف با بو نصر فراهی مؤلف نصاب الصببان . فراهی از شعرا و دانشمندان اواخر قرن ششم هجری بوده ، و در دربار بهرامشاه بن تاج‌الدین حرب امیر سیستان بصری برد (که با سلاطین غور ییوستگی داشت) و از جوان نعمت و نوازش های امیرانه او

شادمانانه زیست می نمود. و اثر معروف خود نصاب الصبیان را همدران دربار فرمان و خواش نظام الملك حسن وزیر بهرام شاه موصوف برشته نظم کشیده. و مچنان جامع الصغیر امام محمد شبیبانی را. از اشعار او بجز از نصاب الصبیان چیزی باقی نبوده. و فائش بظن غالب در اوائل قرن هفتم هجری است.

دیگر حکیم ضیاء الدین عبدالرافع بن ابوالفتح مروی است. که از اجله فضلی عصر خود بود و در حکمت و فلسفه مهارتی داشت. مدتها در خدمت سلطنت ملک خسرو آخرین شهر یار غزنوی در نهایت احترام میزیست تا آنکه پس از انقراض پادشاهی ایشان بغور رفته و در سلك مداحان سلاطین آنند یار منسلك گشته و ایشا فرامدایح گفته. بر علاوه چند قصیده ناعلی که از وی در بعضی از تذکرها بنظر می رسد. رساله منظوم جلالیه در تفسیر نود و نه نام آزوست. از سال وفاتش اطلاعی بدست نیست.

وزیاده برین یکدمه شعرا و دبیران دیگر نیز در دربار سلاطین غور بودند که قسماً از شعرای دربار و قسماً از اصحاب دیوان آنها بشمار رفته، در سایه حمایت و پرورش آنها حیات بسر برده اند. و از شعار آنها جسته جسته بعضی قطعات وادیات پراکنده در بعضی از کتب تواریخ و تذکرها بنظر می رسد.

چون امیر ظهیر الدین نصیر سیستانی که از اصرا و فضلاء و شعرای ممتاز سیستان بود و چنانکه مرحوم هدایت می نویسد وقتی از بلاد نیمروز بر سم رسالت بغور رفت و در حضرت سلطان غیاث الدین رسید. ادای رسالت نموده مورد الطاف شد. صدر اجل فخر الدین مبارکشاه مروی او را انعام و افراد و در شکرانه آن مدحها گفت.

و فرید الزمان شرف الدین احمد بن محمد ایزد یار معروف بفرید کافی که صاحب دیوان انشای غیاث الدین محمد بن سام بود. و فخر الدین مبارکشاه بن حسین مروی و وزیر علاء الدین جهانسوز مؤلف تاریخ سلاطین غوره، شرف الدین احمد بن محمد فراهی، شمس الدین عجیبی جرجانی و سید ظهور الدین یحیی مرخسی که صاحب دیوان انشای غیاث الدین غوری بود، و کریمی سمرقندی و زکی مراغی و غیره و غیره.

نثر فارسی در قرن پنجم و ششم یا عصر غزنویها: در قرن پنجم باندازیکه در شعر فارسی ترقی نمایانی محسوس گشته سخن مرایان مشخصی بوجود آمدند، نثر فارسی نیز درین دوره جنبشی نموده، پیشرفت معنایی نمود. و بطوریکه در بالا متذکر شدیم، پیش ازین در قرن چهارم تمام همت و کوشش مؤلفین و نویسندگان متوجه زبان عربی بوده، تصانیف و آثار خود را بدان زبان می نوشتند. ولی از آغاز این قرن به بعد نویسندگی شکل دیگری بخود گرفت. زبان فارسی رسماً رفته رفته اهمیت یافته توجه مؤلفین و نویسندگان قرن پنجم و ششم را بخود معطوف ساخت. و آهسته آهسته در مدت این دو قرن گذشته داخل حوضه علم و ادب گشته، سرمایه کافی برای افاده هرگونه مطالب علمی و ادبی پیدا کرد. ادبا و دبیران بزرگی بوجود آمدند و دانشمندان به نوشتن آثار و مؤلفات خود به عربی اکتفا ننکرده، شروع بتالیف و تصنیف در زبان فارسی نمودند و در اندک مدتی بواسطه سعی و کوشش آنها، مؤلفات زیادی در نثر فارسی فراهم آمد. و کتب متعددی در تاریخ و علوم مختلفه بفارسی نوشته شد. که تعداد آن نسبت به مؤلفات قرن چهارم چندین مرتبه افزون تر است.

از آنجمله دبیر بسیار بزرگی بنام ابونصر بن مشکان در دربار غزنویان وجود داشت. وی صاحب دیوان رسالت سلطان محمود غزنوی و پسر او سلطان مسعود بوده، استاد مورخ معروف دربار غزنه ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی است. بیهقی همیشه با او یکجا بسر برده، و آنچه که در عمر خود ازوشنیده بود، املا نموده، کتابی بنام مقامات ابونصر مشکان تدوین و ترتیب داد چنانکه مینویسند این کتاب تا قرن هشتم هجری متداول و معمول بود. ولی امروز از میان رفته است. و مچنان بعضی از مکاتیب و رسائل او را نیز مؤرخ موصوف در تاریخ خود بمناسبتی قید نموده است که از آثار مشارالیه بشمار میرود. ابونصر در سال ۴۳۱ هجری وفات نمود.

دیگر از آنجمله امام ابوالعالی محمد بن عبیدالله علوی غزنوی است. که در دربار مسعود بن ابراهیم غزنوی بصری برد. و سلطان را درباره او التفاتی عظیم بود. و اوست مؤلف کتاب بیان الادیان در تفسیر و بیان مذاهب مختلفه و کتاب منور از مهم ترین کتبی است که در قرن پنجم هجری بقارسی تألیف یافته و در سنه ۴۸۰ با تمام رسیده.

و دیگر مؤرخ معروف و نویسنده زبردست فارسی ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی است که قسمت مهم از عمر خود را بدربار سلطان محمود و پسر و نبرهای وی گذرانده، و وقف فکارش تاریخ این خاندان و وقایع دربار ایشان نموده است. مشارالیه در ۲۷ سالگی داخل خدمت دربار غزنوی گشته، با موردیوانی اشتغال نموده، جزو دبیران دیوان رسالت شهریاران غزنوی بخدمت می برداخت و بواسطه استعداد و لیاقت ذاتی و حسن مهارت در انشاء فارسی و عربی و خط، توجه ابونصر مشکاک را بخود جلب نمود و در آنک زمانه بسا به نوازش و حمایت او در دربار تقرب یافت. و رفته رفته کارش در موردیوانی پیش گرفت. و در اغلب مسافرتها که محمود و پسرش مسعود کرده اند با ایشان همراه و جزو ملتزمین رکاب بود. و مچنان با سایر سلاطین غزنوی تا آنکه در اواخر سلطنت فرخزاد از موردیوان کناره گرفته و پس از آنک زمانه در سال ۴۷۰ هجری ازین جهان درگذشت. بیهقی سی و نه سال از عمر خود را بدربار سلاطین غزنوی و امور دیوانی آنها صرف نموده، تاریخ بزرگی درسی مجلد را جم بوقایع دربار آنها نوشت. که شامل حوادث و وقایع سلطنتی یکصد و چهار ساله سلطنت شهریاران غزنه از آغاز سلطنت سبکتگین تا زمان سلطان ابراهیم است.

و مجلدات این تاریخ خود را بمناسبت وقایع سلطنت هر سلطان بنام تاریخ یا طبقات ناصری، محمودی و مسعودی و غیره و غیره نام گذاشت. که مجموع آن بنام جامع التواریخ موسوم بوده، ولی بدبختانه در اثر حوادث روزگار جز آنکه از آن باقی نمانده است. و آن شامل قسمتی است از وقایع سلطنت سلطان مسعود بن محمود. که درین زمان بنام تاریخ مسعودی و یا تاریخ بیهقی معروف است. و از حیث فصاحت و روانی و عبارات سهل و ممتنع نظیر آن در فارسی وجود ندارد.

بیهقی چنانکه در انشای فارسی از سرآمدان عصر خود بود، در عربی نیز لیاقتی بهرسانده دارای مهارتی بسزا بوده، از جمله کتاب و نویسندگان این زبان نیز بشمار میرود. و گذشته از آن بطوریکه در تشریحی بد طولانی داشته از نویسندگان بزرگه قرن پنجم هجری محذود است. در نظم نیز بی اطلاع نبوده و زبان فارسی و عربی شعر می گفته. اشعار خوبی از او مانده است.

و دیگر از مورخین و نویسندگان آنهمه ابو سعید عبدالحی بن ضعاک بن محمودگر دزی است. که از تشریحان مشهور قرن پنجم هجری بود. اسلوبش در تشریح نهایت سلیس و روان، فصیح و منقح است. چنانکه از زین الاخبار و ی خوبی معلوم میشود. و مشارالیه تاریخ معروف خود زین الاخبار را در زمان سلطنت عبدالرشید پسر محمود غزنوی بین (۴۴۰) و سال (۴۴۴) هجری تألیف نمود. که بعد از تاریخ بیهقی یکی از نخبه کتب موفه قرن پنجم هجری بحساب رفته، بهترین نمونه از تشریح نویسی آن عصر است و مچنان از لحاظ قرب زمان نیز را جم بتاریخ سامانیان و غزنویه نهایت مهم کتابی است و مشتمل است بر وقایع تاریخی و حوادث مهمه از صدر اسلام تا سال ۴۳۲ هجری. و دیگر از تشریحان آنهمه ابواسحق علی بن ابوعلی عثمان جلابی هجویری غزنوی است (جلدب و هجویری دو اسمی است از نواحی جوار غزنوی) که در غزنه زندگانی بصری برد. و از عرفای نامی و نویسندگان مقصوف عصر خود بود. و کتابی در تصوف بنام کشف المحجوب و کتاب الیاز تألیف نموده است. این کتاب اولین کتاب معروفیست که به تشریح فارسی در شرح حالات و عقاید و مقالات مشایخ صوفیه نگاشته شده و گذشته ازینکه نمونه از تشریح فارسی آنهمه است. افوال و حکم اخلاق و عرفانی مهم و مفیدی نیز با جمل قصار و اشعار عربی در آن ایراد شده. و فاش در سال ۴۶۴ هجری در لاهور با تفاق پیوسته.

و دیگر از نویسندگان آن عصر خواجه ابوالعلاطین یعقوب رازی سالف الترجه است، که در عین شاعری دیرزی بردست هم بود. و مدتها در دربار غزنویان باین صفت زندگانی بسر می برد. تا آنکه سلطان ابراهیم او را از شغل مذکور عزل نموده به هندوستان بمحسب فرستاد. و در سنه ۴۷۱ هجری در لاهور در حبس ازین جهان درگذشت ولی آثار منظوم او و بنظر نمی رسد. و دیگر از شعرا و نویسندگان افغانستان در عهد ملوک جبال، عروضی سمرقندی است که ترجمه حال او در جمله شعرای ملوک غور نوشته آمد و از آثار برگزیده تر آن عصر است چهار مقاله او.

و دیگر از نویسندگان و شعرای معروف قرن پنجم افغانستان حکیم حمید الدین ابومعین ناصر بن خسرو بن حارث قبادیانی بلخی است. که بسال سه صد و نود چهار هجری در قبادیان از حوالی بلخ (که حالا اسم کلمه قبادیان به قودیان تحریف یافته و اسم یکی از دروازه های شهر مزاربدان اسم یعنی دروازه قودیان معروف است) تولد یافته. ناصر خسرو بر علاوه شاعری و نویسنده گوی در حکمت و فلسفه الهی نیز احاطه و تبصر کاملی داشته. و یکی از فضلا و دانشمندان عصر خود است. و بقراریکه می نگارند مشار الیه پس از اکتساب تحصیلات خود در رشته های متعدده از علوم مختلفه، در دوره جوانی و عتفوان شباب در غزنی رفته و در بار سلطان محمود و پسرش مسعود را دریافته، و بعد از آن در دربار سلاجقه رفته و در آنجا دبیر بوده و بخدمت دیوانی اشتغال داشته است. مشار الیه بواسطه اینکه شخصی نهایت متجسس و کنجگاو بود، بنا بر آن جهت تحقیق و مطالعه در اعماق عقاید ملل مسافرتهای طولانی کرد و در دور دستترین نقاط از وطن خود سیاحتها نمود و از ممالک مختلفه عالم حجاز، سوریه، آسیای کوچک و مصر را دید. و با ملل و آریاب مذاهب مختلفه این ممالک اختلاط و معاشرت نموده و بقائید و جزئیات دینی و مذهبی ایشان بلایت کامل یافت. علی الخصوص مدت سه سال در مصر سکونت نموده با پیروان مذهب اسماعیلیه که در آن عصر در محبوه ترقی بود رابطه و بیوستگی یافته، و مذهب مذکور را قبول نمود و یکی از پیروان و مبلغین نهایت جدی این مذهب گردید و بهزم تبلیغ و دعوت مردم بدین مذهب در وطن اصلی خود برگشت، و کتاب معروف سفر نامه خود را درین سفر نوشت که از مهمترین آثار قرن پنجم هجری بشمار میرود. و پس از مراجعت بوطن اصلی خود بلخ، آشکارا در آن دیار آغاز به تبلیغ عقاید اسماعیلیه نمود. و درین راه نهایت فداکاری از خود برز داد. با علما و قتهای همعصر خود مباحثاتی نمود. تا آنکه علمای دینی بروی شوریده، بدشمنی وی برخاستند. ناصر خسرو از بیم جان ناچار مدتی متواریانه فراری گردید و از شهری بشهری در شهرهای افغانستان شمالی میرفت و مخفیانه تبلیغات برله مذهب اسماعیلی می نمود. و از یاد کارهای این زندگانی پر شور و اضطراب آلود او و کتاب زاد المسافرین اوست. که آنرا در اساس اثبات عقاید اسماعیلیه تالیف نموده و درین زمینه نهایت عمیق رفته و تحقیقات فلسفی نموده می خواهد از نقطه نظر عقلی مذهب مذکور را اثبات نموده باشد. تا آنکه در سال ۴۵۶ هجری از مضامین بدشمنان وارد بنگان گردید. و در آنجا عزت و انزوا جست تا که در سال ۴۸۱ هجری بزندگانی پر شور او سرگه خانه داد. قسمت اخیر از عمر خود را این مرد همیشه بارنج و آلام جانگزائی بسر برده، در مورد طمن و لمن ماصرین خود واقم بود. همواره هدف زجر و شکنجه های جسمی و روحی اینای زمان خویش اتخاذ شده چه مصائب و بد بختیهای تحمل فرسائی نبود که وی در راه معتقدات خود نکشید. چنانکه همه این رنج و تعب این همه بدبختی و طعنه ساری را بایک لحن حزین و ناله های دل خراشی بواسطه اشعار خود بیان می کند. و از زندگانی تیره و وحشت آلود خویش شکایت مینماید. دیوان اشعار و برا در اصل می هزار بیت نوشته اند. ولی قسمت مهم آن تلف گشته، امروز بیشتر از ده هزار بیت بنظر نمی رسد، که عبارت است از اشعار فلسفی، اخلاقی، مذهبی و حکمت و غیره. و بر طراره سفر نامه و زاد المسافرین و آثار دیگری نیز دارد که هر یک در جای خود یادگار است از نظم و نثر فارسی قرن پنجم هجری چون خوان اخوان، دلیل المتعبرین، مثنوی روشنائی نامه، مثنوی سعادت نامه، و چه دین (در ذکر عقاید اسماعیلیه)

رسالة آفاق نامه (در تصوف) رساله در جواب نود و يك سوالی که در حکمت و منطق از و کرده اند ، بوستان العقول ، ناکفته نماند که ناصر خسرو چنانکه یکی از مؤلفین بزرگ و ولود قرن پنجم هجری بود ، از شعرای معروف و زبردست عصر پنجم هجری نیز بشمار رفته بلکه یکی از فحول شعرای آن عصر است ، و ما بملتی که او در اوائل حیات به پیشه دبیری اشتغال داشته و در اواخر عمر آثار مثنوی نیز از خود بیادگار گذاشته است ، مشارالیه را در ردیف نویسندگان این عصر تذکار نمودیم .

و دیگر از نویسندگان معروف قرن ششم افغانستان قاضی حمیدالدین ابو بکر عمر بن محمود بلخی است ، وی شاعر و مادی توانا بود . و بر علاوه در قفّه نیز یکی از قفهای عصر خود بشمار رفته در بلخ به شغل قضا مشغول داشت ، و شعرای معاصر او مانند انوری دربارۀ او مدایح دارند و او را در اشعار خود ستوده اند ، وی مقامات خود را در اواسط قرن ششم هجری تالیف نموده . و این کتاب اولین کتابیست در فارسی که مسجع نوشته شده ، و مرتب است به بیست و سه مقاله در مطالب ادبی ، مباحثات ، مناظرات و لغز و غیره . و مؤلف آن مقامات بدیم الزمان همدانی و حریری را در نظر گرفته قصد این کتاب را بعبارات مسجع نوشت . و منظور اصلی او ابداع طرز مقامات نویسی در فارسی بود . و ازین رو میتوان گفت که در فارسی تنها همین کتاب است ، که نظیر مقامات همدانی و حریری بشمار میرود .

این بود نویسندگان و دبیران معروف قرن پنجم و ششم هجری افغانستان و آثار ایشان که هر يك بجای خود نمونه ایست از بهترین آثار نثر نویسی این دو قرن و یادگاری است از ادبیات مثنوی آن عهد در افغانستان . و همدان عهد در مائه پنجم هجری بزرگوار دیگری نیز در افغانستان زندگانی بسر می برد ، که از اجله علماء و محدثین و از اکابر صوفیه و عرفانی افغانستان بشمار می رود . یعنی شیخ الاسلام امام ابو اسماعیل عبدالله بن ابی منصور محمد بن ابی معاذ علی خرزجی انصاری مروی معروف بخواجه عبدالله انصار و پیر مری که نسب وی بابو ایوب انصاری صاحب رحل آنحضرت صلعم منتهی میشود . که از مشاهیر صحابه رضی الله عنهم است .

تولد این بزرگوار در سال ۳۹۶ هجری بوده و معاصر با الپ ارسلان سلجوق و خواجه نظام الملک طوسی است ، مشارالیه از سخن سرایان بزرگ قرن پنجم بشمار رفته ، اسلوبش در نهایت فصاحت و روانی است و تصانیف متعددی در نظم و نثر فارسی و عربی دارد چون ذم الکلام و منازل السائرین الی حق المبین (در عربی) و رساله زادالمرفین و مناجات فارسی ملیح معروف و کتاب امرار (در فارسی) و ماوست که کتاب طبقات الصوفیه ابو عبد الرحمن سلمی را در مجالس و عظم املا نموده و بعضی تراجم دیگر از خود بدان افزوده و یکی از سریدان وی آمال مذکوره را بزبان مروی قدیم جمع نموده . و پس از آن در قرن نهم هجری مولانا عبدالرحمن جامی آنرا از زبان مروی قدیم بفارسی معمول در آورده و تراجم مشایخ دیگر را بر آن افزود که بنام نقعات الانس معروف است . وفات خواجه بانقاف مؤرخین و تذکره نوبسان در ذی الحجه سال ۴۸۱ هجری بوقوع پیوسته .

يك نظر اجمالی با ادبیات این عصر قرن پنجم و خصایص ادبیات آن :

یکی از خصایص برجسته ادبیات فارسی در قرن پنجم هجری ، تکامل شعر و رسیدن آن است باوج کمال - چه بطوریکه در بالا متذکر شدیم ، شعر فارسی در عصر صفاریان تولد و پیدایش یافت و سپس در قرن چهارم بواسطه تشویقات و ادب پروریهای امرای سامانی داخل مرحله نو و رشد گردید . تا آنکه نوبت بشهریاران غزنوی رسید و همان بود که در دوره اول حکمرانی ایشان که عبارت است از قرن پنجم هجری ادبیات چه نظم و نثر هر دو باوج کمال رسید . و این نبود مگر در اثر تشویق و نوازش ایشان از شعرا و دانشمندان عصر . بالخاصه سلطان محمود و پسرش سلطان مسعود که از بزرگترین شهریاران ادب پرور این سلسله بشمار می روند . چه صلات و بخششهاییکه این دو نفر بشعرا می دادند ، مردم توجه فوق العاده بآداب و ادبیات ظاهر ساختند . و بنا بر آن به تعداد سخن سرایان به نسبت قرن چهارم افزوده ، شعرای بزرگ

بزرگ و توانایی با نند عنصری، فرخی، زینتی و غیره از امثال ایشان دیدنی‌دار گشتند. و پایه سخن و سخنوری را باوج رفعت رسانده و ادبیات فارسی بچنین پیشرفت و ترقی در خشان نائل آمد. و عصر ایشان مرآه دورهای ادبی افغانستان قرار گرفت. و اشعار درین دوره نه تنها از حیث کیفیت بلکه از جنبه کجیت هم باندازه اوج بلندی گرفت. که تنها اشعار بوجود آمده آن عهد را متساوی بجمیع آثار سائر ادوار ادبی ادعا نموده اند. که بدیخته حوادث مشؤم و انقلابات دورهای ما بعد (علی الخصوص فتنه مغول)، انحصار کتب و دواوین به نسخ خطی و عدم ایجاد طبع، لطمه‌های بزرگی بدان وارد ساخته قسمت مهم و برجسته آنرا از میان برد بجز از قسقی آنهم در غایت تشمت و برآکنده گئی. و بطوریکه سخن مرایان آن عصر از میان رفتند آثار آنها نیز تقریباً بکلی محو و نابود گشت.

چنانکه مینویسند عنصری را در آن عهد دیوانی بوده حاوی می هزار بیت و هم چنان مثنویات مقدمه ده که امروز بجز از هزار بیت چیزی دیگر از آن دردست نیست. و هکذا فردوسی، زینتی و مسعودی و مسجلی را که هر یک دیوانی داشته اند. و امروز هشر عشر از آن با نرسیده است. و دیگر از خصایص مهم ادبیات این عصر تکامل سبک ترکستانی است. که اساس آن در زمان سامانیها گذاشته شده بود با تشککل سبک‌های جدید در حوضه داخلی آن. چون سبک فرخی سیستانی و فردوسی و منوچهری و غیره.

و دیگر از اختصاصات ادبیات درین زمان، رواج قصیده، مرثی و کرمی بازار آن است، و بدین جهت شعرائیکه درین قرن بوجود آمده اند، عموماً قصیده سرابو دند. و هر چند بکه در زمان سامانیها نیز قصیده مرثی و راج داشته، شعرای قصیده مرثی و جود داشته اند. ولی مقصد اینست که قصاید درین دور رنگ دیگری بخود گرفته و شعرای این دور به نسبت سابق قصاید را طویل تر ساختند و با ننداز بکه مخصوص ایشان است. با تشبیب و تنزل قصاید خود را آغاز نموده، مدح ممدوح میرسانند و سپس از فتوحات و کارروائیهای او بطوریکه مزاواری دانند بحث نموده، بقصاید خود خاتمه می دهند. و در مطلع و مخلص و مقطع قصاید خود باندازه دقیق گشته چنان محسنات معنوی در آن مراعات شده که از حیث کجیت و کیفیت نظیر آن در عصر سامانی دیده نمیشود. و بدین تقریب اگر بگوئیم که یکی از خصایص و مخترعات ادبی این عصر است، تشبیب، حسن مطلع، مخلص، مقطع و حتی حسن طلب در بعضی از موارد. باز هم بیجا نخواهد بود.

اما راجع به تره همان است که نثر فارسی در زمان سامانی بواسطه رواج ادبیات عرب و سلطه و نفوذ زبان عربی در زیر تاثیر عربی واقع گشته، و تقریباً ترجمه بود از زبان عربی و در آن جملات کلام و ترکیب کلمات و فعل و فاعل اغلب بطور عربی افاده میشد. ولی درین عصر رو به ترقی و پیشرفت نهاده، از تاثیر اسلوب عربی خارج گشت و بصورت مستقل نمودار شد و نثر نویسان زبردستی بظهور رسیده، سبک‌های مختلفی بوجود آمد چنانکه بهترین نمونه از آنها سبک بیهقی است که از حیث روانی و سلاست بیان استحکام ترکیب و ابجاز جملات بی نظیر بوده. و تا کنون هیچ سبکی در تاریخ نویسی بیایه آن نرسیده.

این بود خلاصه تمیزات ادبیات در قرن پنجم ولی در قرن ششم تنها فرقی که مشاهده میرسد، اینست که شعرای این دوره در پیرایه الفاظ افاده نسبت بهمانی دقیقه بیشتر به تکلفات لفظی پیچیده اند. و با وجود بکه از اشعار نثر و روان ساده و فصیح این عصر خالی نیست. باز هم قسمت مهم از آن بطراوت و ساده گئی اشعار قرن پنجم نبوده، بیشتر از آنها خشک و پراز تکلفات لفظی است. که شاعر در اکثری از موارد معانی نثر مضامین لعاب دلیکش را فدای تجزیسات بیجا و صنایع لفظی نموده است. ولی با وجود آنهم از ادبیات این عصر راجحه ادبیات قرن پنجم استهتام شده. باز هم بجزئیات میتوان گفت که عصر مذکور یکی از بهترین دوره های ادبی است که بدوره های ما بعد خود از هر حیث مزیت و برتری دارد. و هم چنان دیگر از مهمترین مختصات این زمان دخول تصوف است در شعر بواسطه بعضی از شعرای متصوف این عصر چون سنائی و غیره و غیره.

نویسندگان و دانشمندان بزرگ قرن پنجم و ششم افغانستان که بیشتر تالیفات آنها به عربی است : یکی از معاریف فضلا و دانشمندان عصر پنجم ابو ریحان محمد بن احمد بیرونی است که بسال ۳۶۲ هجری در حوالی خوارزم تولد یافته و در اوایل حال بدر بار مامون بن مامون خوارزم شاه منسوب بود . پس از آن زمانی بخدمت شمس المعالی قابوس و شمگیر گذشتانده ، وارد غزنه شد و بدر بار مینالدوله بیوست و در حضور او تقرب یافته ، جزو خاصان دربار و ملتزمین رکاب گردید . چنانکه در مسافرت های هند آن پادشاه با وی همراه بود . و زبان هندی را بیاموخت و از چگونگی احوال آنسر زمین امرار آلود اطلاعی بهرسانده ، مشهور ترین کتاب خود (تحقیق مالهند) را در اخلاق ، اخبار و عادات هند تالیف کرد . و چنان پس از وفات محمود در آن سلطنت سلطان مسعود نیز بهمان مقامیکه در عصر محمود داشت باقی ماند و قانون مسعودی را در این سالهای ۴۲۷ و ۴۳۲ بنام وی مرتب ساخت بیرونی در هیئت نجوم ، هندسه و جغرافیا از سر آمدان عصر خود بود و درین علوم مؤلفات عدیده دارد . که مهم ترین آنها ر علاوه و کتاب مذکور الفهم الاوائل صناعة المنتجم اوست که آنرا در حدود ۴۲۰ بنام ریحانه بنت الحسین خوارزمیه تالیف نموده در ذوزبان فارسی و عربی دیگر الاثار الباقیه عن القرون الغابیه در تاریخ است . بیرونی را با فیلسوف و دانشمندان بزرگ معاصر او ابن سینا مکاتباتی بوده و در اثر آن متذق دست داده ، چنانکه در بعضی از کتب طبقات حکما و معاجم شيوخ ضبط است . وفات او در سال ۴۴۵ در غزنه با اتفاق بیوسته و تالیف کتابی موسوم بمشاهیر خوارزم را نیز بدون نسبت داده اند . که در فارسی نوشته شده .

و دیگر از اجله علماء و دانشمندان قرن پنجم افغانستان فیلسوف عالممقدار شرق ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینای بلخی است چنانکه خرد اومی نگار اصل وی از بلخ بوده و در سال ۴۷۵ ه در افسه از نوآخی بخارا تولد یافته . ویس از تحصیل علوم متداوله عصر خود از قبیل فقه . منطق ، ریاضیات ، هندسه ، علوم طبیعی ، ماورای طبیعت و طب از متخصصین فن مانند ابو عبدالله ناقلی و اسماعیل زاهد از متفلسفین و فقهائیان آن عصر عزم کرکان نمود و این سفر او پس از وفات پدر و تالیف (المجموع) و (الحاصل والمحصل) و (البر والائتم) روی داده و بنا بر ضرورتی از بخارا به کرکان رفت . و بواسطه ابوالحسن سهلی وزیر بحضور علی بن مامون خوارزم شاه حاضر و معرفی گردید و در دربار وی بقطار فقها از صدر نشینان مجلس بود . و در آن مرکزین عده از مؤلفات خود را که از مشاهیر آن قسمت اول قانون و مختصر مجسطی است بتالیف رساند . ویس از آن چنانکه از تلامذه او ابو عبید جوزجانی می نویسد ، روانه دیار ری شد . و در آنجا بخدمت سیده و پسروی مجدالدوله بیوست . و بعد اوقات و معالجه مجدالدوله که عرض غلبه صغرا مبتلا بود اشتغال نمود . و از آنجا بقزوین رفت و از آنجا نیز بعلتیکه خروج او را از آنجا یارایجاب می نمود روانه همدان شد . و در آنجا شمسالدوله که عرض قولنج داشت . او را بحضور خود احضار نمود . و بدین وسیله شیخ شمسالدوله معرفی شده ، بمعالجه وی پرداخت تا آنکه شفا یافت . و درین مدت از ندمای او بود . و در مسافرت شمسالدوله بسوی قرمسین نیز در خدمت وی بسر می برد . تا آنکه پس از مراجعت خود شمسالدوله بهمدان او را بوزارت خویش تکلیف نمود و شیخ این تکلیف او را پذیرفته با مور وزارت مصر و ف واشتغال ورزید و همان بود که هنگام وزارت او عساکر بوی بشوریدند ، جسم هستی و دارائی او را تاراج و به یغما بردند و خودش را بعبس افکنده از امیر خواستار قتل او شدند . شمسالدوله امتناع از قتل او نموده از امور وزارت وی را معزول و بر طرف ساخت ، و شیخ درین ایام مدت چهل روز در منزل ابوسعید بن دحدوک مقوری بود و مخفیانه زندگانی بسر می برد . تا آنکه مجدداً عرض قولنج شمسالدوله معاودت نموده شیخ را بمجلس خود بخواند و از وی طلب عفو نمود و درین مدتی که شیخ در معالجه اومی پرداخت امور وزارت خویش را بوی تفویض نموده او را بوزارت خود مقرر ساخت . و شیخ در دربار او بکمال اکرام زندگانی می نمود تا آنکه شمسالدوله

وفات نمود. پس از آن در زمان امارت پسر شمس الدوله بانهام آنکه شیخ را با علاءالدوله کا کوبه مکاتبیت محبوس نمودند و مدت چهارماه در قلعه فردجات محبس بود. ویس از انقضای اندک مدتی بعد از رهائی از حبس متوجه اصفهان شد. و بحضور علاءالدوله برسد و در مجلس او اکرام دید. و به اتمام کتاب شفا پرداخت. و همچنان در سفریکه علاءالدوله بجانب شایور میکرد شیخ نیز با وی بود و در عرض راه نجات را تالیف نمود و بوسیله اختصاص کتاب مذکور به علاءالدوله موصوف ازندمای او گردید و با وی بود تا آنکه در همدان در (۴۲۸) هجری بمرض قولنج در عمر ۵۳ سالگی وفات نمود.

رو بهمرفته شیخ مرآمد دانشمندان جهان بوده بزرگترین فیلسوفی از فلاسفه اسلام است. شیخ توجه خاصی باوراً طبیعت و حکمت آلهی داشت. مطابق بمقائده فلسفی مشائین و اصول ایشان و درین علم غور و تعمق نموده کوشش داشت معتقدات خود را بلباس عقلی درآرد و بین انواع فلسفه عقلی و معتقدات خود تلفیق را قائم سازد و بنابراین اکثریه از مؤلفات خود را بهمین اساس درحکمت تالیف نموده است چون شفاونجات که از مهم ترین مؤلفات او شناخته میشود. و همچنان در نقد اصول طب و کشف و معالجه امراض نیز اهتمام نموده و درین علم برخلاف محمد بن زکریای رازی که پیرو جالینوس است. پیروی از قراط نموده آرا و عقاید مخصوصی دارد که مخالف بمقیده و طب رازی است و بعلم مذکور است که برخی از پیروان طب رازی چون عبد الملك بن زهر قانون او را جزورق یاره بیش نمیدانند و از آثار برگزیده او در طب قانون است. که مواد آن از قرن دوازدهم عیسوی الی قرن چهاردهم آن در کلیات اروپا پیروی میشد. و بر علاوه فلسفه و طب در اکثر از علوم متداول و معمول عصر خویش نیز دارای مهارتی بوده و در آن مؤلفات متعدد و مختلفه بزبان عربی دارد که تعداد آنها متجاوز از صد مجلد کتاب، رساله و غیره است. و همچنان در فارسی نیز مؤلفات عده دیده دارد چون دانش نامه علائی و غیره. و نیز پوشیده نماند که در همین حال طبع شعر نیز داشته و اشعاری در زبان فارسی و عربی میسروده است.

و دیگر از فضلا و ادبای نامی این عصر ابو الحسن علی بن الحسن بن ابی طیب باخرزی است. که باخرزی معروف است وی در فقه و حدیث استاد بود و در علوم ادبیه مهارتی بسزا داشته از جمله کتاب و نویسنده گان معروف و ادبای زبر دست قرن پنجم افغانستان است. و کتابی بنام دیمه الفصر و عصرة اهل العصر در عربی تالیف نموده که از حیث اسلوب و انشا از بهترین کتب ادبی آن عصر است. باخرزی این کتاب را در ترجمه ادب و شرح حال شعرای عصر خود تالیف نموده و در آن از دوصد و بیست و پنج تن از ادبا و شعرای عربی گوی عصر خود اسم برده و از اشعار ایشان انتخاب کرده. و رو بهمرفته ذیلی است از بیتمه الدهر و تمته البیتمه امام ابو منصور ثمالی نیشابوری و دیوان اشعاری نیز در عربی دارد و بقراریکه می نگارند در سال ۴۶۷ (چهار صد و شصت و هفت) در اندلس بقتل رسید.

و دیگر محمد بن علی بن محمد معروف با بوسهل لغوی است. وی در هرات بسال ۳۷۲ هجری تولد یافته، در نحو بر ارات مهارت قابل تذکاری داشته و در لغت از جمله لغویان و میرزین این فن بود. روزگاری در مصر زندگانی داشت و در اخذ حدیث نیز توغل ورزیده و در آن لیاقت کافی بهمرسانده بود. چنانکه بعضی از وی روایت و نقل حدیث کرده اند. و همچنان در فن خط نیز بصیرت و وقوفی داشته از خط طبن بشمار بوده و بروایت سیوطی در بیتمه الوعاة صحاح جوهری را بخط خود نوشته است. و وفاتش در سال ۴۳۳ در مصر بانفاق بیوسته مؤلفات عده دیده دارد که مشهورترین آنها شرح نصیح ثعلب است که بطبع رسیده.

و دیگر از علما و نحوین زبر دست افغانستاد در قرن ششم هجری آدم بن احمد بن اسد مروی معروف به بوسعد است. مشا رالیه اشدا در بلخ سکونت داشت. و بهمدها جهت ادای فریضة حج روانه بیت الحرام شد. ویس از ادای مناسک حج در هنگام بازگشت وارد بغداد و در آنجا اقامت گزید.

و اسرار حیات می نمود. منزل او مهجم اهل فضل بود و شخصیتش مرجع خواستاران علم و ادب و درانجا بتدریس علوم و تعلیم حدیث اشتغال داشته، اشخاص زیادی از وجودش استفاده ها می بردند. در اصول فقه نیز معرفت شایسته داشته، در حسن سیرت معروف بوده، در بهر فقه مریدی فاضل نحوی، لغوی و معنی تمام شخصی ادیب بشمار میرفت. چنانکه در اکثریه کتبی از او نام برده اند. وی را لغوی و نحوی خوانده اند و بین او و ابومنصور جوایلیقی از آنجه نحو یون و علمای لغت، منافرت و منافستی وجود داشته است. وفاتش در سال ۵۳۶ هجری از مشاهیر تصانیف اوست « کتاب الاشراف فی ادب القضا و غوامض الحکومات » و هم از شاگردان بلخی [اوست رشیدالدین و طواطی شاعر و کاتب بلخی معروف.

و دیگر از ائمه ادب و فضیلت او ائمه اول قرن پنجم هجری ابوالمظفر محمد بن آدم بن کمال هروی است وی استاد کاملی بود در نحو و معانی و سایر علوم ادبیه، علی الخصوص در استخراج معانی و شرح آیات. و همیشه بتدریس نحو و شرح دو او بن و تفسیر و غیر ذلک اشتغال داشته. و بانفاق مؤرخین بسال ۴۱۴ ازینجهان رحلت نموده. و از مؤلفات اوست شرح دیوان حماسه و شرح دیوان ابوطیب منتهی و غیره. و در آنصغر بر علاوه این چند تن عده فضلای ادبای دیگر نیز ازین مملکت خروج نموده و دارای تالیفات متعدده عبری میباشند. چون ابونصر احمد بن حسین باخرزی که در مرثیه شاعر و هم ادیب بوده متوفی در ۴۳۰. و ابوذر هروی متوفی در ۴۳۴ ه از محمد بن واحد بن محمد بن سعید غزنوی متوفی در ۵۹۳ از فقها و عبادی هروی متوفی در ۴۵۸ ه از فقهای شافعیه و غیره.

(نا تمام)



پښتون

نگارش جناب امین اللہ خان "نرالی"
عضو انجمن ادبی کابل

د پښتون د نژاد په باب کې د حاجت وند لیدل چرخه ولیکم یاد دوی
د اسلام وړاندې په حالاتو کې ستونزه اوس تریا ویا سم - جگه د موضوع په
وارو وارو په اثراتو کې د انجمن ادبی په تفصیل سره لیکلے سوے (رجوع دے وھی
داول کال و مجلوته) فقط غوارو چرپس له اسلامه عمومی حالات د پښتون
په هغه اندازہ چہ مؤرخینو بیان کړی د وطن وکړاموقارینو ته عرضہ کم :

معلومات او ماخذے په دے بیان او حالات د پښتونو کې د اکتا بوندی، تاریخ مینی - تاریخ گزیله - روضه الصفا
طبع د ایران - فرشته - ابن بطوطه - تاریخ مرصع د افضل خان ختک - تاریخ سلطانی - خورشید جهان - مخزن افغان
طبقات اکبری - تزک بابری - تزک تیموری - سلاح التواریخ - مقدمه د درمستر د کتاب چانس پوپولیس دیزافغانس

Chans populaires des Afghans در اوږدی د کتاب مقدمه گرامر آف پښتو Grammar of pshthu

ددویم کال مجله د کابل او نور بعضی یادداشتونو د بعضو متفرقو کتابونو د

پدے سبب چه قول قدیم تاریخونه عموماً او شرقی تاریخونه خصوصاً عادت لری چه صرف د پادشایا کو مشهور
سزی حالات لیکي او زیات بحث فی پد رنہر او بز مکن دی د عسکری او ملکی تشکیلات سیاسی، مدنی، اقتصادی
جغرافیائی حالات، زراعت، فلاحت حتی د ملت د عمومی وضعیت هیخ یاد او بحث نکوی - نوکه خوگ و غواری چه
دیوه ملت یا قوم حالات ولیکی دیرے ستونزے و پښتو بی بی خصوص د اسے قوم لکه پښتون چه قول عمر د دوی
د کور په جنگو او جگړو کې تیر سوئی او پد اسے د ورو غر کې دوی میشت وه چه اکثر و فاتحانو هم لاس ندی پر پید کړی او
بعضو تاریخو که د پښتونو په حال کې خه لیکلی لکه د بعضو قبیلو یا بعضے بنا علی پښتونو نومونه او مختصر حالات د دوی - هغه هم
له پاره د افادے د مطلب کافے نشمیل کبزی، زه هم په سبب د دے چه د پښتونو د قول جزئیات حالات په صحیح طویر
مشکل او د سانامے پانے چه د پښتونو د مضمون په برخه دی کفایت نکوی د دوی د عمومی او عامه حالاتو بیان په مجمل
او اندر صورت سره کوم -

اسلام او پښتانه :-

د اول خلیفه (رضی الله عنه) په وخت کې مسلمانینو تر خلیج فارس پورے فتح وکړه مگر دے فتح ته دوام نه وه
په وخت د دویم خلیفه (رضی الله عنه) کې فارس دوباره فتح سو او بر و ساد اسلام په خراسان او افغانستان کې داخل
سو عبدالله ابن عامر (رض) په درویشتم کال (۲۳) د هجرت کې سیستان فتح کی په وخت د دریم خلیفه (رضی الله عنه) کې

چیز جو رد پدہ مروکین مہرو سم دلا سے مسلینو ولایت دھرات اوبلیغ فتح کی پرسندہ یو دیرش (۳۱) کین احنف بن قیس قدغن اوبدخشان ونیوی او پرسندہ خلور خلویشیت (۴۴) کین قدھاہر فتح سو پدہ مروکین دے زمانے یو قسمت دغر بنی غوہرلمانا تابع سو (مگر کریدہ دغر اسلام پدہ وخت کین دسلطان محمود بولی) پدہ خلافت کین دامو یانود اول قرن پدہ آخر کین سند او ملتان حتی ماوراء النہر او کاشغر مسلمانانو فتح کی او پدہ یوسل واہ (۱۰۷) کین سردار د عرب (اسد) دغر جستان (اوسنی ہزارہا جا) اولیمان سر سخت جنگونہ وکمرہ او پدہ دغر قرن کین بلوچستان فتح سو .

لدے پورہ تہ بیان شخہ دپښتو اسلام ہم پراول قرن کین محقق او ثابتیری داموضوعی قصہ د عبدالرشید بتیان او اسلام مارول ددہ پدہ حضور د رسالت مآبی اوبیا قول پښتانه ددہ لہ نسل پیدل کیدل تاریخ صحیح سند لری ہفہ شی جہ پیدلہ اوبی جنتہ وی اعتبار سر لہ نستہ پدہ بی اعتبار موضوع کین بحث کول ہم لانہرندی .

دپښتانه نوم اول وار پدہ یوزہرا او دیرش (۱۰۳۰) عیسوی کین کتاب البیرونی یاد کیری دی چہ دھندوستان تاریخ پلاہ بلل کیزی او دپښتو داستوگنی جائے غری سجدہ دھند تروادی سندہ پورہ یعنی غر وہند سلیمان بنو دلی دی .

پدہ حساب چہ البیرونی دسیم قرن پدہ پای کین دی لا پدہ غر وکین سلیمان بولی - او پدہ خلور وقرنود دے ہفہ غارے تہ دسند پراخ سوی وی نو باید چہ ابتدا پدہ پراخید او حرکت ددوے یوسل قرن یعنی زمان دغر نو یانوی مگر شرقی تاریخونہ وائی چہ پدہ وخت کین د عبدالملک بن مروان حجاج ثقفی خپل خویری عماد الدین محمد قاسم پدہ تخرید سیستان او سند او ملتان مقرر کی (۸۶ - ۹۲) محمد قاسم لہ لارے شخہ دسند ملتان تہ راغی او سند او ملتان فی فتح کی پښتو ہم پدہ تعقیب سرہ د محمد قاسم ملتان تہ تک اور تک بنا کی او پدہ ملتان کین فی استوگنہ ونیولہ بلکہ مخزن افغانی لا وائی چہ د محمد قاسم پدہ فوج کین پښتانه ہم وہ - ہفہ وخت چہ ملتان فتح سو د نو پدہ پښتو ہم لارہ پیدا سوہ او پدہ شوکلو کین دیر پښتانه پدہ ملتان کین میشت سول .

دارمستتر ہم ددے روایت تقویت پدہ مضمون سرہ کوی (د مسلمانانو فتوح پدہ سند کین لپرا دہمیشہ تینگ سوی وہ او پدہ وخت د محمود کین حکومت دملتان دپښتو پدہ لاس کین وہ اودا خبر بے غلطہ نوی چہ پراخیدہ دپښتو پدہ سند سفلی کین د محمد قاسم دہجوم پدہ تعقیب سرہ بے واقع سوی وی) .

د شرقی مورخینو قول لکہ فرشتہ ، خورشید جہان ، مخزن افغانی او وغیرہ پدہ نسبت سرہ دپښتو دہمانگ پدہ لوری دسندا او ملتان صحیحہ معلومیزی چکہ ترسنہ درے سوہ او خلور (۳۰۴) پښتو کرمیچ ، پناور ، شنور (علاقہ دشنوار او اوسنی سجد) اولغانان یعنی علاقہ دروہ قولہ نیولے وہ اود پناور پښتو پدہ علیہ دراجا جیپال چہ کشمیر تہ ملتان او سہند تہ پناور پورہ ددہ پدہ لاس کین وہ جنگونہ او جگریے وکیرے پدہ نتیجہ کین فی خپل استقلال پدہ کین پناور تہ تاکہ اعلام کی او ہمدانگی شیخ حمید لودی مشہور رئیس دپښتو پدہ ملتان کین پرخلاف دجیپال پدہ تشکیل د حکومت مشغول سو او خپل استقلال فی پدہ سند او ملتان کین شکر گند کی اود جیپال لہ خواہ ہم

بالجوبیہ قبول سواوتر زمانہ محمود ملتان اوسند دہ دا اولاد پر لاس کبر وہ . بلکہ خوشید جھان لائی چہ دامہاجرت
اوپراخیکہ دپستونو پسنہ دوسوہ او دوس (۲۱۲ھ) کین تکمیل سوی وہ کوچیان یا پوندہ دپستونو شرقاً لحدود شخردا پان
اوسیستان ترحدود دکتیرا وکافغانستان (اوسنی نورستان) اوجنوبا و شمالاً لہزارہ ترھندوستان پراخ سول اوپروخت
دشرعی بگر مسیرتہ اوپروخت داومری بے سرد سیرتہ تلہ اوخپل مال مواشی بے ثی شمول .

غزنویان اوپستانہ :-

دغزنویانودغاندان مؤسس امیر ناصر الدین سبکتگین پسنہ درے سو او اوہ شپیتہ ہجری (۳۶۷) کین تاج د
سلطنت پر سر کینیتو دپس لہ تاج پوشی دہ وارہ پتسخیر دینچاب روان سو او عظیم جنگونہ تی وکرہ پدے جنگو کین شیخ
حمید لودی پادشاہ دملتان پواسطہ دسلمان فی دہہ یار او مدد کار سو او دسبکتگین پیرکاب کین تی پرخان سر لوی لوی
خدمتو نہ وکرہ پس لہ دے چہ مہاراج دینچاب (اجپال د اشتیال نروی) پجنگ کین مات سو سبکتگین دسند دھنر
بئی طرف چہ طبعی حد افغانستان وہ پخپل تصرف راوست پینا ورتی عسکری مرکز کی فرشتہ دپستونو دینکر
تقداد پینا وکر کین دہ نہرہ بولی مگر ملیسون لس نہرہ وائی اویمینی وائی چہ نہرہ گونو پستانہ تی پے لیکر کین
داخل کرہ چہ پروخت دضرورت لہ دوی نہ کارواخلی .

سبکتگین دشخ حمید مارت او استقلال لکچہ خواہ قبول کی اوپستونو خپل مسافت پد لوی دینچاب کی
دارمستروائی کہ شہم پستونو پملتان کین یولوی جمعیت نہ در لود مگر تردیرہ مرکز داستیلا دپستونوہ او
مدد سبب چہ دلودیو او سویر او اسد و زو کوہ فی چہ پھندوستان او افغانستان کین شاہناہیت جوہر کی ملتان
شخروہ .

سلطان محمود :- پستانہ بہ لہ محمود سر کلہ پخلا اوکلہ مرورہ کلہ بہ محمود تہ اسباب تئویش اوکلہ بہ
فاتح او تور یا لی لیکرہ .

پہ قول دیمینی او کریدہ یو وارے دھغو غر پستانہ چہ پمابین دغزنی اوسند کین وہ اوکلہ برئی دسلطان محمود
سرخدی ایالات تالا کول اولہ کار وانیو برئی باج آخیت پسنہ خلوسوہ او نہ ہجری (۴۰۹) او یوزر او نونس عیسوی
(۱۰۱۹) کین تی کھنہ لیکر دسلطان چہ لہ قنوج شخ را تل حملہ وکرہ سلطان پپای ددے کال کین لیکر جو کر لہ پارہ ددے
چہ پستانہ خبر نیی اسے وضع تی وکرہ چہ پر بلہ خواہ نی ناخا پہ پردوی ورتی اوپستانہ تی بنہ ورتی پینل او غزنی تہ
خت وکریدہ فصیحی پخپل محل کین یوہ سوق الجیشی بلہم دسلطان پر پستونو وائی مگر نور و موخینو شہ ندی ویلی
چہ مور تی ہم پشتنہ وہ سر لہ دے پہ قدر و قیمت دپستونو پوہیدہ جکہ پستانہ داسے قوم نہرہ چہ یو باغرم او ادعا دارہ
سری لک سلطان محمود ددوی و دوستی تہ احتیاج نہوی .

دہے خبرے تصدیق مینی پدے دول سر کوی : پغزوہ دنار دین کین سلطان دھند و نوسرہ اعلان جنگ کی

اماد هندوانو د پير والي په سبب جنگ نړمان او بدسو سلطان له زېرمه وروپښتنو شخړه درخواست د کک وکي اولدو
 نه ئي معاونت و غوښت پښتنو هم دعوت سلطان قبول او دده وکام ته حاضر سول او د هندوانو سره و جنگيدل په
 آخر کښ د هندوانو سره کپسوه او پېښ قبضو بڼي سره وهل بپاي کښ هندوانو په بد حال ماته وکړه او سلطان فاتح سو
 لد دے جنگ نه دونه غنا م د سلطان وليکرت ورسيد چهره يوليکري غني سو او هم يمني د پښتنو تعريف په د
 الفاظو سره کوي : (پښتانه لکه اجل وه او داسه وه لکه وړي مزي چهره بڼکا برانده و مزي سترگوني تريخي د ديمن
 اوبکا وه - پښتانه لکه برمه ترکو تلو تيريد - لکه برښنا په جنگو ننواته - لکه اوسي پر غر خات او لکه سيل غر وکښته کيد .
 سلطان محمود د سمرقند نوکانو په جنگ کښ او سومات د هندوانو په جگر او تولونو په جنگو کښ د پښتنو د ک
 واخيست او يوا مخه سبب سومات دغه پښتانه وه (يمني او نور شرقي مؤرخين لکه مخزن افغاني او غيره د د خبره
 تصديق کوي) او يوه پښتون چه د سومات د جنگ پر باب کښ قصيده جوړ کړي او د جنگ واقعات ئي په خپله
 قصيده کښ تصوير کړي وه بڼه ئي چه زما په ياد وه دادی :-

ترکونا مردودا سے ودنکل له ناموننگه - زه يو پښتون وم چه ولا يوه د سلطان اشنگه
 توره پلاس کښ پسر او مرد عرصات و ختم - لبت شکن سره په در د سومات و ختم

د پښتنو د ملي جزا ل نومونو نه چه سلطان محمود د دوی په واسطه د سومات او نور و جاو فتح وکړه مؤرخين
 پدې ترتيب بيانوي :- ملک خالو - ملک عامو - ملک داود - ملک محبي - ملک محمود - ملک عارف - ملک غاري
 ملک شاهو - ملک احمد - بل ملک ارسلان مشهور جزا ل د سلطان محمود دى چه شوک ئي په نامه د حاجب او شوک ئي
 د خوښاوند يادوي او وجود د القابو هم داده چه ارسلان خاص سرکش د سلطان وه او هم ئي له سلطان سره خوښي
 کړي وه او کار نايه او فتوحات دده مؤرخين په تفصيل سره ذکر کوي .

د سلطان محمود زوی مسعود هم په مثل د پلار د پښتنو شخړه بڼه بڼه وکړه او اخیستل مگر په آخر کښ په واسطه د غني
 د پښتنو چه شر او شور ئي وکي دى مجبور سو چه خزاندا هورته واستوي .

پښتانه د يو خاص طبيعت د مملانه لري که چا د دوی هغه خاص خوی ته خلل ونه رساوه نو پښتانه له خپل سر او مالا
 نه و تير يږي او د هغه خدمت شخړه مخنگر زوی او که چا لږ شخړه په نظر د بقدرى دوی ته وکتل دوی هم پر و بانده
 نکوي که شخړه د هغه سرى زور او قوت زيات وي - د غزنويانو سره که کله دوی نښته هم سبب او چه غزنويان
 د دوی په خوی بلد نه وه که نه د دوی خدمتونه چه پښتنو غزنويانو ته وکړه هيچاندى کړي او د غزنويانو د عروج يواځنى
 سبب پښتانه وه او هم اسبب بلديا او نابلديا د پښتنو د خوی وه چه بالعکس د مسعود هغه وخت چه ارسلان
 سلجوقى دوه واره په واسطه د سنجر سلجوقى د غزني نه و ووت پښتنو ته ئي هيله وروړه او پښتنو وساته (۱۱۱۸ م)

الحاصل په وخت د غزنويانو کښ په سو و قبيله او په نر وکان د پښتنو د کشمير او پنجاب او هندوستان په

مجھکے کین پراخ او میشت او پصنعت، تجارت مشغول سول اولہ ہغہ زمان لارہ جھاد او حکومت دپستنو، دھندوستان پراخ ملک کین خلاصہ سوہ اون مزج اتیا (۸۰) ملیون مسلمانان او خوملیون پستانہ پیا دکا سرہ دپستنو دشہامت او تور دھندوستان پیر مجھکے کین زیت روزگار کوی .

غوریان او پستانہ -۱

غوریان اولین شاہا دپستنودی چہ علاوہ پرافغانستان ہندوستان ہم دوی ونیوہ او ترو دھلی او بنارس پراخ ولایت او پستنو ملکی اولیکر ما موریتونہ اشغال کریم او دانیاد وہ لپارہ دنور و حکومتو او سلطنتو چہ دوی پیرا خہ مجھکے کین دھندوستان تشکیل کریم .

مخزن افغانی وائی چہ پدے زمان کین یولوی مہاجرت دپستنو پور دھندوستان پش سو پدے صورت سرہ -
سلطان شہاب الدین (چہ خیل ویر سلطان غیاث الدین سپہ سالارہ) ارادہ وکریم چہ ہندوستان فتح کی خولہ
لہ غزنی شخہ ہندوستان تدریان سواول وارلہ حدود شخہ دلاہور را وکریم زید ویم وانر نھر والی دوکایت نہ بی حصول مقصد
راستون سو پدیریمہ پلائی دولس (۱۲) زہرہ غورہ سپارہ دپستنو دجان سرہ بوتلہ - دپستنو پد شہامت سرہئی داپلا فتح
وکریم اوراجا تہو رائے مرکی . ہرکلہ چہ شہاب الدین دپستنو تورہ او مرانہ ولیدہ فود ہندوستان ساتنہئی بی لہ دوی
نہ سخہ وبللہ - ملک عزالدین غوری ئی مقرر کی چہ دغور او کوهستانات پستانہ وکوچوی او پد سرحہ ہندوستان کین ئی
میشت کی - ملک عزالدین امر د شہاب الدین پراخای کی او قول پستانہئی وکوچول او دروہ پد علاقہ کین ئی دوی میشت
کہہ (رہہ عبارت دی لہغوغور و نہ چہ پد اور دولہ سوات او باجوہ نہ ترسیوی او پد سورہ حسن ابدال ترکابل او قندھا
پدے حد وکین واقع دی او دسیلمان او اشغور و نہ ہم پدے کین راجھی) او سلطان تہئی خبر وکریم سلطان شہاب الدین
پدے کارہ پرخوشحال سواوددے طائفے آبادی ئی سبب ہندوستان دفتے وکینلہ او پد حقیقت کین ہغہ سے سوہ چہ
دوگمان کریم وہ - پیر لہ ہغہ سلطان شہاب الدین دوی تہ نوازش و تربیت وکریم او ہرے قیلے تہئی پد نواحی دنیلاب
او علاقہ دسند کین جاگیر او تیول مقرر کی پستنور و خ پد رواج بری بیاموند او استیلائی پید کریم - کفار دکتوا و ہندو
ئی لہ بیخ اورینو وئیستل او خیلہ علاقہئی پراخہ کریم .

الحاصل کہ قول واقعات دغوریا نوا و نور و شاہا فود پستنو چہ مشہور پد غلامان دی پد تفصیل سرہ ویکل سخی خبر
او پد پیری او زما مطلب ہم صرف دعا مو پستنو حالات دی نہ شاہا نوا و مشہور و سرہ - نوباتی عمومی او خلاص حالات
دپستنو پدے دورہ کین دادی -

سلطنت دغور دنیاب نو پد واسطہ دغوریا نوا خراب سوہ ہندوستان دفتح کولو کا چہ دغوریا نو پد وخت کین ناتما پاتے
سوی وہ غوریا نو شروع پروکریم ترو دھلی او بنارس پورہ پراخ ولایت د سلطان محمود غوری لیکر (۱۱۹۳) یولک او شل زہرہ
غورہ سپور د نزلہ او تاجیک او پستنو وہ اویرا تہہ برختی پستنو تشکیل کولہ مقدمہ العیش د سلطان محمود غوری

دھندوستان دفحے کا رہس لرغور یا نوسلاطین دغلاما فو تعقیب کی اوتربنگال پر مخ ولا برہ پدے وخت کین تارین خود پینستو (پہاستناد مشہور کونانو) چندان یادندی کمہی اوتارینخی اسناد لبردی اما در مستروائی چہ پینستانہ مدام جنگجوی اوجہ کونکی اوسر کردہ دجنگو اوپر وخت دا احتیاج پھر داران وہ پرسنہ یوزر اودوہ سوہ اوپنخ شپیتہ (۱۲۶۵ع) کین غیاث الدین بلبن دپینستو نظام یوے دستے تہ ددھلی دپنہر چا پیر لہ پارہ ددفعے دیو اتیو دحلے خای وکرکئی او مجکئی ہم لہ پارہ دوی دودانی معلومہ کمہ لہ پارہ دکا روانیو دامنیت پہ لار وکین دھندوستان چہ لرغلو اودامہ مارو د کے وے دپینستو تانے ئی پرمترل جابو کین لکھ کپیل یا کپیل - پتیا لہ - بھوچو مقرر ہے کمہے اوترشپیتو (۶۰) کالودا کار مفید ثابت سوڈ دافغان پور شہر، نیردے و دھلی تہ (چہ دقرون وسطی مؤرخینو ددے بھرنزیات یاد کمہی دی) آثار و عمران ددے وخت پہ (۱۲۸۶ع) کین لہم پینستانہ پخدمت کین دسلطان یکعباد لیدہ کیدہ .

المحاصل پینستو پہ دورہ کین دقطبہ، شمسیہ، غیاث شاہانو (چہ مشہور پہ غلامان دی) دیرہ ترقی وکرہ انہما عروج او کمال تہ ورسیدل او عالیہ لیکری او کشوری مناصب ئی اشغال کمہ خصوص پہ زمانہ کین دسلطان قطب الدین ایبک، سلطان شمس الدین التمش، سلطان ناصر الدین محمود زوی دشمن الدین التمش سلطان غیاث الدین بلبن . پینستو پدے زمان کین اسلام تہ عظیم خدمتوںہ وکرہ پہ قول ہندوستان کین اسلام رواج سو دسوکا لو پتخانے خرابے سوے عمارتونہ جو سہ لارے آبادے سوے علم، صنعت، حرفت رواج پیدا کی بلکہ کمال تہ ورسیدہ اوددشاہانو غزہ اوجہت اوجلال مجرا العقول دی کہ پہ تفصیل سہ ویکل سی بیل کتاب غواری ہرکچہ دہ مقالہ نہ کتاب بدکخلص اکفاسوہ . در مستروائی چہ پینستانہ خاص لہ پارہ دجنگ او چپاول نہ دی پیدا سوی دتجارت کارہم لہ دی وشیخ آجیت کیدہ ہرکال لہ قدیمہ تراوسہ پہ وخت ذہنی لوی لوی کلی لہ بخار او قندھارا و... مسلح سہ مال التجارہ کو تلو اولو لور لور غور تیریری تردھلی اوکانپور او پتتے پوزی نجی - دانہمیل خان دیرہ چہ پہ اوری خالی وی پہ شرمی لوی لوی کاروانونہ اوکلی چہ تروز و تیردی پکین لیدہ کین دی داتجارتی مباح تونہ لہ نہ نہ دی بلکہ پخوانی اوقدیہی دی .

غالبی -۱-

دغلیو دخاندان (چہ مشہور پہ خلی دی) سہ سلسلہ جلال الدین فیروز شاہ دی چہ پہ سنہ شپیر سوہ اواتیا (۸۶۸۷) پہ تخت دسلطنت کیناست جلال الدین فیروز شاہ دغیاثیہ دخاندان پہ دورہ کین نائب الحکومہ اوقوماندان دسنا زہ دولايت پہ خلیاقت سہ اودا چہ خوارے ئی دمغلو ہجومہات کی پہرتبہ دمارت ورسیدہ لہ تارینخی واقعاتوشخہ معلومیہری چہ دپینستو پہ پادشاہانو کین جلال الدین فیروز شاہ پہ اولہ درجہ حسابیہری اقتدار او عظمت دپینستو پدے وخت کین دونے عالی وہ چہ پہ ہیٹخ زمان کین نہ وہ . مورخین وائی چہ دجلال الدین فیروز شاہ پہ سلطنت کین قول حل او عقداو قبض اوسط دیروز شاہ دپادشاہی پہ قدرت او اقتدار دپینستو کین وہ وزیر اعظم ئی خان جمان لودی اوسپہ لار دیکرئی ملک بیروخان متی وہ (متی یوہ قبیلہ دپینستو دہ) سہ لہ دے چہ جلال الدین فیروز شاہ دفارسی پہ ادبیا تو کین مخصوص ذوق لور

اوپنچلہ دفا رہی غورہ شعراؤ ٹخڑوہ او قول خاص مصاحبان ددہ لکہ وزیر اعظم خان حجان لودی و ملک بیرو خان سپہ سالار
 ملک تاج الدین کوچی، ملک فخر الدین کوچی، ملک غزالدین غوری، ملک اغزالدین آبیگ، ملک نصرت صباح، ملک
 حبیب، ملک کمال الدین، ملک نصیر الدین، ملک سعد الدین منطقی ایبان او طبع دفا رہی شعر درلوده مگر پہ
 دہبار کبلی لہ وسیلے دپستون او پستون ویلو ہیخ چا تہیشقدی مقدر نہ وہ او قول پستانہ ئی لہ شرفاؤ ٹخڑوہ دہندوستا
 عزیز او محترم کبلی او خوا یونہ چہ پستون لہ پارہ دخیلے استوکنے پہندوستان کبلی بنا کمرہ پہ زمانہ ددے پادشاہ کبلی .
 ہمدغہ سبک قدر کو لو دخیلے مورفی شہے پستون او دخیل قوم پستون او چہ قوحات او عظمت ددہ دقو لو
 پستون شاہانوں تیری وکی او دملکت شیرازہ چہ غیاثیہ خاندان، خلفوشلہ ولہ وہ دوبارہ وتیرہ - دمالوے بتخانے
 ددہ پہ وخت کبلی پستون خرابے کرہ (۶۹۰ھ) قلعہ دجینور چہ ترہغہ زمان نوح داسلام داسلامیت آتہ نوہ رسید لہ فتح کرہ
 او دکن ددہ پہ زمانہ کبلی پستون قوماندانی سر دملک علاؤ الدین (مرارہ دجلال الدین فیروز شاہ) فتح کی (۶۹۲ھ)
 او دپستون نفوذ او شعائر داسلامیت پہ واسطہ دپستون پکین جاری سو .

سلطان جلال الدین فیروز شاہ شجاع سردار مدبر قوماندان او حلیم پادشاہ وہ ہم پچلہ فاضل او ہم فضلاؤ تہ ئی پہ دینہ
 سترکہ کتل مدینت پرور متشرع وہ یواخے ملک فخر الدین امیر لہ مراد ددہ دولس نرہ حافظان دقرآن کریم ساتلی ہ چہ
 ہر ورنج بہ ئی نر ختم دقرآن عظیم کول - دفیروز شاہ پہ دہبار کبلی بہ ہر وخت ہر راز صنعت کاران حاضرہ او عموقوتہ
 ہر دق صنعت او حوت تشویق او ترغیب کا وہ . پپای کبلی دخیل و مرارہ لہ لاسہ علاؤ الدین مہسو (۶۹۵ھ) او خیل نوم ئی
 پہ رو بنا نہ خط سرہ دپستون پہ تاریخ کبلی بدی پریں نو د .

علاؤ الدین غلجی - علاؤ الدین چہ اعدا دپادشاہی درلوده پس لہ خمدے خیل مطلب تہ ورسیدہ او
 ملقب پہ سکندر ثانی سو .

سلطان علاؤ الدین ترخیل ترہ (کا کا) دیرینا غلی او یولہ معروف او نامدار شاہنشاہان نو دپستون اولہ دیرو
 لویو پادشاہان نو دآسیا شمیرک کبلی . پستون پدے وخت کبلی ہم ہغہ سے قدر او منزلت درلود لکہ دسلطان جلال الدین
 فیروز شاہ پہ وخت کبلی بلکہ ترہغوی لایری وہ علاؤ الدین دیرلوی خیالات دپستون ترقی او دملکت دپراحوالی
 درلود مگر افسوس چہ پہلے پے تہاجات دمغلو دہ او پستون تہ وخت او مدار ورنکی چہ خیل مقصد تہ ورسیری دمغلو
 حلے چہ علاؤ الدین پہ وخت کبلی پہندوستان سوی او پستانہ ئی پمخ کبلی درید لہ خلص ئی دادی :-

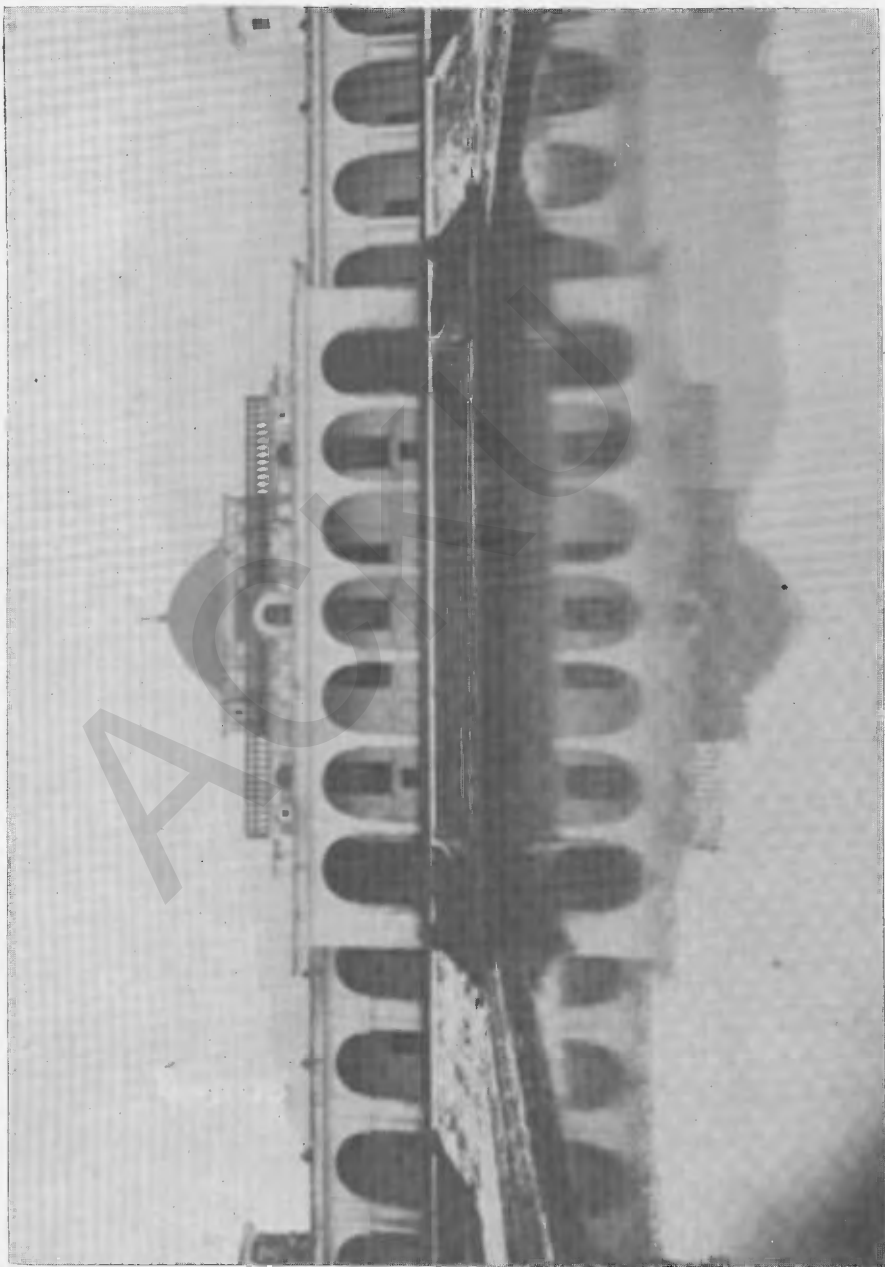
علاؤ الدین پہ اول کال کبلی دخیل جلوس سل نرہ لیکر دمغلو پہ سند کبلی تار ومارکی پہ سنہ شپہ سوہ او او
 (۶۹۷ھ) کبلی مغل بیابہ ہوا دہندوستان دجون ترابور اغلہ او خیال ئی ددہلی دمحاصرے درلود (دمغلو لیکر
 مؤرخین ددہ سوہ نرہ یادوی) علاؤ الدین درے لکہ لیکر دپستون او ددہ نرہ او او سوہ جنگی فیلان وروئیتل دمغلو
 لیکر پہ دیرو حشت او بد حال سرہ مات سو پہ وخت دپستون دیرخنے مہ سول - او ہر برالدین خان سپہ سالار

دہشتوں ہم شہید سو اود کے سپہ سالار داسے ویرہ دمغلو پہ نہرہ کبش پرتہ وہ چہ ہر کلمہ بہئی آسواو بر پختلی دوی بہ ویل چہ
 دہر برالدین شھر پراو کبش لید لے ہہ سنہ اوہ سوہ اودرے (۷۰۳ھ) کبش بیامغل دیوسل وشل (۱۲۰) نہرہ لیکر سرہ
 پرفت ددھلی دخوابید وراغلہ علاؤ الدین ددو میاشے جنگ ویرہم وکی اومغل فی مات کمرہ اوپہ سنہ اوسوہ اوخلوہ
 (۷۰۴ھ) کبش بیامغل پسر داری دعلی بیک اوتریال خواجہ داخل دھندوستان سوہ اودا ہرے بہئی کولے سلطان علاؤ الدین
 ملک نائب اوملک غازی پہ قوماندا فی دہشتوں دلیکر مقرر کرے ددو اہر سردار اوفد مغلو لیکر مات اودمغلو دسر اوفو
 سرونہ فی داقونرہ نور ویرہ سرہ دمغلو پخصور سلطان سراویرہ اوپہ مکافات ددو خدمت کبش ملک غازی پناہ لیکر
 پنجاب مقرر سوہ ملک غازی خان ہفتہ شیع سردار دہشتوں دی چہ وروستہ بانی دتعلق شاہیہ سلطنت کبیری) پدسنہ
 اوہ سو اوفد کبش بیامگلک نامے قوماندان دمغلو، سرہ لشیپتہ نہرہ لیکر سرہ حدود ددغمان اوسوالک تاخت اوتاراج کا
 ملک غازی خان نائب لیکر مہ پنجاب لیدیال پور شہ لیکر وروستہ قوماندان ددشمن لاس تریلی وینوہ سو اوباقی
 مرہ سوہ نقط خلور نہرہ مغل پتیننہ خلاص سول یوہ پلا بیا ہم لیکر دمغلو پنجاب تر اغی مگر ملک غازی خان
 داسے قتل اومات کمرہ چہ بیا فی خو سلطان علاؤ الدین شرفندی وہ نومئی دھندوستان وانجیست بلکہ دہشتوں
 لیکر خوارے پنجاب نہ پہ قوماندا فی دملک غازی خان غزنی، کابل، قندھار، کرمیر تہ پدمغلو پیراغلہ
 سلطان علاؤ الدین نیواسے مغل مات کمرہ بلکہ یواجنی پادشاہ دہشتوں دی چہ دھند دشاہنشا ہی
 حدود فی لہ سند او بحر عمان نہ تردکنہ پجنوب دھندوستان کبش ورسا وہ .

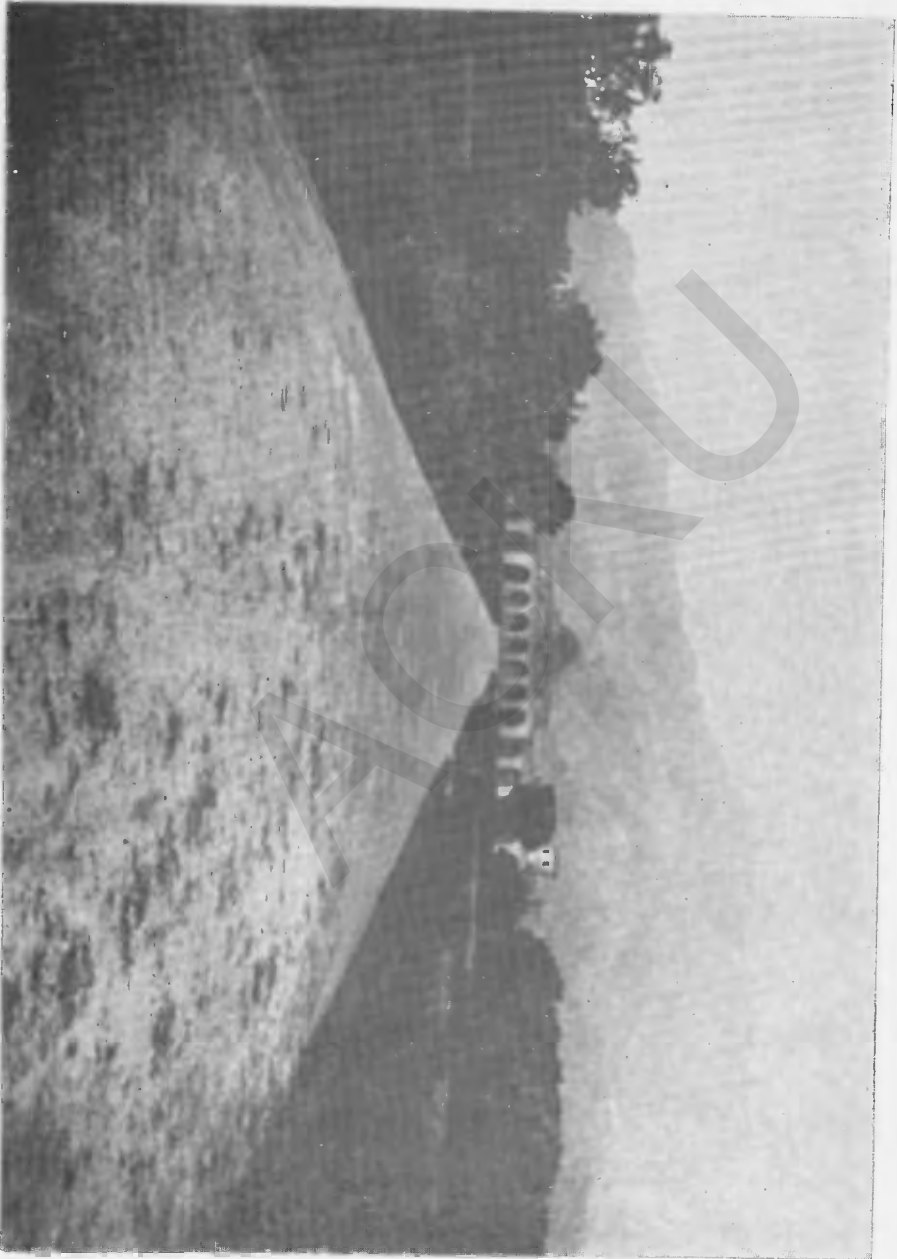
علاؤ الدین پخپل عمر کبش خلور اتیا (۸۴) جنگہ وکمرہ اوپدے تولو جنگ کونین فاتح اومظفر وہ ماتہئی ونکرہ علاؤ الدین
 داخل دملکت داسے پامن کمرہی وہ چہ آخر تکی دملکت داسے وہ لکہ دپایتخت دہنہرہ دنہ علاؤ الدین پتقول مملکت کبش
 پدھر یونیم میل یوہ پستہ خانہ مقرر کرے وہ چہ خوبیاہ او یوکاتب فی درلود پیادہ و بددک چلاوہ او کجا باحوال لیکر .
 علاؤ الدین خلور لکہ او پخہ او یانزہ لیکر پپایتخت کبش درلود۔ صرف سفیر منائی او یانزہ (۷۰) وہ ہر شنگہ عمارت
 چہ بہرہ آبادی فی تریوے میاشے نہ تیرید نہ دوئے آبادی چہ د علاؤ الدین پہ زمانہ کبش سوئے بل ہیخ پادشاہ نہ کہے
 اود وئے کسبہ او اہل فن چہ ددہ پدہر بار کبش پرورش پیدا کی ہیخ پادشاہ دھندوستان پرورش ندی وکمرہی .
 علاؤ الدین لپارہ دزراعت اوتجارت عجیبہ قانون وضع کی ددک پادشاہ اوصاف او کارنامے دیرے دی چہ پک مختصر کبش
 زنجائیبری، علاؤ الدین یعنی لوی خدمتگار داسلام اوبانی د عظمت اوشوکت دہشتوں پدسنہ اوہ سوہ اوشپا ہر کبش (۷۱۲ھ)
 سلطنت و بوالہو سومیرات خونرہ تہ پریسود .

تعلق شاہیان او پستانہ :-

پس لدے چہ سلطان علاؤ الدین مہ سو پہ اولاد کبش فی داسے شوک نہ وہ چہ دپلا رخائی نیولی وی ویا ہفتہ عظمت
 اوشاہنشاہیت فی ساتلی وی لہ فاقہ پخپل میخ کبش سرہ ولویدہ۔ یوہ کبشیناست بل وکلا پیرہ اخرین پادشاہ ددک کورنی



همارت باغ جهان نا در تاشقرغان (از پیش روی)
Le palais «DJAHAN NOUMA» à TACHKORGHAN (Prov. de Mazar-i-Chérif)



دیدنظره قنبر و یک قسمت از باغ جهان نای تاشقرغان
Le palais et une partie du jardin « DJAHAN NOUMA » à TACHKORGHAN (prov. Mazar-i-Chérif)

قطب الدین وہ چرخ نامی مہر کی بل وارث دتاج و تخت پاتے نسو او دغلیو د خاندان سلطنت خاتمہ پیدا کرے .
 نوہر کلمہ چہد سلطنت پہ کورنی کین ٹوک پاتے نسو شران اور سادینستونو ملک غازی چہ علاؤ الدین پہ وخت کین ناب
 الحکومتہ پنجاب پہ سلطنت قبول کی ، ملک غازی خان دتعلق خان زوری چہ خاندان ئی یہ نامہ تعلق شاہیہ یادیری پہ سنہ اوہ سوہ
 ایویشٹ (۷۲۱ھ) کین تاج دسلطنت پر کینینو داو ملقب پہ سلطان غیاث الدین تعلق شاہ سو .
 سلطان غیاث الدین ہندوستان پر امن کی او دہندو انوعصیان ئی پہ لکھوتی او تنگ کین پہ زور دتوہے وری کی او معلوم
 چہ ددہ دتوہے زور لیدی وہ دد دا توہ (۸) کالو پہ سلطنت کین ئی بیانوم دہندوستان وانخست .
 غیاث الدین لہ پارہ دآسو و حال رعایا و مالیہ تحقیف کم او پہ عملنا ہو کین ئی زیا توہ وکی او امور د دولت ئی لافو کتہ
 و سپارہ او پینستانہ ئی لکہ چنخواہ بہ وزیر تو او حکومتو مقرر کرے لکہ ملک تاج الدین ، ملک برہان الدین ، ملک بہاؤ الدین ، ملک اسد الدین
 او ملک اختیار الدین مشہور مؤلف بساتین لانس د کتاب دین مقرر کی پہ سنہ اوہ سو او پنچہ وینت (۷۲۵ھ) پہ قصد افغان
 پور کین ترخونہ لاندے سو او مسو .

سلطان محمد شاہ تعلق :-

ملک فخر الدین ولی محمد ملقب بہ الغ خان وہ پس لہ کچہ پہ پادشاہی کینیناست مشہور پہ سلطان محمد شاہ سو . محمد شاہ
 یولہ تربیہ سوی اولو ہمتو پادشاہا فو تخذ وہ سلطان محمد شاہ پہ عربی او فارسی کین ماہر نویسنده او فصیح سخن گوئی ہہ سہ
 بہ ئی ہغہ فرامین او مکاتیب لیکل چہ پاخہ منشیان بہ ورتہ عاجز وہ اونہایت خوشخط وہ محمد شاہ پرتدی دہوش او قوت حافظہ
 مشہور وہ محمد قاسم فرشتہ وائی دپادشاہ پہ تاریخ ، حکمت طبعی ، طب ، نجوم ، ریاضی ، منطق کین لوی مہارت دلرود او
 دامر سو پہ تشخیص کین بہ ئی دلویو طبیبانوسرہ مناظرہ کولہ - اکثر اوقات بہ سلطان محمد شاہ پہ تحصیل فلسفہ او معقولہ علومو
 تیرا وہ او ہمیشہ ددہ مباحثہ بہد سعید منطقی ، نجم الدین انتشار ، عبید شاعر چہ لہ مشہور دانشمند انوخنے وہ ، کیدلہ - دمنہاں او
 ملاہی در کتاب نہ لری او پاداد فریضوا او امر و خوراجا ہلا و تینک - سخاوت محمد شاہ پہ کچہ وچہ اسراف و بل کیدہ پہ یوہ
 وریخ ئی ملک سنجہ بد خانی نہ اتہ (۸) ملیون تنگی (ہم تنگہ معادل دسپا سہو (۱۶) پیسو) و بخشی او یو وار ئی ملک الملوک
 عماد الدین تہ اوہ (۷) ملیون تنگی وری کچہ عضد الدین چہ مشہور فاضل او استاد د سلطان محمد شاہ وہ یوہ وریخ ئی خلور (۴) ملیون
 تنگی بخش و اخیت ہمل لری ہرام ناچہ سلطان وری ورتہ وری وری پہ عطا دلس (۱) ملیون تنگہ او سل (۱۰۰) پیلانو او زہر (۱۰۰)
 آسو سرفراز شو شعرا و فضلا و تہ بہ ئی زیا تہ تنخواہ وری کولہ لکہ چہ یوہ شاعر ملک غازی نا د کال سل زہرہ تنگی خورے فقط دوہ عبید
 محمد شاہ دلرود چہ یونہایت سرف و بلد اچہ داہالی پہ مجاز تو کین دیر سخت نیو وکی او مبالغہ کارہ او ہمد غہ دہو اخلاقی نقیضے
 چہ ہغہ خاے تہ چہ ددہ مقام اولاق وہ وری سید بلکہ ددہ دتباہی و زوال سبب و گریزیدے .

اوہم خردار نہ نور محمد شاہ و کچہ سبب د زہرہ بدی او ناراضی دینستونو سوہ او پہ مملکت کین مسادہ د

انقلاب پیدا سوہ پدے گون سر :-

پہ قول د محمد قاسم فرشتہ بہ سنا اوہ ویشٹ (۷۷۷) توما شیرین جغتائی پرنہندوستان حملہ وکرو اور تروہلی
 ورسیدہ محمد شاہ چہ لمہی و لہر مقابل دمغلو سو بالعکس د پلا را ونوز و سلفو پینتو، وصلی تہ تن و ہر کی ہیبت و عظمت د دولت پ نظر ملت
 سپک او بیوفا سو دا اھا د ملت پ سلطان محمد شاہ بدول کیدہ او دینکر نیرا توب ارادہ ئی وکرو او دیکہ او ایما نرہ سپوئی لہ پارہ
 د خلاص الی افغانستان دمغلولہ لاسہ برابر کرمہ مضنا او شیخ دیکہ لیکر فی پر مالہ نیرات کی نیرا توب د مالینے معلومہ خبرہ دہ چہ دہ
 د پیریشانی سبب کزری لہ بلجہ خواہ سلطان محمد شاہ بہ واسطہ د اسراف د سپینو او سر و سر و پرخای د مسو او برنجوسکہ رواج کرمہ
 او پچرا ونز وئی مروج او پر خلقو و قبلولہ۔ رعیت لہ اطاعتہ سر و اخیست محمد شاہ بیرتہ دنوے سکے د تخوید و حکم وکی ہندوانو
 قلبی سکے را ورمہ پرعوض ئی سپین او سر و سر یورہ د ا مطلب بحران مال نیرات کی وانتظام د حکومت سستی پیدا کرمہ پدین د کجبران
 کین محمد شاہ سل نرہ سپولہ خیر ملان سر چین تہ واستول ہغہ سپارہ لیغنی و قحطی قول مہو سوہ یا و تبتیدہ اولہ پسر شوکا لہ
 پیا یخت کین قحط پیش سو او رعیت پ پیریشانی اختہ سولہ د اچہ محمد شاہ دہلی خراب کی نوی بنھری (آجین) جو رکی او خلق ئی پ نرہ را و
 جبر لہ پارہ داستوگنی وروستل نو پیکہ عللو سر د ملت د صبر کا سہ کہ سو او مشران د پینتو پہ قول پنجاب و دکن او ہندوستان کین
 بغاوت وکی محمد شاہ بلچارہ ونیدک بیلہ د اچہ ہغہ فوج چہ دہ لہ پارہ د تسخیر توران او ایران جو ر کرمی وہ پرخیل رعیت ئی د کما
 پدے بین کین پادشاہ او رعیت بنہ جنکو نہ و سوہ دا واقعات پہ مینج کیند اوہ سوہ او اوہ وینست او اوہ سوہ او د وہ پنجوس کیر وہ۔
 مشہور سیاح (ابن بطوطہ) دبرو چہ پدہ نیران کیند محمد شاہ پدہ ہار کین وہ او شہ واقعاتی چہ پہ بین پادشاہ او پینتو کین تیرہ

اودہ پرخیلو ستر کولید لہ او پخیلہ سیاحت نامہ کین ئی بیان کرمی عملہ اولوی واقعاتی پ مختصر صورت سر دادی۔
جنگ کشلوخان :- کشلوخان پداول کین مصاحب او معین د سلطان محمد شاہ تغلق وہ او د سلطنت پرامر کین ئی لہ
 تغلق شاہ سر دیر معاونت کرمی وہ سلطان محمد شاہ ہم دی دیر معزز او محترم کا ہدا و ترہ (کا کا) پخطا بہ ئی مخاطب کا وہ مکین سبب
 د کہ چہ دامیہاؤ الدین مہری ئی چہ د سلطان محمد شاہ دینمہ و د تہمید بر میدان شخہ و اخیست او شیخ ئی کی سلطان پہ نسبت ددہ بدکا
 سو او ددہ دینو لو پو پخیال سو مکر کشلوخان پد وخت پہ ملتان کین وہ او ہر کلہ چہ د سلطان د ارادے خبر سو دہ ہم بنا د
 مخالفت وکرمہ او خیل تہرا و قوم ئی و جنگ تہرا و غوینت مکر علاوہ پرقومی نور خراسانی او قورک ددہ وکیمک تہ
 را قول سوہ چہ د سلطان تر لیکر ددہ لیکر نیرات سو سلطان محمد شاہ مجبور سوچد قول قوت سر پیرجان دفع د کشلوخان وکی
 نو دہلی نہرا و ان سو د ابا ہیر مکر کین چہ ددہ منزلہ تر ملتان پورہ وہ د کشلوخان سر ئی جنگ شروع کرمہ سلطان چہ د کشلوخان
 قوہ زیادہ ولید چم ئی وکی او شیخ عماد الدین ملتانی تہ ئی چہ شبیبہ او ہم شخہ د سلطان وہ پرخیل جای کین ئی خای ویر کی او پخیلہ
 دخلو نرہ لیکر سر و ترہ پیت سو ہر کلہ چہ جنگ تو د سو د کشلوخان لیکر پیرف د شیخ چہ د سلطان خیال ئی باندے کا وہ نرہ
 وکد او شیخ ئی مکر کمان ئی داوہ چہ سلطان ئی مکرکے پس لہ مرگہ د شیخ د کشلوخان لیکر پہ اولجہ او غنیمت پسے خیارہ سوہ او کشلو
 د خوتو سر یواے پرینو د پد وخت کین سلطان فرصت غنیمت و بالہ او پر کشلوخان ئی حملہ وکرمہ اودی ئی مکرکے لیکر چہ ددہ خبر
 خبر سو پخیل سرے ماتہ وکرمہ سلطان پہ ملتان کین داخل سو او کیریم الدین قاضی د ملتان چہ پیرا و خین د کشلوخان و کفرنا را اعلام سو۔

مخالفت شاہو :- پس لہ دیکھا جہا (۱۳۲۸) شاہو ناپا ملتان کین دستند حکومت ادعا و کمر او بھڑا نا حاکم ملتان فی

مہر کی سلطان و بارہ مجبور ہو چر پخان سر پدفع دشاہو ملتان تہ ولاہری و اچہ سلطان ملتان تہ ہری و شاہو پخان کین زور نہ لیدہ
 پطرف خیل قوم چہ پلوہ و غر کین فی استوکنہ کولہ او مقابلہ فی سلطان لہ اقدارہ و تلی و ولاہرا و سلطان محمد شاہ پختہ راستون سوا و تولو
 خیلو حکامونی و لیکل چہ ہری دہہ قوم پلاس ہری و نسی پد سبب دد محکمہ ہندوستان کین قاضی جلال و دملک مل زوی او نور و پستون علیہ
 ذہ پور تہ سول، مگر عاقبہ فرشتہ اودا رستہ وائی، ہرکلہ چہ شاہو سلطان لہ راتک نہ خبر سو خیلو ملکر سرہ افغانستان تہ ولاہر

دقاضی جلال مخالفت آغاز :- قاضی جلال لہ یوے برخے سرہ دپستون بلو زورے او کنبائے دینہر و نیر دتہ

استوکنہ درلودہ سلطان محمد شاہ ملک مقبل نائب نیرتہ د حوررات او فخر الی و لیکل چہ پھر ہم چروی او کولای فی قاضی جلال او نور،
 پستانہ دد ہغہ خا و نسی ملک مقبل ہم حکم سلطان ملک الحکما تہ چہ دد علا حاکم و ولیرہ ملک الحکما پد سبب وطن داری قاضی جلال دد خبر
 خبر کی چہ ملک مقبل تہ غوشتی فی اوتانسی لہ کوہ چہ بی وسلے و نسی قاضی جلال ہم دد رسو و کوسو سلو سرہ ملک مقبل تہ وری، ملک مقبل چہ
 دوی و وسلے سر ولیدہ و ویریک اودوی فی بیرتہ خصت کمر چہ تپتایے شوک کار نری۔ قاضی جلال دد خبر قبولہ نکمہ پد پھر کنبائے سوت
 سلطانی خزانہ اودا بن کولوی مشہور سو داکر مال فی چور کی ملک مقبل مدافع تہ و روت و لے بیخہ ماتہ فی و کمر یا ملک عزیز خا و ملک
 جہا بنبل داوہ زور سپر سرہ راغلہ اود قاضی جلال لہ فی جنگ و کی دوی ہم مات سول پد سبب دد فی سر شورہ خلق دہ پیر قاضی جلال اول
 سول او قاضی جلال فی دجان یاد شاہ کی و بیعت فی وری کی سلطان محمد شاہ چہ وار ویدہ لیکر فی ددہ و جنگ تہ و استا و مگر سلطان
 لیکر ہم ماتہ پد سبب دد فی ددولت آباد پستانہ ہم دقاضی جلال پرخواہ سوہ اود سلطان برخلاف فی اقدامات شروع کمرل

دملک مل زوی ناصر الدین مخالفت :- دملک مل زوی لہ یوے تولیے سرہ دپستون پدولت آباد کین

جای درلود ددی دنیو لو پد باب کین سلطان محمد شاہ نظام الدین خیل نائب الحکومتہ و لیکل مگر پد سبب چہ دوی پد آسانہ و نیول سی لہ
 دہلی نری خلعتونہ و نائب الحکومتہ دد کو پد نامہ مرا استول لہ جہہ دد ہغو کتا نوچ خلعت فی دولت آباد تہ راوی یوسپورہ چہ ددی خبر
 نہ خبرہ دسپو و دملک مل زوی و پستانہ پد کیفیت آگاہ کمرہ دا چہ پستانہ او نائب الحکومتہ خلعتونہ تسلیمی دتعمیم او تکریم لہ پد پھر
 و بہر تہ و وتل نظام الدین نائب الحکومتہ پستون وینوی او خہ سہری فی خنے مہ کمرہ سم دلا سہ پد پھر نوتل اودولتی خزانہ فی تصرف
 کمرہ دملک مل زوی ناصر الدین فی خیل مشترکی اور وچ پد وچ دد کو ہنگامہ تو دیدہ کار فی رفق او قوت پید کاوہ

حکمت سلطان محمد شاہ جنگ پد پستون :- ہرکلہ چہ سلطان ددولت آباد او کنبائے دتصرف نہ

پلاس کین ناصر الدین او قاضی جلال خبر سو لیکر سر ددو و جنگ تہ سر روان سو۔ قرارے کیسینو دچہ اول پد کنبایہ قاضی جلال نہ
 نسی بیاد دولت آباد تیخی پد نسبت سر اعظم ملک باہری فی دخلو و زور کوسو سرہ مقدمتہ الجیش ولیرہ دا قوہ دقاضی جلال لہ لیکر
 شاخ او مانہ او پد بلو زورہ کین بندہ سو دقاضی جلال پد لیکر کین یوسہر جولول نا دیر تویر بالی و (ابن بطوطہ دد سہری دیرہ ملہ وائی
 اوصفت فی کوی) چہرہ و وچ بہئی۔ سلطان لہ لیکر دیر سہری و ژل او ہیچا ددہ قوت او شجاعت نہ درلود پیای کین اتفاق لہ خیلہ
 پدیوہ کندہ کین ولویدہ او مہ سو لیکر سلطان سر خنے پز کی و سلطان تہ فی و استا وہ سلطان بلو زورہ دپھر پد دیوار و خرا وہ او

پسنے کی برے کہے اطراف تھی واستولے اوسلطان دخیل لیکر سو پیکنیا بر اغی قاضی جلال تون مقاومت نہ لیا دولت آباد تہ
 ولا سلطان بی جنگہ داخل دہر سو پس لہرہ مکئی دولت آباد تہ حرکت کی او پیکنیا یہ کین فی خیل خشراف الملک امیخت پرینود
 ہرکہ چہ دولت آباد تہ ورسیدہ قاضی جلال و ناصر الدین دملک مل زری دخلو بیستونز وکوسور دینستون و ترک او ہندیا مقاب
 دسلطان و جنگیول مکفر فتح سلطان و کرہ قاضی جلال او دملک مل زری ناصر الدین دخلور و سو وکوسور و دیگر بہ قلعہ کین حص
 سوہ سلطان احوال و روکی چرخان تسلیم کی دوی امان و غونیت سلطان امان دو قبول نکی دوی ہم ہلتہ پاتے سول جکہ چہ نیول د
 قلعہ پواسطہ دجک والی او محکم والی آسانہ کار نہ وہ .

امیران دصدے :- بلاد مہم و واقعا تو شخہ دصدہ د امیل نو کیفیت دی پک دول سر چہ اکثر امیر چہ دسلطان محمد شاہ دیکر کما
 نہ فی خان پختر کین لیاہ اسمعیل مخ (اسمعیل فتح) نامے فی چہ دصدہ د امیران وہ پختر مشر توب قبول کی او بنا فی دخالت و کمر کہ
 خہ ہم اسمعیل مخ پیر لہرہ مکہ استعفا و کرہ مکر دقتنے افساد و بر تریہ و خنبہ بل وہ . اوسلطان محمد شاہ تر مکر کہ لہ داخل انقلاب
 او شورش نہ خلاص نو .

سلطان فیروز شاہ :- پس لہرہ چہ سلطان محمد شاہ پدیہ و جتکو او داخل انقلاب بوستری سو او پدیہ سر ہرہ دیک لہ
 ارمانہ گوتہ و لہر (۶۷۰۲) ملک فیروز باریک چہ سلطان غیاث الدین و مرہرہ او دسلطان محمد شاہ ولیعہد وہ پرتخت پار شاہ
 کسیناست او پدیہ زمان کین نے عمر تر پنجو سو تیر وہ .

فیروز شاہ ہوشیار، فاضل، خاوند تجربے، حلیم و مدینیت پرور پادشاہ وہ لہ یو خواہ فی ہفہ نفرت چہ د محمد شاہ ظلم
 او جبر نہ پد نسبت سلطنت د کورنی پدیہ و کین د ملت پیدا سوی وہ پدیہ نومی او عطوفت سر فی و رک کی لہ بلے خواہ فی اور دقتے
 او بغاوت و انافرمانی د مملکت د سرکشانو، پد قوت او سیاست مہر کی پاتے سوی خراج او تیرہ سو کما لیاہ فی لہ اکثر و مرا کا نو
 شخ حصول کرہ فیروز شاہ مغلو تہ فرصت و زکی چہ تیر سوی جارت بیا نوی کی فیروز شاہ د ہند پہ آبادی او تمدن کین دیرو
 وکی او د فیروز آباد د شہر فی جوہر کی او پدیہ نوی نہر نہ فی و نیستل .

فیروز شاہ علاوہ پر بسط د مدینیت او تعبیر د شفا خا نو او مدرسو، پدیہ ترویج د علوم و فنون کین فی دیرہ سعی او کوشش د لو
 مؤرخین وانی چہ پس لہرہ فتح شخہ دنگر کوت او تخریب د بیتخانو مشورہ کا بخاندہ جلا مکھی چہ یونز او درے سوہ برہمی کتابو
 لہ پارہ دا فاد کی عام کرہ او خیل د برابر و فضلا و تہ فی امر کی چہ مفید کتابونہ خنے ترجمہ کی لہ ہفہ جملے شخہ کتاب د دلائل
 فیروز شاہ ہی حکمت طبعی کین دی چہ واسطہ د معروف شاعر اعز الدین خالغانی ترجمہ سوی و ضیاء الدین برنی تاریخ د فیروز شاہ پہ نامہ
 ولیکہ فیروز شاہ پخان سر ہم عالم افاضلہ کتاب فتوحات فیروز شاہی لہ مصنفاتو شخہ ددہ دی .

الحاصل مؤرخین وانی چہ فیروز شاہ دے تدبیرہ و کرہ چہ ملک آرا او آبا د سو یود اچلم او سیاست فی پرینود او خلق فی اچن
 د خان چل کرہ - دیم دا چہ مالہ فی برخلاف د سلفو تخفیف کرہ او خدی د رعیت توانہ زیات و انحلت - دیرم دا چہ امور د دولت فی
 ولا نقو او پریز کار و خلقوتہ و سپارہ . دارمستروانی چہ فیروز شاہ پہ واسطہ د لیاقت او شجاعت د پستون، پستانئی پہ عالی منصبو

اولیو پور پور کی اور قلعہ او منزلت پر سترکہ برئی قولو پستوتہ کتل .

پس لہ دے چہ نیر شاہ شاہنشاہی دہندوستان لکہ پخواں تو پستوتہ کہ پر واسطہ دسپین شہر توب اور بر عمر لہ پادشاہی شخہ استغفا و کہ (۱۷۸۹ء) اوتاج او تختی بی قجر بہ نری تہ شہزادہ محمد پرینود . پس لہ نیر شاہ کہ خہم شو کہ دہ د اولادے پادشاہی و کہ مگر پر واسطہ بی تغلقی بہ ہر سر کین ہوا د سروری پیداسوہ او شاہنشاہی دہندوستان پشور پور و لیند سوہ تر شو چہ تیمور راغی و دے دور تھے خاتمہ و سرکہ .

تیمور او پستانہ :-

د تیمور ہجو پستوتہ بہ ہندوستان کین مفید و بہ افغانستا کین مضرتام سو کہ چہ عظمت او شاہنشاہیت د پستونو چہ ہندوستان کین شخ پرخور او نروال وہ دوبارہ حاصل سو مگر تیمور اقا د افغانستان د پستونو دیر پچلی او نامعلوم دی . بد بختانہ د تیمور مورخین طرحی ندی زیات نوری بہ الفاظ او عبارت آرائی کری دی ، د کچنیو تہرو او قباٹلو چہ تیمور د دوسرا و کا ہر لو د یادنی ندی کری او ندی د دو جغرافیائی موقعیت پ صحیح طور ہر رینا ندی کری نومعلومون د بعضو قبیلو محل و کیفیت لری او بعضو مورخینو کہ د بعضو قبیلو او خایو نومونہ یاد کری دی بہ اوس وخت کین پستی او ندت پید کیری یاد خلقو لہ نومونہ دوی تہ غلط و پڑودلی یا زیات احتمال لری چہ تیریدہ د صدیا و او پیر یو نومونہ تغیر کری .

د امرستروائی تیمور چہ سیستان فتح کی پستونو اطاعت دہ قبول کی مگر اطاعت د دوی دام نہ درلود (طبعی عادت د پستودی چہ سزای او بادیاری د غیر قوم پر خانہ قلبوی) استقلال کی اختیار کی - تیمور غورہ قلعہ د دوی پس لہ یوہ شجاعانہ مقاومت شخ د پستونو خرابہ کہہ د امرستروائی قلعہ پک عبارت بیانوی (عمدہ قلعہ د پستونو پس لہ شجاعانہ مقاومت نہ د پستونو چہ تیمور در زہرہ و زریںو حبا منضیا پڑو تا مہ سوخ) او ہم د امرستروائی پستانہ پس لہ شلو کلو دوبارہ پہ لارہ تیمور کین چہ ہندوستان تہ تی ، و در پدل پکچہ ول سرچہ بہ (۱۴۰۸ء) کین

چہ تیمور ہندوستان تہ تی د دویرن پدشت کین فی نیو د کابل تہ اردو کاہ کرے وہ ملک محمد پستون و زہرہ د لشکر شاہ (لشکر شاہ یولہ خدہ تکارا نو او صاحب صبا نو د تیمور وہ او تیمور حاکم د ایریاب چہ د ہندوستان پہ لاکین یوہ موضع وہ مقرر کری وہ) چھوڑ تیمور راغی او عرض کی و کی موسی نامی پستون رئیس د کرکین قبیلے خا و زہرہ مری او قلعہ د ایریاب کی وینو لارہ ہندوستان بند سوہ . تیمور یہ د پھد او پتھر بہ تی درلودہ چہ مستقیماً پ پستونو بانڈ کچلہ کول پ خہ قیمت تمام یوہ موسی کی پد و عک او وعید سرہ دعوت کی د قلعہ د ایریاب جوہ کی ہفغ علاقہ بہ دہ تہ (موسی) پر پردی . موسی ہم پر کھک د دروزہ و کسو د تیمور ، قلعہ جوہ کرے او تیمور ہلتہ و راغی بہ ہفغ و رنج چہ تیمور د قلعہ د معاری تعمیرش کاوہ یوہ مزدور بہ غیشی و ویشٹ تیمور ہم دا بنہ بہانہ پید کرے موسی کی د دو سو کسو ستر ملک محمد تہ و سپارہ او ملک محمد قول مرہ کہی . مگر تیمور بہ تونک تیموری کین وائی . ملک محمد چہ عرض تہ راغی مابندی کی د ویل چہ موسی خا خدہ تکار دی ملامتہ بہ لشکر شاہ کین وہ . ہر کچہ موسی د اجحاکرت اریوہ زہرہ و رسو و اپد واسطہ بری بانڈ پید کی .

د امرستروائی چہ ایریاب پیارہ پتنگ خلو و درخو لارہ کابل لہے وہ اریوب یا ہلی آب چہ نوم دیوہ لہ درو منبع شو د کہہ درود دی کرسوی او کریم یوہ لہ درو یو لارہ د کابل او ہندوستان وہ مکرین و رنج د کرکان یا کرکٹا لہ د پستونو پٹا لہ کین نسبتہ شاید کرکین غرغبت چہ لہرہ و پلا و د پستونو شخ دی دافریدی ، اورکزی ، کا کرلہ دی ، وی اوشرف علی (۱) موخ کرکین د پستانہ د مورخینو غرغبت بولی . د اوسنی موقعیت شخ د پستونو چہ پارو د فاصلو یا شلی سرہ پراتہ دی ہیج نتیجہ د کرگسو د موقع چہ بہ نرمان کین د تیمور وہ صحیح پلاس نرا شخ مگر ہفغہ وخت چہ ملک محمد کابل تہ پ حضور د تیمور راغی لہ غرغبت شخ تیر سوئی نو کمان کینری چہ کرگسو د استوگنی مرکز یا غرغبت (کہہ بہ شتیبا غرغبت وی) پ جنوب یا بہ مابین د غرغبت ، بنی طرف تہ کرے درو پد خدہ کین وی .

پس لہ دے واقعہ نہ پرنیان یا پرنیانی تہر د پستونو لشکر د کرگسو و تیمور تہ انکار و کی او میرزا پیر محمد چہ لہ ہندوستانہ

(۱) شاید شرف الدین علی زیدی مشہور مورخ او مؤلف د تیمور د سباروی .

دغنا مومسراتی، چوٹی کی اوخیلو غرتہ چہ دہلند (ہیرمند) درود ترشاوہ، وختل - سلیمان شاہ دتیمو خیرالد افلاقی مری چہ تیمور
 امرئی نہ وہ منلی مہر کمر ملک فی خراب کی - داویل قبیلے اطاعت وکی وختل سول (تلاقی مری زبان پی تحقیق معلوم مری چہ علی) .

پس لہر دے تیمور ہندوستان پہ ہجو مہر کیں یا پستانہ نہ پخیل مخ کیں ولید اول مستحکم تکی دہند (میرات) پہ واسطہ دیو پستانہ
 ایلاس نامی مدافغہ کیدہ مگر تیمور ہم پخیل ایک کر کیں زیات پستانہ نہ درلود مشران فی ملک خضر لودی، ملک بھاؤ الدین جلوانی، ملک
 یوسف سروانی، ملک جید نیازی وہ چہ دلس نر لیکر دینتونی تیمور تہ قول کری وہ چہ مقابلہ میرات و جنگیدل (ملک خضر لودی ہفتہ
 چہ پس لہ تیمور نہ دبا بر تر آنکھ یوسلسلہ فی ہندوستان کیں بہ نامہ د خضر خانیہ تاسیس کمر او سلطنت فی وکی) .

سبحان اللہ! اشاعت او مہانہ چہ پستانہ کیں دہ کہ پہ عوض نفاق دوی اتفاق در لودی او مشرفی مشر و کشر فی کشر کھلی
 عالمگیر ہر وہ - مگر پہ سبب نفاق او اچہ ہر یوئی خان بن بولی ہر سہری پہ دوی خیلہ چاہہ کہہ دہ او دوی پہ تورہ فاتحہ چہ چنانہ
 سوی دی او ہر کلہ فی چہ پہ دیکش سر لیدی دوی سرفی پہ دیکر پہ کہہ کری دی دا عظیم شاہنشاہیت چہ دوی پہ ہندوستان و اتفاقاً
 کیں در لود کہ شغل وہ او کور ہم پہ دوی فی ا شاہنشاہیت بر باد کی کہ نہ (پای چوین نر کجا عہد آتش نر کجا) خیر دا خبر او بر دہ وہ
 خیل مقصد تہ بہ جو .

پس لہر ہجو شخرد تیمور نہم قرن حالت د مخران وہ ددھلی امپراطوری او شاہنشاہیت ددھلی پہ خلو و دیوار کیں محدودہ مگر
 پہ نیم کی دیکر کیں یا پستانہ دمرانی بیغ لور کی او قطع طور سہر دا داخل تا بیخ سول (قرن ۱۵ء) لکہ چہ سلطان بھلول لودی پہ سنہ
 یوزر او خلو سہوہ او بخوس عیسوی (۱۴۵۰ء) کیں دھلی و نیوہ او پنجاب فی ہم تصرف کیں (۱۴۵۰-۱۴۸۱ء) کجا کینستون کی بھلول
 سکندر لودی خیل مملکت د شرق ولوری تہ ترنگال پراخ کی (۱۴۸۱-۱۵۱۷ء) پیخہ کالہ ولاندے لدینہ رئیس لنگا د پستانہ چہ
 سہرہ نومیدہ ملتان فی و نیوہ او پہ نامہ سلطان قطب الدین فی یوہ سلسلہ بنا کمر چہ اتیا (۱۰) کالہ حکومت فی وکی (۱۴۴۵-۱۵۲۶ء)
 دا سلسلہ پہ واسطہ د بلو خانو د سلسلے (ارغون) مضمحل سوہ پہ آخر د خیل سلطنت کیں بھلول ہفتہ ولایت چہ پہ جنوب د مظفر کہہ دی یوہ
 لیکھو اتوا مومتہ (اسلام خان) ویا خنبہ چہ سلسلہ فی بہ نامہ فیہر یا گنگران تاسیس کہہ چہ آخرین بناخ فی پہ واسطہ د بلو خانو مفرض سوہ او
 نور..... چہ فرشتہ او نور و مورخینو مفضل د دوی واقعات لیکلی دی .

فترہ صوت :-

پادے وخت کیں یو عمومی بنو نیت د مہاجرت او قوحا تو شروع سوچہ د پستانہ یوہ لو برخہ فی ہفتہ غارہ د سنڈ او چولہا و نتیجہ فی
 ہفتہ جغرافیائی تقسیمات د قبائلو سوہ چہ تراوسہ یکین میشت دی . صورت د مہاجرت چہ افضلان ختک پتا بیخ مصرع کیں بہ حوالہ د تکررہ الاہل
 دا خونک روپزہ بیان کری خالص مطالبہ ادی :-

دقدہا پہ لوری یو پستانہ وہ چہ شیر ہون نومیدہ ددہ دوہ زمانہ وہ یو کدیل نہمند نومیدہ، دکن ددہ زمانہ وہ یو خوشی بلغری، دغری
 خلو نہر زمانہ وہ بود و لت یا رچہ مہند او دغری ددہ لہ لند دی دویم خلیل، دیرم زریسن، خلو مہمکنی، خلو و سرور و نیوہ مہرجلاں
 ہر کلہ چو سخمکنی دنیور واپہ ویش کیں د نور و ہیر سو سخمکنی د ور و نوہ مہر او جلا سوچہ تراوسہ جلا دی او پہ ہر خای کیں فی اولاد باشلی پروتھی
 (لور خرد سخمکنیو بہمت جنوبی کیں میشت دی چہ ہفتہ خای تہ ہم پہ نامہ قوم سخمکنی وائی) زپوانی ہم لور و نوہ جلا سوئی دنگہا رہ تاجکو کیں پروتھی
 شوک خنبہ خیر لیدی تاجیک و تہ وائی (اوس ہم د جلال آباد پہ سرخرو کیں بولی کلی بہ نامہ زپوانی مشہور دی مگر خلق فی ناسی وائی) .
 دختی کسر زمانہ وہ یومندی، دویم ملک، دیرم ترک - دمک یوہ لور کالی نومیدہ خیل شپا نہ تہ فی چہ بزرگی یا بزرگی نومیدہ و کسر تہ
 گکیا فی لہ ہفتہ پیدل سول او دمک نور اولاد و نسوا و مند و زمانہ یو عمر نومیدہ بل یوسف عمر توئی پاتے سوچہ مند نومیدہ دیوسف پنخہ
 یوا یا نومیدہ (چہ دیو متکبر او خود خواہ وہ مشہور پہ بادی سواوس فی اولاد تہ بادی خیل وائی) دویم عیسی، دیرم موسی (چہ ایلاس پلازہ)

خلوہ ملی، پنجم کو۔ دایا سخلوہ زمین وہ اول نسو۔ دویم تاجی چہ نری فی کدائی نومیہ۔ دیریم سالار۔ خلوہ مرغی چہ عیال فی عایشہ نومیہ اوس فی ولادہ عایشہ نری بولی۔ داکوشپہ زمین وہ خواجو، یازید، ابا، شاک، حلیم، اتان۔ دمولی خلوہ زمین وہ دولت، جعفر، ابا، ایسوری۔ دعیشی یویس زمین وہ یوہ وریخ دمندر آسوکہ مغلوہ تاراج بوتلہ عیسیٰ لہ لہ موسیٰ پے سپور سوت نور الس و سمراندے و سرخی نولہ دمغلوہ لاسہ شہید سول دوه زمین فی پاتے سول یوحسین یعقوب او یونزی فی پس لہ مرگہ دعیشی بیل سوچہ اکامیہ۔ دمندر خلوہ زمین وہ۔ اول مامو۔ دویم خدر۔ دیریم سرج۔ خلوہ مرند و۔

نورکھ کچہ پستون ملک قدہا یرو تزلہ ویشلی وہ دتوینو برخہ دکنڈا ورنند پے مینج کین واقع سوے وہ دد و امر حمایت سزہ سیدہ پاستوکنہ توغری ترین تہ تیرد و چہ برضہ فی دارغان والدوہ اوھغہ والد تیرنو تہ تیرد و تیرن او دخشی ترمینج علوات پیداسو ترین برغالیہ و دخشی فی مہرگہ او دخشی بیجا یکرہ نیند اوغری پحمایت او کمک دد کو نہ رسیدہ پیا کی غری تہ توغری بوھنکہ و کرکہ چہینج بود نہ وہ۔ وائی چہ قدہا برھنکہ پختہ پسرل چہ باران و سی دیروا بنہ پرشنہ سی او پے او سکی و ابنہ وچ او ورتی پری ترکا لہ پراسوہ وی او کدہ پشکال باران پوسی و ابنہ سیل یوسی مال و نری سی دقتضا ہغہ کال دیشکال باران و سو غری و مال نہ سختی پینہ سوہ نوھغہ بھنکہ فی چہ خشی تہ و کرکہ وہ پزہرا و جنگ فی لہ خشی نہ لہ یوہ خشی لہ ہغہ خایہ فی خایہ سو یوہ بل تہ تراغی و اتان خیل ہم دگومل دتک نہ دخشیوسر یو خای سوہ اوھیشہ بدخشیوسر ملا تیروہ او مہندزی چہ زند و نہ دی دچلو و سرفونہ مرور او دخشیوسر ملگری سول چہ تراوسہ پوسر روز کاری فی دخشی سرہ دی و خشی کابل تراغی او پرکابل فی و امر ول (۱۳ قرن ۲)

دخشی راتک لہ کابل نہ وینا ورتہ :-

خشی چہ دچلو ملگر سرہ غرمدہ پرکابل تیرہ کمرہ دھستی او مال لہری چہ بتن سوان ولادتی دیر سو خصوص یوسف نری او مندہ پتک وخت کین د کابل پادشاہ میرزا الغ بیگ نمسی تیمور وہ داغ بیگ اوددوکی سر و لہ نہ سوہ بوخوسہ فی خینہ مہرگہ پینتہ د کابل دعویدر نہ نوتل اودجان تیاری فی و کمرہ دمیرزا سر فی جنگ و نینلاوہ میرزا د، یوسف نر و شخہ ماتہ و کمرہ او پستو پیر و بیخ شاؤ خواہ الخ کولے۔ میرزا بیلہ صلحے چارہ و نندیدہ اوددو سرہ پچلا سو او دوی فی ورتہ و کمرہ دوی فی را و بلل۔ پس لہ دے پستو ملکا نونک اوراتنگ میدرزا سرہ شرع کی۔ یوہ وریخ اتہ سوہ کسہ فی وسیلہ و رغلل غیر محمود د محمد جعفر نری زوی چہ یوہ چورکی دلوڈ ہرکچہ پے سلاخانہ ورن نوتل خیال فی دمیرزا الغ بیگ بل د ول ولیدہ نو محمود نو تیرتہ و ویل چہ کہ تا سے اجازہ راکوی نہ بہہ پخسلہ چورکی دمیرزا کارکہ مگر نور و صلاح ورن کمرہ۔ نوھغہ وخت چہ دگر اغلہ واسلہ و سرہ نو جنگا لگیا فی الغ بیگ تہ ویل چہ نر و بیخ د و واردی بیاد و نہ کسان فی وسیلہ یو خائے کولہ سے۔ الغ بیگ ہم وخت غلیت و کاناہ قول فی و ترول او مہرہ فی کمرہ مگر دہر مسترا وینا کہ یادوی چہ مہرہ سوہ۔ پتک وخت کین دلو یو ملکا نو سلطان شاہ وہ پے وخت دمرگ فی الغ بیگ تہ ویل چہ یوالتما س لہر مگر قبول سی میرزا ویل چہ قبول دی ملک سلطان شاہ اول ویل چہ وراہہ خما ملک احمد معاف سی دوم داچہ دالہر ہلکان د بندنی اجازہ دے و کرکہ چہ پھلوری خئی۔ میرزا الغ بیگ دواہ التماس دہ قبول کیر اوئی ویل چہ خما کمان داوہ چہ تہ بخیل سر غواری یا بے سل دوه سوکہ جوانان نو غواریے۔ ملک سلطان شاہ پے جواب کین ورتہ ویل چہ داقول عزیزان مے مری اول نہ شہ مچہ مہم۔ پس لہ ہغہ پاتے سویس دیوسف نری، سر لہ نور توابع اولواحق ننگھارتہ تراغی ترک لانیو پے لغمان کین استوکنہ و نیولہ یوہ مدہ پے دا د ول تیرہ سوہ یوسف نر او محمد نر واپہ اصل کین مہند نری، ترمینج علوات پیداسو پچھارک کین۔ لوی جنگ شکی بک دیوسف نر و سو مگر پس لہ یو مدہ یوسف نر و لہ ننگھاسر کوچ و کمرہ ننگھارتہ و محمد نر و تہ پیرینود او کیانی پے باسول پاتے سو یوسف نری باجوہ تہ و لہ یو خد باجوہ فی وینولہ دیر جنگ فی باجوہ عالم سر وکی۔ یائی باجوہ خوش نسو یائی توان نندیدہ خینہ ولارل ملکان فی رغلہ دد لہ لہ کورہ فی پے سفید سنگ بزرگہ و کمرہ او بھنکہ فی خینہ و غویشہ دلازا کو بھنکہ و کمرہ پس لہ یوہ مگر یوسف نر و دد لہ لہ لہ کورہ سرہ علوات و سو و دلازا

پستون

پروا سطر دخیلو میلنو (یوسف نری) و شریل سوه او یوسف نری و قول د بخت چہ د کابل درورد د قطب خوتہ دی وینوه (پہ قول د امر مستر کگیانی د و آبلہ او محمد نری شغرتہ تراغله او عثمان خیلو درصوت درورد اطراف پیسے وینوے) پیای کہ یوسف نری و خیل تک او بود کی بہ مشرتوب د ملک احمد و شیخ ملیح (شیخ ملی) صوت فی فتح کی و شیخ ملیح محکمہ دوی تہ و کوشلہ (۱۴۱۳ - ۱۴۲۴) او دبیر پیغره او د کلمہ بہ دہر کین استوکنہ اختیار کرہ .

پدے وخت کین غری یا غویا خیل (چہ بہ قذہا کین یو خای وہ) او د خلیل او ممداد او د نری غنی دی ترو کہ محکمہ فی دخی شی یعنی یاسول جلال آباد - لغمان او د لعل پورے او پٹیا ویر پیمان کین محکمہ وینولہ . تقسیمات د نژاد پدے وخت کین تقریباً پورہ سو یعنی ہفتہ اقوام چہ پورہ تیرا دسون و سرج ہم ہفتہ اقوام بہ ہفتہ خا یو کین مہشت دی . دارمستروائی د لائزاک چہ د یوسف نری لاسہ و شریل سو دینا ویر بہ جنوبی دشت کین فی استوکنہ کولہ مگر یوقرن بعد د رقبیلو د غری بہ قطعی طور بہر و شریل او خای فی دوی وینوہ چہ ترو ہوسہ لاپکین مہشت دی .

باب او پستانہ :-

تیمور کہ شہم د پستانہ سرہ خواہے لاس پہ کیروان سو مکپہ د کوا سطر چہ بلہ پستانو فی خیل فتح تک نہ لیدہ د پستانہ سرہ فی عطا ہم کاوہ او ہفتہ عطاوت او ملہ لار دہہ وہ چہ پستانو لمی قوت د پستانومات کی او دہ تہ فی لامر د ہندوستان خلاصہ کرہ . بابرا بالعکس پستانو سرہ ہیخ دار او ملہ نہر د لود بلکہ د پستانو ہیخ ایستلو خیال فی پسرکین وہ او دا خیال ترمر کہ ددہ د سر و نہر و ت کہ شہم پہ سنہ (۹۲۴ھ) کین باجوہی بہ نیولودہ تہ د پستانو نرے او نقضا نونہ ویر پیش سول او بہ پیرتہ گزیدہ د کابل مجبور سو او پسرہ سنہ (۹۲۵ھ) کین د یوسف نری د لاسہ تری کال نریات نقضا نونہ و لیدہ او دہ ہم د یوسف نری و نہراعت او مدنیت خراب او بر باد کی بہ پای کین فی غم و کہ پیرتہ کابل تہ راغی او د یوسف نری و د پسرہ شہر شاہ منصور نو مید لور فی ہم و کیر او پدیرہ پہلا (۹۲۶ھ) محض د پستانو لاسہ ترسیا لکوت و لاسہ مکر بہ شہر و کین (۹۳۰ھ) ترلا ہور و رسیدہ او پستانہ فی د ہندوستان تریا بہر و خیل . د اہم پستانو تہ لہ خیلہ نفاقہ او دا چہ با برہم دوی پروا سطر د پستانو چہ خیل مینجو کین فی کولہرا و غونہت دوی تہ بلہ سختی او بر باد دی ویر پستانہ سوه .

دسور کورنی :-

کہ شہم و مغلو پہ ہند کین استقرار پیدا کی او پستانو پروا سطر د خیل نفاق خیل عظمت او شوکت با ی لود مکر با ہم د مغلو ذرا لرو ایستو خیال فی پسرکین وہ او مغلو ہم نسوی کولہی چہ خورقو نوسیا سلی او مدنی او اقتصادی اقتدار و نفوذ د پستانو پہ یوہ پلا ورن کی تو ہم د ہفتہ ویر ہنچہ چہ با برہندوستان تہ راغی او د انقلاب موجودہ او رواج بہ رواج فی لمبی پورہ نہ کیدے او با برنی ترمر کہ مشغول کین ترو چو پہ وخت کین دہا یون بیرغ د انقلاب ہفتہ مری فی زرخان بن حسن سوربن ابراہیم ملقب بہ شیخان پورہ تہ کی (۱۵۲۸-۱۵۵۲) . پسرہ نہ سو او او خلو نیش (۹۴۷ھ) کین د حملہ پسرہا یون و کیر چہ ترنگک پورے فی و خغلارہ او ہا یون گنگ تزاو پورے ووت شیخان ہم نغونہت چہ دہنہت واری د فرار او ژوندون و مر کی د مغلو شاہ فی ترک نبودہ او د مغلو پہ نہر و کین داسے ویرہ د شیخان پورہ چہ اگرے لار فی پرنیو دہ لارہ او پانچا تہ ہا یون و تبتیدہ دمہ فی لانوہ سازہ کہے چہ شیخان او پستانہ نہ لکہ زمریان پرور علہ - ہا یون فی مر لہ ملکہ د دتوہ پہ (۹۴۹ھ) کہ ہندوستان و نکست لہ بیرے پہ کابل کین ہم تینگک سو ایران تہ و تبتیدہ پستانو د بارہ خیل عظمت او وقار و شاہتہا ہیت پہ ہندوستان کین تینگ کی .

شیخان یولہ دیرو مشہور اولہ بقوادشا ہا نو د آسیادی - مورخین د ہندوستان شیخان بہ زیات والی د پوہ او ممرانی عفت ، ستائی او واقعہ دہ سیاسی نظامی او مدنی کارنامے پہ تاریخ د ہندوستان کین ساری نہ لری او ددہ سیاسی و اداری تونیا ت ترنہ پورہ نہر ماملران د ہند مشرق کمری دی .

مگر ناخلفو اخلا فودده په واسطه د بی اتفاقی او کفر عقلمی و بارم خپل عظمت بایلود او مغلو پر هندوستان لاند اقتدار پیداکړ که
 خدیم پرله یون دمکه "علی" (د بابر زماندکا نو مخ د شیشاه) مغلو ته سخت شکست ورکړ او دهلی ئی دو باره په (۹۶۳ هـ) کښ وینو
 مگر یو کال بعد بیر خان تر کمان سپه سالار د اکبر جلال الدین دهلی فتح او د پښتنو تاج او تخت ته ئی خاتمہ ورکړه .

اکبر جلال الدین مغل او پښتانه :-

پروخت د اکبر کښ هم پښتانه خصوص یوسف زری شو و اړه پورته سوه او اکبر ته ئی ستونزه پښه کړه مگر اصلی کار ئی ونکې
 او بری ئی سانه موندل و بله لویه واقعہ پدے زمان کښ د پیر دینار چر پښتانه ئی پیر تاریک بولی وه چه اکبر او پښتانه ئی دواړه سرگردان کړه افضلخان
 ختک پدې تاریخ مرتع دا واقعہ پدېگون بیا نوی :-

آخوندیزه په خپل کتاب کښ مخزن، را ویری ئی چه عبدالله نامے د کاب ئی کور دارمړ - په علم او صلاح آراسته او هم وصلحاؤ اولادو
 زری ئی و زو چه نوم ئی بازید کښینود او په علم ئی کشیناوه - بازید عالم سو او په صلاح آراسته وه مگر پسر له هغه چه خرننگه ئی برابر کړه د آسو
 په سو د اگری پدے سمرقند و لار وده آس ئی واختل او هندوستان ته رلر زمان سو په موضع د کلنجر (نواح د هندوستان) کښ په ولا سلیمان
 نامے پښ سو د تاسخ علم ئی خښه زده کړی او عقیده ئی تناسخی سو د پلار وینکه صلاحیت اوښه نوم ئی برباد کړی هر کله چه کاب ئی کور ته راغی
 فساد ئی آغاز کړ ما پلار ئی په واسطه د خپل دینداری ئی منع کړی او بچوونئ و واهه زری ئی کي - بازید چه د پلار پر خلائی ولید له هغه خاینگه
 راغی په مهند کښ د ملک سلطان احمد کړه دیره سو یوه مد ئی تیره کړه اما ننکھاری تابع د صحیح عالمانو وه دده پیرو ئی ئی قبوله نکړه - بازید چه
 و پوهید له هغه خایه پښا و تره راغی په غوږ په خپلو کښ میشت سو او خد بیله او جمال د پښتنو ئی خپل پیرو کړه ، او ده خان په پیرو او پیشو ئی
 مشهور کړی وه او عوام الناسو بی ئی ویل چه بی کابل پدې خدای (جلشانه) ته لارښته راغی نړه - پدې کابل م هر خر چه نړه وایم جما
 متابعت کوی ، خد جمال پدې معتقد سول او د اخرو ئی صحیح و گمبله او ده هم د خپلو عجیب او غریبو عقائدو په باب کښ خو رساله ولیکل .

الحاصل هر خر چه د ویل پدې نونئ منل او خپلو تپه د پرخو ئی مېلان سول ، بیا مهند زراوشغرت بوبت هر خر چه جاهل چه پښتانه زده دده
 معتقد سول - آخوندیزه دده سر بخت کړی وه او دوی ئی دده په گمراهی ملامت کړی وه مگر په علت د د کچه په هغه ملک تسلط د حکامو
 دی په خپله گمراهی تینگ وه او معلومه چه زرد حکامو وی هر سړی پر خپل سر او د معاملی حق و باطل هم معلوم نړی نودده فساد او گمراهی
 روخ په روخ زیاتید او او ازی ئی تر کابله راورسید - پدې وخت کښ اکبر له خواه محسن خان نامے د کابل والی وه - هر کله چه محسن خان پر خبر شو
 پروکی له اشغره ئی لاس تری کابل ته بوت شو مده په کابل کښ بندی وه - چه د خپله گمراهی توبه کار سو محسن خان له بنده خلاص کړل خلاص
 توب بیا اشغرت راغی خپل مېلان او پیروان ئی قول کړه دو باره ئی فساد او گمراهی شروع کړه او د نونئ په غره نوبت بیا له نونئ نه
 تیرا ته راغی خد افریدی او وکرزې جاهلان ئی هم مېلان سو په پښتوله اوله هم مغل ښه ند لید او دده هم ورسو پدے سوه نو پښتانه به ئی پو
 کول چه مغل ظلم پدې دی پر پښتنو ظلم کوی ، له هغه خایه چو په نه راغی او مېلان توت ئی امر وکړ چه غشی پر کوی او سر و نه ئی تیره کوی (وا ئی چه د
 چو په غشی خوراک کادی) هغه وخت چه مېلان ئی د غشو ل کاره خلاص سول د مغلو سره ئی جنگ و نښلاوه او هغو غلشو به نیزو
 کار کاوه - د تیرا عالی په جنگ کښ خد سستی و کړه و تره و ویل چه تا س په باطن کښ د مغلو سر یاست نو جما د طیر قه خد مردود سوا او سر که
 غوا چه سنا سنی گناه و بخشد سو خپل لاسونه به خپله و تری او لاسی یا پکجه چه د عالی پرده اعتقاد د لود یا له بیرے تیر سو و کسو (د سړه)
 لاسونه وتړل او دے مرا غده قوله یواغے یواغے مرد او نور ئی تاریخ کړه تیرا له تیریا نو خالی کړه - افرید او اورک زو پیو وه - اما خپلو
 هم په واسطه د کمزری تیرا پر پیو ده اړه ننگ برهنگ دیا جوړه و کړه - بازید پدې قول افریدی او وکرزې کښ رسوخ پیدل کړی او خپل کاب
 ئی (خبر ایلیان) نشر کړی ، مېلان نوب ئی به تیرک سانه - پسر له پدے چه دده قوت د برسو په ننکھارو راغی او ناخت او تاراج ئی شروع کړی محسن
 بیا له کابل پر راغی او دده قوت ئی تار و مار ئی د بری خښه مړه کړه باقی وغره ته وختل - دی اشغرت راغی او هلته مړ سو .

دبازيد (بيزارياك) پنجه ظمن وه او شيخ عمر، دويم نور الدين، دريم خير الدين، خلمر كمال الدين، پنجيم جلال الدين پسر مكر د بازيد شيخ عمده جايونيه هجر چرده مريدان او اياران وه په شيخ عمر اخلاصه راټول سوه پسر له يو ښه مگر د شيخ عمر او د يوسف زو محالفت پسر يوسف زو د آبند (شايد شهو رسندوی) پر غاړه شيخ عمر د خويانو لور سر مگر خير الدين ورو د شيخ عمر هم پدگيرود اركين مرسواو نور الدين و پاشنغر كښ كچر مگر جلال الدين ته يوسف زو بدې لاسو او د يوسف زو په بند كښيووت پسر له هغه اكر پادشاه خبر سو جلال الدين او درسته كورنۍ ده ئي د يوسف زو د بنده خلاصه كړه - مگر اكر به ئي هم وفا وكړه ځنځه ولاړ په تيرانووت رهزني ئي اختيار كړه بيا كمال الدين ورو د جلال الدين د اكر پښند كښيووت خو په بند كښ مرسواو جلال الدين هم په غزني كښ دستگير او مرسو د غزني خلعو ځنځه بره كې او اكر به ئي واستاوه . بيا احلا دچر د شيخ عمر زوی او دبازيد مړی وه د پلار او نكده طيفه ئي اختيار كړه اكر چه چرهما نكي ئي لاهم تر دېر وخت چن بڼي خفلاو د جمانگير په وخت كښ يوسف زوي قرار نسول وپدگيرود اركين په پښتانه بڼيچا به او د بركور ورو برباد او دوران سول . څو دا ورتگ نيز كښ بيا پښتو بڼيخ داستقلال پورته كې او مشر د مگر مشر كولاچر ل د پښتو خوځښت اچاځنځت وه چه افكار ئي د پښتو د نژاد په وحدت او د پښتو ملكت پرتاسيس كڅه هم په اولدين او نيك نيز قوه پخو واړه تا ورو مرسو مگر په پاي كښ په سبب ئي ائمي غناش قوم او بي اتفاق د پښتو اصلي او قطعي كار ئي ونكي ايران په زړه كورته ولاړه . الحاصل دوه د مغلود اوم قرن ۷ تر دو لسم قرن ۱۲) تر حكومت او سلطنت ابداليا نو په نهايت فحوت تيره سو او پخول د مگر كښ د يوازي اباد ئي پاي او د يرونو پښتو مړ او د يوازي رسول وه هم دغه سبب چه پښتو او معلو تپا په خوره نسو ه كچه په قوت بيا منو د بل په خرابي كښ ئي كې ونكي ويوبل ئي په بنه نظر نه كښ لکه پخيزين پادشاه د سلسله (شاه عالم ثاني) هم د پښتنوله لاسخراب او په سترگور وند سو .

هوټكى شاهان د پښتنو :- (۱۲ - ۱۴ قرن = ۱۸ - ۲۰ قرن مسیحی)

پد وخت كښ چه معلو پرافغانستا او هند و سقا سلطنت او حكومت وه او پښتانه خپلي پيچان اخته وه حكومت ايران پر قدها اوهرات تسلط او حاكيت لرلو په دو لسم قرن كښ پښتو بيا هضت وكې او د تسلط او حاكيت ئي په قطعي طور سره قطع كې علم دار د هضت معر قان د پښتو حاجي مير پښان هوټك نيزي شاه عالم خان ه چه (۱۱۲۱ = ۱۷۰۹ ع) كړ كښ نا چي حك د فارس ئي د دوه ويشته (۲۲) نيزه لښكره قتل كې او دولت ايران خسر نا چي له پښتو ولينت (۲۵) نيزه لښكره سر افغانستان ته را وليږه مگر قطعي نيچي وركيده د ايران د تسلط او حاكيت وه له قدها څخه - مير پښان ملي حكومت په قدها ر كښ جوړ كې او د شاه علي اونا چي ميره حكومت په صفت د پښتانه كور تر مگر ئي نوم د پادشاهي پر چان قبول ونكي .

هر كچه چه محمود زوي مير پښان پر تخت سلطنت كښينا ست كڅه هم خون وه مگر ملي جوش او غيرت ئي د پښتو د اولولو تايرنجي مړ د افغانستان شمير كښيرې نو د دواړه پرايران مرغې اول و اتر كړ تا پور ولاړ او كرمان ئي مسخر كې دويمه پلا په ۱۱۲۵ كښ داؤ نيزه كسو سره تر پاي تخت ايران چه اصفهان وه ولاړ او فتح ئي كې . پسر له شاه محمود شاه اشرف د شاه محمود كا زوي پر تخت كښينا ست او ملكت فارسي پامن كې او د لويو دشمنانو څخه ئي (روس او ترك) خلاص كې په شمال د فارس كښ د پښتو د پلټر كښير كړه د واره (سپه لار او قوماندان د د ي جنگ سيد اخانا صروه) او په غرب شمال كښ ئي په واره واره وليكړه عثمانيا نومات كې او تركان ئي په استقلال پيژند و سر د پښتنو پرايران كښ مجبور كړه .

په وخت د نادار شاه تركمان كښ چه شاه اشرف له پاره د انتظام د لښكر افغانستا ته را ئي په اطراف د قدها كښ دخپله كورني لار و ورتل سول د هغه د اسلسله منقرض سو وه او عينه نادار شاه ته له پاره د تاخت و تازاما ده سو .

ابدالي ياد راني :-

پښتانه ابدال د كشيف او محترم تېر نكدي و سړم نه چه په پښتو پلا وركښ د پښتو مشر ورو د ي رسيري هغه پنجه ورو چه د قوله

نکدگان بل کبریٰ دای اول سپن دیم بقیم غرغشت طلوع مرتی نجم کمرانی . مورخین ائی چر دسپن دو مژمن شرخون (شرف الدین) اور شخون (خلیلین) ہر کچر سپن یا ساجی مسو شرخون (شرف الدین) دتول پینتو کیر یا ست قبول سو شرف الدین پہ ہوشیار علی و درایت اور حملی مشہور و اولمادم بچینکو کین دھغو کا نو سر چلا پراسلا نہ و مشرف سو اختروہ نہ یواختی دد ثروت دیر سو بلکہ علاقتہ او ملک فی ہم پراحوالی پیلایکی او چا چا پیر اقوام علاوہ پریستنو دخا قباغ و گز نزل را ورتی پہ مقدمہ خیل کنا بکین اگر مارف پینتو) پحوالہ سرد نذکرہ الملوک وانی چر شرف الدین ریاست پہ ہغنی زمانہ کین وہ چنڈا ہلا و کابل حجاج بوسیف تقوی فتح کی (۷۳-۷۹ ھ) پہ ہر حال اقصیہ فتح و فدا ہار کابل (لا دقوت او مکتبہ مکم سوا و خیل قوت و ادائہ زیارت ترخوہ محکمہ کرہ . پس لہر مگر شرف الدین نری فی بدال دتولو پینتو خواہ پیر یا ست قبول سو وبعضی ائی چنڈا بل شرف الدین منعی مکر او رتی وانی چنڈا یو خیرہ صحیحہ معلوم مری حکمہ پلہین کیند ابدال و شرخون (شرف الدین) دسکو کالہ فاصلہ دپد ترتیب شرخون حاضر حجاج و ابدال پہ نغز نہ دسلطان محمود زوندن در لہو او سلطان محمود پہ (۳۳۷ ھ) کین دیلا پیر چا کیننا اودا اورد زمانہ پچہ ما بین کد دور حکمرانان کو کین تیر سو پیکتنہ مثال و تفصیل سر فی حل کولای سو . اکثر پینتو سوجی نومو نہ ہغو رسا و چ عقل ، کیا ، شیبا ، زہر و توب ددیر و ایل اولاد او احفاد معرفت پری پیر شرف بوگری اونیوہ فی التسلل پیاد کاسرہ پانے کیری یا لکس دمتوسو رسا و نغز اید شخون زری لکہ عبدلہ شام او عبدلہ شیخ دوارہ د عبدلہ المرن داوالد کین اخلا تراویہ نامہ د بنی ہاشم بادیری و اخلا دمؤخر الذکر یہ نامہ بنی امیچ معرفت پری جلد شمس مشہور دی ونوم د عبدلہ شمس شوک نہ یاد وی بہ دغصو تہ ملک ابدال ہم چر حد پایستہ پیر نہر و توب ، عدالت ، سخا و کینوہ نومو نہ اکثر و احلا دوئی بہ نسبت دہ د عظمت او شوکت پینتو و رک سو ونوم د ابدال تراویہ کتو تیر د پینتو نہ یادیری او ہم دغہ علتی چر د اکثر و مختلف واقعات و اثر ائی تاریخ رشتہ ویر کردہ او ملک ابدال کلہ نری او کلہ منسی د شرخون کیری . خیر !!!

الحاصل پد ترتیب ملک ابدال ریاست تولو پینتو چ منسو بہ سپن ، غرغشت اوترین و قبول کی او پخت دد ریاست ملت د پینتو فلا اور زراعت دیرہ مینہ و کمرہ اود کا شغرا طرف تولا محکمہ کینت اور زراعت سو ابدال چر خور ازہرہ و وہ پد دستور د خیلو نکدگان نو بہ فی ملام چا چا پیر پکا فر نو حمل کوئے و اتباع دد پیر خا و نڈان ما سوا و ہم یو تعداد اہالی چر غیر مسلم اود پد ہما پیر کی کین پراتہ و شرف اسلام فی حاصل کی . بلا آخر چر نو غیر مسلم نیرد دوی پاتے سو او ہم پواسطہ ددیر وانی نفوس و نغز زراعتی محکمہ نہ وہ چنڈوی کدارہ بروسی غرغشت سلا ترقیادت لاندے فی شروع د خدمت و کمرہ او پد عوض د خدمت کین ضلع دنگرام چراوس فی پینا و ہولی پینا پیل قبول کین و اخیستہ او صوات او با جو ہم چر پد تصرف د مشر کینوہ د کپیز پیر پخیل تصرف کی علاوہ نا پغزنی او کابل کین ہم دسلطان محمود خواہ او اخلا ددہ محکمہ او جایداد و کمرہ سو وہ نو پد تاریخ سردوی لکا شغریہ مہاجرت شروع و کمرہ او پدک تا نہ جایداد باندن پد دے نہ دیر موزون وہ و ابرول .

مرا ورتی وانی چر نو ختہ د ملک ابدال قول عادی اقوام پنا بعت دد و انقیاد پد مکر وہ اما پس لہر مکرہ د ملک ابدال ہر کلی و ہر قوم سخا او خانتہ فی رہیں او حکمران اختیار کی و پائل سو تاریخ سلطانی د ملک ابدال عمیر بوسل او پغزہ (۱۰۵) کالہ لیکلی . پد قواد مرا ورتی و تاریخ سلطانی د ملک ابدال یوزوی پاسو چر او رتی ملک مراجر او سلطانی فی ملک زہر بولی اما خوشید بھوانی چر ملک ابدال وہ زاموہ یوسلیمان بل زختر (ختر دغہ د مرا ورتی مراجر او دسلطانی زہر دے) . الحاصل د ملک ابدال پچا ملک مراجر (ختر یا زہر) کینینا پد قواد مرا ورتی د ملک زادہ دیر شوق د سپوٹ اور زہر ترخوہ لہو او خیل د ژوندون ، تریضے روختی پد اکا تریہ کمرہ تا پغ سلطانی ددہ عمیر بوسل او شل کالہ (۱۲۰) یادوی . د ملک مراجر خلور لہن پاتے سول - عیسیٰ - نور - خوکو - ماکو . علی چر دیر متشع وینا علی سیر و پچا دیلا کینینا . دنور اولاد دنوزری د خاکو اولاد خوکیا کی و دما کو اولاد دما کو یازین مرا ورتی وانی چر پد وخت کین باقی ابدال یان او تیر قول قبائل چر دکا شغریہ ضلع کین (نیرد کتختہ تہ دسلیمان) پانہ و خاے پرتنگ سو - داومی پد وخت کین فی قدھا ولوری تہ پد مہاجرت شروع و کمرہ مکر نہ تری لکہ کوچیان دوبارہ چل اصل جاے تہ اکا شغریہ مرا لہ . د عیسیٰ دہ لہن پاسول - زیرک - اسحاق - علی عیسیٰ پد وخت کین دمرک خیلہ لنگو تہ چر علامہ دغانی وہ زہر لہ تہ او خیلہ نور الحق

او خپل ځان نماز علی ته ورکړه د اسحاق اسحاق نزی اود علی نزی اولاد دی. زبیر که چرې د هونیا را و قابل رئیس په نهایت جت او قابلیت سره ئی خپل قوم او لس اداغ کاوه - بیلنی، شرک، ختیا چرې د پسرمانه کین وه قول ئی له بیخ او پنهو و نیستل. سر او رتی وائی چې په عقیده د تذکره الملوك د مؤلف ملک زبیرک معاصر شاهخ میرزا (د تیمور نزی) وه چې ابدال او زبیرک په میخ کش د ستر تن زمانه تیره سووه - اودا پنځو قومو ته د ابدالی چه اسحاق نزی، علیزی - نوزی - خوکیا ئی اوما کودی پنخ پای هم ویل کیزی. او هم سر او رتی وائی چې د زبیرک په زمانه کین علاقه دروده او کاشغر لپاره د پښتنو چرې وچ پر وچ ئی اولس زبیرک، تنکه سو ملک زبیرک ئی تر غیب کی چه خوک شاهخ میرزاته ولیبری او علاقه د قندهار دوی ته وغواړی ده هم سړی ولیبره او قندهار ئی ل شاهخ میرزانه وغوښت شاهخ میرزاده درخواست قبول کی په تیج کین زبیرک قول اولد لیبو ترین، جند، علی، کاکړ، کاسی، بار او نور قبائلو ته امر کی چه قندهاره ته ولا بری هغه مخکی چه شاهخ میرزا ورکړی پر میشت سی، د زبیرک په امر قول پښتانه ولاړ او محکمه ئی پر ل ویش مخه وویلو او که هغه به ئی کوله خه مالیه به ئی حکامو و رکوله تا بیخ سلطانی د زبیرک عمر پوسل او اخلت کاله (۱۱۴۰) یاد کړی دی. د زبیرک د (۳) زین پاتے سول - بارک، پوپل، الیکو چه د دوی اولاده بارک نزی، پوپل نزی، الکو نزی دی، سلطا محمد نجا مؤلف تا بیخ سلطانی وائی چه هر کله زبیرک سپین شیری اوضع سو په خونده سره د قول ئی بارک ته ریاست ورکی او پنجا کس لئی د پلا پر تر ندر ریاست وکی - السخنه ضاوه، اما سر او رتی په حواله تذکره الملوك وائی چه اولد پوپل پسر لمر که د پلا رئیس نوم سو او د پروه او کاراگاه سړی وه قول قبائل ئی تر خپل اطاعت او فرمان لا تذکره سول هغه چا چه سر کشی کوله سنرائی و مرکز - د پوپل عمر قول سلطانی نه تیا کارو. پوپل پسر زین لود - حبیب، بادو، ایوب - حبیب و بادو لوی قوم سو ووا او ایوب لاجلای سو وه بعضه وائی چه ایوب د بد پلا سو وه مونی پوپل کوناه کیمه وه خیر! د بادو اولاده بادوزی اود ایوب اولاده ت ایوب نزی وائی. پسر لمر که پوپل حبیب رئیس د پښتنو سو مگر پښتون په د وخت کین د زبیرک سوی وه نائی د خود سړی او اغتاس کینینوده اود حبیب ریاست مخالفت ئی شروع کی اما په پای کین قول خپل کین سړی وویلو او یونور نیت پښتو کین پیدا سو هر کله اعلان د استقلال او خود سړی وکی او خاتنه ئی رئیس اوملک انتخاب کی. ملک حبیب د پره ما په وژ لود انقلاب او خود سړی داو زبیره کیم مگر نتیجہ ئی لاس نه لرل سو پته په پای کین قول لکه ترین، بارک، علی، کاکړ، شیرانی او نور ختیا جلای سول او خاتنه ئی رئیس وقریرک اود اخل جنک شروع سو، قول عمر حبیب په داخل حکم وکی تیو سو عمر ئی په قول تا بیخ سلطانی ئی پنځوس (۵۲) کال وه.

حبیب سره زین لود؛ بامی، اسمعیل، حسن چه لردو که نه بامی نزی اسمعیل نزی او حسن نزی پیدا سول تا بیخ سلطانی خلور بادو خلر مئی دوسعید نومیله. پسر له حبیب بامی چه د ملا تم طبیعت او عالی صفات خاوند وه د پلا پر به چا کینینا ست - په قول د سر او رتی سلطان بصلول لودی اوزوی ئی سکندر (شاهان د هند) دده سره نه مناسبات درلوده وخت به ئی بامی ته نینه پښت سوغا توندر لیرل - هغه پښتنو چه مدعی د ریاست وه پر بامی ئی حسد وکی او خپل سړی ئی د سوغا نوسره بصلول او سکندر ته وویل مگر ددو سوغا توندر قبول سووه اود وارو یاد شاهانو وویل چه مور غیر له بامی بل رئیس نه پښتو. د بامی هم خلور زین بامی د سول - صالح، علی، زیل - ورو که چه د دوی نه لوی لوی تپرو نه پیدا سووه او هر ته بر د خپل پلا پر نه پنا میا دی. په قول د تا بیخ سلطانی بامی د دره اویا (۷۳) کالووه چه مریو - امر د ریاست چه محض نوم وه او حقیقت ئی نه درل و صالح ته پاتے سو اود صالح امر فقط حبیب زبیرک چه لردو کیمه کو چنیو قبیلو لکه اولاد علی زبیرک او ورو که نه تشکیل وه - ما نه صالح د بریان بامی او فیاض سړی وه، وائی چه دروازه ئی هیخ کله له مسکینانو اود ستر خان ئی له میلنو خالی نه وه په هغه زمان کین صالح ژوندون کاوه چه شیره شاه اوسلیم شاه د دهلی ریخت ناست وه هغه مناسبات چه د صالح پلارد لودی سو په وخت د صالح کین لا تر پنځواه ټینگ سو هغه وخت چه شیره شاه تخت د دهلی لهما یون مغل نه و نیو، نو صالح تبریک نامه د خپلونا یندگانو پلاس ورواستوله - شیره شاه نایندگانو د صالح په دیر اعزاز او اکرام قبول کیمه او په عام دبریا کین ئی وویل چه نه یوا څه ملک صالح خا ن رئیس دی بلکه اجلا د صالح خا ن اجلا رئیسان وه د ملک صالح کورنی په حیث در تپه او منزلت په نولو پښتو کین نظیر لری. نماندگان صالح ئی په دیر عزت سره سوغا ته بینه رخت کیمه بالاخره قول در او رتی په (۹۲۵) کین نرویی صالح سعد الله خان مشهور په سلا پیدا سو چه اولاد ئی مشهور سپر نزی غازی احمد شاه بابا بانی اوموسس د ابدالی حکومت هر دد کورنی دی.

خو رشید جمان وائی چه په وخت کیم سعد الله خان (مشهور په سلا) په واسطه د پښتنو د بانی اتفاق دوی سره (۱۲) کور ابدلیا ملتان ته ولاړ پسر لیبو مے مگر خیر ته سراغله او خه په ملتان کین پاتے سول.

دس دوز و سلطنت :-

پندرہ وخت کین چہ ہوتو کونہ پند ہا رکین د ایران د حکما مولا س قطع کی ابدالیو پھر ت کین اعلان استقلال وکی اوزاد خان سر کردہ دھرت پراسنی خراسان لیکر ونیست پلہ پیسے عبداللہ خان سدوزی ابدالی، ولد دجیات سلطان ملی ریاست پلاس کین و بنو اوجعفر قلی حاکم د ایران فی چہ پھر ت کین وہ د لیکر سرقتل عام کی او پخلہ پے صفت د پادشاہ پھر ت کین کینینا ست مگر لہ بدبختی پے مینج دھوکو اوبدالیو کین نزاع اوفساق پین سو شہزادہ اسدخان ولد عبداللہ خان دفرہ پردل آرام کوشاہ محمود چہ ہفہ وخت لاشہزادہ وہ مہر کی پھر حال عبداللہ خان اوخو کسا نو نور د عبداللہ خان د کور فی ترہفہ نما نہ چہ نادر شاہ ترکمان پرافغانستان شور و شر جو را وہ مستقل پھر ت کین پے صفت د پادشاہ ریاست او حکومت کا وہ .

احمد شاہ بابا :-

احمد شاہ د نرمان خان نوری کی ولادت فی پہلستان کین وہ پد کوچنیوالی خیل پلاس ہرہ دملتان و قندھا تریا ہرت تہراغی پس لہ مرگہ د نادر شاہ (۱۱۶۰ م) مشران د درانی لکہ حاجی جمال خان بامرکزی، محبت خان پوبلری، موکھا اسحق نری، نور محمد خان علی نری، نصر اللہ خان نور نری، دشیر سرخ (سور نری)، بابا پھر زیارت کین چہ تھین دگر میل یا دوہ کر وہ قندھا ر د پھر و جنوب طرف تہدی قول سول اود پادشاہ پے انتخاب کین فی مشورت وکی پس لہ مشورت شخہ پے اتفاق د آرام و خصوصاً پے طرف داری د حاجی جمال بامرکزی چہ پے قوت او اعتبار تر نور و غورہ وہ احمد خان سدوزی فی دافغانستان سلطنت پریخت کینینا وہ (۱۱۶۱ م) اوصا بر شاہ مجذوب چہ پے ہفہ زیارت کین وہ دغمو وری فی پو کی د احمد خان (احمد شاہ بابا) پے سر کین فی لکہ تاج و تونہ او احمد شاہ مستقل پادشاہ دافغانستان سو . دغمو وری پے ہفہ واسطہ تراوسہ دافغانستان پے رسمی نشان کین مستعمل دی .

یوہ لوکتہ پے انتخاب کین د احمد شاہ بابا چہ سلطان محمد خان مؤلف تاریخ سلطانی وائی دادہ، مشران د ابدالی چہ پور تہ یا دسول ہر یو پے مکت او قومی اعتبار و قوت لہ احمد خان شخہ زیارت وہ او یوہ وبل تہ تن نور کا وہ خصوصاً حاجی جمال خان بامرکزی چہ تہر تو لو غورہ وہ پے واسطہ دد چہ احمد خان تر تو لو کینستہ وہ اوہم الس سدوزی پے نسبت دنور و السو ابدالیو بلکہ ہیخ نہوہ دوی وویل کچہ پے لمو پے نہ خو ک پادشاہی پے واسطہ دقوت او اعتبار د قولوا قوامو برابر مراعات نکوی احمد خان پے واسطہ دد چہ قومی لوری کچہ مقرر ہی، تولہ بہ پے یوہ ستر کوری طرف داری بہر دچا نکوی رھ کلہ کہ فی وکمر خرابیہ فی بیامور تہ آسانہ کاری . دافکر دد دیر عالی وہ اوہم دوی پے وحدت او اتفاق کینینہ نتیجہ خینہ و اخستہ .

الحاصل احمد شاہ بابا نہایت نیک خصال او حمیدہ افعال سہی وہ شفقت فی پرتولو رعایا تو برابر وہ دخیل اولاد فی رعیت فرق فی نکا وہ پے ہفہ جہتہ سہی نومر د بابا وکا تہ یعنی قول ملت افغانستان پلاوہ احمد شاہ بابا دینتو دسلطنت پافغانستان کین مؤسس بل کینری پے عرصہ دشوکلوی قول طبعی حدود دافغانستان لہ جیون تو رعایا و فاریس ترورد بارسند (قدغن اوبدخان، مزار او مینہ، مرو اوہرت، خراسان اوسیتان، بلوچستان، سند، پنجاب کشمیر) پے سیاسی نقشہ دافغانستان کین اخل کی یو پوخ اوقا ہر دولت فی دینتو تشکیل کی - عسکری تشکیلات او اداری واردات جو رول دلاؤ و شہر (قدھا ر - تاشقرغان) پے وخت ددہ کی منتظم سول - احمد شاہ بابا شو اراہے ہندوستان فاریس اوبخارتہ وکراولوی او غورہ فوجات فی وکرو - احمد شاہ بابا ملاحظہ اولحاظ داسلامی اتحاد دیرہ دہروردہ سہر دے چہ پے ہفہ وخت کین افغانستان لہ مقتدر و دولتو داسبا حسابیکہ ہندوستان فی پس لفتح کولو پد تہ کو کرا فی شاہانوتہ و باخینہ او بخارتہ فی چہ فتح کورہ ہیخ مزارحت فی ورنکی صرف دخرقے مبارک پے مرو وروئی اکتفا وکرو او پیران فی بیلینولود خراسان

چې طبیعتی د افغانستان وه نور هیڅ غرض ونکی .
 پس له ظهور څخه دمغلو احمد شاه بابا لمړی پادشاه د افغانستان دی چې مجدداً عظمت د پښتنوئی دوباره حال کی
 او مملکت ئی دینکانه د تاج اوزراتو څخه خلاص کی او ملوک الطوائفی ته ئی خاتمه وکړ .
 احمد شاه بابا په سنه ۱۱۸۶ هـ کبږ د دنیا ولاړ او نیک نوم ئی په زهرین خط سره په تاریخ د افغانستان کښ پرېښود .
 مگر افسوس چې نسیا احمد شاه بابا لکه دی داسه نسول په واسطه د بی تفاق او کولږ جنګو سرخ په روځ افغانستان
 وپاشل سو او ماده د فساد پکښ پیدا سوه خراسان قجرو نیوه پنجاب رنجیت سنگه مجزائی بلوچستان په واسطه د محلی خانانو
 مستقل سو مورو رسا نو تصرف کی کتک او قلعه مور د خیو ډه د خوانینو پلاس کبیووت په پای کښ په شاه پور شاه
 (۱۱۵۸ هـ) د سدوزرد خاندان سلطنت ختم او تمام سو .

بارکزی :-

په خواه له دے چه د بارکزی د سلطنت او حکومت بیان وسی که څو کرښه د د وے د نسبی سلسله لکه د سدوزرد
 ویلکی سید قاریښو پر معلومات به زیاتی وکی :

پورته ویل سوه چه د زیرک یوزوی بارک وه په قول د خورشید جهان د بارک شپږ زامن وه - بائی نورالدین
 عبدالله ، رکن الدین ، نصرت ، دو طاره چه اولاد ته ئی بائی نزی - نورالدین نزی ، عبدالله نزی - رکن الدین نزی -
 نصرت زی - طار نزی ویل کیوی .

د نورالدین او نصرت اولاد دیر سو چه د اکښته نزی د دوی اولاد دی .
 د نورالدین اولاد :-

سربانزی ، اشکزی ، کرجی نزی ، خونجی زی ، باکل نزی ، غیبی نزی ، جنګ زی ، طار نزی ، عمر خان نزی ،
 ملکین نزی ، زنگی نزی .
 د نصرت اولاد :-

اتمان نزی ، سنجری ، ولی نزی ، خواجک نزی ، جمال نزی ، بوز نزی ، خواجی نزی ، ابانزی .

د عمر خان (۱) چه د نورالدین د اولاد دے دی ، په ټولنو کښ یوزوئی محمد نومید چه اوس ئی اولاد محمد نزی بولی .
 د محمد د رے زامن وه : یار خان ، حاجی یوسف خان ، حاجی جمال خان - د حاجی جمال خان څلور زامن وه - پانده خان
 هارون خان ، رحیماد خان ، بهادر خان .

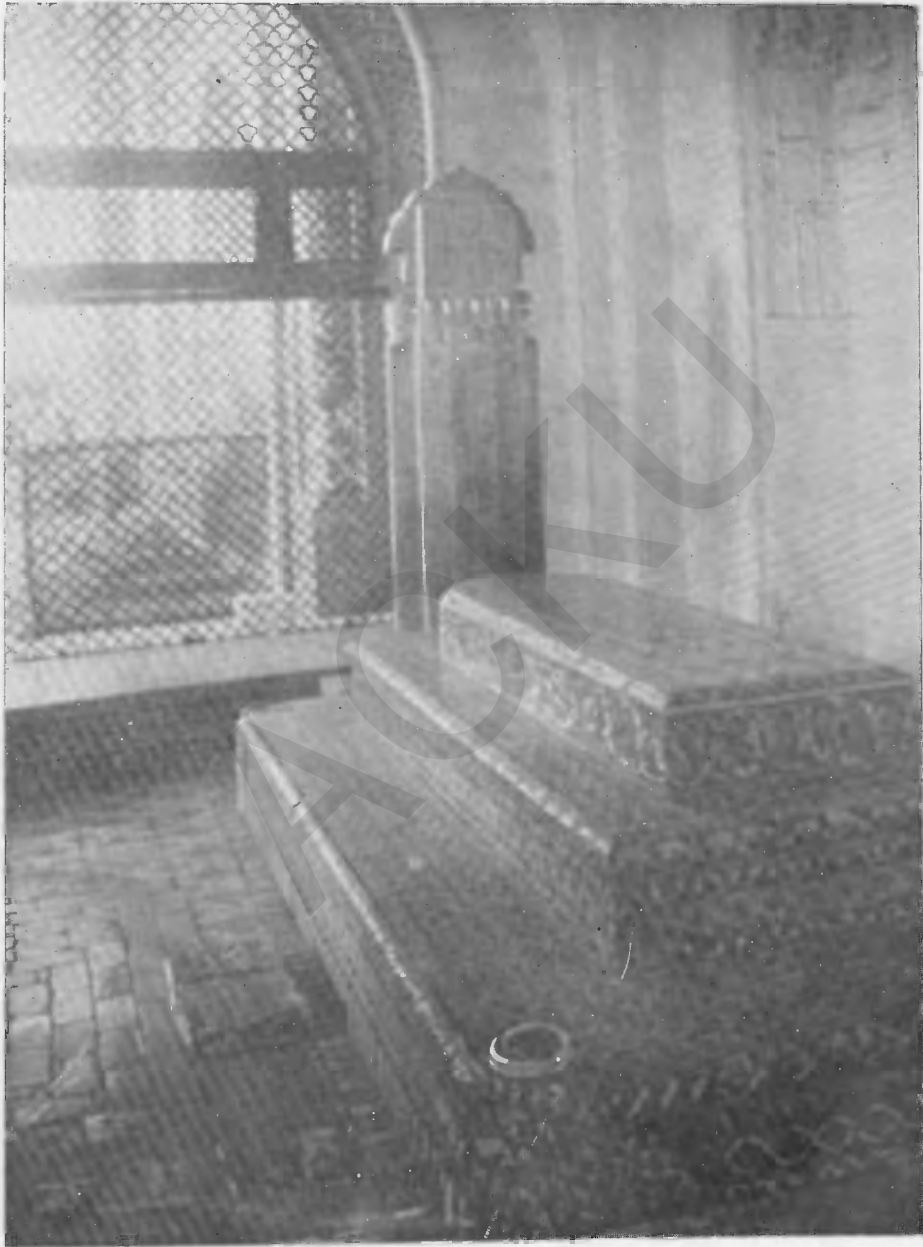
شاهی کورنی د بارک زود پانده خان اولاد د ه .

سلطنت د محمد زو :-

پس له انقضای سدوزرد و اتفاق د دوی سلطنت د بارک زود تهر محمد زو ته تکیه وکړ په دے وخت کښ چه
 خاندان د سدوزرد په نفاق اخته وه شهزاده کامران د شاه محمود نزی وزیر فتح خان بارک نزی په سترګو روڼدی کی وزیر
 وروپه چه په قول افغانستان کښ د دوی اعتبار پر ووه بر علیه د شاه محمود پورته سول او په سنه ۱۲۳۳ کښ ئی شاه
 محمود ، د هرات ولورته و شاره له بله خواه ئی شاه شجاع شکار پورته فرار کی په تیریک سره د محمد عظیم خان چه د وزیر فتح خان
 وروپه شاه ایوب د تیمور شاه نزی له سلطنته لاس واخیست په ۱۲۳۴ کښ شاه محمود او زوی ئی کامران له هرات نه

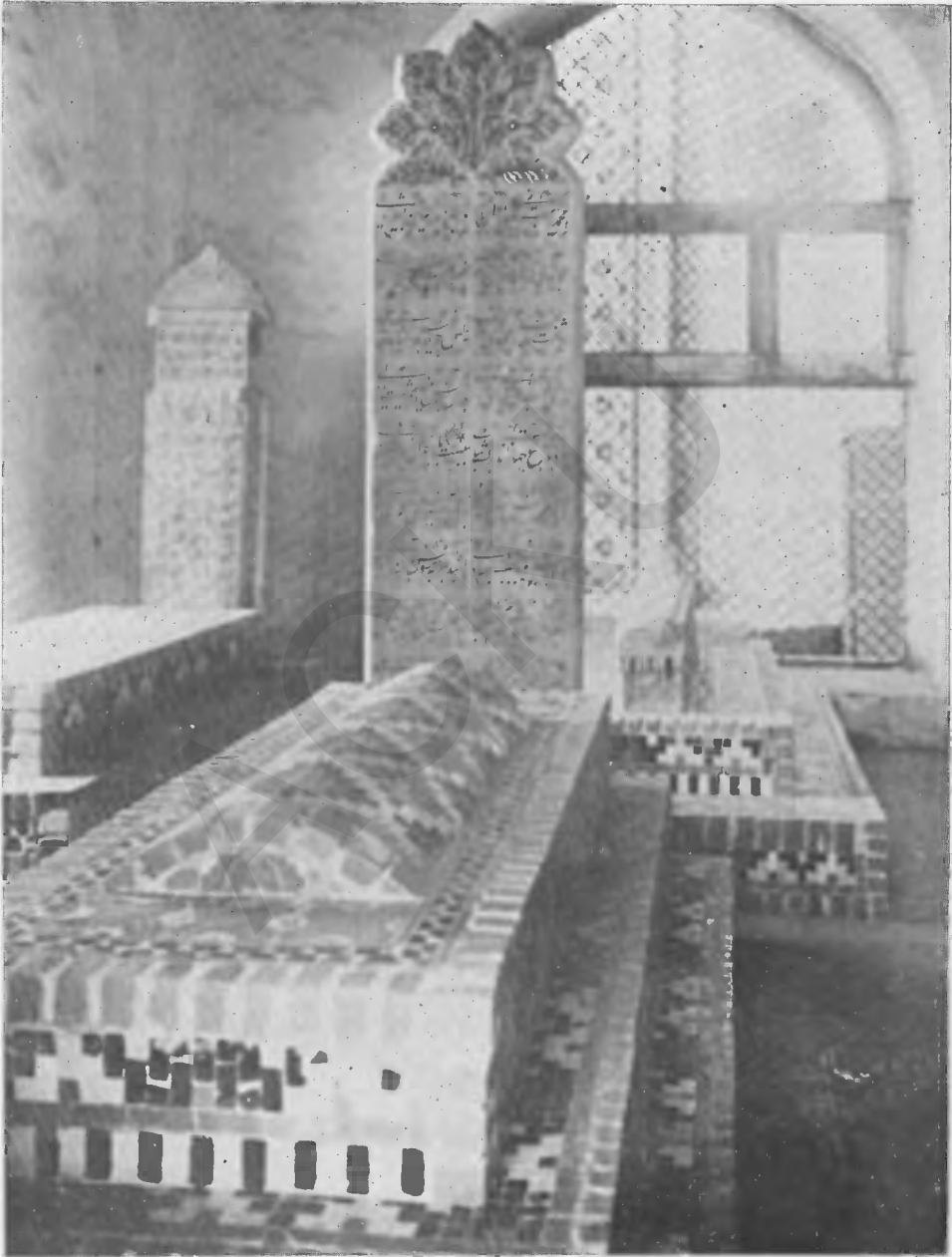
(۱) چوږدولو سلسله بیان شکل دی او شاید نور په زیمو هم نوی پیدا سووی چه ماته ندی معلومے تمام مقصد ادی چه نور ټبرونه په عمومی صورت سره او خاندان
 د شاهی په خصوصي صورت سره معلوم سی نویواجی د شاهی خاندان سلسله تعقیبے وکی .

از ابنیه تاریخی مزار شریف



مرقد اعلی حضرت امیر شیر علیخان در کوشه فریبی روضه مبارک
Le tombeau de l'Emir CHER ALI KHAN à MAZAR-I-CHERIF

از اشیاء تاریخی مزار شریف



مقبره وزیر اکبر خان غازی که بجانب غرب روضه مبارک واقع است
Le tombeau du grand défenseur d'Afghanistan au 19^e siècle.
VAZIR AKBAR KHAN le Ghazi à MAZAR-I-CHERIF

پوکا بل لیکر راؤست مکر د وزیر فتح خان و مرو نومات کرل اودوی خیل بجای اومسکن هرات کی له دے پسه تر ۱۲۷۹ هجری پورے اوه کسو پهرات کن حکومت رکی چه نومونئی دادی .

۱۲۷۶
شاه محمود ۱۲۳۴ - شاه کامران ۱۲۴۴ - وزیر بیا محمد خان الکوزی ۱۲۵۶ - سعید محمد خان د وزیر نرزی ۱۲۷۹
شهنزاده یوسف سدوزی ۱۲۷۲ - سردار سلطان احمد خان محمدزی ۱۲۷۳ - شهنوازخان د سلطان احمد خان نرزی ۱۲۷۹
پدے وخت کین مشهور جنگونه د فارس و افغانستان چه پد تارینجو کی مفصل بیان سوی سوه او ایرانیان پخپلو حملو کین ناکامه او مغلوب سوه به ۱۲۷۹ ه کین هرات امیر دوست محمد خان وینوه .

الحاصل دفعه خان و مرو نو پهریاست د سردار محمد عظیم خان اوسردار شیردخان قول افغانستان ئی پستانا دهرات او خراسان او پنجاب پد تصرف راؤست پس له مرگه د سردار شیرد خان په (۱۲۳۴ ه) کین د سنده میرانواعلان د خپل استقلال وکی او په افغانستان کین ملوک الطوائفی سوه تر یو ملوک مشهور سردار دوست محمد خان والی د کابل وشار پد خان والی د قندهار و پدے دوره کین پشاور، اټک، کشمیر له افغانستان نه بیل سول او رفحیت سنگه مسراج دلاهور پخپل تصرف کرل (۱۲۴۳ - ۱۲۴۴) په (۱۲۵۴ ه) کین د وزیر فتح خان و مرو سردار دوست محمد خان له پاره داداری توحید افغانستان پد صفت د پادشاه قبول کی مگر بوکال پس (۱۲۵۵ ه) شاه شجاع سه لارد و د انگریزانو داخل د افغانستان سو دوست محمد خان مات او بخارا تر ولای او په (۱۲۵۶ ه) کین انگریزانو ته تسلیم سو انگریزانو هندوستان تر ولیره مگر شاه شجاع او انگریزان په هغه تفصیل سره چه هر چا ته معلوم دی تیاره او بریاد سول او تر (۱۲۵۸ ه) پورے آثار د دوی پانے نو اما ولایت د سندا و ملتان، کشمیر، پشاور، اټک د پیره جات له افغانستان نه مجزا او بیل سوه (پدے جنگو کین وطن پرستی د افغانستان د ملت او کارنا دے دنیا غلومر قابل قدر او ابدی اسباب افتخار د افغانستان شمیرل کیری)

پس له ماتے شخه د انگریزانو، پد ممانه او شجاعت د وزیر الکبر خان غازی دوست محمد خان دوباره د افغانستان پادشاه سو مگر دلاهور او قندهار د معاهدے مواد اوسلب استقلال، لسیاسی حقوقو شخه امیر دوست محمد خان تصدیق او قبوله کوه .

د امیر شیرعلیخان پد زمان کین (۱۲۸۵ - ۱۲۹۶ ه) دوباره استقلال د افغانستان اعلان - مدارس و علوم ترویج اونوی تمدن په مملکت کین شروع سولے بیادویم جنگ د افغانستان او انگریزانو شروع سو (۱۲۹۶ - ۱۲۹۷ ه) دوباره سیاسی استقلال د افغانستان سلب اوشالکوت، فوشنج ترکوژکه او علاقه د کره تر غر و د جاجیوا و دیره د خیبر تر لندي کوتله له افغانستان نه بیل او داخل د هند انگلیسی سوه په سنه (۱۳۱۱ ه) کین سوله معاهدا توسره د دیورند چه امیر عبدالرحمن خان او انگریزانو په مابین کین منعقد سوی وه شرقی حدود د افغانستان او انگلیس معلوم سو علاقه د سوات، باجور، چترال، ارنوی، وزیری، دور، چاکی او چمن له افغانستان نه رسماً مجزا او پجد و کین د انگلیس دا خل سوه، پنجه رسوا نو تصرف کی، مگر عمده اوتاریخی کار چه پدے دوره کین وسو فتح د کافرستان چه اوس نورستان بلل کیری او مسلمان کیده د اهلای هغه خا دے دی په (۱۳۲۳ ه) کین هغه مواد دیورند د معاهدے امیر حبیب الله خان شهید قبول او تصدیق کره او هم پدے دوره (۱۳۱۹ - ۱۳۳۷ ه) کین مدارس او علوم جدید، اعصری تعمیرات، سړک، تیلیفون او ... په افغانستان کین رواج سول .

۱۳۳۷ھ کیں (دوره دامانیہ) افغانستان خپل سیاسی استقلال لاکي اودیریم جنک د افغانستان اوانگلیس واقع سو پد نتیجہ کیں استقلال د افغانستان انگیزانو قبول کی (مشهور فاتح قوماندان اوسپه سلاسر ددے جنک اعلیٰ حضرت محمد نادر شاه غازی وه) .

۱۳۴۷ھ کیں داخلی اغتشاشات پیدا سوہ اود سقاو زری جیب الله تحت وتاج د پادشاهی غصب کی شیرازہ دملت پرواسطه د نفاق سره وشلیده مگر په ۱۳۴۸ھ کیں نایاجی د افغانستان دملت (اعلیٰ حضرت محمد نادر شاه غازی) ورسیده اوقوه ئی د سقاو تارومار کړه اوملت ئی د نفاق نه خلاص کی او په اصرار د ملت ئی واگه د سلطنت پلاس کیں وینوه (ملت افغانستان ایشار اوفداکاری ددے بناغلی پادشاه چر په لاملت او وطن کیں ئی په دیر خطرناک وخت کی کړیہ تر ابدک ایره نکي)

اعلیٰ حضرت محمد نادر شاه غازی په ۱۶ د عقرب ۱۳۱۲ هـ ش = ۱۳۰۲ هـ ق په درجه د شهادت فائز اونیکی نوم ئی ابدی په تاریخ د افغانستان کیں پریښود .

اوس خلف الصدق د اعلیٰ حضرت شهید (اعلیٰ حضرت محمد ظاهر شاه ټولواک د افغانستان دی چمتول ملت دده په سلطنت کیں په راحت اوامنیت دی ، خدای ددے وکی چم ملت د افغانستان له برخلافی اونفاق نه چر ملام سببے نزال اوانحطاط دوی سوی لرے وی او په واسطه د علم او مدنیت او خپل فطری شجاعت ترسورے لاندے ددے جوانبخت پادشاه خپل تیر سوی عظمت اوشوکت دوباره حاصل کی .

نظري به تجارت افغانستان

بقلم جناب مير محمد صديق خان

د سال گذشته در ضمن مقاله بنام جغرافیای اقتصادی افغانستان معلومات مختصر خود را نسبت به اقتصادیات وطن عزیز بقرائین تقدیم و در پایان مقاله اظهار امید نموده بودم، که نویسندگان، و مخصوصاً آنانیکه بحیات اقتصادی این خاک علاقه و تماس دارند، این موضوع را تعقیب و تکمیل خواهند فرمود. زیرا به عقیده بنده برای ترقی هر قسمت از مسائل حیاتی يك مملکت قبل از همه خاطر نشان ساختن ارزش و اهمیت قسمت مذکور باطبقات جامعه لازمی است و اینک باسناد همین نظر به يك سلسله معلومات شخصی خود را که اجمال آن در مقاله گذشته آمده و در اینجا به تفصیل ذکر میشود. راجع بوضعیت تجارتي افغانستان و صادرات و واردات مهمه آن نشر داده امید وارم این دو مقاله بنده نویسندگان را بیش از پیش به این موضوع متوجه ساخته فوایدی که از تحقیقات ایشان بوطن عاید خواهد شد تا اندازه عذر نواقص مقالات بنده گردد.

د مير محمد صديق

افغانستان به عللیکه شرح آن از مسلك مقاله ما دور است، تازه در مراحل تمدن امروزه قدم میگذازد، و چون اقتصادیات هر قوم تا اندازه زیاد تحت تاثیر مدنیت آن تکامل می کند و وضعیت اقتصادی مملکت ما هم نسبت بمالك متدنه اروپا، و امریکاعقب بوده، در مرحله مخصوصی جریان دارد. مقصود ما چنان نیست که اقتصادیات افغانستان هنوز از مراحل ابتدائی چند قرن پیش قدم فرانگذاشته باشد، بالعکس اگر بتاريخ مملکت نظری انداخته شود معلوم می گردد که اقتصاد وطن ما با تحولات اجتماعی همقدم بوده یکجا تکامل کرده است، تنها چیزیکه در اینجا باید تذکر داد این است که وضعیت اقتصادی افغانستان، مخصوصاً در اثر تحولات مدنی اخیره بيك نقطه مخصوص و اصل شده که زیاده برزیاده جلب نظر نموده، اهمیت آن از نظر مختصری بتاريخچه اقتصادی چند سال اخیر و وطن بهتر معلوم می گردد.

تقریباً از یکقرن پیش، تا مرصه پنجاه سال افغانستان برای حفظ استقلال خود بيك سلسله جنگها و اتخاذ وسایل دفاعی مشغول بوده مجال آن پیدا نکرد که نظری بمسائل اقتصادی انداخته، در راه تطبیق آن بمقتضیات عصری اقداماتی کرده باشد، و گفته می توانیم که در طول این مدت اقتصادیات مملکت ما بهمان حالت نزول و اختناق که لازمه جنگها و افشاشات است باقی بود، تا اینکه در اثر يك سلسله واقعاتیکه هر کس در اوراق تاریخ ملاحظه کرده وضعیت مملکت ما فی الجمله آرام گردیده، امنیت داخلی آن تأمین شد، از این تاریخ به بعد افغانستان توانست نظری بحیات اقتصادی خود کرده، به اصلاح و رفع یاره احتیاجات خویش بپردازد. درعین حال وضعیت همسایه های ما که از نقطه نظر اقتصادی رابطه قریبی با ما دارند نیز سکون و انتظام یافته وضعیت اقتصادی بزرگی نمودند. در نتیجه تجارت افغانستان بصورت صحیح جریان پیدا کرده برای فروش مواد خام مشتری های

مهمی در خارج بدست آمد و بعضی قلمهای مهم از قبیل پوست ، پنبه ، پشم ، قالین ، میوه و غیره بخارج صادر شد و برای رفع احتیاجات ، مواد صنعتی لازمه توريد گردید . چندی بعد با اثر نژاديك شدن خطوط آهن خارجی و انتظام راهها و وسایل حمل و نقل داخلی ، تجارت افغانستان زیاد تر ترقی نموده --- میزان ثروت عمومی بالا رفت ، و بعضی قلم های دیگر که تا آنوقت از جهت اشکال هل و نقل صادر شده نمی توانست خارج گردید و در مقابل کارخانه جات و ماشین آلات مختلف ساخت اروپا خریداری شد . این وضعیت تا مو قع جنگ عمومی دوام داشت .

در سنه ۱۲۹۸ شمسی ، (۱۹۱۹ عیسوی) افغانستان استقلال تامه خود را حاصل کرده احتیاجات جدیدی روی کار آمده دامنه خریداری های خارج و سعت یافت در عین حال هم يك سلسله اصلاحات در شعب مختلفه مملکت عملی شده به بیداروار داخلی تاثیر انداخت و میزان صادرات بالا رفت . روی همرفته تجارت افغانستان دفتاً به بیانه زیادی ترقی کرد . لیکن چون احتیاجات مملکت روز بروز در تزايد و ترقی صادرات نسبت به آن محدود بوده خطر آن پیدا می شد که وضعیت تجارتنی متزلزل گشته میزان صادرات و واردات برهم خورد . و این خطر روز بروز کسب شدت کرده یگانه چاره که بآن مشاهده می گردید تشکیل سرمایه های ثابت (۱) در داخل مملکت بوده که يك قسمت احتیاجات را رفع نموده تزیید روز افزون واردات تخفیف یابد و در عین حال بعضی قلم های صادراتی که فروش آن بصورت ابله ائی در خارج مشکل بود ، در کارخانه های داخلی کار شده قابل استفاده بازار دنیا گردد ، و در میزان صادرات افزوده شود .

انقلاب ۱۳۰۷ - ۱۳۰۸ ضربه مد هشی به حیات اقتصادی افغانستان وارد آورده يك قسمت بزرگ سرمایه و ثروتهای خصوصی و عمومی در نتیجه اغتشاشات چند ماهه از بین رفت . بعد از رفع غائله انقلاب حکومت مقبوه ما

(۱) چون در اصطلاح مملکت ما کلمه سرمایه عموماً بمعنی ثروت تلقی شده است بهتر آن دیدیم که برای رفع سوء تفاهم مختصر شرحی در این موضوع بد هم :

سرمایه در اصطلاح علمای اقتصاد عبارت از جمیع ذخایر مادی است که افراد و ملل ذریه آن استحصال ثروت می کنند و آن بد و قسم میباشد سرمایه ثابت و سرمایه متداول - سرمایه ثابت عبارت است از ذخایر یکه بصورت بطبی و آهسته استهلاك شده متدرجاً تولید ثروت میکنند مثل فابریکهها ، بند ها و اراضی مزروعی و غیره و سرمایه متداول سرمایه هائی را می نامند که یک دفعه استهلاك گردیده در عوض آن يك مقد ر ثروت که عادتاً از اندازه ارزش اصلی سرمایه بلند تر است بوجود می آید . مثل مواد استهلاكیه فابریکه ها (زوغال سنگ ، چوب ، بطرول) تخم و یار و که در مزارع صرف میشود و غیره . پس فرق میان سرمایه ثابت و متداول آنست که اولی در عین استهلاك یعنی قبل از آنکه یکبارگی مستهلك گردد به ثروت تبدیل میشود و ازین جهت مورث يك ثروت دائمی بوده ضمانت محکمی برای حیات اقتصادی يك مملکت بشمار میرود ، بالعکس سرمایه های متداول که استحصال از آن ها ، موقوف به استهلاك قطعی اصل سرمایه است و در صورت بروز واقعات فوق العاده تجارت آن ها مشکل و بعضاً خطرناک می شود و علاوه بر این قسم سرمایه خاتمه پذیر بوده هر قدری که تولید ثروت می کنند همان قدر به انقراض نزدیک میشود . مثلاً زوغال سنگ ، زوغال مملکت بولند که يك سرمایه متداول است با آن اهمیت اقتصادی بزرگ خود در راه اتمام بود ، روزی خواهد رسید که بولند بنام ذوغال قطعاً استحصال ثروت کرده نتواند بالعکس سرمایه های ثابت آن مملکت از قبیل فابریکه ها و اراضی مزروعی و غیره تا روزیکه حیات این مملکت باشد باقی بوده در اثر تحولات عصری تکامل کرده می رود و ملت بولند همیشه از آن تحصیل ثروت خواهد کرد . از بیانات فوق اهمیت سرمایه های ثابت در حیات اقتصادی اقوام معلوم گردیده امید و آرزیم دیگر احتیاجی به بسط کلام درین موضوع باقی نمانده باشد .

ماراساً و فریمه بانک ملی بوسائل مهمی در راه تجدید و احیای اقتصادیات مملکت متشبث گردید و پس از یک سلسله اقدامات سکه افغانی را که بازر و اقامت ایام انقلاب و بحران اقتصادی بین المللی متزلزل گردیده بود تثبیت کرد. در همین حال برای تشکیل سرمایه های ثابت در داخل مملکت که قضیه اقتصادی حقیقی ما است، اجراءات بسیار جدی بعمل آمد، که ابعاد و اریم در آینده قریب نتایج مثبت آن ظاهر و موجب ترقی مزید اقتصادیات وطن گردد.

طوریکه از یانات فوق مستفاد میشود تجارت وارداتی افغانستان در حال حاضر (که عصر تشکیل سرمایه های ثابت و تکمیل استقلال اقتصادی مملکت است) دو جنبه داشته: واردات مملکت را با ساس آن می توان به دو شعبه بزرگ تقسیم کرد.

۱: ضروریات حیاتی از قبیل مواد موضوعه استهلاکیه و سرمایه های متداول مثل مواد پوشاک و اغورا که و سامان تجلی و غیره که اکثر آن را میتوان در مملکت دستیاب و یا قسمه از آن صرف نظر کرد.
دوم، مواد و سامانی که راساً رفع احتیاج نکرده برای تشکیل سرمایه های ثابت (که در آینده احتیاجات مملکت را تکمیل خواهد نمود) توريد می گردد مانند کارخانه چات و غیره. ترقی و حیات اقتصادی آینده وطن متقاضی است که جمیع افراد مملکت حتی المقدور جنبه اول را تخفیف داده تقویه و ترقی جنبه دوم را که مضامن اصلی حیات آینده این خاک است نمایند.

واردات عمده

۱: ماشین آلات:

الف، ماشین های بزرگ که بضر تشکیل فابریکه های حربی، نساجی و غیره توريد می شود، از آلمان، انگلستان، فرانسه، بلژیک، روسیه و چکوسلواکی و غیره.
ب، ماشین های دستی بمنثل ماشین خیاطی، جراب بافی و امثال آن، از ممالک فوق مختصراً آلمان و انگلستان، ساعت عموماً از سوئیس و باقی ممالک اروپا.
ج، آلات صنعتی دستی از قبیل اره، چکش، سوهان و غیره، از انگلستان، آلمان، هند، ممالک مختلف اروپا.

۲: فلزات خام:

طلا و نقره عموماً از امریکا، آهن، فولاد، مس، سرب و غیره از امریکا، آلمان، انگلستان، فرانسه، بلژیک و غیره.

۳: سامان تعمیرات:

آهن چادر از بلژیک، میل های آهنی از آلمان و انگلستان و حصه آهنجامه از آلمان و باقی ممالک اروپا، سمته از هند و جاپان و آلمان، بیل و کلند و غیره از هند.

۴: وسایل حمل و نقل:

موتور و موتور سایکل از امریکا، انگلستان، و آلمان و فرانسه و غیره، بایسکل از انگلستان، جاپان، آلمان کادی عموماً از هند.

۵: سامان مخابرات:

دستگاه تلفون از سوئیدن و آلمان و انگلستان، تلگراف از آلمان و غیره، رادیو از انگلستان و آلمان و فرانسه و روسیه، پایه و سیم و تلفون از آلمان و سوئیدن و باقی ممالک اروپا.

۶ : سامان حربی :

توپ و تفنگ از آلمان و فرانسه و بلژیک و باقی ممالک اروپا ، طیاره و پرزه جات آن از فرانسه و آلمان و روسیه و غیره ، مواد انفلاجه از آلمان و سویدن و فرانسه و غیره .

۷ : پارچه و ملبوسات :

الف : پارچه های نخ ، از جاپان (صحن کوره و جیم خاکی) از انگلستان (صحن سفید ، چیت ، جالی) از روسیه (سندوف) هند و غیره .

ب : ابریشم ، مصنوعی ، عموماً از جاپان ، بوری و تات از هند .

ج : پشمی از انگلستان (پارچه های خوب) و جاپان (متوسط) و کمی م از فرانسه و غیره .

د : ابریشمی از فرانسه ، چین ، انگلستان ، آنازونی و غیره . ملبوسات تیار از هند و کمی از اروپا .

۸ : سامان چرمی :

بوت و موزه از هند و انگلستان ، فرانسه ، چکوسلواکیه و غیره ، بکس از انگلستان و هند و باقی سامان چرمی عموماً از هند .

۹ : سامان شیشه و چینی :

چینی از انگلستان ، چین ، چکوسلواکی ، روسیه ، جاپان ، شیشه از انگلستان ، جرمنی ، جاپان و اطیش و غیره .

۱۰ : سامان مساله ثرور ابری .

عموماً از جاپان ، انگلستان و کمی از باقی ممالک .

۱۱ : سامان برق :

از جرمنی ، انگلستان ، آنازونی ، جاپان و کمی از هولاند و باقی ممالک .

۱۲ : کاغذ و لوازم طباعتی :

از آلمان ، انگلستان و هند و غیره .

۱۳ : سامان تدریس و کتب :

رنک و قلم از انگلستان و جاپان و جرمنی و غیره . کتاب از جیم ممالک .

۱۴ : گوگرد .

چون گوگرد کارخانه داخلی با احتیاجات مملکت تا هنوز کفایه نمی کنند سالانه یکمقدار کمی گوگرد از روسیه ، هند و سویدن توريد میشود .

۱۵ : بطرول و روغنیات هوتر :

بطرول عموماً از هند (برماشل کبئی) و روسیه و روغنیات هوتر عموماً از هند و برما توريد می شود .

۱۶ : تیل خاک :

که بهترین ، معروف توبرات و ولایات افغانی است از هند و روسیه .

۱۷ : ما کولات مختلفه :

از قبیل شیرینی ها (از هولاند ، روسیه ، انگلستان) میوه پسته ، از سایر ممالک اروپا ، ماهی و پنیر

و دیگر اطعمه از انگلستان و فرانسه و باقی ممالک اروپا و امریکا .

از مناظر قشنگ سیت جنوبی



سوک جدید خوست به حد مس کونل سروانی
Une vue de la nouvelle route GARDEZ-KHOST (Prov. du Sud)

از مناظر قدرتی سمت جنوبی



یک حصه جنگل به مان و تاه به حدود در پچیل جبران
Un maquit vierge dans la Province du Sud

۱۸: ادویه و سامان طبی و جراحی :

ادویه از انگلستان ، جرمنی ، فرانسه ، امریکا ، هند . سامان طبی و جراحی از انگلستان ، جرمنی ، فرانسه و دیگر مواد کیمیاوی از هند ، اروپا ، امریکا .

۱۹: اشیاء (نجملی) :

اگرچه روز بروز در اثر تفرقه گمراهی تقلیل می یابد باز هم در حال حاضر سالانه یکمقدار صابون ، پودر ، عطر و غیره از فرانسه ، انگلستان ، آلمان ، امریکا ، جاپان و غیره وارد می شود .

۲۰: سامان ورزش :

عموماً از انگلستان و هند و جاپان ، کمره و سامان حکامی از آلمان ، انگلستان ، فرانسه و غیره .

صادرات عمده

صادرات افغانستان بطور کلی از مواد خام و نیم خام تشکیل یافته از حیث تنوع و ثروت حاصلات و پیداوار مملکت در بازار دنیا اهمیت زیادی دارد ، علاوه بر آن چون افغانستان یک مملکت تاریخی صنعتی بوده سابقه اقتصادی درخشانی دارد ، بعضی اشیای صنعتی مملکت ما از حیث نفاست و شهرتی که در همه عالم دارد با وجود تحولات اخیر ، در بازارهای دنیا مشتریان خود را از دست نداده و بقیه مناسبی بفروش میرسد مثل قاپین و غیره . صادرات عمده افغانستان را می توان به دسته بزرگ تقسیم نمود :

حاصلات حیوانی :

پوست قره قلی ، مهم ترین و نفیس ترین محصولات افغانی بوده مراکز پرورش آن ناحیه شمالی افغانستان خصوصاً ولایت مزار و میمنه است ، افغانستان سالانه ۱۲ لک جلد پوست قره قلی بخارج ارسال میکند ، صورت صدور و فروش قره قلی قرار ذیل است :

در اوائل بهار که مو قزمانش گوسفند قره قلی است تجارت و شرکت های وطنی (که انحصار تجارت قره قلی با ایشان داده شده) خود و یا نماینده های ایشان در ولایت مزار و میمنه و باقی مراکز حصول قره قلی جمع شده ذریعه دلان وطنی و یا راستاً پوست را از مالداران خریداری میکنند و در مراکز تجارقی همان جاها بصورت ابتدائی آش داده بولک و یا بندلی کنند و بطرف کابل و از آنجا به پشاور برای نماینده های تجارقی معامله دار خود میفرستند . نمایند ها بعد کور در بیدل کمیشنی که اغلباً از فیصد سه تجاوز نمی کند مال را از صرفو تفریق بصورت مناسبتری بولک بندی نموده ذریعه شرکت های مخصوص قره قلی باریل مریم به بنادر بمبائی و یا کراچی و از آنجا به لندن میفرستند ، وقتیکه مال به بنادر انگلیسی واصل می شود شرکت مذکور که حمل و نقل آن را عهده دار است ، از بندر خلاص نموده بکدام خود یا بکدامیکه صاحب مال تعیین نموده باشد می رساند و بصورت مصارف خود را از درک کراهه حمل و نقل و بیمه و کراهه گدام و غیره بپردازد حق الزحمه خود بصاحب مال اطلاع می دهد .

درین اواخر نمایندگی تجارتی افغانستان در لندن (شعبه بانک ملی) پس از کوشش زیاد موفق شده است که بخارج فوق مخصوصاً حق الزحمه و کراهه گدام و بیمه شرکت ها را ز برنگرانی آورده زحمات بزرگی را که تجار افغانی در معامله و مذاکره با شرکت های حمل و نقل و بیلام لندن داشتند تا آنکه از آنجا زیاد تخفیف بخشید . است . لندن بازار بزرگ فروش قره قلی است و علاقه مند ان تمام عالم و مخصوصاً امریکا ، آلمانها ، فرانسه ها ، سوئد نی ها و ایتالیا بی ها و غیره در تیر ماه که موقم فروش بزرگ قره قلی است درین شهر حاضر میشوند ، تجارخانه های بزرگ و دلالاتیکه بحساب خود مال را خریداری و معامله می کنند نیز در آن جا است ، قره قلی عموماً بدو صورت فروش میگردد .

اول بصورت لیلام :

هریک از تجار نخانه ها و شرکت های فروش پوست دارای گدما های چندی است که حین وصول ، مال تجار افغانی معامله دار خود را در گدما های خود ترتیب نموده و قتیکه وضعیت بازار مناسب باشد موافقت صاحبها ل فروش آنرا اعلان می کنند . که در فلان تاریخ مال لیلام میشود و در اعلان های مذکور که عموماً بقسم کتابچه های چپایی به تجار و علاقه مندان تقسیم میگردد ، مقدار و جنسیت مال مفصل شرح داده میشود ، مشتریان و دلالتان خریدار باوقات معینه در گدما حاضر شده ، مال را بدقت ملاحظه و قیمتی را که خریدار با شنید تحریری بصاحب گدما می دهند . در تاریخ معین شرکت (در صورت حضور بهر امری صاحبها ل و یا نماینده افغانی) قیمت هائی را که از تجار گرفته است ملاحظه و مقابله کرده با هر کسبکه قیمت و شرایط بهتری پیشنهاد کرده باشند مذاکره و معامله می کنند .

دوم ذریعه دلالتان :

دلالتیکه در لندن به تجارت قره قلی اشتغال دارند عموماً دو نوع اشخاص اند ، اول دلالت های بزرگی که صاحب تجارت خانه و دفاتر مخصوص بوده از یکطرف با تجار افغانی و از طرف دیگر با مشتریان اروپائی و امریکائی تماس و معامله دائمی دارند . و قتیکه مال در لندن میرسد تجار و علاقه مندان بمالک مختلف بدلال های مذکور مکاتبه نموده جنس مطلوب خود را به ایشان فرمائش میدهند و مشار البهم با تجار افغانی مذاکره کرده مال را به مسئولیت خود خریدار و باخذ حق الزحمه کم و یا زیاد بخریدار میفرستند و این قسم دلالت ها که در حقیقت هم دلالت و هم خریدار گفته میشوند بحساب خود با تجار افغانی معامله می کنند . و علاوه بر دلالت های فوق یک تعداد دلالت های کوچک در لندن موجود است که مشتری ها را بگدما های قره قلی رهنائی کرده در انتخاب مال کمک می کنند و قتیکه بین بایم و مشتری موافقت حاصل و مال بفروش رسیده یک فیصد بنام حق الزحمه بایشان داده میشود .

این بود صورت فروش قره قلی که مهم ترین پیداوار افغانی است . آخرین اقدامات که از طرف حکومت راجه بانحصار تجارت آن به تنبیه افغانی و از طرف بانک ملی در راه تسهیل فروش و باز نمودن اعتبار بخریداران ، بعمل آمده تجارت این پیداوار مهم وطن مارا رونق تازه بخشیده است و امیدواریم در آینده هم ترقی نموده برود .

قالین :

قالین از پیداوار مهم و یکی از صنایع بسیار قدیم مملکت ما بشمار میرود . و صنعت قالین باقی بیشتر در ناحیه شمالی مملکت که پیشم باند از قالیگانی موجود است تمرکز دارد ، قالین افغانی در دوام و رنگ و نفاست خود بر قالین اکثر ممالک امتیاز داشته علاقه مندان زیاد در خارج دارد .

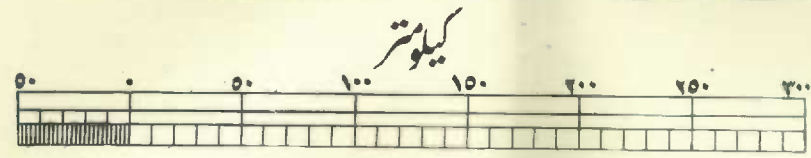
در حال حاضر بازار بزرگ فروش قالین افغانی هند وستان است لکن امید میرود پس از اصلاحات جدیدی که ذریعه مکتب صنایع (نفسه) کابل در رنگ ، بافت و خصوصاً ترتیب کلیها عملی میشود بیشتر نظر مشتریان خارجی را جلب نموده صادرات آن زیاد تر ترقی یابد .

مهمترین اقدامی که درین او اواخر برای حفظ صنعت قالین باقی داخل بعمل آمده است ، منم ورود قالین های خارجی است که در سنه ۱۳۱۳ اعلان شده نتایج ابتدائی آن در ترقی پیداوار افغانستان امیدبخشا است .

پشم :

افغانستان دارای رمه های کوسفند بزرگی است که یکمقدار کافی پشم از آنها بدست می آید و قسمت مهم آن از راه قندهار (پشم کاکری و غلجائی) و هرات و کابل بخارج صادر میشود و بقیه در کارخانه های پشمینه باقی جدید و یا صنایع بومی مثل قالین و نمک و کرک و غیره مصرف میشود . تجارت پشم افغانستان در حال حاضر باهند ، و پس از آن با شوروی و غیره است و رونق خوبی دارد امید میرود قتیکه مواظبت و مطلق نظر

افغانستان



این نقشه برای نشان دادن کوهستان و خطوط سرکها
و بند ترتیب یافته در تجدید و سرحدی با مالک پنج اقبال اعتبار
نمیشد

Cette Carte indiquant
les Principaux Massifs,
les Routes et les Barra-
ges d'Afghanistan ne ga-
rantit pas l'exactitude
du tracé des Frontières



علامات مخصوصه

note

- سرکهاییکه از برج جوزا تا اخیر حوت ۱۳۱۴ ساخته
شده
 ROUTES CONSTRUITES
ENTRE JUILLET 1935 ET
MARS 1936
- ترمیم و پنجه کاری سرکها که در سال ۱۳۱۴ پنجه کاری شده
 ROUTES RESTAURÉES
ENTRE JUILLET 1935 ET
MARS 1936
- سرکهای سابقه تا برج جوزای ۱۳۱۴
 ROUTES ANCIENNES
(CONSTRUITES AVANT
LA DATE SUS-MENTION-
NÉE)
- بندها
 BARRAGES
- خط تقسیم ولایات داخلی
 LIGNES SÉPARANT LES
PROVINCES

صحيح در شست و شوی و باربندی آن بعمل آید ترقی مهم مشاهده گردیده مشتریان جدیدی بدست آید. پوست بزی و گوسفندی و چرم، سالانه یکمقدار پوست بز و گوسفند و علاو تأیك اندازه چرم گا و بخارج و مخصوصاً بهندوستان صادر و بقیمت مناسبی فروخته میشود. یکمقدار پوست بره نئ م سالانه از کابل و غزنی مخصوصاً با ایران فرستاده میشود.

پوست حیوانات وحشی، افغانستان دارای حیوانات وحشی زیاد است که سالانه یکمقدار پوست آنها بخارج فرستاده میشود بازار بزرگ فروش آن لندن و بمانند قره قلی ذریعۀ دلالان فروخته میشود. مهم ترین اجناس پوست حیوانات وحشی افغانستان رو باه، خفک، پلنگک، موش دشتی، گرگه و غیره است. روده، تجارت روده از چند سال با بنظر طرف بوجود آمده، در حال حاضر تمام پیدوار افغانستان بخارج صادر و بقیمت مناسبی در ممالک مختلف بفروش میرسد.

علاوه بر مودا فوق که محصولات حیوانی عمده است سالانه یکمقدار کافیشاخ، استخوان، موی اسپ و پت و بعضی منسوجات پشمی و مفروشات (کُرک، برک، پتو، کلیم و غیره) بخارج روانه شده بفروش میرسد. حاصلات نباتی:

پنبه: افغانستان از نقطه نظر آب و هوا و ساختمان طبیعی برای زراعت پنبه بسیار مساعد است. اما در چند سال اخیر تجارت پنبه افغانی با تر رقابتشهای خارجی صدمه های بزرگی دیده ممکن بود از بین برود تا اینکه در دو سه سال اخیر توجه مخصوصی درین قسمت شده نقشه بزرگی برای توسعه زراعت و صادرات پنبه طرح گردید، و یکمقدار مکنی تخم پنبه های خارجی که در بازار امروز خریدار زیاد دارد تور پدشد و امید است صادرات پنبه افغانستان ترقی کرده برود. در حال حاضر سالانه یکمقدار پنبه بهند و روسیه صادر میشود.

چوب:

سالانه یکمقدار چوب ارچه و غیره برای تعمیر و مچین چوب درختهای مختلف برای سوخت از افغانستان بخارج و مخصوصاً بهند فرستاده میشود.

شیر خشک:

از مهران و بعضی نقاط دیگر بهند و ایران و غیره صادر میگردد.

میوه:

تقریباً تمام انواع میوه افغانستان - کم و بیش - بصورت خشک و تازه بمالک خارج صادر میشود، اما تجارت میوه افغانستان تا سال های اخیر بدست تجار خارجی بود، چون تجار مذکور به غیر از مفاد شخصی خود به ترقی تجارت مملکت ما علاقه نداشتند برای اصلاح و عرضه نمودن میوه افغانی بخارج چنانچه بایست اقداماتی بعمل نیامده بود. درین اواخر دست تجارت خارجی ازین قسمت کوتاه گردیده، چون اصلاح تجارت صادراتی ذریعۀ اقدامات انفرادی اشکال زیاد دارد شرکت هائی برای تجارت صادراتی میوه تشکیل شد، مهم ترین میوه های افغانی که بخارج صادر میشود این هاست:

میوه تازه:

انگور: تمام اقسام انگور افغانی بخارج فرستاده شده بقیمت خوبی فروخته میشود. مراکز بزرگ پیدوار انگور، کابل، قندهار و بازار استهلاك عمده آن هند است.

انار : از قندهار و سمت مشرقی کابل عموماً بهند فرستاده میشود .

خر بوزه : عموماً از کابل و قندهار صادر میشود ، سیب ، ناک ، بهی ، زرد آلو و غیره میوه جات تازه م
از همین نقاط بخارج ارسال شده بقیمت مناسب بفروش میرسد .

میوه خشک : کشمش ، افغانستان مقدار زیادی کشمش پیداوار دارد که عموماً بخارج صادر می گردد و کشمش
افغانی از حیث تنوع انگور و طرز خشک نمودن اقسام زیاد داشته مهمترین آن آبیچوش ، کشمش سبز ، منقه و غیره است
که عموماً در هند استهلاك میشود ، عنقریب بر اثر توجهات حکومت صادرات کشمش راساً بارویا شروع خواهد شد .
پسته : از حاصلات مهم افغانستان بوده ، در ممالک عالم مشتریان زیاد دارد و بکمقدار زیاد پسته سالانه بهند
و اروپا و امریکا فرستاده شده بقیمت مناسب بفروش میرسد .

بادام : از کابل و قندهار و باقی نقاط هند و غیره ممالک صادر میشود - باقی میوه های خشک افغانستان مانند جلغوزه
چهار مغز ، خسته ، انجیر ، آلو بخارا ، توت ، شکر پاره و همچنین بکمقدار مناسب ماش ، قروت ، باقلا ، خشخاش ، تنباکو
کاکی ، هنگه ، سمارق و رواس و غیره بمالک مختلف خارج مخصوصاً بهند و روسیه و ایران و غیره بفروش میرسد .
مواد معدنی :

مواد معدنی مهم افغانستان که بقسم خام و نیم خام بخارج فرستاده میشود عبارت است از سنگ شاه مقصود
و سنگ سر سر و رخام و غیره و سنگ ابریشم و سنگ آسبائی و باقی بعضی قلیات جزئی ، همچنین برای صادرات
سنگ لاجورد و ابرک اقداماتی بعمل آمده که امید است عنقریب نتایج آن ظاهر شود .

اقدامات نو در توسعه صادرات :

برای تنظیم و توسعه صادرات افغانستان حکومت و بانک ملی داخل یک سلسله اقدامات کرده است
که تا اندازه زیاد امید بخشا بوده مختصر آنرا در ذیل تقدیم میداریم :

تشکیل شرکت های جدید :

طبیعی است که برای ترقی تجارت یک مملکت قبل از همه تمرکز سرمایه داخلی آن ضروری است اما
از آنجا که تجارت باخریداران اصلی یعنی راساً بمالک اروپا و امریکا نبوده اکثر تجار آن بلدیت نداشت ،
و چون هر اقدام تجارتي در ابتداء از حیث عدم معرفت مشتریان از حال همدیگر و رقابت کارکنان سابقه
یک سلسله اشکالات برمیخورد که حل آن بدون یک مرکز تجارتي و اعتبار و انتظام صحیح ممکن نیست
بانک ملی که معروف ترین موسسات افغانی در خارج میباشند وظیفه انتظام صادرات جدید را بعهده گرفته
از بدو تشکیل خود در راه بدست آوردن مشتری ها و خریداران مناسبی برای پیداوار افغانی در خارج
و معرفی نمودن تجار ما بامعامله داران اروپا و داخل یک سلسله اقدامات شد و بالاخره بازارهای مناسبی برای
فروش و استهلاك اکثر حاصلات مهمه افغانستان پیدا کرد ، لکن چنانچه در فوق ذکر نمودیم تجارت
صادراتی مستلزم سرمایه های بزرگ بوده سرمایه شخصی هر تاجر از عهده آن برآمده نمی تواند ،
یا به عبارت دیگر توسعه صادرات بدون تمرکز سرمایه امکان پذیر نیست همان بود که حکومت و ملت بآن
قسمت متوجه شده در سنه ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ چندین شرکت در کابل و قندهار و سایر اهرات برای صادرات
مهمه افغانستان تشکیل کرد بد که مهمترین آنها را در ذیل ملاحظه میفرمائید :

در کابل شش شرکت برای صادرات قهوه کالی بسرمایه مجموعی ۴ میلیون افغانی - در قندهار یک شرکت بزرگ
بنام شرکت پشتون برای صادرات میوه تازه و خشک بسرمایه (یکمیلیون) افغانی - در هرات یک شرکت برای

صادرات پشم و پنبه بسر مایه (۱۰) ملیون افغانی - در مزار شریف، يك شركت بزرگه بنام اتحادیه شمالی برای صادرات پشم و قره کلی و پنبه بسر مایه (۱۰) ملیون افغانی .
 بقرار تجربه که از اقدامات اخیر بدست آمده معلوم میشود که درین موقع از پیداوار افغانی چیزیکه در درجه اول جلب نظر نموده توسعه تجارت صادراتی آن امکان پذیر میباشد، (به استثنای پوست قره کلی که صادرات آن سالانه به يك بیانه منظم تقریباً نوزده فیصد در افزایش است) پشم، پنبه، میوه خشک و تازه و غیره است .
 پشم، مراکز عمده پیداوار پشم در افغانستان دو نقطه است :
 اول، قلات خلیجائی و قندهار .

دوم، حاشیه شمال مغرب افغانستان از مزار شریف الی اندخوی، میهنه، هرات .
 يك قسمت پشم کاکری از راه قندهار به هند صادر میشود، با وجود عدم مواظبت و شست و شو و باربندی آن روسیه صادر نموده است، و امیدواریم باقی تجار هم به این قسمت متوجه گردند .

پشم ترکی بشال مملکت قسماً صرف ساختن قالین، کرک و غیره شده بقیه بصورت منظم صادر میشود .
 در سنه ۱۳۱۴ شرکت اتحادیه شمالی در مزار، و يك شركت در هرات تشکیل و از مواد اساسی پر و گرام آنها یکی توسعه صادرات پشم است - امیدواریم که اقدامات ایشان در آینده قریبی به نتایج خوبی برسد .

پنبه، از هر سه چند سال با بنظر طرف در تجارت پنبه افغانی صدمه بزرگی وارد شده، از دیک بود صادرات این پیداوار مهم از بین برود . بانکه ملی انتظام صادرات پنبه را به عهد گرفته در سنه ۱۳۱۳ راضی زراعتی آنرا در چنانسور وسعت داد، و در سنه ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ یکمقدار تخم پنبه امریکائی و مصری را توريد و درین دهه قین ولایات شمالی تقسیم نموده امید که در اثر این اقدامات حاصلات سنه ۱۳۱۵ از حیث کبیت و کیفیت نسبت به سال های گذشته بهتر باشد و در همین حال چون توسعه حاصلات پنبه نمری داده نمی تواند مگر آنکه صادرات آنهم در همین حال وسعت پیدا کند، بانکه ملی يك قرار دادی با دوائر تجارتنی روسیه برای فروش يك مقدار پنبه (که حداقل آن دوازده ملیون تن خواهد بود) در سال های سنه ۱۳۱۵ و ۱۶ و ۱۷ تحت مذاکره گرفته است .

میوه خشک تازه :

برای انتظام صادرات میوه قندهار (که مهمترین مرکز حاصلات میوه است) دو سال قبل شرکتي بنام شرکت یشتون به سرمایه یکنیم ملیون افغانی تاسیس و انحصار صادرات میوه خشک باو تفویض شده بود . شرکت مذکور در اوایل ۱۳۱۳ شروع بکار و دست خارجی را از تجارت میوه قندهار کوتاه نمود . در ۱۳۱۴ نایل موفقیت بزرگه شده قیمت میوه خشک صد فیصد ترقی کرده، علاوه بر شرکت مذکور برای آنکه راساً پیداوار افغانی بالای مشتریان خارجی بفروش برسد داخل يك سلسله اقدامات برای يك نمودن و اصلاح باربندی میوه خشک گردیده و هم کارخانه مکمل برای حفظ میوه تازه تهیه دیده است و متخصصین خارجی برای این کار استخدام نموده و امید است که عنقریب اقدامات مذکور در صادرات میوه افغانی تاثیر خوبی انداخته نتایج آن ظاهر شود .
 برای انتظام صادرات میوه کابل هم اقدامات قابل قدری از طرف وزارت تجارت بعمل آمده يك شرکت صادرات میوه در کابل در شرف تشکیل شدن است .

این بود مختصر تاریخچه تجارت افغانستان و اقلام عمده صادرات و واردات و مراکز پیداوار اموال افغانی که در ذیل آن از اقدامات اخیر که حکومت متبوعه ما و مراکز اقتصادی مملکت در راه ترقی دادن تجارت و حیات اقتصادی مرد دست اجرا گرفته اند اجلاً ذکر رفت، تمام این نشریات خواننده را ایقان میدهد که اقتصادیات ملی داخل مرحله جدید عصری شده و شکر رضائیت بخشی بخود در گرفته است که آینده را خیلی درخشان نشان می دهد .
 « میرمحمد صدیقی »

مطبوعات و وطن

جرائد و مجلات حاضره

اسم	سال تاسيس	مدیر
جریده اتحاد مشرقی	۱۲۹۸ شمسی	جناب شمس الدین خان قلعتکی .
د اتفاق اسلام هرات	۱۲۹۹	د میر محمد عثمان خان .
د طلوع افغان قندهار	۱۳۰۰	د عبدالحی خان حبیبی .
د بیدار مزار شریف	۱۳۰۰	د عبدالصمد خان جاهد .
د اتحاد خان آباد	۱۳۰۰	د سید محمد خان .
د انیس کابل	۱۳۰۶	د محمد امین خان خوکیالی .
د اصلاح	۱۳۰۸	د بهان الدین خان کشککی .
د مجله اردوی افغان	۱۳۰۰	د سید محمد اکبر خان .
د آئینه عرفان کابل	۱۳۰۳	د هاشم خان شائق .
د صحیبه کابل	۱۳۰۶	د عبد الرشید خان لطیفی .
د حی علی الفلاح کابل	۱۳۰۹	د عبد الکریم خان .
د اقتصاد کابل	۱۳۱۰	د محمد زما ن خان زه کی .
د کابل	۱۳۱۰	د تحت نظر انجمن ادبی کابل .
د پشتو کابل	۱۳۱۱	د پشتو .
د ادبی هرات	۱۳۱۱	د هرات .
د بلدیة هرات	۱۳۱۱	د جناب عبد الله خان احراری .



کورڈپلوماتیک مقیم دربار کابل

سفارت کبرای اتحاد جماہر اشتراکیہ شورائیہ :

سفیر کبیر :

سرکاتب اول شارژہ دافر : جناب سیدچرف سرکی ایوانویج

آئشہ نظامی » بینی دکتوف

آئشہ » المازوف

دکتور » اواتیسوف کای کاس اندریویچ

سفارت کبرای دولت جمهوریه ترکیہ :

سفیر کبیر عالیقدر جلالتمآب مدوح شوکت

مستشار جناب وهبی لبیب

دکتور » فواد

زجان آقای عباس

سفارت کبرای دولت شهنشاهی ایران :

سفیر کبیر عالیقدر جلالتمآب علی اکبر خان بہمن

سرکاتب وعہدہ دارمستشار جناب شایان

آئشہ آقای حکیمی

وزارت مختاری دولت جمهوریه المان :

وزیر مختار عالیقدر جلالتمآب دکتور کورت تسکی

آئشہ آقای کورل

وزارت مختاری دولت شهنشاهی جاپان :

وزیر مختار عالیقدر جلالتآب کیتادا

کاتب جناب ساشیو تو یوهارا

دفتر دار آقای نوبو توشی اسا کورا

دکتور « هیجی ایها کاورا »

وزارت مختاری دولت شاهی ایتالیا :

وزیر مختار عالیقدر جلالتآب یوگوسیتا

کاتب زرجان آقای مونت فورت

پیش نماز « کاسپای »

وزارت مختاری دولت جمهوریة فرانسه :

وزیر مختار عالیقدر جلالتآب رونه دولو

کاتب آقای بونو

وزارت مختاری دولت شاهی بریطانیا :

وزیر مختار عالیقدر جلالتآب لفتننت کولونل فریزرتلر

مستشار جناب میجرهی

آشنه نظامی « آ - ف - لن کاستر »

دکتور آقای کپتن فارل

کاتب « کیلوی »

کاتب شرقی « خان بهادر سکندر خان »

وزارت مختاری دولت جماهیر متحده امریکا :

وزیر مختار عالیقدر جلالتآب ولیم اچ هارنی بروک

وزارت مختاری دولت شاهی حجاز :

وزیر مختار عالیقدر جلالتآب عبد الملك حمزه بیگ

رجال مهمی که در سال ۱۳۱۴ فوت شده اند (انالله وانا الیه راجعون)



جناب عالی مردار عبدالمزیز خان

جناب عالی مردار عبدالمزیز خان و والد آجدع، ج مردار عبدالحسین خان سفیر کبیر اعلی حضرت در مسکو که یکی از رجال کار دان و خدمتکار صادق وطن بوده رتبه های وزارت مختاری طهران و روما و معینی وزارت خارجه را طی کرده بودند و روز یکشنبه ۴ جوزا بهر ۶۸ سالگی بر سمت ایزدی بیوستند.



جناب مردار محمد سرور خان مامای جناب عالی قدر جلالتمآب و الاحضرت صدر اعظم صاحب عضو مجلس عالی اعیان که از رجال معروف و صادق مملکت بودند در جلال آباد بتاریخ ۲۰ حوت بسن ۶۲ سالگی وفات یافتند.



فضائل همراه قاضی عبدالله خان رئیس شعبه تمیز مجلس عالی اعیان که یکی از رجال صالح مملکت بودند در ۲۱ جدی فوت شدند.

قسمت دوم

مقالات مختلفه تاريخى و علمى

وفنى و معلومات سودمند

و گذارشات يكساله دنيا

بقلم جناب عبدالفقور خان
مترجم انجمن



تاریخچه مختصر افریقا

نظر عمومی

از آنجا که تاریخ با جغرافیا، همیشه در تماس است که اگر ذکری از تاریخ رود، ناگزیر بای جغرافیا به میان می آید، بنابراین نامناسب ندیدم قبل از نگارش تاریخچه افریقا، برای سهولت فهم و قایم، شمه از اطلاعات جغرافیائی آنرا تذکر دم.

افریقا نام بر اعظمی است که بزرگترین از سه بارزه جنوبی قطعه بزرگ خشکه بوده و بواسطه خاکناهی سوز که ۸۰ میل و طول دارد، با بر اعظم آسیا اتصال یافته است. طول افریقا از گوشه شمالی آن یعنی از راس بن صفا (قدری بطرف مغرب کیب بلانک به عرض البلد ۲۷ درجه و ۲۱ دقیقه شمال) تا به منتهای جنوبی یعنی کیب آکلهاس (عرض البلد ۳۴ درجه و ۵۱ دقیقه و ۱۵ ثانیه جنوب) تقریباً ۵۰۰۰ میل - و عرض آن از غرب بشرق، یعنی از کیب ورد (عرض البلد ۱۷ درجه و ۳۳ دقیقه و ۲۱ ثانیه مغرب) تا راس هافن (به عرض البلد ۱۵ درجه و ۲۷ دقیقه و ۵۲ ثانیه مشرق) تخمیناً ۴۶۰۰ میل می باشد. مساحت آن قریب ۱۱۲۶۲۰۰۰ مربع میل یا زیاده از سه برابر مساحت اروپا است.

خط ساحلی افریقا متعدد الشکل و تقریباً بدون شکسته می بود و ۱۶۱۰۰ میل طول دارد - جزائر آن کم و باستانی مدغاسکر مابقی کوچک اند، از انجمله است، مادیرا - جزائر کیتری - جزائر دماغه ورد - فرناندویو برنسیپ - ساوتومی - اسپینشن - سینت هلینا - ماریشس - ری یونین - جزائر کومورو - و سواکوترا.

داخله خاک افریقا عبارت است از یک سلسله سطوح و سیمه مرتفع - فلات جنوبی اوسطاً ۳۵۰۰ فوت، و فلات شمالی تقریباً ۱۸۰۰ فوت از سطح بحر ارتفاع دارد. دور ادور افریقا (که فاصله زیادی از بحر ندارد) یا به

از جناب فاضل غلام جیلانی خان جلالی که تاریخ مصر و مراکش را درین تاریخچه نگاشته است تشکر میکنم «عبدالفقور»

عبارة دیگر، عوازی خط ساحلی، سلاسل جبال یازمین های مرتفع وجود داشته وکناره های خارجی فلات داخلی را تشکیل میدهند. میادین مرتفعه افریقای شرقی، بواسطه وادیها انقسام پذیرفته است.

ساختمان طبقات الارضی آن متحدالشکل و باستثنای قسمت جنوب شرقی، هموار بوده وچین خوردگی ندارد رشته جبال اطلس (ارتفاع بلندترین قله آن ۱۰۰۰۰ فت) سطح مرتفع صحرای اعظم را احاطه کرده است. در خط استوا یا فریب با آن چندین قله جبال (که بعضی آن آنشفشا نهایی خاموش میباشد) در بالای خط بر فکیرو قوع دارند. از انجمله قله «کلینا بحارو» ۱۹۷۰۰ فت، و قله «کینیا» ۱۷۰۰۰ فت و قله «روینزوری» ۱۶۸۰۰ فت ارتفاع دارد. در فریقای غربی صحرای آنشفشانی کیمپرون با ارتفاع ۱۳۳۰۰ فت، و در افریقای جنوب شرقی، سلسله جبال دراکنز برک، با ارتفاع ۱۰۸۰۰ فت واقع است. صحرای کلاهاری در جنوب مغرب افتاده است.

از دریا های مشهور آن، نیل در بحر مدیترانه - زاویزی و لیبو یو در بحر هند، آرنج، کانگو، نایجر، کبیا، و سبئی گال در بحر اطلس میریزند.

باحوضه های دریای نیل و کانگو و زاویزی، یک سلسله غدیرها ارتباط دارد که مشتمل است بر غدیر وکتوریا، تانگانیکا، و بر و بانگو یلو، و نیاسا. غدیر چاد در سودان مرکزی افتاده است. تقریباً ۷۰ فیصد خاک افریقا صحرا و جلگه های گیاه دار است. جنگل بزرگ و غلوی افریقا در ناحیه استوایی از سیرالیون تا حوضه کانگو و سمت دارد.

نباتات در کوه های اطلس و کبیب باقسام مختلف پیدا میشود، پنبه، نیل، تمباکو، و غله چات در مصر و سودان - قهوه در شمالی لینه، کینیا و لایبیریا - نیل، خرما و زرا در مناطقی جنگلی بدست می آید.

حیوانات آن مشتمل است بر، شیر، بلنگه خالدار، بلنگه راهدار، کور کاو، شغال، فیل، کرگدن، زرافه، اسب بحری، سوسمار، کوزن، آهو، بوزینه، کوره خر - شتر مخصوص صحرای شمال و شتر مرغ از جنوب است.

از معروفترین طیور آن، شتر مرغ، مار خور، کوکو، لکه لکه، و مرغ موسوم به «گینی» است؛ خزندگان آن شامل، سوسمار، بو قلمون و مارهای مختلفه بی زهر و زهر دار است.

از جمله حشرات آن، ملخ، گزدم، پشه موسوم به تسوتسی (که برای مواش مهلك است) و پشه معمولی است. از مدهیات مشهور افریقا، طلا در دریا های افریقای غربی و افریقای جنوبی و اکثراً در ترانسوال پیدا میشود. الیاس درین سالها به تعداد زیاد در جنوب یافت شده است - آهن، مس، مرمر، قلم، و ذغال سنگ نیز پیدا میشود.

اقلیم آن در شمال و جنوب، تحت الحاره است (افریقای جنوبی اغلباً معتدل میباشد) - باران در حوضه کانگو و سودان به کثرت میبارد، اما در صحرای اعظم و صحرای کلاهاری امروز تقریباً معدوم است.

نفوس افریقا تقریباً ۱۴۳ ۰۰۰ ۰۰۰ نفر بوده و سه گروه بزرگ منقسم است:

۱ - حامی ها، در افریقای شمالی و مشتمل اند بر، بربرها - سومالی ها - نویه ها - و کالاهان.

تاریخچه مختصر افریقا

۲ - سامیها: (اخلاف مهاجرین آسیائی) که از آنجمله اعراب اند - در شمال، و عمدتاً در مصر سکونت دارند.

۳ - زنگیها که در افریقای جنوبی و سودان متوطن بوده و عبارت اند از اقوام: بانتوها (بشمولیت زولوکارها) - هانتانتها (بشمولیت ناماگوا) - زنگیهای سودانی (سینی گبیا و گنی علیا) و یگمیها - در مدغاسکر ملایائیها سکونت دارند. در افریقا تقریباً ۳۰۰۰۰۰ نفر سفید پوست است که اکثرآ در جنوب رهانش دارند.

قسمت اعظم نفوس افریقا غیر اهل کتاب است. اسلام قسمت بزرگ ساکنین افریقای شمالی را تشکیل میدهد و در سودان بسرعت روزه انتشار است. عیسویت فقط در بین قبطیها، اهالی حبشه و باشندگان مدغاسکر شیوع دارد.



اینک پس از آنکه مختصری از کیفیات جغرافیائی افریقا تذکر رفت، بشرح تاریخچه مختصر افریقا آغاز میکنیم:

تاریخ قدیم این براعظم پر اسرار، با اندازه مبهم و بیانات مقدماتی راجع به آن، بقدری عجیب و غریب است که نمیتوان اعتدای بدان قایل شد و در عین حال، تذکار آن درین وجیزه گنجایش ندارد بنابراین ما فقط تاریخ روشن این قاره را اولاً ببحث عمومی مورد تذکر فرار میدهیم تا اطلاعات عمومی راجعه بان بدست آید، بعد از آن بذکر تاریخچه انفرادی هر مملکت میپردازیم.

کلمه افریقا: لفظ « افریقا » را ابتدا رومیها از لسان بومی این قطعه اقتباس کردند - در ادبیات لاتین این کلمه را اولین بار « اینیوس » شاعر، در ضمن بیان از خاک قرطجه و کوههای شرق اطلس، استعمال نموده است. افریقا در نظر رومیها مملکتی بود که قبایل بزرگ بربر و نومبیا که « افاریق » یا « افاریک » نامیده میشدند، در آن سکنا داشتند. بعضی را عقیده برین است که افریقا نام قبیله بزرگ بربر موسوم به آوریفا Aourigha یا افاریکا Afarica است که در زمان قدیم، عنصر بومی امپراطوری قرطجه بوده امروز بنام « آوراغه » یاد میشوند. یونانیها افریقا را لیبیا میخواندند. نام افریقا در ابتدا به منطقه واقع در همسایه کی قرطجه (در تاریخ تونسیه می آید) اطلاق میشد - بعدها بر طبق افزایش دامنه اطلاعات رومیها انبساط یافته رفت. اعراب، کلمه « افریقه » را بر حصص شمالی افریقای ماوراء مصر استعمال میکردند. و این منطقه وسیعه را سه قسمت تقسیم نموده بودند، ۱ - مغرب الافصا که از سواحل بحر اطلس تا تلمسان امتداد داشت - ۲ - مغرب الادنی که شامل اراضی واقع در بین « اورات » و « بوجیا » بود - ۳ - افریقه خاص که از حدود شرقی الجزائر (الجیربای) امروزه تا مرحدات مصر وسعت داشت.

ممالک حواشی بحر مدیترانه افریقائی اولین بار مورد انتفاع فنیقیها قرار گرفت. افریقا در قدیم: و قرطجه در حدود ۸۰۰ ق. م تاسیس یافته و ثروت و رفعت زائد الوصنی بصورت شهری متشکل پذیرفت که در بحر مدیترانه همتائی نداشت. فنیقیها قبایل بربر را (که در آن زمان مثل امروز

جمیت کثیری را تشکیل میداد) بزیر اطاعت آورده و بالوسيله مالك ناحیه قابل سکونت واقع در غرب خلیج « سیرتیس بزرگ » گردیدند .

مصرها و قرطبی ها هر دو جد و جهد داشتند که از راه بحر به نقاط مجهول خاک افریقا پی برند . اولین اعزامهٔ بحریه برای دور زدن خاک افریقا ، توسط فرعون « نیکو » Necho در اواخر قرن ۷ ق . م فرستاده شد . دریا نوردان مزبور که از اهل فنیقه بودند ، سه سال غیبت گردیدند ، و بالاخره به مقصد خویش کامیاب گردیدند . ساحل غربی افریقا درین وقت تا به « کبب نون » معلوم بوده در حدود سنه ۵۲۰ ق . م یکی از اهالی قرطبه موسوم به « هانو » از ساحل مزبور بطرف پائین رفته تا به مقام « سیرالبون » رسید .

درین ضمن اولین مستعمرین اروپائی در خاک افریقا رحل اقامت افکندند : یونانیها شهر « سیرین » را (در حدود ۶۳۱ ق . م) اساس گذارده و نفوذ زیادی در مصر حاصل کردند . اسکندر اعظم شهر اسکندریه را (در ۳۳۲ ق . م) بنا نهاد . در عهد زمام داری سلانهٔ بعلبوسها کوشش برای بسط نفوذ و اقتدار بطرف جنوب افریقا بعمل آمده و در نتیجه راجع به حبشه تا اندازهٔ کسب اطلاع شد . درین زمان به « سیری نایکا » (ناحیه ساحلی لیبیا در شمال افریقا) و نه مصر که اقتداری بسزا داشتند ، با قرطبه همسری کرده می توانست .

بعد از آنکه قرطبه (در سال ۱۴۶ ق . م) سقوط کرد ، هر سه دولت مقتدره تحت الشعاع امیر اطوری روما قرار گرفت . در تحت سلطه رومانی ها حصص مسکونهٔ مملکت افریقا خیلی مترقی بوده و آداب و رسوم لاتین در آنجا معرفی شد .

اولین حملهٔ مسلمین به افریقا در زمان حضرت خلیفهٔ دوم (رض) بعمل آمد ، و اسلام در افریقا : عمر و عاص بسر کرده کی ۴۰۰۰ نفر در مدت سه هفته مصر را از بز نظین ها صاف نمود . بز نظین ها از دیگر حصص مصر گریخته به اسکندریه که خیلی مستحکم بود ، جمع گردیدند مگر این شهر نیز در ۶۴۵ م مفتوح شد و بدین وجه تمام مصر از سرحدات حبشه در جنوب تا لیبیا در مغرب ، بزیر اقتدار مسلمین حرب درآمد . در زمان حضرت عثمان (رض) تا مقام برقه فتح شد . و بعد از شکست بز نظین ها در نزدیکی قرطبهٔ قدیم ، رومی ها باجگذار عرب گردیدند . و باستانهای فوج قلیلی که در زویله و برقه ماندند از باقی حصص افریقا دستبردار شدند . موقعیکه حکمرانان رومی دوباره این حصص را تصرف کردند ، با اهالی بد سلوکی را پیش گرفتند و آخرالذکر از اعراب استمداد کردند ، همان بود که حضرت معاویه بسر وقت شان رسیده عقبه بن نافع را بسر کردگی فوج جراری به افریقه فرستاد . و مشارالیه مخاصمین را از میدان رانده افریقه را از توابع عربستان گردانید . و در ۶۷۰ م بغرض حفظ ما تقدم از بر برهای سرکش و حملات رومانی ها ، بجنوب تیونس ، شهر معروف قیروان را بنا نمود . رومی ها که درین وقت المغرب (موراکوی امروزه) را بتصرف داشتند ، بمعاونت بر برها به افریقه متواتراً هجوم می آوردند . بنابراین در ۶۷۵ م عقبه بنای پیشرفت را گذاشته به مثل سیلی اراضی جلورا بزیر اقتدار در آورد و خود را تا بحر اطلس رسانید اما از مشاهدهٔ بحر ، از پیشرفت مزید ما یوس گردیده دست هارا بجانب آسمان برداشته و گفت : « الهی ! اگر این بحر وسیع نمی بود ، به مناطق دور دست تری سبقت میبستم و نامت را نشر میدادم و دشمنان را مقتول مینمودم » . عقبه در افریقا و ولایت غربی آن تا زمان مرگ (۶۸۵ م) حکومت داشت تا آنکه بر برهای وحشی و جنگجو از کوها و وادیهای اطلس فرود آمده قیروان را محاصره و تسخیر ، و عقبه و قسمت کثیر اعراب را شهید کردند . بدین وجه سلطهٔ عرب در افریقه و المغرب تقریباً سقوط کرد .

تاریخچه مختصر آفریقا

عبدالمک اموی در سال ۶۹۳ میلادی برای فتح دوباره بربریه (آفریقه) زهیر، معاون عقبه را که بعد از شهادت فشاراله، خود را در برقه قایم نگاه داشته بود، بسرکردگی فوجی اعزام داشت. زهیر، رئیس شورشیان (کوسلا) و افواج منجده بربر و رومی ها را اضحیل کرده دوباره آفریقه را بتصرف آورد. مگر درین هنگام خطب مدهشی نمود، بدین معنی که در برقه که مرکز فتنون اسلامی بود، عساکر قبلی را نگاه داشته، مابقی را برای فتوحات مزید سوق داد و در نتیجه قوه بزرگ رومی در برقه حمله آورده و زهیر و اعراب زیادی را بقتل رسانید. از استماع این سانحه، عبدالملک، فتنون مزیدی بقیادت حسان بن نعمان ارسال نمود. حسان قیروان را دوباره تسخیر و شهر قرطبه را تسلیم، و بربرها و رومانی ها را شکست فاحشی داد. اعراب بار دیگر از دوارهای برقه تا سواحل اطلس را بدست آوردند. درین وقت بربرها بدور زنی موسوم به کاهنه جم شده، و در تحت ریاست او، افواج بربر و نویدیه مجدداً بالای مسلمین هجوم آوردند. و برای امتناع از پیشرفت اعراب، شهرها، عمارات و باغها را خراب کردند. مورخین عرب ابن ربادی را «اولین تباهی آفریقه» می نامند. بالاخره بربرها ازدست حسان مغلوب و کاهنه آخته شد. درین وقت است که بربرها دسته دسته بدین بین اسلام مشرف میشوند.

در ۷۰۸ میلادی، مومی بن نصیر به عوض حسان نائب الحکومه آفریقه، مقرر شد. مومی از آنجا که شبلی لایق و مدبر بود اجتهادات بربرها را برهم زده توطئه کنندگان بیانی را از آفریقه اخراج کرد و مملکت را مأون ساخت و چنان رویه خوب با رؤسای بربری نمود که در مدت کمی تمام ملت بربر دین اسلام را قبول کردند. مومی جزائر میجارکا، مینارکا و آریکا را از بزغلین ها انتزاع و شامل امپراطوری اسلام نمود. دامنه نائب الحکومه کی مومی درین وقت از مرحدات غربی مصر تا سواحل بحر اطلس انبساط داشت (باستثنای سیوت که کانت زولیان از طرف پادشاه گوتهای متصرف اسپانیا، بران والی بود و پادشاه مذکور از رومی ها طرفداری میکرد).

درین زمان که در آفریقا امن و عدالت حکمفرما و بزیر اقتدار اعراب به شاه راه ترقی کامهای فراخی بر میداشت، جزیره ای همجواری آن، اسپانیا در آتش بیداد گوتهای می سوخت. غاصب تخت آبیبریا، در هنگام حکمرانی مومی در اسپانیا، رود ربیک بود. آفریقای عربی برای مظلومین اسپانیا بهترین ملجا و یناگاهی بشمار میرفت و دسته دسته وارد آن میکرد دیدند. از طرف دیگر، زولیان، حاکم سیوت نیز با اثر ظلم و تعدائی که رود ربیک بردختر او نموده بود، با مستبشین اسپانیا هم نوا گردیده از مومی استعانت نمودند. مومی از ولید اجازه گرفته یک فوج ۵۰۰ نفری را بسرکردگی «طارق» به ساحل جنوب اسپانیا اعزام نمود. در ۱۸ رجب ۹۲ هجری (۳۰ اپریل ۷۱۱ میلادی) طارق بن زیاد که بربری و جدیدالاسلام و یکی از لایق ترین صاحبان مومی بود با ۷۰۰۰۰ سکر در ساحل اسپانیا (که امروز بنام او به جبل الطارق و موسوم است) فرود آمد. و در اینجا استحكامات برای مرکز عسکری ساخته به ولایت الجزیره هجوم برد و بعد از شکست گوتها، عازم تولد و گردید. (فتوحات اسلام در اسپانیا و فرانسه در سالنامه ۱۳۱۳ تذکار یافته است).

ضمناً دامنه فتوحات سامین در آفریقا نیز وسیم شده میرفت. سودان در ۱۱۵ هـ (۷۴۳ ع) و جزیره ساردینیا در ۷۳۵ ع ضمیمه عالم اسلام گردید. در ۱۲۲ هـ (۷۴۱ ع) سیراکوز مفتوح شد. در ۷۴۳ ع یعنی موقع فوت هشام اموی، امپراطوری عرب باوج ارتقا و عظمت خویش رسیده بود. از آنجمله در بحر مدیترانه: جزائر میجارکا، مینارکا، آریکا، کورسیکا، ساردینیا، کبریت، روس، قبرص و قسمی از سسیلی و اکثری از جزائر یونان - و در آفریقا از آتنه، جبل الطارق تا خاککنای سوزرا دربر میگرفت.

تا زمان مهدی خلیفه سوم عباسی ، تمام متصرفات افریقائی عربی ، اقتدار خلفای عباسی را تسلیم کرده بودند . در عهد خلافت هادی ، ادریس از نوادگان حضرت امام حسن به موریتانیا (موراگو - مغرب الاقصا) رفته به معاونت قبایل بربری ، دولتی را بروی کار آورد که مدت مدیدی در افریقای شمالی رونق داشت (رجوع کنید به تاریخ موراگو) - ازین بیعد افریقای غربی از زیر اثر خلافت بغداد برآمد .

درین زمان حاکمان افریقا از اداره مملکت عاجز بوده و عائدات افریقا نه تنها مصارف آنرا کفایت نمیکرد بلکه سالانه ۱۰۰۰۰۰ دینار از عائدات مصر بصرف آن میرسید . بنابراین به اثر پیشنهاد ابراهیم پسر اغلب ، که بعوض تسلیم شدن ولایت افریقه ، سالانه ۴۰۰۰۰۰ دینار به خلیفه میبردازد ، ولایت افریقا بدو سپرده شد و درخاندانش بطور ارث باقیمانده بالوسبله افریقا ولایت مستقلی گردید .

در ۷۹۰ ع افریقا سه قسمت شده از انجمله بنو اغلب بافریقه و قیروان ، و بنو خزرج به مغرب میان و تلمسان و بنو ادریس بمغرب اقصی قابض شدند (رجوع کنید بتاریخ موراگو) .

بدین وجه در قرن ۷ و ۸ مسیحی در مصر تا مرز افریقای شمالی باسقتنای مصر (که در آنجا کلیسای قبطی کاملاً از بنیاد نیفتاد) و نوییای علیا و حبشه ، دین مسح تقریباً بکلی از میان رفت . در قرن ۹ و ۱۰ اعراب از حیث عامه در افریقا رو به ضعف گذارند . اما در قرن (۱۱) مهاجرت انبوهی به افریقا بعمل آمد - بر رهائیش ازین مهاجرت هم علی العموم زبان و مذهب فاتحین خود (اعراب) را قبول کرده بودند - باین ترتیب نفوذ اعراب و مذهب اسلام در شمال افریقا تثبیت یافته و از آنجا بطرف جنوب منبسط گردیده از صحرا بگذشت و در امتداد سواحل شرقی پهن گردید . چنانچه درین مقامات ، اعراب ، فارسی ها و هندی ها مستعمرات بحری و تجارتنی را تاسیس نمودند - و ازین بلاد و دول شرقی افریقا ، اروپائی ها و اعراب شمالی افریقا نامدت درازی بی اطلاع بودند .

در قرن ۸ میلادی ، سلاله فاطمیه در مصر اساس گرفته و از آنجا تا به اوقیانوس اطلس حکمران میشدند . بعد از آن دیگر سلاله ها مثل المرابطین و الموحدین در افریقا ظهور کردند - هابیت الاسر ترکها که مصر را در ۱۰۱۷ ع به تصرف در آورده بودند ، نائب السلطنه گوی مارا در الجریا (الجریا) و تونس (طونس) و طرابلس (تریپولی) قایم کردند و موراگو به حیث دولت مستقله بربری در تحت زمامداری سلاله اشرف سمدین باقیماند . در عهد زمامداری سلاله اولیه اسلامی ، روح استکشافیه و جذبات تبلیغیه مسلمین تا اندازه زیادی بر بسط دامنه اطلاعات راجع به بر اعظم افریقا ، افزود . و این اسر را استعمال شتر که اعراب را به عبور از صحرا قادر ساخت ، بیشتر سهولت بخشید . بدین طریق « سینی کیمبیا » و مناطق « نایجر » و وسطی در تحت نفوذ اعراب و بربرها در آمد . و بعد ها در سال ۱۰۹۱ ع شهر تمبکتو (واقع در سودان فرانسوی که در قرن یازدهم بنا یافته بود) هم مسلمان شد . این نظریه ، سیاح بزرگه عرب ، که به بمبسه و کلوا سفر کرده بود در سال ۱۳۵۲ درین شهر رسیده بود و او این معلومات صحیح راجع به بلاد اسلامی واقع بر ساحل افریقای شرقی ، سهون اطلاعاتی اوست . پیشرفت اعراب جز در ساحل مذکور ، بطرف جنوب بنا بر حلول منطقه انبوه جنگلی (که قدری به جنوب ۱۰ درجه عرض البلاد شمال اقتانده است) متوقف گردید ، و ایشانرا از تحصیل معلومات در باب ساحل کینی و از تمام حصص افریقای آن طرف این ساحل ، محروم گردانید بکی از مناطقیکه اخیراً در تحت اداره اعراب در آمد ، « نویا » بود که مدینت و حکومت مسیحی تا قرن ۱۴ در آن وجود داشت .

فوجات مسلمین در جنوب اروپا ، بحیره مدیترانه را بمنزله حوضی در خانه اعراب ساخته بود . تا آنکه در قرن (۱۱) نارمندی ها سلسلی را مفتوح و بر تونسیه و تریپولی (طرابلس) فرود آمدند . چندی بعد تر ،

تاریخچه مختصر افریقا

بلاد ایتالیای شمالی، با ممالک ساحلی افریقا، خصوصاً مصر، باب داد و ستد را کشودند - ایتالیوی ها نیز در قرن ۱۴ و ۱۵ با ممالک حوضه نایجر تجارت کرده و بر راه های صحرای اعظم واقفیت حاصل نمودند. بعضی از اروپائی ها حتی ازین صحرا عبور هم نمودند. و یکی از اینها که سیاح فرانسوی و «دیساکویر» نام داشت در ۱۴۰۵ع تا به مقام «گاؤ» بردریای نایجر رسید.

ضمناً وقایعی در شرف ظهور بود که اثر عمیقی بر افریقای شمال غربی وارد کرد: در اخیر قرن ۱۵ اسپانیا بوغ مسلمان را بر انداخت. اما هنوز مسلمانان مراکش در غرناطه اظهار موجودیت میکردند. از طرف دیگر پرتگال آنقدر قوت گرفت که میتوانست جنگ را در افریقا هم نماید. چنانچه در ۱۴۱۵ع قلعه «سبونا» واقع به ساحل مراکش را غصب کرد و ازین وقت به بعد پرتگالیها در امور مراکش کراراً مداخلت مینمودند. اسپانیا نیز بندرگاه های عدیده در الجیریا و تونسیه بدست آورد.

ولی پرتگال در سال ۱۵۷۶ع به مقام «قصر الکبیر» شکست فاحشی خورده و اعراب مراکش در زیر حکم عبدالملک اول از سلاله شریفی، در آمد. بعد ازین ایالات و دولت های «بربر» به جمعیت ها و احزاب مختلفه تبدیل و تجزیه شده و به متوسط گذاشت و با وسیله اروپائی ها بران دست یافتند.

از ملل امروزه، پرتگالی ها اولین سردمانی بودند که به استکشاف استکشافات در افریقا: افریقا تثبیت ورزیدند. در ۱۴۳۳ دماغه «بوجادور» را دوره زده در ۱۴۴۱ به دماغه «بلانکو» و در ۱۴۴۲ به دماغه «ورد» رسیدند و در ۱۴۶۲ سیرالیون را کشف نمودند. در ۱۶۸۴ یک نفر پرتگالی موسوم به «دبکوکام» دهانه دریای کانگو را کشف نمود. در ۱۴۸۳ «بارتولو مودیاز» دماغه امید را دور زده و به خلیج «آلکوا» رسید.

چند سال بعد، یک سیاح پرتگالی، ابن سینیا (حبشه) را سیاحت کرد. در ۱۴۹۷ «واسکو دوگاما» که مأمور کشف راه بحری بطرف هند بود، ذریه کشتی منتهای جنوبی افریقا را گردش کرده تا مقام زنگبار رفت، و در عرض راه ناآل را کشف نمود.

اولین مستعمرات جدید اروپائی در افریقا از پرتگالی ها بود که کمی بعد از سال ۱۴۰۰ در آنگولا و موزمبیق اساس گذاردند. در ۱۶۵۰ هالیند در دماغه امید صاحب یک مستعمره شد. در ۱۷۷۰ جیمز بروس در حبشه به منبع نیل آبی رسید ولی در داخله خاک افریقا، قبل از اختتام قرن ۱۸ اقدامات استکشافی بعمل نیامده بود.

آغاز استکشافات عصری افریقائی را از مسافرت «منگوبارک» انگلیس گزیند. میتوانیم که تا بحرای دریای نایجر رسیده بود (۱۷۹۵-۱۸۰۰). دکتر «لامردای» پرتگالی نیز تقریباً در همین وقت تا به پای تخت «کازمبی» در سرکنز افریقای جنوبی رسیده و در آنجا بمرد. از سال ۱۸۰۲ تا ۱۸۰۶ دو نفر تجار پرتگالی از مقام آنگولا داخل قلمرو «کارمبی» شده و از آنجا به متصرفات پرتگالی ها واقع بردریای «زامبیزی» رسیدند. در اثنای سنوات ۱۸۲۲ - ۱۸۲۸ استکشافات وسیعی در افریقای شمالی و افریقای غربی بعمل آمد. دنهام، کلابرتن، رودنی، از تریولی (طرابلس) براه «مورزق» به غدیر «چاد» آمده و مناطق همجوار را کشف نمودند.

«لابنک» در ۱۸۲۶ صحرا را از تریولی تا به تمبکتو عبور نمود. «کایلی» از سینی گال حرکت کرده در عرض سنوات ۱۸۲۷ - ۱۸۲۸ به تمبکتو و از آنجا از بین صحرا عبور نموده به «مورا کو»

رسید. در ۱۸۳۰ « لاندنر » قسمت اعظم دریای نایجر را بطرف یابین تا به دهانه آن تعقیب کرده و معاون آن « پینو » را کشف نمود. در جنوب افریقا، لونگ ستون انگلیس، که بجهت مبلغ مذهب عیسوی بر مقام « کولونینگ » اقامت داشت، از آنجا حرکت کرده در ۱۸۴۹ غدیر « نگامی » را کشف نمود. در ۱۸۵۱ مجدداً بطرف شمال افریقا رفته به دریا‌های عذیده برخورد که به طرف شمال جریان داشته و معاونین دریای زامبیزی بودند. در ۱۸۴۸ و ۱۸۴۹ « کراف » و « ریان » میانین افریقای شرقی، جبال « کلیبناجارو » و « کینیا » را کشف کردند. در ۱۸۵۰ هیئت اعزامیه از طرف حکومت انگلستان فرستاده شد. هیئت مزبور از تریبولی حرکت کرده صحرای اعظم و مناطق اطراف غدیر « چاد » را معاینه نمودند. و از جمله رؤسای این هیئت که « ری چاردسن » و « اورک » و « بارته » بودند تنها موخر الذکر در سال ۱۸۵۰ هودت کرده و رو بهر طرفه متجاوز از ۲,۰۰۰,۰۰۰ مرص میل اراضی افریقا را که تا آن زمان غالباً نامعلوم بود، مکشوف ساخت. در بین سنوات ۱۸۵۳-۱۸۵۶ « لونگ ستون » یک سلسله استکشافات مهمه نمود. مشارالیه اولاً بطرف شمال مغرب رفته، قسمت علیای دریای زامبیزی را تعقیب نموده به « سینت پال دولیون » ساحل غربی در سال ۱۸۵۴ اصل شد. در سفر بازگشت هم تقریباً همان راه را تعقیب نمود تا آنکه بدریای زامبیزی رسید. از اینجا بطرف یابین دریا رفته آبشار آنرا معاینه نمود و آنرا بنام ملکه انگلستان « آبشار وکتوریا » خواند بعد در ۲۰ می ۱۸۵۶ بدنه آن دریای مزبور و مقام « کویلی مان » رسید در ۱۸۵۸ باستکشاف مناطق زامبیزی تصمیم گرفته سفرهای عذیده نمود و غدیر « شیروا » و « نیاسا » را دیده بواسطه کشتی از آبهای « شیره » گذشته بقدر موخر الذکر آمد، و پس از تکمیل معلومات راجع به وضعیات عمومی جغرافیای این قسمت افریقا، در ۱۸۶۴ بانگلستان برفت.

درین زمان غدیرهای بزرگ افریقای استوائی یکی بعد دیگری معلوم شده رفت چنانکه غدیر تانگانیکا و وکتوریا را در سال ۱۸۵۸ « برتن » و « سبک » کشف نمودند و غدیر موخر الذکر (وکتوریا) در ۱۸۶۲ نیز توسط سبک و « گوانت » معاینه و معلوم گردید که منبع دریای نیل ازینجاست. « باکر » در ۱۸۶۳ غدیر « بنازرا » را کشف کرد. در ۱۸۶۶ « لونگ ستون » با آخرین سلسله بزرگ اکتشافات خویش که مقصد عده آن معلوم کردن موقعیت مقسم های آب های داخله خاک افریقا بود آغاز کرد، و تا زمان مرگش (در ۱۸۷۹) باین امر اشتغال داشت. درین موقع مهمترین استکشافات او، غرب و جنوب غرب غدیر تانگانیکا، و نیز کشف غدیر « بانگو یلو » و « مورو » و قسمت علیای دریای کانگو (که درین نقطه « لوالابا » نامیده می شود) میباشد. مشارالیه بنحواز از دو سال درین سفر مفقود شده بود، تا آنکه « ستانی » در ۱۸۷۱ او را پیدا نمود. از سال ۱۸۶۱ تا ۱۸۷۴ « گرو لنس » یک سلسله مسافرت ها نموده صحرای اعظم را از سمت های مختلف و نیز تمام بر اعظم را از مقام تریبولی تا لاکروس، براه مورزوق، بورنو و غیره طی نمود. در سال ۱۸۷۳ تا ۱۸۷ « کامرون » که در جستجوی لونگ ستون فرستاده شده بود، غدیر تانگانیکا را از نظر گذرانیده، بفر آن رفت و بطرف جنوب مغرب سفر کرده بالاخره به « بنگویلا » در ساحل بحر اطلس مواصات نمود. در اثنای سنوات ۱۸۷۴-۱۸۷۷ ستانی غدیر « وکتوریا »، « بنازرا » و « تانگانیکا » را دیده و اراضی مابین آنرا کشف کرد. و بعد بطرف مغرب رفته بجایی رسید که لونگ ستون، دریای کانگو را تصادف کرده بود. ستانی دریای کانگو را تا بدنه آن تعقیب نموده بدین وجه مجرای آنرا بطور قطعی تعیین کرد و سلسله استکشافات مهم و قیمتمندار خود را با کمال رساند.

در ۱۸۷۹ « مریاینتو » بر اعظم افریقا را از مقام بنگویلا تا فانتال طی نمود و در ۱۸۸۱-۱۸۸۲ « وین » و « بوک » آنرا مجدداً از مقام « سینت پال دوله » تا زنگبار مرور نمودند.

در افریقای شرقی: اولین سفر جدید و مهم در افریقای شرقی بین سنوات ۱۸۷۸-۱۸۸۰ از طرف آمد. مشارالیه بعد از مرگ برادرش «کبث جونسون» (قائد هیئت) از ساحل تا به انتهای شمالی غدیر نیاسا و از آنجا به تانگانیکا پیشرفت. در سال ۱۸۸۲-۱۸۸۴ توبیشر بحری فرانسوی «وکتور جیراد» از راه شمال نیاسا تا به غدیر «بنگاویلو» رفت، و اولین نقشه صحیح این منطقه را ساخت. در سال ۱۸۸۳-۱۸۸۴ تاهسن از مملکت ماسای تا به «غدیر بارنگو» و وکتوریا نیازا رفته زمین وسیع و جدیدی را بشمال راه «زننگبار» تانگانیکا کشف و راجع بوادی بزرگ افریقای شرقی و سطوح مرتفع مجاوره (به شمولیت کوه های کینیا و الکات) اطلاعات جدیدی اخذ نمود. پیشرفت بزرگ در ناحیه بین غدیر و وکتوریا نیازا و حبشه در ۱۸۸۷-۱۸۸۹ از طرف «کاوت سموتیل تبلیکی» و «لفتنانت لودوگ فان هونل» آستریائی بعمل آمد و آنها غدیر باسوناروک را که امروز غدیر «رودلف» نام دارد و تا این زمان در نقشه بطور مبهم بنام «سامبود» یاد می شد، کشف نمودند. درین وقت «سازمین انگلیسی و ایطالوی بنای مراوده» را با شمالی لیند گذاردند. در سال ۱۸۸۳ دو برادر «جینز» نامت از «بربره» تا «ویبی شیبی لی» پیش رفتند. در سال ۱۸۹۲ «ویتوروفانی گو» از بربره حرکت کرده بدریای جوبای علیا رسید و آنرا تا به منبع آن معاینه نمود. اولین شخصیکه افریقا را از خلیج عدن تا بحر طلس عبور نمود، «دونالدسن سمت» امریکائی بود که در سال ۱۸۹۴-۱۸۹۵ مرچشمه های «ویبی فی پیل» و نیز دریای «اومو» را (که به غدیر رودلف میریزد) کشف نمود.

در ناحیه شمال غربی «غدیر وکتوریا نیازا» بزرگ ترین اطلاعات مزید جغرافیائی از طرف ستانلی در ضمن سفر اخیرش بدست آمد. مشارالیه به معیت هیئت خود در سال ۱۸۸۷ از راه دریای کانگو براه افتادند و با مواجهه به تکالیف طاقت فرسا از میان جنگل وسیع افریقای استوائی گذشته اهمیت و وسعت آنرا اولین مرتبه بعالم دانانند. رونق مراجعت از ساحل شرقی آمدند و بالنتیجه سلسله جبال پربرف «روئین زوری» یا «رنسارو» را کشف و وجود غدیر سوم دریای نیل را که آب آن ذریعه دریای «سمبلی» به غدیر البرت نیازا میریزد تصدیق و تأیید نمودند.

در افریقای شمالی و غربی: برای تکمیل کار مستکشفین سابق افریقای شمالی و غربی، نیز فعالیت بزرگی بعمل آمد. موراگو در ۱۸۸۳-۱۸۸۴ صحنه استکشافات «دی فوکالد» فرانسوی گردید مشارالیه بلباس یهود سلسله کوه اطلس را دومرتبه عبور کرده و اولین اطلاعات موثوق راجع بسلسله کوه مزبور بدست آورد.

در ۱۸۸۷-۱۸۸۹ «لومی گوستاو بنگر» صاحب منصب فرانسوی سفر بزرگی در بین ممالک محاط در منطقه دریای نایجر نمود. و در ۱۸۹۰-۱۸۹۲ «کرنیل ووتیل» از سبست لونی تا مقام «می» (بردریای نایجر) و از آنجا از بین «سوکولو» گذشته به «بورنو» و غدیر چاد و بعد صحرای اعظم را عبور نموده به تریپولی وارد شد. ضمناً مستکشفین در منطقه بین غدیر چاد و خلیج گینی و دریای کانگو، مصروف تحقیقات بودند. «لوی میزون» فرانسوی از راه شمالی به دریای «سانگه» یکی از معاونین دریای کانگو، رسیده و اولین خط مراوده را بین دریای «پینو» و دریای کانگو (۱۸۹۰-۱۸۹۲) ترسیم نمود. در سال ۱۸۹۰ «پال گرامیل» که در سال گذشته شمال دریای «اوگووی» را کشف نموده بود بمعهده گرفت که به معیت یک هیئت از دریای «اوبانگو» نادریای «شاری» سفر نماید، اما در مرز حدات دریای «باجرمی» با چندین همراهان خویش مورد حمله قرار گرفته بقتل رسید. بعد از و چندین هیئت دیگر اعزام یافت. در سال ۱۸۹۶ «امیل جننیل» به دریای «شاری» رسید و یک کشتی بخار را

در آن انداخته از راه آب به غدیر چاد موصلت نمود. در سال ۱۹۰۰ « فورو » یکی از سیاحین فرانسوی نیز (که ۱۲ سال را به استکشافات صحرای اعظم گذرانیده بود) به غدیر چاد رسید.

درده سال اخیر قرن ۱۹ نیز سفرهای دلچسپی در شرق افریقای
 در افریقای استوائی : سرکری بعمل آمد. در ۱۸۹۱ « امین پاشا » به معیت
 « داکتر شتولن » از راه جنوب « غدیر وکتوریا نیازا » به غدیرهای غربی نیل رسیده و اولین بار
 سواحل جنوبی و غربی « البرت ایدورد » را معاینه نمودند. شتولن بسلسله کوه « اورون زوری »
 بارتفاع متجاوز از ۱۳۰۰۰ فوت نیز بالا شد. در همان سال داکتر « بومن » که سابقاً در « اوسا مبارا »
 (نزدیک ساحل) خدمات خوبی نموده بود، سفر بزرگترین بعمل آورده از میان جلگه های بین « کلیما نجارو »
 و « وکتوریا نیازا » گذشته و بعد انهار « کاگیرا » را که منابع اخیر دریای نیل بشمار میروند، کشف
 و معاینه نمود. در منطقه جلگه نی که قبلاً تذکر رفت، داکتر « بومن » دو غدیر جدید موسوم به « مانیا را »
 و « ایامی » را که بعضی قسمتهای وادیهای افریقای شرقی را اشغال نموده اند کشف کرد. این منطقه در
 ۱۸۹۳ - ۱۸۹۴ بواسطه « کاوت فان گوزن » مجدداً طی شد و مشارالیه راه خود را بطرف غرب تا غدیر
 « کیوو » بشمال تانگانیکا، (که اگرچه توسط « سیک » می سال قبل نام آن شبده مگر دیده نشده بود)
 امتداد داد. و برای اولین مرتبه به رشته قلل آتش فشان شمال « کی وو » رسیده و یکی از آنها صعود نمود.
 و بعد از آن از راه جدید جنگل بزرگ استوائی را عبور نموده به کانگو و ساحل غربی توصل کرد. خدمت
 علمی مهمی در سال ۱۸۹۳ از طرف داکتر « گریگوری » بعمل آمد که به کوه کینیا تا به ارتفاع ۱۶۰۰۰ فوت
 صعود نموده بود. در سال ۱۸۹۲ - ۱۸۹۴ « سکا ایلبات » از راه « یوگندا » به « روئن زوری »
 رفته و از راه « تانگانیکا » و « نیاسا » مراجعت نمود. در سال ۱۸۹۶ « هوپلی » کوه بزرگ « ایلکان »
 واقع بشمال غرب غدیر وکتوریا نیازا را دوره زد. در سال ۱۸۹۰ هیئت بسرکردگی « ما کندر » به قله کوه
 « کینیا » صعود کرد. استکشاف و معاینه کوه « کلیما نجارو » کار مخصوص « داکتر هانس میر » بود که اولین
 مرتبه توجه خود را باین امر در ۱۸۸۷ معطوف نمود. منطقه جنوب حبشه خاص و شمال غدیر « رودلف » را
 که حوضه بزرگ دریای سوبات (معاون دریای نیل) میباشد، چندین مستکشفین که از آنجمله کپتان ولپی است،
 طی نمودند، و نیز همین مستکشفین در ۱۸۹۸ - ۱۸۹۹ سلسله غدیرهای کوچک جنوب شرق حبشه را
 مشاهده نموده، بطرف غدیر « رودلف » و از آنجا به مملکت مجهول سبات سفلی پیش رفتند. دیگر سفرهای مهم و قیمتمدار
 از طرف هیئت هائیکه رئیس شان دونالد سن سمث (در ۱۸۹۹-۱۹۰۰) و آستن (۱۸۹۹-۱۹۰۱) و گامبز
 (۱۸۹۵ - ۱۸۹۶ و ۱۸۹۸ - ۱۹۰۰) و « وایت هوس » (۱۹۰۱-۱۹۰۶) و « بایدا الگزاندر » و « سرجانسته
 و باول کانن و دیوک آبروزی بعمل آمد.

اولین مسافرت در سرتاسر طول افریقا در دو سال اخیر قرن ۱۹ بواسطه یک جوان انگلیسی موسوم
 به گروکن انجام یافت. مشارالیه از کپ تون حرکت کرده از راه دریای زامبیزی و خط سرکری غدیرها
 و دریای نیل به بحیره مدیترانه رسید.

معلومات توپوگرافی (نقشه اماکن سطح زمین) از ۱۸۹۰ به بعد ذریعه هیئت های بین المللی (که
 سرحدات ممالک تحت الحمايه قوای اروپائی را معاینه نمودند) اضافه تر گردید. هیئت مختلطه انگلیسی و
 فرانسوی در سال ۱۹۰۳ سرحدات نایجریا را از دریای نایجری تا غدیر چاد معاینه نمودند. و در سال
 ۱۹۰۳ - ۱۹۰۴ هیئت مختلطه انگلیسی و فرانسوی، سرحد کامرون واقع بین « یولا » (بر دریای بینو)
 و غدیر « چاد » را تعیین نمودند. در ۱۹۰۱ - ۱۹۰۲ یک هیئت جرمنی های مقیم کانگو، غدیر « کی یو »
 و ناحیه آتش فشان شمال غدیر مذکور را معاینه نمود. در سال ۱۹۰۲ - ۱۹۰۴ هیئت مختلطه انگلیسی و جرمنی
 که برای تعیین سرحدات مقبوضات ممکنین مقرر شده بودند، وادی کاگیرا سفلی را معاینه و موقعیت

تاریخچه مختصر افریقا

صحیح غدیر « البرت ایدورد نیانزا » را تعیین نمودند .

در عین حال ، ایجابات اداری ، دول مربوطه را مجبور ساخت که در ممالک تحت الحماة خویش ، تحقیقات بعمل آورند . قبل از اختتام عشره اول قرن بیستم ، نقشه های نسبتاً صحیح از مستعمرات جرمنی و قسمت زیاد افریقای غربی ، و صحرای الجیریا و سودان مصری انگلیسی ، ترتیب یافت .

در ربع اخیر قرن ۱۹ نقشه افریقا بکلی تغییر شکل داده و بعد از کشف کانگو ، مسئله تجزیه افریقا : استکشاف از مسائل درجه دوم گردید . مقبوضات جرمنی ، فرانسه ، بریتانیا و دیگر ممالک معظمه اروپا بواسطه خطوط مرحدی که اغلب از بین نواحی صعب الورود میگذشت تعیین و مجزا شد . خطوط آهن در داخل خاک افریقا نصب شده ، رقبه های وسیعی برای ورود متدین باز گردید و از مصر قدیم تا دریای « زامبیزی » حیات نوینی از سر گرفت .

علت تجزیه افریقا ، اوضاع اقتصادی و سیاسی اروپای غربی بود . جرمنی که در نتیجه فتح جنگ ۱۸۷۰ پروس و فرانسه قوی و متحد شده بود ، میخواست موارد جدیدی برای استعمال انرژی خود حاصل نماید . مارکیت های نوینی جهت صنایع روز افزون خود فراهم آورده و با بدست آوردن این مارکیت ها صاحب مستعمرات گردد . فرانسه نیز با اثر مغنویت درین جنگ ، سعی داشت مقام از دست رفته خود را بذریعہ استفادہ از خارج اروپا ، دوباره اخذ نماید . وقتیکہ بریتانیا و پرتگال منافع افریقائی خویش را تحت تهدید مشاهده کردند پیدار شده درصدد اقدامات برآمدند . از طرف دیگر ایتالیا نیز عزم داشت در افریقا دستی داشته باشد . اما این کشمکش ها با تر پیشنهادات جاه طلبانه لیوپولد دوم ، شاه بلجیم ، از حال و خاتم برآمد . مشارالیه در ستمبر ۱۸۷۶ اولین قدم را برای تجزیه افریقا برداشته ، نمایندگان بریتانیا ، بلجیم ، فرانس ، جرمنی ، استریا هنگری ، ایتالیا و روسیه را بمقام بروسل برای عقد کنفرانسی به مقصد اقدامات جهت استکشافات و تهذیب قاره افریقا دعوت نمود . کنفرانس مزبور بکلی غیر رسمی بود و سه روز دوام کرد و بالاخره به تاسیس « مجمع بین المللی افریقائی » منتج گردید . بعد ها این مجمع فیصله شد که برای اجرای منظور اساسی (استکشاف و تهذیب افریقا) کمیته های ملی مرکب از نمایندگان ممالک مختلفه تشکیل یافته و اعانه جمع آوری شود . اما نصب الین مذکور بزودی تغییر شکل داده و کمیته های ملی ، از مجمع مذکور مستقلانه داخل کار شدند - حتی خود مجمع بعد از طی یک سلسله مراحل ، بالاخره وجهه بلجیمی بخرد گرفته و بصورت « مجمع ریاست آزاد کانگو » (در تحت اداره لیوپولد دوم) درآمد .

سفر ستانلی تا پائین کانگو ، علاوه از حکومت بروسل ، احساسات جاه طلبی دیگر ممالک را نیز تحریک کرد . فرانس آرزو داشت در افریقای غربی نفوذ یابد . نماینده فرانسه ، « سادارنان دو برازا » در ۱۸۷۰-۱۸۷۸ یک سلسله کشفیات از دریای اوکوری تا به جنوب دریای « کیلین » به عمل آورد . در پرتگال نیز ، کشف دریای کانگو و انهار مفید آن که تا متجاوز از یک هزار میل بداخل افریقا میروند ، احساسات یزمرده و قوای تحلیل رفته آن را عودت نمود . در جنوری ۱۸۷۹ ستانلی به عنوان نماینده لیوپولد و کمیته کانگو ، از اروپا به افریقا حرکت کرد . دو برازا نماینده فرانسه ، در اوائل ۱۸۸۰ به افریقا برگشت ، و هنگامیکه ستانلی بطرقه دری لیوپولد ، معاهدات بسته و استیشن ها بر امتداد ساحل جنوبی دریای کانگو تاسیس می کرد ، دو برازا و دیگر نمایندگان فرانسوی ، بساحل شمالی مصروف نظیر این عملیات گردیدند .

تلاش برای اخذ مقبوضات : در بین سنوات ۱۸۷۷ و ۱۸۸۱ ترانسوال کم کم از زیر اثر بریتانیا بیرون آمد ، اما از طرف دیگر ، قلمرو بریتانیا در افریقای جنوبی

و به توسعه گذاشت و در سال ۱۸۸۳ برای اینکه راه تجارتي داخله افريقا، برای توسعه نفوذ برطانيا از کيب کالونی بطرف شمال باز باشد مذاکرات برای تعین سرحد غربی جمهوریه کيب کالونی (در ۲۷ فروری ۱۸۸۴) در لندن جاری گردید و در همین حال اهالی « بچوانا » در تحت حمایت برطانيا گذارده شد. متعاقباً در ۲۳ مارچ ۱۸۸۵ مملکت تحت الحمايه « بچوانا لیند » بطرف شمال تا ۲۲ درجه عرض البلد جنوب و بطرف غرب تا ۲۰ درجه طول البلد مشرق، انبساط یافت. قبل از آنکه مذاکرات مزبور به يك فيصله برسد، اقدامات در بران (بدون مخالفت برطانيا) برای تثبیت اقتدار جرمی بر ساحل غربی افريقا واقع در بین دریای آرنج و ولایت « آنکولای » برنگالی، بعمل آمد. و در ۸ ستمبر ۱۸۸۴ حکومت جرمی به حکومت برطانيا ابلاغ کرد: « ساحل غربی افريقا از ۲۶ درجه عرض البلد جنوب تا کيب « فریو » (باستثنای خلیج و الفش) در تحت حمایت امپراطور جرمی گذارده شده است» نیز در همین سال، به اثر مساعی «گوستا و نختیکال» نماینده جرمی «توگو» و «ایالت کامرور» بزرگمایه جرمی درآمد. ناگفته نماند که قبل از این موفقیات جرمی، برطانيا ی کيب برای تحکیم مقبوضات افريقای غربی خود، کوشیده و به اقدامات جرمی، وقعی نمیگذاشت، تا آنکه دیداگر وضعیت بهین قسم دوام کند، برای او ضرر ناک خواهد بود، بنا بر این در ۱۶ مارچ ۱۸۸۱ «ایدوردها بد هبوت» قونسل خویش راهدایت داد که بساحل غربی رفته و برای بسط مناطق تحت الحمايه انگلستان ترتیبات بگیرد، اما کار از کار رفته بود و خوانین بومی توکولیند و کیمرون با «نحتی کال» معاهده را با مضار رسانیده بودند. لکن مصب دریای نایجر و ایالت «دریاهای نیل» که از خلیج «ریودل» تا سرحد لاکوس امتداد داشت، به قبض انگلیس درآمد.

ضمناً حکومت فرانسه نیز برای بسط نفوذ خویش در افريقای غربی داخل مجاهدات بود و در اثنای سال ۱۸۸۴ در حدود ۴۰ معاهده با خوانین بومی بست بدین طریق فرانسه بطرف تکبکو پیشرفته و اخیراً به تعقیب پالیسی خویش تمام مقبوضات قدیمه برطانيا را در افريقای غربی احاطه نموده يك منطقه فرانسوی بدو آن تشکیل داد.

در افريقای شمالی و مشرقی نیز از ۱۸۷ به بعد وقایعی بظهور پیوست، در ۱۸۸۱ فرانسه برضای دول اروپائی، بمهده گرفت که امور مالی و اداری سلطنت ضعیف شده تیونس را اصلاح نماید. دو سال بعد انگلستان قیمومیت خویش را بر مصر آغاز نمود. در افريقای شرقی بشمال مقبوضات برنگالی که اقتدار سلطان زنگبار حکم فرما بود، جرمی در خفا مشغول تاسیس افريقای شرقی جرمی بود. ايطاليا نیز قدم بچاک افريقا گذارده، بندرگاه «آساب» را که «کینی کشتی بخار روایتینو» در ۱۸۷۰ خریده بود، بسال ۱۸۸۲ به تصرف در آورد. بعدها با سلطان آساب در ۱۸۸۳ يك معاهده بسته نسبتی از «ابلس» (آسا) واقع به بحر فلزم را تصاحب کرد و یکمده جهازات را برای حفاظت آن کاشت.

باثر این قضایا، آنانیکه در افريقا علاقه داشتند بالاخره کنفرانس برلن ۱۸۸۴ - ۱۸۸۵: متمايل گردیدند تا داخل قراردادی شده از وقوع کشمکش های احتمالی جلوگیری بعمل آورند. برای این مقصد در ۱۵ نومبر ۱۸۸۴ يك کنفرانس بین المللی در برلن انعقاد یافت و مشتمل بود بر نمایندگان جرمی، استریا هنگری، بلجیم، دنمارک، اسپانیه، اتارونی، فرانس، برطانيا، ايطاليا، هالیند، برنگال، روسیه، سویدن، ناروی، و ترکی. در نتیجه این کنفرانس، «قانون عمومی کنفرانس برلن» ترتیب یافته و از طرف نمایندگان مزبور، با مضار رسید. قانون عمومی از شش موضوع مخصوص بحث میگردد: ۱- آزادی تجارت در حوضه دریای کانگو - ۲- تجارت غلامان - ۳- بی طرفی زمین های واقعه در حوضه دریای نایجر - ۴- کشتی رانی در دریای کانگو - ۵- کشتی رانی در دریای نایجر - ۶- وضع قواعد برای اشغال آبه سواحل افريقا.

در نتیجه این کنفرانس، مما الملك کنند و متعهد شدند که هرگاه کدام مملکتی بخواد کدام قسمت ساحل افريقا را اشغال کند، باید از اقدام خود سائرا مضار کنندگان را اطلاع دهد. و اگر این عمل او مفید و بر علیه

تاریخچه مختصر افریقا

مقررات قانون مزبور باشد ، بایستی عملی شود .

ناگفته نماند که قبل از وضع « قانون برلن » دول امضاءکننده ، « مجمع بین المللی کانگو » را نیز برسمیت بشناختند . و دو ماه بعد ، در اپریل ۱۸۸۵ ، شاه لیو پولد ، رسماً مالک ایالت کانگو گردید و به دول معظمه اطلاع داد که ایالت مزبور بر طبق مقررات قانون برلن ، دایماً بی طرف خواهد ماند . اینک باین طریق ، « ایالت آزاد کانگو » در تحت نفوذ « شاه لیو پولد » تشکیل یافت .

در ۱۵ سال اخیر قرن ۱۹ ، کار تجزیه افریقا عملاً با کمال رسید .
معاهدات برای تجزیه افریقا : قرار داد هائیکه حدود متصرفات دول را در افریقا تعیین کرد
حسب ذیل اند :

۱ — قرار داد اول جولائی ۱۸۹۰ بین برطانیا و جرمنی که حوضه نفوذ شان را در افریقای شرقی و افریقای غربی و افریقای جنوب غربی تعیین نمود . انگلیس زنگبار را و جرمنی هیل کولیند را زیر حمایت گرفت .

۲ — قرار داد ۵ اگست ۱۸۹۰ انگلستان و فرانسه ، که بر طبق آن ، فرانسه جزیره مدغا سکر را تحت حمایت گرفته صاحب نفوذ در صحرای اعظم گردید ، و برطانیا صاحب نفوذ درین دریای نایجر و غدر چاد شد .

۳ — معاهده برطانیا و پرتگال در ۱۱ جون ۱۸۹۱ که بر طبق آن ، متصرفات پرتگال بذریعہ خاک مقبوضه برطانیا (که از طرف شمال تا غدر نائگانیکا میرسد) از سواحل غربی و شرقی افریقا علیحدہ گردید .

۴ — معاهده ۱۵ مارچ ۱۸۹۴ بین فرانسه و جرمنی که بقرار آن ، سودان مرکزی بفرانسه واگذار شد و بدین ترتیب ، فرانسه توانست مقبوضات افریقای شمالی و افریقای غربی خود را با مقبوضات ناحیه کانگوی خود اتصال دهد .

۵ — پروتوکول ۲۴ مارچ و ۱۱۵ اپریل ۱۸۹۱ جهت تعیین خطوط مرحدی حوضه های نفوذ ایتالیا و انگلیس در افریقای شرقی .

۶ — قرار داد ۴ جون ۱۸۹۸ بین انگلیس و فرانسه برای تعیین حدود متصرفات مملکتین که در غرب غدر چاد وقوع داشت . و اعلامیه ضمیمه ۲۱ مارچ ۱۸۹۹ که بر وفق آن فرانسه نیل علیبارا داخل حوضه نفوذ برطانیا رسماً بشناخت .

در نتیجه این قراردادها و قرارداد های دیگری که بعد ها با اثر رقابت های برطانیا ، فرانسه ، جرمنی ، پرتگال ، اسپانیه ، ایتالیا و بلجیم عقد گردید ، حوضه های نفوذ دول مزبوره در افریقا تعیین یافت .

در اثناى جنگ عمومى ، تمام افریقا باستثنای حبشه و مقبوضات اسپانیا تأثیرات جنگ عمومى : داخل مجادله بود . در نتیجه این جنگ ، کلیه متصرفات جرمنی بین دول فاتح تقسیم گردید . محاربات و سوق الجیشی ها ، و خصوص استعمال طیاره به کشف و تزئید اطلاعات در خاک افریقا کمک نمود . نقشه های صحیح و مفیدی از حصص مختلف بر اعظم ساخته شد و برده از روی بسی جهولات این قاره تاریخ بر افتاد .

تغییرات سیاسی اخیرہ در خاک افریقا : خیلی ها دستخوش تبدلات گردید . در سال ۱۹۱۰ مستمرات برطانوی از قبیل کبیب ، نائال ، ترانسوال ، و دریای آرنج بصورت « اتحادیه افریقای جنوب »

و بزرگترین حکومت و یک مجلس مقننه در آمد. در سال ۱۹۱۱ قسمت بزرگی از افریقای استوایی فرانسوی به کامرون جرمنی الحاق، و در عوض نفوذ و سلطه فرانسه در موراگو از طرف جرمنی شناخته شد. در ۳۰ مارچ ۱۹۱۲ معاهده تحت الحمايه گمی بین فرانسه و سلطان سزاکنش به مقام « فاس » با مضا رسید. در ۲۷ نومبر همین سال با اثر قرار داد بین فرانسه و اسپانیه، مناطق نفوذ اسپانیا در موراگو تعیین شد. نیز همین سال ۱۹۱۲ ولایات تریپولی و بن غازی (سیرانیکا) متصرفه ترکیه که مشترکاً لیبیا نامیده میشود، به ایتالیا ضمیمه گردید. در دسامبر ۱۹۱۴ حق حمایت انگلستان بالای مصر اعلان شد اما در فروری ۱۹۲۲ برطانیای کبیر، استقلال مصر را شناخت. و وضیت سودان برطانوی مصری بلا تغییر ماند.

در سال ۱۹۱۹، با اثر معاهده و رسای، تمام مقبوضات ماورای ابحار جرمنی به فاتحین جنگ عمومی داده شد. چنانچه افریقای جنوب غربی جرمنی در تحت قیمومیت اتحادیه افریقای جنوبی در آمد - نوکلیند بین فرانسه و برطانیای تقسام یافت - فرانسه با ستثنای قسمت قلبی از ناحیه کیمرون (که به زیراداره نایجیریای برطانیوی گذارده شد) قیم مابقی قسمت کیمرون گردید - برطانیای افریقای شرقی جرمنی را بنام قیمومیت صرف نمود و بعد ها با اثر قرار داد بین برطانیای و بلجیم موخرالذکر قیم ولایات « روانا » و « اوروندی » گردید. از ۱۹۲۰ - ۱۹۲۵ ایتالیا بموافقت فرانسه، منطقه تریپولی و بن غازی را بموافقت برطانیای منطقه شمالی لیند ایتالوی را وسعت بخشید.

در نتیجه این تحولات، افریقا از روی مساحه بقرار ذیل در بین دول اروپائی تقسام یافت (خطه های قیمومیتی نیز شامل متصرفات دولت متذکره میباشد) :

فرانسه	۱۱۰۵۱۳۰۹۰	مربع کیلومتر
برطانیای (بشمولیت سودان برطانوی)	۱۰۲۲۳۰۴۰۰	»
بلجیم	۲۰۴۱۵۸۰۰	»
پرتگال	۲۱۰۰۰۰۰	»
ایتالیا	۲۰۴۲۳۱۱۹	»
مصر	۹۹۴۰۰۰	»
ابن سینیا (حبشه)	۹۰۸۰۰۰	»
اسپانیا (بشمولیت حوضه های تفرده اسپانیا در موراگو)	۳۹۹۶۰۰	»
لا بیریا	۹۵۰۰۰	»

بعد از کشمکش ها و گیر و دار های درازی، بالاخره تقسیمات سیاسی حاضره افریقا: امروز قاره بزرگه افریقا، به دول و مقبوضات خارجی ذیل ملقومی باشد:

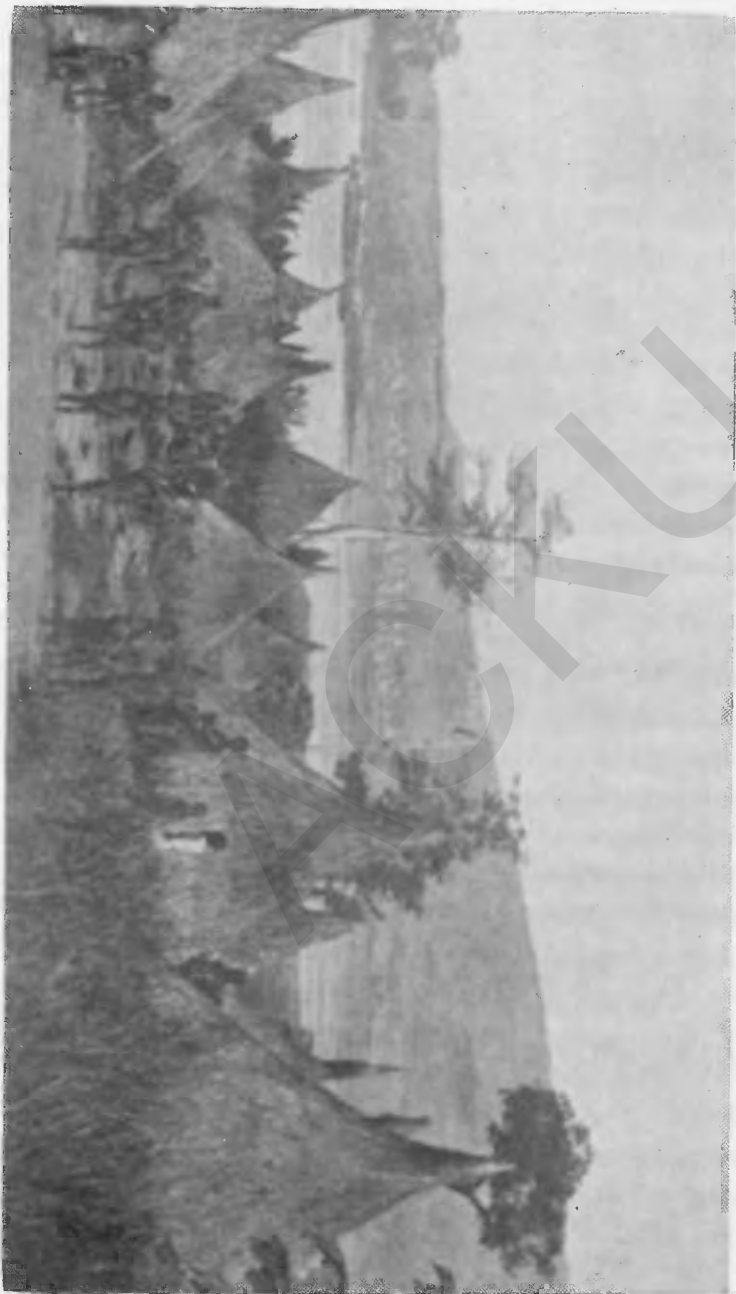
- ۱ - دول مستقل: حبشستان - لایبیریا - مصر.
- ۲ - مقبوضات و تحت الحمايه گمی ها و اراضی زیر قیمومیت دول اروپائی (برطانیای - فرانسه - ایتالیا - پرتگال - اسپانیه - بلجیم) :

الف - مقبوضات انگلیس (بشمولیت ممالک تحت الحمايه و تحت قیمومیت) : - اتحادیه افریقای جنوبی
 ب - مپیت سوازی لیند، باستولیند، بیچوانالیند و رودیشیا - نایجیریا، گولند کوست، سیرالیون، کبیبیا
 ج - ماسالیند، زنگبار، بوگیندا، کینیا - شمالی لیند برطانوی، سودان مصری برطانوی - مناطق قیمومیتی تانگانیکا -



یکی از کوچه های شهر آدیس ابابا (حبشستان)

چپ‌های نخل و طوطی‌تکان امداد کابو که برای دفاع از بارانهای استوائی به این شکل ساخته اند



افریقای جنوب غربی و جزائر عدیده از قبیل: سینت هلینا، ایسنشن- ترستان داکنها، سیشل و غیره.

ب: مقبوضات فرانسه: (۳۰ فیصد تمام خاک افریقا)، الجیریا (الجزائر)، قسمت اعظم موراگو، مارتینیا، سنی گال- گینی فرانسوی - ساحل عاج (آبوری کوست) - داهومی، توکولیند (زیر قومیت)، سودان فرانسوی، و افریقای غربی فرانسوی (صحرای اعظم) - افریقای استوائی فرانسوی - شمالی لیند فرانسوی و جزیره مدغاسکر.

ج: مقبوضات برتگال: افریقای غربی برتگالی (بشوایت آنکولا و بنکویلا) - گینی برتگالی و موزمبیق.

د: مقبوضات بلجیم: کانگوی بلجیمی.

ه: مقبوضات اسپانیا: قسمتی از موراگو (منطقه اسپانوی وافنی) - رادیودی اورو (بجز اثر کینزی) و ایومونی، و فرناندویو.

و: مقبوضات ایتالیا: لیبیا (تریولی، تانیا و سیری ناپکا)، اریتریا، شمالی لیند ایتالوی.

۳ - منطقه بین المللی: تنجیر (طنجه).

پس از آنکه یک نظر عمومی بتاریخ افریقا انداخته شد اینک باساس سال های گذشته به شرح تاریخچه افراد ای ممالک افریقای بردازیم:

ابی سینیا (حبشستان)

ابی سینیا یا حبشستان که نام رسمی آن «ایتیویا» است، مملکت مستقلی است در افریقای شمال شرقی که غالباً مابین ۱۰ درجه و ۳۵ درجه و ۴۲ درجه شرق واقع میباشد. از طرف شمال با اریتریا، ایتالوی، از جانب مغرب با سودان مصری انگلیسی، از سمت جنوب مغرب و جنوب با یوگندا و گینیا، از جهت جنوب مشرق و مشرق با شمالی لیند، برطانوی و شمالی لیند ایتالوی و شمالی لیند فرانسوی محاط است. بدینگونه هیچ سمت آن متصل ببحر واقع نمیشد. حبشستان بدو حصه منقسم است: اول حبشستان خاص (یعنی دولت قدیم ایتوییا که مشتمل است بر تیگره، امهارا، گوجام و فسقی از شوا) به سمت سطوح مرتفع جنوب غربی گالا و بقیه شوا که رو به رفته یک واحد جغرافیائی را تشکیل میدهد. دوم فلات شمالی لیند حش به شمولت هرار. مساحت حبشستان تقریباً ۳۰۰.۰۰۰ مربع میل (که یک ربع آن شمالی لیند حشبه میباشد) و نفوس آن در حدود ده میلیون نفر است که از آنجمله قریب چهار و نیم میلیون مسلمان اند.

حبشستان یا اقل قسمت شمالی آن، شامل مملکتی بود که قدماً آنرا ایتوییا مینامیدند، و حدود شمالی آن باری ناسیرین (ساحل لیبیای ایتالوی) میرسید. روابط مصر و ایتوییا در ازمنه قدیم خیلی نزدیک بوده و گاه گاه هر دو مملکت در تحت یک حکمران اداره می شده و بدین طریق طبعاً فنون و تمدن یکی با دیگری آمیزش یافته بود. در ادوار کهن، عبریها نیز با ایتوییا روابط تجاری داشتند. و برار روایات حبشستانیها، بلقیس ملکه سبا، که به عهد ازدواج حضرت سلیمان (ع) در آمده بود، حکمران آنها بوده و شاهان حبشه ادعا دارند که از پسرش «منلیک» بوجود آمده اند. یهود نیز در دوران اسارت، درین سرزمین مسکن گزیده علم و مذهب یهود را با خود آوردند. در عهد اقتدار بطلمیوسها، فنون یونانیها در ایتوییا معرفی و مستقرات یونانی در آنجا تأسیس یافت. از قرائن معلوم گردیده که از همین مستقرات یونانیها، سلطنت آنتونم

(که از قرن اول تا قرن ۷ میلادی رونق داشت و تقریباً تمام حبشستان خاص را در بر گرفته بود) پدید آمد. پایتخت این سلطنت که مقام اقسوم بود و بندرگاه آن آدولس، درین وقت مراکز عمده تجارت خاک طلا، عاج، چرم و پته‌های خوشبوی با داخله خاک افریقا محسوب میگردید.

در قرن ۴ میلادی دین مسیح به حبشستان معرفی و از نفوذ یهود کاسته شد. در اوائل قرن ۶ میلادی شاهان حبیره که ساحل مقابل بحر قزقم سلطنت داشتند با مسیحیون ظلم و استبداد نموده، جستینین اول، امیر اطور رومای شرقی از شاه اقسوم «کابل» التماس کرد که بداد آنها برسد. کابل فشونی کرد آورده به حبشستان رفت و عین را (در حدود ۵۲۰ میلادی) فتح نمود، و این منطقه مدت ۵۰ سال تابع ایتوییا بود و این دوره، عصر مشعشی در تاریخ ایتوییا بشمار میرود. ایتوییائی‌ها غنی‌ترین حصه عربستان را مالک بودند و تجارت آنها تاهند و سیلون رسیده و با امپراطوری یونان مرادوات لایقطع داشتند.

در آغاز ظهور اسلام، نجاشی امپراطور حبشه با مسلمانان مهاجر، رویه خوبی نموده نامه مقدس حضرت محمد مصطفی (ص) را بکمال احترام پذیرفت و گویند در باطن مسلمان هم شده بود. در قرن هفتم که عیسویت تازه در حبشه قوت گرفته و کاتولیک‌های قدیم ضعیف شدند حبشی‌ها بدستکاری اقوام اسرائیلی، سلالة سلیمانیه را از حکومت برانداختند و بجای آن (ایستر) اسرائیلی نشست. بنابراین سلطنت یهود در حبشه مدت دو قرن دوام کرد. در قرن ۱۲ عیسوی که اسرائیلی‌ها مغلوب شدند حکومت حبشه دوباره بسلالة سلیمانیه رسید. از جمله امپراطورهای حبشه (لالی بیلا) یا مور کلیسایی حبشه رونق داده با مسلمانان مخالفت‌های شدیدی آغاز نمود و مسلمانان هم پس از آنکه حبشی‌ها را ازین کشیدند بر محاصره نظامی حبشه شروع نمودند.

از مدت مدیدی در اور و یا شیوع داشت که در شرق اقصی یک سلطنت مسیحی وجود دارد و پادشاه آن «پرسترجان» است. بنابراین هیئت‌های عدیده در تلاش این سلطنت اعزام یافته بود. از آنجمله هیئت پرتگالی در ۱۴۹۰ به حبشستان رسیده، و بحیال اینکه به سلطنت مسیحی شرق اقصی رسیده است. نامه پادشاه پرتگال را که بعنوان پرسترجان بود، به نیکوس (امپراطور) حبشه تقدیم نمود. در ۱۵۰۷ امپراطور حبشه؛ بکنفر آرمینائی و او به دربار شاه پرتگال جهت معاونت با او و محاربه بر علیه مسلمین فرستاد در ۱۵۲۰ یکدسته جہازات بحری پرتگالی داخل بحر قزقم شده و سفیری از طرف پادشاه پرتگال بحضور امپراطور حبشه (لبنادنگل - یاداؤد دوم) مشرف شد. در بین سنوات ۱۵۲۸ و ۱۵۴۰ عساکر محمد کرانی (سلطان زیله) به حبشه داخل شده مملکت را تاخت و تاز نمود و امپراطور را مجبور کرد که در حصارهای کوهی پناه برد. در جولائی ۱۵۴۱ افواج پرتگال به معاونت امپراطور حبشه وارد حبشستان گردیده با «محمد کرانی» مجادلات نمودند، و بالاخره «محمد کرانی» مقتول و عساکرش یا شان شد. بعد ازین منازعه پرتگال و پادشاه حبشه در خصوص قبول کردن دین مسیح آغاز شد - زیرا امپراطور از پذیرفتن مذهب عیسوی استنکاف داشت. در اوائل قرن ۱۷ مبلغ معروف مسیحی (بیدر ویز) به فریونا (نزدیک ادوا) رسیده و چون شخص لایق و ماهری بود، امپراطور را هم گرویده دین مسیح گردانید. و به رهنمائی او کلیساها، قصرها و بیل‌ها در مختلف حصص حبشستان آباد گردید. ضمناً سیاحین اروپائی هم در آنجا روی آوردند.

برای فهمیدن تاریخ بومی حبشه باید بجا طر داشت که حبشستان از مدت سه صد سال گذشته و بلکه زیاده تر، هجرت بوده از اجتماع ولایات و علاقه جات غیر محدود که عموماً با هم را بهانه جز منازعات و مجادلات نداشتند. ولایات عمده آن، نیکره (شمالی) - امهاریا (مرکزی) - گوجام (شمال غربی) و شوا (جنوبی) و مرکز حکومت بالعموم در «امهاریا» بوده و مرکز آن، شهر «نیکره سانگا» است. «یاد نجاشی» (پنی شاه شاهان یا امپراطور) لقب میداد و حتی ملقب و از ولایات دیگر خراج میگرفت. بعضی از حکمرانان ولایات بزرگ نیز گاه خود هارا «نیکوس» مینامیدند.

تاریخچه مختصر افریقا

و بدین طریق گویا در عین حال چند نجاشی در مملکت فرمانروائی داشت. در حقیقت تمام تاریخ حبشه، از زحمات بعضی شاهان منور الفکر، کشتارهای خونین، عملیات وحشیانه و حکومت‌های ناپایدار غاصبینی حکایت میکند که خودها را قائم کرده توانسته و متواتراً سلطنت را بدیگری گذاشته و تاخت و تازها و اغتشاشات را بروی کار آورده‌اند. مثلاً در زمان «یکونو املاک» (۱۲۶۸) شاه سلسله سلیمانیه، سلطنت حبشستان دو باره متحد میشود، مگر در قرن ۱۸ اقتدار نجاشی محض بنام باقی میماند، و حکمرانان تیکره و امهارا یکی بعد دیگری حکمران حقیقی میباشند. و بین آنها مجادلات دائمی و بدون نتیجه جاری میماند تا آنکه «کاسا» (شاه تیودور) ظهور میکند.

لیج کاسا در «کوارا» (علاقه کوچکی در امهارای غربی) بسال ۱۸۱۸ تولد شاه تیودور شد. پدرش یکی از خوانین محلی و عمویش گورنر علاقه حات و بی، کوارا و چلکا واقع در بین غدیر تسانا و مرحد غیر همین شمال غربی، بود. تعلیمات ابتدائی را در یک کلیسا حاصل کرد. اما رغبت زیادی به زندگی فعال و با نشاط داشته و از آنجا که خیلی لایق و با استعداد بود، فوری به مراسم خویش کامیاب شد. کاسا بعد از مرگ عمویش، رئیس «کوارا» مقرر شد، اما در نتیجه اسیر شدن برادرش بدست راس علی، بر علیه آخرالذکر علم بغاوت بر افراشت و افواج بزرگ گرد آورده (در ۱۸۴۱-۱۸۴۷) قوای راس علی را شکست‌های متواتر داد. بعد از آن دختر راس علی را گرفته صلح کرد. و توجه خود را بطرف ترک‌ها معطوف نمود مگر به مقام «ماساوا» شکست خورد. و قتیکه عیال راس علی از بن مغلوبیتش او را تحقیر کرد، «کاسا» اعلان استقلال داد. و چون قوتش روز بروز می افزود، راس علی و آیه بر طبله او متحد شدند. مگر «کاسا» هر دورا به مقام گورگورا (بساحلی جنوبی غدیر تسانا) در سال ۱۸۵۳ شکست فاحش داد. آیه به تیکره و راس علی به «بکیدر» گریخت. در بین وقت «کاسا» بر «امهارا» حکومت میکرد. ولی از آنجا که احساسات جاه طلبانه در نهادش مرکوز بود، گوجام و تیکره را هم فتح و بعنوان نجاشی ایتویسا و لقب تیودور دوم حکمران حبشستان گردید.

درین وقت ولایت «شوا» هنوز مطبعم نشده بود. در ۱۸۱۳ ساهالی سلامی پسر کوچک «واسن» میگنید، حکمران سابق شوا، خود را پادشاه ایفات، شوا و کالا اعلان کرد و مدت درازی بخوبی حکومت نمود و با اروپائیان روابط خوبی داشت. چنانکه نماینده گورنر جنرال هند را در ۱۸۵۱ از لوئی فلیپ پادشاه فرانسه را در ۱۸۴۳ پذیرفته و با آنها معاهدات دوستانه بست. در ۱۸۴۷ پسر بزرگش، هلی ملیکاف جانشین او گردیده و در ۱۸۵۰ با راس علی بر علیه تیودور عقد معاهده نمود.

بنا بر آن تیودور در ۱۸۴۴ با عسکر بزرگی بولایت شوا روی آورد. در حین محاربه ملیکات تب کرده بمرد و پسر یازده ساله خود (منلیک) را جانشین خویش مقرر کرد (نومبر ۱۸۵۵). منلیک پس از چنگک شدیدی شکست خورد و تیودور او را به «کوندار» برده و در خدمت خود گماشت. درین وقت دولت تیودور باوج ارتقای خود رسیده بود و شخص تیودور نیز در عین حال صاحب تدبیر و شمشیر بود اما بعد از آنکه عیالش (دختر راس علی) بمرد و دختر راس تیکره را ازدواج نمود اخلاش تغییر کرده ظلم و شراب خوری را پیشه نمود و در محاربات با علاقه کالا خیلی ظالمانه رفتار کرد، بدین وسیله مردم بر علیه او برانگیختند و قدرتش رو بسقوط گذاشت.

در اکتوبر ۱۸۶۲ تیودور، کپتان کامرون انگلیس را (که مقرر شده بود بعد از مستر یلودون قونسل حبشه شود) با مکتوبی بانگلستان فرستاد اما حکومت انگلستان، مکتوبش را نخوانده بک گوشه نهاد چندی بعد کامرون واپس آمد اما جواب مکتوب را نیاورده بود. این وضعیت و نیز سفر کامرون

پسر حداد شهر کاسالا بمصر، تیودور را برانگیخت و او را با چند نفر دیگر از اعضای فونسل خانه اسیر نمود. و قتیکه انگلستان ازین واقعه خبر شد در حالیکه کار از کار رفته بود، جواب مکتوب تیودور را نوشته بفرستاد مگر تیودور اسرا را رها ننمود. بدین درجولائی ۱۸۶۷ قشون که بر ۲۲۰۰۰ نفر بالغ میشد بمصر کردگی «مرا برت بیبر» به حبسه فرستاده شد درین وقت قوه تیودور ضعیف شده بود. ولایات شوا و گوجام از زیر اقتدارش برآمده و والکیت و سین در حال اغتشاش بود. تیودور که درین وقت به مقام «درا آتور» حکومت داشت از دست افواج انگلیس شکست فاحشی خورده شهر را در داد و بابتیه افواج خود به «ما گدالا» رفت اما در اینجا نیز مغلوب و کشته شد، همچون راس تیگره درین سوق الجبشی ها با انگلیس کت زیاد نموده بود انگلیس ها هم ذخائر حربی خود را به او داده و عساکر انگلیس حبسه را دری ۱۸۶۸ ترک گفت.

شهبزاده منلیک که در تیگره بزرگترین سراقیت تیودور بود، از جنگ او راس تیگره و منلیک دوم: و برطانیاستفاده کرده بگریخت و بنزد «وارکتو» (ملکه ولایت گالا) رفت. تیودور ملکه را تهدید نمود که اگر منلیک را با او ندهد پسرش را که در نزد اوست خواهد کشت. اما ملکه با شهادت انکار نموده، پسر و نخت خود را از دست داد. منلیک از اینجا فرار کرده به «شوا» رسید و در آنجا خود را نجاشی اعلان نمود و مدت سه سال عساکر خود را تقویه کرد. شهرها را بنا و تاخت و تاز «گالاها» را دفاع می نمود. و بعد از مرگ تیودور (۱۲ ابریل ۱۸۶۸) آتقدار اقتدار پیدا کرد که نجویز نمود عملیات تعرضی را بر علیه شهبزادگان شمالی اجرا نماید. اما درین وقت (۱۸۷۲) راس تیگره در شمال کمب قدرت نموده بود، و با اسلحه که انگلیس ها با او داده بودند، باره (راس تیگره) و اکثر گوباسی (راس امهارا) و تکلا کیورجس، (راس گوندار) را شکست داده بعنوان جو هانس (یا چون) نجاشی حبسه گردید و ترتیب سوق الجبشی را به «شوا» بدست گرفت. مگر منلیک بواسطه مصر از تیاها احتمالی نجات یافت. تفصیل اینکه مصر حسب مشوره «ورزومون زنگر» (که درین وقت از طرف حکومت سوئیس، گورنر «ماساوا» بود) بخیاض ضمیمه حبسه بمصر، ولایت شمالی بوکوس را اشغال کرد. جو هانس بعد از روئت شهبندی قشون کرد آورده به مقابل مصرها برفت و در نزدیک دریای مارب و بعد در «گوندت» مصرها را شکست فاحشی داد (۱۳ نومبر ۱۸۷۵) در بهار سال آینده مصرها بغرض انتقام، قشونی به تعداد ۱۴ هزار نفر بصر کردگی را ترتیب پاشا ولورنگ (اسر بکائی) و شهبزاده حسان آراسته به «گورا» سوق دادند، و اگر چه «وآلامیکائیل» به آنها کمک نمود، مگر این سرتبه نیز (در ۲۵ مارچ ۱۸۷۶) شکست فاحشی خورده برگشتند. بعد از آن جو هانس «شوا» را تسخیر و منلیک را تابع خود ساخت (مارچ ۱۸۷۸).

در مارچ ۱۸۷۰ یک کینی ایتالوی، بندرگاه «آساب» را که ظهور ایتالوی ها در حدسه. قریب مدخل جنوبی بحر قزقم واقع است از سلطان محلی خریداری نمودند. و در ۱۸۷۹ و ۱۸۸۰ رسی شهبندی در آن منطقه بدست آوردند. این اراضی و بندرگاه را حکومت ایتالیا در ۱۸۸۲ از شرکت شهبور ایتالیایی نمود. در همین سال «کاوت پیتروآنتونیلی» از طرف حکومت ایتالیا به «شوا» اعزام یافت تا با «منلیک» و سلطان «اوسا» معاهدات بسته با لوسبله راجع به اصلاح آتیه این مستعمره داخل اقدامات شود. و قتیکه ایتالیا در جنوری ۱۸۸۵ بندرگاه شمال خلیج آساب و در فروری همین سال مقام «ماساوا» را از مصر گرفت. «جو هانس» و «منلیک» هر دو اظهار عدم رضایت نمودند زیرا بقرار معاهده بین برطانیای مصر عبور و مرور مال التجاره از بندرگاه شهبور آزاد و مجاز قرار داده شده بود. در جنوری ۱۸۸۷ حبسه به «ژنرال جینی» ایتالوی امر داد که عساکر خود را از «دوگالی» عقب ببرد اما ژنرال مذکور انکار کرده در نتیجه حبسه «دوگالی» را محاصره و از چله بکظمه ۵۰۰ نفری ایتالوی، قریب ۴۰۰ نفر را بقتل رسانیدند. ایتالیا افواج شهبندی اعزام داشت

تاریخچه مختصر افریقا

درین ضمن برطانیہ قدم پیش گذارده خواست مصالحہ شود مگر مسامحہ او عقیم مانده و در اپریل ۱۸۸۸ قریب ۲۰۰۰۰ عسکر ایتالیوی مقابل افواج حبشه گردید . آمادہ کارزار شدند ولی درین حین مذاکرہ جای محاربه را گرفته ، بالنتیجہ ہر دو قشون رجعت کردند . و ایتالیا از آن جہ ۵۰۰۰ نفر را در اریتریا (کہ درین وقت مستمرہ او نامیدہ می شد) گذاشت . ضمناً جوہانس با درویش متمہدی نیز کہ درین زمان مالک سودان مصری بود ، داخل محاربه بود . بالاخرہ در جنگ بزرگی بہ مقام «کالابا» افواج درویش را شکست داد مگر درین هنگام گولہ شاہ حبشستان را از یاد در آورد و عساکر حبشه مراجعت نمودند . شاہ بوقت شب در گذشت و نعش بدست دشمن افتاد (۹ مارچ ۱۸۸۹) .

بہ مجردیکہ خبر فوت جوہانس بگوش منلیک رسید خود را امیراطور منلیک دوم امیراطور حبشه : (نیکوس یا نجاشی) حبشه اعلان کرد و «گوندار» ، گوجام و چندین لایات دیگر و بعد ہا مانگاشا (پسر وارث جوہانس) بہ او بیعت نمود . «کانت آتونیلی» کہ در زمان جلوس منلیک بنزدش بود فوراً (در ۲ می ۱۸۸۹) بفتح ایتالیا با امیراطوریک معاہدہ دوستانہ بست کہ بعد ہا بنام «معاہدہ اوکشالی» معروف می شود . در نتیجہ این معاہدہ ، سرحدات بین حبشه و مستملکات ایتالیا مقرر شد ، و امیراطور حبشه عہد کرد کہ در وقت مذاکرہ با دیگر دول از حکومت ایتالیا مشورہ خواہد گرفت . از طرف دیگر ایتالیا آسمارا را اشغال نمود ، «مانگاشا» را دوست خود ساخت و راس ماگونن (راس ہزار را کہ منلیک آنرا در جنوری ۱۸۸۷ فتح نموده بود) بعنوان وزیرخنا رجبشہ در ایتالیا پذیرفت . و از جریانات امورچنان معلوم می شد کہ خصوصاً مملکتین بہ خاتمہ رسیدہ است . مدت سہ سال دیگر ، حبشہ آرام بود و از وقایع مهم آن معاہدہ ۶ فروری ۱۸۹۱ با ایتالیا - پروتوکول های ۲۴ مارچ ۱۵ و ۱۰ اپریل ۱۸۹۱ بین ایتالیا و برطانیہ - و اعلامیہ ۱۰ اپریل ۱۸۹۱ منلیک است کہ ہمہ آنہا در خصوص سرحدات حبشه بود . اما از آن جا کہ مناسبات دوستانہ ایتالیا از یکطرف با «مانگاشا» و نیکرہ و از طرف دیگر با برطانیہ روز بروز می افزود ، برای منلیک اسباب خیالات پیدا شدہ در فروری ۱۸۹۳ معاہدہ اوکشالی را لغو قرار داد . ضمناً در اویش متمہدی م اریتریا را تہدید میکردند - بنا بران افواج ایتالیا در ۲۱ دسمبر ۱۸۹۳ «اکوردات» را و در ۱۷ جولائی ۱۸۹۴ بسرکردگی کرنیل «باراتیری» «کاسالا» را تصرف نمود . ضمناً «باراتیری» خبر شد کہ «مانگاشا» با درویش من بوس سازش نموده و از سرحدات اریتریا گذشتہ اند ؛ بنا بران فوراً بہ مقابل دشمن شتافتہ بہ مقام کوت و سناہ (۱۳-۱۵ جنوری ۱۸۹۵) مانگاشا را شکست داد و در مارچ همین سال «آدی گرات» را اشغال کردہ بطرف جنوب پیش رفت درین اثنا منلیک از نقطہ نظریت بہ معاونت مانگاشا سوق قشون دادہ ایتالیا ہارا در «امبا اولاک» (۷ دسمبر ۱۸۹۵) و ماکالی (۲۱ جنوری ۱۸۹۶) ہزیمت و مجبور بہ عقب نشینی نمود . ضمناً قوای دیگر ایتالیوی در «ماساوا» جمع شدہ و در فروری همین سال «باراتیری» بسرکردگی ۱۳۰۰۰ عسکر پیش آمدہ قشون منلیک کہ بالغ بر ۹۰۰۰۰ نفر بود درین وقت پیشرفتہ موضع محکمی را در ابا گاریما (نزدیک آدوا) اشغال کردند - در اول مارچ ۱۸۹۶ باراتیری حملہ آورندہ و محاربه معروف آدوا آغاز یافت و بعد از مقابلہ شدیدی ایتالیوی ہا شکست فاحش خوردند . تلفات ایتالیوی ہا درین جنگ قریب ۸۰۰۰ تن و از حبشه در حدود ۴۰۰۰ تن بود در ۲۶ اکتوبر معاہدہ صلح در ادیس ابابا امضا شدہ . بر طبق آن معاہدہ «اوکشالی» ملتی و ایتالیا استقلال و تمامیت حبشه را تسلیم کرد . بعد ازین دیگر معاہدات م باضا رسیدہ سرحدات اریتریا و حبشه و سمالی لیند ایتالیا و حبشه تعیین گردید .

محاربه آدوا و غلبہ حبشه ، انظار دول معظمہ را بہ حبشه معطوف نموده ہیئت ہائی از روسیہ ، برطانیہ و فرانسه بہ حبشستان اعزام یافت و از طرف منلیک دوستانہ پذیرائی شد . در ۱۸۹۸ منلیک ، «مانگاشا»

را که مجدداً شورش کرده بود مطیع ساخت و بعداً در مختلف حصص مملکت که هنوز کاملاً مطیع نبودند (خصوصاً گالاها) سوق الجیشیها نمود و همه را تابع و ولایات زیادی را به قلمرو خویش ضمیمه نمود. در ۱۵ می ۱۹۰۲ ماهده بین حبشه و برطانیا راجع به تعیین سرحدات حبشه و سودان با مضار سید - و بلاوه منلیک موافقت نمود که آبهای غدیر تسانا، نیل آبی و دریای سوبات را آنطور که به مسئله آبیاری نیل و مصر بر بخورد، همانند نخواهد کرد. منلیک سعی داشت حبشه را به حیات مصری آشنا سازد و درین مقصد از مشاورین سوئسی و فرانسوی استفاده ها گرفت و فرانسویها را اجازه داد که خط آهن را از بندرگاه جیبوتی (بندرگاه شمالی لیند فرانسوی در بحر قزقم) تا ادیس ابابا تعمیر نمایند. ضمناً مملکت بروی خارجیها باز گردیده نمایندگان دول معظمه اوروپائی در پایتخت حبشه اعزام یافت. در دسامبر ۱۹۰۶ انگلیس، فرانسه و ایتالیا قرار داد نمودند که نظر به مفاد خویش، در صورت اغتشاش احتمالی در حبشه، برای تمامیت آن سعی ورزند. راس ماکونن، پسر منلیک و « مانگاشا » برادر زاده اش هر دو در سال ۱۹۰۶ در گذشتند و خود منلیک نیز بعد از اینکه ملوک الطوائفی را بر طرف و مملکت را صاحب قدرت و سطوت نمود، در ۱۹۱۳ فوت کرد و بجایش « لیج یاسو » نواسه دختری او بتحریر ملکه جلوس نمود. چندی بعد در انبای جنگ عمومی آلمان و ترکیه بغرض اینکه انگلیسها را در آفریقه دچار مشکلات نمایند کنترل نظامی خودها را در بحر قزقم قایم کردند، و هم بدین جهت بجایش « لیج یاسو » را ترغیب بدین اسلام نمودند اما این حرکت نجاشی در حبشه نصرانی بد تلقی شده او را خلع و بجایش « زاودیتو » دختر امپراطور منلیک را در فروری ۱۹۱۷ ملکه حبشه اعلاّت نمودند و برادر زاده او راس تقاری را که پسر ولیمهد متوفی (راس ماکونن) و نواسه منلیک دوم است، نائب السلطنه و وارث تاج و تخت حبشه تعیین داشتند - راس تقاری مدت پنجسال با « لیج یاسو » نجاشی مخلوع و بدرش راس میکائیل جنگیده آنها را مضعل نمود و راس میکائیل را اسیر و لیج یاسو را در ولایت تیگره آواره ساخت و بعداً او را هم توقیف کرد.

راس تقاری « ویزارومین » نواسه دختری راس میکائیل را در ۱۹۱۲ از دواج کرده بود و از مشارالیهاسه پسر و سه دختر بوجود آمده و بدین طریق چانشین از نسل هیلاسلامی بزرگ و سلسله سلطانیه تهیه نموده است و این مسئله برای امنیت داخلی حبشه منتهای درجه اهمیت دارد. زیرا « لیج یاسو » یا اینکه اسیر میباشد هنوز زنده است. و راس کاسا، مقتدرترین شخص حبشستان نیز از همان سلاله میباشد.

مرحدات حبشه با مقبوضات سه دولت مقتدر خارجی: برطانیا، فرانسه و روابط حبشه با دول خارجی: و ایتالیا محاط میباشد و از آنجمله علاقه و منافع اول الذکر در حبشه زیادترین است. زیرا اولاً تقریب ۲۰۰۰ میل اراضی برطانیا با حبشه متماس است. ثانیاً چند هزار تنه برطانیا (مرب، هندی، شمالی و غیره) در حبشه سکنا دارند. ثالثاً غدیر تسانا و نیل آبی که منبع آن در حبشه است آبهای سودان و مصر را فراهم مینماید. در ۱۹۲۵ برطانیا با ایتالیا قرار داد نمود که بجز تامین منافع مصر و سودان در خاک حبشه خیال تصرف را ندارد و ایتالیا هم تمامیت حبشه را تسلیم نمود. برطانیا معاهداتی در ۳ جون ۱۸۸۴ راجع به رفع اختلاف بین حبشه و مصر و لتو و تجارت غلامی در حبشه - و در ۱۴ می ۱۸۹۷ راجع بتجارت، سرحدات و عبور و مرور اسلحه از خاک حبشه - و در ۱۵ می ۱۹۰۲ در باب نیل آبی و غدیر تسانا - و در ۳ دسامبر ۱۹۰۷ در خصوص سرحدات و در ۱۳ اپریل ۱۹۰۹ به نسبت حصول واردات، با حبشه بسته است. امریکا در ۱۹۰۴ یک ماهده تجارتی با حبشه عقد نمود. فرانسه و ایتالیا معاهدات سرحدی با حبشه بسته اند. هالیند و جاپان در ۱۹۲۶ و ۱۹۲۷ معاهدات دوستانه و تجارتی با حبشه منعقد کردند.

راس تقاری نائب السلطنه حبشستان، از سال ۱۹۲۲ صاحب قدرت کامله در حبشه شمرده. رقی حبشستان: میشود - نامبرده برای رفاه و امنیت عمومی بقدری زحمت کشیده بود که درینوقت

تاریخچه مختصر افریقا

میرتاسر مملکت خاموش و آرام بود و مشارالیه توانست در ۱۹۲۴ مدت ۵ ماه باقریب ۲۰ نفر راس ها در ممالک اروپا سیاحت کرده طرز حیات و تمدن اروپائی را معاینه نماید. در ۲۸ ستمبر ۱۹۲۳ حبشه را رکن مجمع ملل گردانید. يك مکتب در ادیس ابابا تاسیس کرده معلمین اروپائی را برای آن استخدام کرد و عده از جوانان مملکت را برای تحصیل به امریکا، انگلستان و فرانسه اعزام نمود. جاده های متعددی تعمیر کرد. مگر هنوز انجام کار های زیادی در راه ارتقای حبشه باقیست؛ بی سوادى، وجود غلامان، اقتدار خوانین ولایات و غیره هنوز مانع ترقی حبشه شمرده می شوند. اداره مالیات و محوم امور حبشه و وضعیت دهاقین تاکنون اطمینان بخش گفته نمیشود.

در ۱۹۲۶-۱۹۲۷ مذاکرات برطانیا و حبشه در خصوص تربیم مجرای نیل آبی که جریان آب آن بزیر کنترل آورده شود، شروع شد و در نتیجه معاهده با مضار رسید که بر طبق آن برای آبیاری سودان و مصر تسهیلاتی فراهم شد و امور ساختن در نیل آبی به برطانیا منحصر گردید. در نوامبر ۱۹۲۷ حکومت حبشه تجویز کرد که توسط يك شرکت مهندسی امریکائی، يك بند در نیل آبی تعمیر نماید اما برطانیا آنرا خلاف معاهده دانسته پروتست نمود.

در دسامبر ۱۹۲۸ نایب السلطنه منبور، پادشاه حبشه گردید و بعد از مرگ ملکه در ۳- اپریل ۱۹۳۰ نجاشی (شاه شاهان یا امیر اطور) ایتویا اعلان شد. لقبش هیلا سلامی است. مشارالیه شخصی است سیامی دان و برای ارتقا و حفظ استقلال حبشه خیلی ساعی و دارای معلومات عصری و زبان انگلیسی و فرانسه را بخوبی میداند و به مطبوعات مقالات میفرستد.

در ۱۹۳۵ اموسولینی (صدر اعظم ایتالیا) برای انتقام جنگ آدو او بسط حوضه نفوذ امپراطوری ایتالیا، مسئله نفوس روز افزون ایتالیا و ضرورت جای را برای آنها و وجود تجارت غلامی را در حبشه پیش کرده، عساکر ایتالیا بوالوجه آوردند و چون حبشه از آن دفاع نمود، ایتالیا این اقدام او را تعرض بر علیه دولت ایتالیا شمرده و بدین بهانه در ۲- اکتوبر همین سال از دو طرف (اریتریا و شمالی ایتالوی) به خاک حبشه تعرض نموده و تاکنون از طرف شمال بطرف جنوب تا مقام «ماکالی» را فتح کرده است. مجمع ملل (خصوص انگلستان ازین اقدام ایتالیا که برای مصر و سودان مصری و با نتیجه بسائر مستعمرات افریقائی انگلستان و نیز بهند، مصر و خطر ناک تمام می شود) بر علیه تخطو ایتالیا از میثاق ملل، شروع به اخذ ترتیبات امتناعی و تعزیری نموده بالاخره فیصله کرد که اصدار اسلحه و خورا که به ایتالیا مر از ۱۸ نومبر عملاً ممنوع قرار داده شود و صدور مهات جنگی و غیره را به حبشه جائز قرار داد. جنگ تا کنون جاریست و ضمناً مذاکرات سری هم بین روما و پاریس و لندن جریان دارد. دیده شود حالت این کشور کن و تاریخی که در میان هزاران گیرو دارهای بی دری افریقائی، تاکنون استقلال خویش را حفظ نموده است اخیراً بکجا خواهد کشید!

لا بییریا

جمهوری لا بییریا در افریقای غربی بساحل کینی علیا واقع است. طول خط ساحلی آن تقریباً به ۲۵۰۰ میل میرسد و از سیرالیون (مستعمره برطانوی) به غرب، تا ساحل حاج (آیوری کوست، مستعمره فرانسوی) در شرق ممتد بوده و فاصله داخله خاک آن از بحر تقریباً ۲۰۰ میل میباشد. رقبه مجموعی آن تخمیناً ۴۳۰۰۰ مربع میل و نفوس آن تخمیناً ۱۰۰۰۰۰۰ نفر است که همه گان از تبادات افریقائی اند.

میگویند در ساحلی که امروز بنام لا بییریا موسوم است، تاجران ماجراجوی فرانسوی در قرن ۱۴ مسیحی قدم نهاده بودند. اما آنچه حقیقت است «بیدرو دوسترا» و دیگر دریا نوردان پرتگالی در قرن ۱۵ تمام این ساحل را نقشه کرده بودند، چنانچه تاکنون دامنه ها، دریاها، جزیره های کوچک،

و سایر مقامات مهمه این ناحیه ، اسمای پرتگالی دارند. از قرن ۱۶ بعد تاجران انگلیس ، هالیند ، جرمنی ، فرانسه و دیگر ممالک اروپا با تجارت پرتگالی ها داخل مبارزه شده بالاخره آخر الذکر را از آنجا خارج کردند در قرن ۱۸ فرانس یک یاد و بار بقدر استعمار آن افتاد در اخیر قرن ۱۸ هنگامیکه آرامندول معظمه بر اعجاز رسم غلامی و ارسال غلامان با وطن شان متفق گردید ، « گرین کوست » (ساحل لایبیریا) را برای سکونت حبشی های غلام ، موضع مناسبی انتخاب کردند . اما سیرالیون بیاعت داشتن بندر گاه خوبی اول انتخاب شد . در سال ۱۸۲۱ « انجمن استعماری امریکا » دماغه « میسورادو » را برای غلامان آزاد شده امریکا اقامتگاه مناسبی دانسته و اولین مرتبه غلامان مزبور را بدان صوب فرستادند و ازین تاریخ بعد تا با امروز حبشی ها و مولاتوها (غلامان آزاد شده یا اخلاف آنها) به دسته های کوچک کوچک ، بجز اطلس را عبور کرده ، در ساحل لایبیریا رحل اقامت می افکنند . در نیمه اول قرن ۱۹ جماعه بزرگی ازین مهاجرین وارد خاک لایبیریا شدند در سال ۱۹۲۵ تعداد غلامان آزاد شده امریکائی و اهالی لایبیریا به ۲۰۰۰۰ نفر میرسید و نصف این نفوس در مازروویا (پایتخت لایبیریا) سکونت داشت .

موسس اصلی لایبیریا « جیهودی آشمون » یک امریکائی سفید پوست بود که حسب درخواست انجمن استعماری امریکائی در سال ۱۸۲۲ برای تشکیل مستعمره دماغه « میسورادو » (به محل پایتخت امروزه) روانه شد . آشمون مستعمرین را خیلی تشجیع داده با بومی ها جنگید و آنها را مغلوب و مطیع ساخت . مشارالیه در سال ۱۸۲۴ چندی با « روبرت کرلی » (یک امریکائی سفید پوست دیگر) متفقاً درین زمینه خدمت کرد ، و آخر الذکر نام « لایبیریا » را برای این مستعمره گذاشت . وقتیکه امریکائی ها دیدند مستعمره مزبور روبه نحو گذارده است دیگر مستعمرات آزاد حبشی ها را تشکیل دادند ، و در ۱۸۳۳ « ریاست آزاد افریقائی میری لیند » در دماغه « بالاس » تاسیس یافت - (در سال ۱۸۵۷ این ریاست ، رضا کارانه به لایبیریا داده شد و کنون بنام « مملکت میری لیند » موسوم است) . ضمناً در سال ۱۸۳۶ توماس بوچانان (پسر عموی جیمز بوچانان ، که چندی رئیس جمهور امریکا بود) به حبث گورنر وارد لایبیریا شده و برای استحکام و عمر کردن این دولت جوان (که بکرات با بومیها داخل کارزار بوده و میخواست برضد خیالات آنها ، تشکیل حکومت دهد) بذل مساعی نمود . بوچانان ، (آخرین از گورنرهای سفید پوست لایبیریا) به مقام « گراندهاسا » در ستمبر ۱۸۴۱ درگذشت . و بعوض آن « جوزف جنکنز روبرتس » باشنده ورجینا (امریکای متحده) که شخص خیلی لایقی بحساب میرفت ، مقرر گردید . روبرتس مرحدات این مستعمره را وسعت داده و اوضاع اقتصادی آنرا خیلی اصلاح نمود .

وقتیکه انجمن استعماری امریکائی ابلاغ نمود که لایبیریا نباید آتیاً به اتازونی بسته باشد ، روبرتس فیصله کرد که بیکانه راهی برای حصول این منظور اینست که لایبیریا را جمهوری مستقلی اعلان کنیم . همسایگان انگلیسی و فرانسوی لایبیریا در راه مقصود روبرتس اشکالات تولید کرده نمی خواستند مستعمرین این سرزمین اجرای حکومت بنمایند . اما بالاخره لایبیریا در ۱۸۴۷ اعلان جمهوری نمود و در ۱۸۴۸ - ۱۸۴۹ از طرف انگلستان ، فرانسه و دیگر دول معظمه شناخته شد . اما اتازونی در ۱۸۶۲ استقلال آنرا تسلیم کرد .

در وقتیکه لایبیریا اعلان جمهوریت داد ، تشکیلات اسامی آن برطبق تشکیلات اسامی اتازونی تجویز شد . و اگر چه مهاجرین امریکا و اخلاف آنها (که درین وقت تعداد شان به ۳۰۰۰ نفر میرسد) برضد این تشکیل جد و جهد ورزیدند مگر ثمر ثمری نگردید . بعضی از قبایل منطقه ساحلی مذهب پروتستان و زبان انگلیسی را اختیار نمودند ، مگر اکثر بومی ها بهیات حالت بی دینی و آزادی سابق بنامندند . روبرتس اولین رئیس جمهور این خطه انتخاب شده و تا ۱۸۶۶ این عهده را بدست داشت . اما درین

اثنا حزبی در مملکت پیدا شد که اروپائیان را به نظر بی اعتمادی دیده میخواست هر چیز بدست ملت باشد. حزب مزبور با اهالی بومی برخلاف آزادی خواهان (و جمهوریت طلبان که برای پیش برد مملکت استمداد و همکاری اروپائیان را ضروری میدانستند) داخل مبارزه شده بالاخره رو برتس را خلع و «روئی» را بجایش انتخاب نمودند. در ۱۸۷۱ مذاکره نخستین قرضه خارجی (۱۰۰۰۰۰۰ پوند) در لندن بعمل آمد اما از آنجا که این قرضه برخلاف تمایل ملت بود، و نیز از آنجا که «روئی» مقصد دکتاتور بود، مردم ناراض گردیده «روئی» را خلع و در «مازو ویا» حبس کردند. مشارالیه از محبس فرار کرده اما در حالیکه میخواست در لنکر گاه به یک کشتی انگلیسی برسد غرق گردید. رئیس جمهور مخلوع (روبرتس) مجدداً امر ریاست را بعهده گرفت و تا اخیر ۱۸۷۵ بدان اشغال داشته در اوائل ۱۸۷۶ درگذشت.

بعد از مرگ روبرتس، مشکلات لایبیریا روبه تزیید گذاشت. تجارت برطانوی و ممالک سائره به اقتدار و حیثیت لایبیریاها و قومی نگذاشته باقبایل بومی آزاد آن مستقیماً معامله میکردند. حکومت لایبیریا راجع بر سرحدات متصل آیوری کوست (مستعمره فرانسه) و سیرالیوت (مستعمره انگلیس) با فرانسه و انگلستان دچار کشمکش گردید. لایبیریا کوشش داشت در داخله خاک افریقا بسط نفوذ نماید در حالیکه از کنترل سواحل که ادعا میکرد عاجز بود. در دوره تجزیه افریقا برای حل مناقشات مرحدی نیز سعی بعمل آمده و در آن باره با برطانیا در ۱۸۸۵ و با فرانسه در ۱۸۹۲ عقد معاهده گردید. در نتیجه خاک لایبیریا یک قطعه گردیده و طول خط ساحلی آن از دریای «مانو» در مغرب تا دریای کاوالی (کاوالا) در مشرق به ۳۰۰ میل رسید. درین وقت را بر جنگلات لایبیریا مورد انتفاع قرار گرفت (بیشتر عمده و مرغوب زراعت قهوه بود). در ۱۹۰۴ «آرتھر بارکلی» حبشی نژاد صدر جمهور مقرر شد، و سیاست همکاری مستقیم باقبایل بومی را معرفی و تعقیب کرد. و در ۱۹۰۸ از لندن برای اصلاحات مملکتی استقراض نمود. اما مشارالیه درین زمینه دچار اشکالات عدیده گردید، چه از یکطرف بار قرض فشار آورده و از طرف دیگر حکومت از کنترل مناطقی که در آنجا برای خارجیها امتیازات داده بود عاجز بود. اقتدار حکومت در حقیقت فقط تا ۲۰ میل در داخله مملکت حکمفرمائی داشت. مرحدات طرف آیوری کوست فرانسوی همانطور مفتوح ماند و مردمان ناراض در جنگلهای لایبیریا پناه گزین شده از آنجا در مرحدات حمله میکردند. فرانسه طاب ضمانت مرحدات شده و در ۱۹۱۰ قرار دادی بان بسته شد و ۲۰۰۰۰ مربع میل اراضی که لایبیریا ادعای حقوق میکرد و اداره نموده نمیتوانست، به فرانسه واگذار گردید.

از اوضاع ظاهر معلوم میشد که اداره و حکومت حبشیهای امریکائی، بر طبق تشکیلات اتازونی روبه سقوط میرود اما مداخلت حکومت اتازونی امور مالیاتی لایبیریا را انتظام جدیدی بخشیده و مملکت را دوباره به فعالیت آورد. راههای تجاوزات فرانسه در خاک لایبیریا سبب شد که اتازونی هیتی را در ۱۹۰۹ برای تحقیق اوضاع لایبیریا بفرستاد جرمنی نیز راجع به مالیات لایبیریا مجادله داشت حتی جهاز حربی خود موسوم به «بلنگ» را مدت یکماه دور از شهر «مازوویا» لنکر انداز کرده بود (۱۹۱۱) - اما تمام این مشکلات در جون ۱۹۱۲ با اثر استقراض بینالمللی ۱۷۰۰۰۰۰۰ دالر برای مدت ۴۰ سال، برطرف گردید. برای ضمانت این قرض، محاصیل گمرکی و محصولال معینه دیگری به داینن داده شد، و اداره آن به تحصیل دار عمومی امریکائی تفویض گردید. و تا کنون بهمین منوال است (مشارالیه مشاور مالیه حکومت لایبیریا نیز میباشد). بدین ترتیب می بینیم که کنترل مالیاتی مملکت بدست اتازونی درآمده است. یکدسته پولیس مرحدی نیز بواضع صاحبان حربی اتازونی تشکیل یافته و بالنتیجه حیثیت لایبیریا را افزود. در اوضاع جنگ عمومی جرمنیها که از استفاده حربی از مستعمرات خویش محروم شدند، در لایبیریا آمده اهالی را بر علیه مخالفین بری انگیختند و به حکومت لایبیریا و قومی گذاشتند. - از مشاهده

این حال انگلیس یک جهاز جنگی خود را به ما نرویا فرستاد - ازین رو به حکومت لایبیریا خود را طرف محاربه دیده جرمن ها را اخراج نمود . در معاهده ورسای « لایبیریا » نیز امضا کرده است . نماینده لایبیریا در کنفرانس صلح منعقدہ یاریس « کننگ » بود . کننگ در ۱۹۲۰ رئیس جمهور لایبیریا انتخاب شد و در ۱۹۲۴ مجدداً باین عہدہ باقی ماند و مرتبہ سوم نیز در (۱۹۲۸) نایل این مقام گردید . مشارالیه برای اصلاح لایبیریا بذل مساعی عموماً تا اندازه کامیاب شد و سیاست بارکلی (رئیس جمهور سابق) را بیرونی کرده با بومی های کاری مینمود و یکمده جاده ها را برای ورود در داخله خاک مملکت تجویز و تعمیر کرد . در ۱۹۲۵ برای « شرکت سنگ چغماق امریکائی » از طرف حکومت را - اینک زمین داده شد که یک بندر گاہ ، خطوط آهن و سربک ساخته با وسیله از را بر مملکت استفاده کنند (تا این زمان استفاده از منابع طبیعی لایبیریا اغلباً فراموش شده بود) از شرایط قرار داد شرکت مزبور یکی قرضی بود که به حکومت لایبیریا میداد . این مسئله سبب تنقید در آنازونی شده حکومت آنازونی را ملزم قرار دادند که شرکت خصوصی را معاونت میکند تا بالای لایبیریا کنترل نماید . ازین وقت تا کنون تجارت را بر مملکت (که در ۱۹۲۳ به . . . ۵۰۰ یوندر سیدہ بود) در دست شرکت های برطانیہ ، جرمنی و هالیند میباشد . لایبیریا با مملکت ہسپانیہ مناسبات خیلی دوستانہ دارد و در مستعمرہ ہسپانوی واقع فرناندو پو تا اندازه زیادی کارگران لایبیریا مستخدم اند .

رئیس جمهور فعلی مملکت : ایدوین بارکلی (۱۹۲۲) .

لایبیریا یکی از اعضای اصلی و ابتدائی مجمع ملل است .

مصر

مصر از معروف ترین ممالک تاریخی و مدنی دنیا بوده ، و گوشه شمال شرقی بر اعظم افریقا را تشکیل می دهد . مصر از طرف شمال با بحر مدیترانہ ، از سمت جنوب با سوڈان ، مصری انگلیسی ، از جانب شمال مشرق با فلسطین ، از جهت مشرق با بحر قزقم ، و از طرف مغرب با اطرابلس (تری پولی) و صحرای اعظم محاط است . جزیرہ نما سینائیز شامل آن میباشد .

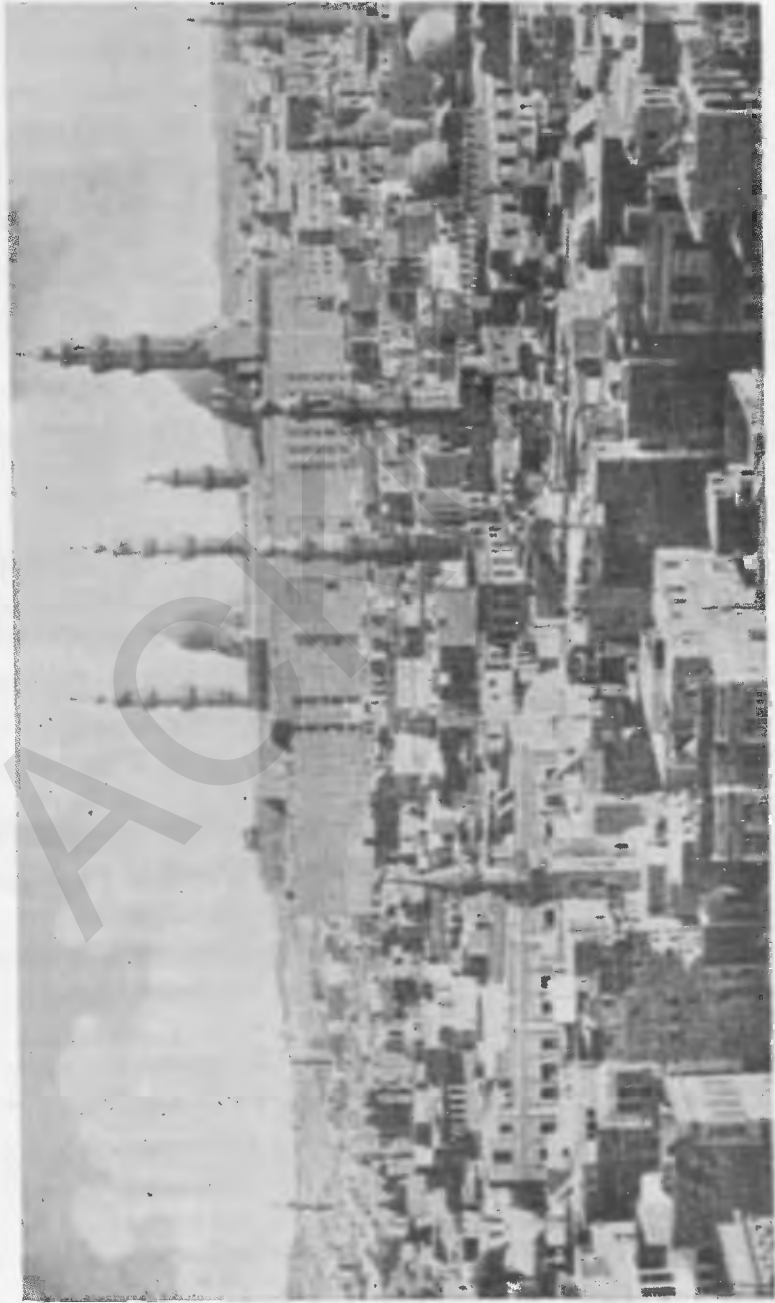
رقبہ مجموعی مصر تقریباً (۳۸۵۰۰۰) مربع میل یا متجاوز از سه برابر مساحت جزائر برطانیہ است . ازین جملہ $\frac{14}{10}$ حصہ آن صحرا میباشد . خطی که از جنوب قاهرہ بگذرد ، مملکت را بدو حصہ : مصر سفلی و مصر علیا (یا مصب و وادی نیل) تقسیم می کند .

عرب ، مصر سفلی را « اریف » و مصر علیا را « المید » می گویند . مصر را بسہ حصہ : مصر سفلی ، مصر وسطی و مصر علیا نیز تقسیم می کنند کہ بدین ترتیب مصر وسطی علائقہ بین قاهرہ و آسیوت می باشد .

نفوس مصر بقرار احصائیہ ۱۹۲۷ بالغ بر ۸۶۴ ر ۲۱۷ ر ۱۴ نفر است کہ از انجملہ ۲۶۰ ر ۱۲۹ ر ۱۲ نفر مسلمان اند .

تاریخ مصر بدو دورہ قدیم و جدید سوامی شود کہ هر کدام از ادوار مذکور بچندین دورہ ها اختوا دارد - تقسیمات آن حسب آتی است :

تاریخ قدیم : تاریخ قدیم مصر به سه دورہ متمایز قسمت شده :



از مناظر مصر : مسجد سلطان حسن و عمارات اطراف آن (قاهره)



از مناظر مصر، ابولہول غزہ کہ ۵۰۰۰ سال پیش بنا یافته و دور نمای اهرام
زمان فراغتہ (قاهرہ)

(خاندان سوم) از ۴۴۴۹ - ۴۲۳۵ ق. م. در منف می زیست - در عهد این خاندان، فن قاشی و تعمیر و جراثقال پیشرفت نمود. در زمان مذکور « مهم سقاره » آباد شد (و آن را شاه « زوسر » که در ۴۲۸۵ ق. م. سلطنت رسید بنا نمود) - در عهد مذکور بنای مهم کاذب نیز انجام شد - اما فرودگاه « رقه » که حالا سوئف خوانده میشود از ساختمانهای (سنفرو) آخرین شاه این خاندان است - این پادشاه اولین شخص است که سفاین حربی را تعمیر نمود، از معروفترین کارهای این خاندان ابوالهول است که تاکنون به نزدیک مهم جیزه باقی میباشد.

(خاندان چهارم) : از ۴۲۳۵ - ۲۹۵۱ ق. م. می زیست - در زمان این خاندان همه اهم امپکه در جیزه وجود دارد تعمیر گردید - از انجمله کلانترین آن را (خوفو) در می سال انجام نمود - اهم دوم آن را (خافوع) پسر مذکور تیار کرد، اما قسمتی از مهم سوی را شاه (کادرع) تعمیر کرد که اکنون جبه شاه مذکور در موزیم لندن وجود دارد و باقی مانده کار مهم مذکور را ملکه (نیتو خریس) از خاندان ششم انجام کرد.

(خاندان ششم) اصل این خاندان از جزیره آسوان است، و از ۱۹۵۱ - ۱۷۰۲ ق. م. در مصر حکومت نموده است.

در زمان این خاندان، اهم ام ابو سیر در جیزه تعمیر شد - از شاهان این خاندان (رع اسرآن) صاحب مقبره مشهوری است که بجانب (سقاره) واقع است - بعد از او (اناس) بر تخت سلطنت نشست، این پادشاه هم بیکه در جنوب غربی (مهم سقاره) وجود دارد تعمیر نمود.

(خاندان ششم منسی) ۳۸۰۳ - ۳۵۰۰ ق. م. زیسته است - معروفترین شاهان این خاندان (سوی رع) همان کسی است که با او بیابولیا معاربه کرده بر طو رسبنا استلا نمود و برای مصر شهرت بزرگی حاصل داشت.

در نزع و نخستین جانشین او نیز بر نو بیا بساخت و از آنجا اسرار و چیزهای زیادی با خود آورد بعد از آن (نفر - کا رع) پشاهی رسید این شخص مدت یکصد سال در مصر سلطنت نموده مجد و رونق مصر را نگاه داشت بجای این پادشاه، (سوزع دوم) بنشست - اما در شروع سال دوم سلطنت این پادشاه در مصر چنان انقلاب واقع شد که سوزع مذکور در آن کشته شد - خانم او (نیتو کریس) بعد از قتل او پشاهی رسید هر وقت میگویی وقتیکه نیتو کریس برار بیکه مصر نشست بمرض کبفر کرد از قاتل های شو هر خود چنان سرد آب یا توتلی تعمیر نمود که از نیل آغاز شده بسا لوبیکه در آن برای تمام قاتلان شو هر خود طعام مهبانی بلندی راهبیه نموده بود وصل می شد - به این مناسبت قاتلین شو هر خود در ابعالون قصر سلطنتی دعوت کرد - زمانیکه تماماً حاضر شدند سوراخ قبه مذکور را باز نمودند آب نیل بسالون مذکور داخل و تمام شان را غرق نمود - این ملکه همان است که بنای مهم سوم را در جیزه انجام کرد. و برای خودم در بلندی حجرة که پنجم سال قبل ملک (مترع) در آن مدفون شده بود مقبره زیبایی را تیار نمود.

(خاندانهای هفتم و هشتم منسی و خاندانهای نهم و دهم اهتاسی) از سنه ۲۵۰۰ - ۲۰۶۴ ق. م. از احوال این خاندان انطور چیزی معلوم نیست که قابل اعتنا باشد.

لبسوس مورخی نویسد: « در زمان مذکور بر بسیاری آثار نام (اوزیرس) نمر رود در ساختمانها توسط او معلوم میشود - درین عهد صناعت مصوری ترقی یافته شمال باعتماد قامت و گردی و کشیدگی روی امتیاز یافتند - ملت در زمان مذکور بکنایه اهمیت میدادند، چنانچه برای حفظ آنها خانه ها و محافظین تعیین

تاریخچه مختصر افریقا

داشته بکار تقویمها و سال نماها اهتمام بکار بردند. و در آنها وقت طلوع و غروب ستارگان خصوصاً از (شمس یمنی) را که ظهور آن بافیضان نیل مرسل تطبیق مینماید، تعیین نمودند.

طبقه دوم، از سنه ۳۰۶۴ - ۱۷۰۳ ق. م، از انجمله (خاندان یازدم طیبی) از ۴۰۶۴ - ۲۸۵۱ ق. م می زیسته از معروف ترین شاهان این خاندان (منتوهتیب سوم) همان پادشاه است که شمال او در جزیره کنوزاست. این پادشاه در محاربات خارجی همیشه فاتح می بوده، وقایع این سلطان در (وادی حامات بمدریت قنا) به نهایت متانت منقوش گردیده است. شاه مذکور به برستش «خیم» معبود شهر «فقط» اهمیت میداد. در موزه مصر همان آثار شاهان این خاندان که در اطراف (ذراع ابی نجبا) پیدا شده از قبیل اسلحه و آلات صنعتی وجود دارد.

(خاندان دوازدم طیبی) از ۲۸۵۱ - ۲۵۰۰ ق. م این خاندان بعد از آنکه وحدت مصر بین امرا تقسیم شده بود، درجات خود، بدور جدید وحدت ملت کامیاب شد قبل از آن برای شاه مصر بدون یک سلطه بنام چیزی باقی نبود، اما زمانیکه این خاندان در مصر روی کار آمد، نخستین کسیکه از آنها سلطنت رسید (امن - ام - هت) اول بود که تقوید اسرا را بر م زده بر قبائل «واوای» که دشمنان شدید مصریها بودند تسلط یافت و قبیله «متانبو» را که در صحرای لیبیا می زیست مغلوب ساخته مجد و عظمت قدیم مصر را احیاء نمود این پادشاه دارای هنری است و کتابی دارد که مدارس قدیم از آن استفاده خوبی میکردند.

شاه اوسرتسن اول: این فرعون مینار بلندی که اکنون در مقام عین الشمس بنام (مسلة الفرعون) موجود دارد بر پا داشته. ارتفاع آن ۲۸ ر ۳۰ متر است و بهر جانب مینار بخط مهر و غلیف القاب او تخریر است و این شخص اثر مدکور را در سال می ام سلطنت خود برای ابد بر پا داشت. در پهلوی این مینار مسلة دیگری بود که در اواخر قرن ۱۳ سقوط نمود. در پیش روی هر دو مینار هیکل نو طالع آفتاب موزوم به «قوم» وجود دارد. و مینار سوم او بجوار قریه «ابجیح» در فیوم بریاست. این فرعون از نخستین مؤسسن معبد کرناک طیبیه شمرده میشود در «نشت» م مینار دیگری دارد.

اوسرتسن دوم: در زمان خود عظمت مصر را حفظ نموده از آثار او هرم لاهوت است در مقام (فیوم). این فرعون در (فینیا) مقبره دارد که (خنوم هت) یکی از اقربای او والی مینا برای او تیار کرده. در اینجا نقوشی وجود دارد که از آن احکام و رات در همان زمان مفهوم میشود. هکذا بر خنوم (خنوم - هت) رسمهائی وجود دارد که بر کیفیت فلاح و امور عسکری، نشه های موسیقی و تزیینات مویشی تدابیر منزلی و آداب دینی و تاریخی و ملاحظات کشتی رانی - و علم حیوانات احتوا دارد.

اوسرتسن سوم: این پادشاه دارای هنرم و حزم و بهین صفات شهرت داشت. چنانکه بر خنوم توسیع مملکت خود با سلاطین نوبه نبرد آزما گردیده در وادی «حلقا» قلاع و استحکامات ساخت. و سنگها نصب نمود که دلالت بر علامات مرحدی دارد که در بین مصر و نوبه تعیین شده.

این فرعون از بسکه درجات خود محبوب بود او را هر مبارکی تصور نموده به از وفاتش مذکور را مورد پرستش قرار داده حامی مصرش میدانستند. شاه مذکور هر می دارد در «دهشور» بجنوب سقاره. یازده سال بعد از مرگش در زمان خاندان هجدهم، توتیس سوم بنام او مبدی را بر پا داشته بدور آن دهای قدیم مصری که مصری ها آنرا میسرودند نوشتند.

آمن - ام - هت سوم: پسر فرعون سالف الذکر، در فیوم عمارات بزرگی را بر پا داشت. - سلاطین چون نیل در بعضی اوقات فیضان زیادی می نمود، لابد در فیوم یک محل وسیع، حوض کلانی تیار

کرد که آب نبل در زمان کثرت به انجا ذخیره کرده می شد. این بحیره به جبری اجاطه شده بود که آن را «میری» می گفتند و یونانیها آن را بنام (مورس) یاد می کردند - این بحیره وقتیکه در زمان فیضان نبل، آب زیاد میشد مرریزه آف در بحیره دیگر طبیعی که بزرگه فارون شهرت دارد میریخت - هر دوت میگوید: «در اندرون سطح بحیره و شهر کرود کودو پولیس یا ار سینو (شهر فیوم) ساخته شده بود - در وسط بحیره دوهرم بزرگ بریا بود که بالای آنها دو شمال شاه و ملکه (سبک نفر ورا) گذاشته شده بود. رسم این بزرگه در موزیم مصر محفوظ است - از کارهای این فرعون شهر مشهوری است که از جهت غرابت آن مورخین قدیم گمان می کردند که شهر مذکور يك قصر است و آنرا (لایرانه) می گفتند، و امیان مملکت در آن مجلس می نمودند. در جوار شهر مذکور، فرعون مزبور، هرم (هوارة القنطلم) را بریا داشته بود - در وادی حمامات آنار دیگری دارد و از آن فهمیده میشود که شاه مذکور با استخراج معدن هم موفق شده و مهم ترین آن فیروزه بوده که از طور سینا بدست می آورد.

ملکه سبک - نفرو را، زوجه شاه مذکور خواهر (امن - اامت چهارم) بعد از فوت برادر خود بسلطنت جلوس نموده است بحیث مجموع مصر در عهد این خاندان بشاهراه ترقی روان و دارای مدارس گردیده بود. (خاندان سیزدهم طیبی) : از ۲۶۰۰ - ۲۳۹۸ ق. م. : اکثر سلاطین این سلسله (سبک هتب) و (نذیر هتب) لقب داشته اند اما در دو جدول وجود دارد که عبارت است از (۸۷) نفر. در عهد این سلسله مصر مدیته خود را حفظ نموده و آثار زیادی از آنها باقیست.

(خاندان چهاردهم سخوی) : از ۲۳۹۸ - ۲۳۱۴ ق. م. زیسته اند. از شاهان این خاندان بدون بعض آثار چیزی معلوم نمیشود، خرابی آنها نیز از جهتی واقف شد که در بین خاندانی خود در آورخته همزدو جانب سقوط کردند.

(خاندان پانزدهم طیبی و عربی) : از ۲۳۱۴ - ۲۰۰۰ ق. م. شاهان آن بدو تفریق سوا میشوند :

اول - وطنی که تاریخ شان مجهول است و مملکت شان غیر ساحلی و یا بیخ آنها (طیبه بود) - دوم اجنبی که حربها بودند و به هکسوس معروفند و قسمت بحری حکمرانی داشتند و مرکز شان (اوارس) و متعاقباً حصان بود. حربها به این بلاد ناخسته در اطراف آن منتشر شدند معابد را در دادند، و قریه جات را تاراج نمودند - ازین جهت اسرای بومی از حصص ساحلی مهاجرت نموده حکومت را در مرزمین غیر ساحلی تاسیس نمودند و قسمت بحری بدست حربها ماند. او این شاه حرب بلاطیس نام داشت که منف را مرکز خود قرار داد، بعد از آن پنج پادشاه دیگر عرب از ترس وطنیها منف را ترك داده شهر (اوایس) را مرکز ساختند.

(خاندان شانزدهم عربی) از ۱۰۰۰ - ۱۷۵۰ ق. م. شاهان این خاندان قسمت شمالی را هم از مصرها گرفتند و خاق بسیاری بواسطه شان از سوریه و عربستان بمصر مهاجرت نموده آباد شدند، این خاندان اصیب عربی را هم بمصر وارد نموده اند، از شاهان شان (رع - کا - نن) میباشند که حربها او را (ریات بن ولید) میخوانند - مورخین می نویسند که در زمان همین پادشاه، کاروان اسمعیلیها بوسف صدیق (ع) را از برادران شان خریده بر رئیس یوایس مصر فوطیفار (یا تیفر) هزیز مصر) بفرخت بعد از آن بسبب دوستی خانم فوطیفار و یو اعتنائی بوسف صدیق (ع) در مقابل خواهشات او، بوسف صدیق در زندان شد که اکنون هم در قسمت شمالی سقاره موضع وهرمی زندان بوسف (ع) شهرت دارد - بعضی مورخین میگویند که آمدن بنی امرا تایل از کنعان به مصر بعد از اخراج حربها در عهد توتیس از خاندان هجدهم بود.

(خاندان هفدهم طیبی و عربی) از ۱۷۵۰ - ۱۷۰۳ ق. م. : درین آوان مصر در تحت دو حکومت

طبی و مهربی امرار حیات می نمود که وطنی در (طیبه) و مهربی در (اواریس) نمرگز داشت. چون مملکت به (تاآ) رسید بر علیه مریها جنگ شروع گردیده اخیراً ملک (اهمیس) اول عمرها را طرد نمود و بدون عده قلی در مصر نماندند.

(طبقه سوم) از سنه (۱۷۰۳ - ۱۴۶۲ ق م) خاندان هجدهم طبی : در عهد این خاندان مصر وسعت یافته (اهمیس) مذکور مریها را تا نهر فرات (مابین النهرین) تعقیب نموده مملکت را بعد از استیلا بیست ساله از آنها تحلیه کرد معابد را اصلاح کرد چینه او خزانة دیر بحری وجود دارد. (تهونیس) اول پسر «توت» بر بلاد نوپیا و ایتوپیا «حیشه» و فلسطین و زمین کنعان استیلا نموده تا نهر فرات پیشرفت نمود. عمارات زیاد و میناری در عهد آمون از و یادگار است. (ملکه هاتاسو) دختر توتیس اول بوکات برادر خورد خود توتیس سوم بر بلاد شام و نوپام حکومت نموده کشتی های بحری ساخته در بحر احمر انداخت تا بوسیله آن بوت (بن و سومال) را استیلا کند اما اهالی آنجا بدون جنگ اطاعت نمودند. نیز کارخانه شیشه سازی تاسیس کرد و دو مینار بریاد داشت و کیفیت جنگهای خود را بر دیوارهای معبد شهر طیبه تحریر کرد.

(توتیس سوم) از بزرگترین شاهان مصر است در ابتدا بر علیه او باشندگان آسیا، صغیر خر و ج نموده آنها را شکست داده شام را فتح و به (نینوا) رسید بلاد نوپیا را فتح کرد اسطول بحر ساخت و بر قسمتی از بحر سفید سیادت داشت به این وسیله جزیره قبرس و اناطول (اسباصنیر) را فتح نمود فتوحات او بر روی سنگبکه در موزیم مصر محفوظ است نقش شده نیز معارف و کارخانه شیشه سازی و کاشی تاسیس نمود. در عین الشش دو مینار بریاد داشت که در سنه ۴۴ ق م آنها را کلو یا تره با مکنده ریه نقل داده بنام خود موسوم ساخت حیشه توتیس سوم در موزه مصر محفوظ است.

(آمن هتب) یا امنوفیس سوم که یونانیها او را (ممنون) می گفتند - این فرعون از بلندبهای فرات تا آبخار چهارم نیل حکمرانی داشت، در زمان او مردم شام شورش کردند اما آنرا بوسیله تدبیر و سیاست خاموش ساخت - آثار زیادی از او در مصر باقی است.

(آمن - هتب) یا (امنوفیس چهارم) : این امیر اطور بعد از تبدیل عقاید مذهبی شهر جدیدی بمحل تل عمارنه بساحل شرقی نیل تعمیر نمود - نیز آثار دیگری از او باقیانده است. بعد از فوتش در مصر پنج پادشاه حکومت میکردند که همیشه بسبب تغیر دیانت با هم بمحاربات دچار بودند - اخیراً اهالی مصر آمده حیشه امنوفیس را در دادند، و شهر نو او را خراب کردند و هیکل رب النوع آفتاب او را برانداختند - باینوسیله مصر ضعیف شد آسیای غربی و سوریه از سلطه فراغت برآمده به خیتاس (شاه فلسطین) منضم گردید.

(خاندان نردم طبی) از سنه (۱۴۹۲ - ۱۲۸۸ ق م) : شاهان این سلسله در تسخیر ممالک آسیا کوشیده حتی (سبی اول) بر آسیای غربی هجوم نمود در فلسطین با خیتاس محاربه نموده غالب شد - ولی در آخر با او معاهده بست، این فرعون زردم خود برای نخستین بار خریطهای جغرافیه را رسم نمود، نیز نیل را بوسیله ترحه به بحر احمر وصل نمود، راهی برای قافله باز کرد - چینه او در موزیم مصر است.

(رسمیس دوم) که یونانیها او را اورا سیز و ستریس میگویند از سنه (۱۴۰۰ - ۱۳۳۹ ق م) سلطنت نمود این فرعون از بزرگترین فراغته مصر و در زمان او اهالی سوریه شورش نموده بواسطه مشارالیه شکست یافتند. بمقتاباً قبایل فلسطین و کرکیش بر علیه او شورش و خروج نموده از فرات گذشته به انطاکیه رسیدند - رسمیس در زدیك «قارش» بانها مصاف داد - ولی عساکر او گریخته خود با عده قلی دشمن را مغلوب نمود، به اثر آن مدت

(۱۶) سال در بین او و خیتاس شاه فاسطین محاربه دوام داشت بعد با م صلح کردند سپس عسکر واسطول بحری ترتیب داده بلاد ایتویا را فتح و بر بحر ایض ، بحر احمر ، بحر هند و جزایر آن سیادت حاصل نموده اهالی افریقه و عرب را باج گذار خود ساخت ، نیز از هند اجبار کرده و غیره را دریافت می نمود ، سپس بناهای مهم ساخته بنی اسرائیل را در ساختمان های مذکور بیکار میگرفت - در تاریخ او ۱۲ مملکت بحریراست که آن را بمصر منضم نموده بود رامسیس بعد از ۶۷ سال حکمرانی فوت نموده ، چنه او را بعد از (۲۲۰۰) سال در کنزدر بحری یافتند ، اما تاج و عصای او را دزدان ربودند ، اکنون در موزیم مصر است .

(منقطای اول) بمصر ۶۰ سالگی به سلطنت رسید بر مملکت او - لیبی ها از طرف غرب و خیتاس از طرف شرق هجوم نموده منقطا آنها را شکست داد - آثار زیادی از او باقی است ، چنه او را مستر اورث در سنه (۱۷۹۹) دریافت نمود - بقول بعضی مورخین ، بنی اسرائیل در عهد این فرعون با حضرت موسی (۶) از مصر خارج شدند و بقول دیگر این واقعه در زمان پسر او سیتی دوم بود .

(سیتی دوم) : این فرعون مدت دو سال حکومت نموده فوت نمود ، در عهد او بدامنی داخلی رخ داد .

(خاندان بیستم طیبی) : از سنه (۱۲۸۸ - ۱۱۱۰ ق م) : تعداد شاهان این سلسله (۱۴) است و هر کدام خود را بنام رمسیس موسوم نمودند .

(رمسیس سوم) : این فرعون امنیت مصر را اعاده نموده مهاجرات لیبی ها را دفع و عساکر دزدان دریائی را که از سواحل آسیای صغیر و سواحل کریت بر مصر حمله نمودند بواسطه اسطول بحری شکست - بعد از آن در زدبکی «سویز» بغرض حمایه مصر دیواری بنا کرد ، و بعد از ۳۲ سال حکمرانی فوت نموده چنه او در موزیم مصر است .

(رمسیس چهارم) : زمان او عهد امان مصر بوده بسا ختاهای مهم برداخت ، و بعد از ۱۱ سال مرد چنه او در موزیم مصر است ، از معروفترین خلفای او «رمسیس ششم» است . این فرعون فلکی مامری بوده در علم زراعت مولفات زیاد دارد ، اما باقیاننده رمسیس ها سلطه ملک را بر حانون گذاشته اخیراً (هر - هیرو) رئیس کهنه مملکت را از سلطه رمسیس چهارم کشیده به کهنه سپرد .

(خاندان بیست و یکم طیبی و تانسیسی) : از سنه (۱۱۱۰ - ۸۹۰ ق م) : بعد از آنکه (هر هیروی کاهن) جلوس نمود مصر اکثر مستعمرات خود را از دست داد - پسر او «بیانچی» بسبب سوء اداره ، نتوانست مصر را انتظام بخشد - بنا بر این امنیت خراب شد بعد از او در عهد پسرش (بنیوزم) ، نمود شاه (آشور) به مصر هجوم آورده در ۹۸۰ ق م آن را تصرف نمود - بعد از مرگ نمود ، مصر در تصرف پسرش (ششلق) شاه آشور درآمد ، علامه «ماسپرو» میگوید که استیلای آشوریها نیز بسبب ضعف مصر و مظاهرة بادشاهان اولاد (هر - هیرو) بر مصر صورت گرفت .

(خاندان بیست و دوم بسطی) : (آشوری) از سنه (۹۵۰ - ۸۱۰ ق م) مرکز شان شهر «بسط» در مصر بود - نخستین پادشاه آنها (ششلق) است . این شخص در مصر متولد شده بر فاسطین با یکپزار و یکمصد همراه ۶۰ هزار سوار هجوم نمود و با رجعم پسر سلیمان (ع) محاربه نموده سیرهای طلائی سلیمانی و اموال زیاد را نهب نمود - این حادثه در دیوار معبد کرنک سوم است . این فرعون بعد از (۲۱) سال حکمرانی فوت نمود - بجای او (اسرخان) نشسته متعاقباً بر مملکت یهودا هجوم نموده زمانیکه به مملکت شان قریب شد در دل او رعب افتاده فوت نمود بعد از او پسرش (آکلوت) سلطنت رسید از ضعف این شخص و سلاطه او مصر بها دو باره مملکت را از آنها باز گرفتند .

تاریخچه مختصر افریقا

(خاندان بیست و سوم) از سنه (۸۱۰-۷۲۱ ق م) اولین شاه این خاندان (اسو باستیس) است که مدت چهل سال حکمرانی کرد. بعد از او چهار کس دیگر حکومت نمود، در ایام شاه مصر بولایات خورد خورد تقسیم و مستعمرات مستقل گردید.

(خاندان بیست و چهارم) صاوی از سنه (۷۲۱-۷۱۵ ق م) اولین شاه آنها (نفتخت) است در زمانیکه مشارالیه بسلطنت رسید، مصر را که بدست حکومت قسمت شده بود با هم منضم نمود، سپس به صیدیه عسکر کشیده قسمتی از آرمنت را تصرف نمود، اما (بیانچی) شاه ایتوییا او را شکست داده مصر را تصرف کرد و متعاقباً نفتخت را نائب خود بر مصر مقرر داشت ولی نفتخت بزودی فوت نموده «بوخوریش» یا «بوکوریش» پسر خود را بجای خود گذاشت. این شخص مرد قانونی بوده مملکت را منظم و سلطه ایتوییا را از مصر زایل ساخت. بعد از فوت بیانچی پسرش (کاشتا) بر تخت مصر نشست. بعد از او پسرش (سیاقون سلقه) از منازعات شاه و اسرای مصر استفاده نموده مصر را نصف نمود، و با کورئس را در آتش انداخت باین واقعه افراد صاوی مصر در دلتای مصر متفرق شدند.

(خاندان ۲۵ صاوی) و ایتوییه (۷۱۵-۶۸۰ ق م) از سلسله گذشته، سیاقون شخصی مدبر و حکیمی بود، مجازات قتل را با شغال شاقه تبدیل داده مصر را با هم مربوط ساخت درین اثنا چون فتعی ها و (هوشع) شاه بنی اسرائیل از (سلنامر) شاه آشور، خوف داشتند - با سیاقون اتحاد بستند - ولی چون (سلنامر) بر هوشع هجوم نمود خود او فوت اما پسرش مرجون با حلفای خود قدر نموده در جنگ سیاقول بمقابل اسورها مغلوب شد و متصلاً فوت گردید - پسر او (سیخون) در مصر حکمران گردید - بعد از او (اشوراخی) شاه آشور بر مصر هجوم نموده آنرا تصرف نموده بران بیست نفر والی مأمور ساخت خود به نینوا مرکز آشور مراجعت نمود - درین اثنا طهراقیها بر مصر هجوم نموده آنرا تصرف کردند، بالقابل (آشور بانیا) پسر شاه سابق الذکر آشور بمصر عسکر کشیده دوباره آنرا با اسرای داخلی سیرد و زمانیکه به نینوا برگشت طهراقیها دوباره بر مصر استیلا کردند - شاه آشور دوباره آنرا تصرف کرد اما بعد از زوال اسوریا، ایتوییا بر مصر مستولی شدند.

(خاندان بیست و ششم) در بین این خاندان و خاندان ما قبل الذکر مدتی پانزده سال زمان فترت است که دران دولت مصر ضعیف شد اما اخیراً ایتوییا را کشیده (بساماتیک اول) بران استیلا کرد - خاندان ۲۶ صاوی از سنه (۶۶۵ - ۵۲۷ ق م) زیسته از انجمله بدوره شاه مذکور عظمت مصر عودت نموده اولاً برض حفظ ما تقدم تدابیر لازمه و استحکامات تدافعی تیار کرد، و زمانیکه خرابیهای اجنبی ترمیم شد بر نوبیا و کمنان هجوم برده آنرا تصرف نمود، ولی قراریکه هیرودوت می نویسد بسبب مهاجرت یهود و یونانیها به مصر بدبختی مملکت پیش آمده، مصریها را از مصر مجبور بمهاجرت نمودند و از اجانب دو صد و چهل هزار نفر مسلح گردیده بایتوییا پیوستند بساماتیک که وطن خود را از عساکر وطنی خالی یافت از غم و غصه در ۱۱۱ ق م فوت نمود.

نخاودوم - از سنه (۶۱۱ - ۵۹۰ ق م) این فرعون بر خط مشی فراغه مشهور تو تمیسی ها و سبتی ها رفتار نموده شوکت مصر را اعاده کرد برض استیلا سواحل بحر احمر و بحر ایض اسطول جدید بحری ساخت و برای اتصال بحر احمر با بحر ایض از جهت کانال کوشش کرد - هیرودت مکتوبه که یکصد و بیست هزار نفر در حفر کانال مذکور ضایع شدند بالاخره کاهنین به نخا و اظهار کردند که از کانال مذکور استفاده برای خارجیا خواهد بود - بنا بران کار آنرا ترک داد نخا و هیئت برض معلومات بحری تمین نمود بعد از سه سال هیئت مذکور با معلومات به مصر رسید، چون آشوریا بسبب جنگهای لیدها ضعیف شده

یودند، نخاو بر مستملکات اشور حمله نموده سوریه و فلسطین را تصرف کرده بمصر آمد، در عین زمان نینوا به اثر مهاجمات بابلها تخریب شد (۶۲۴) ق م - و آشورها سقوط نمودند در سنه (۶۰۹-۵۶۱ ق م). بخت نصر شاه بابل سوریه و فلسطین را از نخاو انتزاع نمود، و در سنه ۶۰۵ ق م به نزدیک فرات با نخاو مصاف داد و «نخاو» را شکست داد ولی بسبب شورش داخلی بابل بخت نصر بماده «نخاو» مجبور شد و شاه یهودی فلسطین را محبوساً با خود به بابل برد. بعد از فوت نخاو دوم سلطنت به بساماتیک دوم پسر نخاو رسید، اما این شخص دوام نکرده در سنه ۵۹۱ ق م ایتویها او را مغلوب نمودند و متعاقباً فوت کرد، بجای او پسرش (بوه - آب - رع) یا «ابریاش» نشست - درین عصر فلسطین تحت قیادت (صدقیا) برخلاف بابل بشورید و ولی بخت نصر آمده اور «بیت المقدس» را تاراج و صدقیاراکشت - و یهود را به بابل نقل داد - از آنجمله بعضی از یهود بمصر فرار نموده در دلتای نیل توطین گرفتند - به این مناسبت بخت نصر نیز بر مصر هجوم آورد و مصر را تصرف کرد و شاه آنرا کشته والی از جانب خود بران مقرر داشت - و یهود را با خود برد.

بعد از آن «امس دوم» (آموزیس) بر تخت مصر نشست این شخص قبرص را هم تصرف نمود - چون از ایران بیم داشت با (کوروش) دوستی آغاز کرد - بنا بر آن مدت (۲۵) سال بفرای خاطر به اصلاحات و ترقیات داخلی مصر پرداخت و مصر در عهد او ترقی نمود بالاخره کوروش فوت نمود و بجای او کمبیز پسرش بر تخت ایران نشست - کمبیز میخواست که بفرض تصرف مصر بهانه بپراشد - بنا بر آن دختر امس را برای خود خواستگاری کرد - امس دختر ابریس را بنام دختر خود بکمبیز فرستاد - کمبیز این مقاله را بهانه یافته بعد از مفاهمه اهالی سوریه بر مصر هجوم نمود - درین اثنا امس فوت نمود و بجای او بساماتیک سوم نشست - این شخص با کمبیز فارسی داخل محاربه شده اخیراً کمبیز بسبب کثرت قشون خود (منف) همگروه مصر را فتح نموده بساماتیک را محبوساً بفارس فرستاد و در آنجا فوت کرد، و مصر و این بار در تحت سلطه فارس درآمد. خاندان (۲۷) فارسی اولی (از سنه ۵۲۷ - ۴۰۶ ق م) :-

نخستین شاه آن کمبیز است که از (۵۲۷-۵۲۲) ق م حکومت نمود - شاه فارس در اول وضعیت مافلانده نموده رسوم مذهبی مصری را محترم می دازست - هرودوت می نویسد کمبیز می خواست که مصر را مرکز فتوحات افریقه قرار بدهد ولی چون ممالک مجاوره از دادن باج استنکاف نمودند کمبیز خواست که به آن واحد سه مملکت مختلفه را از قبیل فرطاجینا و آونونوها و کوشیون های ایتوی را فتح کند - بنا بر آن از راه صحرا لشکری اراسته هجوم نمود - ولی بسبب مشکلات صحرائی در عزم خود نا کام شد، سپس باشاه ایتویا داخل مفاهمه شده شرف فرستاد - او هم حبله او را فهمیده گمان سخت زه را به او فرستاده نوشت که شاه خود با ما جنگ کند و اگر می تواند شاه یا کدام افسر او مانند این گمان را زه کند کمبیز برآشفته بدون یک انتظام امر کوچ داد تا با شاه ایتویا بجنگد ولی چون بازار راه صحرا عزم نمود با مشکلات صحرائی دچار آمده بخداد و مرحله خود را در اثناء راه باخت و عساکر او بحد رسیدند که بارگیر خود را خورده بجان هم آویختند کمبیز بر حیاة خود ترسیده بصورت فقهری بمصر رجعت کرد، دو مصر بفرض جیره خساره، دست بمال مردم و سامان معابد دراز نمود و از اقسام قساوة و بیرحمی دریغ نکرد - هرودوت میگوید: در حالیکه کمبیز بفرض دغم قاصب تخت ایران هازم ایران گردید، در نزدیکی یکی از معابد مصر به سبب مرگش اسپش شمشیر او از قلاف برآمده ران او را شدیداً مجروح ساخت و به اثر آن فوت نمود.

(دارای دوم)؛ زمانیکه دارا بر تخت فارس جلوس نمود در وسعت مستملکات کوشیده بسلوک خوبی یامانتان رفتار نمود در آن جمله مصر هم از سلوک صرفوب او استفاده نموده مقداری برسم جزیه ویا معاش ۱۲ هزار همگر او را در مصر می پرداخت - (ده روجه) میگوید؛ تمام آنچه کمبیز با اهالی قبط نموده بود بوسیله سلوک نیکوی دارا از دلها برآمد حق برای استمال خاطر اهالی شخصاً بمصر آمد - (هرودوت) میگوید؛

در زمان توتف دارا بمصر خواست که در معبد (بتاه) بجوار تمثال رمسیس بزرگ شمال خود را بگذارد ولی کاهنین او را مانع شدند و گفتند که « رمسیس حتی ترکستان چینی و رومی را هم فتح نموده بود در حالیکه تو به آنجا ما نرسیده» دارا سخن آنها را شنیده فوراً از رای خود برگشت و به آبادی طرق پرداخت - همان کانیکه از نزد نیاخوانانی بفرس اتصال ببحر احمر به بحر ایض ناتمام مانده بود نیز اکتال کرد - اما زمانیکه دارای اول با یونانیها در آویخت ، مصریها چون مترصد فرصت بودند قشون فارسی را طرد نموده (جنبش) یکی از نواده های بساماتیک را بشاهی برداشتند و در حالیکه این پادشاه به استحكامات مصر مصروف بود دارا فوت نمود سنه ۴۸۵ ق م - بجای دارای اول (شیوش اول یا زور کسبس) پسرش بنشست - این شخص بر مصر هجوم نموده معابد آن را قهرآ تاراج کرد . هکذا در زمان سلطنت (ارتخشیارش اول فارسی) (۴۶۵ - ۴۲۵ ق م) نیز اهالی مصر مستقل شده اینا روس پسر بساماتیک سوم را بشاهی برداشتند اما چون نمیتوانست با قشون کم خود بمقابل ایران مقاومت کند با یونان مقدمه معاهده نمود ولی فارسیها به یونانیها پول داده مصر را تنها گذاشت بنا بران فارسیها بر مصر هجوم آورده اینا روس را گرفتار نموده به ایران برد و کشت ، بجای او در مصر پسرش (تانیراس) بنشست - ولی زمانیکه ارتخشیارش اول فوت نمود ، بجای او (شیارش دوم) بعد از آن سفد یا نوس و سپس از اودارای دوم نشست . درین اثنا دولت ایران ضعیف شده (امیر تیوس) والی دلتا قشون فارس را از مصر کشیده بر مصر پادشاه شد درین اثنا دارای دوم م فوت نمود - بمرگ او واسطه اولی فارس از مصر زایل گردید . مصر بعد از آنکه مدت (۱۲۱) سال در تحت اثر فارس بود مستقل شد و این استقلال مصر مدت (۶۶) سال دوام نمود .

(خاندان ۲۸ صاوی) ۴۰۶-۳۹۹ ق م - از سلاله ابن خاندان امیر تیوس با اصلاحات مصر پرداخته خود را به لقب فرعون موسوم ساخت - ولی قبل از انجام اصلاحات خود فوت نمود .

(خاندان ۲۹ مندوسی) از سنه (۳۹۹-۲۷۸ ق م) چهار پادشاه از این خاندان که نفر تیس اول و اخوریس و بسا و نیس و نفر تیس دوم باشند در مصر سلطنت کردند تاریخ آنها به تفصیل معلوم نیست ولی چون ایران بجنکهای دیگر گرفتار بود این سلاطین بوسی ، مصر را از هجوم اجنبی حایه نمودند و ضمناً ترمیمات کردند .

(خاندان ۳۰ صمودی از سنه (۳۷۸-۳۴۰ ق م) . تعداد شاهان این سلاله سه است ، اول آنها (نخت - هور هب) است ، این فرعون پیشرفت دوصد هزار عسکر ایران را که بفرس تصرف مصر سوق داده شده بود ، عقیم ساخته آنها را بشکست و امنیت را در مصر قائم ساخت - تابوت این شخص در موزیم لندن محفوظ است . خاف او (ناخو) میباشد که بفرس قطعه تهرضات ایران ، با یونان معاهده نمود ولی صاگرا و از وطنی و اجنبی مرکب بود - وطنیها برخلاف شاه بر آمده بقیادت (نقتانیوس) شاه را از تخت پایان و قوماندان خود را بنام « نقتانپ دوم » بشاهی برداشتند - این فرعون نیز با فارسیها جنگید ولی در مقابل اردوی ایران مغلوب شده به اتیویا فرار کرد (سنه ۳۴۰ ق م) باین وسیله سلسله فرعونیه مصر منقرض گردید .

(خاندان ۳۱ فارسی) (۳۴۰-۳۳۲ ق م) بعد از آنکه مصر برای مدت ۶۶ سال از سلطه فارسی خلاص شده بود ، دوباره آنرا تصرف نمود - تعداد این سلاطین فارسی مصر ۳ نفر است ، (اوخوس) یا اردشیر سوم که در فارس و مصر طریق ظلم و ستم را جاری داشته به زودی مسموم شد - ۲ - (ارسیس) ۳ - (کودوما نوس) به اسم دارای سوم بشاهی رسید ولی در عهد شخص اخیر الذکر دولت فارس ضعیف تر گردیده در زمان مذکور مقدونیه ، (شمال یونان) بدست فلیپ مرکز قوه

گردیده اسکندر بس قلیپ که مطابق روز جلوس دارا برار بکه مقدونیه جلوس کرد، مملکت پدر خود را وسعت داده بمصر م استیلا نمود.

دوره مقدونی از سنه (۳۲۲-۳۰ ق م) شاه اول این سلسله اسکندر کبیر است که در مصر برفق و نومی حکومت نموده در امور مذهبی مداخلت نکرد و توارانها بکه مردم به ایران میدادند لغو نمود، علاوتاً در سنه ۳۲۲ ق م شهر اسکندریه را تعمیر کرد بعد از آن بچنگ دارا عنایت نموده در حدود اربل موصل شاه ایران راشکست داد (۳۲۱ ق م) متعاقباً پیش رفته بعد از فتوحات هند وارد (بابل) گردیده به ترتیب معمولی بسن ۳۲ سالگی در ۲۲۳ ق م فوت نمود بجای او بنصوب سپاه (اریس) برادر او بسال ۳۲۸ ق م جلوس نمود و زمانیکه اریس فوت کرد، (هنر قولوس) پسر اسکندر که از دختر دارای سوم بود بنام اسکندر دوم بجای عم خود جلوس کرد (۳۱۷ ق م) اسکندر دوم بعد از شش سال حکمرانی فوت و خاندان مقدونی بمرک او منقرض گردیده امپراطوری شان در بین افسران شان قسمت شد از انجمله سلسله سلاطین مصر آن به بطالسه شهرت دارند. دولت بطالسه (از ۳۰۵ - ۳۰ ق م)؛ بشاهان این سلسله از م- و نه بکلی قطع تعلقات نموده سوگن خود را اسکندریه قرار دادند از انجمله بطلیموس اول (۳۲۳ - ۲۸۵ ق م) مدت ۱۷ سال بر مصر حکمرانی نموده سوریه، برفه و جزیره قبرس و قنیقه را نیز بمصر الحاق داد - علاوتاً در اسکندریه کتابخانه و مدرسه معروف (دارالحکمه) را تاسیس کرد - تجارت را رونق داد زبان یونانی را السات رسم قرار داد - این امپراطور در سنه ۲۸۳ ق م فوت نمود بجای خود در حیات خودش فیلا دلفه پسر خود را بنام بطلیموس دوم تعیین نمود - مشارالیه از سنه ۲۸۵ - ۲۴۷ ق م حکومت نمود و در عهد خود به علوم و فنون و ساختمانها و اکتشافات جغرافیائی خدمات شاننداری ایفا کرد بطلیموس دوم در سنه ۲۴۷ ق م فوت نموده پسرش (ایفر جیتش) بنام بطلیموس سوم برار بکه اسکندریه نشست این شخص تا حدود بلخ پیشقدمی نموده معبودهای مصر را که کمبیز با خود برده بود واپس بمصر آورد - در مصر نیز مانند پدر به تعمیم و خدمات علمی کو شیده ساختمانهای مهمی را تعمیر نموده فوت نمود. بعد از او (فیلوباتیر) پسر او به عنوان بطلیموس چهارم جلوس نموده از سنه (۲۲۱-۲۰۵ ق م) حکمرانی کرد ۱۰ این شخص جانب سوریه و اور شلم قشون کشی نموده با کامیابی بازگشت ولی چون همیشه باله و ولع می برداخت گاد دیگر از او بعمل نه آمده خودش فوت و (ایفان) پسرش بنام بطلیموس پنجم بجای او نشست، این شخص از سنه (۲۰۵ - ۱۸۱ ق م) سلطنت نمود اما چون بسن پنج سالگی به یاد شاهی تعیین شده بود در مصر فتنه ها برپا شده و صی او (اگاسقلیس) نیز بهمان سبب متهم گردیده معزول شد و زمانیکه ایفان بسن رشد رسید با (کلوپاتره) دختر انطیوخوش (انتیاسش) سوم شاه سوریه از دواج نمود - این شخص بظلم و ستم حکومت نموده در سنه ۱۸۱ ق م مسموم شد و بجای او «فیلوما تیر» پسرش به عنوان بطلیموس ششم از سنه ۱۸۱ - ۱۶۴ ق م سلطنت نمود - این پادشاه به اجازه و اراده مادر خود کلوپاتره حکومت می کرد عساکر سوریار که تحت قیادت سلوکوس نامنف پیشرفت نموده بودند به تد بیر کلوپاتره بوسبیله بویلیوس یونانی شکست فاحش یافته از مصر کشیده شده

(او با تیر یا بطلیموس هفتم) (از سنه ۱۴۶ - ۱۱۷ ق م) این شخص بسبب ظلم خود بجزیره قبرص گریخت و بعد از مرگ او (بطلیموس هشتم) موسوم به لانیروس از سنه ۱۱۸ - ۱۰۷ ق م سلطنت نمود - بر علیه این شاه نیز رعیت بشورید و از مصر به قبرص فرار کرد - ولی بعد از آن دوباره بمصر آمده حکومت نمود این دفعه برای علم و ادب و معلومات جغرافیائی خدمات شاننداری نمود، بعد از وفات این پادشاه دوسکوب «یا بطلیموس نهم» جلوس نموده اما بجز اغتشاشات داخلی که در عهد او روی کار آمد دیگر کاری کرده توانست.

(بطلیموس دهم یا دیونیروس از سنه ۸۱-۸۰ ق م) این شخص بقوه مجلس اعیان روما بشاهی رسید - ولی چون قشون مصری ملاحظه کردند که اعیان روما بدون کدام حق در شئون داخلی مصر مداخلت میکنند

تاریخچه مختصر افریقا

بطلیموس م راضی است ، بعد از ۱۹ روز سلطنت ، او را بقتل رسانیدند .

اولس یا بطلیموس یازدم (از ۸۰-۵۱ ق م) زمانیکه اولس به سلطنت رسید بر خلاف مصر میخواست با جمهوری روما مفاهمه نماید ، چنانچه درینموضوع با جمهوری مذکور مکاتبه نمود . اما بقوه دلیل سیسرون خطیب معروف مجلس جمهوری روم ، قائم شده که مصر باید نظر بوضعیت جغرافیائی خود مستقل باشد و نباید بران تکیه و زکرد . چون مصریان از سوء نیت اولس خبر شدند ، بر علیه او شورش نمودند و او به قبرص و از آنجا بروما گریخت . متعاقباً بقوه قشون رومی دوباره بمصر آمده معارضین خود را مجازات کرد و به سلطت پرداخت .

بطلیموس دوازدم (از سنه ۵۱-۴۷ ق م) این شخص در خوردی به سلطنت رسید . خواهر او کلویاتره مشهور که بسن ۱۷ ساله بود بقرار وصیت اولس پدر شان ، در امر سلطنت با برادرش حرکت دادند در زمانیکه یومی ، با جولیس قیصر بر خلاف شد ، پسر خود را نزد کلویاتره بمصر فرستاده بر خلاف قیصر معاونت خواست بنابراین کلویاتره (۶۰) کشتی و پنجمه نفره عسکری بسبیل معاونت به پسر یومی داد ، اما چون این کار بدون رضای وزرای کلویاتره بود ، وزرا مہدم را بر علیه او تحریک داد و مشارالیه از مصر مسوریه فرار کرد و کک او به یومی نفع نکرد یومی م وایس بمصر آمد - بنابراین بطلیموس او را گرفتار نموده بقتل رسانید - و زمانیکه جولیس سیزر با سکندریه رسید ، از قتل یومی شنیده مغموم شد و کلویاتره را دوباره بمصر خواسته با برادرش بطلیموس در امر سلطنت شریک ساخت - چون مصریها مداخلت رومیها را مشاهده کردند بر علیه جولیس قیصر ، هجرم برده کشتی های او را تصرف نمودند - درین اثنا بطلیموس در نیل غرق شد و مصریها با قیصر صلح نموده بطلیموس سیزدم برادر کلویاتره را بسلطنت تعیین نمودند که باتفاق خواهر خود حکومت نماید - این شخص از ۴۷-۴۳ ق م به اتفاق کلویاتره حکومت نموده با کلویاتره ازدواج نموده بروما رفتند اما چون جولیس قیصر بمصر به قتل رسید کلویاتره بی حای مانده شوهرش نیز فوت نمود - بعضی مورخین میگویند که بفرض پادشاه شدن پسر خودش بطلیموس چهاردم که بمقیده آنها پسر جولیس قیصر ، بود کلویاتره شوهر خود را مسموم ساخت . بعد ازان به از شکستی که از مقابل افواج روم نمود و انطبوس عاشقش خود را انتحار کرد - کلویاتره م با فحیم زین وضع خود کش نمود و بمرگ او سلسله بطالسه در سنه ۳۰ ق م سقوط کرد .

تاریخ جدید مصر : دوره رومی از سنه ۳۰ ق م - ۶۴۰ میلادی - مصر درین دوره تا سنه ۲۹۴ میلادی تحت سلطه روم بود - ولی چون مملکت مذکور در سال اخیر الذکر تجزیه شد ، مصر بحصه مملکت روم شرقی که مرکز آن قسطنطنیه بود رسیده تا ظهور اسلام سنه ۶۴۰ میلادی تحت نظام دولت روم شرقی اداره می شد چون مصریها در نیمه قرن اول میلادی دهرت دین مسیحی را قبول کردند ، ولی از جهت دین به اندازه فشار دیدند که در هیچ عصر ندیده بودند ، از آنجمله تنها در عهد « دیکلادیانوس » امیراطور ، هشت صد هزار نفر به آهن و آتش اعدام شدند ، این از چنان مظالم بزرگی است که امثال آن در تاریخ کمتر دیده می شود ، اخیراً بسال ۶۴۰ میلادی اعراب مسلمان وارد مصر گردیده اهالی را از مظالم و فشار رومی ها نجات دادند .

دوره اسلام :- چون سلطه مسلمانان در عهد امیرالمومنین عمر (رض) بن خطاب قوت گرفته تا شام رسید درین اثنا عمر و بن العاص از حضور خلیفه اجازه گرفته در سنه (۱۸) هجری (۶۳۹) با عده قلیلی وارد حدود مصر گردیده ، بعضی مقامات را فتح کرده و با امرا رفتار خوب نمود - سپس از خلیفه معاونت خواسته خلیفه چهار هزار نفر را بعنوان کک بمصر و (رض) فرستاد بنابراین مشارالیه باردوی خود پیش آمده منفرعاً محاصره نمود

والی مصر درین فرصت، از جانب رومی‌ها مقرر شد قسطنطنیه را محاصره طول کشید، چهار هزار نفر دیگر از جانب خلیفه کمک رسید که بر هر هزار نفر از جانب خلیفه یک، یک نفر قوماندهان تعیین شده بود، اما با وجود این سبب خندق عمیق، هفت فتح نشد. اخیراً زبیر بن عوام یک جانب شهر زینه مانده خودش بالا شده متعاقباً اوردور داخل شهر بردگرچه تعداد اردوی مقرر بر یکصد هزار بالغ میشد اما از شجاعت هم‌پاها خوف نموده به قبول جزیه با عمر و بن العاص صاحب نمود. متعاقباً هر اقلان (هرقل) امپراطور روم بیستم افواج زیادی بمقابل مسلمانان سوق داده، امیر اب م چندین دفعه تمام آنها را شکست داد، بالاخر مساکر روم در اسکندریه محصور گردیدند، و عمر و بن العاص بعد از محاصره چهار ماهه روز جمعه پنجم ماه محرم سنه (۲۰) هجری مطابق ۶۴۰ میلادی آنرا فتح کرد. متعاقباً چون مرمسکر اسلام بیابابون رفت. اسکندریه را دو باره رومی‌ها تصرف شدند، و بالمقابل عمر و دوباره به اسکندریه رفته آنرا فتح و به فسفاط آمد و مسجد جامعی ساخت که تا حال بیاد فتح نخستین مسلمانان تا ز جمعه اخیر رمضان در مسجد مذکور خوانده میشود.

عمر و بن العاص در مصر ساختنهای خیره زیادی بیاد گذاشت از انجمله نهری حفر کرده که نبل را به بحر احمر اتصال میداد و زمانیکه خلیفه عمر (رض) شهادت رسید در آغاز خلافت عثمان (رض) بغرض اوعبداللہ بن ابی مرث مقرر شد. ابن والی جانب افریقه پیشرفت نموده با فتوحات بازگشت و خراج سالانه مصر در عهد او به (۱۴) میلیون دینار بالغ گردید. و مدت ۱۱ سال و ۶ ماه بر مصر حکمرانی کرد بعد از والی مذکور در زمان خلافت دلی کرم الله وجهه سعد بن عباد بر مصر والی بود، متعاقباً محمد بن ابوبکر (رض) والی گردید که اتباع عثمان (رض) را بکلی بریشان ساخت، اما چون نوبت بمعاویه (رض) رسید و از حقایق آگاه شد عمرو بن العاص را دو باره مقرر داشته وارد مصر شد در نتیجه معامله بحار به شدید طرفین انجامیده عمر و غلب و محمد بن ابی بکر (رض) مقتول شد. سپس از تاریخ مذکور (۶۴۷ م) که با سنه ۲۷ هجری موافق است در زمان خلفای اموی بجز تبدیل والی‌ها کدام امر فوق العاده در مصر رونداد. حتی در سنه (۱۳۱) که خلافت عباسی روی کار آمد از جانب ابی العباس سفاح، علی بن عبداللہ بن عباس والی مصر مقرر گردیده وارد شد. این شخص از احزاب بنی امیه خاق زیادی را به قتل رسانیده عده را به بغداد فرستاد و در آنجا کشته شدند. بعد از آن از جانب سفاح فرمان رسیده والی مذکور را بامارت فلسطین تبدیل کرد و تقرر والی مصر را رضای او موکول گذاشت. بنا بران این شخص در سنه ۱۳۳ ابو عون بن عبدالملک جر جانی را بولایت مصر مقرر نموده خودش به فلسطین رفت به این نحو تا سنه ۲۵۷ هجری مصر از جانب خلفای عباسی بدریغه یککنفر والی اداره می شد، در حدود سنه (۲۵۷ ه ۸۷۱ م) ۳۱ بن طولون که از نجبای ترکستان بود و در بند ادو طرطوس علم آموخته لیاقت بسزائی حاصل داشته بود اخیراً بولایت مصر مقرر گردیده حکومت آنرا برای دایمی تقاضا نمود و در سنه ۲۶۲ ه (۸۷۸ م) آخرین باج مصر را بموفق عباسی فرستاد ولی موفق بدریغه فرمانی او را توییح نمود. بالمقابل احمد بن طولون م جواب درشت داد. بنا بران موفق خواست او را بقوه عسکر از مصر اخراج نماید. از آنرو موهی بن بقا مراضر مهم خود را با افواج زیاد بمصر اعزام نمود اما بسبب اختلاف قشون مشارالیه بدون کدام جنگ از مقام ریقه و ایس برگشت و به بغداد رفت.

در سنه ۲۶۴ ه (۸۷۸ م) اما جور امیر شام فوت نمود. بنا بران احمد به تسخیر شام نیز طبع نموده آن را م فتح و ضمیمه مصر گردانید. اما امیر مذکور در سنه (۲۷۰ هجری ۸۸۴ م) فوت نموده بخار و به پسرش بجای او نشست بخار و به بن احمد از سنه (۲۷۰ - ۲۸۲ ه مطابق ۸۸۴ - ۸۹۶ م) زمانیکه احمد بن طولون وفات نمود و بخار و به بجای او نشست اسحق والی جزیره و عامل کوفه از خلیفه موفق عباسی اجازه انتراع شام را از بخار و به حاصل نموده شام را فتح کرد. بالمقابل بخار و به به فضا آمده با افواج زیاد بشام قشون کشی نمود بالمقابل معتمد نیز با افواج خود از دمشق بر علیه آمده با هم نبرد آزمایند. در ابتدا چون جتاج راست معتمد بر جناح راست

تاریخچه مختصر آفریقا

خمارویه غالب آمد، خمارویه آن را دیده براه راست بمصر فرار کرد بعد از فرار نمودن او، سعید قوماندهان مصر با فوج معتضد را بر ایشان ساخته بحار به بشکست معتضد و فتح خمارویه فیصله شد - و زمانیکه خمارویه واقف گردید زگر یختن خود خجالت کشید - ضمناً بخبر فتح مبهتج گردیده احتفال گرفت - بعد از مرگ المعتضد همامی معتضد بجای او نشست و قطر اندی دختر خود را خمارویه به علی پسر خلیفه داد با هم دوست شدند در سنه (۲۸۲ هـ ۸۹۵ م) - خمارویه از دست یکنفر ملازم خودش به قتل رسیده بجای او جیش بن خمارویه با سلطنت مصر رسید ولی جیش بیش از ۹ ماه حکمرانی نکرده بسبب شورش عسکری به قتل رسید و بجای او هر روز بن خمارویه نشست این شخص در سنه ۲۸۳ - ۲۹۲ هـ (۸۹۶ - ۹۰۵ م) حکمرانی نمود و در سنه ۲۸۵ هـ (۸۹۸ م) المعتضد خواست شام را از هر روز انتراع کند بنا بران مشکل بدون بحار به بسبب واگذاری بعضی حدود آن بصالح انجامید ولی در ۲۹۲ هـ - ۹۰۵ م الکنفی با قه همامی محمد بن سلیمان را با قشون کافی قصد انتراع مصر از تصرف هر روز سوق داده در حدود فسفاط رسید - درین اثنا در صفاک هر روز انقلاب افتاده خودش خواست تا نزد قشون رفته آنها را از نفاق مانع کند مگر شخصی او را به ۱۸ صفر ۲۹۲ هـ - ۹۰۵ م بزخم خنجر مقتول ساخت به اینوسبله اهالی قوماندان خلیفه رجوع نموده مملکت را تسلیم نمودند و سلیمان هم تمام بنی طولون را گرفتار ساخته از مصر هلی نمود - به این حدت مصر دو باره به خلفای همامی تکیه نموده والی آن از طرف الکنفی بالله عیسی نوشری مقرر گردیده از سنه ۲۹۲ هـ - ۹۰۵ م - ۲۹۵ هـ - ۹۰۸ م حکمرانی نمود - بعد از او چندین نفر والی دیگر در مصر از جانب خلفا تعیین گردیده کار کردند - تا اینکه حکومت مصر در سنه ۳۲۴ هـ - ۹۳۶ م به محمد بن طنج که از شهباده های فرغانه بود رسید مشارالیه در سال ۳۲۴ هـ - ۹۳۶ م اعلان استقلال نموده - چون خلافت همامی رو به ضعف و اضلال آورده بود خلیفه بغداد در خود تاب مقاومت ندیده امتتال او را تصدیق و سوریه را هم به آن اضافه کرد و در ۳۲۷ هـ - ۹۳۹ م لقب اخشید را به او داد که لقب قدیم شاهان فرغانه بود و معنی آن شاه شاهان است -

در ۳۳۴ هـ - ۹۵۶ م اخشید محمد ابن طنج در دمشق فوت نموده بجای او ابوالقاسم انوجور پسر صغیر او بشاهی مصر رسید - ولی چون بسیار خورد بود به نیابت او کافور، قوماندان معروف اخشید کار میکرد - درین اثنا سبب الدوله موقع یافته بر دمشق قبضه نمود - بنا بران کافور به قیادت اردوی بزرگی بحرب سبب الدوله مصمم گردیده در مقام رمله با هم مصاف دادند - در نتیجه سبب الدوله شکست خورده کافور دمشق را دو باره تصرف نمود - در ۳۴۹ هـ - ۹۶۰ م انوجور محمد الاخشید بعد از حکمرانی ۱۲ سال فوت نموده در ایام او غنی الحقیقت کافور وزیرش حکمرانی میکرد - بعد از او برادرش علی ابوالحسن الاخشید نشست و پنج سال حکومت کرده - بدوره او نیز کافور همچنان اقتدار خود باقیباند و زمانیکه در ۳۵۵ هـ - ۹۶۶ م علی فوت نمود کافور بجای او جلوس نموده او را عالی بالله لقب دادند - ولی این لقب را قبول کرده خود را اخشیدی نامزد کرد - شخص نیکو و خدا ترسی بوده بر مصر و شام و حرمین حکمرانی میکرد و زمانیکه در ۳۵۷ هـ - ۹۶۸ م کافور فوت نمود بجای او احمد ابوالفوارس ابن علی اخشیدی جلوس نمود و مدت یازده سال حکمرانی کرد - درین اثناء المزله بن اهل فاطمی که در صراکش حکومت می نمود، فرصت را غنیمت شمرده قشون زیادی را تحت قیادت جوهر متقی بفرس تصرف مصر سوق داد جوهر در ۳۵۹ هـ - ۹۷۰ م مصر را تصرف کرده اما اخشیدها تا ۳۶۲ هـ - ۹۷۳ م با او جنگیدند بعد از آن بکلی سقوط نموده مصر به تصرف قطعی جوهر درآمد، بنا بران قوماندان مقدور شهر قاهره در نقشه نموده دارالعلوم الازهر را بنا کرده و در ۳۶۱ هـ - ۹۷۶ م المنز لدین اللهارد مصر گردیده قاهره را کرسی خلافت خود تعیین کرد تا سال ۳۶۵ هـ - ۹۷۶ م حکمرانی نموده فوت کرد - و بعد از فوت منزل دین الله پسرش المنزیر سلطنت رسیده تا ۳۸۶ هـ - ۹۹۶ م حکمرانی نمود - در عهد او اهل مکه از بیعت استنکاف نمودند ولی اهل حجاز را بوسیله قشونیکه از مصر سوق داد به بیعت مجبور ساخت - در ۳۸۶ هـ - ۹۹۶ م المنزیر فوت نموده الحاکم باهر الله پسر او بجایش نشست، این خلیفه بسبب نقصان عقلی خلاف اصول اسلامی

بر علیه یهود و نصاری فشار هائی را وارد نمود که خلاف عقل و نقل بود - مثلاً امر داد که هر نصرانی باید بدست خود صلیبی از چوب داشته باشد که دارای یک کز طریل و دو نیم چهارک وزن باشد تا شناخته شود و یهودیها زنگه زده راه بروند - از همین قبیل کار های مشکل دیگر هم بر یهود و نصاری مقرر داشت و نیز امر داد که مردم روزانه کار نکنند و شب کار نمایند علی هذا و ضعیف بازار هم چنین باشد - کذا زمانی تراویح را موقوف ساخت و وقتی دوباره اسرادی آن را صادر کرد، بعد از آن دعوی الوهیت نموده سجلی تیار کرد و در آن اسامی هفده هزار نفر که بالای او ایمان آورده بودند تحریر نمود، ازین قبیل بدعت های زیادی بروی کار آورده، اخیراً بمقدود کوه المقطم که در آن جا همیشه گردش می کرد بدست ایی داو اس یکی از فرماندهانهای او با اشاره خواجه خودش به قتل رسید، بالمقابل اتباع او همان فرماندهان را بجای او قصاص کردند ۴۱۱ هـ ۱۰۲۱ م ولی با وجود آن پیروان او ازین منکرند که او کشته شده باشد و برگردند الحاکم در بالغ خود بسر دابی در آمده در آخر الزمان خروج خواهد کرد - ساکنین جبل لبنان و اقوام دروز شام تاکنون از پیروان او بهین عقیده باقی مانده اند .

بعد از وفات الحاکم ، الظاهر لاعتز از دین الله بسر او بجایش نشسته از سنه ۴۱۱ هـ ۱۰۲۱ م ۴۴۷-۱۰۲۶ م (حکمرانی نمود این شخص چون بخوردی خلیفه شد ، عمه او) که الحاکم به اشاره او قتل رسیده بود) به تدبیر مملکت می پرداخت - این خلیفه هم بعد از چهار سال فوت نموده المستنصر بالله پسرش بجای او نشست .

خلافت المستنصر بالله از سنه ۴۲۷ هـ - ۱۰۳۶ م ۴۸۷ هـ ۱۰۹۴ م دوام کرد در ۴۲۴ هـ ۱۰۳۳ م هفت سال بعد از حکمرانی مستنصر بالله شخصی شبیه با الحاکم در مصر خروج نموده دعوی کرد که او الحاکم است - پیروان مذکور چون او را به عقاید خود موافق یافتند بروی گرد آمدند - اخیراً المستنصر شخص مذکور را به قتل رسانیده پیروان او را متفرق ساخت . در سنه ۴۴۴ هـ ۱۰۵۳ م در بغداد جمعیتی پیدا شده و راجع به نسب فاطمی ها گفتند که اینها از خاندان نبوی نیستند اما با وجود آن علی بن محمد از خواندین خطبه مستنصر در آنجا باز نه استاد - در مصر چون ما در مستنصر در کار سلطنت مداخلت می کرد ، بنا بر این صاکر او و فریق شده ترکها به قیادت آجی الدوله به قتل جنبه غلامان حکم بسته عده زیادی از آنها را به قتل رسانید - حتی به قتل مستنصر و والدۀ او هم مصمم شدند و خطبه را از نام او قطع و بنام عباسی ها جاری داشتند - اخیراً مستنصر از بدر جمالی والی سواحل شام معاوت خواسته مشارالیه وارد مصر گردیده قاید مذکور را از یاد آورده امن و سلام را در مصر قائم ساخت بعد از آن مدۀ (۲۰) سال در مصر هیچ يك واقعه قابل ذکری رخ نداد و نهضت جدید شروع گردید .

در ۴۷۷ هـ - ۱۰۸۵ م سپه سالار قشون (بدر جمالی) فوت نموده پسر او شاهین شاه بلقب افضل بجای او به وزارت رسید .

بعد از آن در ۴۸۷ هـ - ۱۰۸۴ م المستنصر بعد از شصت سال خلافت خود فوت نموده پسرش المستمل بالله خلافت رسید - این شخص نیز بسال ۴۹۵ هـ - ۱۱۰۲ م فوت نموده بجز اینککه بر احمد برادر خود خود غالب گردیده او را به قتل رسانید دیگر کاری از او بعمل نه آمد . بعد از و پسرش (الا سر با حکام الله) به عمر ۶ سالگی خلافت رسید و سردار قشون افضل به امور کشوری مصر می پرداخت - در زمان مذکور شام از تصرف فاطمی ها برآمده بعد از جنگهای زیاد به صلیون نیکه نمود و در ۵۱۱ هـ - ۱۱۱۸ م بدوان شاه صلیبون بزم مصر هجوم آورده اما بسبب عارضه مرضش باورشلم رجعت نمود - بعد از آن سر با حکام الله افضل فرماندهان خود را به قتل رسانیده بجای او هدی الله را فرماندهان مقرر داشت ولی او را نیز بکشت . این خلیفه شخص بیابک و بدخلق

بوده در ۵۰۲۴ م ۱۳۰ که روزی به خوری برآمده بود به عمر ۳۴ سالگی از دست يك جنبه بقتل رسید. بعد از الاسر با حکام الله، الحافظ الدین الله بخلافت رسیده از (۵۰۲۴-۱۲۰ م- ۵۰۴۹-۱۱۰۴ م) حکمرانی کرد. این خلیفه از دست نصیر پسر وزیر عباس مخلص خلیفه بقتل رسید. - متعاقباً بجای او ابو القاسم عیسی پسر حافظ بخلافت رسیده و بلقب فایز بالله ملقب گردید. - اما چون در حین انتخاب او بخلافت بیش از پنج سال عمر نداشت، به نیابت او وزیر عباس قیام نموده. - این نفوذ وزیر بحرم خلیفه متوفی کران تمام شده به « طلاج بن زریک » که والی سواحل مدیترانه بود نوشتند و از او درخواست کردند که ما را از عباس و مظالم او نجات دهد. - بنابراین طلاج با قشون محبت خود هازم مصر گردید، اما قبل از وصولش، وزیر عباس با اموال خود بشام گریخته اموال او بتاراج فرنگی ها رفت. این زریک بمصر آمده وزیر و بعلک صالح ملقب شده در ۵۰۰۰-۱۱۰۰ م خلیفه فایز بالله فوت نمود. در زمان این خلیفه مصر باندازه ضعیف شده بود که بهلیبی ها مانند جزیره چیزی میدادند.

بعد از فوت خلیفه فایز بالله، بدستباری طلاج، ابامحمد عبدالله نواده حافظ به لقب عاضد بخلافت رسید. در عصر این خلیفه، طلاج وزیر به توطئه عمه خلیفه بقتل رسیده بجایش پسرش زریک بلقب ملک عادل وزیر شد. ولی کمی بعد وزیر مذکور از دست شاور حاکم صعبه که او را معزول ساخته بود بقتل رسیده شاور بقاهره وارد شد و بوزارت عاضد تعیین گردید. اما دربان خلیفه موسوم به ضرغام با شاور درآویخته اخیر الذکر را مجبور ساخت که نزد سلطان نورالدین محمود بن زنگی فرار کند اخیراً نورالدین به تحریریک شاور بقیادت اسدالدین شیرکوه به مصر قشون کشیده مصر را تصرف نمود. - شاور که با قاید مذکور همراه بود با فرنگیها ساخته بر خلاف شیرکوه محاربه نمود و شیرکوه را مجبور ساخت که به شام نزد نورالدین برود، در آن جا سلطان نورالدین که با صلیبیون محاربه داشت بر آن ها غالب گردیده در ۵۰۶۲-۱۱۶۷ م شیرکوه دوباره از حضور سلطان نورالدین اجازه مصر را حاصل نموده وارد مصر شد. اما اروپاییها که بطبع استیلای مصر از قدیم منتظر فرصت بودند با شاور اتفاق نموده با شیرکوه جنگیدند. - بالاخره شیرکوه بصلح راضی شده بشام مراجعت نمود. متعاقباً چون صلیبیون بر مصر فشار آوردند. - شاور از نورالدین طلب معاضدت کرد. - بنابراین نورالدین شیرکوه را اعزام و صلیبیون را بشکست و شاور را م بقتل رسانید.

شیرکوه بجای شاور، وزیر عاضد و بلقب ملک منصور ملقب گردیده در ۵۰۶۴-۱۱۶۹ م شیرکوه فوت نموده عاضد بهوض او یوسف صلاح الدین برادر زاده او را بوزارت مصر تعیین داشت. ولی زعمای شیعه از نفوذ صلاح الدین ترسیده با اعیان و صاحب منصبان قشون مصر اتفاق نموده صلیبیون را به مصر دعوت کردند. اما در عرض راه، خط شان را یکی از نملقداران صلاح الدین کشف نموده نزد او فرستاد. چون صلاح الدین از ماجرا واقف شد، منتظر فرست نشست بنابراین زمانیکه طور انشاء برادر او به مصر آمد، صلاح الدین قوه یافته تمام زعمای توطئه مذکور را بدار آویخت متصل آن ها کر مصر بخروش آمده بقدر پنجاه هزار نفر با قشون صلاح الدین درآویختند. ولی باثر شجاعت طور انشاء، ساکر مصر با شان و میدان بفتح صلاح الدین فیصله شد. کمی بعد صلاح الدین با اشاره سلطان نورالدین خطبه جمعه را از قاطمی ها قطع و بنام المستنصری همامی خوانند درین اثنا العاضد خلیفه قاطمی صریض و بجان افتاده باثر مرض مذکور در سنه ۵۰۶۴ فوت نمود. - باین مناسبت، صلاح الدین بقصور خلفا درآمده ذخایر آنها را ضبط و به نورالدین فرستاد. - نورالدین از ماجرا به خلیفه همامی نوشته برای نورالدین لقب ذوسیفین و شاه شام و مصر و برای صلاح الدین نیز نشان مشهور همامی فرستاده شد. - ازین وقت به بعد مصر تحت سلطه مستقیم نورالدین زنگی درآمده از جانب او صلاح الدین به نیابت تعیین شد. اما در نتیجه موضوع به نزاع نورالدین و صلاح الدین انجام گردیده نورالدین در صدد شد که به مصر آمده صلاح الدین را گرفتار کند ولی اجل مهلتش نداده در سنه ۵۰۶۹ فوت نمود. - بعد از وفات نورالدین، صلاح الدین به پسر یازده ساله او ملک صالح اطاعت نمود. ولی سرافسران او مانحتی پسر یازده ساله را به پستیدند.

صلاح الدین نیز بخلع ملک صالح مصمم گردیده شام و مضافات آن را از او گرفت - و نام او را از خطبه انداخت و زمانیکه صلاح الدین بمصر آمد ، صلیون انطاکیه را تصرف کردند - بنا بر آن صلاح الدین در ۵۷۳ هـ - ۱۱۸۸ م به صفلان قشون کشی نموده رمله را احراق و عیسائیه را شدیداً بریشان ساخت چون موضوع بشاه اورشلیم رسید ، بمقابله صلاح الدین برآمده او را شکست داده بمصر واپس آمد در ۵۷۵ هـ - ۱۱۸۰ م صلاح الدین بشام رفته حصار عیسائیه را در آنجا تخریب نمود - در ۵۸۷ هـ - ۱۱۹۱ م که عیسائیه بر ممالک او تجاوز کردند صلاح الدین از مصر بزم جهاد صلیون کمر بسته با عساکر جرار بسوریه رفت . بنا بر آن سوریه را فتح نموده متعاقباً حلب ، رها ، رقه ، نصیبن ، مروج ، خابور ، سنجار و حران را حرباً مفتوح ساخته موصل را نیز محاصره و رها کرد و بدمشق باز آمد - بسبب این فتوحات آوازه شجاعت صلاح الدین در انظار عالم پراکنده شده بر مصر و شام و الجزیره و یمن و مضافات آن سلطان مطلق گردید و درین ممالک وسیع بدون صلیون مخالفی نداشت - صلیون نیز در وسط مملکت او محصور بودند درین اوقات در بین صلیون و صلاح الدین متارکه بود ولی « رانود » والی کرک شروط متارکه را مراعات نکرده قافله از مسلمانان را تاراج نمود بنا بر آن صلاح الدین مجبور بجهنگ گردیده در محاذ سوریه و هکلا و طبریه ، صلیون را شکست های فاحش داده شاه اورشلیم « جو فرو » و « رانود » والی کرک و دیگر اسرای شان را اسیر گرفت - از انجمله رانود را که شروط متارکه را شکستاده بود بدست خود بقتل رسانید . بعد از آن صلاح الدین بر تمام مقبوضات عیسویها در - و احل شام و مرزمین بیت المقدس استیلا نمود ، حتی در ۱۵ رجب سنه ۵۸۳ هـ - ۱۱۸۷ م بیت المقدس را نیز مفتوح ساخته مانند سابق به مسلمانان سپرد . از استیلا این فتوحات سلطان صلاح الدین - در اروپا به تحریک رجال دین ، حس عمومی بجهنگ آمد . در سنه ۵۸۵ هـ - ۱۱۸۹ م اروپائیهها تحت قیادت شاه انگلستان ریشارد شیردل ، و فلیپ شاه فرانسه ، و فریدریک ریش سرخ شاه آلمان ، از راهای بر و بحر حمله آوردند - بالمقابل صلاح الدین دوباره آنها را در اطراف هکلا استقبال نموده محاربات مهم صلیبی آغاز گردید - درین دفعه گرچه بعد از دو سال هکلا « ویا فا » اخیراً بدست صلیون افتاد - اما بیت المقدس را گرفته توانسته با صلاح الدین برای مدت ۳ سال صلح نمودند (۱) درین اثنا صلاح الدین بفتح قسطنطنیه مصمم گردید تا از همان موضع دخول صلیون را از آسیا قطع کند - ولی بجزرعه شدیدی مصاب گردیده در سنه ۵۸۹ هـ - ۱۱۹۳ م وفات یافت و در قلعه دمشق مدفون شد .

بعد از سلطان صلاح الدین ، دولت ایوبی به ۳ حصه قسمت شد از انجمله مصر به الیزبت یوسف صلاح الدین رسیده (از سنه ۵۸۹ هـ - ۱۱۹۳ م الی ۵۹۵ هـ - ۱۱۹۹ م) بران حکمرانی نمود - متعاقباً جانشینان صلاح الدین از یکطرف بین خود ها آریخته با هم می جنگیدند - و از جانب دیگر بمحاربات صلیون دوام دادند - این زد و خورد تا سنه ۶۳۷ هـ - ۱۵۴۳ م جاری ماند ، در سال مذکور سلطنت مصر بملک صالح ایوبی رسیده تا سنه ۵۴۸ هـ - ۱۲۴۸ م حکمرانی کرد . در سال ۶۳۸ هـ - ۱۵۴۴ م خوارزمیان از مقابل چنگیز خان فرار نموده بسوریه شرقی داخل شدند - بنا بر آن ملک صالح آنها را نیز به جهاد عیسویها دعوت کرد - خوارزمی ها دعوت او را پذیرفته در سوریه تا حدود غزه پیشرفت نمودند - ملک صالح از طرف مصر به آنها معاونت میکرد - حتی در سنه ۶۴۲ هـ - ۱۵۴۸ م صلیون را شدیداً شکست داده غزه و بیت المقدس را نیز بنام ملک صالح فتح کردند و امرا و رؤسای شان را بمصر فرستادند - سپس شهر

(۱) مورخین روایت شجاعت حرمی سلطان صلاح الدین را خیلی بغایت می نویسند از انجمله علامه وجدی میگوید که در یکی از محاربات هکلا عساکر عیسوی تماماً بر قلب اردوگاه سلطان یک بارگه هجوم آورده تا در بخیه اورسیدند ولی سلطان باثر شجاعت شخصی خود و محافظین خاصه اش با بهترین صورت مدافعه نموده در چنان حالی دشمن را شکست داد . (جلالی)

دمشق را به اتفاق فتح نمودند - ولی بسبب عدم تکمیل عهد باخوارزمیها، در بین ملک صالح و خوارزمیها محاربه در گرفت - در نتیجه خوارزمیها بعد از قتل رئیس شان حسام الدین شکست فاحش خوردند - در سنه ۶۴۷ هـ - ۱۰۰۳ م لوئی نهم شاه فرانسه با اردوی بزرگ و جراری وارد میط شده ملک صالح بمقابل او تحت قیادت نضرالدین فشون کشید - ولی این مسکر بدمیاط نرسیده بود که لوئی نهم دمیاط را فتح نمود - این موضوع بتلك صالح خلی ناکوار افتاده منجلاً از مصر بحرب لوئی نهم حرکت کرد و رئیس قوای محافظین دمیاط را که شکست خود بود بدار کشید - اما اجل نوبتش نداده در منزل منصوره بسال ۶۴۸ هـ - ۱۲۰۴ م فوت نمود .

بعد از ملک صالح پسر ارشدش غیاث الدین تورانشاه بجای پدرنشسته با صلیبون در بر و بحر محاربات را جاری داشت بلاخر قوای بحری آنها را سقوط داده در محاربه منصوره بقدر ۳۰ هزار نفر از اردوی لوئی نهم بقتل رسیده خود شاه فرانسه نیز بدست غیاث الدین تورانشاه اسیر شد که بعد از آن بوسیله اشند قدیه تسایم دمیاط برای مسلمانان، رها کرده شد .

درین اثنا تورانشاه بقتل بعضی از غلامان مسکری خود بسبب استبداد شان حکم داد - چون در مساکرایوبی از قدیم بیشتر جنبه غلامان بود - تمام آنها بر علیه او هجوم برده شاه را بقتل رسانیدند - بمرگ او در بین امرا فتنه افتاد در نتیجه «شجره الدر» کشیز ملک صالح که دارای افکار بلند و نفوذ کاملی بود سلطنت را برای خود دعوی نموده عموم بالایی او بیعت کردند، و قوماندانی عموم قشوف را به عزالدین ابیک صالحی دادند - بنا بران در تمام منبرها بنام شجر الدر خطبه خوانده بنامش ضرب زدند این ملکه او این کاریکه به آن اقدام کرد معاهده صالح با فرانسه بود که دران لوئی نهم را بالمقابل ترك دمیاط به مسلمانان رها کرد ۳ صفر سنه ۶۴۸ هـ - ۱۲۰۴ م . ولی امرای شام به شجره الدر بیعت نکرده شام را بتلك یوسف والی حلب تسایم کردند چون مصریها دیدند که شام از تصرف شان بر آمده، شجره الدر را ختم نموده او را عزالدین ابیک نکاح نموده بسطنت رسید، و بلب ملک مز لقب شد - چون مردم میخواست که یکی از اولاده سلطان صلاح الدین یوسف پادشاه باشد - بنا بران در سنه ۶۴۸ هـ - ۱۲۰۴ م ملک اشرف بن یوسف را بر تخت جلوس دادند، اما سلطنت آن شخص دوام نکرده بتدبیر شجره الدر خانم مز ابیک ملک اشرف خلم و مز ابیک بجای او جلوس نمود - وقتا که مفر ابیک بتصور خانم دیگر افتاد، شجره الدر بر علیه او بر آشفته او را در حرام بقتل رسانید بعد از مفر ابیک در سنه ۶۵۰ هـ ۱۲۰۷ م پیرش قلی بن مز بسطنت رسیده شجره الدر را در بدل خون بدر قصاص کرد - و به منصوره ملقب شد درین اثنا هلاکو نواده چنگیز با اردوی خونخوار خود وارد بغداد کرد دیده المستصم خلیفه عبامی را بقتل رسانیده بغداد را تاراج کرده عازم شام شد - بنا بران امرای ممالیک، علی را بسبب عدم تجارب او در محاربات کلم نموده بجای او سیف الدین قطز مزی را به لقب المظفر بسطنت برداشتند .

هلاکو چون وارد شام کردید، بقیه خاندان ایوبی را اعدام نمود - شامیها از سیف الدین قطز طالب معاونت کردند بنا به علیه المظفر او لاگردن فرستاده هلاکو را که از و اطاعت خواسته بود زده بعد با اردوی خود عازم شام گردید، و در حدود چشمه جالوت غور با اردوی هلاکو مصاف داده در نتیجه اردوی هلاکو را شدیداً شکست داده قوماندان معروف هلاکو کتبتار آبکشت - متعاقباً بیبرس تفنگدار را بتعقب اردوی هلاکو مامور نموده آنها را جانب مشرق طرد نمود - چون در بدل این خدمت به بیبرس ولایت حلب وعده شده بود و برای او داد نشد، بیبرس با اتفاق بعض امرا، سلطان قطز را بقتل رسانیده خود بجای او نشست، و از سنه (۶۵۸ هـ - ۱۲۶۰ م ۱۲۷۶ هـ ۱۲۷۸ م) بآب الظاهر حکمرانی کرد - در ۶۶۰ هـ ۱۲۶۲ م جادق از اعراب بمصر رسیده در آنجمله احمد شهید و نامی را نشان دادند که هم مستصم بالله آخرین خلیفه از خلفای عبامی است - بنا بران شخص

مذکور را بنام المستنصر بالله بخلافت قبول کرد ولی بیش از پنجاه باقی نمانده در حین عودتش به بغداد در ارض راه باقشون خودش از جانب تانارها بقتل رسید ، بعد از آن شخص دیگری از عباسیه را الظاهر بمصر آورده بنام الحاکم باسرا الله بخلافت تعیین نمود ، این سلسله خلفای عباسی محض بنام امام تا اوایل استیلای سلطان سلیم اول عثمانی در ۹۲۳ هـ ۱۵۱۷ م باقی ماندند . بعد از تعیین خلیفه الظاهر شخصاً بجهاد عیسویها پرداخته فتوحات خوبی نمود . نیز طایفه اسمعیلی را که در شامات تازه نفوذ یافته بود از باد آورده اما در سال ۶۷۶ هـ ۱۲۷۸ م در حالیکه برای جهاد قبرس تهیه می گرفت بعد از ۱۷ سال حکمرانی خود در دمشق فوت نموده بجوار جامع اموی دفن شد .

بجای الظاهر ، السعید برکت خان پسرش از ۶۷۶ الی ۱۲۷۸ م - ۶۷۸ - ۱۲۸۰ م بسلطنت رسید . اخیراً از جانب قشون ممالیک خلم گردیده بجای اوسیف الدین قلاوون نشست - این سلطان از سنه ۶۷۸ - ۱۲۸۰ م تا ۶۸۹ هـ ۱۲۹۰ م حکومت نمود در ۶۸۰ هـ ۱۲۸۱ م که آباقا آن بن هلاکو بر شامات هجوم نمود قلاوون از مصر اردوی تانار را استقبال نموده قشون آباقا آن را که بیاد منکو خان بن هلاکو وارد شام گردیده بود شکست فاحش داده با آباقا آن که بمصر در حبه ، مصروف بود پیوستند - بنا بر آن آباقا آن هم تاب نه آورده جانب ایران گریخت - متعاقباً قلاوون طرابلس شام را از عیسویها استرداد نموده بمصر باز آمد - و در صدد برآمد که برای فتح عکا تهیه بگیرد - اما اجل فرصتش نداده بعد از یازده سال حکمرانی در سنه ۶۸۹ هـ فوت نمود . بعد از قلاوون پسرش اشرف صلاح الدین ، آمال پدر را یک بعد دیگری بر آورده حصار اکراد و عکا و صید او بیروت و صور را در سال اول جلوس خود (یعنی سنه ۶۹۰ هـ ۱۲۹۱ م) از عیسائیه استرداد نمود - و در ۶۹۱ هـ ۱۲۹۲ م بر قلعه روم فرات هجوم برده آنرا نیز فتح و غنایم زیادی از آن بدست آورد ، بعد از آن رؤسای اشرف را ممالیک را گوشمال داده اکثرشان را اعدام کرد ولی خودش هم در ۶۹۳ هـ ۱۲۹۴ م در میله شکاری از دست بعضی اسرای ممالیک بقتل رسید . بعد از او جانشینان او بکشت و خون داخلی گرفتار شده یک بعد دیگر بدست اسرای ممالیک سقوط نمودند تا اینکه در ۶۹۸ هـ ۱۲۹۹ م محمد بن قلاوون بلقب ملک ناصر بسلطنت رسید ، در عهد این سلطان بسال (۶۹۹ - ۱۳۰۰) قازانخان ارغون از فرات عبور نمود بر حبل و حماة و حسن استیلا نمود - بالمقابل ملک ناصر باقشون خود در بجنک قازان خان داخل نبرد گردیده در دفعه اول شدیداً شکست خورد - ولی بدفعه دوم که اردوی خود را تنظیم داد در حرب آخری قازان خان را با قشونش از حدود شامات طرد نمود . در آخر سلطنت ملک ناصر ، سالار نائب السلطنه او و پیرس جو شنکیر نفوذ کامل یافته الناصر را جانب کرک طرد نموده بجای او پیرس جو شنکیر بسلطنت رسید . این سلطان از سنه ۵۷۰۸ - ۱۳۰۹ م - ۵۷۰۹ - ۱۳۱۰ م مدتی یازده ماه سلطنت نموده بسبب مظالم اسرای ممالیک مردم دوباره بملک ناصر که در کرک بود ، مایل آمده اوراد و باره آوردند - درین دفعه ملک ناصر از سنه ۵۷۰۶ - ۱۳۱۰ م - ۵۷۴۱ - ۱۳۴۱ م به آرامی کامل سلطنت نموده در آبادی بلاد و حسن زراعت مصر متبها همت گاشت - و بعد از مدتی ۳۳ سال حکمرانی فوت نمود .

بعد از فوت ناصر جانشینان او از اولاده قلاوون در بین خود با هم آویخته بقتل یکدیگر در مصر و شامات قشون کشی های نمودند ، باین وسیله قوای شان به تحلیل رفت و چندین سلطان از اولاد قلاوون در بین خود بقتل رسیدند - چه ظلم ها نبود که در راه مطالب شان بر اهالی وارد نگردد در نتیجه ملک صالح آخرین پادشاه ممالیک مصر بدست الظاهر بر فوق چرکسی ، مضحل گردیده خاندان مذکور بکلی سقوط نمود ۷۸۴ هـ ۱۳۴۲ م - الظاهر بر فوق از سنه ۵۷۸۴ - ۱۳۴۲ م - ۵۸۰۱ - ۱۳۹۹ م در مصر سلطنت کرد - این شخص در اوله غلام بیباک نائب السلطنه مصر بود که در عهد او تریه شده علوم اسلامی و اداب حکمرانی را آموخته بشیخ ملقب میشد - بعد از آن از ضعف سلاطین ممالیک ناصری استفاده نموده در ۷۸۴ هـ ۱۳۴۲ م بسلطنت رسید - در آغاز امر



از قلاع قبل التاریخی شمال لیبند (از بالا عکس برداشته شده)



منظره صحرائی اعظم



از کوچه های الجزیره

بدفع انقلابات داخلی برداخت ، اما بمقابل « بیینا » ناصری چوبانی و منطاش منلوب گردیده در کربک محبوس شد - ولی بعد از مدت دوباره پسر اقدار آمده شورشیان داخلی دهم و منطاش را بقتل رسانید و بر که (منطاش) در ۷۹۵ هـ - ۱۲۹۲ م انقلابات داخلی بکلی خاموش شد .

در ۷۹۶ هـ - ۱۲۹۴ م احمد بن اویس شاه بغداد از مقابل امیر تیمور کورگان بمصر کربخته از سلطنت برفوق برخلاف تیمور معاونت خواست برفوق نیز دعوت او را بطیب خاطر شنیده با قشون خود به شام رفت و در آنجا مرصد تیمور نشست ولی تیمور به از فتح حصار ماردین به اطراف بلاد روم کوچیده از آنجا بعد از فیصله کار سلطان بایزید خان پادرم طرف هند رفت - بنا بران سلطان برفوق از شام بمصر آمد - در ۸۰۱ هـ - ۱۲۹۹ م تیمور بسلطان برفوق نوشت که در منبرها بنام او خطبه بخواند - در جواب برفوق به تیمور استنزاز نمود و به تریه و تبه قشون برداخت ولی اجل مهلتش نداده در ۸۰۱ هـ - ۱۲۹۹ م فوت نمود -

بعد از فوت سلطان برفوق الناصر فرج پسر برفوق بر اریکه مصر جلوس نموده از ۸۰۱ هـ - ۱۲۹۹ م - ۸۰۹ هـ - ۱۴۰۶ م سلطنت نمود - در ۸۰۳ هـ - ۱۴۰۱ م تیمور بشامات آمده تخریبات مدهشی نمود - الناصر بمقابل او قشون کشی نموده در جوار « بداریا » با تیمور چندین محاربه کرد - ولی باثر قفاق قشون خودش در مقابل تیمور منلوب و به مصر آمد - در ۸۰۸ هـ - ۱۴۰۵ م بسبب وقوع شورشها الناصر خود را کناره نمود و اهل حل و عقد به برادرش العزیز بیعت کردند - درین اثنا الناصر دوباره پیدا شده برادر خود را بقتل رسانید و بر تخت نشست - درین سال ابن مهنی مهرب برخواست دمشق را فتح نمود - بالمقابل ، ملک ناصر بدفع او همت گماشته ابن مهنی را طرد و جامع اموی را که قشون تیمور خراب کرده بود دوباره تعمیر کرد - بالاخر ابن سلطان در مقابل امیر شیخ و نوروز نائب الحکومه شام منلوب گردیده در سنه ۸۱۰ هـ - ۱۴۰۷ م بقتل رسید بعد از آن مصر و شام از ۸۱۰ هـ - ۱۴۰۷ م - ۸۲۵ هـ - ۱۴۲۲ م مورد کشمکش امرای برفوق بود تا آنکه نوبت به « برمی بای » رسید - ملک اشرف موسوم و به اریکه مصر جلوس نمود - ابن سلطان از ۸۲۵ هـ - ۱۴۲۲ م - ۸۴۱ هـ - ۱۴۲۸ م بکمال سیاست و کاردانی حکومت نموده تمام مظالمی که سلفش بروی کار آورده بود دفع کرد - و سایل رفاه اهالی را فراهم داشت - متعاقباً بقرس نشون کشی نموده شاه قبرس را اسیر گرفت و بمقابل فدیة نقدی و قبول جزیه او را دو باره رها کرد - اخیراً ملک اشرف بمالیخولیا مصاب گردیده در سنه ۸۴۱ هـ - ۱۴۲۸ م فوت نمود - بعد از فوت او پسرش العزیز یوسف بشاهی رسید ولی بسبب اخوردی سنش کار کرده توانست ، بنا بران در سنه ۸۴۲ هـ - ۱۴۳۹ م ملک چقمق بنام ملک ظاهر به اریکه مصر جلوس کرد - ابن پادشاه از ۸۴۲ هـ - ۱۴۳۹ م - ۸۵۷ هـ - ۱۴۵۳ م حکومت کرد در زمان خود مساجد و بیل ها و چسراهی زیادی را آباد نمود ، و با اهل علم و اهل فقر دوستی کامل داشت - پس از فوت ملک ظاهر ، جانشینان او بخطر مشی او حرکت نموده بجز بعضی شورشهای داخلی حوادث بزرگی در عهد شان تا ۸۷۲ هـ - ۱۴۶۸ م بوقوع نیوست و در سال مذکور که سلطنت بقایت بای رسید ، مشارالیه از ۸۷۲ هـ - ۱۴۶۸ م تا ۹۰۱ هـ - ۱۴۹۶ م سلطنت نموده ملک اشرف موسوم و بسیف الدین ملقب گردید این پادشاه بعد از آنکه شورشهای داخلی را خاموش ساخت ، بجانب خارج نگریده دید که سلطان بایزید خان همان از مدتی بملکت او چشم دوخته و در ۸۹۲ هـ - ۱۴۸۷ م بمرض فتح سوریه قشون فرستاد - بالمقابل ملک اشرف بمدافعه برداخته قشون سلطان بایزید را شدیداً شکست داد - در سنه ۸۹۴ هـ - ۱۴۸۹ م ترکها بر حلب تجاوز نمودند - ابن دغه ملک اشرف بقیادت قانصره شامی عسکر فرستاده بر بعضی حصص ترکی استیلا نمود - بنا بران در نتیجه نیابین ملک اشرف و بایزید خان زمینه صلح انجامیده و اسیرهای جانبین رها شدند این پادشاه در سنه ۹۰۱ هـ - ۱۴۹۶ م فوت نموده مقامات و عمارات خیر به زیادی را در اماکن مقدسه از خود یادگار گذاشت .

بعد از ملك اشرف ، مذکور ، جانشین او الناصر محمد بن قایت بای بسبب خوردی من به لاهور و لب
 گرفتار شده بجای او قانصوی (پنجمه دیناری) بنام ملك اشرف جلوس کرد - این شخص را ازین جهت
 پنجمه دیناری می گفتند که به پنجمه دینار خریده شده بود . ولی امرای چر کسی دوباره الناصر محمد
 را باریکه مصر بنشانند اما به عادت خود دوباره بله و ولب مصر و رف گردیده بعد از دو سال بدست طومان
 بای به قتل رسید بعد از آن مملکت مصر تا زمان جلوس قانصوی غوری فیما بین امرای چر کسی باحوال
 کشمکش بود در سنه ۵۹۰۶ هـ - ۱۵۰۱ م قانصوی غوری بساطت رسید و این عهده را به این شرط قبول
 کرد که او را امرای چر کسی بقتل نرسانند در هر فرصتی که خام او را خواستند به او اطلاع خواهند داد
 به این حث قانصو مدت یازده سال و نه ماه حکمرانی نموده اخیرا در مقابل سلطان سلیم اول بسال
 ۹۲۲ هـ - ۱۵۱۶ م بمحود (صرح الدایق) بعد از جنگ خونین بقتل رسید ذخایر او بدست سلیم اول
 افتاد - سلطان بعد از فتح مذکور شامات را فتح نموده در سنه ۹۲۳ هـ - ۱۵۱۷ م با موبک عظیمی داخل
 مصر شده و امرای چر کسی را اعدام کرد - بعد از واقعه مذکور امرای چر کسی امثال طومان بای سه
 خود را محفی داشته بودند ، بر علیه سلطان سلیم محاربات خونینی نمودند - حتی نوبی سلطان سلیم را در
 محله خودش محصور نمودند هکذا در خود چیزی بین تورکها و چرا که محاربات شدید در گرفت - اخیرا
 سلطان سلیم فاتح شده و طومان بای رئیس چرا که را بجزیره گرفتار و اعدام نمود - بر که او در
 سنه ۹۲۳ هـ - ۱۵۱۷ م دولت ممالی که چرا که م سقوط نموده مصر و سوریه بتصرف سلطان سلیم افتاد
 متعاقباً سلطان سلیم از نزد خلیفه عباسی محمد نام که در مصر بنام خلافت می زیست ، اثار نبوی (ص) را که عبارت (از شمشیر
 و پرده و) (تلیفه و علم بود) قبض نموده خطبه خلافت بنام سلطان سلیم خوانده شد و سلطان سلیم در
 سنه ۹۲۳ هـ - ۱۵۱۷ م به اسلام بول عودت نمود ، از این به بعد مصر تا ۱۲۱۱ هـ - ۱۷۹۶ م
 بنام يك ولایت امپراطوری عثمانی در تحت اثر حکومت تورکیه باقی ما بده . بوسیله یکنفر والی که از مرکز خلافت
 تورکیه مقرر می شد اداره می گردید - در سال اخیر الذکر سید ابوبکر یا شاطر ابلسی بولایت مصر مقرر گردید ،
 در عهد مذکور ناپلین اول وارد اسکندریه گردید بعد از دو محاربه خونین مصر را فتح و داخل قاهره شد -
 یروز دوم چنان اعلان نمود که من مصر ازین جهت آمده ام که اهالی را از ظلم امرای چر کسی نجات بدم -
 همین کتاب مسلمانان و دین و شئون شان را محترم میدانم و در آن مداخلت ندارم و عثمانی ها را نیز دوست دارم به
 اینوسیله مردم از مقاومت دست کشیده مدت هفت ماه ناپلیون در مصر باقی ماند - سپس از مدت مذکور جهت فتح
 شام قشون کشیده حازم شد - در آنجا با احمد یا شاز جزار محاربه نموده دیکار را محاصره کرد ولی بعد از آنکه
 (۴۰۰۰) نفر قشون ناپلیون به قتل رسید از فتح شامات مابوس گردیده دوباره بمصر وارد گردید و به
 استحكامات قاهره پرداخت اما چون از فرانسه اطلاع گرفت که مملکت مذکور بحضور شخص ناپلیون احتیاج
 دارد ، بنا بر آن در مصر جنرال کلیبر را بقیادت قشون فرانسه گذاشته خود با بعضی افسران خود بفرانسه رفت -
 درین اثنا روزی بجایم الازهر یک نفر متمم شامی بر جنرال کلیبر هجوم نموده او را به قتل رسانید - چون
 از او مستنطاق کردند معلوم شد که از مدت می روز بقرض قتل کلیبر از سوریه وارد ازهر گردیده در یکی از
 رواقهای شامی مترصد فرصت بود - بنا بر آن قشون فرانسه ۳ نفر علمای ازهر را که با متمم مذکور یکی بودند
 بقتل رسانیدند - درین اثنا چون دولت انگلیس میخواست که از راه مصر طریق بیهند پیدا کند - بنا بر آن بادولت
 عثمانی بر علیه فرانسویها متفق شده ، و سلطان سلیم سوم قشونی تحت قیادت یوسف یا شاز اعزام نمود - این فوج از
 راه سوریه در راه رجب ۱۲۱۴ - ۱۷۹۹ م بفریش حمله نموده آن را فتح کرد - بعد از آن در بین آنها فرانسویها
 عهد شد که قشون فرانسه با احترام مسکری خود از مصر بر آید پذیریه کشتی های انگلیسی بوطن خود رجوع
 کند - ولی امیر البحر (کپت) انگلیسی امر را نمود که حکومت او به این اتفاق راضی نیست بلکه عساکر فرانسه
 خود را بدون شرط تسلیم کنند - فرانسویها به غیظ آمده بر مصر هجوم نمود - و قشون ترکی آنجا را شکست داد

به هوش کلیبر جنرال (منو) بقیادت افواج فرانسه تعیین شد - اما در سنه ۱۸۰۱ م (۳۰۰۰۰) قشون انگلیسی بقیادت جنرال (ابراهمی) وارد مصر گردیده با قشون فرانسه نبرد آزما گردید - بنا بران جنرال منو شکست خورد و در اسکندریه محصور شد - و نائب او «بلیار» با ۸۰۰۰ نفر قشونش در قاهره محصور گردید اخیراً بهمان شروط منعقدۀ ترکها، عساکر فرانسه مصر را تخلیه نمود - با احترام عسکری دریمه کشتی های انگلیسی بفرانسه هودت کردند .

سپس از تخلیه مصر، عساکر توریکی بفرس حایه مصر دلبیا و صید متفرق شدند و عساکر انگلیسی تحت قیادت جنرال (هشتسون) در اسکندریه ماند . درین اثنا ممالیک باز تجیم نموده بفرس حصول استقلال خود جدوجهد را جاری داشتند حتی بعد ازین تاریخ هر قدر و البان عثمانی که بمصر آمدند در مقابل ممالیک هیچ کار کرده نمی توانستند پس از زرد و خورد های خونینی در بین توریکی و ممالیک، باب عالی (صدر اعظم توریکی) مجبور شد که اسر سقوط ممالیک را به محمد علی پاشا سرد نامی مصر موکول سازد - محمد علی در زمان حمله فرانسوی به حیث یک ضابط توریکی بمصر آمده و با اینک سرد ناخوانی اود اما با اثر کمایت خود برتبه فرقه مشری رسیده و به ولایت مصر مقرر شده شروع بکار نمود - در اول کار قشون خود را جمع نموده چهار هزار نفر را تحت قیادت «طوسون پاشا» پسر خودش جهت دقم وهابی ها که تازه روی کار آمده بودند سوق داد - و خود از عقب او اراده نمود - اما قبل از خروج خود، در قلمه حربی مصر محفل ودا عبه تشکیل داده تمام روسای ممالیک را با لباس رسمی شان دعوت کرد - زمانیکه تماماً حاضر شدند به بستن دروازه های قلمه امر داده بقشون البانی خود اشاره بقتل ممالیک نموده چهار صد نفر آنها را با ندرن قلمه بکشت - بعد از ان در دازه ها را کشته ادلام کرد بهرجا از ممالیک دیده شود بقتل برسد - بنا بران تمام جمیت مذکور بقتل رسیده خانه های شان را قشون البانی تاراج نمودند - و محمد علی پاشا سردگان ممالیک را دفت نموده زنهای شان را حمایت کرد باین وسیله چون از مهم ممالیک فارغ شد، جهت قتلۀ وهابی ها تهیه گرفته با شریف مکه که بجد فرار کرده بود، مفاهمه کرد که او هم معاونت کند - بنا بران نخستین حمله از جانب طوسون پاشا بر علیه امیر سعود رئیس وهابی ها شروع گردیده و بنیم را از آنها گرفت - ولی در نتیجه ابن سعود بر عساکر مصر غالب گردیده تمام دارائی شانرا تصرف نمود بالقابل محمد علی پاشا متصلاً قوه عظیمی را بحرب وهابی ها فرستاده آنها را شدیداً هزیمت داد و مدینه منوره را از آنها گرفت - بنا بران وهابی ها بدون محاربه، مکه مکرمه را نیز به طوسون پسر محمد علی پاشا گذاشته، اخیر الذ کوفماندان وهابی ها را که در مدینه گرفتار شده بود بدار الخلافه فرستاد و در آنجا اعدام شد .

بعد از فوت رئیس اول وهابی ها، ابراهیم پاشا (پسر ارشد محمد علی) پاشا، رئیس دوم آنها عبدالله بن سعود را گرفتار ساخته با مصر و از آنجا به ترکیه فرستاد - بالقابل از طرف حکومت توریکی بوالی مصر لقب خانی و به پسرش ابراهیم نائب الحکومه کنی مکه داده شد - درین اثنا محمد علی اسمعیل پاشا پسر خود را جهت فتح سودان اعزام کرد - در سودان کرجه اسمعیل فتوحات خوبی نمود اما در اخیر به مقابل رئیس سودان با تریبی احتیاطی خودش بقتل رسید و عساکر او بقیادت احمد بیگ دقتر دار سودان را فتح و به مصر منتظم نمود در سنه ۱۲۳۹ هـ ۱۸۲۳ م محمد علی پاشا ابراهیم پسر خود را بقیادت یک قطعه از افواج مصری جهت محاربه یونان فرستاد - این مفرزه در بالقان به چنان فتوحاتی نایل آمد که اخیراً دول اروپائی با یونان مجبور به معاونت گردیدند - در ۱۲۴۷ هـ ۱۸۳۱ م بین والی مصر و والی عکا محاصره رویداد - بنا بران محمد علی ابراهیم پاشا پسر خود را با قشون مصری بسوریه فرستاد و شامات را فتح نمود - دولت عثمانی این حرکت والی مصر را خروج بر علیه خود تصور نموده تحت قیادت والی طرابلس، قشونی آراسته با ابراهیم جنگ نمود - در نتیجه قاید مصری نه تنها والی طرابلس را شکست داد بلکه چندین قوماندانها را توریکی را هزیمت داده تا قونیه رسید - و از آنجا مرکز خلافت رازی بر تهدید گرفت - بنا بران دول اروپائی مداخلت نموده پیشرفت مصریها را معطل و سوریه را به مملکت مصر الحاق داد و

ابراهیم پاشا را والی آن تعیین نمودند، درین اثنا تمام سوریه یک بارچه آتش گردیده محمد علی مجبور شد که خود بسوریه برود ولی چون بسوریه رفت انقلاب عمومی را خاموش ساخته در موضوع خلع اسلحه اهالی آنجا کایاب نشد بنابراین در مصر به ترتیبات وسعت قشون پرداخت - این مسئله بر سلطان محمود عثمانی ناگوار افتاده حافظ پاشا را به قیادت هشتاد هزار قشون به جنگ محمد علی فرستاد - بنا بران والی مصر به پسر خود ابراهیم هدایات داده باقشون تورکیه جنگ نمود - و آنها را شکست داد - متعاقباً سلطان بقرض تصرف اسکندریه اسطول بحری فرستاد آن مه نام کام گردید - درین اثنا دول اروپائی از مداخلت نموده در سنه ۱۸۴۰ م بکنفرانس لندن رأی دادند که محمد علی پاشا تابع دولت عثمانی باشد و از سوریه دستبردار شود - چون محمد علی باتمام استعداد و تربیه ۱۷۰ هزار قشون تهیه نموده بود، و فنیکی، فرار لندن را باو عرضه داشتند آن را رد بد نمود. بنا بران دولت انگلیس مجبور شد که مواد قرار داد را بقوه بالای او اجرا دارد. از اروپا به « صیدا » قشون کشیده اسطول عثمانی نیز بانجا وارد شد - در نتیجه قوای بحری عثمانی سقوط نموده بقوای انگلیس پیوست و موضوع از طرف سلطنت عبدالمجید باین فیصله شد که مصر را بحق وراثت به محمد علی داده و خاب او از اولاد خودش باختیار سلطان تعیین خواهد شد - محمد علی قبول نموده قشون خود را از سوریه به مصر خواست درین مرحله از قشون محمد علی پاشا که ۱۳۰ هزار نفر بود فقط ۵۰ هزار به مصر واپس آمده ۸۰ هزار تلف شده بود.

بعد ازین قضایا، سلطان عثمانی حکومت نوبه و دارفور و کردوان و سنار را نیز بوالی مصر ارزانی داشت - در مقابل تشکر آن محمد علی بسال ۱۸۴۶ م بدار الخلافة تورکیه رفته بعد از پذیرائی و حصول نشان طبری عثمانی بمصر بازگشت ولی در نیمه سال (۱۸۴۸ م) از باعث کلان سالی و اختلال دماغ، ابراهیم پاشا را بجای خود تعیین نمود.

از کارنامه های محمد علی پاشا، تقسیم اراضی، اصلاح زراعت، امور دیوانی، تنظیم قوای عسکری، امور قضائی، امور تجاری، صحرای، عرفانی، مطبوعاتی، مصر خیلی اهمیت دارد که تمام آن را بر طبق دستور دول متدینه آنروز اساس گذاشته مملکت مذکور را یک عصر بیشتر رویداد زمان و زندگی قرون جدید آشنا ساخت. جانشینان محمد علی پاشا، ابراهیم و عباس اول، و سعید و اسمعیل پاشا یک بعد دیگری در مصر به ولایت رسیدند - از انجمله بوالی اخیر الذکر (که بسنه ۱۸۶۳ م جلوس نمود و در ۱۸۷۹ م خلع شد) از جانب عثمانیها لقب خدیو داده شد - متعاقباً در تعدید خطوط آهن و تلگراف، تاسیس مدارس متنوعه عصری، تربیه اهل علم و ادب، عمرانات و تزئید مطبوعات همت گماشته سودان را بکلی فتح نمود اما این خدیو پشرض اینکه مملکت خود را از اوضاع شرقی به شکل تمدن اروپائی تبدیل بدهد، اروپائیها و اسر بگائیها را اجازه دخول داد - بنا بران عده از آنها نیز با سرمایه های هنگفت وارد مصر گردیده بطالب عایدات و کثرتی زیاد مشغول شدند.

در سال (۱۸۶۹ م) اسمعیل پاشا کانال سویرا رسماً افتتاح نموده شاهان اروپا را بآن دعوت نمود - در آن جمله ملکه انگلیس و ملکه فرانسه بجای ناپلیون سوم در احتفال مذکور شرکت جستند مبلغ شانزده (۱۶) میلیون یوند در احتفال مذکور مصرف شد - در سنه ۱۸۷۲ م حبشیها بمصر تجاوز نمودند - اسمعیل پاشا بر علیه حبشه اعلان حرب داد، ولی بفتح حبشه موفق نشد.

بعد از ان خدیو مذکور در احتفالات دیگر مبالغ زیادی را به صرف رسانیده بالاخر چون عایدات مصر برای چیره این مخارج کافی نبود، مجبور باستقراض گردید - حتی در عهد او قرض مصر از ۳ ۱/۴ میلیون یوننده ۹۱ میلیون یوند بالغ شد که فائده آن ۷ فیصد برداخته میشد.

تاریخچه مختصر افریقا

درین فرصت که اوضاع مالی مصر باین حد انجامید خدیو بضاعت خطوط آهن مصر و بندر گاه اسکندریه با صدار سندات معادل ۱۷ ملیون یونند احکام نمود - ولی چون اوضاع مالی مصر باندازه رسیده بود که با وجود آن ، اقساط دائنین را به مواعید مقررہ پرداخته نمیتوانست ، لابد از جانب دول ، هیئتی تعیین شد که عایدات مصر را تحت مراقبت و نگرانی بگیرد - ولی چون معلوم شد که عایدات مذکور اقساط را به مواعید پرداخته نمیتواند ، بغرض توافق حساب بضاعت املاک خدیوی و تمام خاندانی حکومت هشت و نیم ملیون یونند دیگر به قرض گرفته شد - درین اثنا نظامات قانونی مرتب گردیده مسئله بجائی رسید که از معاش عسکر کسر کنند - امضای طایفه های مصری بانقلاب حاضر شدند - بنا بران شریف پاشا از قبولی مراقبت اجنبی استسکاف و رزیده گابینه وطنی را اذعان نمود - ولی انگلیس و فرانسه موافقت نکرده بالاخره موضوع بصدارت عظمی عثمانی تکیه کرد از انجا خدیو اسمعیل در سنه ۱۸۷۹ م معزول و بعوض او پسرش توفیق پاشا خدیو مصر تعیین شد .

محمد توفیق پاشا (۱۸۷۹-۱۸۹۲ م) این خدیو برعیت بروری شهرت یافته اصلاحات خوبی در مصر نموده مجلس شورای را تاسیس و محاکم اهل را نافذ گردانید ، انقلاب اعرابی پاشا نیز در عهد این شخص بوقوع پیوسته بالاخره در سنه ۱۸۸۲ بمحدود تل کبیر مصر ، اعرابی شکست خورده عساکر انگلیس وارد مصر و بر مصر استیلا نمود

در سنه ۱۸۹۲ محمد توفیق پاشا فوت نموده بجای او پسر گلانش عباس حلمی پاشا خدیو مصر تعیین شد - عباس حلمی سودان را دوباره مفتوح ساخته حکومت درویشان را منحل گردانید - باین وسیله دولت انگلیس با حکومت مصر متفق گردیده قرار گذاشتند که سودان مصری در بین حکومتین شریک باشد .

در سنه ۱۹۱۴ ع بمه اکتس جنگ عمومی شروع گردیده در بین تورکیه و انگلیس مناسبات قطع شد - بنا بران دولت اخیر الذکر در دسمبر همین سال حمایت خود را بر مصر اعلام نمود عباس حلمی خدیو آنرا معزول ساخت و سلطنت آنرا بامیر حسین کامل (بزرگترین فرد زنده خاندان محمد علی) نسبت کرد و او را بلقب سلطان موسوم ساخت - تحت الحما یکی مصر را فرانسه ، روسیه ، بلجیم ، سرویه ، یونان ، پرتگال ، آازونی بشناختند - ولی مصریها حمایت برطانیه را قبول نکرده در تحت زیاست (سمه زغلول پاشا) استقلال آامه خود را دعوی کردند و بآن ثبات و رزیده در راه حریت خود تکالیف مدهشی را کشیدند - امیر حسین در ۱۹۱۷ فوت کرد و برادرش چانشین او گردید - بالاخره دولت انگلیس بمقوق مصر اعتراف نموده در ۲۸ فروری ۱۹۲۲ تحت الحما یکی آنرا ملفی و در ۱۵ مارچ ۱۹۲۲ احمد فواد پسر خدیو اسمعیل بنام فواد اول پادشاه کنونی مصر شناخته شد -

مقبوضات و تحت الحما یه گی ها و اراضی زیر قیمومیت

دول خارجه در افریقا بدینقرارند :

اول : مقبوضات و تحت الحما یه گیهای برطانیا

افریقای شرقی برطانوی

کینیا :

این مستعمره و تحت الحما یه گی که سابقاً بنام افریقای شرقی برطانوی یاد می شد مملکتی است در افریقای شرقی که از طرف جنوب با تانگانیکا و از طرف شمال با حبشه ، از طرف مغرب با « یوگندا » و از طرف مشرق با بحر هند و شمالی بند ابطالوی محاط می باشد . رقبه آن بشمولیت ولایت رودلف متعلقه یوگندا (که از طرف کینیا اداره می شود) تقریباً ۵۰۰ هزار ۲۲ مربع میل است . سواحل شمال شرقی غدیر و کتوریا و تقریباً تمام غدیر

رود نف یز دران شامل است . قسمتی از اراضی ساحلی (از مرحد « تانگانیکا » تا کیینی ») که تقریباً تاده میل بطرف داخل وسعت دارد ، از طرف سلطان زنگبار برای برطانیاجاره داده شده و همین قسمت مزبور ، فقط برای تمیز از نام « مستعمره کیینیا » (نه در سایر امور) بنام « تحت الحمایه کی کینیا » موسوم گردیده است .

نفوس آن تقریباً ۳۰۲۴۹۱۱ نفر و از آنجمله ۱۷۲۸۵ نفر اورویائی ۳۹۰۰۰ نفر آسیائی ۱۲۱۰۰ نفر عرب و ما بقی اهالی بومی اند .

قبل از تقسیم و تجزیه آفریقا بین دول معظمه اورویائی ، قسمت بزرگی ازین ساحل آفریقای شرقی به قلمرو زنگبار متعلق بود سلطنت زنگبار با هند روابطی قریبی داشت ، و در ربع اخیر قرن ۱۹ نفوذ برطانیا در دربار سلاطین یا « سید های » زنگبار خیلی محکم شده بود و قسمت اعظم تجارت بنادر عمده زنگبار ، « مباسه » و باکا مایو در دست تاجران برطانوی و هندی رفته بود ، در سال ۱۸۷۷ حکمران آنوقت سلطنت زنگبار ، سلطان « برکش » به ولیم « میکن نان » رئیس شرکت « جهازات بخاری برطانوی » تقدیم تمام اراضی مملکت خود را برای مدت ۷۰ سال بطور اجاره پیشنهاد نمود . (این همان سالی بود (۱۸۷۷) که ستانی سفر خود را تا پائین کانگو انجام داده بود و تروتهای آفریقای شرقی را کشف نموده مسئله تقسیم آفریقا را باعث شد اما وزارت خارجه برطانیا به رئیس شرکت مزبور درین زمینه موافقت و معاونت نه نمود . همان بود که پیشنهاد « برکش » رد شد . چند سال بعد ۱۸۸۴ یک شرکت انگلیسی امتیازات ناحیه کلیانجا را از خوانین آن علاقه حاصل نمود در اخیر این سال نمایندگان جرمنی نیز دران ناحیه نایل امتیازات گردیدند . حکومت آفوقته برطانیا برین رویه جرمنی اعتراض نه نموده بلکه برای خود زمین های مباسا را دعوی نمود .

در ۱۸۸۶ قرار دادی را جم به مستملکات ، بین جرمنی و برطانیا بامضا رسید - و در جولائی ۱۸۹۰ مرحدات حوضه نفوذ برطانیا و جرمنی درین قسمت آفریقای شرقی تعیین یافت مستملکه برطانیا از طرف شمال تا حبشه از طرف مشرق تا شمالی لیند ایتالوی رسیده و درینجا دریای « جوبا » در ۱۸۹۱ مرحد قرار داده شد . ضمناً پلان اجاره خاک زنگبار دوباره روی کار آمد - و در ۱۸۸۷ سلطان برکش به جمعیه باز طرف « میکن نان » تشکیل یافته بود ، امتیاز اداره آن قسمت مملکت خود را که خارج حوضه عملیات جرمنی و دوا گذار نمود متعاقباً بندرگاه های مقام « پینادر » را به ایتالیا اجاره داد و حقوق حکمرانی حوضه های نفوذ جرمنی و ایتالیا را به دولتین مزبور اعطا نمود .

چندی بعد دول ذی علاقه قلمرو اصلی سلطان را بقاصله امیل از ساحل مقرر نمود ندکی بعد مجمع « میکن نان » که منظور آن قابل استفاده نمودن اراضی عقب ساحل و نیز همین قسمت ده میلی ساحل بود به شرکت شاهنشاهی آفریقای شرقی برطانوی تحویل یافت و در ستمبر ۱۸۸۸ فرمان رسمی حاصل نمود . سلطان زنگبار به این شرکت امتیاز مزیدی داد مشکلی که در راه عملیات شرکت مزبور حاصل شد ، همانا شرکت آفریقای شرقی جرمنی بود که قسمت جنوبی خاک زنگبار را (یعنی ساحلی که امروز « تانگانیکا » نامیده میشود) باجاره گرفته بودند . جرمنی بعضی نواحی ساحل خصوصاً « لامور » را که شامل امتیازات برطانیا بود ، ادعا میکرد . شرکت برطانوی در ۱۸۸۸ هیئتی را بسرکردگی « جیکسن » برای بسط نفوذ برطانیا بطرف « دایخله خاک مملکت پورستاد و جیکسن تاغدر » و کتورنیازا » رسید و درینجا شنید که یک پارتنی جرمنی در تحت ریاست « کارل پیترز » پتروگا های این حصص را بسته کرده و به « یوگندا » یا گذاشته است - بنا بران او هم به « یوگندا » رفت بالاخره قرار دادی در ۱۸۹۰ بین برطانیا و جرمنی امضا شده و « یوگندا » شامل حوضه نفوذ برطانیا گردید .

تاریخچه مختصر افریقا

در نوامبر ۱۸۹۰ حکومت برطانیا، زنگبار را بزرگترین جزایر گرفت و در جون ۱۸۹۲ قلمرو و سلطان را بداخل منطقه مستقل التجارة حوضه کانگو اعلان نمود. در جون ۱۸۹۳ حکومت برطانیا حقوق شرکت مزبور را نیز خرید.

انتقال رسمی مملکت به حکومت برطانیا در اول جولائی ۱۸۹۵ صورت گرفت. و ناحیه که تا این زمان بنام «ایبیا» یاد میشد، به «تحت الحمايه کئی افریقای شرقی» توسیم یافت. و نایب الحکومه رسمی آن بعنوان «کشتر» ممنون گردید. مطابق این آوان منازعه بر سر قمر رئیس بالایی مار زوئی فامیل مهمترین همجو مقیم ساحل) بوقوع پیوست و منجر به انقلابی شد که ده ماه دوام نمود و در نتیجه درین ناحیه، نفوذ اورپائی جانشین نفوذ عربی گردید.

در سال ۱۸۹۶ ساختمان ریل از ساحل نا «وکتوریا نیازا» شروع شد و بعد از تکمیل آن که راه مرادده را درین مملکت باز نمود ورود تاجران، مبلین و مامورین اورپائی را زیادت بخشید. و در ۱۹۰۳ مهاجرین از افریقای جنوبی هالیندی و برطانوی و اهالی برطانیا در آنجا قدم گذاردند. در اول اپریل ۱۹۰۵ تحت الحمايه کئی مزبور از زیر اثر وزارت خارجه برطانیا خارج و در تحت کنترل وزارت مستعمرات قرار گرفت و در نوامبر ۱۹۰۶ تحت الحمايه کئی مذکور بزرگترین اداره یک کورنر و سه سالار درآمد و (باستثنای قلمرو سلطان زنگبار) به شاهنشاهی برطانیا الحاق یافت، و از ۲۳ جولائی ۱۹۲۰ «مستمره کینیا» خوانده شد. و نواحی ساحلی که از سلطان زنگبار به اجاره گرفته شده بود به «تحت الحمايه کئی کینیا» توسیم یافت.

در ۱۵ جولائی ۱۲۹۴ معاهده بین برطانیا و ایتالیا با مضار سیده بر طبق آن، دریای جوبا و تقریباً ۷۰ میل زمین متعلقه انگلیسی با ایتالیا واگذار شد.

مستمره کینیا از ۹ ولایت مرکب است: ولایت ساحلی (مرکز: مباسا) اوکامبا (مرکز: ماچاکوس) کیکویو (مرکز: نیری) - نیازا (مرکز: کسومو) - ولایت مرحدی شمالی (مرکز ایسبولیو) - نزویا (مرکز: الدورت) - ترکانا (مرکز: کابن کوریا) - وادی ریف (مرکز: ناکورو) - ماسای (مرکز: نکانگه). کورنر و سه سالار فعلی: مرجوزف بایرن (تقرر ۱۹۳۰) منشی مستمره: ایچ - ایم مور.

یوگندا:

تحت الحمايه کئی یوگندا در افریقای شرقی استوائی، بین غدیر وکتوریا و غدیر البرت و قد برایدورد، و کوه نیل و غدیر روداف واقع است، بباره دیگر از شمال با مرحد «یوگندا سودان» - از طرف مشرق با خطی که از کوه زولیا بر مرحد سودان، در امتداد «ترکانا» توسیم شده و از بالای کوه انگات و با امتداد مرحد غربی مستمره کینیا رفته به سواحل شرقی غدیر وکتوریا ختم میشود. از طرف جنوب با مستملکه تانگانیکا و از طرف مغرب با مرحد شرقی کانگوی باجمیم محاط است. رقبه مجموعی آن ۲۰۴ ر ۹۴ مریم میل است که از آنجمله ۱۳۶۱۶ مریم میل آن را غدیرها تشکیل داده است. یوگندا بمقتصد اداره به چهار ولایت تقسیم یافته است ۱ - ولایت شرقی که مشتمل است بر دلاقه های بوسوکا تیسو - کارا موچا - بوگور - بوگیشو - بوداما - ۲ - ولایت شمالی که مرکب است از علاقه های بنیورو - گولو - لانگو - چوا - نیل غربی - ۳ - ولایت غربی که متضمن علاقه های نورو - آنکولا - نیچیزی است. ۴ - ولایت بوگندا به معیت جزائر غدیر وکتوریا، و مشتمل است

بر حلقه های منگو - ماسا کا - موبندا - وایتب . قوس آن تقریباً ۳۰۸۴۷۰۸ نفر است .

مالیکه جمعاً بنام تحت الحما به کی بوکندا یادی شوند ، تقریباً سه ، چهار هزار سال قبل مورد هجوم نژاد حامی واقع شده - و ایشان که از طرف شمال شرق حمله آور شده بودند ، اولاً با زنگیهای وادی نیل و بعدها با بومیان بوکندا - بونیورو ، و ناندی اختلاط و امتزاج حاصل نمودند . مهاجرین حامی نژاد مذکور ، قستی از تمدن مصری را با خود آوردند - اغلباً مملکت بوکندای آن وقت ، بواسطهٔ حمله باطلاقیهای غدیر مانند واقعه در بین « بور » و « فاشودا » ، با مصری ها سرافروخته مستقیم کرده نمیتوانستند . اما با « ایتویا » « حبستان » تجارت بری از راه کوه الکان و نواحی روداف ، داشتند زمانی حتی این سرافروخته با دنیای غیر زنگی نیز منقطع شد ، و سلطنت های مقتدری در بوکندا - بونیورو و آنگولا تشکیل یافت .

سلطنت بوکندا مخصوصاً در زمین های غدیر « وکتوریا نیازا » در قرن ۱۹ اقتدار داشت . پادشاه بوکندا موسوم به « سونا » اولین سرتیبه در سال ۱۸۵۰ بواسطهٔ یک عسکر مفرور زنگبار از دنیای خارجی سفید پوست اطلاع حاصل کرد . سیک ، مستکشف انگلیسی در ۱۸۶۲ در بوکندا رسیده ، و اولین اروپائی بود که قدم در آن خاک نهاد . در ۱۸۷۰ مرسموثیل بیکر ، دائرهٔ قدرت سودان مصری را بطرف جنوب تا به « نیل وکتوریا » بسط داد . پسر و جانشین سونا ، « متیسا » یا « موتیسا » سیک را خیلی دوستانه پذیرفت - و در ۱۸۷۵ ستانی را م ملانگات کرد و موخر الذکر از او اجازهٔ ورود مبلغین مسیحی را در مملکت ، حاصل نمود .

ضمناً اعراب زنگبار به حبش تاجر به تعداد زیادی به « بوکندا » وارد شدند - و اکثر آنها که مبلغین بودند ، سعی کردند پادشاه و خوانین بوکندا و ممالک همجوار را بدین اسلام مشرف سازند ، و تا بیک اندازه کامیاب هم شدند - درین اثنا مبلغین دین مسیح نیز روز بروز در مملکت زیاد شده میرفت . در سال ۱۸۸۲ اسلام نسبت بدین مسیح خیلی پیشرفت کرد در خزان ۱۸۸۴ موتیسا ، مرد ، و در اواخر حیاتش مملکت را خیلی اصلاح نمود . پسر و جانشینش « موانگا » از تبلیغات مسلمان متأثر شده . برای قلم و قمع دین مسیح کوشیده و خیلی از آن ها را بقتل رسانید - حتی یک مرتبه ۳۲ نفر عیسوی را بکجا آتش داد . اما بعدها با اثر تجویز « موانگا » که میخواست عیسویان را به جزیرهٔ بین غدیر مملکت فرستاده و برای دایم آنها را ترک گوید ، عیسویان سازش کرده . بر علیه او اهالی را شورانیدند - « موانگا » مجبوراً فرار کرد ، و چندی بعد به مریک هیئت تبلیغیه واقف در گوشهٔ جنوبی غدیر وکتوریا خود را رسانید . در غیاب او برادر بزرگش « کیکبوا » پادشاه شد ، و عهدهٔ مقامات مهم بین سه حزب تقسیم یافت ، ۱- مسلمان ۲- پروتستانهای انگلیسی ۳- کاتولیک های رومانی- اما مسلمان عرب دو حزب اخیر را از پا در انداخته و نفوذ خویش را در مملکت قایم کردند . « کیکبوا » بواسطهٔ عدم پیروی مقررات دین اسلام ، از طرف مسلمان خلم و برادرش « کاربما » بجای او جالس تخت گردید . احزاب عیسوی در خفا میکوشیدند ، « موانگا » را دوباره بیآورند و دست نفوذ مسلمان را قطع نمایند . بالاخره « موانگا » آمده و برای استرداد مقام « منگو » داخل محاربه شد اما شکست خورده در جزیرهٔ بین غدیر مملکت ، متواری گردید . مسیحیون مقیم بوکندا همواره از مبلغین خواهش میکردند تا بهر وسیله می توانند آمده اقتدار اعراب را سلب نمایند . در اکتوبر سال ۱۸۸۹ بین اعراب و اهالی بوکندا از یکطرف و مسیحیون از طرف دیگر محاربه واقف شد ، اگر چه اعراب و بوکندانیها درین جنگ شکست خوردند ، مگر در نوامبر همین ماه تلافی آنرا کردند - اما اخیراً با اجتماع مسیحیون و سازش مبلغین عیسوی در فروری ۱۸۹۰ شکست قطعی خوردند . قبل ازین شکست ، « موانگا » از « فردریک جیکسن » (که بسر کرده کی یک کاروان برای بسط نفوذ دولت برطانیا فرستاده شده و درین وقت قریب غدیر رسیده بود) استعانت کرد اما چون جیکسن درین وقت در اردو نبود ، « کارل بیترز »

تاریخچه مختصر افریقا

پسر کردگی هیئت موسوم به امین پاشا به « بوکندا » رفته و به معاونت اور دل (ک) در دسامبر ۱۸۸۹ بنام « موازکا » خواهش قبول بیرق انگلیس را نموده بود (معاهده با « موازکا » بست . پسانها که چیکسن از واقعه خبر شد ، او م در عقب پیترز روانه گردید . بالاخره این کشهکن بین هیئت جرمنی و انگلیس بواسطه معاهده جنوری ۱۸۹۰ بر طرف شده و جرمنی « بوکندا » را داخل حوضه نفوذ برطانیادانست .

حزب فرانسه نیز کوشش میکرد ، بوکندا را بزیر اثر فرانسه بیاورد . مگر پس از مجاهدات حزب انگلیس ، و وقوع جنگی بین مردم و حزب ، برطانیا غالب شد . و در ۱۸۹۴ بوکندا رسماً تحت حمایت برطانیادرا آمد . امروز تمام این مسئله مستقیماً در زیر اداره برطانیاست . اما بازر معاهدات ، خوانین محلی نیز بالای اقوام خویش میتوانند حکمرانی کنند . ولایت بوکندا ، بنام « سلطنت بوی » (یعنی بوکندانانی ها) شناخته میشود . شاه آن از قوم « کاباکا » و لقب عالیجناب دارد همچنین در آنکولا ، تورو ، و بونیوروشاهان محلی حکومت مینمایند . اما حکومت ایشان فقط عبارت از حل و فصل قضایا و امور ملی است و مسائل مهمه به کورنر برطانیا مراجعه میشود . مرکز اداره برطانوی در مقام ائیب است . حاکم و سبه سالاری بوکندا ، سربر نار دهنری (تقرر ، اپریل ۱۹۳۲) سرمنشی ؛ ای - ایل سگارت .

زننگبار :-

زننگبار سلطنت و تحت الحما به کی افریقای شرقی برطانیا بوده و مشتمل است بر جزائر زننگبار و بمبا و بعضی جزائر کوچک مساحت مجموع جزیره زننگبار و بمبا تقریباً ۲۰۰۲۰۰ مربع میل و نفوس آن تخمیناً ۲۳۰۰۴۲۸ نفر است ، اکثر ساکنین آن مسلمان میباشند .

در زمان قدیم تاچانیکه تاریخ سراغ میدهد ، مناطق ساحلی افریقای شرقی از بحر قزقم بطرف جنوب تا فاصله نامعلومی تابع اقتدار و نفوذ اعراب بود . از قرائن و امارات مبرهن میگردد که مصر ، چین ، و ملا یا تیبیا نیز ازین سرزمین باز دیده کرده اند . بعدها برزور زمان ، مسلمین عرب و فارس که در بین قرن ۸ و یازده مسیحی باعث اختلافات مذهبی زمان ، با افریقای شرقی هجرت کرده بودند ، بلاد ساحلی را تسخیر و تعمیر نمودند . بدین ترتیب آیالات متعددی با تمداد ساحل اساس گرفت ، و بمباسبه مهمترین آنها بود . بعضی اوقات این ایالات جمماً بنام « سلطنت زنج » یاد میشوند اگر چه با احتمال اقرب ، ابدأ در تحت اقتدار یک زمامدار نبوده اند . یا بقضت این سلطنت در آنوقت « کلوا » بود . و منطقه ساحلی منبور به زننگبار توسیم یافت - تجار هندی آن را تحریف کرده « ززبار » نامیدند - و اعراب ، « بلاد الزنج » خواندند . بقول ابن بطوطه (که ساحل منبور را در سال ۱۳۲۸ م سیاحت کرده است) و دیگر نویسندگان عرب ، مردم زنج ، بطور عمومی زنگی های مسلمان بودند که بی شبهه امروز « سواحل ها » (اهالی ساحلی) از آنها نامیندگی کرده و خون آسبانی در مروق شان اختلاط یافته است . آوانیکه برنگالیا در اواخر قرن ۱۵ در آبهای افریقای شرقی ظهور نمودند ، سلطنت زنج بنای سقوط را گذاشت - و بلاد بزگی از قبیل « کلوا » (که دارای ۳۰۰ مسجد بود) و بمباسبه و سپس « مالندی » و « موکدیشو » یکی بعد دیگری رو بزوال رفت .

در دوران ورود برنگالیا که (جزیره زننگبار را از ۱۵۰۳ تا ۱۵۰۸ فتح نمودند) انقلاب زیادی بظهور پیوست . و در اخیر قرن ۱۶ شهر های معتبر زننگبار ، معروف ساخت و تاز ترک ها (که از راه بحر آمده بودند) و قبایل تند خوی « زمبا » (که از جنوب دریای زمبازی برآه خشکه وارد این سرزمین شده بودند) قرار گرفت ، اعراب ساحل شرق منبور ، برای رهایی از دست برنگالیا و اخراج آنها ، از امام مستط

استعداد کردند. بالاخره امام مستظرفود بر تکیه‌ها را از مملکت زائل و خود آنرا بزرگ‌حایت گرفت. و در شهرهای معتبر آن والی‌ها گماشت. در بن وقت حکمرانی بمبایه بدست خاندان « مازرونی » رفته بود. و در ۱۷۳۰ جزیره زنگبار به تصرف اهراب آنولا درآمد. امام مسقط (سید سعید) در ۱۸۳۲ مجدداً تمام بلاد زنگبار را فتح کرده و پایتخت خود را بشهر زنگبار انتقال داد. بعد از وفات سید سعید در ۱۸۵۶، مستملکاتش بین دو پسرش منقسم گردید. زنگبار به سهم « مجید » رسید. بعد از مرگ مجید برادر کوچکش « برکش ابن سعید » که به سلطان زنگبار معروف است، جانشین او شد. درین وقت، قلمرو « برکش » علاوه بر جزایر زنگبار، یوبا، مافیا، از خلیج دلگا دو « بطرف شمال با امتداد ساحل شرقی تا بعضی بنادر شمالی و از طرف داخل مملکت تا حد نامعینی منبسط بود. همین وقت بود که مسئله تجزیه آفریقا بر روی کار آمده (رجوع کنید به نظر عمومی)، این خط وسیم بین برطانیا، جرمنی و ایتالیا منقسم و قطعه محدودی به سلطان برکش باقیماند. سهم ایتالیا قسمت شمالی زمین ساحلی، از برطانیا قسمت مرکزی (تحت الحماگی کینیای اسروزه) و از جرمنی قسمت جنوبی (مستملکات نانکا نیکا اسروزه) و نیز جزیره مانیا رسید. و قسمت باقی در ۱۸۸۸ به جانشین برکش، سید خلیفه تفویض یافت.

در ۴ نومبر ۱۸۹۰، بر طبق قرار داد، بر علاوه مقبوضات سابق، هلی گولیند به جرمنی، ومدغا سکر به فرانسه داده شده، قسمت باقی زمین را برطانیا بنام تحت الحماگی، تصرف کرد. پس از مرگ سلطان وقت، (سید حمید بن شواین) در اگست ۱۸۹۶ پسر کا کایش « سید خالد » خود را سلطان زنگبار خوانده، قصر سلطنتی را تصاحب کرد. حکومت برطانیا بر طلب او داخل اقدامات شده قصر را ذریعه چهارات جنگی بیبارد و او را مجبور به خروج از قصر نمود، مشارالیه از آنجا فرار کرده به قونسلگری جرمنی پناه برد و از آنجا به آفریقای شرقی جرمنی نقل داده شد، و حمید بن محمد، برادرش، توسط نماینده برطانیا در ۲۷ اگست ۱۸۹۶ بموضعش مقرر شد. در اکتوبر ۱۸۹۶ حکومت دوباره بزرگ توجیه برطانیا تشکیل یافت، و « مرللوید ماتیپوز » صدر اعظم آن مقرر گردید. در ۱۸۹۷ غلام داشتین و غلام فروشی ملتی شد. در ۱۹۱۳ اداره مستملکات از وزارت خارجه برطانیا منتفک و به وزارت مستعمرات تعلق گرفت.

سلطان اسروزه زنگبار سید مرخلبنه بن حرب است که بعد از خلع برادر اندر خود، علی بن حامد بن محمد، در ۹ دسمبر ۱۹۱۱ جالس تخت گردید. اصلاً حکومت بدست نماینده برطانیا است. نماینده اسروزه برطانیا، مررانکین (تقرر، دسمبر ۱۹۲۹).

ماریشس :

جزیره ماریشس در بحر هند، بفاصله ۵۰۰ میل بشرق جزیره مدغا سکر واقع است. رقبه آن تخمیناً ۷۲۰ مریب میل و نفوس آن در حدود ۴۱۸ و ۳۹۳ نفر است.

این جزیره تا قرن دوم مسیحی به دریانوردان عرب مجهول بود. ملایانی ها در قرن پانزدهم آنرا معاینه نمودند. اما برای اروپایی ها فقط در سال ۱۵۰۵ توسط یک دریانورد پرتگالی مکشوف گردید، درین وقت خالی از متوطنین بود. از قرائن، اشغال آن از طرف کدام ملتی مشهود نمیکردد. در قسمت عمده قرن ۱۶ پرتگالیها در آنجا سکونت اختیار نموده بودند مگر برای سکونت خویش آبادی نساختند. در سال ۱۵۹۸ هالیندیها آنرا به تصرف آورده و بنام نائب الحکومه خود « کاونت ماریس » به « ماریشس » توسیم

نمودند، اما در سال ۱۷۱۰ آنرا ترک گفتند. در سال ۱۷۱۰ بدست فرانسه افتاد و به «جزیره فرانسه» موسوم گشت و تا ۱۷۶۷ در قبضه آن دولت بود. در اثنای بحار به این فرانسه و انگلستان در شروع قرن ۱۹، جزیره مزبور برای جهازات جنگی و تجارتی هند برطانوی خیلی اسباب ناراحتی را فراهم آورد - بنابراین حکومت برطانیه به قبض آن تصمیم نمود. چنانکه در خاتمه جنگ مزبور، در معاهده صلح «پاریس» سال ۱۸۱۴، جزیره ماریشس با توابع آن به انگلستان سپرده شد - و ازان وقت تاکنون بدست دولت برطانیه است.

گورنر حاضره ماریشس، مرفرانسس جیکسن (تقرر: ۷ مارچ ۱۹۳۰).

توابع ماریشس: جزیره «رودریگز» تقریباً بقاصلة ۳۰۰ میل شمال شرق ماریشس و دارای رقبه ۴۲ مربع میل است. نفوس آن تخمیناً ۸۶۹۱ نفر میباشد.

دیگر جزایر تابعه عبارت اند: از جزیره «دیگو کارشیا» و شش جزیره بیرو باهوه، جزایر سلیمان، اکالیگا، مجمع الجزایر سینت براندن، و تر وافریر. نزدیکترین این جزایر به ماریشس، تقریباً ۲۳۰ میل و دورترین آن تقریباً ۱۲۰۰ میل مسافه دارد.

نیاسالیند

تحت الحما به کی نیاسالیند برطانوی از طرف غرب بارودیشیای شمالی و افریقای شرقی برتگالی، از طرف شمال با اراضی تانگانیکا و از طرف شرق و جنوب با افریقای شرقی برتگالی محدود است - رقبه آن زائده از ۴۰۰ هزار مربع میل و از آنجا ۳۷۸۹۰ مربع میل آن را آب فرا گرفته است - نصف حصه شمالی سرحد شرقی آن را غدیر «نیاسا» تشکیل میدهد.

بعد از آنکه لوئیک ستون (رجوع کنید به استیکشافات افریقا) فد بر نیاسا را کشف کرد، هیئت های عدیده تبلیغی در آن سرزمین روی آوردند. درین ضمن هیئت های تبلیغی انگلیس با بعضی سکات لیند به هم دست شده تصمیم گرفتند تا برخلاف پیشرفت برتگالیها از موزمبیق (استعمارات برتگالی های آنوقت) تا دریای زامبیزی داخل اقدامات شوند. چندی بعد از میان این هیئت ها جمعیتی بنام «جمعیت تجاریه غدیر های افریقا» تشکیل یافت. و مقام بلانتیر در ۱۸۸۳ تاسیس شد - و اولین قونسل انگلیس به طرف آن اعزام یافت. کمی بعد، ساکنین سرزمین نیاسا با برده فروشان عرب که در گوشه شمالی غدیر نیاسا اقامت داشتند، دچار کشمکش گردیدند. در ۱۸۸۵ جنگی بین اعراب و بروتون ها راجع به سرزمین نیاسا شعله ورگشت و تا ۱۸۹۶ ادامه داشت. در دوره تلاش دول اورویا برای تملک زمین های افریقا (رجوع کنید به نظر عمومی)، شرکت برطانوی افریقای جنوبی، در ۱۸۸۹ جواسیس و ماورین مخفی را به افریقای مرکزی روانه نمود نیز در همین سال يك نماینده انگلستان حبه برقراری روابط بین اعراب و «جمعیت تجاریه غدیر های افریقا» - و نیز حبه تامین حیات برطانوی ها و خوانین ساکن آنولا از حمله و تعرض برتگالیها، در افریقا فرستاده شد. و در نتیجه زحمات مشارالیه، تحت الحما به کی برطانیه و حوضه نفوذ آن مملکت در شمال دریای زامبیزی تقرر گرفت. نزاع با برتگالی بواسطه معاهده ۱۸۹۱ برطرف گردید. و بعد از آنکه شرکت مزبور مناطق وسیعی را بفریب و شمال غدیر نیاسا بدست آورد، حکومت برطانیه تحت الحما به بودن ممالک مستقل دریای «شیر» و «نیاسا» را در ۱۸۹۲ رسماً اعلان کرد. باشندگان این مناطق اکثر اطاعت برطانیه را قبول نمودند - بعضی قبایل دور و بیش که پیشوریدند، هم پس از يك سلسله کشمکش ها بالاخره متقاعد گردیدند - و مناطق مزبور نام «تحت الحما به کی نیاسا بلند برطانیه» را بخود گرفت. در ۱۸۹۳ این نام به «تحت الحما به کی افریقای مرکزی برطانوی» تبدیل شد، مگر در ۱۹۰۷ دوباره به اسم اول توسیم یافت.

مقامات عمده آن « بلاتیر » و « لب » در سطوح مرتفع دریای « شیر » واقع است - دیگر مقامات آن عبارت است از زومبا (مرکز حکومت) - چولو - لیلونگوی - وملانجو -
گورنر و سیه سالار و اکانت (تقرر، مارچ ۱۹۳۴).

سیشل

سیشل نام مجمع الجزایر است در بحر هند، که با توابع خود، رو بهمرفته به ۹۲ جزیره بزرگه و کوچک با لم و مستعمرة بر طانوی سیشل را تشکیل میدهند. جزائر تابعه و دور افتاده آن، به جنوب غرب سیشل و مابین این مجمع الجزائر و جزیره مدغا سکرو قوع دارد. مساحت این مستعمرة یا جزائر یک بزرگه بزرگه حکومت سیشل میباشد تقریباً ۱۵۶ مریب میل است. جزیره بزرگه سیشل جزیره « ماهی » (مساحت ۵۵ مریب میل) و جزائر کوچک تر عبارتند از براسلین سلهوت، لادیکه، گور یوز، و قلیستی. از جمله جزائر تابعه آن جزائر آمیرانتز، جزیره الفونس جزیره بیجو تیر، سن فرانسوا، سن بیر، جزائر کاسمولید، جزیره استاو، جزیره ایسمشن، جزائر الدیرا، جزیره برا و بدنس، کویتوی، جزائر فرکوهی، و جزیره فلیت است. نفوس آن جمعاً قریب ۲۸۲۳۵ نفر است.

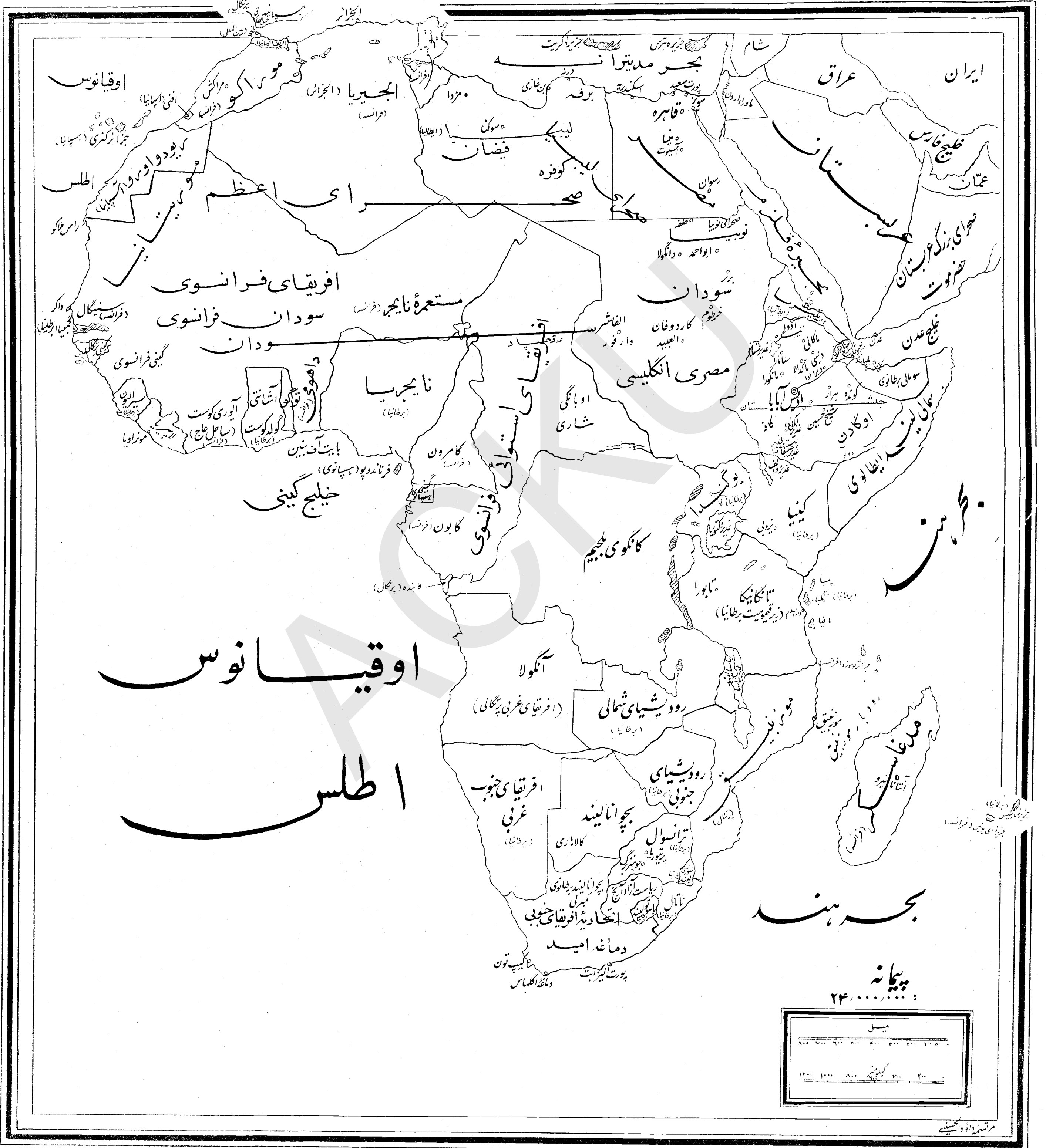
سیشل در رابطه های جغرافیائی سنه ۱۵۰۲ مرتبه برنگالی ها نشان داده شده است. او این سفر معلوم درین جا در سال ۱۶۰۹ بدریمة یک جهاز انگلیسی بعمل آمد. دومین سفر، توسط « کپتان لازاریکات » فرانسوی صورت گرفته و مشارالیه آنرا رسماً به مقبوضات فرانسه ملحق نمود. و نام جزیره بزرگه را « ماهی » و از مجمع الجزائر را « جزائر بوردونی » نهاد. اما در سال ۱۷۵۶ بنام « مورود و سیشل » ناظر مالیات لوئی پانزدهم « سیشل » نامیده شد. و او این آبادی در آنجا بسال ۱۷۶۸ بعمل آمده و شهر « ماهی » تاسیس گردید، کمی بعد جهت رقابت با تجارت مصالحه جات هالیندیها، حکومت فرانسه، بته های مصالحه جات را در آنجا شانند. در سال ۱۷۹۸ حکومت انگلستان آنرا غصب کرد و در سال ۱۸۱۰ جزء حکومت ماریشس گردید. و در معاهده سنه ۱۸۱۴ پاریس، حکومت فرانسه آنرا رسماً مستعمرة برطانیا شناخت.
گورنر و سیه سالار، مردوسیو نز « هونی » (تقرر، جنوری ۱۹۲۸).

سومالی لیند

سومالی لیند، مملکتی است در افریقای شرقی که بنام اهالی آن، سومالی ها، تو سم یافته است. بعضی اوقات این مملکت را بنام « شاخ شرقی افریقا » هم میخوانند، زیرا مملکت منر بور بطرف بحر هند، برآمدگی نیزی دارد. شکل آن بالعموم بمثل یک مثلث غیر منظم است که رأس آن، دماغه کاردافوئی می باشد. ازین رأس، ضلع شمالی آن، بیش از ۶۰۰ میل با امتداد ساحل جنوبی خلیج هدوت تمتد بوده و به طرف غرب تا خلیج « تاجورا » میرسد. ضلع شرقی آن تا فاصله ۱۲۰۰ میل به جنوب غرب بحر هند افتاده است. حدود داخله شمالی لیند بطور عمومی با کوه های شوان و هزار، و هلاله کالای جنوب شوا و شرق غدرد رودلف، مطابق بوده و ۴۰ درجه طول البلد شرقی، مرحد غربی آن را تشکیل میدهد. رقبه این مملکت نما تقریباً ۳۹۶۰۰۰ مریب میل است. و بقرار ذیل تجزیه شده است:

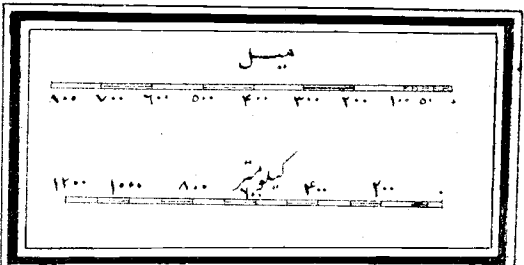
سومالی لیند	برطانوی	۶۸۰۰۰	مریب میل
»	فرانسوی	۸۰۰۰	»
»	ایتالوی	۱۹۰۰۰۰	»
»	ای سینیائی	۱۳۰۰۰۰	»

افریقا



اوقیانوس

اطلس



تاریخچه مختصر افریقا

این قطعه در اوائل قرن ۱۹ نام « شمالی لیند » را اختیار کرد. سابقاً علاقه جات شمالی و مرکزی آن بنام « عادل » و ساحل شمالی شرقی آن بنام « آجات » معروف بود. قدامت این مملکت را پیاپی که نباتات خوشبوی بکثرت داشت « زمین خوشبوی » مینامیدند. شمالی لیند فرانسوی و ایتالیوی در ردیف مقبوضات دول مزبورند کار خواهند یافت. ما در اینجا تاریخ سومالی لیند برطانوی را مینگاریم.

شمالی لیند برطانوی

تحت الحما به کتی شمالی لیند برطانوی، در امتداد خلیج عدن، از چاهای لاتادو (نزدیک جوییتی) در غرب تا بندر « زیده » (۱۸۰ میل غرب دماغه کارادافوئی) بقدر تخمیناً ۴۰۰ میل طوالت داشته و عرض آن از ساحل بطرف داخل، از ۸۰ تا ۲۲۰ میل میباشد. از طرف شمال با شمالی لیند فرانسوی از سمت جنوب مغرب با حبشستان، از جهت جنوب مشرق و مشرق با شمالی لیند ایتالیوی محاط است. مساحت آن تقریباً ۶۸۰۰۰ مربع میل، نفوس آن تخمیناً ۳۴۴۷۰۰ نفر است و همه مسلمان اند.

در قرن ۷ مسیحی، مهاجرین قریشی که از یمن وارد این سرزمین گردیده بودند، سلطنت عربی را قیام کرده و « زیله » را پای تخت قرار دادند. قدرت این سلطنت در قرن ۱۳ خیلی ترقی کرد و به امپراطوری عادل معروف گشت. در قرن ۱۶ پای تخت آن به مقام « مران » نقل داده شد. در قرن ۱۷ از طرف مهاجرین « گالاتی » صدمه دیده و به امیری ها و سلطنت های کوچک مستقل که در تحت رؤسا و خوانین اداره می شد تحویل یافت و شهر « زیله » بزیر تابعیت یمن رفته و گویا بنام، جزئی از امپراطوری ترکیه گردید. ارتباط برطانیا با ساحل شمالی در اوائل قرن ۱۹ آغاز می کنند - یعنی درین وقت « شرکت هند شرقی » ضرورت داشتن بندری را درین سرزمین برای جہازات خود حس کرده و در ۱۸۴۰ مصادف با سلطان « تاجوره » و گورنر « زیله » بست و ازین وقت به بعد حکومت هند نفوذ زیادی در ساحل شمالی حاصل کرد، امامتوز اقتدار برطانیادر آنجا بطور قطعی قیام نشده بود. در ۱۸۷۴-۱۸۷۵ خدیو مصر، اسمعیل پاشا، بنادر « تاجوره » « بربره » و « بلهار » و در داخل خاک، مقام « مرار » را اشغال کرد. ولی در سال ۱۸۸۴، پارتیشاش مہدیون در سوادن مصری، هساگردائی خدیو، مقامات مزبور را تخلیه نمود. متعاقباً برطانیا بنا در زیله، بربره و بلهار را که (از راه کانال سوئز در عرض راه هند وقوع داشت) بدست آورد. و در سال ۱۸۸۴، ۱۸۸۵ و ۱۸۸۶ معاهداتی با قیابیل سومالی که حمایت برطانیا را تضمین میکرد، بسته شد. و در ۱۸۸۸ حدود شمالی برطانوی و شمالی فرانسوی تعیین گردید. و دیگر حصص سرحدات شمالی برطانوی بواسطه موافقت نامه ۱۸۹۴ شده. با ایتالیا، و موافقت نامه ۱۸۹۷ به حبشستان معین شد. تحت الحما به کتی مزبور در ابتدا تابع عدن شمرده اما در ۱۸۹۸ زیر اداره وزارت خارجه انگلستان رفت و در ۱۹۰۵ در تحت کنترل وزارت مستعمرات درآمد. کشتن و سپه سالار، میجر لارنس (تقریر ۱۸ جون ۱۹۳۲).

سودان مصری انگلیسی

سودان (که بحر بی بلاد السودان یعنی مملکت سیاهان نامیده میشود) عبارت از آن منطقه عاک افریقا است که بجنوب صحرای اعظم و مراز خلیج ورد (در بحر اطلس) تا « ماسا » (در بحر قزقم) افتاده است. این منطقه از طرف جنوب با ممالک ساحل غرب افریقا و حوضه کانگو و فدرهای استوائی و از سمت مشرق با سطوح مرتفع حبشستان و گالاتی محاط است.

تقسیم سیامی سودان ۱۱ - اراضی فرب نایجر که در اخیر قرن ۱۹ بدست فرانسه افتاده و شامل سنیکال و سودان فرانسوی است (رجوع کنید بتاریخ سنیکال - سودان فرانسوی - و افریقای غربی فرانسوی).

۲ - اراضی بین نایجر و فدی جاد که تقریباً همه آن شامل تحت الحماة نایجر یای شمالی برطانویست.

۳ - اراضی بین فدی جاد و حوضه نیل که شامل افریقای استوائی فرانسوی می باشد.

۴ - ودی نیل علیا که در قرن ۱۹ توسط مصریها فتح شده و حالا سودان مصری انگلیسی نامدارد.

سودان مصری انگلیسی عبارتست از آن منطقه سودان که قبل از انقلاب ۱۸۸۱ - ۱۸۸۴ قایل معریه زیر اداره مهدی محمد احمد بنام سودان مصری یاد میشده و پس از فتح افواج غنظطه مصری و انگلیسی (در ۱۸۹۶ - ۱۸۹۸) بزرگترین مشترکة برطانیای و مصر درآمده است. این مملکت از طرف شمال بامصر، از جانب مشرق بایجر قازم و از غرب و حبشستان و از جهت جنوب با تحت الحماة که یوگند اوکا نکوی بلجیم و از سمت مغرب با کانکوی فرانسوی محاط میباشد. رقبه آن ۹۵۰۰۰۰ ر ۹۵۰۰۰۰ مریلمیل یا تقریباً ربع خاک اوروپا و نفوس آن بقرار احصاءات تازه ۸۴۸ ر ۶۰۵ ر ۵ نفر است که ۵۹۹۰۸ نفر آن خارجی و باقی بومیان سودان میباشند.

مناطق جنوبی سودان مصری انگلیسی تا دوره فتح مصر در قرن ۱۹ تاریخ معلوم ندارد. اما در مناطق شمالی آن که معروف به ایتھوپیا یا نوبیا بود، نفوذ مصری عین از زمان امپراطوری قدیم آن، راه یافته بود. برور زمان درین صفحات دول متتدره بروی کار آمده، مقامات «نایاتا» و «میرو» پایتخت قرار یافت. اهالی نوبه (یعنی ساکنین وادی نیل و اقبه بین مصر و حبشستان) تا قرن ۶ میلادی بدین مسیح داخل نشده بودند. حمله اعراب در شمال افریقا در قرن ۷ میلادی، که مصر را مملکت اسلامی ساخت، در نوبیا چنان نتیجه نداد. مسلمانان با اینکه هجومهای متواتری در نوبیا آوردند، مگر آنرا حفظ کرده نتوانستند. و بوسی های مسیحی بر روی خرابه های ممالک قدیمه ایتھوپیا سلطنت های «انگولا» و «آلوا» را که پایتخت های آن (انگولا) و «سوبا» («نایاتا» و «میرو») بود، اساس گذاردند. این سلطنت ها تا اواسط قرن ۱۴ دوام نمود. ضمناً اعراب بنی امیه، با ترفشار عباسی ها از قرن ۸ آغاز به عبور بجز قازم نموده در علقه اطراف «سنار» و اقبه بر نیل آبی نوبن گزیدند. در سنوات مابعد، مهاجرین دیگری از عرب درین ولا آمده و اینها واموی های مذکور با نژاد نیم حبشی از دواج کرده متدرجاً نفوذ قوی ترشد، و اسلام، دین باشندگان «سنار» گردید. بدین طریق حائلی بین مسیحون نوبیه و حبشستان تولید گشت. در حدود قرن ۱۵ نژاد حبشی های مرعبه و مسلمانان نیل آبی ملت مقتدری گردیدند. معروف به «فونج» و م درین مصر، فتوحات خود را بطرف شمال تا مرحدات مصر بسط دادند. سلطنت دانگولا قبلاً با اثر مهاجرات مسلمانان از طرف شمال دچار افشاش بوده و رو به ضعف گذارده بود. اگرچه بعضی نوپسانی ها تا قرن ۱۶ بدین مسیح بودند، مگر تمام سودان و اقبه بشمال اراضی حبشی های غیر اهل کتاب، بزرگ سلطه مسلمانان درآمد. درین وقت سلاطین «دارفور» در غرب و سلاطین سنار (حکمران فونج) در شرق، از مقتدرترین حکمرانان اسلامی سودان بشمار میرفتند.

نخستین پادشاه ملت فونج، «امارادونکاس» بود که از ۱۴۸۴ - ۱۵۲۶ حکومت کرد. در زمان حکومت «ادلان» (۱۵۹۶ - ۱۶۰۳)، شهرت سنار، دانشمندان را از قاهره و بغداد بدر بارش کشانید. کواصه ادلان، «باری» ابودا کو، به حبشی های شیلوک حمله برده و «کوردوقان» را مورد تاخت و تاز قرار داد. در اوائل قرن ۱۸ بین سناری ها و حبشستانی ها جنگ در گرفته آخر الذکر شکست فاحش خورد، و آوازه این فتح اسلام، بمقابل غیر دین، در سرتاسر عالم اسلام انتشار یافت. در

اواخر قرن ۱۸ قبایل «هامک» ، قدرت فونج ها را با مال کرده و سلطنت رو به زوال گذاشت - و این بی نظمی ها تا زمان فتح سودان توسط مصر ، دوام داشت .

فتح مصر در ۱۸۲۰ با سر محمد علی ، والی مصر آغاز شده و در ظرف دو سال به تکمیل رسید . منظور اصلی محمد علی پاشا ، تحصیل ممالک طلا و جواهرات بود که میگفتند در سودان یافت میشود . نیز میخواست بقایای مملوکها را که در ۱۸۱۲ در دانیگولا جمع گردیده بودند ، مضمحل نماید . اسماعیل پسر محمد علی پاشا فرمان پدر ، سرگردگی ، ۴۰۰ نفر ، در ۱۸۲۰ از وادی حلفه روانه شد ، و راه نیل را تقسیم کرده «دانیگولا» را بدون مخالفت بدست آورد ، و مملوکها فرار کرده بعضی به دارفور و وادی ، و برخی بطرف بحر قزقم رفتند ، اسماعیل پادیهای «شاکیا» که درین حلقه نفوذ داشتند ، هم دودمه مصاف داده و در هر دو جنگ کامیاب گردید از بن پس ، شاکیاها شامل سواره نظام مصرها گردیدند . اسماعیل تا فروری ۱۸۲۱ در ولایت «دانیگولا» بوده بعد از آن از صحرائی «باودا» گذشته ، مک ها (سلاطین) بر برو شندی و خلیفه را که محض بنام تابع پادشاه سنار بودند ، مطیع خویش ساخت . اسماعیل بطرف جنوب به راه خویش ادامه داد ، به ملتقای نیل سفید و آبی رسید ، و در راه خرطوم اردوگاهی قائم کرد - (همین اردوگاه ، بصورت شهری توسعه یافت) . درین اثنا «بادی» ، پادشاه سنار که اقتدارش را مشیران ارضب کرده بودند ، تصمیم گرفت مطیع مصر شود - همان بود وقتیکه اسمعیل به نیل آبی رسید به مقام «وادمدانی» یا «بادی» ملاقی شد ، و آخر اندک تأبیت خود را به محمد علی پاشا اعلان کرد . اسماعیل و «بادی» هر دو یکجا در ۱۲ جون ۱۸۲۱ به شهر سنار داخل شدند و بدین طریق مصرها ، حکمروای سلطنت قدیمه فونج گردیدند . اسماعیل به تلاش ممالک طلا (که رایور داده بودند بطرف جنوب وجود دارد) به ناحیه کوهستانی «فازوکل» وارد شد - اما حبشی های این حلقه ، از پیشرفت او مانع شدند . در فروری ۱۸۲۲ به اسماعیل اطلاع رسید که در مصر شورش برپا شده ، و بنا بر آن فوراً بطرف دانیگولا برگشت . در اکتوبر ۱۸۲۲ اسمعیل به «شندی» عودت کرده از مک (یعنی پادشاه) آن موسوم به «نیرمر» تقاضا نمود که یک هزار غلام را برای او در ظرف دو روز تهیه نماید . مک قبول کرده اسمعیل و صاحب منصبان معتبرش را در خانه خود ضیافت داد ، در اثنا تیکه اینها به طعام خوردن مشغول بودند بدو و در خانه انبارگاه را پاشیده آتش زد و اسمعیل و همراهانش را زنده سوختاند . خسرتی محمد علی پاشا محمدی نیز چهار هزار عسکر را گرفته در عقب اسمعیل روانه شده بود و (در ۱۸۲۲) کوردوفان را از سلطان دارفور انتزاع کرده بود درین اثنا مشارالیه از سرگ اسمعیل شنیده بطرف «شندی» بیامد و افواج «مک» (یعنی پادشاه) مزبور را شکست داد ، و انتقام اسمعیل را از اهالی «مستا» و شندی کشیده اکثر آنها را (که زها و اطفال نیز در آن جمله شامل بود) زنده در داد - خود پادشاه شندی به حبسستان گریخت .

مصر بهایس از فتح نوییه و سنار و کاردوفان ، حکومت ملکی را در آنجا بر روی کار آوردند - و در راه حکومت یک نائب الحکومه را مقرر کردند که اختیارات نامحدود داشت . این نائب الحکومه ها (باستثنای خورشید پاشا که از ۱۸۲۶ تا ۱۸۳۹ مقرر و شخص کاردان و فعالی بود) دیگران به بهبود اوضاع اهالی نمی کوشیدند . درین وقت محمد علی پاشا ، بندرگاه سواکین و ماساوارا از سلطان ترک بقسم گرد گرفته بالوسيله راه های تجارتمی سودان شرقی را بدست آورد . ضمناً برای بسط قوای مصر درین مناطق ، سعی بعمل می آمد - در ۱۸۴۰ جلانه زر خبزناکا ، نزدیک حبسستان ، فتح شده ، شهرکاسالا تاسیس یافت . محمد علی در ۱۸۴۹ درگذشت . بعد از سرگ محمد علی تجارت سودان منحصر به مصر نمانده و تاجران دیگری عرض اندام نمود که پیشقدم آنها «جون پترک» قونسول برطانیا مقیم خرطوم بود . در ۱۸۵۳ اسمعیل پاشا والی مصر گردید و برای جلوگیری از تجارت فلامان ، احکام صادر کرده در مقام فاشودا یکمده افواج را متمرکز ساخت . مشارالیه نیز خیال جاه طلبانه داشته میخواست ، از ارضی متصرفه سودان را وسعت دهد . امپرده در ۱۸۶۵ از طرف سلطان

ترك فرمانی گرفته اداره سواکین و ماساوا را بدست خود در آورد . اسمبیل پاشا از ۱۸۷۰ تا ۱۸۷۵ با لتدریج بر تمام ساحل بحر قزقم از سوی تا خلیج « گوار دافونی » قبضه نمود - ضمناً مشارالیه مخابرات تمام اراضی بین نیل و بحر هند را متصرف شود . چنانچه در ۱۸۷۵ یکدسته فئون را بدین غرض به دریای « جوبا » فرستاد - اما بجواش برطانیا که این مسئله به حقوق سلطان زنگبار بر میخورد ، بازگشت نمود . درین وقت ، اداره اراضی جنوب « کاندو گورو » به « مر سموتیل بیکر » انگلیس سپرده شده بود ، (مشارالیه در ۲۶ می ۱۸۷۰ مقام منور را اسماعیلیه نامیده به قلمرو مصر افزود) - بیکر تا ۱۸۷۳ از طرف برطانیا حاکم ولایات استوائی سودان بود - در ۱۸۷۴ این عهده به کرنیل گوردون سپرده شد . گوردون و بیکر هر دو به احمای برده فروشی مساعی جیل بکار بردند . در زمان حکومت گوردون ، ناحیه نیل علیا تا مرحدات یوگندا بزر اداره مصر در آمد . در ۱۸۷۷ گوردون حاکم کلیه اراضی زیر نفوذ و خارج مصر (یعنی ولایات سودان خاص ، ولایات استوائی سودان ، دارفور ، بحر قزقم و سواحل سومالی) گردید و تا ۱۸۷۹ در سودان بود . بعد از ورثه پاشا حاکم خرطوم گردید - درین وقت ، مامورین عالی اروپائی در سودان ، کیسی ، امین پاشا (که از ۱۸۷۸ حاکم ولایات استوائی بود) و سلتن پاشا حاکم دارفون بود .

بعد از گوردون ، جانشینان او با اهالی حسن سلوک را صریح نداشتند و ناچاران غلام را بشدت منع میکردند . ازین وضعیت ، قبایل « باکارا » حکمرانان خارجه سودان را بنظر نفرت می نگریستند و وقتیکه محمد احمد (باشدند دانگول) خود را مهدی اسلام خواند ، « باکاراها » بدور او جمع شده برای برانداختن اقتدار مصر از سودان ، داخل اقدامات شدند . مهدی در ۱۷ جنوری ۱۸۸۲ مقام « المید » را متصرف شد - و در نوامبر ۱۸۸۴ یکدسته فوج ده هزار نفری را که بر کردگی هکس پاشا (ویلیام هکس) از طرف برطانیا و مصر فرستاده شده بود ، شکست فاحش داد ، و کوردوفان و سنار را متصرف شد . در دسامبر همین سال ، سلتن را در دارفور شکست داد - و در فروری ۱۸۸۴ عثمان نائب الحکومه مهدی در اراضی بحر قزقم ۴۰۰۰ مصری را نزدیک سواکین ، هزیمت داد . و در اپریل همین سال لوپتن بی حاکم بحر القزل را اسیر کرد .

حکومت برطانیا ازین شکست های بی دربی ، بحکومت مصر اطلاع داد که باید مصر ، آن حصص سودان را که تا کنون به قبضه دارد ، تخلیه نماید (برطانیا از ۱۸۸۲ به اشغال مصر مصروف بود) - و ژنرال گوردون را با « دونالد ستوارت » به خرطوم فرستاد که عودت قوس ملکی و نظامی مصری را تهیه بینند . درین وقت مهدیون ، بطرف شمال رو آورده و در ۲۰ می بربره را تسخیر نمودند - و در ۲۵ جنوری ۱۸۸۵ بعد از محاربه شدیدی خرطوم را گرفته گوردون را بقتل رسانیدند . کرنیل ستوارت نیز کشته شد . بعد از فتح خرطوم ، افواج انگلیسی عقب نشست و دانگولا در جون ۱۸۸۵ تخلیه شد . در همان ماه « کاسالا » تسخیر گردید ، و بعد از آنکه مهدی ، اقتدار مصری ها را در سودان درهم شکست ، وفات کرد . جانشین او خلیفه عبدالله تا ستمبر ۱۸۹۸ حکومت کرده و درین وقت افواج برطانوی و مصر بسرکردگی لاردرکچنز ، فئون خلیفه را شکست قطعی داد . خلیفه به کوردوفان گریخته و در نوامبر ۱۸۹۹ در اثنای محاربه بقتل رسید - و بدین طریق ، دوره حکمرانی و فتوحات مصر مهدیه پایان رسیده و چون سودان بواسطه افواج و مصارف مختلطه انگلیسی و برطانوی مفتوح شده بود ، بزر اداره مشترکه مصر و برطانیا در آمد . و برای تعمیم این مقصود ، در ۱۹ جولائی ۱۸۹۹ قرارداد بی بین انگلیس و مصر با مضاء رسیده بر طبق آن اقتدار مشترکه دولتن در متراسر سودان شناخته شد . نیز نظر به این قرارداد ، نائب الحکومه سودان ، حسب سفارش حکومت برطانیا مقرر می شود . اینک بدین وجه سودان مصری انگلیسی در واقع بزر نفوذ برطانیا رفت . اولین نائب الحکومه آن لاردرکچنز بود - بعد از او ونکیت (در ۱۸۹۹) مقرر گردید - و مشارالیه تا ۱۹۱۶ بدین عهده بوده درین سال منسوب اعلی مصر شد .



مسجد مولی اسمعیل در فاس (مراکش)



از مناظر ولایت دماغه آمید (افریقای جنوبی)

افریقای جنوبی

باسوتولیند:

باسوتولیند، يك فلات مرتفع و ناهموار است که به شکل ذو اربعة الاضلاع غیر منظم بشال شرق ولایت دماغه امید، وقوع دارد. و مرحدات آن را، ولایات آرنج فری ستیت، ناتال، و دماغه امید تشکیل میدهد. رقبه آن تقریباً ۱۱۷۱۶ مربع میل، و نفوس آن تخمیناً ۴۹۸۷۷۱ نفر است.

باسوتولیند تا اوائل قرن ۱۹ غیر مسکون معلوم می شود؛ مگر قبائل آواره «بشبن» در آنجا گشت و گذار داشتند. در حدود سال ۱۸۰۰ مملکت را قبائل متزوعه بچوانا، مثل باتاو- باسوتو- بایوتو که در آنوقت قسمت اعظم ولایت امروزه آرنج فری ستیت را بصرف داشتند، اشغال نمودند. از قرائن معلوم میگردد که قبائل مزبور باقتدار خانواده که از نسل رئیس موسوم به «موناهنک»، بوجود آمده بودند، مر تسلیم فرود آورده بودند. بعدها قبائل مذکور، بازر محاربات باخوانین قبیله زواو (چاگا - مانی دانا - مومبی لی کاز) ازم باشند. درین وقت، جوانان «موشیش» نام که از خانواده «موناهنک» و به شکار و سردانگی معروف بود، بقایای قبائل متفرقه را دور خود جمع آورده و ملت امروزه «باسوتو» را تشکیل داد. مشارالیه در ۱۸۲۴ قلمه کوهی مقام «تھا با باسی گو» را مقر خود فرار داد. و در ۱۸۳۱ با «موسیلی کاز» کامیا باه مدافعه نمود. در ۱۸۳۳ «موشیش» هیئت تبلیغی پاریس را دعوت داد که بدان سرزمین توطن جویند، و از آرزو تا ساعت مرگ، دوستان صمیمی آنها بود. در ۱۸۳۶ - ۱۸۳۷ دسته های بزرگی از مهاجرین قوم «بورها» بشال دریای آرنج رحل اقامت افکندند. و کجی نگذشت که بازم مطالبه بورها (که خواهان تصرف قسمت اعظم زمینی بودند که دهاقین سفید پوست در آن نمکن داشتند) منازعات بین ایشان و موشیش تولید شد. باسوتوها که به مال داری (پرورش مواشی) و تاراج کردن معروف بودند، همسایه های مضر بورهای مهاجر محسوب می شدند. اشتیاق بورها برای تحصیل زمین بود، و روز بروز بدین مقصود پیشه رفتند. تا آنکه پیشرفت روز افزون آنها در زمین باسوتو، «سرجارج نییر»، حاکم آنوقت «کیپ کالونی» را متوجه ساخت، و مشارالیه در ۱۸۴۲ اعلامیه انتشار داده تجاوز مزید آنها را در باسوتولیند ممنوع قرار داد. و در ۱۸۴۳ با موشیش معاهده بسته، دوات ملی باسوتولیند را در تحت حمایت برطانیا در آورد.

ضمناً منازعه بین باسوتوها و بورها و در عین حال با باسوتوها و دیگر قبائل «چوانا» جاری بود. بعد از آنکه «سرهیری سمت» حاکم انگلیسی «کیپ کالونی»، اقتدار و تملک حکومت برطانیا را بالای نواحی دریای آرنج اعلان کرد، موشیش را م خواهی نخواهی ترغیب نمود که قسمتی از قلمروش را که بفریبه معاهده «نییر» تعیین یافته بود، بزا و گذار شود. این تحریک باعث منازعه و جنگ (در سال ۱۸۵۱) بین باسوتوها و انگلیسها شده و به غلبه باسوتوها خاتمه یافت. بعد، جانبین برای حل قضایا داخل اقدامات گردیدند اما با م موافق شده نتوانستند و در ۱۸۵۲ «ژنرال سرجارج کانه کارت» (که بعد از سرهیری سمت، حاکم کیپ کالونی مقرر شده بود) به مقابل موشیش، اعزام قشون نمود. موشیش از وخامت مسئله اطلاع داشته، به حاکم مزبور چنین پینامی فرستاد: «میدانم میخواهید مانند بورها بخاک ما تجاوز ننمایید. اما خواهش میکنم بازمینی که بدست آورده اید قانع شوید. شما قدرت خود را نشان داده اید، و تنبیه نموده اید. من هم کوشش میکنم در آینده ملت خود را برزیر نظم و اداره بیاورم» - ژنرال کانه کارت پیشنهاد او را قبول نمود و صلح حکمفرما شد. و ملت باسوتو همانطور متعسمانده چهارده ماه بعد (فروری ۱۸۵۴) برطانیا، اقتدار خود را از سردهاقین مسکوة آنطرف دریای آرنج، پس

کرده آنها را آزاد گذاشت، و « موشیش » خود را باین « ایالت آزاد و جدید تشکیل آرنج » رو برو دید. از طرف دیگر مناسبات باسوتوها با بورها روز بروز تیره تر شده میرفت، تا آنکه در ۱۸۶۰ جنگی مابین شان در گرفت و بورها غالب شدند. موشیش وضعیت خود را در خطر دیده، دست استمداد بطرف برطانیا دراز کرد و گفت: « قبل از آنکه نیست شوم بهتر است بزیر بیرق انگلیس زندگانی کنم ». - باین تقریب، برطانیا فیصله کرد آنرا با مقبوضات خویش ملحق نماید و در ۱۲ مارچ ۱۸۶۸ بر خلاف تمنیات بورها، فکر خویش را عملی نموده و دولت آزاد بورها « اجباراً آنرا قبول کردند. در ۱۸۶۹ معاهده « شمال الیوال » بین دولت آزاد بورها و مندوب سامی انگلستان منعقد گردیده، بر طبق آن مرحد بین ایالت مزبور و باسوتولینده معین شد. یکسال بعد موشیش هم که قریب (۵۰) سال بالای ملت خویش خیلی عاقلانه و هنرمندانه حکمرانی نموده بود، درگذشت.

در ۱۸۷۱ باسوتولینده با کبیب کالونی الحاق یافت. اما جنگجویان باسوتو آرام نمی نشستند. چنانچه در ۱۸۷۹ « مورومی » یکی از خوانین قسمت جنوبی باسوتولینده، دلانه از زیر اداره کبیب کالونی سرکش نمود، و در نتیجه جنگ شدیدی برخاست. اما بالاخره خات مزبور مغلوب و بقتل رسید. در ۱۸۸۰ حکومت کبیب کالونی شروع به خلع سلاح کردن اهالی باسوتولینده نمود اما به مشکلات زیادی دچار شده و باعث اغتشاش بر علیه حکومت گردید. تا آنکه در ۱۸۸۱ بواسطه مندوب سامی انگلیس صلح قایم شد، و در اپریل ۱۸۸۳ حکومت ملی در باسوتولینده تشکیل یافت. اما اینهم سبب مجادلات بین آن ولا گردید. در نومبر ۱۸۸۳ باسوتوها از جدال بکنک آمده با فراهلی که انگلستان برای اداره آن مملکت گذاشته بود، موافقت نمودند، و در ۱۳ مارچ ۱۸۸۴ مرز بین باسوتو رسماً در تحت اقتدار وزارت مستعمرات برطانیا درآمد. و مندوب سامی برطانیا، به حیث مشاور حاکم باسوتولینده مقرر گردید.

پس از مرگ موشیش، پسرش « لیت می » و بعد از او در ۱۸۹۱ « لیر و تهودی » جانشین او گردید. هر دوی این رؤسا با مندوب برطانیا، وفا دارانه رفتار نمودند. اولین مندوب باسوتولینده، « سرمارشال کلارک » بود که برای اصلاحات مملکت خیلی ابراز فعالیت نمود. « مرگادفری لاگدن » (مندوب از ۱۸۹۳-۱۹۰۱) و « سراج می سلوس » (مندوب از ۱۹۰۱-۱۹۱۲) نیز برای اصلاح مملکت و تحصیل اعتماد مردم باسوتو خیلی کوشش نمودند. من بعد مردم باسوتو، توجه بیشتر را بطرف زراعت معطوف نمودند، و از نفوذ مبلغین مذهبی جلوگیری بعمل نیاوردند. و در اثنای جنگ بین برطانیا و بورها (۱۸۹۹-۱۹۰۲) نشوریدند، و هر دو مملکتین متحارب، بی طرفی او را احترام نمودند. به تعقیب این خط مشی اقامه حکومت، یک مجلس ملی رسماً تشکیل یافت و در جولائی ۱۹۰۳ اولین جلسه خود را منعقد کرد. « لیر و تهودی » در اکت ۱۹۰۵ درگذشت و پسرش « لیتسی دوم » جانشین او گردید. و بعد از مرگ او برادرش « کریفت » در ۱۹۱۳ رئیس مات گردید. از سال ۱۹۱۰ باین طرف، مملکت باسوتو بواسطه ناحیه که قسمی از خاک اتحادیه افریقای جنوبی را تشکیل میدهد، محاط گردیده است.

مملکت باسوتو به هفت ولایت تقسیم شده: ماسیرو - ایریب - موهالز هوک - بیریا - ماقتنگک - کوتهننگک - کو جازنگک - و هر کدام آنرا خوانین موروثی آن ناحیه اداره میکند. اما حکومت کل مملکت، بدست مندوب برطانیاست که در تحت هدایت مندوب ادلی افریقای جنوبی، اجرای عملیات می نماید.

بیچوانالینده :

بیچوانالینده مملکتی است که بنام اهالی آن « بیچواناها » توصیم یافته است. و مشتمل است بر تحت الحمایه کی بیچوانالینده و بیچوانالینده برطانونی. آخر الذکر که بین دریای « آرنج » و دریای « مولوبو »

واقف است، در سال ۱۸۹۵ ضمیمه کبیب کالونی (یا ولایت دماغه امید) گردیده است. تحت الحمايه کبیبچوانالیند، تقریباً ۲۷۵۰۰۰ مربع میل مساحت داشته، و از طرف مغرب با افریقای جنوب غربی از طرف شمال با افریقای غربی برنگالی و دریای زامبیزی، و از طرف شمال مشرق با رودیشای جنوب، و از طرف جنوب مشرق با ترانسوال، و از طرف جنوب با دریای «مولویو» و دریای «نوساب» محاط است.

بیچوانالیند را در ربع اخیر قرن ۱۸، اورویاتیهای کبیب کالونی (ولایت دماغه امید) دیدن نمودند. در ۱۸۲۱ سیاحین و مستکشفین ممتاز انگلیس، کیفیات سطحی قسمت جنوبی مملکت را معلوم کردند در حدود ۱۸۱۷ «موسبلی کاز»، موسس ملت «مانامبلی» از قهرچا کا، پادشاه قبیله زولو، گرفته، درین سرزمین شروع به بسط نفوذ نمود و قسمت اعظم آن را تاراج کرده بالاخره در شمال آن، یعنی مانامبلی لیند امروزه اقامت گزین شد. ضمناً انجمن تبلیغی لندن در سال ۱۸۱۸ نشین گاهی برای خویش به مقام «کوروومان» بنا نهاد، و در ۱۸۲۱ مبلغ معروف سکاتلیندی (روبرت موفات) وارد آنجا شد. موفات مدت ۵۰ سال در کوروومان بوده و با نژاد زجات او (که در عین حال، واعظ، معلم، نجار، آهنگر و... بود) اهالی بیچوانا ترقی زائد اوصافی نموده و اکثر آنها بدین مسیح درآمدند. موفات در زمرة کار روائیهای خود، زبان بیچوانا را در قید تخریب نیز آورد. در ۱۸۴۱ لونگکستون معروف (رجوع کنید به استکشافات در افریقا) وارد آنجا شد. ضمناً روط کبیب کالونی و بیچوانالیند قریب آمده محاکم قانونی کبیب کالونی و از سال ۱۸۳۶ بعهده بیچوانا ایند جنوبی را داخل حوضه اجرای قوانین خویش نمود. مگر خوانین بیچوانا هنوز استقلال تامه داشتند. در سال ۱۸۵۲ که حکومت برطانیا، استقلال بورهای ترانسوال را ذریعه مقدمه ماهده «سیندروا» (دریای ریگ) بشناخت، مرحد آنها را (باستثنای دریای وال) تمین نکرده بود. بدین علت بورها فوری شروع بنجاول در خاک بیچوانا نمودند. بورها نه تنها مطیع ساختن بیچواناها را قصد داشتند بلکه میخواستند مناطق شمالی آن سرزمین را نیز بقبضه بیاورند. این مجادله متجاوز از ۳۰ سال دوام کرد بورها به سبشل (خان قبیله «باک دینا») حمله برده و دارائی اورویاتیهای مقیم آن جو خانه لونگکستون را که در کولوونگک (یا بلنخت سیشل) بود، تاراج کردند. و در راه عبور و مرور ملینین و تجاران که بطرف شمال میرفتند موانع تولید نمودند. موفات ازین تجاوزات در سال ۱۸۵۸ به «مرجارج کری» حاکم کبیب کالونی شکایت کرد و نتیجه بورها از ازیات دادن تبه انگلیسی که بطرف شمال میرفتند دست برداشتند. چندی بعد بورها، قبیله «بارولانگک» را به دادن محصول مجبور نمودند و باثرین فشار در ۱۸۷۴ رئیس قبیله مذکور، «مانت سیوا» از برطانیا استمداد کرد. و چندی بعد باثر شدت حملات بورها خواهش تحت الحمايه شدن خود را نمود. دو سال بعد (اگست ۱۸۷۶) کهوما، رئیس قبیله «بامانگک واتو» (بزرگترین و مهمترین قبایل بیچوانا) نیز بستمه آمد. خواهش فوق را نمودند همان بود که برطانیا در ۱۸۷۸ از کبیب کالونی فوجی بسر کردگی کرنیل «وارن» فرستاده و بیچوانا ایند جنوبی را اشغال کرد، در ۳۰ ستمبر ۱۸۸۵ بیچوانا لیند رسماً زیر حمايه برطانیا قرار گرفت. آن قسمت مملکت که جنوب دریای مولویو واقع بود بیچوانا لیند برطانوی خوانده شده و در ۱۸۹۵ به کبیب کالونی الحاق یافت. و باقی مملکت، بنام «تحت الحمايه کبیبچوانالیند» بخود گرفت. و در ۱۸۹۰ نماینده برطانیا در آنجا مقرر شد. امروز هر خان مانند سابق، بالای قبیله خویش حکمرانی میکند، اما بزیر اثر نماینده برطانیا میباید.

رودیشیا:

رودیشیا صارتست از سرزمینی که از مرحد ترانسوال بطرف شمال تا سرحدات کانگوی بلجیم و نانگانیکا منبسط است. و از طرف مشرق با افریقای شرقی برنگالی و نیا سالیند و نانگانیکا و از جانب غرب با کانگوی بلجیم، و افریقای غربی برنگالی و بیچوانا لیند، محدود است. منطقه شمال دریای زامبیزی،

بنام رودیشیای شمالی، و منطقه جنوب دریای زامیزی بنام رودیشیای جنوبی موسوم است.

منطقه رودیشیا بزرگترین نواحی طلائی دنیائی قدیم را در بر میگیرد. بقایای معادن طلا که به عمق حدودی تقریباً ۱۵۰ فوت کشف شده بود در رقبه ۵۰۰ × ۴۰۰ میل زمین بدیدار است. متخصصین اسروزه معادن تخمین میزنند که قیمت اقل ۷۵ میلیون بون بود در ازمنه قبل تاریخ ازین معادن طلا استخراج شده است. درین مناطق طلائی نباتات و میوه های غیر بومی و درختان هندی یافت شده است، بنا بران ممکن است وقتی مستعمره هندوها بوده باشد. از طرف دیگر عقیده برین است که معادن منوروره از طرفه اقوام فنیقی های « سابی » مقیمه یمن، بواسطه منورور کاران هندی استخراج شده است. و برخی چنین فکر میکنند که در زمان حضرت سلیمان علیه السلام، طلا ازین معادن بگوشه جنوب غربی هریستان برده میشد. علاوه ازین حفاریات مدنی، بعضی بقایای نیز دیگر، بر تاریخ قدیمه این منطقه برنویسی افکند. مثلاً نقاشی های اقوام « بشمن » که به تعداد کثیره در مقارن ها یافت شده است و عمر آن ها مناظر شکار و حیوانات و بعضاً از آبشار و کنوریای باشد. در ابتدا قدیمترین باشندگات این ناحیه را اقوام « بشمن » گمان میکردند. اما در ۱۹۲۰ ازین سرزمین یک ججه و آلات و دواتی یافته شد که تاریخ این مملکت را هزارها سال پیش از دوره « بشمن » (تقریباً ۱۰۰۰ سال ق. م) تعیین نمود. نیز چنان عمارات سنگی مکشوف گردیده که بقرون اولی و وسطی متعلق بوده و قدیمترین آنها را بکاتکنان

ایشیائی منسوب میدانند اما تاریخ روشن آن از زمان سلطنت اقوام باتو و انتزاع سواحل شرقی از دست اعراب بواسطه پرتگالیها آغاز میکنند. در اوائل قرن ۱۶ در سطوح سرانجام و معتدل و حاصل خیز این سرزمین که در ماوراء سواحل ملیریائی واقع بود، اقوام پیشه ور باتو (که چندین قرن قبل با اقوام باقیه سابی و هندی آمیزش نموده بودند) از طرف شمالی مهاجرت نموده توطن گزینند. درین وقت، اقوام منورور از استخراج معادن، صرف نظر کرده و طلا را از آب دریا بدریبه ریگه شوئی حاصل میکردند. رئیس یا خان این قوم بعنوان « مونوموتایا » (مردار کل) یاد میشد. و قلمرو سلاله او در خریطه های قرن ۱۶ و ۱۷ بنام « سلطنت مونوموتایا » ارائه یافته است. پرتگالیها اولین ملتی بودند که بفرستیلای این منطقه زرخیز افتادند. اما باستانسای مقاماتی که دریای زامیزی، راه سرانجامه را با ساحل سهوات می بخشید، در دیگر جاها کدام اقامتگاه دائمی اعمار ننمودند. مبلغین مسیحی پرتگالی که متعاقب کشفیات روز افزون حصص منطقه افریقا، بدین قاره شتافتند، درین سرزمین نیز با نهاده و « مونوموتایا » را بدین عیسوی در آوردند. در نتیجه این رابطه مذهبی « مونوموتایا » وقت در سال ۱۶۲۹ با پرتگالیها معاهده بسته و معادن طلای آن ممالک را به پادشاه پرتگالی تسلیم نمود. بعد ازین تا دو قرن در تاریخ رودیشیا کدام واقعه معتناهای رونجدهد. در ۱۸۱۷ « چاکا » پادشاه قبیله زولوها، موسیلی کاتز، رئیس قبیله « مانابیلی » را در جنگ شکست داده محکوم بحر که نمود. موسیلی کاتز به ترانسوال فرار کرده در صدد انتقام بر آمد. اما در انجام از دست « دنکان » جانشین چاکا، مغلوب شد و بالاخره در سنه ۱۸۳۷ بانطرف دریای لیو بوگر بخته وارد رودیشیای جنوبی شد و آهسته آهسته قبایل آنولا خصوص قوم « ماشوانا » را مطیع ساخته ضمناً اقوامش بدور او جمع شده رفتند و صاحب اقتدار گردید و ازین بعد، زمین مسکونه شان، بنام « مانابیلی لیند » توسطم یافت. بعد از « موسیلی کاتز » پسرش « لوبنگولا » جانشین او گردید.

درین اثنا بورها مقیم ترانسوال تدارک میدیدند که بطرف شمال هجرت گزیده قلمرو « لوبنگولا » را تصرف نمایند. از شنیدن این خبر، سیسل رودز، نماینده برطانیای مقیم بیچوانا لیند، که قبلاً خیال تصرف رودیشیا را بدماغ

هیرو رانید، بیدار شده و اقدامات بورها را مانع خیالات خود دانسته با «لوبنگولا» طرح دوختی ریخت و در ۱۱ فروری ۱۸۸۸ معاهده را با مضا رسانید که برطبق آن، «لوبنگولا» متعهد میشد که بسون رضای مندوبه هالی برطانیامقیم «بولا و ایو» با هیچیک از دول خارجی داخل مکاتبه و مذاکره نمیشود. و چندماه بعد «انگلسان امتیاز انتفاع از معادن قلعرو» لوبنگولا را حاصل کرد. کمی بعد امتیاز من بور به انجمنی که از طرفه «سیسل رودز» بفرض امور معادن مذکور تشکیل یافته بود، داده شد و در ابریل ۱۸۸۹ انجمن به حکومت برطانیاییشنهاد کرد که شرکتی رای ترقی تحت الحما یه گنی بچروا نالیند، تشکیل شود تا (۱) خطر آهن و تنگرافه را طرف شمال تمدید دهند (۲) تجارت داخلی و خارجی آن را ترقی بخشند (۳) سرمایه را برای مهاجرت و استثمار دران ولا ترغیب نمایند (۴) استخراج معادن و دیگر امتیازات را بعهده بگیرند. همان بود که در اکتوبر ۱۸۸۹ به «شرکت افریقایی شرقی» فرمانی صادر شد، و «رودز» بحیث منتظم افریقایی جنوبی به تعقیب انکار خود تهیه دید که خط آهنی از مقام کبرلی بطرف شمال امتداد داده شود. و نیز یکمده افراد امنیه را رای حفظ مرز مانی که قرار یافته بود در فلات «ماشو نالیند» توطین چربند، تعیین نمود. در جون ۱۸۹۰ ۲۰۰۰ نفر متوطنین اروپائیی، ۱۵۰ نفر عملیه افریقایی و پولیس، متصل دریای «ماتا کلو می» خیمه زدند. و در ماه ستمبر همین سال «فورت سالزبری» را بدون جنگ تصرف کردند. در جون ۱۸۹۱ معاهده بین انگلیس و پرتگال با مضا رسیده بر طبق آن، مرحدات مناطق نفوذ هم دیگر را درین سرزمین تعیین کردند. «رودز» در منطقه متصرفه، در صدد برآمد و مسائل حمل و نقل تهیه نماید. این اقدام به مفاد «ماتابیلی ها» برخورد و در ۱۸۹۳ منجر به شورش آنها گردید. ولی پس از دو جنگ شدید، مغلوب و مطیع شدند و مقام «بولو و ایو» قبضه شرکت در آمد. و پس از مرکه «لوبنگولا» (۱۸۹۴) در مملکت امنیت حکمفرما گردید.

رودیشیا که بدین طریق تسخیر شده بود عبارت بود از ماتابیلی لیند در جنوب (پایتخت «بولو و ایو») و ماسانالیند در شمال (پایتخت «سالزبری») - بعد ها دو ولایت دیگر، رودیشیای شمال غربی (پایتخت «کامولو») و رودیشیای شمال شرقی (پایتخت «فورت جیمسن») که بابا سالیند مرحد میسازد، بدان ملحق گردید. (و در ۱۹۱۱ این هر دو ولایت شمالی یکی شده و پایتخت آن به لونگک ستون، بشال آبشار و کتوربا، انتقال یافت و از آن وقت تا امروز در تحت یک حکومت بنام رودیشیای شمالی اداره میشود) - تعداد متوطنین این ناحیه روز بروز می افزود و صنایع، کارخانه ها و کلیساها، مکانب، شفاخانه ها، ادارات ملی، بزودی رونق گرفت. در ۱۹۰۵ رودیشیا تقریباً عصری شد و در ۱۹۱۱ نفوس اروپائیی آن به ۲۴ هزار رسید. مقامات بولا و ایو - کویلو - سالس بری - و امثالی بدریبه خط آهن با هم دیگر و با مقام بیره و کیپ تون اتصال یافت. و ده سال بعد خط آهنی از لونگک ستون آغاز کرده از دریای زامبزی عبور نموده از میان رودیشیای شمالی گذشته با خط آهن کانگوی بلجیم پیوست.

دوره اول اداره «شرکت افریقایی جنوبی» در رودیشیا، در اکتوبر ۱۹۱۴ بختم رسید و درین وقت راجع به الحاق و طرز اداره آن سه قسم آراء موجود بود، اول اینکه شامل اتحادیه افریقایی جنوبی شود. دوم اینکه فرمان شرکت تجدید و تمدید داده شود. سوم اینکه حکومت، خود اختیاری شود. بالاخره پس از اخذ کثرت آراء، حکم فرمان تجدید شده و اداره امور رودیشیا تا اکتوبر ۱۹۲۳ دوباره بشرکت منبور داده شد.

در اکتوبر ۱۹۲۳ رودیشیای جنوبی، برای حکومت خود اختیاری، اخذ آراء نمود و بالتبعیه در ستمبر ۱۹۲۳ حکمت خود اختیاری بدان داده شده باد و مینوین های شاه انگلسان الحاق یافت. و در اول اکتوبر ۱۹۲۳ حکومت آن، شکل جدیدی گرفته و مملکت در تحت اداره یک حاکم (که

از طرف دو مجلس اجرائیہ و مقننہ معاونت می بیند) درآمد. حال رقبه رو دیشیای جنوبی ۱۰۰۳۴۴ مربع میل میباشد.

رو دیشیای شمالی نیز در ۲۰ فروری ۱۹۲۴ بزیر ادارهٔ يك حاکم و دو مجلس (اجرائیہ و مقننہ) درآمد.

رقبه کنونی رو دیشیای جنوبی ۳۴۴ ر ۱۰۰ مربع میل و نفوس آن ۱۱۰۹۰۱۲ نفر و پایتخت آن «سالزبری» است.

رقبه کنونی رو دیشیای شمالی ۲۸۷۹۵۰ مربع میل و نفوس آن ۲۲۸۲۳۸ ر ۳۹۲۲۱ نفر و پایتخت حاضریه آن مقام لونگ ستون است که ۳۰ میل بشرق دریای زامیزی وقوع دارد. اما حکومت، هنقریت، مرکز خود را «مقام «لوساکا» (پایتخت جدید) نقل خواهد داد.

سوازی لیند:

سوازی لیند به گوشه جنوب شرقی ولایت ترانسوال، بین سلسله کوه دراکن برکه و لیو میو واقع و از بحر هند بواسطه يك قطعه زمینی که از ۳۰ تا ۵۰ میل طول دارد، جدا شده است. رقبه آن ۶۸۰۵ مربع میل و نفوس آن ۱۱۲۹۵۱ نفر است.

در سرزمینی که امروز بنام «سوازی لیند» یاد میشود از مدت مدیدی اقوام «آما سوازی» سکونت دارند. این اقوام سابقاً «بارابوزا» یا «بارابوزا» (بنام رئیس که در قرن ۱۸ آما سوازیها در تحت ریاست او رو پهرفته يك ملت و يك جنس شمرده می شدند) نامیده میشدند. اقوام سزبور در قرن ۱۹ بزیر اقتدار ملت جدید تشکیل «زولو» درآمدند. اما در ۱۸۴۳ در تحت ریاست خانی موسوم به «سوازی» استقلال خود را از زولوها بازرگفتند. و بر طبق رسم آنوقت، خود را بنام منجی خود، «سوازی» خواندند.

ضمناً بورهای ترانسوال تهیه میدیدند که مناطق مجاور سوازی لیند را بتصرف آورند. در سال ۱۸۳۵ سوازیها برای اینکه خودها را از ملت زولو (که هنوز از آنها خوف داشتند) جدا نمایند، قطعه زمین پارینی را که در شمال دریای بانکولا بوده و امروز علاقه «دیت ریث» نام دارد، به بورها وا گذاشتند بدین وسیله مناسبات سوازیها و بورها خوب شده و زمانیکه ترانسوال در ۱۸۷۷ بتصرف انگلیس رفت، این رویه دوستانه با انگلستان م برقرار ماند. در ۱۸۷۹ سوازیها در حمله انگلیسها بالای «سیکوکنی» (رئیس قوم باییدی) طرف انگلستان را اختیار نمودند.

در وقتیکه ترانسوال بسال ۱۸۸۱ به بورها اعاده شد (رجوع کنید بتاریخ ترانسوال) و نیز بقرار مجلس منعقد ۱۸۸۵ لندن، بورها استقلال اقوام سوازی را بشناختند. اما متمماً برای اخذ اداره بالای مملکت سوازیها، بنای اقدام را نمودند. بدین اثر، اومباندین (مباندینی) رئیس سوازیها در سال ۱۸۸۶ از برطانیا خواهش کرد که او را زیر حمایت خویش بگیرد. اما در آنوقت تردید شد. در ۱۸۸۷ طلا جویان از هر طرف برین مملکت رو آوردند و يك مستعمرة بورها م در داخل خاک سوازیها بنام «آیالت کوچک آزاد» تشکیل یافت. بعدها معلوم شد که امباندین، به ملت بورها (که درین وقت استقلال خود را حاصل کرده بودند) امتیازات یوسنه، تلگراف، بانک، گمرک، زمین، معادن، حقوق چراییدن حیوانات، و غیره را عطا کرده بود. در ۱۸۹۰ رئیس بورها کروکر، آر حکومت انگلستان خواهش کرد که سوازی لیند

را با ترانسوآل ملحق بسازد ، مگر قبول نشد . در ۱۸۹۴ اداره سوازی لیند برضای حکومت برطانیا با شرایط معینه به ترانسوآل تعلق گرفت .

امپادین در ۱۸۸۹ درگذشت عیالش « ناباتسو بینی » (یا لا بوتسی بینی) نائب السلطنه شناخته شد . مشارالیها قبل از جنگ برطانیا و بورها در ۱۸۹۹ ، طرف برطانیا را اختیار کرده بود . برطانیا بعد از اختتام جنگ ، به سوازی لیند (که درین وقت تقریباً در حال هرج و مرج بود) یک نماینده را فرستاده و اداره موقتی آنرا بعهده گرفت . بعدها در سال ۱۹۰۶ سوازی لیند ، تحت الحمايه برطانیا گردیده و نماینده اهل افریقای جنوبی برطانیا ، اداره آنرا بدست گرفت - و ناکنون نماینده انگلستان ، بزر اثر نماینده اهل افریقای جنوبی برطانیای ، آنرا اداره می نماید . مرکز حکومت مقام « مبابانی » است .

اتحادیه افریقای جنوبی :

اتحادیه افریقای جنوبی مشتمل است بر چهار ولایت . دماغه امید ، ناتال ، ترانسوآل ، ریاست آزاد آرنج . با تر قانون مصوبه ۲۰ ستمبر ۱۹۰۹ پارلمان برطانیا ، مستعمرات مزبور که حکومت خود اختیاری داشتند ، در ۳۱ می ۱۹۱۰ در تحت یک حکومت واحد بنام « اتحادیه افریقای جنوبی » درآمد . رقبه مجموعی آن ۰۸۹ و ۴۷۳ مربع میل و از انجمله مساحت ولایت دماغه امید (یا کیپ کالونی) ۲۷۶۹۶۶ مربع میل ، از ناتال (بشمولیت زولولیند) ۲۸۴ ر ۳۵۰ مربع میل ، از ریاست آزاد آرنج ۵۰۳۸۹ مربع میل ، و از ترانسوآل ۱۱۰۰۴۵۰ مربع میل است . در امتداد مرحدات شمالی آن ، افریقای شرقی برتگالی ، رودیشیا ، بچوانالیند و افریقای جنوبی غربی واقع است ، (و موخراند کزرز قیدومیت اتحادیه میباشد) . با سوتولیند که کاملاً بواسطه خاک اتحادیه محاط شده است ، و سوازی لیند که بین ناتال و ترانسوآل و افریقای شرقی برتگالی وقوع دارد شامل اتحادیه افریقای جنوبی نمیشد . سواحل اتحادیه مذکور متصل ببحر اطلس و بحر هند است .

دماغه امید را « بارتولومیو دیاز » در یانورد برتگالی در سال ۱۴۸۷ کشف نمود . مشارالیه ابتدا در خلیج « آلیگوا » پیاده شده و بعد از آنکه ساحل غربی را معاینه نمود ، بواسطه طوفانی بداخل بحر رانده شد . و بدین طریق اتفاقاً دماغه مزبور را دوره زده و آنرا در راه هودت خود دیده بنام « دماغه طوفان » موسوم کرد . اما پادشاه برتگال ، آنرا دماغه امید نامید ، زیرا کشف این دماغه ، این امید را پیدا کرد که جدید و آسانتری به هند (که مقصد اصلی اعزامیه های بحری آنوقت بود) بدست خواهد آمد . « واسکو دکامه » در ۱۴۹۷ دماغه مزبور را دوره زده و بیرق برتگالیها را به آبهای هند رسانید اما هوطنان او که مجذوب ثروت شرفی گردیده بودند ، درین دماغه اقامتگاه دائمی نساختند ، و فقط موقع سفر به هند ، در آنجایگات دغه فرودی آمدند . اما هالیندیهها بعد از زوال اقتدار برتگال نفوذ خود را در شرق قایم کرده و به اهمیت دماغه امید که ایستگاه جهازات بحری و محل آذوقه رسانی خوبی برای آنها بشمار میرفت ، پی بردند . اما هالیندیهها نیز تا سال ۱۶۵۲ درین جا استعمار نمودند ، و فقط در همین سال بود که « شرکت هالیندی شرق هند » ، « جان فان ایبیک » را مامور استعمار نمود . درین زمان در ناحیه مزبور ، اقوامی موسوم به « کوئی کوئی » که هالیندیهها « هانن نات » نامیده اند اقامت داشتند . مستعمرین « ایبیک » متدرجاً بومیان آنولا را بزر آسارت و غلابی آورده ، حوضه نفوذ خویش را وسعت بخشیدند . ناگفته نماند که مستعمرین مذکور همه گان هالیندی نبودند ، بلکه از ملل مختلفه ، خصوصاً جرمنی ، فلننگ ، و عده قلیلی از بولیندی و برتگالی ترکیب یافته بودند ، ازین آنها عده انتصاب شده و بحیث

اعضای مجلس معاونه حاکم مقام سر بور، مرض آندام نمودند. در ۱۶۸۶ تعداد آوروبائیها در ولایت دماغه امید رو بکثرت گذاشت. هالیندیها بعضاً بازرگاز دادها و بعضاً بواسطه قوه متدرجات هاتن تاتها را از اقتدار برانداخته پاشان نمودند و عده را غلام گرفتند. نیز يك عده ملایمائیها و زنگیها را بحیث غلام در آنجا وارد نمودند. هالیندیها توسط بالیسیت آند دکارانه خود اخلاق و اطوار بومیان آن سرزمین را اصلاح کرده نتوانسته بلکه بدتر نمودند چنانچه بورها همواره میکوشیدند که از زیر اقتدار هالیند برآیند و حکومت مستقلی با نظرف سرحدات مستمره، خصوصاً در علاقه که کنون «گراف رانیت» نامیده میشود. تاسیس نمایند، دریای کوهتی، سرحد بین نژاد هاتن تات و نژاد موسوم به «کافر» بوده و هالیندم آنرا سرحد شرق مستمره خود قبول کرده بود. اما در حدود ۱۷۴۰ از اینجا عبور کرده با نژاد «کافر» تصادم نمودند. و در ۱۷۸۰ سرحدات خود را نادریای گریت فش (مائی بزرگ) بسط دادند.

در سال ۱۷۹۰ مستمره دماغه امید از اوضاع انقلاب جوانه آوروبای آنوقت متأثر و متحرک شده. کوشش کردند که یوغ هالیند را از گردن براندازند. درین فرصت، حکومت برطانیا، یکدسته جهازات بحری را برای تحکیم و تقویه اقتدار شهزاده آرنج که بواسطه فرانسه از هالیند برگشته بود فرستاده از نفوذ اقتدار فرانسه جلوگیری نمود و مملکت را بنام او تصرف کرد. اما چون از جریانات امور واضح بود که هالیند نمیتواند این مستمره را نگاه دارد، و انگلستان در اداره آن مهارت فوق العاده به خرج داده بود و نیز دماغه امید در عرض راه هند واقف بود، بنا بران مستمره سر بود تا سال ۱۸۰۲ در دست حکام برطانیا بماند. اما بازماهده صلح «آمنیز» بین برطانیا و فرانسه، واپس به هالیند سپرده شد. در سال ۱۸۰۶ که جنگ بین برطانیا و فرانسه تجدید شد اول الذکر مجدداً آنرا تصرف کرد و تا ۱۸۱۵ بدست برطانیا بود، و بالاخره بواسطه ماهده صلح ۱۸۱۵ از طرف پادشاه هالیند به برطانیا داده شد. درین وقت، حدود مستمره دماغه بواسطه دریای «گریت فش» و خط کوههای جنوب «سرزمین بشمن» که نادریای بوفال و بحر اطلس آنداد داشت، تعیین شد. رقبه آن درین زمان تقریباً ۱۲۰ هزار سریم میل و نفوس آن متجاوز از ۶۰ هزار نفر بود.

وقایع مهمه که از سال ۱۸۰۶ درین سرزمین روی داده عبارت است از جنگهای اقوام «کافرها» با برطانیا که اول آن در ۱۸۱۱ - ۱۸۱۲ و دوم آن در ۱۸۱۹ واقف شده و در نتیجه سرحد مستمره تا مقام «کایسکاما» منبسط شد. جنگ سوم در ۱۸۳۵ بزرگوماندهانی «سرین جان دوآربن» صورت گرفت و بالنتیجه سرحد تا دریای «کای» ممتد شد. اما بعد از آنکه صاحب منصب سر بور واپس خواسته شد ناحیه بین دریای کای و دریای «کایسکاما» بدست «کافرها» افتاده جنگ چهارم در سال ۱۸۴۶ بوقوع پیوست و قوماندان آن در ابتدا حاکم سر ایچ سمت، و در سال ۱۸۵۲ حاکم «کات کارت» بوده و در مارچ ۱۸۵۳ خاتمه پذیرفت. در ضمن این جنگ، اداره پولیس برای تعیین سرحدات مقرر شد، و متعاقباً «کفرانیه» برطانوی، بصورت مستمره نیم مستقل تشکیل یافت.

در ۱۸۲۰ تقریباً پنجاه هزار مهاجر برطانوی در «خلیج آلکوا» آمده و در سرحد شرق مستمره اساس آبادی هائی را گذاشتند که ازات روز بید مهمترین و مترقیترین حصص مستمره بشمار رفته و از انجمله شهر «گراها سرتون» و بندرگاه «الیزابت» است. در ۱۸۳۴ اقدامات برای آزادی غلامان عملی گردید، و این مسئله با بورهای مستمره خیلی تاثیر بخشید. و تصمیم گرفتند که از زیر اداره برطانیا برآیند. چنانچه در ۱۸۳۰ - ۱۸۳۶ عده بزرگی ازین اقوام، مزارع خود را بقیمت نازلی فروخته از دریای آرنج عبور نمودند و به نواحی داخل شدند که عمده قبایل کافر در آنها سکونت داشتند. بورهای مذکور پس از جنگ و جدال با بومیان آنولا، بسرکردگی «بیتریقیف» از کوههای «دراکن برک» گذشته



از مناظر ناتال (افریقای جنوبی)



آبشار دریای زامبیزی (در آفریقای جنوبی) که از ریزش آن قوس قزح تشکیل یافته

وایالت ناتال را تصرف کردند و حکومت جمهوری را قایم کرده و تا سال ۱۸۴۲ بر علیه ملت مقتدر «زولو کافر» استقامت بخرج دادند. اما درین سال مغلوب قدرت حکومت برطانیا گردیدند و موخرالذکر ناتال را بنصرف آورد.

اما بورهای موصوف در ماورای دریای آرنج و غرب کوهای دراکن برگه، هنوز قسمی استقلال داشتند. تا آنکه در سال ۱۸۴۸ در نتیجه اغتشاش دران سرزمین و استعفاءی قسمی از اهالی، حاکم ناتال (مهراری سمت) اقتدار برطانیا را دران سرزمین اعلان کرد و ازان وقت بیهوده «شاهنشاهی دریای آرنج» نامیده شد. چندی بعد «اندرورتیور بوس» که یکی از بورهای هوشمند آنولا بود، از کوهای دراکن برگه گذشته و با دیگر بورهای قسمت غربی یکجا شده علم مخالفت را برافراشت. مهراری سمت، از دریای آرنج گذشته و شورشیان را بمقام «بوم پلانز» شکست فاحشی داد. و بریتور بوس با بقیه نفری خود رجعت کرده از دریای وال (سرحد شمالی شاهنشاهی مذکوره) گذشته در «ترانسوال» حکومتی را بین خود قایم کردند. و در ۱۸۵۲ بواسطه فرار داد «سیند رور» (دریای ریگ) حق اداره ترانسوال به جمهوری خواهان بور داده شد.

در ۱۸۵۴ - ۱۸۵۲ بیاعت مغشوشیت اوضاع شاهنشاهی دریای آرنج، و مشکل بودن اداره آن، حکومت برطانیا تصمیم گرفت آنرا به باشندگانیش که اکثرآ بورها بودند، بسپارد. برای تمیل این مقصد، نماینده مخصوص انگلستان، مارجاج کلارک، فرستاده شد و بالتیج، علاوه منبور، بنام «ریاست آزاد آرنج» حکومت جمهوری گردید. در همین سال (۱۸۵۴) تشکیلات کبپ کالونی نیز نظیر تشکیلات منبوره گردیده حکومت خود اختیاری شد. و در ۱۸۵۶ «ناتال» که تا این وقت بواسطه یک حاکم برطانیا (که ماتحت حاکم کبپ کالونی بود) اداره میشد از زیر اثر کبپ کالونی برآمده و صورت جمهوری اختیار نمود. اینک در اواسط قرن ۱۹، چهار مستعمرة و ایالت مذکور که بعدها اتحادیه افریقای جنوبی را تشکیل دادند، به حکومت خود اختیاری تحویل یافت.

تذکر یافت که برطانیا استقلال جمهوریت های بورها (ترانسوال و ریاست آزاد آرنج) را در ۱۸۵۲ - ۱۸۵۴ شناخته بود. اما از آنجا که سوء اداره ترانسوال به مستعمرات همجوار برطانیای خطرناک ثابت میشد، برطانیا ترانسوال را در ۱۸۷۷ غصب نمود. سه سال بعد، بورهای ترانسوال شورش کردند و فوج برطانیا را بمقام «ما جو باهل» (۲۶ فروری ۱۸۸۱) شکست دادند. انگلستان مجدداً استقلال ترانسوال را تسلیم کرد، اما از زیر اقتدار برطانیا مستقلاً برآمد. در همین سال طلا در ترانسوال کشف و قرارداد با جمهوری منبوره بسته شده، صنایع خارجی های مقیم آنولا (که بزحمت و سرمایه خود کارخانه بزرگ کان کنی را تاسیس کرده بودند) تأمین گردید. تعداد نفوس صنعت کاران بزودی از دهافین بورها زیادت پذیرفت «و بال کروگر» (رئیس حکومت ترانسوال) برغم وعده که کرده بود قوانین را ترمیم کرده آنها را از حقوق مدنی (مثل حق رأی دادن و دراناره سهم بودن) محروم ساخت بدین ترتیب خارجی ها از سوء حکومت «کروگر» و دادن محصولات سنگین، خیلی درچار تکالیف گردیدند. از مشاهده این احوال، جیمسن (منتظم مستعمرة رودپیشای برطانیای) طاقت نیاورده بدون مشوره حکومت برطانیای فوج قلیلی به معاونت خارجی های منبوره شتافته با «کروگر» داخل بحر به شد. و در نتیجه مغلوب و از طرف برطانیای توقیف گردید (۲ جنوری ۱۸۹۶). از طرف دیگر کروگر مطالبه کرد که باید حکومت انگلستان، استقلال تامه ترانسوال یا جمهوری افریقای جنوبی را تسلیم کند. مطالبه مذکور را برطانیاسترد نمود، و سر الفرد ملنز، (مندوب سامی یا مامور عالی برطانیای افریقای جنوبی) مدت سه سال کوشش کرد که «کروگر» را به عاده امتیازات قبیل از سنه ۱۸۸۹ (که کروگر به خارجی های مقیم ترانسوال اجازه داده بود که یک برینج حصه اعضای پارلمان ترانسوال را انتخاب کرده میتوانند) راضی بسازد، مگر «کروگر» استنکاف ورزیده با «ریاست آزاد آرنج» اتحادی بسته به حکومت برطانیای تاریخ

۹ اکتوبر ۱۸۹۹ التبتانومی فرستاد که باید حکومت برطانیاهساگری که در کبپ کالونی و نائال برای تقویة اقواج سابق فرستاده است ، رحمت بدهد و از خارجی های مقیم ترانسوال حمایت و طرفداری نمایند . همان بود که در ۱۲ اکتوبر جنگه در گرفت .

در ابتدا اقواج بر طانوی از هر طرف یکی بعد دیگر مغلوب گردید اما بعد ها که بر عده قشون افزودند ، قلاع و استحکامات « کروگر » را یک یک تسخیر کرده ، پیشرفتند و ترانسوال را کاملاً فصب نمودند - بالاخره بروسای بورها را ضریک دیدند از استقلال خویش صرف نظر نمایند ، و بقرار معاهده می ۱۹۰۲ منقده « در پینی کنک » و اقتدار برطانی را بالای هر دو جمهوری (مستعمره دریای آرنج و مستعمره ترانسوال) تسلیم نمودند - و « ملتر » حاکم آنها مقرر گردید . در ۱۹۰۷ به هر دو جمهوری در تحت شرایط معینه ، حکومت خود را اختیار داده شد . و چندی بعد با ترخواست آنها ، ترتیب متحد شدن شان با نائال و کبپ کالونی ، گرفته شد ، و بالاخره بمنظوری بارلین برطانیای در ۳۱ می ۱۹۱۰ اتحادیه افریقای جنوبی تشکیل پذیرفت و لایات این اتحادیه یعنی ولایت دماغه امید (کبپ کالونی) - نائال - ریاست آزاد آرنج - و ترانسوال حکومت آزاد داخلی داشته و بالای همه آنها یک حاکم اعلی حکومت می نماید . قوه وضع قوانین در دست پادشاه است که مرکب از پادشاه ، مجلس اعیان و مجلس شوری میباشد حاکم اعلی می تواند یا ملان را ملتی یا منعل نماید .

مرکز حکومت اتحادیه ، مقام بریتوریا ، و مقام مجلس مقننه در کبپ تون است .

مقبوضات افریقای غربی بر طانوی

این مقبوضات مشتمل است بر مستعمره و تحت الحما به کی نایجیریا - مستعمره و تحت الحما به کی کبیا - مستعمره کولد کوست (ساحل طلا) به معیت آسانی و نواحی شمالی - و بالاخره مستعمره و تحت الحما به کی سیرالیون . قسمتی از توکوانند و کبیرون نیز بر زیر قیمومیت برطانیاست .

نایجیریا : مستعمره و تحت الحما به کی نایجیریا ، حوضه نایجیر سفلی و نواحی همجوار آنرا اشغال نموده ، دارای رقبه ۷۰۰ ر ۳۳۵ مربع میل ، و نفوس تقریباً ۱۹۰۰۰۰۰ نفر است . نایجیریا از طرف جنوب با خلیج کبئی ، از طرف غرب با داهومی ، از طرف شمال با مستعمره نایجیر فرانسوی و از طرف مشرق با آن قسمت کامیرون که زیر نفوذ فرانسه است ، محاط میباشد .

از تاریخ مقدماتی اقوام مسکونه در سواحل نایجیریا ، اطلاعی بدست نیست - زمانیکه پرتگالیها در قرن ۱۵ ساحل مزبور را کشف نمودند ، ترا دقوی و مقدری موسوم به « بنی Beni » در آن سرزمین اقامت داشتند - سلاطین اقوام « بنی » در قرن ۱۷ بالای قسمت بزرگی از ناحیه جنوب غربی نایجیریا ای سروزه حکمرانی داشتند اما قرار معلوم ، رسوخ آنها به شرق دهانه خورکادوس دریای ایجیر رسیده بود . در قسمت اعظم ناحیه مصب دریای نایجیر ، هر قصبه رئیس و خان علیجده داشت و کدام قبیله حاکم عمومی در بین نبود - در بین این قبایل متفرقه ، پرتگالیها و بعد ها دیگر اروپائیان تجارتخانه ها را تاسیس نمودند . تاجران انگلیسی درین حدود در قرن ۱۷ ظهور میکنند - تجارت عمده این سوداگران ، برده فروشی بود - در اواخر قرن ۱۸ تاجران انگلیسی درین زمینه میدان را از دیگر سوداگران اروپائیان برده بودند . بعد از لغو تجارت غلام ، در قرن ۱۹ ، مواد عمده تجارت عبارت بود از تیل خرما و انواع آن که از ساحل نایجیریا (انهار تیل) بدست میاورند . ضمناً سپاحین و سوداگران برطانوی برای ورود در داخل خاک مملکت کوشش میکردند - منگوبارک دریای نایجیریا را از مقام سینگونا بوسامعینه نموده

و در ۱۸۰۵ درگذشت. در ۱۸۳۰ دو نفر برادر موسوم به «ریچارد» و «جان ایندر» اولین مرتبه بجزای دریای
بجزرا تا به بحر معلوم نبردند. دیگر سیاحین اروپائی نیز ناحیه نایجرا را از سمت های مختلف عبور نمودند. در حدود
سنه ۱۸۵۷ هیئت های برطانوی بداخل خاک فرستاده شد و قونسول برطانیا بمقام لوکوجا قرار گرفت. در سال
۱۸۶۹ به بهانه منع تجارت غلامان در جزیره لاگوس (که تا هنوز در آن جا رواج داشت) حکومت برطانیا
آنرا تصرف نمود. در ۱۸۸۰ (زمانی که ملل اروپائی برای استفاده از خاک و منابع قدرتی آفریقا در تلاش افتاده بودند فرانسه
۳ شرکت های تجارتمی را در نایجر سفلی تاسیس نمود. در همین وقت با اثر مساهی یک جوان انگلیسی (مربار ج کودی)
که مناطق خصوصی در نایجر داشته میخواست مفاد مفترده برطانوی ها یک شکل اجتماعی را اختیار کرده و یک ولایت
برطانوی در نایجر تاسیس شود، «شرکت متحده آفریقائی» تشکیل گردید. شرکت مزبور، تاجران فرانسوی را
پس یا نموده مجبور ساخت که مرمایه های خود را به شرکت آفریقائی بفروشدند. در کنفرانس برلین (رجوع کنید
به نظر عمومی) نماینده برطانیه اظهار کرد که فقط دولت برطانیاست که در نایجر سفلی مفاد تجارتمی دارد
در جون ۱۸۸۵ ناحیه «انهارتیل» تحت الحمايه برطانیا شمرده شد. ضمناً جرمنی نفوذ خود را در کامرون قائم
کرد، و تحت الحمايه کی جدید برطانوی بامتداد خلیج گبئی از مستعمره لاگوس برطانوی در غرب تا مستعمره کامرون
جرمنی در شرق، انبساط یافته و «راپودل ری» مرحد فراد گرفت.

در سال ۱۸۸۶ «شرکت متحده آفریقائی» از طرف شاه برطانیا فرمانی حاصل کرده و بنام «شرکت
شاهی نایجر» توسیم یافت. داخله خاک مملکت در دست حکمرانان مقتدر اسلامی بود. شرکت شاهی نایجر، با بعضی
از مهم ترین این حکمرانان داخل مذاکره شده، مناطق نفوذی برای خود بدست آوردند. و مساهی اجرمنی از
طرف جنوب شرق و از فرانسه از طرف مغرب و شمال، عقیم ماند. و چندی بعد حدود مقبوضات هر سه دولت
مذکور که با علاقه نایجر یا تماس داشت، تعیین گردید. در ۱۸۹۹ شرکت مزبور، زمین های نایجریار را به دولت برطانیا
وا گذاشت، و در اول جنوری ۱۹۰۰ نایجریا بصورت دو تحت الحمايه کی شمالی و جنوبی، تشکیل یافت. در فروری
۱۹۰۶ لاگوس و نایجریای جنوبی بزرگ یک «مستعمره و تحت الحمايه کی نایجریای جنوبی» درآمد. در اول
جنوری ۱۹۱۴، موخر الذکر با تحت الحمايه کی نایجریای شمالی مدغم شده، و بنام
«مستعمره و تحت الحمايه کی نایجریا» بزرگ اداره یک حاکم قرار یافت مرکز حکومت، شهر لاگوس است.

مرحدات مستعمره نایجریا مجدداً تصحیح شده و تحت الحمايه کی مزبور بدو دسته ولایات تقسیم گردید،
«ولایات شمالی» و «ولایات جنوبی». هر کدام ازین ولایات دارای یک والی است که تابع اقتدار حاکم
میباشد. ناحیه کیموون نیز بمقتصد اداره با نایجریا ملحق شده است در نایجریا رو بهمرفته ۲۲ ولایت است
(بشولیت کامرون) که تحت قیمومیت برطانیا میباشد.

گیبیا :-

گیبیا کوچکترین و شمالی ترین مقبوضات آفریقائی غربی برطانوی است و مشتمل است بر ناحیه واقعه
بهرد و طرف دریای گیبیا سفلی. مستعمره گیبیا با تحت الحمايه کی تابع آن، تقریباً ۴۱۹۹ مربع میل مساحه
(مستعمره خاص ۶۹ مربع میل و تحت الحمايه کی ۴۱۳۰ مربع میل) و ۵۳۰ ر ۲۱۰ نفر نفوس دارد.
تحت الحمايه آن عبارتست از ناحیه که بقدرشش شش میل بهرد و طرف دریا افتاده و قریب ۲۰۰ میل
بخط مستقیم از بحر فاصله دارد. زمین های خارجی این حدود، متعلق بفرانسه است.

گیبیا در قرن ۱۵ از طرف دریای نوردان بر تنگالی کشف گردیده. در اوائل قرن ۱۶ در گیبیا
سفلی تجارت غلامان را آغاز نمودند. اما مقصود اصلی آنها دریافت «زمین طلا» بود که خیال میکردند

دران نزدیکی واقع است، و در حقیقت مقادیر طلائی که به کیمیا می رسید، از طرف تراد « بمبارای » افریقای غربی از نیل هایا و سنی کیمیا بد آنجا وارد میگشت، در سال ۱۵۸۸ الیزابت ملکه انگلستان بعضی تاجران انگلیس را اجازه داد که در دریای سینگال و کیمیا (در کینی) تجارت کنند. تاجران مذکور شرکتی ترتیب داده داخل عملیات گردیدند، مگر کدام اقامتگاه دائمی در کیمیا نداشتند. در ۱۶۱۸ جیمز اول انگلستان، به « شرکت ماچرا جویان لندن » فرمان تجارت در کیمیا و گولد کوست را صادر کرد. شرکت من بورخواست بنای تجارت را با تمکتو (که در آنوقت مرکز طلا تصور میشد) بگذارید مگر این مرتبه نماند، آن از دست بسو میان آن نواحی بقتل رسیده و بقیه قری را بر تکالیها کشتند. درین هنگام هالیندیها هم ظهور کردند.

بالاخره شرکت من بوریک قلعه را در دهانه دریای کیمیا بنا کردند. و در ۱۶۶۴ « کپتان رابرت » در جزیره کوچکی که ۲۰ میل از دهانه دریای کیمیا فاصله داشت، قلعه دیگری برای تحفظ تجار برطانیه بر ضد تجارت هالیندی ها بنا نمود، و ازین وقت بعد، انگلیس ها دارای بنادر دریای کیمیا گردیدند. در قرن ۱۷ تاجران فرانسوی نیز از طلای کیمیا خبر شده بدانطرف رخ نمودند. اما بقرار معاهده در سال ۱۷۸۳ تجارت دریای کیمیا به برطانیه تعلق گرفت و سنی کال بفرانسه داده شد. در ۱۸۱۶ انگلیس ها در جزیره « سینت میری » مستعمره ساختند در ۱۸۵۷ برطانیه کیمیا علیاً را کاملاً بتصرف آورد. در ۱۸۸۵ انگلستان نواحی را که مستعمره خاص کیمیا را تشکیل میدهد، از طرف خوانین بوی خرید - نا گفته نماند که در ۱۸۰۷ اداره مستعمره به حکومت سیرالیون انگلیسی تعلق گرفته بود، و در ۱۸۴۳ به مستعمره من بور آزادی داخلی داده شد. و در ۱۸۶۶ به « مستعمرات افریقای غربی برطانی » ضمیمه گردید و حاکم آن کپتان هنری سبگرام مقرر شد. و در ۱۸۸۸ مجدداً مستعمره نیم مستقل گردید. در ۱۸۸۹ سرحد مقبوضه سنی کال فرانسوی و کیمیا برطانیوی تعیین شد. کیمیا بواسطه یک حاکم و دو مجلس معاونه (مقننه و اجرائیه) اداره میشود. مرکز حکومت آن « بارترست » واقع در جزیره « سینت میری » است.

گولد کوست (ساحل طلا) : هیارتست ازان قسمت ساحل کینی (افریقای غربی) که از مقام اسینی در غرب، تا دریای ولتا در شرق امتداد دارد. کلمه « گولد کوست » یعنی « ساحل طلا » از ذرات طلای آمیخته باریکه دریا های آن ناحیه اشتقاق یافته است. امروز « گولد کوست » به « مستعمره گولد کوست برطانیوی » اطلاق میشود. طول این خط ساحلی تقریباً (۳۷۰) میل است - رقبه گولد کوست ۴۹۰. ۲۳ مربع میل و نفوس آن ۴۳۹. ۱۷۳۳ نفر است

میکویند ملاحان برطانیوی در عهد حکومت « ایدورد اول »، وارد گولد کوست گردیده بودند یک شرکت تاجران نارمندی در حدود سال ۱۳۶۴ در گولد کوست فرود آمده و در یک مقام اقامت گزیده نام آنرا « المینا یعنی معدن طلا » گذاردند، و مدت پنجاه سال با بومیان آن حدود تجارت مینمودند. بفرمان ژان دوم پادشاه پرتگال، هیتی بسرکردگی « دیاگودا زاموجا » که « بارو او میبود یاز » و غالباً « کرسٹوف کولبس » هم در آن جله شامل بود، مقام « المینا » را در ۱۴۸۱-۱۴۸۲ بتصرف آوردند. پرتگالی ها نام آنرا « ساو جارج دامینا » یا « اورا دیل مینا » (یعنی دهانه معادن طلا) گذاردند (و از کشفیات قرن ۱۹ معلوم میشود که پرتگالیهای منبور، علاوه از یک شوئی، معادن طلای آن را نیز بکار انداخته بودند) - پرتگالی ها تقریباً نیم قرن درین ساحل رقیب نداشتند، تا آنکه در ۱۵۵۳ انگلیس ها در آنجا ظهور نمودند - ازین بعد شهرت گولد کوست تقریباً به کلیه ماچرا جویان ملل اروپائی رسید. از آنجمله هالیندیها بود که در اخیر قرن ۱۶ در آنجا آمده و در ۱۶۴۲ پرتگالی ها را از میدان کشیدند. و « المینا » را مرکز عملیات خود قرار دادند. در ۱۶۵۱ یک شرکت انگلیسی به مقام « کورماتین » یک قلعه تاسیس نمود و ۱۰ سال بعد قلعه دیگری در کپ کوست ساخته شد. باثر نفوذ برطانی، جنگ بین برطانیه و هالیند در گرفت در نتیجه انگلستان باستانی قلعه

کینب کوست، از کلیه قلاع خرد محروم گشت. بواسطه معاهده «بریدا» (۱۶۶۷) قبضه هالیند را بالای نواحی مفتوحه آن تصدیق نمود. اما در ۱۶۷۲ چارلس دوم پادشاه انگلستان «بشرکت شاهی افریقائی» فرما نمود صادر کرده بر طبق آن به مقامات دکن کرف - سکاندی - اکرا - و هایدا - و دیگر مقامات، قلاع ناسیس یافت. درین وقت، تجارت غلامان و طلاخلی رقی داشت، و در شروع قرن ۱۸ قیمت طلای صا درهٔ بکماله ازینجا متجاوز از ۲۰۰۰۰۰ پوند بود. قطاع الطریق نیز وجود داشت و باعث تکالیف زیادی میکردید مگر در اواسط قرن ۱۹ از میان برداشته شد.

در سال ۱۸۰۷ تجارت غلامان منفی گردیده و در ۱۸۲۱ «شرکت تاجرات افریقا» (که بعد از شرکت شاهی تشکیل یافته بود) منحل و قلاع و متصرفات آن بحکومت برطانیا سپرده شد. آشناتپها نیز حق اقتدار برطانیا را که میخواست بر قصبات ساحلی نفوذ خورا قائم نماید، تصدیق نمود. و در ۱۸۲۴ حاکم برطانیا «چارلس میکارتس» برای بسط نفوذ برطانیا اقوام «فانتی» را بر علیه آشناتیها برانگیخت اما این مرتبه حاکم منبور و «فانتیها» مغلوب گردید. و در ۱۸۲۶ برطانیا بر آشناتیها غلبه چشمه مقام «دودو واده» را فتح کرد.

در ۱۸۲۸ حکومت برطانیایباعت اغتشاشات این ناحیه از آن دست بردار شده قلاع و متصرفات خود را به «کمیته تاجرات» سپرد. و در ۱۸۳۱ کمیته منبور نفوذ برطانیا را بالای تمام مستعمرهٔ اسروزه گولد کوست پهن نمود. در ۱۸۴۳ وزارت مستعمرات برطانیای ادارهٔ قلاع منبور را بدست گرفت اما رئیس کمیته (میک این) تا زمان مرگ (۱۸۴۷) امور ملی آنرا اداره می نمود. برطانیا در ۱۸۵۰ قلاع دنگاریها - در ۱۸۷۱ قلاع هالیندیها و مقبوضهٔ آنرا خریدار خود را بالای گولد کوست مستحکم نمود - و در جنگ با آشناتیها (۱۸۷۳-۱۸۷۴) غالب شده منتج بر بسط نفوذ برطانیا گردید.

گولد کوست مدت زیادی تابع سیرالیون بود. در ۱۸۷۴ گولد کوست و لاکوس مستعمرهٔ جداگانه نیم مستقل گردیده و در ۱۸۸۶ لاکوس از زیر ادارهٔ گولد کوست برآمد. در ۱۸۹۰ برطانیایاجر منی و فرانسه قرار دادی بسته ناحیهٔ شمال آشناتی را که تقریباً ۳۰۰۶۰۰ مریب مساحت دارد، تصرف نمود (و در ۱۸۹۷ بنام «نواحی شمالی» تابع گولد کوست گردید). در ۱۸۹۶ آشناتی زیر حمايهٔ برطانیا درآمد. توگو لیند نیز از حیث اداره با گولد کوست مربوط است - «نواحی شمالی» و آشناتی در ۱۹۰۱ ضمیمهٔ مقبوضات برطانیا گردید. رقبهٔ مجموعی مستعمرهٔ گولد کوست و آشناتی و «نواحی شمالی» و توگو لیند (که زیر قیمومیت برطانیاست) ۹۱۸۴۳ مریب میل و نفوس آن ۳۲۷۱۵۵۷ نفر می باشد.

سیرالیون

یک مستعمره و تحت العیایه کی ساحل غربی افریقا است. از طرف غرب با بحر اطلس، و از طرف شمال و شرق با کینی فرانسوی و از طرف جنوب بالای پیریا محدود است. رقبهٔ آن تقریباً ۲۷۲۵۰ مریب میل و نفوس آن تخمیناً ۱۰۰۰۰۰۰۰ نفر است. خط ساحلی آن تقریباً ۴۰۰ میل طول داشته از ۹ درجه و ۲ دقیقه تا ۶ درجه و ۵۵ دقیقه عرض البلد شمال منبسط است. سیرالیون مشتمل است بر جزیرهٔ نمای سیرالیون (که ۲۳ میل طول و اوسطاً ۱۴ میل عرض دارد) - جزیرهٔ «شربرد» و جزائر کوچک متعلقهٔ آن و جزیرهٔ نمای «ترنر» (که قطعه زمین باریکی بجنوب جزیرهٔ شربرد بوده و بقدر ۶۰ میل بطرف جنوب مشرق امتداد داشته و در حقیقت یک جزیره است) بجز در جزیرهٔ نمای سیرالیون و جزیرهٔ «شربرد» و «جزیرهٔ نمای ترنر» مستعمرهٔ خاص یش از نیم میل بطرف داخلهٔ خاک وسعت ندارد. تحت العیایه کی سیرالیون که مستعمرهٔ رابشماله

و مشرق اتصال میدهد، از ۷ درجه عرض بلد شمال تاده درجهٔ عرض بلد شمال و از ۱۰ درجه و ۴۰ دقیقه طول البلد مغرب تا ۱۳ درجه طول البلد مغرب منبسط است. تحت الحمايه گونا ۱۸۰ ميل بد اخل خاک وسعت دارد.

سیرالئون را باشندگان بومی آن بنام «روما رونک» یا «الجلبل» میخوانند نام امروزه آن یعنی «سیرالئون» را کاشف پرتگالی «پدرو دوسترا» (۱۴۶۲) بیاضیکه رعد در بالای کوه های آن «به مثل شیر» می فرید، و بسبب اینکه کوه های آن تصوراً شکل شیر را اختیار میکرد، مورد استعمال قرار داد. در اینجا مثل دیگر مقامات ساحلی، پرتگالیها اقامتگاهها و کارخانه ها را تاسیس نموده بودند. وقتیکه سیرالئون بدست برطانیاد درآمد بعضی از متوطنین آن، خودها را پرتگالی میخواندند و ادعا میکردند که از نسل مستعمرین پرتگالی میباشند. تاجران برطانیوی در زمانیکه تجارت غلامان جاری بود، در جزیره «بانس» و «بانانا» اخذ موقعیت و آبادی نموده بودند. اما مستعمرة امروزه در نتیجهٔ آبادی های آنها صورت نگرفته است. بلکه در نتیجهٔ احساسات نوع پرستی آنها بی وجود آمده که میخواستند تجارت غلامی را لغو قرار دهند. در ۱۷۸۶ «داکتر هنری سمت مین» انگلیس که مدت ۴ سال در ساحل غربی افریقا اقامت داشت، بحکومت برطانیا پیشنهاد کرد که در جزیرهٔ نمای سیرالئون یک مستعمره برای غلامان آزاد شدهٔ امریکا (در ختم جنگ استقلال آن) و دیگر غلامان فراری تاسیس کرده شود. در ۱۷۸۷ کار استعمار آن آغاز گردید. ۴۰۰ نفرزنگی و ۶۰ نفر اورویای دران جاهجرت گزیدند. در ۱۷۸۸، «بنابانا» رئیس یا خان قبیلهٔ «تمنی» یک حصه را از املاک خود را برای مستعمرین فروخت، و بدین طریق برطانیا بهترین بندرکاه ساحل غربی افریقا را بدست آورد. استعمار اول به ناکامی انجامید. و در ۱۷۹۱ «الکزاندرو فاکن برج» انگلیس مستعمرة جدید (نصبهٔ کران ویل) را بساخت.

ترقی دهندگان این مستعمره از طرف شاه انگلستان فرمان گرفته و «شرکت سیرالئون» را تشکیل دادند در ۱۷۹۲ «جان کلارک سن» (که تولىبشرى در بحریة انگلستان بود) ۱۱۰۰ نفرزنگی از نواسکوشبا آورد. در ۱۷۹۴ مهاجر نشین مزبور که در نزدیک ساحل تاسیس شده و «نصبهٔ آزاد» نامیده میشد مورد حملهٔ فرانسه قرار گرفت. در سال ۱۸۰۷ که تعداد مهاجر نشین آن به ۱۸۷۱ نفر رسیده بود، شرکت مزبور حقوق آنرا بحکومت برطانیا تفویض کرد. در این وقت، یارایان انگلستان تجارت غلامان را لغو کرد. و غلامان زنگی را از هر طرف آورده بتعداد مهاجر نشینان آن افزود. مهاجر نشینان انگلیسی زبان، و آنانیکه بدین مسیح درآمدند بودند (انجمن تبلیغیه در ۱۸۰۴ در اینجا شروع به تبلیغ نمود) خارجی شمرده شده بکرات مورد تصادم اقوام مجاور واقم میشدند. و نهایتاً زمین های خوانین آن خریداری شده و بروسعت این مستعمره افزوده میشد. در ۱۸۶۵ که نفوذ فرانسه روز بروز دران نواحی وسیع تر میشد، انگلستان ناحیهٔ فالابا و «تمبو» را که با اثر مساعی نمایندهٔ انگلستان تا اندازهٔ بزرگ نفوذ آورده شده بود، تصرف نمود. اما بعدها بقرار معاهدهٔ جداگانه تمبوفرانسه داده شد. در ۱۸۹۳ بین فوج انگلستان و فرانسه بتمام «وایما» تصادم رخ داد. و موفق تصفیهٔ این منازعه، معاهدات متبوضات مملکتین نیز تمین گردید. در ۲۶ اگست ۱۸۹۶ برطانیای سیرالئون را (که قدری کمتر از خاک سکا تلیند وسعت دارد) علناً تحت الحمايه قرار داد.

این مستعمره و تحت الحمايه دارای یک مجلس اجرائیه و یک مجلس مقننه است که مشتمل است بر یک حاکم، یازده نفر حضورسی، سه نفر عضو منتخب غیر رسمی و هفت نفر عضو نامزد غیر رسمی که سه نفر آن خوانین تحت الحمايه کی میباشد.

ممالک قیمومیتی برطانیای (تانگانیکا، افریقای جنوب غربی، کامرون، توکولیند) تانگانیکا

تانگانیکا از طرف مشرق با بحر هند، از طرف جنوب با افریقای شرقی پرتگالی، از طرف جنوب مغرب با فیلیپین و رودیشیای شمالی، از طرف مغرب با کانگوی بلجیمی، از طرف شمال مغرب با «رواندا اوروندی»

و، بوکنده، و از طرف شمال مشرق با مستعمره کینیا محدود است. جزیره ماپیا نیز بدان شامل است. رقبه آن تقریباً ۳۶۵۰۰۰ مربع میل و نفوس آن تقریباً ۲۲۶۶۰۰ نفر است.

فصلی از افریقای شرقی مرکزی را دولت جرمنی بواسطه فرار داد ۱۸۸۶ و ۱۸۹۰ با دولت برطانیاه و بدریغه قرار دادهای دیگری با پرتگال و ویست آزاد کانگو، در قبض خود در آورد و بود. درین وقت زمینهای ساحلی منطقه که بعد ها افریقای شرقی جرمنی نامیده شد، در دست «سید برکش» سلطان زنگبار بوده و مشارالیه در داخله این خاک نافذ بر نانگانیکا نیز ادعای حقوق میکرد. نفوذ برطانیای درین هنگام در زنگبار قایل شده بود و سلطان زنگبار (برکش) در ۱۸۷۷ به یک ناچار برطانوی (ولیم میککن) پیشنهاد کرده که تمام قلمروش را که در خاک افریقا است بطور اجاره میدهد. اما حکومت برطانیای این پیشنهاد را رد کرد. در ۱۸۸۴ انجمن استعماری جرمنی سعی داشت در ساحل شرقی افریقا برای خود زمین بدست آورد. با این اقدامات، دولت برطانیاه اهمیت این مسئله بی برده خود را با سلطان زنگبار نزدیک کرد و در ۱۸۸۵ امپراطور جرمنی به انجمن مزبور فرمان حمایت را صادر نمود. سلطان پیشنهادات انجمن جرمنی را راجع به حمایت از خاک زنگبار، تردید کرد، و با دولت برطانیای اظهار موافقت نمود. چندی بعد سلطان زنگبار مجبور شده فصلی از زمین خود را که بجنوب دهانه دریای «اومبا» وقوع داشت به یک شرکت جرمنی اجاره داد. در ۲۸ اکتوبر ۱۸۹۰، سلطان، قسمت اصلی زمین خود را که متصل افریقا است، به دوش ۲۰۰۰۰ پوند بجرمنی وا گذاشت. در ۱۶ اگست ۱۸۸۸ شرکت افریقای شرقی جرمنی که مستأجر زمین خاص زنگبار بود، اداره آن ناحیه را از دست امراب کشیده به قبض خود در آورد. پنج روز بعد امراب ساحلی بر علیه حکمران جرمنی انقلاب کردند، و دامنه این انقلاب تا ۱۸۹۹ دوام کرد. بالاخره به اثر وساعی «میجر وسمن» فرو نشست.

«وسمن» تا ۱۸۹۱ مأمور، و از ۱۸۹۵ - ۱۸۹۶ حاکم آن منطقه بود. در اول جنوری ۱۸۹۷ تشکیلات جرمنی در اینجا اعلام گردید. «وسمن» با اهالی، رویه مصالحه آمیزی مرمی داشته و در تحت حکمران او منابع طبیعی مستعمره افریقای شرقی جرمنی بکار انداخته شد.

اما جرمنی برای بسط اقتدار در داخل خاک، خیلی دچار تکالیف گردید و افشاشات بی دریا ظهور کرده از آنجمله در اغتشاش وانگانی (۱۹۰۵ - ۱۹۰۶) بقدر ۱۲۰۰۰۰ نفر تلفات واقع شد. بعد از آن امنیت حکمرانها شده و افریقای شرقی جرمنی در تحت اداره جرمنی تا جنگ عمومی باقی ماند. در ۱۹۱۸ افواج برطانیای و بلجیم آن را فتح نمودند، و هر کدام حصه متفاوت خود را بر زیر اداره گرفت. در ۲۲ مارچ ۱۹۲۱ قسمت متفاوت بلجیم نیز با دیگر قسمت این مستعمره، بر زیر قیمومیت برطانیای درآمد. و انگلستان نام این منطقه را رسماً «زمین نانگانیکا» نامید.

امروز این ناحیه از طرف مجمع ملل، بر زیر قیمومیت برطانیای اداره می شود.

افریقای جنوب غربی:

این ناحیه زیر قیمومیت، که سابقاً بنام «افریقای جنوب غربی جرمنی» یاد میشد، از طرف شمال با آنگولا (افریقای غربی پرتگالی) و رودیشای شمالی، از جانب مغرب با صحرا طاس، و از سمت جنوب و قسمت جنوبی مرحد شرقی با ولایت دماغه امید اتحادیه افریقای جنوبی، و باقی حصه مرحدی شرقی آن با تحت الحما به کی، پپوآ لیند و رودیشای شمالی محاط است. مرحد شمالی آن را تا فاصله زیادی،

دریای « کولینی » و « ادکا وانکو » تشکیل میدهد. رقبه آن ۱۹۴ و ۳۱۷ مریل و نفوس آن تخمیناً ۱۵۰ ر ۲۴ قرار یابی، و ۲۹۰ و ۲۴۲ نفر اهالی بومی است.

درین سرزمین اقوام « هانت نات » که از کب کالونی مهاجرت کرده بودند، توطن داشتند. بعدها از زارمین هالیند، و برطانیا در آن اقامت اختیار کردند، و در سال ۱۸۰۰ انجمن تبلیغی لندن، نمایندگان خود را که جرمنی تواد بودند در آنجا فرستاد. در حدود ۱۸۴۰ انجمن مذکور اقامت گاهای خود را که درین منطقه داشتند، به « هیئت تبلیغیه راین » سپرد. متعاقباً یک عده تاجران در ساحل بمقام « آنکراییکونیا » اخذ موقعت نمودند. در ۱۸۶۷ برطانیا جزائر کوچک نزدیک ساحل را بیاضیکه هشته سرفان آبی (که برای کود فلاحتی خیلی قیمت دار بشمار میرود) داشت، زیر حمایت گرفت. در سال ۱۸۶۸ « هیئت تبلیغیه راین » به اثر منازعه بین « هانت نات ها » و همجواریان ایشان، بحکومت برطانیا پناه برده التجار کردند که آن مملکت را بزیر حمایت بگیرد. مگر برطانیا قبول ننمود. در ۱۸۱۶ کب کالونی « یا الگریف » را بحیث مامور مخصوص به اقوام شمالی دریای آرنج اعزام نمود. بالگریف باخوانین اقوام مذکور معاهدات بسته در نتیجه تمام آن منطقه را تا آنکولای پرتگالی، در تحت اداره برطانیا در آورد. در جولائی ۱۸۸۳ یک تاجر جرمنی بمقام « آنکراییکونیا » قسمتی از زمین را خریداری نمود. در اکت ۱۸۸۴ جرمنی آن منطقه را زیر حایه قرارداد داد. و بواسطه قراردادها با پرتگال (۱۸۸۶) و برطانیا (۱۸۹۰) حدود تحت الحیا یکی جرمنی تعیین شد. قسمت بزرگه این ناحیه لا شروع بود. در قسمت زر خز و پرفوس آن که ناحیه گرمسیر شمال د آوامبولیند « باشد، جرمنی ها خیلی کم نفوذ نمودند. جرمن ها از ابتدا با اقوام « هانت نات » دچار تکالیف گردیدند اما در ۱۸۹۴ « هندرك و تباي » خان هانت نات ها، معاهده باجرمن ها بسته و طرفدار جرمنی گردید. در همین سال « فان لوی توین » حاکم آن منطقه (افریقای جنوب غربی) مقرر گردید « سواکوپ موند » بزودی بندرگاه معتبر گردیده و از آنجا یک خط آهن ۲۴ میل طریل تا به « وندهورک » تمدید داده شد (۱۸۹۷ - ۱۹۰۲) و مقام آخرالد کربایتخت تحت الحیا یکی قرار گرفت. ضمناً تواد سفید پوست در آنجا رو بزایدت گذارده و زمین های بومیان را می خریدند. در ۱۹۰۳ قبایل « هانت نات » بوندلزواریت که نزدیک مرحد کب کالونی زندگانی داشتند، اغتشاش کردند. و این اغتشاش به اقوام « هیریرو » و هموم هانت ناتها سرایت نمود. سبب اغتشاش، غصب شدن چراگاه های ایشان و تقوود و حکرانی سفید پوست ها بود. در جنوری ۱۹۰۴ اقوام « هیریرو » یکمده دهافینه جرمنی را بقتل رسانیدند. حکومت جرمنی یکمده قشون را بسرکردگی ژنرال « نان قازوتها » از جرمنی اعزام نمود. « تروتها » اعلان نمود که کلیه هیریروها را قتل عام خواهد کرد. در اکتوبر ۱۹۰۴ « هندرك و تباي » به اثر قشدد کاری « تروتها »، اقوام دیگر هانت نات ببوسته بر علیه جرمن ها داخل محاربه شدند. « تروتها » در او اخر قرن ۱۹۰۵ به برلن خواسته شد. و حاکم جدید، « فان لندی گویت » معافیت نامه عموم هیریروها را صادر کرد. هیریروها درین جنگ تقریباً ۳۰۰۰۰ نفر مقتول دادند و هزارها نفر شان (با زنها و اطفال) ببحرای کالاهاری رفته تباه شدند.

در نومبر ۱۹۰۵ « هندرك و تباي » بمرد، اما دیگر خوانین هانت نات ها داخل مجادله بودند. تا آنکه (در ۱۹۰۸) اقتدار کامل جرمنی در سر تا سر این منطقه قایم گردید.

در زمان محاربه شدید (۱۹۰۶) ۱۹۰۰۰ جرمنی در میدان حرب حاضر بودند و مصارف جنگ (از ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۸) به ۲۳ ملیون یوند بالغ شده بود. در نتیجه این جنگهای بومی، بومیان در حدود یکمده هزار نفر تلفات دادند، و از سال ۱۹۰۸ بیمه مسئله کار پیدا کردن برای اینها اشکالات پیدا کرد. اما در همین سال در پهلوی « خلیج اودرتز » الماس کشف گردید، و برای بومیان کار پیدا شده. علاوه نفوس زیاد اروپائی را بدانجا کشانید.

چنانچه در ۱۹۱۳ تعداد آنها به ۱۵۲۰۰۰ رسید که از آنجمله ۱۲۰۰۰۰ آلمانی بود. در ۱۹۱۴ جنگ عمومی آغاز شد. در ۹ جولائی ۱۹۱۵ قشون اتحادیه آفریقای جنوبی بر سر کردگی « ژنرال بوتها » آفریقای جنوبی هرنپی را تسخیر کرد. در معاهده صلح و رسای ۱۹۱۸ که کلیه مقبوضات آلمانی ها به فائون جنگ عمومی تعلق گرفت، آفریقای جنوب غربی آلمانی در تحت قیومیت برطانیا درآمد، و تاکنون از طرف اتحادیه آفریقای جنوبی بر سر کردگی یک سرپرست یا قیوم مقرر از مجمل اداره میشود.

کامرون :

کامرون ناحیه ایست در آفریقای غربی که از طرف غرب با بحر اطلس، از جانب شمال شرق با نایجیریا، از سمت شمال با غدر چاد، از جهت جنوب و شرق با آفریقای استوایی فرانسوی، و حصه کمی از سمت جنوب غربی به آن با کینیسیا منوالی محدود است. مساحت آن تقریباً ۶۰۰۰۰۰۰۰ مربع میل است. این ناحیه از ۱۸۸۴-۱۹۱۹ تحت الحاق آلمانی بود. در معاهده و رسای آفریقای آلمانی بر داشته شد، و قیومیت آن از طرف مجمع ملل فرانسه و انگلستان تقویض گردید.

رقبه زیر قیومیت انگلستان ۳۷۵۰۰۰۰۰ مربع میل بود. و قطعه باریکی از زمین است که از سر تا آخر به استثنای یک شکسته کمی با سرحد نایجیریا در تماس است. نفوس آن تخمیناً ۸۶۵ و ۷۸۱ نفر میباشد.

مصوب کامرون و ساحل مجاور آن در اواخر قرن ۱۵ از طرف دریانوردان پرتگالی « فرناندو بو » کشف گردید در قرن ۱۷ مراکز تجاری اروپائی در آنجا تأسیس یافت. اقوام « دوآلا » و دیگر قبایل ساحلی، خارجی ها را در داخل خاک اجازه رفتن نمیدادند، و اشیای تجاری سفید پوستان را در درون مملکت برده باعاج، و ابر، و حتی غلامان جنگلی معاوضه می نمودند (و این وضع تجارت بهمین حال باقی بود تا آنکه آلمانی ها آنرا بدست آورده و قبایل داخله را اجازه داد که بساحل برای معامله بیایند). درینوقت اقوام « دوآلا » و خوانین مقام « آکر » و « بل » که مراکز عمده تجاری آنوقت بشمار میرفت، شهزادگان مقبول و تاجر بودند. در اواخر قرن ۱۸ ناحیه ساحلی سیاستاً زیر نفوذ برطانیا رفت و در ۱۸۳۷ خان « بمبیا » قسمت بزرگی از این ناحیه را که بدو مصوب وقوع داشت به انگلستان داد. در ۱۸۴۰ بمبلین برطانوی در مصوب اقامت داشتند. درینوقت تجارت غلامان بین کامرون و آسریکا شدت جاری بود. در همین سال « ساکر »، عضو هیئت تبلیغی برطانوی، در جزیره فرناندو بو و در ۱۸۴۸ در بمبیا نشین گاهای هیئت تبلیغی را آباد ساخت. در ۱۸۵۸ بمبلین مزبور از فرناندو بو اخراج گردیدند و یک مستعمره آزاد زنگیان که آنها هم در آنوقت از جزیره مزبور خارج شده بودند، بمقام خلیج آسریکا (که ساکر، آن را مهاجر نشین و کنوری می نامید) اساس گرفت.

دو سال بعد شرکت « ورن » مقیم ممبرک، اولین « کارخانه » یا تجارت خانه آلمانی را در مصوب بنا نمود. درینوقت قونسول برطانیا مقیم « دریا های تیل » بالای خوانین بومی نفوذ خوبی حاصل کرده بود. حتی خوانین « دوآلا » در ۱۸۸۲ التماس نمودند که زیر حمایت برطانیا باشند. مگر حکومت برطانیا قبول نکرد. در ۱۵ جولائی ۱۸۸۴ نماینده آلمانی، گوستاو و نختیکل، با « کنگ بل » (رئیس مقام بل) در خصوص عقد یک معاهده داخل مذاکره شده و بوقت نصف شب، موفق به اخذ امضای رئیس و دیگر خوانین گردید. پنجروز بعد، هیوست قونسول برطانیا با هیئتی وارد کامرون شده و خواست آزادی را بر حاکمان برطانیا قرار دهد. لاکن چون ناوقت رسیده بود قلمرو « کنگ بل » از دستش خارج شد. و فقط با خوانین همجوار چند معاهده بست. ولی حکومت برطانیا فیصله کرد که ادعای آلمانی را نه تنها بشهر « بل » بلکه بالای تمام علاقه جات کامرون قبول نماید.

متعاقباً جرمنی با برطانیای و فرانسه داخل قرارداد شده. بالتبع، ملامت جدیداً به تصرف را بطرف داخل خاک تاغییر
 چهار دست داد (قسمت های « ادا ماوا » و بورنوبو در آن شامل بود). مستعمره مبلغین سابقه برطانوی بمقام
 و مستعمرو را در ابتدا از زیر حمایت جرمنی خارج بود، مگر در مارس ۱۸۸۷ آن تحت حمایت جرمنی قرار
 گرفت. بسط نفوذ جرمنی در داخل خاک مختصات تدریجی بوده و در هر قسم با اغتشاشات
 و بنا و تها بر میخورد. اولین فوج جرمنی در سواختل غنچه بر چهار بخش بیخ ۲ مارس ۱۹۰۲ و اصل
 شد. جرمنی در مناطق شمالی که مسلمان و غیر حبشی زیاد تر بودند، خوانین بومی را اجازه داد که
 اجرای اقتدار نمایند. توجه زیاد تر جرمنی در ترقی ملامت ساحل اطراف کوه کامرون بود که در آنجا
 جنگلات مفید را بر روی کار آورده مورد استفاده قرار دادند. در سال ۱۹۰۴ - ۱۹۰۵ اغتشاشات
 جدیدی در ملامت کامرون رویداد، و حاکم آنوقت آن، « فان بوت کامرس » در ۱۹۰۶ واپس خواسته
 شد، و ازین بعد، طرق اداره اصلاح شده رفت. کامرون از راه دریای « سانگا » با کانگو ارتباط داشت.
 و از همین راه در ارتقای ملامت کامرون نیز مساعد عمل آمد. از طرف دیگر جرمنی در نتیجه مذاکرات
 سال ۱۹۱۱ با فرانسه از مخالفت نفوذ فرانسه بالای موراگو، دست کشیده. در عوض ۱۰۷۰۰۰ مربع میل
 آراضی را از آفریقای مرکزی فرانسوی بجا کامرون خود علاوه کرد. در نتیجه این انضمام، در یکجا
 قدر و مستعمره جرمنی تا خود دریای کانگو می رسید. در ۱۹۱۴ جنگ عمومی در گرفت، و در ۱۹۱۶ انواع
 فرانسوی و برطانوی کامرون را فتح نمودند، و در ۱۹۱۹ با تر معاهده و رسای، جرمنی از حقوق خود
 بر کامرون صرف نظر نمود. آراضی که در سنه ۱۹۱۱ از طرف فرانسه بجرمنی داده شده بود واپس
 ضمیمه آفریقای مرکزی فرانسوی گردید. و قسمت اصلی مستعمره از طرف دیوان مجمع ملل در تحت قیمومیت
 برطانیای و فرانسه سپرده شد. صناعات متصل ناچیر یا که شامل کوه کامرون و بورنوی جرمنی بود به برطانیای
 داده شده و بجهت جزء ناچیر یا بر اداره انگلستان درآمد. و تقریباً پنج سدس کامرون به قیمومیت فرانسه
 سپرده شد، و از جزء اصلی جدا گردیده بر زیر اداره فرانسه رفت. موافقت نامه قیمومیت در ۲۰ جولائی
 ۱۹۲۲ از طرف دیوان مجمع ملل ترتیب و به امضای رسید.

منتظم برطانیای در کامرون بر طانوی، حاکم ناچیر یا است.

توگولیند:

از طرف مغرب، با گولد کوست بر طانوی و از جانب مشرق با داهومی فرانسوی، و از جهت شمال
 با آفریقای غربی فرانسوی و از سمت جنوب با بحر اطلس محاط است. حوضه زیر قیمومیت برطانیای از حوضه
 زیر قیمومیت فرانسه بواسطه خطی جدا میشود که از گوشه شمال مغرب بطرف جنوب مشرق و جنوب امتد شده
 و قدری دور از بندرگاه « لوم » ختم می شود. بنا بر این منطقه زیر قیمومیت برطانیای در بحر راه ندارد.
 قبه قیمومیتی برطانیای ۱۳۰۴۱ مربع میل و نفوس آن ۲۹۳۶۷۱ نفر است، و از جهت اداره بولایات
 مستعمره گولد کوست و آراضی شمالی منضم شده است.

وقتی که حکومت جرمنی داکتر کوستا و نختیکل را در سال ۱۸۸۴ بجهت مأمور شاهانه برای تحصیل آراضی
 به این ولا فرستاد - مشارالیه بین گولد کوست (بر طانوی) و داهومی (فرانسوی)
 قطعه باریکی از ساحل کبی را بدست آورد. اما قوای اروپائی اقتدار جرمنی را بران خاک نشناخته بود، و در
 جولائی ۱۸۸۴ نماینده جرمنی با پادشاه « توگو » (حکمران قطعه کوچکی) معاهده بسته، قلمرو او را زیر اقتدار
 جرمنی آورد. بدین طریق، « توگولیند » تاسیس یافت، و ذریعه عقد قرارداد با برطانیای و فرانسه، ۳۲ میل

خط ساحلی را تصرف نمود. قبل از حکمرانی جرمنی ها درین ناحیه، شرکت های تجاری بریتانیا، فرانسه، و جرمنی در امتداد دریاچه های عقب ساحل اساس گرفته بود. در سابق تجارت عمده آن عبارت از اصدار غلام و تورید ما شین ینبه پاك كن بود. بعد ها تیل نخلستانها جای صدور غلام را اشغال کرد. بومیان توکولینده، بالعموم تابع حکمرانان داهومی یا « یورتونود » بودند. اما شهرهای کوچک « لتل یولو »، « توکو »، پایتخت ریاست های کوچکی بود که ادعای استقلال می نمودند. با تزئید منافع فرانسه در داهومی، آتیه این سلطنت های کوچک متزلزل معلوم می شد. اما در شهر کوچک توکو، تاجران « برین » صاحب نفوذ بودند، و بهمین سبب، داکنر تختیکل توانست پادشاه آن عقد معاهده مزبور را بنماید. پس ازین معاهده بود که جرمنی ها خواهش بیش رفت در داخله خاک توکولینده را نمودند. به اثر این خیالات، مذاکرات با بریتانیا و فرانسه صورت گرفت و در ۱۸۹۹ مرحدات توکولینده تعیین یافت. و جرمنی پاك قطعه اراضی را که قدری بزرگتر از آیرلینداست تصاحب نمود. اکثر قبایل این قطعه، حکمرانی بریتانیا و فرانسه را بر جرمنی ترجیح میدادند، مگر جرمنی آهسته آهسته آنها را راضی و خوشنود ساخت. اهالی زارین خوبی بودند. جرمنی ها منابع طبیعی مملکت را مورد استفاده قرار دادند. و بندرگاه « لوم » را ساخته و خطوط آهن را در آنجا تمدید دادند. چنانکه بعد از مدت ۲۰ سال، توکولینده احتیاجات داخلی خود را یوره کرده می توانست. در ۱۹۱۴ جنگ عمومی آغاز کرد، و در اکتس همین سال افواج بریتانیا و فرانسه، توکولینده را فتح نمودند. ازین به بعد، بریتانیا قسمت غربی را (بشولیت لوم) و فرانسه قسمت شرق را زیر اداره گرفت. و به اثر معاهده ورسای، از طرف مجسم ملل، قیم مناطق زیر اداره خود گردیدند. اما فرانسه باین تقسیم راضی نبوده و میخواست بندرگاه لوم را بدست آورد. همان بود که در ۳۰ ستمبر ۱۹۲۰ به عوض پاك قطعه زمین در داخله خاک توکولینده، بندرگاه لوم و کلیه زمین های ساحلی بفرانسه داده شد. توکولینده برطانوی از حیث امور معارفی قسمتی از کولدکوست بشمار میرود. منتظم توکولینده برطانوی، حاکم کولدکوست است.

جزیره سینت هلینا

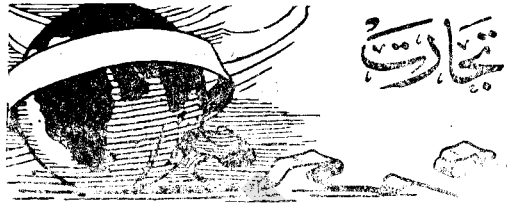
این جزیره و مقبوضه بریتانیا که به محبس ناپلیون کبیر معروفست، در بحر اطلس جنوبی بفاصله ۱۲۰۰ میل از ساحل غربی افریقا، واقعست. رقبه آن ۴۷ مربع میل و نفوس آن تقریباً ۴۴۰۰ نفر میباشد. جزیره مزبور در ۲۱ مارچ ۱۵۰۲ از طرف پاك برتگالی موسوم به « جاوداوا » مونیکه درجهای از هند بوطن هودت میکرد، کشف گردید. و بنام « سینت هلینا » موسوم شد. سینت هلینا غیر مسکون بود. برتگالی ها نباتات و درختان میوه دار را در آنجا آوردند و یکدو خانه هم ساختند. اما توطن نمودند. در حدود ۱۶۴۵ جزیره مذکور که برتگالیها آنرا ترک گفته بودند بدست هالیندیها افتاد و تا ۱۶۵۱ در قبضه آنها بود. کمی بعد از رجعت هالیندیها، این جزیره را « شرکت هند شرقی برطانوی » تصرف نمود. در ۱۶۷۳ هالیندیها دوباره آنرا غصب کردند، مگر از طرف انگلیسها اخراج گردیدند، و ازین وقت تا امروز « سینت هلینا » بدست بریتانیا میباشد.

توابع سینت هلینا:

« ایسنشن »: این جزیره نیز مثل سینت هلینا اصلاً آتشفشانی بوده و در بحر اطلس جنوبی بفاصله ۷۰۰ میل بشمال غرب سینت هلینا واقع است. رقبه آن ۳۴ مربع میل و نفوس آن تقریباً ۲۰۰ نفر است. تا نوامبر ۱۹۲۲- این جزیره در تحت اداره حاکم اعلاى اداره امیرالبحری بریتانیا بود. اما از آن تاریخ با بنظر طرف در زیر اداره حاکم سینت هلینا در آمده است.

« ترستان دا کنها »: مجمع الجزائر کوچکی است در بحر اطلس که در نیمه راه بین دماغه امید و امریکای جنوبی وقوع دارد، علاوه ازین مجمع الجزائر، جزیره ان اکسبیل (ناقابل ورود) و جزیره نایتکیل (بلبل) که اول الذکر دومیل و آخر الذکر پاك میل طول دارد، نیز تابع حاکم سینت هلینا میباشد. تا تمام

(۱) بسبب تراکم مضامین، بقیه تاریخ افریقا به ساننامه آینده موکول شد.



ماهیت تجارت در ادوار مختلفه

نکاتش جناب محمد قدیر خان
تره کی

انسان يك مخلوق محتاجی است که همیشه برای سد جوع عقب اطعمه و برای پوشا نیدن تن د نیاز البسه سرگردان مییابد و این احتیاج از بد و خلقت تا کنون نمودار بوده و هر قدر میکه انسانها بسوی تکامل بر میدارد معضل تر میشود و چون معاملات داد و ستد و یا به عبارته دیگر خرید و فروش مستلزم وجود اجناس و اشیا است. لهذا اجازه میخواهم قبل از آنکه وضیعت داد و ستد را در ادوار مختلف مطالعه کنیم يك سراجه بنا ریخ صنعت بنائیم تا فهمیده شود اتمه و اشیا نئی را که انسانها بالای آن داد و گرفت میکنند چطور بوجود آورده و در احصال آن چه چه مراحل را پیموده اند؟

دوره های تکامل صنعتی :

مقصدین آلمان که در مسائل اقتصادی متبع تحقیقات خودها ادوار مختلفه تاریخ را اتخاذ میکنند دورهای را که صنایع بسوی تکامل پیموده است به چهار اصل همده ارجاع میکنند از قبیل : صنعت هائلوی ، صنعت سیار ، حرفت ، دوره کارخانهجات . همین است که ما هم بتاسی اهمیتیکه این دسته بندی در دنیای علم اخیراً کسب کرده مطالعات خود را در زمینه ترقیات تاریخی صنعت در اطراف همین چهار دوره حصر کرده با جازه مطالعین صحبت میکنیم :

۱- صنعت هائلوی تنها مختص به انسانهای غیر مدنی نبوده تا اوائل قرون وسطی هم اکثری از جاها روی کبار بوده ؛ درین دوره صنایع به عا ئله ها اختصاص داشته درین همان افرا دیکه اجزای يك عا ئله را تشکیل میدادند ؛ روی کبار میامد و چون دران اوقات و مسائل داد و گرفت کنتونی از نوع بول ، با زار ، اصول علمی مبادله موجود نبود لذا هر عا ئله مجبور بود تمام ما یحتاج عصری خود را خود تهیه نماید (۱) این اصول را میتوان تا حدی در تاریخ یونان ، روم ، حتی دوره ملوک الطوائفی ن وسطی هم پیدا کرد .

(۱) طوریکه علم اجتماع ثابت کرده مفهوم عا ئله دران وقت غیر ارمفهوم فامیل امروزه ما است چه ما امروزه الدین و اطفال را عا ئله میکوئیم ولی دران وقت کبار کران و اسرا هم جزء عا ئله شمرده میشدند .

ماهیت تجارت

۲ - چون انسان طبیعتاً و به تکامل می‌رود لذا مقتضیات، عادات، اخلاق، طبایع، صناعات آهسته آهسته در زمینه صنعت عالم‌لوی یک نوع تقسیم عملی را روی کار آورده سبب شد تا بعضی از اعضای هائله از صنعت عالم‌لوی خارج و در یک رشته محدودی مشاغل بهم رسانند و اینست که بعد ازین یک‌نوع اختصاص در صنعت نمودار شد و این صنعتکاران نه سرمایه از خود داشتند و نه جای معین صنعتی؛ و آلات و اسباب صنعت خود را بشانه انداخته در وازه بدر وازه میکشند و ما بحتاج اهالی را اعمال میگرداند و ازین سبب اجرت با ایشان داده میشد و چون این طبقه مزبور کدوم فامیل یا یکی از خوانین آن دوره نبوده مساعی خود را در حین گردش انجام میدادند آنها را (کارگران سیار) و صنعت مذکوران را (کارگری سیار) مینامیدند.

۳ - بعد از آنکه کار بشریت بالاتر کشید و صنعت هم اهمیتی بسرکرد صنایع موفق شدند تا از خانه بخانه گشتن بی نیاز بوده در جای معین دکانی باز و محتاجین را در نزد خود بطلبند، این طبقه برخلاف طبقه اول از یکطرف در صنایع آلات صنعتی خود را بکار می‌انداختند و از طرف دیگر مواد خام (مواد طبیعی) دیگری را نپذیرفته از موادی که خودشان قبلاً تهیه میکردند مصنوعات را اعمال و به تقاضا کنندگان میدادند این دوره را اقتصاد یون به (دوره حرفت) نامیده و استاد های صنعت قرون وسطی را که در داخل اصناف و پیشه و حرف خود می‌پرداختند در زمرة همین دسته حساب میکنند.

این دوره دارای سه خاصه مهم اقتصادی است که بدون ذکر کردن خواص مذکور، رد شدن را جائز نمی‌دانیم:

الف - این صنعت کاران صنایع خودشان را نه برای اشخاص معین و سفارش دهنده بلکه جهت بازار محدود تجارته که آن را بازار شهری (Marché Urbain) نام میدادند آماده کرده بواسطه تشکیل دسته جات که آنرا (لوتجه) میگفتند سعی بود داند تا بر مبادلات شهری قابض شوند.

ب - در بین صنعت کار و مستهلك یا به عبارته دیگر جور کنند و استعمال کننده کدوم واسطه وجود نداشت و صنعت کار مجبور بود تا یک حصه از وقت خود را با شاگردان خویش صرف صنعت کرده و یک قسمت آنرا در فر و ختن متاع بسر آورد؛ گو یا اشخاص واسطه که آن را تاجر میگوئیم در آن وقت در بین نبودند تا متاع را از صانع خریده به محتاجین آن بفروشد.

ج - در آن دوره در بین سرمایه و کار کدوم تفریق اسمی وجود نداشت و صنعت کار هم صاحب سرمایه بود و هم کارگر و علاوه آن از یک طرف فرقی در بین شاگرد و استاد معلوم نمیشد از جانب دیگر پاترون (صاحب کارخانه) و کارگر از هم فرق نداشت.

د - بعد از قرن ۱۶ اساس دول بزرگ آسروز ریخته شده مبادلات از وضعیت شهری خارج و دارای اهمیت ملی گردید و رقابت های شدید تجارته روی کار آمد زیرا صنعت کاران از یک شهر بشهر دیگر حتی از یک مملکت به مملکت دیگر رفته آغاز به اعمال مصنوعات نمودند و این است که بعد ازین صنعت کاران احتیاج شدیدی به متوسطین که آنرا تاجر میگفتند احساس کردند همین است که درین وقت تاجری درین مصنوعات (۱) روی کار آمده این رول را به عهد گرفتند.

۴ - دوره چهارم در صنعت دوره کارخانه جات است این دوره برخلاف ادوار قبل یک دوره

(۱) مبادله در ممالک شرقی دارای تاریخ قدیمی است چه طوریکه در قسمت تجارت شرق و غرب مطالعه خواهید فرمود تجارت بین المللی در شرق قبل از تکامل صنعت بوده اکثری از مواد تجارته را محصولات زراعتی بوجود می‌آورد.

پرازولوله و هیجانی است که اکثر تظارا هرات اجتماعی و سیامی فلی دنیا مولود همین دوره میا شد زیرا درین دوره بواسطه ترقی تجارت و بین المللی شدن مذکور رژیم مره ایه داری روی کار و استقلال صنعت کاران ساب شده هرکدام در هر کارخانه در مقابل اخذ یک مقدار اجرتیکه از صاحب کارخانه دریافت میدارند کار میکنند و چون این اجرت در مواقع بحر ان و فقط نمیتوانند حوائج کارگران را جبران کند لهذا یک فوغای بی پایانی را بنام احتصاب کارگران و عمله (در ممالک صنعتی) سبب شده موجب وجود آوردن دو طبقه عظیم بشری از قبیل صاحب سرمایه و کارگر گردیده است که این خود اکنون قسمت بزرگ مشغله ار باب سیاست ، حقوق دانان ، اقتصاد یون اروپا ، امریکا بالاخره تمام دنیای مدنی را تشکیل میدهد .



این است وقتی صحبت خود را در زمینه تکامل صنعت که اساس تجارت را تشکیل میدهد باین جا رساندیم حالامیل داریم قدری وارد بحث مستقیمی در تجارت گردیم :

تجارت یا مبادله :

البته معلوم است که مبادله نقل یک چیز است از یک دست بدست دیگر . و این خود یک امر حقوقی است و اگر بخواهیم از مفهوم حقوق آن که خارج از بحث ماست ، صرف نظر شودی بینیم که معنی اقتصادی مبادله وسیع تر است ، از مفهوم حقوقی مذکور . چه وقتی می خواهند مبادله حقوق بگویند مقصد شان نقل بالوض یک مال است از ملکیت یک شخصی به ملکیت دیگری . ولی وقتی که این کله از خنجره یک نفر مقصد بیرون می آید مدعای آن تنها منحصر باموال نوده شامل خدمات م می باشد مثلاً اقتصاد یون میگویند ، مبادله عبارت از بدل کردن مال بمال یا مال به نقد یا کار به نقد و می باشد .

تکامل تاریخی مبادله و مشکلاتیکه در دوره های اولیه رونما بود :

در ادوار اولیه که صنعت عائلوی بود و عائلات لوازم حیاتی خود را خود فراهم میکردند مبادله وجود نداشت و چون (طوریکه در بحث تکامل صنعت مطالعه فرمودید) صنعت از عائلوی به سیاری و از سیاری به دوره حرفت و از آن به مرحله مبادله شهری رسید ، پول وجود نداشت و بعبارة دیگر یک مقیاس قیمتی که بتواند در بین دهنده و گیرنده عدالت را برقرار داشته حق را به مستحق برساند موجود نبوده مبادلات باصول ترامپه جریان داشت ؛ این اصول که آنرا اصول ترامپه میگویند مشکل ترین و غیر مامون ترین دوره مبادله میا شد زیرا درین وقت کسیکه محتاج به غذا بوده دارای لباس زائد از احتیاج وجود میو د و میخو است لباس داده گندم گیرد چنین شخصیکه محتاج به لباس باشد و آنهم دارای یک مقدار گندم زائد از احتیاج خود باشد باسانی دستپا نمیشد و اگر احیاناً از حسن طالع شخص مذکور چنین شخصی م پیدا میشد در مبادله جور نمی آمدند مثلاً یکی میگفت باید در مقابل یک پارچه پوست حیوان (که آنرا بشکل لباس در میاوردند) باین مقدار گندم داد ولی دیگری سمی میکرد مزیت پوست را بر گندم اثبات میکند و این خود اکثر ا باعث برهم خوردن معامله میکردید .

علمای اقتصاد وقتی تاریخ اقتصاد را از ازمینه بسیار تاریکی آغاز میکنند اکثر آ میگویند مبادله در هر دوره باصول ترامپه جریان داشته و بدریمه یک مقیاس قیمتی که در بین حال مقیاس زنده گانی همانوقت دانسته میشد اجرا شده است و این دسته علما ادوا از زندگانی انسانها را به چهار دوره تقسیم کرده مینویسند ؛ وقتی انسانها در موارد مبادله اشیا محتاج به یک واسطه گردیدند یکی از موادیکه بآن زیاده تر مانوس بودند مراجعت کردند

مثلاً در دوره شکار پنی دوره که انسانها قزاقان دوره از گوشت های حیوانات معهوده تغذیه و به پوست آن تن خود را میپوشاندند مقیاس قیمت اشیای پوست حیوانات بود و در دوره شکار ماهی، خود ماهی و در دوره که انسانها حیوانات را تربیه کرده از پشم و پوست و شیر آن استفاده میکردند مقیاس قیمت، حیوان زنده و در نزد اقوام زارع مقیاس قیمت محصولات زراعی بوده است!

چون اکثری از علوم مثبته زیاده از عقل به تجربه و عمل اتکا دارد لذا این علم جهت تأیید این نظریه و اوضاع کنونی بعضی از ملل معاصر اتکا کرده میکنند؛

امروز هم در بعضی از قبائل افریقا و استرالیا این طور اشیای را بعوض نقد مقیاس قیمت دانسته استعمال میکنند و کافی است برای صحت مقال بچند امثله برداخت: اهالی جزیره هند سن پوست یکنوع حیوانی را که کاستور میگویند و در حصص ساحل افریقا مواد مستخرجه از بحر را و در حصص داخلی افریقا نمک را به عوض پول مقیاس قیمت میدهند!

این وضعیت در امور مبادله نامد نیت یونان و روم هم مشهود بود چه از اشعار هوسر شاعر بزرگ رزم سرا یونان فهمیده میشد که یونانیها، در مورد مبادله، گاو را مقیاس قیمت دانسته بالای آن معاملات نمودار و لیبر انجام میدادند و نیز در مد نیت روم این کار را از حیوانات اهلی میکردند؛

بعد از آنکه مدنیت قدری ترقی کرد و انسانها رفته رفته از مواهب قدرتی که خدای تعالی برای رفاه و سعادت آنها خلق فرموده است استفاده کردند اولاً مس را مقیاس اتخا ذ و سپس طلا و نقره را به عوض آن قائم کردند و از جهت اینکه طلا و نقره هم از زوری ندرت و هم از جنبه صفائی و عدم تغییر و صد ها نوع مزایات دیگر مناسب ترین ماده برای این امر میباشند همین است که تا کنون هم ادامه موجودیت نموده مقیاس قیمت اشیای واقعیه میباشد؛ در اینکه پول اولاً چه وقت و در کجا اختراع و ضرب زده شد؟ ابراهیم فاضل مقصد تورکیه مینویسد: غالب گمان این است که پول را اولتر از همه ۶۰۰ سال قبل از ولادت حضرت عیسی ع یکی از وارثین ژیزه س Gigele حکمدار لیدی ضرب زده بود زیرا این پول اکنون در موزه انگلستان محفوظ میباشد و همان سکه ایست که آنرا یونانیها الکتروم نام میدادند.

روزیکه بشریت از دوره تراسیه به دوره نقدی رسید بزرگترین قدمی بود که بسوی تکامل گذاشته زیرا از یکطرف مبادلات را سهولت و صوت درستی بخشیده بی عدا لتی هائیرا که از حیث عدم تقدیر قیمت مال گاهی به مشتری و زمانی به بائیم رو میداد رفع کردند از طرف دیگر اشکالات مبادله را رفع کرده تجارت را بجاده تکامل ممر است کردند؛ بهرحال در اینکه مقیاس های پولی چند است؛ و عوامل تعیین قیمت چطور میباشد؛ بواسطه ضیق صفحات مقاله کاری نداشته میرویم تا اوضاع تجارتی ممالک را باعتبار سلسله صحف و ابواب تاریخ مطالعه کنیم؛

تجارت در قرون اولی

قبل از اینکه اوضاع تجارتی ممالک را که در قرون اولی در صحف تاریخ عرض وجود کرده اند مورد بحث قرار دهیم لازم می آید بصورت مقدمه ادوار تجارت را اجلاً امتد کر شویم تا از یکطرف خطوط اساسیه مقاله را طرح نماییم و از طرف دیگر فاصله را که در بین اصول ترامیه و تجارت ملل تاریخی موجود است بهم وصل داده باشیم؛

در بالا در بحث تکامل صنعت گفتیم که صنعت کاران برای فروختن محصولات خود محتاج بواسطه شده اصول تجارت و ناچاراً بوجود آوردند، بلی وقتی که طبقه تجار بوجود آمد و مصنوعات

را از موسسه های صناعیه بر آورد آغاز به تجارت کردند مصنوعات را یا در داخل ممالک و حصص مختلف آن برده به مستهلکین عرضه میکردند و یا در شهرها آورده به مشتریها میفروختند گویا درین دوره اموال خارج از مملکت یا به تعبیر ما امتعه خارجی یا ابداً داخل مملکت نمیکردید و یا اگر میکردید هم تابع به یک مقدار تعرفه سنگینی بود که به عالم تجارت خدمات غیر قابل جبران را وارد میکرد، بعد ازان که صنائع ترقی و زراعت هم تا درجه انکشاف یافت تجارت هم از شهرها و اقوام در بین ممالک رونما گردیده تجارت بین المللی بوجود آمد و اینست که بعد ازین ما هم بتامی مورخین اقتصاد و تجارت ماهیت تجارت ممالک را که در تحت چه چه شرائطی باهمدیگر تجارت میکردند؟ و حقوق تجارت آنها چطور بود؟ مورد مذاکره قرار میدهیم:

تجارت شرق و غرب در قرون اولی

مونتسکیو در صفحه ۳۹۰ جلد اول روح قوانین مینویسد: اولین باریکه در بین ملل شرق و غرب مناسبات تجارتهی روداد در زمان مهر داد بوده است چه درین وقت اموال تجاریه هند، باختر و ممالک اطراف و نواحی آن از بحر خزر گذشته به مصب سیروس داخل و بعد ازان ازین نهر به بحیره سیاه نقل داده شده بطرف غرب برده میشد و ازین جا میتوان فهمید که تجارت شرق و غرب دران اوقات بواسطه همین راه انجام داده میشد.

در اثنا تیکه امپراطوری های آسیا از قبیل هند، باختر، ایران تجارت اشیای لوکس را در بین خودشان و ممالک غرب انجام میدادند تجار صور و حصص دیگر حوالی بحر سفید در هر طرف دنیای مکشوفه مشغول تجارت امتعه متنوعی بودند، طوریکه یکی از مورخین بوشارد (Bochard) مینویسد تجار صور از جبل الطارق عبور کرده در سواحل بحر محیط یک تمداد موسسه های تجارتهی را بوجود آورده بودند.

مصر: مملکت مصر اگر چه دارای قدامت تاریخی است اما بواسطه اختلاف دیانت و اخلاق ملی خود نمی خواستند با ممالک دیگر مناسبات سیامی و تجارتهی پیدا کنند ازین جهت میتوان مدعی شد که مملکت مصر بجز تجارت داخلی از تجارت خارجی محروم بوده است.

یهود: تجارت یهود بها که در بحیره احمر داشتند مربوط به تصادف و اتفاق بوده است چه این ملت بعد از آنکه اهالی فلسطین را تحت قیمومیت خود در آوردند آغاز به تجارت بحریه نمودند و بعد از آنکه اهالی فلسطین از چنگک ایشان خارج شد باز تجارت بحری را ترك دادند.

تجارت فینقی هامستند به فتوحات نبوده در طی یک سلسله زرنگی هائی که تاجران مذکور انجام میدهند صورت میگرفت.

تجارت ملیکه در حوالی بحیره احمر واقع بود از راه بحیره مذکور تنها منحصر به افریقا بوده است چه کشتی های تجارتهی یهودی ها که از راه بحیره احمر تجارت طلا و نقره را مینمودند از افریقا بود، است نه از هند.

یونانیها: چون مدیته یونان مبداء انتباه و تیغظ بشر است و طبعاً حوادث مدنی را زیاده تر از تمام ملل قدیمه این ملت در بر دارد لذا اجازه میخواستیم در اطراف وضعیت تجارتهی این ملت زیاده تر توقف بنهائیم:

ماهیت تجارت

بعد از آنکه ملت یونان در تحت يك لوای بزرگ سیاسی و اجتماعی مجتمع شدند اهالی آتنه بحر زحاکیت بحری گردیدند زیرا این ملت از یکطرف بزرگترین مملکت آنوقت را که عبارت از ایران بود در هم شکسته قوای بحریه قبرس و فنیقی را منهدم و پراکنده نموده بود و البته لازم نیست این سیادت بحری آتنه را از طرف خود تعریف و توصیف کنیم چه کفایت میکند تا برای صحت قول هذا نوشته کسه نوفون را که درباره اوضاع آنوقت آتنه نوشته است شاهد بیاوریم:

کسه نوفون میگوید: آتنه مالک سلطنت بحری است و هر جا ای که خواسته باشد بدون احساس خوف رفته بدون اینکه ادنی ضرری بخودش وارد شود بدیگری ابراه ضرر میکند تا هر گونه موانع از جلو سپر جهازات حربی و تجارتی آنها رفع و ازاله شود اگر بحر بطنه آن وقت مملکت یونان نظری افکنده شود دیده میشود که موجودیت این مملکت را يك سلسله ممالک ساحلی بوجود آورده بود مستعمرات بسیار زیادی که هر کدام يك يك بندرگاه مهم تجارتی بود در زیر لوای یونان اداره می شد و وقتی یونانیها به سسی و ایتالیا قابض شدند در آن جاها هم مراکز مهم تجارتی احداث و از راه بحر سیاه تجارت بحریه خود را به آسیای صغیر (تورکیه کنونی) و سواحل افریقا امتداد داده بودند یونان در تجارت بحری پیش رفت که نظریه آنها را نمیتوان در صحف تاریخ سراغ کرد و چیزیکه از نقطه نظر حقوق تجارت در تاریخ مورد انتقاد می باشد، همانا حس مناعت ملی این ملت است که بساثرین بنظر حقارت نگاه میکردند.

فتوحات اسکندر و ارتباط مزید تجارت شرق و غرب:

چهار واقعه که در مامداری اسکندر کبیر رو داد در عالم تجارت انقلاب عظیمی تولید کرد و این چهار واقعه عبارت از ضبط صور و فتح مصر و تسخیر هند و کشف بحر محیط کبیر بود که تا آن وقت دنیای مدنی را از ان خبری نبوده است اگر چه اولین ملتیکه توانست تجارت هند را از راه جنوب انجام بدهد یونانیها می باشد چه یونانیها بعد از آن که هند را فتح کردند بفرس افتادند تجارت هند را از راه بحر با تجارت غرب الحاق بدهند.

هم چنین است فتح مصر و صور چه وقتی اسکندر مصر را فتح کرد و شهر اسکندریه را اساس گذاشت دیگر، هیچ صعوبتی در تجارت مصر و یونان و هند و یونان باقی نمانده اموال تجارتی هند از راه بحر محیط کبیر و خلیج عمان و بحیره سفید و اموال مصر از راه اسکندریه و بحر سفید وارد یونان و هم چنان امتعه یونان از طرق مذکور وارد ممالک موصوف می شد.

اوضاع تجارت بعد از مرگ اسکندر:

بعد از آنکه اسکندر مرد و ممالک وسیعه او در بین اخلاف و جانشینان مذکور تقسیم شد بواسطه استقلالیکه هر حصه از امیر اطوری مذکور حاصل کردند در اوضاع تجارت هم تحولی رو داد چه همان مصریها ای که قبل از اسکندر از دخول اجانب در ملک خود امتناع میکردند دارای تجارت و وسیع خارجی گردیدند و مصر در آن وقت بر تمام بندرگاه بحیره احمر قابض بوده و حوضه صور که از جنبه تجارت رقیب تمام ملل قدیمه دانسته می شد بکلی از بین رفته بود و بیک کلمه می توان گفت که مصر درین وقت مرکز تجارت بین المللی بود. شاهات سوریه تجارت هند جنوبی را بشاهان مصر گذاشته از راه دریای آمو و بحیره خزر تجارت شمال را بخود تخصیص داده بودند و شاهان یونانی باختر در قسمت شرق یعنی هندوستان کنونی تاسیگر Siger رسیده در مالایا بار بنادر

تجارتی مهمی را بوجود آورده بودند و چون حوضه های مکشوفه که بدست شاهان باختر کشف شده بود ایجاد میکرد تا از ساحل کردی صرف نظر کرده در بین آب راهای مامونی پیداکند همین بود که از یکطرف و سائل تجارتنی بحری خود را تکمیل و از طرف دیگر از بادهای موسمی (۱) استفاده کرده راه دیگر تجارتنی را بوجود آوردند و این راه جدید عبارت از بندر گاهای (کان Canes) و (اوسه لیس Occelis) بود که در مدخل بحیره احمر وقوع داشت و از آن بواسطه وزش بادهای مذکور به بندر گاه (موزیریس Muziris) که اولین مرحله تجارتنی هند بود واصل میشدند و ازینجا بواسطه بجرهای فوق الذکر تجارت شرق و غرب را (بمد همان بادها) به نهایت موفقیت انجام میدادند.

البته میتوان حدس زد که فتوحات اسکندر و جدیت جانشینان مذکور بالا خص شاهان باختر که بدستگیری تجار و علمای این سرزمین صورت میگرفت تا چه درجه بعالم مدنیت و بحریبانی و تسهیلات سیر و سفر و ترقی لوازم بحریه خدمت نموده است.

تجارت کارتاژ:

تجار و ارباب امور کارتاژ «قرطاجه» در وارد حقوق بین المللی که تجارت طبعاً مستلزم آنست طوری حرکت میکردند که افسان را متعیر میسازد مثلاً این ملت مللی را که در جوار ساردینیا و جبل الطارق به تجارت میرداختند دائماً با آلات و لوازم تجاریه مذکوران در بحر غرق میکردند کارتاژیها به تجارت طلا و نقره و مسرب زیاده تر میرداختند حرص و آزریکه کارتاژیها در تجارت نشان میدادند و حوضه های وسیعی که ایشان اشغال کرده بودند و حقوق عجیب بین المللی که رعایت مینمودند سبب شد تا بعد از معاهده که در اثر محاربه یونیک عقد شد کارتاژیها حاکم تجارت بحری و رومانیها حاکم تجارت بری گردند این سنخ تجارت تا مدتی در بین این دولت جاری بود تا اینکه در هسیانیه اصطکاک منافع تجاری و سیاسی کار ایشان را ببحران کشید و سبب شد تارفته رفته کارتاژ ضعیف و بر سطوت و قدرت روم افزود شود.

تجارت روما:

اگرچه روما مانند دول بزرگ و ذی قدرت امروز بر یک حصه از ربع مسکون حاکم بود اما بواسطه شان و شرف و تریه صکری و استعداد حاکمیتی که این ملت داشت با همسایه های خود همیشه از راه سیاست و جهان گیری رقابت میورزید نه از جنبه تجارت ازین جهت است که می بینیم روما بر کارتاژ بنا بر ساقه کیتی ستانی می ناخت نه گیر آوردن مال . و با ملل دیگر یکتابعت روما را نمنداشتند در امور تجارت تسهیلاتی فراهم می کردند .

رو بهر طرفه اگر بتاریخ روما به غور نگاه کرده شود می بینیم رومانیها بهر جا رسیده بودند غیر از محاربات و جدال برای احراز قدرت و حاکمیت دیگر مشغله نداشتند زیرا یک ملت خشین و زور آوریکه بنام مامسین خود از عینک تحقیر نگاه میکرد کجا راضی میشد به داد و ستد تجاری که بوی مساوات ازان به مشام میرسد به بردازد؟ کافی است برای اختصار بحث و صدق مدعیان بالا قول یکی از حقوق دانان روما (پومپونیوس) را شاهد بیاوریم پومپونیوس میگفت: دو ملتیکه دوست میا متفق ما نبوده و از راه مسافر بروری بمارتباطی

(۱) بادهای موسمی که آنرا موسون Moussons میگویند عبارت از بادهای منظمی است که شش ماه از یک طرف و شش ماه از طرف دیگر در بحر هند می وزد.

ندارند ابدأ دشمن مانعی باشند ، گویا بر طبق گفته این حقوق شناس دشمن روم کسی بود که با او ارتباط داشت نه ملل بعیده یا باصطلاح (از خود کش یگانه برور) بود ! اگر چه بعضی از مورخین مکتوبند که رومانیها تجارت را دوست داشتند اما مونتسکیو ، ولف کتاب روح قوانین و کتاب هال انحطاط روم که یکی از زیاده ترین هلمای قرون اخیر است و قول او در تاریخ روم خالی از هر گونه اعتراض میباشد میگوید : « اگر چه بعضی از اشخاص فقیده دارند که رومانیها تجارت را تشویق مینمودند اما در اثر تحقیقات خود به این نتیجه رسیدم که : رومانیها تجارت را بسیار کم اهمیت میدادند » (جداول صفحه ۴۲۰ روح قوانین) !

تجارت رومانیها با اقوام وحشی (۱)

البته معلومست که رومانیها در اروپا ، آسیا ، آفریقا يك امیر طوری جسیمو را بوجود آورده بودند و چون این ملت يك ملت فاتح و قهراری بود لهذا سعی میکرد تا همیشه حاکم اقوام مغلوبه بوده از هیچ حیث تبعه مذکور نوی و مقتدر نگردد ازین جهت نمی خواست با آنها تجارت کند و یا به تعبیر مونتسکیو « متمول شدت را فدای صنعت ظفر و غلبه نموده بودند ، چنانچه دو قرا از امیر اطوران آن مملکت که عبارت از : والنس و کرائسیه ن باشند راجع به تجارت با اقوام مذکور این امر را صادر کرده بودند : « لوانیکه برای چشیدن م باشد نباید هیچکس به اقوام وحشی شراب ، روغن یا مائعات دیگری بفرستد ، نباید به اقوام وحشی يك ذره هم طلا فرستاد و حتی باید سعی کرد تا طلاهای موجوده آن را به مهارت از نزدشان ربود » !

تجارت رومانیها با عربستان و هندوستان

عربها چون در آن وقت دارای ثروت های هنگفتی بودند و این ثروت ها را از اجبار و جنگلات حاصل میکردند لهذا با هندوستان دارای مناسبات تجارتي مهمی بوده اند .

عربها بواسطه اینکه حواشی کمی داشتند و صادرات جنگل داری و بحری آنها از واردات ایشان زیادت می نمود لذا يك ذخیره معتدله طلا و نقره را فراهم کرده بودند و لوگوست امیر اطور روم چون از ثروت اهالی عربستان مطلع شد بر خلاف مشی اسامی خود ها به تجارت با قوم عرب اظهار تمایل کردند . همین بود که بر سر تبه اول مرداری را برای تسخیر عربستان اعزام کرد این مردار پس از يك سلسله زد و خورد اگر چه فاتح هم شد اما به واسطه عدم مساعدت اقلیم عربستان تمام اردوی او تلف گردید ، ازین جهت رومانیها مجبور شدند تا با عرب ها از در صلح در آمده تنها بمناسبات تجارتي آن ها مکتفی گردند یا به عبارتی دیگر رومیها مجبور شدند در مقابل واردات عربستان و روم با به تجارت عرب طلا و نقره به بردازند بعد ازین مناسبات تجارتي روم و عرب قایم گردیده کاروان حاب و جہازات تجارتي سویس اموال تجاریه روم را وارد عربستان و از عربستان را به روم می بردند .

مونتسکیو از بسکه استعدا در عرب آنوقت را در تجارت تقدیر میکند میگوید : « عرب را رومانیها يك ملت تاجر و حضرت (محمد صلی الله علیه و سلم) آنرا يك ملت مجاهد و فاتح ساخت » !

تجارت روم و هند دارای اهمیت زیادی بوده است طوریکه یکی از دلما (سترابون) مینویسد : در آنوقت

(۱) آروبا نیها اقوام خارج از امپراطوری روم را بار بار یعنی وحشی میکوبند .

رومایانها در مصر يك جدوييت جهاز تجارتي داشتند و امتعه روم بدریمة این جهاز ها به هند و از هند بپرانج کشتیهای هندی وارد روم میشد؛ این میگوید؛ اموالیکه از هند وارد روم میشد چند برقیبت آن افزود میگردد مثلاً یکا لیکه در هند یکرویه قیمت نداشت در روم با جد رویه فروخته میشد؛ رو بهرینجه ملت فاتح روم برخلاف مشی سیاسی خود با تنیها با ملت هندو قوم عرب تجارت نموده است و با اقوام دیگر اگر به موازته قلیلی هم تجارت کرده باشد به مقصد قبیله علیکت مذکور بوده است و بس .

اوضاع تجارت پس از سقوط رومای غربی

بعد از آنکه روم منقرض شد سکنه و ثوقف مهی در تجارت هم رو داد زیرا امپراطوری و سیم روم بارچه پارچه شده زمام هر کدام آن بدست یکفر از خوانین و اعیان رسیده دوة معروف ملوک الطوائفی کم کم بروی کار آمد و این اشخاص بدرجه متکبر و متفرعن بودند که نفس نفیس خود ها را روا دار نمیشدند به ترق تجارت مصروف کنند و قانون و بزرگت ها امر میکرد تا در حصص مهم ابحار غیر از کشتی های جنگی کشتی های تجارتي تردد نکنند حکم داران آنوقت خود را شرعاً حقدار مال موروثی ثبته خارجی که در داخل قلم رو آن ها میرسد میسرند .

در اینکه اوضاع تجارت بعد از انقراض رومای غربی در شرق چطور بود ؟ این خود مستلزم بحث هلیچده میباشد ؛ بعد از آنکه رومای غربی سقوط کرد يك مدنیّت مشعشع و درخشانی در جزیره نمای عرب ظهور نمود این مدنیّت مدنیّت اسلام بود که يك سرعت بحیرا لعقول رو به آسکامل رفته دنیای بشریت را رونق آتزه بخشید چون این مدنیّت زیاده تر از بنایت قرون وسطی در اواسط آن فروغ می باید لذا لازم است در فیصت قرون وسطی و مورد مخصوص آن ذکر کرده شود ؛

تجارت در قرون وسطی :

بعد از آنکه امپراطوری روم در غرب تجزیه شد و اقوام نیم وحشی بنام اخلاف و چانشینان و امپراطوران روم در هر حصه اعلان سلطنت و حکمرانی کردند تجارت کاملاً مختنق گردید زیرا از یکطرف (طوریکه در بالا مطالعه میفرمائید) قوانین شدیدی در بحریبائی از قبیل قانون و بزرگت و غیره روی کار آمد از طرف دیگر بواسطه اینکه هر حصه از خود حکمران مستقلی داشت تعرفه های سنگین گمرک و مصادره اموال خارجی ها مجالی برای تجارت باقی نماند چه هرکس يك مال را برای تجارت حمل کرده میخواست بجای دیگری ببرد از چندین حوضه حکومت مستقلی عبور میکرد و البته مجبور بود بهر کدام آن رسوم گمرک را بپردازد (۱) ؛ طبیعاً این ها همه عواملی است که تجارت را از بین برمیاندازد ؛ این وضع نامدن در اروپا جاری بوده سپس آهسته آهسته تجارت هم در زمره امور مدن دیگری رواج یافت اما سر بوط به قیوداتی بود که این است ذکر کرده میشود ؛

اوضاع تجارت در آوان حکممداری اقوام نیم وحشی در اروپا چطور بود ؟

در دوره جهالت اروپا وقتی که فلسفه ارسطو وارد اروپا شد در نزد مسکونین آن بسیار مقبول واقع شد چه فلاسفه متکلمین عیسوی مذهب عقائد دینی را با نظریات فلسفی مزوج نموده در اطراف اقراضات دارای ربح اقتباسات زیادی از انجیل شریف نموده بودند و میگفتند چون اقراض دارای ربح در اکثری از موارد غیر مشروع است

(۱) محصول صرفیات گمرک عبارت از محصول داخلی گمرک است این اصول از بقایای ملوک الطوائفی اروپا بوده اکنون در بعضی از جاها وجود دارد و افغانستان این عائق بزرگ را با صبار قانونی در اواخر ۱۳۱۳ التو کرد .

ماهیت تجارت

لذا املاک تجارت هم باید املاک اشخاص دنی و دینی باشد زیرا چیزیکه منم باشد البته اشخاص شریف تعبیر آنرا جائز نمیدانند و این است که درین وقت کلمه تجارت معانی احتکار، انحصار، غصب و غارت، پول جمع کردن غیر مشروع را بحفاظت هالقا میکرد و کسی را که باین عمل دست میزد دنی و بر ناموس میگفتند؛ چون عقیده داشتند که قوم یهود تمام مایعک خود ها را باین صورت به بی ناموسی جمع کرده اند از طرف حکم داران دارائی آن ها مصادره میکردند.

و ضحیتی را که انگلیس ها با یهودی ها انجام دادند میتواند نماینده تمام اوضاع آن اوقات گردد چه جان باد شاه انگلستان برای اینکه اموال یهودی های تبته خود را مصادره کند تمام آنها را حبس مینمود و یکی از یهودی های آنوقت که محکوم شده بود بایسه بدو یا تمام دنیا انهای مذکور بر آورده شود هشت دند ان مذکور را کتیدند ولی برای اینکه دنیا ان هم خود را تجارت بدهد بحکومت انگلستان ده هزار مارک پیش کشی داد و هازری سوم از نزدیک نفر یهودی که هابون نام داشت برای خود چهار هزار و برای ملکه خود ده هزار مارک بطور هدیه گرفت تا برای تجارت اجازه بدهد؛ تمام مندرجات فوق اثبات میکند که تجارت اروپا در قرون وسطی بر از یک سلسله مظالم و احجاف بوده است و قوم یهود که یگانه قوم تجارت یسه بود از یکطرف اموال شان مصادره میکردید و از طرف دیگر بشدت از شهر ها رانده میشدند؛ این و ضحیت به تنها بالای یهودی های موسوی مذهب بود بلکه یهودی هاییکه دین حضرت عیسی ع را هم پذیرفته بودند همین شکنجه مبتلا بودند.

باید گفت که بزرگترین تقصیر این و ضم بالای فلاسفه متکلمین عیسوی مذهب میافتد زیرا این ها بودند که احکام انجیل را با فلسفه وفق داده تجارت را منحوس نشان داده اهالی را ازان متنفر و باعث این قدر احجاف و عقب انداختن تجارت شدند.

تجارت در اسلام

در همان اوقاتیکه اروپا در تاریکی فطنت و جهل قدم میزد و حکم داران دوره ملوک العولنی تجارت را یکی محنتی و مستاصل نموده بودند عرب ها تجارت خارجه و سیمی داشتند چه عرب هافیر از تجارتیکه از راه خشکه در داخل و خارج عمر بستان مینمودند در ای دو بندر گاه بزرگ تجارتمی بودند که اموال و مصنوعات زیبای عرب را بخارج و از خارج را به عربستان ذریه آنها نقل داده تجارت میکردند این دو بندر گاه عبارت از بندر تجارتی بصره و دیگری بندر اسکندریه بوده است که از راه اول الذکر تجارت شرق و از دوم تجارت غرب را انجام میدادند باینصورت که بصره بندر گاه تجارت بغداد و اسکندریه بندر گاه تجارت قاهره بوده است و کاروان های تجارتی عرب از راه خشکه و کشتی ها از راه بحر بهر طرف دنیا تجارت میکردند و از جنوب غربی به شام و سوریه و از راه شرق بهند و ایران و از راه شمال به بحیره سباه و طرابزون رفته امتعه عربی را توریید و از آنجا ها اموال دیگری وارد عربستان مینمودند که دران زمره مهمترین قسمت ها مانا امتعه بیژانس بوده است.

تجارت اسلام از راه شمالی شرق و بحیره خزر به سمرقند، افغانستان و روسیه شرقی بوده است و از بندر گاه اسکندریه و قاهره کاروان بزرگ تجارتمی که حامل مال التجاره اسلام می بود دنیا به طرابلس، و قیروان و طنجه و هسپانیه رفته راه دیگر بطرف جنوب به سودان و سواحل شرقی افریقا میرفت و رو بهمرفته اگر چه در تمام ممالک اسلامی از قبیل غزنی، بلخ، طهران، اصفهان مشهد و..... بازارهای مهم تجارتمی موجود بود اما بازارهای بزرگ که میتوان آنها را بازارهای بین المللی نام نهاد و از بزرگترین بازارهای دنیا بودند بازارهای بغداد، قاهره، شام

قیروان، طنجه، قرطبه، سمرقند بوده که تمام بحار ممالک اسلامی حتی تجار هند و بیزانس درین شهرها آمده احوال خودشان را عرضه میکردند و از حقوقی که دین مبین اسلام وضع کرده بود همه و همه بطور تساوی حصه مگر گفتند.

اروپائیهها چطور تجارت را ترقی دادند؟

همان اروپائیکه از قرن ۴ به بعد بابت اصول ملوک الطوائفی بوده از حیت تجارت، صنعت بالاخره اقتدار سیاسی روز بروز رو با محطاط میرفت در قرن ۱۴ يك تحول شدیدی را احساس کرده این تحول عبارت از نیایل مالی بود که بسوی مرکزیت واحد نموده در هر جا حکومت واحدی تاسیس و نفوذ خوانین «سنپورها» و بالمره رفع کردند؛ این حکومت مرکزی رفته رفته قوی گردیدند تا اینکه متعاقباً دوره انتباه (انسانس) و بیهم عصر اصلاحات (ره فور ماسیون) روی کار آمده به ملل از هر حیث زمینه سعی و عمل فراهم شده موفق با کشفیات بزرگی گردیدند چه در سنه ۱۴۳۶ ماشین چاپ و در سنه ۱۴۹۲ امریکا کشف و در سنه ۱۷۸۹ از قوه برق در صنایع استفاده گردیده در سنه ۱۸۲۶ خط آهن و در سنه ۱۸۹۵ تلگراف و در سنه ۱۹۰۳ طیاره و در سنه ۱۹۰۳ تیلی فون اختراع شده و تجارت هم از حیث وفرت آمتنه هم از حیث معرفت در ایصال آن به جاهای بییده و اخذ اطلاعات تجارتمی بسرعت پیش رفت نمود و علاوه بر این ملل می چاره که شب و روز بجز مدافعه از حملات اقویا و نجسس چاره تحفظی برای استبقای مابعلک و حیات خود مشغولیتی نداشتند به نهایت اطمینان بزراعت و صنعت و تجارت برداختند - و روز بروز در زمینه صنعت اختراعات جدیدی نموده و وسائل حمل و نقل و خبر رسانی را که به منزله خون در جسم تجارت میباشد به تکامل میرسانست و سرمایه های ذیقیتی از امریکا وارد کردند گویا بعد ازین رفته رفته ثروت و سرمایه رو بزیادت گذاشت و یکدسته از علما و اقتصادبون ظهور نموده از یکطرف تجارت و صنعت را با اصول های علمی تطبیق دادند از طرف دیگر در تجارت بین المللی بعضی نمود دلمی روی کار آوردند مثلاً مدرسه امریکا تبلیغ طرفدار تجارت مقبوع و مدرسه ادام سمت مدافع تجارت آزاد بین المللی بودند و هر که آمد برای سعادت ملی در مسلك متخذ خود ها يك تعداد مدعیانی را کنجاندند بودند که همه و همه منکی بنظاریات دلمی بوده از تعصبات بیجا و افکار ضعیف اجتناب بودند.

چون بعد ازین از یکطرف زراعت و از طرف دیگر صنعت ترقی کرد و صنایع مظهر روی کار آمده برای اولین بار یکدسته اشخاصی بنام کابینالیست (مهر مابه دار) عرض وجود کردند لذا تجارت بین المللی هم بیچنان ترقیاتی نائل شد که بدون تردید می توان گفت سیاست تابع اقتصاد و تجارت گردید چه تاریخ قرون اخیر شاهد است که تمام حکومت های سیاسی از قبیل مفاهم استعمار، دومینو، سوسیالیزم و شعب دیگر آن و کاپیتولاسیون و غیره که برای اتمام مدنیته کنونی البسه براننده و زینتی میباشند همه و همه از همین جا منبم میگردد، ازین جهت است ما هم لازم میباید مباحث آتی خود را در تحت عناوین ذیل محدود کنیم؛

تجارت بین المللی کنونی، اصول شرکتها و انواع آن ها و وظایف مذکوران، کارتل ها، شهرهای آزاد تجارتمی و مفهوم ترانزیت، اسناد تجاریه یا اوراق اعتباریه ۱

تجارت بین المللی در عصر حاضر:

عصر حاضر را که میتوان يك عصر اقتصادی گفت در تجارت خصوصاً تجارت بین المللی اصلاحات عمده روی کار آورده تمام شعب تجارت را با اصول قوانین عام از قبیل قوانین عرضه و تقاضا، اصول حایه تجارت آزاد انحصار و آزادی رقابت، اصول ارزان فروشی و بالاخره اعلانات و پروپاگنده ها و اشتهاارات و غیره تطبیق داده از روی آن عمل میکنند و این است نادرجه که در منظور این مقاله داخل میباشد در آن زمینه بحث میکنیم

ماهیت تجارت

وقتی بنا باشد تجارت بین المللی گفته شود عموماً مفهوم واردات و صادرات یک مملکت به مملکت دیگری فهمیده میشود پس لازم می آید اولاً از واردات و صادرات و تعرفه گمرک که مولود این دو اصل میباشد بحث کرده شود ؛ تعرفه اموال وارده در هر مملکت نظر به قوانین موضوعه گمرکی مملکت مذکور اخذ کرده میشود و این تعرفه ها هم دو قسم است تعرفه مستقل و تعرفه مقاوله ؛ تعرفه های مستقله عبارت از تعرفه میباشد که یک مملکت بدون عقد کدام معاهده بالای بگونه مال یک مقدار و بالای نوع دیگری مقدار دیگر وضع میکند مثلاً در اکثری از ممالک بالای اموال بگونه نظیر آن در داخل مملکت تهیه شود برای اینکه از خارج وارد نگردد ۱۰۰ فیصد تعرفه وضع میکند و بالای اموال غیر آن ۱۵ یا ۲۰ فیصد یا کم و زیاد از آن ؛ درین گونه تعرفه ها استقلال سیاسی ممالک دخالت تامی دارد زیرا مملکتی که مستقل است و زمام اداره آن در دست اولاد آن میباشد طبعاً سعی میکند تا جهت جلوگیری از اختناق صنایع داخلی تعرفه گمرکی را هر طور خواسته باشند وضع میکنند اما مملکت اسپر ازین نعمت محروم است .

چون وضع تعرفه گمرک منوط بذوق و تقنین ممالک میباشد لهذا امکان دارد مصالح ملی بانها حکم کند تا تعرفه را هر طور بخواهند وضع کنند ؛ البته ارتفاع اندازه تعرفه به مفاد ممالک خارج صدهم میرساند و باعث قطع مناسبات بین المللی میشود لذا سیاست مداران ممالک در هر وقت برای رفع این نقیصه معاهدات تجارته را روی کار میاورند و این معاهدات حد و توسعائی در بین آزادی تجارت و تجارت مقیود میباشد . وقتی در مملکت در بین خود معاهدات تجارته را عقد کنند در معاهده تصریح نمایند تا در حین ورود فلان مال ۰۰۰ فیصد محصول گرفته شود ؛ این معاهدات در عصر حاضر بهترین وسیله رفع مجادلات اقتصادی و سیاسی میباشد معاهدات مذکوره غالباً دارای مدت معینی بوده طوری مرتب میشود که بشرط و حیثیت ملی یکی از عاقدین بر نخورد و بی جای بسیار اندوس است که ارضاع سیاسی در عصر حاضر این پرده ابد را غالباً میدرد .

موازنه تجارتی

از چندین سال باین طرف در هر مملکت بیک فکری وجود دارد که میگویند باید صادرات یک مملکت از واردات آن زیاد باشد ؛ این فکر که منشأ آن مدرسه معروف امریکا تیلیزم است ادعا دارد که ؛ در یک مملکت بهر اندازه که طلا و نقره زیاد شود بهمان اندازه مملکت مذکور متول و ثروتمند میباشد ؛ بر طبق همان نظریه این مدرسه اقتصادی سفارش میکرد که باید صادرات را زیاد کرده از واردات کاست تا پول اجنبی در یو خریداری آید و وارد مملکت شده پول داخلی بخارج مملکت نرود ؛ این فکر از ابتدای ترقی صنعت و تجارت تاکنون در تمام دنیا مورد قبول بوده هر مملکت (غیر از انگلستان) طرفدار اصول حمایه و تجارت مقیود بودند و تنها مملکتی که برخلاف تمام ممالک بر علیه این نظریه بوده برژیم تجارت آزاد عمل بپرا بود انگلستان میباشد و سه سال قبل بواسطه شدت بحران یک کنفرانس امپراطوری انگلستان در اتاوا منعقد شده فاصله گردید ؛ تا انگلستان هم تجارت آزاد را ترک و با اصول حمایه عمل پیرا شود و امروز تقریباً در تمام دنیا از اصول حمایه کار گرفته می شود . « منع ورود بعضی از اشیا در افغانستان که اخیراً جز قانون مملکت مقبوعه ما گردید هم قابل اشاره میباشد »

اصول قبول موقت

یکی از مسائلیکه متناق به تجارت خارجه میباشد « اصول قبول موقت » است این اصول عبارت از معامله میباشد که بالای اشبای خارجه در حین ورود در یک مملکت و خروج آن از مملکت مذکور که بصورت

مصنوع خارج میشود بعتل نماید؛ چه اگر این اصول در تجارت خارجه روی کار نمیبود اخذ دوبار رسوم گمرک از يك مال (يكی در حين توريد ماده خام آن و یکی در وقت اخذ مواد مصنوع مذکور) مانع موصوت را بخالی درمیاورد که در میدان رقابت با امتعه خارجی نمیتواند اظهار وجود کند؛ این است که بنا بر همین ملاحظه اصولی را در تجارت خارجه روی کار آورده اند که آن را رد رسوم یا قبول موقت Draw back نام میکنند. بر طبق این اصول وقتی مواد خام به مقصد اعمال لوازم و مصنوعات از يك مملکت داخل مملکت دیگری میشود بر حسب تعرفه گمرکی محصولی از آن ماده اخذ میکنند و باز وقتی ماده مذکور مصنوع گردید و از مملکت موصوف خارج شد تعرفه صادرات را از ماده مصنوع آن گرفته تعرفه واردات ماده خام آن را که قبلاً اخذ نموده بود ندرت میکنند؛ مقصدین این معامله را بدلتفی کرده سفارس میکنند تا باید برای رفع این گونه محاسبات سرکیچ کنی؛ از مواد خام محصول گرفته نشده اند از آنکه مصنوع گردید و از مملکت خارج میشود محصول بگیرند احكام يك باشد.

تحويل خانه های حفظ اموال

در بعضی از ممالک تجارتي و بازارهای مهمی که معاملات داد و ستد بین المللی بکثرت رومیدند، موسسه های بزرگی وجود دارد که تجار اموال تجارتي را (در صورتیکه بقین کامل در استهلاك آن در مملکت مذکور نداشته باشند) در آنجا برده میسازند؛ این منازعه ها هم اموال را حفظ و در مقابل آن يك مقاراجت بسیار کمی از صاحب مال میگیرند. این نوع موسسه ها را (آنتره پو Entrepot میگویند که من آنرا تحويلخانه ترجمه کردم) و نتی این نوع اموال تجارتي که به مقصد تحويل در دستره پوها و وارد يك مملکت میشود مملکت مذکور بر طبق قانون گمرکی خود رسم واردات را می ستانند و اگر اموال مذکور در آن مملکت فروخته نشود و تجار خواست آن را دوباره از مملکت مذکور خارج کنند، تعرفه صادرات گرفته نمیشود؛ فائده این موسسه ها این است که اگر این ها وجود نداشت، تجار مصارف حفظ اموال و تعرفه صادرات دوباره آنرا گران دیده به توريد چنین يك مقدار مهم امتعه در مملکت خارجی اقدام نمیکرد.

معاملات جمله فروشی

در بعضی شهرهای بزرگ تجارتي برای اینکه بتوانند جلب دقت تجار بکثرت مال مبین را بنایند از اصول جمله فروشی Ventes Publiques کار میگیرند؛ این اصول چنین است که بکثرت مال مثلاً تنها پوست افغانستان را هر مقداریکه باشد در بازارها يك جا میخرند و تجار پوست را از تکالیف دیر ماندن در آن جا و مصارف اعلان ها و غیره نجات میدهند.

بازار معروف لندن درین معامله شهرت بی نظری دارد.

شهرهای آزاد:

بعضی از ممالک بعضی از شهرهایی را که در ساحل وقوع دارند بصورت بندرگانای آزادی درمیانند باین صورت که از تمام اموال وارده (بشرطیکه از راه بحر وارد شود) هیچ محصولی اخذ نکرده و از ادات و صادرات بحری آن را آزاد میکنند و اگر بنا باشد اموال وارده این بندرگانا در داخل مملکتیکه این

بدرگناه را آزاد گذاشته وارد شود در آن وقت محمول واردات اخذ کرده میشود، این بندرگاههای آزاد تجارت برخی از ممالک را رونق خوبی بخشیده اند مثل بندرگاههای آزاد هامبورگ، کوبنهاگ، آوزره و...

تادیات بین المللی

این معامله را که اروپائیانها کامیو و ما باید مرافی یا هندوئی بگوئیم عبارت از اصول محاسبه ایست که از قیمت اموال تجارتمی بین المللی بین تجار دو مملکت یا چندی رو میدهد چه فروض تجاریک مملکت که بالای تجار مملکت دیگری باشد اخیراً منجر به معامله کامیو میگردد. خوب است برای اینکه این مسئله را قدری وضاحت بدیم مثلی میزنیم:

« فرض کنید یکی از تجار کابل (احمد) از زردبی از تجار جرمنی (وانف) مبلغ پنجاه هزار افغانی را مال میگیرد و بالقابل یکی از تجار دیگر جرمنی (توماس) از زرد ناچر دیگر افغان (محمود) همین مبلغ را پوست قره قلی گرفته به جرمنی میبرد درین جا یک حساب تجارتی بین تجار دو مملکت (افغان و جرمنی) رو میدهد و البته احمد مجبور است پنجاه هزار افغانی به وانف و مچنان لازم میافتد توماس پنجاه هزار افغانی به محمود به پردازد؛ درین وقت احمد برانیکه محتوی همین مبلغ باشد به وانف میدهد و توماس همین راترا خریده به محمود میفرستد و محمود مبلغ مذکور را از احمد حاصل میکند، این گونه معاملات درین دو مملکت همیشه جریان دارد و مرانته تجارتی ممالک مربوط بهمین معامله میباشد ازین جاست که اقتصادین سفارش میکنند تا اداره این امور باید بدست اشخاص بصیر و مطلعی سپرده شود، البته در هیچ وقت امکان ندارد که دیون تجار در مملکت مساوی هم دیگر باشد چه بسا میشود که دیون تجار افغان بالای تجار جرمنی ده لک افغانی و از تجار جرمنی بالای تجار افغان هشتاد لک افغانی باشد و یا بالعکس. درین صورت چون برانها اینکه تجار جرمنی بنام تجار افغان صادر میکنند زیاد میباشد از برات های مصدره تجار افغان که بنام تجار جرمنی صادر میشود لذا عرضه برات های جرمنی زیاد و تقاضای آن کم بودم معامله دیگری را که آنرا (اسکونتو Escompte) یعنی تنزیل قیمت برات نام میکنند رند روی کار میا ورده همچنین است تمام معاملات هندوئی که در بین دو مملکت یا زیاده از آن رو میدهد و چون این بحث از بکطرفه ظویل بوده از صحف محدود مقاله خارج است و از جانب دیگر به هال و اسباب ترقی و انحطاط قیمت پول تماس کرده جنبه مالی را در بر میگیرد لهذا بهمین قدر اکتفا می نمائیم .

شرکت ها و وظائف آنها

بعد از آنکه صنعت ترقی کرد و کشفیات مهمی در صنایع رو داد سرمایه و سرمایه داری هم بر اهمیت خود افزوده در هر طرف تجارت رواج یافت و چون تجاریک به صورت واحد بدون اشتراک دیگری به تجارت میرداخت از یکطرف مصدوم خساره های کمرشکنی شده طوری از پادری آید که دیگر مجال برخواستن نداشت، از طرف دیگر از عهده امورات بزرگی که در وظائف شرکت ها مطالعه می فرمائید بدرآمده نمیتوانست لذا چند نفر جمع شده خواستند بقوه وحدت فیکر و عمل و وحدت سرمایه خود را از خطرات محتمل اتوقوعی نجات بدهند، و هم به واسطه قدرت سرمایه که از اشتراک جمع می گردد به امورات بزرگی دست بزنند همین بود که موسسه را بنام (شرکت در تجارت) روی کار آوردند چه اشتراک آنیکه به مقصد تجارت روم دهد باید تحت همین عنوان ذکر کرده شود، و این موسسه های اشتراکی که بعد ازین بطور ساده (شرکت) ذکر خواهند شد در قوانین تجارتی تمام ممالک بعد از کمی تفاوت و فرقی به این عباره ذکر کرده می شوند « این شرکت ها می توانستند در تحت نظایین خود با محاولات و معاملات تجاریه پرداخته و صفت دائمی

و مدون را اکتساب و به اینصورت در عا کم حقوقه اثبات وجود کرده اموال منقوله و غیر منقوله را تصرف بنمایند» غیر از شرکت های فوق که در نزق قانون دارای شخصیت حکمیه بوده زمینه صلاحیت و اقتدار شان در بین قوسک های خورد ذکر شد ، یک عده شرکت های دیگری هم وجود دارد که آن را شرکت های عادی نام می دهند این شرکت ها بر خلاف شرکت های فوق تجار به از طرف قانون مدنی اجازه ندارند تا بمعاملات تجاری بپردازند چه این ها در موارد قضائی دارای شخصیت حکمیه نباشند .

شرکت های تجاریه و انواع آن ها :

مهم ترین شرکت های تجاریه که در نزد قوانین تجاریه دنیای مدنی رسماً شناخته شده اند پنج نوع است از قبیل ، کوپراتیف ، لیتند و آنونیم ، کوماندیت ، کولکشیف ، که این است اوضاع حقوقی و وظائف و ماهیت آن ها را یکسان بیکان در ذیل می نویسیم :

شرکت های کوپراتیف ، یکی از شرکت های تجاریه (شرکت کوپراتیف) است این شرکت را نواین تجاریه دنیای مدنی چنین تعریف میکنند « کوپراتیف (تعاون) شرکت های است که بتصد تهیه مسالک ، صنعت ، معیشت ، شرکای خود در سایه ، معاونت و کفالت ، مقابله آن ها تشکیل میشود ، شرکت های کوپراتیف از نقطه نظر ، مسئولیت و طرز تشکیل دارای ، منظره یک شرکت کوچک سهامی است چه این شرکت ها (طوریکه در قسمت شرکت های سهامی ، معالیه خواهد فرمود) از عده آکسیونرها ، (سهم داران) داران که مسئولیت محدودی میباشند تشکیل میشود و صرف چیزیکه این شرکت ها را از شرکت های سهامی تفریق میکند وظیفه آن است نه طرز تشکیلات مذکور . کوپراتیف ها به نوع تقسیم میشود ، کوپراتیف های استحصالی و کوپراتیف های استهلاکیه و کوپراتیف های اعتبار که اولی برای استحصالی و دومی برای استهلاک و تداول تجاری و سومی جهت تأمین گروی (اعتبار) تجاری روی کار میآیند .

در شرکت های کوپراتیف استحصالی ، سهم داران علاوه بر تقدیم سهام خود ، مسامی خودشان را هم عرضه میکنند یعنی غیر از وضع سرمایه ، خودشان هم شخصاً در شرکت کار میکنند ازین جهت است که درین شرکت ها تمام عمه و کارگران هم اجوره کارند هم صاحب مالک ، معتمد این شرکت ها این است که از سنی انسان حد آنها استفاده کرده قبل و قال عمه و صاحب کارخانه را رفتم کنند . چیزی که از همه زیاده تر درن شرکتها جالب توجه است این است که فوائد شرکت نه به اعتبار سرمایه موضوعه شریک بلکه بهر فرد چه صاحب سرمایه زیاد چه کم حصص مساوی می دهد ، این نوع شرکت ها اگر چه دارای عمر صد ساله اند اما تاکنون آن قدر عمومیت ندارند ، زیرا مشکلات سرمایه داری ، کوپراتیف های استحصالی را نمی گذارد هائند شرکتهای دیگر ترقی کند .

کوپراتیف های استهلاکیه هم طوریکه از نام آن ها فهمیده می شود مانند کوپراتیف های استحصالی تشکیل شده تنها در وظیفه از هم دیگر جدا میباشند چه کوپراتیف های استهلاکیه سعی میکنند تا درجه که امکان دارد اموال را ارزان خریدند بمامله داران خود بفروش میرسانند . ازین جهت در اعطای اجرت عمه تا درجه ممکنه مرفه جوئی می کنند تا بتوانند مرام خود را که عبارت از فرام آوری اشیا است استهلاکیه است خوبتر و ارزان تر فرام کنند و در جواب اعتراضیکه راجع به قلت اجرت عمه به ایشان وارد میشود ، بگویند اگر ما اجرت عمه را کم میکنیم و عمه را از درک اجرت منقصر میگردد انیم ایشان را در حالیکه دارای صفت مستهلك می گردند و از شرکت مذکور چیزی برای رفم احتیاج خود میگیرند مستفید مینماییم .

کوپراتیف‌های اعتبار موسسه هائی میباشند که برای تهیه سرمایه تشکیل شده‌اند. احتیاج بر محتاجین و تجاریکه محتاج به سرمایه شود قرض داده از آنها فایده بنام ربح حاصل کنند.

رویه‌رفته میتوان گفت که اصول کوپراتیف از سنه ۱۸۴۴ که سال اختراع یا ایجاد آن میباشد تا جنگ عمومی چندان پیش رفت نکرده بود، و بعد از جنگ عمومی روز بروز ترقی میکند تا اینکه بر طبق احصائیه های منتشره دول درین سنوات اخیر عدد اشخاصیکه در انگلستان با کوپراتیف‌ها معامله داشتند ۵۱۷ ملون نفر بوده است و مچنین است در ممالک دیگر اروپا از قبیل فرانسه و غیره.

شرکت های لمیتد

طوریکه از عنوان انگلیسی Societe Limitead فهمیده می شود این شرکت ها بالغ به مسئولیت محدودی بوده چیزیکه این شرکت را از شرکتهای سهامی امتیاز میدهد این است که سرمایه این شرکتهای متقسم با سهام نبوده بصورت شخصی فراهم میشود و می توان گفت که شرکت های لمیتد شکل متوسطی است در بین شرکتهای سهامی و کولکتیف (اوضاع این شرکتهای را در آتیه مطالعه فرمائید) اگر چه این شرکتهای در مسائل بزرگ و عمده تجارتمی دارای صلاحیتی مانند صلاحیت شرکتهای سهامی نیست اما در معاملات متوسط و عادی می توانند از مضراتیکه احتمال دارد بشرکت های سهامی وارد شود جلوگیری کنند و این است که اساس فلسفه پیدایش این شرکتهای در همین نقطه مذکور میباشد چه (قراریکه در بحث شرکت های سهامی خوانند) شرکت های سهامی در بعضی از موارد از اجرای معاملات متوسط تجاری طوری منضرر میشود که از دفع ضرر مذکور عاجز میباشد اما این گونه ضررها در شرکت های لمیتد راه ندارد.

اعضای این شرکتها متجاوز از پنجاه نفر نمیشود و اگر احیاناً عدد اعضای مذکور از پنجاه نفر تجاوز کرد در محضر قانون شکل شرکت سهامی را میگیرد؛ و معاملات حکمیه و قضائیه آن در تحت مواد قانونی شرکت های سهامی حل و فصل میشود.

شرکت های آنونیم یا سهامی

این شرکتها که اروپائیهای آن را آنونیم و ما سهامی میگوئیم یکی از بزرگترین موسسه تجارتمی است که هنوز شرکت را م دارد؛ اهمیت تجارتمی و بالعموم اقتصادی این شرکت و اینکه در وطن ما م از چندی است روی کار آمده در تمام محافل تجارتمی و اقتصادی از آن نام برده میشود ایجاب میکند تا جزئیات این شرکت را م از نظر مطالعین محترم بگذرانیم.

شرکت های سهامی مکمل ترین شرکت تجارتمی و روح تشبثات اقتصادی میباشد چه معاملات بزرگ تجارتمی دائماً بدرمه شرکتهای سهامی انجام داده میشود.

شرکتهای سهامی اولاً در قرن ۱۸ در هولاند تاسیس و در قرون ۱۹ و ۲۰ به نهایت اغتلاى خود واصل شده حقوقاً دارای موجودیت شایان دقتی است چه درین شرکتها تمام حصه داران دارای و ضمت مائل و واحدی میباشد و حصه دارانیکه آنها را (اکسیونر) ها نام میگذارند در مسائل تجاری و معاملات سائره شرکت بقدر سهم خود هامسئولیت دارند؛ قوانین تجارتمی ممالک، شرکت های سهامی را چنین تعریف میکند: «سهامی شرکتی است

که در تحت يك عنوان با سرمایه معینی تشکیل شده ، سرمایه آن منقسم با سهام بوده دیون و عقود منعقدہ او به اعتبار سرمایه مذکور در امن بوده هر فردی از شرکا در معاملات شرکت بقدر سرمایه موضوعه خود با مسئولیت دارند .

در شرکت های سهامی يك عده اشخاصی بنام مؤسسين شرکت وجود دارند که آنها را (**Fondateurs**) میگویند این اشخاص بعد از آنکه شرکت را تاسیس کرده در دفتر مخصوص دولتی آن را قید و تسجيل کردند يك ابلاغیه خطاب به عموم نشر و در آن موضوع شرکت ، سرمایه ومدت دوام آنرا نوشته میکنند ، این ورقه را (پروسیکتوس) میگویند و اشخاصیکه از خارج شرکت این ورقه را مطالعه میکنند به نزد شرکا رجوع کرده حصصی را که تقبل میکنند تحریراً به اداره شرکت اطلاع میدهند ، بعد از آنکه سرمایه متصوبه شرکت کامل شد و اکسیونرها اسهام را خریدند شرکت در نزد قانون تشکیل شده فرض کرده میشود یا به عبارته دیگر از آن تاریخ بعد حکم قانون بالای او جاری میباشد .

سرمایه شرکت های انونیم تنها پول نقد نبوده عمارت ، فابریکه ، زمین های منزه و غیره هم گوناگون اموال و اشیا را بنام سرمایه قبول میکنند و قیمت این اشیا از طرف يك مجلس منصفه تعیین و حصص اسهام بر طبق قیمت مذکور آن پرداخته میشود .

اسناد حصه را که سرمایه شرکت را تشکیل میدهد (**Action**) میگویند هر کسبکه يك یا چند حصه را از بین اسناد را خرید آکسیونریاسهم دار شرکت دانسته میشود مثلاً وقتی يك شرکت سهامی دائر میشود و سرمایه آن ۲۰ میلیون افغانی ابلاغ میگردد ، و هر سند حصه دارای قیمت ۲۰ هزار افغانی باشد هر کسبکه يك سند آن را خرید مویا هر که ۲۰ حصه از اسناد مذکور را اکتبايع نمود شرکت یا سهم دار گفته میشود گویا در دارائی نام سهم دارئی يك حصه م کفایت می کند ، اما در مراد تقسیم مفاد و ضرر هر کدام بقدر اسناد سهمیه خود با مستفید یا متضرر میگردد !

لازم نیست تمام مبالغ اسناد متقبله بطور پیشه گمی پرداخته شود بلکه شرکت بقدریکه احتیاج دارد بکحصه از مبالغ مذکور را پیشه گمی دریافت میدارد و ما بقیه را هر وقت محتاج شد طلب می کند و اگر احتیاجی احساس نکرد هیچ طلب نمی کند چه مبرهن است که از سرمایه غیر مصروف به تجارت هیچ فایده وارد نمی شود .

باید فهمید که هر قدر از قیمت اسناد را که شرکا نپرداخته باشند مدیون شرکت دانسته میشوند . و اگر کدام شرکت اسهامی قبل از دریافت تمام مبالغ اسناد حصص افلاس کرد این شرکت می تواند مطالبات خود در از همان مبلغ که در نزد آکسیونرها میباشد پوره کننده ، قیمت اسناد حصص دائماً بيك سان نبوده منوط به معاملات شرکت میباشد که اگر امورات شرکت منظم بود و فوائد متصوره به مقیاس زیادی به سهم داران وارد می شد قیمت اسناد بلند و در غیر آن پست میشود .

اسناد اسهام دو نوع است یا عبارت از اسنادی است که بطور مستقیم بنام يك شخص صادر میشود این اسناد را محرد به اسرام میگویند و یا بدون نام میباشد که آنرا اسناد محرر به حامل مینامند که اگر سند اول بنا شد بدیگری داده شود ، حتماً باید به شرکت مراجعه کرد تا از نام شخص اول وضع و بنام شخص دوم در دفتر شرکت قید شود و اگر سند دوم داده شود محتاج مراجعه شرکت نبوده در بین همان دو شخص صورت میگردد . اگر شرکت سهامی بعد از تشکیل خود محتاج سرمایه دیگری بر علاوه سرمایه آکسیونرها گردند مجبور است تا برای تداوم این طوره يك سرمایه بوسیله دیگری متوسل گردد این وسیله یا عبارت از تزئید سرمایه موجود است و یا نقد استقرض میباشد وقتی بنا باشد شرکت مذکور سرمایه خود را تزئید کند لازم است اجتناع فوق العاده تمام آکسیونرها را طلب گردد ، استقرضیکه شرکت های سهامی مینمایند از بانک نبوده از اهالی بعمل می آید که در اثر اصدار يك حصه اوراق

صاحب تجارت

که آنرا اویگاسیون (تحويلات) نام می دهند صورت میگیرد اشخاصیکه این اسناد را دریافت میدارند و مبلغ متدرجه مذکور را به شرکت می پردازند دائن شرکت شمرده میشوند چه اگر حصه داران را شریک شرکت بگوئیم باید اوبلیگاترها را دائن شرکت نام بدهیم .

بعد از آنکه بیلانس (حساب سنوی) شرکت ترتیب داده شده وفائده و ضرر معلوم گردید اولاً اوبلیگاترها فائض مطلوبات خود ها را ستانده بعد از آن اکیسوزها فوائده خود شان را حاصل می کنند زیرا اوبلیگاترها به فقح و ضرر شرکت علاقه مند نبوده در هر صورت فائض معینی را از مطلوبات خود ها اخذ می کنند و اگر شرکت فسخ شودم اولاً اوبلیگاترها دیون خود را اخذ و سپس موجودات شرکت در بین اکیسوزها تقسیم میشود . اگر اوضاع شرکت در م و بر م بود اکیسوزها تماماً خواش داشته میباشد تا سهم داران دیگری م در شرکت داخل شود ولی معلوم است که در یک شرکت مزائل پیدا شدن سهم دار جدید م کار آسانی نمیشد .

غیر از حصص متذکره بالا در شرکت های سهامی یک تعداد اسناد دیگری م وجود دارد که آنرا اسناد موسسین میگویند این اسناد عبارت از اسنادی است که در حین تشکیل شرکت به موسسین داده میشود تا موسسین از حقوق اسناد مذکور مستفید شوند ، گویا این اسناد اسناد مجانی است که موسسین در برابر آن یک پولی م بشرکت نمیدهند . موسسین اگر چه با داشتن این اسناد در فوائده سالانه شرکت سهم میباشد اما در اصل مرماه شرکت حقی ندارند . تمام اکیسوزهای شرکت های سهامی در اخر هر سال مالی اجتماع نموده امور مجلس اداره شرکت و خلاصه حساب معاملات شرکت و راپورهای مرتبه را مورد مذاقه خود ها قرار میدهند .

اگر مدت مأموریت مأمورین شرکت پوره شده باشد درین جلسه دست آنها را از کار کشیده به هوض مذکوران اشخاص دیگر برای انتخاب و برای اینکه چته جمله سالانه سنه دیگر راپورهای مکملی از حسابات شرکت ترتیب بدهند دو نفر راپور دهند . م ر علاوه هیئت مأمورین همین می کنند . و اینکه درین جلسه شرکت شخصی که صاحب رای باشد باید دارای چند سهم باشد ؟ مسئله ایست که منوط به نظامنامه اساسی شرکت که آنرا (Statut) میگویند میباشد چه در بعضی از شرکت ها صاحب یک سند م در مجلس حضور بهم میرساند و در برخی تایک شخص صاحب دو سه چهار سند حصه نباشد نمی تواند در جلسات اکیسوزها رای خود را اظهار کند درینصورت ۴۰۳ نفریکه دارای یک یک سند حصه باشد با م اتفاق نموده یکی را از بین خود انتخاب و آنرا در جلسه میفرستند تا اظهار نظریه کند ، مصوبات مجلس شرکت های آنوئیم (سهامی) با کثرت آراء به عمل می آید .

وقتی اجتماع فوق العاده سهم داران رو میدهد که قبلاً از طرف مجلس اداره شرکت راجع به امور مهمه از قبیل : تزید مرماه ، فسخ شرکت ، تبدیل موضوع و وظیفه آن بتمام اکیسوزها تکلیفهای اطلاعیه توزییم کرده شود

مجلس اداره شرکت در امور ذاتی شرکت و قسم معاملات و متاولات بشرطیکه از قانون اساسی شرکت تجاوز نکند دارای اختیار کاملی است زیرا اینها از طرف تمام اکیسوزها انتخاب شده حق و کالت ایشان را دارا میباشد . مجلس اداره در نزد هیئت عمومی سهم داران مشرول میباشد . اعضای مجلس اداره یا از سهم داران انتخاب می شوند ، یا از خارج شرکت ، و وقتی هیئت عمومی سهم داران چند نفر را بنام اعضای مجلس اداره انتخاب کردند ، این اعضا در بین خود جلسه نموده یک نفر را بحدت معین با کثرت آراء رئیس خود ایستاد می کنند ، رؤسای شرکت که به اینطور انتخاب میشوند دارای یک مقدار اجرت سنوی م میباشد .

چون مجلس اداره شرکت همیشه اجتماع نمیشد و اگر اجتماع بنیایند به جهات فنی و صناعیه امورات معلومات ندارند زیرا ایشان اکثر متخصص فن نمیشد ازینجا است که در هر شرکت ی سهامی یک نفر مدیر موجود

میباشد؛ این شخص در نزد مجلس اداره شرکت مسئول میباشد و مجلس اداره هم همان طوریکه بالا این کار مدیر مذکور است در نزد هیئت عمومی سهم داران از اعمال این شخص جوابده میباشند؛ چون مدیر شرکت های سهامی عهده دار جهت مادیة امورات شرکت است لهذا از جمله اشخاص ذکی، مستعد، فعال و نخبه به کار انتخاب میشوند.

شرکتهای سهامی از نقطه نظر وظیفه اقتصادی و تجاریه اهمیت عظیمی دارند چه بسا میشود که یک مسئله مهم تجاری و اقتصادی رومی دهد و ارباب سرمایه های قلیل و شرکت های سایر از اجرای آن عاجز میباشند این است که درین وقت شرکت های سهامی بیش شده آنکار را توسط مینمایند و البته ضرریکه ازین قبیل امور احتمال دارد به شرکتهای سهامی وارد شود، چون یک تعداد زیادی از اهالی که عبارة از سهم داران آن است راجع میباشد لهذا آنقدر کمر شکن نمیشد در حالیکه اگر اشخاص واحد و یا شرکت های دیگر به این قبیل خساره هادچار شوند بکلی مستأصل میگرددند.

شرکت های کوماندیت : شرکت های کوماندیت عبارت از شرکت های میباشند که وظایف تجاری و اقتصادی آن ها از شرکت های سهامی کمتر و از شرکت های کولکتیف و سیم تراست، شرکت های کوماندیت را قوانین تجارت چنین تعریف می کنند : « شرکت های کوماندیت عبارت از شرکت ها ایست که به مقصد تجارت در تحت یک عنوان متشکل شده و مسئولیت یکی یاچندی از شرکای آن در مقابل داینین شرکت غیر محدود بوده و مسئولیت شرکای دیگر مذکور مطابق یک سرمایه معینی محدود باشد » البته مطابق این امر حقوقی این نوع شرکت هادارای دو نوع اعضاند که مسئولیت یک عده از آن ها غیر محدود بوده ایشان را (کوماندیت) و مسئولیت یک عده دیگر مذکور آن که مطابق سرمایه موضوعه شان میباشد آن ها را (کوماندیترا Cammanditers) مینامند ؛ اعضای شق دوم یعنی کوماندیترا هاق اداره شرکت را ندارند. شرکت های کوماندیت دونوع است : مادی و دارای حصص و فرقیکه کوماندیت دارای حصص از کوماندیت مادی دارد، این است که در کوماندیت های دارای حصص ارباب سهام مانند سهم داران شرکت های سهامی بقدر سهام خود ها اعتبار داشته دارای صفت « کوماندیترا » میباشد.

کوماندیت های دارای حصص و یا کوماندیت های که سرمایه آنها منقسم به اسهام باشد وسیع ترین شکل شرکتهای کوماندیت میباشد ؛ دخول و خروج اعضا از شرکت های مذکور هیچ صعوبتی ندارد، چه هرکس اسهام شرکت های کوماندیت را خرید « کوماندیترا » و هر وقت آن را فروخت صفت مذکور را از دست می دهد.

وضعیت حقوق شرکت های کوماندیت ایجاب می کند تا بطور عموم به اموراتی دست بزنند که شرکت های کولکتیف از اجرای آن عاجز می باشند، ولی چون مسئولیت بعضی از اعضای شرکت های کوماندیت غیر محدود است لهذا احتمال وجود ضرر، این شرکت ها را در میدان رقابت بالمقابل شرکت های سهامی ضعیف نشان میدهد.

شرکت های کوماندیت دارای عنوانی م میباشد و این عنوان مرکب از لفظ شرکت و اسمای شرکای کوماندیت میباشد و داخل کردن اسمای شرکای کوماندیت در عنوان شرکت جایز نیست اگر یکی از شرکت های کوماندیت افلاس کند داینین می توانند در صورتیکه مطارب خود را از مال شرکت حاصل کرده توانند بمال شخصی شرکای کوماندیت رجوع کرده از مال شخصی آنها استیفای مطلوب بنمایند و شرکای کوماندیترا ازین تکالیف آزادند زیرا آنها دارای مسئولیت محدودی میباشد.

شرکت های کو لکتیف

قوانین تجارت شرکت های کو لکتیف « اجتهامی » را چنین تعریف می کند :

« شرکت های کو لکتیف شرکت هایی میباشند که در تحت یک عنوان به مقصد اجرای تجارت تشکیل گردیده و مسئولیت هیچ فردی از شرکای مذکور در مقابل دائین محدود نباشد »

چون مسئولیت درین نوع شرکت ها بر خلاف شرکت های سهامی منوط بر سرمایه و موضوعه نبوده مستقیماً با افراد متوجه میشود لهذا حقوق شناس های فرانسه این شرکت ها را شرکت های اشخاص میگویند زیرا تمام اعضای شرکت از معاملات این شرکت ها نه تنها مطابق سرمایه موضوعه شان بلکه با تمام دارائی خود مسؤول میباشند مثلاً اگر یک شرکت کو لکتیف انلا س کند و یا در یکی از معاملات تجاریه خساره سنگینی را استقبال نماید و موجودات شرکت از تلافی و جبران خساره مذکور عاجز باشد شرکا مجبوراند مطالبات دائین شرکت را از اموال شخصی خود و لوائیکه بفروش زمین و خانه مذکور آن هم منجر شود بپردازند ؛ در حالیکه شرکت های سهامی از چنین یک مسئولیت خطیر و آرسنه اند زیرا در چنین اوقات دائین شرکت های سهامی فیر از سرمایه موضوعه بمانک شخص آکسبو زها سر اجبه کرده نمی توانند .

در بین شرکای شرکت های مذکور راجع به ادای دیون و قروض یک نوع سلسله و تضامینی هم وجود دارد که مقننین آن را (کفالت متسلسله) میگویند و طوری که از لغت آن فهمیده می شود مطابق این بند دائین و معامله داران شرکت بر طبق قانون مطالب خود را سلسله از شرکای ستانند . این اوضاع حقوقی و موقعیت تضامینی شرکت های کو لکتیف سبب میشود تا هر واحدی از شرکا به شخصیت و هویت هر فردی از شرکای دیگر اطلاع و اعتقاد داشته شخص مجهول الهوی به را در شرکت راه ندهند زیرا در صورتیکه تمام شرکا با تمام دارائی خود درین شرکت ها مسؤولیت دارند البته روادار نمی شوند به قبول کردن اشخاص ناشناس دارائی شخصی خود را در خطر انداخته چه اگر به شخصیت یک شخص اطلاع نداشته و آن را کورکورانه داخل شرکت نمایند از یک طرف امکان دارد اهلیت او از عهده امور شرکت ساخته نباشد ؛ از طرف دیگر در موقع خساره یک دیره م از احوصول نشود .

شرکای این شرکت ها نه تنها در مسئولیت بلکه در اداره امور هم مشترکاً کار میکنند ، و اگر در قانون اساسی شرکت کدام بندی برخلاف آن نباشد عهده مدیریت شرکت بهر فردی از شرکا که خواسته باشند تفویض کرده میشود و همچنان امکان دارد امور اداره شرکت بچندی از اعضا و یا اشخاص خارج شرکت که بنام مدیر استخدام میشود ، سپرده شود .

چون اوضاع حقوقی این شرکت ها چنین است لهذا شرکت ها مذکور هم از خوف مسئولیت و وقوع خساره به امورات بزرگ تجاری دست زده نمیتوانند ؛ رویمرفته اکثری از شرکت های کو لکتیف با سرمایه های بسیار قبلی که از عهده هیچ یک کار قابل توجهی برآمده نمیتوانند تشکیل میشود .

کارتل ها

یکی از موسسه های بزرگ اقتصادی و تجاری « کارتل » Cartel ها است . چون این نام در محیط ما تازه گی دارد و تصور میکنند در مسائل تجارتهی بلندتر از شرکت چیزی دیگری نیست لذا ايجاب مینماید این موسسه را هم بخوانندگان محترم معرفی کنیم .

طوریکه پروفیسور ابراهیم فاضل در صفحه ۲۸۱ جلد اول اقتصاد سیاسی مینویسد همچنانکه کلمه کارتل آلمانی است محل نشئت و ترقی این موسسه هم مملکت آلمان میباشد و نصب الدین این موسسه ها این است که شرائط تجارت را تنظیم نموده طوری به بازارهای تجارتی قابض گردد که از یک طرف شرکت های بزرگ تجاری را در م شکند ، از طرف دیگر اموال تجارتی خود را در داخل شرائط مفیدی بفروش رسانند . مقصدی بی طرفانه این موسسه اند و در ابقا و اعتلای آن سعی میباشد مگر ایند ، این موسسه ما مانع رقابت های مضره بود نگر از میباشد تا بازار تجارتی از اموال مملو نشده رخ آن ها پست و باعث بجران نگرود .

شرائط اشتراك درین موسسه ها چنین است که ، بعضاً تنها در موضوع ابتعا اشیا اتحاد کرده میشود به اینصورت که مواد ابتدائی را خریداری کرده ، و اجرت عمده را که در ساختن مواد مضمون آن داده میشود به انتظام در آورده به اینصورت قیمت اموال را دائماً بیک حال استوار داشته باشد و این نوع کارتل ها را کارتل خرید (Cartel dachat) مگویند ولی کارتل ها همواره در برخی از اوقات برای فروش تشکیل میشوند به اینصورت که مقداره مدت گروی (اعتبار) را تعیین و مصاف حمل و نقل را بالای مشتری تحمل بنمایند و در بعضی از اوقات چند شرکت بهم اتحاد کرده سعی میکنند تا درجه که امکان دارد از قیمت های اموال خود بکاهند و در بعضی از اوقات چند شرکت بهم پیوسته را جم به مقدار و کیفیت امتعه تجارتی اتحاد مینمایند به اینصورت که ، برای هر کدام از بجز مذکور یک منطقه فروش تعیین کرده میشود و تمهید مینمایند تا یکی در منطقه فروش دیگری مداخله نکنند .

این کارتل ها چنین م میشود که عهد میکنند تا در فلان مملکت مال فلان شرکت و در فلان مملکت مال فلان شرکت برود و البته وقتی این اسوال در مملکت خارج وارد میشود ، بواسطه اینکه از اصول ارزان فروشی کار مگیرند بعدی بازارها را قبضه می کنند که شرکت های داخلی و خارجی دیگر از دست آن ها به فنان می آید و ارزان فروشی های اخیره زایان و اسر بکادار بازارهای خارج اکثرآ از دست همین کارتل ها است .

غیر از نواع کارتل هائیکه در بالا ذکر گردیده یک نوع کارتل دیگری م موجود است که آنها را کارتل دارای مفازه های فروش مگویند این کارتل ها چندان اهمیتی بفروش نداده سعی دارند تا ذریعه اعلانات و بانمونه ها سفارش های زیادی را گیر آورده به فابریکه های مشلقه خود محتویات مذکوران را اعمال و به سفارش دهند بسیارند . اگر چه این کارتل ها در تمام دنیا در راه احبای صنایع ملی و قراردادهائی که راجع به اعمال و تهیه لوازم مملکتی با ممالک می کنند خدمات زیادی نموده اند اما در اوائل جنگ عمومی خدمت ما را که کارتل های جرمنی انجام داده اند فوق العاده مهم و از هر جهت قابل تقدیر است .

اعتبار:

یکی از مسائل مهم و در عین زمان مهض و سرکیچ کشیکه در تجارت اسهوز روی کار است مسئله گروی Credit یعنی اعتبار میباشد ، این مسئله در تجارت بین الملل کنونی حیثیت شریان را در وجود انسان دارد چه اگر موضوع اعتبار نمی بود حمل و نقل پول نقد از یکجا بجای دیگر و هنر اگر چه مسائل تجاریه که به این موضوع علاقه و ارتباط دارد امکان نمیداشت اینک بر حسب همین نظریه و اینکه هر کس کلمه (گروی) را شنیده مفهوم قرض معمولی را از ان استخراج مینمایند ، خواستیم بطور مختصر درین زمینه م بحث کرده نشان بدیم که گروی روح تجارت اسهوزی بوده مفاهیم متعدد و وسیعی دارد ،

کلمه گروی مشتق و معرف از لغت Credere لاین است که یعنی اعتماد استعمال می شود ، گرچه علمای اقتصاد این لغت را تعبیرات مختلفی نموده اند اما به عقیده ما تعبیریکه شارل ژید نموده از همه موافق تر است .

زیرا شارل ژید میگوید: «گر وی مبادله ثروت حاضره است بازوت مستقبل» بهر حال ما به مفهوم لنوی
آن کاری نداشته سعی میکنیم تا اثرات این لذت را در فعل و عمل جستجو کنیم:

علمای اقتصاد میگویند اعتبار در عصر حاضر مهمترین چرخ ماشین اقتصاد و تجارت است. اعتبار عبارت از معامله
دارای وعده است به اینصورت که یک مال را یک قیمت معین بخریدار فرستاده قیمت آن را در آنقضای وعده
مذکور می ستانند در اینصورت باشخص خریدار یک قسمت یا تمام قیمت مال را می بردازد و یا نهد می کند که در آن
پردازد؛ این اعتبار در بعضی از مواقع یک اعتبار شخصی میباشد، یعنی بنام اعتبار کدام مال یا سرمایه تخصیص داد
نمی شود، در اینصورت بزرگترین سند همان شرف و ناموس مدیون بوده به اموال و دارائی مذکور سراپت نمی کند
در برخی از اوقات اعتبار بالای یک مالی صورت میگیرد طوری که یک شخص پول از دیگری ستانده، در هر
کدام زمین یا تجارت خانه یا... را بنام تضمینات نشان می دهد.

در اینکه اعتبار چه فایده دارد؟ و تجارت از آن چگونه استمدادی مینماید؟ سوالاتی است که اینک
در اطراف آن ها بحث کرده میشود:

بزرگترین فایده که اعتبار دارد این است که قوه سرمایه افزوده زمینه تجارت را توسیع و سرمایه
ظلیل فوائد هنگفتی بار می آورد چه در سایه اعتبار بعضی از اسناد تجارتمی روی کاری آید که بصورت عجیب
[و حیرت بخشی سرمایه را دوچند می گرداند این است که فوائد مذکور را بطور خلاصه در تحت ۲ مواد
عرض می میکنیم:

۱: اولین فایده که اعتبار دارد این است که یک سرمایه از تصرف یک شخص به تصرف دیگری رفته م
بصرفین و مملکت فایده میرساند چه بسا اتفاق می افتد که یک شخص دارای پول قدر زیادی است و بدون اینکه
از آن فایده برد در کنج خانه گور میکند و مصداق برای مقوله معروف « برای نهادن چه سنگ و چه زر»
یست می کند؛ اگر این قبیل اشخاص بفوائد اعتبار پی برده و پول خود را بکدام بانک، تجارت خانه، شرکت،
صنعتگاه، قرض بدهد م خودش از ربح آن محقق میشود م تجارت گاه و شرکت از فوائد متداول مذکوره
بهره مند میشود، و فایده که مملکت از آن می بردارد این است که میدان تجارت وسیع شده از جهت رقابت
مصنوعات بهتر و سرمایه های ساکن و غیر ملزم بکار انداخته شده قوه خریداری تمام طبقات ملت زیاد و رو بهرفته
[ثروت ملی در رقابت ثروت بین المللی شیبه و قدرتی کسب میکند.

۲: اعتبار در همین حال تریه اقتصادی است زیرا اگر ملتی به معاملات اعتباری عادت گرفت و سرمایه های
مدفون خود را از زیر خاک و با زاویه های اطراف ها و صندوق ها بر آورده آنها را در معرض تداول گذاشت
روز بروز فوائد متصوره آن بر استمداد ملی افزوده فکر تراکم سرمایه در بین افراد جاگربین و معنی اقتصاد
[مبهرن تری گردد؛ زیرا می بینند و احساس می کنند که وقتی پول های خود را در شرکتی وضع و بمقابل آن سند می
(انواع این اسناد را در بحث اسناد تجاریه مطالعه فرمائید)

گرفته ناوقتی سند در دست آن ها باقیمت فیصد بانزده (یا کم یا زیاد از آن) از شرکت مو صرف فایده بنام
ربح دریافت میدارند و باز وقتی همان پول موزوعه خود را بکار داشته باشند و بخواهند آنرا از شرکت یا بانک
گرفته بکار دیگری صرف کنند، میتوانند همان سند را در بازار بدیگری بفروش برسانند (صورت فروش
آنرا م در بحث اسناد تجاری بخوانید)

۴ - سوئین فائده که اعتبار دارد این است که در نقل مرمایه از يك جا بجای دیگر به بسیار سرعت و مصارف قلیل خدمت میکند و البته این خدمت فائده اشیر اعتبار از آنچه گمان کرده شود زیاد است زیرا اگر بنا باشد تجار ما از اروپا ماشین های صنعتی خریداری کنند و از مسئله معامله اعتبار درین زمینه کار نگیرند البته مجبور است مبالغ قیمت ماشین های موصوف را از کابل در اروپا نقل و به صاحب فابریکه بسیار اند این است درین موضوع ناگر بریم مثلی برنیم .

فرض کنید شرکت سهامی يك ملبون افغانی را از جرمنی ماشین خریداری میکند ، اگر قیمت ماشین ها را بوند خریده بجزرمنی بفرستد اولاً حمل و نقل این مقدار بوند و احیاناً ضیاع آن شرکت را متضرر مینماید دوم مدتیکه از اهزام و ورود بول مذکور در جرمنی سیری میشود بسیار زیاد است و این مدت هم در ذات خود مستلزم يك مقدار ربحی میباشد همین است که درین مورد از اعتبار استفاده کرده میشود باین صورت که ؛ شرکت سهامی بنام همان کمپانی یا فابریکه که این ماشین ها را خریده براتی صادر میکند و این برات در مدت قلیلی وارد آنجا شده از معامله داران شرکت موصوف بول مذکور تحصیل کرده میشود از وقتی موضوع اعتبار بمان آمده و در امور تجارت از آن استفاده میکنند هیچ احتیاجی در بول نقد احساس نمیشود زیرا تمام معاملات ذریه اسناد تجارتمی اجرا شده به بول نقد هیچ محتاج نیگردند امروز در مالک اروپا و امریکا حتی ژاپان و هند اگر به ملیارد ها افغانی معاملات تجاریه رودند تماماً ذریه اسناد تجارتمی صورت گرفته يك بول نقد هم در بین داد و ستد نمیشود . خلاصه موضوع اعتبار بزرگترین مد ضائم و تجارت است چنانچه مقوله معروفی است که میگویند ؛

« اعتبار بالی است که بواسطه آن صنایع و تجارت در هوا پرواز میکند » و بعضی از اقتصادپون که ؛ درین زمینه زیاده تر غلو میکنند میگویند ؛ « روزی خواهد آمد که تمام معاملات تجارتمی بواسطه اعتبار اجرا شده مفهوم بول نقد عبارت از يك لغت لطیف هاری از جسم مادی خواهد بود » ؛

اسناد تجاریه :

اعتبار (کروی) که تا این اندازه دارای اهمیت گردیده در ساحة اقتصادی چنین رولهای بزرگ و عمده را بازی میکند تماماً در سایه اوراق و اسناد تجاریه میباشد ازین جنبه است که بعضی ها این اسناد را اوراق اعتباریه م میگویند چون این اوراق جز لایانجری اعتبار میباشد لهذا لازم است بصورت خلاصه زمینه بحث ماکردد ؛

اوراقی را که در بین تجار مورد استعمال میباشد اوراق تجاریه Papiers de Commerce میگویند و موضوعات اعتباری در تجارت دائماً بواسطه همین اوراق اجرا می شود این اوراق عبارت از اسناد عادی و اسناد محرر به حامل است که اهمیت آن در درجه دوم میباشد و اوراق (محرر امر و برات) ها است که دارای اهمیت فوق العاده میباشد که این است صورت آف ها ، مثلاً اگر از نزدیک نفر تاجر مالی که دارای قیمت (بطور مثال) هزار افغانی باشد بگیریم در مقابل آن چهار نوع سند ترتیب داده میشود ؛ اولین اسناد (سند عادی Bon) است که باین صورت نوشته میشود ؛

« تعهد میکنم که مبلغ یک هزار افغانی را از نزد فلانی مال گرفته ام تا بعد از یکماه از تاریخ ذیل به پردازم » تاریخ - سنه - اعضا - تاجر مذکور مجبور است این سند را تاحلول وعده مذکور در دوسیه خود نگه دارد ، این سنه در میدان تدارک بر آورده نمیشود یعنی تاجر نمیتواند این سند را بدیگری داده بول مندرجه آن را بگیرد این است که ازین باعث و یا جهت رقم این تقیصه علمای اقتصاد پس از يك

عالم محور و مدافه سند دیگری اختراع کرده اند که آن را (سند محرر به حامل *auporteur*) میگویند و این سند چنین نوشته میشود :

« متعهدم تا بدل اشباتی را که اشترا نمودم ام و مبلغ یکهزار افغانی میباشد بعد از یکماه از تاریخ ذیل بحامل این ورقه به پردازم . تاریخ سنه امضا

تاجر یک این سند را از مدیون خود میگیرد اگر محتاج به پول نباشد سند را تا حصول وعده آن در دوسیه خود قید میکند و اگر قبل از حصول وعده محتاج به پول شد فوراً سند را به بازار (بیاسه) بر آورده بدیگری میفروشد و البته ربح مدتی را که سند در نزد او بود از مجموع ربح آن وضع و مابقی را به خریدار سند میگذارد و بهر طرفه از تفصیلات فوق فهمیده میشود که اسناد محرر به حامل برخلاف اسناد عادی هر وقت خواسته شود فروخته میشود زیرا در خود سند مندرج است که این سند را هر کس حامل باشد یعنی در دست هر که باشد محتویات مذکور مال اوست و شخص مدیون هم مجبور است تا این اسناد را در دست هر کس بهیند و او خواهان مبلغ مندرجه آن باشد بدون مضایقه مبلغ مذکور را در وجه او تادیه کند .

بعد از آنکه معاملات تجارت و سمت یافت و مناسبات تجارتمی از حدود ممالک متجاوز شده شکل بین المللی را اختیار در بین اسناد هم یک نقص غیر قابل جبرانی رونما شد و این نقص عبارت ازین است که : اینگونه اسناد را هر شخص بهر صورتیکه بگیرد یا ببرد یا بصورت یافتن یا بصورت دزدی فوراً نزد صادر کننده آن رفته مطالبه پول میگرد و صادر کننده هم بنا بر ماهیت سند مذکور مجبور بود وجه مندرجه سند را در وجه حامل مذکور به پردازد ، درین جا منازعاتی در بین حامل اصل سند و مدیون رونما شده و صدمات مدهشی در اعتبار تولید مینمود ، چون افکار و عقول روز بروز رساتر و صائب تر میشود و نواقص هر امر مخصوصاً موسسات بشری بدستباری همیز فکر خدا داد مرتفع میگردد ، لذا علما و ارباب فن این نقیصه را هم رفته رفته از بین برداشتند و بجای اسناد محرر به حامل اسناد دیگری روی کار آوردند که آن را « اسناد محرر به امر *à l'ordre* » نام میدهند این است که بعد ازین متداول ترین سند در بین اسناد تجار به همین سند شناخته شد چه از باعث اینکه در شهرهای تجارتمی و صنعتی داد و طلب در بین ارباب تجارت و صنعت کاران زیاد است و هر روزه بهزارها معامله منعقد میشود لهذا همه و همه در هر موقع از همین اسناد کار میگیرند مثلاً : احمد از تجارت خانه محمود مالی که دارای قیمت پنجهزار افغانی باشد بصورت اعتبار میگیرد و فعلاً پول در نزد خود ندارد تا بدل مذکور را پردازد در اینجا سندی در بین تعاطی می شود که آن را سند محرر بامر میگویند ، شکل این سند چنین است :

« متعهد میکنم تا مبلغ پنجهزار افغانی بدل مالی را که از تجارت خانه فلانی گرفته ام بعد از سه ماه (یا زیاد) یا کم از آن) از تاریخ ذیل بخود صاحب تجارت خانه یا بامر مذکور بدیگری بدم . تاریخ ... سنه .. امضا

اینک مشتری یا مدیون این سند را امضا کرده بصاحب تجارت خانه مذکور میدهد و مال را میستاند و بعد از انقضای مدت آن یا بخود صاحب تجارت خانه یا بدیگری که امر صاحب تجارت خانه موصوف را با خود داشته باشد باریح آن تمام می پردازد ، معاملاتیکه درین سند اجرا میشود ازین قرار است :

اگر هر مشتری اسنادی را که به اینصورت میگیرد تا انقضای مدت مدتی آن در دوسیه خود قید کند البته از امور تجارت باز میماند پس این سند را چه می کند ؟ این سند را همبر شخص که دائن شخص خریدار می باشد گرفته بدائن خود که صاحب فابریکه است و مال تجارت خانه او از معمولات و مصنوعات همبر فابریکه میدهد تا خود را از دین خلاص کند . آیا ترك این سند بصاحب فابریکه محتاج به اجرای کدام امر قانونی است ؟ بلی وفقی این سند را صاحب تجارت خانه بصاحب فابریکه میدهد در پشت آن این عبارت را می نویسد : « محتویات سند هذا بامر فلانی تادیه شود

زیرا بدل آنرا من گرفتم ، بعد از آنکه این عبارت را نوشت : تاریخ آنرا بمضای خود علاوه می کنند ، این معامه را (ظهر نویسی endossement) میگویند و اگر احیاناً تاجر مذکور از کدام فابریکه دادن نداشت سند را بصورت ظهر نویسی یکی از بانکها می دهد تا از فوائد ربح آن متمتع گردد ، گویا هیچ صورت سند را در دوسه خود معطل نمی کند چرا برای اینکه سندیکه در دوسه باشد مانند برزه های کاغذ باطله بی اهمیت بوده هیچ فائده بصاحب خود فرام نمی کند . وقتیکه وعده پرداخت محتویات سند مذکور فرا رسید صاحب فابریکه یا بانک به تاجر بیکه سند را ظهر نویسی کرده و به آنها داده است رجوع می کند ، اگر تاجر مذکور پول را داد سند را پس می گیرد و اگر از اعطای پول استنکاف کرد به صاحب اولیه سندیکه در اول سند را صادر کرده و امضای او را حاوی است رجوع نماید و از آن شخص حتی پول را حصول میکند و بپورته یک سند محرر باسر را میتوان بطریق ظهر نویسی به پنج و شش دست گشایند و اگر در سند مذکور کدوم دعوی یا اختلافی حادث شود در آن صورت همان اشخاصی که در ظهر سند بطریق ظهر نویسی امضا کرده یا اصل کسی که سند را در اول داده بطور کفالت متسلسله علی الترتیب مسئول میباشد .

البته از تفصیلات بالا میتواند درک بفرمائید که ، یک سند محرر باسر در مورد مبادلات و واسطه شدن برای تادیه امور و تادیه تروت و تدویر چرخ های تجارت تا چه درجه حائز اهمیت است گویا بکنفر تاجر بیکه یکی از مشتری ها مال داده ، در مقابل سند محرر به اسر میگیرد در حقیقت به مشتری اعتبار نموده و باز وقتی تاجر همان سند را به صاحب فابریکه مصنوعات او را خریداری کرده و مدیون او میباشد بصورت ظهر نویسی میسازد اعتبار دومی است که انجام داده میشود ، و بالاخره زمانیکه صاحب فابریکه همان سند را بطور ظهر نویسی به کسیکه مواد ابتدائیه کمصنوعات خود را از او خریداری می کند میدهد اعتبار سومی است که بالای یک سند محرر به اسر عقد میشود ، همچنین است تا اخیر .

چون اسناد محرر به اسر غالباً در بین طبقات و اصناف شهری یک شهر از قبیل تاجر ، صنعت کار ، فروشندگان و مواد ابتدائیه (زار عین یا امثال آن) جریان یافته در موارد تادیات و تجارت های بین المللی کمتر مورد استعمال دارد لهذا چون در عصر حاضر تجارت زیاد تر از طبقات داخلی در بین ملل مختلفه و اقوام متعدد و اجنبی رو میدهد لهذا عملاً بزعم اینکه درین موارد یعنی تجارت های بین المللی اسناد محرر به اسر نمی تواند چنانچه شاید ، مأمول را بر آورد و از طرف دیگر بتدایر اقتصادی و مالی عصر حاضر خروج پول را از داخل یک مملکت به مملکت دیگر منع قرار داده است لذا سند دیگری اختراع کردند تا بذریمه آن بدون نقل دادن پول بخرج معاملات داد و ستد تجاری و حقوق دائن و مدیون ملل مختلف را حل و فصل نمایند ، این اوراق یا اسناد تجارت از (برات lettre de change) های تجاری است که شکل آن حسب آبی است :

« در فلان موضع بعنوان فلان آدم :

« مبلغ ده هزار افغانی بعد از انقضای سه ماه از تاریخ این برات در فلان جا به فلان آدم بدید زیرا بدل مبلغ مذکور را من از نزد حامل ستانده مدیون او میباشم . تاریخ .. سنه .. امضا »

از صورت تحریر برات مذکور فهمیدیم می شود که ، برات برخلاف اسناد محرر به اسر عبارت از سندی است که از طرف مدیون به دائن داده شد و وجه دین او را بالای دیگری حواله میدهد گویا در برات برخلاف اسناد فوق الذکر که تنها به سند دهند و سند گیرنده منتهی می شد سه نفر ذکر میکردند یکی سند دهنده که آنرا صادر کننده میگویند یکی سند گیرنده که او را حامل نام میکنند سوم سرسل آیه میباشد که آن را مخاطب مینامند .

از تفصیلاتیکه در بالا دیده شد می توان فهمید که معاملات تجارتنی بین المللی بدون اینکه يك پيمانه نقدی بخارج فرستاده شود ذریعہ برات ها صورت میگیرد زیرا شایمی بیند که صادر کننده برات مدیون حامل و مخاطب مدیون صادر کننده بوده به مجرد دیدن برات پول حامل برات رادروجه خودش میبرد و در نتیجه بر طبق همین برات خود را از مدیونیت صادر کننده میبهرد اما سر و تمام معاملات تجارت بین المللی بدون اینکه یک پولی بطور نقدی در دست باشد تماماً بواسطه همین اوراق که آن را اوراق اعتباریه یا اسناد تجاری میگویند اجرا میشود، گویا همان اندازه اهمیتیکه اعتبار در تجارت و صنعت دارد بهمان اندازه باین اسناد عرض احتیاج مینماید.

غیر از موضوع اعتبار و اسناد مذکور که در بالا ذکر شد واسطه دیگری هم وجود دارد که از نقطه اهمیت و تدویر چرخهای تجارت کمتر ازین ها نیست این واسطه عبارت از بانک هاست که اعتبار ذریعہ آنها جریان می یابد و آرین جاست که علمای اقتصاد اوراق تجاریه را اسناد اعتبار و بانک ها را واسطه نشر اعتبار دانسته بآن ها اهمیت زیادی قائل میشوند، چون این مقاله از اول تا آخر منحصر در اطراف تجارت مطرح بوده موضوع بانک در ذات خود محتاج مباحث علیحده میباشد لذا از ذکر آنها درین جا صرف نظر شده موضوعات اسکونتو، بریم، رئیسکونتو، محاسبات بانکی و امثال اینها را هم از آن زمره دانسته بآن ها تاس نکردیم، زیرا این موضوعات ما را در اطراف مقیاس های پول و اسباب تدنی و انحطاط مذکور کشانده کتاب مستقلی لازم دارد. این بود اوضاع تجارت در دوره های مختلف که به نهایت اختصار بآن ها اشاره شد

مأخذ:

هر دو جلد روح القوانین تالیف موتیسکیو، جلد اول و دوم و سوم تاریخ مدنیت مؤلفه سه نیویوس، بحث اقتصاد اجتماعی مؤلفه ماکس بونافوس، تاریخ اقتصاد مؤلفه دکورتزه کونراد، علم اقتصاد مؤلفه جاید آفندی، اقتصاد سیاسی مؤلفه ابراهیم فاضل آفندی، سلسله مقالات موقیبات اقوام قدیم، منتشره مجله ثروت فنون، کلسیونهای دو ساله مجله اقتصاد از سال سوم و چهارم منطبعه کابل، از عصر چهارم الی زماننا مؤلفه کارنستلا ویس و رامبو مورخین بزرگ فرانسه.



سعی و عمل

« یکی از طهای اجتماعی »

سعی و عمل بهترین و مشروهرترین وسیله پیشرفت است.

موترو اهمیت آن در عالم

بقلم جناب سید قاسم خان رشید
« مهمتم سالنامه »

تاریخچه ایجاد موتور:

فکر استعمال همراه با برای گردش و حمل و نقل از زمانه های بسیار قدیم در خاطر بشر جا داشته ، و می توان گفت که از بدو تاریخ تا کنون انسان سیستم های مختلفه همراه های متحرک را برای خدمات خویش بکار برده ، که اول آن همراه های گاوی و آخرش موتور بنزینی و برق میباشد ، و در مابین آنها دوره های متعددی وجود دارد که از روی تاریخ به دو قسمت مشخص طبقه شده می تواند ، یکی دوره استعمال حیوانات که در آن سگ ، شتر مرغ ، گوزن ، گاو ، خر ، قاطر ، اسب ، اشتر و فیل و غیره بالعموم استخدام گردیده ، و تا امروز هم اکثر ازین ها کاملاً فارغ نشده اند .

و دیگر دوره ماشین ها که در آن متناوباً فنر ، بخار ، باد ، احتراق و برق و غیره بکار رفته است و به قسمت های مختلفه منقسم می گردد .

باقی میماند یک قسم همراه های دیگری که بقوه انسان حرکت می کنند و از منتهی اولی تا امروز دوام کرده است . این اقسام همراه ها که ذریعه انسان ، حیوانات مختلفه و قوای فیزیکی متنوعه بکار افتاده ، هر یک از خود تاریخچه مفصل و بحث طبقه دارد . و ما در اینجا فقط از مبادی پیدایش موتور و دوره های متناوب ترقی و تکامل ، و بالاخره اهمیت امروزه و چگونگی آینده آن بحث خواهیم نمود .

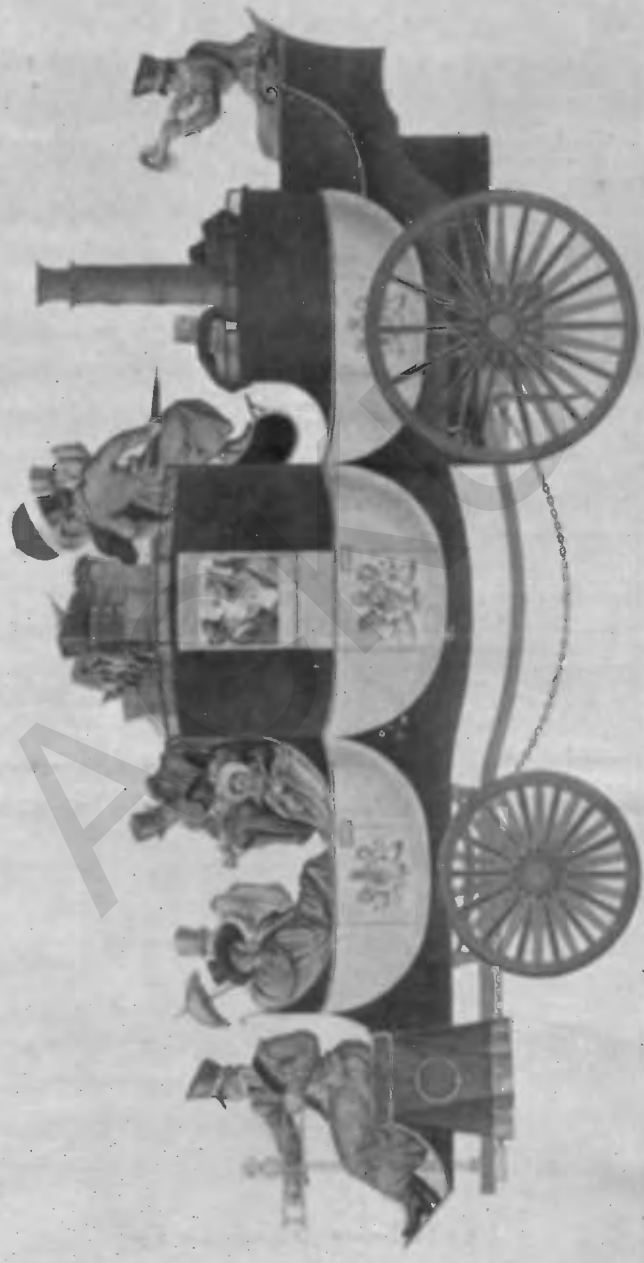
مبداء پیدایش موتور:

فکر بکار انداختن همراه های خود روئینی بدون احتیاج حیوان و انسان در شروع قرن هجدهم در دماغ بعضی از علمای وقت جایز شده و در ابتداء برای این کار فنر های فولادی را مد نظر داشتند چنانچه چندین نفر به بافنر های قوی بمثل فنر ساعت و غیره به عمل آمده ، نتایج مأمول را نداد .

موتور بخاری :

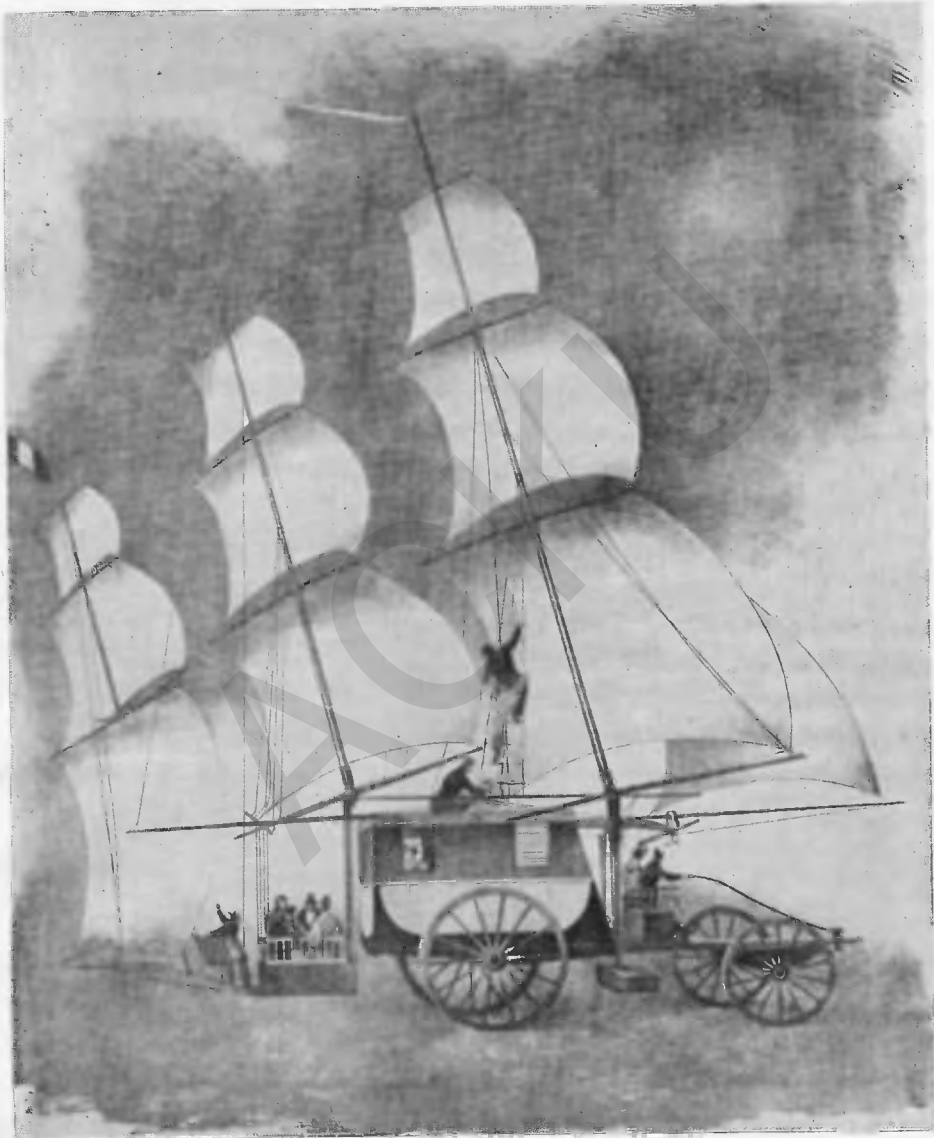
پس از آن ، فیزیک دانها سعی بخار آب متوجه شده این قوه جدید را بزمیر مطالعه گرفتند بطوریکه در سنه ۱۷۷۱ کونو Cognot مخیر نظامی فرانسه اولین موتور بخاری را تعمیر کرد و آن را فاردیه Fardier نام گذاشت ، اما این موتور بجز در مسافت کوتاه و به طور غیر منظم کار نداد ، همراه مزبور ۳ چرخ داشت و دیک بخار در قسمت جلو روی چرخ پیشین نصب بود . موتور (فاردیه) امروز در موزه خانه صنایع و حرف پاريس گذاشته شده است .

London Carriage & Coach Works Ltd



The above is a representation of a portable engine, the invention of Mr. W. H. Jones of Birmingham and Thirsk, who has been granted a patent for the same. It is a portable engine, which is so constructed that it will be ready to start in the course of the evening, and the estimated power is from 15 to 20 horses. With the engine the weight of the boiler and travelling machinery is two tons, and the estimated power is from 15 to 20 horses. With the engine the weight of the boiler and travelling machinery is two tons, and the estimated power is from 15 to 20 horses. With the engine the weight of the boiler and travelling machinery is two tons, and the estimated power is from 15 to 20 horses.

از اولین موتورهای بخاری، موتور بخاری جیمز ناچبیور انگلیس (۱۸۲۸)



موترهای بادبان دارها که (۱۸۳۴)

پس از آن انجنیر های انگلیسی گرایفت Griffiths (۱۸۲۱) هل Hill (۱۸۲۴) هنکاک Hancock (۱۸۳۱) موتورهای بخاری به شکل کالسکه تیار کرده برای خدمات عامه بکار انداختند، چنانچه این عمرا به ها مرویسهای رفت و آمد منظم را مابین شهر لندن و اطراف آن اجرا کردند.

هنوز این مرویسهها خوب ترقی نکرده بودند که خط آهن بوجود آمده، و مخصوصاً در انگلستان، به بازار موتورهای بخاری صدمه زیادی رسانید، زیرا خط آهن «لوکو موتیف ایکت Locomotive Act» بواسطه اینکه بیشتر از حرکت آن مامورینی باز نسک و بیرق مردمان را خیر میدادند، بزودی طرف توجه عامه قرار گرفت.

وجوه حقیقی پیشرفت موتورهای بخاری در انگلستان همانا ترقی صنایع ماشین کاری و تسهیلات بدست آوردن ذغال بود که تا آنوقت هنوز معدن آن در دیگر ممالک کم کشف گردیده بود. از سنه ۱۸۲۶ تا ۱۸۳۶ موتورهای بخاری طوریکه در فوق اشاره رفت با قطار آهن رقابت جدی نموده، اما پس از آن تاریخ درین مبارزه مغلوب آمدند. زیرا در مقابل آنها از یکطرف مالکان قطار آهن که در آن جمله حکومت هم شامل است، و از طرف دیگر مستأجرین امور خیر رسانی و راه های آهن برای مقابله حاضر بوده و خاص برای جاوگیری ازین رقابت بر عملیات موتورها و محصولات کمر شکنی وضع کرده بودند. جدی ترین ترقی دهندگان موتور «والتر هنکاک» انگلیس (۱۷۹۹ - ۱۸۵۲) بود که از ۱۸۲۹ تا ۱۸۳۶ ده، دوازده موتور برای خود و خدمات عامه تیار کرده، موتورهای هنکاک از سبب قشنگی شکل، لوازم راحتی و خوبی کار برزده های مختلفه خود بیشتر از سایر موتورهای بخاری آن وقت طرف توجه مردمان قرار گرفته، اگر چه کالسکه های بزرگ آسیبی برای حمل و نقل عمومی نیز نداشت. از ۱۸۲۹ به بعد روی کار آمده، و در نزد عام خیل قبول بود، معیناً یکی از موتورهای هنکاک که «اتوماتون Automaton» نام داشت در ظرف پنجماه سال ۱۸۳۶ متجاوز از ۷۱۲ سفر منظم را در اطراف لندن انجام و ۱۲۷۶۱ نفر را حمل و نقل داد.

اولین موتور در اطریش:

در ۱۸۳۴ هنکاک یک موتور کوچک مر بسته ساخت که به (وین) فرستاده شده و این اولین موتوری بود که در اطریش بکار افتاد. در همین سال جان سکات روسل John Scott Russel در شهر ادنبروک ۶ همراه بخاری بشکل کادی های سفری مر بسته تیار کرد که ماشین آن در عقب و نشیمن گاه عبارت از کالسکه بزرگ بود همین شخص شرکت عمرا به های بخاری سکاتلیند را تشکیل داده، در ۱۸۴۴ یک مرویس مابین کلاسکو و ویسلی (شهر های انگلستان) باز کرد که ۷ میل فاصله داشته در ظرف ۳۴ دقیقه طی می شد.

موتور در بلجیم:

در همین وقتیکه موتورهای بخاری در انگلستان ترقیات روز افزون می نمود و انجنیر های معروف مثل (گردن) Garden و «جیمز» James «برستال» Burstall و مخصوصاً «گرن» Gurney تمام هم خود را بسوی اصلاح و تکمیل آن توجه نموده بودند، یک نفر ماشین کار از اهل دارمستاد بلجیم موسوم به «جوهان کریستیان دیتز» Johan Cristian dietz (۱۷۷۳ - ۱۸۴۹) از تجار ب مزبور استفاده نموده در شهر بروکسل شروع بساختن یک موتور بخاری جدید کرد. و در ۱۸۳۲ چنان یک قطاری ساخت که روی زمین حرکت کرده شامل چند عمرا به بود که هر یک ۶ چرخ داشته بر خلاف تمام عمرا به هایی که تا آن زمان چه در انگلستان چه در فرانسه و غیره ساخته شده بود به یک سیستم متحرک مربوط بودند.

قطار بخاری «دیتز» در کوه های بروکسل گردش های فراوان نموده. حتی چندین دفعه

سابقین شهر من بوز شهر و انورس رفت و آمد نمود. هر دو پسر دیتز، « کرسیان » Cristan و « شارل » Charles م به مثل پدر خود شروع بساختن انجن هائی نمودند که در عقب آن عرابه های متعدد کشیده میشد.

اولین موتور در فرانسه :

اگر چه اولین عرابه بخاری بواسطه « کونیو » نام انجنیر فرانسوی ساخته شده بود اما طوریکه در ابتدا اشاره رفت عملاً کار نداد. فقط بسم یک نقشه، و پروژه علمی و فنی باقی ماند.

تا آنکه در ۱۸۳۴ « شارل دیتز » که اسمش در بالا ذکر شد موتور بخاری بزرگی ساخته در کوچه های پاریس حرکت داد. و نیز همین عرابه بود که پس از چندی در ۲۶ ستمبر ۱۸۴۴ نخستین بار از یک شهر به شهر دیگر یعنی از پاریس به سن ژرمن سفر نمود.

این سفر بزرگ با تشریفات مهمی بحضور اعضای « اکادمی صنایع » و یک هیئتیکه از طرف حاکم پاریس مقرر شده بود به عمل آمد و تجربه منبوز بوقفیت نام صورت گرفته سبب شده که هیئت بر طبق اختیارات و سیم خویش در همان موضع کامیابی، یک نشان طلائی را به « شارل دیتز » تقدیم نمود.

بدنه این عرابه بخاری از چوب و وصل گاهای آن از کک ساخته شده بود تا قدری دم بدهد. قوت ماشین آن ۳۰ اسب ووزنش ۷۵۰۰ کیلوگرام (هفت و نیم تن) بود رفتار متوسط آن در موقع این تجرب به ۱۶ کیلومتر در ساعت بوده در هر فرسخ (۴ کیلومتر) هزار لیتر آب و ۸۰ تا ۹۰ کیلوگرام (۷ کیلوگرام تقریباً یک سیر) ذغال مصرف میکرد.

در ماه اگست ۱۹۳۵ « دیتز » یک سرویس منظم موتور بخاری را مابین پاریس و ورسای باز کرد که گنجایش ۳۲ نفر را داشت.

اولین واقعه موتور :

بد بختانه از سبب عصیت مباشترین جا ده ها که با صاحبان عرابه های اسپری را بطه نزدیک و فدی داشتند و در همان آغاز پیدایش موتور بخاری، اولین واقعه ناگوار رخ داده سکنه کی شدیدی را در پیشرفت و ترقی این ایجاد تازه بوجود آورد. به این تفصیل که مباشترین منبوز بر جا ده های بیرون پاریس سنگ ریزهای زیادی را فرش کردند که اگر چه از رفت آ و مد موتور دیتز جلوگیری کرده نتوانست اما بکروزیک چرخ آن خم خورد و دیک بخار بزرگ فشار زیادی آمده متعلق گردید و پنج نفر هلاک شدند. و حکومت فرانسه رسماً عملیات این موتور های بخاری را منم کرد.

اولین یاد شاهیکه بر موتور سوار شد :

تاریخ ۴ فروری ۱۸۳۵ « شوالیه داسدا Chevalier d'Asda » یکی از اعیان فرانسه یک کالسکه بخاری بسیار قشنگ و محکم را که بواسطه « گای کازالا » Gaye Cazalat، پروفیسر مدرسه ورسای اختراع شده بود، در قصر « نونی » به لوی فیلیپ (شاه وقت) تقدیم کرد و شاه بالمقابل یک تمبا کودانی طلا را به شوالیه منبوز



عربابه بخاری شواله دادله که به اوی یازدم قدیم شد (۱۸۳۰)

موتور و اهمیت آن در عالم

بخشید. این اولین موتوری بود که بادشاهی در آن سوار شده، و از جهت حسن عملیات و عدم خطر آن مطمن گردید.

این مخترع (کای کازالا) در ۱۸۳۹ پروژة يك موتور بخاری ۸ چرخه را به اکادمی علوم فرانسه تقدیم کرد که دو چرخ آت متحرك و ۶ چرخ دیگر حامل وزن و برای اداره بوده روی محورهای آزاد گردش میکردند.

بعد ازین تاریخ اکثر علما بسوی ساختن عمایه های ماشینی متوجه شده و سلسله اختراعات و اکتشافات این شبه خیلی کسب سرعت نموده در بعضی ممالک نظر حکومات را نیز جلب کرد.

در ۱۸۷۳ «امیدی بولی» Amédée Bollée فرانسوی يك نمونه جدید موتور بخاری اختراع کرده آن را (لامانسل) La mancelle نام گذاشت چنانچه بعد هایکی از همین قسم عمایه ها مسافه بین پاریس و بندر بور دو را بکمال خوبی طی کرد و بعد از آن بی «مارکی دو دیون» Marquis de Dion يك عمایه بخاری سه چرخ (۱۸۸۳) و «سیر پولی» Serpollet چنان يك دیکه بخاری تبار کرد (۱۸۸۹) که لوازمهای کوچک داشته، عمل تبخیر (که بواسطه حرکت است) برخلاف عمایه های سابق، بلافاصله صورت میگردید.

ماشین احتراقی :

درین موقع ماشین احتراقی که تازه کشف شده بود در عمایه ها جای ماشین بخاری را گرفت، این سیستم جدید که سبک بوده، بواسطه سرعت گردش خود، قوت زیادی تهیه میکرد به زودی در عمایه های ماشینی کسب عمومیت نمود. در ۱۸۸۷ «دایملر» Daimler انگلیس ماشینی را که یکم اسب قوت داشت، بر قطار کوچکیکه روی خطوط آهن گردش می کرد نصب نمود. در ۱۸۹۱ «پانهارد» Panhard و «لو و اسور» Levassor يك ماشین رقم دایملر را که قوتش (۱۲) اسب بود، تعمیر کردند. از آن وقت به بعد رفتار تجارب علمی و اختراعات موتور کسب تیزی نموده پی هم، «پوژو» Peugeot و «دیون بوتون» Dion-Bouton «پانهارد، لو و اسور» «بوله» «لوی رونو» Renault ماشین احتراقی موتور را تکمیل کردند و در ۱۸۹۴ مسافه بین پاریس و روان (از شهرهای فرانسه) ذریعه این قسم موتورها بساعت ۲۱ کیلومتر در ساعت طی شد. و در ۱۹۰۱ موتور به سرعت و سطحی ۷۴ کیلومتر در ساعت از پاریس به برلین رفت. در ۱۹۰۳ فاصله میان پاریس و مادرید (با بیست اسپانیه) بساعت متوسط ۱۰۰ کیلومتر در ساعت طی گردید.

رقبات ماشین موتور :

در همین اوقات يك موسسه نشویقه بنام «اتوموبیل کلب» Automobile-Club در فرانسه تاسیس یافته جوایز سالانه را برای رقبای موتور تدبیر نمود. و به این قسم همه ساله پیشرفت های جدیدی چه در قسمت سرعت رفتار موتورها و چه در خواص و چگونگی ماشین و چه در زمینه صرفه و اقتصاد در مواد سوختنی حاصل می شد.

مسئله سوخت :

انچه بیشتر افکار علما و انجینرهای موتور سازی را متوجه داشته و اسباب سعی در صرفه جویی مواد سوختنی موتورها شد، همانا گرانی قیمت مواد سوختنی بود. بنامیکه دو انتر کور ششانی که درین باره بعمل آمده، روز بروز مقدار سوخت موتورها رو به قلت میگذازد و حاصل ضرر آن به اندازه بسیار کمی رسیده است (يك گیلن در ۱۰۰ کیلومتر).

موتور و اهمیت آن در عالم

و در تمام ممالک از حیث صنایع موتور سازی عقب مانده اند به بیانه بزرگی یرا کند. میشود . اما در دیگر ممالک اروپا نیز کم و بیش صنعت موتور سازی رواج داشته و عموماً برای احتیاجات داخلی و یا مستعمرات خود موتور می سازند ، مثل هالیند ، بلجیم ، و غیره .

ولی در چند ممالک دیگر تازه این صنعت پیدا شده ، و تا جائیکه درین مرحله ابتدائی آن دیده میشود ، در آئینده ترقیات مهمی کسب خواهد کرد مهمترین آنها عبارت است از اتحاد شوروی و جاپان که درین راه فعالیت بزرگی بخرج میدهند .

ناگفته نماند که صنایع موتور سازی علاوه بر شعبه ساختمان موتور ها چیزیت صنعت دیگری را از قبیل ماشین های سراهای زراعتی و غیره ماشین های نفتی و بنزینی را در بر میگیرد که اکثر آنها برای محاربه میباشند تا نیک و موتور های زره پوش و غیره

بهر حال صنایع موتور سازی که دره ۱۰ سال اول قرن بیستم ، در ممالک اروپا خیلی ترقی و عمومیت یافته و در دفعه بواسطه اعلان شدن جنگ عمومی دو چارسکته گردیده ، از فعالیت آن خیلی کاسته شد . خصوصاً در فرانسه که می توان گفت صنعت ممبرور تقریباً بکلی متوقف گردیده تمام فعالیت فابریکه ها با ساختمان لوازم حربی مصرف شده بود . چنانچه در اواخر جنگ عمومی فرانسه موتور ها و لوازم آن را به بیانه بزرگی از خارج وارد می نمود .

اما اکنون این صنعت از سبب ترقی روز افزون موتور و شوق مفراطی که در مرمجر مردمان به آن نشان می دهند ، فوق الاماده مرفقی میباشند .

رقابت موتور و قطار آهن :

چنانچه در ابتدا دیده شد ، در اول وهله موتور با رقابت قطار آهن - که آنهم نوپیدا شده بود مقابل گردید . این رقابت روز بروز کسب شدت کرده تا زمان جنگ عمومی غلبه بطرف قطار آهن بود و هر کس گمان می کرد هیچگاه و از هیچ رهگذر بر قطار آهن تفوق و امتیاز پیدا کرده نمی تواند . زیرا از یکطرف بزرگی و انتظام و اهمیت قطار آهن ، از طرف دیگر بی نظمی و خطرات و نواقص متعدده موتور ، و ضمیمت آن را خیلی متزلزل ساخته بود . تا اینکه در زمان جنگ عمومی و قتیکه خدمات زیادی از رهگذر حمل و نقل در محاذ حرب و مواضعی که قطار آهن وجود نداشت ، در میان آمد ، موتور خدمات بزرگی را از قسم حمل و نقل عساکر و تجهیزات جنگی و غیره انجام داده ، اهمیت حقیقی آن در نظر ها مجسم گردید و فهمید شد که در هر وقت و هر جا از قطار آهن کار نمی توان گرفت و بر خلاف موتور در هر موقع و موضع به کمال خوبی خدمات غیر منتظره را بجا آورده می تواند .

از اینجا است که پس از جنگ عمومی موقعیت موتور ثابت گردید ، و از همین زمان است که ترقیات حقیقی نصیب آن شده ، هر مملکت صنایع موتور سازی را در جمله صنایع ملی و دینی مقام کافی داد و در تر و بیج و ترقی آن کوشش بعمل آورد . بقسمیکه بفراتر شریجات فوق آکون صنایع موتور سازی در تمام دنیا به اوج کمال رسیده و آینده بسیار درخشانی را نشان میدهد . اگر چه در چند سال گذشته ، بواسطه اختراع موتوریل Autorail (موتوریکه هم روی زمین و هم روی خطوط آهن حرکت می کند) باز موفقیت موتور تا اندازه در خطر افتاده بود ولی ترقیات تازه موتور دوباره مقام آن را محکم ساخت . علاوه برین درین اوقات حکومت ممالک مختلف بسوی خدمات موتور توجه خصوصاً میدول داشته ، و برای این کار جاده های موتور و زیادی طرح کرده اند که اکثر آنها تمام خاک مملکت را طی مینمایند با تند ایطالیای و المان و غیره .

و نیز در نظر است (بقرا ريك نظر به موسولینی رئیس الوزرای ایتالیا) که يك مهادة بین المللی جهت اتصال دادن راه های موتر و ممالك مختلفه عقد گردیده این اقدامات برای ترقیات آتی موتر راه های وسیع کامیابی را بازی کنند .

اما آنچه از همه بیشتر اهمیت دارد ، مساعی و تجارب قیمت دار و متواتری است که از طرف يك عده علمای فنون موتر سازی و انجینیرها و ورز شکاران در نقاط مختلفه ممالك بعمل می آید . و نتایج آن بصورت نمونه های جدید سالانه مودها و ریکارد (مبیار) های تیز رفتاری و غیره ظاهر میگردد و به اثر این تجارب است که سالانه اصلاحات جدید و اختراعات تازه در ماشین و آلات فعال موتر و بدنه و غیره لوازم آن یعنی آنچه بوسایل راحتی موتر تعلق دارد ، به عمل می آید .

ترقیات اخیر موتر :

در سطور فوق از دوره های اولی تکامل موتر بحث رانده شد . اگرچه چندین دوره دیگر نیز از ترقیات موتر بعد از جنگ عمومی تا امروز مرور کرده است ، ولی چون همه آنها سیری کشته و اکنون بکس دوره جدیدی شروع شده که از هر جهت بر دوره های سابق امتیاز دارد ، و آینده موتر کاملاً وابسته به آن میباشد ، از آن قدری مفصل تر بحث خواهیم نمود .

سالون بین المللی سالانه موتر :

پیش از آن که بر اصل مطلب بپردازیم ، لازم است تذکر داده شود که ترقیات موجوده و روز افزون موتر سرهون نمایشات بین المللی است که سالانه بنام « سالون بین المللی موتر » بزرگ نظارت حکومت فرانسه در پاریس ترتیب داده و در آن تمامی اختراعات و ایجادات جدیدی که در ممالك مختلفه بعمل آمده به مونرها تعلق دارد ، مورد تماشای خاص و عام قرار داده می شود . و ز عایدات نمایشات مزبور برای هر مخنزع و هر موسسه که در ترقی و تکمیل موتر کوشش و کمت کرده است جوایز تقسیم می گردد .

آخرین سالون بین المللی موتر :

آخرین سالون بین المللی موتر که در استان ۱۹۳۴ بواسطه رئیس جمهور فرانسه در پاریس افتتاح شد ، از لحاظ ترقیات جدیدی که نمایندگی می کرد ، شکل کاملاً نوویی سابقه داشت .

در حقیقت از ۱۰۳ سال است که موتر داخل يك مرحله جدیدی گردیده که با سابق خیلی تفاوت دارد ، چه از لحاظ ساختمان ماشین و بدنه و شکل ، و چه از جنبه رفتار و غیره خصوصیات خود .

ترقیات ماشین و اعضای فعال موتر :

در طول يك سال گذشته تغییرات بزرگی در ماشین موتر رخ داده که مهمترین آن در قسمت از دیاد فوه و سبکی وزن ماشین بواسطه استعمال فلزات ترکیبی از قبیل فولاد های (کروم) زده و غیره ، کمی خرج و بالاخره محکمی و طاقت آت میباشد . مهمترین پرزه که نو در آن تعبیه شده ، عبارت از يك بمبه برقی است که در وقت بند شدن نبل بواسطه فشار دادن یک کمت که مقابل موتر ران است ، بکار افتاده ، بدون آنکه

موتور و اهمیت آن در عالم

توقف اجباری موتور، یا ضعیف شدن ماشین لازم باشد، مجرای تیل را صاف و ماشین را تقویه می کنند (بطور جمله معترضه اضافه می شود که این قسم بجه در طیاره ها نیز تعبیه شده، و مخصوصاً در طیاره فوق العاده حایز اهمیت است زیرا تقریباً ۳ بر ۴ حصه خطرات و قربانی های طیاره از سبب بندش تیل یا سستی، ماشین میباشد).

قوه :

قوة موتور که روز بروز در تزايد است در سال گذشته به ۱۵۰ اسب رسیده که شامل ۱۲ سلندر میباشد.

سرعت :

سرعت رفتار که در موتور بزرگترین منظور است، خیلی ترقی کرده و مخصوصاً شکل و ساختمان بدنه موتور های جدید در این قسمت باقوة ماشین کمک شده اکنون سرعت رفتار در مسابقه ها و در موتور های مخصوص به (۶۰) کیلومتر و در موتور های عادی به ۲۰۰ کیلومتر رسیده است.

صرفه سوخت :

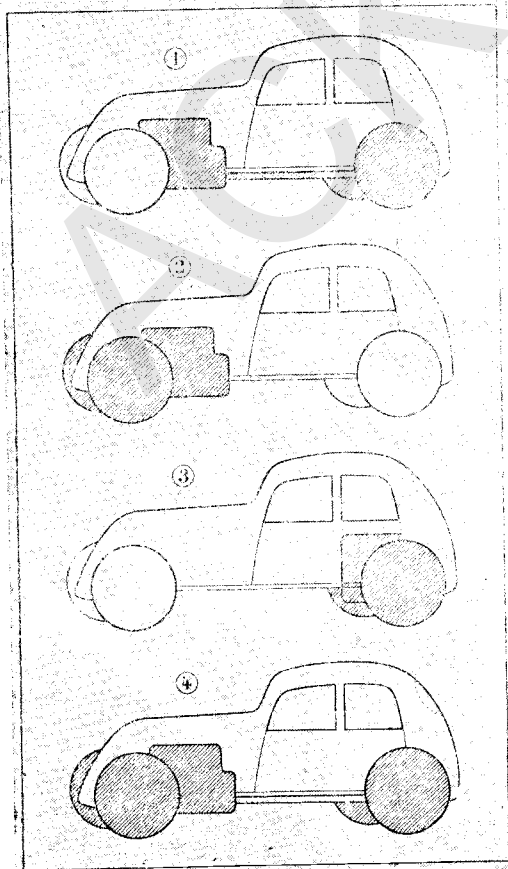
در حال حاضر مدل های جدید موتور های تیز رفتار در ۱۰۰ کیلومتر یک کیلین بترین خرج می کنند اما در موتور های سنگین که مثلاً ۸ تن وزن داشته باشد، مصرف سوخت به ۲۲ لیتر تقریباً (۸۰ کیلین) میرسد.

خلاصه ماشین موتور فوق العاده ترقی

کرده، و در ریزه های مختلف آن تغییرات و ایجادات تازه رخ داده است که از هر جهت اسباب استحکام و خوبی عملیات آن را فراهم می سازد.

در قسمت اعضای فعال موتور که عبارت از ماشین و تمام چهار حرکت دهنده میباشد نیز انقلابات بزرگی بوجود آمده که در چهار شکل مشخص خلاصه میشود

۱، شکل اول عبارت از همان سیستم کلاسیک سابق است که ماشین در پیش رو و مربوط بچرخهای پس بوده، هر دو چرخ مزبور موتور را حرکت می دهد، و چرخ های پیش برای اداره بکار می رود اکنون انجنیر های آلمان، امریکا و فرانسه سه شکل آگاهانه را ایجاد کرده اند که هر یک اهمیت خاصی بوده، عموماً در زیر باشند.



هر ۴ شکل موتور، ۱ ماشین در پیش و چرخهای حرکت دهنده در عقب ۲ ماشین و چرخهای حرکت دهنده در عقب ۳ ماشین و چرخهای حرکت دهنده در عقب ۴ ماشین و چرخهای حرکت دهنده در پیش و چرخهای عقبی نیز حرکت دهنده میباشد.

۲ : شکل دوم ماشین در جلو و چرخهای پیش حرکت دهنده و هم اداره کننده موتور میباشد : این سیستم و سیستم کلاسیک سابق را می توان شبیه به عرابه آسیبی دانست زیرا ماشین عبارت از آسیب است که موتور یعنی عرابه را کش می کند ، این قسم موتر تا سال ۱۹۲۶ تقریباً ناممکن تصور میشد به دولت : یکی اینکه باید چرخهای حرکت دهنده همیشه بزمین وصل بوده به اینقسم از لغزیدن محفوظ بماند ، حالانکه چرخ های پیش رو درستی و بلندیها از زمین جدا می شود ، و دیگر اینکه چرخهای حرکت دهنده باید محکم و روی محور خود بیک حال قرار داشته باشد . در حالیکه چرخهای جلو دائماً در پیچ و تاب میباشد . اما کوششات زیاد و تجارب دامنه دار این هر دو مشکل را بشکل بسیار خوبی حل ساخت ، که اکنون ساختن موتریکه ماشین و چرخ های حرکت دهنده آن هر دو در پیش رو باشد ، هیچ اشکالی ندارد ، این سیستم از لحاظ سبکی و کمی خرج خود در موترهای شخصی بسیار مفید میباشد .

۳ : شکل سوم ماشین در عقب و چرخهای عقبی حرکت دهنده است : اینطور موتر چیزی بی سابقه نیست بلکه در مراحل اولی موتر نیز مدنظر گرفته شده بود چنانچه « بنز » Benz آلمانی که امروز موتری به اسم آن است ، در سال ۱۸۸۰ و « پوژو » Peugeot فرانسوی در ۱۸۹۰ همین قسم موتر ساخته اما چنانچه باید کامیاب فکر دیده بودند . تا آنکه در ۱۹۳۱ مستر (بورنی) Burney انجینیر معروف ، موتر سازی انگلیسی این سیستم را عملاً تیار کرده به (پرنس آف ویلز) و لبعهد انگلستان تقدیم نمود و او ذریعه آن فرانسه نیز مسافرت کرده بود . در پیش رو جای ماشین تقریباً خالی و یک رادیاتور بزرگ مدور نصب است که از لحاظ فشار و مقاومت هوا هم خیلی سهولت میرساند . بنا بران در موترهای تیز رفتار سیاحتی و غیره بسیار مناسب است . مشکل سنگینی مقابل موتر یوا سطره موازنه شکست انگیزی که بر فرار شده تلافی می گردد . و موتر خیلی به سهولت وسیعی رفتار نموده میتواند .

۴ : شکل سوم ماشین در پیش و چرخ های پیش و پس هر دو حرکت دهنده و چرخ های جلو در این حال اداره کننده نیز میباشد : این سیستم البته بقت و استحکام موتر خیلی برافزاید ، مخصوصاً برای موزهای سنگین و او توبوسهای شهری بسیار مفید است .

معلوم نیست که کدام یکی از این چهار سیستم کامیاب و مقبول خاص و عام واقع خواهد شد ؟ اما اینقدر پیش کوئی توان کرد که سیستم کلاسیک سابق متروک گردیده ، و سه سیستم جدید به اختلاف موارد استعمال ، در موترهای مختلف بکار برده خواهند شد . مثلاً سیستم (۲) برای موتر سبک و کوچک ، سیستم (۳) برای موترهای تیز رفتار و ورزشی و سیاحتی ، و بلاخره سیستم (۴) برای موترهای سنگین مسافرتی و حمل و نقل .

یک سیستم دیگر :

علاوه برین ۴ سیستم که در فوق شرح داده شد یک قسم موتر دیگر نیز درین اواخر از طرف علمای مختلفه زیر مطالعه گرفته شده و آن عبارت از موتر « هزار پای » است که دارای چرخ های زیاد بوده هر جفت چرخ محور علیحده و تکبه به کمان های فولادی دم دار محکمی دارد . و بنا بران می تواند که در مناطق کوهستانی از روی پستی و بلندی ها و حتی جویها مضارعت به سهولت گذر کند .

اگر چه در سابق موترهای « شینل » Autochenile (موتر کوه گرد) نیز برای گردش در حصص نا هموار تیار شده بود اما چون از سبب خوردی چرخ های متعدد خود و اینکه چرخ های مزبور در میان یک قسمه رابری بزرگ دور میزند ، سرعت کافی رفتار نموده نمی توانست . و نیز وزن های زیاد را برداشت کرده نتوانسته بیشتر برای کشفیات و سیاحت های خصوصی بکار میرفت . حالانکه این سیستم جدید در هر قسم حای به سرعت زیاد بمانند سائر موترها حرکت کرده توانسته و نیز وزن های مهمی را حمل و نقل می دهد که سائر موترهای بارکشی عادی قطعاً از آن عاجز است مثلاً در چند سال دیگر چنان موترهای بزرگ ۲۰ تنه تمییر خواهد شد .

موتور و اهمیت آن در عالم

شد که در ساعت ۲۰۰ کیلومتر طی مسافتی نموده خواهد توانست - و چون تعداد چرخ ها زیاد است ، زوایا فشار بالای تمام چرخ ها تقسیم شده ، هر چرخ خیلی کم روی جاده تماس می نماید و بنا بران از یکطرف فرسودگی را بر غیره کمتر میشود و از طرف دیگر تنکان و نا راحتی که عموماً در این قسم موتورها ی بزرگ برای مسافرین رخ میدهد بکلی مرتفع می گردد و بالاخره خطرات مختلفه تقریباً بکلی از بین میرود . این سیستم برای عموم موتورها ی بارکش و مسافرتی صلاحیت و مناسبت دارد .

سوختنی ها :

مهمترین سوختنی در موتورها عبارت از نفت ، پترول و امثال آن است که مدت ها طرف استعمال بوده تا اکنون عمومیت زیاد دارد .

اما اخیراً چند جنس سوختنی دیگر بزیر نظر گرفته شده است که هر يك در حد خود حائز اهمیت می باشد :

۱ - گازوژن *

«گازوژن» Gazogène عبارت است از مائلم گازداری که از ذغال چوب گرفته میشود و از ۱۹۲۵ بزیر نظر در آمده است . در يك موتور ۸ تن برای ۱۰۰ کیلومتر ۵۰ کیلوگرام (۷ کیلوگرام تقریباً يك سیر) صرف می شود حالانکه برای همین قدر مسافت و در همین قسم موتور ۳۲ لیتر پترول لازم است که از لحاظ قیمت بین این دو فرق زیادی وجود دارد .



۲ - تیل های ثقیل : تیل های ثقیل هم از مدت است طرف استعمال قرار گرفته و حاضرأ سوخت آن در موتور ۸ تنه

موتوریکه به نوبه گاز ذغال چوب حرکت میکند و از طرف اداره میله و چنگل بانی فرانسه ساخته شده .

بمسافت ۲۰۰ کیلومتر ۲۵ لیتر میباشد که نسبت به گازوژن کمتر و نسبت به بنزین و غیره از نصف هم ازان تر تمام میشود .

۳ - گاز ذغال سنگ : گاز ذغال سنگ از مراحل ابتدائی موتور کشف و در ۱۸۹۲ او ۱۹۱۷ از طرف (لوران) Lauren نام (رئیس هیئت فنی کباب موتور) فرانسه بزیر نظر گرفته شده بود ، اما مشکلی در راه عملی شدن آن وجود داشت که عبارت از سنگینی ظرف گاز بوده ، فقط درین اواخر بواسطه کشف فلزات ترکیبی (فولاد کروم زده) مشکل مزبور حل گردیده است . بنا بران کامیابی بسیار نزدیک معلوم میشود .

۴ - الکل : فکر استعمال الکل در موتور ارمدها رواج داشته ولی تا کنون چنانچه باید و شاید عملی نگردیده است .

علما در نظر دارند يك اندازه الکل در بنزین داخل ساخته به آن (بنزین) سبکی و رقت زیادی ببخشند . فائده مهم آن این است که اگر به اندازه (۲۵) فیصد الکل خوب (نزدیک به خالص) در بنزین اضافه بشود ،

موتورهای زیخ بندی در زمستان و مشکلات چالان شدن که از سبب سردی ماشین می باشد، نجات خواهند یافت.
 ماشین دیزل — ماشین دیزل : Diesel عبارت از ماشین های مخصوصی است که باتیل های ثقیل بکار
 افتاده و از مدتی است که در تمام نقاط عمومیت پیدا کرده خصوصاً در موتوهای زراعتی و امثال آن . بهترین
 امتیاز آن که سبب عمومیتش شده ، این است که تقریباً تمامی روغنیات ثقیل معدنی (نفت سیاه) نباتی (تیل خرما ،
 یسته و حشی ، شرفش و غیره) و حیوانی (روغن ماهی) در آن بکار رفته می توانند .

ترقیات شکل و بدنه :

بجرت ادعای توان کرد که درین ۳ ، ۴ سال اخیر شکل و بدنه موتور بیس از تمام قسمت های آن ، مورد
 تغییرات واقع و در حقیقت يك انقلاب اساسی در آن وجود آمده که با سابق هیچ فرآینقی ندارد ، زیرا موتوها
 از وقت پیدایش خود تاکنون همیشه ارتفاع زیاد داشته خم و بیخ شکل عمومی آنها بریده و دارای زاویه های
 فراخ نوک تر بوده است . تا آنکه در سال ۱۹۳۱ ارتفاعاً شکل موتور تغییر یافته ، ارتفاع عمومی آن تا اندازه زیاد
 کاسته و خم و بیخ ها کاملاً منحنی گردید . و از آن وقت به بعد هر سال بلکه هر ماه در کم کردن ارتفاع موتور و کم
 کردن زوایا و باریکی های آن سعی به عمل می آید . موجبات این تغییر عبارت از دو اصل عمده است که تا تک
 دیگر ربط قریب دارند :



یکی لزوم سرعت رفتار که روز روز اهمیت آن
 بیشتر شده میرود و دیگر مسئله آیر و دینامیک
 Aérodynamique یعنی مقاومت و فشار هوا
 که از سرعت رفتار مانع می آید .

بنابراین متخصصین و انجینیرهای موتورسازی
 به این نتیجه رسیدند که برای بدست آوردن
 رفتار سریع لازم برای است تا اندازه ممکن
 مقاومت هوا کم کرده شود . و این کار ممکن
 نیست مگر آنکه شکل و بدنه موتور طوری
 باشد که با مقاومت هوا کمتر مواجه گردد .

مسئله آیرودینامیک :

اینکه هوام میگویند ، هوا عبارت از خلاء است
 حقیقت ندارد بلکه هوایك مائیم گازی است که
 جاذبند دیگر مایعات قوه مقاومت داشته همین است
 که طیاره با ۲۰ تن وزن خود روی آن تکیه میکنند
 و تیز هوا میتوانند که بسهوات خانه های متین را خراب
 سازد . موتور در حال رفتار به دو قوه مقابل میشود ،
 یکی مالش هرزه های خود آن که بهم دائماً در تماس
 و مالش میباشند و دیگر هوا . از این جهت است که
 موتوهای کلاسیک قبل از سال ۱۹۳۱ که حصه بیشری

یکی از موتوهای سال ۱۹۳۵ که نهایت کم ارتفاع

و دارای خطوط گول است

آنها یکنیم متر مربع به سطح عمودی هموار و حصه عقب نیز راست و بریده میباشد ، بشکل زیاده او ۶۰ کیلومتر در ساعت
 رفتار نموده میخوانند . باینقسم موتوهای سیستم سابق نصف قوه خود را برای مقابله با هوا و فقط نصف دیگر را برایش

موتور و اهمیت آن در عالم



رفتن و حمل وزن صرف میکنند . بنا بر این جهات چنین در نظر گرفته شده است که بدنه موتور طوری ساخته شود که در میان هوا بسهولت داخل شده و آن را به اندازه ممکن خوب تر بشکافد پس باید که خم و بیج های بدنه آن عموماً ملایم یعنی منحنی و ارتفاع عمومی کم و موتور از هر دو طرف پس و پیش بباریک باشد تا هوای در هیچ حصار آن بطور مستقیم نوزد و موتور با هوا مقابل نکرده . طبیعی

است که این ایجابات نقص عمدی را اجباری قرار میدهد . مثلاً لازم است موتور بسیار پست (کم ارتفاع) بلندی سقف و نشیمن گاه آن فقط برآورد نشسته انسان بوده و نیز نشیمن گاه مزبور بسیار محبوق و طوری باشد که تابش اشعای اطراف را بسهولت و آزادی مشکل بگرداند . از طرف دیگر ارتفاع چرخ و پایه دانهایی اصل بدنه موتور از زمین خیلی کم شده و از آن جهت رفتار موتور در ارضی کوهستانی و پست و بلند دشوار میشود .

علاوه بر این اکنون از پایه دان و چندین حصار مهم دیگر موتور جبراً صرف نظر به عمل آمده است . ولی بالمقابل در سرعت رفتار و قشنگی موتور و موقیبات فوق العاده دست داده که روز بروز مظاهر بهتری را نشان میدهد .

ترقیات داخل موتور :

در داخل موتورهای سیستم جدید ، نیز اصلاحات و تغییرات زیاد به عمل آمده است : دوشک ها و تکیه ها را عموماً از یک قسم را بر نو موسوم به (دنلوپیلو) Dunlopilo تکیه میکنند که خیلی نرم و ملایم بوده ، در اثر استعمال هیچ سخنی و نقصی در آن پیدا نمیشود . پس استعمال فنرهای سخت بکلی موقوف گردیده است . این را بر جدید ، دارای چنان منافذی است که هوا بداخل آن راه یافته از گرم شدن و چین خوردن و غیره محفوظ میباشد .

یک مشکل دیگری که در داخل موتور وجود دارد ، عبارت از موقعیت صندوق لوازم سفر و غیره است که اکنون به شکل خوبی حل گردیده به اینقسم که در موتورهای جدید ، صندوق مزبور را در قسمت عقب موتور که از حد انتهای سقف بطور مایل یا میان رفته تعبیه کرده و دروازه اش را بسوی داخل موتور عقب تکیه گاه اشخاص باز کرده اند که از هر قسم خطرات دزدی و غیره محفوظ میباشد و به اینقسم اگر موتور شب در راه خراب شود ، و مجبور به توقف گردد در کابین آن ، به آرامی می توانند که سر ماشین و شیشه های موتور را با دروازه های مذکور بواسطه یک قفل برقی بسته ، خاطر جمع در داخل آن بخوابند . تکیه گاه ها را هموار نموده به اینقسم به اختلاف موتور ۳ تا ۴ نفر در آن میخوابد . آلات اداره کننده از قبیل (برك) و (سید) و (دسته گاز) و (سلف) و غیره را عموماً بشکل دکه ها و دسته های کوچک کوچک طوری روی صحنه مقابل موتور آن تعبیه کرده اند که هیچگونه مزاحم

موتوران و بهوشان او شده و در عملیات مخفیانه، خیلی بهولت میرساند و مشکلات سابقه را یکمقام از بین میبرد.



موتور جدید که هم سر باز و هم سر پوشیده است، با جمله تمام حصص موتور دوجارا انقلابات اساسی و تغییرات کلی شده که از هر جهت آموز موتورانی را اصلاح و تسهیل بخشیده است.

جاده ها:

طبعاً جاده ها نیز در ترقی موتور، سهم بزرگی دارند؛ و بنا بر آن پیشرفت و تکامل موتور، امور موتورانی و عمومیت یافتن آن، در شکل و طبیعت و غیره خصوصیات جاده ها تاثیر کلی می اندازد از همین جهت است که جاده ها گرچه قبل از پیدایش موتور بلکه در زمانه های قدیم در ممالک مختلفه وجود داشته، برای عرابه های حیوانی بکار میرفت، اما از وقت اختراع موتور خصوصاً از شروع قرن بیستم کسب اهمیت نموده، روز بروز توسعه و ترقی یافت، و نیز ماهیت ساختمان آن بلحاظ مقتضیات مخصوصه، تغییر کرده اکنون همان راه تکاملی را طی میکنند که موتور داخل است.

چنانچه پی هم، مرکهای سنگی و سفالی و سنتی و چوبی و قیراندود و قیره روی کار آمده اخیراً دو نوع مرک جدید یعنی مرک بلووری و مرک فازی بر بر استعمال در آورده شده است.

خلاصه مرکهای موتور و امروز در تمام ممالک دنیا اهمیت بزرگی داشته روز بروز در راه ترقی دادن آن اقدامات بعمل می آید. در حال حاضر تنها در ممالک متحده امریکا طول مرکهای موتور رو به (۲۰۴ و ۲۰۶ و ۳۰۸ میل می رسد که (۳۳۵ و ۱۰۸) میل آن فوق العاده مکمل میباشد. و در چندین مملکت اروپا مثل ایتالیا و فرانسه و آلمان و ممالک جنوبی و ممالک آسیائی توجه زیادی از طرف حکومتات مزبور در بین فست مبدول داشته شده است.

علامات جاده ها:

یکی از مشکل ترین قضایاییکه در ممالک مدنی زجبه اجتماع و رفت و آمد در شهرها وجود دارد، عبارت از انتظام عبور و مرور (ترافیک) است که بواسطه وضع علامات در جاده ها صورت میگیرد. علامات جاده ها تاکنون از ربه

موتروا اهمیت آن در عالم

افراد پلیس اجرا بند بر فته ولی وقتاً فرتاً دران تغییرات مختلفه رخ داده است . از باعث زیاد شدن رفت و آمد ها و گردش عرا به های مختلفه روز بروز انتظام جاده ها و علاماتی که از طرف پلیس نشان داده می شد ، دچار مشکلات گردیده خصوصاً در شهر های پرنفوس تقریباً شکل ناممکن پیدا نمود . بطوریکه تلفات جاده ها خیلی ترقی یافته و توجه حکمران و مراکز مدنی را بخود جلب کرد . آخر ترین ترتیبی که برای جاده ها مد نظر گرفته شده ، عبارت از چراغ های برقی است که بدون وساطت افراد پلیس بطور اتوماتیک بزیر اداره مراکز غیر مرئی که بزیر زمین میباشند ، صورت میگیرد ، و ستون های تقسیم کننده جاده ها را که قبلاً پلیس در پهلو ی آن استاده میشد از راه ساخته شده که در صورت تصادم شکست و نقص دران رخ نمیدهد .

اما اخیراً در امریکا از سبب زیاد ی فوق العاده تصادمات و تلفات موترها (تلفات جانی جاده ها در سال ۱۹۲۴ (۲۸۲ هزار) و در ۱۹۳۴ (۲۳۷ هزار نفر بوده) چنین مرده شده اند که در داخل شهر های پر ازدحام ، مرک های رفت و مرک های آمد از م علیحده بوده و نیز اندازه سرعت رفتار موترها محدود قرار داده شود .

معیارها و مسابقه های بین المللی موتروا :

بزرگترین مسابقه که حاضرآ در موتروا به آن موفق میتوان شد کدام است ؟ این سوال است که از ۱۹۲۲ به اینطرف یک نمداد روز افزون از ورزش کاران انگلیسی از خود مینمایند . و برای اینکار تصمیم نموده اند ، که روی مسافت یک مایل (۱۶۰۹) متر تحارب بعمل بیاورند به اینقسم که در یک نقطه بلافاصله امتحان رفت و آمد را اجرا نمایند تا نشیبه ها و ورزش بادیکه از یک طرف رفتار موتروا تأثیر میکنند ، درجهت مقابل تلاقی بشود ، نتیجه که بدست میآید متوسط و صحیح میباشد .

در سنه ۱۹۲۲ ریکارد سرعت رفتار موتروا سطره (لی گوینس) Lee Guinness انگلیسی قایم شده امبرده ذریعه یک موتروا (سنیوم) ، ۲۱۹ کیلومتر در ساعت رفتار نمود .

بلافاصله در همان موقع « مر مالکم کمپبل » Sir Molcolm Campbell که امروز ستاره درخشان موتروا بشمار میرود ، شروع به فعالیت نموده در سال (۱۹۲۴) گوینس را شکست داد ، در موتروا (نیبر) سرعت ۲۱۹ کیلومتر ۳۷۸ متر موفق آمد .

از آن وقت به بعد ریکارد های موتروا تقریباً همیشه به او تعلق دارد و بحفظ این امتیاز یافشاری صبیبه نشان داده است چنانچه تا ۱۹۲۵ ریکارد های سالانه خود را خودش فسخ و ریکار های جدید قائم نموده و تنها در سال ۱۹۲۶ (فیری توماس) Ferry Thomas میدان را ب سرعت ۲۷۵ کیلومتر ۳۴۱ متر در ساعت از در بود ولی کمپبل در ۱۹۲۷ امتیاز خود را دوباره کسب کرد ، در ساعت ۲۸۲ کیلومتر ۳۷۸ متر موتروا خود را دوآید . پس از آن وقتیکه (ماجر سبگر یو) Major Seegrave ب رفتار ۳۲۸ کیلومتر موفق آمد ، کمپبل بعد از یک سال تیاری موتروا ب سرعت ۳۳۲ کیلومتر ۹۹۲ متر در ساعت رانده او ایت را از مر گرفت ، در ۱۹۲۹ ماجر سبگر یو ، بطور اتفاق ۳۷۲ کیلومتر در ساعت موتروا دوانی کرده ، تلاش کمپبل را زیاد تر ساخت چنانچه مشاراً به در اثر کمک مالی که یکی از دوستانش با او نمود اولین موتروا معروف خود را که (برنده بلگون) نام دارد ، تیار کرده در سال ۱۹۳۱

به رفتار ۳۹۷ کیلومتر ۴۶۹ نائل گردید

ازین وقت دیگر تمام رقیبان از میدان فرار کردند ، و کمپبل مجبور شد که بی م ریکارد های قائم کرده خود را

فسخ نماید. در ۱۹۲۲ دومین « پرنده نبلگون » ۴۰۸ کیلومتر ۷۲۰ متر دویده و در ۱۹۲۳ سومین پرنده (نبلگون) برقرار ۴۳۷ و ۹۰۸ متر در ساعت موفق آمد.

آخرین ریکارد سرما لکم کبیل بتاريخ ۷ ماه مارچ ۱۹۳۵ بواسطه همان « پرنده نبلگون » که تازه ترمیم و تکمیل یافته است قائم گردیده و مشارالیه ریکارد سابق خود را به ایزاد ۸ کیلومتر فسخ نمود. است (۴۴۵ کیلومتر و ۴۹۳ متر) بزرگترین درجه سرعت رفتاریکه کبیل درین اقدام اخیر خود به آن موافق شده، ۴۵۲ کیلومتر ۲۶۱ متر میباشد که در حال مراجعت به آن رسیده، اما میگویند که ورزشکار مشا والیه از این موفقیت خود را ضعیف نبوده، در نظر دارد که بزرگترین فرصت ممکنه، ریکارد جدیدی را که عبارت از ۴۸۰ کیلومتر باشد، قائم سازد.

ناگفته نماند که موتور هائیکه به اینقسم کار نامه ها و چنین سرعت های خارق العاده موفق می گردد، از موتورهای عادی نبوده بلکه ماشین و بدنه و محکمی و بالچله اکثر برزده های آن، شکل و ساختمان مخصوصی دارد مثلاً ماشین « پرنده نبلگون » سرما لکم کبیل ۲۵۰۰ اسب قوت داشته، تا ۵۰۰ کیلومتر در ساعت دویده میتواند از قرار امتحان متخصصین این موتور به سهولت معیار انتهائی متهور را قائم کرده خواهد توانست. بشرطیکه میدان موتور دوانی (دابتو نا - امریکا) بقدر کفایت و سرعت داشته باشد این موتور ۸۰۶۰ متر طول ۲۰۶۰ متر عرض داشته و ماشین آن از قسم « رولس رایس » دارای ۱۲ سلندر، پنج تن و وزن ۴۰۱۸ متر طول ۱۰۵۴ متر عرض میباشد و بنزین آمیخته با الکل در آن مصرف میرسد. مهمترین مشکلی که بمقابل اینقسم موتورهای تیز رفتار عرض اندام مینماید، مقاومت هوا است که تا اندازه زیاد از سرعت آن میکاهد، اما در همین حال همین هوا است که بر سطح موتور فشار آورده از بلند شدن حصه عقب یعنی چپه شدن آن که لازمه سرعت فوق العاده میباشد، جلوگیری می کند، و نیز داخل را برهای آن پراز ۸۰۰ نیم کیلو گرام هوای تحت فشار میباشد که برای اتصال چرخها بروی زمین خیلی کمک میرساند.

به این قسم مسئله بسیار پیچیده در ساختمان موتور پیدا شده که شکل معنائی را دارد. آیا اینقسم موتورهای تیز رفتار موتور میباشند یا طیاره؟ از آن اسب های ماقبل تاریخی است که ۸ متر طول داشته همواره برای پرواز کوشش می ورزد یا از آن پرنده گان عظیم الجثه افسانوی میباشد که بخراهد روی زمین بدود؟

حقیقت تاهنوز معلوم نیست، ولی اینقدر می توان حدس زد که هیچ محال نیست در آینده نامعلومی چنان موتوری پیدا شود که هم روی زمین به چنین رفتارهای هوش ربا دویده



این موتور ۴۴۵ کیلو متر در ساعت موفق شده است

موترو اهمیت آن در عالم

و هم سهولت و بدون هیچ تیاری مخصوص به هوا پرواز کرده بتوانند! « خبر های اخیر پیدایش چنین موترها را اطلاع داده است »

اینقسم عملیات و تجارب چه فائده دارد؟ یا به عبارت دیگر مقصد از این مسابقه ها و معیارها چیست؟ منظور همه از یکطرف عبارت از تحریک دقت و موşkافی و ذوق انجینیرها و از طرف دیگر ترقی دادن صنایع موترو و بالاخره نشان دادن آینده دوری میباشد!

اهمیت امروزه موترو:

رای آنکه اهمیت امروزه موترو در دنیا خوبتر خاطر نشین بشود، چند رقم و چند احصائیه ذیل را ارائه مینمائیم:

موترو های دنیا:

در حال حاضر همه عمومی موتروها تی که در تمام عالم زیر استعمال است به ۴۹۱، ۲۷۶ ر ۳۳ مراده بالغ می گردد نسبت بسال گذشته ۸۷۷ ر ۱۱۸ مراده کمتر میباشد ر تقسیمات آن به اینقرار است:

اول اتانزونی، که در آنجا در شروع سال جاری ۵۳۷ ر ۷۵۱ ر ۲۴ موترو یعنی متجاوز از ۷۲ فیصد تمام موتروهای دنیا وجود دارد (در سال گذشته این تعداد عبارت از ۹۷۹ ر ۳۷۳ ر ۲۴ بود)؛

دوم فرانسه؛ که حاضرأ ۱۷۰ ر ۸۵۰ موترو در آن مشغول کار بوده از آن جله ۴۰۰۰ ر ۱۰۰۰۰ شخصی است.

سوم انگلستان؛ که در شروع سال جاری در آنجا ۱۷۱ ر ۷۰۰ موترو حساب شده و تنها در شهر لندن ۸۶۸ ر ۲۵۸ موترو تجارتی و ۶۵۳ ر ۸۵ موترو شخصی در حرکت میباشد.

چهارم آلمان؛ که در آن ۳۷۶ ر ۶۸۲ موترو جود است (در شهر برلین ۶۷۵ ر ۱۱۸ مراده). پنجم ایطالیا؛ که همه موتروهای آن به ۳۰۱، ۰۳۳ مراده میرسد.

در دیگر ممالک همه موتروها کم است مثلاً در ترکیه ۶۷۳، ۲۱ و اگر به تناسب همه نفوس گرفته شود، در اتانزونی برای پنج نفر، در فرانسه به ۲۲ نفر (در پاریس برای ۱۷ نفر) یک موترو میرسد.

حاصلات سالانه موترو در عالم:

حاصلات سالانه موترو که تا چند سال پیش فوق العاده ترقی کرده بود در سال های ۱۹۳۱ - ۱۹۳۲ دفته از باعث بحران اقتصادی تنزل نموده ولی در سال گذشته دوباره روبه ترقی گذاشته است. از روی حاصلات م اتانزونی حائز نمره اول میباشد زیرا در آن جا بسال ۱۹۳۰ (۲۵۰۰۰ ر ۲۰۰۰۰) و در ۱۹۳۲ (۵۰۰۰ ر ۱۰۰۰۰) و در سال ۱۹۳۴ (۲۰۰۰ ر ۲۰۰۰) موترو ساخته شده است.

بعد از ان انگلستان است که حاصلات موترو آن در ۱۹۳۰ بر ۲۳۰۰۰ ر ۱۹۳۲ بر ۲۰۰۰۰ ر ۲۰۰۰۰ و در ۱۹۳۶ بر ۲۸۶۰۰۰ ر ۲۸۶۰۰۰ بالغ گردیده؛ سوم فرانسه که حاصلات سالانه موتروش در ۳ سال اول ترتیب به ۲۲۵۰۰۰ ر ۱۷۵۰۰۰ ر ۲۰۰۰۰ ر ۲۰۰۰۰ (عدد صحیح آن ۹۵۲ ر ۱۹۸) رسیده است.

سال ۱۹۳۴ در فرانسه ۱۷۰، ۸۵۵، ۱۰ موتوران سند دار موجود بود. در پنجابی مناسب نخواهد بود که گفته صحیح و معقول مستر فورد صاحب فابریکه های بزرگ موتور سازی امریکارا که در باره ترقیات موتور نموده، تذکار بکنیم:

« متول کسی نیست که موتور دارد، بلکه داشتن موتور یکی از مظاهر قبول است ».

موتورهای کهنه چه میشود؟

در پایان این بیانات سوالی در ذهن خواننده تجسم می کند و از خود می پرسد که آیا با وجود تزلزل روز افزون موتور، موتورهای کهنه و فرسوده چه میشود و بکجایی رود؟ در جواب، این سوال باید گفت که در تمام ممالک سالانه یک تعداد زیاد موتورهای کهنه و فرسوده حتی در امریکای موترهای سالم را که فقط از مود افتاده میباشند، خراب کرده از فلزات و غیره موادیکه از آنها بدست می آید، در صنایع مختلفه کار میگیرند.

مسئله مود:

صنائع موتور سازی که در تمام دنیا برای ترقی دادن آن سعی و جهد زیادی بکار می رود، بمثل لباس، سالانه مودهای نوی را بوجود آورده با تغییرات جزئی شکل و معنی، توجه شایقین را بیش از پیش جلب مینماید. قسمیکه متواین، موتورهای مود سال گذشته خود را اگر چه کاملاً نوباشد ترک گفته موتور مود جدید را خریداری می کنند. و اشخاص متوسط الحال این موتورهای از مود افتاده را به قیمت بسیار نا زلی می خرند.

موتورهای معروف عالم:

در ممالک صنعتی که در ساختمان موتور شهرت دارند، کارخانه جات بزرگ موتور سازی موجود میباشند که در تمام دنیا معروف بوده، سالانه به تعداد زیاد موتورهای با اکثر نقاط مختلفه صادر می کنند. از موتورهای مشهور امریکایی که از لحاظ تجارت در عالم اهمیت بزرگی دارند، بیکی (فورد) دیگر (شور لیت) و دیگر (داج) و در اروپا آستین (انگلستان) رونور سیترون (فرانسه)، فیات (ایتالیا) و مرشیدس بنز (آلمان) می باشند.

اما مهمترین موتریکه از لحاظ متانت و لوکس و قیمت در دنیا وجود دارد (رونور ریس) انگلیسی است که اکثر برزدهای آن همراه دست ساخته میشود و بعد از آن (دیملر) انگلیسی (بیکار) امریکایی و هسیانو سویرا) است در کمی خرج (دولانژ) فرانسوی شهرت زیاد دارد چنانچه در سال ۱۹۲۶ در نمایش گاه بروکلند (انگلستان) به ۱۷۰ اسب قوت یک لیتر بنزین خرج کرده (۱) جایزه درجه اول گرفته است.

آینده موتور:

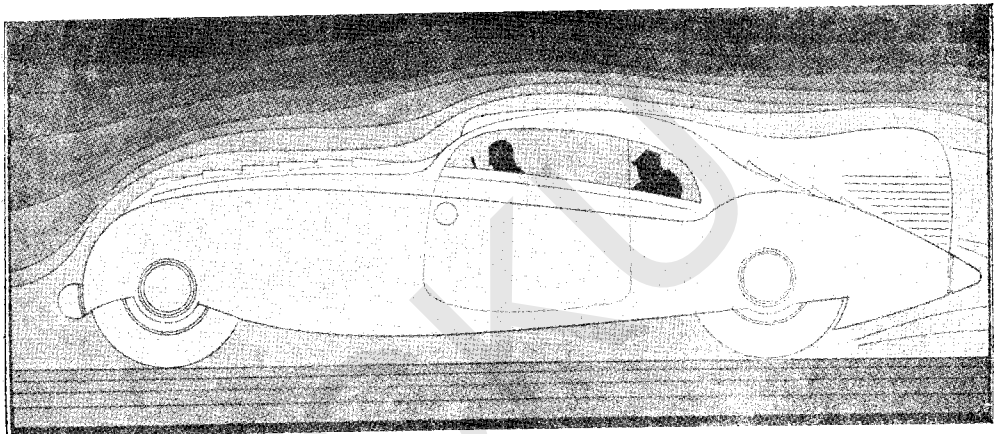
بعد از خواندن سطور فوق که نسبت بتاریخ و ادوار تکامل و ترقیات تازه موتور و بالجه اهمیت آن در حیات اجتماعی و مصری نگاشته آمد، خواننده به فکر خواهد افتاد که آینده موتور چه خواهد بود؟ و این دوره جدیدیکه از چند سال به اینطرف داخل آن گردیده، در آتیه، موتور را چه شکلی خواهد بخشید؟...

اگر چه پیش گوئی درین باره تا اندازه مشکل و مانند اکثر مظاهر مدنیت در هر حال یک چیز مشکوک میباشد، (۱) بطور معلومات اضافه میشود که بسال ۱۹۰۵ موتورها در ۱۱ اسب قوت یک لیتر تیل صرف میکردند.

موتز و اهمیت آن در عالم

با وجود این اشخاص مختلف راجع به آینده موتز پیش بینی های گوناگونی نموده اند که يك با ديگر اختلاف کلی دارد. مثلاً بعضی خواب می بینند که به زودی شکل موتز تغییر نموده از سیستم بست و کشیده امروز به سیستم سابق (بلند و کالسه مانند) مراجعت کرده خواهد شد. و برخی دیگر عقیده دارند که بالاخره سقف پوشیده موتز بگلی از بین رفته، و ساختمان عمومی آن، شکل او را، درازی آنرا بخود خواهد گرفت!

اما یکنفر انجمنیر موسوم به «درو بر باشه» و بکنفر سام «کی سبران» از اهل فرانسه بمشوره يك عده از آملها و متخصصین فنون موتز سازی پیش گوئی بسیار معقول و قریب الاحتمالی برای آینده موتز نموده اند که مخصوصاً با در نظر گرفتن وضع موجوده آن، خیلی صحیح و قابل قبول معلوم می شود:



شکل عمومی موتز آینده.

انجمنیر، جزئیات ساختناری و خصوصیات مخزنه موتز را شرح کرده و رسام آن را رسم نموده و بقسم مقاله در شماره فوق العاده مجله ایلوسترا سبون پاریس که خاص از موتز رانو و سیاحت بحث می کنند، درج کرده اند.

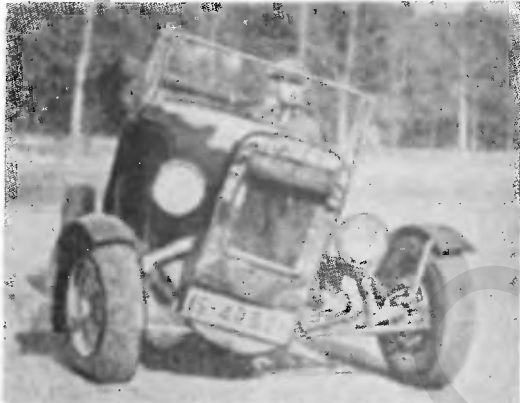
از قرار پیش بینی این دو شخص موتز های سال ۱۹۴۵ (۱۳۲۴ هجری) یعنی ده سال بعد ازین، کاملاً با شکل موجوده و تمام اشکال سابقه مغایرت داشته بالاخره موضوع راحت کامل بطور قطعی و تام فدای سرعت و قشنگی شکل خواهد. بطوریکه در آن سال موتز هائیکه مطابق مود روز تسلیم بگرد، شکل ماهی های بزرگه یا بدنه طیارات را خواهد داشت که فافه بال باشند، و نیز در آن وقت دیگر لزومی در بین نخواهد بود که ماشین مثل امروز در قسمت جلو مقابل نشیمن گاه را ننده قرار داشته باشد بلکه گان غالب اینست که جای ماشین در عقب و یا بهتر ازین (طوریکه در يك قسمت سابق این مقاله دیده شده) یکی در عقب و دیگر در جلو قرار خواهد گرفت تا قوت و موازنه موتز کامل بر قرار گردد.

و اکثر موتز های آن وقت دارای دو ماشین خواهد بود که یکجا بزیر يك فرمان بکار افتاده، تبدیل هوا در آنها از عقب بواسطه يك بادکش مخصوص و از مقابل ذریعه او له هائی صورت خواهد گرفت که در حقیقت بموض رادیا تور موجوده خواهد بود.

چرخ ها کاملاً در میان پوش فلزی پنهان بوده، فقط حصه زیرین آنها که با زمین تماس دارد و عبارت از را بر بسیار عریض (چهار چند را بر های موجوده) و بر باد است، بنظر خواهد آمد. و حصه عقب موتز بشکل دم طیاره به ته ریج خم و به يك برجسته کی نوک تیزی منتهی خواهد شد که در

آن چرخ فانتو و لوازم موتور یا سفرجا داده خواهد شد. این موتورها فوق العاده طولانی و بطور اوسط میان ۶ تا ۱۰ متر طول و عرض آنها عموماً ۲ تا ۳ متر خواهد بود و پشت خمیده داشته، بکمال ظمانیت و سهولت مسافت ۲۰۰ کیلومتر را در ساعت طی کرده خواهد توانست. خطرات جاده‌ها نیز از سبب انتظامات مختلفه که در آن جاده قطع تمام درختان دور جاده‌ها نیز شامل است، تا اندازه زیاد تقلیل خواهد یافت.

بخیال اشخاص موصوف، تازه سال دیگر تغییرات بزرگی در ساختمان شهرها و راه‌ها رخ داده طوری تعبیر خواهند یافت که از هر جهت موافق به ایجابات عصری و از آن جهت مطابق ترقیات موتور باشد؛ خانه‌ها بزرگ گردیده، در تمام چهارراهی‌ها برای پیاده گردان، راه‌های هوایی که از بالای سربك عبور بکنند ساخته خواهد شد. و اینقسم بالاخره سربك‌ها کاملاً برای رفت و آمد عرابه‌ها اختصاص خواهد یافت.



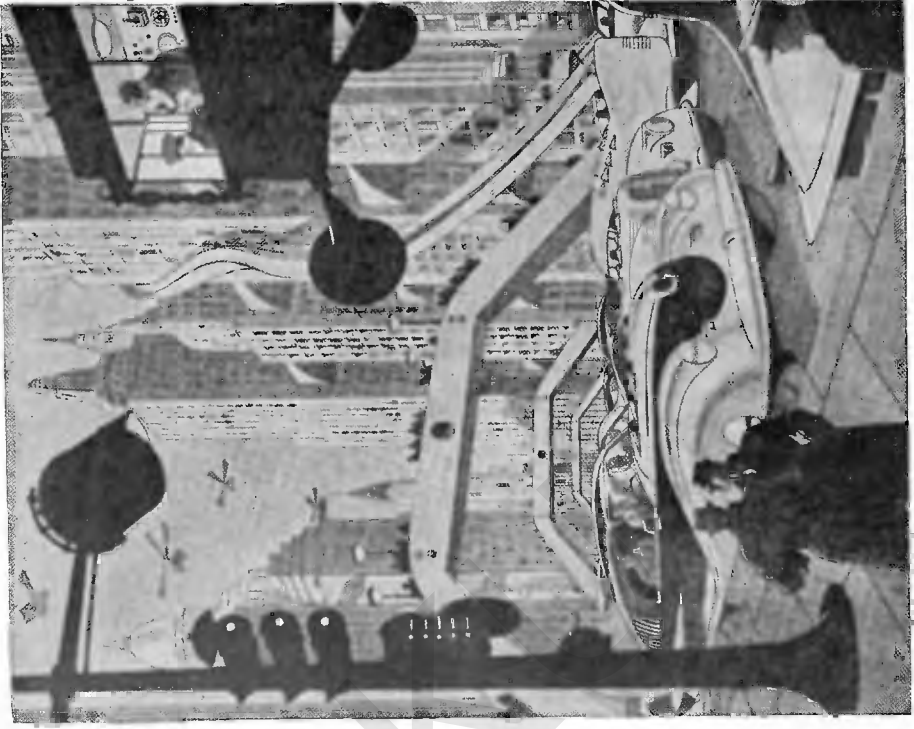
پلیس سکوی حقیرانه اسروزه خود را ترك گفته در قفسه‌های شیشه‌ای کوچکی قرار خواهد گرفت که از آنجا تمام جریانات جاده را مراقبت نموده بواسطه حرکت دادن دکه‌ها و آلات مختلفه، رفت و آمد‌ها را اداره نموده و اواصر زبانی او بواسطه آلات بزرگه کننده صدا به اطراف منتشر خواهد شد و هم شاید طوری ترتیب گرفته شود که افراد پلیس از دفتر عمومی پلیس، جاده‌های مختلفه را اداره بنمایند.



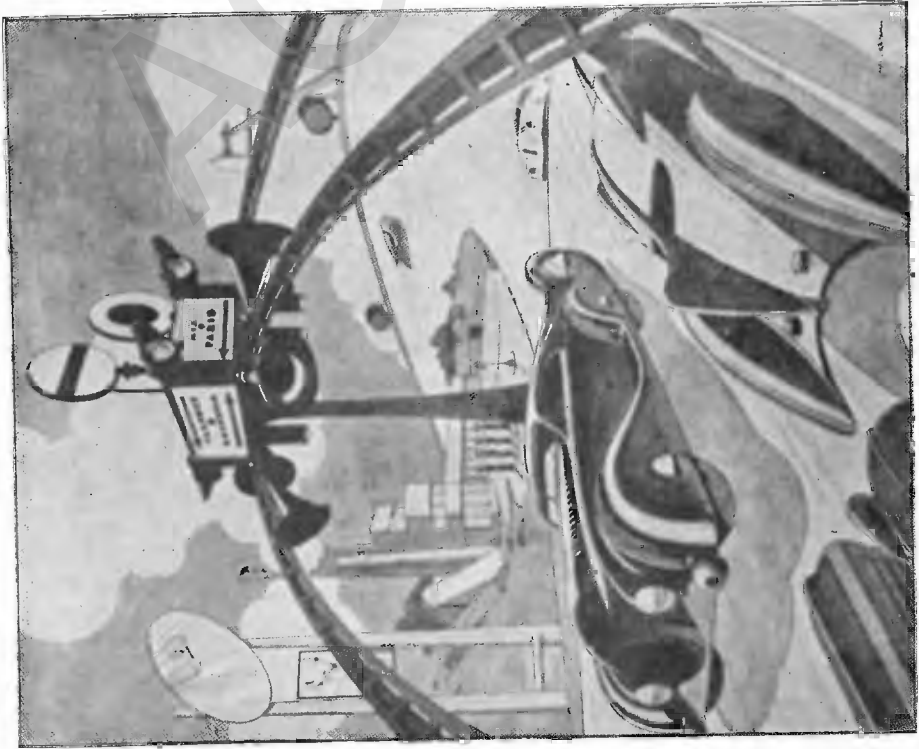
که میدانند که انتظام آمد و رفت جاده‌ها به واسطه امواج برق صورت نگیرد؛ و هیچ محال نیست که در مدخل راه‌های جدید زیر زمینی موتور آله مخصوصی نصب کرده، و بواسطه آن وضعیت هر موتور در روی صفحه شیشه‌ای پرده‌سینما، عکس برداشته شود یا قتیکه بلندی يك موتور بار کشتی، از ارتفاع سوراخ يك تونل زیاد تر باشد، همان حصه که از سوراخ تونل تجاوز می‌کند يك شعاع این آله را که در مدخل تونل نصب است قطع کرده، و این کیفیت بر آله بزرگه کننده صداها تأثیر نموده، خود به خود او از بلندگوشته نزدیکی خطر را به راننده موتور خاطر نشان بسازد. و نیز می‌توان پیش‌گویی کرد که علامت جاده‌ها نیز بهمین شکل تبدیل یافته، در وقت نزدیک شدن خطر، بذرینه روشن شدن چراغهای رنگه در داخل موتور یا گل شدن ماشین موتور، از خطر مزبور موتور نشینان پیش‌بین کرده شوند.

موتورهایی که در بالا دیده میشود اختراع جدید بوآخیم کولبه آلمانی است که ماشین موتور درختم و بیچ‌های راه بطرفیکه موتور دور می‌خورد خود بخود کج شده ارچه شدن آن جلو گیر میکنند

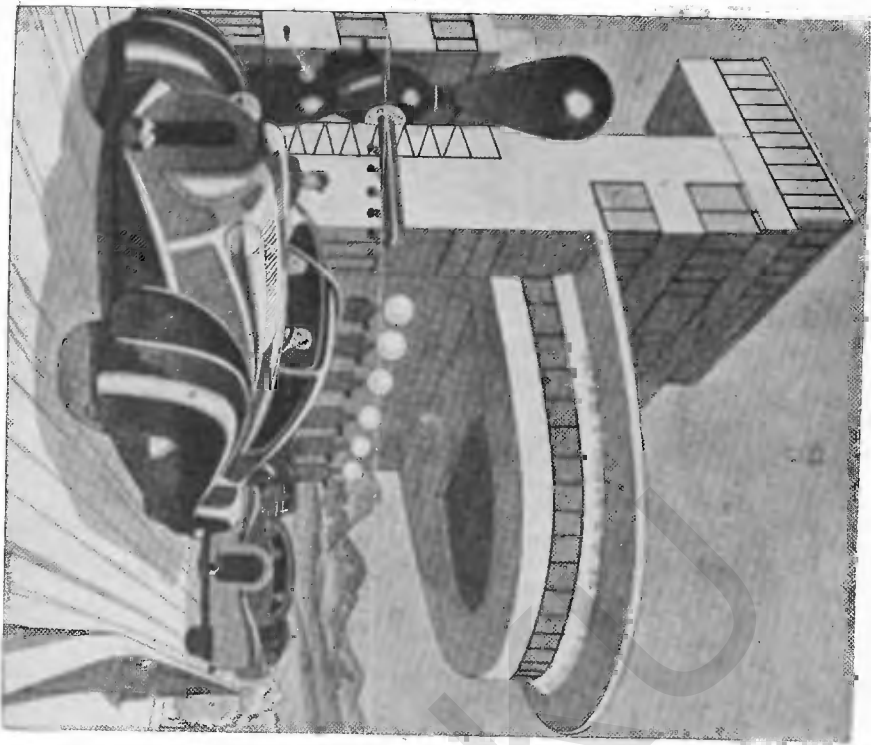
اما در آن صورت پهلوی راه‌های موتور هم به مثل خطوط آهن، پایه‌های سمنتی و ملاحظه خانه‌ها، لوحه‌های هر رنگه، وجود پیدا خواهد کرد!



شکل آینده: علامات جاده. ما که تا ما برق خواهد بود



منظره یک جاده راهی شهرهای آینده. و انتظام عبور و مرور



نخستین تیل و لوله دادن راننده های موتور (در آینده)



موتورهای آینده که تنه های درخت را دارد

اختراعات و کشفیات

اختراعات

در سال ۱۳۱۴

شیشه یکطرفه

از شکفت آورترین اختراعات جدید شیشه میباشد که از یکطرف خیره و از طرف دیگر شفاف است و آنرا يك مخترع انگلیسی در دسترس عامه گذارده که از یکطرف فقط نور را عبور داده و از طرف دیگر کاملاً خیره میباشد. همین ملاحظه آنرا شیشه « یکطرفه » مینامند.

مخترع این شیشه سحرآمیز یعنی مستر (سمرارکو - برکاس) را تمام دنیا در اثر کشف خاصیت الکتریکی برضد رنگ آهنی میشناسند اختراع اول او عبارت بود از ورقه نازک فلز که بروی آهن قرار میگرفت. و جریان ثبت مختصری داشت. در شیشه یکطرفه هم يك ورقه فلزی موجود بود. که بسیار نازک است.

جهت اینکه انسان از درون اطاق بتواند تمام اطراف را براحت ببیند و از خارج درون آن دیده نشود به توسط این شیشه عجیب ممکن و عملی میشود هر کجا که پنجره ها را به این شیشه جدید مسلح کرده اند به خوبی مشاهده شده که میتوان کاملاً از پشت آن همه طرف را دید و روشنی خوبی میتواند وارد اطاق شود در صورتیکه مردمان جستجو کننده که میخواستند داخل اطاق را مشاهده کنند مانند آئینه کامل در شیشه یا عکس خود یا عکس اشیای مجاور را میدیدند - قسمتی از این شیشه ها طور است که بدون صدای شدید و بدون تبدیل شدن به قطعات ریزه میشوند و این نوع شیشه برای موترها بسیار خوب است از طرف دیگر بر قصد پرویا کند و اعلان ممکن است از شفافیت و خاصیت آینه آن استفاده نمود.

قیمت شیشه یکطرفه ارزان و شفافیت آن هم کامل، و ممکن است برنگ های مختلف از قبیل سبز و قرمز و سی و غیره ساخته شود در صورتیکه به جای شیشه دروازه استعمال شود به خوبی جانشین پرده و تورو سایر چیزها نیکه پشت پنجره ها و دروازه میکنند ارند میشود.

کاغذ از سنگ ریشه

در آلمان يك بروفیسراز سنگ ریشه بساختن چنان يك کاغذ عمده و شفاف موفقی شده، که از عقب آن خطوط به خوبی خوانده شده و در عین حال بالای آن به نهایت خوبی تحریر شده می تواند. از همه عجب تر اینکه از احتراق آبد آذر آن دیده نمیشود و حتی اگر اسناد و اوراق را در آن بیچید. بانس بیکنند و او اینکه آتش بسیار تیز باشد اثری بر آن ندارد کرده نمیتواند.

طیاره بی صدا

آله در پاریس ایجاد شده که آوازه های رعد آسای طیاره را یکی خاموش و ساکت می سازد. طیاره های یک از مهیب آن از فاصله تقریباً (۸۰۰) متر ارتفاع بر زمین شنیده میشد اکنون در اثر تجهیز این آله جدید الا اختراع

تا ۷۰ متر ارتفاع نیز محسوس نمیشود. این ایجاد از نقطه نظر عسکریت حائز اهمیت بزرگی شناخته میشود زیرا تا این اوقات برای هجوم طیارات برخاک دشمن بنا بر همین آوازه های بلند که قبلاً، احساس می گردید، تدابیر تدافعی گرفته می شد اما امروز آوازه طیارات بوسیله آن آله بکلی رفع میشود، درینصورت هجوم طیارات بصورت آبی و ناگهانی صورت خواهد گرفت.

تلیفون مصور

مختصر عین از مدتی به اینطرف احساس کردند که ممکن است تلیفونی ساخته شود که از فاصله هزارها میل بذریعۀ آتف حرف شنیده شود، و هم مخاطب و متکلم باکمال وضوح دیده شود، مارکونی که از علمای بزرگ ایتالوی است در مصاحبه بایک روز نامه نگار انگلیس از چند اختراع حیرت آوری صحبت داشته است که درجه اول آنها فونوفون یا تلیفون مصور است و گفته است که این اختراع در آتیۀ خیلی نزدیکی که شاید از یکی دو سال تجاوز نکند در دنیا تعبیم خواهد یافت.

ماشینی که گل تقدیم میکنند

در برلین ماشینی ساخته اند که اگر نیم مارک در آن بگذارند یکسۀ گل از خود بیرون میدهد.

دور بین جدید بحری

بحریۀ فرانسه موفق به اختراع دور بین دقیق بحری شده که تا ۴ کیلومتر مسافت را بخوبی دیده و تشخیص کرده می تواند و ضمناً آله مذکور هادی کشتی نیز میباشد.

برای انتقال روز نامه صحفۀ روز نامه را به چهار قسمت تقسیم میکنند و هر قسمت را در مقابل دستگاه فرار میدهند این قطعه عیناً بوسیله تصویر لکتربیکی بهر جا که بخواهند منتقل میشود.

انتقال جراثیم بوسیله تلیفون

آله «تالو بیون» البته در نظر خوانندگان معروف است و میدانند که عکسها و مکاتیب و غیره از راه نور بوسیله این آله که یکنوع تلیفون است ارسال میشود:

اخیراً موسسۀ تفحصات علمی پست و تلگراف شوروی آله جدیدی که ازین نوع است اختراع کرده که برای انتقال صور و غیر آن بفواصل زیاد بکار میرود این اختراع جدید بآدستگاههای دیگری که از نوع تلیفونکن است بواسطۀ قابلیت که برای انتقال به نقاط دور دارد فرق و اختلاف بسیار دارد دستگاه جدید برای انتقال جراثیم از نقطه به نقطه دور دیگری بکار خواهد رفت زیرا فوق العاده حساس است ولی البته یک نوسرۀ روز نامه فوراً و دران واحد ارسال نخواهد شد بلکه مثلاً یک روز نامه چهار صفحه در شانزده قطعه ارسال میشود مهندسان شاید بیش از یک ربع ساعت طول نخواهد کشید که صدها فرسخ را طی کرده و بطرف مقابل برسد.

برای کسی که روز نامه ارسال میشود قطعات آنرا نمبر وار ترتیب میکنند و در نتیجه روز نامه را که بواسطی بفاصله چند روز میتواند بدست بیارد بفاصله چند دقیقه پس از انتشار میتواند بدست بیارد یا اگر روز نامه مهمی باشد فوراً ممکن است این قطعات قابل اتصال مبدل به کلید شده بطبع برسد و منتشر شود مثلاً روز نامه که صبح ساعت (۵) در نیویارک منتشر شده عیناً در ساعت (۹) همان روز در پاریس ممکن است منتشر گردد این دستگاه هم بوسیله سیم میتواند کار کند و هم بوسیله بی سیم.

بخار خنك

تاکنون در بمالك از بخار بوسیله لوله های خاصی برای گرم کردن اطافها وغیره استفاده میکردند و این امر تعجبی نداشت ولی عجب اینست که اخیراً مهندسين و مخترعين طریقه کشف کرده اند که هر کس این لوله های بخار را در منزل یا موسسه خود داشته باشد میتواند به میل خود به بخار گرم از گرمی استفاده یا با بخار سرد هر جا را که مایل است خنك کند.

در ۱۷۵۵ (ولیم کالن) دانشمند انگلیسی آله ساخته بود که به آن یخ مصنوعی بوسیله بخار تهیه میشد. مبداء و اساس اختراع اخیر همین اختراع ولیم کالن است.



آله سرد نگه داشتن اغذیه



قایق کوچک با ماشین برقی

آله شناوری در سطح آب

در آلمان آله جدید شناوری که مثل لباس است اختراع گردیده است. بذریعہ این آله یا لباس شناوری جدید می توان بروی آب ایستاده و حرکات متعدد را اجرا نمود این لباس جدید شناوری عبارت از یک جاکتی است که در آخر آن حلقه نجات از غرق شدن وصل است در زمان شناوری شخص شناور تا نصف جسد در آب فرو رفته حرکت میکند. شناور مذکور برای سهولت به پایهای خود برهای علیحدہ وصل میدارد و برای تبدیل استقامت پیچہ های کوچک در دست گرفته بذریعہ آن سهولت تام میتواند حرکت نماید. لباس جدید از نقطه نظر حریمی خیلی ذیقیمت و با اهمیت میباشد.

هم طیاره و هم موتر

شرکت (اتوژیر) سازی امریکا اتوزیرهای جدیدالذمتری که هم طیاره و هم موتر است به چندین قسم ساخته است این طیاره جدید از قسم اتوزیر بوده بواسطه بالهای دوار مستقیماً از زمین بلند شده میتواند و ۴ چرخ دارد و بالهای آن نیز قابل قات شدن بوده در غلاف کوچکی جای میگردد - و شکل عمومی طیاره به مثل موترهای عادی بشود و آنوقت در روی زمین عیناً مثل موتر حرکت نموده دو نفر در آن می نشینند .

این اختراع جدید که از نقطه نظر عام شدن طیاره خیلی قیمت دارد در جامعه امریکا خیلی با دلچسپی تلقی شده همه انتظار عام شدن آنرا دارند در عین حالیکه هم کار طیاره و هم کار موتر را بخوبی می دهد راندن آن در هوا و زمین خیلی آسان و شبیه به اداره موترهای عادی میباشد و در زمین میتوان آن را در موترخانه های معمولی جای داده و در وقت ضرورت بواسطه فشردن چند دکمه دفتماً بالهای آن باز شده از همان نقطه بهوا بالا میشود .

ساعت برقی

ساعت هجیبی اختراع شده که در کشتی ها تیکه دور دنیا گردش و سیر میکنند بکار گذارده میشود و در هر نقطه از نقاط دنیا که کشتی منور سیر میکند ساعت مذکور وقت همان نقطه را بدرستی و بدون کم و زیاد می نماید نباید پوشیده باشد که وقت به نسبت امکته و نقاط مختلفه دنیا اختلاف پیدا میکنند مثلاً وقت کابل با وقت پاریس و لندن اختلاف دارد و اشخاصیکه با کشتی مسافرت نموده اند میدانند که در هر نقطه آگزیر بوده اند که ساعت خود را بر حسب خود همان نقطه اندکی پیش یا پس ببرند . ساعت مذکور صاحبان کشتی ها را از پس و پیش بردن هر يك ساعت آسوده و وقت هر کجا را در نهایت درستی و صحت نشان میدهد .

طلای مصنوعی

تجربیات جدیدی که در (سان ریو) توسط مویو (دونیکو سکی) میشد و متبحرترین علما از دورو با تردید عملیات او را بر روی میکردند منجر به نتیجه آتقدر غریب گردید که اشخاص خبیر را مبهوت کرد - بعد از ۸ روز تجزیه دقیق و وزن با میلی گرام و محاسبه و مقایسه شخصی نظارت کنندگان این نتیجه رسید که اشعه (ز) از طریق معمولی استخراج و تولید طلا را صد برابر زیاد تر میکنند مشارالیه در راپورت خودش امکان هر نوع تقلبی را رد کرده میگوید در تمام مدت عملیات غیر ممکن بود حبله یا تنلی صورت بگیرد زیرا ربکی که از زیادی طلا عجب ترین و کاملترین نمونه درآمد شخصاً در پاریس آن را در جبهه ریخته و در جیب خودم آن را آوردم ریک مخلوط با طلا را با هر ریک دیگری مورد عمل قرار می گرفت بدو قسمت ممتاز تقسیم کرده يك قسمت از آن را همان حالت اولیه برای اثبات قضیه نگه داشته و قسمت دیگر را تحت اشعه (ز) قرار میدادم نتایجی را که نظارت کننده منور راپورت داده بقرار ذیل است :

من خودم ربکهای را که از پاریس آورده بودم مورد عمل قرار دادم و همچنین باخاکی که خودم همان موقع از روی زمین برداشتم عمل کرده تمام لوازمات و تمام مواد عامله را خودم انجام دادم عملیات تماماً پیش من انجام گرفت و بدون اینکه مخترع مذکور به اسباب هادست برسد یا نزدیک بشود عملیات عمده بدون حضور مشارالیه و توسط خودم انجام گرفت باین شرایط اصولاً میتوانیم تصدیق کرد که هیچ نوع تقلبی نشده و نتایج حاصله از تمام عملیات کاملاً قطعی بوده و بقرار ذیل میباشد :

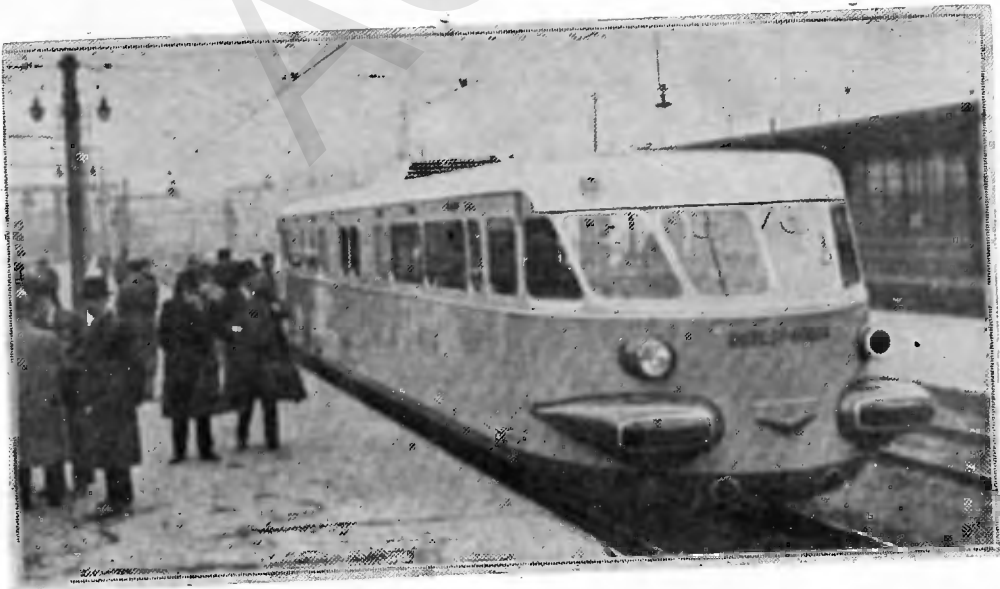
از اختراعات جدید



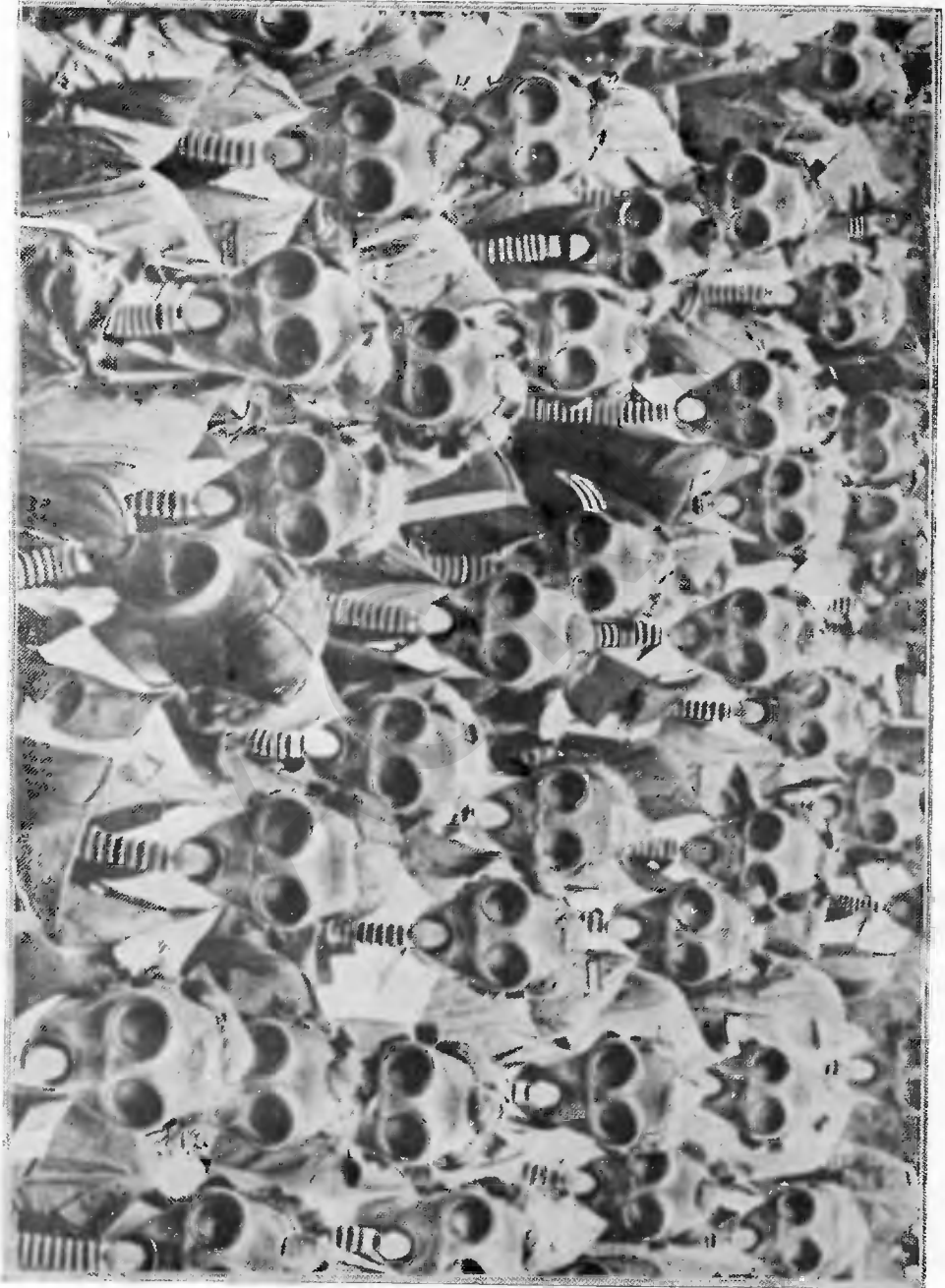
ترموای جدیدیکه بسوخت روغن ثقیل حرکت میکنده و ۴۰۰ اسب قوت دارد .



قطار بخاری تیز رفتار که مطابق مقاومت هوا ساخته شده



ترموای برقی تیز رفتار



آیا منظره انسانی فریاد است ؟ یک دسته از زنان جوان انگلیسی که همیشه همراهی می کنند و ماسک های ضد گاز پوشیده اند .

اختراعات

نجر به اولی، خاکی که تحت تاثیر اشعه (ز) قرار نگرفته ۲۸ گرم از مرطن طلا میهد همان خاک و قتیکه تحت تاثیر اشعه (ز) قرار گرفت ۴۰۹ گرم طلا در مرطن میهد.

نجر به دوم، خاکیکه تحت تاثیر اشعه (ز) قرار نگرفته ۱۰۰۳ گرم در مرطن طلا میهد همان خاک و قتیکه تحت تاثیر اشعه مذکور قرار گرفت ۵۲۶ گرم در مرطن طلا میهد.

نجر به سوم، خاکیکه تحت تاثیر اشعه (ز) قرار نگرفته (۱۱) گرم در مرطن طلای خالص میهد همان خاک و قتیکه تحت تاثیر اشعه (ز) قرار گرفت ۸۰۹ گرم طلای خالص در مرطن میهد.

ماشیندار برقی

یک ماشیندار برقی را بکنفر عسکری انگلیسی ساخته است که در یک دقیقه (۱۵۱۴) فیر می‌کند، وزن ماشیندار مزبور با آله برقی آن ۲۷ پوند (پاو) میباشد که از وزن ماشیندارهای معمولی خیلی سبک است. ماشین مزبور ذریعه هر دو قسم رو برقی چالان شده در یک مقام استحکام دائمی خوب کار میهد. سرد کردن میل آن ذریعه هوا و هم ذریعه ادویه کیمیاوی که از سرد ساختن میل ذریعه آب بدرجه‌ها بهتر است. بعمل میآید سرعت فیر این ماشیندار دو چند سرعت فیر ماشیندارهای معمولی میباشد ماشیندار مزبور فعلاً ساخته و امتحان شده و به خوبی کار میهد.

رادیو دیبل فینکاتور

در ممالک فرانسه و آلمان و ایتالیا و انگلستان بسا اشخاص هستند که بوسیله اشعه رادیو به جستجوی معادن تحت الاراضی و امراض داخلی و جود انسانی بدل مساعی دارند.

حکومت آلمان امسال دایر به این مسئله یک موسسه خصوصی کشوده و این علم درین اواخر یک موقبت مهم خارق العاده ابراز نموده است چنانچه معادن و خزائن مدفونه که تحت اراضی ابداء به چشم دیده شده نمیتوانند بذریعه امواج اشعه رادیو و بوسیله طیارات کشف کرده می شود مخصوصاً حکومت روسیه درین رشته بیش از همه دول انهابک داشته و طوریکه به ملاحظه میرسد نسبت به دیگر دول جلو تر میباشد چه حکومت مشارالیها برای کشف خزائن و معادن زیر زمینی مفرزه های مخصوص طیاره را تشکیل داده است که بر حسب اصول اشعه رادیو مشغول مساعی می باشد و بهر کدام ازین طیارات یک بکنفر متخصص تعیین و مقرر است که این متخصص از ماهرین آله «رقاص» هستند قرار معلوم بذریعه آله رقص مناب آب و خزائن معدنی و غیره را در زیر زمین و امراض و خسته گیهای مختلفه را در وجود انسان کشف و بازیافت داشتن کار آسانی نبوده است چه برای حرکت دادن آله مذکور وجود یک حساسیت مخصوص در جمله عصبیه لازم می باشد انسانها تنها فیصد ۳۵ - این موجه های غیر مرئی را ضبط کرده میتوانند در غیر آن حتی ماهرین فن یا کارگران آله رقص نیز مصدر خطاهای بزرگ میشود و آله مذکور خود بخود میتواند با ایشان تلقین نماید - اگرچه بوسیله تلقین هرگونه حرکتی که تصور کرده شود ممکن است به رقص داده شود مگر منافقانه بسا دفعات اکثریة عمل کنندگان همچو خطاها درآمده اند.

اینک بکنفر بیطار تورک «سامول آی سوی» که یکی از بروفیسرهای موسسه زراعتی (انقره) است اخیراً برای ازاله این نقص، با ایجاد یک آله احراز موقبت نموده است که نام آن (رادیو بیلی فینکاتور) است آله مذکور موجه های هر یک جسمی (از قبیل معدن نبات حیوان انسان گوشت آب شیر تخم دوا و سرومهای امراض و غیره) را که بان نشان داده شود جمع میکند. رقص این آله بر روی یک لوحه مسی که دارای برق است آویخته شده است. برای حرکت دادن رقص مذکور گذاشتن یک انگشت بر بالای لوحه مذکور کافی است.

این رفاص مطابق آرزوی انسان ابداً حرکت نکرده مخصوصاً در تحت موجه های اجسامی که بمرض معاینه گذارده میشوند به حرکت می افتد. بوسیله این آله امراض مختلفه انسان نبات و حیوان تشخیص و گوشت و شیر و خون و مرسوم و ادرار معاینه شده میتواند.

دستگاه عکاسی

در اداره صبحه ولایات متحده امریکا دستگاه جدیدی برای عکاسی از اشعه که سرعت فوق العاده عکس اشعه را بر میدارد ساخته اند. درین دستگاه يك شیشه یا فلم را گذاشته و آفلم برای عکس برداری یکصد نفر کافی است و مخارج آن کمتر از يك دلار و مخصوصاً برای ادارات صحتی و علمی مفید است.

آله مقیاس سرعت سیر بائسکل

در امریکا دستگاهی برای تعیین اندازه سرعت سیر بائسکل ها در هنگام حرکت ساخته اند که مانند دستگاه تعیین سرعت سیر موتور می باشد. زیرا جوانها و اطفالیکه بائسکل سواری میکنند خیلی مائل هستند که تیزی حرکت خود را در بائسکل سواری بفهمند و این دستگاه میل آنها را انجام میدهد.

ماشین طبقه بندی تخم مرغ

ماشین جدیدی برای طبقه بندی تخم مرغ اختراع کرده اند که برای اولین دفعه در بازار نائشگاه لائیز یک به معرض نمایش گذارده شده و در این زمان از جالب ترین قسمت های بازار نائشگاه مذکور است این ماشین با قوه برق و بخودی خود کار میکند بنابراین هزارها تخم مرغ را که باندازه های مختلف بوده و در محل مخصوصی ازین ماشین میریزند ماشین مزبور آن تخمها را متدرجاً بر حسب اندازه و وزن مقرر تفکیک و تقسیم میکند یعنی بیضهها مرتباً از مقابل استامپ های که در آن ماشین قرار گرفته عبور میکنند هر قسمت از استامپ ها بعد کور برای يك طبقه از تخم مرغ هاست و بروی آنها علامت مخصوصی میکند. وقتیکه تخم ها جریات ماشین را طی کردند و به چهار طبقه تقسیم شده بروی تخم های هر طبقه علامتی هست که معلوم میدارد تخم مرغ مذکور از کدام طبقه می باشد. این ماشین در هر ساعت ده هزار تخم مرغ را به ترتیب فوق طبقه بندی میکند.

مه غلیظ

برای عساکر ابطاوی اخیراً گاز جدیدی اختراع کرده اند که توایده مه غلیظی کرده و در بنای مه حلات و اقدامات عساکر بعمل می آید.

مسواک و خمیر دندان

در یکی از کارخانه های دواسازی دندان، لوله تازه که محتوی خمیر دندان است ساخته و مسواک را هم در داخل لوله قرار داده اند چنانکه هر گاه بزیر لوله فشار آورده شود مسواک با مقدار لازم خمیر دندان که روی آنست از دهانه لوله بیرون آمده و برای پاک ساختن دندان مورد استعمال قرار داده میشود.

طبخ بوسیله نور آفتاب

داکتر (چار نرج) یکی از اعضای انجمن علمی «سامیز نی» اخیراً اجاق اختراع کرده که بوسیله آن میتوان هر قسم غذایی را با نور آفتاب طبخ نمود این اجاق هیچگونه مخارجی نداشته و در عین زمان حرارت فوق العاده از نور آفتاب تهیه کرده در مدت کوتاه غذا را طبخ میکند. درجه حرارتی که تولید میشود معادل ۴۰۰ درجه فارن هایت است. طریقه اساسی اختراع مربوطه با استعمال شیشه های محدب بوده که بوسیله ترکیب مخصوص آن اشعه آفتاب در یک نقطه تمرکز یافته نتیجه مطلوبی از آن بدست میآید. طبخ بوسیله اجاق مذکور با کمال نظافت انجام میگردد اما استعمال آن منحصر به مناطق حاره بوده و در مناطقی که نور آفتاب آنقدرها قوی نیست از استعمال آن نتیجه خوبی بدست نمی آید.

اشعه برق بجای گلوله



یکی از مخترعین فرانسه اخیراً تفنگچه اختراع نموده که میتواند بجای گلوله طرف مقابل را هدف اشعه برق قرار دهد. آله مزبور از طرف مقامات نظامی آن مملکت نیز معائنه و معلوم شده که برای مقاصد حربی خیلی مفید میباشد. این تفنگچه عجب همچنین یک نور فوق العاده قوی و خیره کننده را بجانب دشمن میتواند پرتاب کند که تا مدتی موقتاً او را نابینا ساخته از اجرای عملیاتش باز دارد و نیز در موقع فیر مواد گرد آسایشی از آن خارج و نور آن که بچندین مایون قوه شمسی بالغ است بسیار سوزناک و کج کننده میباشد. حیواناتیکه مورد آزمایش این تفنگچه واقع شده اند فوری بزین افتاده تا مدتی بیهوش و نابینا بوده و بعد تدریجاً بیهوش آمده اند. مخترع مزبور مدعی است که میتواند آله مذکور را بدرجه وسعت و عظمت دهد که برضد مهاجمین هوائی نیز مورد استفاده واقع گردد. چه بواسطه اشعه سوزناک و خیره کننده آن ممکن است بیلوتهای نظامی دشمن نابینا ساخته و زمام اختیار طیاره را از دست شان خارج و در نتیجه موجبات سقوط طیاره را فراهم سازد و نیز طبق اظهار مخترع مذکور استعمال این اسلحه نور انداز بر علیه قوای پیاده عسکری هم امکان پذیر میباشد.

تفنگچه عکاس

تفنگچه (۶) تیره که یکی از بولیس های مری امریکا اختراع نموده در زیر آن کمره عکس است که در یک ثانیه ۱۶ عکس میگیرد. بدوجه وسعت و عظمت دهد که برضد مهاجمین هوائی نیز مورد استفاده واقع گردد. چه بواسطه اشعه سوزناک و خیره کننده آن ممکن است بیلوتهای نظامی دشمن نابینا ساخته و زمام اختیار طیاره را از دست شان خارج و در نتیجه موجبات سقوط طیاره را فراهم سازد و نیز طبق اظهار مخترع مذکور استعمال این اسلحه نور انداز بر علیه قوای پیاده عسکری هم امکان پذیر میباشد.

ماشین چاپ خود کار

ماشینی جدید اختراع شده که بوسیله آن مراسله که در یکی از شهرها نوشته میشود بلافاصله در شهر دیگر نسخه از آن بر روی ماشینی که مانند ماشین تحریر است دیده میشود اختراع فوق در تسریع معاملات

تجارتی اهمیت و ارزش زیادی دارد - این ماشین که (تله تایپ ادیتر) نامیده میشود مثل ماشین تحریر کار میکنند هر اسلحه که در یکی از شهرها تایپ میشود در سایر شهرها فوراً نوشته میشود.



ماشین کتاب خواندن کوران

موسسه فیزیک اکادمی علوم اوکراین (روسیه) ماشینی ساخته که بکمک آن کوران میتواند همه کتابهای چاپی معمولی را بخوانند - کتاب را زیر میکروسکوپ مخصوص میگذارند و روی صفحه قرار میگیرد که بوسیله یک موتور حرکت میکند - و از جهت خط کتاب حرکت مینماید دو چراغ برق قوی روی هر حرفی روشنائی شدید می اندازند و در عین حال تصویر بزرگ شده حرف روی عناصر عکس الکترونیکی می افتد که مربوط به لامپهاست که تصویر را بزرگ میکند - هنگامیکه حرف از زیر میکروسکوپ میگذرد روشنائی عناصر عکس ضعیف گردیده جریان برق در جدار لامپ بزرگ کننده شدید میشود و همشایر یک آله قابل ارتعاش را بلرزه در میاورد.

ارتعاشات مزبور بیک میخ انتقال داده میشود که سر آن بانگشتان خواننده مربوط فیثا شد - در موقعیکه آخر یک خط زیر میکروسکوپ میگذرد ماشین خود بخود کتاب را به موقعیت اصلی رجعت داده فوراً آنرا جایجا میکند بطوریکه اول خط بعد زیر میکروسکوپ واقع میشود.

آله از سال نطقها

بواسطه این آله خطابهها در ظرف ۴۵ ثانیه از کالی (فرانسه) به دور (انگلستان) میرسد

برای اولین بار یک نفر کور که لال و کر بود بکمک این ماشین خواننده و حرکات آهسته کتابها و اجازه میداد که سایر حروف مختلف را بطور دقیق تشخیص بدهد.

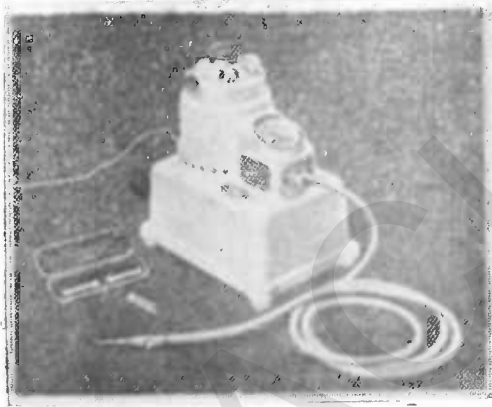
آله کشیدن کشتیهای مغروق

سابق بر این اگر یک کشتی در قعر آب فرو میرفت بیرون آوردن آن فوق العاده مشکل بود و کشیدن آن مدت ها بطول می انجامید - اخیراً در آلمان دستگامی اختراع شده که بوسیله آن سهولت میتوان کشتیهای مغروق را از قعر آب بیرون آورد - این دستگام برای اولین دفعه در مورد غرق یک کشتی کوچک تجاری در حدود بندر (اشتین) آلمان تجربی شد - کشتی این دستگام که شبیه به جر اقبال است یک عدد میتواند بدرون

آن نشسته و بقر آب بروند و زنجیر های مخصوصی را به کشتی مفروق بسته کرده و کشتی را از آب بیرون کنند .

شیشه محکم

در یکی از کارخانه های شیشه سازی (توله دو) امریکا نمائشی دانه شد و یک عدد کلوله فولادی که بیشتر از یک پوند وزن داشت از ارتفاع دو متر افتاده و بیک صفحه از شیشه بر خورد، بدون آنکه علامتی باقی گذارد. مجدداً بالا بریده و دفعه دیگر از ارتفاع ۳ متر بر روی شیشه افتاد - این دفعه شیشه تنگ شده ولی نه مثل شکستن شیشه معمولی بلکه در آن واحد به پارچه های گردنی خطری مبدل شد - این شیشه های جدید که بواسطه تنفیج هوای مردم در حال ذرب تهیه میشود بنا بقول متخصصین ، بقدر نصف فولاد دوام دارد و قوه فزری آنها سه برابر فولاد بیشتر است .



آله برقی برای رفع پرده چشم

چشم مصنوعی

در مکتب طبیعیات شهر کیف و اوکراین (روسیه) اختراع جدیدی بعمل آمده و آن عبارت از چشم مصنوعی است که به چشم انسان می نهند - انسانیکه چشمش کور شده باشد بوسیله این چشم ساختگی ، خواننده میتواند - این چشم مصنوعی عبارت از مکر و فون و فوتوگرافی برقی میباشد - آوازیکه از آن حاصل میشود به دماغ رسانده میشود - از تجاربیکه در آن خصوص شده معلوم میگردد انسانیکه حواس او بجا باشد و اندک تریه طریق خونندن به او بشود میتواند بسهولت مکاتب را بخواند .

طیاره بی بال و پروانه

درفرانسه مشغول به تبحر به و تکمیل چنان یک طیاره میباشد که بدون بال و پروانه میباشد - مخترع این طیاره (بال دو یزدی رولکهام) یک نفر بلجیمی متقاضی هدایام حزب است . نامبرده در موقعیکه امتحان این اختراع خود را مینمود از فضا افتاده و شد بدآ مجروح شده بود . قراریکه نمائنده زوز نامه «نیویارک تاگز» درینخصوص معلومات کرده ، حکومت فرانسه این اختراع را خریداری کرده و تا حال دو عدد آنرا مکمل و بمقام (امی لی مو ابنی) تحت تجارب امتحان قرار داده است وزن هر کدام این طیاره خصوصی اضافه از ۹۰۰ پوند بوده و سرعت رفتن آن یکسوم هزار فیت در یک دقیقه میباشد . طیاره مذکور علاوه بر بال و پروانه از ماشین موتورری مانند سایر طیارات نیز بی نیاز میباشد بلکه دارای



«کبک فضائی» یا طیاره کوچک شخصی (که بیشتر به گنجشک می مانند تا به کبک)

چند اجاقیست که در آن تیل خاک سوخته و ذریعه حرارت

همان تیل قوه بر و از را حاصل می کنند لیکن تا حال طیاره مذکور کامیاب نشده و نجارب آن ذریعه مخترع آن و چند نفر انجنیر های معروف فرانسه جاری میباشند .

بالونی که بصورت پاراشوت تبدیل میشود



یک رقم جهاز از هوایی جدید در روسیه ساخته شده که نصف آن جهاز هوایی و نصف آن پاراشوت میباشد امتحان آن بعمل آمده و کامیاب ثابت گردیده است جهاز مربوط ۱۷ هزار فیت در فضا بلند شده و فتنیکه بیلوت غت ز بالون را رها کرد ، بالون منور بصورت پاراشوت تبدیل یافته بز زمین فرود آمد .

آله نجاری

یک نفر از مهندسین آله جدیدی اختراع نموده که صنعت نجاری را فوق العاده سهل و آسان کرده است ؛ این آله بواسطه قوه بخار حرکت میکند و موجب حرکت چندین جهاز دیگر میگردد باین معنی که در یک موقع جهاز تخته کردن و سوراخ کردن و بعضی جهازات دیگر با هم حرکت و کار میکنند .

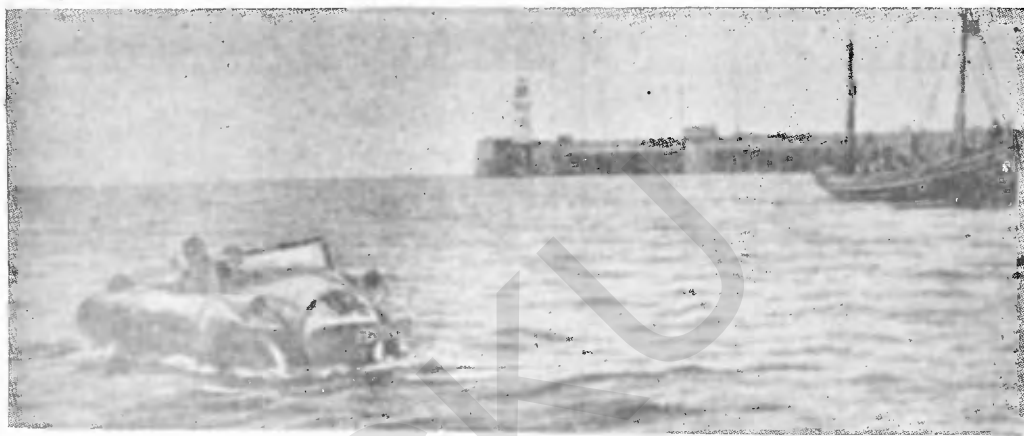
خانه سیار

اخیراً یک نفر منزلی ساخته است که ممکن است آن را مانند صندوقی که جنب اتومبیل مینندند در هر بیچید لیکن موقفیکه آنرا باز کنند ده مقابل حجم درم بیچیده اش میگردد و داخل آن دارای دو عدد تخت خواب و یک عدد میز غذاخوری است .

این منزل برای سیادان که در بیابانها و کوهها (خصوصاً اشخا صیکه در جنگل های دور از آبادی) بشکار میروند فوق العاده مفید است و همچنین برای کسانی که محض تفریح بد هکده هائی که دارای اتومبیل زندگیانی نیست مسافرت مینمایند مفید میباشد .

هم موتر هم کشتی

جاکوب بولنگ و رزش کار آلمانی موتری اختراع کرده است که هم بروی زمین گردش مینماید و هم بدون هیچ ترتیبات علیجده داخل آب شده مانند قایق های موز دار شناوری میکند - این موتر که ذوحیاتین نامش نهاده اند ریکارد جدیدی قائم نموده است چنانچه مسافت بین بندر کالی (فرانسه) و دوور (انگلستان) یعنی بحرمانش را در ظرف هشت ساعت بیهوده است موتر ذوحیاتین خیلی طیف توجه و رزشکاران اروپائی واقف گردیده است -

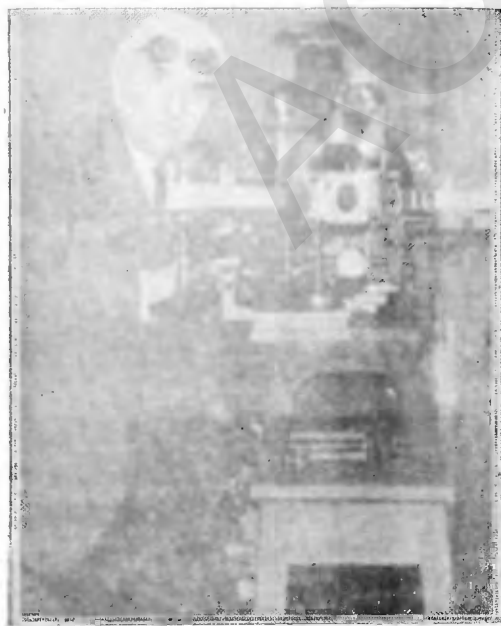


هم موتر هم کشتی

سینهای برجسته

لوی لومیه عالم و مخترع فرانسوی که در عالم ایجاد و اختراع شهرتی بسزا دارد، درین اواخر بنا بر انقلاب تازه که در عالم سینها وارد نموده (و آن عبارت از اختراع سینهای برجسته میباشد) نیز دنیا را واه و حیران ساخته است.

مهراد از سینهای برجسته اگر بطور وضوح گفته شود تصویر یافتن سینها به چینه تیارتر میباشد یعنی در پرده سینها رسم ها و منظره ها را بروی یک سطح هموار نی بلکه بروی پلانهای مختلفه و متنوعه نشان میدهد. موسبو (لومیه) برای ادای این مطلب عینکی اختراع نموده است که این عینک عبارت از جوره شبیه آبی وزرد رنگی بوده که در اثنا تماشا اگر به مرض استعمال آورده شود هر قدرستی ها و برجسته گیهاییکه در مناظر و رسم های سایه دار و غیره در پرده سینها بیاید متلبکه در صحنه تیارتر بصورت عمل اجرا میشود



در سینها نیز عینا همانطور به نظر خورده و با تمام خصوصیات یعنی به اوضاع و حرکات مختلفه معلوم میشود و چیزی که درین ایجاد قابل وصف میباشد اینست که با تمازاج دوشیشه مختلفه اللون مناظر طوری نگر بسته میشود متلبکه انسان با چشم اصلی و بصورت طبیعی نگاه میکند

یعنی رنگه ها در نظر عرض تبدیل نموده و چنانچه لازم است فرق و تمیز میشود .

طیاره روبات

يك عدد طیاره « روبات » نام در انگلستان ساخته شده که پیلوت بکار ندارد یعنی بدون پیلوت از زمین حی خیزد و فی ساعت صد میل طیران می نماید و به اداره رادیو و ایس بر زمین یا به روی آب فرود می آید . طیاره مزبور (۱۰) هزار فوت در فضا بلند رفته می تواند .



جنون پرواز

(جوان اسپرکائی که بالباس مخصوص خود را از)

(ارتفاع ۲۰۰ متر بر زمین انداخته و سلامت فرود آمد)

چرخ دندان دار بی صدا

درین اواخر در آلمان چنین چرخ دندان دار ساخته شده است که در زمان دور خوردن صدا نمید

چرخ مزبور برای صنایع اتومبیل سازی است .

اختراع جدید در طیاره

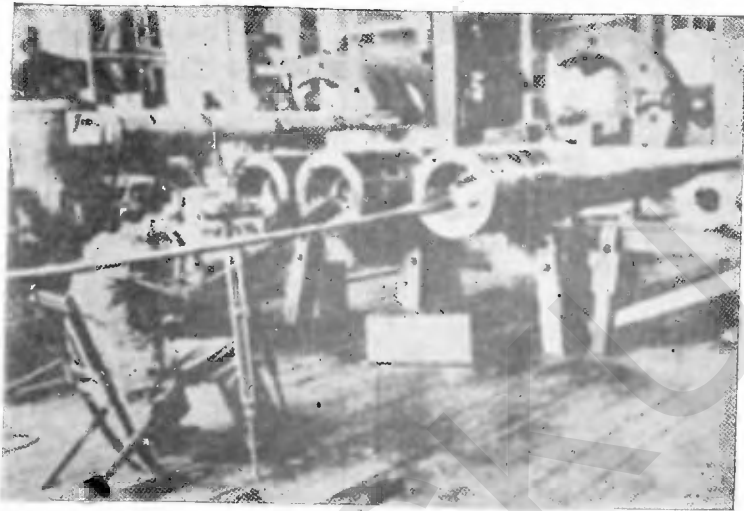
برای آموختن فن هوا نوردی طیاراتی لازم است که پرواز به آن اطمینان محشر باشد تا اگر کسی که مشق هوا نوردی میکند و قدری غلط نماید طیاره کمتر با خطر سقوط و آتش گرفتن مواجه گردد - برای این منظور لازم بود که جمیع نکات فیزیکی در ساختن طیاره کاملاً مراعات شده و طیارات مخصوصی برای مشق ساخته شود .

اخیراً کارخانه های طیاره سازی « فوکه و ولف » در آلمان موفق ساختن این چنین طیاره (که آخرین نمونه طیارات مشقی است) گردیده ، بال این طیاره از یک پارچه چوب است که ورقه نازکی از فلز بر آن پوشانیده و در قسمت آلات اداره آن نیز دقت کافی بعمل آمده و موتور آن دارای هشت سلندر و قوه ۲۴۰ اسب است و منتهای سرعت آن در ساعت به ۲۲۸ کیلو متر می رسد .

توپ ساکن ضد طیاره

حکومت ایتالیا طوپ جدید ساکن ضد طیاره ساخته است که قطر آن ۷۶ میلیمتر بوده بندریه این طوپ دو نوع مرمی فیر مگردد وزن مرمی آن ۶ کیلوگرم و سرعت ابتدائی آن ۷۵۰ متر فی ثانیه و میدان انداخت افقی آن ۱۰۰۰ متر و میدان انداخت آن بر هدفهای هوائی ۶۵۰۰ متر میباشد - بطور افقی یک دایره نام (۳۶۰) درجه فیر کرده درجه انداخت عمودی آن ۸۰ درجه میباشد .

چرخ دنداندار مذکور از یک نوع فلز مخصوص « فیر وزل » ساخته شده این فلز جدید ۷ مرتبه نسبت به فولاد کم وزن تر و دو مرتبه از آلومینوم سبکتر است و در محکمی خود مساوی با چدن میباشد برین فلز هیچ نوع تیزاب تأثیر وارد نمیکند اما آب و انواع حرارت ها بر آن مؤثر نمی افتند .



طوب اتوماتیک

مری طوب ۲۰ میلیمتری
کارخانه مادسن در مسافه
۱۷۰ متر از زره دارای
ضخامت ۲۵ میلیمتر نفوذ
نموده و احتمال می رود که
چنین زره را در مسافه
۸۰۰ الی ۹۰۰ متر
شکاف کند - مری مزبور
زره (۱۵) سانتی متری
را در مسافه ۱۵۰۰ متر
شکاف مینماید برای مقابله
تانک، مری مخصوص وری
هدف های هواپیما حساس استعمال میگردد - وزن این طوب اتوماتیکی ۵۰ کیلوگرم بوده مبدان انداخت
آن ۶۰۰۰ متر است .

طوب اتوماتیک

هدف های هواپیما حساس استعمال میگردد - وزن این طوب اتوماتیکی ۵۰ کیلوگرم بوده مبدان انداخت آن ۶۰۰۰ متر است .

باران مصنوعی

حکومت شوروی میخواهد که در (عشق آباد) مرکز تورکمنستان بر جی به ارتفاع دو صد قدم آباد نماید تا ماشینی که یکی از علمای فیزیک روسیه برای تولید باران مصنوعی اختراع کرده است بر فراز آن نهاده شود ازین ماشین یک جریان برفی در فضا انتشار یافته بخارات آبی را به صورت ابر در آورده سپس مانند باران بر زمین میریزاند .

لباس نسوختنی

یکی از کارخانه های انگلیسی لباس و نقاب مخصوصی ساخته که کاملاً میتواند شخص را از صدمه حریق محفوظ دارد منظور اصلی از ساختن این لباس حفظ هوا و نور دان از خطر حریق طیارات بوده است ولی در هر حریق استعمال آن مفید است این لباس مکرر مورد تجربه و امتحان قرار گرفته است باین ترتیب که چند نفر به آن لباس شده وارد شعله های آتش گردیدند و به پیچوجه آسیبی از آن ندیده اند .

ساعت بین المللی

(تورنر) مهندس چکسلواکیایی مشغول ساختن ساعت جدیدیست که وقت را در تمام نقاط دنیا معین میکند او میگوید چنین ساعتی ساخته شده ولی بر وی قواعد غیر صحیحی قرار گرفته اند . تورنر میگوید : « تا چهار قرن ساعت های ما غلط بود این ساعتها مانند همان فرضیه که دنیا را در وسط منظومه سیارات گذاشته و ستاره هارا بدون آن میگرداند غلط است عملاً برای همین فرضیه ها است که ساعت های ما غلط شده و فیکه کو بریک واضح

نمود که کره ارض بر روی محور خود از غرب بشرق دور میزند و در نتیجه شبانه روز حاصل میشود همانطور
 اوسا ایجاد تغییر اصول ساعت های ما را نیز قطعی نمود « مفهوم جلالت فوق اینست که تورنر عقربه های ساعت
 خود را طوری نصب میکنند که به جهت مخالف ساعت های معمولی حرکت مینمایند مثلاً وقتی از ۱۲ شروع کنیم
 عقربه های ساعت او از چپ بر راست حرکت میکنند و وقتیکه بر ساعت شش رسید از راست به چپ حرکت مینماید.
 تورنر اظهار میکند که من مسئله وقت دنیا را حل میکنم و این انقلاب جدیدی است در ساختمان ساعتها. ساعت
 تورنر دارای یک صفحه متحرک و یک صفحه غیر متحرک است که بعداً تا اندازه جای عقربه های معمولی را
 میگیرد - در روی این صفحه متحرک تمام شهرهای بزرگ و مملکتها و مناطق معین شده - صفحه غیر متحرک به
 ۲۴ ساعت تقسیم و از چپ بر راست نوشته میشود موقهیکه صفحه از چپ بر راست حرکت میکنند دور دادن زمین را از
 غرب بشرق تقلید نموده و از آله تعیین کننده ثابتی عبور میکنند .
 مدرسه متوسطه فی المان در براک از این اصول جدید بقدری خوشوقت بوده که صحت و خوبی آنرا رسماً
 تصدیق نموده اند .



بایسکل هوایی که بهوت بازو و مساعدت باد حرکت میکند و کرو نقول المربشی همراه آن از باریس به لندن رفته است

طیاره بی ماشین

از مدتی است طیاره بی ماشین اختراع شده و اشخاص دلیر و متهور بواسطه آن عملیات جسارت کارانه را
 انجام میدهند طیاره بی ماشین را (پلانور) مینامند و عبارت از دو بال و یک دم و یک پروانه و دو چرخ است
 که با طیارات عادی هیچ فرقی ندارد فقط از ماشین عاری و سبک است و انسان طوری درین طیاره می نشیند که موازنه
 خود را بواسطه حرکت دادن وجود خورش درست میکنند و چند کیسه گاز خفیف این طیاره سبک را به هوا بالا مینماید .

آله معلوم کردن تیل در تحت ابجار

(لیتونیوف) یکی از انجنیرهای معروف روسیه به تازگی یک ماشین برقی اختراع کرده که ذریعه آن میتوان وقوع
 وجود تیل خاک را در قعر ابجار معلوم کرد .

رادپوم مصنوعی

(لارنس) که برویسر یونیورسیتی کالی فورنیای باشد در يك نطقه در زمینه کیمیا ابراد مینمود بیان کرد که او ساختن چنان رادپوم مصنوعی موفق گردیده که به معالجهٔ مریضان خیلی مفید ثابت شده است. او میگوید طریق ساخت آن چندان مشکل نبوده و مصارف آن نیز زیاده نمیباشد. طریق ساخت آن را چنان بیان مینماید که ذریعهٔ آتوم هائید روجن، آتوم های باتریوم فاسفور را از همدیگر جدا کرده و بکسم رادپوم از آن حاصل مینمایند.

موتریکه بقوهٔ آفتاب حرکت میکند

دو فر مهندس موسوم به «جیووانی آندری» و «دابل کاسیرینی» موتری اختراع نموده اند که قوهٔ محرکهٔ خود را از حرارت آفتاب حاصل مینماید. این موتر در حضور رئیس مهندسین ناحیه و نمایندگان اتحادیه های مهندسین و هیئت مهندسین نظامی مورد آزمائش گذاشته شده است.

پناه گاه از گاز های زهر دار

برای حفظ امالی از خطر حملهٔ گاز های زهر دار در موقع جنگ، یک نفر از مخترعین فرانسه پناه گاه قابل حمل و سبکی طرح نموده که در ظرف چند ثانیه با پر کردن درون آن با باد برای حفاظت تیار میشود این پناه گاه از تکه های مخصوصی ساخته شده که گاز زهر دار در آن اثر نمیکند. وقتیکه درون آن را از هوا پر میکنند مثل بالون، خانه گردی را تشکیل میدهد که میتوان درون آن را با چراغهای مخصوص روشن کرد و چو کبها در آن گذاشت. هوای کثیف داخل آن بطرز کیمیائی تجدید میشود یا اینکه هوای صاف از بیرون به آن داخل میکنند. مخترع آن نقشه دیگری طرح نموده که پناه گاه بزرگتری بسازد که چندین صد نفر در میان آن بکنجند. اینطور پناه گاهان مخصوصی خواهد داشت که از بالا هوای صاف را اخذ خواهد نمود زیرا گاز های زهر دار اغلب بر سطح زمین یا این می شود.

گوشت مصنوعی

علمای عصر حاضر سعی دارند تا مثل گوشت گاو و گوشت بره و گوشت چوپه مرغ، گوشت های مصنوعی ساخته به این واسطه انسانها را از مشکلات اختلاف فصول وقت گوشت و ارهائیده و موفق نمایند تا بهر منطقه که بخواهند گوشت مصنوعی را ارسال نموده بتوانند. یکی از علمای عصر حاضر در يك تالاب شیشهٔ گوشت مصنوعی چوپه مرغ را گذاشته است که هر سال به حجم آن می افزاید. اگر چه هر سال چندین تکه گوشت آن را می برند مهربارو به از دیاد است. این تجربه حیرت آور تحت ریاست (داکتر الکسز کارل) در دارالتجربهٔ را کفبار عمل آمده است اگر چه هنوز اوضاع تنبیه و تهیه فضائی آن فوق العاده دقیق و نازک است علمای ماهر به استناد این تجربه سعی دارند تا در طرز عمل دقیق و نازک فوق الذکر تسهیلاتی بهم رسانیده مستعد گردند قیمت گوشت مصنوعی را در بازار های عالم بالمقابل گوشت طبیعی ارزان تر نمایند و بر علاوه گوشت چوپه مرغ، در ساختن هر نوع گوشت کامیاب شوند که چک ترین پارچه گوشت مصنوعی که از طرف (داکتر کارل) بصورت آمده است بجای دارای اهمیت میباشد مثلیکه شرکت مارکونی شماع اولین تلگراف بوسیم را در بحر اطلالیك انداخته بود. تجربهٔ داکتر مذکور به علمای عصر حاضر زمینهٔ خویر داده است که بواسطهٔ آن میتوانند تجارب خود شانرا وسعت دهند. ناه نگار جریدهٔ «دیلی اکسپرس» مینویسد برویسر های متعددهٔ آکسفورد به او اطلاع داده اند که آنها این کوچکترین پارچه گوشت را اهمیت زیادی داده

و آنرا زمینه خوبی جهت توسعه فرام آوری مواد خوراکی ممالیکه منابع مواد خوراکی آنها مثل انگلستان خیلی محدود است می دانند .

غاز برای فریب طیاره

در نتیجه تجاربی که حکومت انگلیس بمورد عمل گذاشته ، به اختراع گاز جدیدی که بزمن انداخته و بیلا حدود می نماید موفق شده است . این گاز در شهر مورد هجوم ، طبقه ضعیفی از بخار و دود را نشر داده و نه تنها شهر مذکور را از نظر پنهان میسازد بلکه صورت آن شهر را هم کسوس نموده و آنرا در جای دیگر در برابر طیاره جلوه گر مینماید یعنی صورت شهر بواسطه بخار انتقال پیدا کرده و در محل دیگری که تقریباً کمتر از ۴۰ کیلو متر دور تر از شهر اصلی نیست تصویر گردیده و این موضوع اسباب فریب طیارات شده بمباری می نمایند و با این خیال می افتند که شهر منظور را خراب و بمبار دمان کرده اند . در صورتیکه فقط عکس شهر را بمبارد کرده و از اصل آن به مراتب دور واقف میباشند . غاز مذکور مدتها پیش شده ماند و کسی بران اطلاع پیدا نکرد . جز دودی مرکب از چند رنگه زرد و سبز و سیاه و چگری از آن دیده نمیشود این دود در افق انتشار یافته مناظر هدیده را تشکیل میدهد و ارتفاع آن مختلف بوده و درین ارتفاع خانه ها و باغها و جاده ها و دودکش کارخانه ها را تصویر مینماید .

جدیداً دولت انگلیس اختراع دیگری را هم مورد عمل گذاشته و از آن نتیجه خوبی گرفته و آن عبارت از تویی بوده که طول آن پنجاه متر و وزنش ۱۸۴۰ کیلو گرام بوده و آنرا بر روی زمین افکند و توییچی بامریوش را بری بر آن تخفیف قوه فشار آن را استعمال مینماید و کلو له آن به ۶۵۰۰ مقرر اصابت مینماید و بر ای طیاره زدن بهترین آله دفاع میباشد .

شعاع مرکی

شعاع جدیدی بطور سری در ایتالیا بخر به و از طرف مخترع دیگر در نتیجه اثرات مذکور صرف مساهی بعمل آمده است . از جمله اثرات شعاع مذکور این است که در بالای شهرهای دشمن طوری هوا را « شار ت » (یعنی با جریانهای برق مخالف حماس می سازد) که باعث ممانت اهالی میگردد .

مقیاس تیز رفتاری موتورها

یک نفر متخصص امریکائی آله اختراع و بشبه یولیس تقدیم کرده است که برای انسداد تلفات جاده ها فوق العاده مفید میباشد این اختراع عبارت از یک آله کوچکی میباشد که در موتورها نصب میشود و بمحردیکه رفتار موتور از ۲۵ میل اضافه کرده شد یک شور و غرغای فوق العاده از موتور برون می آید که علاوه بر اینکه به تمام یولیس ها و اهالی اطلاع میدهد خود موتور را هم ازین شور و غوغا متأثر شده فوراً رفتار را کم می کنند قراریکه بر جانهای نویارک ازین آله کار گرفته شد خیلی کامیاب ثابت گردیده و دواتر یولیس چنان نظر به دارند که باید بعد ازین ، این آله قانوناً در هر یک موتور از طرف فابریکه های موتور سازی نصب کرده شود .

سینمای رنگه

در امریکا سینمای رنگه را اختراع کرده اند که هر رنگه را روی فلم به عین همان رنگه نشان می دهد خرج ابتدائی یک فلم رنگه در (هالیوود) که شهر سینمایی امریکا است به یک میلیون و چهار صد هزار

اختراعات

دال بالنگ کرده . اما کنون مخارج بدست آوردن فلم ها خیلی تخفیف یافته و امکان دارد به زودی این اختراع هم گردد .

میکروفون در تراموای

روزنامه د براک ، اطلاع میدهد که تراموای شهری آنجا دارای ماشین های میکروفون است این ماشین ها در نزدیکی راننده بوده و وقتی که ترام در جای می ایستد همان جای ایستادن را ابلاغ و صدای آن درون ترام به بسیار آسانی و صفائی به گوش مسافران تراموی رسیده در صورتیکه بخوانند یا این میشوند و همچنان نام جاده ها و خیابانهای و اعمارات را نیز به ترتیب بیان میکنند و صدای آن بگوش مسافرن میرسد - فائده این اختراع این است که در زمستان که کلهکین های تراموای بسته و غبار و یخ زده گئی مناظر خیابان را از چشم پوشیدن مبادارد ابلاغ نقطه مطلوبه و جاهای ایستادن بر آسایش مسافرن شهری افزاید

تفنگچه روغن پاش

اخیراً صنعتگران امریکا آله جدیدی برای روغن زدن ماشین آلات مختلف اختراع کرده اند و شباهت کامل به تفنگچه دارد با این معنی که علاوه بر شکل و صورت ظاهری آن که بی شباهت با تفنگچه نیست همانطور که تفنگچه را با مرمی پر و خالی میکنند این آله را هم با روغن پر کرده و بعد خورد بطرز اتوماتیک ماشین را روغن میزند و متصدی آن فقط باید لوله آن را در محاذات محلی که محتاج روغن زدن است نکند دارد این آله وقتی که از آن روغن مثل گلوله که از تفنگچه خارج میشود از لوله آن بیرون جسته با ماشین میخورد .

این آله که از المونیم ساخته شده بسیار سبک و وزن آن از هفت پوند تجاوز نمیکنند محرك این آله يك موتور برقی خیلی کوچک بوده و با کمال سهولت برای روغن زدن هر گونه ماشین استعمال می شود .

قطار طلا

اخیراً کوچکترین و بطی ترین قطار دنیا را یکی از ساعات سازهای اسپیس در انگلستان اختراع کرده که قطار مذکور از طلا و نقره و طول آن یکنیم کره است که با عقرب یکی شبیه به عقربك ساعت بروی پایه از نقره که طول آن چهار فیت و شش اینچ است حرکت میکند و این مسافت را در دو نیم ساعت انجام میدهد یعنی تمام حرکت او در ظرف یکسال بالنگ برسه میل خواهد بود .

جاروب جدید

درین اواخر در امریکا یکنوع جاروب برقی اختراع کرده اند که برای چیدن برزه های آهن شکسته و میخ و دیگر چیزهاییکه در کوچه ها و نقاط دیگر وجود داشته موجب زحمت عابرن و وسائط نقلیه میکردید استعمال میشود . هرگاه بخواهند این جاروب را بکار بیندازند سیم آنرا با سیم برق میچسبانند ، و بعد ازان بروی زمین میکردند فقط شخصی جاروب کش باید مراقب حرکت جاروب باشد و آنرا بهر طرفیکه میل داشته باشد بگرداند در نتیجه جاروب با تیزی قابل دیدن حرکت کرده و هر چه را که در پیش روی خود می یابد جمع میکند .

آلات مدافعه گاز زهر دار از ابریشم

درین تازگی از ابریشمی که از ان بالون میسازند بگونه آلات مدافعه گاز زهر دار ساخته شده که به مقابل حملات فضائی بکاری آید. یک نفر ما هر فرانسوی موسوم به (م - کاپ فیور) که اختراع و اصول ملفوف نمودن بالون را بیشتر بکار برده میگوید اگر لفافه بالون را طوری بسازند که دارای گاز زهر دار بوده نگذارد گاز مضر از آن خارج شود پس میتوان چنان لفافه هم تیار نمود که دارای هوای صافی بوده نگذارد گاز در آن داخل شود. موسیو (م - کاپ فیور) ازین ابریشم آلات متنوعه برای بالون ساخته که دارای مدخل انسانی بوده و انسان پس از داخل شدن میتواند آنرا بند کند و چنان انتظامی داخل آن بعمل آمده که هوای داخل را میتوان تبدیل کرد. قرار معلوم بالون مذکور بصورت یک خانه بوده دارای تمام ضروریات خانه مثل بی سیم، تلفون و چراغ برق و غیره میباشد. پوش این آله مدافعه که بشکل یک خانه است صد کر مربع میباشد.

ملابس معدنی

اختراعاتیکه امروز یادر هر صده شهود گذاشته انسان را دچار حیرت و شگفت میسازد، که بقین مینمود که از تار جولا ساختن ابریشم ممکن گردد یا اینکه ابریشم مصنوعی که امروز در بازارهای عالم موقعیت مهمی را اشغال مینماید از مخلوط پنبه و منز درختها بعمل بیاید عقل بشر بود که بر همه این حقایق محیرالعقول فیروز مند گردیده بلکه مسائل مدعش ترین دیگری نیز تجاوز کرده است.

در المان بساط و اثاث خانه را از فلز المونیم تیار میکنند. این اختراع در مراکز علمی موفقیّت بزرگی بدست آورده است.

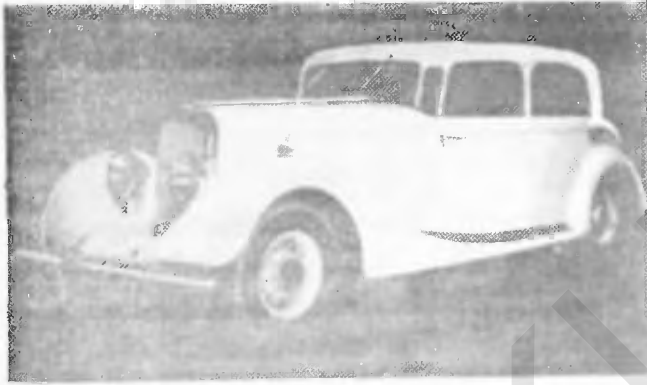
در انگلستان از المونیم تارهای باریکی میسازند که به تارهای باریک ابریشم مشابهت زیادی میرساند از تارهای باریک مذکور قماشهای مرغوبی درست کرده خامها آنرا در محافل رقص و مجلس های شب نشینی در بر میکنند. دقت و محکمی وزیای اینگونه نماش از حیث قابل تماشا میباشد حتی ارباب فابریکه های پارچه بافی بفکر افتاده اند که از منسوجات معدنی مضرور یک منسوجی را که برای لباس مردان استعمال گردد و از حیث شکل مشابه با پارچه پشمی معروف (شبقوت) باشد درست و آماده مینمایند.

آنچه درین مورد قابل تعجب میباشد این است که این قسم پارچه که در عالم پارچه بافی انقلاب و تبدل بزرگی تولید خواهد کرد هر متر آن از دو نیم شلتنک بیشتر قیمت ندارد.

توپ جدید

توپ ساخت انگلیسی موسوم بلوئیز که از ایام جنگ بین الملل تاکنون مورد استعمال عساکر انگلیس بود دوره خدمتش تمام شده و اخیراً توپ جدید الاختراع چکسلواکی که از حیث وزن سبکتر از لوئیز و از حیث کار هم بهتر میباشد جا نشین آن گردید رئیس مخارج وزارت حربیه برطانیا بدو را العوام اظهار داشت که این تغییر ناگهانی قالب عساکر قدیمی را که نظر خوبی بتوپ لوئیز داشته و تصور میکردند از ان توپ بهتر در عالم یافت نمیشود متمجب خواهد ساخت دولت انگلستان باد و لت چکسلواکی قرارداد می منعقد داشته که بتواند از توپهای سیستم جدید در کارخانه های خود شروع بساختن نماید. یکی از صاحبان معبان و از متخصصین عساکر انگلیس واجب به توپ جدید موسوم به «ب رند» اظهار داشته که این توپ خود کار از حیث وزن سبک و از همین جهت حمل و نقل آن آسان و از طرفی مخارج ساخت آن نسبتاً کم میباشد هر نفر عسکریا ده آنرا پنجاه متر

بدون کمک میتواند حمل کنند و برای سوار نیز بدرد میخورد توپ لوئیز که تاکنون قدر و قیمت داشت بوسیله کلنل اسحق نیوتون لوئیز قبل از جنگ اختراع گردیده ولی تصرفات زیادی که در ساخت آن شده بود قبولیت آنرا حتی در خود انگلستان تا بروز جنگ بین المللی عقب انداخت. دول المان و اطریش و روسیه آنرا مورد امتحان قرار داده ولی هر یک بدلی آنرا نپذیرفتند تا آنکه جنگ عالمگیر در گرفت از آن وقت مورد استعمال شده و بتعداد فراوان در کارخانه اسلحه سازی ساخته شد.



موتور شب تاب

موتور شب تاب

یکی از کارخانه جات موتور سازی فرانسه رنگ جدیدی برای موتور اختراع کرده که جزء ام آن فاسفور است و هرگاه بر موتور مالیده شود در وقت شب تمام موتور روشن می گردد، و احتیاج برای چراغ باقی نماند، علاوه بر این روشنائی آن طوریست که برخلاف چراغهای

معمولی کلیه حصص موتور را روشن نموده، از خطرات تصادم که بیشتر از هرگز در روشن نبودن تمام موتور پیش میشود جلوگیری بعمل می آورد خوبی آن این است که به تمام رنگهای موجوده ترکیب فوسفوری داخل شده و در روز هیچ علامتی از شب بینی آن دید نمیشود.

تلفون بی گوشک

تلفون نازک اختراع شده، که متکلم حین استعمال محتاج به گرفتن گوشک آن بدست خود نیست و خیلی کار را آسان نموده.

آله دزد گیر

آله کوچکی بتازگی اختراع شده که در میان بکسها میگذارند که چون دست بیگانه بآن برسد آواز زنگ فوی از آن بر میخیزد و دزد را رسوا میکند جواهر فروشان و غیره تجار از آن فایده بسیار گرفته اند.



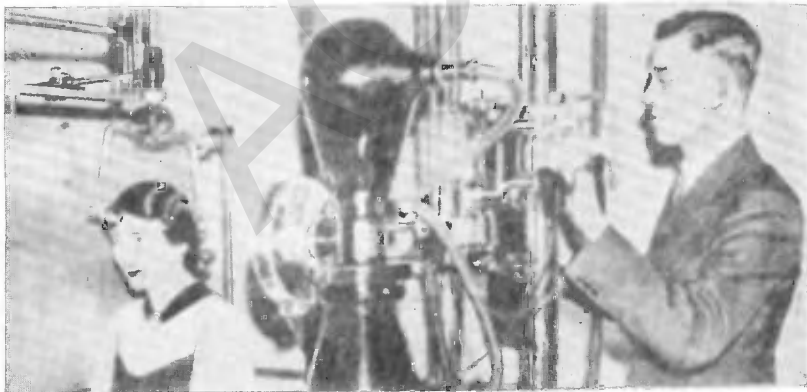
آله دزد گیر

امواج برقی دماغ

از چندی باینطرف در اطراف آن نظریه ایسن بدر مخترعین که میگفت دماغ انسان مرکز برق کوچکی است مطالعات بعمل میآید اما اخیراً دو نفر دانشمندان انگلیزموسوم به (ادریان) و (ماتیوز) که برویسران کیمبرج میباشند آله اختراع کرده اند که بواسطه آن میتوان حرکات دماغ را ابتداء در روی صفحه قلمی اخذ و بعد مانند صفحه گراموفون بصدا درآورد - بواسطه این آله معلوم شده است که دماغ در وقت راحت هم امواج تولید میکند ولی در وقتیکه انسان بفکری مشغول باشد فعالیت آن خیلی کسب شدت نموده امواج زیادی از آن منتشر میشود این اختراع فوق العاده مهم بوده و اگر تکمیل شود (تا جائیکه نظریه علمای مزبور است) میتوان اندازه مشغولیت فکری اشخاص را بسهولت فهمید و هم شاید بتوان نوعیت فکر اشخاص را کشف و به احتمال دورتر دماغ هر کس را از فاصله بقوه امواج آن اداره نمود ؛ میگویند که مابین امواج دماغی تمام اشخاصی ربط زیادی موجود بوده و امکان دارد که ازین روابط بری مقاصد مختلفه از قبیل اداره کردن افکار افراد از دور و نزدیک کار گرفته شود بهرحال علمای زیادی به آن توجه داشته مشغول تحقیقات میباشند -

شعاع برقی جدید

(راون) مهندس دینارکی ادعا مینماید که او یک شعاع مهلك برقی را یافته که بذریعه آن ممکن است بر طیارات در فضا حمله کند و این شعاع میتواند بفاصله پنجالی شصت میل دورتر از آله ناشر ، کار بدهد و علاوه نمود که او میتواند آله شعاع مهلك برقی را در ظرف (۶) ماه بسازد .



آله ایکسریز جدید که نسبت به آلات سابق بسیار کم خرج است

کشف جزئیات زنده گی از استخوان

علمای علم و وظائف الاعضای (اوهارو - امریکا) در نتیجه تحقیقات و تبیعات خود کشف کرده اند که تاریخچه زنده گی گاهی گذشته انسان در روی استخوان های وی ثبت است ، در نتیجه هزارها آزمایش که از طرف علماء موسسه یوروش واقع در کله ولاند بعمل آمده ، بالاخره محققین به این حقیقت پی برده اند که طبیعت آثار و الایم مخصوصی در استخوان های بدن باقی میگذارد ، علایم و آثار بسیار کوچکی که در نسوج ، و اندازه



و شکل و طرز ساختمان استخوان های بدن کشف میشود. برده از روی بسیاری حقائق سر موز دستور زندگی بر میدارد. محققین به استعانت اکسیرز و سایر آلات و ادوات علمی دقیق، تاریخچه زندگی گذشته، تغذیه نامنظم، و نامطلوب، بیماری، عملیات جراحی و حتی حالات عصبانی و هیجان آمیز گذشته شخص را از این علائم استخراج مینمایند.

کشف قدیمترین شهرهای دنیا

باثر حفاریاتیکه در قریب شهر (تیه گارم) بشمال عراق، بعمل آمده، چنان آثار عتیقه کشف شده که قرار معلوم پنجهزار سال قبل از حضرت عیسی (ع) آنجا شهر بوده مردمان زیادی در آن بود و باش می نمودند. اهالی این شهر مثل مردمان امروزی متمدن و عمارات آنها هم مانند عمارات امروزه بود مرکبات طبیعی نقره و طلا را استعمال و از قصه حضرت آدم و بی بی حوا (علیها السلام) معلومات داشتند، تجارت آنها با مردمان ممالک دور دست جاری و فابریکه چرم سازی داشته، زنان آنوقت استعمال مرمه را نیز می نمودند.

کشف يك سنگ نارنجی در فلسطین

مجسمه انسان کامل که از روی مجسمه یونانی ۴۰۰۰ سال قبل ساخته شده

باثر سیلابهای زیادی که در شهر نابلس بوقوع پیوست و یکمده خانه ها و دکانها و غیره را خراب و منهدم نمود، در یکی از نقاط شهر يك سنگ نارنجی

بدست آمده که روی آن کتابه بزبان قدیمی تحریر شده است، از نقطه نظر یکی از علمای عتیقه شناسی، تحریر آن بزبان رامی است، اما مدعای آن الی الان فهمیده نشده، رئیس طایفه سامری آنها پس از مشاهده و تفحص در اطراف کتابه مذکور اظهار نموده است که نوشته روی سنگ بزبان عبرانی قدیم بوده یعنی همان عبرانی که ذریعه آن تورات بقلم یسوع بن نحاس بن هارون برادر موسی (ع) تقریباً ۲۶۰۰ سال پیشتر از امروز نوشته شده بود.

کشف اراضی جدید در قطب جنوبی

قریب قطب جنوبی در سال گذشته از طرف ناروی يك قطعه زمین جدیدی کشف شده است که طول البلد آن ۴۰، ۸۰ درجه شرقی و عرض البلد کن به ۶۸، ۵۰ درجه جنوبی واقع است - جهاز یککه این قطعه اراضی را کشف نموده است به ساحل آن گشت و گنبار نموده کپتان جهاز ناروی و بعضی نفری دیگر بالای اراضی مزبور رفته عکسها گرفته بیرق ناروی را بالای آن افراشته اند نام اراضی جدید را (انگر و کرستنس نهاده اند) کرستنس نام صاحب جهاز مزبور) میباشد.

سبزیجات و فقر الدم

داکتر « مینو » استاد دانشگاه (هاروارد) امریکا یار سال جائزه طب نوبل را ربود - زیرا تحقیقات

گران بهائی در خصوص مرض (نیما : فقر الدم) و مسائل معالجه و جلوگیری از بروز آن بعمل آورده بود .
مشارایه میگوید فقر الدم بواسطه فقر جسم از ماده آهنی تولید میگردد و از طرف دیگر جهازها ضمه بعضی
از اشخاص ، آن مقدار مواد آهنی که جسم را از ابتلاء به مرض فقر الدم حفظ کند قبول نمی نماید ولی کلوروفیل
(همان ماده ملونه و رنگینی است که نباتات را برنگ سبز ملون میسازد) جهازها ضمه را مساعدت میکند تا بیشتر
از آنچه میتواند ، مواد آهنی را بپذیرد . بنابراین خوردن سبزیجات پخته در صورت بروز فقر الدم ، برای بهبودی
مریض کمک شایانی می نماید .

سینمای بدن انسان

اگر چه قبلاً عکس تمام اعضای داخل انسان بدریجه آله (رونتگن) گرفته میشده ولی تا امروز به برداشتن
فلم حرکات و سکنات اعضای داخلی موفقیتی دست نداده بود . اکنون یکفر فرانسوی موسوم به (ژان)
(رادیو سینو موتوگراف) را کشف و در فلم هائیکه باین اصول جدید آ برداشته شده است حرکات و سکنات
تمام اعضای داخلی انسان از قبیل حرکت و ضربان قلب و معده و شش ها و عموماً جهازات داخلی با تمام خصوصیات
آن نگریده شده متعاند .



مقیاس دوستی که بواسطه آن عاطفه یک شخص نسبت بشخص دیگر معلوم می شود

انکشاف شعاع حیات در جسم انسان

در اثر تحقیقات تازه مکشوف گردیده است که (لایف ری : شعاع حیات) در جسم انسان موجود است
و در ساختمان و نموی جسم انسان معاونت و امداد مینماید . شعاع مذکور قوه فعاله را (که اساس آن برق است)
استعمال مینماید . و مسکن این شعاع رشته های حیات انسانی است و میتواند تا یک فاصله اثر خود را
ببندازد . می گویند شعاع حیات غیر مرئی است ولی طول موجش را تعیین کرده اند که برای علاج بعضی
امراض مفید واقع میشوند .

اشعه كشنده بشه

موسيو (وبتالی موناش) يکنفر عالم معروف سائنس يکدوع اشعه مخصوص را کشف نموده که برای هلاک حشرات خبی مفید است . اشعه مذکور بواسطه آله دريك نل شيشئی مخصوصی توليد ميشود و بر ظرف مخصوصی که جبهه اجنح حشرات تهیه شده پرتومی افکند و دريك لجه آنها را بقتل ميرساند . قرار عقیده کاشف مذکور ممکن است برای هلاک ساختن حشرات مختلف الانواع در اشعه مذکور تبدلانی وارد نمود بمجرد فشار يك دکمه که درين آله نصب است از هر طرف امواج حشرات در حرکت آمده در برج این ماشین داخل و ماشین جاذبی که دران نصب است تمام حشرات را طرف يائين کشيده ذریعه این شماع هلاک ميسازد عالم مذکور از عرصه شش ماه باین طرف درهند مقیم بوده این اشعه را برحشرات مختلف ممالک گرم سيرتجر به میکند و عقیده دارد که اگر چند عدد این ماشین را دورا دور يك شهر نصب کنند تمام پشه ها را هلاک و نقوس شهر را از صدمه حرط ملایم یا نجات خواهد داد و هم باین وسيله میتوان آن حشراتی را که به زراعت خساره ميرسانند هلاک نمود . حاکم بیتی به مقام (پونا) این تجربه را مشاهده کرده و برخوبی آن تصدیق نموده است و همچنان مامورین اداره زراعت هند نیز خوبى آنرا مترف شده اند بلکه مامورین دوائر زراعتی هند عقیده دارند تمام حشراتیکه ذریعه این ماشین و اشعه هلاک شده اند مضر صحت انسانی یا مضر انواع زراعتی بوده اند . خود موسيو (موناش) اظهار کرده است که او ذریعه این ماشین خود چنان حشراتی را هم بدست آورده که علم سائنس تا حال از وجود آنها بی خبر میباشد و هم چنان حشراتی را کشف کرده است که تا حال گمان آن نبود که این نوع حشرات درهند وجود دارند مثلاً از آنجمله يك قسم چنمان حشره ایست که دواشی را از بصارت محروم ميسازد حالانکه معالجه آنرا تا امروز علم سائنس کشف نکرده است .

دوای مقوی قلب

در آن اجتهای که از طرف جمعیت مبارزه باصراض قلب در نیویارک بعمل آمده بود اعلان گردید که دکتر (ک ، ک ، کشپ) یکی از اطباء منخصص (اندیا ناپولیس) در ولایت (اندیا نای امریکا) برای استواری و تقویة قلب دوای جدیدی کشف کرده است که از (دیجیتا لیس) و سایر دواهای معروفه هفت بار مقوی تر است خود طیب و معما و نیش مدت شش ماه در استخراج این ماده کوشیده و در وجود ۳۵ نفر زن و مرد که دچار اصراض قلب بود آنرا آزمائش کرده در امر نتایج اطمینان بخشی گرفته اند . این دوا بمانند (دیجیتا لیس) خود را که نیست بلکه بیچکاری میشود و بدین وسيله در راست بقلب رفته آنرا تقویه و دوران خون را آسان تر ميسازد به دلایله این دونه در مرض استسقاء و امراض دیگری هم فواید زیادی دارد .

سروم فالج

بنا به تجربات متعدد ، واکسنی که از مایع ستون فقرات بیمونهای هندی تهیه میشود کاملاً از مرابت مرض فالج چه ها جاوگیری میکند چه در کیابفورنیا مرض فوق فعلاً شدت یافته و تا حال ۱۲۷ بچه بآن مبتلا شده اند چندین بکس از مروههای فوق که داکتر (موریس) بزودی اختراع کرده بوسيله طیاره از نیویارک وارد گردیده و تا حال ۷۰۰ نفر را بآن تلقیح نموده اند داکتر (جوی سمیت) مامور صحیه (ولایتی کرن) را بورت داده که در اشخاص تلقیح شده ابدأ آثار فالج مشاهده نمیشود و چیز مهمی که ما در باره واکسن ها ملاحظه کرده ایم این است که هیچ يك از تلقیح شدگان بخاطر دچار نشده اند ، اشخاصی که درین مملکت به مرض فالج دچار شده اند یامیشوند آنهایی هستند که تلقیح نشده اند . سال گذشته وقتیکه مرض فوق در (لاس انجلس) شیوع یافت داکترها و پرستاران نیز

به آن مبتلا میشدند و بقدری فضا به سخت بود که اخلاق پرستاران مریضها نیز عوض شده بود حالا تمام داکترها و پرستاران تلقیح شده و هیچیک از آنها در موقع پرستاری مریضان به مرض مبتلا نمیشوند و در هر هفته از نیویارک و اکسن مذکور تحصیل و تا جائی که مرض مزبور بکلی بر طرف نشده به تلقیح آن پرداخته میشود مرسوم جدید در نتیجه امتحان بریک نوع میمون هندی که کمیاب است بوجود آمده این حیوان بهمان اندازه در مرض ابتلا و مسرایت خالص بچه هاست که انسان میباشد - بنابراین این مکررهای مرض را به میمون فوق ترزیق مینمایند - پس از ترزیق ستون فقرات میمون را قطع کرده و مایمی از آن تحصیل میکنند این مایم را با ترکیب مخصوصی تقطیر مینمایند که تمام سموم مرض میمیرد و دیگر خطری از آن برای انسان حاصل نمیشود

۲۴ هزار فوت در قعر دریا

کشتی موسوم به کشاف نمره ۲ که مدت بیست ماه در دورترین نقاط قطبی مشغول تحقیقات علمی بوده و برای تحقیقات به قطب جنوب رفته بود بلندن مراجعت نموده است.

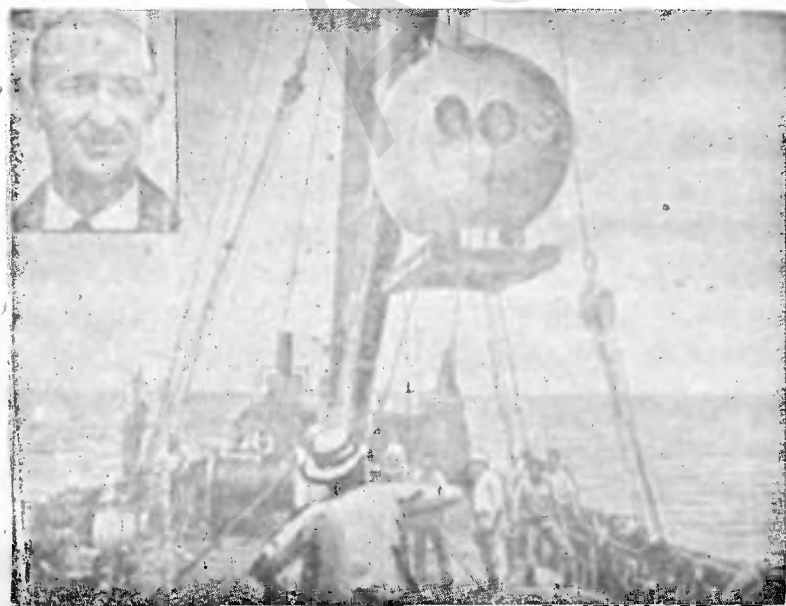
موفق تحقیقاتی که یکی از مخبرین جراثیم انگلیسی از « نل یا کنستنت » فرمانده کشتی بعمل آورد مشاراً به چنین اظهار داشته است :

مقصود و منظور ما از این مسافرت و سیاحت علمی این بود که نمونه از آب قعر دریاها و حیواناتی که در ته دریا زیست میکنند بدست آوریم و در نتیجه معلوم سازیم که نهنگان دریایی از کجا اغذیه خویش را فراهم میسازند یکمربته تا (۴۰۰۰) پای زرد دریا نمونه آب و حیوانات ذره بینی را بدست آورده و اکنون این نمونه ها را برای مطالعه متخصصین و علماء بلندن آورده ایم حیوانات زنده ای که در ته دریا زیست میکنند غالباً از حیوانات ذره بینی هستند ولی از پشت شیشه ها نمونه حیواناتی به بزرگی دو متر و نیم و انکشت مشاهده کرده ایم.

خوراک نهنگان دریا

یکنوع ماهی قرمزی است که در قعر دریا بفرمانی یافت شده از حیث مزه بدطعم ولی در همین حال مهلک هم نیست نهنگ بدون این حیوان زندگی نمیکند.

راجع به جاذب دیگر ماوراء بحار فرمائید. مذکور اظهار داشت که در نقاط جنوبی گاه اتفاق افتاده که یکماه متوالی پادهای سخت میوزید طوفانهای قطب جنوبی زهره مردم کم دل را آب



میکند بر ارتفاع موج آله جدید عوسی که بواسطه آن ۳ ساعت در دریا آب میتوان ماند. دو کوشه اختراع آن

کشفیات

خالبا تا ۲۰ ذرع مانند کوه متحرک دیده شد که بسبت کشتی کوچک مامراز بر میگردد.

زراعت بدون خاک

در منطقه سافوک انگلستان طریقه جدیدی برای رشد و نمو غذای بهائیم استنباط کرده اند که بدون خاک، نباتات مورد تغذیه نمو و رشد میکنند. عامل رشد آنها محلولهای شیمیایی است که برای این مقصود ترکیب و تهیه کرده اند و نام آن محلول « نمو مریم » است و علاوه از نمو و رشد نباتات، محصولی که بدینوسیله بدست میاید پنج برابر محصولی است که با خاک استحصال میشود و میگویند این طریقه هرگاه تعمیم پیدا کند در آشیخانه ها و مساکن و منازل شهری نیز برای تهیه سبزیجات شیوع پیدا کرده و مورد استفاده واقع خواهد شد.

الکل عوض پترول

مستر فانک چنگ رئیس شعبه کیمیاوی یونیورسیتی ملی پیننگ (چین) بعد از تجارب چندین سال بالاخره به کشف چنان پترولی موفق شده که از الکل استخراج می شود.

پروفیسر مذکور راجع باین نطف چنان معلومات داد که این اختراع او از چند جهت فایده دارد، مثلاً از همه اول آن مواد خاصی که از آن الکل استخراج شود در خود ملکیت چین باندازه فراوانی پیدا می شود دوم این نطف جدید در تمام انواع موتورها استعمال و هیچ ضرورت ندارد که در ساختمان موتورها از باعث استعمال این پترول تبدیلی بعمل آید. سوم اینکه این نطف به نسبت پترول ارزان تر و فراوان تر و کم نسبت بیترول اضافه تر کار میدهد چهارم این پترول دارای مواد تیز آب نبوده و با نجن موتورها ابدأ کدام صدمه وارد نمیکند؛

کشف جدید راجع بمنگسز

جراحان امریکا کشف کرده اند که اگر نصف مغز انسان بکلی برداشته شود باز میتواند بخوبی زندگی کرده و نقصانی در هوش و عقل وی حاصل نشود چنانچه معلوم میشود که باقیمانده مغز سر تمام کارهای بدن را اداره می کند.

موفقیت بزرگ در زراعت

قرار اطلاعاتیکه از امریکا به جراثید یاری رسیده است دو نفر از دانشمندان تجربه خانه زراعتی واشنگتن بکشف بزرگی در امور زراعت موفق شده اند باین قرار که دانشمندان موصوف در اثر استعمال اشعه مختلفه برقی نشو و نمای عادی را در اقسام مختلف نباتات از قبیل درختان میوه - سبزیجات - حبوبات و غیره به بیبانه بلندی تزقی داده و در نتیجه خیلی پیش از موعد مقرر حاصلات بدست آورده اند.

مثلاً در یک تجربه ایلاس را در مدت (۵) روز از حالت شکوفه به پخته کی رسانیده اند که در عین حال درصفت و خواص آن نیز نقصی بعمل نیامده است این کشف در ذات خود خیلی قابل اهمیت است زیرا اغلب اشخاص در باغچه های خصوصی خود میخراهند از هر قسم نباتات داشته و در موسم مختلفه از آنها مطابق میل خود ثمر بگیرند گلهای موصوف گندم را در ظرف ۷ روز از روز تخم پاشی و انگور را در ظرف ده روز بحالت پخته کی رسانیده و عقیده دارند که به اندک توجه مدتهای منور را ازین بیشتر تقلیل داده شده میتواند و بعید نیست که یک میوه در ظرف یک یا دو ویره بزبجاء بسید کی برسد علاوه برین دانشمندان امریکائی تجربه کرده اند که در

صورت استعمال اشعه برقی اگر در محیط مری پوشیده باشد موسم تاثیر نداشته والا اگر در هوای آزاد باشد همانطوریکه موفقیت (تاکنون) کم احتمال میباشد اثرات موسم خیلی دخیل خواهد بود اکنون آنها مشغول مطالعه این نکته میباشد که آیا از يك نبات در سال پیش از فصل مقرر حاصل میتوان گرفت ؟ مثلاً از درختان که معمولاً در سال یکبار حاصل میدهند و مرتبه ثمر گرفته میشود یا نه ؟ این کشف برای بخاریکه خوراکیهای نادر استکمال را در اوقات مختلفه سال به نقاط دیگر یک در آنجا به آن موسم پیدایش ندارد میزند صدمه بزرگی رسانیده طوری خواهد شد که با داشتن يك دستکاه کوچک میتوان ثمر هر جنس از نباتات را در وقت مطلوب برداشت .

خستگی فلزات

(آندراد) پروفیسر یونیورسیتی لندن با ثبات رسانیده است که معدنیات دلی العموم بعد از بکار اکتیدن در يك صحت مدید اضطرار کسالت و ماندگی میباشد این اکتشاف جدید تمام مهندسين و آن کسانی که حیات شان را در سایه بکار انداختن ماشینات ناهین میباشد بخود توجه و دلاقه مند ساخته است زیرا این مسئله در نزد آنها حائز اهمیت زیادی میباشد کسالت و ماندگی فلزات عبارت از این است که در اثر کثرت استعمال روزی به تهلکه شکست معروض میماند و البته ماشین هائیکه به این تهلکه معروض نباشد خیلی نایاب است .

اصرو ز در اثر اکتشافی که پروفیسر (اندراد) نموده است با ثبات رسیده که خوردگی (یعنی ملتی) فلزات بواسطه امتزاج فلز خارجی نی بلکه به مانده گی فلز است چه پروفیسر مشارالیه خالص ترین و صاف ترین يك فلز را گرفته و از صفر تا به ۶۰ درجه حرارت داده و بلاخره باین نتیجه رسیده است - که در فلز خالص و صاف بیشتر آذر و دلائم ماندگی پیدا است - فلزی را که پروفیسر (اندراد) تحت تجرب به گرفته بود به تناسب (۱ در ۱۰۰) مایون صاف و خالص بوده و فلز مذکور از طرف يك موسسه تجارتي تحویل شده و راجع به هدم اختلاط آن با هیچکدام فلز خارجی قبلاً تصدیق و اثبات شده بود .

بنابرین ماشین کارها باید که به آلات و ادوات ماشینی مری و کاردارند برای زیادت قابلیت و تحمل و دوام ماشین تدابیری را که تاکنون پیش خود سنجیده اند عبارت از تجرید يك فلز از فلز اجنبیه یعنی صاف و خالص ساختن فلز مذکور بوده و حال آنکه این عمل دلی العموم پیهموده است ، زیرا نظر به بیانات و تجارب پروفیسر (اندراد) برای جلوگیری از ماندگی فلز اصول دیگری لازم است که آنرا باید مراغ و جستجو کرد ؟

ماده خفه کننده جدید

در فرانسه چیزی يك ماده جدید خفه کننده توسط یک نفر پروفیسر فرانسه کشف شده است که احتمالاً گفته می شود به هیچ یک نوع آبه دفعیه ، دفاع لازمه آن کرده نمیشود - اما درین باره عقیده جرائد المان این است که بیابان و سائط مدافعه کیمیائی موجود می باشد که از هر نوع فزای لازمه حفاظت می نماید - حسب نظریه جرائد فرانسه این ماده جدید خیلی باسانی بدست آمده و برای بر کردن بمب های طباره موزون است .

سروم ضد جذام

دو نفر از اطباء بزرگ فرانسه : داکتر (بودمر) و داکتر برون که در ساختن مرموهای مختلف تخصص دارند پس از چند سال محامیات و مطالعه کشف جدیدی کرده اند که عبارت از مرمومی است که با استعمال آن (باسل)

کشفیات

عرض جدام بافاصله ۲۴ ساعت از ترزیق مرسوم نابود خواهد شد. برای اولین دفعه مرسومهای را که بطور نمونه ساخته‌اند در چند نفر مجنون امتحان کرده و نتیجه رضایت بخشی حاصل شده است.

کیفیت رویت رنگها

داکتر (هربرت بلش) عالم امریکائی می گوید که رنگها وجود خارجی ندارد بلکه از اختلاف موجات (ایتر) نشئت مینماید مثلاً از موجات ایتر بسرعت ۴۵۰ بلیون مرتبه در یک ثانیه رنگ سرخ و از موجات آن به حساب ۵۲۶ بلیون ایتر در یک ثانیه رنگ نارنجی و از موجات ۵۸۹ بلیون ایتر در یک ثانیه رنگ زرد و از ۶۴۰ بلیون مرتبه در یک ثانیه رنگ سبز و از ۷۲۲ بلیون مرتبه در یک ثانیه رنگ آبی و از ۷۹۰ بلیون مرتبه در یک ثانیه رنگ بنفش را دید.

یعنی رنگ در خارج وجودی ندارد - چیزی که هست فقط موجات مختلف سرعت ایتری است - مواد به نسبت رنگهای خود موجات ایتر را منعکس می سازد مثلاً مواد سبز موجات ایتر را بسرعت ۶۴۰ بلیون مرتبه در یک ثانیه جانب چشم انعکاس میدهد. و قتیکه موجات ایتر به این سرعت جانب چشم منعکس گردید صورت آن ماده برای انسان سبز نمودار می شود.

کشف مایع ضد گاز

(ویوت وهاخان) از پروفیسرهای دارالفنون امستردم یک نوع مایع عجیبی را کشف کرده اند که اگر بروی یک قطعه قماش نهاده شود قماش مذکور انسان را از خطر گاز زهر دار حفاظت مینماید (مخصوصاً در جلوگیری از ضرر گاز که در محاربات بیشتر استعمال میگردد) پروفیسران مذکور که به کشف این مائع موفق گردیده اند اظهار مینمایند که اگر این مایع یکبار بروی یکپارچه گذاشته شود یکمخته دوام مینماید، این کشف را برای مساکر و ساکنین شهرها خیلی بر منفعت و مهم میدانند، وزارت حربیه هالیند خواهش نموده است که این اختراع بنام آن فید گردد.

پشم مصنوعی

داکتر (فرتی) در حضور جم غفیری از علما تجربه ساختن پشم را از ماده پذیر (شیر) نشان داد، این ماده یکی از اجزای مهم شیر میباشد، تا تاب داده شده پشم مذکور که از آن منسوجات ساخته می شود مشابیهت زیاد به پشم طبیعی دارد - قرار اطلاعیکه جرائد میدهد، شخص مزبور در تجربه خود کامیاب شده است - قرار معلوم پشم مصنوعی و تازی که از آن ساخته و تاب داده اند نرم، دمدار (مرنجم) سفید و نازک است، این پشم مصنوعی دارای اکثر خواص پشم طبیعی میباشد - داکتر (فرتی) میگوید که بدین طریق می توان پشم دراز و صافی (که ضخامت آن قرار خواصش انسان باشد) حاصل کرد - ماده پنبری (شیر) در بازار به ارزانی دستگیری مینماید یعنی پشمیکه از شیر ساخته میشود از پشم اصلی نهایت ارزان می باشد.

اشعه توقف دهنده ماشینها

درمورد ایتالیا اشعه امسرار آمیزی زیر تجربه گرفته شده که قادر است همه موتورها را زمینی و هوائی را از کار بیندازد شد اظهار میدارند که هرگاه اشعه مزبور با شرائط مخصوص استعمال بشود میتواند خطوط جبهه جنگ را تماماً بطرز صاعقه آسانی منهدم کند.

استخراج بنزین از خاک

عده از کیمیا دانان آلمانی موفق شده اند از خاکیکه قسمت عمده آن مخلوط باریشه نباتات فاسد شده باشد بنزین استخراج کنند مقصود ازین کار همانابی نیاز کردن آلمان از بنزین خارجی میباشد و بطوریکه آزمائش شده

معلوم داشته اند که از ۱۴ رطل خاک میتوانند چهار رطل بنزین استخراج کنند و مخارج سوخت يك موز هادی با این بنزین بیست درصد نسبت به مخارج سوخت با بنزین طبیعی ارزانتر است چه سه ربع از خاک آلمان از یتکو، خاک که مخلوط باریشه های فاسده نباتات است میباشد با این جهت بیش یفی میکنند که این آزمایش از لحاظ بی نیاز کردن آلمان از بنزین خارجی قرین موفقیت خواهد بود .

فوائد سم مار در مرض سیلان خون

مدتیست این قضیه که سم مار از جریان خون جلوگیری مینماید معلوم بوده ولی تاکنون راه استفاده از این معالجه پیدا نشده و تصور میرفت که از سم مار برای بدن انسان خطرات بزرگی تولید میگردد .

درین اواخر موضوع استفاده از سم مار در مرض سیلان خون روشن شده و محقق گردیده که سم ماری موسوم به (روسل) برای جلوگیری از این مرض فوق العاده مفید بوده و در صورتیکه سم این مار را بینه آبی که نسبت به ثقلت آن ده هزار مرتبه بیشتر باشد حل نمایند خاصیت اصلی خود را محفوظ داشته و همین محلول از مرض جریان خون جلوگیری مینماید و این کشف فوق العاده این عملیات را سهوات داده است .

مرض جریان خون خیلی خیلی خطرناک است کسانیکه مبتلای این مرض هستند همین که پریدگی جزئی در یکی از اعضای بدن آنها رخ داد خون بدن شان بدون توقف جریان پیدا کرده و دچار زحمت و مخاطره میشوند و یگانه علاج این مرض محلول سم مار روسل بوده و بوسیله این سم کاملاً از آن جلوگیری میگردد

احصائیه زبان ها

- جدید ترین احصائیه هایی که از بعضی زبانهای عالم برداشته اند بقرار ذیل است :
- در دنیا چارصد میلیون سکنه چینی حرف میزنند .
 - و دو صد میلیون انگلیسی .
 - و یکصد و چهل میلیون روسی .
 - و صد میلیون هندی .
 - و ۸۰ میلیون آلمانی .
 - و ۷۰ میلیون فرانسوی .
 - و ۷۰ میلیون اسپانیولی .
 - و ۶۵ میلیون جاپانی .
 - و ۶۰ میلیون بنگالی .
 - و ۵۰ میلیون ایتالیایی .
 - و ۵۰ میلیون پرتگالی .
 - و ۲۵ میلیون فارسی .
 - و ۱۰ میلیون افغانی .



سیر تکامل فنون حرب

نگارش جناب محمد صدیق خان طرزی
رادبو میخانیک

هر گاه به ترقیات عصر حاضر نظر انداخته شود، دیده میشود که تخنیک (فن) در پیشرفت این ترقیات سهم زیادی گرفته بزرگ تاثیر همین تخنیک است که شب و روز در آلات، و ادوات فنی تبدلات بمشاهده میرسد. تخنیک قرن بیستم بدرجه ترقی و پیشرفت نموده است که بعضی اوقات انسان نمی تواند کاملاً به آن قابل بوده شاهکارهای آن را باور نماید.

برای تخنیک حاضره مانعی در پیش نبوده و در هر جا و به تمام امور دنیا رول با اهمیت و شاندار را بازی میکند پس بجزئی می توان گفت که تخنیک، حاکم کلبه امور جهان بوده محور اصلی دنیا بشمار میرود. دامنه تخنیک معموله عصر حاضر بدرجه وسیع است که جزئیات آنرا در فید قلم آوردن خیلی ها مشکل میباشد و ما در اینجا فقط نسبت به نکات عمومی و مهم آن برای کاربن محترم معلومات مختصر عرضه خواهم نمود:

حصة مهم تخنیک حاضره در امور حریبه و جنگ و جدال بکار انداخته شده وسیله حرب، آلات تخنیکی میباشد. تخنیک حاضره حریبه در پرواز یک شی جدید بروی کار آورده در ندرت حریبه حاضره باعث تغییرات میگردد، و ازین مانع شده می توانیم که تخنیک عصر حاضر تا حالت کنونی به پایه ترقی حقیقی خود نرسیده است لهذا در اثر این تکمیل نشدن تخنیک در شکل اصلی هر چیزی تغییرات پیدا میشود و علمای حاضره تخنیک سعی دارند که باید به پایه اصلی ترقیات برسند اما خاطر نشان کرده عرض میداریم که در راه رسیدن به اراج اصلی تخنیک بسی مشکلات در پیش میباشد.

علمای موجوده برین قائم هستند که هر گاه کدام شی شکل آخرین خود را پیدا کرده و تغییراتی در شکل آن بنظر نرسد آنوقت آن شی تکمیل شده بشمار میرود.

تخنیک موجوده به تمام امور شریک بوده حاکم و صاحب اختیار روی زمین، و زیر زمین، دوی آب، زیر آب و طبقات بلند هوا نیز میباشد. انسان از برکت تخنیک است که حاکم تمام امور درجهان گشته حاضر در عملیات بنی آدم چیزی مانع در پیش نبوده هر چیز، و هر شی تا به آن میباشد علت این مقبوعیت انسان جهان در اولاً شرافت انسان دوم و سائل تخنیک است.

اگر در سابق انسان پرواز مرغانت را به دیده حیرت می نگریست اما امروز خودش دارای بالهای میخانیک بوده با ارتفاعات بلند تر از پرواز مرغان موفق به پرواز شده حاکم کره نسبی گردیده است. سابقاً آدم از حیوانات

از جناب رشتیا مهمتم سالنامه که در تصحیح عبارتی این مقاله قبول زحمت فرموده اند، تشکر مینمایم.

د محمد صدیق طرزی

عمق دریاها حکایه کرده در باره آنها نظریات تقریبی میداد اما امروز خودش در عمق دریاها سفر کرده از همه جزئیات آن اطلاع حاصل کرده است. انسان را که باین کارهای خارق العاده کامیاب ساخته وسیله آت و سائط تخنیک می باشد.

هر قدر که تخنیک را توصیف بنمائیم هنوز کم است. لهذا دامان توصیف را کوتاه ساخته يك آن اولتر باصل مطلب سراجعت می نمائیم.

در اینجا برای قارئین گرام راجع بهر مسلك معلومات مختصر بشکل علیحدہ عرض می شود.

هوا بازی

هوا بازی نظر بد بگر مسلكها خیلی جوان تر است و با وجود اینکه از روز اول اختراع آن بیش از ۳۲ سال نگذشته معینا نسبت به تمام مسالك تخنیکي ديگر ترقیات شایانی نموده است و هم علمای عصری به هوا بازی بیشتر اهمیت داده در ترقی آن می کوشند علت این ترقی بی پایان هوا بازی چیست؟ جواب این جمله خیلی آسان است، هیچکس انکار ندارد که محاربه عمومی گذشته بهترین میدان تبحر به بوده و نیز هوا بازی در آنجا بکمال خوبی زیر امتحان قرار گرفته، ثابت نموده است که این عنصر جدید بهترین وسیله تعرض و مدافعه می باشد.

اما بدیهی است که طبارات در بدو بیدایش خود مثل امروز که کاملاً اطمینان بخش است، در سابق مطمئن نبوده در راه این کامیابی حاله آن بسا قربانیها داده شده است. اولین پرواز بندریه طیاره بلا نور یعنی طیاره بی موتور در سنه ۱۸۸۹ عیسوی بندریه انجیر آلمانی که « لیلیا تال نام داشت و اولین طیران بندریه طیاره موتور دار توسط به برادران « رایت امریکائی در ۱۷ ستمبر سنه ۱۹۰۳ میل شده است. بعد ازین تاریخ که طیاره موفق به پرواز گردیده شباروز به کامیابی حقیقی آن کوشش به عمل آمده، و از اثر همان کوششات و رنجها و قربانیهاست که اکنون بی آدم حاکم حقیقی کوره نسیمی میباشد. پرواز در اوایل برای انسان خیلی سنگین و ذقیقت بود، اما امروز طیران در هوا شغل مخصوصی در تمام دنیا گردیده وسیله معیشت بی آدم شده است. در ۲۵ جولائی ۱۹۰۹ وفتیکه هوا باز مشهور فرانسه « بیار یو » بحیره لاما نش (در بین فرانسه و انگلستان) بواسطه طیاره عبور کرد دنیا به این اقدام او بنظر تعجب دیده و اقدام مشهورانه لند برک امریکائی (که در سنه ۱۹۲۴ بحر اوقیانوس را برای مرتبه اول طی کرده بود) با اهمیت تر تلقی گردید. لند برک مشهور، مسافه بین نیویارک و پاریس را بيك پرواز قطع کرده بیش از ۳۳ ساعت در هوا پائیده بود اما حاضرأ چنان عملیاتی به ذریعه طیاره اجرا شده که اقدام بیار یو، و اند برک نزدیک است که از خاطرها فراموش گردد زیرا که قوه و نیروی انسان بدرجه رسید که بطور مسلسل بیشتر از ۷۵ ساعت در هوا پرواز میکنند. ترقیات امروزه هوا بازی بدرجه زیاد است که قلم از شرح آن عاجز مانده هوا بازان دنیا از هر روز بلکه هر ساعت ریکارد جدیدی را قایم می کنند.

علت ترقیات امروزه هوا بازی واقم شدن جنگ عمومی و فکر جنگ عمومی آینده است. در جنگ گذشته طیاره بشکل دامنه داری مورد استعمال قرار گرفته تمام دنیا اهمیت آن را بچشم سر مشاهده کردند. خدمات بیشتر و مهمتر هوا بازی در جنگ آینده مد نظر بوده تمام قوای آن در معرض امتحان گذاشته خواهد شد زیرا شدیدترین و سریعترین اسلحه هوا بازی است.

نظر باینکه در جنگ عمومی گذشته هوا بازی رول شایان تقدیری را بازی کرده انواع خدمات از آن گرفته شده بسان تر باحاطا گرفتن این خدمات در هوا بازی مسلكهای متعددی بوجود آمده است. (اول راجع به تقسیمات مسلك آلات سنگین تر از هوای یعنی طبارات و بعد از آن از آلات خفیف تر از هوای یعنی بالونها ذکر خواهد شد.)

مسلك های عمومی آلات سنگین تر از هوا یعنی طیارات قرار ذیل :

الف طیاره کشف :

طیاره از هر نوع و سائط دیگر ، بهتر کشف کرده میتواند و کشفی که بندریه طیارات اجرا و عملی میگردد بطور شفاهی و سندی میباشد (سندی آن همین است که کشف با کمره حکامی پرواز کرده خاک دشمن را با تمام کیفیت های آن عکس می بردارد) طیاره کشف يك قسم طیاره حربي دوفره میباشد که در بین آن برای تعرض و مدافعه اسلحه نصب میباشد و بطور عمومی طیاره کشف بدو نوع تفریق شده یکی کشف نزدیک و دیگری کشف دور (در طیاره کشف دور ، نسبت به طیاره کشف نزدیک زیاد تر بنزین و مواد محترقه جاداده میشود) .

سرعت پرواز طیارات کشف که در زمان حرب عمومی تقریباً صد کیلومتر فی ساعت بود اما سرعت امروزه طیاره کشف عصری بیشتر از ۲۵۰ کیلومتر فی ساعت میباشد . اگر ارتفاع آخرین طیاره کشف در زمان حرب عمومی تقریباً ۴ هزار متر بود اما امروز از ۹ هزار متر زیاد تر است . بطور عمومی در حالت موجوده ماشیندارهای ثابت و متحرک در طیارات نصب بوده ماشیندارهای ثابت را پیلوت و ماشیندارهای متحرک را کشف استعمال مینماید . همانک محارب سنه ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ و قتیکه ابتدای طیارات را برای خدمات حربي بکار برده بودند در خود طیاره اسلحه نصب نکرده بندریه تفنگ ، تفنگچه و قرابین محاربه میکردند بعدها ماشیندار نصب نموده و اکنون ماشیندارهای مریخ آتش نصب شده است .

طیاره کشف ایطالوی « رومی او ۳۷ Ro » : در بین این طیاره کشف (ساختان سال ۱۹۳۴) موتور

(ماشین) فی آن ۳۰ A ، قوه ۶۲۰ اسب نصب بوده وزن خالی آن ۳۴۵۰ کیلوگرام و وزن پرواز آن ۲۱۸۰ کیلوگرام میباشد . سرعت این طیاره در زمین ۳۳۸ کیلومتر فی ساعت در ارتفاع ۵۰۰۰ متر سرعت آن ۳۲۸ کیلومتر در ساعت است . در وقت نشستی ، سرعت طیاره مذکور فی ساعت ۱۱۰ کیلومتر بوده در ظرف ۱۴ دقیقه ۵۰۰۰ متر اوج میگردد . ارتفاع نهائی آن ۸۰۰۰ متر ، مسافت ۱۵۰۰ کیلومتر را يك دفعه تیل برگردن قطع میکند . اسلحه که درین طیاره نصب گردیده عبارت از يك عدد ماشیندار ثابت و دو عدد ماشیندار متحرک است . ۱۲ عدد بم ۱۵ کیلوگرامه را با خود به هوا برداشته میتواند .

طیاره شکاری :

طیاره شکاری يك قسم طیاره مریخ الحرکه است که برای محاربه کردن باقوای هوایی دشمن بکار برده میشود . طیاره شکاری نسبت به جسم و وزن خود از طیاره کشف کم وزن و خورد میباشد و با وجود سبکی و کوچکی موتور قوی در آن نصب مینمایند . وضعیت طیاره شکاری دربر و از خیلی خوب بوده بدائره های تنگ انواع دور ها خورده میتواند .

بصورت عمومی طیاره شکاری دو قسم است : طیاره شکاری یکنفره و طیاره شکاری دوفره . در بین طیارات شکاری ماشیندارهای ثابت نصب بوده باوجودیکه پیلوت عملیات اداره طیاره را اجرا میکند ماشیندار را نیز بکاری اندازد صورت استعمال ماشیندار او طوری است که چندان تکلیف ندارد زیرا فیر از پروانه اجراء میشود و ماشه ماشیندار بادسته اداره طیاره وصل بوده هر وقتیکه پیلوت بخواهد آنرا بکار انداخته میتواند . چون طیاره شکاری دارای اسلحه تعرضیه و دفاعیه خوبی میباشد لهذا دشمن قوی طیارات بمبارد مان ، طیارات کشف و زبلین ها و انواع بالونها میباشد و در وقت محاربه محافظ طیارات بمبارد مان هم بشمار میرود .

طیاره شکاری یکنفره فرانسوی « دیو آتین » : شرکت طیاره سازی فرانسوی که « لی اوری و اولیوی » نام دارد ، طیاره بنام دیو آتین Ci-500 ساخته است حسب اطلاعیه جرائد در بین این طیاره انواع موتورها طیاره

از رقم اسپانوسواپز و غیره نصب میشود، دو موتور طوپ دار نیز نصب میشود (راجم به موتور طوپ دار آینه بحث میشود) قوه این موتور یک در آن نصب است ۸۶۰ اسب میباشد. سرعت پرواز این طیاره در ارتفاع ۵۰۰۰ متر فی ساعت ۴۰۳ کیلومتر بوده در ظرف ۵ دقیقه ۲۷ ثانیه ۵۰۰۰ متر اوج میکشد. ارتفاع نهائی طیاره مذکور ۱۲۳۰۰ متر بوده اسلحه آن دو همد ماشیندار است و در سنه ۱۹۴۴ از کارخانه برآمده است.

طیاره دو نفره شکاری امریکائی: طیاره دو نفره شکاری امریکا که بنام «کونسل ویت» یادگردیده در بین آن موتور رقم «کریستیس کونکوی» نصب میباشد سرعت پرواز طیاره مذکور فی ساعتی ۴۰۵ کیلومتر است. طیاره بمباردمان، طیارات بمبارمان از حیث برداشتن وزن به سه درجه تفریق میشود؛ بمباردمان خفیف، بمباردمان متوسط، بمباردمان، ثقیل. و این طیارات برای خدمات شب و روز تعیین شده است. چون وظیفه طیارات بمباردمان خیلی مشکل و سنگین میباشد و لازم است بالای منطقه دشمن در حال پرواز بمباردمان میناید آتیل زیاد برای سوخت موتور برداشته و با اسلحه خوبی مجهز است. درین اواخر علاوه بر ماشیندارها نیکه درین قسم طیارات نصب بود اکنون توپ سریم آلتش نیز نصب کرده از آن کامیکرند.

طیاره کشف در عین زمان طیاره بمباردمان خفیف بوده و بصورت عمومی طیاره بمباردمان خفیف دارای یک و ترمیباشد. طیاره بمباردمان متوسط دارای دو یا سه موتور است اما طیاره بمباردمان ثقیل موتورهی زیاد دارد. اگر بتاریخ طیارات بمباردمان نظر شود طیاره بمباردمان امروزه از طیارات سابقه ده مرتبه بیش تر برداشته و سرعت و ارتفاع آن نیز زیاد گردیده است.

طیاره بمباردمان خفیف نور توپ E-2: این طیاره بمباردمان خفیف در امریکا ساخته شده موتوری که در آن نصب میباشد ۶۵۰ اسب قوت دارد و بدریجه هوا مرد میکردد. با وزن بم های که در آن بسته میشود در وقت امتحان و به ارتفاع ۲۱۰۰ متر ۳۵۰ کیلومتر رفتار کرده میتواند طیاره بمباردمان بدریجه ماشیندار های «ویرس» و «لوئیس» مسلح بوده ۴۵۰ کیلوگرم بم و ۱۲۰۰ تا کارطوس ماشیندار را می بردارد. راکبین طیاره مذکور عبارت از پیلوت و شخص فیرکننده میباشد، مواد سوختی که در طیاره مذکور می گنجد ۱۳۷۵ لیتر بوده این مقدار برای قطع کردن ۲۴۰۰ کیلومتر زمین کفایت میکند.

طیاره بمباردمان متوسط «ساوی یا S73»: درین طیاره بمباردمان متوسط سه عدد موتور رقم «گنوم رون» هر یک بقوه ۶۰۰ اسب نصب و وزن خالی این طیاره بمباردمان ۵۸۰۰ کیلوگرم و وزن وقت پرواز آن ۹۳۰۰ کیلوگرم میباشد. سرعت طیاره مذکور بر روی زمین ۳۲۵ کیلومتر فی ساعت بوده در وقت نشستن سرعت آن فقط ۹۲ کیلومتر فی ساعت است. ارتفاع نهائی طیاره مذکور ۷۰۰۰ متر میدان پرش آن یک دفعه تیل بر کرده ۱۰۰۰ الی ۱۶۰۰ کیلومتر میباشد و وزن بمی که در آن حمل و نقل داده میشود عبارت است ۲۰۰۰ کیلوگرم و در سنه ۱۹۳۴ در کارخانه طیاره سازی ایطالیا ساخته شده است. اسلحه این طیاره عبارت از ۴ عدد ماشینداری باشد.

طیاره بمبارد ثقیل «لانا کو ایر - S21»: در بین این طیاره بمباردمان و ثقیل شش عدد موتور نصب است که هر یک ۸۰۰ اسب دارد. وزن خالی این طیاره ۱۹۷۵۰ کیلوگرم و وزن آن در وقت پرواز مساویست به ۳۱۶۰۰ کیلوگرم. ارتفاع نهائی این طیاره تقریباً ۵۰۰۰ متر میباشد. میدان انداخت این طیاره ۴۰۰۰ متر و وزن بمی که با خود حمل میناید ۶۰۰۰ کیلوگرم است این طیاره در سنه ۱۹۳۴ در فرانسه ساخته شده.

طیاره تعقیب : طیاره تعقیب طیاره مریم السیری است که هرگاه دشمن بالای یک موضع پرواز نماید طیاره مذکور بسرعت لازمه پرواز نموده با دشمن هوائی داخل محاربه میگردد. هرگاه دشمن بعد از بمباردهمان و یا کشف رخ بفرار گذارد طیاره مذکور بکمال خوبی آنرا تعقیب نموده او را نمیگذارد که بدون صدمه خلاص شود. طیارات تعقیب عبارت از طیارات شکاری مریم السیری میباشد که سرعت آن زیاد و خیلی اوج گرفته میتوانند. و بنا بر آن دشمن هوائی را بکلی متناصل میسازد.

طیاره حمله : طیاره حمله یک قسم طیاره مخصوص است که اکثر اوقات بمقابل هدفهای زمینی استعمال میگردد این طیاره علاوه بر سرعت خوبی که دارد میتواند مدت درازی بطور مایل پرواز کرده بذریعه ماشیندار ثابت که در آن نصب میباشد بر هدفهای پیاپی و غیره عمل انداخت را اجرا کند. امروز این نوع طیاره در قوای هوائی امریکا خیلی حائز ترقی بوده امریکا تنها طرفدار این نوع طیاره مخصوص میباشد.

طیاره حمله امریکائی « کرتیس A-12 » : درین طیاره موتور رقم « ریت سکلون » بقوه ۷۰۰ اسب نصب و سرعت آن بر روی زمین ۳۲۵ کیلو متر فی ساعت میباشد حد نهائی اوج گرفتن آن ۷۰۰۰ متر بوده باه عدد ماشیندار مساج است علاوه بر ماشیندارها ۲۵۰ کیلو گرام بم نیز در آن موجود میباشد.

طیاره « دیسانت » : طیاره دیسانت یک قسم طیاره مخصوصی است که بذریعه آن قطعات عسکری پرواز کرده توسط پراشوت (چتر نجات) در عقب جبهه دشمن با اسلحه یا تین آورده میشوند. در جنگ آید این نوع سوقیات در عقب جبهه دشمن ؛ بیک وضعیت دامنه داری استعمال خواهد شد. طیارا تیکه برای این نوع خدمت بکار برده خواهد شد طیارات ملکی و بمباردهمان بوده درین آن باید چند نفر جا بگیرد و برای محافظه این نوع طیارات که حامل افراد عسکری میباشد طیارات شکاری مأمور میگردد. در انگلستان برای این مقصد طیاره جدید بنام « طیاره دیسانت » ساخته و در بین آن جای مخصوص برای انداختن از پراشوت ساخته اند.

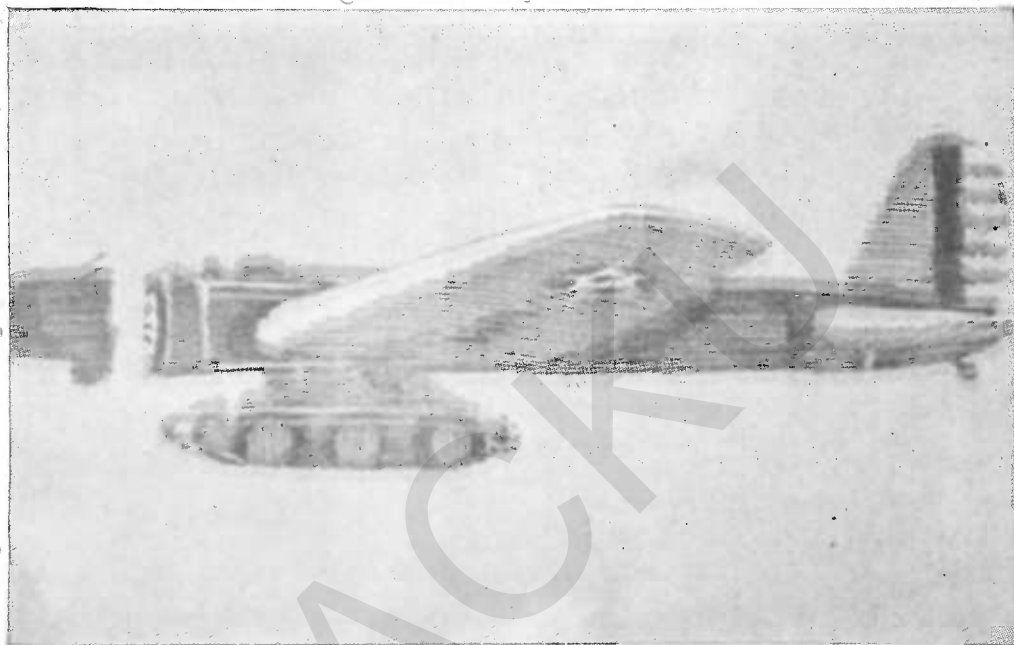
طیاره دیسانت انگلیسی : در انگلستان در روز نمایش هوا بازی که در سال ۱۹۳۵ در میدان طیاره « هین دون » نشان داده شده بود طیاره مخصوص برای مشق های دیسانت معرض نمایش قرار داده شده و این طیاره یک طیاره مخصوصی است که برای تعلیمات فرود آمدن از پراشوت کمک فوق العاده میکند. طیاره مذکور در کارخانه ویکرس ساخته شده در جای نشیمن پیش رو ؛ جای مخصوصی پراشوت تعبیه شده است.

طیاره بمباردهمان شکاری : علمای هوا بازی معتقدند که هرگاه سرعت طیارات بمباردهمان بلند برده شود بذریعه یک طیاره خدمت بمباردهمان و شکار (جنگ هوائی) اجرا خواهد شد. برداشتن وزن زیاد از سرعت رفتار طیارات میکاهد و همین زمان سرعت زیاد و حمل وزن زیاد کار سهل نبوده تا هنوز این مسئله حل نگردیده است. هرگاه این مشکلات بر طرف شد در تخنیک هوا بازی و تعبیه آن تغییرات کامل خواهد داد. این طیاره شکاری بمباردهمان دارای چند موتور می باشد مگر نسبت به سرعت و اسلحه خود بنام طیاره بمباردهمان شکاری یادی شود.

طیاره بمباردهمان شکاری فرانسوی « بریکی 2-41 » : طیاره بریکی 2-41 که حاضر آجزو توای هوائی فرانسه است ، دارای در عدد موتور می باشد که هر کدام آن به قوه ۱۶۰۰ اسب و از کارخانه « هسیانوسویزا » میباشد. خصوصیت این طیاره همین است که زاویه انداخت ماشیندارها در آن خیلی بلند

برده شده . در جای نشیمن کای بیش رو ، و نشیمن گاه عقب بکوع ، ماشیندار نصب بوده بطور متحرك فیر میکند و علاوه برین برای حفاظت ز بر طیاره ماشیندار مخصوص نصب است . خاصیت تخنیک طیاره بمباردمان شکاری ویا طیاره شکاری جدیدن تقری قرار ذیل است :

سرعت انتهای ۲۶۵ کیلومتر فی ساعت ارتفاع نهائی ۴۰۰۰ متر (در ظرف ۱۱ دقیقه) وزن خالی ۳۱۸۳ کیلوگرام . وزن پرواز ۶۲۰۰ کیلوگرام ، طول بال ۱۲۵ متر (یکتیم باله میباشد) .



طیاره که تانک را باخود پرواز میدهد

طیاره مخصوص بمباردمان که در زمان پرواز مایل بمباردمان میکند : بمباردمان فن مخصوصی است که از خود تعلیمات جدا گانه دارد لهذا از نجار بیکه عمل آمده معلوم میگردد که هرگاه بمباردمان در زمانیکه طیاره بطور هائل پرش نماید اجرا گردد اصابت بمهای آن بیشتر می باشد . و امروزه روز برای این مقصد طیاره مخصوصی ساخته اند .

علاوه بر تقسیمات فوق ، دیگر تقسیمات حریبه نیز در طیاره موجود است که مختصراً ذکر می شود : طیارات طولر پیدو انداز ، طیارات تنظیم آتش ، طیارات طور پچی ، طیارات مخصوص بست کشتی های طیاره بردار ، طیارات محافظت مرحدات بحریه و کشف آن ، طیارات کشف بحریه و غیره و غیره . ناگفته نماند که علاوه برین تقسیمات باز هم بعضی تقسیمات دیگر نیز وجود داشته روز بروز مسلك های جدید در طیاره ایجاد می شود .

طیارات ملکی

طیارات ملکی در زمان موجوده خیلی ترقی نموده مثل طیارات حریبه به شعبات متعدد ترقی میگردد . باعث ترقی طیارات ملکی اینست که در حال حاضر (یعنی در زمان صلح و سکون) برای رفع احتیاجات مختلفه مملکت کار داده بمجربیکه اعلان حرب شایع گردیده تمام آنها بطیارات حریبه تبدیل شده نسبت بوزن و وضعیت خود

در ردیف طیارات جنگی اخذ موقع مینمایند یعنی آنها تیکه وزن زیاد دارند برای بمباران مان و طیارات کم وزن جهت دیگر خدمات حریبه استعمال خواهند شد. طیارات ملکی به اندک زمان بطیارات حربی مبدل شده میتوانند، تنها برای حربی ساختن آنها نصب کردن اسلحه و بم گیرها لازم میباشد و اگر بعضی طیارات ملکی بحالت اصلی خود باقی بمانند خدمت نفر رسانی و آذوقه رسانی عسکری را ایفا خواهند کرد. صورت خدمات عمومی طیارات ملکی قرار ذیل میباشد:

طیارات حمل و نقل: در عصر حاضر سفر کردن بذریعۀ طیارات يك كار عدى بوده در ردیف دیگر وسائط نقلیه جای بلندی را اخذ کرده است. هر گاه به کارات موجودۀ خطوط هوائی عالم نظر انداخته شود دیده میشود که از هر پای تحت خطوط هوائی شروع و گذر کرده و عموم شهرهای عالم را بهم وصل و داخل ارتباط نگه می دارد. امروز در خطوط هوائی عالم چندین هزار طیاره و عملاً داخل خدمت میباشد و بذریعۀ این طیارات هزاران مسافر و هزاران تن مال حمل و نقل داده میشود. در خطوط هوائی عالم ترتیبات لازمۀ گرفته شده که برای مسافرین هیچ يك تکلیف عاید نبوده همه احتیاجات رفع گردیده است و الحاصل در طیارات عصری برای مسافرین تمامی وسائل راحتی مهیا بوده از هر جهت بالکل آسوده خاطر میباشد.



اگرچه تا چندى قبل سفر طیاره بطور نشست اجرا میگردد اما حاضر آ در طیارات جای خواب هم تعبیه نموده اند که مسافرین در وقت ضرورت استراحت تا به بنایند و علاوه برین دیگر انواع راحت و ساعت تیری یعنی رستودان مطالعه خانه، آرایش خانه حمام، تلیفون و رادیو و غیره وضع گردیده است. در مطالعه خانه های هوائی تازه ترین جراثیم میتوان بدست آورد در طیارات ملکی امر و زه

جای خواب و نشست در طیارات مصری

مدنظر دارند که برای تفریح مسافرین سینما هم وضع کنند. تجارب لازمۀ راجع به این مسئله بعمل آمده و البته به زود ترین فرصت عملاً اجرا خواهد شد و چون هنوز مشکلات هوائی بقی میباشد لهذا برای نجات مسافرین از صدمه های هوائی، پراشوت ها تهیه شده تا مسافرین در وقت ضرورت ازان کار بگیرند و بلکه چنین طیاره ساخته اند که جای نشین مسافرین سهولت جدا گردیده با پراشوت سالم فرود مآید. در هوا بازی فانونی بر قرار است که مطابق آن هر گاه در طیاره کدام واقعه رخ بدهد بیلوت باید بعد از تمامی را کپین خود را نجات بدهد.

طیاره سفری «فوکر»

: کار خانه طیاره سازی مشهور فوکر، طیاره جدید ۳۲ نفری ساخته است. در صورتیکه طیاره مذکور در خط هوائی آمستردام - با تلوینا (مابین هالند و جاوا) پرواز نماید در آن

۱۶ نفر مسافر سفر خواهد نمود. و درین خط مسافرن بوقت شب هر يك جای خواب علیحده دارند. عمدهٔ طیاره عبارت از پنج نفر است که دو نفر آن پیلوت میباشد و برای عمده نیز دو بستری خواب موجود است که بوقت شب از قرار نوبت استراحت میکنند.

این طیارهٔ فوکر يك باله است و بال مزبور بالای جسد طیاره وضع گردیده. در بین چوب های اسامی بال و خود بال جای مخصوص برای گذاشتن سامان تعبیه شده و ظرفیت آن ۹ متر مکعب و ظرفیت جای دیگر بیکه برای گذاشتن لوازم سفر در خود جسد طیاره است يك متر مکعب میباشد. جسد این طیاره از فل های فولادی ساخته شده روی آن تکه گرفته شده است. پیلوت مؤظف که ادارهٔ عمومی طیاره را مینماید در وسط قرار گرفته پیش روی او پیلوت دوم طرف راست آن تلگرافچی جای دارد. بنا بران عموم عمدهٔ طیاره در بین خود ها داخل ارتباط میباشد. در عقب نشیمن گاه چهار نفر مزبور جای نشیمن میخانیک وضع گردیده. از آن پس رستوران با آشپزخانهٔ برقی و بعد از آشپزخانه جای پیش خدمت ها میباشد. عقب تر اطاق مسافرن و باقی قسمت ها است.

اطاق مسافرن چهار قسمت شده هر قسمت برای هشت نفر میباشد. برای کم کردن صدای موتور، تزیینات لازم گرفته شده است در زمان سخن زدن چیزی تکلیف عاید نگردیده هر کس بسهوات صدای دیگری را میشنود حتی صدای موتور طیاره خواب کنندگان را نیز آذیت نمیکند.

در بین طیارهٔ مذکور چهار عدد موتور (ریت سیکلون) که بدریمهٔ هوا سرد میگردد نصب میباشد و پروانه های موتورهای طیاره سه یره دارد. ظرفیت هر چهار مخزن تیل آن ۳۴۰۰ لیتر میباشد معلومات تخنیک طیارهٔ فوکر قرار ذیل است:

طول بال ۳۳ متر، سطح بال ۱۷۲ متر مربع، وزن کار آمدیکه طیاره برداشته میتواند ۶۱۰۰ کیلوگرام. وزن خالی طیاره ۹۹۹۰ کیلوگرام سرعت انتهائی آن ۲۸۰ کیلومتر فی ساعت. سرعت طیارهٔ مذکور در ارتفاع ۳۲۵۰ متر ۲۶۲ کیلومتر فی ساعت و ارتفاع آخرین آن با وزن های فوق الذکر عبارت از پنج هزار متر میباشد. این طیاره با سه موتور هم میتواند به ارتفاع سه هزار متر با تمام وزن های خود پرواز نماید.

طیارهٔ پوسته: برای خدمات پوسته علاوه برین که در طیارهٔ سفری پوسته حمل و نقل داده میشود طیارهٔ مخصوص هم وجود دارد که در خطوط پوسته هوائی بقرار پروگرام معین پرواز مینماید تا پوسته های مختلف بطور منظم و به اوقات معین برسد. در مواضعیکه میدان طیاره وجود ندارد. بدریمهٔ آلات مخصوص از قبیل پراشوت و امثال آن پوسته انداخته میشود. (در موقع جنگ برای پائین کردن پوسته بزمین و گرفتن آن از آنجا اصولات مخصوصی معمول میباشد).

طیارهٔ پوسته «پاندر-پوستیا گیر»: طیارهٔ سریع السیر پوسته موسوم به «پاندر-پوستیا گیر» طیارهٔ سه موتورهٔ يك باله است که در هوا عمده های آن برداشته میشود ساختن طیارهٔ مذکور از چوب و بر روی آن پارچه گرفته شده است. درین طیاره موتور «رایت اورپر لوریند» نصب گردیده قوهٔ هر موتور آن ۴۲۰ اسب میباشد مخزن های مواد سوختنی آن از فلز الکترون بوده در بین آن ۲۱۰۰ لیتر مواد سوختنی جای میشود. در جملهٔ آلات و ادواتی که برای ادارهٔ طیارهٔ مذکور خدمت میکند یکی آلهٔ افق نما می باشد. در موقهٔ سیری است وضعیت تخنیک طیارهٔ پاندر بقرار ذیل است: طول بال ۱۶۶ متر، طول جسد ۱۲۰ متر، ارتفاع ۲۰۹ متر سطح بال ۴۵ متر مربع، وزن خالی ۳۰۲۵ کیلوگرام.

سیر تکامل فنون حرب

وزن هائی که در طیاره مذکور حمل و نقل داده میشود:	
۱ - وزن بنزین	۲۱۰۰ لیتر
۲ - دیگر روغنیا	۱۳۰ د
۳ - سه نفر کارکنان طیاره	۱۵۰۰ کیلو گرام
۴ - پوسته و اموال	۲۴۵۰ د
مجموعاً	۶۱۸۰

سرعت انتهای این طیاره ۲۶۰ کیلو متر فی ساعت و سرعت سفری اش ۲۰۰ کیلو متر فی ساعت میباشد.

طیارات در خدمت فلاح و زراعت: تجر به نشان داده است که طیارات برای خدمات فلاح و زراعت خیلی مفید میباشد اجرا آتیکه درین باره از روز اول تاکنون کرده شده نتیجه شایان تقدیری بدست آمده است. دشمنان قوی زراعت و فلاح حشرات موذی از قبیل ملخ و انواع کرم ها و پروانه ها و غیره میباشد که مبارزه کردن با آن ها کار سهل نبوده از آن رو سالانه میلیونها یونگ زراعت و فلاح دنیا خساره میرسد. از چندی به اینطرف چپته جلوگیری ازین خسارات طیاره را بکار انداخته و نتیجه درستی از آن بدست آورده اند. چون بطریق کیمیائی مواد سمیه بمقابل حشرات استعمال میشود لهذا برای پاش دادن زهر های کیمیائی طیاره خیلی خوب کار داده یک ساعته کار طیاره برای این خدمت مساوی با قهر زحمت چند روزه چند نفر عمله میباشد. و فنیسکه میخواهند طیاره را بمقابل حشرات بکار بندازند در طیاره مواد کیمیائی را که متخصص تعیین کرده میباشد بر کرده بالای مزارع پرواز میدهند و طیاره بذریعه آله باغذیه مخصوص از ارتفاع کمی زمهریات را بالای نقاط معینه می پاشاند و رفته رفته به اثر زحمت چند روزه طیارات یک منطقه حاصل خیز از حملات حشرات مضره نجات داده میشود.

البته برای قارمین گرام معلوم خواهد بود که در عصر حاضر برای قوت نباتات مواد کیمیائی بکار برده میشود لهذا برای این خدمت نیز طیاره مورد استعمال قرار داده شده صورت عملیات مبرور قرار آتی است:

زمین های زراعتی ممالک حاصل خیزی خیلی وسیع بوده رسیدن به آن کار مشکل میباشد چون در وقت آنها بذریعه تراکتورها اجرا میگردد بنابراین متخصص زراعت بالای اراضی مزرعه پرواز کرده هر جا بیکه بنظر او کم قوت معلوم شود در کارات خود نشانی مینماید و فنیسکه از طیاره فرود آمد اراضی نشانی کرده گوی خود را تدقیقات علمی نموده هر نوع مواد کیمیائی که برای بلند بردن قوت آن بکار باشد تعیین می نماید. بعد ازین مواد کیمیائی را در طیاره حمل نموده بر منطقه مذکور می پاشاند. علاوه برین چون موسم کشت کوتاه میباشد زمین های بیکه بذریعه ماشین ها قلبه شد، کشت آن کار سهل نبوده نسبت به تنگی وقت ضرورت پیش میشود که باید کشت کردن بسرعت اجرا کرده لهذا در حال حاضر برای این خدمت طیاره را بکار انداخته اند و بذریعه طیاره و آلات مخصوصه بقراریکه لازم میدانند در زمین قلبه شده تخم لازمه را پاش میدهند. امروز تخم پاشانیدن بذریعه طیاره خیلی رواج پیدا کرده است و روز بروز راجع درین قسمت کوشش نموده میخواهند که در آینه قریب تمام عملیات کشت کردن زمین ها، بذریعه طیاره اجرا خواهد شد. برای امور زراعت هر گاه خواسته باشند بسرعت نامه از یک نقطه بدیگر نقطه تخم ها فرستاده شود درین امور نیز طیاره معاون خوبی بشمار میرود.

طیارات در خدمت صحیه: در زمان صلح و جنگ واقعات بسیار مخوفی صورت میگردد که باید در زود ترین اوقات بدانجا رسیده ازان وارمی کرده شود و اگر کدام مریضی در آنجا پیدا شود بزودی ممکنه معاونت لازمه رساننده شود بعضی اوقات چنان مریضانی پیدا میشوند که هر گاه درباره آنها اندک تلافی کرده شود از دست می روند و اگر در سفر برای آنها استراحت میسر نشود نیز حیات شان در خطر می افتد از اینجاست

که برای امدادچین واقعات الم ناک طیاره رسیده معاونت فوری میرسد لهذا برای این مقصد در اردو های دنیا طیارات صحیه صایب احمر ملکی و مسکری موجود است که در هر آن برای معاونت حاضر میباشد این طیارات سرعت کافی داشته و خیلی مستریج و برای مریضان شدید جای خواب و برای مریضان عادی جای نشیمن وجود دارد .

هر گاه کدام واقعه مهم باشد ، طیب و پرستار بندریه طیاره بمعاونت مصیبت رسیده گان رسیده از آنها یتار داری میکنند .

چون دنیا صحه واقعات است لهذا برای مصیبت زدگان زلزله ها و حریق ها و آب خیزی ها و غیره باید معاونت کرده شود . از نیست که معاونت فوری چه از حیث خوراک و غیره باشد بندریه طیاره اجرا میگردد و از یک عالم مصیبت زدگان دستگیری نموده آنها را از فاقه کمی رهاند .

طیاره صحیه « لات ۲۰ » این طیاره یک طیاره دو موتور یک باله میباشد طول بالش ۱۸ متر ، ارتفاع ۳ متر ۸۰ سانتی بوده دو موتور « لورین » هر یک به قوه ۵۰۰ اسب نصب میباشد . و در بین آن چهار نفر مریض بحالت استراحت و یک نفر طیب با سامان در آن جای میشود .

طیاره 'در خدمت تجارت : شرکت های صنایع دنیا برای معرفی کردن مال التجاره خود ها به اقسام مختلفه اشتهار و پرویا کنند متوسل میشوند و ازین رهگذر استفاده خوبی می نمایند این شرکت ها به نشر اعلانها در جرائد و بر روی دیوارها اکتفا ننکرده برای این خدمت طیارات را نیز استعمال نموده از ان نتیجه شایان و برجسته اخذ کرده اند .

ساده ترین طرز اعلان کردن بندریه طیاره عبارت از نشر پارچه های کاغذ چاپی می باشد که طیارات بر شهرها پرواز نموده مقدار زیاد آن را می باشند اما بعضی شرکت ها باین اصول ساده اکتفا ننموده معالبا نشر گردانی را به ذریعه گلوب های کوچک برقی در زیر بال طیاره نوشته شبانه طیارات را به فر از شهرها و آبادیها پرواز می نمایند و باین قسم اهالی ازان واقف می شوند .

درین اواخر باین مسئله توجه زیاد بعمل آورده و طریقه های شکفت انگیز را به محل اجرا گذاشته اند مثلا آله اختراع کرده اند که مقصد لازمه را بندریه دور خود بخود تحریر شده چندی در هوا می ماند و مردم آنرا می خوانند و علاوه چنان طرم های ناشر الصوت حساس ساخته اند که هر چیزیکه در هوا گفته شود و از هر ارتفاعی که باشد بر روی زمین شنیده می شود .

طیاره برای رقابت مال التجاره در بازارهای فروش اموال تجارته نیز خیلی ها حائز اهمیت میباشد لهذا تجار مال های خودهارا بندریه طیارات بسرعت تاه حمل و نقل و بغرض انتشار فوری ، در بازارها بمعرض فروش میکنندند .

طیارات در خدمت اطفائیه : درچنگ آینده بمقابل شهرها و کشتزارها و غیره مواد محترقه بکثرت استعمال گردیده و بسا حریق های مدهشی تولید خواهد گردید و برای این مقصد انواع مواد پیدا کرده اند که حریق آن خیلی وخیم بنظر می آید . اگر چه طیاره برای تولید حریق بکار میرود اما بالمقابل در کشف مواضع حریق و امداد فوری مصیبت رسیدگان حتی انطفای آتش نیز خدمات بی نظیری انجام میدهد در مواضعیکه حریق تولید شده باشد ، طیارات به زودترین فرصت آنرا کشف و بندریه بم های مخصوص آتش گل کن بمقابل آن داخل اقدامات میگردد ، کاریکه یک طیاره میکند بیشتر از اجرات صد ها نفر میباشد .

طیاره علاوه بر اینکه بوقت جنگ در اطراف حریق شهرها و کشتزارها معاونت میرساند منابع حاصل خیز را در وقت صلح هم از حریق های مدتها نگاه داری نموده در دفع آن میکوشد. هرگاه نظر بعلمت قصدی یا طبیعی (مثل - الماسک وغیره) در جنگلها حریق تولید گردد در کمترین اوقات دامنه این حریق وسعت فوق العاده یافته و منبع مهم سرمایه يك مملکت که عبارت از جنگلات و مزارع باشد برایگان می رود، لهذا علمای موجوده به این مسئله فکر کرده طیاره را برای این خدمت هم زیر نظر گرفته اند. وقتیکه يك طیاره در جنگل حریق را کشف مینماید علی الفور بذریعۀ بیسیم بمركز خود موضع حریق مدتها را مملومات میدهد و از مرکز مذکور طیارات با بمب های مخصوص اطفایه مجهز گردیده در زودترین اوقات بجای حریق رسانده میشود و بمب های اطفایه بصورت بمباران استعمال میگردد و به اثر کفیدن این بمبها جنگل قیمت دار از حریق نجات می یابد. تجاربی که درین خصوص بعمل آمده نتایج شایسته تقدیر و اطمینان بخشی داده است.

طیاره و وظیفه شکار: هر کس میدانند که سرمایه بعضی ممالک پوست های قیمت دار بوده بسا منافع از آن بدست می آورند. زیرا پوست حیوانات در تجارت اهمیت زیادی دارد. همچنین از تجارت ماهی و موادیکه از آن بدست می آید استفاده کلی گرفته میشود. درین اواخر برای خدمات و معاونت شکاربان طیاره را استعمال نموده نتیجه خوبی گرفته اند مثلاً: وقتیکه طیاره بالای بحر در پرواز میباشد هر چه در آب موجود باشد از هوا بکمال خوبی دیده میشود بنابراین هرگاه طیاره بقصد کشف ماهی در پرواز باشد، وقتیکه در يك موضع ماهی های زیاد را دید موضع تجمع ماهی ها را بذریعۀ رادیو به کشتی ماهی گیری منسوبه خود اطلاع میدهد و در اثر اطلاع مزبور کشتی مذکور به آن نقطه آمده شکار فراوان را بدست می آورد.

حیوانات قیمت دار در نواحی قطبی موجود بوده برای شکار کردن آنها طرزهای مخصوصی را بکار می برند. درین اواخر برای کشف حیوانات قطبی نیز طیاره را بکار انداخته و نتیجه خوبی حاصل کرده اند و بلکه بذریعۀ طیاره شکار نیز نقل میگردد.

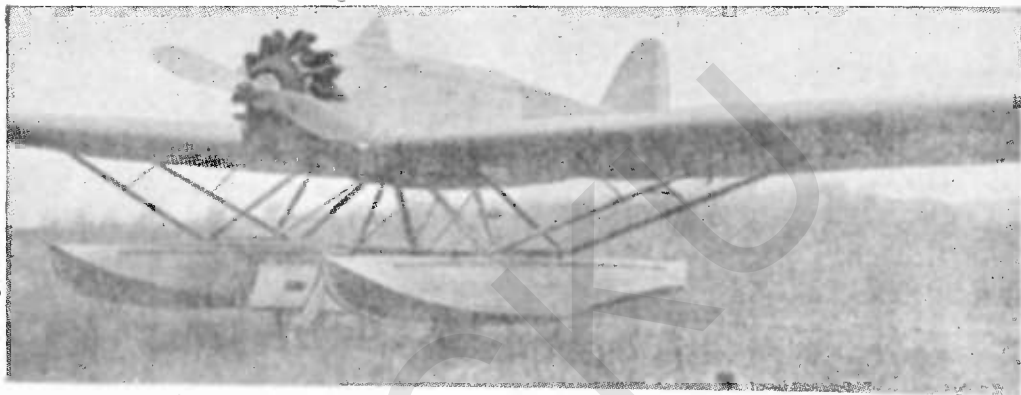
اکثر اوقات نسبت بوضعیت هوایه و غیره شکارچیها بامصیبت بربادی مقابل میشوند، هرگاه نواهی هوایی از حال آنها اطلاع حاصل کند بزودی ممکنه به امدادشان میرسد. اگر طیاره نمی بود چه طور هیئت چلیوسکین و نوری طیاره فضا زده امریکایی از بحر محیط قطب شمالی نجات می یافتند؟ پس از روی این تجربه امدادیه که بواسطه طیاره بعمل آمده خاطر نشان نموده میگوئیم که طیاره بهترین وسیله نجات و امداد کننده فضا زده گان میباشد.

طیاره در خدمت کشف زمین های نامعلوم قطبی: علمای طبقات الارضی عقیده دارند که در قطبین زمین های خالی وجود داشته اگر این زمینها کشف شود یکوقتی برای سکونت اهالی بکار خواهد آمد. هرگاه به حقیقت نظر انداخته شود احتیاج است که بنی آدم را برای فداکاریها آماده میسازد و این سخن راست است که گفته اند: «احتیاج مادر ایجاد است!» همین احتیاج است که بواسطه آن انسان برای کشف زمین های نامعلوم کوشش مینماید و برای این مقصد طریقه های مختلفه را بکار انداخته و بسو تفکات هم داده اند. امیرالبحر امریکائی (بیرد) بذریعۀ کشتی از امریکاسفر کرده و برای کشف اراضی نامعلوم در قطب جنوبی طیاره را بکار برده ازان نتایج بس مفیده بدست آورده است و آنقدر اراضی یخ زار قطب را که بذریعۀ طیاره کشف نموده است بذریعۀ دیگر آلات کی امکان داشت. همین مقصد نوبل هم در قطب شمالی پرواز کرده بود اما کشتی هوایی صدمه بردار گردیده بذریعۀ رادیو از فضا زده گی خود به دنیا اطلاع داده بود و هیئت او باخودش بذریعۀ طیاره نجات کامل یافته و بزمین معبور آورده شده بودند.

هرگاه راديو و طياره نمی بود چه طور امکان داشت که نوبل از قطب شمالی نجات داده میشد! در آخر مجاهدت قوای هوائی بود که حیات انسانهای قیمت دار از تهلیکه مرگ و گودال های یخ های قطبی نجات داده شده است.

هر قدری که از خدمات مهم قوای هوائی توصیف نمائیم باز هم امکان ندارد که تمام جزئیات آن را در قید قلم آورده بتوانیم بنا بر آن همین مختصراً کتفای نمائیم حال به بینیم که طیاره در کدام اراضی پرواز کرده میتواند؟

نظر به مجاهدات بی آدم، طیاره از روی زمین و روی آب پرواز کرده و نیز در آن نشسته میتواند و لهذا بطور عمومی طیارات به اقسام ذیل تقسیم میشوند. طیاره های بومی و طیاره های بومی و بومی.



طیاره های بومی و بومی

طیاره های بومی یا خشکه از روی زمین هوای بندریه مراده پرواز کرده و هم بواسیله مراده ها زمین فرودی آید. طیاره های بومی، روی آب نشسته و برخاست می کنند و ذریعه آن يك قسم سلیر یا کشتی مخصوص میباشد. طیارات سلیر دار برای پرواز در شهر های پر آب بکار برده میشود، طیاره های کشتی دار برای پرواز در بجزرها میباشد. طیاره های بومی و بومی در آب و خشکه فعالیت کرده میتوانند لهذا برای انجام این وظیفه هم کشتی هم مراده دارد که بر حسب موضع ها از مراده یا کشتی کار میگیرد در زمان وجود برف زیاد بندریه مراده ها پرواز امکان نداشته بندریه سلیر های مخصوص پرواز میکنند.

برای پرواز و فرود آمدن طیارات میدان مخصوص بومی و بومی لازم است و علاوه برین برای نگاه داشت آن خانه های فلجیده مخصوصی ساخته میشود که طیارات در آن از صدمات خرابی هوا و غیره محفوظ می مانند. برای عملیات پرواز طیارات، انواع آله ها بکار برده میشود که باید این آله ها سرعت باد را نشان داده از هوا های خراب پیش گوئی کرده بتوانند. يك میدان هوائی عصری از خود مستخدمین مختلفه داشته برای ارتباط، استاسیونهای راديو و تیلفون در آن نصب میباشد.

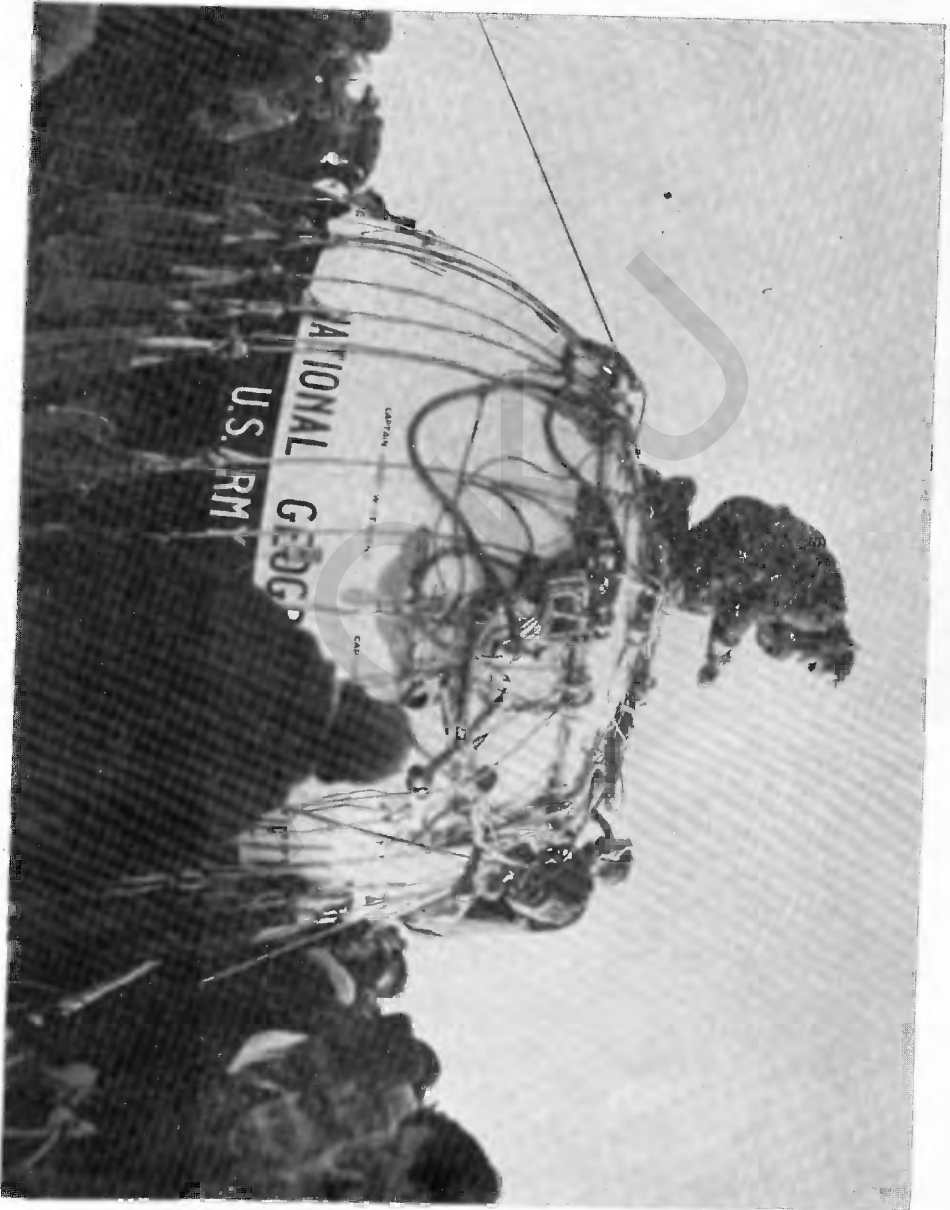
چرا طیاره تا کتون شکل اصلی خود را پیدا نکرده است؟

جواب این سوال چندان سخت نیست زیرا ما میدانیم هر شی که به نقطه اخیر ترقی خود برسد شکل اصلی خود را پیدا میکند حالانکه طیاره يك آله میخانگی ابتدائی میباشد که از عمر آن چندان نگذشته هنوز در مرحله طفولیت قدم می زند و برای تغییر شکل آن وقت زیادی باقی است که خواه ناخواه در پیاپی از طری تغییرات شکل حقیقی و آخرین خود در آن خواهد کرد لهذا برای اثبات این ادعای خود طیاراتی را که شکل آنها به شکل طیارات موجوده مطابقت نمیکند ذیلاً شرح میدهم:



بالون (کشاف نمبر ۲) که پزیر شکر انی انجمن ملی جغرافیائی المکزونی به ارتفاع ۷۳۰۰۰ فوت موفق شد. (مرد و تصویر بالون سربود
وا انجمن ملی جغرافیائی آمریکا به انجمن ادبی لهدا کرده است)

Ballon « Explorer 2 » qui à atteint 73000 feet d'altitude (nous devons ce photo à l'obligeance du National Geographic Society des Etats-Unis)



کره فلزی د بالون کتاف نمره ۲۰ که ۹ فوت قطر داشته و انجینسکاه بالون چیان می باشد .
 بالون مذکور در ۱۱ نوامبر ۱۹۳۵ بطایفه ستراتو سفیر بر روان آورده با ارتفاع تقریباً ۳۰۰۰ فوت رسید .
 معیار جدیدی قائم آورده است .

طیاره بی بال : دار الفنون و اشنگتن چنان يك قسم طیاره را نقشه کرده که در آن بال و حصه افقی عدم عموماً به پره های دوار تبدیل یافته است . طوریکه علمای امریکائی را جمع به این طیاره سنجش کرده اند معتقد شده اند که این طیاره بدریه این حصص دوار خود در هوا بطور آویخته ایستاده شده و به خیلی آهستگی فرود آمده میتواند . دو چرخ ۶ پره ای عوض بال و دو چرخ چهار پره ای عوض حصه افقی دم ، تعبیه شده است . در صورتیکه چرخ دور میخورد خود پره ها هم دور میخورد یعنی دور علیجده از خود دارد . این اصول برای بلند کردن قوه صعودی خیلی مفید ثابت گردیده است . برای کم کردن لقی (حرکت) پره ها در آخر این پره ها چوکا تزاویه دار نصب نموده اند . تمام این پره ها بنام « پروپیلر سیک لوایدال » یاد میشود . حاضر آن یک نمونه دو متره این نوع طیاره ساخته شده در عقب طیاره آنرا بسته کرده میخواهند خوبی و بدی آنرا معلوم نمایند .

طیاره جدید برای سفر در طبقات بلند هوا : نظر به اینکه سفر کردن در طبقات بلند هوا (ستراتوسفر) برای تحقیقات علمی خیلی مفید ثابت شده ، علمای هوائی کوشش فوق العاده بخرج میرسانند که ستراتوسفر را نیز تسخیر نمایند . پرواز در طبقات بلند هوا بدریه آبروستنها (بالون مخصوص) تا یک درجه ممکن گردیده اما تا کنون چنین طیاره وجود ندارد که بدریه آن در طبقات بلند هوا سفر کرده شود . متخصص امریکائی که رئیس دار الفنون طبیعات بوده بنام « گودار » یاد میگردد در روز نامه « ساینس فک امریکن » نقشه طیاره مخصوص طبقات بلند هوا را نشر کرده است . شخص گودار برای خود چنان يك طریقه را قرار داده که بدریه طیاره خود به ارتفاعات و



لباس مخصوص برای پرواز در طبقات بلند فضا

سرعت های عادی طیارات حاضره پرواز کرده توانسته و همچنین در طبقات بلند هوا و سرعت های خیلی زیاد نیز طیران کرده بتواند یعنی طیاره او باید در هر دو وضعیت عملیات بنماید . طیارات معیاری (که معیار های هوائی را قائم میکند) عصر حاضر به پرواز به ارتفاع ۱۰۰۰۰ الی ۱۲۰۰۰ متر و سرعت ۴۰۰ الی ۵۰۰ کیلومتر فی ساعت موفق گردیده است . بقرار سنجشاتی که کرده شده هر گاه بدریه موتز های « راکیتی » سرعت حرکت فی ساعت ۴۸۰ کیلومتر باشد پس موتز مذکور قوه خود را باخر درجه بکار انداخته خواهد بود .

متخصص مذکور برای طیاره خود میخواهد يك موتز نصب نماید که دارای سه نوع حرکت باشد :
 الف) طبقات هوائی تحت تأثیر پروانه (ج) ارتفاع طیارات حاضره .
 ب) طبقات هوائیه و طبقات بلند هوائیه
 ج) بلندتر از ارتفاع طیارات حاضره . یعنی اصول پروانه و راکیتی بطور مخلوط .

ج) در طبقات بلند ترین هوا (اصول راکیتی باید کار بدهد) .

درین صورت هر گاه به اصول راکیتی در طبقات بلند هوا از موتز آن کار گرفته شود یقین کامل است

که سرعت آن بدو جهت خیلی زیاد بلند رفته و مسافت بعیده خیلی زیاد را به چند ساعت قطع خواهد کرد.
 هم طیاره هم موتور: بقرار بکه جریده « بولار منی نیک » اطلاع میدهد در آلمان چنان یک ماشین جدیدی
 اختراع گردیده است که در زمین کار موتور چهار نفره و در هوا کار طیاره چهار نفره را میدهد.
 این ماشین میخواهد یکی دارای سه چرخ میباشد و به اصول او توژیر (یعنی طیاره که مستقیم از زمین بلندی شود) پرواز کرده
 به این مقصد بالای آن یک پروانه بزرگ سه پره نصب میباشد و وقتی که در زمین حرکت میکند پروانه مذکور



موتور هم طیاره

جمع شده برای حرکت زمین
 مساعد میگردد. برای
 نشست و پرواز آن یک
 میدان کوچک بکار است.
 شکل خود موتور برای
 لغزیدن هوا مساعد بوده
 بنابراین این شکل مقاومت
 بیش روکم گردیده است.
 موتور این طیاره در قسمت
 جلو نصب بوده دلچسبترین
 وضعیت های آن اینست
 که بواسطه نفت کار داده
 نذیه هوا مردم میگردد.
 علاوه بر اینکه در طیاره
 مذکور چهار نفر پرواز
 بنماید یک اندازه معین

اموال سفریه هم در آن میگنجد.

طیاره عجیب کارخانه « هندی پیچ »: در کارخانه طیاره سازی هندی پیچ نقشه یک طیاره
 عجیبی ترسیم گردیده است که شکل شگفت انگیزی دارد. طیاره مذکور دو باله و بال اول آن پهن تر
 و در بالای جسد بطرف پیش نصب میباشد اما پهنائی بال دوم از بال اول کمتر بوده در زیر جسد نزدیک بدم
 نصب است و وظیفه رول (جلو-سکان) را ایفا میدهد و برین بال دوم دو عدد موتور آن هم نصب میباشد.

طیاره لوزی شکل: انجینیر ایطالوی « کانوف » چنان یک طیاره بلی دم نقشه کرده است که شکل لوزی
 دارد. و فیکه طیاره مذکور در اوله آیرودینامیکی تجربیه گردیده، معلوم شد که قوه صعودی آن از طیاره های
 هادی زیاد تر میباشد. و این قوه صعودی در تجربیه مزبور تا از ۳۰ درجه بحالت خود باقی مانده بود.
 طیاره مذکور از حیث اداره و موازنه خیلی متین و پایدار معلوم میشود. برای آموختن این نوع بال لوزمانند
 در بلانیر آلمانی که بنام سیگلینگ یاد میشد تجارب لازمه کرده شده بود. بعد از تجارب لازمه کانوف به
 ساختن طیاره سیاحتی از قسم فوق مشغول میباشد. اندازه تخنیکی طیاره که میسازد قرار آتی خواهد بود:

طول بال ۵ متر، طول جسد ۵ متر، ارتفاع ۱۰۶۵ متر، سطح بال ۱۲۰۶ متر مربع، قوه موتوریکه در آن
 نصب میشود ۴۰ اسب، وزن خالی آن ۱۶۰ کیلوگرام، وزنی که می بردارد ۱۴۰ کیلوگرام، وزن پرو
 آن ۳۰۰ کیلوگرام. سرعت اشهائی ۱۲۰ الی ۱۸۰ کیلومتر فی ساعت، سرعت سفری آن ۱۵۰ کی

وسرعت فرود آمدن فی ساعتی ۶۵ کیلومتر بیک دانه تیل انداختن ۱۰۰۰ کیلومتر را قطع کرده و مسلسل ۸ ساعت پرواز کرده میتوانند. ارتفاع عملی این طیاره ۴۰۰۰ متر تعیین شده است. در بین این طیاره موثر امر یکاگی « آبرونکا » به قوه ۳۶ الی ۴۰ اسب نصب خواهد شد.

طیاره و آکویلان لاینر : طیاره و اکویلان لاینر یک طیاره مخصوص بی دم است که در بین آن موثر لیبونز به قوه ۸۵ اسب نصب کرده اند در نتیجه که پس از تجارب زیاد راجع به این طیاره بدست آورده اند دیده میشود که در وقت کم کردن سرعت از هوای تنگد و بطور مائل بالا نمیرود. پرواز موازنه آن نتیجه خیلی مثبت داده است.

درین اواخر درین رقم طیاره موثر « آبرونکا » بقوه ۳۶ اسب نصب نموده اند که دارای خاصیت تخنیک ذیل میباشد : طول بال ۳۷۰ متر، سطح بالای بال ۷۸ مربع متر. وزن خالی طیاره ۱۵۷۵ کیلوگرام. وزن محمولات ۱۰۱۰۴ کیلوگرام. جمله وزن دوار آن ۹۵۸ کیلوگرام، ظرفیت مخزن تیل آن ۲ ر ۳۰ لیتر، سرعت انتهائی ۶ ر ۱۵۳ کیلومتر و سرعت سفری ۱۲۸ کیلومتر. سرعت فرود آمدن آن ۴۸ کیلومتر فی ساعت. برای پرواز این طیاره ۲۷۰ متر یک میدان لازم است.

طیاره کیک فضائی : یکی از شوقمندان طیاره موسوم به « هانری مینه » فرانسوی یک طیاره کوچک اختراع کرده است که برای کلوب های هوایی خیلی مفید میباشد. یعنی این طیاره را برای استعمال شخص خود ساخته و امثال آن برای فروش هم میسازد. خود او راجع به این طیاره کتابی تحریر کرده است که بنام « سپورت هوایی و چه طور خودم طیاره ساخته دو آن پرواز کردم » موسوم میباشد و برای شهرت طیاره اش ازین کتاب بسیار انشرمی باید. مقصده مینه از ساختمان این طیاره اینست که باید طیاره نقشه شود که هر کس هم آنرا در کارخانه شخص خود ساخته بتواند. قراریکه او میتویسد برای ساختمان این طیاره ۱۲۰۰ فرانک همراه و ۳۰ روز زحمت (در روز ۱۰ ساعت) و یک ماشین موتور سائیکل بکار است. ماشین موتور سائیکل باید ۲۰ اسب قوه داشته باشد. سرعت این طیاره ۱۴۰ کیلومتر فی ساعت بوده هیچ گاه از کم کردن سرعت موازنه اش خراب نشده و هراس ندارد. طیاره مینه نه طیاره دوباله و نه طیاره یک باله یوره میباشد. خواص تخنیک این طیاره که به « شیش آسمانی » معروف شده قرار ذیل میباشد، طول بال بالائی ۵۶ متر، ازیال زیر ۴ متر، طول جسد آن ۳۵ متر از روی این اندازه معلوم میشود که در خانه کوچک نگاه داری شده میتواند. وزن خالی این طیاره ۱۲۰ کیلوگرام - وزن پرواز کامل آن ۲۰۰ کیلوگرام میباشد. این طیاره در صورتیکه هوا کاملاً ساکن باشد بعد از دویدن ۱۰۰ الی ۱۲۰ متر پرواز نموده و بعد از نشستن از ۴۰ تا ۵۰ متر بزمین مبدود. برای ساختمان این نوع طیاره در فرانسه حاضرأ بسا شوقمندان موجود میباشد. البته این نوع طیارات کوچک در آینده قریب بقسم بایسکل های عادی عام شده جای آنها را خواهد گرفت.

طیاره جوره ئی : جراید انگلیسی راجع به تجاریکه شرکت طیاره سازی « شورت » اجرا نموده است معلومات میدهد. ولی تا هنوز صورت اصلی اجراآت این تجر به درخنی نگاه داشته شده. این شرکت طیاره سازی دورقم طیاره ساخته که یکی بوزن زیاد و دیگری بوزن کمتر بوده اما سرعت هر دو یک اندازه میباشد این دو طیاره بقرار ذیل جوره ئی یعنی هر دو یکجا داخل عملیات میشوند، طیاره بزرگ چهار موثره بحری در زیر طیاره بحری چهار موثره در سر قرار میگردد و در وقت پرواز موثرهای هر دو طیاره بقابلت شروع مینماید. تجاریکه راجع به این نوع طیاره بعمل آمده است، فهمیده میشود که سرعت پرواز و سرعت صعودی

خیلی بلند رفته وزن زیادتر برداشته میتواند. این نقشه را انجنیر هوایی « مایو » نام انگلیسی برای وزارت هوایی و شرکت های هوایی تقدیم کرده است. و قتیکه طیاره برهواشد طیاره بالائی خیلی سهولت از وجودا گردیده مستقل پرواز کرده میتواند.

آیر و ژیر: کارخانه طیاره سازی فرانسه يك نوع طیاره عجیبی ساخته است که بال آن بر محور افقی آزادانه دور میخورد اما دور خوردن بال او توژیر طور عمودی میباشد. سر کزدور خوردن بال آن چوب اسامی است که بنام لیزون یعنی چوب اسامی بال یاد میشود. دور خوردن بال آن بطور اتوماتیکی بوده حاجت به قوه موتور ندارد. از تجاریبیکه راجم به این نوع طیارات شده است معلوم میشود که بالهای دوار فوق الذکر از بال های ساکن موجوده طیارات بیشتر قوه صعودی را دارا میباشد، علاوه بر بال دوار بر سر آن بال کوچک ساکن هم نصب است.

این آیر و ژیر از ساختمان کارخانه طیاره سازی « کادرون » میباشد بال سر این طیاره ساکن بوده سطح آن ۶ متر مربع میباشد. سطح بال زیرین که دوار است عبارت از ۱۲ متر مربع میباشد سطح تاوله های نیکه در نوک های آخرین بال دوار وصل است ۱ متر میباشد و بندریه این تاوله ها وضعیت جریان هوا اصلاح میگردد. در بن این آیر و ژیر موجوده يك موتور یکصد اسب « رینو » نصب بوده بندریه هوا سرد میگردد. وزن پرواز این طیاره ۷۰۰ کیلوگرام سرعت سفری آن ۱۴۰ کیلومتر فی ساعت میباشد. سرعت فرود آمدن آن ۶۵ کیلومتر، طول دویدن در زمان فرود آمدن ۱۵۰ متر میباشد. کارگران آن معتقدند که هر گاه قدری اصلاحات کرده شود، سرعت فرود آمدن آن به ۲۸ کیلومتر فی ساعت خواهد رسید و درین صورت میدان صعود آن طولانی تر از ۳۶ متر لازم نخواهد بود.

ازلندن تا پاریس ذریعه پلانور باهاشین موتور سائیسکل: در تاریخ ۱۶ می ۱۹۳۵ هوا باز آسترایی « کروفلد » بندریه پلانور یعنی طیاره که موتور آن ماشین موتور سائیکل عادی است، مسافت بین پاریس ولندن را (که عبارت از ۳۷۵ کیلومتر میباشد) کامیابانه طی کرده، موفقیت خود را اعلام نمود. پلانور او از رقم «داون» و در آن موتور « وگلاس » به قوه پنج اسب نصب بود. پرواز مزبور ۴ ساعت و ۱۰ دقیقه وقت گرفته بقدر ۱۸ لیتر تیل مصرف شد که قیمت آن شش شلنگ بود. قرار ادعای مشارالیه برای پرواز این قسم طیاره میدان ۱۸۰ متری کفایت میکند.

پلانور یعنی طیارات بی موتور: عموم طیاراتیکه فوقاً ذکر گردیده است دارای موتور مولد حرکت میباشد اما بغیر از طیارات موتور دار، طیاراتی وجود دارد که بدون موتور پرواز کرده اگر جریان هوا با آن مساعدت نماید بسیار زمان در هوا مانده میتواند.

این قسم طیارات عموماً بنام پلانور یاد میشوند. حاضرآ این نوع طیارات خیلی ترقی کرده وسیله سیورت هوایی میباشد. در تمام ممالکیکه این نوع طیارات بی موتور وجود دارد، انواع مختلف آنرا برای ترقی هوا بازی تعیین کرده و در پیشرفت هر کدام آن کوشش مینمایند. پلانور بجز موتور، دیگر هیچ کجودی و فرق از طیارات موتور دار ندارد و انگهی لیلیانتال و ریت، و غیره مبتکرین هوا بازی ابتدای (قبل از طیارات) پلانور ساخته بودند.

صورت پرواز در پلانور بر دو قسم است: اول اینکه پلانور را در عقب چیزی کش میکنند و زمانیکه به هوا بلند گردید سیمی را که بآن بسته است باز مینمایند و پلانور آزادانه پرواز میکند. دوم اینکه پلانور

سیر تکامل فنون حرب

را به کدام جای بلند برده از آنجا پرت مینمایند اما اصول اول بیشتر معمول میباشد .
 برای تزئید معلومات قارئین نسبت به پرواز پلانورها معلومات ذیل نیز اضافه میشود :
 معیار های قطع مسافه بذریعۀ پلانور تا اول جولائی ۱۹۳۵ :

۱- آلمان	۳۷۵ کیلومتر	۵- سویس	۱۶۵ کیلومتر
۲- امریکا	» ۲۵۰	۶- انگلستان	» ۸۸
۳- پولند	» ۲۰۰	۷- هنگری	» ۸۴
۴- روسیه	» ۱۷۱	۸- بلجیم	» ۲۲

معیار مدت پرواز پلانور تا اول جولائی ۱۹۳۵

۱- آلمان	۳۶ ساعت	۵- فرانسه	۱۱ ساعت ۲۲ دقیقه
۲- روسیه	» ۳۵	۶- هنگری	» ۱۰ » ۷
۳- پولند	» ۱۱	۷- انگلستان	» ۸ » ۸
۴- آستریا	» ۱۱	۹- چکوسلواکیه	» ۴ » ۱۷

معیار اوج گرفتن بذریعۀ پلانور تا اول جولائی ۱۹۳۵

۱- آلمان	۳۸۵۰ متر	۴- پولند	۲۱۰۰ متر
۲- انگلستان	» ۲۵۶۵	۵- هنگری	» ۷۱۰
۳- روسیه	» ۲۵۳۰	۶- چکوسلواکیه	» ۴۰۰

معیار قطع مسافه بذریعۀ پلانور دو نفره مسافرتی تا اول جولائی ۱۹۳۵

۱- آلمان	۷۶ کیلومتر
۲- انگلستان	» ۷۲ کیلومتر
۳- روسیه	» ۶۰

معیار مدت پرواز ذریعۀ پلانور دو نفره تا اول جولائی ۱۹۳۵

۱- روسیه	۲۶ ساعت	۲۹ دقیقه
۲- آلمان	» ۹	» ۲۱
۳- پولند	» ۹	» ۷

معیارها ئیکه زنها بذریعۀ پلانور قائم کرده اند :

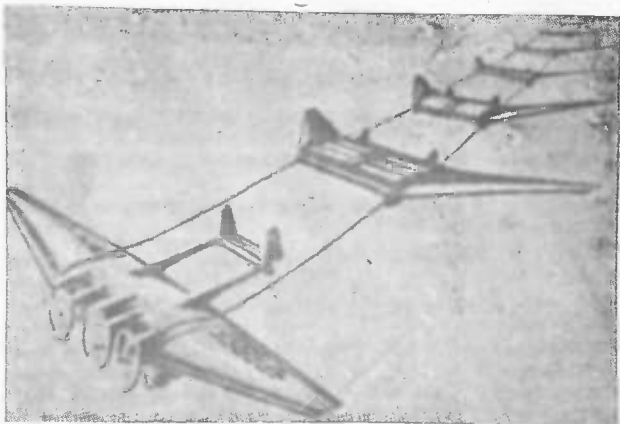
۱- آلمان	۱۲ ساعت	۵۷ دقیقه
۲- روسیه	» ۱۲	» ۵۵
۳- پولند	» ۹	» ۳۰
۴- آلمان	» ۲۰۰۰ متر	

پلانور دو قسم است ، پلانور بری و پلانور بحری .

پلانور بری بیشتر مورد استعمال بوده اما پلانور بحری را کمتر استعمال میکنند .

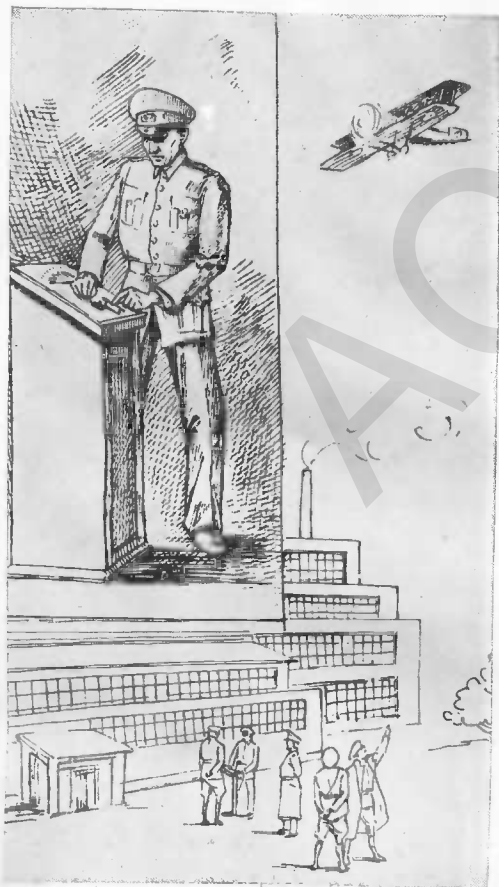
قطار هوائی : درین اواخر تجارب زیادی بعمل آمده که دران به عقب طیاره موتردار پلانور را بسته مسافه های زیادی را قطع میکنند . در وقت پرواز اصول این است که باید پلانور بعقب طیاره که آن را

كش ميكنند و ازان قدری بلند تر پرواز كند - درين اواخر كشي كردن پلانورها بذر يمه طياره خبلی ترقی كرده از يك عدد به دووز ياده تر رسیده حتی امروز در عقب يك طياره هفت عدد پلانور را بسته بسيار مسافه های طولانی را بذر يمه آن قطع مينمايند. در آينده فریب اين كيفيت بسيار ترقی خواهد كرد طياره مثل او كوميونيف (انجن ريل) چندین پلانور های سفری را كه بر از محمولات باشد كشي خواهد كرد اين تجارب امروز بنام قطار هوائی ياد ميشود. برای نگاه داشت موازنه



قطار هوائی

پلانور، بيلوت در ان نشسته هر زمانكه بمزل مقصود رسيدند پلانور از ريساينكه باطياره وصل ميشود خود بر ارها نموده مستقلاً فرود می آيد. در ممالك متعددت در عقب طياره چند عدد پلانورها را مواد سوزنده بر كرده بر هوا مينمايند هر گاه ديده اند كه مواد سوزنده طياره كه آنرا كشي ميكنند خلاص گرديد بذر يمه نل خصوص از پلانورها مواد سوزنده به مخزن آن جاري مينمايند. و اين نوع اصول را از بسيار بزمانست كه در طيارات استعمال كرده اند در زمانكه يك طياره ميخواهد بدون فرود آمدن يك موضع را قطع يدارد برای آن بهمين اصول از طياره ديگر مواد سوزنده دانه ميشود.



بذر يمه پلانور انواع حر كات اجرا كردن امكان دارد و بطوريكه طياره انواع معلق ها ميزند پلانور نيز معلق های كو تاگون زده ميتوانند درين اواخر چنين تجربيز نموده اند كه در پلانورها موتورهای كوچك نصب نمايند تا هم كار پلانور و هم كار طياره را ازان بگيرند و اين اصول نتيجه بسيار درخشانی داده است.

در تخنيك هوائی روز بروز ترقيات و پيشرفت های جديدي پشاهده رسیده آينده آن را بواسطه نقشه های تازه فراخ تر و درخشان تر ميگردانند. طيارات آينده از حيث بزرگی خبلی عجيب و شگفت انگيز بوده بعضی اوقات انسان كفتار متخصصين هوائی را درين باب باور كرده ميتواند اما بايد دانست كه تا بحال هر چه نقشه ها كشيده

طياره اتوماتيكي «تير موس» كه بذر يمه را ديوارداره ميگردد شغيبكه ايستاده بذر يمه ماشين طياره اداره ميكنند.

شده احتمالی نبوده بلکه از روی فکر ثابت و سنجش پوره بوده است لهذا طیارات آینده که ذیلاً در اطراف آن تشریحات داده میشود بدون هیچ شکی در آئینه قریب عملاً بر فضای دنیا موفق به پرواز خواهد شد .
بزرگترین طیارات آینده عالم :

متخصص طیاره سازی آلمانی « ابریک روپلر » و متخصص طیاره سازی امریکائی طیاره ذیل را نقشه کرده اند :
این طیاره یا کشتی هوائی با ۱۲ موتور مجهز خواهد بود که قوه عمومی آنها به یکصد هزار اسب بالغ و در بین آن یکهزار پنجاه نفر مسافر و عماله جا خواهد شد . طول بال این کشتی هوائی ۱۸۳ متر ، طول جسد آن ۱۰۳ متر و مسافت بین امریکا اروپا را به ۱۳ ساعت قطع خواهد کرد ، برقرار بیان متخصصین امریکا ، پروژه ساختن این طیاره را بکمال خوبی بدرستی عملی میتوان ساخت و برای ساختن آن مواد و فلزات مخصوص کار لازم است که تهیه و تدارک آن امکان پذیر میباشد .

طیاره مسافرتی ۶۰۰ نفری : برقرار اطلاع جراید خارجه متخصص امریکائی « اولیام کرسنوم سوم » نام نمونه چنان یک طیاره بزرگی را ساخته است که ۶۰۰ مسافر در آن سفر کرده میتوانند . این طیاره یک طیاره بحری است که طول بال آن ۱۱۵ متر و وزن محمولات آن ۱۱۰ تن تخمین شده قوه موتورها بیکه باید در آن نصب گردد ۲۵ هزار اسب قوه خواهد بود .

طیاره « کروزید بر » : شرکت « امریکن ژیرو کینی » یک طیاره جدید ساخته است که شکل آن به طیارات موجوده مطابقت ندارد . خود طیاره یک باله و در وسط بال آن یک نشیمن گاه چهار نفری و ضم گردد به که در دو طرف آن دو عدد موتور قوه عمومی ۲۵۰ اسب از رقم « ایناسکو » وضع شده بذریعہ آب سرد میگردد . در زیر جای هر موتور یک چرخ نصب شده است . ستابلیزاتور « آله موازنه بخشنده » یک طرز عجیب ساخته شده اداره آن بذریعہ نل هادی آهنی اجرا میشود یک حصه بال متحرک ، و خود چرخها دارای برک مخصوص میباشد . این طیاره تماماً با المونیوم پوشانده و روی المونیوم پارچه گرفته شده است . بغیر از آنها باقی تمام قسمت های این طیاره از المونیوم می باشد .

در وقت تجربہ طیاره مذکور از میدانی که ۱۶۰۰ متر از سطح بحر ارتفاع داشت پرواز کرده تمام مدت جدا شدن آن از زمین ۲ ثانیه وقت گرفت خواص و اندازه های آن فرار ذیل است .
طول بال ۱۲ متر ، طول ۷۰۲ متر ، وزن نهائی پرواز ۱۳۵۰ کیلوگرام سرعت فی ساعت ۳۷۲ کیلومتر تخمین شده است .

هدایت دادن برای متعلمین هوائی از زمین بذریعہ رادیو : یک نفر متعلم مدرسه مواصلات روسه چنان یک آله رادیو ساخته است که در زمانیکه طیارات در پرواز باشند ، بذریعہ آن میتوان از زمین برای آنها هدایت داد و این آله برای آموختن شاگردان به اصول پرواز خیلی مفید ثابت شده و در میدان تعلیم هوا بازی به بیانه وسیعی از آن کار گرفته خواهد شد . و علاوه برین وسیله ارتباط شاگردان از هوا با زمین (که معلم باشد) کار خوبی میدهد .

اوتوزیربری و بحری : این اوتوزیر که در آب و خشکه داخل عملیات خواهد شد از طرف کافر متخصص انگلیسی نقشه گردیده است . اساس آن عبارت از طیاره کشتی دار میباشد و دم آن قدری طرف بوده برای سرعت ۶۰ الی ۸۰ کیلومتر تعیین گردیده است . طیاره مذکور بعد از دویدن ۱۵ تا ۲۰ متر بر روی آب بلند میگردد . اوتوزیر مزبور برای نشستن بروی زمین ، چرخها دارد و در نوك دم آن یک چرخ نیز کوچک است . پروانه بزرگ صعودی آن سه بره بوده یک موتور بیکه بذریعہ هوا سرد میگردد در آن نصب است .

نقل دادن موتور در طیاره : در امریکا چندین مرتبه است که موتور را در طیاره نقل داده اند اما نقل موتور طووزی است که هیچ پرزه آن را جدا نمیکند . در تجارب آخر اینکه برای حمل و نقل اتومبیل معمول گردیده تنها شیشه پیش روی موتور جدا شده و بس دیگر تمام سامان آن بسته بود آخرین تجرب به بندریه طیاره قوی « کوندرو » اجرا گردیده برای حمل و نقل آن فقط چو کی های هفت نفر را پس کرده بودند . نقل دادن اتومبیل صبر بسته در طیاره البته برای مقاصد حربی خیلی مفید میباشد .

ژیر و پیلان « بریکی » : بقراریکه جریده « لیزابول » باریس اطلاع میدهد در میدان طیاره « ویلاکوبلای » فرانسه ژیر و پیلان جدید از رقم بریکی مورد امتحان قرار داده شده که بشکل هلیکوپتر (طیاره بالهای زیاد که مستقیماً از زمین پرواز میکند و میتواند که در هوا توقف نماید) میباشد و بالای آن دو عدد پروانه

دوره نصب میباشد . بقراریکه جریده مذکور میگوید استعمال هلیکوپتر تا همین اواخر نقصی که داشت این بود که موازنه عقب آن خوب اداره نمیشد . اما این نمونه جدید موازنه خوبی را دارا بوده بالای میدان طیاره بسرعت ۱۰۰ کیلو متر فی ساعت موفق به پرواز گردیده است . بشراییکه دیگر چرا بند اطلاع میدهد این قسم ماشین بقوه یکصد اسب در جایان نیز تجرب به شده است .

پرواز انسان همراه بالهای مصنوعی : هوا باز امریکایی « کلیم سون » چندی قبل بالهای مصنوعی را که برای خود ساخته معرض نمایش گذاشت . برین قسم که نخست بندریه طیاره به ارتفاع چهار هزار متر پرواز کرده ازان جا خود را انداخته و توسط بالهای منبور مدتی در هوا مانده ضمناً عملهای متعدد زد . حیثیکه به ارتفاع هفتصد متر رسید بر اشوتی را همراه داشت باز کرده سالم فرود آمد .



آنه سکی (پنجاك) ماشین دار

تاریخ پرواز این هوا باز ۲۸ فروری ۱۹۳۵ و موقع آن در حدود دالتون (امریکا) بود .

این قسم تجرب به راهو بازو پراشوتیست (ما هم استعمال پراشوت) شو روی شیت نام نیز بعمل آید

و نتیجه کافی گرفته اکنون هوا باز امر یکاائی و رومی هر دومی خواهند راجع به این مسئله تجاربی کرده نتایج خوبی بدست بیاورند .

تجربه جد بدیکه همراه بال مصنوعی در روسیه بعمل آمده با تخریب سابق متفاوت میباشد زیرا بال هائی که تاکنون تجربه گردیده مثل بال طیاره سخت بوده در پشت انسان بسته میشود اما بال « سمیت » و « کلم » از پارچه ساخته شده شبیه بال شب پرک چرمی میباشد .

هوا باز روسی « سانفیروف » بذریعه این قسم بال مصنوعی خود را از ارتفاع ۲۵۰۰ متر انداخته و بالها که قات شده در پشت او بسته بود بسهولت باز گردید و چون موازنه آن خراب بود چندین ملاق (معلق) زده بالاخره خود را راست نموده چندی مایل پرواز کرده بود بقراریکه او اظهار عوده است در آینده قریب تجربه خود را تجدید نموده پس از اصلاحات لازمه نتیجه بهتری از آن بدست خواهد آورد .

پرواز یلانور بذریعه آیروستات : بتاريخ ۱۷ اگست ۱۹۳۵ در یکی از میدانهای طیاره مسکو يك یلانور از رقم ۹ - را در زیر يك آیروستات (بالون) به حجم ۲۲۰۰ متر بسته در سب آیروستات دو نفر و در یلانور بکنفر نشسته هوا بلند شدند ، آیروستات پرواز نموده در ارتفاع ۳۸۰۰ متر یلانور از جنگلیکه بواسطه آن به آیروستات وصل گردیده بود باز شده آیروستات بيك سمت رفت و یلانور با هوا باز خود سالم بزمین فرود آمده توانست بقرار بیکه اظهار میدارند این قسم پرواز برای ماهرین یلانور يك میدان تجربه خوبی را باز کرده است .

یلانور موتور دار : دارالفنون هوا بازی شوری يك قسم یلانوری ساخته که بذریعه موتور (ماشین) كوچك كم قوت میتواند که ۳ تن وزن را پرواز بدهد . سرعت آن فی ساعت ۱۳۰ تا ۱۴۰ کیلو متر تعیین گردیده است . صعود این یلانور موتور دار بذریعه يك طیاره اجرا خواهد شد . سرعت فرود آمدن این طیاره یا یلانور موتور دار ۴۵ کیلو متر در ساعت تخمین گردیده است .

هلا و هربین ، دارالفنون مزبور چنان يك بالونی ساخته است که جای نشیمن آن عبارت از یلانور میباشد که بذریعه آن در طبقات بلند هوا بیه پرواز کرده خواهد شد . وقتیکه نظر به بعضی علل بالون بگفت ، یلانور باراکبین خود میتواند سالم فرود بیاید و بر نظر دارند که عنقریب بذریعه این قسم بالون یلانور دار در طبقات بلند هوا طیران نمایند .

تعیین نمودن سرعت نزول طیارات : شرکت طیاره سازی امریکا « بی اینک ایر کرفت » آله مخصوصی ساخته که بذریعه آن سرعت طیاره در وقت نشستن بطور صحیح تعیین میگردد . آله مذکور عبارت است از يك چوکات و بروی چوکات سیمی کشیده شده از سیم مذکور بر روی چوکات ضربات تشکیل گردیده است . در وقت فرود آمدن طیاره با فاصله ۲ تا ۳ متر دو رتراز چوکات آله سینما وضع شده عکس لازمه را میگردد و از فلم مزبور سرعت فرود آمدن طیاره بدست می آید .

معیار های اخیر هوا بازی :

معیار دیر ماندن در هوا : هوا بازان امریکائی که دو برابر در موسوم به « فرید کبس » و « ایل کبس » میباشد در اول جولائی ۱۹۳۵ بذریعه طیاره شخصی خود و در حالیکه متصل مواد سوختنی در هوا برای شان میرسیمت مدت ۶۵۳ ساعت و ۳۵ دقیقه در هوا مانده توانستند و بواسطه این اقدام خود که مقصد از آن قائم کردن معیار جهانی بود ، مبلغ ۶۵۳۰۰ دلار کمائی کردند .

معیار پر واز طولانی بذریعہ طیارات بحری: طیارهٔ بحری فرانسه موسوم به «لیانی کور» بنا و بیخ ۲۲ و ۲۳ جولائی بیک پرواز از فرانسه تا افریقا طیران نموده مدت ۲۹ ساعت ۳۷ دقیقه در هوا بوده و به این قسم ۶۷ نفر مسافر و ۲۴۸۰۰ کیلوگرام وزن را حمل و ۴۲۸۰۰ کیلومتر را در قطع کرده توانسته است. طیارهٔ مذکور؛ چهار موتور رقم آسیا نوسواپز (مربک به قوهٔ ۶۵۰ اسب) مجهز بود. معیار سابقه که ایتالیوی ها هاقاجم نموده بودند، عبارت از مسافت ۴۱۲۲ کیلومتر بوده است.

معیار زنانه بذریعہ پراشوت: در ۳۰ جولائی «تاوارا کونالوای» خانم روسی بذریعۂ طیاره به ارتفاع ۷۷۵۰ متر پهلو بلند شده، از آنجا همراه پراشوت معمولی بدون کدآم آلہ دیگر هوا رسان خود را برتاب نموده سالم فرود آمده توانست.

معیار دوم که دو نفر دختران روسی بذریعۂ پراشوت فایم نموده اند ارتفاع نهائی ۷۹۲۳ متر بوده دختران منور بدون آلہ هوا رسان خود را از هوا برتاب کرده اند.

طیاره و سیلهٔ ورزش است:

امروز سپورت هوائی خیلی عمومیت پیدا کرده و برای این مقصد در ممالک دنیا کلوهای هوائی برای شوقمندان باز شده است. درین کلوب هوائی هرکس داخل و امور هوا بازی را یاد میگیرد و برای سپورت خود طیاره را استعمال مینماید. برای این قسم اشخاص طیارات مخصوص که بنام «سیاحتی» یا «تفریحی» یاد میگردند ساخته شده طیارات منور کوچک و خیلی متین است.

حاضرأ اکثر اشخاص دنیا طیارات شخصی داشته اند بذریعۂ آن را یک جا بدیگر جا پرواز مینمایند و بنا بران برای این مقصد طیارات کوچک به تعداد زیاد ساخته شده برای شوقمندان آن در بدست آوردن مانعی در پیش نیست و به پول کم بدست می آید. و آموختن فن پرواز نیز بسهوات میسر میشود. در همین شوق مردان استنباط میتوان کرد که طیارات عصری خیلی اطمینانی میباشد. برای تزئید معلومات تعداد طیارات سپورتنی بعضی دول را ذکر می نمایم:

۱ - فرانسه	۸۰۰	عدد طیاره	۳۵۰	مدد آن	از کلوب ها	۴۵۰	آن شخصی است
۲ - انگلستان	۴۷۲	»	۷۰	»	»	۴۰۲	»
۳ - جرمنی	۳۸۷	»	۲۴۷	»	»	۱۳۰	»
۴ - ایتالیا	۸۲	»	۴۴	»	»	۳۸	»

تنها در فرانسه بقرار اقساطیک از طرف حکومت دهنده میشود در یکسال ۷۲۰ عدد طیارهٔ شخصی بفروش رسیده است.

زنان و هوا بازی:

امروز زنها نیز مثل مرد ها همراه بالهای میخانیکی بر فراز دنیا در پرواز بوده در هر مملکت زنان هوا باز به تعداد زیادی وجود دارد. در دنیای کنونی زنها در تمام امور جهان داخل بوده قدرت تمامی کارها را دارند. سخت ترین فنون عصر موجود هوا بازی میباشد که دران هم زنان شرکت نموده و شجاعت خوبی از خود نشان داده اند. در هوا بازی زنان مردان معیارهای مهمی قایم نموده اند. زنان هوا باز نه تنها بالای میدانهای طیاره در پرواز میباشند بلکه دور تر از موضع خود ها و بلکه بر فراز بجرهای محیط نیز لیاقت خود ها را نشان داده اند بنابراین برای تزئید معلومات قارئین کرام معیارهای زنانه را نیز ذکر میکنیم:

معیار طول مسافه : معیارهای طول مسافه که زنها ذریعه طیارات درجه اول قایم نموده اند مساوی به ۳۹۳۹۰۲۴۵ کیلومتر بوده هوا باز آن « آیلیا ارهارت » خانم امریکائی بود ، این زن پرواز خود را در طیاره « لوکاید ویکا » بموتر « یارت اوایتی » اجراء کرده که ۴۵۰ اسب قوت دارد و معیار من بور بتاریخ ۲۴ و ۲۶ ماه اگست ۱۹۳۲ قایم شده است .

معیار ارتفاع : معیار زنانه ارتفاع ۹۷۹۱ متر بوده هوا باز آن خانم فرانسوی موسوم به « ماری هلز » میباشد (که اخیراً در حادثه طیاره مقتول شد) این خانم بذریعه طیاره « موران سوانی » بموتر « کنوم رون » به قوه ۴۲۸ اسب به تاریخ ۱۹ اگست ۱۹۳۲ معیار من بور را قایم نموده است .

معیار سرعت در سه کیلومتر : معیار زنانه سرعت در سه کیلومتر عبارت است به ۴۴۵ ، ۲۸ کیلومتر فی ساعت . عامل این ریکارد خانم فرانسوی « ایلن بوشی » نام دارد (که اخیراً در حادثه طیاره مقتول شد) طیاره مذکوره از رقم کادرون C-450 موتر آن « رینو بنگال » به قوه ۳۱۵ اسب و تاریخ قایم نمودن معیار ۱۱ اگست ۱۹۳۴ بوده است .

معیار سرعت در صد کیلومتر : معیار زنانه سرعت مساویست به ۴۱۲ ، ۳۷ کیلومتر فی ساعت و به خانم فرانسوی ایلن بوشی نسبت دارد . طیاره که برای این مقصد استعمال نموده از رقم « کادرون C-450 » موتر آن « رینو » به قوه ۳۰۰ اسب و بلاخره تاریخ قایم کردن معیار ۸ اگست ۱۹۳۴ بوده است .

معیار سرعت به هزار کیلومتر : خانم هوا بازی که این معیار را قایم نموده نیز همان خانم فرانسوی « ایلن بوشی » فوق الذکر بوده که بتاريخ ۸ اگست ۱۹۳۴ به احراز سرعت ۴۹۰ ، ۱۸۴ کیلومتر فی ساعت موفق شد . طیاره او از رقم کادرون با موتر رینو بقوت ۳۰۰ اسب بود . تمام معیارهای فوق بذریعه طیارات بحریه قایم شده بود .

معیار زنانه ارتفاع بذریعه طیاره بحری : هوا بازیکه معیار ارتفاع را بذریعه طیاره بحری قایم کرده یک خانم ایتالیوی مسا به « نیکرونی » بوده و معیار من بور عبارت است از ارتفاع ۵۵۵۴ متر که بتاريخ ۵ می ۱۹۳۴ قایم شد . طیاره مشارالیه از رقم « بردا-۱۵ » در آن موتر ایزو تو فراسکین آسو ۸۰ نصب شده بود .

معیارهای زنانه بذریعه طیارات سبک وزن :

معیار ارتفاع : معیاریکه خانم فرانسوی « کومب وایوی » در طیاره بموتر رقم رینو بنگال به قوه ۱۴۰ اسب قایم نموده عبارت است از ۵۶۳۲ متر که بتاريخ ۱۲ ستمبر ۱۹۳۴ صورت گرفت .

معیار سرعت در هزار کیلومتر (در طیاره سبک وزن) : این معیار را خانم فرانسوی « ایلن بوشی » بذریعه طیاره بری « کادرون رافال » قایم نموده و عبارتست از سرعت ۲۵۸ ، ۰۶ کیلومتر فی ساعت موتر این طیاره بقوه ۱۴۵ اسب از رقم « رینو بنگال » میباشد تاریخ آن به ۹ جولائی ۱۹۳۴ تصادف نموده است . معیار ارتفاع بذریعه طیاره بحری : معیار طول مسافه بذریعه طیاره سبک وزن بری عبارت از ۲۹۷۶ ، ۹۱۰ کیلومتر نام هوا باز مذکور « ایلن بوشی » خانم فرانسوی میباشد . طیاره که او

در آن پرواز کرده است از رقم « کلیم » به موتور « سالسون » به قوه ۱۴۰ اسب بوده و معیار به تاریخ ۲۸ و ۲۹ جون ۱۹۳۳ قائم شده است .

معیار ارتفاع بندریعه طیاره بحری : ارتفاعیکه بندریعه طیاره « فرمان » با متر « رینو » ۱۴۵ اسپیی بواسطه خانم هوا باز فرانسوی « مادلین سارتو » قائم شده عبارتست از ۶۲۵۰ متر تاریخ قائم کردن معیار مذکور با ۲۹ جنوری ۱۹۳۵ تصادف نموده است .

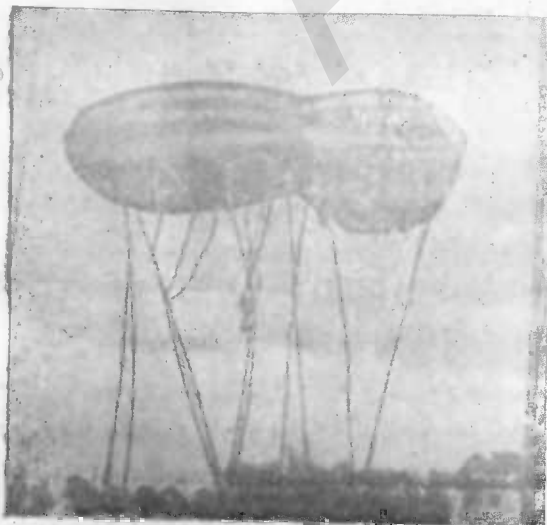
پرواز خانم هوا باز انگلیسی فریعه اوتوژیر : خانم هوا باز انگلیسی موسوم به « بروش » بندریعه اوتوژیر از انگلستان تا افریقا پرواز نموده است . استعمال اوتوژیر در چنین يك مسافه طولانی ابتکار داشته مخصوصاً شکفت انگیزی آن از این رهگذر است که فاعل آن زن بوده است .

آلات خفیف تر از هوا

طیارات عموماً سنگین تر از هوا بوده بندریعه ماشین های میخانیکی موفق به پرواز میشوند . اما آیر و ستانها و دیگر نوع آلات بالون شکل ، خفیف تر از هوا میباشند و بندریعه کماز خفیف تر از هوا که در بین آنها بر کرده میشود پرواز مینمایند . هر گاه بتاریخ هوا بازی نظر انداخته شود : دیده میشود که بالونها در عمر از طبایر ات مقدم تر اند . اولین بالون بندریعه « برادران » « موننگولفی » فرانسوی در سنه ۱۷۸۳ اختراع گردیده برادران مریبور در بالون خود دود بر کرده بندریعه آن بهوا بلند میشدند . اولین مرحله پرواز را بندریعه آیر و ستانها (بالونها) بتاریخ ۲۱ نومبر ۱۷۸۳ « بیلاتر دو روزیه » فرانسوی عملاً اجرا کرده است « روبرت » نام در ۲۱ نومبر ۱۷۸۳ در بالونیکه با گاز هیدروژن پر شده بود موفق به پرواز گردید و عموماً این پروازها غیر اختیاری بوده هوا بازان بقرار خواهش خود در پرواز کاری کرده نمیتوانستند .

در سنه ۱۸۵۲ - اولین پرواز در آیر و ستان اختیاری یا « اداره شده » بواسطه « ژیفاره » نام فرانسوی صورت گرفته مونزیکه در این آیر و ستان نصب شده بود يك موتور بخاری بود که سه اسب قوت داشت .

از تشریحات فوق فهمیده میشود که عموماً آیر و ستانها اولاً به دوشعبه تقسیم گردیده یکی غیر اختیاری و دیگری اختیاری . آیر و ستان غیر اختیاری بدون موتور و آیر و ستان اختیاری موتور دار بوده بقرار دلخواه پرواز مینمایند .



آیر و ستان طناب دار

آیر و ستانهای معمولی عصر حاضر قرار پذیر است :

الف) آیر و ستانهای عادی غیر اختیاری : آیر و ستان (یا بالون) های عادی غیر اختیاری شکل کره مانند دارد و در زیر آن سیدی نصب میباشد که در آن را کبچن نشسته پرواز مینمایند این قسم بالونها عموماً برای سیورت بوده بنام آیر و ستانهای آزاد یاد میشوند .

آیر و ستان طناب دار : این آیر و ستانها بطور عموماً شکل طولانی داشته بندریعه ریسمان باز مینار تباط دارند و نشمین گاه نفری عبارت از سبد هامیبا شویا الوهای طناب دار برای مقصد حربی از قبیل کشف و تنظیم آتش بکار برده میشود و بلکه در آوان محاربه برای سب های

هوایی نیز ازین نوع آبر و ستاها کار میگیرند. ارتفاع این نوع آبر و ستاها متعلق به طول ریسبان آن میباشند.

آبر و ستا اختیاری یعنی دیریزابل: این سم آبر و ستاها شکل سگار را دارا بوده بذریمه موتزهای بنزینی حرکت مینماید. توسط این قسم بالونها که دیریزابل نام دارد بهر سمت که خواسته باشند پروازهای معین السمت اجراء میتوان نمود. و عموماً این دیریزابلها را برای مقاصد عسکری و بدرجه دوم برای مقاصد ملکی استعمال مینمایند.

دیریزابل های عصری به سه نوع تقسیم میشوند، نرم، استخوان دار و نرم، کامل استخوان دار. در قسم نرم آن فلز قطعاً کار نمیشود. در دیریزابل های استخوان دار کم و بیش فلز بکار میرود و جهت آن بطور عمومی از فلز تعمیر میگردد. در سابق عموم دیریزابلها دارای یک خریطه گاز بود اما چون دیدند که خریطه منبسط مضر ثابت میشود لهذا حاضرأ چندین خریطه های بزرگتر خود بالون بطور مستقل جا داده اند که هرگاه کدام حصه آن صدمه بخورد یک خریطه سوراخ گردیده گاز آن خارج شده بدیگر حصص و دیگر خریطه ها صدمه نرسد.

تاریخ استعمال آبر و ستاها در محاربه: اولین آبر و ستا در سنه ۱۷۹۴ از طرف ژنرال «شانسل» در محاربه و محاصره قلعه «کوند» از طرف فرانسویها بکار رفته شد.

اولین آبر و ستا عسکری «ظرفیت» ۵۰ متر مکعب و موسوم به «لاتر پروان» بود و در محاربه قلعه «شارل لوروآ» بزرگ و ماندانی «کوتل» نام استعمال گردیده بود.

نایلیون کبیر آبر و ستا رقم «مونگولیه» را در محاربه که با مصری ها در سنه ۱۷۹۸ - ۱۷۹۹ داشت استعمال کرده و درین وقت عموم آبر و ستاها بیکه استعمال شده بود برای خدمات کشف بود و بس و اما در سنه ۱۸۰۴ اولین مرتبه از آبر و ستا «طناب دار» انداخت مری عملی گردید.

آبر و ستاها تا زمان محاربه عمومی بقره کفایت استعمال نگردیده اما محاربه عمومی باعث پیشرفت و ترقی آن گردید و دول محارب مجبور شدند ازین رقم هواپیماها بکثرت کار گرفته حتی در وظیفه بمبار دمان خاک دشمن نیز آن را استعمال نمایند. از نوائیکه از حرکات و اجراءات آبر و ستاها بدست آمده هرکس قناعت حاصل کرده است که یک آله خبلی مفید میباشد.

«ژیلین» آلمانی یک قسم دیریزابل استخوان داری است که بقرار دلخواه اجراءات نموده در زمان حرب عمومی چند رقم آن بروی کار بوده برای مقاصد عسکری حتی بمبار دمانهای شدید برپای تخت های دول دشمن استعمال میشد.

این ژیلین ها خبلی اطمینان بخش بودند چنانچه یکی از آنها که «L-72» نام داشت و بعد از حرب بدست فرانسوی ها افتاده بود در تحت اداره فرانسوی ها در سنه ۱۹۲۳ علی الاصل بدون نشستن مدت ۱۱۸ ساعت و ۴ دقیقه بر خاک فرانسه «بحر سفید» فریقا پرواز کرد.

اگر چه این ژیلین ها با اسلحه خبلی قوی مجهز میباشند اما بمقابل طیارات شکاری چندان کاری کرد نمیتوانند زیرا آنها هدف بزرگ میباشند بنابراین برای مدافعه در هر سمت آن اسلحه لازمه نصب کرده در هوا بمقابل طیارات بکار انداخته میشود. علمای تخنیک به نصب کردن اسلحه آن اکتفا ننموده برای آنکه خوبتر مدافعه بشود در زیر آن طیاره مکمل الاسبابی را آویزان نموده اند تا وقتیکه خطر زیاد دیگر در چنگک آن باز شده مستقلاً پرواز و بمقابل هدف هوایی داخل اقدامات بشود.

جدول ذیل تعداد د بریژابل ها (یعنی آبروستاتهای اداره شده) دول محارب سنه ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ نشان میدهد.

استخواندار	استخواندار نرم		نرم		جمله
	بحری	بری	بحری	بری	
مالک	—	—	—	—	بحری
آلمان	۷۳	۴۷	۰	۲	۷۳
فرانسه	۱	۰	۳۷	۱۴	۳۷
انگلستان	۱۰	۰	۲۰۳	۰	۲۱۳
امریکا	۰	۰	۵	۰	۵۰
ایتالیه	۰	۰	۱۶	۰	۲۲
					۳۹۵ — ۷۱

جمله کل ۴۶۶ عدد

آبروستاتها درین اواخر برای مقصد حمل و نقل استعمال گردیده مشهورترین آنها سفینه هوائی کراف ژیلین آلمانی میباشد که بذریعه آن چندین مراتبه سفرهای طولانی اجرا و مسافرین زیادی از اروپا به امریکا و از امریکا به اروپا با پوسته حمل نقل داده شده است. این سفینه هوائی يك آبروستات اختیاری استخوان داری است که اگر چه امروز برای خدمات ملکی بکار برده میشود اما بمجرد شروع محاربه، در خدمت حربی داخل شده در صحنه محاربه بکار برده خواهد شد.

آبروستاتها برای خدمات بریه و بحریه استعمال و نظر به خاصیت خودها تفریق میگرددند.

ستراتوستات: ستراتوستات يك نوع آبروستات مخصوصی است که برای صعود به طبقات بلند هوا بکار برده میشود. علمای هوائی دنیا شب و روز سعی دارند که چنان آبروستاتی بسازند که دارای خواص ستراتوستات بوده بذریعه آن در طبقات بلند هوا پرواز کرده شود لهذا جای نشین آن پوشیده بوده در نقاطیکه هوا برای تنفس کفایت نمیکند را کپین آن را از هوای بیرون محفوظ میسازد (بالا ترا از هشت هزار متر هوا برای تنفس مساعد نمیشود و بنا بران هوائی که در کیسه های مخصوص بزر فشار میباشد، استعمال میشود) در تمام مالک معظمه به این قسم تجارب دانشجویی فوق العاده نشان داده میشود و علما و اهل فن سعی میدارند که بیش از پیش حاکم کرده نسیمی شوند. تجارب عمده که درین اواخر راجع به طبقات بلند هوا بذریعه ستراتوستات بعمل آمده فرار آتی است:

- ۱ - ستراتوستات پروفیسر بیکارد: این ستراتوستات در سنه ۱۹۳۱ ساخته شده حجم آن ۱۴۰۰۰ متر مکعب بوده بذریعه آن پروفیسر مذکور به ارتفاع ۷۸۱ متر موفق گردید و بعد از تجارب لازمه سالم زمین فرود آمد.
- ۲ - ستراتوستات پروفیسر بیکارد و کوزینس: حجم این ستراتوستات نیز ۱۴۰۰۰ متر مکعب بوده علما به فوق الذکر بذریعه آن به ارتفاع ۴۰۰ متر موفق به پرواز گردیده و سالم زمین فرود آمده توانستند.
- ۳ - ستراتوستات س. س. ر. نمبر ۱: حجم این ستراتوستات رومی ۵۲۰ متر مکعب بوده اخیراً بذریعه آن سه نفر هواپازان مملکت شوروی به ارتفاع ۱۹۰۰۰ متر موفق به پرواز شده و ستراتوستات مذکور که در سنه ۱۹۳۲ ساخته شده باراکپین خود سالم فرود آمد.

- ۴ - ستراتوستات «سئیل»: ستراتوستات سئیل در سنه ۱۹۳۳ ساخته شده حجم حقیقی آن معلوم نبوده مشا را لیه بذریعه آن به ارتفاع ۱۸۰۰۰ متر پرواز کرده و بزمین بی خطر فرود آمده توانسته بود.

۵ - سترا توستات « اسوا ویا خیم اول » : این سترا توستات رومی در سنه ۱۹۳۴ تعمیر گردیده حجم آن ۲۴۹۲۰ متر مکعب بوده بلریه آن به ارتفاع ۲۲۰۰۰ متر پرواز کرده اند و راکین آن از ارتفاع مذکور راجع به کامیابی خود ها اطلاع داده اما در وقت فرود آمدن به جریان غیر موزون هوایی گرفتار آمده در نتیجه بالون شدت بزمین خورده و راکین منور که سه نفر بودند فوت نمودند .

۶ - سترا توستات « سیتی ونیس » : این بالون در سنه ۱۹۳۴ تعمیر شده حجم آن ۸۵ هزار متر مکعب بود به ارتفاع ۱۸۰۰۰ متر موفق به پرواز گردیده سالم فرود آمده بود .

۷ - سترا توستات « س . س . س . ر . ا - بیس » : این سترا توستات دارای حجم ۲۴۹۲۰ متر مکعب بوده بلریه آن سه نفر از هواپازان رومی به ارتفاع ۱۶۰۰۰ متر پرواز کرده اند و در وقت فرود آمدن صرحت آن زیاد بوده اولاً سامان کران بار خود را بذریه پراشوت انداخته بعد از آن یک نفر و پیمان تر فردوم هم بذریه پراشوت فرود آمده نفر سوم با سترا توستات سالم فرود آمده توانست .

در سال آینده علاوه بر پروفسور بیکار د هواپیمای اسپانیول موسوم به ایمل ابرستی خود را هد بذریه سترا توستات پرواز نموده کشفیات علمی مختلفی را انجام بدهد .

پراشوت یا چتر نجات :

پراشوت یک نوع آله است که بذریه آن هواپازان از ارتفاعات مختلف خود را پرتاب کرده بسلامتی فرود می آید . در مصر حاضر پراشوت یک آله ورزش جوانان شناخته شده است که بذریه آن عملیات ورزشی خود ها را انجام میدهند پراشوت اگر چه از روی تاریخ قدیم است اما بسیار مدت آنطوریکه شاید و باید ازان کار گرفته نشده و فقط در همین سالهای اخیر کتب موقیبت حقیقی نموده است .

تاریخ پراشوت : ابتداء فکر ساختن چنین آله که ستوط انسان را از ارتفاعات زیاد و آهسته و بی خطر بگرداند به اواخر قرن ۱۵ و اوایل قرن ۱۶ در مغز رسام شهیر ایتالیایی لئوناردو ونسی خطور نموده رسمی که ازین رسام باقی مانده پراشوت عصری را بخاطر می آورد .

این نظریات فقط صد سال بعد عملاً در تحت تدقیق آمده در سنه ۱۶۱۷ شخصی از شهر ونیسیا (ایتالیا) که « ویرناسیو » نام داشت از یک برج کوچک بذریه پراشوت خود را بیابان انداخت علاوه برین در قرن ۱۷ راجع به پراشوت تطبیقات لازمه بعمل آمد و تا یک اندازه ازان در عملیات نتیجه گرفته شده بود .

اولین پراشوت عصری در سنه ۱۶۸۴ در فرانسه بوجود آمده و آن عبارت از کرکاس سختی بوده که بالای آن تکه و کاغذ سخت کشیده شده و در زیر بالون جاداده در زیر آن سبد بالون نشینان وضع گردیده بود .

نخبره این قسم پراشوت در انگلستان بذریه بالون متکوا فیه عملی شده بود . اولین استعمال پراشوت و سقوط انسان از آیروستات بواسطه آن در ۲۲ اکتوبر ۱۸۹۷ در فرانسه بذریه « گازش رین » عملی شده و نتیجه خوبی ازان گرفته شده بود و این شخص از ارتفاع ۷۰۰ متر خود را پرتاب نموده سالم فرود آمده توانست . اما پراشوت نظر به بعضی مشکلات استعمال آن در هواپیما ها ، از نظر اقتیاده تا قرن ۱۸ خاص وسیله ملایم زدن ها بشمار میرفت و بس .

در قرن ۱۹ و بلکه در سالهای نصف آن ، آیروستاتها و غیره آلات خفیف تر از هوا در دنیا ترقی نمود و بنا بران منحصراً راجع به پایه دار ساختن پراشوت جدید کوشش فوق العاده بخرج رسانیدند .

در سنه ۱۸۸۰ کپتان « بولد وین » اولین مرتبه بذریعهٔ پراشوت اتوماتیکی خود را زمین انداخته و پراشوت مذکور عبارت از يك پوفانهٔ پارچه‌ای بود. و معمولاً قات شده در پهلوئ سبد بالونها قرار میگرفت و وقتی که خود را از هوای انداختند از تاثیر وزن جسم انسان ریمان شکسته در بین پوفان قات شده که به اثر شکستن ریمان باز میگردد هوا داخل شده از سرعت نزول جلوگیری بعمل میآورد.

بعداً راجع به پراشوت اختلافات کوناگون پیدا شده میگفتند هر گاه پراشوت استعمال شود هوا بازان و اکسیژن به طیاره وقت ساختن آن اعتنا نکرده و قتی که کدام خطر بنظر شان مجسم شود خود را برتاب میکنند. اما پیمان تر این مسئله حل شده دیدند که پراشوت يك آله ضروریست که باید هوا بازان به آن مجهز گردند. در جون ۱۹۱۲ يك نوع پراشوت دیگری بزیر نجر به در آمده نتیجه خوبی از آن گرفته شده بود چنانچه از آن روستات پنج یونید (یونید مساوی تقریباً يك پا و) وزن را انداخته پراشوت بکمال خوبی بازگردیده بود بعد ها پراشوت اتوماتیکی را برای نجات اهالی نیز بکار برده بودند.

اولین استعمال موفقانه پراشوت در سنه ۱۹۱۴ در شهر سن لونی امریکا بذریعهٔ کپتانات پیری اجرا گردیده است.

در سنه ۱۹۱۴ « روزس » نام فرانسوی خود را بذریعهٔ پراشوت از طیارهٔ دو نفری برتاب کرده و سالم بزمین نشست.

در ۱۶ اگست ۱۹۱۶ هوا باز مشهور فرانسه « بنگو » بذریعهٔ طیارهٔ یکنفرهٔ رقم « بلیریو » به ارتفاع ۲۵۰ متر بالا شده بذریعهٔ پراشوت رقم « بینی » خود را برتاب نموده سالم فرود آمد این اولین پروازی بود که در آن پراشوت بلافاصله بازگردید.

در ۱۹۱۷ پراشوت رقم « زیوکی » قدم بعرصهٔ وجود گذاشته و حیات بسیاری از هواپیمان صرهون پراشوت اتوماتیکی ضرور بود.

در سال ۱۹۲۱ در امریکا صادر گردید که هر هوا بازیکه طیارهٔ جدید را امتحان مینماید باید پراشوت با خود بردارد و در سنه ۱۹۲۴ پنجاه واقعهٔ طیارهٔ بذریعهٔ پراشوت بجزیرت انجامیده درین وقت چنین قرار داده شد که پراشوت برای نجات هوا بازان يك آلهٔ حتمی است.

در ۱۹۲۹ در امریکا ۲۰۰۰ نفر خود را بذریعهٔ پراشوت برتاب نموده و پراشوت شان طوریکه لازم است بخوبی کار داده بود.

حاضرأ پراشوت بقدر کفایت ترقی یافته و هوا بازان در هر آن که خواسته باشند پراشوت بخوبی باز میگردد امروز پراشوت يك آلهٔ عادی بوده هر کس آنرا استعمال کرده میتواند و برای مشق پراشوت برج های مخصوصی ساخته که هر کس میخواهد اصول پراشوت را بیاموزند بر برج های ضرور بالا شده از آنجا چند سربانه خود را برتاب مینماید و بعد از آن که عادت گرفت خود را از طیاره برتاب میکند. اکنون پراشوت در تمامی انواع آلات هوایی و در هر قسم معلقها استعمال گردیده تمام مشکلات آن رفع گردیده است. پراشوت بحدی ترقی کرده که ماهرین آن میتوانند که از نقاط مرتفع بر يك دایرهٔ کوچک و معین زمین فرود بیایند. مقصد از استعمال پراشوت اولاً نجات نفری و دوم برای مقصد حربی میباشد مقصد حربی عبارت از اینست که در جنگ آینه به تعداد زیاد هوا کر و مواد حربی و اسلحه و غیره در عقب جبههٔ دشمن فرود آورده شده از آنجا مشغول محاربه خواهند شد.

امروز نه تنها از ارتفاعات بلند خود را بذریعهٔ پراشوت برتاب میکنند بلکه هوا بازان قابل و ماهرین پراشوت در هوا بلند شده خود را از ارتفاع بلند برتاب مینمایند اما پراشوت را فقط در نزدیکی زمین باز میکنند و پراشوت

به کمال سهولت بصورت فوری باز شده بر زمین سالم فرود می آیند. برای تزیید معلومات قارئین معیار های استعمال پراشوت را ذیلاً تذکار مینمائیم:

معیار های پراشوت با ذکر مسافت که ماهرین پراشوت از سنه ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۴ بدون باز کردن پراشوت خود را برتاب کرده اند:

(اندازه هائی که در جدول ذکر است اندازه است که بدون باز کردن پراشوت قطع کرده اند.)

۱ - تا سنه ۱۹۳۲	ماهر پراشوت	اسریکائی هریسون	۱۵۰۰ متر
۲ - ستمبر ۱۹۳۲	شوروی	انه ناسیف	۱۳۰۰
۳ - فروری ۱۹۳۳	شوروی	زورپگین	۳۲۰۰
۴ - مارچ ۱۹۳۳	اسریکائی	میں کینگ	۳۲۰۰
۵ - جون ۱۹۳۳	شوروی	کاتیونوف	۳۲۰۰
۶ - جولائی ۱۹۳۳	انگلیسی	جیم تراوم	۵۳۰۰
۷ - اگست ۱۹۳۳	شوروی	یودوکیوف	۶۴۴۰
۸ - اکتوبر ۱۹۳۳	یوسیف		۷۰۵۰
۹ - جولائی ۱۹۳۴	یودوکیوف		۷۹۰۰

ارتفاع پرواز طیاره در زمانی که «یودوکیوف» خود را در جولائی ۱۹۳۴ برای قائم کردن معیار از هوا بدون باز کردن پراشوت انداخته بود مساوی به ۸۱۰۰ متر بوده و مشارالیه در ظرف ۱۴۲ ثانیه ۱۹۰۰ متر را مثل سنگ قطع کرده فقط در ارتفاع ۲۰۰ متر بلند تر از زمین حلقه باز کرده پراشوت را کش نموده و پراشوت بدون بندش باز گردیده سالم بر زمین فرود آمده توانسته بود.

امروز پراشوت به تنها بر روی خشکه استعمال میگردد بلکه تجارب لازمه بر سطح آب هم کرده شده و ماهرین آن بر روی آب هم فرود آمده اند.

پراشوت برای نجات مسافرین هوائی: حاضر آ طیارات سریعترین وسیله حمل و نقل میباشد و این

وسيله خیلی عمومیت پیدا کرده است. برای اینکه حیات قیمت دار مسافرین هوائی در آوان پرواز حفاظت شود ترتیبات لازمه گرفته شده که عموماً بر دو قسم تقسیم میگردد یکی اینکه جای نشیمن مسافرین بندریمه یک پراشوت بزرگه از طیاره جدا شده سالم فرود میآید و دیگر اینکه هر مسافر پراشوت طلیحه داشته در وقت ضرورت آن را استعمال میکند. استعمال پراشوت یک هنر و دلاوری فوق العاده بکار دارد لهذا برای اینکه مسافرین مراسمیه نگرند متخصص امریکا موسوم به «فلوئید سمیس» چنان یک چوکی مخصوص پراشوت دار اختراع کرده است که در وقت ضرورت از زیر جسد طیاره خطا خورده نفری با چوکی که پراشوت به آن بسته است می افتند و پراشوت هر یک از آنها بطور مستقر از چوکی باز گردیده سالم فرود می آیند.

علاوه برین در این اواخر برای موزهای طیاره چنان گرفته اند که هر گاه به هوا در موتور طیاره حریق واقع شود موتور مزبور که در آن حریق تولید گردید است بطور اتوماتیکی بقرار خواش عمل طیاره همراه مخزن تیل بر زمین افتاد. طیاره از حریق نجات داده میشود و بعضی اوقات خود مخزن تیل انداخته میشود.

درین اواخر در روسیه بالونی ساخته اند که جنبیکه در طبقات بلند یوقایه بالون بکند ازان فوراً پراشوت تشکیل گردیده نفری بندریمه آن سالم فرود آمده میتوانند.

معیار های زاننه پراشوت : زنها نیز از موقیت های پراشوت بی نصیب نبوده در آن سهم بزرگ را دارا میباشند. در غایش های مسکری و ملکی يك تعداد زنها شمولیت ورزیده بعضی بذریعه طیاره پرواز و برخی دیگر خودها را بذریعه پراشوت می اندازند معیارهای اخیره که زنها بذریعه پراشوت قایم نموده قرار ذیل است

در ماه اگست ۱۹۳۴ خانم رومی « بوشوا » نام بذریعه طیاره به هوارفته بعد خود را پائین انداخته و به اندازه ۲۵۰۰ متر مثل سنگ بدون باز کردن پراشوت سقوط کرده در حالیکه فقط سه صد متر بزمین مانده بود. پراشوت خود را بازو سالم فرود آمد. این معیار بسیار وقت دوام نکرده ۲ روز بعد در روز ۱۲ همان ماه خانم رومی کامیاف بهمان قسم از طیاره خود را پرتاب نموده ۲۷۰۰ متر ارتفاع را به مدت ۵۸ ثانیه قطع کرد و به مجاوزت زمین پراشوت خود را باز نموده سالم بزمین نشست.

معیار زاننه پراشوت از ارتفاعات بلند : طوریکه در بالا گفتیم تا يك ارتفاع معین طبقات هوایی برای تنفس انسان مساعد بوده از آن پس قابلیت زیست را ندارد ازین رو هر آنقدر که پرواز در طبقات بلند هوا مشکل است استعمال پراشوت از آن هم مشکل تر و پرخطر تر محسوب میشود. اما اخیراً شش نفر دختران رومی خود را از ارتفاع بلند بدون کدام آله تقویه هوا انداخته سالم فرود آمده اند در حالیکه به صحت شات چیزی تفاوت مشاهده نرسیده است.

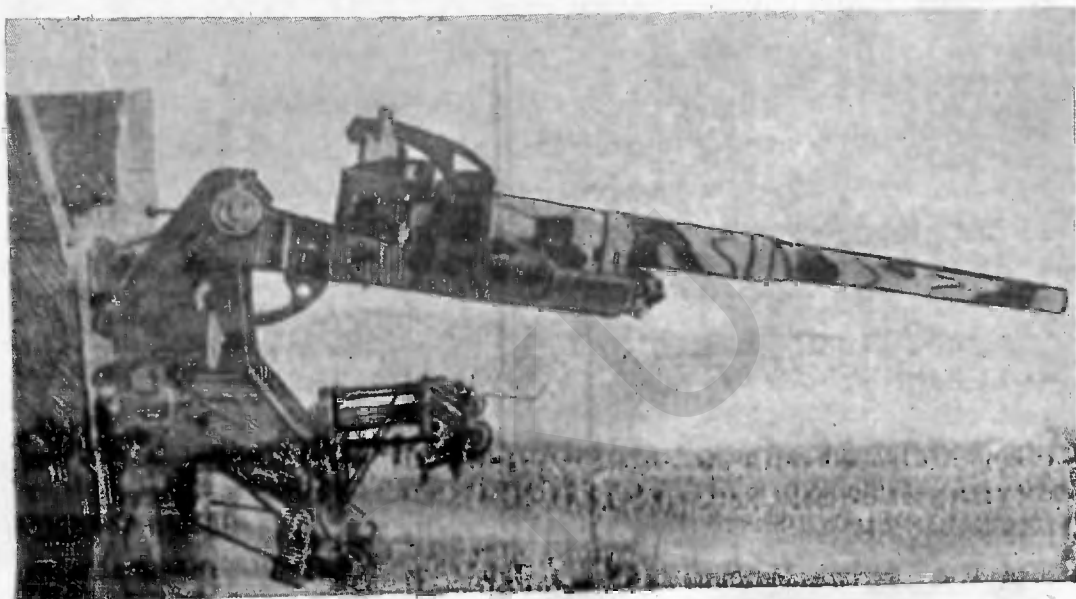
پراشوت برای ارتفاعات کم. قراریکه در هدایت نامه عمومی استعمال پراشوت ذکر است باید بطور هادی اشخاص با تجربه از ارتفاع ۶۰۰ و اشخاص بی تجربه از ارتفاع ۸۰۰ متر خودها را از هوا بپندازند این اصول به اندازه خوبی مراعات میشود. هرگاه طیاره کمتر از این ارتفاع پراز داشته باشد و بخوانند از پراشوت کار بگیرند چه باید بکنند؟ اگر برخلاف قانون رفتار نماید مهلك است. اینک برای این مقصد در جایان پراشوتی اختراع گردیده است که در ارتفاعات کم کار میدهد. پراشوتی که جایانی ها اختراع کرده اند از ارتفاعات ۵۰ الی ۳۰ متر بخوبی کار میدهد. حتی معتقدند که در ارتفاع ۲۰ متر هم از آن بخوبی کار گرفته میشود.

بشیر از پراشوت فوق الذکر يك پراشوت دیگری هم جایانی ها ساخته اند که میتوان از ارتفاع ۱۵ الی ۳۰ متر آنرا بخوبی استعمال کرد.

آلات مدافعه هوایی

بهمان اندازه که قوای هوایی مدارج ترقی را بیودیه در امور مدافعه از حملات مدش فضا ئی نیز کوشش فوق العاده کرده شده است چون قوای هوایی در روز و شب داخل عملیات بوده و آن حملات متعددی را اجرا نموده میتوانند لهذا برای مدافعه از هر وضعیت آن آلات مخصوصی اختراع کرده اند. در جنگ آینده حملات قوای هوایی تنها در جهات حرب اجرا خواهد شد بلکه بیشتر شهرها و آبادیها را زیر حمله خود قرار خواهد داد. حتی میخواهند که در جنگ آینده تمام ابنیه را ویران و برباد سازند. چون حیات يك مملکت و حیات حربی آن به شهرها و کارخانه جات متعلق است پس موضع بود باش اهالی و کارخانه جات بطور عمومی به حمله قوای هوایی مبتلا خواهد شد. آلات و ادواتی که برای جلوگیری این حملات مدش ساخته شده قرار ذیل است

طوپ های طیاره شکن : طوپهای طیاره شکن يك قسم طوپ مخصوصی است که به اصول صحیح
به زاویه های بزرگ و درجات بلند هدفهای هوایی انداخت کرده میتواند اسروز این طوپهای مخصوص طیاره
شکن دو جبهه نیز میباشد سرعت انداخت طوپهای عادی طیاره شکن بالای قوای هوایی تا ۲۵ مری
بدر دقیقه میرسد. طوپ های طیاره شکن به قطرهای مختلف بوده نسبت به قطر و ساختمان آن منزل انداختش متفاوت میباشد



طوپ طیاره شکن جدید

از قلاع انداخت مری طوپهای طیاره شکن عادی در این اواخر تا ۹۹۹ متر سیده البته علای
موجوده حربی برین نیز قائم بوده شب و روز اجماع به ترقیات آن کوشش فوق العاده مینمایند. اصول
انداخت مری طوپهای طیاره شکن بطور بطریقه و بطریقه های مزبور عبارت از ۲ الی ۴ طوپ بطور
عادی میباشد برای اداره انداخت طوپهای طیاره شکن آلات مخصوص اتوماتیکی (خود کار) وجود
دارد و عموم عملیات دور خوردن و توجه هدف بدریجه دسته های مخصوصی صورت میگردد. حاضر آنظر
بترقیات انداخت صحیح از طوپهای طیاره شکن بملاحظه رسیده است که هر گاه برای زدن يك طیاره
در زمان محاربه عمومی افلا بکمزار مری لازم می بود اما نظر به آلات جدیدیکه در طوپ های طیاره
شکن ضم کر دیده برای زدن يك طیاره فقط ده مری کار میباشد. هر گاه طیارات بیشتر از ارتفاع بکمزار مری
برواز نماید برای مدافعه آن طوپها و اگر از ارتفاع بکمزار مری کمتر پرواز بدارد ماشیندارهای مخصوصی
بکار برده میشود.

ماشیندار طیاره شکن : تمام ماشیندارهای عادی بمقابل قوای هوایی استعمال شده نمیتوانند
بمکرش طیکه در آن ها آلات مخصوص و بایه های لازمه نصب کر در استعمال نمود. فعلا انواع متعدد
ماشیندارهای طیاره شکن وجود داشته و خیلی سریع آتش مینباشند. چون در جنگه آینده طیارات بوقت
ضرورت بر ارتفاع کم بالای قوای زمینی پرواز خواهد کرد لهذا دشمن حقیقی این نوع قوای هوایی حمله
کننده ماشیندارها شناخته شده است. ماشیندارهای عصری از حیث قطر متفاوت بوده و نظریه خوردی

وکلانی قطر سرعت انداختها متفاوت میباشد. ماشیندارهای که قطرعادی دارد برای انداخت تار ارتفاع ۹۰۰۰ و ۱۲۰۰ متر اما ماشیندارهای بزرگ قطر برای انداخت در ارتفاع ۱۵۰۰ متر کار میدهد.

سرعت انداخت ماشیندارهای دستی فی دقیقه ۱۰۰ مرمی میباشد. ماشیندارهای پایه دار تا ۲۵۰ مرمی فی دقیقه فیر کرده میتواند. ماشیندارهای بزرگ قطر از ۲۰۰ الی ۲۵۰ مرمی فی دقیقه فیر می نماید. قطر بزرگ ماشیندارها به ۲ ر ۱۳ میلیمتر بوده در کارخانه « هوچکس » ازین رقم ماشیندارها زیاد ساخته شده در اکثر اوردها مورد استعمال میباشد.

برای انداخت بمقابل طیاره يك ماشیندار کفایت نکرده بنا بران از ۲ ماشیندار تا چهار ماشیندار را باهم وصل مینمایند اما ماشه آنها یکی بوده بطور اتوماتیکی انداخت میکنند. البته نسبت به تعداد ماشین دارها تعداد مرمی که فی دقیقه انداخت مینماید، بلند میرود.

آله کاشف صدا: چون در محاربات آینده طیارات تنها روزانه بلکه شب نیز پرواز خواهد کرد علاوه برین برای طیارات چنان رنگهایی استعمال مینمایند که از ارتفاعات کم هم دیده نمیشود بنا بران هر مملکت سعی زیادی دارد که چنان ماشین هائی بران طیارات بسازند که صدای آن قطعاً شنیده نشده و یا کمتر شنیده شود. هلل فوق الذکر علمای حربی را مجبور ساخته تا آله اختراع نمایند که صدا و سمت پرواز طیاره را معلوم نماید و این آلات کاشف صدا به انواع مختلف بوده و وظیفه عموم آنها کشف صدا و استقامت طیاران طیاره میباشد و این آلات بعد از ماشیندارها در مدافعه حملات طیارات مقام عمده را داراست.

پروژکتورها « چراغ های راصد »: در جنگ آینده طیارات بطور عمومی به نسبت روز، در شب بیشتر داخل فعالیت خواهند بود و بلکه بر نقاط مهم، از ترس طوپها و ماشیندارهای طیاره شکن، در وقت شب حمله خواهند کرد پس برای مدافعه حملات شبانه طیارات چنان چراغهای راصد « پروژکتور » ساخته اند که بدریغه ستونهای شعاع آن طیارات پرواز کننده و برای طوپچی ها بخوبی معلوم میشود. مساحت تاثیر چراغهای راصد عصری متجاوز از ۸ کیلومتر میباشد. البته دمه و غبار و ابر در روشنی چراغهای مذکور رول مهمی بازی مینماید.

در حال حاضر، طوپهای طیاره شکن و یا ماشیندارهای طیاره شکن همراه آلات کاشف صدا و پروژکتورها متفقاً داخل عملیات میشوند. کاشف صدا، صدای طیاره و استقامت طیاران را معلوم کرده و پروژکتور موضع آنرا روشن نموده طوپ یا ماشیندار بر آن فیر مینماید و بطور عمومی عملیات این سه آله فوق الذکر بطور اتوماتیکی اجر میشود، هر وقتیکه کاشف صدا سمت پرواز طیاره را یافت آنوقت بطور اتوماتیکی پروژکتور و آلات طیاره شکن بدان طرف متوجه شده بطور اتوماتیکی داخل عملیات میگرددند.

ستر و اخفا: در زمانیکه طیارات پرواز مینمایند برای فریب دادن دشمن هوایی، ترتیبات لازمه گرفته میشود و بطور عمومی در مدافعه هوایی ستر و اخفا رول مهم را بازی میکند، ستر و اخفا به انواع اصولات اجرا شده مهم ترین آن رنگ آمیزی کردن اشیاء است که آلات مدافعه را هرنگ همان موضع رنگ آمیزی کرده از نظر دشمن هوایی آنرا مخفی میدارند.

حاضرآ برای مخفی کردن طیارات لزومین نیز، رنگ آمیزی را بکار برده طیارات را نظر بو ضعیف هوا، رنگ آمیزی میکنند و ضعیف رنگ آمیزی کردن اشیاء برای مقصد ستر و اخفا خیلی ترقی نموده است.

برای مدافعه از حملات هوایی ترتیبات لازمه گرفته در شهرهای بزرگ بر جها ترتیب داده هر زمانیکه دشمن هوایی بنظرشان برسد علی الفوریه نقاط سه یوطه بدریه آلات اطلاع میدهند. بطور عمومی برای منم پرواز طیارات در زمان حرب عمومی جالی آهنی را بکار برده و این جالی آهنی را بدریه چند عدد بالون بسته بهوا معلق میگذاشتند و هر زمانیکه طیاره پرواز میکرد باین جالی آهنی خورده صدمه بردار میشد.

در مدافعه حملات هوایی معاونت ملت ضروری بوده باید بطور عمومی ملت در مدافعه هوایی با حکومت معاون باشد. امروز تمام عمارات جدید مطابق به احتیاجات مدافعه هوایی تعمیر و برای خطر حملات قوای هوایی در عمارات جدید تصری ترتیبات لازمه گرفته شده است که نه گاها و نه بم های غاز دار و مخرب با آن ها صدمه رسانیده میتواند.

آلات و ادوات منسوبه و اسلحه تعرضیه طیاره

چون طیارات در زمان محاربه علاوه بر اینکه بمقابل دشمنان زمینی داخل جنگک میگرد باید بادشمنان هوایی هم نوع خود نیز محاربه نماید لهذا برای این مقصد در طیارات حربی آلات ناره از قبیل ماشیندار و طوب های اتوماتیکی نصب نموده اند و در وقت ضرورت آنرا استعمال میدارند اسلحه که در طیاره نصب میباشد عموماً بدو اصول در طیاره وضع میشوند: یکی ثابت و دیگر متحرک ثابت را بطور عمومی هوا باز، از برانه طیاره مطابق به گردش موتور (ماشین طیاره) و متحرک را کشف فیر مینمایند و بطور عمومی ماشیندار های متحرک طیاره جفت جفت بوده بقرار دلخواه یکتفر فیر میکنند.

ماشیندار های طیاره: از حرب عمومی تا وقت حاضر، عموم متخصصین اسلحه سعی دارند که چنان ماشینداری برای طیارات بسازند که بوزن خود سبک و بغیر خود سریع باشد و این ماشیندار ها باید طوری فیر نماید که در هیچ زمان در فیر آن بندش و افم نگرند ماشیندار های ۱۲ و ۱۴ میلیمتره (قطر) در طیاره بکثرت استعمال می شود.

در طیارات شکاری بکنزده بطور عادی از ۲ الی ۴ عدد ماشیندار نصب میباشد و هر گاه طیاره شکاری دوتقره باشد، یک یادو عدد ماشیندار متحرک دیگر نیز نصب میشود. در طیارات کشف و بمبارد مان خفیف یک یادو عدد ماشیندار متحرک و بهمان اندازه ماشیندار ثابت که از پرواز فیر بمبارد نصب میگردد. در طیارات جمله تعداد ماشیندارها بلند رفته به ۶ الی ۸ میرسد که از ان جمله دو عدد آن متحرک و باقی غیر متحرک است. در طیارات بمبارد مان ثقیل از ۲ الی ۳ دسته ماشیندار ها نصب میشود که هر دسته آن شامل ۱ الی ۲ ماشیندار متحرک میباشد در بعضی از طیارات بمبارد مان به اثر نجارب متعدده تعداد ماشیندار ها بلند رفته و قوه اسلحه و اندازه خاطر خواه ترقی داده شده است مثلاً در طیاره بحری « دو ایکس آلمانی » که موتور های متعدده دارد ۱۴ عدد ماشیندار و ۲ عدد طوب و در طیاره « یونکرس ک ۳۸ » یازده عدد ماشیندار یک عدد طوب نصب است. پس از روی این اسلحه که در طیارات نصب میباشد، دیده میشود که قوه تعرضیه طیارات عصری بلند رفته بلکه سعی بلیغ بعمل می آید که قوه تعرضیه طیارات از این هم بیشتر ترقی نماید.

قطار و رت کار توس ماشیندار های رقم « لونیس » و « ویکرس » کنجایش ۴۷ الی ۹۷ عدد کار توس را دارد و سرعت انداخت آنها از ۵۰۰ الی ۶۰۰ عدد کار توس فی دقیقه میباشد اما این ماشیندار ها در وقت ضرورت تا ۹۶۰ فیر هم فی دقیقه کرده میتواند. ماشیندار رقم « براوننگ » اسر بکائی فی دقیقه از ۱۰۰۰ الی ۱۲۰۰ فیر میکند و این فیر در ماشین دار هائی میباشد که قطر آن ۷۰، ۶۲، ۷۰ میلیمتر میباشد هر گاه قطر آن ۱۲۰۷ میلیمتر باشد از ۴۰۰ تا ۶۰۰ فیر فی دقیقه کرده میشود.

طوب های مخصوص طیارات : ملای حربی مصر حاضر برای طیارات ماشیندار ها را کافی ندانسته خواستند که در طیارات طوب های خورد قطر مربع آنش نصب نمایند . راجع به نصب طوب حتی در سنه ۱۹۱۵ که محاربه عمومی جریان داشت ، فکری شده بود . طوب های عادی که قطر آن از ۲۰ الی ۲۵ میلیمتر باشد ، در اثر تغییرات مختصری که در آن وارد وزن آن فدری کم کرده شود ، سهواً نام در طیاره استعمال شده میتواند . در بعضی ممالک سعی کرده میشود که طوبهای جدید مخصوص طیاره به قطر ۳۷ ، ۴۰ الی ۴۵ میلیمتر در طیارات نصب نموده از آن کار بگیرند . قطر طوبهای طیارات فرانسوی از ۲۰ الی ۳۷ میلیمتر و سرعت انداخت آن از ۲۵۰ الی ۳۰۰ مری فی دقیقه میباشد و در حین زمان وزن آن بین ۴۰ و ۱۸۰ کیلوگرم تخمین گردیده است . طوب کارخانه « آمسترنک و بکرس » انگلیسی دارای ۳۷ میلیمتر قطر و وزن ۹۱ کیلوگرم ، وزن مری آن ۶۸۰ گرم بوده در دقیقه یکصد فیر میکند . طوب کارخانه « ایلرکن » ۲۰ میلیمتر قطر دارد ، وزن مری آن ۳۰ گرم سرعت انداخت آن فی دقیقه ۴۰۰ مری میباشد .

طوب هائیکه در طیاره نصب میگردد مثل ماشیندارها دو قسم یعنی متحرک و ساکن میباشد . متحرک آن هر استقامت که لازم باشد فیر کرده و ساکن به استقامت معین فیر مینماید و برای نشانه گرفتن توجه طیاره لازم است .

بم های طیاره : بطور عمومی طوب و ماشیندار که در طیاره نصب میگردد برای مقصد عمومی مدافعه استعمال شده و بیشتر برای جنگ های هوئی از آنها کار میکنند ، اما برای خراب کردن ابنیه ها و صدمه رسانیدن به انسانها انواع بم ها در زیر طیاره بسته کرده بقرار دلخواه بزمین پرتاب کرده میشود .

انواع بم ها : بم هائیکه در طیاره استعمال میگردد عبارت از بم های چرئی (برای مقصد کشتن ذیروح) و بم های فوکاس (برای تخریب شهرها و غیره) و بم های کیمیائی و بم های حریق افکن میباشد . بم هائیکه در طیاره استعمال میگردد وزن مجموعی آنها از ۱۰ تا ۱۰۰۰ کیلوگرم و بلکه بیشتر از آن میباشد . طیارات بمباردمان خفیف کمتر و طیارات بمباردمان ثقیل بوزن زیادتر بم برداشته میتوانند . طیاره بمبارد مان خفیف از ۴۰۰ - ۵۰۰ کیلوگرم بم و طیاره بمبارد مان ثقیل ۵ - ۱۰ تن بم برداشته میتواند وزن یک بم چرئی یا فوکاس از ۱۰ تا ۲۰ کیلوگرم میرسد و یک عدد بم فوکاس بکپزار کیلوگرمه تخریب تا ۱۸ متر زمین را خراب کرده میتواند .

بم های حریق افکن اگرچه وزن کمی دارد اما قوت حریق تولید کردن آن زیاد میباشد و بصورت عمومی وزن عادی بم های حریق تولید کننده ، از یک الی ده کیلوگرم است ، از روی این وزن فهمیده میشود که یک طیاره عصری بمباردمان - ثقیل چه قدر از این بم ها با خود بهوا برده میتواند ؟ درجه حرارت این نوع بم ها تا سه هزار درجه (سلسیوس) بوده خاموش کردن نیم سوخته آنها کار سهل نمیشد . یک دسته طیارات بمبارد مان خفیف ، بصورت وسطی تا دو هزار دانه بم حریق افکن یک کیلوگرمه با خود برداشته اگر از این بم ها پنج یک آن به هدف اصابت نمایند چنان حریق تولید خواهد کرد که از انظار آن مسکونین یک شهر برآمده نخواهد توانست و برای خاموش کردن آن سرمه ریگ استعمال باید بشود .

بم های کیمیائی نیز در وزن متفاوت میباشد . هرگاه یک بم پنجمصد کیلوگرمه انداخت شود دامنه انتشار آن خیلی وسیع خواهد بود و برای یک کیلومتر مربع سه تن بم کیمیائی بحد لازمه کفایت کرده ذیروح را زنده نخواهد ماند . علاوه بر بم های کیمیائی برای پاش دادن زهریات و مواد خفه کننده آله مخصوص پاش دادن مواد آبیماوی وجود دارد که سهواً نام بندریه آن مواضیکه خواسته باشند زهر آلود ساخته میتوانند .

در بین بم های طیاره ، در جنگ آینده ، میکروپ های معمره از قبیل میکروپ مرض و با ، طادون سل و غیره داخل شده و بذریعۀ کفیدن این بم ها در بین اهالی مرض های ساری انتشار خواهد یافت . (راجع به مواد کیمیائی در فصل آینده ذکر خواهد شد) .

طیاره و خدمت کشف : در ساقی ذکر کردیم که طیاره دو نوع کشف کرده میتواند یکی کشف شفاهی و دیگر کشف سندی . برای بدست آوردن راپورتهای سندی کمره های مکانی مخصوصی بکار برده میشود که بذریعۀ آن بتفصیل صحیح عکس گرفته از روی آن یلانهای موزم را ترتیب میدهند . کمره های عکاسی هوائی عصر حاضر از هر نوع ارتفاع عکس گرفته میتواند و برای خدمت عکس گیری از هوا بصورت عمومی دو نوع کمره بکار برده میشود که یکی آن کمره های ثابت میباشد که بطور یلان عکس میگیرند و دیگر کمره های متحرک میباشد که بطور منظره مابلاً عکس برداشته میتواند . کمره های ثابت بطور شاقولی عکس می بردارد . در زمان حاضر در شب هم از طیاره عکس گرفتن ممکن است .

برای واری و ارتباط طیارات با زمین و طیاره با طیاره ، ماشین های مخصوص خبر دهنده و گیرنده (جا ذبه) راد یو استعمال میگردد و علاوه بر ماشین های راد یو ، چندین اصول مخفی بره دیگر در قوای هوائی مورد استعمال قرار داده شده است . آلات مخفی مزبور یا توسط چادرهای مخصوص و یا ذریعۀ انداختن راپورت هایی که سابق تعیین کرده میباشد ، کار میدهد .

آلات ناربه

۱- تفنگک : تفنگک يك اسلحه قدیمست که از عصرهای درازی در بین دنیا قدم بر صه و جو دکذاشته برای خدمات حربی بکار انداخته شده است . در مسالك حربی ، یاده يك مسالك مهم بوده ، بدوت و جو دیسا ده موفقیت حاصل کردن کار بس مشکل بلکه ناممکن میباشد . اسلحه کار آمد ییاده تفنگک است . باوجودیکه در عصر حاضر آلات حربیه خیلی بلند رفته اما از تفنگک صرف نظر نشده و آنرا اسلحه اساسی و باعث کامیابی يك اردو و میشارند .

تفنگک ابتدا بافتله و چغاق قدم بر صه و جو دکذاشته در محاربات مهم دنیا بکثرت استعمال شده بود . پسان تر در اثر توجه فوق العاده ملای حربیه تفنگک کار توس دار اختراع شده ازان کار میگرفتند و بالاخره چنان تفنگک هایی ساختند که از حالت يك تکه به ده تکه رسیده بذریعۀ آن ۱۱ سر می انداخت میشد و این رقم تفنگک های مربع آتش در اردو های دنیا تا کنون مورد استعمال قرار داده شده است . اگر چه از تفنگک چغاق و فتله نمی به تفنگک مربع آتش جاغور دار رسیده اند اما این رقم کافی نینداشته سعی بلیغ در تجدید و ترقی دادن آن میکنند و برین عقیده خود ثابت قدم هستند که تفنگک هنوز ابتدائی است باید چنان اسلحه قدم بر صه و جو دکذارد که از هر حیثیت برای محاربات عصری موافق باشد .

در سنه ۱۹۳۰ در آردوی حکومت بلجیم تفنگک جدیدی ضم گردیده است که معرفت ابتدائی در آن زیاد گردیده و نظریه کم کردن وزن سر می ، سطح انتشار آن که در انداخت تفنگک رول مهم را بازی میکند ، فی صدی پنجاه کم شده است . همچنین ایطالیادر بهتری خاصیت کار توس خود کوشیده و نتیجه خوبی ازان گرفته است .

در بین اردو های دنیا تجارب مهم انجیر آلمانی « هلریخ » نام خیلی با دلچسپی فوق العاده بذیرائی شده و او بذریعۀ بلند بردن معرفت ابتدائی تفنگک اختراع کرده گئی خود قوه نفوذیه آنرا در زره ها بلند برده است . تفنگک جدید اختراع « هلریخ » در اول به شکل تفنگک شکاری بود ولی پسان تر خود مشارالیه چنان

تفنگی ساخت که سرعت ابتدائی آن فی ثانیه ۱۵۰۰۰ متر تعیین گردیده بود. این کامیابی شخصی مذکور بیشتر به این است که رخ های میل تفنگ خود را تغییرات کامل داده است.

تجارب هاریخ ازین رهگذر دلچسپ میباشد که در اردوها، قوای زره دار زیاد گردیده و ازان رولازم است اسلحه بدست بیاید که با آن مبارزه کرده بتواند. در امریکا نیز تفنگی اختراع شده که مثل تفنگ هاریخ زره را بخوبی می شکافد اما هنوز علمای فنون حرب قائم نبوده سعی دارند که ازین بهتر تفنگ ها تو بدست بیاورند.

۲ - تفنگ اتوماتیکی (خود کار) : چون حرب آینده به قوه آتش احتیاج شدید دار دلندا برای تولید قوه آتش ، تفنگ اتوماتیکی اختراع شده است . مقصد از بدست آوردن تفنگ اتوماتیکی اینست که سرعت انداخت بلند برود . با وجود مساعی دول متدوده گذشته میتوانیم که تفنگ اتوماتیکی بدرجه لازم کامیابی حاصل نکرده است که جای تفنگ های جاغوردار را بگیرد تفنگ اتوماتیکی با وجودیکه صحت انداخت در آن صراعات شود در دقیقه از ۳۰ الی ۴۰ سری انداخت کرده میتوانند اما تفنگ جاغوردار در دقیقه بیش از ده غیر کرده نمیتواند مشکلات تفنگ اتوماتیکی اینست که ساختمان آن به اصول صحیح اصلاح نشده احتمال بندش در آن زیاد ترست . نظر به این علل تفنگ اتوماتیک طرفداران و مخالفین زیاد دارد قبهت ساختمان آن از تفنگ جاغوردار زیادتر میباشد . وانگهی تفنگ های سریم آتش بمرض انتشار سری گرفتار بوده بنا بران صحت انداخت آن کمتر است .

تفنگ اتوماتیکی در اواخر حرب عمومی اختراع شده اما در سالهای اخیر مدارج ترقی و تکامل خود را به کام های سریم طی میکند .

صنعت تفنگ اتوماتیک در چکوسلواکیه تشکیل گردیده یکی از بهترین تفنگ های اتوماتیکی تفنگ ZH - 29 است که وزنی ۴٫۲ کیلوگرام و قطر دهنه آن ۷٫۹۲ میلیمتر میباشد علاوه برین تفنگ اتوماتیک در امریکا و انگلستان نیز ساخته میشود نمونه رقم « پدرسین » امریکائی در کارخانه اسلحه سازی دوپکرس آمسترنک « انگلیسی ساخته شده سیستم خوبی بشمار میرود .

تفنگچه ماشیندار : درین اواخر ماشینداری ساخته شده که از لحاظ خوردی خود مثل تفنگچه بوده و سری های کوچک بندریه آن انداخت میشود . از تجاربیکه بالای این نوع ماشیندار تفنگچه نی کرده شده معلوم گردیده است که در مسافت سه صد متر سطح انتشار سری آن بلند رفته و صحت انداختش از تفنگ بسیار پس میباشد . بنا بران تاکنون در بین مساکر بکثرت استعمال نشده برای بعضی قطعات مخصوص مثل قطعات تانک و تلگرافی ها و غیره قری از قبیل ما مورین قوای هوایی داده میشود .

حاضرآ تفنگچه ماشیندار دیگری شکل قرابین اتوماتیکی عرض اندام نموده است در بین جاغور قرابین اتوماتیکی رقم « نی هاوزین » سویسی ۴۰ عدد کار توس جا گردیده وزن آن همراه جالی آن ۴۶ ، ۴ کیلوگرام میباشد .

ماشیندار دستی : ماشیندار دستی در تمام اردوها اسم ماشیندار خفیف را بخود گرفته است و این نوع ماشیندارها از صحنه تجارب حرب عمومی برای اردوهای دنیا باقی مانده ، در خاصیت خود از تفنگچه های اتوماتیکی خوب و بوزن از تفنگ سنگین تر میباشد از مسافت بکهر از متر بشریه ماشیندار های دستی به خوبی انداخت کرده میشود اگر در سابق بندریه آن یکصد فیردر دقیقه میشد در وقت حاضر در دقیقه از ۵۰۰ الی ۶۵۰ سری انداخت کرده میتواند و روز بروز راجم به سبک وزن ساختن وساحت آتیر و سرعت و انداخت آن کوشش کرده میشود ، ماشیندار دستی رقم « براوننگ » بلجیسی دارای آلتی مخصوص میباشد که سرعت انداخت بندریه آن کم گردیده تا ۳۰۰ سری در دقیقه انداخت کرده میتواند و بندریه آن در حال رفتارم به خوبی انداخت کرده میشود .

امتیاز ماشیندارهای دستی اینست که به بسیار زودی بازو بسته میشود. ماشیندار هسیا بتولی موسوم به «تراپوتی» در مدت ۱۵ ثانیه بازگردیده و در ۴۰ ثانیه جمع گردیده برای انداخت حاضر شده میتزاند. قطر ماشیندارهای دستی (یاخنیف) از ۶۰۵ الی ۷۰۹۲ میلیتر میباشد.

ماشیندارهای ثقیل: ماشیندارهای ثقیل بقطر ۶۰۵ الی ۸ میلیتر بوده برای مبارزه باطیارات که به ارتفاع کم پرواز داشته باشد بکار میرود چون هرگاه در ارتفاع ۱۰۵ کیلومتر طیاره پرواز نماید بطریقی درین ارتفاع باطیاره مبارزه نتوانسته درین وقت ماشیندارهای ثقیل داخل میدان مبارزه میگردد. مبارزه ماشیندار باقوای هوایی، عملیاتی را مجبور ساخت که اسلحه خوب تری بدست بیاورند لهذا ماشینداری بقطر ۱۲ میلیتر را برای مبارزه باقوای هوایی زیر نظر گرفتند کارخانه «ایلرکن» سولسی ماشیندارهای گوناگونی ساخته که قطر آن تا ۲۰ میلیتر میرسد و در تجربه از مسافت یکهزار متر زره ۱۱ میلیتری و از مسافت ۱۵۰ متر بک زره ۲۰ میلیتری را شکافته است. وزن این ماشیندار ثقیل ۲۳ کیلوگرام بوده برای اجراء آن دو نفر بکار است.

ماشیندارهای ضد تانک: ماشیندارهای مخصوصی ایجاد شده است که با تانک ها و موتورهاى زره پوش مبارزه میکنند. این ماشیندارها که خاصیت نفوذ در زره را دارد، طوری ساخته شده است که بمقاومت قوای هوایی نیز ازان کار گرفته میشود و سرعت ابتدائی این نوع ماشیندارها خیلی خوب بوده باعث نفوذ آن همین سرعت ابتدائی میباشد. درین اواخر ماشیندارهای مخصوص ضد تانک ساخته شده؛ هر قدر که قوای زره دار ترقی نماید بهمان اندازه قوای مدافعه آن ترقی مینماید.

اختراعات اخیر در آلات ناریه

تفنگ ضیا افشان: اخیراً در فرانسه تفنگی اختراع شده که عوض مرمی نورا از آن منتشر میشود.

و نور منور بطور بیست که انسان از تأثیر آن کور شده هیچ مقاومت کرده نمیتواند این تفنگ در وزارت حربیه فرانسه امتحان گردیده، زمانیکه ماشه را فشار دادند یک شراره خیلی روشن ازان خارج شده قوه آن مساوی به چند میلیون شمع برقی است و ۱۲ ثانیه دوام میکند. تشکیل شراره به اثر مدیه ماگنیزیم و دیگر موادی بدست می آید که تا بحال در اخفا نگاه داری شده از اسرار و وزارت حرب فرانسه شناخته شده است.

حاضرآ اختراع مذکور چنان تفنگ های ضیا افشان میسازد که قطر خارجی آن ۴۵ متر خواهد بود و بمقابل حملات هوایی ازان کار گرفته خواهد شد. زیر اثر قوه نور هوا باز دشمن که در پرواز باشد بی خود شده از حرکت باثنی مانده و بزمن میافتد و بیکانه وسيله سردن هوا بازان و سقوط طیارات همین تفنگ خواهد بود.

تفنگیکه خورد و بزرگ شده میتواند: در فرانسه چنان تفنگی شکاری ساخته شده است که بقرار خواهش از شانه چپ و راست ازان انداخت میگردد. و در فنداق این تفنگ اصول علیحده مراعات گردیده است که در وقت ضرورت بطول و عرض خورد و بزرگ شده میتواند و انداخت کردن ازان خیلی آسان میباشد.

تفنگیکه جدید: درین اواخر در اسپانیا تفنگیکه ساخته شده است که در کیف دست به خوبی پنهان میگردد عموماً آن جا غور و دو جای انگشت را دارا بوده درین این دو جای انگشت قبل خود تفنگیکه و ضم گردیده است ماشه تفنگیکه در عقب و صل بوده بدریه فشار کیف دست فیر میکند. این قسم تفنگیکه برای خدمات پولیسی تعیین شده است.

انداخت بی دود و صدا و شعله: بقراریکه جرائد هامبرگ جرمنی اطلاع میدهد درین اواخر آزمایشی های مخصوص بی دود و بی صدا نتیجه صحیح گرفته شده برای امور حربیه خیلی ها ذیقیمت میباشد. انداخت این

هشم طوب بی صدا حتی بذریعہ آلات کاشف صدا م کشف شدہ نمیتواند . امتیاز این طوب اینست که در آن آلہ کم کردن صدا بوده باروت آن نہ شعلہ دارد ونہ دود . در تشکیل این نوع مواد بی دود و بی شعلہ کوشش فوق العادہ کردہ میشود . حاضرآبرک (قید) مخصوص برای میل توپ بکار برده میشود کہ م صدا وم شعلہ باروت را کم میکند در ایطالیانیز راجع بہ توپ بی صدا و بی شعلہ تجربہ شدہ و امریکا نیز بہ این کار شروع نموده بہ نتیجہ خوبی توصل نموده اند .

تجارب راجع بہ مرمی های رقم را کیتی : بزاریکہ جرائد خارجه اطلاع میدہد در آلمان راجع بہ مرمی های را کیتی تجارب خیلی مهم کردہ میشود . جراید امریکائی مینویسد کہ در حدود برلین میدان مخصوصی وجود دارد کہ در آن متقصدین راجع بہ تکمیل را کیت تجارب لازمہ مینمایند بقراریکہ جریدہ « تلگراف » اطلاع میدہد در آلمان راجع برا کیت ستراتوسفر ، تجارب لازمہ کردہ میشود مخترع این قسم را کیت صاحب منصب بہ آلمانی « هاسین باخ » است و را کیت خود را بذریعہ آلات مخصوصہ از فاصلہ ادارہ مینماید در بین این را کیت میتوان مواد محترقہ و مواد زہر دار بر کردہ غیر نمود . بقراریکہ جریدہ مذکور میگوید در را کیت با کتریہ (مکر و ب ها) مسری نیز تجربہ گردیدہ است . در زمان حاضر مشکلات را کیت سازی تا یک اندازہ رفع گردیدہ و در امور حربیہ بکثرت استعمال خواهد شد .

سپر آہنی برای انداخت کنندہ تفنگک : یکسفر متخصص هنگری کہ اصلاً ذاکتر میباشد سیری برای پیادہ ساخته است کہ جہتہ انداخت از تفنگک خبلی مفید است . این سیروی دستہای غیر کنندہ کاشہ و قنداق را محکم گرفته است حفاظت میشود . بقرار اظہار ذاکتر مذکور زخمی شدن رو بیشتر از ہمہ جاہا اتفاق می افتد . سیرمز نور عبارت از یک پارچہ آہنی است کہ قات میشود و عرض آن ۲۲ و بلندی آن ۱۶ سانتی متر میباشد ضخامت زرہ آن ۳ میلیمتر و وزن آن ۶۶۰ گرام است .

خورد ترین نشالچی دنیا : طفلی کہ از عمر آن ۳ سال و ۳ ماہ و ۱۳ روز سیری گردیدہ است در اثر نشان زدن از حکومت خود نشان گرفته است . تفنگیکہ این طفل موفق بہ نشان گرفتن بتوسط آن شدہ ساختان مخصوصی دارد . طفل مذکور بزیر ادارہ پدر خود بجناب لازمہ نموده اکنون عضو کلوب تیر اندازی رئیس جمہور امریکا بشمار میرود .

استعمال مواد کیمیای در امور حربیہ

بقراریکہ علمای حربیہ در جراید دنیا انتشاری دہند . جنگ آیندہ چنان مواد کیمیائی را مورد استعمال قرار خواہد داد کہ جنگ گذشتہ (حرب عمومی) ازان هیچ خبر نداشتہ و فکری م راجع بہ آن در آن زمان نشدہ بود . جنگ آیندہ جنگ کیمیائی بشمار میرود . در ممالک متمدن دنیا برای نابود ساختن م نوحان خود چنان مواد کیمیای کشف شدہ و کشف شدہ می رود کہ قلم از تعریف آن عاجزی ماند و آنطور مواد کیمیای برای قتل بی آدم در اخفاتیہ میشود کہ تاریخ ازان ابدآباد ندارد . جنگ عمومی باعث ترقی تخنیک گردیدہ اما عموم تخنیک مرمی بر یک نقطہ تمرکز نموده کہ مقصود کالی آن کشتن انسانہاست . ہر حکومت کہ خود را متمدن تر میشمارد سعی بیشتر میکند تا اسلحہ مدہش تری را برای قتل و قتال بدست بیاورد . بطور عمومی مواد کیمیائی کہ امروز در امور حربیہ استعمال میگردد بچند دستہ عمدہ تقسیم میگردد : مواد کیمیای مسموم کنندہ ، خفہ کنندہ ، دود دہندہ ، انفجاریہ ، آتش دہندہ و غیرہ و غیرہ . . . در اطراف این مواد مہنہ کیمیای کہ امروز در امور حربیہ استعمال میگردد بطور مختصر معلومات تقدیم میشود :

ماده زهر دار ایپریت : بقراریکه علمای حربی و کیمیاوی دنیا معتقدند در حرب آینده هر ماده کیمیائی که استعمال شود نسبت به حرب گذشته شدیدتر و ساحه تأثیر آن بیشتر خواهد بود. ماده کیمیائی « ایپریت » يك ماده مهم زهرناکی است که ابتدا در ۱۳ جولائی ۱۹۱۷ استعمال گردیده و بعدها خیلی شهرت پیدا کرده. پیدا کردیدن ایپریت در صنایع و استعمال آن در محاربه کار مدافعه کیمیائی را مشکلتر ساخته ماسک معمولی که برای پوشیدن رو بود به تنهایی برای آن کفایت نمیکند. « ایپریت » علاوه برین که بر جهاز تنفس تأثیر وارد مینماید به پوست هم صدمه میرساند و استعمال ایپریت در محاربه عمومی محاربین را مجبور ساخت که باید برای مدافعه آن لباس مخصوصی بسازند از تأثیر « ایپریت » بر روی پوست دانه ها و زخم های متعدد تشکیل شده انسان از تأثیر آن می میرد.

در ۱۹۱۷ و ۱۹۱۸ حکومت آلمان ۹۰۰۰ تن « ایپریت » و حکومت فرانسه ۲۰۹۰ تن ایپریت ساخته بودند. حاضرأ حکومت امریکا حاصلات کلور و گوگرد را بلند برده در صورت محاربه میتواند از آن روزانه بکپزار کیلوگرام ایپریت بسازد. بقراریکه کیمیا دانان معلوم نموده اند برای زهر آلود ساختن يك متر مربع ۱۰ الی ۵۰ گرم ایپریت لازم است و برای يك فرقه هصری که در حال تعرض سه کیلومتر را اشغال میدارده هر گاه بذریعه فوای هوائی بالای آن حمله گزاشود ۵۰ تن ایپریت کفایت میکند. متخصصین دنیا معتقدند که در جنگ آینده نسبت به تمام مواد زهری کیمیائی دیگر، ایپریت فی صد ۷۰ الی ۸۰ زیادتر استعمال خواهد شد.

تأثیر ایپریت در ناستان از ۶ الی ۱۲ ساعت و در زمستان از ۳ الی ۴ شبانه روز باقی میماند. ایپریت بذریعه هوای ۵ الی ۷ درجه فوق صفر منجمد میشود. درین صورت ماده مخصوص که آنرا آب مینماید با آن يك جا استعمال میگردد. ایپریت را از طیاره و از زمین بذریعه آلات مخصوص گزافشان استعمال میتوان نمود حتی بذریعه هم طیاره هم استعمال میشود.

ماده زهر دار لیوایزیت : ماده زهر دار لیوایزیت در محاربه عمومی کشف گردیده اما به بعضی علل تجربه آن ممکن نشده بود. اگرچه این نیز مثل ایپریت خاصیت دانه پیدا کردن را در پوست انسان دارد اما صدمه آن از ایپریت مدهش تر و شدیدتر میباشد بذریعه آن جهاز تنفس صدمه بردار میشود. از تجربه هویدا شده است که لیوایزیت از تمام زهریات آن زمانیکه کشف شده بود شدیدتر بوده است لهذا آن را « مرکه آبی » میخوانند. تأثیر آن بر زمین بدرجه است که گیات کمرده میشد (موضع در آن موضع) موضعیکه برات لیوایزیت پاشیده شده) سوخته باشد. بقراریکه میگویند لیوایزیت هنوز تکمیل نشده و حکومت آلمان درین قسمت کوشش فوق العاده کرده اصلاحات لازمه نموده است.

لیوایزیت از حیث زهریت از ایپریت خیلی بلند اما بالمعکس دوام آن روی اراضی خیلی کم میباشد و بذریعه هم های آبی میتوان معدوم کرد و علاوه برین از ایپریت قیمتتر تمام میشود لیوایزیت نیز به اندازه ایپریت ایجاد مینماید و آنرا میتوان بذریعه توپ و طیاره استعمال نمود.

ماده خفه کننده « فوسگین » و « دیفوسگین » : بقراریکه « هلدان » پروفیسر کیمیا در کتاب خود نوشته بمقابل گزاف خفه کننده فوسگین، دیفوسگین و کلور پیک، ماسک فادی ذغالی کفایت مینماید و در آخر میگوید پس يك ماده که به این قدر سهولت از آن مدافعه شده بتواند، مثل تفشک قتیله میباشد که در عصر حاضر در میدان محاربه استعمال کرد یعنی این مواد عمر خود را خورده است.

اما مؤلف فوق الذکر این را از خاطر کشیده است که در صورت استعمال این نوع مواد خفه کننده اردوها مجبور است که ماسک های ضد گاز بیوشد و پوشیدن ماسکه ضد گاز در عین حال تولید سنگینی و زحمت نموده

در انداخت و حرکت و طاقت آنها تأثیر فوق العاده وارد میکند . استعمال فوسکین و دیفوسکین و قتیکه آر دوها در خواب باشند مفید ثابت میشود . ماده فوسکین و دیفوسکین بر میل تفنگ تأثیر نموده آنرا پوشیده از زنگ میسازد لهذا استعمال آن در حرب آینه ضروری معلوم میشود .

فوسکین بذریعہ مری های مین ، بم های طیاره و بالون های فشار خورده استعمال میگردد اما دیفوسکین بذریعہ مری های مینی بم های طیاره استعمال خواهد شد .

مواد زهر دار « دیفنیل کلورا رسین » ، « دیفنیل سیانار اسپین » و « آدامسیت » :

تمام این مواد که در جنگ استعمال گردد شکل دود را بخود گرفته بر راه تنفس تأثیر وارد مینماید و یک سوزش فوق العاده در بینی و گلو تولید میکند که از اثر آن صرفه ، درد سر ، درد خیلی شدید تمام مغز ، درد دندان ها ، دل بدی و قی ظهر مینماید . برای دفاع از این نوع گازها تنها ذغال کفایت نکرده لازم می آید که در ساختمان ماسک های گاز تغییرات بعمل بیاید بغیر از ذغال که در ماسکه استعمال میگردد مجبور شدند که یک ماده کیمیائی را که فلتر دود بشمار میرود استعمال نمایند .

بقرار نظریه بعضی از متخصصین حربی ، آر سنیک (سنکیا) در تخنیک حفاظت اسلحه کیمیائی رول مهمی را بازی خواهد کرد . موضع بدست آوردن زرنیخ خیلی کم است لهذا دول ضرور دانستند که از مواد دودی زرنیخ برای مقاصد خود ها بدست بیاورند .

این مواد یک برایشان تأثیر مینماید باید بصورت لازمه در تحت تدقیق قرار داده شود . و مقصد عمده استعمال این نوع گازها همین است که باید دشمن مجبور به پوشیدن ماسکه ضد گاز و باین قسم در عملیات سکنه گی واقع شود از ردیف محاربین خارج گردد . استعمال طولانی ماسکه ها یک کار سهل نیست بلکه لازم است افراد مشق زیادی داشته باشند تا از یکطرف در عملیات شان از سبب استعمال ماسکه سکنه گی رخ ندهد و از طرف دیگر صحت شان درست بماند .

این مواد بذریعہ بم طیاره ، مین و آلات مخصوص استعمال میشود . هر گاه خواص حربی این مواد کاسته شود ، باز هم برای تشکیل برده دودی جهت حفظ و غیر مرئی نگه داشتن صا کر خود استعمال کننده ، کار میدهد

مواد اشک آور « کلورا سیتیفون » و « بینزلی سی آیند » : این ماده کیمیائی بر چشم تأثیر بدی بخشیده و بی اختیار اشک را جاری میسازد این گاز هم در محاربات آینه باندازه زیاد استعمال خواهد شد « کلورا سیتیفون » امروزه روز برای فرو نشانیدن بعضی افشاشات داخلی از طرف اکثر ممالک استعمال گردیده ازان نتیجه خوبی بدست آورده اند صورت استعمال آن مختلف و متعلق بوضیعت موضع و موقع میباشد .

دود حقیقی : دود عادی و حقیقی امروز در میدان تجربه حربی عالم رول مهم بازی کرده و عموم ممالک دنیا سوی آن بچشم امید متوجه هستند ، در جمله مواد کیمیائی که دود حقیقی ازان حاصل میگردد مقام اول را « فوسور » حاز است . و علاوه بران جهت بدست آوردن دود « المی روم » ، « انکیدرید و گرد » ، « نیراب کلور و سولفون » و مخلوط اینها استعمال میگردد . و در بین مواد دود دهند ماده مخلوطی رقم « بر کر » نیز اخذ موقع نموده است .

تشکیل کردن برده دودی به اثر کفیدن مینی ها صورت میگردد اما از آلات دود افشان مخصوص و تو مری های مخصوص نیز بخوبی برده دودی تشکیل میتوان داد .

استعمال احتمالی بعضی مواد کیمیائی زهر دار دیگر : مشاور کیمیائی جامعه ملل راجع به مواد زهر دار جدید و خفه کننده اطلاع میدهد که در دنیای موجوده چنان مواد جدید کیمیائی تجر به شده که در حرب گذشته آزان دنیا خبر نداشته و امروزه انواع آن تا یکهزار رسیده و همه در تحت تجر به میباشد که در جنگ آینده استعمال خواهد شد .

تلفات جانی حرب گذشته از استعمال مواد زهر دار که شامل افراد حکومت فرانسه ، انگلیس و امریکا باشد ۵۰۰،۰۰۰ نفر حساب شده از روی این حساب از ۳۰ الی ۴۰ فی صد تمام تلفات از اثر مواد زهر دار بوده است .
 بقراریکه پروفسر امریکائی اظهار عقیده مینماید برای خواب دادن يك فول اردو فقط استعمال کردن دوتن « کلورو فورم » کفایت میکند و ماده کلور فورم برای خواب دادن اردوها در حرب آینده به اندازه وسیعی مورد استعمال فرار داده خواهد شد .

استعمال مواد زهر دار بذرایع مختلفه : مواد زهر دار بذریعه بم های مخصوص ، بم های توپ و بم های طیاره استعمال میگردد . يك مری توپ که بقطر ۷۵ میلیمتر باشد در آن ۰۰۵ کیلو گرام مواد کیمیاوی جاگردیده به اندازه ۳۰ متر مربع زمین بواسطه آن زهر آلود میگردد هر گاه مری توپ بقطر ۱۰۵ میلیمتر باشد در بن صورت يك میدان دو صد متر مربع زهر آلود میشود .

مواد کیمیاوی بعضی بسیار وقت معدوم شده بوزن خود خفیف میباشد . اما چنان مواد سنگین زهر دار نیز وجود دارد که بسیار وقت باقی میماند .

اختراعات احیره در مواد کیمیایی : بقرار اطلاعات جرائد در فرانسه چنان ماده کیمیائی بقیت ارزان ساخته شده که آزان برده دودی متراکم تشکیل گردیده اما بالای جسد تأثیر وارد نمیکند . تشکیل گردیدن دود مذکور بذریعه دو نوع ماده بدست آمده که هر دوی آن از يك آله ترشح مینماید . تشکیل این برده دودی در مدت چند دقیقه صورت میگیرد .

اختراع گاز خواب آور : در فرانسه گاز خواب آور جدیدی ساخته و تجر به شده است که بذریعه آن از ۱۰ الی ۴ ساعت انسان يك خواب سنگین فروی رود . این قوه که خواب را تشکیل میدهد شبیه به نشه میباشد . این نوع گاز بذریعه بم ها اول مرتبه تجر به شده است .

آله مخصوص گاز افشانی : به قطعات گاز افشان آلمان آله جدیدی ضمیمه گردیده که بذریعه آن به بیان وسیعی در صحرا گازها را منتشر میتوان کرد این آله مخصوص برای وضعیت افقی و عمودی خوب کار میدهد .

مواد جدید خفه کننده : بقراریکه جریده « ملتر و اخفین بلات » آلمان اطلاع میدهد در فرانسه يك نقر عالم گاز جدیدی اختراع کرده است که هیچ آله مدافعه آزان دفاع کرده نمیتواند اما جریده مذکور میگوید چنین آله دفاعیه وجود دارد که از هر نوع گازهای خفه کننده بدستی دفاع کرده میتواند .

بقرار نظریه جراید فرانسه این ماده جدید بدسهولت بدست آمده در آن بم های طیاره بسهولت تام میتوان استعمال کرد .

مدافعه از حملات کیمیاوی

بقراریکه در فصل گذشته ذکر شده است، واد ز هر دار و خفه کننده کیمیاوی خیلی ترقی کرده و در حرب آینده از ان کار زیادی گرفته خواهد شد اما علمای موجوده حربی برای دفاع از آن کوشیده انواع آلات را بیان آورده از ان کار میگیرند. تخنیک دفاعیه گاز گوش بگوش با تخنیک ترقیات خود دگازهای کیمیاگی پیش میروند لهذا راجع به آلات دفاعیه گازها معلومات ذیل را تقدیم میکنیم :-

ماسک گاز که از هوای زهر آلود هوای صاف تهیه میکنند : این قسم ماسک گاز ، ماسک معمولی است که بذریعۀ آن هوای صاف تجزیه شده برای تنفس میرسد و متعلق به هوای همجواری خود میباشد . در ماسک های عصری ، هوا از فلتر گذشته داخل پرده ذغال گشته برای تنفس بکار برده میشود . امروز تمام اردوهای دنیا مثل فنک با ماسک های گاز نیز مجهز گردیده اند . ماسک های گاز موجوده که هوای اطراف خود داشته میباشد روی رومی پوشانند و برای دیدن عینک های مخصوصی در ان وجود دارد و از ماسک يك تل جمبه که حاوی مواد ذغال و فلتر میباشد وصل میگردد و در بعضی ماسک ها برای خارج شدن هوای استعمال شده مخصوصی وجود دارد که بطور اتوماتیکی از ان هوای مستعمل خارج میشود .

ماسکه گاز که به هوای خارج تعلق ندارد : يك نوع ماسکه دیگری هم وجود دارد که به هوای همجواری خود تعلق نداشته بذریعۀ بالون هوایی فشار شده اران تنفس میکنند وزن این ماسکه ها همراه بالون و غیره آن از ۶ تا ۷ کیلو گرام میباشد و بطور عمومی بالون آن در عقب بسته میگردد و هوائیکه در بالون فشار شده میباشد برای چند ساعت کار داده هر قدر که بالون بزرگ باشد بهمان اندازه مدت تنفس از ان زیاد میباشد .

لباس مخصوص برای مدافعه از گاز : چون انواع گاز هائی وجود دارد که بر پوست تأثیر می بخشد و علاوه برین چنان گاز هائی موجود است که بدن بمقابل آن تاب ندارد لهذا برای این مقصد لباس مخصوص را بری ساخته اند که بدن بذریعۀ آن پوشیده میشود . ماسکه های فوق الذکر تنها برای تنفس بود تنها تنفس احتیاج مدافعه گاز های عصری را اکتفا کرده نمیتوانند . این لباس مخصوص مدافعه گاز بشکل دریشی ویلان میباشد و ماسکه های مخصوص حیوانات نیز وجود دارد . برای حفاظت اضافی که طمانت کافی دارند ماسکه های مخصوص و برای اطفالی که پوشیدن لباس را طمانت ندارند گاز مخصوص برای مدافعه گاز برای شان اختراع گردیده است :

پناه گاه های گاز : چون پوشیدن ماسکه ها وقت زیاد گرفته و هم سنگین میباشد لهذا برای سهولت کار ، پناه گاه های گاز مخصوص ساخته شده است که در وقت ضرورت بر تعداد معین در آن نفری جا گرفته از حملات گاز وقایه میشود . عمارات عصری که در زمان حاضر ساخته میشود عموماً از نقطه نظر حملات گاز بوده در آن طوری ترتیب گرفته شده میباشد که گاز از خارج از دیگر منفذ ها داخل نگردد هر گاه هوا هم داخل میشود از کولمکن های مخصوصی می باشد که مثل خود ماسکه دارای ذوغال و فلتر بوده هوا از ان برای تنفس ياك و صاف داخل میگردد .

درین واخر خیمه های پناه گاه نیز ساخته شده که در وقت ضرورت از ان کار میگیرند و عموماً این رقم خیمه های پناه گاه در زمان محاربه بکثرت استعمال خواهد شد .

آموختن اهالی به مدافعه هوایی و گازها : به حملات هوایی و گازها نه تنها عساکر مجرد چار میگردد بلکه عموم اهالی دول که داخل میدان محاربه میباشد از ان خلاصی نمی یابند پس برای آموخته شدن آنها به طریق

سیر تکامل فنون حرب

مدافعه از گاز در تمام ممالک دنیا، اهالی را مجبور میسازند که دروس مدافعه از حملات کیمیاوی و هوایی را یاد گرفته معلومات کافی بدست بیاورند. برای تهیه معلومات قارئین و ظانین را که بر اهالی در زمان حملات کیمیاوی گذاشته شده، مختصراً تذکار میکنیم:

- ۱ - در مدت ۷ ثانیه باید بطور اصولی ماسکه پوشیده شود.
- ۲ - باید راجع به خرابی ماسکه ها معلومات داشته در کمترین زمان آنرا کشف نمایند.
- ۳ - باید در مدت یک دقیقه لباس مخصوص مدافعه از حملات کیمیاوی را پوشیده بتوانند.
- ۴ - لباس را در مدت ۷ دقیقه باید کشیده فات کنند.
- ۵ - تنفس مصنوعی را باید بیاموزند.
- ۶ - باید طریق ابتدائی بستن زخم دست را یاد داشته باشند.
- ۷ - زخم سر را بذریعۀ زخم بیچ باید بسته کرده بتوانند.
- ۸ - شخصی صدمه رسیده را یک نفر بقدر ۵۰ متر روی دست و یا دو نفره برده بتوانند.
- ۹ - همراه ماسکه بذریعۀ ریسان به طبقۀ دوم عمارات بالا شده بتوانند.
- ۱۰ - خاموش نمودن منبع آتش را بذریعۀ مواد آتش گل کن و یا ریگ یاد داشته باشند.
- ۱۱ - طریق حفاظت را در زمان حملات هوایی باید بدانند.

این مواد عمومی امروز در تمام مکاتب دنیا برای اهالی تدریس میگردد. علاوه برین کوشش می نمایند که عموم کارگران با ماسکه ها در کارخانه جات همراه ماسکه ها کار کرده بتوانند و همین قسم مستخدمین دواثر نیز در حال پوشیدن ماسکه موفق به کار کردن بشوند.

در حرب آینده خدمات مهم بردوش عملۀ اطفائیه گذاشته خواهد شد زیرا بذریعۀ بم های طیاره، حریق های بسیار مدمش وقوع رسیده و خسارات آن زیاد خواهد بود. از اینجاست که در ما نوره های مختلفه عملۀ اطفایه را زیاد تر مجبور بعملیات مبتدیانند و باید عملجات اطفائیه به بهترین صورتی حریق را خاموش کرده بتوانند و امروز چنان قانونی وضع شده است که هر گاه در پیش روی موثر اطفائیه کسی بیاید و بر او صدمه برسد عملۀ اطفائیه مسئول نخواهند بود.

برای کشف حریق و حملات هوایی برج های مخصوصی وجود دارد که هر گاه کدام وقتی آنها چیزی به بینند فوراً بذریعۀ علامات و غیره و سائط نخابره خبر میدهند و در شهر های بزرگی بوق های مخصوصی ساخته اند که هر گاه طیارۀ دشمن بالای آن حمله نماید فوراً ازان فقیری بلند شده تمام مردم را آگاه میسازد.

ماسکۀ گاز با وسایط مخابره: یگانه مشکلی که در ماسکه های گاز بنظر آمده همانا نبودن وسایط نشر علامات میباشد. اما اخیراً در جرمنی چنان ماسکۀ اختراع شده است که در آن وسیلۀ نخابره و نشر اشکالات وجود دارد. در جایی که از آن هوای بعد از تنفس خارج میشود و وسیلۀ نخابره نصب گردیده بذریعۀ آن نخابره اجرا میشود. در صورتیکه حملات گاز اجرا گردد بذریعۀ این آله صدای آواز بلندی نشر شده هرکس از واقعه حمله گاز اطلاع مییابد و علاوه بذریعۀ این ماسکه روشنی هم در شب برای باخبری نشری میشود.

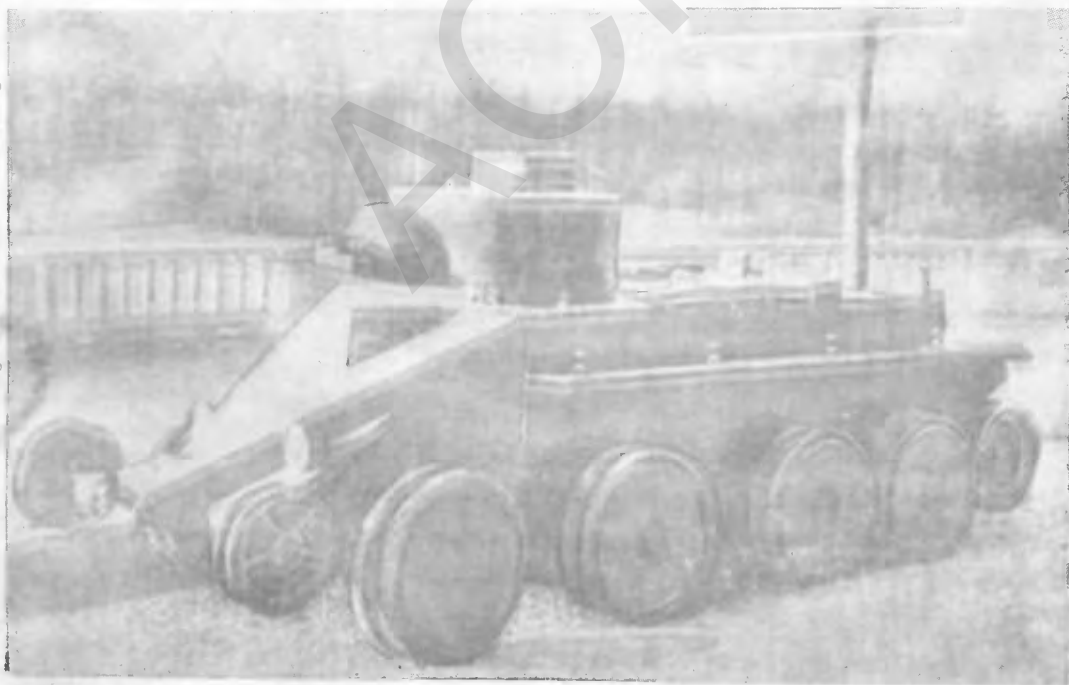
مرمی مخصوص آتش گل کن: اخیراً در پاریس مرمی مخصوصی تجربیه شده که بذریعۀ آن شعله های آتش بر طرف و خاموش میگردد. مخترع این مرمی مخصوص «رادا ایل» میباشد این مرمی در اثر تأثیر شدید، کفیده ازان ماده مخصوصی بوجود آمده باعث خاموش کردن حریق میگردد بقرایکه متخصص آت اظهار نموده است این قسم مرمی در وقت حمله طبارات که مواد حریق تولیدکننده را انتشار می دهند خیلی مفید ثابت خواهد شد.

تانك و اهميت آن

اولين تانك در ۱۸۰۵ بواسطه « جيم كوئين » ساخته شده اما استعمال آن در جنگ عمومي بسال ۱۹۱۶ از طرف انگليسيها بعمل آمد. تانك سه قسم است تانك خفيف، تانك متوسط و تانك ثقیل. يك قسم تانك ديگر براي كشف است كه تانكيت (تانك كوچك) نام دارد. در سال ۱۹۳۴ فرانسه ۱۰ غنډ تانك داشت. و از اين معلوم ميشود كه تانك در امور حربي تاچه اندازه حائز اهميت است. تانك در هر قسم اراضي پيش رفته، هر قسم سد را نابود مي كند. تانكها عموماً مسلح ميشوند. اخيراً تانكها ساخته شده كه بجاي زنجير عرادهها دارد. تانك مایعات کیمیاوی را هم پاشیده میتواند.



تانك بری و بحری



تانك عراده دار

بحریه دول

بحریه دول معظمه در اول فروری ۱۹۳۵

نوع جهاز	برطانيا	اتازونی	جاپان	فرانس	ایطالیا	روسیه	جرمنی
جهاز جنگی	۱۲	۱۵	۹	۹	۴	۲	۶
کروزر جنگی	۱۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کروزر	۵۰	۲۶	۳۱	۱۷	۲۴	۵	۷
کروزر نفث انداز	۱	۰	۵	۳	۰	۲	۰
نفث انداز	۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جهاززره پوش مدافع ساحل	۴	۱	۰	۰	۰	۰	۰
جهاز طیاره بردار	۸	۴	۶	۲	۱	۰	۰
جهاز کوچک پیشقدم وتباه کن	۱۶۱	۲۲۷	۱۰۱	۷۰	۹۴	۱۹	۱۶
کشتی تار پید	۰	۰	۴	۳	۱	۰	۱۱
تحت البحری	۵۱	۸۴	۵۷	۹۶	۵۹	۲۳	۰
جهاز يك دمکی (موتور بوت)	۳۴	۰	۰	۱۱	۲۶	۴	۰
کشتی موتور دار مدافع ساحل	۰	۰	۰	۹	۴۲	۰	۰
کن بوت (کشتی دارای توپهای سنگین)	۰	۱۰	۴	۴۱	۶	۲	۵
کن بوت دریائی	۱۸	۸	۱۰	۱۱	۲	۰	۰
جهاز نقب گیر	۲۴	۴۳	۱۴	۲۵	۴۸	۶	۲۹

تحت تعمیر

نوع جهاز	برطانيا	اتازونی	جاپان	فرانس	ایطالیا	روسیه	جرمنی
جهاز جنگی	۰	۰	۰	۲	۲	۰	۳
کروزر جنگی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کروزر	۱۳	۱۰	۴	۶	۶	۰	۱
کروزر نقب انداز	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰
جهاززره پوش مدافع ساحل	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰
جهاز طیاره بردار	۱	۲	۱	۰	۰	۰	۰

سالنامه د کابل

نوع جهاز	برطانیه	اتازونی	جاپان	فرانس	ایطالیا	روسیه	جرمنی
جهاز کوچک پیشقدم و تبه کن	۴۶	۴۴	۶	۲۱	۸	۰	۴
جهاز تار پیدو (آب دزد)	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
تحت البحری	۹	۱۰	۱۲	۱۵	۸	۰	۰
جهاز يك دگلی (سلوب)	۱۳	۰	۰	۱	۱	۰	۰
کشتی موتور دار مدافع ساحل	۰	۰	۰	-	۱	۰	۰
کن بوت کشتی (دارای توپهای سنگین)	-	۲	-	-	۴	-	-
کن بوت دریائی	-	-	-	۱	-	-	-
جهاز نقب کبر	-	-	-	-	-	-	۶

بحریه که ساختن آن تجویز شده

نوع جهاز	برطانیه	اتازونی	جاپان	فرانس	ایطالیا	روسیه	جرمنی
جهاز جنگی	-	-	-	-	-	-	-
کروزر جنگی	-	-	-	-	-	-	-
کروزر	-	۲	۲	-	-	-	-
کروزر نقب انداز	-	-	-	-	-	-	-
جهاز زره پوش	-	-	-	-	-	-	-
جهاز طیاره بردار	-	-	۱	-	-	-	-
جهاز کوچک	-	-	۱۷	-	-	-	-
کشتی تار پیدو	-	-	-	-	-	-	-
تحت البحری	-	-	-	-	-	-	-
جهاز يك دگلی	-	-	-	-	-	-	-
کشتی موتور دار	-	-	-	-	-	-	-
کن بوت	-	-	-	-	-	-	-
کن بوت دریائی	-	-	-	-	-	-	-
جهاز نقب کبر	-	-	۲	-	-	-	-

(شکل ۱)

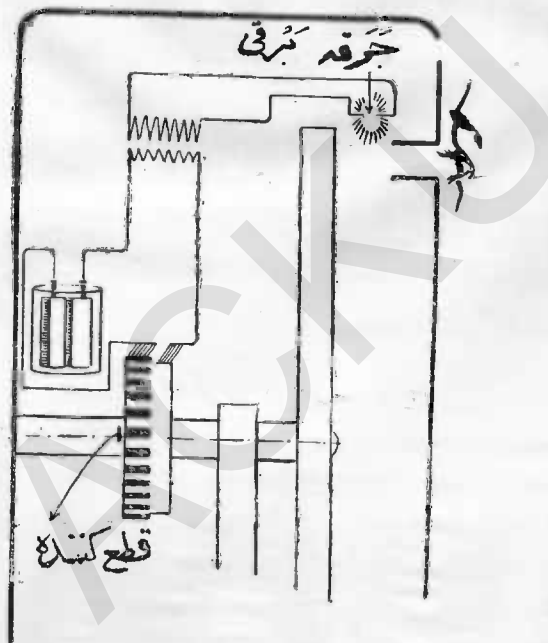


تصویر کمره اِسکو را از طرف خارج

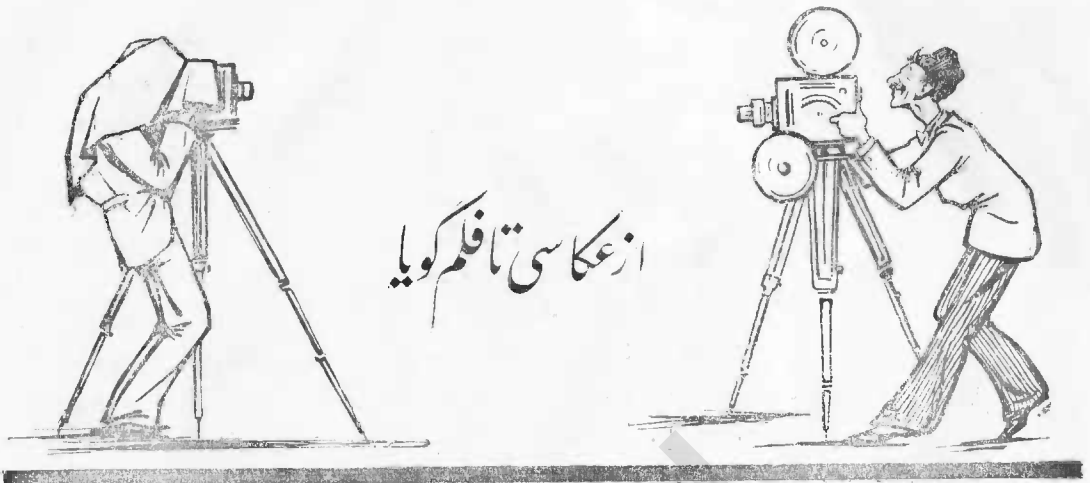


تصویر کمره اِسکو را از طرف داخل

رسم تقریبی سیمای «الومارانشوتس»



در این صندوق به نزدیک و وزن تماس یک نوع روشنی ساخته شده و بهر دقیقه که یکی از تصاویر عیناً بمقابل دریاچه حاضر میشد چراغ الکتریکی یک جرقه نور بصورت هزارم حصه ثانیه انتشار میکرد و در همین حال هزارم حصه ثانیه تصویر بکلی روشن میشد. چشم بیننده تصویر را دید و تا دم حصه ثانیه اثر تصویر بدماغش باقی میبود تا تصویر دوم میرسید و باز مسئله تکرار میشد. بالاخره تماس ثانیان فرق تصاویر منتهی در آن فکر کرده و تصویر متحرکی را جلو چشم خود میدیدند.



از عکاسی تا فیلم گویا

نگارش جناب عبدالغفور خات
« برشنا »

شصت سال قبل بر این در میدانهای وسیع و چمن های فراخ که اهالی شهر های اروپا به تقریب جشن های ملی و دیگر مواقع تفریح در آنجا میرفتند علاوه بر نمایشات گوناگون و افسام ساعت تیرها بیک اطاق مدور چوبی برمیخوردند که موسوم با اسم لاتینی (کاسرا اِسکورورا) یعنی « خانه تاریک » بود اکثری م جهت تماشا این خانه غریب داخل میشدند مگر حقیقتاً تماشا چنان بعد از برداشتن چند بول و اخذ اجازه نامه داخل اطاق بس تاریک که در اول وهله قطعاً بتمیز اشبای داخلی آن موفق نمیشدند بعد از بلند شدن صدای یک زنگ تماشا شروع میشد و چون عمل ساحر مدوری رسانیده همه بدور آن جمع میشدند بعد از بلند شدن صدای یک زنگ تماشا شروع میشد و چون عمل ساحر بیک آن سطح میز مدور روشن شده و تماشا اینکه ناظرین در روی میز میدیدند موجب حیرت بود یعنی تمام حیات خارج اطاق در روی میز عیناً برنگهای طبیعی و متحرک بنظر میآمد شکل اول پس از چند ثانیه عکس روی میز بنای سیر و حرکت را گذاشته مناظر دور را دور (کراسا اِسکورورا) را از هر طرف برای تماشا نشان مینمود و بعد از چند دقیقه تماشا خانه میافت و بیننده گان شصت سال پیشتر که اکثراً اهالی دهات و فعله بودند با تعجب و حیرت زیادی خارج میشدند حالانکه چیز را که این خانه برامرار با آنها نشان میداد هیچ تازه گی نداشت بلکه هر یک از آنها یک جوره از این (کراسا اِسکورورا) را در کله های خود داشتند .



شکل (۲)

و حقیقتاً چشم های هر کدام ما بهمین ترتیب خلق شده که فیزیک برای آن اسم (کراسا اِسکورورا) را انتخاب نموده - یعنی خانه تاریک اگر چه این اسم چندان به حقیقت پیوست نیست ، یعنی اگر بکلی تاریک میبود پس ما نه بان تماشا خانه مدور چیزی را میدیدیم و نه با هر دو چشم روشن خود در حقیقت معنی فیزیکی (کاسرا اِسکورورا) یک خلائیست که بمنزله تاریک دیگر تمام قسمت های آن به مقابل روشنی خارجی مسدود است و ما میتوانیم عملاً این کار را بطور خیلی ساده و بسیط همراه یک قطعی سبک و یک ورق کاغذ خشکی یا کاغذ کرده اجرا نماییم اول همراه یک برمه در حصه بختانی جمبه سبک سوراخ کوچک و مدوری بقطر ۲ میلیمتر ایجاد میکنیم (شکر دوم) و عوض سرپوش

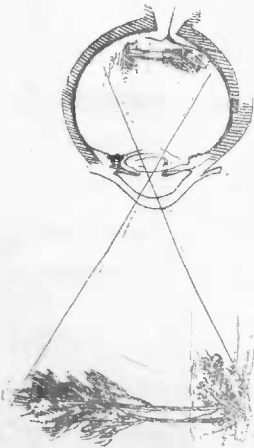
قطعی سیگار کاغذ خشکی را بر روی آن مرش مینمایم شکل (۳) اینست کمر اسکو را هرگاه میخواهید ازین جهت سیگار استفاده نمائید پس میباید قدری تقلید عکاس را بنمایند عکاس را البته دیده اید که در وقت برداشتن عکس مرش را داخل چادر سیاهی مینماید و کله را با یک حصه کمره عکاسی بآن چدر میبوشاند .



شکل (۳)

جدید ما بطور ۲۰ میلیتر خود بدفعات از سوراخ برمه شده کمی بیشتر روشنی را داخل کمره و یا جمبه نفوذ میدهد مگر نقصی که در اینجا میبایم اینست که تصویری را که حاضر ما بروی شیشه خیره مینیمیم همه حال چون جمبه سوراخ شده تیز و با (فوکس) نیست بلکه مجبور میشویم برای دین اشیا دور و نزدیک مسافه شیشه خیره را به لنس کم و زیاد کنیم و شیشه را بیش و پس نمائیم حالا عوض قطعی چوبی که چهار دیوار سفت و محکم دارد (یعنی نمیتوانیم میل خود ، دیوارها را پس و پیش ببریم)

چهار دیوار چرمی و یا برای تجربه کاغذی می سازیم (بطوریکه ماد را کثرت کمره های موجوده ملاحظه مینمائیم) حالا میخواهیم در خصوص بهترین و مکمل ترین کمره هاییکه بشر را قدرت ساختن



شکل (۵)



شکل (۴)

آن نیست و مادر سابق هم نامی از آن بردیم یعنی دو چشم روشنی که خدای بزرگ جل شاه باعنائیت فرموده و ما آنرا جز کمره اسکو را یا خانه تاریک محسوب نمودیم قدری شرح دهیم (شکل پنجم) در اینجا ما اولاً بیک پوستیکه اصلاً روشنی از آن نفوذ نمی کنند بر میخوریم که آنرا بزبان لاتینی سکلیروتیکا (Sklerotika) یا پوست چرمی مینامند و عیناً بقسم چرم محیط کمره های عادی و یا چهار دیوار چوبی جمبه سیگار ، نفوذ روشن

مرا به داخل کاسه چشم نمیگذارد، همین پوست چرمی بطرف حصه پیش خود يك جای كوچك و گرد شفاف به اصطلاح غربی هایوست شاخی دارد، و ازین سوراخ روشنی بحصه داخلی چشم افتد. اول روشنی از پوست شفاف شاخی عبور کرده از يك خانه گچی که از يك نوع مواد شفاف آب مانند مملو میباشد گذشته و بعد از آن از مردمک یعنی از سوراخ مدور يکه برنگ قوس قزح جلوه مینماید موسوم به ایریس (Eris) میگردد به لئس چشم و بعد از آن به داخل کاسه چشم می افتد، حصه داخلی کاسه چشم که از يك نوع مواد شفاف مملو میباشد گویا روشنی از اینجا عبور نموده بحصه عقب چشم می افتد.

از اینجا دیگر حصه فوق العاده گچی چشم که حکمت بشر را راهی با نظر نیست شروع میشود. اولاً شروع میکنم از (ایریس) و یا پوست قوس قزح مانندی که برنگ های مختلف سیاه و خاکی، یا انصاری که برنگ های مخصوصه چشم است میباشد و همین ایریس در مواقع مختلف خود را جمع یا بازمی کند بقسمیکه مردمک چشم که منفرد و شنی باشد گاهی كوچك و گاهی بزرگ میشود، و این کمی و زیادتی در مردمک چشم بکلی اتوماتیک (یا خود بخود) اجرا میشود چنانچه در تاریکی مردمک خودش را فراخ می کند و روشنی نیز آفتاب و یا چراغ جمع می شود و سوراخ منفرد روشنی كوچك میگردد، این و از پوسته شدن را



شکل (۶)

به اصطلاح فنی (اداپسیون) (Adaption) مینامند « شکل چشم » صنعت فوتوگرافی از روی همین ایریس، (دای فرام ایریس) را کشف و به لئس یا آبجکتیف کمره نصب نمودند، مگر خورد و کلان شدن دای فرام دهنه کمره عکاسی البته بقسم چشم، خود بخود و اتوماتیک نمیشود بلکه عکاس از روی تجرب و یا تیونوت (آلة مخصوص برای تعیین روشنی) روشنی را معلوم و دای فرام را از همان قرار خورد و یا بزرگ میسازد.

بعد از ایریس، حصه دوم فوق العاده گچی چشم یعنی لئس یا آبجکتیف چشم شروع میشود. این لئس بکلی شفاف و از روی ریاضی عیناً بطور لئس های مروجه بلکه خیلی صحیح تر خلق شده و علاوه بر این متحرک هم میباشد که بطور میل و خواهش دارنده آن احتیاج خود را خود بخود بیش و کم میکند. عکاس در کمره خود يك لئس غیر متحرک دارد و مجبور است که برای تصویریکه میبرد از همین لئس را بدست خود پس و پیش کند، و به این ترتیب تصویری را فوکس بدهند مگر ترکیب چشم بر خلاف این ترتیب بوده حصه عقب چشم که ما آنرا تشبیه بشیشه خیره (میت کلاس) کمره مینمایم غیر متحرک و جا بجا میباشد. مگر همین لئس چشم، محدیت خود را از روی دوری و نزدیکی منظره زیاد و کم کرده حاصل مدعا در هر قسم که باشد تصویر را بکلی تیز و با فوکس داخل چشم مینماید. این کیفیت خود بخود را بردن لئس چشم در بدن یا عکس برداشتن مناظر دور و نزدیک را (آکوموداسیون Akkommodation مینامند) یعنی عمل راحت کردن (این مسئله را فارزین تاپای با اداپسیون Adaption

(اداپسیون) « یعنی عمل فبول » که بیشتر تر ذکر کردیم مقاله نگاه کنید

همانطوریکه يك عکاس تصویر را در حصه عقب کمره خود برنگهای طبیعی و معکوس مبیند بهما بقسم تصویر بداخل چشم نیز برنگهای اصلی و معکوس می افتد مگر طور بدست آوردن این دو تصویر قدرتی و فنی بکلی مقایر همدیگر شد عکاس بعد از فوکس نمودن تصویر بر روی میت کلاس و خورد و کلان کردن دای فرام دهن لئس را مسدود نموده و لئس میت کلاس بشیشه (بروم سلور) را میگذارد، پس از دادن روشنی و عملیات شست و شویه ادویه

کیمیای یک تصویر غیر متحرک را بدست می آرد مگر این تصویر افسوس که از داشتن رنگ های که عکاس قبل برین بیت گلاس میدید بکلی هاری بلکه بطور معکوس (نیگاتیف) است یعنی حصه های روشن در اینجا با العکس سیاه و جاهای تاریک سفید میباشند .

بعد از کوشش زیاد توسط کاغذ بروم سلور افلا یک چاپ بدست می آید که کم از کم موجب تسلی عکاس میشود مگر این کاری مثبت (پوزیتف) هم از رنگ های طبیعی بکلی بی بهره بوده بنظر چنان میرسد که رنگ کوری دنیا را مشاهده میکنند (۱)

بر عکس این چشم انسان شکل دیگری دارد در اینجا عرض شیشه یا فلم بروم سلور پوست جالی مانند می خلاق شده طوریکه این معاناتا امروز هم از طرف متخصصین این فن بکلی کشف نگردیده . واسم پوست جالی را هم بسبب اینکه اعصاب بصارت از طرف دماغ و عقب کاسه چشم خودش را برک های بسیار باریک باریک بنیام حصص پوست مذکور دوانده گذاشته اند . علم ذره بین و تشریح عصری این پوست خارق العاده را که به ضخامت یک ورق کاغذ میباشد به ده سطح متفرق از همدیگر تقسیم کرده که هر سطح بذات خود برای کار مخصوص خلق شده و هم متخصصین این فن قوه بصارت را به دو شعبه اعصاب تقسیم نموده که یک شعبه آن برای عکس برداشتن سیاه و سفید است که بذریعه اعصاب مخصوص بعمل میاید و شعبه دیگر را برای عکس رنگه تفریق کرده اند که تشریحات آن ما را از موضوع خارج خواهد ساخت . و این اعصاب طوری باریک میباشد که در هر سر بم میلیمتر تقریباً ۱۳۰۰ از شعبه اول و همین نسبت از شعبه دوم موجود میباشد . روشنی عکسیکه بر این پوست حالی مانند میانند بالائی ملیونها از این رگهائی باریک اثر نموده و پس از آن بطرف دماغ منعکس میگردد علم بشری تا درجه بحال این معما موفق گشته مگر دربارۀ رنگه دیدن اشیا هنوز هم متخصصین عصری منذبذ بوده و توجیحات که میدهند چندان فنانعت بخش نیست چنانچه بعضی ها به این عقیده میباشند که همان اثری را که روشنی بالای شیشه « بروم سلور » دارد به همان تیره باین اعصاب باریک هم اثر میبخشد و برخی می گویند که اثرات اهترازی است چنانچه که در وقت روزیک آواز برده کوش از اثر صدا در اهترازی می افتد بهمان گونه اعصاب بصارت نیز برای هر رنگ خصوصیت داشته انعکاس رنگه سرخ بر گهای مخصوصی اثر میکند و رنگه سبز با اعصاب جدا گانه تعلق میگیرد مگر ماهنوز نمی دانیم که بکدام از این عقائد اطمینان نمائیم حالا دیگر مشکل ترین حصه عجائب بصارت شروع می شود و آن همین اعصابی است که تعداد آن به ملیونها میرسد و هر دسته آن برای رنگه علیجده خلق شده دوباره چسان همین عکس ملون را به دماغ انداخته و عقل را به تمیز آن وادار میسازد اینست که علم بشری را تا حال راه بدان طرف نبوده و انسان به نزد قدرت کامله خالق توانا ، بیچاره و عاجزی مانند -

علاوه بر این می خوائیم که دربارۀ احساس چشم به مقابل روشنی بحث کنیم در اول مرحله می باید که روشنی و روشنی دادن را از همدیگر فرق کنیم یعنی اینکه روشنی مراد از ضیاء نیست که وقت برای آن معین نباشد . و روشنی دادن غرض از آن ضیاء نیست که در قید وقت باشد . حالا باید بدانیم که چشم انسان از اثر روشنی متحسس میشود و شیشه عکاسی از نفوذ روشنی معین که روشنی دادند باشد متأثر میگردد یعنی چشم انسان یک شئی را بروشنی در وقتی دیده می تواند که روشنی برای وقت معین مکث و درنگ کند و اگر روشنی وقت معین را گذاشته و سرعت خود را بیشتر میکند البته چشم از دیدن آن عاجزی مانند با وجود اینکه ساعت های متوالی انسان بدان طرف متوجه شود . بر خلاف چشم شیشه عکاسی از اثر روشنی دادن متأثر میگردد یعنی اگر وقت روشنی خیلی کم و با سرعت باشد باز هم به روی شیشه « بروم سلور » اثرات روشنی را معائنۀ کرده خواهیم توانست چنانچه کمره های عکاس جدید به هزارم و بیشتر حصه ثانیه عکس گرفت می توانند -

(۱) رنگه کور اشخاصی اند که قوه بصارت شان از تفریق رنگها عاجز میباشد.

باین سبب غریبها توسط کمره عکاسی بکشف هنرها ستاره خفیف و کوچک مرفق شده که چشم انسان از دیدن آن با وجود کمک دور بین هنری قوی و طولی عاجز مانده مگر کمره عکاسی بهمان قدر که در عکس برداشتن سیارات بجا کمک نموده اگر سرعت عکس برداشتن را ما زیاده تر کنیم البته بیفایده خواهد بود یعنی بجوای عکس یک شی را بصورت هزارم یا ملیونم حصه ثانیه بگیریم چه باید کرد؟ لهذا هر قدر که ما از وقت کم کنیم میباید به روشنی بیافزاییم یعنی اگر ما عکس یک کله و امثال آنرا در وقت سیر و حرکت آن برداریم میباید است بهمان وتیره در تیزی ضیا افزود کنیم و یا توسط لنس های قوی روشنی را بداخل کمره بیشتر داخل کنیم و هم شیشه (بروم سلور را احساس تر بمقابل روشنی بسازیم چشم انسان بمقابل لنس کمره و شیشه (بروم سلور) چنانچه ذکر شد عطالت دارد روشنی را نمی تواند در حال سرعت تعقیب کند چه بمجردیکه ضیا به چشم میافتد اعصاب پوست جالی بصارت بنای کار را می گذارد و اعصاب دماغ را متعسس میسازد سرعت دیدن از روی حساب ۶۰ الی ۱۰۰ متر در ثانیه میباشد چرا که طول عصاب بصارت کمتر از ۱۰ سانتی متر نیست و به همین حساب نفوذ روشنی بکهر از هم حصه ثانیه بدتر بدماغ میرسد و ما به تمیز اشیاء بعد از یک هزارم حصه ثانیه موفق میگردیم و هم در وقت خاموش شدن روشنی چون اعصاب بصارت از روشنی متاثر شده بهمان زودی تصویر از نظر کم نمی شود بلکه تا دم حصه ثانیه هنوز روشنی عکس خود را بدماغ مابقی میگذارد بطور بسیار ساده می توانیم این تجربه را عملی نمائیم در خانه ناریک یک کبریت را که شعله آن خاموش و

مصرف فوغ آتش آن باقی باشد بسرعت هر چه تماظر بطور دایره چرخ بدهید (شکل ۶ نیم) هر وقت که سرعت دایره به دم حصه ثانیه رسیده ما عوض از خگر گوگرد یک دایره مکمل آتشین را به جلو نظر خود میبینیم علاوه بر این تجارب بس دلچسپ مرغوبی را نسبت به عطالت چشم میتوانیم ذریعه ماشین (سنتری فوکال - Sentrifugal Maschiene) چرا نمائیم این آله فزیک در اکثر مکاتب برای تجر به طلاب موجود میباشد که یک دایره آهنی یا کاغذی بشکل آله دف دایره سروچی وطن ما میباشد در حصه مرکزی خود یک پایه دارد که دایره مذکور بالای پایه دور می خورد با طرف این دایره بطور موازی سوراخهای خطوط مقابل این نقاط و یا خطوط قرار داد



شکل (۶) دوم

اره را بسرعت بالای پایه چرخ بدهیم در اینجا هم بسبب عطالت قوه باصره به عوض خطوط یک خط دایروی شامی آید و نقاط یا الف های پهلو به پهلو هم دیگر حل و ضم میشوند هر گاه عوض نقاط فوق مانع رنگین و زرد بگذاریم در وقت چرخ دادن دایره یک خط بکلی سبز را بجلو نظر خود مشاهده خواهیم کرد.

در اینجا نقطه زرد با نقطه آبی حل و ضم شده رنگ سبز را ظاهر میسازد .

عطای و استفاده از آن ، و یا بازی خوردن چشم از صند سال به اینطرف اسباب برخی ساعت تیرهای خوب شده چنانچه بیش از چندین سال شخصی بساختن يك آله عجیب اقدام کرده و آنش را (کین نو سکوپ) Kinetorkopn گذاشت که برای تفریح اهالی کمتر از (کورا اسکورا) که مادر سابق شری از آن دادیم ، نبود .

این آله شکل (۷) م البته خیلی ساده و بسیط بود چه يك دائره دق مانند ی با الف های مرتب چنانچه ذکر شد ، بالای يك پایه عمودی تمیبه شده بود الف های مذکور بقسم سوراخ به دورا دور دائره ساخته شده بود و از طرف داخل در بین هر سوراخ يك تصویر آدم و یا اسب و امثال آن بجرکات مختلف نقش

شده بود . مثلاً خیز يك اسب را به ده حرکت یعنی اول دوپای او را به زمین و تدریجاً بلند و بلند تری ساختند و باز آهسته آهسته پاهای اسب را تلزمین میرسانیدند . و یا انسان را در وقت ورزش بچندین حرکات مختلف نقش می کردند اگر شخصی يك از سوراخها بطرف داخل دائره متوجه میشد و دائره را بالای ستون و یا پایه عمودی آن می چرخانیدند ، در وقتیکه سرعت چرخ بدرجه می رسید که هر سوراخ بدق حصه ثانیه از جاو نظر عبوری کرد بینندگان يك تصویر متحرک را تماشا می نمودند و حق داشتند که در آن آوان برای این آله بسیط اسم (کینماتوگرافی) Kinematographi را می گذاشتند مگر کینماتوگرافی حقیقی در وقتی امکان پذیر شد که فلم بروم سلور حساس و عکاسی همی اختراع کردید .



شکل (۷)

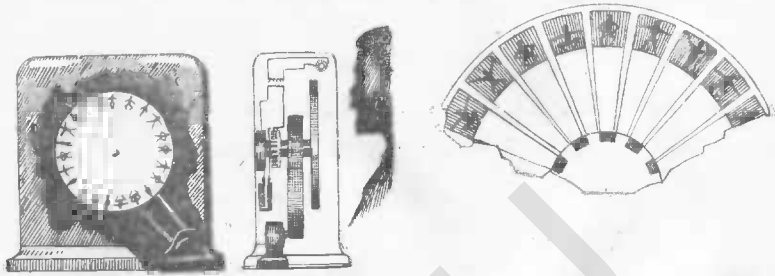
گرافی (ادیسن) هنوز در آلمان خبری نبود (او تومارا نشوتش) به ساختن يك نوع آله کینماتوگرافی موفق گشت ، و ازین سبب اسم پدر سینما را به او لقب دادند .

فرق سینمای او تومار با سینماهای موجوده خیلی زیاد است .

چه مخترع مذکور از حرکات انسان یا حیوان عکسهای متعددی می برداشت ، و باز تصاویر را بدور يك سطح دایروی مبرش مینمود که دائره مذکور بقسم عمودی دور مرکز خود بيك و تیره چرخ می خورد و تمام این سامان در داخل يك صندوق که صرف يك کلسکین کوچک داشت و انسان میتوانست ازین منفذ یکی از آن تصومر را نگاه کند تمیبه شده بود .

درین صندوق به نزد يك کلسکین يك نوع روشنی ساخته شده بود که بهر دفعه يك جرعه روشنی از خود انتشار مید و هر دفعه که یکی ازین نصابها ویر سینما بمقابل کلسکین میرسید آله روشنی افکن يك جرعه بسرعت هزارم حصه ثانیه منتشر میکرد و در حین هزارم حصه ثانیه تصویر بکلی روشن بود .

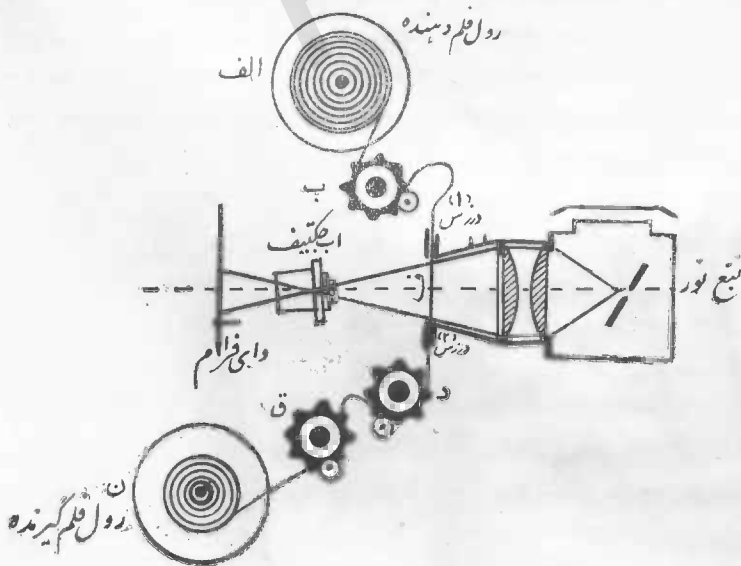
(شکل هشتم) چشم بیننده تصویر را میدید و تا دم حصاره ثانیه چنانچه ذکر شد اثر همین عکس بدماغ باقی میبود تا تصویر دوم میرسید و باز مسئله تکرار میشد الی آخر و تماشا چنان فرق تصاویر متعده در آنکرده يك تصویر متحرك را جلو چشم خود میدیدند .



شکل (۸)

اصول سینمای جدید کاملاً بطرز سیستم دیگری و برخلاف سینمایی (آنسوتش) می باشد چه در اینجا روشنی حالت خود در تغییر نداده ضیای برق به يك حالت نور خود را از عقب فیم سینما انتشار می دهد مگر در اینجا رفتار فیم جست زان و یا به حرکات خیزان اجرامی شود در وقتیکه فیم رفتار دارد و یا خیزی زان منفذ روشنی بسته گشته و سطح پرده سینما تاریک می ماند و زمانیکه فیم برای يك آن بجای خود مکث میکند منفذ روشنی باز بوده و پرده سینما روشن میگردد فیم های عادی در ثانیه ۱۶ الی ۱۸ عدد عکس میکنند آنرا در وقت نمایش فیم می باید ۱۶ دفعه فیمته فیم را بطور رفتار خیزان بطول يك تصویر عبور داد و در هر دفعه يك آن مکث نمود و روشنی باید داد و برای تمام این اصول برای ما صرفاً شاصراً در حصاره ثانیه وقت باقی است . یعنی در شانزدهم حصاره ثانیه یک رسم شبیهاتیک ماشین سینما را نشان می دهد فیمته فیم رونده و یا سیار بالای رول الف تعبیه شد. و توسط چرخ

دندان دار (ب) که یک و تیره چرخ می زند و دندان هایش در وقت چرخ خوردن بسور آخهای کنار فیم فرو میرود فیم از رول الف باز شده داخل درز و یا جاری که اکثر آ اطرافش هم برای یک نوع تیکه فلااین برای خراش نکردن فیم ساخته شده داخل شده و از جاری (س) می گذرد درز (س-۱) و (س-۲) روشنی و یا سوراخ پرویون ساخته شده که ما این فن و یا در پیچه را برسم خود (ف) نشان داده ایم بعد



شکل (۹)

از آن يك چرخ دندانه د ارد يگر ساخته شده كه فلم را بچركات خيزان از كلكين (ف) كش ميكنند كه ما علامه لفظ (د) را برايش گذاشته ايم و بعد از آن چرخ ديگري مي رسد (ق) كه نيته فلم را بطور چرخ دندانه دار (ب) در حالت يكه دندانه هاي او بسورا خهاي فلم داخل مي شوند بالاي رول (ن) بيك رفتار مخصوص مي بينند :- چنانچه در شكل نشات داده شده بين دو چرخ دندانه دار (ب) و (د) پيش از ده سانتی متر مسافه نيست و هر خيز فلم به همان تيره تعبیه شده كه در سابق ما شرح آنرا مفصل بعرض فارين رسانيده ايم :- از قابيکه تا حال از ن بحث شده البته فلم خاموش و بي صوت بوده و حاضر ميخواهيم كه راجم بفلم گوياء و چگونگي آن بحث كنيم .

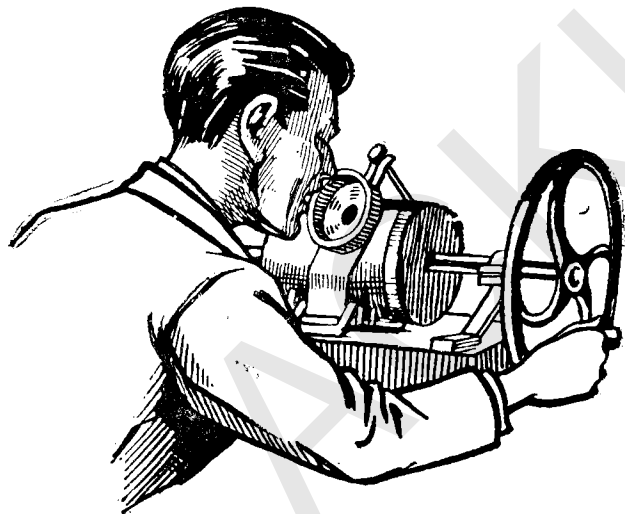
در اول سرحله كه ايجاد سينماي شد متخصصين اين فن بفكر حل اين مسئله كه فلم خاموش و ساكت را چطور به تنگم آورد افتادند ، و براي حل اين مشكل ميخواستند از گراموفون كار بگيرند و چنانچه از حرکات يکنفر توسط كمره عكس مي برداشتند ، ميخواستند از صدايش نيز بواسطه آله گراموفون اخذ صوت کرده باشند مگر اشكالاتيکه درين زمينه پيدا شد اين بود كه توسط كمره سينما بهر جا عكس گرفته ميشد مگر براي گرفتن آواز خانه مخصوصي لازم بود كه عكس گرفتن در آن ممكن نبود پس باين فكر افتادند كه ميراننده . در خانه مخصوص اخذ آواز ، غزل و يا تصنيف خود را بخوانند و از آن توسط ماشين عكس برداشتن آواز ، صفحه (ريكارد) را بگيرند و باز ميرانند . در وقت گرفتن فلم سينما تصنيف را دوباره تکرار کنند مگر بقميکه ريکارد سابق بجلوش نهاده و کلمات ريکارد را عيناً در همان وقت كه از ماشين گراموفون برون مي آيد دهن و زبان خود را بهمان نوع حرکت بدهد و ميراننده ميتوانست اين عمل را بدون اينكه به حنجره خود زحمت دهد اجرا نمايد ، و در وقت نماشاي سينما آله گراموفون را به ماشين سينما بطور ميکانيكي مربوط کرده بودند كه هر دو بيك زمان شروع بكار ميکردند و اميد ميرفت كه باين ذريعه فلم گوياء را تکميل کرده باشند مگر بدبختانه اين مسئله هم چندان طرف قبوليت واقف نگرديد چه هميشه بين ريکارد گراموفون و فلم سينما بقدر دم حصه ثانيه يا بيشتتر فرق واقع ميشد كه چندان رضائيت بخش نبود و فلم كار خود را بصورت طبعي اجرا کرده ميتوانست مگر اين تجربه هينقدر بايشان تعليم داد كه فلم گوياء در صورتي امكان پذير خواهد شد كه ريکارد گراموفون و فلم سينما ميبايست بکلي بهمديگر سر خورده و بقدر دم حصه ثانيه هم از يکديگر فرق نکنند مگر از قوه بعمل آوردن اين مسئله وقتي امكان پذير شد كه متخصصين عكس و آواز را بالاي فلم متصل همديگر اخذ نمودند يعني توانستند كه عكس آواز را هم مانند تصوير انسان ، بالاي فلم بردارند اگر چه در اول مرحله بسياري از فيزيك دانها ساهاي دراز درين راه كوشش و سعی بليغ نمودند مگر در وقتيکه احتياج « فوتوگراموفون » پيدا شد كوشش متخصصين گوياء بيشتتر از سابق حكم جديت پيدا كرد و بتمام قوه دماغي مي خواستند حل اين مشكل را بنمايند .

چيزيکه ما بقسم صدا و خواندن توسط گوش هاي خود ميشنويم البته توسط امواج هوايي ميباشد كه اين امواج هوايي گاهي كم و گاهي زياد بالاي پرده گوش ما فشار ميارد و همين فشار كم و زياد پرده گوش ما را مهترز ساخته کلمات و آهنگ موسيقي را بطور يکه گفته ميشود ميشنويم چنانچه اگر يك توپ و يا تفنگي را بانك فاصله نزد گوش ما فير کنند فشار هوا در پرده گوش آنقدر شدت ميکند كه پرده را دريده و ما بکلي كر خواهيم شد از روي نظري مسئله عكس برداشتن آواز را بالاي فلم چنين حل مينمائيم كه امواج هوايي را كه از اثر برونز يك آواز پيدا ميشود و هر يك از امواج داراي فوت فشار ميباشد همين قوت را بروشي تبديل نمائيم يعني ميبايه (از اثر فشار هر موج عوض فشار ضياء توليد شود) و اين ضياء را عكس برداريم ممكن كه ما بجل ايندشكل كامياب شويم اما درينچا يك فرق کلي پيدا ميشود كه فلم معمولي در ثانيه ۱۶ تصوير با نشان ميبدهد يعني باين حساب در ثانيه ۲۲۰ ميلتر فلم از جلو نظر تير ميشود .

مگر سخن گفتن و يا ميراندن در ثانيه او سطاً يکپزار امواج دارد كه ما ميبايست همين امواج را بالاي ۳۱۰

عیلمتر فلم هکس برداریم و برای يك موج قریباً سوم حصه يك میلتر جای باقی خواهد ماند که ما مجبوریم که در همین جای تنگ يك موج را عیناً بقسم خود اوو عیناً طبیعی به طرزهای مغایر یعنی تاریک و روشن عکس برداریم (فارغین محترم اکثر چون از عکس برداشتن آواز، بالای صفحه کر اموفون مطمئن نیستند ممکن در اینجا بقدری اشکالات بر خورند لهذا میخواهیم بطور خیلی مختصر راجع به عکس برداشتن و یا اخذ آواز بالای صفحه کر اموفون تشریحات بدیم) در سنه ۱۸۷۰ (توماس الوادیسون) مخترع مشهور امریکائی باین فکر افتاد که آله ایجاد نماید که او از انسان را اخذ کرده و باز دوباره بقمه بکه گفته شده تکرار نماید. چنانچه بیشتر ذکر شد، در وقت بروز يك آواز، امواج هوائی يك بر دیگر صدمه خورده و اشیار را باهنزاز میارند چنانچه اگر ما کاغذ نازکی را جلوهن قرار داده و آواز کنیم میبینیم که یکنوع اهتزاز بکاغذ میافتد و اگر آواز خیلی قوی و مدتها باشد مثل صدای توپ امواج هوا را بقوت هر چه تمامتر بهمدیگر تکرار داده و خانها را بشور میاورد پس ادیسون میخواست از این اهتزاز استفاده نماید لهذا اول يك مبران (گویای کر اموفون) الاستیک و متحرک را گرفته و بنوک آن سوزنی را محکم کرد و بعد از آن سوزن را بالای يك لوله یا رول که از موم ساخته شده بود دور میخورد نهاد و بنای سخن گفتن را نهاد این مبران منجر کرد از اهتزاز ممتد و به طور بسیار خفیف تکان میخورد و رول را با دست که داشت

دور میداد از اثر سوزنک گویا بروی رول يك خط چتر و عمیق تشکیل شده و در جائیکه متکلم آواز خود را بلند میکرد سوزنک از اثر فشار هوا در رول موی عمیق تر و گاهی که آهسته تر سخن میگفت کمتر فرو میرفت (شکل ۱۰)



شکل (۱۰)

اینست که در فلم گویا عوض بلندی و پستی خط چونکه فشار هوا بروشنی تبدیل شده قلت و کثرت ضیاع خطوط روشن و تاریک را بعمل آورده و البته عکس برداشتن ضیای کم و بیش ممکن نبود مگر بذریعہ کمره های عصری و تخنیک فوق العاده فوتوگرافی موجوده با عیلمتر این انسهای زایس و غیره. از متخصصین این فن

خصوصاً فیلیک دان مشهور آلمانی (رومر) برای بدست آوردن منصف خود همین راه را انتخاب نموده و امواج فشار را با امواج روشنی تبدیل کرد و در آن وقت برای اجرای عملیات خود يك شعله که از آواز متعسس میشد، یعنی (روشنی کیس) که از منفذ خیلی کوچک میرآمد و روشنی آن از اثر آواز بحرکت می افتاد انتخاب کرد و همین روشنی را بالای فلم عکس برداشتن و باین ذریعہ اولین دفعه باخند آواز توسط عکاسی موفق گشتند لکن شعله باریک کیسی برای فلم گویا چندان قابل تسلی نبود و بلکه برای برداشتن عکس آواز اکثر چیزها غیر ممکن بوده لهذا از راه جدیدی داخل عملیات گشته و در نتیجه قوه برق را برای اخذ آواز مناسبتر دیده و هم از آن استفاده نمودند چنانچه در اول مجبور شدند با اینکه امواج فشاری آواز را به جریان برق مبدل نموده و با جریان برق را به امواج روشنی تبدیل داده و بعد از آن توسط فلم آنرا عکس بردارند که باین ذریعہ تکمیل فلم گویا بصورتی ممکن امکان پذیر گشت.

حفظ الصبی

منافع آب لیمو

- ۱ - آب نصف لیموی ترش که مخلوط با پنجاهانی آب گرم شود و صبحگاهان پس از برخاستن از خواب خورده شود موجب تقویت کبد های ضعیف و شخص مبتلا به ضعف کبد را از دوا های مصنوعی بی نیاز میسازد .
- ۲ - آب نیم گرم مخلوط با آب لیمو دندانها را پاک و نه تنها چرک روی آن را می برد بلکه دها ن را هم خوشبو می سازد .
- ۳ - شستشوی صورت با آب لیمو و کلاب بشرة جسم را سفید میکند .
- ۴ - سوزش گلو را مکیدن لیموی تازه با کمی نمک رخم میکند .
- ۵ - پوست لیمو که در نمک فرو برده شده و با اصطلاح نمک سوده شده باشد اشیاء و ظروف مسی را خوب پاک و لکه های زرد روی پارچه های سفید را محو میکند .
- ۶ - ربختن قطعاتی از لیمو با پوست آن در موقع جوشاندن آب بران رخت شوئی کمک زیادی به سفید کردن پارچه ها و جامه های که شستن آنها منظور میباشد خواهد کرد .
- ۷ - ساختن سالاد با آب لیمو و روغن زیتون بمزانب بهتر از سالاد سرکه است .
- ۸ - بکار بردن آب لیمو برای گزیده گی حشرات موذی درد نقطه گزیده شده را تخفیف میدهد .
- ۹ - شستن موی سر با آب لیمو بعد از شستشوی آن با صابون تمام اثر بد صابون را محو کرده و آن را راق و خوش منظر خواهد ساخت .

فوائد لیمو

- (۱) استعمال و نوشیدن آب لیمو که در آن قند حل کرده شود بدن انسان را از مرض روماتیزم (وجع مفاصل) حفاظت مینماید .
- (۲) در سردی هم اگر یک لیمو را در قسمت نموده و یک حصه آن رچین مالیده شود درد سر رخم میگردد ولی مشروط باینکه بعد از مالیدن آب لیمو سر پوشانیده شود .
- (۳) بهترین مشروبات چای سرد بدون شیرینی است که دران قدری آب لیمو فشرده شود .
- (۴) نوشیدن شربت لیمو در صبحگاهان فریبی و چاقی را بالتدریج رخم مینماید .
- (۵) برای مقفود نمودن میخک پای اگر یک حصه لیمو روز دو بار بر آن مالیده شود مواد آن را تدریجاً رخم مینماید .
- (۶) استعمال مخلوط آب لیمو و شهد و گلیسرین به اجزای متساویه برای رخم نمودن اختناق حنجره خیلی مفید است .
- (۷) برای ازاله لکه سیاهی کردن استعمال و مالش آب لیمو بعد از شستن مفید است .
- (۸) استعمال آب لیمو با قهوه گرم برای رخم خشکی بز مفید است .
- (۹) هر گاه دستهای انسان سمیت داشته باشد آب لیمو و عرق کلاب و گلیسرین به اجزای متساوی مخلوط نموده استعمال گردد .

- (۱۰) هرگاه به حنجره کسی خار ماهی بند شود فوراً آب لیمو را بنوشد خار مذکور را ذوب میکند .
 (۱۱) خلط نمودن آب لیمو با آب عسل خیلی برای استحجام مفید میباشد .

علاج امراض به شهید

شهید یکی از ادویه بسیار مفید و از عنایات بی غایت حضرت الهی (ج) است ، این دوا برای بسی امراض مفید و علاج دفع آن میباشد .

اول مالته شهید : در اروپا مالته شهید را از چند جز ترکیب نموده و به مالک دیگری برای تجارت میفرستند هرگاه در مقابل مرکبات وطنی تیار کرده شود خیلی ارزان و مفید و بهتر از مرکبات اروپا خواهد بود ، مرکب مذکور برای قوه باه و صفائی خون حکم اکسیر را دارد ، اجزای مرکب مذکور این است که در موسم گرما دو توله شهید ، هر توله تقریباً مساوی دو نیم مثقال خالص در یک پاو شیر مانده کار خلط گردیده و هر روز نوشیده شود .

۲ - علاج درد چشم به شهید : هرگاه در چشم مریخی و بخار و ککرم پیدا شود قدری شهید در نوك سرمه چوب گرفته به چشم کشیده شود خیلی مفید واقع میشود .

۳ - سرم شهید : از جراحی که علت جاری بونه و امید التیام عاجل آن نباشد شهید بطور سرم بران نهاده شود در چند روز رو بالتیام خواهد رفت .

۴ - شهید برای قوه باه : استعمال مخلوط شهید و شیر گرم برای قوه باه خیل مفید واقع میشود جریان احتلام را نیز این دوا دور مینمایند .

۵ - علاج فریبی به شهید ، وقتیکه در بدن حصه چربی روزه افزایش برون بدن چاق و فربه شده میرسد برای از آله این فریبی استعمال متواتر شهید نهایت مفید است و افزایش چربی را دفع مینماید .

۶ - مرفه کهنه بشهید مرفه کهنه و مرض ضیق النفس « کوناهی نفس » را استعمال شهید در چند روز خوب مینماید .

۷ - معالجه اکلک باشد . هرگاه عارضه اکلک رود قدری نمک در شهید مخلوط نموده استعمال شود برای رقم آن بمشابه اکسیر است .

۸ - معالجه تب دق باشد . برای تب دق شیر بز در شهید خلط نموده استعمال شود .

نوت : در هر حال برای استعمال شهید خالص باشد و شهید را به آتش حرارت داده صاف نشود باید ظرف شهید در آب گرم یا به حرارت آفتاب مانده و بواسطه این حرارت آب کرده صاف نمایند .

میوه و غذائیت آن

در همه موقوم و بخصوص هنگام تاستان میوه نعمت بسیار خوبی است و گاه بقدر مطبوع است که غیر از آن بریز دیگری مطلوب نیست اما هیچگونه غذائیتی برای آن قائل نیستند و حال آنکه اگر به ترکیب شیمیائی میوه نظراً اندازیم ملاحظه می کنیم که از بسیاری غذاهای معمولی غذائیتش بیشتر و در عین حال سالم تر است . چیز نکه ما را در قیمت غذائیت میوه جات با شنبه انداخته مقدار آبیست که غالب آنها از قبیل انگور ، آلو و آلوبارو و غیره دارا هستند (از ۷۰ ال ۸۵ درصد) ولی هیچک از غذاها ای که مای خوریم باستانای سبزیجات خشک میوه جات خشک و غلات بدون آب نبوده فقط مقدار آنست که نسبت بهر غذایی تفاوت می کند مثلاً شیر کما و که از جمله غذاهای مقوی است و بعضی اوقات منحصراً تأمدهت چند هفته خوراک اشخاص مریض است بیشتر از ۸۷ درصد آب داردم چنین گوشت گوساله ، کبوتر ، مرغابی ، خرگوش و کبک تقریباً در حدود ۷۰ درصد آب دارند .

میوه جات آبدار علاوه بر آب مقداری آلومین (ماده شیشه سفیدی تخم مرغ نیز دارای باشد مقدار آلومین که در یک کیلوگرام انکور و آلبالو یافت می شود قدری بیشتر از آلومین است که در دو تخم مرغ موجود است و یک کیلوگرام باد نجان رومی برابر سه تخم مرغ آلومین دارد .

مهمترین چیزی که در میوه جات یافت می شود قند است بهین جهت میوه را می توان از غذاهای مولد الحارره محسوب داشت یک کیلوگرام آلو ۷۶۰ کالری (۱) یک کیلوگرام انجیر تازه ۸۱۰ کالری تولید می کنند پس حرارتی که از این دو میوه حاصل می شود برابر است بیشتر از حرارتیست که از شیر حاصل می گردد چه بر طبق تجزیه های مختلفه بعمل آمده حرارت حاصله آنها در حدود ۱۶۷۰ الی ۷۰۰ کالری است و نیز از آلو ۶۵۰ کالری از ناک ۶۳۰ از تمق ۱۶۲۰ از سیب و زرد آلو ۶۱۰ کالری از شتابری ۴۴۰ و از انکور ۱۹۰ کالری حرارت حاصل می شود

در جزء ترکیب میوه جات املاحی چند از قبیل املاح پتاسیم و سدیم نیز یافت می شود فائده اصلی این املاح حل کردن سموم حاصله از گوشت و اغذیه آزر و نسی است که بکمک آب خود میوه از کلیتین بسهولت دفع می شود خلاصه : میوه جات از مواد چندی ترکیب شده که عمده ترین آنها آب ، اسید های آلیه ، املاح معدنی و قند طبیعی می باشد این مواد تماماً برای حیات بدن ما لازم و بعضی از آنها برای دفع سموم مزاج نافهم می باشد بهین علت می توان میوه را بعضی خون نامید . و اغلب برای تصفیه و لبت مزاج آنرا منحصراً بعضی غذاهای دیگر خورد .

رفع لکّه صورت

آب لیو ترش - کله برین - روغن زیتون را با قسمت های مساوی مخلوط نموده وقت خواب بصورت بمالید .

دوای آنتی خون دماغ

اگر از لوله راست خون جاری شود دست راست و اگر از لوله چپ آید دست چپ و اگر از هر دو جاری باشد هر دو دست را بطرف بالا بلند کنید فوراً خون بند میشود .

لکّه صورت و بدن

در متقال امو نیاک و ده مثقال الکل در نیم بوتل آب مقطر حل کنید و روز ۳ مرتبه محل را شستشو نمایند .

(معالجه مجرب ماده کردن پستان)

ا سفرزه را چند مرتبه بکوبند و از یاریه های زیاد در کنند که خیلی نرم باشد و در میان کیسه ملامه پهن کنند و روی پستان بیندازند .

گشنیز را خیلی خوب بکوبند و چند مرتبه شیره آن را در آورده در خودش مخلوط نمایند و بگذارند ، روی همان کیسه روی پستان بگذارند اگر ماده خیلی سخت باشد روز اول چهار دفعه عوض کنند و روز دوم ۳ دفعه و روز سوم دو دفعه و روز چهارم یک دفعه عوض کنند کاملاً خوب میشود .

تعلیمات صحی را جمع به خواب

از دوستان خود سوال کن وقتیکه خواب میشوند مرشان بطرف شمال می باشد یا بطرف غرب ؟

غالباً این سوال ترا نوهی از تفریح تصور کرده جوابت را نخواهد داد .

(۱) کالری مقدار حرارتیست که اگر یک گرم آب داده شود یک درجه سانتی گراد بر حرارت آن

خواهد افزود .

لیکن این سوال از قسم تفریح نبوده و جواب آن درین زمان (که بیدار خوابی به منزله یک درد کثیر الاتشاری گردیده است) خیلی با اهمیت میباشد کسانیکه میخوانند خواب راحت و باطبیقی نمایند و بعد از بیدار شدن قوای بدنی و عقلی شان مکمل باشد باید از طریق خوابیدن در اطاق خواب باخبر باشند یعنی باید مرشان بطرف شمال و متوازی به موج مقناطیسی زمین باشد که از جانب شمال به جنوب امتداد دارد.

علمای اروپا مخصوصاً علمای مجارستان و شوروی پس از تبعات عمیق تاثیر مقناطیسی زمین را در وجود انسانی چنین درک نموده اند که اگر مر انسان عصبی مزاج معارض با موج مقناطیسی باشد خواب وی قرین راحت و طابقت نیست بلکه با قلق و اضطراب توأم میباشد.

در سناتور یوم های اروپائی که اساس آنها بطریق علمی گذاشته شده جای چپرکت هائیکه در اطاق خواب گذاشته میشود و موقم نهادن مر مر یض ها طرف توجه زیادی میباشد.

مسلم است که قوه مقناطیسی تمام کره ارض را احاطه کرده معهدا تا حال هیچ کس نمیداند که قوه مقناطیسی چگونگی پیدا میشود و علاقه آن با موجات برقی چیست؟ بسا دیده میشود که زانوهای اشخاص دلاور در وقت شنیدن آواز رعد یادیدن لعمان برقی مرتش میشود و بسیاری از مردمان از خوف باد سستی که محتمل الوقوع میباشد به اطافهای پائین تر پناه می آورند و قابل حرکت نمیباشند این ترس و خوف محض از جهته جبن نیست بلکه هلاقه و ارتباط تامی در بین اضطراب خارجی برقی و اضطراب باطنی عصبی موجود است.

عقیده علمای در مقناطیسیت زمین مختلف است که طرفداران یک جنبه آن بادیگری همیشه طرف مجادله میباشند یک دسته آن علمای میگویند علت عواصف مقناطیسی تاثیر آفتاب بر زمین است دسته دیگر را عقیده برین است که جیم سیارات بزرگ غیر از عطارد در مقناطیسیت زمین تاثیری را تولید مینماید. هر گاه رختخواب یا چپرکت یا چار پائی خواب به طوری نهاده شود که از شمال بطرف جنوب متوجه باشد اگر دقت شود احساس میگردد که کمی تغییر جبهه داده است چه هر دو قطب مقناطیسی زمین دائماً در تغییر است در قرن ۱۹ سوزت مقناطیسی در (کرپتیش) کاملاً بطرف شمال متوجه بوده لیکن بعد از آن بطرف غرب منحرف گردیده است و اکنون به مکان اول خود عودت نموده است و میگویند جسم انسان و قتیکه متوازی مقناطیسیت زمین باشد قوه صبییه یا برقی که در جسم جریان دارد از طرف دماغ نشئت میکند نه بطرف آن لهذا باعث استراحت انسان گردیده بیدار خوابی را رفع میکند.

فوائد و مضار استعمال متکا در موقع خواب

ترقیات فنی و مشاهدات علمی بسا عادات انسانها را که از اوان قدیم بر دوام بوده تبدیل و تعدیل کرده مستلزم نتایج عالی گردانیده است یکی از جمله عادات که از زمان حضرت آدم (ع) تا اکنون جاری و ادامه داشته و در زمره اعتیادات بشریه شامل است استعمال متکا در اثنای خواب میباشد حالانکه نظر به مطالعات مدققین حاضرین این عادت بکلی بی لزوم حتی علی الاکثر مضر و غیر مفید ثابت شده است.

نسبت به عقیده یکی از اطباء مشهوری که درجه نفع و ضرر استعمال متکا را تدقیق نموده این عادت را تنها برای کسانی اجازه داده و مفید نشان میدهد که با پهلو عادت خفتن دارند و برای اشخاصیکه به پشت ورو میخوابند استعمال متکا را خیلی مضر میگویند - فی الحقیقت قتیکه انسان به پهلو میخوابد باید مر آن یکصورت مستوی را بخود بگیرد در بنصورت اگر متکا استعمال نشود گویا شانه ها مانع وضیعت استوائی بدن گردیده موجب ضرر میشود بنابراین لازم میباشد که به اندازه ارتفاع بدن یک متکا زیر سر گذاشته شود تا برای مر همان وضیعت اقلی حاصل گردد زیرا صحیح ترین و طبیعی ترین وضیعت بر ای وجود انسان همانست که مر به تناسلیکه بین دوشانه در حال ایستاده پای قرار گرفته میباشد استقامت بگیرد.

پس در صورتیکه تمام اشخاص به پشت و روی خوابیدن عادت کنند باز هم درصد ۹۹ - اشخاص پیدا میشوند که متکا را استعمال میکنند از جهت دیگر کسانیکه به پهلوی میخوانند نیز علی الاکثر از اندازه لازم اضافه تر به ارتفاع متکاها می افزایند بالنتیجه اگر توصیه داکتر ملحوظ خاطر قرار داده شود لازم می آید انسان اولاً خود را بالکل به استعمال متکا معتاد نسازد و اگر نمیتواند از استعمال آن خودداری کند باید گذاشتن متکای خیلی پست را برای خود عادت نماید درین حال هم بکمال راحت میخواند و هم وقت صبح که از خواب بر میخیزد وجود خویش را تندرس و مقتدر می یابد .

اثر استعمال مشروب گرم و شیرین بر خواب : به تجربه رسیده که صرف یکی دو فنجان مشروب جو شانه از قبیل چای قهوه بادیان و غیره وقت خواب برای خواب راحت مفید است ولی باید این جو شانه بسیار شیرین صرف شود زیرا شیرینی برای تقویة اعصاب که در اثر کار روز خسته و دردمیباشد بسیار مؤثر است - و نیز باید در انتخاب نباتیکه استعمال میشود به درجه حرارت جو شانه دقت شود چه برای بعضی چای و برخی قهوه و غیره مفید و بعضی به يك اندازه حرارت عادی و برخی بحرارت بیشتر معتاد میباشند .

قبیل از غذا دست ها را بشوئید

دست این عضو یقیمت و گرانبهای بدن یکی از خطرناک ترین اعضاء انسانی است زیرا در حمل و نقل امراض مختلفه عامل مؤثر و مهمی میباشد .

دست با تمام چیزهای که بکار میرود ، با اشیا بیکی که نماز دیک میشود - تماس پیدا کرده از هر شیء چیزی گرفته بجز دیکر نقل میکند ،

زارعی که زمین را زیر و رو کرده و کود می دهد . عمله که مواد اولیه مانند فلزات چوها و غیره سروکار دارد . خانم یا خادمه که در خانه جاروب و کود گیری می نماید .

و بالاخره طفلی که هر چیز که در دسترس خود دارد بازی میکند در روی دست وانگشتان خود يك دسته از میکروب های مختلفه را که دشمنان مهلك انسان هستند جمع آوری نموده وارد بدن خود می نماید . بچه تر تیب میکرو بها وارد در بدن میشوند ،

این میکرو بها ی خطرناک در ضمن حرکات دست از راه دهان . از راه بینی از راه چشم ها وارد بدن شده و خود را به ریه ها و درجهها زها ضمه می رسانند .

با این تر تیب خود ماد دشمن را در خانه وارد میکنیم

میتوان گفت تقریباً تمام ککسات های اطفال از قبیل ناگهانگی کلو دردها اغتشاشات روده ها و غیره در اثر عادتیی که بچه ها بدست زدن بهر چیز و بلافاصله بردن آن دست بد ها ندارند تولید میشود . مرض دستهای کشیف محرقة در اروپا - و مخصوصاً در هوقم جنگ - قشون و افراد نظامی از خطر مرض تیفوئید بمناسبت تلقیح مایه ضد تیفوئید مصئون میمانند ولی اهالی غیر نظامی شهرها را نمیتوان بوسیله واکسن کاملاً مصئونیت داد .

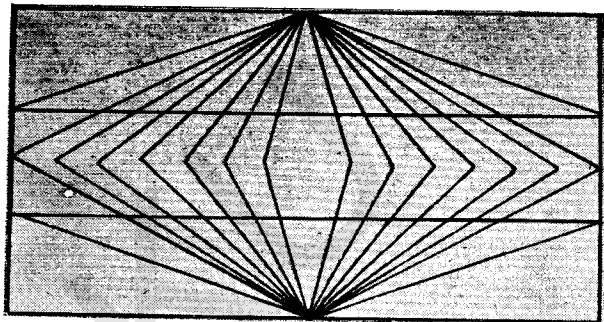
این مرض مهلك بوسیله دست اشخاصی که مبتلا بمرض هستند از شخصی بشخص دیگر سرایت میکند همبظور مرض تیفوئید بوسیله مواد غذایی و آب - که خود الوده دست اشخاص غیر سالم باشد - بانسان سرایت مینماید . اشخاص حامل میکروب در واقع قاتلین غیر ارادی هستند .

و نیز خطر آنها در باره نزدیکان آنان است خاصه در صورتی که شغل آنها ناوانیی - اشپزی شیر فروشی میوه فروشی و سبزی فروشی باشد .

فریب نظر

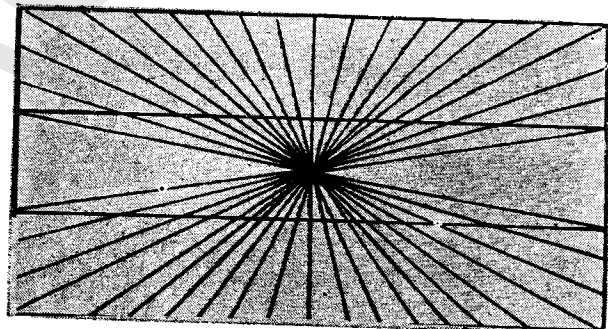
قوة باصره اگر چه در تفریق رنگ و تمیز اشیاء یکی از مواهب بزرگه خالق لایزال بوده و در وجود انسانی ام ترین عضوی بشمار میرود ولی برخی اوقات در مشاهده و تحقیق بعضی اشیاء عاجز مانده تفریق و امتیاز آنرا چندان نمیتواند چنانچه اگر ما در شب تاریک گوگرد مشتعل را بدست گرفته بسرعت هر چه تمامتر بدور سرخی مگردانیم و دایره رسم کنیم چشم ما البته پیروی شعله را نکرده یک دایره سرخ بی حرکت را خواهیم دید .

پس از اینجاست که اکثر از غتر مین از ضعف باصره بشری کار گرفته بعضی نمایشات ساده را بصورت حیرت انگیزی جلوه میدهند چنانچه فلم سینما که بجز چند تصویر بی م که از حرکات انسان و یا حیوان گرفته و به ترتیب مسلسل در بالای فلمی وضع شده چیزی دیگری ندارد -



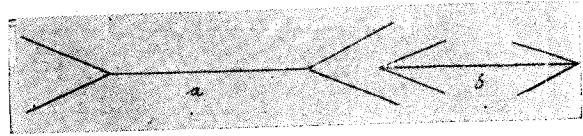
و چون این تصاویر بسرعت معین از جلو منفذ (پروژکتور) یعنی آله روشنی انداز میگردد چشم ما از تعجب گذشتن هر تصویر عاجز مانده همه آن را یک و تیره و غیرسکه معاينه میکند . کذا شمشه بازهای ما هر غالباً صنعت خود شان را همچو بندی و چالاک دستی در معرض اجرا میگذارند که باز قوه باصره از تعجب آن عاجز مانده و اجرات بسیط و ساده خود را بصورت محیر العقول جلوه میدهند ، اینک ما برخی از نمونه های ساده را بطور مثال در اینجا درج مینمائیم تا قارئین محترم

دو خط فوق طوری بنظر میاید که حصه وسطی آن بطرف خارج مائل باشد حال آنکه هر دو خط با هم بکلی متوازی میباشند

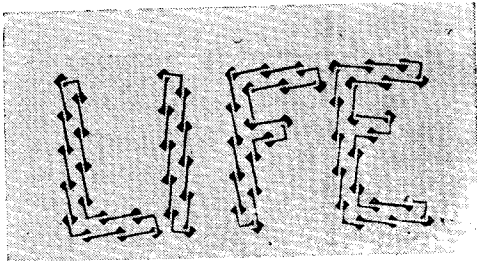


این شکل نیز دو خط متوازی را نشان میدهد که بنظر حصه وسطی آن از هم دیگر دور میاید

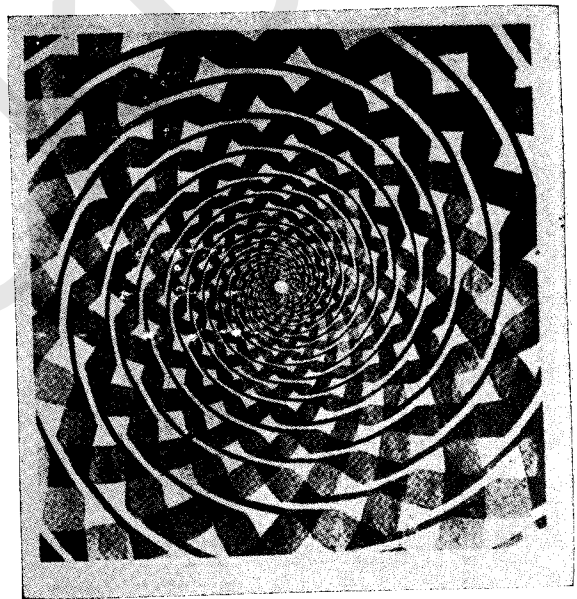
هر يك بنوبه خود چشم‌های شارا در معرض تجربه بیاورند .



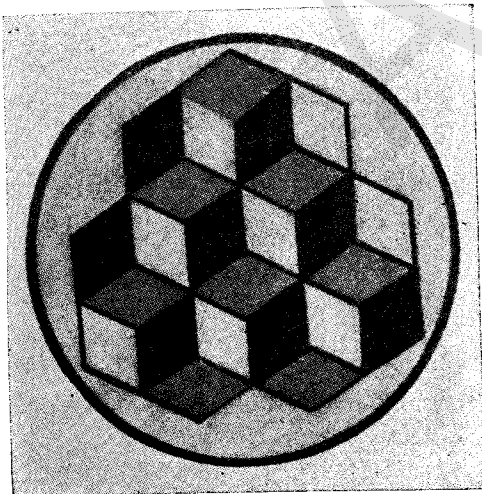
در شکل فوق هر دو خط متوازی همدیگر می‌باشد مگر خط A به نسبت B طویل تر بنظر می‌آید



بنظر اول حروف فوق هر کدام کج و بی‌اصول بنظر می‌رسد مگر هرگاه شکل را قدری از نظر دور تر قرار داده و با چشم‌های نیمه باز بطرف آن نظر کنند حروف LIFE بکلی راست می‌باشد



از شکل فوق چنان بنظر می‌رسد که یک خط فنرمانند یا Spiral رسم شده باشد اما اگر یک قلم را گرفته و دایره‌ها را تعقیب کنید عوض خط فنرمانند هر دایره را یک دایره مستقل بندهات خود خواهید یافت



درین جا چند عدد مکعب رسم شده که بچشم ما گاهی ۶ و گاهی ۷ مکعب معلوم میشود .

یادداشت‌های سوومند

طریقه پاک کردن پارچه‌های ابریشمی

پاک کردن البسه ابریشمی که از مشکل‌ترین کارهای خانگی بشمار رفته خاطر اکثر اولیای خانه را بریشان میسازد، در اثر نجارب تازه که بعمل آمده راه‌های آسان و ساده پیدا کرده است:

زدودن لکه‌ها:

یکطریقه بسیار مهم و آسان برای زدودن لکه‌های قهوه و شراب‌های رنگار این است که یک خم چوبی یا سفالی بی مریوش پیدا کرده، در حصه بالای آن البسه لکه دار را ذریعه میخ و غیره بی ویزند و خم مزبور را چیه روی زمین قرار داده، در روی زمین مقدار (سوفر) یعنی زردی کوگرد ریخته مشتعل نمایند، و پارچه را روی آن قرار بدهند، در همین حال بدو طرف حصه وسط خم دو سوراخ کوچک نموده، روی هر یک یکپارچه شیشه کوچک را بگذارید و بواسطه آن سرافت پارچه را بکنید تا آنکه لکه‌های آن زائل شود، زیرا سوفر به زودی به ساختمان پارچه اثر کرده آن را پوده و فاسد میسازد. بنابراین از وقتیکه لباس در بین خم آویزان و معرض تاثیر کوگرد قرار میگیرد باید از سوراخ‌های شیشه دار تغییرات رنگ یعنی همان حصه لکه دار را زبر نظر گرفته سرافت نمایند و بمجردیکه لکه زائل شود یک حرکت خم پس کرده و البسه را برآورده مورد وزش باد قرار دهند.

استعمال قهوه:

اما پارچه‌های یست ترا بریشمی مثل صوف درشت و نرمه و غیره همراهی قهوه به بسیار خوبی پاک و لکه‌های آنها زائل شده میتواند. قبل از شروع عملیات اصلی لازم است پارچه‌های مذکور را همراه یک برس بسیار نرم پارچه‌ئی (مخملی) با نهایت درجه دقت و احتیاط برس بزنید، خصوصاً حصص درزها و قات‌ها که طبعاً بیشتر خاک و گرد در آنها جایگیرد. بهترین اصول عمل درین است که برس مخملی شبیه به برس کلاه را بکار برده پس از آن پارچه را بشدت تکان بدید و بعد دوباره بهمان یک سمت (مطابق خواب پارچه) ذریعه همان پارچه پاک کنید.

قهوه را نسبتاً قوی تیار کنید، و آنرا از ۳، ۴ لای حریر یا ادا که بگذرانید، بسمیکه هیچ جسم جامد در آن باقی نماند، پارچه لکه دار را روی یک میز بزرگ بسم چه هموار نمایند، یکدستمال نخی نازک و پاک را زیر آن بیندازید، یک اسفنج بسیار نرم و لطیف را بقهوه آلوده ساخته، روی پارچه ابریشمی بگذارید این قسمت از عملیات بسیار نازک و مهم است. زیرا باید اسفنج فقط بهمان اندازه قهوه آلوده شده باشد که پارچه ابریشمی را نم بسازد بدون آنکه آن را اثر کنند بسمیکه اگر پارچه مزبور را پس از نم کردن همراه دست نمایند، باید بجز یک نازکی دیگر چیزی حس کرده نشود. بعد پارچه را در همان جا آنو باید کشید، اما در حالیکه زیر آن یکدستمال نازک (بدون یستی و بلندی) هموار و پارچه بر رخ چپیه انداخته شده باشد، آنو نباید بسیار گرم باشد، بهتر است مابین اتوو پارچه که اتوکشیده میشود یکورق کاغذ را حایل باید گذاشت و هرگاه پارچه که به زیر آن انداخته میشود کاملاً آمد باشد. لازم است در بالا و زیر آن هر دو کاغذ انداخته شود.

زیرا لکه‌هایی که از پارچه ابریشمی زایل می‌شود در پارچه زیرین اثری کند و در آن جذب می‌گردد، اگرچه پارچه نسبت بکاغذ خیلی بهتر آنها را جذب مینماید. برای زدودن لکه‌ها و پاک کردن اطلس بهتر است. الکل ۹۰ درجه که به‌در نصف در آن آب مخلوط و با قدری قهوه داخل شده باشد بکار برده شود. ولی استعمال الکل‌های صروچی که درجه آن معلوم نیست نقص دارد. زیرا در آنها کمی مواد قندی نیز شامل می‌باشد، باید ملتفت بود که ابتدا اطلس بکمال دقت صاف و پاک کرده شود اطلس را به عوض اینکه زیر ورقه کاغذ اوتو بکشند زیر پارچه نازک و لطیف اوتومی کنند و تا زیاد فشار ندهند جلادار نشود. و اوتو باید با دقت تمام سمت بافت تنگه را تعقیب بکند.

نوساختن چرم

اسباهای چرمی از قبیل و قایم، کتاب‌ها، روئیچه چرمی چرم کاربهای اناث الیبت، بکسها و غیره و قتیکه خشک و در اثر استعمال کهنه می‌شود، اگر وقتاً فوقتاً ترمیم نگردد، بزودی از کار می‌براید. برای این مقصد ابتدا آنها را از گرد، و خاک و چربی و لکه پاک می‌کنند، و به اینقسم که یک تنگه چیر یا کدام صافی نرم را در آب صابون آلوده کرده همراه آن اسباهای فوق را می‌مالند، در آخر به عوض آب صابون، آب خالص را استعمال می‌کنند، آنوقت آنها را می‌گذارند، خشک شود و بعد یکمقدار سرش خمیری از آرد، یا نشاءسته تیار کرده مانند کاغذها که بر دیوار نصب می‌کنند بر آلات مزبور اندود مینمایند.

وقتیکه سرش در سوراخهای فزه‌بینی سطح چرم نفوذ کرد، همراهی یکپارچه ملایم بشدت می‌مالند و پاک میکنند تا هیچ اثری از سرش باقی نماند. اینگونه دوباره برای خشک شدن گذاشته پس از آن که کاملاً خشک گردید. مقداری روغن جلا را ذریعه برس یا پارچه نرم بر آن می‌زنند اما روغن جلا می‌باید اصل باشد یعنی از غسل صاف و روغن تربیانتین (تارپین) خالص ساخته شده باشد. به اینقسم در اثر عملیات مزبور چرم شکل فشنگی پیدا می‌کند که بسیار به نومشابهت میرساند.

اگر نخواهند چرم مذکور را رنگ کنند بیش از اندود کردن با سرش، در سرش مزبور قدر رنگ اضافه مینمایند و اگر رنگ آن درست ولی خراشها و لکه‌های بی‌رنگی در آن موجود باشد بیش از سرش زدن قسمت‌های خراشیده یا کم رنگ را همراه مو یک آلوده برنگ، ترمیم میکنند.

رفع لکه چربی از لباس یشمی

قدری دنبه تازه را روی لکه بمالید و ۳ ساعت بعد مقداری صابون را بالای دنبه مزبور بزیند و بعد همراه آب شیر گرم بدقت آبکش کنید.

خشکانیدن و اتوکشیدن رخت

اگر خواسته باشید رخت خوب و پاک را در الاریهای خود جا داده از لحاظ صفائی و خوبی شستوی آن خورسندی برایشا حاصل شود، تنها توجه به لوازم شستن کفایت نمی‌کند بلکه باید در خشک کردن آن نیز کمال دقت و مراقبت را سرعی داشته، پس از آن با مهارت اتو بکشیم.

بعد از آنکه رخت خوب صابون زده و آبکش و شمال داده شد (زیرا این دو عمل اخیر بسیار اهمیت دارد و بدون آنها رخت در وقت خشک شدن لکه‌های کثیف پیدا کرده و بعد از اتوکشیدن لکه‌ها نیز بور. نمایان تری گردد) مسئله خشک کردن بجان می‌آید که چگونه باید انجام بگیرد؟

در هوای آزاد و قتیکه، سبزه بلند باشد بهترین اصول این است که رخت ها را روی سبزه معرض تابش آفتاب هموار کرده برای آنکه باد آنها را دور نیندازد و کثیف نسازد، در گوشه های هر کدام سنگه های کوچک گذاشته شود اما در صورتیکه روی ریسمان (طناب) رخت ها را خشک مینمایند باید پیش از هر چیزی در اندازه مقاومت و محکمی آن فلم آورد زیرا اکثر اوقات به اثر عدم سنجش صحیح، که وزن رخت تر خوب تخمین کرده نمی شود. در نتیجه شکستن طناب تمام زحمت بهدر رفته رخت ها مر از نو کثیف و از آن بدتر بعضی اوقات طوری لکه داری شوند، که زدودن آنها اشکال زیاد پیش مینماید.

بنابر آن اگر طناب منجی استعمال کرده شود لازم است قبل از استعمال آن را مده پنج، شش روز در محلول ذیل بگذازید. یک چارک آب، سه مثقال سولفات در کویور (جوهر مس) که در هر جا بکثرت یافت میشود. (هر قدر مقدار ریسمان زیادتر باشد به تناسب فوق محلول مذکور را زیادتر می کنند) ویس از آن ذریه نشار دادن، طناب را خشک کرده آنکاه در آبیکه در هر چارک آن ۱۰ مثقال صابون معمولی حل شده، فرو می برند.

در ریسمان تاری (پنهانی) این احتیاط ضرور نیست ولی چون به اسانی تاب خورده به این واسطه زود زود کننده میشود بنابر آن در وقت خریداری آن را در آب خاص تر کرده و همان طور حلقه وار (یعنی بدون باز کردن) در آفتاب خشک می کنند، از وقت دیگر بسیار تاب نخواهد خورد. اما اکثر اشخاص امروزه به عوض ریسمان سیم های فلزی را استعمال مینمایند این کار درست نیست مگر آنکه سیم روی جستی باشد که برای تلفون استعمال می شود، و سیمهای آهنی و مسی و غیره عموماً بواسطه زنگی که میدهند برای خشکاندن رخت صلاحیت ندارند و گسائیکه آن را بکار می برند البته نقصاناتی را که از لحاظ مراقبت زنگه و کثافت تمام رخت ها دیده اند قبول کرده اند. بهر حال سیم روی جستی برای خشکاندن رخت درست است. ولی دونگته در مراقبت آن ضروری میباشد یکی اینکه یوندی نباشد و دیگری بعد از هر استعمال همراه یک تکه درشت بشدت پاک کرده شود.

شکنجه کردن رخت ها :

بعضی لوازم خانه از قبیل دستمال های روی باکی، چادرشپورو جانی و غیره حاجت به اتوکشیدن ندارد و می توان آنها را بواسطه یک عمل بسیار ساده شکنجه کرد، به اینقسم که اشپای مریبور را یکا یک روی یک طناب سیمی کوچک انداخته از گوشه آن گرفته میکشند تا همه قسمت های آن یکبار روی سیم کشیده و چین ها و قاتمها زائل شود.

آنوقت همه را یکجا کرده روی یک میز چوبی پاک مبرس هموار مینمایند. (بعضی ۲ قات ۴ قات و دیگران را کاملاً هموار) بعواریکه یک ستون بزرگ یک اندازه از آنها تشکیل بشود و سطح همه هموار و افقی باشد. آنکاه بالای یک صندوق بک فنجنه محکم ولشم، هموار و پاک را قرار داده مرش یک وزن بسیار بزرگ را می گذارند مانند اوزان ترازو، یا کدام ماشین سنگین و یا چندین چیز گران.

رختهای که به اینقسم زیر شکنجه آمدند، باید مدت ۱۰ الی ۱۵ ساعت همانطور بماند یعنی اگر شب کار کرده شود تا صبح، در وقت پس بگردن شکنجه رخت های اتوکشیده و پاک بدست خواهید آورد که کمی از صفائی اتو فرق خواهد داشت مخصوصاً پارچه های ضخیم بهتر از اتو کشیدگی خوشنمایند.

آتوهای فلزی :

برای آنکه انسان کار خوبی کرده بتواند همیشه لازم است لوازم و اسباب خوب و کافی داشته باشد همچنین در امورخانه داری . پس باید دانست که برای اتو کشیدن چهار قسم اتو بکار برده میشود ، یکی نوک نازک که کتب آن هموار است (اتوی معمولی) که بواسطه آن سطح های هموار و وسیع و تقریباً اکثر چیزها اتو کشیده میشود ، دوم اتوی نوک گول که برای قسمت های پیچ و خم دار و باریک است مثل دستمال های گردن و غیره ، سوم اتوی گول که تقریباً به شکل تخم مرغ است کف آن نیز گول میباشد و مخصوص قسمت های کویات دار (برآمده) آلبسه میباشد مثل سرشانه و سطح کلاه و غیره ، این اتو یکدسته چوبی در سر خود دارد که در یک سو راسخ یا اوله که در نزد یک میز نصب میباشد نصب کرده قسمتهای گول رخنهها را زیر آن حرکت داده او تو میکشند ، و برای آنکه خوبتر اتو روی پارچه فشار آورده بتواند در داخل آستین ها و غیره حصص مدور آلبسه چوبهای مخصوص همان شکل یا پارچه های کلوله کرده را جا داده زیر اتو میگردد اندک چهارم ، اتوی جلا دهنده که خاص برای جلا دادن قسمت های قاق آلبسه سردانه مثل کار و کف آستین و غیره بکار برده میشود .

اما این انواع برای دوی بی خانه ها و اشخاصی است که کسب و فن شان اتو کشی آلبسه میباشد و یا کسانیکه از روی تجمل به تقسیمات و جزئیات منور باشند هستند .

حالا نکه برای احتیاجات خصوصی خانه همان اتوی نوک تیز معمولی کفایت میکند و منتها با قدری دقت هر نوع لباس و هر حصه را خواه گول و مدور و خواه قاق و آهار دار باشد ، اتو میتواند کشید . ولی اینقدر باید دانست که اتوهای کوچک چدن ، و اتوی برقی بهتر میباشد ، بهر حال نوعیت اتو هر چه باشد لازم است که همیشه بعد از استعمال آن را چند بار بشدت روی یکبارچه درشت ویت دار مثل قالبین و گلیم و غیره مالیده پس از آن در محلیکه از نم و بخارات مختلفه عاری باشد ، جا بدهند و بهتر است که روی ۳ پایه مخصوص اتو . یا یک سنگ صاف گذاشته شود ، تا از زنگ محفوظ بماند ، و سطح زیرین آن درشت و پست بلند نگردد ، برای مزید احتیاط وقتاً فوقتاً اتو را روی یک بارچه پشمی سخت که در آن یکبارچه موم را پیچیده باشید ، بمالید ، و اگر با وجود این احتیاط . زنگ گرفت یا لکه ها در آن پیدا گشت ، برای پاک کردن لازم است که آن را قدری گرم کرده سپس همراه صافی که در آن کمی موم و یا شام معمولی پیچیده شده باشد بشدت پاک کنید و بعد روی کاغذ سفیدی که زیر آن یک ورق نازک نمک طعام بسیار ریزه هموار شده باشد چند بار بکشید . همچنین در صورتیکه اتو بر پارچه های اتو کشیدنی پیچید و گیرش کند ، روی میز یا تخت رنگ نازده ، یک طبقه نازک نمک میده را هموار نموده اتو را چندین بار مهران بمالید بزودی کک آن لشم و جلا دار میشود .

بطور عمومی ، از راست بچپ اتو کشیده میشود یعنی اتو را بسمت راست گذاشته طرف چپ می آورند ، اما حرکت آهسته ، دامنه دار و در آن ناحیه ممکن سعی شود که رد دوخت تعقیب گردد .

اگر رد دوخت مستقیم باشد ، قدری تکیه دادن یعنی فشار آوردن لازم است ، اگر دوخت اریبی باشد ، ابتدا اتو را روی رده مستقیم دوخت گذاشته ، از آنجا بسوی اریبی حاشیه میل بد هید .

برای دوخت مدور ، سمت هر بیض تر بارچه از شخص اتوکننده دورتر بوده و به اینقسم حاشیه مدور را به سهولت اتوی توان کشید بدون اینکه شکل پارچه خورد و کلان بشود .

در حالیکه دست راست اتو را حرکت میدهد ، دست چپ باید به کمال دقت و احتیاط حاشیه های دست دوزی و کتوهارا کش گرفته و در موقعش آنها از رخ چه اتو کشیده بشوند ، و نیز وظیفه دست چپ است که

در وقت رسیدن بچین ها پارچه را قدری بلند بکنند . معمولاً پارچه ها را از رخ چپه اتومی کنند مگر در صورتیکه بخواهند سطح آن جلا پیدا به کنند ، زیرا اگر راسته اتو کشیده شود در اغلب پارچه ها برق و جلا پیدا خواهد شد . قبل از شروع به اتو کشی ، بهتر است پارچه های شسته شده ، همراه دست قدری کشیده و شکل آنها اصلاح بشود زیرا در اثر شستن و فشار دادن اکثر اوقات شکل پارچه ها بدل و گوشه ها کج و از صورت اولی منحرف می گردد ، به این صورت بعد ها در وقت ملنگ شدن و کوشش در اصلاح شکل آنها که مستلزم باز کردن و کش نمودن زیاد است ، حاجت به تکرار اتو کشی نخواهد شد . نیز طوریکه بسا اتفاق افتاده که در موقع استعمال ، تغییر فوق العاده شکل پارچه اسباب تعجب زیاد انسان شده ، دیگر واقم نخواهد شد ، خصوصاً پارچه های اژک و جال این خاصیت دارند و طوری شکل شان در اثر شستن تغییر می کند که يك زمان انسان گمان مینماید که دیگر کار گرفتهن از آنها بقیسم سابق ناممکن خواهد بود ، ولی پس از آن که قدری آب بر روی آن زده و وقف بدقت آن را به کشند ، بزودی شکل اولی خود را پیدا میکنند اما بهتر است جال های پشه خانه بستر و امثال آن را به جای مهبینه نصب نمایند . اگر خواسته باشند که رخت ها خوب لشم بشود ، لازم است که در وقت اتو کشیدن هنوز کمی نم در آنها باقی باشد و همی گاه کاملاً خشک باشند بهتر است همراه دست یا برس رخت قدری نم کرده شود و بعد آنها را اوله بکشند تا نم بیهمه قسمت ها برسد و همین طور چند لحظه بگذارند ، دستمال های بینی ، و دستمال های سفره و سر میزی ها را از رخ چپه اتومی کنند تا حاشیه های دست دوزی ، نخ کشی و گلدوزی و غیره آنها خوب ، خود را معلوم بکنند حتی بهتر است در زیر آنها کدام پارچه نرم دیگر را نیز بگذارند .

بهر حال یکی از چیزهاییکه در اتو کشی اهمیت زیاد دارد این است که همیشه اتو کشنده قسمت هایی را که اتومی کند ، بطرف مقابل خود متوجه و از خود دور سازد تا بواسطه بدن او دوباره چمبلك نشود . روی البسته مرده ، و تنگ های ابریشمی که چپه اتو کرده نمی شود همیشه یکپارچه نازک سفید و پاک را می اندازند و در صورت لزوم نم میکنند ، این پارچه خاک و کثافات را نیز دفع مینماید .

زدودن لکه از رنگ سفید

امروز اکثر دروازه ها و اثاث البیت را سفید روغنی می کنند و طبعا در اثر استعمال و کار دائمی رنگ منور لکه انگشت و غیره داغهای سیاه کثیف می بردارد که پاک کردن آن بواسطه غلظت روغن رنگ مشکل است بنا بر آن قدری کچ « گل سفید » را نرم کرده روی لکه های منور بور نمالید و بعد پاک اسفنج نمدار را روی آن بکشید لکه ها فوراً زائل میشود .

حفاظه نل های آب از بیخ بندی

در زمستان های شدید (مثل زمستان کابل) مسئله حفظ نمودن نل های آب آشامیدنی بمقابل بیخ بندی از مشکلات بزرگ بشمار میرود و همی کس کم و بیش با آن مقابل میباشد پوشاندن لوله نل با نمد و غیره پارچه های گرم خیلی پر خرج و تقریباً غیر ممکن است .

مادر پنجابك طریق نسبتاً آسان و کم خرجی را ذکر مینمایم ، نلهای آبیرا که کمتر بزرزمین کور شده باشد و نیز شیردهن نل هارا که برهنه و برجسته میباشد ابتدا با یک ورق براده چوب (بوره چوب) پوشانید و بعد بکروم فضله اسپ روی آن ریخته سخت کنید و آنگاه بالای آن یکمقدار چونه آب نارسیده بریزید ، و چونه را قدری نم کشید و بالاخره یک طبقه دیگر فضله اسپ بهن نمالید تا خالیگهای چونه را بکنند ، آنوقت اگر نلی زیر زمینی باشد روی آن را با خاک پوشانید و الا اگر برجسته در روی زمین باشد اشیاء فوق را در میان صندوق چوبی که نل در وسط

آن قرار میگردد بریزید. به این قسم چونه آب نارسیده در اثر نم خفیف یا نم زمین کم کم بحرارت آمده از حرارت آن بل کرم میشود، و هر قدر بیخ بندی شدید و عمق تل کم باشد، مرمرا و بیخ به آن اثر کرده نمی تواند. و چونه به ندر بیخ جوش آمده تا آخر زمستان دوام مینماید. این طریق بهترین اصول است برای حفظ تل های زیر زمینی و برهنه. مقابل بیخ بندی، و نیز میتوان گفت که کم خرج ترین و قطعی ترین و سائل است که در بز مورد اتخاذ آن امکان دارد.

علاوه بر این باید دانست که برای باز کردن بیخ تل آب نیز وسیله شبیه بطریق فوق وجود دارد و آسان ترین و مفید ترین و سائل بشاری رود، و قتیکه تل بیخ گرفته باشد آن را برهنه نماید و مقداری فضله اسب روی مزبور ریخته بعد بالای آن پارچه های چونه آب نارسیده قرار بدهید. آنوقت چونه را آب پاشی کنید. از اثر رسیدن آب بچونه، چونه شروع بجوشیدن و تولید حرارت نموده، بر تل تاثیر می اندازد، و بیخ را آب می کند، اما باید ملتفت بود که چونه با نل تماس مستقیم نداشته باشد زیرا که آن را خراب و تر کاند می تواند.

تمدید کار باتری های برقی

برای اینکه باتریهای برقی (بدون جریان) مثل باتری چراغ های دستی و تلفون و زنک اخبار غیره در بر کار بدهد و قنأ قوتاً قدری « پارافین » را آب کرده به اطراف لوله کاربن آن بریزید و بگذارید خشک شود، پارافین لوله مزبور را محکم کرده دوام آن را بیشتر می سازد. برای باتریهای « مایع » مثل باتری تلفون و زنک و غیره، روی نوشادر آن قدری پارافین را بحالت آبگینی و گرمی بریزید زیرا پارافین روی مایع را پوشیده سخت میشود و از تبخیر آن جلوگیری بعمل می آورد.

معلوم کردن دقت ترازو

برای اینکه بدانید ترازوی خانگی دقیق است یا نه یک شی را یکبار در یک پاه و بعد در پله دیگر وزن نماید اگر در هر دو پله یک اندازه بود، دقت ترازو ثابت می میشود و الا به اندازه اختلاف تفاوت و عدم دقت آن ظاهر میگردد. برای معلوم کردن دقت ترازوهای بزرگ در حال سکوت یک شی بسیار کوچک را از قبیل یک برکاه یا یک پارچه نخ و غیره در یکی از پله های آن بگذارید اگر حرکت کرد و پله مقابل بالا رفت، ترازو دقیق و صحیح است و الاخیر.

در صورتیکه میان ترازو کدام شی خوردنی یا مائیم و نرم را وزن کردن بخواهید، ابتدا در هر کفه آن یک پارچه کاغذ را بگذارید و شی وزن گرفتنی را روی آن قرار بدهید. اما باید ملتفت بود که پارچه کاغذ مزبور یک اندازه و یک وزن باشد و الا تفاوت زیادی می کند مخصوصاً در مورد اشیاء کم وزن.

پاک کردن برس موی

برای پاک کردن برس موی مقدار سبوس گرم و خشک را روی کاغذ همواری پهن نموده بعد مدت پنج دقیقه در آب نوشادر خالص بگذارند تا موی آن دوباره سخت و دراست بشود آنوقت خشک کرده استعمال مینمایند.

پاک کردن شانه

پاک کردن شانه علاوه بر صفائی از لحاظ حفظ الصحة نیز ضرور است، لهذا لازم می باشد که وقتاً فوقتاً برس های مورد خصوصاً شانه ها را بواسطه آبی که در آن چند قطره الکل یا فویشا درآیزاد شده باشد، بشستند و داده کثافات آن را رنم نمایند.



پخت و پز

قابل توجه خانم های خانه دار

کشف جدید در پختن مربا

مربا های غلیظ میوه امروزه در تمام دنیا خیلی ترقی کرده است بسمبکه در سفره خاص و عام همراه اغذیه یا در ختم آن به هوض بود تک استعمال میشود. اما کمتر کسی خواهد بود که در پختن و تیار کردن اقسام مربا های میوه دچار مشکلات نشده و یا با وجود بدیت و دقت. وقتاً فوقتاً با ناکامی و اجبه نگردد، علت چیست؟ علت آن بعد معلوم خواهد شد. اما عارضه عام تر عبارت از نگرفتن مربا یعنی غلیجده ماندن میوه از شربت است که خرج را عبت میسازد يك عارضه مهم دیگر از بین رفتن عطر میوه میباشد که خیلی اسباب توجه مردم بوده کمتر کسی بمحفظ آن در مربا موفق میشود، و بالاخره نقص دیگر مرباها که در نظر اکثر اشخاص غیر صرئی و نامحسوس است ضایع شدن ویتامین (ماده حیات) میوه ها میباشد که برای صحت و وجود کمال لزوم را دارد.

حال می بردازیم بشرح علت و طرز چاره آن، در کنفرانس سالانه بین المللی میوه های غذائی که در سال ۱۹۳۴ در فاکولته طب یاریس منعقد شد، درین خصوص ذکر بمیان آمده و در نتیجه بحث زیاد، راپورتی شایم گشت که مضمون آن بقرار ذیل است:

اکثر مردم مرباها را بسیار می پزند باین سبب است که نه تنها عطر میوجات مستعمله از بین میروود بلکه ویتامین های آنها که برای صحت انسان فوق العاده مفید است نیز ضایع میشود مثلاً، اگر پنج یوند (یک یوند تقریباً مساوی است با یکیاو کابل) میوه و پنج یوند قند را برای ساختن مربا بکار برند (اندازه عادی) احتمال کلی میروود که پس از ۲۵ الی ۳۰ دقیقه روی آتش گذاشتن (اگر چه این اندازه زیاد و افراطی نیست) در مقدار عمومی مربا ۲۵ الی ۳۰ فیصد قند رو خواهد داد و در نتیجه ۷ یوند مربا بدست خواهید آورد، که در آن ۵ یوند قند (چون کم نمیشود) و فقط ۲ یوند میوه شامل است. حالانکه این تناسب یعنی کمتر از نصف، برای یک مربای خوب کافی نمیشود.

علت عمده ناکامی در پختن مربا فقدان ماده غاز داری است که در اکثر میوجات موجود، و در وقت جوش دادن با شربت در آن داخل شده شربت و میوه را بهم مخلوط و مربا را غلیظ می سازد، و به این سبب میوه از شربت غلیجده و پس از سرد شدن، سر بارقیق و مایع میماند.

برای این عوارض یک راه علاج موجود است:

وقت جوش دادن را کم کنید، این مسئله به اثبات رسیده که میوه جات در ظرف کمتر از پنج دقیقه در میان شربت جوشان منظر میشود، پس برای چه بیش از اندازه لزوم میوه را تبخیر و مقدار آن را کم می کنند؟ شاید گفته شود برای آنکه دیرتر بیاید. اما باید دانست که برای این کار نیز طریقه اسان تر دیگر موجود دارد و آن عبارت از دقت و توجه در خوبی صفات قند میباشد، اگر قند خوب و خالص از مواد شیرین

نباتی مثل نیشکر و لبلبو باشد بردوام مر بای افزایش و برخلاف قندهای پست که از مواد مختلفه نباتی و غیره ساخته میشود مر باراً زود فاسدی سازد.

بهر حال برای آنکه مر با خوب بسته شود، در صورتیکه میوه جات آن ماده غلیظه طبیعی نداشته باشد، استعمال مواد بسته کننده از آن قسمیکه برای ساختن (جیلی) و غیره استعمال میشود بهتر است پس بقسم خلاصه سفارش کرده میشود که برای مر بای آلوچه، زرد آلو و کیلاس، و شفتالو، توت زمینی و غیره که ساختمان نازک و نفیس دارند از ۱۰ تا ۱۵ دقیقه جوشدادن و برای سبب و ناک، کدو و زردک و غیره سبزجات نیم شیرین که قابل انداختن مر با میباشد از ۱۵ تا ۲۰ دقیقه روی آتش گذاشتن کفایت می کند، و هر گاه لازم باشد که میوه جات مزبور خوب نرم نشود قبلاً ساعتی در آب گرم دست سوز گذاشته، و پس از آن در دبهک شربت انداخته شود.

یک نکته قابل توجه در حفظ و دبر دوام کردن مر با این است که بوتل و مرتبان را که در آن مر با انداخته میشود قبلاً همراه آب جوش شسته و بهتر است، جوش بدهند و در حالیکه هیچ آب در آن نباشد مر با را ریخته و کاملاً بپزند، و بالای آن بکوروب به ضخامت یک قد ناخن، روغن زرد جرش دانه بریزند و بعد مرش را محکم نمایند.

به این قسم از یکطرف در خود بوتل هیچ میکروب و هوا موجود نبوده و از طرف دیگر روغن از نفوذ هوای خارج و جراثیم مختلفه که اسباب فساد را فراهم می آورد، بداخل مر با جلوگیری نموده مر بوش ظرف یک احتیاط آخرین خواهد بود.

ولی با وجود همه اینها چیزی که اهمیت دارد این است که بوتل با مرتبان مر با را باید در هر زمان، زمستان و بهار در جای سرد (آفتاب سرد نباشد که بیخ بزند) و سایه دار بگذارند و در وقت استعمال اگر استعمال بیش از ۲۰۲ روز دوام بکند روغن را که پس می کنند، مر با نو بریزند زیرا بجز در باز کردن مر بوتل و ورق روغن، جراثیم مضره زیاد به آن حمله می برند و از سبب دیر ماندن مر با زمینه برای نشو و نمای آنها مساعد میباشد.

حفظ شیر از ترش شدن

برای حفظ شیر و جلوگیری از ترش شدن آن چندین طریقہ موجود است،
۱: در ظرف شیر چند برک خردل و وحشی (اوری) انداخته شود، ولی ملتفت باشید که برکهای بورکشیف و حامل میکروب های مختلفه نباشد.

۲: در ظرف شیر مقدار کمی سودا (پلی) را حل نمائید ولی باید در نیم چهارک شیر بیش از کف دست انداخته نشود.

۳: در میان شیر بحساب پنج نخود (یک کرام) بوریك ایدد اضافه کنید، هیچکدام این طریقہ ها برای صحت انسان اندک خطری ندارد.

رفع مزه سوختگی از طعام

اکثر اوقات به اثر اندک کم توجهی و یا بدون علت معلومی اطعمه بوی سوختگی بخورد میگیرد و اوقات صاحب خانه را تلخ می سازد، برای رفع آن، طعام مذکور را در یک ظرف دیگری که به اندازه نصف مملو از آب سرد باشد

فرو بريد و مدت پنج دقيقه همان طور بگذاريد ، اما ملتفت باشيد كه آب داخل ظرف طعام نشود و ديگر اينكه ظرف مزبور چيني نباشد كه خواهد شكست .

نخم مرغ باشير

۱۲ دانه تخم مرغ را در يك ظرف چيني كه وسط آن چتر باشد ريخته سفيدى و زردى آن را بزويد كه مخلوط شود . آنوقت نيم ليتر شير را عليه جوش داده پس از داخل كردن ۲۵۰ گرام د ۵ گرام يك منقال ، قند و كمى نمك طعام و نيم پياله آب نارنج و پوست ليموى ترش روى تخم ها بر يزويد و ظرف مزبور را بالای ظرفي كه در آن آب جوش بخورد ، بگذاريد تا از حرارت آبجوش تخم ها بياخته شود ، بعد آن را بر داريد و بگذاريد سرد شود .

و فتيكه سرد شد بالای آن قدرى ميده قند پاشيده صرف نماييد اين خوراك شيرين و لذير و در عين حال صحيح و بسيار سهل الهضم است .

جلوگيرى از عفونت چاشنى

چاشنبا و ترشيبهاى بهارى را كه از سبزيجات مثل كشنيز ، و رواش و غيره درست ميكنيد بايد پس از ريختن در بوتلى كه قبلاً در آفتاب كامل خشك شده باشد و پر كردن آن تا حد بالای بوتل ، چند قطره روغن زيتون يا روغن جوش داده روى آن ريخته مرش را محكم به بنديد ، به اين قسم هوا بداخل بوتل نفوذ نكردده مدت زيادى حفظ ميشود ، در وقت استعمال حصه بالائى را كه آلوده به روغن است دور بر يزويد .

زدودن خام بوئى از مرغان شكار

اكثر مرغان شكار كه در آب زيست دارند ، يك قسم بوئى خامى از آنها استشمام مى شود كه تا اندازه بوى روغن نيز در آن داخل است و خيلى زننده و نا پسند ميباشد .

راى رقم اين بوئى ابتدا ، شكم مرغهاى را كه بيشتر از مرغهاى ، قاز ، غيره ميباشند صاف و خالى كرده از خلال كچالوى خام كه با جعفري كو بيد و مخلوط باشد پر كنيد ، پس از پخته شدن كچالوى مزبور را دور ميريزند و بعضى آنرا ميخورند (طعم بدى ندارد) اما در عين حال بوى مزبور را كاملاً مرتقم ميكرداند .

حفظ رنگ سفيد برنج

برای آنكه سفيدى برنج بعد از پختن باقى بماند ، در آبيكه در آن برنج جوش داده ميشود ، چند قطره آب ليمو بر يزويد علاوه بر باقماندن سفيدى ، دانه هاى برنج نيز بخوبى از هم جدا و عليه مى گردد .

ضد عفونى كردن ظروف

برای آنكه ظروف مستعمله از طرف اشخاص مريض باك و قابل استعمال بشود ، بايد در يك ظرف بزرگه ، « مقدارى یتاس یرمکناس » را در میان آب گرم حل کرده پس از آنکه رنگ آب كامل بنفش بشود ، ظروف مشبه را در آن بيندازند و مدت ۱۰ يا ۱۵ دقيقه قرار بدهند و سپس از محلول مزبور خارج کرده ، با آب جوش داده شده شستشو کنند .

گزارشات دنیا

در سال ۱۳۱۴

پلم جناب سید قاسم خان رشتیا
عضو انجمن مهتم سالنامه

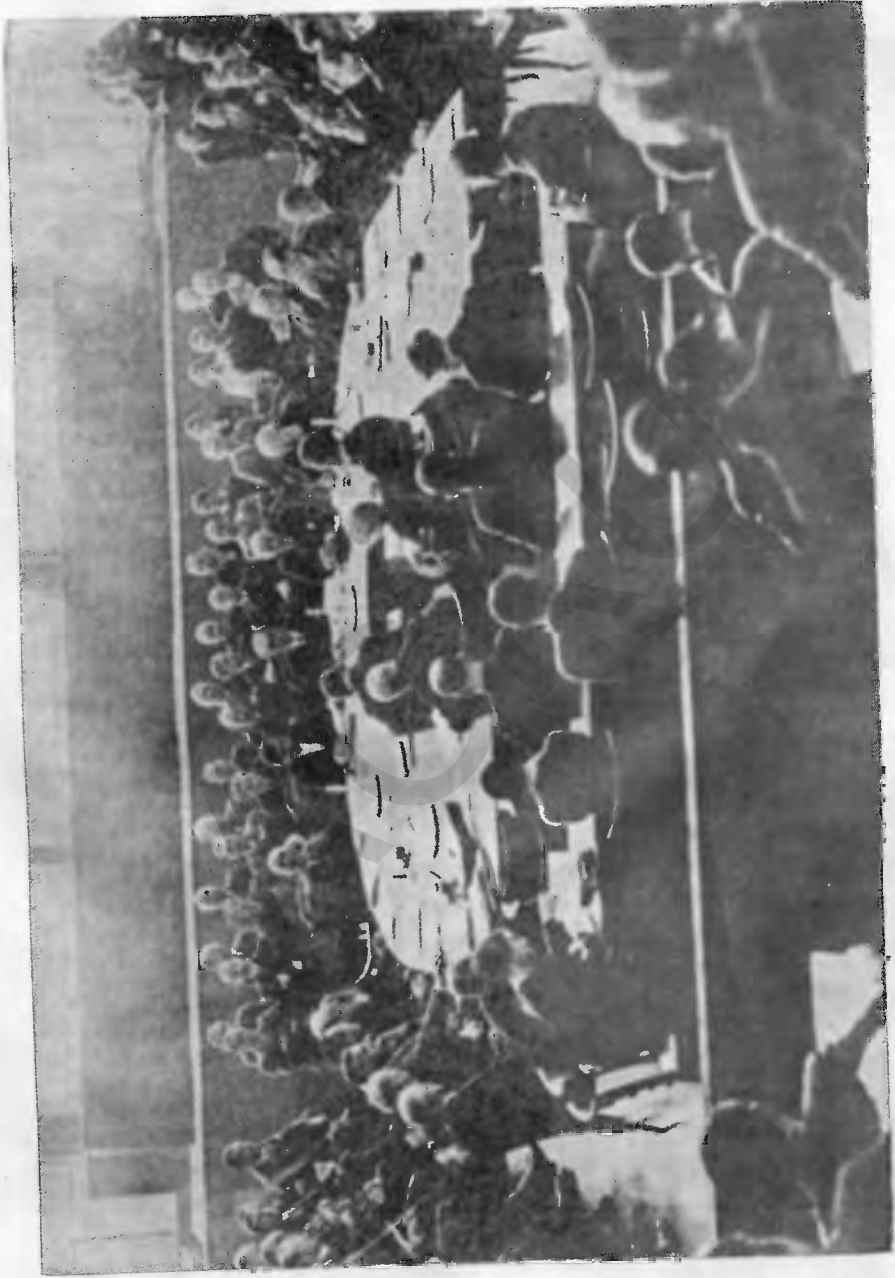
سال ۱۳۱۴ روی همرفته . یکسال بر آشوب گذشت . در طول این سال بسا واقعاتی اتفاق افتاد که میتوانست سبب جنگ جهان بشود . اما وجود جامعه ملل و مخصوصاً اقدامات مؤثر دول بزرگ و کوچک در راه حفظ و پایدار نگهداشتن صلح . از چنین يك اتفاق هول انگیز تا کنون جلوگیری بعمل آورده ولی با وجود این ، وقایع ناگواری که سبب کشت و خون گردید میان بعضی ملل بوغوغ ییوسته و تا امروز هر آن خوف جنگ . بزرگ شده میروند . بطور هموی آنچه درین سال برجسته معلوم میشود و شایسته آنست که تمام سال به آن نسبت داده شود ، همانا نزاع ایتالیا و حبشه است که هنوز انجام آن معلوم نیوده ، بسا امکانات ضد و نقیض در آن تصور میروند . دیگر وقایع و اتفاقات از قبیل تحولات سیاسی مهم و عقد معاهدات عمده مابین دول بزرگ و کوچک و فوت بزرگان و حکمداران و انقلابات و بحران های مختلفه و حوادث طبیعی زیاد ، که درین سال اتفاق افتاده . سال ۱۳۱۴ را از جنبه واقعات بر اکثر سالهای گذشته امتیازی بخشند . اما موضوع خلم سلاح و چاره جوئی مشکلات اقتصادی و غیره امور بین المللی عام المنفعه از سبب مشغولیت های عمده که در فوق ذکر رفت در طول سال تقریباً مسکوت عنه باقی ماند . اینک گزارشات عمده این سال را به ترتیب جغرافیائی قاره ها ، بجملاً ذکر میکنیم و چون امور جامعه ملل به تمام دنیا ربط دارد ، لواتر به ذکر آن می پردازیم .

جامعه ملل

میتوان ادعا کرد که جامعه ملل از بسو تشکیل خود تا کنون مثل سال ۱۳۱۴ يك سال بر خطر ویر زحمت را برای خود ندیده و نیز باید نذهان نمود که جامعه در قبال این وقایع مدش بیش از آن اندازه که مامول بود ، خود را مقید و متین نشان داده و اساسی بودن بقیان خویش را بر همه گمان ثابت گردانیده است . موضوعات عمده که درین سال به جامعه رویت داده شده ، ذیلاً ذکر میشود :

زاع ایتالیا و حبشه :

آنچه از شروع سال تا ختم آن ، اسباب مشغولیت کلی جامعه را فراهم نموده ، همانا موضوع نزاع ایتالیا و حبشه بود که ذیلاً آن قصه وال وال نر ۲۸ نومبر ۱۹۲۴ (مطابق ماه فوس ۱۳۱۳) و ابتداء در ماه جنوری (جدی ۱۳۱۳) از طرف حبشه به جامعه ، مراجعت داده شد و جامعه در اجلاس بهاری خود آن را مورد مطالعه قرار داده ،



جلسه فوق العاده جامعه ملل برای مطالعه محرض فرانسه نسبت به اعلان نظام اجباری از طرف المان (در پشت برزدمرور توفیق
الراسی (دئیس) لاوال ، سالمون ، لیتویوف ، الوازی شناخته می‌شوند)



مجلس افتتاحية كنفرانس بحري لندن

های سرحدی (وال وال) و غیره را به هیئت حکمت علیجده سیردو اصل موضوع که به اثر بیگانه‌هاست را بطور حبشه شکل مستقل بخود گرفته بود، در شورای جامعه بحضور نمایندگان طرفین زیر بحث گرفته شد. جامعه سعی داشت که قضیه را با مواجبه ما بین نمایندگان حبشه و ایتالیا از روی معاهدات سال ۱۹۰۶ و ۱۹۲۸ فیصله بکند اما این کار ممکن نشد و بنابراین شورای جامعه در ماه می (ثور) تصمیم گرفت که یک هیئت پنجگانه مرکب از نمایندگان انگلستان، فرانسه، اسپانیه، ترکیه و یونان، بقم میانه‌جویی اختلاف رارفع نمایند. اما ایتالیا خواهشات بیش از حد نموده، دول عضو جامعه ملل بنای اعتراضات را بر طرز عمل ایتالیا گذاشتند و ایتالیا بالمقابل، بی پرده اظهار کرد که حبشه ملک وحشی است و حق ندارد در جامعه ملل عضویت و هم پایه او قرار داشته باشد بلکه از سبب وحشت و رسوم ناشایستی که در آن سرزمین حکمفرمایی دارد، از قبیل غلام گیری و برده فروشی و اوضاع ملوک الطوائفی و غیره، بر ایتالیا که یک مملکت مدنی است و به مواد صنعتی نیز احتیاج داشته، اکثر دول عالم از مصنوعات او استفاده کرده، میتوانند، لازم است که حبشه را جبراً زیر اثر خود آورده، مدنی بسازد و از منابع طبیعی و مواد زراعتی و غیره حاصلات آن استفاده کرده، یک عدم مردمان ایتالیوی را که از سبب ازدیاد روز افزون نفوس بی خانمان و بیکار میباشند، به آنجا هجرت بدهد. انگلستان از سبب اینکه سرچشمه رود نیل در حبشه واقع است و دیگر اینکه اگر ایتالیا حبشه را بگیرد کلید بحر قزقم و راه هند در دست او خواهد افتاد و نیز بلحاظ باره مسائل مربوط به توازن ممالک اروپائی، مخالفت خود را با نظریات ایتالیا زیاد تر نشان داده. از این سبب پیمان تر اختلاف نظر ایتالیا و انگلستان شدت کرد حتی وزرای انگلیس در جامعه ملل بر رویه ایتالیا اعتراض نمودند. فرانسه از سبب اینکه در ماه جنوری ۱۹۲۵ (جدی ۱۳۱۳) با ایتالیا قرار داد هائی امضا نموده و در آن از آمادگی ایتالیا و افتاد مات آن در صورت تجاوز آلمان بر آستریا اطمینان حاصل کرده بود، دست ایتالیا را تا مدتی در حبشه آزاد گذاشت حتی چون بر اثر مساعده بحری آلمان و انگلیس، از دولت انگلیز رنجیده بود، در اوائل خود را کاملاً بی علاقه نشان داد. تا آنکه انگلستان در اثر مجبوبات زیاد خود، فرانسه را وادار ساخت که از جامعه ملل حمایت کند اما با وجود این فرانسه تا بسیار وقت ایتالیا را نیز از دست نداده و فقط پیروی میثاق جامعه ملل و رای عمومی را میکرد. در جلسه خزانی جامعه ملل که بتاريخ ۴ ستمبر (۱۱ سنبله) انعقاد یافت قضیه مطرح بحث گردیده هیئت پنج نفری بتاريخ ۲۰ ستمبر (۲۷ سنبله) فیصله خود را اعلان کرد که مفاد آن دادن امتیازاتی چند به ایتالیا و واقع شدن حبشه زیر نفوذ جامعه ملل بود.

ایتالیا این تجویز را نپذیرفت و در حالیکه هنوز مذاکرات جریان داشت، بروز ۳ اکتوبر (۹ میزان) افواج ایتالیا بر خاک حبشه تجاوز کردند و جنگ بدون آنکه از طرف یکی از طرفین رسماً بدیگری اعلان شده باشد، جریان پیدا کرد. و ایتالیا یکنیم ماه چندین مقام را در نزدیکی سرحداری تریا، (ادی گرات، آدوا، افسوم و مکلی) و چند نقطه را در محاذ جنوبی طرف سومالی ایتالیوی متصرف شده، از طرف دیگر جامعه ملل بروز دهم اکتوبر (۱۶ میزان) به اکثریت زیاد، ملامتی ایتالیا را اعلان و اجرای ماده ۱۶ میثاق را تصویب نمود که بر طبق آن از سال اسلحه به حبشه جائز و به ایتالیا ممنوع گردید و در ماه عقب دول عضو جامعه با ایتالیا مقاطعه اقتصادی را شروع کردند. فقط موضوع منم صادرات نفت و ذغال سنگ و فولاد باقی مانده که هنوز زیر بحث است. اما بزودی وضعیت جنگ تبدیل شده ایتالیا مارشال دی بونو فرمانده عساکر خود را که پیشرفت های فوق را کرده بود بعات کندی عملیاتش تبدیل و عوض او مارشال بادو کلیو رئیس ارکات حرب عمومی عساکر ایتالیا را مقرر نمود. در همان اول مقرری بادو کلیو، تعرض حبشه شروع شده ابتدا در محاذ جنوبی نقاط تصرف کردگی ایتالیا را مسترد نمودند و بعد در محاذ شمال نیز پیشرفت حبشه شروع شده چند مقام را از ایتالیا پس گرفتند. چنانچه از ماه جدی

به اینطرف گاهی فتح و غلبه بطرف حبشه و گاهی بطرف ایتالیا است اما ایتالیا مقامات مهمی را بدست آورده و در این حال چند واقعه ناگوار برای ایتالیا رخ داده از قبیل گلوله باری قصدی یا سهوی شفاخانه های صلیب ا اروپائی . تاجائیکه تصور کرده میشود ، گویا مشکلات پیشرفت ایتالیا عبارت از کوتل های دشوار گذار حبشه و عدم بلدیت عساکر ایتالوی به وضعیت جغرافیائی و آب و هوای مملکت و طریقه جنگی مخصوص حبشها و امداد هائی است که علی الاتصال همراه حبشه کرده میشود . درین اوقات اخیر اگرچه وضعیت جنگ برای ایتالیا مساعد میباشد اما چون برای شروع شدن موسم باران ها چیزی باقی نمانده لهندا گمان میرود که جنگ بزودی به اثر صاعقه یا خود بخود بواسطه شروع شدن باران از هر دو طرف جبراً معطل خواهد شد .

در ماه جدی يك اقدام دیگر از طرف فرانسه و ایتالیا و انگلیس برای مصالحت بعمل آمده . پس از آنکه نماینده گان هر سه مملکت مزبور در پاریس طرحی شبیه بر تجویز سابق مجمع ملل ریختند ، شورای ملی انگلستان طرح مزبور را نپذیرفته بر اثر این واقعه در ۲۸ جدی مرسوئیل هر روزی خارج مستعفی و این بجای او وزیر خارجه انگلیس شد . و تجویز پاریس از طرف انگلستان لغو گردیده متعاقباً جامعه ملل و حبشه نیز آن را غیر قابل قبول اعلان کردند .

در همین همین زمان بین فرانسه و انگلیس موافقتی بعمل آمده . انگلستان که در ابتدا از وضعیت بحر مدیترانه بسیار هراسان بود ، امداد جهازات فرانسوی (و بعد از قوای بحری یونان و ترکیه و اسپانیه و غیره) را برای خود حاصل نمود ، به این قسم فرانسه کاملاً بمقابل ایتالیا پهلوی انگلیس ایستاده شد . این وضعیت بیشتر اسباب تولید مشکلات برای ایتالیا گردیده و اندر لیت خود را تنها دیده می خواهد متجددین دیگری سراغ کند . خلاصه قضیه حبشه و ایتالیا هنوز در جامعه ملل مطرح بحث و هیئت مخصوص مطالعه منع صادرات نفت مشغول میباشد . اخیراً باز آوازه مصالحه شدت یافته و به اثر چند پیشرفت ایتالیا امکانات آن موجود است .

قانون نظام اجباری در آلمان یا لغو معاهده و رسای :

چون آلمان بتاريخ ۱۷ مارچ ۱۹۳۴ (آخر حوت ۱۳۱۳) نظام اجباری را که معاهده و رسای منع قرار داده بود ، اعلان نمود ، دول فرانسه ، انگلستان و ایتالیا بر آن اعتراض نمودند . فرانسه بتاريخ ۲۰ مارچ (۲۸ حوت ۱۳۱۳) عرضحالی نیز بجامعه ملل تقدیم کرده پس از آنکه دول فوق الذکر در ۱۴ اپریل ۲۰ حمل مقام شتریس کنترا انس نمودند ، اتفاق نظر ما بین شان حاصل شد تا متفقاً در جامعه ملل آلمان را ملامت کنند چنانچه در ۲۰ می ۱۹۳۵ (۲۹ ژور) جلسه فوق العاده جامعه ملل انعقاد یافته ، بجز يك دولت باقی تمام دول عضو جامعه ، آلمان را نسبت به این وضعیت (نقض يك طرفه معاهدات) ملامت قرار دادند و در همین وقت دول دیگر از قبیل ترکیه و مجارستان و آستریا و بلغارستان که آنها نیز زیر مقررات نظامی معاهدات بعد از جنگ مقید میباشند ، خواهش کردند که قیود مزبور رفع کرده شود . چنانچه مسئله موکول به آینده گردید و متعاقباً ایتالیا که حمایت دول زیر فشار آمده زمان جنگ عمومی را مینماید ، برای تجدید نظر کردن در قیود نظامی مجارستان ، بلغارستان و آطریش و ترکیه و غیره مسائل متعلقه به ممالک وسط و جنوب اروپا و بعضی مسائل دیگر از قبیل انحطاط استقلال آستریا و ضمانت بهمی ممالک حوزه دانیوب انعقاد يك کنفرانس ممالک دانیوبی را پیش نهاد کرد که بواسطه پیش آمد های مختلفه خصوصاً موضوع حبشه تا کنون انعقاد نیافته است .

خلاصه ، اقدام آلمان به نگهداشتن ۳۶ فرقه عسکری ، با وجود آنکه رای ملامتی را از طرف جامعه ملل بر آلمان ، نتیجه داد ، اما راه را برای اقدام دیگر دو لیکه زیر قیود نظامی معاهدات بعد از جنگ مینماید ، باز نموده است که دیر یازود ، باز دید معاهدات را روی کار خواهد آورد . و به این قسم معاهده و رسای که پس از جنگ عمومی از طرف دول فاتح به فتح خود شان عقد شده و قیود را بر دول مغلوب تحمیل نمود ، بود ، لغو عملی آن آغاز گردید .

تصمیم جنگ چا کو:



رؤسای جمهور دول میانجی (برازیل وارجنتائین) برای عقد مصالحه در بوئنس آیرس حاضر شده اند.

ناظر بن محترم از مطالعه سالنامه های گذشته کابل مطلع شده خوانند بود که ما بین د و جمهوری امریکای جنوبی بولیویا و پیراگویی سه سال پیش در سر یک منطقه - حدی مختلف فیه نزاع واقع شده و جنگ مزبور تا تلفات زیادی و طرفه مدت سه سال دوام کرده بود چنانچه در بن مدت چاهمه ملل با وجود وساطت و تقرر میانجی ها از دیگر دول امریکائی، موفق به خاتمه دادن آن نگردیدند. بالاخره قضیه در دست میانجی های مزبور و اتحادیه «یان - امریکن» افتاده فقط در دهم جولائی سال ۱۹۳۵ (۱۸ سرطان) متارکه اعلان و انجمن صلح از نمایندگان طرفین و دول بی طرف میانجی که عبارت از آرژانتاین و برازیل و غیره باشد تشکیل گردید. و در ماه دلو صلح قطعی و دائمی اعلان و معاهده در باب تقسیم منطقه مختلف فیه «گران چا کو» و مبادله اسرا امضا گردید گویا اگرچه این قضیه بواسطه مساعی مستقیم چاهمه ملل صورت حل بخود نگرفته اما چون از ابتدا تا آخر چاهمه در رفم آن کوشش و اقدامات نمود و در اکثر جلسات آن موضوع مزبور زیر بحث گرفته شده تا یک درجه تصفیه آن به مساعی چاهمه نیز نسبت داده میشود. چنانچه جر یا نات کنفرانس صلح بلافاصله به چاهمه اطلاع داده میشود گویا به این قسم بیکی از عوامل نگرانی عمومی جهان که شاید در بن سه سال دوام خود سبب تحریک جذبات جنگجویی در اکثر نقاط دیگر نیز شده باشد از بین برداشته شد.

نزاع ایران و عراق:

قضیه اختلافات ایران و عراق که نسبت به حقوق دول مزبور در سواحل شط العرب میباشد و از یکتیم سال به اینطرف در چاهمه ملل مراجعت داده شده در جلسه بهاری چاهمه (۲۰ تا ۲۵ می ۱۹۳۵ مطابق ماه ثور) بحضور نمایندگان طرفین زیر بحث آمده تا اینکه ایتالیا از طرف چاهمه ملل مخبر این مسئله مقرر کرده خواست، قضیه را بحضور طرفین زیر مطالعه قرار دهد. چنانچه وزرای خارجه عراق و ایران در جینوا انطق هائی دائر بر حقوق خود را ایراد کردند و بالاخره چاهمه تصمیم گرفت که تا اینکه ایتالیا تحقیقات خود را تا اجلاس آینده دوام داده و در آن وقت نتیجه را تقدیم بدارد. و در همین زمان نمایندگان طرفین با هم مستقیماً مفاهمه کنند و هر گاه به موافقتی واصل شده اند، چاهمه را خبردار سازند. همان بود که در اثر تاس دائمی حکومتین و بعضی ایجابات دیگر بالاخره در پنجم اگست (۱۲ اسد) نوری سعید یا شاور خارجه و محمد زکی بیگ و زیرعربی (سابق) عراق به طهران عزیمت نموده با اولیای امور دولت ایران در بن خصوص مذاکره را آغاز کردند و پس از یک سلسله مذاکرات که در ضمن آن دعوت های

دوستانه از طرف دولت ایران به مهیا نان عراقی داده میشد، بدو آنکه فیصله قطعی اعلان شده باشد عراق در او خراگست (اول سنبله) از طهران حرکت و چند روز بعد و زیر خراج ایران و همراه بطرف جینوا سفر کردند تا در اجلاس خزانگی حاضر بود، طرفین از روی مذاکرات اخیر نتیجه را، به جامعه اطلاع بدهند. همان برد که در جلسه خزانگی جامعه صورت موافقت مملکتین رویت داده شده، این قضیه که سبب کشیدگی بین دو دولت شرقی و اسلامی شده بود، کاملاً صورت حل بخود گرفت.

قطع روابط سیاسی میان بوروکوی و شوروی :

در ماه جدی حکومت بوروکوی سفیر شوروی را از مملکت خود خارج و روابط سیاسی را همراه مملکت منزبور قطع نمود. ودلایلی که ارائه می داد، عبارت از مدخله سفارت شوروی به تخریکات بلشویکی در خماک بوروکوی بود. حکومت شوروی عرض حالی به جامعه ملل تقدیم و در اجلاس تا ریخی ۲۹ جدی جامعه ملل زیر بحث آمده کمیسیون خراج شوروی تمام اتهامات ودلائل بوروکوی را تردید و مطالبه نمود که ناپنده بوروکوی تشریحات منبدی را جمیع دلائل خود بدهند. اما ناپنده بوروکوی بعد از اینکه موضوع بسته به اسرار سیاسی و اقتصادی مملکت او میا شد، ازدادن تشریحات خود داری کرد و اگرچه فیصله رسمی بعمل نیامد اما گویا حکومت شوروی اتهامات منزبور را از سر خود، بر انداخته توانست.

موضوع جریمه بین المللی وانسداد آشوب اندازی :

این موضوع که در سال گذشته به ارتقلا لکسندرا اول شاه یوگوسلاویه و بارنوز بر خراج منفراسه بواسطه عرض حال یوگوسلاویه بر علیه مجارستان در جامعه ملل رویت داده شد و به اثر اقدامات دول بزرگ د عاوی یوگوسلاویه از سربجارستان رفم و فیصله یافته بود که برای انسداد آشوب اندازی (تروریزم) اقدامات بین المللی بعمل بیاید همان بود که در جلسه خزانگی جامعه ملل دوباره موضوع منزبور زیر بحث آمده فیصله شد، که یک کنفرانس بین المللی برای مطالعه موضوع و عقد معاهده تشکیل و نیز یک محکمه مخصوص جهت محاکمه آشوب اندازان و مجرمین بین المللی تاسیس یابد.

انکار دانتزیگ از اجرای تعهدات بین المللی :

در ماه جدی مجلس سنای شهر آزاد دانتزیگ (که بعد از جنگ از آلمان جدا و برای استفاده پولند و غیره بممالک شمال اروپا بندر آزاد ساخته شده) از قبول تعهدات خویش در مقابل جامعه ملل انکار نموده، موضوع بتاریخ ۳ دلو در شورای جامعه داده رویت شد و پس از مطالعه ابتدائی برای تحقیق و مطالعه عمیقانه به یک انجمن مخصوص سپرده گردید تا در اجلاس آینده، نتیجه را تقدیم دارد. تصور میشود که عناصر نازی که در دانتزیگ زیاد است، فشار آورده مجلس سنا را باین قسم یک تصمیم وادار ساخته اند. در شورای جامعه نمایندگان تمام ملل از این واقعه اظهار تاسف و به جامعه سفارش کردند تا مقابله صحیح کرده آینده از چنین واقعات جلوگیری بعمل بیآورد.

کنفرانس خلع سلاح :

کنفرانس خلع سلاح از سبب هیجان و بیقراری که درین سال بر تمام دنیا خصوصاً اروپا طاری بود، یک مجلس خود را موقوف کرده توانست و جنگ ایطالی و حبشه مانع از هر قسم اقدامی درین راه گردید.



بن رئیس کنفرانس خلم سلاح ، که تشبثات بلا اقطاع
 و بیشترت این کار مینمود ، ضربه دیگری بآن زد . چنانچه
 ، امروز هیچ کسبی از کنفرانس مزبور و نتیجه شدن آن ذکری
 نمیکند .

کنفرانس شترسا

این کنفرانس که در ۴۱ حمل ۱۳۱۴ در شترسا (ایتالیا)
 انعقاد یافت ، بانر تحریک فرانسه و موسولینی تشکیل یافته ، مک واکد
 صدراعظم انگلستان فلانسن صدر اعظم لاول و وزیر خارجه
 فرانسه و موسولینی صدر اعظم ایتالیا در آن شمولیت داشتند .
 این کنفرانس در حقیقت دنباله مذاکرات بین المللی اخیر (روما ،
 لندن ، پاریس ، برن ، مسکو ، ورشو ، براک) و مقصد از آن
 تحکیم و استواری امنیت عالم بواسطه اشتراک مساعی دول

سه گانه فوق بود . و در طی جلسات آن تمام جزئیات اوضاع سیاسی آرتنر هندرس رئیس فقید کنفرانس خلم سلاح
 اروپا و مسئله نفاذ قانون اجباری در المان و الغای معاهده ورسای از طرف آن مملکت و مراعات و اعطای تسلیحات



کنفرانس شترسا ، از راست بچپ لاول ، موسولینی ، مکدانلد ، فلانسن
 به مجارستان و اطریش و بلغاریه و قرارداد شرق و وسط اروپا ، غور و دقت بعمل آمد . نتیجه ابتدائی آن موافقت هر سه دولت
 علامت ساختن المان بود لکن در جریان سال وضعیت سیاسی تغییر کرده چنانکه ایتالیا و حبشه اتحادی منور را بر م زد .

کنفرانس بحری :

کنفرانس بحری که موقم عقد آن در آخر سال ۱۳۱۴ فرا رسید بود ، با وجود اینکه در سال گذشته

مذاکرات مقدماتی آن به ناکامی منجر شده بود، در اواخر ماه قوس در لندن منعقد و نمایندگان انگلستان، امریکا، جاپان، فرانسه و ایتالیا در آن شمولیت ورزیدند. مباحث اولیه عبارت بود از حفظ تناسب ۵ - ۵ - ۳ (یعنی قوای بحری اتانزونی و انگلیس پنج پنج و از جاپان سه باشد) که جاپان به این نسبت اظهار عدم موافقت کرده و بالاخره به اثر استمرار دول دیگر، به حفظ تناسب مزبور، بتاریخ ۱۶ جنوری ۱۹۳۶ (۲۵ جدی) رسماً از کنفرانس مزبور خارج شد و مذاکرات بدون شمولیت نمایندگان جاپان تا هنوز ادامه دارد. بعضی تحریکات از طرف دول شامله بعمل آمده تا روسیه شورویه و آلمان داخل کنفرانس بشوند اما فرانسه بشمول آلمان ناموافق میباید. مذاکرات در اطراف کم کردن کیفیت قوای بحری یعنی اندازه تن جهازات و قطر دهن توپها و چگونگی اسلحه و غیره ادامه داشته اخیراً درین باره موافقتی بعمل آمده است. میگویند انگلستان خواست جاپان و امریکا را در کنفرانس بحری بهم مقابل سازد و بالتبلیغه تعاون امریکا را برای خود حاصل نماید. در ماه حوت ایتالیا نیز انفکاک خود را از کنفرانس بحری اعلان کرده، علت آن عدم موافقت او با تجاوز محدود ساختن کیفیت جهازات بود.

ایران

درین سال دولت ایران موفق به بسا اصلاحات مدنی و اقتصادی زیادی شده و ترفیات مهمی را حائز گردیده است. در شروع این سال سوء تفاهمیکه نسبت به قضیه زور آباد مابین ایران و افغانستان واقم شده بود باثر اعزاز نماینده گان طرفین واقه روشن و مسئله به حسن نیت فیصله شد.

در ماه اپریل (چل) یک هیئت اقتصادی از ایران بر وسیه شوریه مسافرت کرده، در اتحاد شوروی پذیرائی خوبی دیدند و مراکز صنعتی را تماشا کرده مراجعت نمودند چنانچه باثر آن در تاریخ ۲۷ اگست (۳ سنبله) یک معاهده اقتصادی مابین ایران و شوروی عقد گردید، که بواسطه آن تجارت مملکتین توسیع یافته شوروی یک مقدار کار خانه جات برای ایران تهیه می کند.

در بهار، زلزله شدیدی در مازندران واقم شده از صدمه آن ۵۰۰ نفر و آبادی های زیادی تلف گردید. در ماه جوزا جریده مشهور شفق مرخ سقوط کرد.

در ماه ستمبر (سنبله) وزیر معارف ایران برای افتتاح نمایش گاه بین المللی صنایع ظریفه ایران به لیننکراذ عزیمت کرده، گویا روابط عمومی ایران و شوروی درین سال خیلی تشدید یافته است. مقارن روز افتتاح دوره جدید شورای ملی کلاه شاپو بچای کلاه پهلوی که درین چند سال گذشته کلاه رسمی ملت ایران شناخته می شد، در تمام خاک ایران رائج گردید، و باثر آن در ۱۹ اسد چند نفر در مشهد مردمان را بمخالفت اصلاحات حکومت از قبیل تغییر کلاه و غیره ترغیب نموده و در نتیجه مردمان زیادی اجتناع کرده باقوای حکومتی که بری پراکنده ساختن شان حاضر شده بود تصادم نمودند و بالاخره انقلابیون هزیمت یافت. درین قضیه چندین نفر از افراد پلیس و نظام و عده زیادی از انقلابیون کشته شدند و حکومت تحقیقات وسیعی را شروع کرده، بالاخره در ماه جدی مقصر حقیقی یعنی محمولی اسدی نام کفیل متولی روضه حضرت امام اعدام گردیده و دیگران رها شدند.

در پنجم اگست (۱۲ اسد) نوری سعید بیگ و وزیر خارجه و محمد زکی بیگ و وزیر عدلیه سابق و رئیس شورای ملی حایه عراق برای مذاکره در اطراف اختلافات ایران و عراق بطهران وارد شده، چند روز با زمامداران حکومت ایران مذاکره نمودند، و در نتیجه نسبت به قضیه اختلاف، موافقت حاصل شده موضوع در اجلاس خزانگی جامعه ملل فیصله یافت و علت کشیدگی بین این دو مملکت اسلامی همسایه مرتفع گردید (چنانچه تفصیلات آن در کارهای جامعه ملل مفصل ذکر شده است).

گزارشات دنیا

در ۹ ماه اگست (۱۷ اسد) عنارین لغو و بجای عناوین سابق چند عنوان کوتاه از طرف حکومت معین
شده به احتمال آن امر صادر گردید .

در همین اوقات ایران چندین سفارت در دول بالقان (مرکز بخارست) امریکای جنوبی (مرکز بوینس
آیرس) و عربیه سعودیه و غیره تاسیس نمود .

در همین سال ایران يك معااهده عدم تعرض را همراه ترکیه و عراق عقد کرد که افغانستان هم از لحاظ صالح
خواهی و خواهش عدم تعرض به آن شمولیت ورزید .



آقای جم رئیس الوزرای جدید ایران بروز معرفی کردن کابینه بشورای ملی

در ماه عقرب وزیر خارجه ایران برای بازدیدوزیر خارجه افغانستان به افغانستان عزیمت نموده ، و پس از چند
روز توقف و پذیرائی گرمی که از طرف حکومت افغان از مشارالیه و همسفران شان به عمل آمد از راه هند بایران مراجعت نمود .

در ماه قوس آقای فروغی به علت خرابی صحت و غیره از ریاست وزرا استعفی داده آقای جم وزیر داخله
رئیس الوزرا انتخاب شد و باقی وزراء تبدیل نیافتند (بغیر از وزیر طرق و شوارع که بعداً معزول گردید) .

در ماه جدی اعلیحضرت یهلوی آزادی تامه زنان ایران را اعلان و اراده فرمود که تمام زنان ایران رقم
حجاب نایند و داخل حیات مدنی بشوند .

خلاصه درین سال مملکت ایران گام های فراخی در پیشرفت امور تمدنی و سیاسی و اقتصادی برداشته و
در سایه توجهات پادشاه بزرگ خود نائل موفقیت های مهمی گردیده است .

اتحاد شوروی

سال ۱۳۱۴ برای اتحاد شوروی ترقیات اقتصادی و مدنی زیادی را بار آورده ، و مملکت سر بوریش از
پیش در امور بین المللی و اقدامات تامین صلح سهم بزرگی گرفته است .

جماهیر شورویه در شروع این سال برای محفوظ شدن خود از خطر شرقی و غربی با فرانسه نزدیک شده
و با انگلستان ، فاهمه دوستانه نموده و مناسبات حسنه و نزدیکتری راقیم نمود .

به‌ها در ۲ جولائی (۱۰ سرطان) همراه چکوسلو اکی معاهده امداد متقابل را عقود مخصوصاً با ترکیه و ایران نزدیکی بیشتری نشان داد. نظریه اتحاد شوروی در موضوع نزاع ایتالیا و حبشه بطرفداری اساسنامه جامعه ملل و از لحاظ مخالفت با فاشیستی و استعمار طلبی مخالف ایتالیا می‌باشد و مطابق اعلامیه ملکت خبر های زندی بطرفداری حبشه نشر می‌دهد . در ۱۹ جون (۱۸ جوزا) بزرگترین طیارات روسی (مکسیم گورکی) با طیاره دیگری تصادم نمود و سقوط کرد ، و در نتیجه ۴۸ نفر تلف شدند .

در ما اگست (امد) هفتمین کنفرانس بین المللی کمونسیتی (کومنترن) در مسکو انعقاد یافته ، نایبندگان کونسول های تمام ممالک دنیا در آن شرکت جستند اما حکومت شوروی در آن هیچ مداخله علنی نکرده و کنفرانس فیصله جانی دایر بر مبارزه بر علیه فاشیسم و سرمایه داری و (امپریالیسم) ننموده و در عین زمان کونسول ها در ممالک مختلفه بنای فعالیت را گذاشتند ، چنانچه اتانزونی ، و ایتالیا ، و انگلستان و غیره اعتراضات در نزد حکومت مسکو کردند و حکومت شوروی را بمداخله در امور داخلی خویش متهم فرار دادند ، ولی حکومت مزبور اعلان نمود که کنفرانس بین المللی کونسولت یک موسسه غیر رسمی بوده بحکومت سویت قطعاً رابطه ندارد . و اتحاد شوروی هیچ قسم مداخله در امور داخله دول نکرده و نمی‌کند .

در ۱۸ اگست (۱۲۵ امد) هیئتی برای باز دید قانون اساسی تشکیل یافته و در ۲۰ ماه مزبور قانون استر داد تجارخانه های خصوصی اعلان گردید که از بن پس تجارخانه های خصوصی از اذنه با خارجه معاملات نموده خواهند توانست ، و دولت را در آن دخلی نخواهد بود ، علاوه بر این در همین اوقات قوانینی در افزایش خوراک عمومی و آزادی تهیه ارزاق و غیره به تصویب رسیده است ، و متعاقب آن روبل روسی ، به اساس فرانک جنبه بین المللی پیدا کرده موسسات « تورکسین » که برای معامله به پول خارجه بود بامو سساتیکه برای کار گران به تسعیر کمتر مال مقرر و خفند لغو شدند . و نیز رتبه های عسکری منجمه مارشالی سر از نو برقرار گردید . در ماه ستمبر (سنبله) نمایش بین المللی صنایع ظرفه ایران در ایننگراد منعقد شده نایبندگان دول مختلفه منجمه نماینده افغانی در آن شمولیت ورزیدند .

در ۱۳ اکتوبر (۱۸ جمادی) زلزله در تاجکستان شوروی بوجود پیوسته پنجاه نفر مقتول و سه صد نفر مجروح شدند .

در همین اوقات یک هیئت از ورزشکاران افغان برای اجرای مسابقات دوستانه به تاشکند و مسکو عزیمت و پس از اجرای مسابقه های مختلفه در حالیکه پذیرائی خوبی از او شان بعمل آمده ، بوطن خود مراجعت نمودند . روابط جاپان و شوروی که در شروع سال بواسطه نظریات جاپان نسبت به مستقل ساختن ولایات شمالی چین خراب شده بود پس از آنکه جاپان با تهدیدات کرات خصوصی خود همراه چین ، در آن مسئله نظریات خویش را ترمیم نمود ، امکان اصلاح مناسبات جاپان و شوروی پیدا شده بود ولی در اخیر سال در مسئله مغولستان خارجه که از چند سال به اینطرف بنام یک جمهوریت ملی تشکیل شده ، و جاپان از راه منچوکو به آن بنای تجاوزات را گذاشته ، روابط مملکتین شوروی و جاپان روز بروز خراب تر شده می‌رود ، و نیز در مرحدات شوروی مابین مامورین شوروی و جاپانی تصادمات متواتر رخ می‌دهد که یکی مسئولیت را به عهده دیگری اندازد . اما مراکز سیاسی عقیده دارند که جاپان از سبب جلوگیری از نفوذ کونسولتی در منچوکو مجبور به خلل اندازی در مرحدات شوروی و نحو ساختن جمهوریت شوروی مغولستان می‌باشد . خلاصه و خاتم روابط جاپان و شوروی روز افزون بوده ، شوروی از در صلح پیش آمده می‌خواهد مسائل تجاوزات مرحدی و موضوع شلات و غیره از طریق مسالمت کارانه فیصله شود اخیراً حکومت شوروی حمایت جمهوری مغولستان خارجه را اعلان کرده و معاهده فرانسه و شوروی که امید بزرگ شوروی به آن است نیز در شوروی فرانسه تصویب گردیده است .



زامداران بزرگ اتحاد شوروی در يك جشن ملی : از چپ بر راست کاگانوویچ (کمیسر حمل و نقل) ، ستالین ، وروشیلوف (کمیسر مدافعه و سپه سالار قشون سرخ)



لیتوینوف کمیسر خارجه شوروی در جامعه ملل بمقابل
یوروگوی اقامه دعوی میکند



مارشال توخا چفسکی رئیس ارکان
حریبه عمومیه قشون سرخ



سفر ایدن بمسکو ، از راست بچپ : ایدن ، ستالین ، مولوتوف ، سفیر شوروی در مسکو ، لیتوینزف



امضای قرارداد امداد متقابل مابین شوروی و چکوسلواکیه در مسکو- نشستگان از چپ برامت : داکترینش (وزیر خارجه سابق و رئیس جبهه رهایی چکوسلواکیه) لیتوینوف (کمیسر خارجه شوروی) ، سفیر چکوسلواکیه

گذارها دنیا

خلاصه اوضاع داخلی روسیه شوروی درین سال چه از قسم اقتصادی و چه از جنبهٔ مدنی خیلی خوب بوده است.

هندوستان

سال ۱۳۱۴ از هر رهنمکن برای هندوستان یک سال ناخوشی بود چه در طول آن با وقایع اتفاقی طبیعی و غیر آن رخ داده و سبب نقصانات بزرگ گردیده است. قانون جدید هندوستان که از دو سال به اینطرف دولتین طرح گردیده بالاخره پس از مذاکرات زیادیکه در کمیتهٔ متعدهٔ منتخبه (سرکب از اعضای شورای انگلیسی و نمایندگان هندی) بران نموده شد، بالاخره در دارلعموم و دارالاسرا منصوب (۲۹ فوس) و به صحنهٔ شاه رسید.

کاندهی زعیب ملی معروف که در اواخر سال گذشته از امور سیاست کاملاً کناره گیری اختیار و از کانگرس ملی هند استعفی داده بود، بنام موجودیت خود در اصلاح اوضاع اجتماعی هند خصوصاً مانوس ساختن فرقهٔ (غیرملوس) با سایر هندوها و اصلاح حفظ الصحه و دیگر امور معاشرتی صرف مساعی مینماید.

در اول بهار زد و خورد شدیدی در کراچی بظهور پیوسته، علت آن محکوم شدن یک نفر مسلمان بود که در فرقهٔ قتل ملزم شناخته شده و برای مجازات برده میشد. مسلمانان از اجرای حکم که آنرا غیر منصفانه میدانستند، مانع شده، زد و خورد ما بین مسلمین و هندو و قوای پلیس واقع گردیده و منجر به اغتشاش گردید که امور نظمی را مدت یک هفته معطل کرد. اما بالاخره اغتشاش بر طرف و نظم و نسق برقرار گردید.

بتاریخ ۳۱ می (۹ جوزا) زلزلهٔ مدهشی در شهر کوئته بلوچستان، رخ داده تمام آن شهر تجارتنی را با سرانگهی صکری آن زیر و زبر و با خاک برآ ساخت در ضمن تلفات جانی که با در نظر گرفتن شهرها و قراول آبادیهای اطراف آن، در حدود ۱۰۰،۰۰۰ نفر تعیین شده، چندین خانواده از افغانها نیز صدمه دیده اند چنانچه از طرف حکومت متبوعهٔ ما، جنرال فونسل افغان مقیم هند، با یک مبلغ مکنفی جهت تجهیز و تکفین هلاک شده کان افغانهٔ سربورو دستگیری باقیاننده کان و سرپرستی اموال آنها، به کوئته اعزام گردید.

میزان مجبوهی تلفات مالی هنوز زمین نشده اما خیلی زیاد است. خسارت حکومتی بالغ بر ۴ کروور کلدار و مصارف تعمیر جدید شهر کوئته ۷ کروور کلدار تعیین میشود.

در شب ۲۱ جون (۲۰ جوزا) حریق مدهشی در بازار قصه خوانی شهر پشاور از یک گندام خوب برخاسته، در حدود ۲ صد دکان را طعمهٔ آتش ساخت و با وجود کوششات زیاد عملاً اطفایه و امداد صکری، زیاد از ۲۴ ساعت دوام کرد. همچنین در ۵ جولائی (۱۳ سرطان) حریق بزرگ در ایست آباد واقع و خسارات فوق العاده را سبب شد.

مرض وبادرماه سرطان در پنجاب و کشمیر شروع شده دامنهٔ آن به علاقه جات شمال شرق هند حتی پشاور و علاقه مرحد رسیده، تمام میزان دوام داشت. اما با ترتداییر حکومت، تلفات آن بسیار زیاد نبود.

در نهم ماه اگست (۱۶ اسد) در لاهور بر اثر ویرانی یک مسجد قدیمی موسوم به شهید گنج از طرف سکاها، ما بین مسلمین و سکاها زد و خورد واقع شده، مداخلهٔ پلیس دامنهٔ آن را وسعت داد. بطوریکه مدت ۲ هفته در تمام شهر لاهور و اطراف آن بی نظمی و انقلاب جریان داشت و منجر به مداخلهٔ عساکر مسلح نیز گردیده چندین نفر از مسلمین و سکاها و افراد پلیس و صکری در خون قتلیدند و بالاخره پس از ۲ هفته آتش اغتشاش خاموش گردید.

در ماه سنبله عساکر حکومت هند به خاک مهمنده تجاوز کرده، از طرف مهمنده مدافعه جدیانه بعمل آمد. چنانچه به تعداد زیاد طیارات و دسته جات متهدد با توپخانه و تمام لوازم صکری بر سر آکز آنها حمله آور شدند ولی از مقاومت مهمندها کاسته نکردند و از هر دو طرف تلفات زیادی بظهور پیوست و حکومت افغانستان

بنا بر ملاحظه تبادلی و مذهبی و همسایگی عدم رضایت خود را نسبت به این رویه ظاهر ساخته دیگر اقوام مرحد نیز بنای اعتراض و حق جمع آوری را گذاشتند، بالاخره در دم میزان مصالحه شد و انگلیسها متعهد شدند که افواج خود را از مقامات تصرف کردگی، و این نخواهند و از تمدید مرک صرف نظر کنند.

در ماه قوس و زبر خارجه ایران از راه افغانستان به هند رفته، اکثر مقامات را سیاحت و راجع به خط آهن بلوچستان و ایرانی های مقیم هند و غیره بعضی مذاکرات نمود.

ترکیه

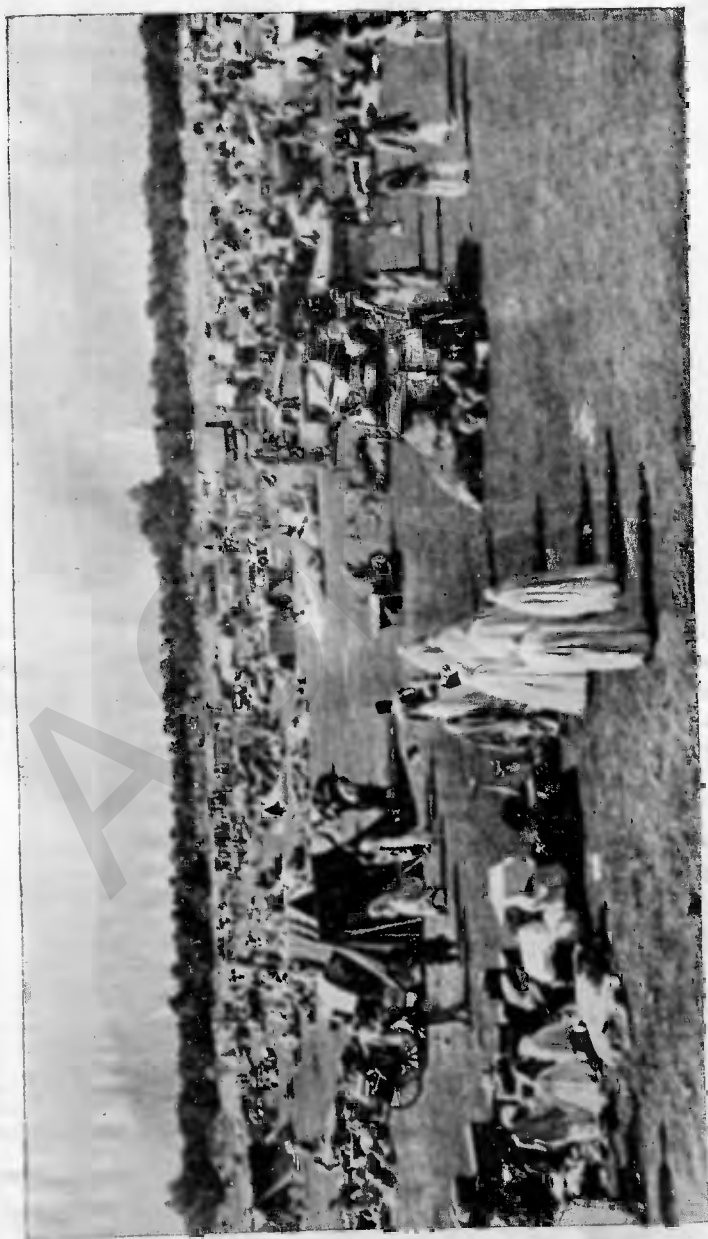
دولت ترکیه در سال ۱۳۱۴ موفق به اصلاحات اقتصادی فراوانی شده و نیز مقام خود را در دنیای سیاسی خصوصاً در نقش اتحادیه با القان بیش از پیش محکم ساخته است، روابط ترکیه با شوروی خیلی دوستانه بوده و علاوه بر هیئت های ورزشکاران مملکتین که برای نشان دادن مراتب دوستی ملتین، در مالک همد بگر مسافرت نموده اند یک هیئت اقتصادی ترکیه زیر ریاست وزیر اقتصاد به مسکو سفر کرده، از طرف مراکز صنعتی و مامورین شوروی پذیرائی خوبی دید. و با آن در ۱۰ سنبله کارخانه جات پارچه بافی روسی وارد ترکیه و در قیصریه نصب گردید. در ماه می (ثور و جوزا) که جلسه فوق العاده جامعه ملل برای ملامت ساختن المان در لغو معاهده و رسای منعقد شده بود، نمایندگی ترکیه نیز از موقم استفاده کرده، خواهش نمود که شرایط نظامی که بر استحکامات دره دانبال وضع شده، منسوخ فرار داده شود. اما نمایندگی انگلیس و فرانسه و ایتالیا به آن مخالفت و شوروی طرفداری خود را ظاهر ساخته بالاخره فیصله شد که موضوع منور در موقم دیگر پیش کرد، شود. چنانچه حکومت ترکیه در نظر دارد آن را در موقم انعقاد کنفرانس دول دنیا بویا اگر آن منعقد نشود، در کدام موقم مناسب دیگر به اجلاس جامعه ملل پیش کند و حاضر آبا دول ذی علاقه مشغول مفاهمه درین موضوع میباشند. اما از روزیکه لشکر کشتی ایتالیا بسوی افریقا شروع شده، توجه حکومت ترکیه به این طرف زیاد تر مطوف گشته و در ماه های جون و جولائی (جوزا و سرطان) عصمت اینونو صدر اعظم ترکیه با صاحب منصبان نظامی در سواحل دره دانبال و متعاقب آن در سواحل غربی جهت معاینه اوضاع تداقی سفر نمود و یک سلسله هدایات را برای استحکام مقامات منور صادر کرده است. حکمیت دولت ترکیه در اختلاف مرحدی افغانستان و ایران مورد قبول مملکتین واقع گردید و مطابق آن در وسط سال هیئت های افتائی و ایرانی مشغول نصب علائم مرحدی گردید. در ۲۰ محرب جهاز « اینه بولو » در بند را از میر غرق شده ۹۰ نفر هلاک گردید.

در همین اوقات یک معاهده عدم تعرض برای تحکیم صلح ما بین ترکیه، ایران و عراق طرح شده افغانستان نیز خاص بلحاظ صلح دوستی و طرفداری عدم تعرض دران شمولیت و رزید.

در ماه جدی و زبر خارجه افغانستان که بقصد سیاحت عازم اروپای می باشند وارد ترکیه گردید و از طرف حکومت و ملت ترک پذیرائی خوبی از آنها بعمل آمد.

در همین ماه ترکیه به خریداری خطوط آهن خارجی تصمیم نمود. و از طرف دیگر مطابق بمقررات جامعه ملل همکاری قوای بحری خویش را با قوای بحری انگلیس در بحر مدیترانه (در صورت حمله ایتالیا) وعده کرد.

خلاصه ترکیه درین سال گامهای فراخی را در راه اصلاحات اجتماعی و پیشرفت های اقتصادی و امور سیاسی خویش برداشته در سایه مساعی زمامداران لایق خویش در هر رشته موفقیت های رضایت بخشی حاصل نموده است.



منظره خرابی کوتاه و بی خانمانی سردمان آنجا بعد از زلزله

وزیر امور خارجه افغانستان در ترکیه

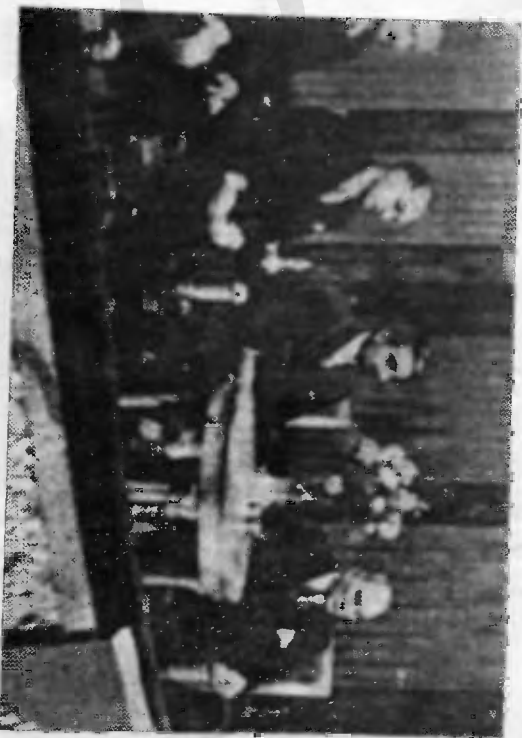
Le Ministre des Affaires Étrangères Afghan en Turquie.



از طرف چپ بر سمت ۱ - جلالآب صصمت ای تو نورئیس الوزراء دولت
جمهوریہ ترکیه ۲ - جلالآب فیض محمد خان وزیر امور خارجه افغانستان
۳ - جلالآب سلما نا محمد خان سفیر کبیر افغانستان در انقره

En haut: S. E. Atature et le Ministre des Affaires Étrangères Afghan à la Faculté de l'Histoire et de Géographie d'Ankara.

En bas: De gauche à droite: S. E. Ismet Innuu Président du Conseil de Turquie, S. E. le Ministre des Affaires étrangères
Afghan, S. E. l'Ambassadeur Afghan à Ankara.



حمیتاً ب اتاتورک و جلالآب وزیر امور خارجه افغانستان در مسام
افتتاح فاکولته تاریخ و جغرافیه

En haut: S. E. Atature et le Ministre des Affaires Étrangères Afghan à la Faculté de l'Histoire et de Géographie d'Ankara.

En bas: De gauche à droite: S. E. Ismet Innuu Président du Conseil de Turquie, S. E. le Ministre des Affaires étrangères
Afghan, S. E. l'Ambassadeur Afghan à Ankara.

ممالک عربی

اوضاع عمومی ممالک عربی درین سال اطمینان بخش بوده و هر یک ازین ممالک قدم های مهمی در راه پیشرفت معنوی و مادی خویش برداشته است. و نیز روابط باهمی ممالک مزبور نسبت به سابق بهتر شده و برای نزدیکی ممالک عربی اقدامات خوبی بعمل آمده که نتیجه آن در تالیف معلوم خواهد شد.

عراق: مملکت جوان عراق درین سال از یک طرف بسوی اصلاحات داخلی، سیاسی، اقتصادی، مدنی و غیره خود توجه زیادی مبذول داشته و از طرف دیگر روابط خویش را با همسایگان خود و ممالک اسلامی اصلاح و تقویه نموده. چنانچه اختلافات مرحدی خویش را با ایران (بشرحیکه در قسمت کارهای جامعه ملل و وقایع ایران ذکر شد) حل نمود و نیز با حکومت فرانسه نسبت به مهاجرت آشوریهها که بواسطه شکایت عراق و قبضه جامعه ملل و قبول حکومت فرانسه به سوریه مسکون می شدند موافقت نمود.

پیشرفت های مملکت عراق از قبیل ترقی عسکر و توسعه معارف و تجارت و غیره درین سال خیلی جالب توجه میباشد و امور قبائی نیز به اثر مساعی مصالحت اعلیحضرت شاه غازي صورت انتظام بخود گرفته است. در اواخر سال یک معاهده مودت مابین عراق و سعودیه طرح شده، که این دو مملکت را با هم نزدیک و زمینه را برای اتحاد ممالک عربی مساعد میگرداند.

عربیة سعودیه: مملکت عربیه نیز بمثلند عراق موفق به بسا اصلاحات داخلی شده و روابط او همراه یمن نیز رو به اصلاح گذاشته است. در شروع سال و لبعهد و وزیر خارجه مملکت به اروپا و مصر و فلسطین و سوریه سفر کرده در باب روابط بین المللی عربیه سعودیه و بعضی مسائل دیگر با ممالک مختلفه مذاکره و معاهده بعمل آوردند. در روز عید قربان موقعیکه اعلیحضرت ملک عبدالعزیز ابن سعود مشغول طواف بودند، چند تن از اعراب به ایشان همراه کارد حمله کرده اما بفضل خداوندی، و لبعهد شان حمله کنندگان را قتل از رسیدن با اعلیحضرت دستگیر و درهما نجا بقتل رسانیدند. در طول سال حکومت سعودیه با انگلستان در خصوص خط آهن مدینه منوره و غیره مسائل اقتصادی و سیاسی مذاکراتی بعمل آورده که نتیجه تا هنوز بدست نیامده است.

یمن: مملکت یمن پس از آنکه دو سال قبل در جنگ با مملکت سعودیه شکست خورد، متوجه اصلاحات عصری و تنظیم عسکر امور مدنی شده. چنانچه در وسط سال امام یحیی یاد شاه مملکت بسبب ضعف و پیری و غیره ایجابات خصوصی، از سلطنت کناره گرفته پسرش سیف الاسلام و لبعهد، زمام امور مملکت را بدست خود گرفت و از فراریکه معروف است، اصلاحات مهمی را شروع نموده می خواهد، مملکت خود را داخل حیات بین المللی بسازد فلسطین و شرق اردن: اوضاع این علاقه از سبب مخالفت یهود و اعراب و یاره مسائل سیاسی دیگر خیلی مشوش بوده، و اوضاع اقتصادی آن نیز شکل اطمینان بخشی نداشت.

مسئله جنگه ایتالیا و حبشه انگلیس را مجبور به استحکام سواحل فلسطین نیز نمود. چنانچه جناب استقلال طبری مردمان نحریک شد و در ماه دلو اغتشاشات سوریه، زمینه را برای آشوب درین خطه هم مساعد گردانید و هیچان عمومی هنوز ادامه دارد.

سوریه و لبنان: ایندو علاقه کثافی السابق از وضعیت حکومت فرانسه نسبت به قانون اساسی و استهلال آئینده خود، شاکی میباشند و حکومت فرانسه همان وعده های سابقه را تکرار و قانون مرتبه دو سال پیش را بزیر ترمیمات قرار داده است که ترمیمات مزبور به نهایت کندی اجراء می شود به اثر موافقه سال گذشته یک عده آشوریهها از عراق به سوریه

هجرت کرد ند. در تابستان این سال رئیس جمهور لبنان که از رجال بزرگ آن علاقه بود در فرانسه فوت شد. در ماه دلو بنا بر جنبانی که جنگ ایتالیا و حبشه در میلیون سوره تولید کرده بود، با ترس شدن پرودی نام رئیس ملی اغتشاشات خونینی در سراسر خاک منبور برپا گردید و اضطراب عامه و جنابت ضد فرانسوی هنوز ادامه دارد.

جایان

درین سال دوات جایان از یک طرف دامنه بسط نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را در چین وسعت و ادامه داده و از طرف دیگر عملیات خود را با ممالک اروپا بیش از پیش تقلیل و پای خود را از قیود بین المللی کاملاً بیرون کشید در قضیه ایتالیا و حبشه جایان بقبول بیطرفی خواست از موافقت استفاده کرده و مخصوصاً از سرگرمی ممالک اروپا بقضیه منبور مستفید شده، آمال سیاسی و اقتصادی خود را بیشتر عملی سازد و به این مقصد یک سلسله اقداماتی را شروع کرد که تا هنوز نتایج قطعی آن معلوم نشده است.

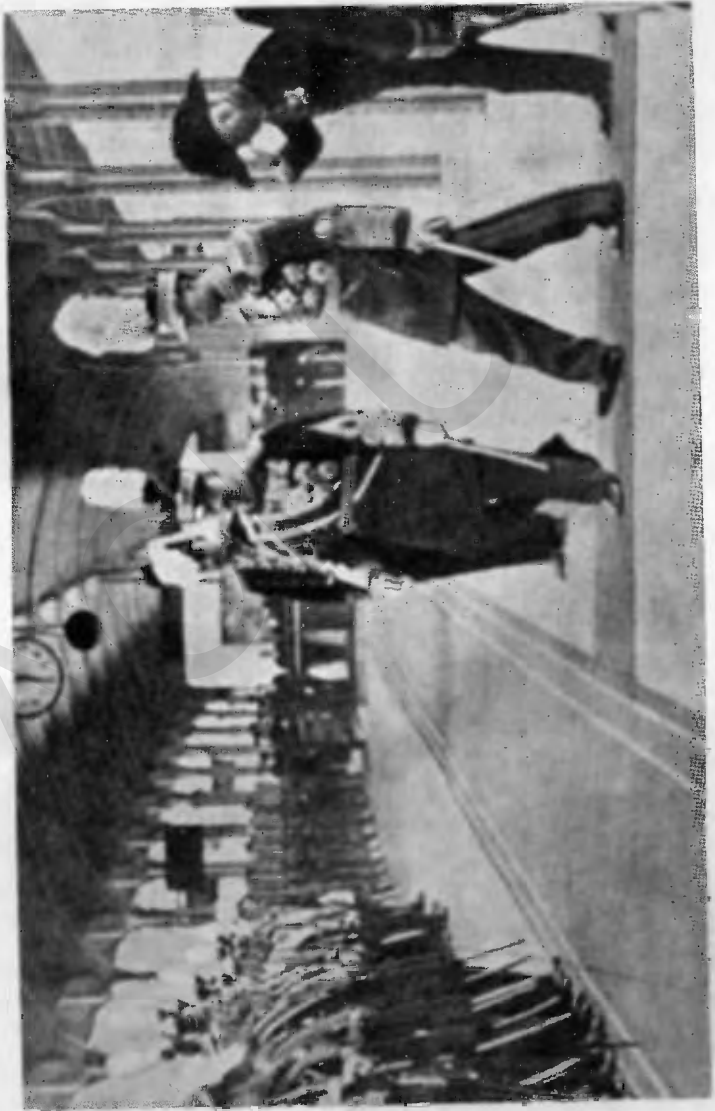
در شروع سال ۱۳۱۴ روابط جایان و شوروی در اثر واگذاری روسها از خط آهن شرقی چین در به بهودی گذاشته، در صورت اجرای قرارداد فروش خط آهن منبور، که قسمتی از وجه واجب الادا، از طرف جایان به شوروی در جنس (مصنوعات چینی) داده شود، اقدامات بعمل آمد. اما بزودی در اثر واقعات سرحدی که مابین منچو کو و شوروی واقع شد و نیز بسبب تجاوزات عساکر جایان به منولستان خارجی و غیره، مناسبات مملکتین در به خرابی گذاشته روز بروز بدتر شده میروند چنانچه اعلان حمایت شوروی از منولستان مسئله را با ریکتر ساخته.

در بنجم اپریل (۱۵ مه) امپراطور منچو کو برای ملاقات امپراطور جایان به توکیو سفر کرده، با احترامات زیادی پذیرائی گردید.

در ۲۱ اپریل (۳۰ مه) حمل زلزله مدهشی در جزائر جایان رخ داده، زیاده از هه هزار نفر تلف شدند و خسارات مالی زیادی عاید گردید.

اگرچه در شروع این سال گفتگوی زیادی از نزدیکی جایان و چین بمیان آمده، مذاکرات مفصلی مابین حکومتین دایر بر محکم کردن رشته های دوستی و تعاون سیاسی و اقتصادی جریان یافت، و اکثر دول بزرگ مثل انگلستان و امریکا آن را به نظری امیدوارانه دیده چنان و نمود کردند که قرضی را که چین از جامعه ملل درخواست میکند، متعهد خواهند شد، ولی در نهایت در ماه جولائی (سرطان) اقوام منبور بواسطه تجاوزات جدید عساکر چینی در مرحدات چین، از بین رفته، اولین مرتبه که جایان در مرحدات منچوریائی چین حمله نمود، بتاريخ ۹ جولائی (۱۷ سرطان) بود. چنانچه جایان دلیل خود، بی انتظامی مرحدات چین و عدم اقتدار حکومت منبور را در محترم نگه داشتن علاقه بیطرف اعلان کرد. و در ولایت چهار چندین حمله متجاوزانه نمود، از طرف چین چندان مقاومتی بعمل نیامده اما در مذاکرات رسمی، جایان اظهار کرد که منطقه بیطرف توسیع داده شود. چنانچه اقدامات جدی نیز معطل گردیده اما قوای چینی در مرحدات چین موجود و انتظار قائم جدید برده میشود. تا آنکه در موسم خزان، چندین ولایت از چین شمالی خواهش استقلال داخلی را نمودند. و حکومت چین بنای مخالفت را گذاشته مدت ۲ ماه زدو خورد مابین حکومت مرکزی چین و قوای ولایات منبور که مشکل از عساکر چینی و منچوریائی بود، جریان داشت و پس از آن بزرگترین چین و جایان مفاهمه بعمل آمده در باب تشکیل ولایات منبور طرح جدیدی ریخته شد که استقلال داخلی کامل و نه زیر نفوذ قطعی چین است. و روز بروز امکانات مفاهمت بین مملکتین زیاد تر میشود.

درین سال اوضاع اقتصادی و تجارت جایان بمانند سالهای گذشته رو بترقی بوده. یک سفارت فوق العاده چینی برای مطالعه در عمل امتناع بعض ممالک شرقی از صادرات چینی، به اکثر ممالک منبور سفر کرده، و نیز راجع



امیراطور جان امیراطور متھو کو را اید برانی و وزیرای خود معرفی میکنند



ویسکونت سائتو صدر اعظم مقتول جاپان



امیر البحر او کادا صدر اعظم مستعفی جاپان



تکا هاشی وزیر مالیه مقتول جاپان



جنرال هایاشی وزیر حریره سابق جاپان

جایان با ممالک شرقی گفتگو کرد، از قرار معلوم جایان از اینکه دیگر ممالک صنعتی از رقابت تباه کن
جایانی متأثر شده و خیال اقدامات جدی را دارند، در تشویش افتاده می خواهد به این قسم اندازه را به
ممالک منوریش نهاد کرده و عهده ناپد که بیش از آن در صادرات بآن ممالک کوشش نخواهد کرد.

در ماه اگست (اسد) جنرال هایاشی وزیر حربیه، استمفاداد، و معلوم گردید که مخالفت شدید در قلب
حزب مسکر جایان وجود دارد. چنانچه چندی قبل يك نفر جنرال دیگر موسوم به ناگاتا که از روسای حزب
مسکری و دوست هایاشی بود، بقتل رسیده بود. و نیز بعدها در ۶ حوت انقلابی از طرف مساکر افراطی
برپا شده و وزیر مایه و ساتو صدراعظم سابق و بسیاری از رجال بزرگ بقتل رسیدند ولی انقلاب پس از يك
هفته از طرف فوای حکومتی خاموش و انقلابیون دستگیر شدند و اکثرشان خودکشی نمودند، و هیر و تاووز برخارجه
سابق کابینه را تشکیل داد با وجود این احتمال دارد، احزاب افراطی کسب اقتدار نمایند. وضعیت جایان
در قبال مسئله حبشه، با آنکه در حبشه مفاد اقتصادی زیادی دارد و مخصوصاً ۷۰۰ هزار هکتار زمین را از حبشه
برای زراعت خریداری کرده و مردمان جایانی در آنجا مشغول فلاح هستند، تاکنون خیلی محافظه کارانه
میباشد. گویا جایان می خواهد، تا مدتی خود را بی طرف گرفته از رهگذر تجارت خود فایده ببرد و نیز جایان
میخواهد خود را با آلمان و ایتالیا نزدیک سازد چنانچه میگویند مذاکرات اتحاد آلمان و جایان کامیاب شده است.
این اتحاد سه گانه که پولند هم با آن همراه خواهد بود، در صورت حقیقت پیدا کردن محاذ بزرگی را تشکیل میدهد
که اتحاد انگلیس و فرانسه و روسیه را الزام خواهد کرد. جایان بواسطه نظریات آزادی خواهانه خود، با آنکه
در کنفرانس بحریه شامل شده بود اما در آخر ماه جدی از آن خارج شده، استقلال خود را در مسئله تسلیحات
بحری اعلات نمود. و نیز مبالغه بزرگی را برای امور حربی تخصیص داد که از آن سبب وضعیت بودجه
و امور مالی مملکت منور بور مواجه بمران میباشد.

چین

دوربرد بختی مملکت پهناور چین که ۵ سال پیش شروع شده تا هنوز خاتمه نیافته بلکه روز بروز اوضاع مملکت
منور و بیشتر کسب و خامت مینماید، فعالیت های جایان و نظریات تجاوزکارانه آن مملکت نسبت بچین درین
سال دوباره شروع شده و فضای چین را بر آشوب تر گردانیده است. اگر چه در شروع سال گفتگو از نزدیکی
چین و جایان شیوع داشت ولی در ۹ جولائی (۱۷ سرطان) عساکر جایان بسرحمد چین تجاوز کرده اظهار
نمودند که چین منطقه بیطرف اطراف دیوار اعظم را بدرستی خالی از نظامی نگه کرده توانسته و رهبران بچاک
منچو کو تجاوز می نمایند. تجاوزات منور مدتی دوام کرده، پس از آن جهان صورتیکه دفعه شروع شده بود،
بلا مقدمه معطل گردید گویا جایان چین را ترسانده و چون دوباره مذاکرات حاضر گردید، عملیات نظامی
خویش را معطل ساخت. در همین اوقات بود که چین از جامعه ملل در خواست قرض کرده و انگلستان و فرانسه
و امریکا و غیره بدادن قرض مشترک اظهار آمادگی نموده بودند. جایان نیز از طرف دیگر حاضر به دادن
قرض شده بود، اما انگلستان بنا بر خواهش چین يك نفر مشاور اقتصادی خود را برای اصلاح پول چین
به آنجا فرستاده مشارالیه دالر فلزی را لغو و بهوض آن اوراق نوت را رائج ساخت و دالر چینی را به کلدار
مربوط نمود که بر سیاست نقره اتاژونی تأثیر بد نمود.

در این اثنا شش ایالات شمالی چین که مشهورترین آن چاهار و هوئی است استقلال داخلی خود را مطالبه
نمودند. چین با این اقدام مخالفت کرده، زد و خوردی ما بین متردین و عساکر چینی بوقوع پیوست و در تمام این
مدت مذاکرات ما بین چین و جایان جریان داشت بتمسک به پس از يك سلسله کشمکش ها، بالاخره ما بین چین و
و جایان در باب تشکیل ولایات موافقتی بهم رسیده، بقرار آن سه ولایت يك اندازه استقلال داخلی را حاضر شدند

و نیز در همین وقت طرح يك معاهده جدید ما بین مملکتین رخنه شده که هنوز تکمیل نگردیده و نشر نشده است .
 واقعه مهم داخلی چین درین سال عبارت از سوء قصدیست که در ماد عقرب بروانگک چنگک وی رئیس الوزراء و وزیر خارجه چین بعمل آمد ، و عامل آن مخالفین طرفداری جاپان بودند ، و به از این سوء قصد وانگک چنگک وی سخت مجروح شده از کار کناره گرفت و عوض او جنرال چنانگک کای شک معروف ریاست وزراء را عهد دار شد و سفیر چین مقیم توکیو بوزارت خارجه منسوب گردید .

در ماه دلو تجاوزات جاپان و منچوکو بر منگولیای خارجی که تشکیل کونستی دارد شروع شده ، چین مداخله نه نمود ، و بالمقابل شوروی سخت از آن متاثر شده .

خلاصه وضعیت عمومی مملکت چین خیلی دچار بحران و پراکندهگی می باشد و ممالک مختلفی که در راس آن جاپان واقف است برای حصول امتیازات اقتصادی در آن مملکت متوجه بوده سعی دارند ، شیرازه اتحاد آن را برهم بزنند ، اما احتمال زیاد دارد که بالاخره چین به نظریات جاپان موافقت کرده هر دو مملکت با هم تعاون نمایند و اوضاع داخلی چین نیز بر زیر نظم صحیح بیاید . دران صورت البته ممالک دیگری که در چین مفاد تجارتهی دارند متاثر خواهند شد .

درین سال نهضت استقلال ترکستان چینی که ۲ سال پیش شروع شده و در سال گذشته ضعیف گردیده بود ، تقریباً سقوط کرده ، اداره آن خطه ظهراً بنام حکومت چین می شود .

انگلستان

سال ۱۳۱۴ برای دولت بریتانیا چه از رهگذر سیاست و چه از جنبه اوضاع داخلی سال خوبی نبود چه درین سال علاوه بر فوت شاه جارج و چند تن از رجال معروف چندین مسئله پیچیده و بمقابل دیپلوماسی آنسکلیس عرض اندام کرده است که مهمترن آن موضوع نزاع ایتالیا و حبشه و بالاخره جنگک آن دو مملکت میباشد . چنانچه انگلستان در شروع جنگک مذکور از یکطرف بوسیله مفادیکه در حبشه دارد و بیشتر به سبب موقعیت آن مملکت در راه هند و یاره مسائل سیاسی دیگر و احتیاج بصلح ، با نظریات ایتالیا مخالفت نموده ، جامعه ملل را تقویت نمود تا تدابیر تفریری را برضد ایتالیا جاری سازد و خودش در راه عملی شدن تدابیر مزبور وظیفه مهمی را بردوش گرفت . از طرف دیگر در ابتدا خود را در مدیترانه تنها و استعکامات خود را زیر خطر مشاهده کرده ، بنابراین به اثر مساعی زیادیکه بخرج داد از یک سو استعکامات خود را در جبل الطارق و اسکندریه و غیره نقاط مصر و فلسطین تقویت نمود و از سمت دیگر تعاون بحری فرانسه ، یونان و ترکیه را برای خود حاصل کرده موقعیت خود را در او آخر سال تحکیم بخشید . نظریات انگلستان در قضیه حبشه کاملاً طرفدار جامعه ملل و خواهان عدم تسلط ایتالیا بر حبشه میباشد .

در ماه مارچ (حمل) مرجان سایمن وزیر خارجه انگلیس ، به تعقیب مذاکرات ۳ فروری (اوائل دلو ۱۳۱۳) به برلین سفر کرده و میخواست نظریات حکومت برلین را در موضوع خلم سلاح و غیره مسائل اروپائی و روابط مملکتین معلوم نماید . اما سفر در موقعی صورت گرفت که حکومت آلمان قانون نظام اجباری را اعلان نموده و بنا بران منظور اصلی ، چنانچه شاید و باید ازین سفر بدست نیامد ، اما زمینه همکاری مملکتین انگلیس و آلمان همواره گردیده ، نتیجه آن انعقاد معاهده بحری بود ، متعاقب آن در اوائل اپریل (ماه حمل) آنتونی ایدن سیاستمدار انگلیس به مسکو عزیمت نموده با زما مداران اتحاد شوروی راجم به تمامی مسائل بین المللی حاضره و کلیه موضوعات خصوصی متعلقه مملکتین چه در مغرب و چه در مشرق مذاکره کرده طرفین ازین تماس اظهار رضامندی نمودند . و عامل نزدیکی مناسبات دو لنین گردید . ایدن در وقت مراجعت به ورشو (یولیند) و پراگه

گزارشات دنیا

(چکوسلواکیه) نیز رفته ، در هر دو نقطه راجع بموضوعات اروپائی و چکونکی موقعیت ممالک منبور و رویه آنها در برابر انگلستان مفاهمه بعمل آورد .

در ۱۸ می (۲۷ ثور) جشن تقریبی یعنی بیست پنجمین سالگره جلوس جارج پنجم پادشاه «فقید» انگلستان باشکوه و عظمت فوق العاده در لندن منعقد شده ، نمایندگان اکثر دول و ممالک امپراطوری برطانیسا در آن حضور بهم رسانیدند .

بروز ۸ جون (۱۷ جوزا) حکومت مکداند استعفا داده ، بالدوین از روسای محافظه کار از طرف شاه به تشکیل حکومت مامور گردید و حکومتی متشکل از احزاب مختلفه که محافظه کاران در آن حائز اکثریت است ، تشکیل نمود ، درین حکومت مرسونیل هور سابق وزیر همد ، وزیر خارجه و اتونوی ایدن وزیر امور جامعه ملل و مارکوز آف زتلند (سابق حاکم بنگال) وزیر هند انتخاب شد (سپس با اثر انتخابات عمومی و استعفی بعضی از وزراء کابینه تغییراتی دیده است)

انگلستان برای حفظ توازن اروپا که از سبب ورود روسیه شوروی در جامعه ملل و معاهده امداد متقابل فرانسه و شوروی در شرف تغییر بود ، طرح یک معاهده بحری را با آلمان ریخته (۲۳ جولائی مطابق ۳۱ سرطان) قبول کرد که آلمان ۳۰ فیصد قوای بحری او را داشته باشد . این معاهده بر فرانسه اثر بدی کرده ، محافل فرانسوی آن را بشکسته شدن معاهده و رسای از طرف انگلستان تعبیر نمودند ، چنانچه با اثر عقد شدن این معاهده فرانسه و امریکا قوای بحری خود را افزودند .
بتاریخ ۲۶ ستمبر (میزان) کارخانه بزرگ ساحل رود داینک دوچار حریق مدهشی گردیده منجاوز از یک میلیون سترلینکه خساره رسید .



بالدوین رئیس الوزرای انگلستان

در ۹ اکتوبر (۱۵ میزان) لینسبری معروف از ریاست حزب مزدور استعفی داده میجر اتلی به عوض او منسوب گردید .
در ۶ نومبر (۱۳ عقرب) هرومی دیوک آف کلوسستر پسر سوم شده انگلستان بالیدی ایس دخترتری از نجبای سکاتلند به عمل آمد .

در ۴ دسمبر (۱۲ قوس) مجلس جدید افتتاح شده ، محافظه کاران در آن حائز غایبه گردیدند ، چنانچه بعضی از وزراء ، مثل مکداند مشهور و هیلشام و غیره بسبب عدم موفقیت در انتخابات سبکدوش گردیدند .

در ۲۰ دسمبر (۸۲ قوس) به اثر عدم موافقت مجلس ملی بالتجاویز ریاریس که برای صلح ایتالیا و حبشه منعقد شده بود



انتونوی ایدن وزیر خارجه انگلستان

مرسونیل هور وزیر امور خارجه استعفی داده بر و ژاول جدی اتونوی ایدن وزیر امور جامعه ملل بوزارت خارجه منسوب گردید . در همین اوقات لاردریدنکه نائب السلطنه سابق هند و امیر البحر جلیکو فانج جوتلند نیز فوت شدند .

در ۲۱ جنوری ۱۹۳۶ (اول دلو) جارج پنجم پادشاه انگلستان فوت شده، پرنس در همان روز بنام ایدورد هشتم اعلان سلطنت نمود، و مراسم تشییع جنازه شاه فقید باشان وشکوه ج به عمل آمد، چنانچه اغلب سلاطین وشهزاده گان ووزرای ممالک دنیا در آن شمولیت ورزیده بودند، از طرف افغانستان ع.ج فیض محمد خان وزیر امور خارجه که مشغول مسافرت اروپا میباشد همراه سفیر کبیر اعلیحضرت در انقره و وزیر مختار اعلیحضرت در لندن و نماینده حربی افغانستان در کنفرانس خلم سلاح در مراسم مزبور سمت نمایندگی داشتند.



خلص سوانح شاه فقید وشاه جدید انگلستان :

اعلیحضرت جارج پنجم :

جارج پنجم، پادشاه جدید انگلستان، پسر دوم ایدورد هشتم و ملکه الکتز ندره بزرگترین دختر کریستیان نهم شاه دانمارک در سال ۱۸۶۵ عیسوی تولد یافت. در ۱۸۷۷ داخل مسلک

بحریه شده مدت ۲ سال را در جهاز « بریتانیکا » گذرانیده، اعلیحضرت ادورد هشتم پادشاه جدید انگلستان سپس در جهاز « بکجات » در ظرف سه سال، دور دنیا را طی نمود. پس از مرگ دیوک آف کلیرنس در ۱۸۹۲ وارث تخت گردید. در ۱۸۹۳ با پرنسس میری آف تگ ازدواج کرد. و بوقم جلوس پدر، لقب دیوک آف کار نوال و بعد ها پرنس آف ویلز را نایل شد. در ۱۹۰۹ با خانم خود در مستعمرات انگلیسی سیاحت نمود در ۱۹۰۵ هند آمد. در ۱۹۱۰ جالس تخت گردید و در ۱۹۱۱ مراسم تاج پوشی او بعمل آمد. در ۱۹۱۳ با ملکه میری برای هرومی پرنسس وکتوریا لوتیس به برلین رفت و در اپریل ۱۹۱۴ پاریس را سیاحت نمود. در جنگ عمومی جداً از مملکت خود طرفداری کرد و برای پیشبرد امور عسکری و بحری و سایر مایحتاج محاربه متتهای فعالیت و حوصله بخرج داد. بعد از آن تاریخ تا وقت فوتش که در اول دلو ۱۳۱۴ بسن ۷۲ سالگی بوقم دیوست همیشه نظریات صلخواهی را از خود ابراز می داد. در بهار همین سال جشن نقره یعنی بیست و پنجمین سالکرة سلطنت خود را گرفت.

اعلیحضرت ادورد هشتم :

اسمش ایدورد، البرت، کریسچیان، جارج، اندره، پتریک، داوید و در ۱۸۹۴ تولد شده پدرش جارج پنجم متوفی و مادرش ملکه میری میباشد. در ۱۹۰۷ به مدرسه شاهی بحری داخل و مشغول تحصیل گردید. در ۱۹۱۰ لقب پرنس آف ویلز یعنی ولایت عهد را حاصل کرد. در ۱۹۱۱ داخل دارالعلوم آکسفورد شده سپس در ۱۹۱۴ موقع اعلان شدن جنگ عمومی در محاذ فرانسه و ایتالیا خدمت کرد و در ۱۹۱۶ بمصر در ۱۹۱۹ کانادا و اتارونی و در ۱۹۲۰ آسترلیا و زیلند جدید را سیاحت نمود. در ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲ به هند و شرق آفقی و در ۱۹۲۵ با فریقا و جنوب اسریکا مسافرت کرد. سالهای ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۰ را در آفریقا به شکار گذرانید و در ۱۹۳۱ در طیاره شخصی خود همراه برادرش شهزاده جارج امریکای جنوبی را مفضلاً سیاحت نمود. و بالاخره در ۲۱ جنوری ۱۹۳۶ مطابق اول دلو ۱۳۱۴ بعد از فوت پدر خود اعلان سلطنت نمود. ایدورد هشتم دارای نشانات و القاب اقتضاری زیادی است، و تا هنوز تا هل اختیار نکرده و در نزد ملت انگلیس فوق العاده محبوبیت دارد.

فرانسه

فرانسه دنباله فعالیت های سیامی خود را که در سال گذشته شروع نموده بود امتداد داده با اثر مذاکراتیکه در ۳ فروری ۱۹۳۵ (اواسط دلو ۱۳۱۳) با انگلستان نمود، میخواست قرار داد او کارنوی شرقی را طرح نماید، و برای این مقصد انگلستان را وادار ساخت که در اینخصوص با آلمان مذاکره نماید، ولی در همین وقت ۱۷ مارچ (مطابق ۲۵ حوت ۱۳۱۳) آلمان نظام اجباری را اعلان و آخرین امید های فرانسه را نسبت بشمولیت خود در قرار داد شرقی محو ساخت، و علاوه برین فرانسه به جامعه ملل نسبت به این رویه آلمان که مرادف با القای خود سرانه مقررات نظامی معاهده و رسای باشد، شکایت نمود و محکومیت و ملامتی آلمان را در جلسه فوق العاده جامعه (ماه می - ثور) حاصل کرد و در این زمان بفرقه افکار که شکل قرار داد منبور را تیر داده برای حفاظت و تقویت خود، طرح جدیدی بر بزد. بنابران معاهده امداد متقابل را که تقریباً اتحاد نظامی میباشد همراه روسیه شروی عقد نمود (اول می ۱۹۳۵ - ۱۰ ثور) و متعاقب آن لاوال و زیر خارجه فرانسه پس از مذاکره مختصری که در ورشو با حکومت پولند برای دریافتن نظریه قطعی و آخری حکومت منبور راجع بشمولیت او در قرار داد های مجموعی نمود، در ۱۳ می (۲۳ حمل) بمسکو سفر کرده در خصوص صورت اجرای معاهده منبور همراه زما مداران مسکو مفاهمه بعمل آورد و در سراجعت، نایبندگی حکومت خود را در مراسم تشیع جنازه مارشال بلسودسکی نمود.

فرانسه از شروع سال ۱۳۱۴ بمسئله نزاع حبشه و ایتالیا اگر چه مستقیماً مداخله و اظهار علاقه مندی نمی نمود اما بازم در تمامی اقدامات بین المللی و انفرادی که بشمولیت انگلستان بعمل می آمد شرکت داشت ولی بطوریکه گویا دست ایتالیا را در افریقا آزاد گذاشته باشد تا بسیار زمان بجز از میانجی گیری میان ایتالیا و انگلستان، از طرف خود کوششی نمی کرد، تا آنکه انگلستان در ماه اگست (اسد) موضوع عدم مداخله خود را به قضیه آستریا و عدم پشتیبانی خود را از جامعه ملل پیش کشیده فرانسه را تهدید نمود و در آنوقت فرانسه وفاداری خود را بمقررات جامعه ملل اظهار کرد، و در آخر سال از یکطرف اقدامات آخرین خود را برای مصالحه بین ایتالیا و حبشه بعمل آورد (مقصود از تجاوز یاریس) و از طرف دیگر قرار داد های امداد قوای بحری فرانسه و انگلستان را در بحر مدیترانه امضا نمود. تبدیل شدن رویه سیامی فرانسه یعنی ترك طرفداری ایتالیا و تعاون با انگلستان سبب افتد اراد یکال های سوسیالیست گردید.

در ۲۶ جون (جوزا) باخر خارج شدن مقدار زیاد طلا (سه ملیار فرانک) از بانک و خاک فرانسه و تجارت غیر مشروع آن از طرف بعضی تجار و مداخلت احزاب دست چپ، بحران های شدیدی در فرانسه رخ داده منجر به سقوط کابینه فلاندن گردید، بویسون رئیس شورای ملی که کابینه از تمام احزاب تشکیل داد، از سبب تحریکات احزاب منبور، در ظرف ۲۴ ساعت مجبور به استعفا گردید و پس از چند روز غوغا و اغتشاش بالاخره لاوال وزیر خارجه سابق، کابینه مقتدری تشکیل داد که تا ماه دلو دوام نمود.

لاوال به زودی ممکنه صدور طلا و تجارت غیر مشروع آن را منم نمود، برای تثبیت فرانک اقدامات جدی به عمل آورد و ضمناً نقشه مفصلی را برای اصلاح امور مالی و توازن بودجه طرح نمود که بعد ها در ۱۶ اگست (۱۳ اسد) باسم «فرامین قانونی» صادر شده معاشات و مستمری ها و بعضی حقوق دیگر را تقلیل داد و مقرراتی برای ارزانی اجناس و غیره در کات صرفه جوئی در برداشت. این فرامین از طرف شورای ملی تصدیق شده و علی العجابه باجرای آن را امر صادر گردید، ولی يك قسمت از متعاعدین، مامورین و عمله و احزاب دست چپ با آن اظهار مخالفت نمودند و اعتصاباتی به عمل آوردند، واقعه مهم دیگر سال ۱۳۱۴، پیشرفت کمونست ها در انتخابات و زدیکی مزید سوسیالیست ها و رادیکال های

سوسیالیست و غیره به آنها میباید که منجر به هیجان حزب فاشیست شده و مردمان بصیر برای جلوگیری از خطر کمبودم از فاشیست‌ها پشتیبانی نمودند. (زیرا در همین حال یقین داشتند که دکتا توری در فرانسه مرکز قائم شده نمی تواند) اما مسئله حبشه و ایتالیا بزودی این تحریک را خاموش ساخته احزاب فاشیست تنزل نمودند. بهر حال وضعیت سیامی داخلی فرانسه بحران آمیز میباید، اما امور اقتصادی و مالی تا اندازه شکل اصلاح بخود گرفته است.

در اواسط سال اقداماتی برای مقابله مابین فرانسه و آلمان بعمل آمده که محرک آن لاوال بود. اما نتیجه نداد زیرا آلمان برای موافقت به پیشنهادات فرانسه، صرف نظر از معاهده امداد متقابل فرانسه و شوروی را میخواست و فرانسه برای این کار حاضر نبود چنانچه معاهده مزبور در ماه حوت (۲۹ فروری) با ظرف شورای فرانسه پس از ترمیم جزئی تصدیق شد.

چنانچه با امضا شدن قرارداد مزبور بتاريخ ۱۷ حوت آلمان نفع معاهده او کارنو را اعلان و عساکر خود را بمنطقه خالی از نظامی را بن لندن اعزام نمود و فرانسه عریضه بیجامه ملل تقدیم کرده که مطابق آن جلسه فوق العاده جامعه بتاريخ ۲۳ حوت منعقد شده است و روابط مملکتین مزبور، بسیار کشیده و باریک معلوم میشود.

در اواخر قوس هر یوسیلستمدار معرف از ریاست حزب را دیکال سوسیالیست استعفی داد. در ماه داوکا بنیته لاوال باثر مخالفتی که مشارالیه در موضوع صرف نظر کردن از دوستی ایتالیا همراه رجال سیامی داشت سقوط کرده «البرسارو» رئیس اوزراء سابق از حزب را دیکال سوسیالیست کابینه جدید را تشکیل داد که در آن فلاندن علم بردار دوستی با انگلیس و زیر خارجه و اکثر وزراء از حزب مزبور میباشند.

در اخیر سال آب خیزی های زیادی در جنوب فرانسه واقف و خسارات مالی مهمی به مردمان رسانیده است. اشخاص مهمی که در این سال فوت شده عبارت است از ژول کامبون سیامی و ادیب معروف و پول بورژوا دانشمند بزرگ که هر دو عضو اکادمی فرانسه بودند.

در مستعمرات فرانسه نیز بمثل مستعمرات انگلستان هیجاناتی رخ داده که زاده مسئله نزاع ایتالیا و حبشه میباشند، مثل جنبش های ملیون سوریه و لبنان و الجزیره و تونس و غیره.



بلجیم

سال ۱۳۱۴ برای مملکت بلجیم يك سال خوشی نبود زیرا کشمکش های سیامی میان احزاب بیکمال شدت جریان داشته مخصوصاً مشکلات اقتصادی از قبیل کسر بودجه و تنزل نرخ بلدکیا (مسکوک بلجیمی) فضای مملکت را تیره و تار ساخته است، حکومت های متوازی که آخر آن بریاست «فان زیلانده» تشکیل یافته، يك سلسله تدابیر اقتصادی را روی کار آورده اند که نتایج مفید آن از حالا ظاهر شده است.

در ماه سرطان نمایشگاه بین المللی بروکسل، باشکوه و عظمت جالب دقتی افتتاح گردید و تقریباً تمام ممالک عالم در آن شمولیت ورزیده بودند.

تاریخ ۳۰ اگست (۶ سنبله) موثر پادشاه و ملکه و فقیه مقام (کتر کاتون) سویس مشغول سیاحت بودند بدرنقی تصادم کرده ملک (آسترید) هلاک و شاه (لیوولد سوم) مجروح گردید. چنانچه جنازه ملکه

فان زیلانده رئیس الوزرای بلجیم

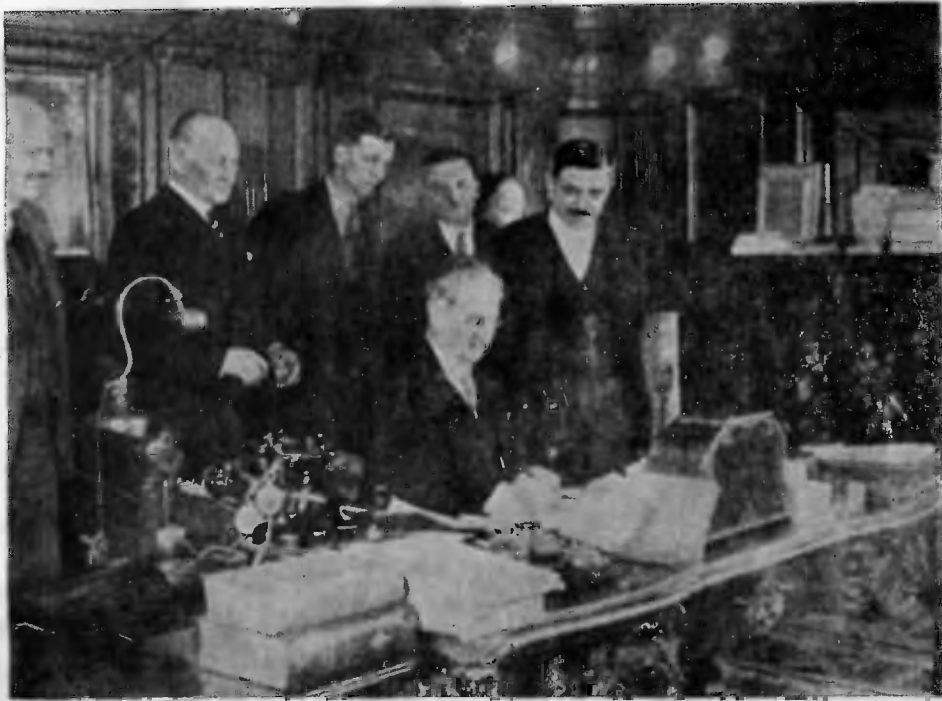
جنازه ملکه



ادو ارد هیو سیاسی استمدار معروف فرانسه که اخیراً از ریاست
عزب رادیکال سوسیالیست استعفی نمود



البرسارور رئیس الوزرای حالیه فرانسه



امضای قرارداد امداد متقابل بین فرانسه و شوروی در پاریس ، نشست یونمکین سفیر شوروی
در پاریس ، شخصیکه بالای مریش ایستاده لادوال وزیر خارجه (سابق) فرانسه



یادشاه بلجیم و واملکه آستریه (متوفی) و پسر دوم شان در یک روز جشن

ع با تشریفات بزرگ و بحضور چندین شهزاده و شهزاده خانم و نمایندگان فوق العاده دول دوست و هم به مشایعت و دفن شد.

درین سال اقداماتی در راه نزدیکی بلجیم و شوروی بعمل آمده و در نتیجه مبادله سفر بعمل آمد و نیز یک سلسله مذاکرات تجارتهی شروع شده که مقصود از آن طرح یک معاهده تجارتهی میباشد چنانچه بالاخره معاهده منبراً امضا شده است در ماه اگست (اسد) فون روبنتروپ نماینده مخصوص هر هتار به بروکسل سفر کرده به این سفر اهمیت بزرگی از طرف مراکز سیاسی داده شده، و در خصوص مسائل متعلقه مملکتین مذاکره بعمل آمد ولی نتیجه مهمی از آن ظاهر نشد. در آخر سال، بلجیم خواست اقدامی برای مصالحه مابین ایتالیا و حبشه و بهبودی روابط ایتالیا و انگلیس بعمل بیاورد. زیرا بلجیم در همین حال که به توازن اروپائی ملافه دارد، یک دولت مستعمراتی نیز میباشد و ضمه استعماریون را پسند ندارد، اما این اقدام کامیاب نگردید. نقض معاهده لوکارنو از طرف آلمان که بتاريخ ۱۷ حوت واقع شد، بر بلجیم اثر شدیدی کرده دولت منبر توجیهی بسوی مرحدات خود کرده عریضه بجامعه ملل صادر نموده است.

هالند

مملکت هالند که از قدیم یک دولت تاجر پیشه میباشد، عموماً در مسائل بین المللی تمایز نمیکرد و بطرفی دائمی را محافظه میکند. چنانچه درین سال نیز با وجود وقایع مهمه که اتفاق افتاد، دولت هالند ابتدا مداخله نکرد. اما راجع به اساس طلائ نظریات فرانسه را تأیید میکند. درین سال هالند نسبت به حفظ مستعمرانش بمقابل خطر جاپان، مذاکراتی با انگلستان نموده است. و نیز در همین سال جنرال فونسل هالند مقیم هند برای مطالعه امور تجارتهی به افغانستان آمده، با مراکز اقتصادی انقانی تبادل افکار نمود.

آلمان

اصلاحات اجتماعی و خواهشات زیادی که از بدو فاصله روی کار آمدن حکومت نازی در آلمان آغاز یافته است در سال ۱۳۱۴ بشدت تمام جریان داشته از یک طرف برای پاک کردن مملکت از عناصر غیر آری و کوتاه کردن دست یهود از امور مامورتهی و مدنی و رفع اقتدار کلیسای کاتولیک از اذهان عامه و وحدت بخشیدن مذهب، اقدامات زیادی بعمل آمده و از طرف دیگر زحماتی آلمان در راه دفع قیودیکه پس از جنگ عمومی بر مملکت منبر برگذاشته شده بود قدم های بزرگی برداشته است که مهمترین آن اعلان نظام اجباری در ۱۷ مارچ ۱۹۳۵ (۲۹ حوت ۱۳۱۳) بود و به این واسطه آلمان شرایط نظامی معاهده ورسای را در هم شکسته خود را برای ننگه داشتن ۳۲ فرقه فوج که بالغ بر ۴۵۰ هزار افراد باشد مجاز ساخت و بررأی ملامتی که جامعه ملل بتاريخ ۲۰ می ۱۹۳۵ (۲۹ نور) بر خلاف او صادر کرد اعتنا نمود.

و کمی بعد اعلان ننگه داشتن طیارات جنگی را نموده به ساختن طیارات حربی بزرگ مصری آغاز گذاشت. در شروع سال سر جان سایمن وزیر خارجه انگلستان بر برلین سفر کرده و در اطراف نزدیکی مملکتین و نیز راجع به مسائل موجوده بین المللی مخصوصاً مناسبات فرانسه و آلمان با مامداران آن مملکت مذاکره نمود. چنانچه در قسمت ثانوی مذاکرات منبر بی نتیجه باقی ماند ولی نزدیکی آلمان و انگلیس تا اندازه تأمین شد و بالاخره منجر به عقد معاهده بحری آلمان و انگلیس گردید (۲۳ جولائی ۳۱ مرطان) و برطبق آن آلمان حق ننگه داشتن بحریه را که ۳۵ فیصد بحریه انگلیس باشد دارا شد. اما تقرب فرانسه و انگلیس در او اخر سال نزدیکی منبر بوررا سست کرد.

گویا آلمان درین سال موفق بداشتن قوای نظامی: بری، بحری و هوائی گردید.

بالمقابل در اوایل سال ۱۳۱۴ نازیها در انتخابات شهر آزاد داننزيك شكست فاحشى خوردند ، جنرال گویرك وزیر هوا بیانی المان که از رؤسای درجه اول حزب نازی و از رفقای صیبهی هر هتلر است در یولیند و ممالک بالکان و غیره سفر کرده ، خصوصاً جهت نزدیکی ممالک بنیور با المان کوشش نمود . چنانچه زمینه اتحاد المان و یولیند را محکم و توجه یوگوسلاویا و بلغار و مجارستان را بیشتر بسوی المان جلب کرد .

در اوایل اکت (۱۰ - ۱۱) کلنل بک وزیر خارجه یولیند رسماً به المان سفر کرده در اطراف نزدیکی میند المان و یولیند با حکومت برلین مذاکرات بعمل آورد حتی افواہ است که طرح معاهده عربی مابین المان و یولیند ریخته شده است . چنانچه دلیل آن تمهید یافتن معاهده تجارتی رایى دانند .

در ۲۲ ماه اکت (۱۹ - ۱۰) انفلاق مهمی در کارخانه مواد محترقه سازی زینس دورف بوقوع رسیده ۵۴ نفر مقتول و ۷۲ نفر مجروح شدند ، خسارات مالی هنگفتی نیز هایت گردید .

در اواسط سال انتخابات عمل شروع شده پس از يك سلسله مشکلات که روابط المان و لیتوانیا را تیره ساخت نازیها در انتخابات غلبه کردند (عمل علاقه ایست که از المان جدا و به لیتوانیا داده شده ولی زیر نظر جامعه ملل است) و نیز در همین وقت یاتر مساعی دا کتر سخت وزیر اقتصاد برای یهودیان حقوق اقلیت داده شده نظریه آشلوس یعنی الحاق استریا به المان ، اگر چه ظاهراً از نظر اقتاده اما حکومت المان با وجود کوششات زیاد دول در آن خصوص ، هیچ اعتراف و وعده نمود است .

المان در مسئله نزاع حبش و ایتالیا ، وضع بیطرفی را اختیار کرده در عین حال مجبوریت ایتالیا را به توسعه و خاص از رهگذر اینکه خودش هم بهمین حال گرفتار است تصدیق میکنند . و بعضی جراتها از دست داد و مستعمرات المان به او گفتگو میکنند . حتی بعضی رجال رسمی نیز موضوع استرداد مستعمرات را گوشزد مینمایند .

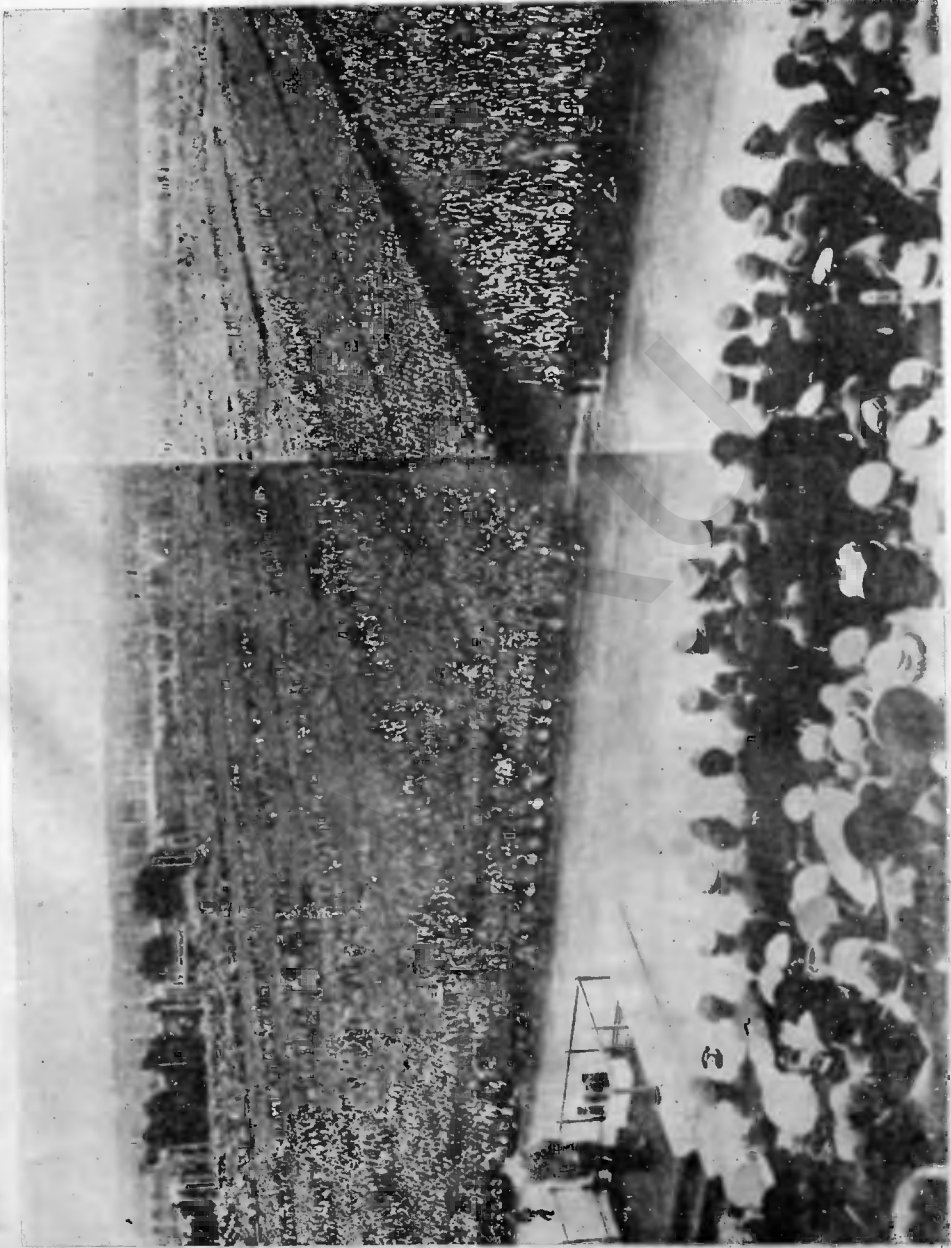
اما تاکنون پیشنهاد رسمی عمل نیامده . مذاکراتی که مابین فرانسه و المان در برلین واقف شد نتیجه نداد . موضوع نزدیکی المان و جاپان خیلی شهرت یافته ولی روابط المان و شوروی بسیار ناگوار میباشد زیرا زمامداران طرفین اظهارات تندى بر علیه همدیگر مینمایند . سفر جنرال کومیس رئیس الوزرا و مجارستان به برلین زمینه را برای نزدیکی مجدد المان و ایتالیا مساعد ساخته . اما نتیجه قطعی تا هنوز معلوم نیست .

خلاصه المان در بن سال در عین حالیکه قسمت بزرگ هم خود را صرف اصلاحات داخلی و امور تسلیحات عوده با استفاده از مشغولیت دنیا ، يك سلسله اقدامات سیاسی نیز بعمل آورده که مقصود از آن جستجوی متحدین جدید و معلوم کردن نظریات دول مختلفه اروپائی و طرق استفاده از آن بوده است .

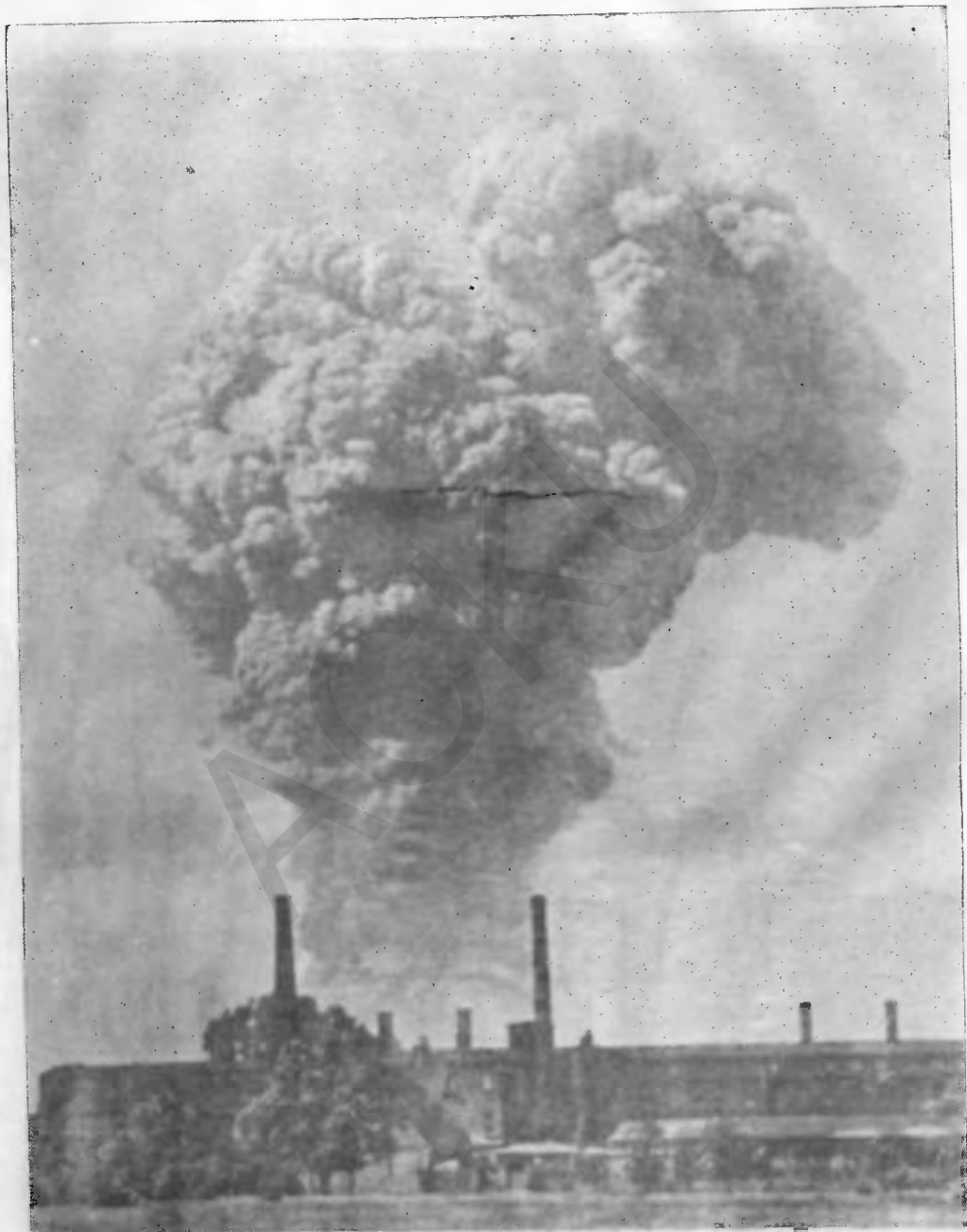
مسئله که در او اواخر سال اسباب نگرانی حکومت و پریشانی ملت المان شد ، قتل کوشت و مسکه و غیره خوراکی بود که بواسطه نزدیک محاصیل برای امور دفاعیه رونما گردید

فون رونبروپ نایب شده خصوصاً هتلر در امور بین المللی در ۱۷ حوت المان به اثر تصویب شدن قرار داد فرانسه و شوروی ، نقض معاهده او کار نوین اعلان و بلافاصله منطقه خلی از نظامی را بن لندن را اشغال نمود . این مسئله بر فرانسه و باقی امضا کنندگان معاهده لوکارنو نمود اثر بدی کرده و فرانسه عرضحالی به جامعه ملل تقدیم کرد که با اثر آن جامعه ملل مشغول مطالعه قضیه است .

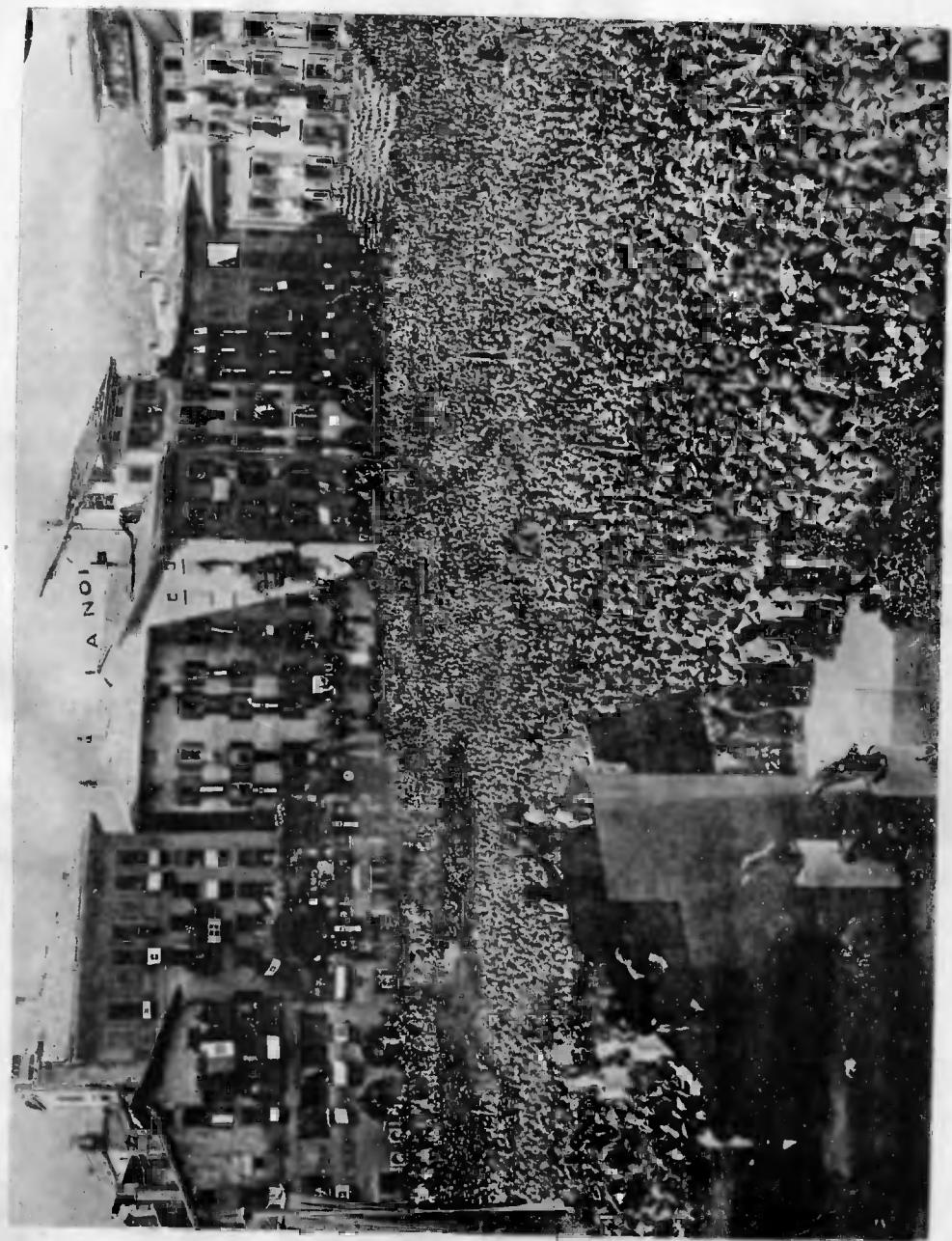




يك منظره از كنسركه معروف نور نبرك كه دران هتلر رئيس مملكه المان خط مشى خود را بحضور ۳۰۰۰۰۰ نفر نازيها اعلان كرد .



منظره انفلاق کارخانه مواد انفلاقیه سازی زینس دورف در المان



منظره داخلی معروف موسولینی رئیس الوزرای ایتالیا در شهر ترانکو که ۷۰,۰۰۰ نفر بیانات او را درخود میدان می شنیدند



مارشال بادو کلیو رئیس ارکان حرب
عمومی سابق و فرمانده کتل عساکر
ایتالیا در افریقای شرقی



مارشال دی بو نو فرمانده سابق عساکر
ایتالیا در افریقای شرقی



بارون الوازی نماینده ایتالیا در جامعه ملل



جنرال گرازیانی فرمانده افواج
ایتالیا در محاذ جنوبی حبشه

ایطالیا

آنچه در سال ۱۳۱۴ تمام وقایع داخلی ایتالیا را تحت الشعاع خود قرار داد، و آینده آن مملکت نیز مربوط به آن می‌باشد همانا قضیه نزاع او با حبشستان است که شروع آن از (زمستان ۱۳۱۳) در اثر واقعه وال وال شده و سپس در جامعه ملل وارد و به اثر فشاری ایتالیا و شروع عملیات نظامی از طرف مملکت منبور و عملی شدن تدابیر امتناعی بمقابل آن و بالاخره در نتیجه کندهی پیشرفت عساکر او شکل بار یکی بخود گرفته است.

ابتدا دول ذی‌علاقه حتی جامعه ملل به این عقیده بودند که حبشه يك اندازه امتیازات اقتصادی و يك مقدار اراضی خود را به ایتالیا واگذار شود. اما ایتالیا قناعت نکرده و پس از آن انگلستان حاضر گردید (در ملاقات ایندین به روما - ماه جوزا) که يك قسمت از اراضی خود را به حبشه همراه يك بندر (مراد از بندر زیلا در شمالی انگلیسی) بجهت بدهد تا حبشه بوضع آن علاقه او گادن و يك قسمت از ولایت شمالی خود را به ایتالیا واگذار شود و ایتالیا هر دو مستمره خود را یعنی اریتریا و شمالی را بهم وصل بدهد.

خلاصه ایتالیا تمامی پیش‌نهاداتی را که جامعه ملل و انجمن‌های فرعی آن و دول بزرگ مثل فرانسه و انگلیس در طول سال برای حل قضیه ترتیب داده و در هر کدام آن برای ایتالیا يك اندازه امتیازات و حقوق را در حبشه پیش بینی نموده بودند رد کرده، بالاخره در سوم اکتوبر (۹ میزان) فوج ایتالیا که در حدود ۳۰۰،۰۰۰ نفر در مستعمرات افریقایی او جمع و تقریباً سه صد طیاره با سائر اوزام حربی عصری به آن اضافه شده بود از قسمت مرحد غیر محدود و رخاك حبشه تجاوز و بزودی از طرف اریتریا و شمالی تجاوزات اساسی و جدی شروع گردید، و به اثر آن جامعه ملل رای ملامتی و سپس تدابیر امتناعی را بقرار ماده ۱۶ میثاق بمقابل ایتالیا صادر نمود (آخر عقرب) جنگ ایتالیا بزودی شکل بدی بخود گرفت و پیشرفت ایتالیا لوپها از سبب کوهستانی بودن اراضی و شدت گرما و عدم بلدیات ایتالیا لوپها به وضعیت مملکت و بالاخره فشاری مردمان حبشه متوقف و بالمقابل تجاوز حبشه شروع گردید و ایتالیا مجبور به تبدیل نمودن فرمانده عساکر خود شد و از اینهم نتیجه نگرفت چنانچه وضعیت جنگ تا هنوز فیصله کن معلوم نمی‌شود خصوصاً چون موسم باران‌ها نزدیک رسیده مراکز سیاسی و نظامی دیگر امیدوی بر پیشرفت ایتالیا ندارد، از طرف دیگر وضعیت ایتالیا در اروپا بسیار تغییر کرده و مملکت منبور در اثر قضیه حبشه، مخالفت جدی انگلیس را برای خود گمائی نموده، دیگر دول نیز از خورد و بزرگ بنا بر ملاحظات مختلفه خصوصاً رویه تجاوز کارانه اش از ایتالیا دل بد شده اند و در جامعه ملل برخلاف آن مملکت اظهارات مینمایند. فرانسه که تا مدتی بر اثر مهادت سال گذشته، خصوصاً به سبب اینکه ایتالیا ضمانت آستریا را بمقابل حمله الین عهده دار شده، تا يك اندازه طرف ایتالیا را الزام مینمود، اما در اواخر سال بنا بر مسامی انگلیس و یاره مسائل دیگر مجبور شد که طرف انگلیس را بگیرد و خود را از ایتالیا کاملاً کناره کند. شوروی نیز اقدامات ایتالیا را به نظر بدی تلقی می‌کند. امریکا با وجود اینکه از تجارت خود با ایتالیا نفهم می‌گیرد و مکلف به پیروی قواعد جامعه ملل هم نیست، اما بسبب فشار انگلستان و یاره ایجابات دیگر او هم وضعیت ایتالیا را مورد تنقید قرار داده، چنانچه باید با ایتالیا رفتار نینماید. خلاصه درین سال موقعیت سیاسی ایتالیا در اروپا خیلی تنزل کرده و تدابیر امتناعی که از او آخر عقرب نافذ شده، مملکت منبور را در وضعیت محاصره گرفتار ساخته است که هر قسم امکانات ناگوار در آن متصور می‌باشد. بالمقابل مناسبات ایتالیا و الین از شدت خود باز مانده و در محافل سیاسی گفتگو از نزدیکی ایتالیا، الین، جاپان، یولند جریان دارد، اما اسنادی تا کنون ظاهر نشده است. عقیده مراکز صلاحیت دار این است که اگر منم صادرات نفت با ایتالیا از طرف جامعه ملل بعمل بیاید، وضعیت ایتالیا خیلی دچار بحران خواهد شد و حتی ممکن است ایتالیا بی‌حوصله شده با دولیکه این تدبیر را اجرا کردن بخواد اعلان جنگ بدهد. ازینجا است که

در بحرمد پترانه تباریهای زیاد بعمل می آید انگلستان مقابل این قسم يك احتمالی كمك بحیر به در یونان و ترکیه واسپانیه را برای خود حاصل نموده است. و آنگهی هرگاه تدابیر امتناعی موجوده از قبیل عدم تجارت و عقد معاهدات و غیره ادامه داده شود، ایتالیا در زمان تاب آورده نتواند.

بنابراین جهات احتمال کلی می رود که عنقریب خواهم بازر قدام ایتالیا و خواه در نتیجه تشبث دول بزرگ، طرح مصالحه ریخته و بالاخره از هر دو طرف قبول کرده شود. اما ینین است که شرایط آن برای ایتالیا نسبت به تمام پیش نهادات سابقه که رد کرده، کمتر منفعتم بخش خواهد بود. از طرف دیگر وضعیت اقتصادی و مالی ایتالیا به اثر شروع شدن جنگ و انقراض تدابیر امتناعی، روز بروز شکل و خیمه بخود میگیرد اگر چه حکومت ایتالیا ترتیبات زیادی برای مقابله با تدابیر امتناعی گرفته اما با وجود این نزدیک است ذخائر و پس اندازهای نقدی و جنسی آن تمام شود، در باب نفاق داخلی نیز سخنان زیادی گفته میشود. درین سال بعضی وقایع اتفاقی و طبیعی نیز رخ داده است از قبیل شکستن بند مولار (در ۲۲ اسد) که حاوی ۲۰ هزار متر مکعب آب بود و در اثر سقوط آن آبادهای زیاد و يك عمده افراد (۲۰۰ نفر) و واشی تلف شدند. خلاصه وضعیت عمومی ایتالیا در طول سال ۱۳۱۴ فوق العاده بحرانی آمیز بوده و روز بروز شکل بدتری بخود گرفته است، آینه آن نیز چندین اطمینان بخش بنظر نمیرسد.

اسپانیا و پرتگال

دامنه بحرانات حزبی که از سه سال به اینطرف در اسپانیا شروع شده، درین سال نیز کمافی السابق ادامه داشته، سبب مشکلاتی از برای حکومت گردید چنانچه حکومت های مختلف و متعددی متشکل از احزاب مختلفه روی کار آمده، بی هم سقوط کردند. مسئله استقلال ولایت کاتالونیا، نیز درین سال افکار حکومت مرکزی را مشوش مینمود.

اسپانیا در قضیه حبشه و ایتالیا طرفداری جامعه ملل را گرفته از يك طرف در استحکام جبل الطارق بانگ کلمک نموده (مراد از دادن عمده) و از طرف دیگر خواهش انگلیس را در باب کمک قوای بحری خود با قوای بحری انگلیس در بحرمد پترانه (در صورت حمله ایتالیا) جواب مثبت داده است. در انتقابات که در ماه دلو صورت گرفت طی الرغم اینکه فاشیستها و جذبات فاشیستی در اسپانیا فوت گرفته، بعد از اغتشاشات زیاد به نفع احزاب دست چپ تمام شد.

پرتگال درین سال به آرامی بسر برده اما موضوع تجدید نظر بر مستمرات که در نتیجه جنگ ایتالیا و حبشه زیر بحث آمد، حکومت آنجا را مشوش ساخت و حکومت مزبور مجبور گردید که اقداماتی برای حفظ مستمرات خویش بنماید.

اروپای مرکزی

ممالک اروپای مرکزی در سال ۱۳۱۴ بقراری زیادی از خود نشان دادند که اسباب آن مختلف ولی باعموم ناشی از خوف اقدامات دول بزرگ و دسته بندی های خود آنها بود. در شروع سال برای يك مجلس دانیوبی که اکثر دول اروپای مرکزی در آن شمولیت بکنند ترتیب گرفته شده اما بنا بر اسباب مختلفه انعقاد نیافت مقصود از مجلس مزبور از يك طرف ضمانت باهمی دول شامله و تحفظ استقلال آستریا و از طرف دیگر تجدید نظر بر بعضی قیود بود. از جنگ بود. خلاصه تمام دول اروپای مرکزی درین سال برای صیانت و یا آمال خویش اقدامات مختلفی بعمل آورده اند.

سویس : مملکت سویس درین سال برای حفظ خود بعض ترتیبات تدافعی را اتخاذ نموده و نیز رئیس جمهور تبدیل گردیده است از طرف دیگر در آخر سال ، به اثر گذشته شدن رئیس نازبهای سویسی کشیدگی مابین سویس و آلمان ظهور کرده تا هنوز رفع نکرده .

آستریا : مال ۱۳۱۴ در آستریا تقریباً به آرامی گذاشته و حکومت آنجا به مشوره حکومت فرانسه و ایتالیا ، برای حفظ خود از تعرض نازبها ، مساعی زیاد بخرج داده است .

در ۱۴ اگست (۲۰ اسد) شوشنک رئیس الوزراء در حادثه موتزجر وح و عیالش مقول گردید .

در ۱۶ اگست (۲۳ اسد) شورای ملی آستریا قانونی را تصویب نمود که بر طبق آن ارکان خاندان سلطنتی سابق (خاندان هابسبورگ) میتوانند در آستریا سکونت اختیارکنند و املاک و دارائی شان بآنها مسترد کرده شود . از این معلوم می شود که فکر اعاده خاندان هابسبورگ در آستریا که از مدتی به اینطرف در محافل بین المللی زیر بحث است قوت گرفته . امپاطیمی است که مجارستان و اتحاد صغیر از آن متأثر خواهند شد . کنفرانس ممالک دانوبی که از شروع این سال زیر نظر و مقصد از آن ضمانت استقلال آستریا و ضمانت باهمی ممالک حوزه دانوب میباشد ، مشکل بزرگی که در راه آن عایق گردید ، یکی همین مسئله رجعت خاندان هابسبورگ است که ایتالیا و فرانسه برای دادن یک مرکزیت قوی به آستریا (جهت جلوگیری از نفوذ آلمان) طرفدار آن میباشد و لیبیک پس از جنگ عمومی از تجزیه امپراطوری اطریش - هنگری بوجود آمده اند ، باین مسئله مخالفت می ورزند . و دیگر مسئله گرفتاری ایتالیا به جنگ حبشه که توجه او را از طرف اروپا کاملاً گشتانده و نفوذش را نیز کاسته است . در اخیر سال فعالیت سیاسی مخصوصی در آستریا دیده شد و وزیرای آن مملکت به ممالک مختلفه از قبیل مجارستان چکوسواکیه ، و یوگوسلاویه و غیره سفر نمودند چنانچه مراکز سیاسی این فعالیت را عبارت از تلاش اطریش برای یافتن دوستهای جدید کرده است . زیر حقیقه ایتالیا و فرانسه و انگلستان که ضمانت او را بعهده گرفته اند ، سخت در مسائل خصوصی خود ها گرفتار شده اند . میگویند آلمان نیز در موقع شروع جنگ حبشه و ایتالیا (میزان) یک معاهده عدم تعرض پنجساله را به آستریا پیش کرده و لی گویا آستریا آن را قبول نکرده بهر حال روابط آلمان و آستریا که در حقیقت معجز سیاست این مملکت بشمار میرود ظاهر آرام بوده است .

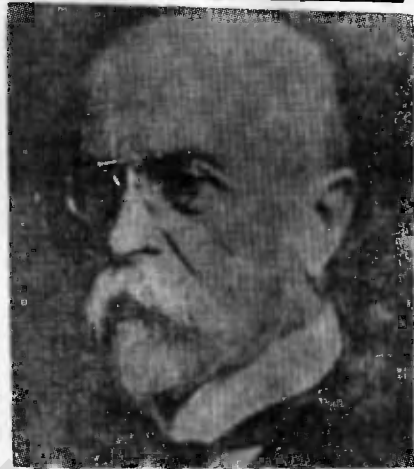
مجارستان : اوضاع داخلی مجارستان درین سال بسیار بود ولی فعالیت سیاسی مهمی از خود شان داد که مقصود آن از یک طرف جلب نظر آلمان و از طرف دیگر بعد از آنکه از قبول تدابیر امتناعی بر ضد ایتالیا انکار کرد ، همکاری با ایتالیا و آستریا بود . چنانچه جنرال کومیس رئیس الوزرای مجارستان به برلین و وینا سفر کرده ، به اثر آن آوازه شده که مجارستان برای نزدیکی ایتالیا و آلمان اقدام کرده است .

اتحادیه صغیر :

اتحادیه صغیر درین سال به خطر براه کندی مواجه بوده ، نزدیک بود از سبب مفارقت سیاست اعضای سه گانه آن یعنی چکوسلاواکی ، رومانیه ، یوگوسلاویه شیرازه آن از هم بکسلد . چنانچه چکوسلاواکیه در معاهده امداد متقابل همراه شوروی و با اواسطه با فرانسه مربوط گردید ، ولی رومانیه و یوگوسلاویه تا هنوز خود را چنانچه باید باشوروی نزدیک نساخته اند ، از طرف دیگر یوگوسلاویا تا اندازه رومانیه ، تایلانی بسوی آلمان نشان داده تا هنوز یکی ازین دو طرف را صراحتاً اختیار نکرده اند (خصوصاً یوگوسلاویه) اتحادیه صغیر در مقابل قضیه حبشه جداً طرفداری جامعه ملل را کرده و با ایتالیا مقاطعه اقتصادی را اجرا نموده است .



چکوسلواکیه : مملکت چکوسلواکیه
درین سال با شوروی نزدیکی زیادی
نموده معاهده امداد متقابل را همراه
آن مملکت عقد نموده و دیگر دول اتحادیه
صغیرا نیز بنزد یکی با شوروی تشویق
داده است .



در آخر قوس مازاریک رئیس
جمهور مشهور آن مملکت بسبب ضعف
پیری از کار کناره گرفته داکتر پینش

وزیر خارجه بریاست جمهور را انتخاب
گردد . درین سال به اثر معامله شدیدی که با اقلیت های پولندی در
چکوسلواکیه و بالعکس بعمل آمد ، و پاره مسائل دیگر روابط این

مازاریک رئیس جمهور سابق چکوسلواکیه

د مملکت بسیار کشیده گئی پیدا کرد که تا هنوز رفع نشده است .

رومانیه : رومانیه با وجود تایلانیکه بسوی آلمان نشان میداد ، وفاداری خود را با اتحادیه صغیر از
دست نداده روابط او با یوگوسلاویا و چکوسلواکیه نسبتاً خوب بود . اما از نزدیکی با شوروی هنوز احتراز دارد .
وضعیت داخلی هم نسبت به سال های گذشته بهتر بوده ، اخلافاتی که عموماً مابین اصراب مختلفه و شاه پیش میشد
چندان شدت نداشت . در اخیر سال ملاقاتی مابین کارول پادشاه رومانیه و شهزاده یول نائب السلطنه یوگوسلاویا
بوقوع پیوست که مراکز سیاسی به آن اهمیت بزرگی می دهند و این ملاقات را بمنزله فیصله آخری
اتحادیه صغیر میدانند اما نتیجه هنوز کشف نشده .

یوگوسلاویه : بحرانی که پس از قتل شاه الکساندر در میان احزاب مملکت تولید شده بود ، در نتیجه اقدامات

هیئت نائب السلطنه کی مرتفع و در تابستان این سال ملکه ماری
بیوه شاه فقید از دعاوی خود برضد قاتلان شوهر خویش
صرف نظر نموده وضعیت داخلی به این قسم بیشتر اصلاح شد .

اما توازن احزاب تا هنوز بدست نیامده و حکومت
متعددی روی کار شده و بزودی سقوط کرده است که
مشهورترین آن بسر کردگی یقتش سیاسی مشهور بود
یوگوسلاویا نیز با وجود تایلانیکه خود بسوی آلمان
در نتیجه سفر کوبرنیک وزیر آلمانی ظاهراً گردید ، با
اتحادیه صغیر وفاداری دارد .

پولند

مملکت پولند که امروز از سبب واقف بودن مابین
شوروی و آلمان در شرق اروپا اهمیت زیادی کسب نموده
است ، در سال ۱۳۱۴ نزدیکی را که در سیاست خارجی
خود از یکسال پیشتر ، وانموده کرده بود ، ترک داده ملناً
بسوی آلمان متمایل گشت و از حزب فرانسه خارج گردید



مارشال پلسودسکی دیکتاتور فقید پولند .

گذارشات دنیا

چنانچه بشمولیت در قرارداد دلدو گارنوی شرق که سابقاً عدم آمادگی خود را ظاهر ساخته بود، در شروع این سال از عقد معاهده امداد و متقابل همراه شوروی و نیز انکار آورد.

درین سال قانون اساسی جدیدی برای مملکت وضع شده و اداره اکثر امور را بشکل تشکیلات مملکت ایتالیا ساخته است.

در ۱۳ می (۲۲ نور) مارشال پلسودسکی دبکتاتور مشهور آن مملکت درگذشت ولی طرحی را که پلسودسکی برای سیاست خارجی پولند کشیده بود، از طرف رفقایش کاملاً تعقیب می‌گردد چنانچه در سوم جولائی (۱۱ سرطان) کلنل بک وزیر خارجه پولند به برلین سفر کرده مذاکرات لازم را روی اساس دوستی و اتحاد مملکتین باهتر رئیس مملکت آلمان بعمل آورد.

سوانح مارشال پلسودسکی :

مارشال (ژوزف پلسودسکی) در شهر « زولو » نزدیک « ویلنا » در سال ۱۸۶۷ تولد یافته پس از تحصیلات متوسط در شهر « ویلنا » چندی در دانشکده طب شهر خار کف تحصیل کرد و نظر به اینکه از طرف پلیس روس مورد سوء ظن واقع شده بود در ۱۸۸۷ به سائیریا و بعد در ۱۸۹۹ در لیننگراد تبعید شده اما از هر دو نقطه فرار اختیار و پس از آنکه مدت درازی تحریکات انقلابی را بر ضد روسیه اداره میکرد در ۱۹۱۴ برای استقلال پولند کمر بسته در ۱۹۱۸ بعد از یک سلسله واقعات موفق به تشکیل دولت مستقل پولند گردید و ازین پس زمام اختیار مملکت را در دست گرفته بشو بک هارا قلم و فم و مملکت را در جاده ترقی ممر راست کرد و از ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۶ گزاره گیری اختیار نموده از آن پس صاحب اختیار مطلق مملکت بشمار میرفت. مارشال تألیفاتی هم دارد. درین سال روابط پولند و چکوسلواکیه خیلی خراب شده تا اخیر سال کشیدگی دوام کرده است.

ممالک بالتیک و اسکاندیناویا

ممالک بالتیک درین سال اقدامات خود را برای تشریک مساعی باهمی ادامه و توسعه دادند چنانچه در طول سال چندین مجلس از وزرای خارجه ممالک چهارگانه بالتیک یعنی لتوانیا، لیتوانیا، استونیا و فنلند تشکیل یافت. لیتوانیا از سبب انتخابات مجلس اجرائیه هلاقه مل با آلمان پر خاش کرده اما نازیها در انتخابات مزبور کامیاب گردیدند.

ممالک بالتیک در قضیه ایتالیا و حبشه طرفداری جامعه ملل را نموده است.

ممالک اسکاندیناویا یعنی سویدن، ناروی و دانمارک، از سابق وضع بیطرفی را در نزاع های داخلی اروپا اختیار کرده اند، اما درین سال مملکت سویدن نسبت بخاص خود از تجاوزات احتمالی رسیده، به تقویه قوه مدافعه خویش توجه زیادی نموده است و ممالک سه گانه مزبور نیز در نزاع ایتالیا و حبشه طرفداری جامعه ملل را نموده اند. مخصوصاً گلوله باری شفاخانه های صلیب احمر سویدنی از طرف ایتالیا اذهان سردمان آن حصص را نسبت به ایتالیا خیلی تحریک کرده است.

ممالک بالقان

ممالک بالقان به دو حصه تقسیم میشود یکی اتحادیه بالقان و دیگر ممالیکه در اتحادیه مزبور شامل نشده اند، مثل البانیا و بلغاریا.

اتحادیه بالقان : اتحادیه بالقان یعنی یوگوسلاویا، رمانیا، یونان و ترکیه در سال ۳۱۴ از مینه همکاری باهمی را توسعه دادند. فقط یوگوسلاویا (چنانچه در بالا گفته شد) از خود بیقراری نشان داده است. اتحادیه

بلقان نیز مانند اتحادیه صغیر در قضیه ایتالیا و حبشه جدآ طرفداری جامعه ملل را گرفت و در آخر سال بنا بر شرایط عضویت جامعه و باره انقضات سیاسی دیگر سوال انگلیس را نسبت به همکاری قوای بحری خود با قوای بحری انگلیس در بحر مدیترانه (در صورت حمله ایتالیا) جواب مثبت داد « مراد از ترکیه و یونان » (واقعات یوگوسلاویا و رومانی در ضمن اتحادیه صغیر آمده حاجت به تکرار نیست).

یونان : انقلابی که در سال گذشته بواسطه مخالفت های سیاسی روی کار شده بود، به شکست انقلابیون که سرکرده آن ونیز یوس رئیس الوزرای سابق بود خاتمه یافته به اثر آن تحریکات سلطنت خواهی ظاهر و واضح گردید. و بالاخره پس از چندین تغییر آتی که در افراد کابینه واقع شد، بتاريخ ۱۷ میزان (۱۱ اکتوبر) پس از انقلاب جدید، طرفداران سلطنت کوندیلیس (متوفی) رئیس حزب مزبور را به تشکیل کابینه مامور ساخته مجلس شورای ملی بتاريخ ۱۷ میزان خاتمه، جمهوریت را اعلان و چندی بعد ازین تاریخ، جارج دوم شاه نجوای دوباره بر تخت سلطنت نشست و عفو عمومی محبوبین سیاسی را اعلان نمود. و بلافاصله سیاست طرفداری



جارج دوم پادشاه جدید یونان دکتر زابلس رئیس جمهور سابق یونان جنرال کوندیلیس نائب السلطنه یونان

انگلستان را در واقعات موجوده مردست اجرا گرفت (واقعات ترکیه در تحت عنوان طلیحه ذکر شده است) بلغارستان: در بلغارستان چندین حادثه سیاسی و دینی هائیکه که رخ آن بطرف مقام سلطنت و از طرف احزاب مختلفه مملکت بود، واقع شد، (خصوصاً دسیسه ماه میزان) اما حکومت چلو گیری بعمل آورده نتوانست. سیاست خارجی بلغار عبارت از عدم مداخلت در دسته بندیهای بین ممالک همپاشد چنانچه تا کنون در اتحاد بلقان شامل نشده - اما روابط او با آلمان خوبتر شده است.

البانیه : که در سال گذشته میخواست خود را از زیر نفوذ ایتالیا خارج سازد درین سال دوباره بر اثر مملکت مزبور آمده، در موقتی که جامعه ملل تجاویز تعزیری را برخلاف ایتالیا نافذ کرد، البانیا مخالفت نمود. در ماه اسد جنرال کلکار دی دوست شاه احمد وزغوه مقتول شده در اثر آن یک نفر اعدام و باقی توقیف شدگان معاف شدند.

مصر

مملکت مصر در این سال با مشکلات زیادی مقابل گردید. که تمام آن در نتیجه نزاع ایتالیا و حبشه بود. گویا موقعیت جغرافیائی این مملکت، در قضیه مزبور خیلی کسب اهمیت کرده و انگلستان را مجبور ساخت که توجه خاصی بسوی مصر معطوف به آید. چنانچه در اوائل سال ۱۳۱۴ انگلستان از حمله ایتالیا بر مصر به تشویش افتاده استحقاقات مهمی را در اسکندریه و دیگر نقاط ساحلی و مرحدی مصر شروع نمود. و از طرف دیگر آوازه جنگ حبشه اذ همان ماه مردمان مصر را بر خلاف انگلستان خیلی تحریک کرد و نتیجه رین شد که در ۲۱ عقرب به تقریب لجنه استقلال، شاگردان مدارس اغتشاش نموده عساکر انگلیسی را ی رقم اغتشاش مجبور به استعمال اسلحه گردید و در نتیجه ۱۴۷ نفر شاگرد مصری مجروح و سه نفر شهید شدند و چون اغتشاش فزونشست و وضعیت داخلی مصر فوق العاده وخامت پیدا نموده حکومت انگلیس و شاه فواد و اداره گردیدند که قانون اساسی ۱۹۳۰ را دوباره نافذ و حکومت شورائی (مشروطه) را روی کار بیاورد چنانچه انتخابات بلافاصله شروع گردید و بزورهای احزاب ملی با هم مشوره و عهد اتفاق بستند که حکومت نسیم پادشا را منقلب ساخته، همه احزاب از تشکیل حکومت انکار آورند و نماینده انگلیس را مجبور سازند که در باب استحقاقات جدید اسکندریه و غیره نقاط مصر اطمینان داده و نیز مسائل موقوفه روابط انگلیز و مصر را تصفیه کند. درین بین نیز بعضی اغتشاشات از طرف پسران و دختران مدارس ظهور کرده چندین نفر از آنها بقتل رسیده و در نتیجه هفتاد و پنج نفر اغتشاشات اخیرا اعلان گردید.



نخاس پاشا رئیس حزب وفاد در مصر

چنانچه پس از سقوط نسیم پاشا، مدت يك هفته کسی برای تشکیل حکومت جدید حاضر نشده، انگلستان مجبور شد، پیش

نهايات احزاب ملی در ادره فو قه موقوف قبول نماید و نسبت به شروع مذاکرات تعهد رسمی نشر کند همان بود که حکومت انگلستان اعلان کرد که حاضر است با نمایندگان ملی مصر که رئیس آن از حزب وفاد باشد مذاکره را نسبت به تصفیه تمام مسائل مربوط به روابط مملکتین، آغاز نماید. و به اثر آن علی ماهر پاشا از خا صان شاه، کاربنه بطرفی را تشکیل داد که در آن اکثر احزاب شمولیت ورزیدند، گویا مملکت مصر به استفاده از قضیه حبشه و ایتالیا از حکومت انگلیس امتیازات مهمی را حاصل نمود که در غیر این موقع حصول آن خیلی مشکل تر بنظر می رسید.

حبشه

مملکت حبشه که تا به قانع سال ۱۳۰۶ در عالم کم و بیش به او ربط دارد، در این سال موقعیت فوق العاده مهم و در عین حال وضعیت بسیار خطرناکی را در دنیا حاصل کرد. حبشه در مقابل دعوی ایتالیا که در قسمت کارهای جامعه ملل و قائم ایتالیا و گدا را شایع دیگر مملکت منفصل ذکر شده، بانشاری سختی از خود ابراز داده، در طول سال چنان يك خط مشی سیاسی را تقویت داد که او را در انظار عالم يك مملکت متمدن جلوه داد و هیچ يك فدی مخالف مقررات بین المللی

بروند اشت و مقررات خود را کاملاً به جامعه ملل سپرد چنانچه استاد گنجی جامعه بطرفداری اوا گرچه مربوط به قضایای سیاسی دیگری بود اما همین رویه خود حبشه نزد ران بی ربط نبود است . حبشه نهایی پیش نهادت مطرح های جامعه ملل را اگر چه يك قسمت از خاك او را به



ایطالیا هم میدان بنظر احترام دیده و منتها در چه صلح طلبی خویش را ظاهر ساخت . اما پس از آنکه در ماه میزان افواج ایطالیا بنك حبشه تجاوز کرد، حکومت حبشه بد ربه افواجیکه قبلاً جمع آوری نموده بود مقابل نمود . ولی این مقابله در ابتدا چندان جدی و موثر نبود (و طوریکه در قسمت های دیگر دیده شد) در اوائل ایطالیا پیشرفت هائی کرد . اما پس از دو ماه که جمع آوریهای حبشه بقدر کفایت پیشرفت کرد و اسلحه خارجی نیز (بواسطه رفم قانون منع صدور اسلحه به محاربین) برایش رسید ، و باره مطابقت دیگر وضعیت جنگ تغییر کرد و پیشرفت ایطالیا ، توقف و تجاوزات حبشه شروع گردید . سرکردگان افواج حبشه عبارت از خوانین بزرگ و بانفوذ مملکت میباشند که اکثر شان

هیلا سلامی امپراطور حبشه

با امپراطور رابطه خویشی دارند و عموماً با او وطن خویش وفادار هستند . بنا بر علل مختلف خصوصاً نظریه جنگ مخصوص حبشی ها و نوعیت اراضی و آب و هوای آن مملکت تاکنون ایطالیا چندان پیشرفت مهمی نکرده است . پس از شروع جنگ در مومبیکه حبشه حاضر نتوانست نیز شده بود ، با زحمات پیش نهاد آت جا بعه ملل موافقت نشان داده آنچه را جامعه برای خاتمه یافتن جنگ تصویب نماید قبول میکند . در همین زمان حبشه در صد حصول پول و اسلحه از خارجه افتاده به این مقصد حاضر شده است که بعضی امتیازات زمینی و غیره به امریکا و انگلیس و غیره بدهد و یا بمقابل يك اندازه گرووی ، قرض حاصل کند .

نتیجه جنگ هنوز معلوم نیست اما چون موسم باران ها فرا رسیده دیگر ادانه جنگ تصویب نمیرود .

اتازونی

اوضاع اقتصادی اتازونی درین سال نسبت به چند سال گذشته خوبتر بوده ، تجارت آن که از وقت شروع بحران اقتصادی دچار انقباض شدید گردیده (و فقط دو سال میشود ، رو به بهبودی گه داشته) درین حال شکل بهتری بخود گرفته است .

اما بابت ایل ، تجارت و عمده ، بمقابل تجاوز « فلاح و بهبود » روزولت اظهار استادگی کرده دیوان تیز انحلال اداره فلاح و بهبود در تقاضای نمود و روزولت بزحمت زیاد توانست که مدت اعتبار فتنه های خویش را بیک سال دیگر تمدید بدهد ، با وجود این مخالفت هنوز دوام دارد .

روزولت در اواخر سال نقشه های اصلاح زراعت را نیز ترتیب داده نافذ ساخت .

درین سال تصور میرفت امریکا به مجرم ملل داخل گردد ، اما رای گیری عمومی که به همین مقصد اولاً



ولید حبشه



وهی پاشا جنرال ترک که در خدمت حبشه داخل وعده
دار ارکان حرب محاذ جنوبی میا شد



راس کاسا خسر بره شاهنشاه حبشه



راس بیوم داماد شاهنشاه حبشه



راس کو کسا که بطرف ایتالیا
رفته و بترا را اطلاعات اخیر چون
کشف شده که به نفع حبشه کار میکنند
از طرف ایتالو بها اعدام گردید.



ملکه حبه و دختر او



زاس مولو غیتا وزیر حرب متوفی حبه پلاس راسی

نسبت بشمول اتازونی در محکمه بین المالیه لاهه (هاک) بعمل آمد نتیجه منفی داده معلوم شد که عامه مردمان هنوز طرفدار سیاست « مائزونی » یعنی مایل به کناره گیری امریکا از امور اروپا میباشند.

اتازونی در مسئله ایتالیا و حبشه بیطرفی خود را اعلان ولی ملامتی ایتالیا را نیز اذعان نمود و صدور اسلحه را به هر دو مملکت ممنوع قرار داد. ولی راجع به نرخ صادرات نفت با ایتالیا تا هنوز فیصله خود را اعلان نکرده و فقط همینقدر قبول کرده که در صورت اعلان شدن ممنوع صادرات نفت از طرف جامعه ملل، معارضه توسط صادرات چند سال گذشته را به ایتالیا نفت صادر کند و این قسم با جامعه ملل تعاون نماید. هنوز هم مسئله تجویز تعزیری نفت بسته به تصمیم اتازونی میباشد. اتازونی در همین حال خواهان تقم اقتصادی در حبشه است. چنانچه ابتداء در ۱۱ جولای (۱۹ سرطان) شرکت « افریکن اکسیلاتیشن ایندیدی ولیمیت » که نام دیگر آن « ویکوئیم سکوئی » و مشتمل بر تجار امریکائی و انگلیسی و رئیس آن « ریکت » معروف میباشد از امپراطور حبشه امتیاز استخراج نفت و غیره مابع معدنی را برای مدت ۷۵ سال حاصل کرده، ولی چون بعضی دول مانند ایتالیا و فرانسه و غیره بنای احتیاج را گذاشتند، مصلحت و اگداری امتیازات مزبور را اعلان کرده است. علاوه برین در ماه قوس بعضی امتیازات اقتصادی معدنی دیگر از طرف حبشه به « چرتوک » نام سرمایه دار امریکائی داده شده و نیز از یک میلیون پوند، قرض امریکا برای حبشه گفتگو جاریست و اسکلیس را واسطه این کار پیشنهاد میکنند.

در ۱۶ جولائی (۲۴ سرطان) که تیاری انتخابات ۱۹۳۶ برای تعیین رئیس جمهور شروع شده بود، سناتور « هوآئی لانگ » که از طرف حزب جمهوری خواهان نامزد بود، از طرف شخصی از حزب مخالف بقتل رسید. در ماه سرطان مجلس ملی اتازونی بی طرفی آن دولت را در صورت بروز جنگ اعلان کرد.

در وسط سال اتازونی استقلال کامل جزائر فلپائن را اعلان نموده نائب رئیس جمهور دوز بر حریره او در مراسم اعلان جمهوریت جزائر مزبور که در ۲۲ عقرب بعمل آمد شرکت جستند.

در ماه قوس بالاخره قضیه چند ساله قتل پسر لندبرگ که در سال گذشته مجرمین آن کشف شده بود، فیصله شده « هویتان » قاتل محکوم به اعدام گردید اما تا حال امر اعدام او بعمل نیامده است.

در همین سال اتازونی اولین سفیر خود را بدربار شاهلی افغانستان فرستاده و مشارالیه اعتماد نامه خود را بحضور اعلیحضرت هما یونی تقدیم و سپس به طهران که محل سکونت دائمی سفارت امریکاست، مراجعت نمود. و نیز اتازونی به افغانستان قونسل های خود را تعیین کرده است محل اقامت دائمی آنها هند است.

در ماه جدی امریکا در کنفرانس بحری لندن شمولیت ورزیده و پس از خروج جایان از کنفرانس نیز در کنفرانس مزبور باقی ماند. مسائل شرق اقصی نیز به امریکا اثر انداخته مخصوصا اصلاحات پول چین و اقدامات جایان در شمال آن مملکت. امریکا این مسائل را بنظر بی اعتمادی مشاهده میکند.

امریکای لاتین

ممالک امریکای جنوبی که بنام امریکای لاتین یاد می شوند، در سال ۱۳۱۴ در راه تقویه روابط باهمی خود ها که عبارت از اتحاد « پان امریکن » باشد، اقدامات زیادی کردند. اتازونی نیز این قسم یک اتحاد را بنظر خوب می بیند چنانچه به اثر همین افکار بود که در شروع سال محاربه بولویا و پیراکوی که از مدت سه سال جریان داشت بقرار فیصله کنفرانس صلح چاکو که مرکب از نمایندگان ممالک بیطرف، ارجنتائن و برازیل و غیره بود خاتمه داده شد و در آخر همین سال معاهده قطعی صلح مابین ممالک مزبور به امضاء رسید.

دراو ائیل قوس يك اغتشاش کونستی پر ارازل ظهور کرده به اثر اقدامات حکومت مرتقم گردید اما با آن ممالک امریکای جنوبی تصمیم نمودند که متفقاً با کونیزم مبارزه کنند. چنانچه در ماه جدی حکومت یوروگویی - فیروزوری را به دلیل اینکه در تخریبات کونستی شرکت کرده است، از ملک خود خارج و روابط سیامی خویش را با شوروی قطع نمود (طوریکه در نشست کارهای جامعه ملل دیده شد) مملکت شوروی قضیه را به جامعه ملل رجعت داده، در جلسه ۲۹ جدی بر علیه این اقدام یوروگویی دعوی نمود و نمایندگی یوروگویی دلائل خود را ارائه داده نتوانست.

و نیز در ماه جدی يك اعتصاب عمومی واغتشاش در وینز و یلارخ داده بزودی خاموش شد.

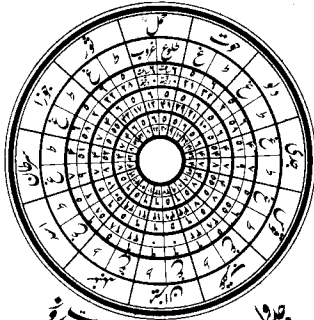
همچنین در اواخر دلو یک اغتشاش دیگر در بیراکوی ظهور کرد انقلابیون حکومت را سقوط داده وزمام امور را بدست خود گرفتند. نتایج آن تا هنوز معلوم نیست.

اما از تمامی این واقعات معلوم میشود که ممالک امریکای لاتین با بحران سیامی و حزبی مهمی مقابل بوده، مسالک مختلفه در آن جا با هم تقابله دارد. معلوم شود که بالاخره کدام یکی فتح و غلبه نماید.

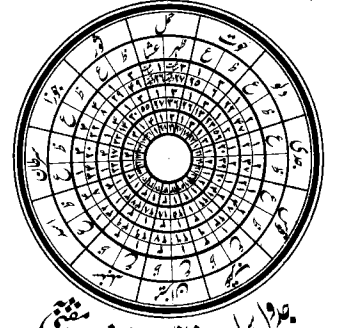
درین اواخر سخن از اتحاد بیان امریکن گفته میشود و محرک آن روزولت رئیس جمهور اتانزونی است. مقصود آن از یکطرف تشکیل يك مدافعه واحد بمقابل خطرات مسلکی و از طرف دیگر توسیع روابط سیامی و اقتصادی ممالک امریکا است.

در دیگر ممالک وقایع مهمی که قابل درج و تفصیل باشد، درین سال وقوع نرسیده، تنها چند حادثه اتفاقی در بعضی حصص بظهور رسیده مثل شیوع مرض وبا در سیام که اخیراً بروز کرده و باعث تلفات زیادی در ینگاک و غیره مقامات گردید و وزش باد شدید در سواحل امریکای وسطی که خساراتی به جهازات و آبادیهای ساحل کوبا و مکسیکو و غیره رسانیده است.





جدول طلوع و غروب در کمال ارتفاع و غیره



جدول اوقات نماز و عشا و غیره بمقتی سال النهای ۱۳۱۵ هجری شمسی

سرطان	جوزا	ثور	حمل																																																																																																																																																
<table border="1"> <tr><td>۷</td><td>۶</td><td>۵</td><td>۴</td><td>۳</td><td>۲</td><td>۱</td></tr> <tr><td>۱۴</td><td>۱۳</td><td>۱۲</td><td>۱۱</td><td>۱۰</td><td>۹</td><td>۸</td></tr> <tr><td>۲۱</td><td>۲۰</td><td>۱۹</td><td>۱۸</td><td>۱۷</td><td>۱۶</td><td>۱۵</td></tr> <tr><td>۲۸</td><td>۲۷</td><td>۲۶</td><td>۲۵</td><td>۲۴</td><td>۲۳</td><td>۲۲</td></tr> <tr><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۳۱</td><td>۳۰</td><td>۲۹</td></tr> </table> <p>اول سرطان ۲۳ جون</p>	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۰	۰	۰	۰	۰	۳۱	۳۰	۲۹	<table border="1"> <tr><td>۷</td><td>۶</td><td>۵</td><td>۴</td><td>۳</td><td>۲</td><td>۱</td></tr> <tr><td>۱۴</td><td>۱۳</td><td>۱۲</td><td>۱۱</td><td>۱۰</td><td>۹</td><td>۸</td></tr> <tr><td>۲۱</td><td>۲۰</td><td>۱۹</td><td>۱۸</td><td>۱۷</td><td>۱۶</td><td>۱۵</td></tr> <tr><td>۲۸</td><td>۲۷</td><td>۲۶</td><td>۲۵</td><td>۲۴</td><td>۲۳</td><td>۲۲</td></tr> <tr><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۳۱</td><td>۳۰</td><td>۲۹</td></tr> </table> <p>اول جوزا ۶ صفر</p>	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۰	۰	۰	۰	۰	۳۱	۳۰	۲۹	<table border="1"> <tr><td>۷</td><td>۶</td><td>۵</td><td>۴</td><td>۳</td><td>۲</td><td>۱</td></tr> <tr><td>۱۴</td><td>۱۳</td><td>۱۲</td><td>۱۱</td><td>۱۰</td><td>۹</td><td>۸</td></tr> <tr><td>۲۱</td><td>۲۰</td><td>۱۹</td><td>۱۸</td><td>۱۷</td><td>۱۶</td><td>۱۵</td></tr> <tr><td>۲۸</td><td>۲۷</td><td>۲۶</td><td>۲۵</td><td>۲۴</td><td>۲۳</td><td>۲۲</td></tr> <tr><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۳۱</td><td>۳۰</td><td>۲۹</td></tr> </table> <p>اول ثور ۲۱ اپریل</p>	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۰	۰	۰	۰	۰	۳۱	۳۰	۲۹	<table border="1"> <tr><td>۷</td><td>۶</td><td>۵</td><td>۴</td><td>۳</td><td>۲</td><td>۱</td></tr> <tr><td>۱۴</td><td>۱۳</td><td>۱۲</td><td>۱۱</td><td>۱۰</td><td>۹</td><td>۸</td></tr> <tr><td>۲۱</td><td>۲۰</td><td>۱۹</td><td>۱۸</td><td>۱۷</td><td>۱۶</td><td>۱۵</td></tr> <tr><td>۲۸</td><td>۲۷</td><td>۲۶</td><td>۲۵</td><td>۲۴</td><td>۲۳</td><td>۲۲</td></tr> <tr><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۳۱</td><td>۳۰</td><td>۲۹</td></tr> </table> <p>اول حمل ۲۲ مارچ</p>	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۰	۰	۰	۰	۰	۳۱	۳۰	۲۹
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱																																																																																																																																													
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸																																																																																																																																													
۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵																																																																																																																																													
۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲																																																																																																																																													
۰	۰	۰	۰	۰	۳۱	۳۰	۲۹																																																																																																																																												
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱																																																																																																																																													
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸																																																																																																																																													
۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵																																																																																																																																													
۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲																																																																																																																																													
۰	۰	۰	۰	۰	۳۱	۳۰	۲۹																																																																																																																																												
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱																																																																																																																																													
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸																																																																																																																																													
۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵																																																																																																																																													
۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲																																																																																																																																													
۰	۰	۰	۰	۰	۳۱	۳۰	۲۹																																																																																																																																												
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱																																																																																																																																													
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸																																																																																																																																													
۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵																																																																																																																																													
۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲																																																																																																																																													
۰	۰	۰	۰	۰	۳۱	۳۰	۲۹																																																																																																																																												
عقرب	میزان	سنبله	اسد																																																																																																																																																
<table border="1"> <tr><td>۷</td><td>۶</td><td>۵</td><td>۴</td><td>۳</td><td>۲</td><td>۱</td></tr> <tr><td>۱۴</td><td>۱۳</td><td>۱۲</td><td>۱۱</td><td>۱۰</td><td>۹</td><td>۸</td></tr> <tr><td>۲۱</td><td>۲۰</td><td>۱۹</td><td>۱۸</td><td>۱۷</td><td>۱۶</td><td>۱۵</td></tr> <tr><td>۲۸</td><td>۲۷</td><td>۲۶</td><td>۲۵</td><td>۲۴</td><td>۲۳</td><td>۲۲</td></tr> <tr><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۳۰</td><td>۲۹</td></tr> </table> <p>اول عقرب ۲۳ اکتوبر</p>	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۰	۰	۰	۰	۰	۳۰	۲۹	<table border="1"> <tr><td>۷</td><td>۶</td><td>۵</td><td>۴</td><td>۳</td><td>۲</td><td>۱</td></tr> <tr><td>۱۴</td><td>۱۳</td><td>۱۲</td><td>۱۱</td><td>۱۰</td><td>۹</td><td>۸</td></tr> <tr><td>۲۱</td><td>۲۰</td><td>۱۹</td><td>۱۸</td><td>۱۷</td><td>۱۶</td><td>۱۵</td></tr> <tr><td>۲۸</td><td>۲۷</td><td>۲۶</td><td>۲۵</td><td>۲۴</td><td>۲۳</td><td>۲۲</td></tr> <tr><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۳۰</td><td>۲۹</td></tr> </table> <p>اول میزان ۷ صفر</p>	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۰	۰	۰	۰	۰	۳۰	۲۹	<table border="1"> <tr><td>۷</td><td>۶</td><td>۵</td><td>۴</td><td>۳</td><td>۲</td><td>۱</td></tr> <tr><td>۱۴</td><td>۱۳</td><td>۱۲</td><td>۱۱</td><td>۱۰</td><td>۹</td><td>۸</td></tr> <tr><td>۲۱</td><td>۲۰</td><td>۱۹</td><td>۱۸</td><td>۱۷</td><td>۱۶</td><td>۱۵</td></tr> <tr><td>۲۸</td><td>۲۷</td><td>۲۶</td><td>۲۵</td><td>۲۴</td><td>۲۳</td><td>۲۲</td></tr> <tr><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۳۱</td><td>۳۰</td><td>۲۹</td></tr> </table> <p>اول سنبله ۲۳ اگست</p>	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۰	۰	۰	۰	۰	۳۱	۳۰	۲۹	<table border="1"> <tr><td>۷</td><td>۶</td><td>۵</td><td>۴</td><td>۳</td><td>۲</td><td>۱</td></tr> <tr><td>۱۴</td><td>۱۳</td><td>۱۲</td><td>۱۱</td><td>۱۰</td><td>۹</td><td>۸</td></tr> <tr><td>۲۱</td><td>۲۰</td><td>۱۹</td><td>۱۸</td><td>۱۷</td><td>۱۶</td><td>۱۵</td></tr> <tr><td>۲۸</td><td>۲۷</td><td>۲۶</td><td>۲۵</td><td>۲۴</td><td>۲۳</td><td>۲۲</td></tr> <tr><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۳۱</td><td>۳۰</td><td>۲۹</td></tr> </table> <p>اول اسد ۲۴ جولائی</p>	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۰	۰	۰	۰	۰	۳۱	۳۰	۲۹		
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱																																																																																																																																													
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸																																																																																																																																													
۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵																																																																																																																																													
۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲																																																																																																																																													
۰	۰	۰	۰	۰	۳۰	۲۹																																																																																																																																													
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱																																																																																																																																													
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸																																																																																																																																													
۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵																																																																																																																																													
۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲																																																																																																																																													
۰	۰	۰	۰	۰	۳۰	۲۹																																																																																																																																													
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱																																																																																																																																													
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸																																																																																																																																													
۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵																																																																																																																																													
۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲																																																																																																																																													
۰	۰	۰	۰	۰	۳۱	۳۰	۲۹																																																																																																																																												
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱																																																																																																																																													
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸																																																																																																																																													
۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵																																																																																																																																													
۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲																																																																																																																																													
۰	۰	۰	۰	۰	۳۱	۳۰	۲۹																																																																																																																																												
حوت	دلو	جدی	قوس																																																																																																																																																
<table border="1"> <tr><td>۷</td><td>۶</td><td>۵</td><td>۴</td><td>۳</td><td>۲</td><td>۱</td></tr> <tr><td>۱۴</td><td>۱۳</td><td>۱۲</td><td>۱۱</td><td>۱۰</td><td>۹</td><td>۸</td></tr> <tr><td>۲۱</td><td>۲۰</td><td>۱۹</td><td>۱۸</td><td>۱۷</td><td>۱۶</td><td>۱۵</td></tr> <tr><td>۲۸</td><td>۲۷</td><td>۲۶</td><td>۲۵</td><td>۲۴</td><td>۲۳</td><td>۲۲</td></tr> <tr><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۳۰</td><td>۲۹</td></tr> </table> <p>اول حوت ۱۹ نومبر</p>	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۰	۰	۰	۰	۰	۳۰	۲۹	<table border="1"> <tr><td>۷</td><td>۶</td><td>۵</td><td>۴</td><td>۳</td><td>۲</td><td>۱</td></tr> <tr><td>۱۴</td><td>۱۳</td><td>۱۲</td><td>۱۱</td><td>۱۰</td><td>۹</td><td>۸</td></tr> <tr><td>۲۱</td><td>۲۰</td><td>۱۹</td><td>۱۸</td><td>۱۷</td><td>۱۶</td><td>۱۵</td></tr> <tr><td>۲۸</td><td>۲۷</td><td>۲۶</td><td>۲۵</td><td>۲۴</td><td>۲۳</td><td>۲۲</td></tr> <tr><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۳۰</td><td>۲۹</td></tr> </table> <p>اول دلو ۱۱ جنوری</p>	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۰	۰	۰	۰	۰	۳۰	۲۹	<table border="1"> <tr><td>۷</td><td>۶</td><td>۵</td><td>۴</td><td>۳</td><td>۲</td><td>۱</td></tr> <tr><td>۱۴</td><td>۱۳</td><td>۱۲</td><td>۱۱</td><td>۱۰</td><td>۹</td><td>۸</td></tr> <tr><td>۲۱</td><td>۲۰</td><td>۱۹</td><td>۱۸</td><td>۱۷</td><td>۱۶</td><td>۱۵</td></tr> <tr><td>۲۸</td><td>۲۷</td><td>۲۶</td><td>۲۵</td><td>۲۴</td><td>۲۳</td><td>۲۲</td></tr> <tr><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۳۰</td><td>۲۹</td></tr> </table> <p>اول جدی ۲۲ دسمبر</p>	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۰	۰	۰	۰	۰	۳۰	۲۹	<table border="1"> <tr><td>۷</td><td>۶</td><td>۵</td><td>۴</td><td>۳</td><td>۲</td><td>۱</td></tr> <tr><td>۱۴</td><td>۱۳</td><td>۱۲</td><td>۱۱</td><td>۱۰</td><td>۹</td><td>۸</td></tr> <tr><td>۲۱</td><td>۲۰</td><td>۱۹</td><td>۱۸</td><td>۱۷</td><td>۱۶</td><td>۱۵</td></tr> <tr><td>۲۸</td><td>۲۷</td><td>۲۶</td><td>۲۵</td><td>۲۴</td><td>۲۳</td><td>۲۲</td></tr> <tr><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۰</td><td>۳۰</td><td>۲۹</td></tr> </table> <p>اول قوس ۲۳ نومبر</p>	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۰	۰	۰	۰	۰	۳۰	۲۹				
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱																																																																																																																																													
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸																																																																																																																																													
۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵																																																																																																																																													
۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲																																																																																																																																													
۰	۰	۰	۰	۰	۳۰	۲۹																																																																																																																																													
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱																																																																																																																																													
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸																																																																																																																																													
۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵																																																																																																																																													
۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲																																																																																																																																													
۰	۰	۰	۰	۰	۳۰	۲۹																																																																																																																																													
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱																																																																																																																																													
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸																																																																																																																																													
۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵																																																																																																																																													
۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲																																																																																																																																													
۰	۰	۰	۰	۰	۳۰	۲۹																																																																																																																																													
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱																																																																																																																																													
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸																																																																																																																																													
۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵																																																																																																																																													
۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲																																																																																																																																													
۰	۰	۰	۰	۰	۳۰	۲۹																																																																																																																																													

مرتبہ و اثر قلم جناب سید محمد داؤد خان الحسینی خطاط معروف وطن

غلطنامه سالنامه کابل

۱۳۱۴

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۱	۱۹	وزیری	وزیری	۱۲۲	۱۵	کمرک افغانی در	کمرک و دایرة
۳۳	۱۳	مدیر خزانه	مامور خزانه	۱۲۳	۱۳	منصرف	مصرف
۳۷	۱۰	ر خزانه	د خزانه	۱۲۳	۲۰	نه ساخته شده	ساخته شده
۳۸	۲	د عبد المجید	ص، عبد المجیدخان	۱۲۸	۱۵	مجاری شده	مجاری شده
۴۴	۶	امیر محمد	امیر محمد خان	۱۲۹	۵	چغانسور	چغانسور
۴۷	آخر	د	مامور	۱۳۰	۱۱	معروف بکام ریز است	معروف بکار بزر است
۵۷	۸	سیر کابل	سیر تنکا مل	۱۳۲	۵	از شبرغان خود، دوکوه	از شبرغان خواجه دوکوه
۶۳	۱	خواهشات	تمنیات	۱۳۶	آخر ۶۰	کیلومتر	۱۶۰ کیلومتر
۶۵	ما قبل آخر	مذکور	مذکور	۱۳۸	۱۰	برده	برده
۶۶	۲۱	در سیر	درستی	۱۳۸	۱۱	دیدنی رواج	دیدنی از رواج
۸۲	۷	وردات	واردات	۱۳۸	۲۶	نیز رفتار	تیز رفتار
۹۱	آخر	مادلو	ماه دلو	۱۳۹	۸	فلر یکه	فلر یکه
۱۰۵	اول	انهدام اورا بود	انهدام بود	۱۳۹	۱۸	یاکی	یاکی
۱۰۷	۲۸	حدت	حوت	۱۴۰	۱۹	شومش	شوش
۱۰۸	۲۶	(ینس ۲ جدی)	(ینس ۲ جدی)	۱۴۰	۲۹	شاهانه	شاهان
۱۰۸	۳۲	یک به شلنگک	یک شلنگک	۱۴۲	۲۸	معروف بودند	معروف بود
۱۰۹	۴	عمروزه	همروزه	۱۴۹	۲۸	مخفوظ	مخفوظ
۱۲۱	۴	صحاری یا آبخارها	صحاری و آبخارها	۱۴۹	۲۳	فینیقی ها	فینیقی های
۱۲۲	۱	بقیمت ۵۰ افغانی میباید شد	بقیمت ۲۰، ۱۰، ۵۰ افغانی میباید شد.	۱۵۱	۱۱	بی اهمتی	بی همتی
۱۲۳	۱۴	بموضع نورخم یا سبورت	بموضع نورخم پاسپورتهای شانرا	۱۵۳	۱۱	روی وادی	رؤ سای وادی
		های خودشانرا	اراله و درمرحدارای	۱۵۴	۲۹	غیر آاورنزی	غیر از آاورنوس
		دکه ویژه مینمایند.		۱۵۵	۷	آمده	آماده
				۱۵۶	۲۳	مامورا	مارمورا
				۱۵۸	۷	magasthenes	magathenes

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۵۸	۱۱	بسر دو چند رگینا	بسر چند رگینا	۱۸۹	۵	میدانند که قلم	میدانند، قلم
۱۶۲	۱۲	باورقی سلطنت شود	سلطنت خود	۱۹۰	آخر	باالتد ریج	بالتد ریج
۱۶۳	۱۱	چار شده	چار - ده	۱۹۱	۵	السنه	السنه
۱۶۶	۸	ازیلیس	ازیلیس	۱۹۲	۲	شمرده اند؟ (۱)	شمرده اند (۱)
۱۷۳	۲۶	Bibliography	Bibliogahy	۱۹۳	۶	نشأ	نشأت
۱۷۴	۴	یا	تا	۱۹۴	۱۱	طبعی	طبعی
۱۸۵	۲۵	مروخر	مرواخر	۱۹۴	۶	یدو	یدو
۱۸۸	۲۵	سطر آخرین تمة الدهر	یتیمه الدهر	۱۹۵	۱	دهو	دهور
		بعضی ملاحظات		۱۹۷	۲۸	بقولی	بقول
		صفحه ۱۷۶ سطر ۱۱ دیوان وصفی . وصفی از کابل		۱۹۸	۳۰	مکشوفه	مکشوفه
		است ، ملا عبدالقادر بدایونی در منتخب التواریخ در		۱۹۹	مصرفه	تاریخچه	تاریخچه ادبیات
		ذیل شعر ای دربار اکبر نام اور ابرده و مشارالیه را		۲۰۰	۳	آغاز	ادبیات افغانستان افغانستان
		شاعر کابل نوشته است و همچنین وصفی دیگری نیز از					
		کابل بوده که اسمش علی نقی و تخصص وصفی است					
		معاصرباشاهان سدوزانی یعنی اعلیحضرت تیمورشاه					
		وشاه زمان وشاه محمود وشاه شجاع بوده است ولی					
		تنها شاه شجاع مدوح او است . دیوان این شاعر در نزد					
		فاضل دانشمند جناب حافظ نورمحمد خان موجود است					
		وجووع شود بشماره دوم سال چهارم مجله کابل					
		صفحه ۱۵۸ .					
		صفحه ۱۸۵ سطر ۲۴ تاریخ احمدتوی این کتاب					
		تاریخ الفواست که در دو مجلد نوشته شده جلد اول					
		شامل اخبار و حوادث اولین سال رحلت حضرت ختمی					
		مرتب تا وقایع سال ۵۰۰ رحلت مطابق ۵۱۰ هجری .					
		مجلد دوم در احوال و سوانح و حوادث دوره سلاطین					
		مغولی تا ایام سلطنت شاه طهباسب صفوی از سال ۶۸۷					
		تا سال ۹۳۶ هجری .					
		مؤلف این کتاب احمد بن نصرالله دیلی تهروی					
		مشهور بقاضی زاده است این تاریخ را در سنه ۹۹۳					
		هجری یا صحر جلال الدین اکبر نوشته نقیب خان و ملا عبدالقادر					
		بدایونی صاحب منتخب التواریخ و جعفر بیگ آصف خان					
		دز تالیف آن با ملا احمد تهروی شرکت داشته اند .					

فصلنامه سالنامه کابل

صفحه	سطر	فصلنامه	صفحه	سطر	فصلنامه	صفحه
۲۱۰	۳۱	مسنون	۲۲۲	۱۵	حصه را از حصه از	۲۱۰
۲۱۶	۳	مجموع	>	۱۹	تولمشری کیطانی	۲۱۶
۲۲۰	۱۱	کزم	>	۲۳	افزود افزود	۲۲۰
۲۵۲	۱۰	لیو یو	۳۲۶	۲۸	قبه رقبه	۲۵۲
۲۶۴	۱۱	بر طانتوی	۳۲۸	۳	انسانها	۲۶۴
>	۱۲	صرف	>	۱۲	انسانها	>
۲۷۴	۱۴	۱۹۲۲ (از ۱۹۳۱-۱۹۳۵)	>	۱۶	قرن وسطی	۲۷۴
۲۷۸	۳۰	رئیس یولیس عزیز	۳۳۰	۲۸	ادوار	۲۷۸
۲۷۹	۱	ضنی وطنی	۳۳۱	۱۳	وضیعت	۲۷۹
>	۱۸	جبهه	۳۳۴	۱۴	کارتاژها	>
>	۳۳	رسمیس در	۳۳۸	۵	انسانس	>
۲۸۰	۹	بقول بعضی خروج بی اسرائیل از مصر در عهد طوطمیس سوم بود	۳۴۰	۸	سپارش	۲۸۰
>	>	مومی (۶) مومی (ع)	>	۱۱	بقین	>
>	۱۰	سیستی	۳۴۴	۱۷	اعدد	>
۲۸۶	۱۷	فلب	>	۱۸	منضر ر میگرد	۲۸۶
۲۸۷	۳	اگر غتر	>	۲۶	ور غیر	۲۸۷
۲۰۱	۱۵	مساحه	>	۳۱	کرد	۲۰۱
>	>	۲۰۲۰-۱۰۲۰	۳۴۵	۳۱	انتخاب	>
۳۰۶	۲۶	زر	۳۴۶	۱۰	متاصل	۳۰۶
>	۳۰	خلیج دماغه	۳۴۸	۸	مصنوعی	>
۳۰۶	۶	ودی	۳۵۰	۱۵	ضایع	۳۰۶
>	۱۷	نوبهار	>	۱۷	اعتبار	>
۳۰۸	۳۲	برطانونی	>	۲۴	اوراق	۳۰۸
۳۱۳	۳۴	حکامات	>	۲۹	سند	۳۱۳
۳۱۴	۸	غقریب	۳۵۵	۱۶	هنکاک	۳۱۴
۳۱۵	۲۴	که جدید	۳۵۶	۱۷	۱۸۳۵-۱۹۳۵	۳۱۵
>	۲۵	پرتکالیها	۳۵۷	۳	از باین در امر	>
>	۲۹	استمار	۳۵۸	۲۱	کارخان جات	>
۳۱۶	۱۵	مزبور	۳۶۳	۲۴	ازان	۳۱۶
۳۱۸	۲	نمایند	۳۶۴	۲۰	برای	۳۱۸
>	۷	وانتدار	>	>	ماقبل آخر ۶۰ از	>
۳۱۸	۲۱	۱۹۰۰۰۰۰۰-۱۹۰۰۰۰۰۰	>	>	آخر	۳۱۸
>	۳۱	بوده مودند ر بوده بودند	۳۷۱	۴	آزا	>
۳۱۹	۲	بجر	>	۱۲	خواهد	۳۱۹
		نا بجر	۳۹۰	۲۳	شلنک	

سالنامه « کابل »

صفحه	سطر	غاط	صحيح	صفحه	سطر	غاط	صحيح
۳۹۰	۲۹	چکسوا کی	چکوسلوا کی	۴۷۶	۲۶	بري	برای
۳۹۳	۲۹	کن	آن	»	۳۳	فصیله	فصیله
»	»	یکه هر	یکه	۴۷۸	۳۵	درشوروی فرانسه	درشورای فرانسه
۴۰۲	۱۶	ستمبر	ستمبر	۴۸۱	۱۸	قتل از	قبل از
۴۲۳	۱	میعار	معیار	»	۲۷	طی	طلبی
»	۵	»	»	۴۸۲	۳۵	راجم	راجم به
»	۲۰	»	»	۴۸۵	۳۳	با لتجاویز	با تجاویز
»	۲۲	»	»	۴۸۶	۱۱	جدید	فقید
»	۲۳	»	»	۴۸۷	۳۳	آزرا	آن
۴۳۰	۲۳	پراز	پرواز	۴۹۰	۵	کندل یک	کلنل یک
۴۳۲	۱۰	تنها	نه تنها	»	۱۷	و مستعمرات	مستعمرات
۴۳۷	۱۹	شراره	شراره	»	۳۵	نموده اثریدی	اثریدی
»	۲۰	شراره	شراره	۴۹۱	۵	عملی شدن	عملی شدن
۴۵۲	۱۳	یک	یکه			تداویر امتناعی	بعضی از تداویر امتناعی بمقابل آن (چه هنوز اصدار نفت با ایتالیا ممنوع نشده).
۴۵۴	۸	سینمای	سینما			یقین است که	گمان می رود که
۴۵۶	۱۱	بران	برای	۴۹۲	۵		
۴۵۷	۱۳	ماجل	ماجل	۴۹۳	۲۲	شان داد	نشان داد
۴۶۶	۱۹	می میشود	میشود	۴۹۴	۱۶	آخراب مختلفه	آخراب مختلفه
۴۷۰	۲۱	۱۳۱۴	۱۳۱۴	۴۹۵	۲	ونیز	نیز
۴۷۳	۱۴	طرفه	طرفه	۴۹۶	۱۹	احمد زفو	احمد زو غو
۴۷۴	۲۴	داده رویت شد	رویت داده شد	۴۹۷	نمره صفحه	۷۹۴	۴۹۷



فهرست مضامین سالنامه کابل

۱۳۱۴

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۴۰	تشکیلات دواير ملی	الف	مقدمه
۴۰	ریاست عالی شورای ملی	۰	قسمت اول
۴۵	مجلس عالی اعیان	۱	یاد شاه افغانستان
۴۷	ریاست بلدیة کابل	۲	سومین سال جلوس اعلیحضرت همایونی
۴۹	تشکیلات دواير حضور	۴	تشکیلات مملکتی
۴۹	وزارت دربار	۴	صدارت عظمی
۵۰	دارالتحریر شاهی	۶	وزارت حربیه
۵۱	سرباورت حربی حضور	۱۳	» خارجه
۵۱	قلعه بیگیت ارک	۱۹	» داخله
۵۲	اجراآت دواير مملکتی	۲۰	» عدلیه
۵۲	تشکر وامتنان از طرف انجمن ادبی	۲۱	» مالیه
۵۲	امور حربیه	۲۳	» معارف
۵۷	» خارجه	۲۵	» تجارت
۶۴	» داخله	۲۶	» فوائد عامه
۶۸	» عدلیه	۲۸	» صحیه
۷۲	» مالیه	۲۹	» پست ، تلگراف و تلفون
۷۴	» معارف	۳۰	تشکیلات ولایات و حکومتی های اعلی و کلان
۸۱	» تجارت و زراعت	۳۰	ولایت کابل
۸۸	» فوائد عامه	۳۲	» قندهار
۹۴	» صحیه	۳۳	» هرات
۹۷	» پست ، تلگراف و تلفون	۳۴	» سزار
۱۰۲	اعطای نشان	۳۵	» قلعن و بدخشان
»	انجمن کشاوران	۳۶	حکومت اعلای مشرق
۱۰۳	اجراآت دواير ملی	۳۷	» » جنوبی
»	مجلس محترم شورای ملی	۳۸	» » میمنه
»	عالی اعیان	۳۹	» » فراه و چغانسور

سازمانه « کابل »

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۴۴۷	از هکاسی تا فلم گریا	۱۰۴	امور بلديه ها
۴۵۶	حفظ الصحه	>	بلديه کابل
۴۶۱	يادداشت های سودمند	۱۰۵	> چار بکار
۴۶۷	بخت ويز	>	> غزنی
۴۷۰	گذر شات دنیا	>	> سزار شريف
۴۷۰	جامعه ملل و امور بين الملل	۱۰۶	شرکت های تجارتي
۴۷۶	ايران	>	بانک ملی و شرکت اسهای
۴۷۷	اتحاد شوروی	۱۰۹	شرکت بطرول
۴۷۹	هندوستان	>	> پشتون
۴۸۰	ترکيه	۱۱۰	> تدويرات
۴۸۱	ممالک عربي	۱۱۰	جدول شرکت های موجوده افغانستان
۴۸۲	جاپان	۱	
۴۸۳	چين	۱۱۱	امراض وبائي و ساری و متعدی
۴۸۴	انگلستان	۱۱۶	انجمن اولمپيك افغانستان
۴۸۷	فرانسه	۱۲۱	رهنهای افغانستان
۴۸۸	باچيم	۱۳۷	نگاهی بتاريخ قديم افغانستان
۴۸۹	هالند	۱۷۳	بعضی نسخه های نایاب قلمی کابل
>	المان	۱۸۹	تاریخچه ادبیات افغانستان
۴۹۱	ایطاليا	۲۲۹	پشتون
۴۹۲	اسپانیه و پرتگال	۲۴۱	نظری به تجارت افغانستان
۴۹۲	آر و یای مرکزی	۲۵۰	مطبوعات وطن
۴۹۴	یولند	۲۵۰	کورديلو ماتيک مقیم دربار کابل
۴۹۵	ممالک بالتيك و اسکاندیناویا	۱	
>	مملک بالقان	...	قسمت دوم
۴۹۷	مصر	۲۵۱	تاریخچه مختصر افريقا
>	حبشه	۳۲۸	ماهیت تجارت دراد وار مختلف
۴۹۸	اتازونی	۳۵۴	موترو اهمیت آن در عالم
۴۹۹	اسریکای لاتین	۳۷۳	اختراعات و اکتشافات
		۴۰۱	سیر تکامل فنون حرب



فهرست تصاویر سالنامه کابل

۱۳۱۴

صفحه	تصویر	صفحه	تصویر
	والا حضرت وزیر صاحب حریت غازی بروز	۱	آعلی حضرت هما یونی
۵۶-۵۷	عید فطر در گردیز	۳	والا حضرت صدر اعظم صاحب
»	یل کلان ۶ کمانه گردیز	۵	» وزیر صاحب حریت غازی
»	تهانه تیه باد آسیاب و تهانه تیه ریک و اقم گردیز	۱۳	ع ج فیض محمد خان وزیر خارجه
»	میدان طیاره گردیز	»	» ۱۰۱ نشان والا حضرت سردار شاه ولی خان
	والا حضرت وزیر صاحب حریت غازی موقع	۱۴	وزیر مختار یاریس
»	عبور از مقابل صا کر گردیز	۱۹	ع ج ۱۰۱ نشان محمد گل خان وزیر داخله
»	منظره بالا حصار گردیز	۲۰	» فضل احمد خان وزیر عدلیه
»	شفا خانه نظامی گردیز	۲۱	» میرزا محمد خان وزیر تجارت و کفیل مالیه
۵۸-۵۹	کنفرانس سالانه دفتر بین المللی کار در جینوا	۲۳	» سردار احمد علیخان وزیر معارف
»	کنگره بین المللی مستشرقین در روما	۲۶	» « عبد الرحیم خان وزیر فوائد عامه
۶۰-۶۱	کنفرانس بین المللی معارف در جینوا	۲۸	» د غلام یحیی خان وزیر صبحه
»	دعوت در موسسه شرق شناس لیونگراد	۲۹	» « رحیم الله خان وزیر پوسته
	صحیح حویلی و محل کار گاهای صنعتی مجلس	۴۰	» « عبدالاحد خان رئیس شورای ملی
۶۴-۶۵	دهمژنگ	۴۵	» « میر عطا محمد خان رئیس مجلس اعیان
»	منظره عمومی مجلس دهمژنگ	۴۹	» « سردار احمد شاه خان وزیر دربار
»	حمام عصری		» « محمد نوروز خان مرمزشی حضور و رئیس
»	شفاخانه	۵۰	انجمن ادبی کابل
۶۶-۶۷	منظره تنگی اشقرخان	۵۰-۵۱	آعلی حضرت هما یونی بروز افتتاح جشن استقلال
»	عمارت نائب الحکومتکی مزار		آعلی حضرت هما یونی همراه ع ج وزیر امور
»	مسجد جامع گردیز	۵۲-۵۳	خارجه ایران
»	منظره عمومی عمارات جدید گردیز	۵۴-۵۵	منار ساعت وزارت حربیه
»	عمارت حکومتی گردیز	»	قوماندانی فرقه ریشخور
»	مکتب گردیز	»	منظره عمومی بارکهای ریشخور
»	عمارت دوائر وزارت خانهها	»	شفاخانه بارکهای ریشخور
۷۲-۷۳	یکی از عمارات جدید کابل	»	یک دسته از صاحب منصبان عسکری فرقه مزار
»	دروازه خارجی مطبعم عمومی کابل	»	یک قطعه از سواران فرقه مزار در حال مشق
»	حویلی	»	یککجه از عمارت جدید قرارگاه فرقه مزار
»	منظره خارجی و عمارت ریاست مطبعم عمومی کابل	»	»
		»	»

فهرست تصاویر

صفحه	تصویر	صفحه	تصویر
۱۰۴-۱۰۵	ش، محمد ابراهیم خان کندکشر فرقه قطن	۱۰۴-۱۰۵	ع، ش محمد جعفر خان قوماندان فرقه مشرق
»	» غلام محمد خان	»	ح، محمد قاسم خان غند مشر وکیل قوماندانی فرقه قطن
»	» محمد یعقوب خان	»	ح، عبدالقیوم خان
»	» » » » خان محمد خان	»	» فرقه غزنی
»	» » » » عبدالقدوس خان	»	» عبدالرحیم خان
»	ع، ح عبدالصمد خان وزیر مختار روم	»	» میر محمد سعید خان
»	ع، عبدالحمید خان مدیر عمومی تشریفات	»	» رئیس ارکان فرقه شاهی
»	» محمد حیدر خان	»	» سید عبدالصمد خان
»	» عبدالرحمن خان قونسل بمبئی	»	» غند ۳ پیاده
»	» عبدالنفور خان قونسل سیستان	»	» عالم شاه خان
»	ص عبدالروف خان مدیر محاسبه	»	» فرقه هرات
»	» عبدالقادر خان معاون تشریفات	»	» محمد اشرف خان کبیر چنخا نسور
»	» نجیب الله خان معاون شعبه کنفرانسها	»	» سید جهانگیر خان غند مشر غند پیاده قطن
»	» محمد رحیم خان معاون شعبه معاهدات	»	» محمد سرور خان غند مشر غند ۲ فرقه سزار
»	» عبدالاحد خان معاون شعبه حقوق	»	» محمد طاهر خان
»	» محمد امین خان مدیر خارجه قندهار	»	» عبدالرحیم خان
»	ع، محمد حسن خان کفیل حاکم کلان اوکر	»	» محمد اسماعیل خان کبیر قره تپه
»	ش محمد اکبر خان مدیر تعلیم و تربیه قوماندانی	»	» محمد اختر خان کبیر سیاه گرد
»	کو توالی کامل	»	» حاجی عبدالقادر خان کبیر اند خوی
»	ص محمد اسماعیل خان مدیر تحریرات قندهار	»	» عبدالکریم خان مامور نشریات
»	» محمد عیسی خان مامور استخبارات قندهار	»	» ذکر یا خان وکیل مدیر ترجمه
»	» محمد ناصر خان مدیر محاسبه عدلیه	»	» عبدالعظیم خان منتظم وزارت حریه
»	» قطب الدین خان مدیر نصفیه ماضیه مالیه	»	» یار محمد خان معاون سر معلم توپچی
»	» عبدالرحیم خان مدیر معاش و مصرف مرکزی مالیه	»	» غلام حیدر خان داکتر معاون شفاخانه عسکری مرکز
»	ع، ص محمد اسلم خان مستوفی قندهار	»	» محمد گل خان معاون سر معلم پیاده
»	ص، عبدالمجید خان سر رشته دار اعلی جنوبی	»	» الله میر خان کندک مشر غند اول فرقه شاهی
»	ص، محمد نعیم خان	»	» محمد یعقوب خان مدیر مکتب موزیک
»	» نور احمد خان مدیر محاسبه مستوفیت هرات	»	» تاج محمد خان کندکشر غند اول فرقه شاهی
»	» سید حسین خان مدیر محاسبه سزار	»	» دوست محمد خان مدیر لوازم فرقه ۲
»	» جناب صفر طلیخان فارغ التحصیل علم طب	»	» قول اردوی مرکزی
»	ص، عبدالنفور خان برشنا مدیر صنایع نقیسه	»	» نور علیخان مدیر لوازم شمالی
»	» سید عبداللہ خان منتظم مکتب طبی وکیل	»	» جلاد خان کندکشر کندک اول فرقه غزنی
»	مدیر دارالمعلمین	»	» محمد یوسف خان کندکشر کندک ۳
»	» عبدالقادر خان مامور معارف قطن	»	» غند ۳ فرقه هرات
		»	» عبدالرحمن خان کندکشر کندک ۲ فرقه هرات
		»	» فتح محمد خان کندکشر کندک ۲ غند ۲
		»	» سلطان محمد خان کندکشر کندک ۲ فرقه مینه
		»	» سید عظیم خان رئیس ارکان فرقه قطن
		»	» محمد امین خان کندکشر

سالنامه « کابل »

صفحه	تصویر	صفحه	تصویر
»	عز نمند، فرانسه کو یوریو مهندس بند	۱۰۴-۱۰۵	ص نغیرالدینخان مدیرگمرک قندهار
»	» ، مورایینو »	»	» حاجی جان محمدخان رئیس فیصله منازعات
»	» ، متو او زکی متخصص زراعت	»	» تجارتنی قندهار
»	» تایچی اکیمتو مهندس بند	»	» عبدالمجیدخان مدیرزراعت هرات
»	» ، بای حکمت ارقون متخصص گوش و گلو و بینی	»	» عبدالباقیخان مدیرزراعت فراه
»	» ، بای زهدی متخصص باکتربو لوزی	»	» محمدجانخان مدیر بند مرخاب
»	» ، بای توفیق متخصص نشریح	»	» ، سید قاسم خان مدیر بند خروار
»	» ، بای محی الدین داکتر دندان	»	» محمدجانخان مدیر بند فرغه
»	» ، بوم متخصص بیسیم	»	» زردادخان مامور گمرک فراه
»	» ، بالدو مشاور پوست	»	» احمد شاه خان مدیر پلهای دوشی و کیله کی
»	» ، لارسون متخصص تلیفون	»	» ، محمد اصغر خان مدیر معابر قندهار
ع ، ص عبدالمجید خان رئیس شرکت اسهای ۱۰۵-۱۰۶		»	» عبدالقیات خان مدیر تعمیرات فراه
» ع ، دوست محمد خان معاون اول »		»	» محمد محسن خان مدیر محاسبه صحیه
» ، سید کریم خان « دوم »		»	» جلال الدینخان مدیر مشاوره فنی صحیه
ع ، ص شهزاده احمد علیخان درانی مدیر انجمن ادبی کابل		»	» میر عبدالغنی خان کفیل مدیر دواخانه عمومی
۲۱۶-۱۱۷	ورزشکاران افغانی در مسکو	»	» محمد یوسف خان کفیل مدیر صحیه قندهار
»	» ، تاشکند »	»	» محمد موسی خان کفیل مدیر صحیه مزار
۱۱۸-۱۱۹	» ، اتحاد شوروی »	»	» محمد رسول خان کفیل ، مدیر صحیه قطان
»	» ، »	»	» نصرالله خان کفیل مدیر صحیه جنوبی
۱۲۲-۱۲۳	عمارت موزه کابل	»	» سلطان احمد خان « د د فراه
»	» ، سینهای تابستانی »	»	» هیدالطرب خان کفیل مدیر صحیه شمالی
»	» ، هوتل فلات »	»	» عبدالغنی خان « د د غزنی
»	» ، مقر »	»	» سید حفیظ الله خان « د د لوگر
۱۲۶-۱۲۷	» ، جلال آباد »	»	» ع ، ص محمد کریم خان معین صحیه
»	» ، »	»	» ، « عبد الرسول خان معین پوسته
۱۳۰-۱۳۱	» ، گردبز »	»	» ص ، سید احمد خان عضو جدید هیات
»	» ، شفاخانه ملکی گردبز »	»	» ، محمد رفیق خان مدیر محاسبه بلدیة کابل
۱۳۴-۱۳۵	نخلستان و دورنمای تنگی تاشقرغان	»	» ، میر علم خان مأمور بلدیة چار بکار
»	» ، بک منظره از کبوتران روضه مبارک »	»	» ، غلام احمد خان مدیر محاسبه پوسته
۱۳۶-۱۳۷	ممرک جدید خوست	»	» ، غلام جیلانی خان مدیر حمل و نقل
»	» ، »	»	» ، محمد حسین خان انجینیر رادیو الکتریک
»	» ، نمونه خط کوفی جناب سید محمد ایشان خان	»	» ، پاینده محمد خان مدیر اخبارات قندهار
۱۳۸-۱۳۹	کفیل مطابع	»	» ، عبدالحق خان « هرات »
»	» ، نمونه خط ثلث طغرای جناب سید محمد ایشان خان	»	» ، عبدالفتح خان « مزار »
۱۳۸-۱۳۹	کفیل مطابع	»	» ، عبدالغفور خان « قطان »
۱۴۲-۱۴۳	منظره عمومی روضه مبارک	»	» عز نمند ، اسکا که انجینیر کارخانه ترمیم ، ووتر

صفحه	تصویر	صفحه	تصویر
۲۵۰-۲۵۱	جناب سردار محمد مرور خان مرحوم	۱۴۲-۱۴۳	اصل مرقدہ باریک حضرت شاه اولیا
۲۶۴-۲۶۵	یکی از کوچه های شهر ادیس آبابا	۱۴۴ - ۱۴۵	برج بالا حصار قدیم بلخ
»	چپیری های مخروطی شکل اهالی کانگو	»	از رواق های مدارس اسلامی بلخ
۲۷۵-۲۷۶	مسجد سلطان حسن در قاهره	۱۵۲ - ۱۵۳	سقف خانقاه داخل روضه مبارک
»	ابوالهول مصر	»	دروازه مدخل خانقاه زیرین روضه مبارک
»	از قلاع ما قبل تاریخی شمالی لیند و منظره	۱۵۸ - ۱۵۹	نمونه خط حاجی میر احمد خان کرانشنو
۲۹۲-۲۹۳	صحرای اعظم	»	» شیر محمد خان خطاط
»	از کوچه های الجزیره	۱۶۶ - ۱۶۷	» میر علی هروی
۳۰۸-۳۰۹	مسجد مولوی اسماعیل در فاس	»	» محمد یعقوب خان خطاط
»	از مناظر ولایت دماغه امید	۱۷۴ - ۱۷۵	حصه اول بوستان مصور
۳۱۶-۳۱۷	» » ناتال	»	» دیوان حافظ مرصع
»	آبشار دریای زامبیزی	۱۸۰ - ۱۸۱	یک صفحه از صفحات مرصع منتهی شریف
۳۵۴-۳۵۵	اولین موتور بخاری	»	صفحه اول بهارستان جامی
»	موتور بادبان دارها که	۱۸۶ - ۱۸۷	حصه اول دیوان بیدل قلمی
۳۵۶-۳۵۷	عربه بخاری شوالیه داسدا	»	صفحه اول تقویم الدین
»	» » گرنی	۱۹۴ - ۱۹۵	اشیاء سفالی که از پاتاوه بدست آمده
۳۶۱	هر چهار شکل موتور	»	مسکوکات قدیم افغانستان
۳۶۳	موتوریکه بقوه گاز ذغال چوب حرکت میکند	»	» » »
۳۶۴	یکی از موتورهای سال ۱۹۳۵	»	چند تصویر از کتاب صور الکواکب
۳۶۵	او تو بومی جدید	۱۹۸ - ۱۹۹	ظرف منقش برنجی عصر غزنوی
۳۶۶	موتور جدید که ممبر بازوم می پوشیده است	»	» برنجی دارای خطوط کوفی
۳۶۸	یرنده آبی	۲۰۸ - ۲۰۹	پایه چراغ از قرن چهارم اسلامی
۳۷۱	شکل عمومی موتور آینده	»	ظروف برنجی منقوش قرن ۴ - ۵ اسلامی
۴۷۲	موتور اختراع جدید	۲۱۸-۲۱۹	طبق مسی که روی آن خطوط کوفی نقش شده
»	شکل آینده علامات جادها و منظره چارراهی	»	» » » » » » » »
۳۷۲-۳۷۳	یکی از شهرهای آینده	۲۳۰ - ۳۳۱	سنگک تاریخی بخط کوفی مولانا جامی
»	سرك های آینده با تنور بریز زمین و مخزن تیل	»	توپ برنجی مصر اعلی حضرت امیر شیرعلیقان
»	و یاد دادن را برها	۲۳۶-۲۳۷	عمارت و باغ جهانمای تاشقرخان
۳۷۵	آله سردنکه داشتن اغذیه	»	» » » » »
۳۷۵	قایق کوچک با ماشین برقی	۲۴۱ - ۲۴۱	مرقد اعلی حضرت امیر شیرعلیقان
۳۷۶-۳۷۷	از اختراعات جدید قطار آهن	۱۰ - ۱۱	» وزیر اکبر خان
»	مشق مدافه هوائی	»	سرك جدید خوست
۳۷۹	تفنگچه عکاس	۲۴۴ - ۲۴۵	یک حصه جنگل بته های کوتاه
۳۸۹	آله ارسال نطق	۲۵۰-۲۵۱	جناب عالی سردار عبدالعزیز خان مرحوم
۳۸۱	آله برقی برای رفع برده چشم	»	فضائل همراه فاضل عبدالله خان مرحوم

سالنامه « کابل »

صفحه	تصویر	صفحه	تصویر
۴۷۰-۴۷۱	جلسه فوق العاده جامعه ملل	۳۸۱	کیک فضائی
»	مجلس افتتاحیه کنفرانس بحری لندن	۳۸۲	برج مخصوص برای مشق باراشوت
۴۷۳	رؤسای جمهور دول میانجی	۳۸۳	م موتور و م کشتی
۴۷۵	آرژنر هندرسن و کنفرانس ستریس	»	لوی لومیر و مخترع سینمای برجسته
۴۷۷	آقای جم و بهضی وزیرای ایران	۳۸۴	جنون پرواز
»	زام داران بزرگ اتحاد شوروی	۳۸۵	توپ اتوماتیک
»	مارشال توخاچفسکی	۳۸۶	بایسکل هوایی
»	لینوینوف در جامعه ملل	۳۹۱	موتور شب تاب
»	سفر ایدن بسکو و امضای قرارداد شوروی	»	آله دزدگیر
۴۷۸-۴۷۹	وچکوسلواکیه	۳۹۲	» اکریز جدید
۴۸۰-۴۸۱	منظره خرابی کوپه	۳۹۴	مجسمه انسان
»	وزیر خارجه افغانستان در تورکیه	۳۹۴	مقیاس دوستی
۴۸۲-۴۸۳	امیر اطور جایان و امیر اطور منچو کو	۳۹۶	آله جدید غوامی
»	امیر البحر اوکا دا - و اسکونت سائو - جنرال	۴۰۶	طیاره تانک بردار
»	هایاشی - تسکا هاشی	۴۰۷	جای خواب و نشستن در طیارات عصری
۴۸۵	بالدوین - ایدن	۴۱۲	طیاره بری و بحری
۴۸۶	ادورد هشتم	۴۱۲-۴۱۳	بالون کشف عمده ۲
۴۸۸	فان زیلانده	»	» » » »
»	سارو - هیر پو و مجلس امضای قرارداد	۴۱۳	اباس مخصوص برای پرواز در طبقات بلند هوا
۴۸۸-۴۸۹	فرانسه و شوروی	۴۱۴	م موتور م طیاره
»	پادشاه بلجیم و ملکه متوفی آن مملکت	۴۱۸	قطار هوایی
۴۹۰	فون ریبتروپ	»	طیاره اتوماتیک
۴۹۰-۴۹۱	بک منظره از کنگره معروف نورمبرگ	۴۲۰	آله سکی (بخمالک)
»	منظره انفلاق کارخانه مواد انفلابه سازی	۴۲۴	آیروستات طناب دار
»	زیلس دورف	۴۳۱	توپ طیاره شکن جدید
»	» اطاق معروف موسوسولینی	۴۴۴	تانک بری و بحری
»	مارشال بادوگلیو - بارون الوازی - مارشال	»	» عماده دار
»	دی بونو - جنرال کرازیانی	۴۴۶-۴۴۷	شکل بک (دو قطعه تصویر)
»	مازاریک - پینش - مارشال پلوسدسکی	»	رسم نفری سینمای اتومارا آتونس
۴۹۶	جارج دوم - داکتر زایمس - جنرال کوند پلبس	۴۴۷	شکل عمده ۲
۴۹۷	نحاس پاشا	۴۴۸	» » ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۶ ، ۷ ، ۸ ، ۹ ، ۱۰
۴۹۸	نجاشی	۴۴۹	» » ۶
»	وهی پاشا - ولیمهد حبشه - راس کورگسا - راس سیوم -	۴۵۱	» » ۶ دوم
»	راس سکا سا - راس مولو فیتسا - ملکه حبشه و	۴۵۲	» » ۷
۴۹۸-۴۹۹	دختر او	۴۵۳	» » ۸ و ۹
»	تقویم سال ۱۳۱۵ شمسی	۴۵۵	» » ۱۰
مقابل ۵۰۰		۴۶۰-۴۶۱	فریب نظر (مضمون با ۴ قطعه تصویر)

نقشه ها : سرحد افغانستان و ایران ۶۴-۶۵ افغانستان ۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸-۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱-۲۵۲-۲۵۳-۲۵۴-۲۵۵-۲۵۶-۲۵۷-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۶-۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹-۲۷۰-۲۷۱-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۴-۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷-۲۷۸-۲۷۹-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۲-۲۸۳-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۶-۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۰-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷-۲۹۸-۲۹۹-۳۰۰-۳۰۱-۳۰۲-۳۰۳-۳۰۴-۳۰۵-۳۰۶-۳۰۷

